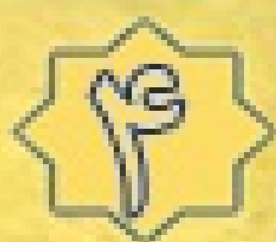


اعلام اصفهان

تألیف: سید مصلح الدین مهدوی

تصحیح، تحقیق و اضافات: غلامرضا نصراللهی

بسم الله الرحمن الرحيم

اعلام اصفهان

نویسنده:

مصلح الدین مهدوی

ناشر چاپی:

سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اعلام اصفهان: جلد چهارم - «ع»

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدوی، مصلح الدین، ۱۲۹۴-۱۳۷۴.

عنوان و نام پدیدآور : اعلام اصفهان / مصلح الدین مهدوی ؛ تصحیح ، تحقیق و اضافات غلام رضا نصراللهی؛ [برای] سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل ، ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام.

مشخصات نشر : اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶ -

مشخصات ظاهری : ۵ ج.

شابک : ۶۵۰۰۰ ریال : ج .۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۸۸-۴۸-۰ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال : ج.۲ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۴۷-۴۷-۸ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال : ج.۳ : ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲۰-۲۷-۹ ؛ ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲-۱۳۰-۶ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ج.۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت : ج.۳ (چاپ اول : ۱۳۸۹) (فیپا).

یادداشت : ج.۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

مندرجات : ج. ۱. آ - الف.- ج. ۲. ب - ذ.- ج .۳. ر - ظ.- ج.۴.ع

موضوع : مشاهیر -- ایران -- اصفهان-- سرگذشتنامه

موضوع : اصفهان --سرگذشتنامه

شناسه افزوده : نصرالهی، غلامرضا

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان. مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

شناسه افزوده : ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام

رده بندی کنگره : DSR۲۰۰۱ /ص۷۲۵ م۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۴۲۹۶۴

ص: ۱

اشاره

اعلام اصفهان

جلد چهارم

«ع»

دانشمند محقّق، زنده یاد

سیّدمصلح الدّین مهدوی

(۱۲۹۴ ۱۳۷۴ش)

تصحیح، تحقیق و اضافات

غلامرضا نصراللّهی

۱۳۹۱

پیش گفتار

پس از دو سال تلاش پی گیر خانواده مرحوم مهدوی، مصحح محترم، همکاران ارجمند مرکز اصفهان شناسی و انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان جلد چهارم «اعلام اصفهان» آماده انتشار شده است.

در آغاز یک بار دیگر از خداوند متعال برای مرحوم استاد مصلح الدین مهدوی طلب غفران می نماییم و امیدواریم روح آن فرهیخته تلاشگر با اجداد طاهرینش محشور شود. استاد مهدوی بدون هیچ حمایت خاصی برای تهیه کتاب «اعلام اصفهان» زحمات فراوان متحمل شد؛ اما بزرگی ذخیره های دینی، علمی و هنری اصفهان به گونه ای است که شایسته است دانشنامه ای بزرگ با مشارکت همه نهادهای علمی، فرهنگی و اجرایی به معرفی چهره های اصفهان بپردازد. ان شاء اللّه انتشار کامل «اعلام اصفهان» مقدمه ای برای تهیه «دانشنامه اصفهان» شود.

در پایان به استحضار خوانندگان عزیز می رسانیم که ترتیب موردنظر استاد مهدوی در درج مطالب رعایت شده است؛ اما فهرست مطالب برای استفاده بیشتر با اصلاحاتی ارائه می شود. یادآوری این نکته نیز لازم است که اضافات مصحح محترم، که در کتاب با علامت * مشخص شده است، بخش دیگری از شخصیت های اصفهان را معرفی نموده است؛ اما همچنان بسیاری از عزیزان، به خصوص در دوره معاصر، ضروری است. از این بابت از همه پوزش می خواهیم.

در پایان لازم است از جناب آقای دکتر سقائیان نژاد، شهردار محترم اصفهان، جناب

آقای مهندس عباس حاج رسولیها، رئیس محترم شورای اسلامی شهر اصفهان؛ جناب آقای تحویل پور، معاون محترم فرهنگی اجتماعی شهردار، و جناب آقای بیک، مدیرعامل سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، به خاطر حمایت فراوان از مرکز اصفهان شناسی و از همکاران این مرکز آقایان محمّدحسین ریاحی و علیرضا مساح و خانم ها پورعصار و خواجه و نیز خانم قپانچی، مدیر انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، به خاطر تلاش در انتشار این کتاب تشکر و قدردانی نمایم.

احمد زمانی

رئیس مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

بسم اللّه الرحمن الرحیم

مقدمه مصحح

با عنایات حضرت باری تعالی که همیشه و هر لحظه همراه ما بوده و هست، کار تکمیل و تحقیق چهارمین جلد از کتاب ارجمند «اعلام اصفهان» (که حرف «ع» را دربرمی گیرد) به پایان رسید. خرسندیم که توانستیم امانتی که به ما سپرده شده بود را تا این مرحله به سامان برسانیم. امید که مورد قبول حضرت حق تعالی واقع شود و روح مرحوم استاد سیّد مصلح الدّین مهدوی مؤلّف فقید کتاب، از ما راضی باشد.

در سال های پس از رحلت مؤلّف کتاب، کتاب ها و مقالات فراوانی درباره شرح حال بزرگان و مفاخر اصفهان به چاپ رسیده و ما در حدّ توان، و داشتن وقت و امکان دسترسی به آن منابع، از آنها برای تکمیل کتاب استفاده کرده ایم و امیدواریم که در پایان متن کتاب، در قسمت استدراک، شرح حال چهره هایی که از قلم افتاده اند و یا مدخل هایی که نیاز به تکمیل و تصحیح دارند را از منابع جدید به کتاب اضافه کنیم.

در این جلد از کتاب، مصاحبه استاد مهدوی با مجلّه رشد معلّم در سال ۱۳۷۲ش که با همکاری فرهنگی ارجمند آقای عباس دهکردی صورت گرفته است را مجدّدا به چاپ می رسانیم تا بار دیگر یادکردی از مؤلّف گرانقدر کرده باشیم.

بار دیگر لازم به یادآوری است که کتاب براساس اسم کوچک اشخاص و نام پدر

آنها به ترتیب الفبایی تنظیم گردیده است و در آخرین جلد کتاب فهرست های فنی شامل فهرست اشخاص (براساس شهرت) ، اماکن، کتاب ها، فرقه های و گروه ها خواهد آمد و در پایان متن کتاب تکمله مطالب کتاب و شرح حال های جدید افزوده خواهد شد.

در پایان از همه کسانی که در کلیه مراحل تهیه، حروف نگاری و چاپ و نشر کتاب ما را یاری داده اند و در مقدمه جلدهای قبلی به نام آنها اشاره کرده ایم مجددا تشکر می نمائیم.

درضمن یادآور می شویم فصل ششم از کتاب تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر یا بیان سبل الهدایه فی ذکر أعقاب صاحب الهدایه تألیف مرحوم علّامه سیّد مصلح الدّین مهدوی رحمه الله درضمن مجموعه کتاب های همایش مرجع بیداری اسلامی با نام زندگی نامه آیت اللّه العظمی آقانجفی اصفهانی به کوشش آقای رحیم قاسمی در تابستان ۱۳۹۰ تجدید طبع شده است.

و السلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته

دوشنبه ۱۳ رجب ۱۴۳۳ه . ق.

پانزدهم خرداد ۱۳۹۱ ه . ش.

گفت و گو با سیّد مصلح الدّین مهدوی (مؤلّف)

پژوهشگر غیور تاریخ و فرهنگ اصفهان(۱)

پیش درآمد

در سال های پیش از انقلاب یک بار که به اصـفهان رفته بودم، طبق معمول، روزی را به پرسه زدن در کتاب فروشی های شهر اختصاص دادم. بدان امید که اثر یا آثاری از شاعران و نویسندگان ناشناخته آن دیار بیابم و با مردان صاحب قلم شهر، دیداری مکتوب داشته باشم. در همین گشت و گـذار بود که نخستین بار با نام اسـتاد سیّد مصـلح الـدّین مهـدوی آشـنا شـدم. تذکره شعرای معاصـر اصـفهان اولین اثری بود که مرا با حضرتش آشنا کرد و ماه ها انیس و مونسم بود. بعدها آثار دیگر این عزیز را نیز یافتم و با مطالعه و تورّق آنها دریافتم که او مردی صاحبدل و دانشـمند است که قدرش چنان که باید شناخته نیست؛ پانزده سال بعـد که یاد ماندگار راه اندازی شد، با تحقیقی متوجه شدم که ایشان نیز جوانی را صـرف تعلیم و تربیت کرده و در حال، بازنشسـته آموزش و پرورش است. این بود که شوق دیدارش، چون آتش زیر خاکستر، زبانه کشید و در پاییز ۱۳۷۱ مرا پروانه وار به محضرش رهنمون ساخت. در این دیدار، دو عزیز اصفهانی با من همراه بودند: آقای ربانی، مدیرکل اسبق دفتر انتشارات کمک آموزشـی و جناب دهکردی، معلم خوبی که راهنمای ما در این سفر بود. با سپاس از ایشان، با هم در محضر پیر معلمان اصفهان می نشینیم و درس می پرسیم.

۱- یـاد مانـدگار، گفتگوهـای جواد محقّق با معلّمان صاحب نام ایران، تهران، انتشارات مـدرسه، ۱۳۷۸، صص ۱۵۳-۱۶۶. این مصاحبه قبلاً در سال ۱۳۷۲ در مجله رشد معلّم چاپ شده بود.

آقای مهـدوی، با سـلام و تشـکر از این که لطف کردید و به ما اجازه دادید که خدمتتان برسـیم، طبق معمول مصاحبه هایی از این دست، از زندگی خودتان شروع می کنیم. لطفا در این باره مقداری توضیح بفرمایید.

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. من مصلح الدّین مهدوی فرزند سیّد شهاب الدّین در نوزدهم محرم سال ۱۳۳۴ قمری در اصفهان، در یک خانواده علمی و روحانی به دنیا آمدم. پدرم از علمای معروف شـهر و از متمکّنین و متنفّذین ایشان بود. جدّم مرحوم سـیّد محمّدحسن مجتهـد اصـفهانی صاحب تألیفات متعدّد و مادرم دختر مرحوم آخوند ملاّ حسـین کرمانی، یکی از علمای متنفّذ و روحانی های مجاهـد این شـهر بود که علاوه بر تدریس و اقامه جماعت، اجرای حدود شـرعی هم می کرد. محضـرش محضـر قضـاء شـرعی بود و در زمـان خودش، با وجودی که در آن زمان اصـفهان مرکز علمی بود، عنوان و شـهرت کاملی داشت. در همان اوایل کودکی پـدرم از دنیا رفت و من تحت سـرپرستی برادرانم، که همه اهل علم بودنـد، بزرگ شـدم. هفت ساله بودم که به مـدرسه «اقدسـیه» رفتم. در آن هنگام مرحوم شـیخ محمّدحسـین مِشـکات زفره ای مدیر مدرسه بود. میرزا نورعلی باستی هم ناظم بود. معلمی داشـتم به نام سـیّد حسن حکیمیها که بسـیار مرد محترم و بزرگواری بود. واقعا علاقه مند به شـغل و نمونه یک فرد مسـلمان بود. بعـدها من به دلایلی از آن مـدرسه بیرون آمـدم و به مـدرسه گلبهار، که در آن زمان از بهترین مدارس اصـفهان بود، رفتم که زیر نظر مرحوم سـیّد هاشم عـدنانی اداره می شد. معلمان این مدرسه همه خوب و خوب تر بودند. مثل: مرحوم آقـا سـیّد هاشم جبل عاملی، مرحوم شونـدی همـدانی و دیگر معلمان. در آن جا تا کلاس دوم دبیرسـتان را طی کردم. بعدا به «مدرسه سـعدی»، که در آن وقت زیر نظر مرحوم محمّدتقی خان صدری اداره می شد، رفتم. ناظم این مدرسه، مرحوم سیّد علی خان نوربخش آزاد از شعرا و محترمین اصفهان بود. این مدرسه هم معلمان بسیار عالی داشت. مثل مرحوم ملاّ محمّد همامی که از هم دوره ای ها

و هم درسـان آیت اللّه اربـاب بود. من در طول سـال هـای معلمی و شـاگردی خودم معلمی جـامع تر و کامـل تر از مرحوم ملاّ محمّد همامی ندیدم. این مرد، جامع تمام صـفات یک انسان کامل بود. مردی ادیب، فقیه و شاعر و کلاس او کلاس انس بود. اگر محصّ‌لی به او می گفت آقـای همامی، ذاتا ناراحت می شـد! همه به او می گفتنـد: «آقا جان» چون واقعا برای ما مثل پـدر بود.

در خارج از دبیرسـتان هم در «مـدرسه صدر» در خدمت بعضـی از بزرگان کم و بیش تحصـیلاتی کردم. بعد در سال ۱۳۱۵ به دانشسـرای عـالی تهران رفتم. در آن جـا از مرحوم آقا سـیّد کاظم عصّار و محمّدحسـین [فاضل] تونی و مرحوم دکتر رضازاده شفق و دیگران، که متأسـفانه اسامی شان را فراموش کرده ام، استفاده کردم. بعد هم در سال ۱۳۱۶ یا ۱۳۱۷ خدمت نظام رفتم، افسـر وظیفه شـدم و در پادگـان اصـفهان خـدمت کردم. دوره ای که من خـدمت کردم، اوّلین دوره ای بود که خـدمت وظیفه افسـرها از یک سال و نیم به دو سال تبـدیل شـده بود. بعـد از آن هم، همین جوری سال ها به مطالعه و تحصـیل در اصـفهان و تهران ادامه دادم تـا این که در سال ۱۳۳۱ خورشـیدی، در آموزش و پرورش تهران استخدام شدم. مدتی در دبیرستان «پهلوی» تهران تدریس کردم. بعدها به اصفهان منتقل شدم که بیشتر از همه در دبیرستان «ادب» کار کردم. تقریبا ۱۵ سال دبیر دبیرستان ادب بودم.

یاد همه اسـتادانی که آن جا تـدریس می کردنـد به خیر! خـدا رحمت کنـد مرده هایشان را و سـلامت بـدارد زنـده هایشان را. محیط بسـیار خوبی بود. مرحوم عُریضـی معلمی علاقه منـد و متـدیّن بود. دلش می خواست که مدرسه یک مدرسه واقعا دینی بشود. برنامه صـبحگاهی مدرسه ایشان، سـرمشق بعضـی از دبیرسـتان های دیگر شد. آنها هم صـبح ها مراسـمی می گذاشـتند، آیاتی از قرآن خوانده می شد و موعظه می شد. البته در دبیرسـتان «گلبهار» که بودیم، تمام کلاس ها روزی نیم ساعت تلاوت قرآن داشتند.

آنچه من از قرآن یاد گرفتم از آن دوره هاست.

تحصیلاتتان در دانشسرای عالی در چه رشته ای بود؟

فلسفه و امور تربیتی.

تا مقطع لیسانس؟

بله، ولی وسط کار رها کردم. به مسائلی برخوردم که دیگر ادامه ندادم. یعنی هم نخواستم و هم نتوانستم.

از مرحوم پدرتان بیشتر بگویید.

من زیاد حیات پدر را درک نکردم. ولی می دانم که در سال **۱۲۶۳** قمری به دنیا آمدند و تحصیلات عمده ایشان پیش آقا سیّد محمّد شهشهانی و حاج ملّا حسینعلی تویسرکانی و بالاخص سیّد اسداللّه بیدآبادی معروف به حجت الاسلام دوم بود. ملّا حسینعلی تویسرکانی از علمای بزرگ اصفهان و از استادان معروف آن زمان بودند و بسیاری از علمای بزرگی که در اصفهان تحصیل کرده اند، از شاگردان ایشان هستند. تألیفاتی هم دارند و شرح حال اجمالی ایشان در تذکره القبور مرحوم گزی و روضات الجنّات مرحوم خوانساری هست. همچنین در کتاب های دانشمندان و بزرگان اصفهان و سیری در تاریخ تخت فولاد که اخیرا چاپ شده هم اجمالاً موجود است.

اگر درباره مسائل و حوادث اجتماعی زمان مرحوم پدرتان، که ظاهرا معاصر «ظل السّلطان» بوده اند، توضیح بیشتری بدهید ممنون می شویم.

ظلّ السلطان را کم و بیش همه شناخته اند که چه حاکم قلدر، جابر و ظالمی بوده و تنها کسی که مردانه در برابر او ایستاده، مرحوم آقانجفی است. اگر وجود آقانجفی در اصفهان نبود، شاید اصفهان از دست ظلم و ستم ظلّ السّلطان بدترین شهرهای ایران که سهل است، یکی از بدبخت ترین شهرهای دنیا می شد. این موجود شرور هر کجا که حس می کرد ممکن است منافع مادی داشته باشد، دست می گذاشت و آن جا را تصرّف

می کرد. املاک مردم، ناموس مردم، همه و همه در اختیار او بود. فقط و فقط قدرت روحانیت و آن عمدتا آقانجفی بوده که تا حدودی آن را کنترل یا منع می کرد. چون در هر زمانی یک عده از روحانی ها هستند که گوشه نشین اند و کاری با تشکیلات دولتی ندارند. یک عده هم خودشان را به دستگاه حکومت نزدیک می کنند به قصد این که شاید از این راه ضمن دفع شر حکّام، کمکی هم به مردم بکنند. یعنی به قصد خدمت این کار را می کنند. یک عده هم هستند که آشکارا و مردانه در برابر این قدرت های استبدادی ایستادگی می کنند که همیشه هم مورد اذیّت و آزار و تهمت و افترا بوده اند. کما این که مرحوم آیت اللّه نجفی هنوز هم در مظانّ تهمت است. علّتش هم این است که در مقابل آن دستگاه ستم ایستاده بود و عمله اکره آنها شب و روز برایش تهمت می تراشیدند و شایعه درست می کردند و به عناوین گوناگون در بین مردم منتشر می کردند.

آقای مهدوی، راجع به آثارتان هم توضیح بفرمایید. اوّلین کاری که چاپ کردید چه بود؟

از زمانی که به دبستان می رفتم، ذوق و شوق نوشتن کتاب در من بود. خوب به خاطر دارم که کلاس سوم یا چهارم دبستان کاغذهای بزرگ را تا می زدم و به صفحات کوچک تر تقسیم می کردم و فهرست کتاب های تاریخ و جغرافیا را تویش می نوشتم. بعدا کتابی در شرح حال علما دیدم، ظاهرا کتاب شمس التّواریخ بود که مال شیخ اسداللّه ایزدگشسب گلپایگانی است. من این کتاب را در عالم بچگی خیلی دوست داشتم. در آن سنین چندین مرتبه از اوّل تا آخر آن را خواندم. هنوز بعد از گذشت شصت و چند سال رئوس مطالبش در خاطرم هست.

مرحوم شیخ اسداللّه ایزدگشسب آن زمان معلم روزمزد مدرسه «گلبهار» بود و بعدها به استخدام رسمی فرهنگ درآمد و مدیر دبستان شد و چندی بعد دبیر شد و این اواخر مرشد و شیخ صوفی های «گنابادی ها» شده بود. با این همه او مردی بسیار دانشمند،

عارف، و شاعر و کارآمد بود. خوب یادم است که یک روز توی کلاس مطلبی مطرح کرد و من چون کتاب شمس التواریخ ایشان را خوانده بودم، اظهار نظری کردم که خیلی خوشش آمد. به طوری که همان جا توی کلاس جلو آمد و مرا بوسید! می دانید که این کار مرسوم نبود و نیست و نباید هم باشد. اما به قدری از جواب من لذت برد که بی اختیار این کار را کرد. همین عمل ایشان باعث شد که من در این راه بیفتم. سال های زیادی هم با مرحوم معلم حبیب آبادی محشور بودم و از ایشان استفاده علمی، اخلاقی و دینی کردم، هفته ای دو یا سه روز در مدرسه «کاسه گران»، که ایشان آن جا حجره داشت و عصرها درس سیوطی می گفت، سر درس ایشان حاضر می شدم، البته استفاده ای که در خارج از حجره درس می شد، خیلی مهم تر از دروس رسمی بود.

اوّلین چیزی که چاپ کردم حاشیه هایی بود که بر تذکره القبور مرحوم آخوند گزی زدم و اسمش را گذاشتم رجال اصفهان یا تذکره القبور که از نوشته های مرحوم معلم حبیب آبادی استفاده کردم. وقتی که این کتاب را می نوشتم، نامه ای خدمت مرحوم آیت اللّه نجفی مرعشی نوشتم. چون ایشان یک سفری آمده بودند اصفهان و مطالعاتی روی مقابر اصفهان داشتند. از ایشان خواهش کردم مرا راهنمایی کنند و ایشان با کمال بزرگواری و سعه صدر تمام یادداشت های خودشان را فرستادند برای من و من به اسم خود ایشان در آن کتاب چاپ کردم و...

بفرمایید که این کتاب چند بار چاپ شده و این چاپ ها چه تفاوت هایی با هم دارند؟

این کتاب چند مرتبه چاپ شده و چاپ دومش به اسم دانشمندان و بزرگان اصفهان درآمده است. مرحوم آخوند گزی تذکره القبور را در سال ۱۳۲۴ قمری چاپ کرده اند و حواشی من در سال ۱۳۶۳ قمری منتشر شد. وقتی هم به اصفهان آمدم اوّلین کتابی که نوشتم و چاپ کردم تذکره شعرای معاصر اصفهان بود. ظاهرا ۱۳۳۳ یا ۱۳۳۴ خورشیدی بود. پس از آن دانشمندان و بزرگان اصفهان را درآوردم که همین چاپ سوم

یا دوم تـذکره القبور است. با این تفاوت که تـذکره القبور مرحوم آخونـد جمعا حدود صد نفر را ذکر می کند و من در رجال اصـفهان حدود هفتصد نفر را ذکر کرده ام و در کتاب دانشـمندان و بزرگان اصـفهان قریب به دو هزار نفر از بزرگان اصفهان معرفی شـده انـد. البته «مرحوم آخونـد» منحصـرا علما را ذکر کرده انـد و من در این کتاب شـعرا و عرفا و صوفیه و غیره را هم آورده ام و خیال می کنم کتاب خوبی شـده باشـد و عده زیادی از دوسـتان، که در جریان کار بوده اند، مرا تشویق می کردند که آن را تکمیل کنم. اتفاقا از آن سال یعنی حـدود سال ۳۵ و ۳۶، تـاکنون مطالب زیادی در همان موارد یادداشت کرده ام و عده دانشـمندان اصـفهان تاکنون بیشتر از بیست و دو یا بیست و سه هزار نفر شده است که اجمالاً شـرح حالشان را نوشـته ام و بعضی هم که نوشته نشده نشانی داده شده است که باید به چه کتاب هایی مراجعه شود.

نمی خواهید چاپش کنید؟

چرا؛ از تهران، قم، اصـفهان و بعضـی جاهـای دیگر هم ناشـران پیشـنهاد کرده انـد که آمـاده چاپش بکنم. امّا خوب، فعلاً حال مقتضـی نیست و کار هم سـنگین است. دست تنها مشکل است. در این میان هم موضوع خراب کردن «تخت فولاد» پیش آمد. شهردار قبلی اصـفهان، کـه نمی دانـم دربـاره اش چـه بگـویم، داشت خرابش می کرد. دیـدم وظیفه شـرعی من دفـاع کردن از حقوق مسـلمان هاست. مقاله ای نوشتم و این طرف و آن طرف سر و صدایی راه انداختم که در روزنامه های محلی و مجلّات قم منعکس شـد. امـا خوب، آقـای شـهردار به کار خودش ادامه داد! تا سـرانجام کتابی به اسم لسان الارض یا سیری در تاریخ تخت فولاد نوشـتم که آقا! این زمین مربوط به زمان اسـلام هم نیست. از دو هزار سال پیش از اسـلام هم این جا موردنظر بوده است و وجود قـبر جنـاب یوشع پیغمبر در این جـا دلیـل بر این است که قـدمت این محـل متّصـل است به زمـانی که یهود را به اصفهان منتقل کرده اند و این قبر تاکنون هست.

هرچنـد که متأسـفانه در زمـان های اخیر این قبر را با زمین برابر کرده انـد و اسـمش را هم اشـتباه نوشـته انـد. حال هم یک قبر خیلی مختصـری برایش درست کرده اند، یک کهنه سبز هم رویش می اندازند و این قبر جناب یوشع است. در این کتاب ذکر کرده ام که در زمان «دیالمه» این جا چه وضعیتی داشته است. جشنی که مردآویج در اصفهان می خواست بگیرد، در این محل بوده و آثارش وجود داشـته است. ساختمانی داشـته، آثار دیلمی در این جا بوده است که خراب کرده اند. مسجدی هم به اسم «مسـجد مصـلاّ» داشته است. البته مصلاّی اصفهان در این جا تشکیلاتی داشته از محراب و منبر که قبل از صفویه خرابش کرده اند و باقی را در همین دوره اخیر خراب کردند. سطح مسجد را کوچک کردند و آن را از حالت مسجدی خارج کردند و...

از کتابهایتان می گفتید.

در این کتاب لسان الارض یا سـیری در تاریخ تخت فولاد تمام علمایی را که در این گورسـتان قدیمی مدفون هسـتند، فهرست وار ذکر کرده ام. کتاب های دیگری هم که در شـرح احوال و تراجم رجال نوشته ام، اینهاست. یکی، تاریخ علمی و اجتماعی اصـفهان در دو قرن اخیر که درباره خانواده معروف نجفی اصـفهانی است در سه جلـد. دیگری بیان المفاخر که شـرح مفصـل زندگی و خانواده مرحوم سیّد محمّدباقر حجت الاسلام شفتی بیدآبادی است در دو جلد. همچنین شرح حال مرحوم بحرالعلوم میردامادی عالم عارف و اخلاقی معاصـر اصـفهان و نیز شـرح حال سیّد هاشم بحرانی، که در ابتدای کتاب لوامع الامور ایشان چاپ شده است. همین طور شـرح حال مرحوم شـهید حاج میرزا ابوالحسن شـمس آبادی و شرح حال مرحوم آیت اللّه بهبهانی که تابسـتان ها وقتی اصـفهان تشـریف می آوردند، در محضرشان حاضر می شدم و به قدر فهم خودم استفاده علمی و اخلاقی می کردم. کتـاب دیگری هـم به نـام عطیّه الجـواد دربـاره زنـدگانی حضـرت جـواد علیه السـلام نوشـته ام. علاوه بر اینهـا، در مطبوعات قم و تهران و بیشتر اصفهان، مقالاتی در شرح

احوال علما و بزرگان معاصر نوشته ام. مثل شرح حال مرحوم آیت اللّه مرعشی که از مشایخ اجازات بنده بودند یا شرح حال مرحوم حاج شیخ مرتضی مظاهری و سیّد کریم نیکزاد حسینی و حاج آقا حسین عمادزاده و دیگران که فعلاً حافظه ام یاری نمی کند. مثل مرحوم شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی و خانم امین و... .

از «خانم امین» اسم بردید. اگر اجازه بدهید بپرسم که ایشان را چگونه شناختید؟

من با مرحوم حاج آقا جلال آیت نجف آبادی فرزند مرحوم آیت اللّه حاج سیّد علی نجف آبادی دوست و هم مباحثه بودم. آن وقت ها خانم امین شاگرد حاج آقای نجف آبادی بودند و من از همین طریق با ایشان آشنا شدم، حدود پنجاه سال قبل. البته هنوز مراتب فضل و آگاهی شان را به درستی نمی شناختم تا این که اوّلین کتابشان اربعین هاشمیّه منتشر شد و دیدم عدّه ای از علمای بزرگ اجتهاد ایشان را تصدیق کرده و اجازاتی برایشان نوشته اند که بعضی در مقدمه همان کتاب چاپ شده است.

آیا پس از آن با ایشان ارتباط داشتید؟

بله، ولی نه خیلی زیاد. گاهی به مناسبتی تلفن می زدم و بعد می رفتم خدمتشان و مقداری صحبت می کردیم. البته این دیدارها کم تر به مسائل علمی و فقهی مربوط می شد. حقیقتش پسر ایشان یک کارخانه روغن نباتی در نزدیکی منزل ما داشت که در مجموع باعث اذّیت ما بود. چون شکایت به اداره های مربوطه نتیجه ای نداد، ناچار دست به دامن خانم امین شدیم که ایشان را نصیحت کنند. شاید مشکل حل بشود که نشد.

چه قدر از کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان به زنانی مثل «خانم امین» اختصاص دارد؟ آیا اصلاً زن ها جایی در میان دانشمندان داشته اند؟

بله، زن ها هم حضور دارند. هرچند به دلیل شرایط خاص اجتماعی ما عده آنها با مردان برابری نمی کند. در همین کتابی که اسم بردید، یکی فصل مربوط به زن هاست.

البته شاید هیچ کدامشان شأن و مقام علمی و عملی خانم امین را نداشته باشند؛ ولی حدود یکصد و بیست نفری می شوند. نخستین زن اصفهانی را که در تاریخ می شناسیم، زنی است که حافظ ابونعیم اصفهانی صاحب کتاب ذکر اخبار اصفهان نام می برد و می نویسد: «وقتی که سلمان فارسی وارد مدینه شد و سراغ پیامبر را گرفت، یک زن مسلمان اصفهانی او را به خدمت پیامبر برد.» در زمان حاضر هم خانم هایی هستند که وجودشان مایه مباهات مردم است. مثل همین خانم همایونی که واقعا شایسته احترام است. همچنین دخترعموی خانم امین که متأسفانه فوت شدند. ایشان هم زن دانشمندی بود. باز هم کسانی هستند که یا نامشان را در حافظه ندارم یا این که خیلی نمی شناسمشان.

از بزرگانی که اجازه روایتی به شما داده اند هم نامی ببرید و یادی بکنید.

ده نفر از بزرگان علما و مجتهدین به بنده اجازه روایتی داده اند که عبارت اند از: مرحوم آیت اللّه مرعشی نجفی، مرحوم حاج آقابزرگ تهرانی، مرحوم حاج سیّد علی علاّمه فانی، مرحوم حاج سیّد مصطفی صفایی خوانساری، مرحوم حاج سیّد محمّدعلی عراقی معروف [به اراکی]، آقای حاج سیّد اسماعیل هاشمی، آقای سیّد ضیاء علاّمه و آقای شیخ محمّدباقر کمره ای. دو نفر از آقایان هم نوشته اند فلانی، یعنی من، مجتهد است. ولی خودم می دانم که از این خبرها نیست!

آقای مهدوی، از دیگر معلمان اصفهانی که اهل شعر و ادب و قلم و تألیف و تصنیف بودند، کسانی را که می شناسید، اگر می شود مختصر توضیحی هم درباره آنها بدهید.

یکی از این معلمان، مرحوم برجیس بود که در شعر و ادب دستی توانا داشت. دیوان شعری هم دارد که متأسفانه چاپ نشده است. دیگری مرحوم عریضی بود که قبلاً از او نام بردیم. ایشان مدیر دبیرستان ما بودند. نویسنده و مترجم خوبی بود. بعضی از آثارشان منتشر شده است که از آن جمله ترجمه سفرنامه شاردن است. وقتی از دنیا

رفت، تجلیل فراوانی از ایشان به عمل آمد. آنچنان که خیلی از معلمان شور و شوق مردن پیدا کردند!! می گفتند: «این مردم که تا زنده ایم قدر ما را نمی دانند بگذار تا بمیریم شاید بعد از مرگمان ما را بشناسند!» البته این هم از خوش شانسی های مرحوم عریضی بود. و گرنه هنگامی که مرحوم بدرالدّین کتابی از دنیا رفت، با این که مرد متدین و ملّایی بود و علاوه بر آموزش و پرورش در دانشگاه ها هم تدریس داشت و آثار متعددی هم نوشته بود، چنان که باید و شاید از وی تجلیل نشد.

فکر می کنم باز هم کسانی هستند که باید ذکر خیری از آنها بشود مثل آقای «نوابخش» و مرحوم «همایی» و...

بله، آقای جعفر نوابخش از دوستان صمیمی بنده هستند. البته ایشان آن وقت ها خیاطی می کردند. ولی بعدها در آموزش و پرورش کار گرفتند و معلم شدند. حال هم پس از سی سال تدریس، بازنشسته اند.

ظاهرا دیوانشان به اسم «نوای آشنا» چاپ و منتشر شده است.

همین طور است. آن وقت ها دکان خیاطی ایشان محفل شعرای اصفهان بود. من هم به سابقه دوستی و رفاقتی که با ایشان و شعرای دیگر داشتم به آن جا رفت و آمد می کردم. از نزدیکی های غروب تا دو سه ساعت از شب رفته، دوستان شاعر یکی یکی می آمدند و توی همان دکان به بحث و جدل های ادبی می پرداختند و شعرهای تازه خود را می خواندند. آقای نوابخش در جمع آوری و تألیف تذکره شعرای اصفهان هم به من کمک کرده اند و باید از ایشان اظهار تشکر بکنم.

با مرحوم «کتابی» چه قدر ارتباط داشتید؟ اگر می شود از خصوصیات معلمی ایشان هم چیزهایی بگویید.

با ایشان از زمان تحصیل آشنا بودم. سال ۱۳۰۹ یا ۱۳۱۰ به دبیرستان سعدی آمدند. بعد هم به دبیرستان صارمیه منتقل شدند. از همان ایام تا آخرین روزهای

حیاتشان با هم ارتباط داشتیم. ایشان در کلاس حالت استادی به خود نمی گرفت و با بچّه ها رفیق می شد. رفتارش با آنها مثل رفتار پدر و پسر بود. خیلی ملایم بود. در طول آشنایی یاد ندارم که ایشان عصبانی شده باشند. بسیار خوددار بود و ناراحتی هایش را بروز نمی داد. مشکلات کلاس را دوستانه حل می کرد. آقای کتابی مدت ها مدیر دبیرستان «ادب» بود که من آن وقت در تهران بودم. بعد مدّتی معاون فرهنگ اصفهان شدند. البته در دانشگاه هم تدریس می کردند. آدم جامعی بودند و اگر کسی سؤالی می کرد، ایشان تمام جوانب مسأله را طرح می کردند و پاسخ می دادند. به طوری که طرف دیگر نیازی به سؤال مجدد نداشت. من سعی می کردم از نظر اخلاقی و کلاس داری به ایشان نزدیک شوم. در تمام سال های تدریسم عمد داشتم که پشت میز معلم ننشینم! معمولاً سر پا بودم و کار می کردم. وقتی هم که خسته می شدم، می رفتم آخرهای کلاس، روی نیمکت بچّه ها، کنار آنها می نشستم و خیلی دوستانه رفتار می کردم. البته مثل آقای کتابی در عین رفاقت و دوستی و ملایمت، فاصله معلم و شاگردی را هم حفظ می کردم.

با مرحوم «همایی» هم آشنا بودید؟ اگر ممکن است با نقل خاطره، ذکر خیری هم از آن عزیز بکنید.

با مرحوم همایی هم دوست بودم. در تهران که بودم، مکرّر خدمتشان می رسیدم. ایشان هم که به اصفهان می آمدند، بنده نوازی می کردند و به دیدن ما می آمدند. بعضی از کتاب هایی را که می نوشتم، می دادم خدمت ایشان و راهنمایی می کردند. گاهی حواشی می زدند و برمی گرداندند. از آثار و تألیفات خودشان هم گاهی به رسم هدیه برای بنده می آوردند و یا می فرستادند. یادم است زمانی که من در دبیرستان پهلوی تهران درس می دادم، یک روز مرحوم همایی برای بازرسی به آن جا آمدند. آن سال ها ایشان دیگر تدریس نمی کردند و بازپرس مدارس شده بودند. وقتی آمدند آن جا و فهمیدند که من در آن دبیرستان هستم، خیلی خوشحال شدند. از آن به بعد چند باری به اسم بازرسی به

آن مدرسه آمدند که البته بازرسی تبدیل می شد به این که دو تایی توی دفتر بنشینیم و گپ بزنیم. خدا رحمتش کند که مرد بزرگی بود و مسؤولان وقت قدرش را نشناختند.

ظاهرا بعضی از مقامات دانشگاهی آن روزگار، به بهانه این که مدرک دکترا ندارند، مایل نبودند ایشان در دانشگاه تدریس کنند و کارشکنی می کردند.

بله، معروف است. چون ایشان از خیلی ها صالح تر بود. مرحوم همایی واقعا آدم دانشمند و روحانی ملّایی بود. شاعر هم بود. در سال ۱۳۵۹ شمسی فوت کرد. شرح حالش را دو سه جایی نوشته ام. شعرهایش در مجلّه آموزش و پرورش اصفهان و بعضی از ماهنامه های آن روزگار منتشر می شد. در جلسات ادبی، که با شعرا و معلمان اهل ذوق در دبیرستان ادب داشتیم، داماد مرحوم همایی هم که خودش معلم فرزانه ای بود شرکت می کرد و گاهی اشعاری از پدرخانمش را در جمع ما می خواند. اینها غالبا فوت کرده اند. الآن نمی دانم از بستگانشان کسی در اصفهان هست یا نه.

آقای مهدوی، چون مجله رشد معلم بیشتر به مراکز تربیت معلم و دانشسراها و مدارس می رود و همکاران معلم غالبا آن را مطالعه می کنند، اگر ارشاد و رهنمودی به معلمان جوان بفرمایید ان شاء اللّه مفید خواهد بود.

من خودم احتیاج به ارشاد دارم. امّا آنچه مسلم است، شغل معلمی والاترین مشاغل است. هیچ شغلی بالاتر از شغل معلمی نیست. حالا اگر اجتماع آن طور که باید و شاید قدر معلم را نمی شناسد و ارزش واقعی او را درک نمی کند، لااقل معلمان باید خودشان مقام خودشان را بشناسند و بدانند چه وظیفه و مسؤولیتی دارند. مسؤولیتی بالاتر از تربیت افراد این مملکت نیست و این معلمان هستند که باید مردم را اصلاح کنند. گرچه اصلاحات ظاهرا به دست افراد دیگری است امّا پایه گذار این اصلاحات معلمان هستند. آنها شاگردان را تربیت می کنند و این شاگردان بعدا هرکدام در مشاغل گوناگونی قرار می گیرند. اگر وظایفشان را در کلاس های درس از معلمان خودشان

بـدرستی آموخته باشـند و به آن عمـل کننـد، همه چیز درست می شود. پس بزرگ ترین وظیفه معلم وظیفه شناسـی است. من نمی خواهم راجع به خودم چیزی گفته باشم. اما به جرأت می توانم ادعا کنم که در طول سی و چند سال معلمی، جمعا ده بار نشـد که سر وقت به کلاس نرسـیده باشم. تمام وقت هم در کلاس با وضو بودم. چون شـغل معلمی را عبادت می دانسـتم و با وضو بودن در عبـادات ثواب بیشتری دارد. سـعی هم می کردم هر درسـی را که می دهم، چون هم ادبیات داشـتم، هم عربی و هم روان شناسـی می گفتم و هم فلسـفه و... در هر درسی به مناسبت، مطلبی هم درباره دین و مذهب و اخلاق بگویم. در تمام سال ها به مـدیر دبیرسـتان می گفتم که من حداقل باید دو ساعت در برنامه ام تعلیمات دینی داشـته باشم. چون این موضوع را علاوه بر این که خودم وظیفه خودم می دانسـتم، شـرطی هم بود که مرحوم «آیت اللّه بروجردی» با من کرده بودنـد. اوایلی که می خواستم استخدام بشوم برای گرفتن اجازه استخدام و استفاده از حقوق دولتی نامه ای به محضرشان نوشتم. ایشان در جواب مرقوم فرموده بودند: به شرطی که تعلیمات دینی هم درس بدهید و من هم به این شرط تا روز آخر عمل کردم.

حرف دیگری ندارید؟

نه، عرض دیگری ندارم. فقط دنباله آن حرف هایی که برای معلمان گفتم، این را هم اضافه کنم که: «معلمان باید کار را برای رضای خـدا انجام بدهنـد و کاری به این نداشـته باشـند که مردم می فهمنـد یا نه و آیا دانش آموزان می خواهند یا نه؟ ما باید وظیفه خودمان را بشناسیم و به آن عمل کنیم. فقط و فقط هم خدا را در نظر داشته باشیم و لا غیر.»

ما که از محضـر شما سیر نشدیم. ولی چون وقت تنگ است و شما هم خسته شده اید، اگر اجازه بفرمایید خداحافظی کنیم. ان شاء اللّه که سال های سال زنده و سلامت باشید و باز هم با زبان و قلم برای جامعه معلمان ما افتخار بیافرینید. خدانگهدار.

«ع»

اشاره

میر عابد اردبیلی*

میرعابد حسینی اردبیلی، از علمای ساکن اصفهان در اواخر قرن یازدهم هجری. در اصفهان نزد جمعی از فضلاء به تحصیل مشغول بود. او کتاب «من لا یحضره الفقیه» را نزد میر سیّد محمّدعلی بن میرم حسینی اردبیلی در اصفهان قرائت نموده و استاد در آخر ذی القعده ۱۰۸۳ق اجازه ای جهت او نوشته است. این نسخه به شماره ۵۰۵۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

عابد اصفهانی

قوام الدّوله والدین عابد اصفهانی، در سال ۷۳۲ق وزیر و حاکم قم بوده و شمس فخری مؤلّف معیار جمالی به خدمتش رسیده و از او اکرام یافته است.(۲)

عابد اصفهانی

عابد اصفهانی، شاعر ادیب. معاصر شاه طهماسب بوده و غزل می سروده است. از احوالش بیش از این چیزی به دست نیامد.(۳)

عادل اردستانی

عادل بن مراد اردستانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری و از شاگردان میرداماد است. [او مجموعه ای از چند رساله از جمله «الرواشح السّماویه» تألیف: میرداماد را کتابت کرده و استادش در سال ۱۰۱۰ق بر روی یکی از اوراق این کتاب، برای او اجازه نوشته

۱- فهرست مرعشی، ج۱۳، ص۲۵۳؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۵۷.

۲- معیار جمالی، مقدمه؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۱.

۳- تاریخ نظم و نثر، ص۶۵۴.

است. این مجموعه نزد مجدالدین نصیری فرزند صدرالافاضل میرزا لطفعلی شیرازی در تهران موجود بوده است.(۱)]

عارضی اصفهانی*

عارضی اصفهانی، از شعرای اواخر قرن دهم هجری است. در اصفهان ساکن بود و این بیت از اوست:

غنچه این باغ را باد به تاراج داد غیر دلِ خون چکان در کف بلبل نماند(۲)

عارف اصفهانی

عارف اصفهانی، از غزل سرایان قرن دهم هجری بوده و در اصفهان به بیماری فلج درگذشته است.(۳)

عارف تبریزی

عارف تبریزی معروف به «عارفا» [از شعرای قرن یازدهم هجری] از تبارزه [تبریزیان] ساکن عباس آباد اصفهان است. در خدمت صائب بوده و دیوان او را می نوشته [است.] در سفر هند مورد تاراج افاغنه واقع شده و مراجعت کرد. از اشعار اوست:

دوران شراب محنت و دردم به جام ریخت دندان شکوفه وار ز باد و کام ریخت(۴)

۱- الرّوضه النّضره، ص۳۰۸.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۵۴۸.

۳- تاریخ نظم و نثر، ص۶۵۴.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۵۹، تذکره منتخب اللطایف، ص۴۶۴.

[از جمله آثار او «بیاض بزرگ صائب» است که در تاریخ ۱۰۸۸ق تحریر کرده است. نسخه ای از آن در کتابخانه مدیر مجله ارمغان (حسن وحید دستگردی) موجود است.(۱)]

عاصم اصفهانی

ابونجیح عاصم بن رجاء بن محمّد بن محمّد بن عبدالوهاب اصفهانی، [از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری.] ابوسعد سمعانی از وی استماع حدیث کرده است.(۲)

عاصم اصفهانی

ابوالمؤدّب عاصم بن علی بن فضل بن علی بن ممویه مؤدب اصفهانی، [از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری.] از ابومحمّد رزق اللّه تمیمی و دیگران حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی مقدار اندکی از وی استماع حدیث کرده است.(۳)

عاصم اصفهانی

ابوالمعالی عاصم بن محمّد بن غانم بن محمّد بن غانم بن محمّد بن عبدالواحد بن عبیداللّه بن احمد بن فضل بن شهریار اصفهانی، [از محدّثین قرن ششم هجری.]

از اهالی محلّه «باب دریه» اصفهان بوده و سمعانی از او به عنوان «شیخ بهی المنظر جمیل الظّاهر من اولاد المحدّثین» یاد کرده است.

از ابومنصور محمّد بن احمد بن شکرویه و ابومسعود سلیمان بن ابراهیم حافظ

۱- دانشمندان آذربایجان، صص ۳۵۲ و ۳۵۳.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۳۳.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۶۰۱.

حدیث شنیده است. تولّدش قبل از سال ۴۸۰ق در اصفهان و فوت او روز پنج شنبه ۲۸ محرم سال ۵۳۳ق بوده است.(۱)

عاقلی یزدی*

عاقلی یزدی، از سخنوران و هزّالان اوایل قرن یازدهم هجری. در یزد متولّد شده و تحصیل کرده بود امّا در اصفهان بود و در دربار شاه عباس صفوی در شمار هزّالان و دلقکان آن پادشاه در اصفهان روزگار می گذراند و در زمان پادشاهی شاه عباس فوت شد. این رباعی از اوست:

من عاقلیم، اگرچه جاهل شده ام در جاهلیم، اگرچه عاقل شده ام

نه عاقلیم، جاهل مطلق باشم یک لحظه اگر ز دوست غافل شده ام(۲)

عامر مؤذّن اصفهانی

ابومحمّد عامر بن ابراهیم بن عامر مؤذّن اصفهانی، [از محدّثین عامّه در قرن سوم هجری است.] از پدرش و ابراهیم بن محمّد بن مروان عتیق روایت کرده و ابوغالب نضر بن عبداللّه ازدی کوفی و ابووهب حُمید بن وهب قرشی اصفهانی از او نقل حدیث کرده اند.

عامر بن ابراهیم در سال ۳۰۶ق وفات یافت.(۳)

عامر اصفهانی

عامر بن ابراهیم بن واقد بن عبداللّه اصفهانی، مولای ابوموسی اشعری، [از محدّثین

۱- التّحبیر، ج۱، ص۶۰۱.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۵۴۱.

۳- ذکر اخبار اصبهان، ج۲، ص۳۸؛ طبقات المحدّثین، ج۳، صص ۱۶۵ و ۱۶۶؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص ۲۹۰ و ج۳، ص۲۳۵.

عامّه در قرن دوم هجری.]

از مالك بن انس، حمّاد بن سلمه، مبارك بن فضاله و يعقوب قمی حديث شنوده و در سال ۲۰۱ يا ۲۰۲ق وفات نموده است. نوه اش عامر (بن ابراهيم بن عامر) گويد: جدّم بر يعقوب قمی وارد شده و يک ماه در خانه او بماند و از نوشته های او حديث نوشت.

عامر چوب فروش بود اما به علّت فقر به كاتبان نعمان بن عبدالسلام كه مردی دولتمند و صاحب ثروت بود پيوسته برای او نويسندگی و كتابت می كرد.(۱)

عامر واضحی سنبلانی

ابوعمر عامر بن اُسيد بن واضح سنبلانی اصفهانی، معروف به «واضحی»، [از محدّثين قرن سوم هجری.] اهل محله «سُنبلان» اصفهان و امام مسجد ايوب بن زياد بوده و از محمّد بن صباح بزّاز، سفيان بن عينيه، يحيی قطان و جمعی ديگر از محدّثين روايت می كند و احمد بن محمود بن صُبيح، حسين بن اسحاق بن ابراهيم خلّال و محمّد بن احمد بن يزيد زهری از او حديث نقل كرده اند.(۲)

عامر مشتلی اصفهانی

عامر بن حمدويه مشتلی عابد (زاهد) اصفهانی، [از محدّثين عامّه در قرن دوم هجری.] از اهالی قريه «مشتله» (به فتح ميم و ت) اصفهان بوده و در شمار زاهدان و از راويان عارف مشهور سفيان ثوری است. همچنين از شعبه و عامر بن يساف و عبدالوهاب

۱- ذكر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۶؛ طبقات المحدّثين، ج۲، صص ۱۹۶ و ۱۹۷؛ الوافی بالوفيات، ج۱۶، ص۵۸۷.

۲- ذكر اخبار اصبهان، ج۲، ص۳۸؛ طبقات المحدّثين، ج۲، صص ۲۹۰ و ۲۹۱.

بن مندلت حدیث شنیده و ابراهیم بن ایوب و عقیل بن یحیی از او روایت می کنند.(۱)

عامی اصفهانی*

عامی اصفهانی، از شعرای اصفهان در اوایل قرن یازدهم هجری. گرچه از عوام النّاس بود امّا در شعر و ادب ترقّی کرده بود. طبعی تنگ نظر و خسیس داشت و باوجود مکنت و ثروت فراوان، روزگار به عُسرت و سختی می گذراند. عاقبت برای تجارت به دکن هند رفته و چندی بعد به اردوی جهانگیر پادشاه پیوست اما مورد غضب پادشاه قرار گرفته و در سال ۱۰۲۶ق در قلعه ای محبوس شده و به اندک روزی در آنجا وفات یافت. از اوست:

این زمزمه با تار دگر سنج، کزین بیش قانون دلم طاقت مضراب ندارد(۲)

سیّد عَبّاد گلستانه

سیّد مجدّالدین ابی الفضائل عبّاد بن احمد بن اسماعیل بن علی بن حسن بن شرفشاه گلستانه اصفهانی، [از فقهاء و محدّثین عالیقدر شیعه در قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری] در اصفهان منصب قضاوت داشته و معاصر علاّمه حلّی و سلطان محمّد خدابنده (اُلجایتو) بوده است.

کتاب های زیر از اوست:

۱. «توضیح الوصول» در شرح «تهذیب الاصول» علاّمه حلّی، که در زمان حیات مؤلّف تهذیب و به خواهش شاگرد علاّمه و خودش، ابوالمحاسن محمود بن محمّد بن

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۶؛ طبقات المحدّثین، ج۲، صص ۲۰۴ و ۲۰۵؛ معجم البلدان، ج۵، ص۱۳۲؛ راهنمای دانشوران، ج۳، ص۱۶۱.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۵۵۲.

علی بن یوسف طبری (پدر مؤلف «نفایس الفنون») در عصر شنبه ربیع الاوّل ۷۰۷ق تألیف آن را به پایان برده است. این نسخه که نظام الدّین عربشاه در سال ۸۲۲ق آن را کتابت کرده است به شماره ۶۴۹۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است. [همچنین نسخه دیگری از آن به شماره ۳۰۸۳ در کتابخانه وزیری یزد موجود است که کاتب و تاریخ کتابت ندارد.](۱) «کاشف المعانی فی شرح غرر التمانی»(۲)

عَبّاد غازی اصفهانی

ابوروح عَبّاد بن احمد بن عمر بن محمّد بن عبداللّه بن محمّد بن علی بن اسحاق غازی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری.] از خاندان علم و حدیث بوده و از ابوعلی حداد استماع حدیث کرده است.(۳)

عَبّاد طالقانی

ابوالحسن عَبّاد بن عبّاس بن احمد بن ادریس طالقانی، [از محدّثین و دانشمندان و متکلمین شیعه در قرن چهارم هجری] در طالقان متولّد گردیده و نزد عدّه ای از علماء و محدّثین اصفهان و غیره تحصیل کرده تا به مقامات عالیه رسید.

او از: فریانی، ابوخلیفه فضل بن حُباب، ابوعبداللّه بن جعفر بن محمّد اُشنانی، محمّد بن حیّان مازنی، محمّد بن عبدالوهاب و ابراهیم بن احمد مروزی نقل حدیث کرده و

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۱۱.

۲- کشف الظنون، ص ۶۴۷؛ فهرست رضوی، ج ۶، ص ۱۹؛ انوار الساطعه، ص ۱۶۵؛ الذریعه، ج ۴، ص ۴۹۹؛ عمده الطالب، ص ۸۱؛ ریاض العلماء، ج ۳، ص ۵۷؛ امل الآمل، ج ۲، ص ۱۴۱؛ مجمل التواریخ: مقدمه، ص ۱۱؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۳۱۹ و ۳۲۰؛ فهرست وزیری، ج ۴، ص ۱۵۲۷.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۱۱.

فرزنـدش اسـماعیل (صاحب بن عباد) ، ابواسـحاق بن حمزه، ابوبکر احمـد بن موسـی بن مردویه، حافظ ابی الشـیخ عبـداللّه بن محمّد بن جعفر اصفهانی، محمّد بن ابراهیم بن علی و محمّد بن حیان مازنی از او روایت می کنند.

او ابتدا معلم رکن الدّوله حسن بن بابویه دیلمی بوده و چون رکن الدّوله به سلطنت رسید، وی را منصب کتابت و وزارت داد و تا سال ۳۳۵ق که وفات یافت در این مقام بود.(۱)

[وی کتابی درباره «احکام قرآن» نوشـته و با حسن بن عبـدالرّحمان حماد قاضـی مکاتبه داشـته است. منشآت او را مـدون کرده بودند و در آن روزگار شهرتی داشت. عباد طالقانی در کلام، حدیث، فقه و ادب زبردست بوده است.]

عباد تمیمی

ابونهشل عَبّاد بن ابی غالب محمّـد بن ابی محمّـد عبـداللّه بن ابی الرّجاء محمّد بن علی بن احمد بن جعفر بن سـلیمان بن حیّان تمیمی معـدل، [از محـدّثین عامّه اصـفهان در قرن شـشم هجری.] او از خانواده علم و حدیث بوده و از ابوطاهر احمد بن محمّد بن عمر نقاش، ابومحمّد عبداللّه بن ابی الرّجاء قاضی (جدّ خود) و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در سال ۵۳۱ق از او استماع حدیث کرده است. او از شیوخ ابوموسی مدینی اصفهانی است.(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۷۵؛ مزارات اصفهان، صص ۲۸۴ و ۲۸۵؛ ذکر اخبار اصبهان، ج۲، ص۱۳۸؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۳۶۶؛ معجم البلدان، ج۴، ص۷؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۲۳۲؛ المنتظم، ج۷، ص۱۸۴؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۵۱۱.

عَبّاد جعفری اصفهانی

ابوالقاسم عَبّاد بن محمّـد بن محسن جعفری اصفهانی، [از محدّثین عامّه در قرن پنجم و ششم هجری] از خاندان اهل علم و فضل بوده و از ابوسعد عبدالرّحمان بن احمد صفار، ابوبکر محمّد بن ابوالقاسم عبدالجبّار بن علی بن محمّد اصفهانی، ابواحمد محمّـد بن علی بن مکفوف و ابوالقاسم علی بن مهران مدینی استماع حدیث کرده و در ذیقعده سال ۵۱۰ق جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.

او در روز دوشنبه ۲۲ رجب سال ۵۱۴ق وفات یافته است.(۱)

سیّد عباد گلستانه

سیّد عَبّاد بن یحیی بن عبّاد بن احمد بن اسماعیل بن علی بن حسن بن شرفشاه حسینی گلستانه اصفهانی، از محدّثین و فقهای شیعه در قرن هشتم هجری. وفات او بعد از سال ۷۹۰ق واقع شده است.(۲)

دکتر عباس ادیب*

دکتر عباس ادیب، استاد دانشگاه و داروشناس دانشمند معاصر. در سال ۱۳۰۴ش در قریه حبیب آباد بُرخوار اصفهان متولّد شد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسّطه، در سال ۱۳۲۴ش به دانشکده پزشکی تهران وارد شده و با درجه دکتری در سال ۱۳۳۰ش فارغ التحصیل شد و به عنوان دستیاری رشته فیزیولوژی و سپس به عنوان دانشیار رشته داروشناسی به تدریس پرداخت تا اینکه به مرتبه استادی رسید. تحصیلات

۱- التّحبیر، ج۱، ص۵۱۱.

۲- مزارات اصفهان، ص۳۰۴؛ مجمل التواریخ: مقدمه، ص۱۱؛ عمده الطّالب، ص۸۱؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۳۲۹ و ۳۳۰.

تخصصی او در فرانسه در رشته فارماکولوژی در دانشکده بوردو در سال ۱۳۳۹ش پایان پذیرفت و در دانشکده پزشکی اصفهان به تدریس پرداخت. او چندی معاون اداری و مالی دانشگاه اصفهان و مدتی معاون دانشکده پزشکی بود. همچنین عضو انجمن فارماکولوژی ایران و عضو انجمن بین المللی فارماکولوژی بوده است.

آثار او اعم از ترجمه و تألیف عبارتند از:

۱. «داروهای مؤثر بر سلسله اعصاب نباتی»۲. «آسیب شناسی روانی»۳. «فارماکولوژی پزشکی»۴. «روشنگری در پزشکی کهنه و نو»۵. «کلسترول و سکته های قلبی»۶. «بهداشت از کودکی تا کهنسالی»۷. ترجمه «تشخیص و درمان بیماری ها» که در سال ۱۳۶۲ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد و لوح تقدیر از طرف رئیس جمهور به مترجم اهداء شد.۸. ترجمه «بیماری های کودکان»۹. ترجمه «بیماری های زنان و مامایی»۱۰. ترجمه «کتاب پزشکی سیسیل» ۱۱. ترجمه «فارماکولوژی پایه و بالینی» (۲ جلد) با همکاری دکتر تقی قفقازی ۱۲. ترجمه «مقدمات جراحی شواتز» ۱۳. «تشخیص و درمان طبّی بیماری ها» ۱۴. ترجمه «بیماری های هلیکوباکتر پیلوری» با همکاری دکتر حمید کلانتر و دکتر محمّد جلالی.(۱)

عباس صوفی

ابوالفضل عباس بن ابراهیم بن عباس صوفی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از احمد بن محمّد بن سَکَن روایت می کند و حافظ ابراهیم اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، ص۳۱؛ فرهیختگان، صص ۱۱ و ۱۲.

او در سال ۳۷۰ق وفات یافته است.(۱)

استاد عباس شکوهی پور*

استاد عباس شکوهی پور فرزند ابوالقاسم، معمار چیره دست و توانای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۲ش در اصفهان متولّد شد.

از نوجوانی به بنّایی و معماری روی آورد تا استادی ماهر و معماری زبردست شد و به احداث و یا مرمّت خانه هایی با معماری سنّتی پرداخت. از سال ۱۳۴۷ش به همکاری با اداره باستان شناسی اصفهان مشغول شد و مسجد جامع، مسجد شیخ لطف اللّه، عمارت چهلستون، عمارت عالی قاپو و عمارت هشت بهشت را مرمّت کرد. همچنین با سازمان میراث فرهنگی اصفهان همکاری نمود تا اینکه در سال ۱۳۷۳ش بازنشسته شد. او در گچبری، مقرنس سازی، رسمی بندی و داربست زنی مهارت داشت و به فنون معماری و مرمّت بناهای قدیمی آگاه و تا آخرین ساعات عمر خود، به مرمّت آثار تاریخی مشغول بود.

وی در ۸ اسفند ۱۳۷۹ش درگذشت و در قطعه نام آوران باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

مرمّت و تعمیر گچبری کاخ چهلستون، کاخ عالی قاپو، عمارت هشت بهشت، مسجد جامع و مسجد شیخ لطف اللّه در اصفهان، محراب مسجد جامع تبریز و قم، مقرنس کاری بقعه علی بن سهل در اراک، ورودی مسجد جامع دزفول، گچبری امامزاده عبداللّه شوشتر، تعمیرات طاق و ایوان مسجد میرعماد کاشان، گچبری مدرسه فیضیه قم و خانه قاضی نور (پیرنیا) در نائین، مرمّت مدرسه قدسیّه، خانه نیلفروشان، خانه آیت اللّه بهبهانی، خانه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۲.

سیف اللّه قاسمی و چند خانه تاریخی دیگر در اصفهان از آثار هنرمندانه او در مرمّت و احیاء آثار تاریخی به شمار می روند.(۱)

شیخ عباس خوانساری

شیخ عباس بن احمد خوانساری اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان نزد حاج شیخ محمّدباقر نجفی مسجدشاهی به تحصیل پرداخته است. او کتاب «تأویل الآیات» تألیف سیّد شرف الدّین علی حسینی استرآبادی را به فارسی ترجمه کرده است.(۲) همچنین جلد ۱۷ «بحارالأنوار» و «اصول کافی» را هم ترجمه کرده که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

تصحیح جلد بیستم «بحارالأنوار» که در کتابخانه عمومی اصفهان وجود داشته است نیز از آثار اوست.(۴)

میرزا عباس خان شیدای دهکردی

استاد آقامیرزا عباس خان دهکردی متخلّص به «شیدا» فرزند اسحاق، ادیب شاعر و نویسنده محقّق [از شعراء و دانشمندان عالیقدر قرن چهاردهم هجری] در ۱۴ ذیحجه ۱۲۹۹ق در دهکرد [شهرکرد فعلی] متولّد شد. پدرش در خدمت خوانین بختیاری به عنوان نایب الحکومه و منشی به خدمت مشغول بود.

استاد شیدا در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و ادب در فقه و اصول، صرف و

۱- معماران و مرمّت گران سنّتی اصفهان، صص ۲۴۶-۲۵۳.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۱، صص ۳۷۱ و ۳۷۲.

۳- فهرست مرعشی، ج ۱۴، ص ۲۳۰؛ تراجم الرجال، ج ۱، ص ۲۶۰.

۴- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۰.

نحو، منطق و فلسفه، معانی و بیان و ریاضی به تحصیل پرداخته [است] که از آن جمله است: آخوند کاشی، آقا شیخ مرتضی ریزی، میرزا حسین همدانی [و جهانگیرخان قشقائی[در خط هم نزد فتح اللّه جلالی خط نستعلیق را مشق نمود. او خطوط نسخ و نستعلیق را در کمال استادی می نوشت.

[شیدا در اصفهان به جمع مشروطه خواهان پیوسته و یار و همراه آنان بود. لذا در سال ۱۳۲۵ق به عضویت انجمن بلدیّه اصفهان در آمد و اوّلین شماره مجلّه «بلدیه اصفهان» را در پنج شنبه ۴ ذیحجه ۱۳۲۵ق منتشر کرد. پس از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی به دستور محمّدعلی شاه و دستگیری و کشتار مشروطه خواهان، شیدا هم از بیم جان مدّتی در خانه شیخ محمّدتقی آقانجفی پنهان شد. پس از یورش بختیاری ها به اصفهان و فتح این شهر به همراه آنان به تهران رفت و در فتح تهران شرکت داشت. چندی بعد به چهارمحال و بختیاری بازگشت و به منشی گری در دستگاه رضاقلی خان سردار ظفر بختیاری پرداخت. او پس از مدت کوتاهی آن کار را رها کرده و در اصفهان ساکن شد.]

در سال ۱۳۳۳ق در اصفهان انجمن ادبی دانشکده را تأسیس کرد که به انجمن شیدا معروف شد و قریب یکصد تن از شعرای اصفهان در آن انجمن حضور یافتند. این انجمن قریب ۱۴ سال ادامه یافت و شیدا در آن انجمن به ترویج شعر و ادب و تصحیح اشعار گویندگان پرداخت و در سال ۱۳۰۳ش مجله «دانشکده اصفهان» را برای نشر اشعار انجمن منتشر ساخت. [امّا پس از انتشار ۷ شماره به علت بیماری شیدا، مجله دانشکده از انتشار بازماند.

۹ سال بعد بار دیگر شیدا مجله «دانشکده اصفهان» را به صورت ماهانه منتشر کرد که آن هم بعد از انتشار ۵ شماره برای همیشه تعطیل شد.]

انجمن شیدا بعد از ۱۴ سال به عللی که یکی از آنها علّت مادی بود، تعطیل شد. شیدا

برای این انجمن همه ثروت و سرمایه مالی خود را صرف کرد. با این حال در اواخر عمر با ضعف مزاج و انواع امراض در فقر و تنگدستی به سر برد و چون دارای استغنای طبع و همت بلند بود هرگز زیر بار احسان دیگران نرفت [و از راه کتابت امرار معاش می نمود که آن هم در اواخر عمر به علت مطالعه زیاد و نگارش به ضعف باصره مبتلا شده و از کتابت بازماند و باقی عمر را به استغناء و صبر سپری نمود.]

او پس از یک عمر خدمت به علم و ادب در شب سه شنبه ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۶۹ق (مطابق ۲۳ اسفند ۱۳۲۸ش وفات یافته و در صحن تکیه سیّدالعراقین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

[بسیاری از شعرای اصفهان در رثای او شعر و ماده تاریخ گفته اند از جمله عبدالمجید اوحدی متخلص به «یکتا» این مادّه تاریخ را جهت او گفته است:

نوشت خامه «یکتا» ز بهر تاریخش «ز تاب جلوه معشوق داد دل شیدا»

شیدا کتاب «محرم نامه» که مجموعه ای از شعرهای شاعران اصفهان است را در سال ۱۳۴۲ق فراهم آورد که چاپ سنگی شد.

«دیوان شیدا» در سال ۱۳۷۹ش به کوشش مرید محمّدی در شهرکرد به چاپ رسید.

از اوست:

سرمست چون به بزم درآیی قدح به دست آهسته رو که شیشه عمرم به دست توست

عارف ز خانه سوی خرابات شد چو دید پیمانه سرخوش از تو و میخانه مست توست(۱)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۹۱-۲۹۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۸۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۳؛ تذکره الشّعراء عارفچه، ج۱، ص۱۱۸؛ دیوان شیدا: مقدمه؛ نامه سخنوران سپاهان، ج۲، صص ۹۱-۹۳؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، صص۲۰-۲۲ و ۲۷۲-۲۷۶؛ نگرشی بر مشروطیت اصفهان، صص ۱۷۹-۱۸۸؛ شرح مجموعه گل، صص ۴۱۱-۴۲۷؛ مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، صص ۷۷-۸۵.

عباس عشقی اصفهانی

عباس باباعلی خواجوئی متخلّص به «عشـقی» فرزند اسداللّه از شـعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۵ش متولّد شده، تحصیلات کمی کرده و بعدا به کسب و کار مشغول شد. از اعضاء انجمن ادبی پروانه بود و در شعر طبعی روان داشت.(۱)

[عشقی به سال ۱۳۰۳ش (مطابق سنگ نوشته مزارش) در اصفهان متولّد شده و از سن ۹ سالگی به کار تلاش برای امرار معاش پرداخت. او از ۱۶ سالگی به شعر و ادب روی آورد و سال ها زیر نظر اساتیـدی همچون میرزا عباس خان شیدا و محمّدرضا شمشیری (شکیب) به فراگیری فنون شعر و ادب اهتمام ورزید. به سال ۱۳۳۶ش به حاج شیخ محمّدحسن گنابادی ملقّب به «صالح علی شاه» و بعد از فوت او به فرزندش حاج سلطان حسین تابنده ملقّب به «رضاعلی شاه» دست ارادت داد. او در سال های آخر عمر در انجمن های ادبی مشتاق و حافظ شرکت می کرد. مجموعه اشعار او به عنوان «جلوه عشق» به چاپ رسیده است.(۲) عشقی در ۲۲ مرداد ۱۳۷۴ش وفات یافته و در قطعه نام آوران واقع در باغ رضوان اصفهان مدفون شد.(۳)]

از اوست:

شانه مویت به رخ آینه گون می ریزد یا که بهر دل ما طرح جنون می ریزد

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۳۴.

۲- بزم ادب، ص۳۱۶.

۳- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

تیغ ابروی تو را هر که ببیند داند خون صاحب نظران چشم تو چون می ریزد

عباس قمشه ای

عباس بن اسماعیل قمشه ای، از کاتبان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. در طهران ساکن بوده و در تاریخ دهم ربیع الاوّل سال ۱۲۶۱ق در مدرسه فخریه طهران، نسخه ای از کتاب «منهاج الهدایه» حاجی کلباسی را به خط نسخ نوشته است. نسخه به شماره ۷۳۷۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

عباس اصفهانی

عباس بن جعفر اصفهانی، [از فضلاء و ادبای اصفهان]، در کتاب «الوزراء و الکُتّاب» گوید که: دیدم به خط ابی علی احمد بن اسماعیل که نقل کرده بود از عباس بن جعفر اصفهانی که گفت عبدالحمید بن یحیی کاتب را می خواسته و با ابن مقفع رفیق بود و هر دو در یک خانه بودند. موقعی که مأمورین جهت گرفتن او به آن خانه وارد شدند گفتند: عبدالحمید کدامید؟ هر دو گفتند: من. از آن جهت که شما را به رفیق او ضرری نرسد» الخ.(۲)

عباس فریدنی

عباس بن جمال فریدنی، از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری بوده و در سال ۱۳۰۰ق نسخه ای از کتاب «ارشاد القاری» تألیف: مصطفی بن ابراهیم تبریزی را به خط

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص ۱۸۰.

۲- الوزراء و الکُتّاب، ص۵۴.

نستعلیق نوشته [است.] کتاب به شماره ۳۰۴۶ در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است.(۱)

عباس کرباسیون*

عباس کرباسیون فرزند حسن فرزند عباس، هنرمند توانای طرّاحی فرش و کاشی اصفهان در سال ۱۳۰۱ش در محلّه چهارسو علیقلی آقای اصفهان متولّد شد. پدرانش از معماران و بنّایان اصفهان بودند.

او تا ششم ابتدایی تحصیل کرد سپس به هنر طراحی روی آورد و مدّتی شاگرد حاج حسین مصورالملکی بود. آنگاه نزد استاد احمد ارچنگ طراحی فرش را فرا گرفت و از سن ۱۸ سالگی به طور مستقل به طراحی فرش و کاشی مشغول شد. او در طراحی از سبک های هنری کاشیکاری و فرش از طرح های سنّتی ایرانی پیروی می کرد و خصوصا در طراحی اسلیمی و خطائی زبردست بود.

طرح های کاشیکاری او در ده ها ابنیه مذهبی و اداری و تاریخی وجود دارد که می توان به برخی از آنها اشاره کرد:

۱. مرقد مطهر حضرت زینب (سلام اللّه علیها) در سوریه ۲. صحن حضرت ابوالفضل العباس در کربلا۳. حرم حضرت امام حسین علیه السلام۴. حرم مطهر امام رضا علیه السلام و صحن قدس۵. گنبد و محراب مسجد طباطبائی در قم۶. قسمتی از میدان نقش جهان۷. مسجد گوهرشاد مشهد۸. حسینیّه طوقچی اصفهان۹. حسینیّه عمادزاده اصفهان۱۰. مسجد الهادی اصفهان ۱۱. حسینیّه رضوی اصفهان ۱۲. مسجد سیّد اصفهان ۱۳. مسجد رحیم خان اصفهان ۱۴. سردر وزارت خارجه در تهران.(۲)

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش سوم، ص۱۲۶۶.

۲- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با مرحوم استاد کرباسیون در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۰ش؛ طراحان بزرگ فرش ایران، ص۲۶۵.

تعـدادی از طراحـان فرش و کاشـی اصـفهان از شـاگردان و دست پروردگـان او هسـتند. اسـتاد عبـاس کرباسـیون در ۹ خرداد ۱۳۷۱ش از دنیا رفت و در قطعه ۱۰ قبرستان باغ رضوان به خاک سپرده شد.

شیخ عباس مصباح دستگردی

حاج شـیخ عباس مصباح دستگردی فرزند ملّا حسین درویش بن محمّدعلی «آرستم»، عالم فاضل، واعظ خبیر و مفسر جلیل، از علمای [معاصر] اصفهان. در حدود سال ۱۳۲۸ق در قریه دسـتگرد برخوار اصفهان متولد شد و با تشویق آخوند ملّا عبدالکریم گزی و حاج میرزا محمّدرضا کلباسی به علوم دینی روی آورد.

مقـدمات را نزد حـاج میرزا رضـا کلباسـی فرا گرفت. سپس به اصـفهان آمـده و نزد [علمـای عالیقـدر] حـاج آقا جمال الـدّین خوانساری، سیّد آقاجان نوربخش، آقا شـیخ محمّدرضا محمودآبادی، حاج شیخ محمود مفید و آقا سیّد محمّدرضا خراسانی، مقدمات سـطوح را به همراه دروس منطق و حکمت فرا گرفت و آنگاه در درس خارج فقه و اصول [حضـرات آیات] آقا سـیّد عبداللّه ثقه الاسـلام، حاج میر سـیّد علی مجتهد نجف آبادی، آقا سـیّد مهدی درچه ای، حاج میر سـیّد علی بهبهانی و حاج آقا حسین خادمی حاضر شد.

او عـالمی عـادل و پرهیزگـار بود. نماز جماعت را در مسـجد پناهی و مسـجد امیرالمؤمنین در خیابان فروغی اصـفهان اقامه می کرد و به خواندن دعای کمیل نیز اهتمام داشت. گاهی نیز در دسـتگرد نماز جماعت را اقامه می نمود. سـرانجام در چهارشـنبه ۲۲ جمادی الاولی سال ۱۴۰۸ق در اصفهان وفات یافت و جنازه وی به زادگاهش منتقل و

در رواق غربی امامزاده ادهم دستگرد مدفون گردید.

او چندین کتاب و رساله تألیف نموده و به چاپ رسانده که از آن جمله است:

۱. «اربعین» یا «نورالیقین» ۲. «تعلیمات دینی»، وظیفه همگانی: برای عموم مکلفین به ویژه نوباوگان۳. «تعلیمات دینی» به اختصار و به زبان ساده۴. «جلوه حقیقت» در موضوع اصول عقاید۵. «جواهر العرفان» در تفسیر قرآن که ۷ جلد آن به چاپ رسیده و یک جلد آن آماده چاپ بوده است.(۱)

میرزا عباس خان ذوالفنون*

میرزا عباس خان ذوالفنون، سومین فرزند (دومین پسر) میرزا حسین خان بن آقانصراللّه خان بن میرزا محمّدخان، هنرمند و عتیقه شناس کم نظیر معاصر در سال ۱۲۶۲ش متولّد شد.

پدر و نیایش از مالکین و ساکنین «اسفرجان» و پدرِ نیایش از همراهان عالم مجاهد حاج ملاّ محمّدشفیع خوئی به اصفهان بوده که با فرزند رضاقلی بیگ بن محب علی خان (از حفاد فتحعلی خان اعتمادالدّوله داغستانی) ازدواج کرده است و همسر میرزا عباس خان، دخترزاده آقامیرزا محمّدجعفر محلّه نویی (حفید ملاّ محمّدشفیع) و داماد میرزا شکراللّه خان بن رضاقلی خان بن محمّدقلی بیگ بود.

میرزا عباس خان و دو برادرش میرزا نصراللّه خان و حاج میرزا اسداللّه خان از عتیقه شناسان و هنرآگاهان کشور بودند.(۲) میرزا عباس خان در اصفهان هنرکده ای تأسیس کرد که انواع صنایع دستی در آن تعلیم داده می شد که بعدا هرکدام از هنرآموزان آن از قبیل حاج میرزا آقا امامی، حاج میرزا محمّدعلی خان نقاش و حسین خوشنویس زاده

۱- ارشاد الناس در شرح حال شیخ عباس مصباح دستگردی: مخطوط؛ مزارات اصفهان، ص۲۱۶.

۲- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) .

از استادان نامی گردیدند. میرزا عباس خان جزو بزرگ ترین هنرمندان سوخت مُعَرَّق بود و برای ساختن آلیاژها و مایه خمیرهای مجسمه سازی آزمایش هایی انجام داد. همچنین وی در زمینه علم شیمی اطلاعاتی به دست آورد و برای رنگ سازی آزمایش هایی انجام داد.

او در سال ۱۳۰۹ش برای یک نمایشگاه بزرگ در انگلستان سردربی به سبک سردرب مسجد امام اصفهان بر روی پوست و کاغذ مخصوص کاشی کاری و نقاشی دوره صفویّه به صورت سوخت و معرّق تهیه و در محلّ ورودیّه نمایشگاه نصب نمود که تحسین و اعجاب هنرمندان و مقامات داخلی و خارجی را برانگیخت و در ایران به اخذ مدال درجه یک علمی نائل شد.

استاد ذوالفنون در روز شنبه اوّل بهمن ۱۳۲۸ش وفات یافت و در صحن تکیه بروجردی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

این آثار هنری بازمانده از پنجه های زبردست و قریحه خلّاق اوست:

۱. «قندیل» جهت آرامگاه فردوسی که در سال های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۷ش و براساس اشعار فردوسی در شاهنامه ساخته شد و مجسمه های فراوان از شکارگاه ها و سواران و در وسط آن مجسمه فردوسی دیده می شود. روی این مجسمه با مینیاتورکاری زینت یافته است.

۲. تابلویی با سوخت معرق که به مناسبت جشن های هزاره حکیم ابوالقاسم فردوسی تهیه شد و در کاخ موزه سلطنتی سابق در تهران موجود است.(۱)

۱- بوستان فضیلت، صص ۳۳۹-۳۴۲.

مرشد عباس زریری*

مرشـد عبـاس زریری فرزنـد حسـین از مشاهیر نقّالان و شاهنامه خوانان معاصـر اصـفهان در سال ۱۳۲۷ق (مطابق ۱۲۸۸ش) در محلّه مسـتهلک اصـفهان متولّـد شد. در کودکی بر اثر قحطی پدر و مادر و بسـتگان خود را از دست داد و برای امرار معاش به شغل های مختلفی روی آورد. در جوانی به نقّالی در قهوه خانه های اصفهان پرداخت و کم کم شهرت و مهارت زیادی یافت، تـا جایی که از شـهرهای دیگر برای شاهنامه خوانی از او دعوت می شـد. او روایات نقالان قـدیم از شاهنامه و سایر کتاب های اساطیری ایران را که سـینه به سـینه به دوره او رسیده بود از حفظ داشت و با بیانی گیرا و جذّاب در جمع کثیر مستمعین حاضر در قهوه خـانه ها با حرکات دست و پا و عصا روایت می کرد و صـحنه های رزم و بزم را برای حاضـرین مُجَسّم می ساخت. از داسـتان هـای زیبـای شاهنـامه رزم رسـتم و سـهراب بود که در نقـالی به سـهراب کشان ختم می شـد و پس از بیان آن، مرشـد شاهنامه خوان به ماجرای عاشورا و شـهادت جوان رعنای امام حسـین علیه السـلام حضرت علی اکبر علیه السلام گریز می زد و مجلس را به گریه می آورد.

مرشـد عباس طومارهایی از روایت نقّالان قـدیم از داسـتان های شاهنامه گردآوری کرده بود که از میان آنها «داسـتان رسـتم و سهراب» با تصحیح و ویرایش دکتر جلیل دوستخواه، ادیب و شاهنامه پژوه معاصر، در سال ۱۳۶۹ش به چاپ رسید.

مرشد عباس در ۳۰ تیر ۱۳۵۰ش در سن ۶۲ سالگی در اصفهان درگذشت و در تکیه زرگرها در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد. بر سر مزار او بقعه کوچکی بنا کردند.(۱)

۱- داستان رستم و سهراب، روایت نقّالان: مقدمه، صص چهارده چهل و سه؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

عباس مافَرّوخی

عباس بن حمدان بن عباس بن مافرّوخ (مافروخی) مدینی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] از ابراهیم بن ناصح، احمد بن مهدی، احمد بن یونس، نضر بن هشام و یونس بن حبیب روایت نموده و حسین بن محمّد بن علی زعفرانی از او نقل حدیث کرده است.(۱)

عباس حنفی اصفهانی

ابوالفضل عباس بن حمدان بن محمّد بن سلم حنفی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] او را از جمله راویان ثقه و از صلحاء عهد خویش دانسته اند.

قاضی ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم عسال، طبرانی و عبدالجبار بن علاء از او نقل حدیث کرده اند و خود او از حاتم بن بکر صیرفی، و محمّد بن خالد بن خداش و یوسف بن محمّد بن سابق روایت کرده است. کتاب «مسند» را تألیف کرده و در جمادی الآخر سال ۲۹۴ق در اصفهان وفات یافته است.(۲)

عباس قمی

عباس بن حیدر قمی اصفهانی از فضلای قرن یازدهم هجری است. از آثار او:

۱. «شرح الفوائد الغیاثیه» در بلاغت به عربی که در سه دهه اوّل جمادی الثانی ۱۰۸۵ق از شرح کتاب فراغت یافته و به شماره ۳۲۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۲؛ اللباب، ج۳، ص۱۵۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۱؛ طبقات المحدّثین، ج۴، صص ۲۳۶ و ۲۳۷.

۳- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۱.

(۱) «دُرَرُ الأسرار فی تَعدُّد فرق اته النّبی المختار» در اعتقادات به عربی که در ۶ شوال ۱۰۶۹ق آن را به پایان رسانده است و به شماره ۷۲۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

همچنین صاحب عنوان در ۶ جمادی الاوّل ۱۰۶۳ق نسخه ای از کتاب «التبصره فی علم الهیئه» تألیف ابوبکر محمّد بن احمد بن ابی بشر مروزی را به خط نستعلیق نوشته و میکروفیلم آن ضمن مجموعه ای در دانشگاه طهران موجود است.(۳)

عباس بهشتیان

عباس بهشتیان [فرزند حیدرعلی]، فاضل ارجمند، عضو انجمن آثار ملی، مؤلف «بخشی از [گنجینه] آثار ملی» و غیره. فوت ۱۴۰۸ق مدفون در تکیه میر در تخت فولاد.(۴)

[وی در سال ۱۳۰۵ش در محلّه دومنار دردشت اصفهان به دنیا آمد. پدرش از اهالی ریز (زرین شهر کنونی) بود. بهشتیان در مدرسه قدسیه به تحصیل پرداخت. او برای امرار معاش به کشاورزی و باغداری مشغول شد و اغلب اوقات را به تحقیق و جستجوی آثار تاریخی اصفهان و نوشتن و مطالعه کتاب گذراند.

او عاشق اصفهان بود. کوچه ها و محله های شهر را قدم به قدم کاویده بود و برای آگاه کردن مردم و مدیران شهری و جلوگیری از تخریب و انهدام خانه ها، کاروانسراها، حمام ها، تیمچه ها، زورخانه ها، عصاری ها، زیارتگاه ها و... خون دل می خورد، نامه نگاری می کرد، اعتراض می کرد و تا رسیدن به مقصود و حفظ آن آثار از پای نمی ایستاد. شجاعت و جسارت او به قدری بود که از هیچ قدرتی پروا نداشت و برای

۱- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۶۶۹.

۲- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۱۵.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۶۶۹.

۴- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱۱.

حفظ آثار تاریخی همه گونه سختی را به جان می خرید. او از اعضای فعّال انجمن آثار ملی اصفهان بود و بارها هم قدم با استاد فقید سیّد مصلح الدّین مهدوی و مرحوم دکتر هنرفر به جستجو و شناسایی آثار تاریخی ناشناخته اصفهان پرداخت.

از اقدامات ارزنده او بررسی و ارائه اسامی قدیمی گذرها، میدان ها، محلّه ها و ابنیه تاریخی اصفهان بود که اغلب مورد استفاده شهرداری اصفهان قرار گرفت. همچنین پیگیری مرمّت و احیای مزار صائب تبریزی و بازار بلند و چند اثر تاریخی دیگر و جلوگیری از رفت و آمد اتومبیل از پل های تاریخی زاینده رود از دیگر فعالیّت های اوست.

بهشتیان در بین چهره های فرهنگ و ادب اصفهان محبوبیّت فراوانی داشت و با اغلب آنان از جمله: صغیر، شکیب، الفت، سپنتا، تاج اصفهانی، قدسی و خاکشیر مصاحبت و معاشرت می نمود. وی در روز ۱۱ اسفند ۱۳۶۶ش بدرود حیات گفت و بنا به وصیت خودش در صحن تکیه میر در تخت فولاد به خاک سپرده شد.

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «بخشی از گنجینه آثار ملّی»۲. «تاریخ تخت فولاد»۳. «عصارخانه های اصفهان»۴. «کبوترخانه های اصفهان»۵. «آثار باستانی گمنام اصفهان».(۱)]

عباس احمدی

عباس احمدی شاپورآبادی فرزند رجبعلی از شعرای معاصر اصفهان [در پنجم اردیبهشت ۱۳۲۴ش در روستای «شاپورآباد» برخوار اصفهان متولد شد. از ۱۵ سالگی به سرودن شعر پرداخت که اغلب در باب مضامین اجتماعی، مذهبی و اخلاقی است. او

۱- یادنامه عباس بهشتیان؛ دولت دیدار، صص ۱۰۶-۱۱۵؛ معماران و مرمت گران سنتی اصفهان، صص ۱۲۲-۱۳۰؛ نادره کاران، ص۶۵۴؛ دانشنامه تخت فولاد اصفهان، ج۱، صص ۳۲۴ و ۳۲۵.

سـال ها به عنوان کارمنـد دانشـگاه علوم پزشـکی اصـفهان صادقانه خـدمت کرد. گاهی در انجمن های ادبی اصـفهان از جمله انجمن حافـظ شـرکت می کرد. او نام خانوادگی خود «احمـدی» را برای تخلّص خود برگزیـده بود. وی سـرانجام در ۲ خرداد ۱۳۸۶ش وفات یافت و در قطعه نام آوران در قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

کتاب ها و منظومه های زیر از اوست:

۱. «آیینه انقلاب» منظوم۲. «آیینه حج» منظوم۳. «بیوگرافی منظوم سرداران شهید استان اصفهان»۴. «ترجمه منظوم نهج الفصاحه»۵. «تخت فولاد در شعر فارسی»۶. «جلوه نماز در شعر فارسی» (چاپ شده است) ۷. «خاطرات منظوم جبهه» در ۲ جلد۸. «دائره المعارف شعراء و عرفای استان اصفهان»۹. «زاینده رود در شعر فارسی» (چاپ شده است) ۱۰. «سفرنامه منظوم» ۱۱. «نظم اللئالی» که ترجمه منظوم کلّ قرآن مجید است. ۱۲. «همگام با پیامبران» یا «قصص قرآن» (چاپ شده است) .

از اوست:

همچو پروانه گرد شمع شب ها سوختم تا الفبایی ز درس عاشقی آموختم

در بطالت عمر خود را طی نکردم روز و شب در خراب آباد دل گنجینه ای اندوختم

روز و شب مانند نی نالیدم از سوز فراق تا که در نیزار دل ها آتشی افروختم(۱)]

شاه عباس صفوی*

شاه عباس اوّل، فرزند سلطان محمّد خدابنده صفوی و پنجمین پادشاه سلسله

۱- هفته نـامه صـدا، سال هفتم، شـماره ۳۰۷، شنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۸۵ش، ص۶؛ تذکره شعرای استان اصـفهان (ویرایش دوم) ، ص۴۱.

صفویّه، در اوّل رمضـان ۹۷۸ق در هرات به دنیا آمـد. در دوره کودکی اسـما حکومت خراسان را داشت. مرشد قلی اسـتاجلو، حاکم تربت حیدریّه، او را تحت حمایت خود گرفت و در ذیقعده ۹۹۶ق وی را به عنوان شاه عباس در قزوین به تخت سلطنت نشاند و پدرش، سلطان محمّد خدابنده، را برکنار و زندانی کرد.

شاه عباس پس از سرکوب سـران یاغی قزلباش، در سال ۹۹۸ق بـا دولت عثمانی صـلح کرد و به خراسان تاخت و ازبک ها را که خراسان را عرصه تاخت و تاز خود کرده بودند شـکست داد و عقب نشاند. آنگاه در سال ۱۰۰۰ق پایتخت دولت صفویّه را از قزوین به اصفهان منتقل و با دعوت از کارشناسان نظامی انگلیسی (برادران شرلی) ارتش ایران را به سلاح های جدید مجهز کرد. وی در سال ۱۰۱۱ق با دولت عثمانی وارد جنگ شد و سـرزمین های اشغالی ایران و قسمت عمده ای از عراق عرب را به تصـرّف خود درآورد. پس از آن، سپاه ایران به فرمانـدهی اللهوردی خـان بـا اشـغالگران پرتغـالی که بنادر جنوبی ایران را در تصـرّف خود داشتند وارد جنگ شد و آنان را در سال ۱۰۲۳ق از بندر گمبرون (بندرعباس) و در سال ۱۰۳۱ق از جزیره هرمز بیرون راند.

در آن زمان اصـفهان، پایتخت صـفویه، به اوج شـهرت و رونق رسید. در زمان شاه عباس میدان نقش جهان، مسجد شیخ لطف اللّه، کاخ عالی قاپو، بازار قیصـریه، پل اللهوردی خان و ده ها مـدرسه و مسـجد و بنای دیگر ساخته شـد. شاه عباس برای رونق دادن به صـنعت و تجارت در اصفهان ارامنه را از ارمنستان، که مورد حمله عثمانی ها بود، به اصفهان انتقال داد و محلّه جلفای نو را برای اقامت آنان بنا کرد. همچنین تبریزیان را که در فنون زرگری و صـنایع ظریفه اسـتاد بودنـد به اصـفهان منتقل و محلّه تبریزآبـاد (عبـاس آبـاد) را برای آنـان احـداث کرد. در آن دوره، هنـد و ماوراءالنهر و بسـیاری از کشورهای اروپایی در ایران تجارتخانه و نمایندگی سیاسی داشتند. شاه عباس به

بازسازی راه های اصلی کشور پرداخت و ده ها کاروانسرا در مسیر این راه ها بنا کرد.

شاه عباس دوستدار علم و فرهنگ بود. به تشویق او بسیاری از علمای جبل عامل، عراق عرب و شهرهای مختلف ایران به اصفهان آمدند و ده ها مدرسه علمیه بنا شد و فقه، اصول، کلام، ادبیات، حکمت و عرفان رونق گرفت و روحانیون مناصبی مانند صدارت و شیخ الاسلامی را به دست آوردند. شاه عباس به هنرمندان و شعرا ارج می نهاد. علیرضا عباسی و صادقی افشار و بسیاری از ادبا و فضلا در کتابخانه سلطنتی به فعالیت های ادبی و هنری مشغول بودند.

شاه عباس احترام و ارادت زیادی برای علما و سادات قائل بود و برای مرمّت و توسعه آستان قدس رضوی و بقاع متبرکه هزینه می کرد و پای پیاده به مشهد مقدّس می رفت، با این حال مردی سخت گیر و بی رحم بود. او پدر خود را محبوس کرد، دو تن از برادران خود را نابینا ساخت، پسر ارشد خود، صفی قلی میرزا، را از سر بدگمانی به قتل رساند و در حمله به گرجستان بیش از ۷۰۰۰۰ نفر از گرجیان را قتل عام کرد. در سراسر سلطنت او بساط شکنجه های وحشیانه و زجر و آزار برپا بود.

شاه عباس در ۲۴ جمادی الاولی ۱۰۳۸ق پس از ابتلا به یک بیماری سخت در شهر اشرف مازندران درگذشت و ظاهرا در مقبره حبیب بن موسی در کاشان مدفون شد.(۱)

شاه عباس گاهی شعر می سرود. این بیت از اوست:

نه ز هر شمع و گلم چون بلبل و پروانه داغ یک چراغم داغ دارد یک گلم در خون کشد(۲)

۱- دائره المعارف فارسی (مصاحب) ، ج۲، ص۱۶۶۰؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۲، صص ۱۲۲۲ و ۱۲۲۳؛ صفویه از ظهور تا زوال، صص ۱۷۹-۲۸۷. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: نقاوه الآثار؛ تاریخ عالم آرای عباسی؛ محافل المؤمنین؛ زندگانی شاه عباس اوّل.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۱ و ۱۲؛ منتخب اللطایف، صص ۴۵۱ و ۴۵۲.

عباس کاظمی

عباس کاظمی کبوترآبادی فرزند محمّدصادق، شاعر و ادیب و موسیقی دان معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۰ش در اصفهان متولّد شده [و از نوجوانی به شعر و موسیقی روی آورد. او نی را از استاد حسین یاوری و آواز را از میرزا علی قاری آموخت و در کنار آن به فراگیری ردیف ها و گوشه های موسیقی ایرانی پرداخت.] گاهی نیز شعر می سرود. [او در ۱۵ فروردین ۱۳۸۱ وفات یافته و در قطعه نام آوران در گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.]

از اوست:

دوش از میخانه دل عزمش سوی گلزار بود جام بر کف مست و شیدا با بُتی عیّار بود

بلبلی را دید بر شاخ گلی مسکین صفت بینوا اندر درونش ناله های زار بود(۱)

عباس غازی اصفهانی*

عباس غازی اصفهانی، فرزند صفرعلی، هنرمند موسیقی دان معاصر در سال ۱۲۹۹ش در اصفهان متولّد شد. در جوانی به فراگیری موسیقی و نواختن نی پرداخت و از اساتید فن خصوصا استاد حسین یاوری بهره برد. وی با هنرمندانی چون اصغر سامع، عباس مدینه ای و نکوزاده همکاری داشت. استاد غازی علاوه بر نواختن نی، گوشه ها و ردیف های موسیقی ایرانی را خوب می شناخت و در سرودن شعر، خوشنویسی و عتیقه شناسی مهارت به سزایی داشت.(۲) وی در روز ۱۷ اسفندماه ۱۳۸۵ش بدرود

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۸۵؛ تذکره شاعران نانوا، ص۳۲۱؛ چهره افروختگان خطه زنده رود، ص۱۴۶.

۲- چهره افروختگان خطه زنده رود، ص۱۴۴.

حیات گفت و در قطعه هنرمندان واقع در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

شاه عباس دوّم صفوی*

شاه عباس دوّم، فرزند شاه صفی بن محمّدباقر میرزا (صفی میرزا) بن شاه عباس اوّل، هفتمین پادشاه صفویه است. او در جمادی الثانیه سال ۱۰۴۳ق متولّد شد و در ماه صفر ۱۰۵۲ق در حالی که کمتر از ۱۰ سال داشت، پس از مرگ پدر به تخت پادشاهی ایران تکیه زد.

در آغاز سلطنت چون هنوز به سن رشد نرسیده بود، ظاهرا تحت نفوذ و تربیت وزرا یک چند، تقوی و درستی نشان داد و میخوارگی را منع کرد. امّا وقتی به سن رشد رسید، خود در عشرت و میخوارگی افراط نمود. او میل زیاد داشت که همچون جدّ خود شاه عباس به آبادانی و عمران کشور بپردازد. در دوران سلطنت او ابنیه و کاخ های متعددی (از جمله کاخ چهلستون اصفهان و پل شاهی = پل خواجو) ساخته شد. رفتار او با شاهزادگان اُزبک که به دربار او پناه آوردند، همراه با جوانمردی و بزرگواری بود.

در سال ۱۰۷۵ق (۱۶۶۴م) در زمان آلکسی میخایلوویچ، امپراطور روسیه و پدر پطر کبیر، هیأتی با ۸۰۰ نفر و دو مأمور سیاسی به ایران آمدند و مورد استقبال دربار صفویه قرار گرفتند امّا وقتی معلوم شد آنان برای فرار از مالیات، از پوشش مأمورین سیاسی استفاده کرده اند، از دربار اخراج شدند. امپراطور روسیه از این واقعه خشمگین شد و به دستور او عده ای از لشکریان روس به مازندران تاختند و به قتل و غارت پرداختند، امّا سربازان صفویه آنها را از آنجا بیرون راندند. فرانسه هم به دربار ایران سفیر فرستاد که مورد استقبال دربار صفوی واقع شد. مورّخان و سیّاحان اروپایی رفتار شاه عباس نسبت به نمایندگان سیاسی، تُجّار و عیسویان را همراه با مدارا و احترام دانسته و او را

ستوده اند.

شاه عباس چند بار (در سال های ۱۰۵۹، ۱۰۶۴ و ۱۰۶۸ق) بر سر قندهار با لشکریان پادشاه هند جنگ کرد و جز ۶ ماه (در سال ۱۰۶۸ق) که قندهار در تصرّف هندیان بود، همواره فاتح بود. شاه جهان، پادشاه هند، در سال ۱۰۵۶ق سفیری برای ایجاد روابط دوستی نزد شاه عباس فرستاد و او نیز در ۱۰۷۵ق به همین منظور سفیری به دربار اورنگ زیب روانه کرد.

شاه عباس دوم به شعرا و علما احترام می گذاشت و آنان در دولت او دارای جایگاهی بلند بودند. خود او هم اهل شعر و ادب بود. گاهی شعر می سرود و «ثانی» تخلّص می کرد. وی سرانجام در شب سه شنبه ۲۵ ربیع الاوّل ۱۰۷۷ق در بازگشت از خراسان، زمانی که به خسروآباد دامغان رسیده بود بر اثر بیماری درگذشت و در مقبره پدرش (جنب مرقد مطهر حضرت معصومه (سلام اللّه علیها)) مدفون شد. کتیبه های این بقعه از استاد محمّدرضا امامی است.(۱)

این شعر از اوست:

به یاد قامتی در پای سروی گریه سر کردم چو مژگان برگ برگش را به خون دیده تر کردم(۲)

میرزا عباس نحوی

آقامیرزا عباس نحوی فرزند میرزا عبدالجواد بن میرزا عبدالحسین بن محمّدتقی بن

۱- دائره المعارف فارسی (مصاحب) ، ج۲، صص ۱۶۶۰ و ۱۶۶۱؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۲، صص ۱۲۲۴ و ۱۲۲۵؛ صفویّه از ظهور تا زوال، صص ۲۹۸-۳۴۱ و بنگرید به: قصص الخاقانی، خلد برین (ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم) ؛ عباس نامه.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۳؛ تذکره شمع انجمن، ص۴۶۶؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۱، صص ۴۶۴ و ۴۶۵؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص ۳۴۰.

حاج محمّدحسین نایب الصدر بن آقا محمّدجعفر هرندی اصفهانی، ادیب فاضل، از بنیان گذاران فرهنگ جدید در اصفهان در قرن چهاردهم هجری در سال ۱۳۰۰ق در اصفهان متولّد شده، [تا ۲۵ سالگی نزد اساتید علوم قدیمه به تحصیل ادبیات، نحو، صرف، منطق، معانی و بیان، بدیع، فقه و اصول مشغول بود که از آن جمله است آخوند ملّا عبدالکریم گزی.

او در آغاز جوانی در مدرسه قدسیه تدریس را آغاز کرد و سپس مدرسه دیانت را با همکاری عموزاده اش، عبدالرسول نحوی، تأسیس کرد. او چندین سال مدیریت دبستان های شهشهان، فردوسی، حکیم نظامی و عصر پهلوی را برعهده داشت و سال ها در دبیرستان های سعدی و صارمیه و دانشسرای دختران و پسران تدریس کرد. مدّتی هم ریاست تحقیق اوقاف و کفالت اداره فرهنگ استان دهم را برعهده داشت.]

او یک سال قبل از فوت از فعالیت های فرهنگی بازنشسته شده و در شب ۴ جمادی الثانیه ۱۳۷۱ق [مطابق آذرماه ۱۳۳۰ش] وفات یافت و در تکیه مجاور تکیه ملک در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.

از آثار او کتابی در صرف و نحو [به نام «تلخیص الصّرف»] و کتابی در شرعیات است که جهت محصّلین مدارس تألیف نموده و هر دو به طبع رسیده است. همچنین رساله مختصری در «شرح حال نحوی های هرندی» نوشته است.(۱)

استاد عباسِ عبدالرحیم*

استاد عباس فرزند استاد عبدالرحیم، از حجّاران هنرمند قرن چهاردهم هجری است. ظاهرا از اهالی محلّه بیدآباد بوده است. او نقوش گل و بتّه و شکل فرشته و نقوش

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۴۴ و ۴۴۵؛ نشریه اداره فرهنگ استان دهم، شماره ۱۱، ص۱۷؛ آیین فرزانگی، صص ۷۰-۷۳.

هندسی و اسلیمی را با ظرافت و مهارت قابل توجّهی بر روی سنگ حجّاری و آثار زیبا و هنرمندانه ای را خلق می کرده است.

برخی از آثار او که در تخت فولاد اصفهان مشاهده شده اند عبارتند از:

۱. حجاری سنگ قبر مرمر حسین شهناز در سال ۱۳۱۸ه.ش.

۲. حجاری سنگ قبر حاج محمّدحسن بنکدار در سال ۱۳۴۲ق با رقم «عمل استاد عباس ولد استاد عبدالرّحیم حجار».

۳. حجاری سنگ قبر استاد مهدی زادهوش، در سال ۱۳۲۴ه.ش با رقم «عمل استاد عباس ولد استاد رحیم».(۱)

عباس سالاری*

عباس سالاری، فرزند عبدالعلی، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۲۲ش در روستای «اسفه سالار» شهرضا متولّد شد. در کودکی با خانواده به آبادان رفت و تحصیلات ابتدایی و سیکل را در آنجا به اتمام رساند. سپس در شهرضا تحصیلات در مقطع متوسطه را تا اخذ دیپلم ادامه داد. در سال ۱۳۴۶ش به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در مدارس شهرضا تدریس آغاز کرد. او از نوجوانی به سرودن شعر پرداخت و برخی از اشعارش در مطبوعات چاپ شد. در شعر «سالاری» تخلّص دارد.(۲) از آثار او «مرآت صفا» (دیوان اشعار) و «شیفتگان وصال» (مجموعه اشعار مدح و مرثیه چهارده معصوم علیهم السلام) به چاپ رسیده است.

این شعر از اوست:

ما زورق شکسته دریاچه غمیم آماج بی قراری طوفان عالمیم

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- مرآت صفا: مقدّمه؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص ۳۶۰.

در دشت بی کران بلاخیز روزگار پیوسته ما شمع بلادیده با همیم

بر ما مگیر خرده که در سنگلاخ دهر مردانه بر ادامه این ره مصمّمیم

استاد عباس بانی*

استاد عباس بانی، فرزند استاد عبداللّه معمار، از معماران و مرمّت گران آثار تاریخی اصفهان در عصر حاضر در حدود سال ۱۲۵۱ش در اصفهان متولّد شد و از نوجوانی نزد پدر حرفه معماری را به خوبی آموخت و در ردیف اساتید زبردست درآمد. پس از تأسیس بلدیه (شهرداری) اصفهان مسابقه ای برگزار شد و هرکس می توانست در ابتدای خیابان کمال اسماعیل فعلی یک ایوان بنا کند که در بالای آن یک قطاربندی به سبک صفوی باشد برتر شناخته می شد. استاد بانی این کار را به نحوی شایسته انجام داد و به عنوان نفر نخست این مسابقه برگزیده شد. درنتیجه پادگان سازی برای ارتش در اصفهان و خیابان کشی و شهرسازی به وسیله شهرداری اصفهان به او محوّل شد.

از جمله اقدامات قابل ذکر او معماری هتل شاه عباس اصفهان، معماری ساختمان بی بی زینب (مزار زینبیه) اصفهان، بازسازی مسجد آب بخشان (شهداء) ، مرمت و بازچینی گنبد چهارسو شاه (یکی از زیباترین گنبدهای بازار از لحاظ آجرچینی و شکل های هندسی) که با وجود ضعف در بینایی، با لمس دست، طرازبندی گنبد و طرح های هندسی را به انجام رسانید، و همچنین افزودن ۶ دهانه به دهانه های پل جویی و تعمیر و بازسازی منارجنبان اصفهان بود.

وی سرانجام در سال ۱۳۵۳ش وفات یافت و در تکیه گلزار واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.(۱)

۱- هفته نامه نسل فردا، سال نوزدهم، شماره ۳۵۷۲: دوشنبه ۳ آبان ۱۳۸۹ش. مقاله آقای مهدی نجار اعرابی، ص۵.

حاج عباس بیاض

حاج عباس بیاض، فرزند عبدالوهاب، از هنرمندان فلزکار و علامت ساز اصفهان در قرن چهاردهم هجری در اصفهان متولّد شد. او در ساختن اشکال پرنده و حیوان از فلز که در علامت استفاده می شد مهارت داشت. او ابتدا در بازار دواتگرها و سپس در کاروانسرای فخر و در اواخر عمر در منزل به علامت سازی مشغول بود. او مدتی در کار علامت سازی با حاج طاهر و حاج محمّدحسن از علامت سازان زبردست اصفهان همکاری می کرد.

او سرانجام در ۱۴ صفر ۱۳۸۰ق در حدود ۹۵ سالگی وفات یافت و در قبرستان فاضلان واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

سیّد عباس صفی دهکردی

آقا سیّد عباس صفی دهکردی بن سیّد علی بن سیّد محمّدتقی حسینی دهکردی، عالم عابد فاضل کامل در سال ۱۳۰۴ق در قریه «اشکفتک» در یک فرسنگی شهرکرد متولّد شد. پدرش از علمای محل و مورد احترام عموم اهالی چهارمحال بود.

سیّد عباس مقدمات را نزد آقا جلال الدّین بت شکن دهکردی خواند. سپس به اصفهان آمد و نزد [علمای عالیقدری چون] آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، جهانگیرخان قشقایی، آقا شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی، حاج شیخ عبدالحسین محلاتی و آخوند ملّا محمّد کاشانی به تحصیل فقه و اصول و منطق و ادبیات و کلام و حکمت پرداخت و در طب نیز نزد حاج میرزا محمّدباقر حکیم باشی حاضر شد و از اساتید خود و مراجع نجف اشرف به دریافت اجازات روایتی و اجتهاد

۱- دانشنامه تخت فولاد، ج۱، ص۳۳۰؛ تخت فولاد (شفیق) ، ص۴۶؛ مجله میراث جاویدان، سال پنجم: شماره ۳ و ۴، ص۲۳۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

مفتخر گردید.

[او سال های طولانی در مدرسه جده بزرگ اصفهان به تدریس دروس سطح و فلسفه و رجال و درایه مشغول بود و شاگردان بسیاری تربیت کرد.] آن مرحوم در مسجد یزدآباد و مسجد کرمانی اصفهان به اقامه نماز جماعت می پرداخت. سرانجام در ذی القعده ۱۳۹۴ق وفات یافته و در صحن تکیه سیّدالعراقین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

عباس اسپه پور*

عباس اسپه پور، فرزند علی بن عباس خان بن غلامعلی خان بن علی بن غلامحسین خان بختیاری، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۵ش متولّد شده. وی در انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن حافظ شرکت نموده است. از اوست:

سحر از جانب حق آن مه تابان آمد روشنی بخش جهان نور دل و جان آمد

جلوه ایزد یکتا به جهان کرده طلوع آنکه مهرش همه آفاق گرفت آن آمد(۲)

میرزا عباس خان صفاءالسلطنه

میرزا عباس خان صفاءالسلطنه [فرزند میرزا علی خان صفاءالسلطنه (مشتاقی) بن ملّا میرزا محمّدهادی راثی نائینی اصفهانی] شعر نیکو می سروده و یکصد و پانزده سال عمر کرده و در حدود سال ۱۳۵۸ق در طهران وفات یافته و در قم مدفون گردید.(۳)

۱- شناخت سرزمین چهارمحال و بختیاری، ج۲، ص۴۴۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۲۱ و ۳۲۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۴؛ شرح مجموعه گل، صص ۲۳۳-۲۴۰.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۵۳.

۳- بیان المفاخر، ج۱، ص۳۴۳؛ تاریخ نائین، ص۱۷۵؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۴۴۳؛ تذکره سخنوران نائین، ص۷۴؛ نائین بلده طیبه، صص ۱۰۹ و ۱۱۰.

[صفاءالسلطنه ثانی، در سال ۱۲۸۲ق در تهران متولّد شد. در جوانی در خدمت پدر، به مشاغل دولتی پرداخت. در سال ۱۳۰۱ منصب خلاصه نویسی عرایض متظلّمین به او تفویض شد و همچنان به خدمات انشاء مشغول بود و تا سال ۱۳۱۷ق سررشته دار توپخانه شد. در سال ۱۳۱۸ق با پدر خود به زیارت عتبات رفت. در مراجعت پس از مرگ پدر ملقب به لقب پدر خود گردید و در وزارت خانه امور خارجه به سمت منشی گری مشغول کار شد. وی شعر می گفت و نستعلیق را خوش کتابت می کرد.(۱) به ادبیات فارسی مسلط بود و به زبان فرانسوی آشنایی داشت. در شعر «صفا» تخلّص می کرد و «دیوان اشعار»ی دارد.(۲)

از آثار خطوط او «دیوان مشتاقی» (دیوان پدر خود) که در سال ۱۳۲۲ق و قسمتی از «حدائق السحر» که در سال ۱۳۲۱ق در تهران چاپ سنگی شده است.(۳)

این شعر از سروده های اوست:

ز نارت نورم اندر دیده آمد سرورم در دل غمدیده آمد

ز دشنامت نرنجیدم ولیکن ز هر نیت دلم رنجیده آمد(۴)]

درویش عباس گزی*

درویش عباس گزی متخلّص به «جزی» فرزند علی اُلیك از شعرای قرن سیزدهم هجری در سال ۱۲۶۴ق در قریه «گز» از توابع «بُرخوار» اصفهان متولّد شد. وی در ۷ سالگی به مکتبخانه رفت و نزد ملاّ عبداللّه گزی تحصیل کرد اما به علت فقر ترک

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۳۴۳.

۲- تربت پاکان قم، ج۲، ص۱۷۵.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۳۴۳.

۴- تراجم الرجال، ج۱، ص۲۶۳.

تحصیل کرده همراه پدر به مُقنّی گری پرداخت و در کنار آن به مطالعه مشغول شد. در سال های نوجوانی به سرودن شعر پرداخت. وی در جوانی به دراویش گز پیوسته و به خانقاه آنان رفت و آمد نمود. او سرانجام در سال ۱۳۲۳ق وفات یافته و در زاویه شرقی بقعه شاه نعمت اللّه در روستای گز مدفون شد. اغلب اشعارش به لهجه محلّی گزی (از لهجه های مرکزی ایران و معروف به «بِشِه بوره») سروده شده است. منتخبی از غزلیات با زبان محلّی که از کتاب «ارشاد الولد» درویش عباس انتخاب شده است به عنوان غزلیات درویش عباس گزی (به لهجه گزی) در سال ۱۳۷۱ش به چاپ رسیده است.(۱) اشعاری هم در هزل و هجو داشته که هنوز چاپ نشده است.

میرزا عباس شیخ الاسلام

آقا میرزا عباس بن حاج میرزا علی اکبر شیخ الاسلام [از علماء و خطبای اصفهان در قرن چهاردهم هجری] در اصفهان متولّد گردیده و نزد جمعی از علماء و مدرّسین این شهر تحصیل نموده تا فردی فاضل و کامل گردید و سپس به وعظ و ارشاد پرداخت. [او] چون صدایی گیرا و آهنگی دلنواز داشت و در ذکر مصیبت و موعظه نیز مهارت و استادی یافته بود مورد توجه و علاقه عموم مستمعین بود.

[سرانجام] قبل از سال ۱۳۷۰ق در اصفهان وفات یافته، در اطاقی مخصوص در تکیه شیخ مرتضی ریزی [در تخت فولاد] مدفون گردید.(۲)

۱- غزلیات درویش عباس گزی: مقدمه؛ فرهنگ و تاریخ گز برخوار، صص ۱۲۱-۱۲۳.

۲- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص ۱۸۰.

مرشد عباس نثارعلی*

مرشـد عباس ملقب به «نثارعلی» فرزنـد علی همت، از عرفای اصـفهان در عصـر حاضـر در اصـفهان متولّـد شد. او مرید مرشـد حسـین لُبنانی (سـروعلی شاه) از عرفای سلسـله خاکسار جلالی بود. او از نقالان و پرده خوانان قدیم اصفهان بود و مجال نقل و شاهنامه خوانی او در قهوه خانه حاج رضا سنگتراش در کوی نارون [خیابان طالقانی] اصفهان مورد توجه مردم بود.

وی در سال ۱۳۴۸ش وفات یافته و در قبرستان بزرگ جنب مصلای تخت فولاد مدفون شد.(۱)

میرزا عباس فایض شمس آبادی

حاج میرزا عباس سـهیلیان شمس آبادی متخلّص به «فایض» فرزند محمّدعلی سهیلی، عالم فاضل و ادیب شاعر [از دانشمندان و سخنوران معاصر] در سال ۱۳۰۸ق در محله «شـمس آباد» واقع در شمال شهر اصفهان متولّد شد. [پدرش تاجر بوده و طبع شعر داشـته است. فایض در اصـفهان نزد جمعی از علماء عالیقدر همچون جهانگیرخان قشقایی، میر سیّد علی نجف آبادی، آقا سیّد مهدی درچه ای، سـیّد محمّدباقر درچه ای و حاج آقا رحیم ارباب به تحصیل پرداخت و در فنون ادب و فقه و اصول و منطق و حکمت مهارت یافت. بسـیاری از فضـلاء و شـعراء از خرمن فضل و ادب او خوشه برگرفته انـد. در ادبیات اسـتادی مسلّم و در شعر صاحب قریحه ای وقّاد بود. او شاعری روشن ضـمیر بود که عمر را به اسـتغناء و پرهیز از شهرت و و زخارف دنیوی سپری نمود.]

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آقای فتح اللّه نثارعلی فرزند مرشد عباس نثارعلی در دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۱ش.

او از اعضای انجمن ادبی شیدا بود و گاهی در انجمن کمال شرکت می کرد.

[مرحوم فایض نماز جماعت را در مسجد صاحب الزمان باب الدشت و مسجد ام البنین شمس آباد اقامه می کرد و مورد اعتماد و احترام فضلاء و ادباء و عموم مردم بود. «دیوان اشعار» او در سال ۱۳۸۴ش به چاپ رسیده است.]

او در روز ۲۳ ذی القعده ۱۳۸۹ق [مطابق با ۱۱ بهمن ۱۳۴۸ش] وفات یافته و در صحن تکیه درکوشکی (بروجردی) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. [شاعر توانا آقای میرزا فضل اللّه خان اعتمادی (برنا) مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

کلک «بُرنا» سال فوتش را نوشت: «جای فایض جنّت جاوید باد»

از اوست:

عمر اگر مرحله پیمای هوی و هوس است تا به این حد که بازیچه تلف گشت بس است

هر حریصی که بَرَد رنج که جمع آرد گنج عنکبوتیست که خوشدل به شکار مگس است

نفسی صحبت اهل دلی ار دست دهد حاصلی دارد اگر عمر همان یک نفس است(۱)]

عباس محور اصفهانی

عباس مهوری حبیب آبادی اصفهانی متخلّص به «محور» فرزند غلامرضا بن عباس، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۴ش متولّد شده و تحصیلات مقدماتی را در حبیب آباد بُرخوار نزد حاج شیخ عباسعلی ادیب، سیّد محمّد مرتضوی و حاج محمّدعلی

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۴۰-۳۴۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۹؛ دیوان اشعار فایض اصفهانی: مقدمه؛ بوستان فضیلت، صص ۱۷۲-۱۸۳.

محسنی طی نمود. در ۱۳ سالگی پدرش را از دست داد و جهت امرار معاش به کار پرداخت.

در نوجوانی لب به گفتن اشعار گشوده و ابتدا «یم موج» تخلّص می نمود و بعدا آن را به «محور» تغییر داد.او در انجمن های ادبی اصفهان همچون کمال، صائب، سعدی، حافظ و صغیر شرکت می کرد. سرانجام در سال ۱۳۸۳ش وفات یافته و در قبرستان عمومی حبیب آباد (معروف به «بهشت زینب (س) » مدفون شد.

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «دیوان محور» که در سال ۱۳۷۲ش چاپ شده است. ۲. «فانوس عشق»۳. «نونهال اسلام»۴. «نهج البلاغه منظوم»(۱)

[از اوست:

عقل را با آن درایت ره به کوی عشق نیست با جنون رفتن به سوی محمل لیلا خوش است]

عباس زمانی

شاطر عباس زمانی فرزند شاطر غلامحسین، از شاعران معاصر اصفهان در سال ۱۲۹۵ش در اصفهان متولّد شده و چون پدر به شغل نانوایی پرداخته است. در شعر طبعی متوسط داشته است. از اوست:

ببخش جرم خلایق به دنیی ار خواهی به روز حشر رضا گردد از تو رب غفور

به هر بلا که رسد از خدا تو صابر باش بدان که روضه رضوان بود جزای صبور(۲)

۱- دیوان محور اصفهانی: مقدمه؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۷۰۳؛ ادیب ماندگار، ص۲۶۸.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۳۰؛ تذکره شاعران نانوا، ص۱۴۷.

عباس گیاهی

استاد عباس گیاهی [فرزند غلامحسین، شاعر و هنرمند معاصر] در سال ۱۳۰۱ش در اصفهان متولّد شده و اندکی تحصیل نموده و پس از آن ترک تحصیل کرده و ضمن کارهای روزانه به مطالعه کتب و دواوین شعراء مشغول گردید. او برحسب اقتضای طبع خداداد گاهی اشعاری می سرود و در آن «گیاهی» تخلّص می نمود [ولی] در انجمن های ادبی اصفهان خیلی کم شرکت می کرد.(۱) [در جوانی در محضر شاعر و ادیب فرزانه میرزا علی مشفقی مداحی و ادبیات فارسی و عرب را تا حدودی آموخته و هنر قلمکار را به عنوان کسب و کار و وسیله امرار معاش خود برگزیده بود و از اساتید این هنر در اصفهان به شمار می رفت. اشعارش اغلب در مدایح و مراثی چهارده معصوم علیهم السلام و پند و اندرز است که با نام «نغمه های ولا یا دیوان گیاهی» در سال ۱۳۸۳ش به چاپ رسیده است. استاد گیاهی سرانجام روز ۲۳ مهر ۱۳۸۹ش وفات یافته و در قطعه نام آوران واقع در آرامستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

این چند بیت از یکی از اشعار اوست:

به که امشب دل یاران گرامی شاد است جان ما از غم و اندوه و اَلَم آزاد است

بزم ما روح فزا گشته، تو گویی ز بهشت خازن خُلد، دری بر رُخ ما بگشاد است

رشک فردوس برین آمده یکسر این بزم چون که زَ احباب پر از وَرد و گل و شمشاد است

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۰۷.

آن چنان بزم شریفی که ز شیرینی آن مات صد خسرو پرویز و دوصد فرهاد است(۱)]

عباس کزّازی

عباس بن قربانعلی کزازی، از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری در شوال ۱۲۱۹ق کتاب «قوانین المحکمه» میرزای قمی را به خط نسخ در اصفهان نوشته و کتاب به شماره ۴۵۱۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۲)

عباس محزون حبیب آبادی

عباس حبیب آبادی متخلّص به «محزون» فرزند کریم بن حسین بن محسن [از شعرای نیمه نخست قرن چهاردهم هجری و از اهالی قریه «حبیب آباد بُرخوار» اصفهان] متوفی در صبح روز سه شنبه ۲ شوّال سال ۱۳۵۰ق در قریه حبیب آباد.

او در واقعه فوت شیخ محمّدتقی آقانجفی گوید:

آقای آیت اللّه رفت از جهان فانی بر ما حرام گردید ای شیعه زندگانی

قُمری به آه و شیون طوق عزا به گردن با حالت پریشان می کرد نوحه خوانی

«محزون» به آه و ماتم، در یم غم صبح و مسا بگرید، بر آن دُر معانی(۳)

شیخ عباس ایزدی نجف آبادی*

شیخ عباس ایزدی نجف آبادی فرزند محمّد، عالم فاضل متقّی مجاهد فی سبیل اللّه

۱- نغمه های ولا یا دیوان عباس گیاهی: مقدّمه؛ قلمکار اصفهان، صص ۳۳-۳۷ و ۲۹۵؛ یادداشت های محقّق گرامی آقای حمید خلیلیان.

۲- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۸۳.

۳- بیاض (مرحوم معلم حبیب آبادی) : خطی.

در سال ۱۳۰۱ش در نجف آباد متولّد شد. در نوجوانی نزد شیخ احمد حججی، شیخ غلامحسین منصور، شیخ ابراهیم ریاضی در نجف آباد و حاج آقا رحیم ارباب و شیخ احمد فیاض و مجدالعلماء نجفی در اصفهان به تحصیل مشغول شد. در قم نیز محضر حضرات آیات مرعشی نجفی، محقّق داماد، امام خمینی، بروجردی، گلپایگانی و علاّمه طباطبایی فقه، اصول، کلام، تفسیر، فلسفه و اخلاق را آموخت.

او پس از ۲۰ سال تحصیل، در سال ۱۳۳۸ش به نجف آباد مراجعت کرده و به تدریس علوم دینی، حل و فصل مشکلات شرعی و اجتماعی مردم و تبلیغ دین مشغول شد. او هنگام ورود به نجف آباد نماینده مراجع عظام بروجردی و امام خمینی در آن حدود بود. او طی سالیان متمادی در حکومت پهلوی به ترویج و حمایت از مبارزات امام خمینی در نجف آباد مشغول بود و در تبلیغ مرجعیت ایشان و جمع کردن و جهت دادن به مبارزان مسلمان آنجا نقشی مهم و تأثیرگذار داشت تا جایی که از سوی مأموران امنیتی حکومت پهلوی دستگیر و به زابل تبعید شد و مدّتی نیز زندانی شد.

او قبل از پیروزی انقلاب نماز جمعه را اقامه کرده و پس از پیروزی انقلاب، از سوی امام خمینی به امامت جمعه نجف آباد منصوب شد. در سال های جنگ ایران و عراق، او در جبهه های نبرد و در میان رزمندگان ایرانی حاضر می شد و به آنان روحیه می داد و در پشت جبهه برای کمک به رزمندگان تلاش می کرد و در این راه فرزند برومند خود احمد را تقدیم نمود و این فرزند در ۲۶ دی ۱۳۶۵ در جبهه های نبرد به شهادت رسید.

از اقدامات ارزنده مرحوم شیخ عباس ایزدی همکاری در ساختن حوزه علمیه فاطمیه جهت بانوان و همکاری در راه ساختن حوزه علمیه (جامعه الإمام المنتظر) در نجف آباد را می توان نام برد.

او شاگردان زیادی تربیت کرد و سخنرانی ها و بیانات او در میان عموم طبقات مردم نجف آباد مورد توجّه واقع می شد. او عالمی متواضع و خیرخواه و اسوه اخلاق حسنه

بود و زاهدانه زندگی ساده ای داشت.

او سرانجام در جمعه ۸ خرداد ۱۳۷۱ش وفات یافته و پس از تشییع باشکوه مردم نجف آباد در «جنّت الشهداء» مدفون شد.

کتب و آثار زیر از اوست:

۱. «شوق دیدار» قصه حضرت موسی در قرآن ۲. «آینه حریم» در شرح و تفسیر خطبه اوّل نهج البلاغه۳. «کلیات اخلاق»۴. «شرح و تفسیر دعای افتتاح» و غیره.(۱)

ملاّ عباس مولوی

مولی عباس مولوی متخلّص به «ناسخ» فرزند محمّدبیگ بن زیاد اوغلی قاجار، عالم فاضل، حکیم عارف و شاعر ادیب در محله عباس آباد اصفهان ساکن بوده [و نزد حکیم ملاّ رجبعلی تبریزی و سایر فضلاء اصفهان به تحصیل مشغول شده و پس از تکمیل تحصیلات خود به تدریس حکمت پرداخته است.] میرزا محمّدطاهر نصرآبادی که معاصر اوست می نویسد: «نهایت صلاح و سداد را دارد، چنانچه سنتی کم از او فوت می شود. حقا که ملکی است در لباس بشر».(۲)

او در شعر طبعی لطیف داشته و قصایدی در مدح حضرات ائمه معصومین علیهم السلام سروده و در معماگویی نیز مهارت داشته است. [سال فوتش به دست نیامد. او تا سال ۱۱۰۱ق در قید حیات بوده است.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- سیمای دانشوران، صص ۳۳-۴۵؛ آثار الحجه، ج۲، ص۲۱۶؛ آیینه اهل قلم، صص ۳۱-۳۳؛ دیباچه دیار نون، صص ۱۴۵ و ۱۴۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۵؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۷۳؛ کواکب المنتشره، ص۴۱۲؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۴، ص۲۳۳۹.

۱. «انوار سلیمانی» در علم کلام و اثبات حقانیّت شیعه بر سایر فرق، در ۶۲ فصل که تألیف آن در سال ۱۰۹۷ق شروع و در روز سه شنبه ۲۴ ذیقعده ۱۱۰۱ق به پایان رسیده و به نام شاه سلیمان نامیده شده است. نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران(۱) [و نسخه ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی(۲)] موجود است. ۲. «تأویلیّه» قصیده ای که در مدح اهل بیت علیهم السلام سروده شده و جمعی از فضلاء بر آن شرح نوشته اند. محمّدامین وقاری یزدی بر آن مقدّمه نوشته و در کتاب خود «گلدسته اندیشه» وارد ساخته است.(۳) [۳. «اصول الفوائد» در حکمت که نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۴)] ۴. «مناظرات» [۵. «تقویم سعیدی» ترجمه فارسی «تقویم المحسنین» فیض کاشانی است که به درخواست حاجی محمّدسعید بن لطف اللّه آن را ترجمه کرده است.(۵) ۶. «مصابیح الولایه فی انوار الولایه» در تفسیر به فارسی که در سال ۱۰۹۹ق آن را نوشته و نسخه ای از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۶) ۷. «مصباح الهدایه» که سیّد ابوالقاسم موسوی خوانساری روایات فضائل اهل بیت علیهم السلام را از آن منتخب نموده است.(۷)

این بیت از اوست:

در وادیی که قافله سالار، عشق توست گلبانگ خضر از جرسش می توان شنید]

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۴۱۷؛ الذریعه، ج۲، ص۴۲۹.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۹۰.

۳- الذریعه، ج۳، ص۳۰۸.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۳، ص۱۴۶.

۵- فهرست های خودنوشت فیض کاشانی، ص۱۶۰.

۶- فهرست الفبائی رضوی، ص۵۲۲.

۷- فهرست کتابخانه های گلپایگان، ص۱۴۸.

عباس حسینی مازندرانی

عباس بن محمّد بن علی الحسینی المازندرانی از فضلاء قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و در ۱۶ ربیع الاوّل ۱۰۱۲ق کتاب «خلاصه الاقوال» علاّمه حلّی را به خط نسخ در اصفهان نوشته و کتاب به شماره ۶۵۸۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

سیّد عباس احساس اصفهانی*

سیّد عباس حسامی متخلّص به «احساس» فرزند سیّد محمّد شاعر ادیب و خطاط معاصر اصفهان است. او در سال ۱۳۳۰ش در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخته است. او علاوه بر فضل و کمال در شعر و ادب، در زمینه خط نیز به تعلیم پرداخته و به درجه ممتاز در خط نستعلیق نائل شده است و اکنون از مدرسان انجمن خوشنویسان اصفهان به شمار می رود. او علاوه بر نوشتن قطعات به کتابت قرآن مجید و کتب ادبی و عرفانی نیز پرداخته است و برخی از آنها به چاپ رسیده است که از آن جمله است: «اشک قلم»، «اشک شوق» (دیوان شاهی اصفهانی) ، «دیوان شوقی اصفهانی»، «معلم شمع جمع بشریت» یادنامه «استاد شهریار»، «یادنامه سیّد صمصام». همچنین مجموعه ای از اشعار او با عنوان «ساغر حال» چاپ شده است.

این دو بیت از شعری است که در مدح امام زمان (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) سروده است:

جلوه ات دیدن و روی تو ندیدن تا کی کو به کو بهر وصال تو دویدن تا کی

۱- فهرست رضوی، ج۶، ص ۶۰۰.

عاشق روی تو تا چند ملامت بیند هم از اغیار بگو طعنه شنیدن تا کی(۱)

سیّد عباس فشارکی*

سیّد عباس بن سیّد محمّد طباطبایی فشارکی، عالم فاضل و فقیه محقّق معاصر. پدرش از اعاظم فقهاء و دانشمندان عصر خود بود. صاحب عنوان در نجف اشرف متولّد شده و پس از تحصیل دروس مقدماتی و سطح در درس آیات عظام آقا ضیاء عراقی و میرزا حسین نائینی حاضر شد.

او پس از مهاجرت به ایران در تهران ساکن شد و صبیه عالم ربانی میرزا محمّدحسن آشتیانی را به همسری خود برگزید. سال ها در مدرسه مروی تهران تدریس می نمود و به «جناب آقازاده» معروف بود.

وی سرانجام در اوّل ربیع الاوّل ۱۴۰۰ق در تهران وفات یافت.(۲)

عباس بخشیان*

عباس بخشیان فرزند مرتضی از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۳۰ش در روستای «لنج» لنجان، از توابع مبارکه متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و متوسطه را در اصفهان طی کرد. این شعر از اوست:

گفتم که روی خوبت، از من چرا نهان است گفتا تو در حجابی، ور نه رُخَم عیان است

گفتم من از که پرسم، جانا نشان کویت گفتا نشان چه پرسی، آنجا که بی نشان است(۳)

۱- از زنده رود تا حیدربابا، ص۱۴۸؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۴۳.

۲- اختران فقاهت، ج۱، ص۲۸۳.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۱۰۴.

عباس حقانی پناه

عباس حقانی پناه متخلّص به «پناه» فرزند مهدی شاعر ادیب عارف [در ۱۹ مهر ۱۳۲۸ش در اصفهان متولّد شد. در آغاز جوانی به شعر و عرفان علاقمند شد و به خانقاه سلسله نعمت اللهی در اصفهان راه یافت و به «محبوب علی» ملقّب شد.

او در ۲۰ شهریور ۱۳۷۰ش بر اثر حادثه تصادف به دیار باقی شتافت و در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.] استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ فوت او را چنین سروده است:

به سوی وادی ایمن و مقام حقّانی «پناه برد به محبوبش از جهان عباس»

[مجموعه ای از اشعار او به نام «بر شاخه زمان سیب رسیده ام» در سال ۱۳۷۱ش چاپ شده است و این شعر از آنجاست:

شب ها که روز گشته فراموش کوچه ها می خوانمت به ناله در آغوش کوچه ها

از بس غم تو با در و دیوار گفته ام پیچیده است نام تو در گوش کوچه ها

یادت شبی گذشته از این رهگذر هنوز بوی تو می دهند بر و دوش کوچه ها

در انتظار تو همه شب تا طلوع صبح میخانه گرد شهرم و مِی نوش کوچه ها

شب ها پگاه می شود امّا نمی شود شبگردی «پناه» فراموش کوچه ها(۱)]

عباس بن ولید

ابوالفضل عباس بن ولید بن شجاع [از محدّثین عامه اصفهان در قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری] از احمد بن منصور مروزی و محمّد بن یحیی نیشابوری حدیث نقل

۱- بر شاخه زمان سیب رسیده ام: مقدمه؛ مزارات اصفهان، ص۱۲۹؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۱۴۶.

کرده و در سال ۳۲۰ق وفات یافته است.(۱)

عباس جُلَکی اصفهانی

ابوالفضل عباس بن ولید بن مِرداس جُلَکی اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن سوم هجری] از ابوالعباس احمد بن یونس بن مسیّب ضبی، اصرم بن حوشب، قتیبه بن مهران آزادانی و قاسم بن حَکَم عُرَنی روایت کرده است.(۲)

[«جُلَک» از دهات قدیمی اصفهان بوده ولی اکنون اطلاعی از آن در دست نیست.]

میرزا عباس پاقلعه ای

آقا میرزا عباس پاقلعه ای (صابرعلی شاه سوم) فرزند میر محمّدهادی (هادی علی شاه) بن حاج میرزا محمّد حسینی خاتون آبادی، عارف کامل [در قرن چهاردهم هجری در اصفهان متولّد شده و مراحل سیر و سلوک را نزد پدر که از مشایخ نعمت اللهی پاقلعه اصفهان بود طی کرد و پس از وفات میر محمّد اسماعیل (صابر علی شاه دوم) از طرف «وفاعلی شاه» به لقب «صابرعلی» ملقّب و ارشاد سالکان و طالبان به او محوّل شد. او حدود ۲۷ سال در منطقه اصفهان شیخ طریقت نعمت اللهی شمرده می شد و بسیاری از سالکان طریق عرفان از مریدان او بودند.(۳)]

او در حسن سلوک و بسط ید و اخلاق و ملکات فاضله از بسیاری از معاصرین ممتاز بود و سرانجام در سه شنبه ۵ ربیع الاوّل ۱۳۵۰ق در اصفهان وفات یافته و در تکیه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۲؛ طبقات المحدّثین، ج۴، صص ۳۱۸ و ۳۱۹؛ معجم الادباء، ج۸، ص ۲۴۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص ۱۴۰؛ اللباب، ج۱، ص۲۸۷.

۳- گلستان جاوید، صص ۱۱۰ و ۱۱۱.

آغاباشی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱) [استاد محمّدحسین صغیر اصفهانی ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

«صغیر»ش خواست تاریخ وفات آرد خرد گفتا: «بقطب سالکین حیدر شدی صابرعلی واصل»]

و میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی نیز گوید:

سر برون کرد یکی ناگه و گفت: «ز جهان عارف ربانی رفت»(۲)

او «دیوان نورعلی شاه اصفهانی» را در سال ۱۳۱۲ق به امر ظل السلطان به خط نستعلیق کتابت کرده و در کتابخانه عمومی اصفهان به شماره ۱۱۵۸۲ نگهداری می شود.(۳)

عباس سروری*

عباس سروری، هنرمند موسیقی دان معاصر در سال ۱۲۸۹ش در اصفهان متولّد شد. در سال ۱۳۲۹ش مدّتی به تهران رفت و هفته ای یک بار در رادیو تهران به تک نوازی پرداخت. در اواسط همین سال با تأسیس رادیو اصفهان به زادگاه خود بازگشت و ارکستر رادیو اصفهان را تأسیس کرد.

او در نواختن تار سبک مخصوصی داشت. سروری در سال ۱۳۵۲ش به علّت بیماری سرطان از دنیا رفت.(۴)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۵.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۰۴.

۴- دولت دیدار، ص۱۱۷؛ یادداشت های محقّق ارجمند آقای محمّدحسن رجائی زفره ای.

سیّد عباس شاهزاده

سیّد عباس شاهزاده - که گاهی او را «سید عباس آقا میری» نیز می گویند - از اساتید فنّ نقاشی در اوایل قرن چهاردهم هجری در اصفهان می زیسته و پس از فوت در بقعه درب امام مدفون گردید. از آثار او نقاشی های داخل بقعه جناب زید و داخل بقعه هارون ولایت می باشد.(۱)

سیّد عباس طباطبائی خوراسکانی

آقا سیّد عباس طباطبائی خوراسکانی، عالم فاضل معاصر در فزوه [به ضمّ «ف» و کسر «و»] از قُراء مجاور خوراسکان متولّد گردیده و در اصفهان نزد بسیاری از بزرگان از آن جمله آقا شیخ محمّدرضا نجفی تحصیل کرده و در یکی از مساجد محل خود اقامه جماعت می فرمود و مردم را به حقایق و مسائل دینی با بیان احکام و مواعظ ارشاد و هدایت می نمود. سرانجام در ۲۵ محرم الحرام سال ۱۳۹۵ق وفات یافته و در تکیه ملک (واقع در تخت فولاد) مدفون گردید.(۲)

مرشد عباس ظهیری (برزو)*

مرشد عباس ظهیری معروف به «مرشد برزو» از نقالان مشهور اصفهان و از پیشکسوتان هنر نقالی است. سال ها در اصفهان به شاهنامه خوانی مشغول بود. سپس به تهران رفت و در قهوه خانه های معتبر تهران مانند قهوه خانه قوام السلطنه و قهوه خانه حاج قاسم در میدان شوش به اسکندرنامه خوانی پرداخت.(۳)

۱- مزارات اصفهان، ص۲۰۸؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳۸۵.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۲۱.

۳- قهوه خانه های ایران، ص۹۲.

میرزا عباس فنائی اصفهانی

میرزا عبّاس برکت متخلّص به «فنائی» از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۵ش متولّد گردیده و از سن ۱۰ سالگی لب به گفتن اشعار گشوده است. از کودکی به شعر و ادب علاقمند بوده و در سال های بعد ارادتی عجیب به خواجه شمس الدّین محمّد حافظ شیرازی یافته و در حلقه دراویش حافظی وارد شد و چون قطب این سلسله خواجه شفیع الدّین محمّد فنائی است تخلّص خود را از نام قطب سلسله خود گرفت. این بیت از اوست:

این چه رِندی است که بی باده و ساغر مستی بی تأمل دل خود بر سر زلفش بستی(۱)

آقا عباس قلمدان ساز*

آقا عباس قلمدان ساز، از هنرمندان زبردست اصفهان در دوره قاجاریه است. در نگارگری و قلمدان سازی مهارت داشته و قلمدان های ساخت او شهرت زیادی داشته است.(۲)

مرشد عباس کسرائی*

حاج مرشد عباس کسرائی، از شاهنامه خوانان ماهر اصفهان است. مردی درویش مسلك و اهل ادب بوده و با پوشیدن زره و کلاهخود و چکمه و داشتن ریش دوفاق و شمشیر (همانند رستم) در قهوه خانه های اصفهان به نقّالی و شاهنامه خوانی می پرداخته و

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۸۶.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۳۶۶.

شهرتی به سزا داشته است. شاهنامه خوان های اصفهان از جمله مرشد میرزا حسن عمرانی شاگرد او بوده اند.

سرانجام در ۲۷ صفر ۱۳۷۰ق وفات یافته و نزدیک مزار ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

استاد محمّدحسین صغیر اصفهانی ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ فوت او را چنین سروده است:

نمود از جمع بیرون هاتفی سر ناگهان گفت: «بگلزار جنان کرد آشیان عباس کسرائی»(۱)

عباس مجنون سیچانی

عباس مجنون سیچانی اصفهانی، شاعر و ادیب در سال ۱۲۷۱ش در قریه «سیچان» اصفهان متولّد شد و کمی درس خوانده، به شغل زراعت و کشاورزی پرداخت. در سال ۱۳۲۱ش قسمتی از دیوانش به نام «نامه مجنون» به طبع رسید. شاعری زنده دل و صاحب طبع روان و قدرت بیان بود اشعارش بیشتر مثنوی و قطعه است. غزل را نیز خوب می گفت.(۲)

[او در سال ۱۳۶۷ق وفات یافته و در قبرستان بزرگ مصلی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. مادّه تاریخ وفاتش را محمّدباقر انواری متخلّص به «لمعه» چنین سروده است:

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۱۳؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص ۶۸۰.

بیفزود «آه» و گفتا «لمعه» تاریخ: «دل مجنون ما شوریده تر بود»

[۶+۱۳۶۱=۱۳۶۷(۱)]

از اوست:

یک امشب آن صنم آفتاب رو اینجاست گر آفتاب نهان شد چه غم که او اینجاست

چگونه به شکر چنین نعمتی کنم ای دوست از آنکه به دل بودم آرزو اینجاست

عباس مدینه ای*

عباس مدینه ای، هنرمند توانای معاصر، در سال ۱۳۱۷ش در اصفهان متولّد شد. نواختن نی را از استاد حسین یاوری آموخت و نزد استاد علی ساغری نیز شاگردی کرد. صدای نی او صدایی خاص بود. او از کسی تقلید نمی کرد و سبک خاصی در نی نوازی داشت و سال ها با رادیو اصفهان و تهران همکاری نمود. او هنرمندی متواضع، آراسته و عاشق موسیقی بود. او به استخدام سازمان تأمین اجتماعی درآمد و به تهران رفت و مدتی بعد به اصفهان منتقل شد. امّا مجال هنرنمایی بیشتر را نیافت و در سال های جوانی عمر به سن ۳۸ سالگی در جمعه ۷ مرداد ۱۳۵۴ش (مطابق ۲۹ رجب ۱۳۹۵ق) از دنیا رفت و در تکیه جویباره ای ها در قبرستان تخت فولاد اصفهان مدفون شد. مادّه تاریخ وفاتش چنین است:

نایی طبع سال وفاتش چنین سرود: «نی تا ابد به ناله برای مدینهایست»(۲)

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

عباسعلی آذر چالشتری

عباسعلی معروف به «حکیم آذری» [متخلّص به «آذر» از شعرای معاصر اصفهان [از اهالی چالشتر [در چهارمحال و بختیاری] در سال ۱۳۲۰ق متولّد شده و در «چالشتر» و اصفهان تحصیل نموده و علاوه بر علوم عربی و ادبیات، در فنون حکاکی، قلمزنی، نقاشی، مجلّدسازی و صحافی نیز زحمت کشیده و اطلاعاتی اندوخته است.

از اوست:

تا شدم پابست عشقت روزگارم شد سیاه جز که دارم مهرت اندر دل، کدامستم گناه

بر سرم پیوسته ز ابرو تیغ خونریزکشی نی مجال آنکه از دل برکشم یک لحظه آه(۱)

عباسعلی صناعی سهرو فیروزانی*

عباسعلی صناعی فرزند ابراهیم، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۸ش. در «سهرو فیروزان» اصفهان متولّد شد و پس از مدّتی تحصیل به شغل سنگ تراشی پرداخت. از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته و گاهی در انجمن ادبی صائب شرکت می کرده است.(۲) مجموعه ای از اشعار او با عنوان «نغمه های شورانگیز» در سال ۱۳۸۰ش چاپ شده است. این دو بیت از اوست:

نرگس که در چمن به صفا صف کشیده است گویا دو چشم دلبر ما را ندیده است

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۹؛ شناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، ص۴۸۹.

۲- نعمه های شورانگیز، ص الف (مقدمه) .

بوی بهشت از سر زلفش همی جهد یارم مگر بهشت خدا را خریده است

استاد عباسعلی پورصفا*

استاد عباسعلی پورصفا فرزند باقر از نقاشان معروف معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۰ش متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان علیّه به پایان رساند. سپس وارد هنرستان هنرهای زیبا شد و به مدت ۶ سال زیر نظر اساتید آنجا نورمحمّد معیّری و محمّد ناصر صفا و خصوصا استاد عالیقدر طراحی و نقاشی و رئیس هنرستان استاد عیسی بهادری در رشته نقاشی تحصیل کرد و در سال ۱۳۲۲ش با رتبه اوّل از آن هنرستان دیپلم گرفت. سپس به دعوت استاد بهادری به تدریس در هنرستان هنرهای زیبا مشغول شد.

او برای تکمیل معلومات خود و تحقیق و بررسی درباره نقاشی در اروپا، به چند کشور اروپایی سفر کرد و با بازدید از نمایشگاه ها و موزه ها به آفاق وسیع تری در نقاشی دست یافت.

استاد پورصفا در زمینه های متنوع نقاشی همچون طبیعت سازی و دورنما، صورت سازی، آبرنگ، پاستل و پرداز مهارت دارد. از ابتکارهای او صراحی به صورت نقطه چین برای انتقال نقاشی به فرش است. با این ابتکار مشکل سایه روشن ها و تنوع رنگ ها که مانع استفاده از نقاشی در نقوش قالی می شد، به کلّی رفع می گردد.

تابلوهای نقاشی استاد پورصفا در بسیاری از نمایشگاه های خارج از کشور همچون نمایشگاه بین المللی بروکسل و نمایشگاه رُم به نمایش درآمده است.

استاد پورصفا امروزه از اساتید درجه اوّل نقاشی اصفهان به شمار می رود.(۱)

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با استاد پورصفا در ۲ شهریور ۱۳۷۰؛ ماهنامه کیهان فرهنگی، شماره ۶، شهریورماه ۱۳۶۶، ص۵۲.

عباسعلی موزون اصفهانی

عباسعلی موزون فرزند برات علی، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۴ق در اصفهان متولّد شده، اندکی تحصیل کرد. از اعضاء انجمن ادبی مرحوم شیدا بود. روزگار به سراجی در کارخانه ریسباف می گذراند. یک قسمت از اشعارش به نام «اندوه نامه» در مناقب و مراثی در اصفهان به قطع کوچک در ۹۴ صفحه به طبع رسیده است.(۱)] ابتدا در بازار اصفهان به سراجی و سپس کلاهدوزی مشغول بوده و به مناسبت مجاورت با مدرسه ملّا عبداللّه، به مصاحبت و معاشرت با اهل فضل و ادب می پرداخت. پس از آن در کارخانه ریسباف استخدام شد. او با شعرای عارف مسلک همچون صغیر، شکیب و شوقی، مصاحب و معاشر بود و عاقبت به محضر آقا میرزا عباس پاقلعه ای (صابرعلی شاه) رسیده و در جرگه ارادتمندان او درآمد. او در حدود ۶۵ سالگی بازنشسته شد و باقی عمر را به شعر و شاعری و مداحی و نوحه سرایی اهل بیت علیهم السلام گذرانید تا این که در شنبه ۵ فروردین ۱۳۵۱ش (مطابق با ۹ صفر ۱۳۹۲ق) وفات یافت(۲) و در تکیه آغاباشی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. مادّه تاریخ وفات او را «شکیب اصفهانی» در مرثیه ای چنین سروده است:

«شکیب» سر زده، دل گفت بهر تاریخش: «مقیم جنّت موعود روح موزون شد»

دیوان اشعار او در سال ۱۳۷۲ش به چاپ رسیده است.

این دو بیت از اوست:

دل دیوانه در زنجیر زلف یار می خندد ز غربت در وطن هرکس گشاید بار می خندد

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۷۵.

۲- دیوان موزون اصفهانی، صص ۷-۱۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۷۴۵.

اگر از شام هجران خون بگرید دیده عاشق ولی صبح وصال از دولت دیدار می خندد]

عباسعلی بهرامیان

سرهنگ عباسعلی بهرامیان سیچانی [فرزند تقی] از شعرای معاصر اصفهان [در سال ۱۲۸۷ش] در محله سیچان اصفهان متولّد شد. [تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود گذراند و متوسطه را در دبیرستان نظام اصفهان به پایان رساند. دوره دانشکده افسری را در تهران طی کرد و پس از عمری خدمت صادقانه با درجه سرهنگی بازنشسته شد. در شعر طبعی روان داشت و «بهرام» تخلّص می کرد و در برخی انجمن ها از جمله انجمن ادبی صائب شرکت می نمود. اشعارش در برخی کتاب ها و مجلّات از جمله کتاب «دویست شاعر» به چاپ رسیده است.

سرهنگ بهرامیان در روز ۴ مرداد ۱۳۵۴ش در اصفهان وفات نمود و در صحن تکیه بروجردی (درکوشکی) در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.

از اوست:

تا که شمع رخ او محفل ما روشن کرد باکم از سوختن خویش چو پروانه نبود

چشم او گر ز ازل معنی مستی می گفت تا ابد هیچ سخن از می و میخانه نبود(۱)]

حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی

حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی فرزند حاج محمّدجعفر، عالم فاضل، ادیب

۱- بوستان فضیلت، صص ۳۲۶-۳۲۹؛ دانشنامه تخت فولاد، ج۱، ص۳۱۰؛ تذکره شعرای تخت فولاد، صص ۱۲۲-۱۲۴.

شاعر، زاهد متّقی، از علماء و مجتهدین عالیقدر معاصر اصفهان

در روز [جمعه] ۱۳ جمادی الاولی سال ۱۳۱۵ق در قریه حبیب آباد بُرخوار متولّد شده و مقدمات علوم و ادبیات را نزد شیخ محمّدعلی معلم حبیب آبادی تحصیل کرد. سپس به اصفهان آمد و سطوح و خارج فقه و اصول به همراه منطق و کلام و ادبیات را نزد میرزا احمد مدرس، آخوند ملّا حسین فشارکی، شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی، میرزا محمّدصادق مدرس خاتون آبادی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، سیّد عبدالحسین سیّدالعراقین، آقا سیّد مهدی درچه ای، حاج آقا نوراللّه نجفی و میرزا یحیی مدرس بیدآبادی تحصیل کرد. در حکمت نیز از شیخ محمّد حکیم خراسانی بهره برد. ریاضیات و هیأت را نیز با مطالعه و تحقیق فراگرفت. [برخی از اساتید ایشان همچون شیخ محمّدرضا نجفی و آخوند فشارکی و نیز حضرات آیات سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، آقا سیّد مهدی درچه ای، سیّد محمّدحجت کوه کمری و میرزا محمّدرضا کلباسی به ایشان اجازه داده اند. اجازه اجتهاد صادره از سوی آخوند فشارکی توسط مرجع عالیقدر سیّد ابوالحسن اصفهانی تنفیذ شده است.]

سپس به تدریس در مدارس نیم آورد، ناصری، صدر، چهارباغ، جدّه بزرگ و مسجد ذوالفقار مشغول شد. او به فارسی و عربی نیکو شعر می گفته و سابقا «نادم» تخلّص می نموده و پس از آنکه نام خانوادگی خود را «ادیب» قرار داد این کلمه را نیز تخلّص خود گردانید. [در فقه، اصول، کلام، منطق، حکمت، ادبیات، ریاضیات و هیأت مهارت داشت.

او عالمی خوش محضر، خلیق و رئوف بود و به حال نیازمندان رسیدگی می نموده و در رفع حوائج مردم کوشا بود.] از آثار او احیاء و تجدید ساختمان مسجد مقابل مقبره صاحب بن عَبّاد در محله طوقچی اصفهان و اقامه جماعت و موعظه و ارشاد و هدایت مؤمنین در این مسجد، و احیاء نماز عیدین در مصلای تخت فولاد پس از وفات مرحوم

شیخ محمّدباقر زندکرمانی بوده است.

وی سرانجام در چهارشنبه ۲ ذیقعده الحرام ۱۴۱۲ق [مطابق با ۱۴ خرداد ۱۳۷۱ش] وفات یافته و در مقبره صاحب بن عَبّاد مدفون شد. [استاد اعتمادی خوئی (برنا) در مادّه تاریخ وفات او گوید:

برای سال وفاتش نوشت خامه برنا «فقیه بود و منجم ادیب و افهم و فاضل»]

۱۴۱۲

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «احسن التقاویم» در اوقات شرعی اصفهان، طهران و کاشان، که قسمت اصفهان چندین بار به طبع رسیده است.۲. «تطبیقیه» در تطبیق سال های قمری به شمسی و به عکس۳. «دیوان اشعار فارسی و عربی»۴. «ارث الشیعه» رساله مفصل در ارث به فارسی، مطبوع۵. «رساله در توبه»۶. «رساله در فضیلت علم»۷. «زیارات مدینه طیّبه»، مفصّل، که به ضمیمه «مناسک حج» آیت اللّه حکیم به طبع رسیده است.۸. «وظائف الشیعه» در شرح دعای ندبه، به فارسی، مطبوع۹. «قبله البلدان» یا «معرفه القبله» در طرز تعیین قبله شهرهای ایران از روی آفتاب در طول سال۱۰. «قطبیّه» در تعیین اوقات نقاط واقع در قطبین ۱۱. «ملحقات کتاب قضاوت های امیرالمؤمنین علیه السلام » مطبوع ۱۲. «هدیه العباد» در شرح حال صاحب بن عَبّاد، مفصل، به فارسی، مطبوع ۱۳. «مناسک الشیعه» در مناسک حج.(۱)

[این رباعی از اوست:

یا رب تو ز اخلاق بَدَم پاک نما جان طائر سیر کوی افلاک نما

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۹؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۲۲-۳۲۴؛ ادیب ماندگار: اغلب صفحات؛ علوم و عقاید، ص۹؛ گنجینه دانشمندان، ج۸، ص۹۴؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص ۶۹۰؛ مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آیت اللّه ادیب در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۸ش.

در معرفت ذات و صفات و افعال یا رب تو دلم قابل ادراک نما]

عباسعلی برهانی پور*

حاج عباسعلی برهانی پور فرزند محمّدرضا، از دانشمندان و محقّقان معاصر اصفهان، در سال ۱۳۱۱ش در اصفهان متولّد شد.

او پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشسرا، بـه تهران رفت و در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و لیسانس گرفت. آنگاه در دبیرستان ها و مراکز آموزش عالی به تدریس مشغول شد تا اینکه به افتخار بازنشستگی نائل گردید.

وی از معلّمان انقلابی و متدیّن و دلسوز اصفهان بود که در عصر حکومت پهلوی برای ارشاد جوانان و مبارزه با رژیم روشنگری می نمود و مورد تعقیب مأموران امنیتی قرار داشت. پس از پیروزی انقلاب نیز با سخنرانی و نوشتن مقاله و کتاب به بیان معارف اسلامی و هدایت نسل جوان پرداخت. فرزند برومند او محمّدرضا در جریان جنگ ایران و عراق در بهمن ماه ۱۳۶۵ش در جبهه شلمچه به شهادت رسید.

این آثار از تألیفات اوست:

۱. «جامعه شناسی انقلاب»۲. «خواسته های انسانی از پژوهش های کیهانی»۳. «ژئوفیزیک قرآن»۴. «محمّد صلی الله علیه و آله پیامبر کهکشان ها» که قسمتی از آن در سال های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ در هفته نامه «نوید اصفهان» به چاپ رسیده است.(۱)

میرزا عباسعلی محزون اصفهانی*

میرزا عباسعلی ادیب وخشوری متخلّص به «محزون» فرزند میرزا صادق طبابت خانی، شاعر و ادیب معاصر، در ۲۷ رجب ۱۳۱۶ق متولّد شده و در ۲۶ رمضان ۱۳۸۷ (مطابق

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با استاد عباسعلی برهانی پور در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۰ش.

با ۶ دی ماه ۱۳۴۶) وفات یافته و در تکیه گلزار در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

او از اهالی محلّه طوقچی بوده و کوچه ای در نزدیکی میدان طوقچی به نام «ادیب» و منسوب به اوست.(۱)

عباسعلی ظریف خوانساری

حاج عباسعلی بن عبدالباقی خوانساری اصفهانی طهرانی، از تُجّار نیک نهاد معاصر شاعر ادیب متخلّص به «ظریف».

عباسعلی آرام اصفهانی

عباسعلی حافظ پرست فرزند علی شاعر ادیب معاصر متخلّص به «آرام» در سال ۱۲۹۳ش متولّد شده و از سال ۱۳۱۲ش در انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن کمال [و انجمن ادبی و هنری سعدی] شرکت داشته است. به قلمزنی مشغول بوده و در کنار آن به کتابفروشی می پرداخته است. سرانجام در شوال ۱۴۱۰ق [مطابق اردیبهشت ۱۳۶۹] وفات یافت و در قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

از اشعار اوست:

خواهی که سمر شوی به نیکونامی باید که به دل تخم محبّت کاری

با اهل زمانه هیچ دانی چه کنی آن کن که به خویشتن روا می داری(۲)

۱- مکارم الآثار، ج۶، ص۲۰۶۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۹ و ۱۰؛ مزارات اصفهان، ص۱۲۹.

شیخ عباسعلی معین الواعظین

حاج شیخ عباسعلی معین الواعظین معروف به «معین الحسینی» فرزند ملّا علی محمّد گورتانی اصفهانی، عالم فاضل و محدّث، واعظ زاهد ادیب شاعر متخلّص به «ذاکر» [از وعاظ معروف اصفهان در قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۸۷ق [در قریه «گورتان» از بلوک ماربین اصفهان که اکنون به شهر اصفهان پیوسته است] متولّد شده و در اصفهان و نجف نزد فضلای آنجا تحصیل نموده و سال ها در اصفهان به وعظ و خطابه مشغول بوده و پیوسته مستمعین خویش را با نقل احادیث صحیحه ارشاد می نمود.

سرانجام در چهارشنبه سوم ربیع الثّانی ۱۳۶۰ق وفات یافته و در صحن تکیه سیّدالعراقین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید. برادران او نیز از اهل فضل و کمال و از منبریان اصفهان بوده اند.

وی کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «تسلیه الفقراء [و تذکره الاغنیاء» که در سال ۱۳۵۳ق چاپ سنگی شده است.[۲. «دیوان اشعار»۳. «زاد العاصین»۴. «علائم الظهور»۵. «فوائد الصلوات» [که در سال ۱۳۵۳ق در اصفهان چاپ سنگی شده است.]۶. «مجازاه النّسوان»۷. «وقائع الظهور و علائمه» معروف ترین تألیف صاحب عنوان [که در یک مقدمه، ۱۴ باب و یک خاتمه در نیمه شعبان ۱۳۴۶ق تألیف شده و ملّا علی فنا بن اسماعیل اصفهانی به خط نسخ آن را کتابت نموده و چاپ سنگی شده است.]۸. «هدیه الوالدین» [که به عنوان جلد دوم «وقایع الظهور» تألیف شده و به خط محمّدعلی مدرس زاده در اصفهان چاپ سنگی شده است.]

از اشعار اوست:

حبّ دنیا منشاء کل خطاست آنچه از حق می رسد لطف و عطاست

کی شود مضطر کسی کو قانع است وانکه کارش جملگی با صانع است(۱)

عباسعلی ملکی نجف آبادی*

عباسعلی ملکی نجف آبادی فرزند غلامحسین، از علمای معاصر نجف آباد در سال ۱۳۱۳ش متولّد شد. تحصیلات علوم دینی را در نجف آباد و اصفهان نزد شیخ ابراهیم ریاضی، شیخ غلامحسین منصور، سیّد محمود مدرس و شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی انجام داد و برای تکمیل آن به قم رفته و در درس حضرات آیات سلطانی، طباطبایی، محقّق داماد، بروجردی، امام خمینی، منتظری و علاّمه طباطبایی حاضر شد. او پس از آن به نجف آباد مراجعت کرده و به تدریس و تبلیغ و اقامه جماعت پرداخت.

او از فعالان و مبارزان علیه رژیم پهلوی بود و مورد تعقیب مأموران ساواک قرار گرفت. پس از پیروزی انقلاب یکی از فرزندانش مصطفی ملکی در جبهه های جنگ ایران و عراق به شهادت رسید.(۲)

شیخ عباسعلی علویجه ای

شیخ عباسعلی علویجه ای فرزند غلامرضا، عالم فاضل و فقیه جامع در غرّه شعبان ۱۲۸۳ق در علویجه از بلوک عربستان اصفهان متولّد گردیده و در اصفهان مقدمات علوم را فرا گرفته و در سال ۱۳۰۸ق به نجف اشرف مهاجرت نمود و به درس حاج میرزا حسین خلیلی و جمعی دیگر حاضر شد و به آیت اللّه آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۵۵ و ۷۵۶؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۰۰؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۸۵۲ و ۲۸۵۳؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، صص ۶۹۴ و ۶۹۵؛ الذریعه، ج۱۶، ص۳۴۵ و ج۲۵، صص ۱۳۲ و ۲۱۳؛ شرح مجموعه گل، صص ۲۹۵-۳۰۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۴.

۲- سیمای دانشوران، ص۲۰۱.

اختصاص یافت.

در حُسن خُلق و تقوی و زهد معروف بود. سرانجام در ۷ شعبان ۱۳۵۵ق وفات یافته و در وادی السلام مدفون گردید.(۱)

[در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم نسخه ای از «حقایق الأخبار» تألیف عباسعلی کرونی موجود است که در سال ۱۳۱۹ق تألیف شده که شاید همان شیخ عباسعلی علویجه ای باشد.(۲)]

عباسعلی خرم لنبانی

میرزا عباسعلی خُرم لنبانی [فرزند کاظم از شعرای اواخر دوره قاجاریّه] در سال ۱۲۳۷ق متولّد شده [و از ۱۵ سالگی به سرودن شعر پرداخته و «خرم» تخلّص نمود. مصحح کتاب دشت خرم سال تولّدش را با توجه به برخی اشعارش ۱۲۳۴ق تعیین کرده است. خرم ظاهرا در لنجان و اردستان دارای مناصب اداری و از جمله تحویلداری بوده است. او برخی از بزرگان روزگار خود مانند میرزا سلیمان خان رکن الملک، حاج آقانوراللّه نجفی و حسینقلی خان ایلخان بختیاری را مدح کرده است. همچنین اشعاری در مدح ناصرالدین شاه و ظلّ السلطان دارد.] دیوان اشعار او با نام «دشت خرم» در سال ۱۳۱۱ق چاپ سنگی شده [و بار دیگر با تصحیح آقای علیرضا لطفی (حامد اصفهانی) در سال ۱۳۸۷ش چاپ حروفی گردیده است.

خرم لُنبانی در سال ۱۳۲۴ق در اصفهان وفات یافته و در تکیه میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

۱- دیباچه دیار نون، ص۲۰۹؛ سیمای دانشوران، ص۱۳۹؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۰۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۵۶ و ۷۵۷.

۲- فهرست مختصر کتابخانه گلپایگانی، ص۲۷۱.

از اوست:

بستی به سرزلف دلا را که تو داری پای دل هر عاشق شیدا که تو داری

دانند همه خلق که خوبان زمانه زشتند بر طلعت زیبا که تو داری

صد گل به گلستان همه دیدیم و ندیدیم یک گل به از آن روی دل آرا که تو داری(۱)]

عباسعلی اسکندری*

عباسعلی اسکندری فرزند یداللّه، از هنرمندان معاصر اصفهان. در سال ۱۳۲۵ش در اصفهان زاده شد. تا پایان مقطع ابتدایی تحصیل کرد. آموختن قلمزنی را از نوجوانی نزد برادرش استاد محمّد اسکندری آغاز کرد و با علاقه بسیار، دوازده سال از استادانی چون اسداللّه خسروانی، علی خسروانی و محمّدتقی ذوفن تعلیم گرفت و ضمن شاگردی، در کنار ایشان کار نیز می کرد.

اسکندری حدود سی سال است که به طور مستقل کار می کند. نوع کار وی قلمزنی برجسته است بویژه قلم زدن بر تابلوهای گل و مرغ، گلدان های برجسته، کار بر روی ضریح امام زاده ها، خط های کوفی و قرآنی و جز آن. وی، به سبب فعالیت های هنری اش در این رشته، تقدیرنامه هایی نیز از سازمان صنایع دستی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرفته است، از جمله در اولین نمایشگاه آثار برگزیده صنعتگران صنایع دستی کشورهای آسیا و اقیانوسیه در سال ۱۳۷۲ش، در نمایشگاه آثار هنری ماه مبارک

۱- مزارات اصفهان، صص ۵۹ و ۶۰؛ الذریعه، ج۸، ص۱۷۱؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ دشت خرم (تصحیح آقای لطفی) ، صص ۷-۱۸.

رمضان در نگارستان امام خمینی در سال ۱۳۸۱ش و نیز در نخستین نمایشگاه صنایع دستی کشور. اسکندری در چند نمایشگاه داخلی شرکت کرده است که عبارتند از: نمایشگاه ایران گردی و جهان گردی در پارک قیطریه تهران و نخستین نمایشگاه سراسری صنایع دستی کشور به مناسبت تشکیل چهاردهمین اجلاس آسیایی شورای جهانی صنایع دستی در باغ چهلستون اصفهان. وی همچنین تعدادی از آثارش را با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای شرکت در نمایشگاه های خارجی به چین، ژاپن و آلمان ارسال کرده است. تصویربرداران ژاپنی، از آثار و نمونه کارهای او فیلمی تهیه کرده اند.

اسکندری هنر قلمزنی را به طور خصوصی و عمومی تعلیم می دهد و با سازمان صنایع دستی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز همکاری می کند. وی در حال حاضر در اصفهان مغازه ای دارد و به قلمزنی مشغول است.

از آثار وی می توان به این موارد اشاره کرد:

۱. درِ حرم حضرت رضا علیه السلام با همکاری محمّدتقی ذوفن، (یک لنگه آن) ۲. درِ حرم حضرت معصومه (س) ، با همکاری استادانش۳. ضریح حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام ، با همکاری استادانش۴. ضریح حرم حضرت شاهچراغ علیه السلام ، با همکاری استادانش۵. ضریح مشهد اردهال شاهزاده محمّد، با همکاری استادانش.(۱)

دکتر عباسعلی موحّدیان

دکتر عباسعلی موحّدیان، از اساتید پزشکی اصفهان، در سال ۱۳۰۵ش متولّد شده و پس از اخذ دیپلم طبیعی از دبیرستان سعدی در سال ۱۳۲۶ش به دانشکده پزشکی

۱- فرهنگ ناموران معاصر ایران، ج۲، ص۵۳۵.

طهران راه یافته و در سال ۱۳۳۲ موفق به اخذ درجه دکترا شد. سپس در دانشکده پزشکی اصفهان به تدریس رشته اعصاب و روان مشغول شد.(۱)

عباسقلی خان سیف الملک نوری*

عباسقلی خان نوری ملقّب به «سیف الملک» فرزند میرزا زکی نوری خوشنویس و ادیب دانشمند در قرن سیزدهم هجری. پسرعموی میرزا آقاخان صدراعظم نوری است. آقاخان پس از مرگ نیکلای اوّل امپراطور روسیه، او را با رتبه میرپنجی به مترجمی نظر آقا یمین الدوله به سن پطرزبورگ (دربار الکساندر دوم) فرستاد.(۲) او عاقبت به اصفهان آمده و نزد حاج محمّداسماعیل اصفهانی، از حکماء و علمای عالیقدر اصفهان به تحصیل پرداخته و از جمله کتاب «مفاتیح الغیب» را نزد او خوانده است.(۳) کتاب «سفرنامه سن پطرزبورگ» که نسخه ای از آن در کتابخانه ملّی ایران(۴) و «منتخب التّجارب» در علم طب که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است از تألیفات اوست.(۵)

سیف الملک به خطوط نستعلیق و شکسته و رقاع و تعلیق آشنا بوده و نستعلیق را خوش و رقاع را عالی می نوشته و تاریخ کتابت او از سال ۱۲۵۰ تا ۱۲۸۷ق بوده است. در سال ۱۲۸۶ در اواخر عمرش حکومت طوالش را به عهده گرفته و پس از آن تاریخ درگذشته است.

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، ص۹۳.

۲- شرح حال رجال ایران، ج۲، صص ۲۳۲-۲۳۴.

۳- مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۷۳۹ و ۲۷۴۰.

۴- فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۱۱۱.

۵- فهرست الفبائی رضوی، ص۵۵۶.

این آثـار به خط او در کتابخانه ها موجود است: ۱. «تحفه سـلیمانیّه» تألیف: محمّدنصیر بن میرزا قاضی اردکانی یزدی، به خط شکسـته که در سـال ۱۲۵۰ق در کرمانشـاه آن را کتـابت کرده و بـه شــماره ۶۵۵۱ در کتابخـانه آسـتان قـدس رضوی موجود است.(۱) ۲. مجمـوعه ای شامـل «کلمـات طریفه» فیض کاشـانی، «مفاتیـح الغیب» ملاّصـدرای شـیرازی و «شـرح حـدیث رأس الجالوت»

از: ملاّ محمّداسـماعیل بن محمّدجعفر اصـفهانی که در دومین دفتر از نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران معرفی شده است. ۳. «جلوات ناصـریه» از: ملاّ محمّداسماعیل بن محمّدجعفر اصفهانی به خط شکسته در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.۴. «اکسـیر العارفین» ملاّصدرا، به خط شکسته نستعلیق در جمعه ۱۸ رمضان ۱۲۸۰ق موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران۵. «الحکمه العرشـیه» ملاّصـدرا، به خط شکسـته نسـتعلیق، در سه شـنبه ۱۶ شـعبان ۱۲۸۰ق، موجـود در کتابخـانه مرکزی دانشگاه تهران(۲) ۶. «ترجمـه تاریـخ یمینی» از: جرفاذقـانی، به خـط نسـتعلیق در سـال ۱۲۷۱ق موجـود به شـماره ۱۵۰۸ف در کتابخانه ملّی ایران.(۳)

عباسقلی ترابی

عباسـقلی ترابی [فرزند محمّدقلی] از شعرای معاصر اصفهان [در سال ۱۳۰۵ش در دهستان «درغوک» از توابع آباده متولّد شده و] پس از تحصـیل به اسـتخدام اداره فرهنگ درآمده و چندی در شـهرضا به شغل آموزگاری مشغول بود [و در سال ۱۳۵۷ش بازنشسـته شـد. شـاعری خوش مشـرب، شوخ طبع و بااسـتعداد بود و در اغلب انجمن های ادبی از جمله انجمن کمال و انجمن حافظ شرکت می کرد و اشعارش در نشریات اصفهان همچون «اولیاء» و «نوید اصفهان» به چاپ می رسید. مجموعه اشعار او با عنوان

۱- فهرست الفبائی رضوی، ص۱۱۴.

۲- مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۷۳۹-۲۷۴۴.

۳- فهرست ملّی، ج۴، ص۷.

«جلوه های عرفانی» در سال ۱۳۸۱ش به چاپ رسیده است.

او در روز ۵ اردیبهشت سال ۱۳۸۴ش در اصفهان از دنیا رفت و در قبرستان جدید اصفهان (باغ رضوان) به خاک سپرده شد.

از اوست:

ز چشمش تا به مژگان خواب ریزد به جام دل شراب ناب ریزد

به گیسویش وزد هر دم نسیمی از آن صدها دل بی تاب ریزد

ز رخسارش فروغ عالم آرا درون چشمه مهتاب ریزد(۱)]

عباسی اصفهانی*

عباسی، از سادات و شعرای اصفهان در قرن یازدهم هجری بوده و به خاطر منادمت شاه عباس اوّل «عباسی» تخلّص می کرد. سفری به هند رفته و اوحدی بلیانی در سال ۱۰۰۵ق در «اجمیر» هند او را دیده است.

از اوست:

جز حرف قتلم آن بت بدخو نمی کرد با من سخن به جز خم ابرو نمی کند(۲)

میرزا عبدالأئمه طوسی

میرزا عبدالأئمه طوسی فرزند میرزا علینقی ملاّباشی، فاضل محترم. از وکلاء مبرّز دادگستری، متوفی ۲۰ جمادی الثّانی ۱۳۶۸ق مدفون در تکیه بروجردی در تخت فولاد

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۳۱؛ جلوه های عرفانی: مقدمه؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۱۵۹؛ بزم ادب، ص۳۴۱.

۲- تذکره روز روشن، ص۵۲۱؛ تذکره غنی، ص۸۷؛ منتخب اللطایف، ص۴۵۵؛ تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۵۸۴.

اصفهان.(۱)

عبدالباقی اصفهانی

عبدالباقی اصفهانی [خوشنویس هنرمند خط نسخ] در سده دوازدهم هجری، نسخه ای از «صحیفه سجّادیّه» را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۸۲ در کتابخانه ملّی ملک طهران موجود است.(۲)

میرزا عبدالباقی (باقی) اصفهانی

میرزا عبدالباقی موسوی اصفهانی متخلّص به «باقی» شاعر ادیب در قرن سیزدهم هجری. مدّتی کلانتری اصفهان را داشته [است. از آن منصب] استعفا نموده و به عتبات رفته و پس از مراجعت، ندیم شاهزاده علی میرزا [قاجار] شده و در سال ۱۲۳۸ق در کرمانشاه وفات یافته [است.] دیوانش قریب به چهار هزار بیت است.(۳)

«مدایح امینیه» یا «مدایح حسینیه» تذکره ای مشتمل بر شرح حال شاعران مدح کننده میرزا محمّدحسین خان صدر اعظم اصفهانی ملقب به «امین الدّوله» است که [نسخه خطی آن به شماره ۱۳۲۱۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)]

در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران [هم] نسخه ای از «مدایح حسینیه» یا «مدایح

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۹.

۲- فهرست ملک، ص۴۷۹.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۹؛ دیوان طبیب اصفهانی، صص ۷۸-۸۰؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۸۲؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۲۲۳؛ تذکره نگارستان دارا، ج۱، ص۶۳؛ تذکره دلگشا، ص۶۲۱؛ تذکره اختر، ص۴۲؛ تذکره سفینه المحمود، ص۱۷۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۹.

۴- فهرست مرعشی، ج۳۳، صص ۴۲۳ و ۴۲۴.

امینیه» که در سال ۱۲۲۲ق نوشته شده، به شماره ۲۹۶۹ موجود است.(۱)

[از اوست:

ز گلبن تو نباشد گلی هوس ما را همین که غیر نچیند گل تو بس ما را]

میر عبدالباقی امامی*

میر عبـدالباقی امامی، از شـعرای اصـفهان در قرن دهم هجری است. از مصاحبان و رفقای میر روزبهای صبری اصـفهانی بوده و در شعر و شاعری طبعی خوش داشته است. این بیت از اوست:

تا به کی من چو ببوسم لب او را به خیال بود آزرده لبش چون نگرم روز وصال(۲)

سیّد عبدالباقی بختیاری*

سیّـد عبـدالباقی بختیـاری، تعزیه خوان و خواننـده مـذهبی است، معین البکـاء اصـفهان، بختیـاری و شـیراز بود و از ردیف های موسـیقی اطلاع کامل داشـته و در عهد ناصـرالدین شاه، تعزیه هایی را ترتیب می داده و به تربیت تعزیه خوان ها می پرداخته و در بعضی از آنها شبیه حضرت عباس می شده است.(۳)

عبدالباقی گنابادی تونی

عبـدالباقی بن بـدیع الزمان [گنابادی تونی]، از فضـلای قرن یازدهم هجری و از شاگردان ملّا محمّـدتقی مجلسـی است. [او در سال ۱۰۵۶ق نسخه ای از «تهذیب

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰، ص۱۸۶۸.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۵۵۷.

۳- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۳۷۷.

الاحکام» (از «زکوه» تا «زیارات») را به خط نسخ کتابت کرده و آن را نزد ملّا محمّدتقی مجلسی خوانده است. این نسخه در کتابخانه دانشکده حقوق تهران موجود است.(۱) همچنین نسخه ای از کتاب «من لا یحضره الفقیه» را در اصفهان کتابت کرده و ملّا محمّدتقی مجلسی أنهایی برای او نوشته است. این نسخه در کتابخانه مدرسه نواب مشهد موجود است.(۲)]

ملّا عبدالباقی تبریزی

ملاّـ عبدالباقی تبریزی معروف به «دانشمند» و «صوفی» [فرزند بیرام خان، از مشاهیر خوشنویسان و از عرفاء و شعرای قرن یازدهم هجری. در تبریز متولّد شده و نزد ملّاعلی لنگ به مشق خط پرداخت. سپس به درس ملّا میرزاجان راه یافته و چندی بعد به هند رفت عاقبت در بغداد رحل اقامت افکنده و در خانقاه مولوی ها با دده مصطفی مربوط شد ولی عاقبت به اجبار به دستور شاه عباس به اصفهان آورده شد.] او خطوط ثلث و نسخ را عالی می نوشته و برخی از کتیبه های مسجد شاه [مسجد امام [اصفهان به خط زیبای اوست. وفات او در سال ۱۰۳۹ق روی داده است.

[همچنین کتاب های زیر را کتابت کرده است:

۱. «صد کلمه امیرالمؤمنین» (صد کلمه جاحظ) به خط ثلث موجود به شماره ۱۷۲۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی ۲. «مرقع» (قصیده بُرده) که در ۱۰۳۶ق کتابت شده و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد.۳. «رقعه ای» به خط ثلث و نسخ خوش، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی]

او شعر می سروده و «باقی» تخلّص داشته است. [این کتاب ها و آثار از اوست:

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۳۹۰؛ الذریعه، ج۱، ص۱۶۳؛ فهرست حقوق، ص۳۰۹.

۲- الروضه النضره، ص۳۱۲.

۱. «دیوان اشعار» ۲. «منهاج الولایه» در شرح نهج البلاغه که به وسیله آقای حبیب اللّه عظیمی تصحیح شده و در ۲ جلد به چاپ رسیده است.۳. نامه ای عرفانی به میرزا ابراهیم همدانی که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.۴. «تفسیر قرآن کریم» به روش عرفانی۵. «شرح صحیفه سجادیه»

از اوست:

محنت کش روزگار خویشتنم چه کنم؟ درمانده اضطراب خویشتنم چه کنم؟

دور است ز جبر، اختیارم امّا مجبور به اختیار خویشتنم چه کنم؟(۱)]

عبدالباقی اصفهانی

عبدالباقی بن حاجی میرزا تقی اصفهانی، از کاتبان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری بوده و در ذی الحجه ۱۲۵۲ق نسخه ای از «دلائل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام» تألیف سیّد محمّدابراهیم موسوی قزوینی را به خط نسخ نوشته و به شماره ۴۴۲۹ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۲)

میر عبدالباقی خاتون آبادی (کبیر)

میر عبدالباقی خاتون آبادی بن میر محمّدحسین بن میر محمّدصالح بن میر عبدالواسع حسینی خاتون آبادی اصفهانی، عالم فاضل و مجتهد بارع، از اکابر علمای اصفهان در قرن

۱- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، صص ۲۵۶۰ و ۲۵۶۱؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۹۶؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۲۱۱؛ دانشمندان آذربایجان، صص ۱۴۴-۱۴۶؛ وقایع السنین و الاعوام، صص ۵۰۶ و ۵۰۷؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۲۰۴؛ فهرست مرعشی، ج۳۱، ص۷۱۹؛ الرّوضه النضره، ص۳۱۲؛ پیدایش خط و خطاطان، صص ۱۸۷ و ۱۸۸؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۴۷-۵۰؛ تاریخ اصفهان (هنرمندان) ، صص ۹۱-۹۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۳؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۳۸۸-۳۹۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۷؛ منهاج الولایه: مقدمه.

۲- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۱۸.

دوازدهم هجری.

[در اصفهان متولّد شده] و نزد میرزا ابوالقاسم مدرس و شیخ یوسف بحرینی [و ملاّ محمّدجعفر کشمیری] و جمعی دیگر از فحول علماء تحصیل کرده سال ها امام جمعه اصفهان بود. در علوم معقول و منقول استاد بود و تدریس فرمود.

[جمعی از علماء از او روایت می کنند که از آن جمله هستند: سیّد بحرالعلوم، میرزا حیدرعلی مجلسی، آقا سیّد علی کربلائی و حاجی میر محمّدحسین خاتون آبادی (فرزندش) .]

وی در سال ۱۲۰۷ق در اصفهان وفات یافته و در نجف در ایوان علماء مدفون گردید.(۱)

وی را تألیفاتی است از جمله:

۱. «اکمال الاعمال» در استکمال کتاب «اقبال» سیّد بن طاووس [مؤلف آن را از بخش «مزار» از کتاب «بحارالأنوار» در تکمیل کتاب «اقبال» جمع آوری و در ۲ فصل مرتب ساخته است. نسخه ای از آن در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی(۲) و نسخه ای دیگر در کتابخانه حاج شیخ محمّدسلطان المتکلمین در طهران(۳) وجود دارد[۲. «الجامع» در اعمال ماه مبارک رمضان [در یک فاتحه و ۷ باب و یک خاتمه، به فارسی که در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است.(۴)] ۳. «ریاض رضوان» در آداب و زیارات حضرت رضا علیه السلام که محمّدعلی صبوح اصفهانی در چهارشنبه ۲۶ جمادی الثانی ۱۱۸۴ق در مدرسه کاسه گران کتابت کرده و در کتابخانه حقیر [سیّد

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۶۰؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۳۱۳؛ روضات الجنات، ج۸، ص ۱۹۰؛ مکارم الآثار، ج۲، صص ۳۱۵-۳۱۷؛ فوائد الرضویه، ص۲۲۳؛ الکرام البرره، ج۲، ص۶۹۸؛ غرقاب، ص۹۲.

۲- فهرست مرکز احیاء، ج۷، ص۱۰۹.

۳- الذریعه، ج۲، ص۲۸۲.

۴- فهرست مرکز احیاء، ج۶، ص۷۳.

مصلح الدین مهدوی] موجود است.

میر عبدالباقی خاتون آبادی (صغیر)

میر عبدالباقی خاتون آبادی معروف به «صغیر» فرزند میر محمّدحسین بن میر عبدالباقی (کبیر) بن میر محمّدحسین خاتون آبادی، از علمای اجلاّ- مانند دو برادرش میر علینقی و حاج میرزا حسن امام جمعه در اصفهان می زیسته و در سال ۱۲۲۵ق وفات یافته و در داخل بقعه مجلسی مدفون شده است. بر سنگ قبر او اشعاری در مرثیه و ماده تاریخ صاحب عنوان منقور بود و این مصرع مادّه تاریخ وفات اوست: «در جنان شد میر عبدالباقی از دنیای دون». قبر او در تعمیرات اخیر [حدود ۱۴۰۰ق] از بین رفت.(۱)

ملّا عبدالباقی کاشانی

حاج ملّا عبدالباقی بن محمّدحسین بن حاج عبدالرزاق کاشانی [عالم فاضل از علمای قرن سیزدهم هجری.]

ملّا حبیب اللّه کاشانی در «لباب الالقاب» درباره او می نویسد: «... کان فقیها متتبّعا فی الأخبار فاضلًا جامعا للمعقول و لا سیّما الریاضیات...»

[وی در کاشان متولّد شده و در آنجا] نزد سیّد محمّدتقی کاشانی و در اصفهان نزد حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی تحصیل کرده است. مرحوم سیّد حجه الاسلام در ربیع الاوّل ۱۲۶۰ق اجازه ای جهت او مرقوم فرموده و در آن به اجتهاد و عدالتش گواهی فرموده و مردم کاشان را به مراجعه او سفارش نموده است. این اجازه ضمن مجموعه اجازات مرحوم حجه الاسلام در کتابخانه مولی محمّدعلی خوانساری در

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص ۳۳۹ و ۳۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۶۰؛ مزارات اصفهان، ص۳۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۳۲.

نجف اشرف می باشد.(۱)

عبدالباقی حسینی اصفهانی

عبدالباقی بن حسین حسینی اصفهانی، [عالم فاضل جلیل، جامع معقول و منقول] از فضلای قرن دوازدهم هجری و متوفای حدود سال ۱۱۳۱ق. مؤلف: ۱. «ذخیره یوم المحشر فی شرح الباب الحادی عشر» به فارسی (تاریخ تألیف: پنج شنبه ۱۲ ربیع الثّانی ۱۱۰۹ق) ۲. «شرح باب حادی عشر»، به عربی. این دو نسخه به خط مؤلف به شماره ۳۷۰۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) [۳. «القیود الوافیه» در شرح «کافیه» و «وافیه»۴. «حاشیه حاشیه خفری بر شرح تجرید» که در سال ۱۱۳۰ق تألیف شده است.(۳)]

میرزا عبدالباقی طبیب اصفهانی

میرزا عبدالباقی موسوی طبیب اصفهانی فرزند میرزا محمّدرحیم حکیم باشی بن میرزا محمّدباقر بن میرزا رضا بزرگ بن حکیم احمد بن حکیم سلمان موسوی اصفهانی. شاعر ادیب در قرن دوازدهم هجری. از سلسله سادات حکیم سلمانی است که اصل آنها از جهرم فارس بوده و نسب سادات شاپورآباد اصفهان نیز به حکیم سلمان می رسد.

در سال ۱۱۲۷ق در اصفهان متولّد شده و پدرش به دستور افاغنه در سال ۱۱۳۷ق کشته شده است. طبیب اصفهانی در طبابت، ماهر و حاذق بوده و در رکاب نادرشاه به عنوان حکیم باشی و ندیم او به هند رفته و در آنجا با علیقلی خان لگزی متخلّص به

۱- الکرام البرره، ج۲، ص۶۹۸؛ الذریعه، ج۱، ص۱۵۷؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۳۴ و ۳۳۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۰، ص۱۰۸.

۳- تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۶۷.

«واله» مؤلف تذکره «ریاض الشعراء» ملاقات نموده است. طبیب از معاشرین و مصاحبین مشتاق اصفهانی است.

او در سال ۱۱۷۱ق وفات یافته و در تخت فولاد جنب لسان الارض [تکیه شهداء کنونی] مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را «صهبا» گوید:

کلک «صهبا» از پی تاریخ فوتش زد رقم «بزم جنّت منزل آن زبده سادات باد»

دیوان اشعاری دارد حاوی قریب دو هزار بیت که نمونه بهترین شعر فارسی است. [و به چاپ رسیده است. نسخه خطی دیوان طبیب در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.] مثنوی به نام «محمود و ایاز» نیز گفته است.

از اوست:

غمت در نهانخانه دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند

به دنبال محمل چنان زار گریم که از گریه ام ناقه در گل نشیند

خَلَد گر به پای خاری آسان برآرم چه سازم به خاری که در دل نشیند

پی ناقه اش رفتم آهسته، ترسم غباری به دامان محمل نشیند(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۴۷ و ۷۴۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۸؛ اصفهان: کتاب جوانان، ص۲۳۸؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۷۱۹-۷۲۱؛ تذکره روز روشن، ص۴۹۹؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۲۰۹؛ تذکره آتشکده: نیمه دوم، صص ۵۸۴-۵۸۶؛ الذریعه، ج۹، ص۶۴۴؛ دیوان طبیب اصفهانی، ص۸۹؛ تذکره غنی، ص۸۳؛ فهرست گلپایگانی (صدرائی) ، ج۲، ص۱۹۰۴؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۲، صص ۱۲۹۳ و ۱۲۹۴؛ منتخب اللطایف، ص۴۲۴.

دکتر عبدالباقی نواب

دکتر عبدالباقی نواب فرزند میرزا محمّدرضا خان بن میرزا علی خان مستوفی چهارسو شیرازی اصفهانی، طبیبی حاذق، ادیب شاعر و خوشنویس هنرمند معاصر.

در سال ۱۲۹۶ش در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسّطه، به دانشکده پزشکی طهران راه یافته و موفق به اخذ درجه دکترا شده است. او سال ها به تدریس در آموزشگاه عالی بهداری اصفهان و دانشکده پزشکی اصفهان مشغول بوده و درجه D.TM and H. را از دانشکده بیماری های گرمسیری و بهداشت لندن اخذ نموده است.

وی در پست های اداری مانند ریاست دانشکده داروسازی، معاونت دانشگاه اصفهان و معاونت دانشکده پزشکی به خدمت پرداخته و در سال ۱۳۳۹ش به سمت نمایندگی مردم اصفهان در مجلس شورای ملی انتخاب شده است.(۱)

دکتر نواب مردی ادیب و دانشمند و شاعر بوده و خط شکسته را خوش می نوشته و در محافل و انجمن های ادبی شرکت می نموده است. او طبیبی خوش محضر، نیک سیرت و خوش رفتار، آشنا به انساب و حالات بسیاری از مردم اصفهان بالاخص علماء و سادات و به خصوص خاندان های بهشتی و فشارکی و روضاتی و در قدرت حفظ احاطه به جزئیات کم نظیر و دارای محاسن اخلاق و لطافت طبع و ظریف بوده است.

وی در شب اربعین (۲۰ صفر) ۱۴۰۳ق (سال ۱۳۶۱ش) در طهران وفات یافته، جنازه به اصفهان منتقل گردیده و در مجاورت خاندان بهشتی [واقع در شمال مصلای تخت فولاد] مدفون گردید.(۲)

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، ص۶۵.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۷.

[مرحوم استاد حسن بهنیا متخلّص به «متین» مادّه تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

پی سال تاریخ فوتش «متین» بگفت: «ای دریغ از مسیحای ما»(۱)

همچنین شاعر گرامی آقای میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) چنین گفته است:

سال فوتش را رقم بنمود «برنا» با دو هجری هر یکی در بیتی از طبع روان نکته دانی

«جانب جانان جاوید و جهان جاودانی کرده عبدالباقی نواب روی از دار فانی» ۱۴۰۳

«جان عبدالباقی نواب شد از دار فانی جانب جانان جاوید و جنان جاودانی» ۱۳۶۱]

این شعر از دکتر نواب است:

باغبانی گل امید به گلزار نشاند بهر پروردن او خون دل از دیده فشاند

گشت پروانه اش عاشق ولی از جور خزان عاقبت زان گل و پروانه یکی خاطره ماند

کتاب «بیماری های عفونی» از تألیفات اوست که دکتر عبدالرحیم امامی جمع آوری و در اصفهان به طبع رسانیده است.

آقا عبدالباقی مازندرانی

آقا عبدالباقی مازندرانی بن ملاّ محمّدصالح ساروی مازندرانی بن احمد، عالم فاضل

۱- طاوس خیال، ص۴۴۱.

کامل [از علمای قرن دوازده هجری.]

مادرش صبیّه ملاّ محمّدتقی مجلسی است. آقا احمد کرمانشاهی در مرآت الاحوال از او به عنوان «جامع الفضائل و حاوی الفواضل و عالم العامل و الفقیه الکامل» یاد کرده است. از او پسری به نام محمّدصالح و معروف به آقابزرگ که اهل علم و فضل بوده به جا مانده است.(۱)

میر عبدالباقی آرتیمانی

امیر عبدالباقی بن میر عبدالباقی [بن سیّد رضی الدّین محمّد آرتیمانی همدانی اصفهانی، عالم فاضل جلیل و شاعر ادیب اریب، از محدّثین و فضلای قرن یازدهم هجری است. جدّش از اهالی «آرتیمان» همدان و از شعرای معروف بوده است. خود او در اصفهان ساکن بوده و گاهی شعر می سروده و «باقی» تخلّص می کرده است.(۲)] از شاگردان علاّمه محمّدباقر مجلسی است.(۳)

او نسخه ای از کتاب «کافی» را در سال ۱۰۸۹ق نوشته و ظاهرا نزد علاّمه مجلسی قرائت نموده و علاّمه مجلسی در پایان جزء اوّل جهت او اجازه مرقوم داشته است. این نسخه در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۴)

همچنین امیر عبدالباقی کتاب «تهذیب الاحکام» را نزد علاّمه مجلسی خوانده و استاد در چندین محل کتاب اَنهاء جهت او نوشته که تاریخ آخرین آن ۲۸ رجب

۱- مرآت الاحوال، ج۱، ص۱۳۴؛ فیض قدسی، ص۲۱۷؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۵۵۳؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۳۵۹.

۲- تذکره ریاض الشعراء، ج۱، ص۴۲۰.

۳- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۲۶۵.

۴- فهرست وزیری، ج۱، ص۲۷۵؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۴۹.

۱۰۹۲ق است. نسخه به شماره ۳۱۸۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۱)

[کتاب «فوائد علیّه و تصحیح النّیّه» یا «نیّات عبادات» از تألیفات اوست که به فارسی و یک مقدمه، ۷ مقصد و یک خاتمه در سال ۱۱۱۰ق به نام شاه سلطان حسین صفوی نوشته است. نسخه ای از آن به شماره ۴/۷۳۲۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی و نسخه ای دیگر به شماره ۲۱۴۷ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۲) این شعر از اوست:

به کف آورده ام از گلشن بی خار غمت گل داغی که نصیب دل آگاه شود]

میرزا عبدالباقی نائینی

میرزا عبدالباقی بن میرزا محمّدعلی بن حاج میر سیّد جعفر بن حاج آقا میرزا بن سیّد حسین نائینی اصفهانی عالم و فاضل بوده و در قرن چهاردهم هجری می زیسته و در اوان جوانی در اصفهان بلاعقب وفات یافت.(۳)

عبدالباقی اصفهانی*

عبدالباقی فرزند معینای اصفهانی، از شعرای اوایل قرن یازدهم هجری. در هند ساکن بوده و از معتمدان جهانگیر پادشاه است. گاهی در کابل و گاهی در سند به خدمت مشغول بوده و در شعر طبعی خوش داشته است. این شعر از اوست:

با زَهر غم او تریاک ندارم می میرم و از مردن خود باک ندارم

۱- فهرست مرعشی، ج۸، ص۴۰۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۱۲۰؛ فهرست مرکز احیاء، ج۶، صص ۱۵۳ و ۱۵۴.

۳- تاریخ نائین، ج۴، ص۲۸.

کیخسرو تجریدم و جمشید قناعت پروای شکوه جم و ضحّاک ندارم(۱)

عبدالباقی حسینی

عبدالباقی حسینی [ظاهرا از علمای قرن یازدهم هجری] و از جمله شهود وقفنامه مدرسه نوریه اصفهان بوده و سجع مهر او: «عبده عبدالباقی الحسینی» است.(۲)

ملّا عبدالباقی سبزواری

ملّا عبدالباقی سبزواری [عالم فاضل، از فضلای قرن دوازدهم هجری] شاگرد و مجاز از ملّا محمّدفاضل سراب تنکابنی است. [در اصفهان ساکن بوده و] فاضل سراب در اوراق آغاز «مشیخه» از کتاب «من لا یحضره الفقیه» در اوّل جمادی الاوّل ۱۱۰۶ق جهت او اجازه نوشته است. این کتاب به شماره ۷۴۷۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

سیّد عبدالباقی سیفی قزوینی

سیّد عبدالباقی سیفی قزوینی، [از علمای اواخر دوره قاجاریه] از سادات سیفی قزوین، از اجلّه علمای اصفهان و از مدرسین معروف عهد خویش بوده و در مسجد سرخی امامت می فرموده است. در سال ۱۳۱۶ق وفات یافته و در یکی از حجره های تکیه آقا سیّد رضی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۴)

۱- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، صص ۲۵۶۱ و ۲۵۶۲؛ کاروان هند، ج۲، صص ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲.

۲- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۱۰۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۲۷۶؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۲۶۵.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۸.

عبدالباقی قهپائی*

عبدالباقی قهپائی، از فضلای قرن سیزدهم هجری و از اهلی قهپایه اصفهان است. او مجموعه ای را شامل «حاشیه الرساله الالفیه» و «الجعفریه» هر دو از تألیفات شیخ علی کرکی (محقّق ثانی) را به خط نستعلیق در سال ۹۷۰ق کتابت کرده است. این مجموعه در کتابخانه آقای حسین مفتاح در تهران موجود بوده است.(۱)

میر عبدالباقی مقبول اصفهانی

میر عبدالباقی اصفهانی متخلّص به «مقبول» از معاصرین شاه اسماعیل اوّل صفوی بوده و در انواع فنون و هنر ماهر بوده. علاوه بر ادب و شعر و خط، در طباخی استاد بوده و چون در قزوین جهت شاه غذایی طبخ کرد که مقبول واقع شد، «مقبول» را تخلّص خود قرار داد.(۲)

[مرحوم عبدالمحمّد ایرانی در کتاب «پیدایش خط و خطاطان» این میر عبدالباقی طبّاخ را با عبدالباقی صوفی تبریزی خطاط مشهور عصر صفوی و کاتب کتیبه های مسجد شاه اصفهان (مسجد امام فعلی) یکی دانسته که قطعا اشتباه است. و این میر عبدالباقی مقبول، به خوشنویسی معروف نبوده است. صاحب عنوان مثنوی در تتبع «سبحه الابرار» جامی و مثنوی در «تصوف اهل سنت» سروده است.]

از اوست:

۱- نسخه های خطی، دفتر هفتم، ص۲۶۴.

۲- تذکره تحفه سامی (وحید)، ص۳۴؛ تذکره تحف سامی (همایونفرخ)، صص ۵۴ و ۵۵؛ پیدایش خط و خطاطان، صص ۱۹۰ و ۱۹۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۸؛ خط و خطاطان، ص۷۰.

نازکی بین لب او را چون ببینم به خیال لبش آزرده شود چون نگرم روز وصال

عبدالباقی نائینی*

عبدالباقی نائینی متخلّص به «باقی» شاعر، ادیب و موسیقیدان هنرمند قرن یازدهم هجری.

در حدود سال ۱۰۰۳ق در نائین متولّد شده و در نوجوانی به اصفهان آمده و نزد فضلای این شهر به تحصیل علم و ادب مشغول شد و از جمله از محضر حکیم شرف الدّین حسن شفائی اصفهانی، شاعر و طبیب معروف عهد شاه عباس صفوی برخوردار شد. آنگاه به خراسان رفته و با آنان مصاحبت و مراوده ادبی نمود. پس از آن به مناطق و شهرهای هند از جمله: اجمیر، دکن، پتنه و بنارس سفر کرد و به مدح وزراء، شاهزادگان و صاحب منصبان هند پرداخت و به دریافت صله های فراوان مفتخر شد. در سال ۱۰۴۶ق در دهلی به دربار شاه جهان، پادشاه هند راه یافته و قصیده ای در وصف نوروز گفت که به دستور پادشاه به زر کشیده شد. او عاقبت هند را به قصد زیارت بیت اللّه الحرام ترک گفته و پس از انجام حج به اصفهان مراجعت نمود و مدتی بعد در این شهر وفات یافت. سال فوتش معلوم نشد. ظاهرا قبل از سال ۱۰۵۵ (آغاز سلطنت شاه عباس ثانی) از دنیا رفته است.

او از موسیقی دانان زبردست عهد صفویه است. علاوه بر موسیقی ایرانی، با موسیقی هندی نیز آشنا بوده و در تصانیف و آهنگ های خود از موسیقی هند تأثیر پذیرفته است. او «رساله ای در موسیقی» تألیف کرده است.

این شعر از اوست:

یار هشیار آمد و از صحبت ما مست رفت حیف چون عمری که در غم بگذرد از دست رفت

«باقیا» بر هر گلی مانند بلبل دل مبند عمر چون باد بهاری تا که گوئی هست رفت(۱)

عبدالجبّار زعفرانی

ابوالقاسم عبدالجبّار بن ابی غالب بن ابی زید بن محمّد بن احمد زعفرانی اصفهانی [از محدّثین عامه در قرن ششم هجری که] از ابوبکر محمّد بن احمد بن حسن بن ماجه ابهری حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی جزئی از احادیث «لوین» را از او استماع کرده است.(۲)

عبدالجبّار ابهری

ابوعبداللّه عبدالجبّار بن حسین بن محمّد بن احمد بن محمّد بن حسین بن ماجه ابهری [از محدّثین عامه اصفهان در قرن ششم هجری] جدّش محمّد بن احمد ابهری به «ابن ماجه» معروف بوده و از محدّثین قریه «ابهر» جی اصفهان است.

عبدالجبّار از جدّش حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث کرده است.(۳)

۱- تذکره میخانه، صص ۸۷۲-۸۷۵؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۴۳۴ و ۴۳۵؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۲۷؛ منتخب اللطایف، ص۱۶۷؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۳؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، ص۹۰.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۲۷.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۲۰.

سیّد عبدالجبّار رضا توفیقی کوه گیلویه ای

سیّد عبدالجبّار بن محمّد شفیع رضا توفیقی الحسینی الکوه کیلویه ای [از فضلای قرن دوازدهم هجری] نسخه ای از رساله «شرح احادیث طینت» تألیف آقا جمال الدّین محمّد خوانساری را در زمان حیات مشارالیه کتابت نموده است.

این نسخه جزء متون فارسی در معارف اسلامی به شماره ۳ به چاپ رسیده است. احتمالاً مشارالیه از شاگردان آقاجمال بوده است.

فایده: سادات رضا توفیقی تاکنون به همین شهرت در اصفهان ساکن و عموما در حدود محلّه درب امام می باشند و بدین لحاظ به درب امامی شهرت دارند. منهم: العلاّمه الفقیه الادیب البارع الحاج المیرزا بدیع درب امامی.

مشار الیهم از سادات موسوی می باشند و عموما سادات موسوی حسینی امضاء می کرده اند. لا یخفی علی المتتبع البصیر

سیّد مصلح الدّین مهدوی ۲۱/۶/۵۹

عبدالجبّار محتسب

ابواحمد عبدالجبّار بن عصمت بن شیبان بن عبداللّه بن احمد بن محمّد بن شیبان محتسب اصفهانی [از محدّثین عامه اصفهان در قرن ششم هجری] عموزاده شیبان که از ابوعلی حداد، ابوالعباس احمد بن عبدالغفار بن اشته حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی احادیث کمی از او استماع کرده است.(۱)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۲۲.

عبدالجبّار صفار

ابوبکر عبدالجبّار بن عبداللّه بن محمّد بن فورویه صـفّار اصـفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری] ابوالرّضا یحیی بن زید بن خلیفه حسنی ساوه ای (۴۶۸-۵۴۱ق) از او استماع حدیث کرده است.(۱)

عبدالجبّار جاری اصفهانی

ابوالطیّب عبدالجبّار بن فضل بن محمّد بن احمد جاری اصـفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] از ابی عبداللّه محمّد بن ابراهیم جرجانی نقل حدیث کرده و حافظ ابوالقاسم هبه اللّه بن عبدالوارث شـیرازی و اسـماعیل بن محمّد بن فضـل حافظ اصفهانی و ابوالخیر محمّد بن احمد بن محمّد بن عمر بن باغبان از او روایت کرده اند.(۲)

[جار = کار = گار از روستاهای شرق اصفهان است و یک مناره تاریخی از دوره سلاجقه در آنجا هنوز باقی است.]

عبدالجبّار خطبه اصفهانی

ابوسعد عبدالجبّار بن محمّد بن ابوالقاسم اصفهانی هرّاس. معروف به «خطبه» [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] از ابومحمّد رزق اللّه تمیمی و ابوعبداللّه قاسم ثقفی و دیگران حدیث شـنیده و ابوسـعد سمعانی در اصفهان از وی استماع حدیث کرده است.(۳)

۱- التّحبیر، ج ۲، ص ۳۷۵.

۲- معجم البلدان، ج ۲، ص ۹۳ و ج ۴، ص ۴۲۸؛ اللباب، ج ۳، ص ۷۴؛ المشترک، صص ۹۲ و ۳۶۶.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۲۶.

عبدالجبّار صندوقی اصفهانی

ابو احمد عبدالجبّار بن محمّد بن احمد صندوقی اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری] از ابوالمعمّر شیبان بن عبداللّه بن احمد بن شیبان محتسب حدیث شنوده و ابوسعد سمعانی مقدار اندکی از وی استماع حدیث کرده است.(۱)

عبدالجبّار اصفهانی

ابوالفضل عبدالجبّار بن محمّد تاجر اصفهانی [از محدّثین و فضلای قرن ششم هجری] که حسین بن مسعود بغوی شافعی و ابومحمّد عبدالرّحمان بن عبداللّه بن عبدالرّحمان بن حسین بن محمّد بن حسین بن عمر بن حفص بن یزید نیهی مروروذی شافعی (متوفی ۵۴۸ق) از او حدیث شنیده اند.(۲)

شیخ عبدالجلیل اصفهانی

شیخ عبدالجلیل بن زین العابدین اصفهانی، طبیب مخصوص ناصرالدّین شاه و عالمی فاضل و حکیمی ماهر بوده [است.] در سال ۱۲۸۸ق در رودخانه جاجرود غرق شده و جسدش را در سر قبر آقا در طهران دفن کردند. پدرش از خطاطین آن روزگار است.(۳)

عبدالجلیل عبدی اصفهانی

ابومطیع عبدالجلیل بن ابوعدنان بن محمّد بن احمد بن مطهر بن ابونزار بن محمّد بن علی بن محمّد بن احمد عبدی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری

۱- التّحبیر، ج۱، ص۴۲۷.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۷۴؛ بهارستان (آیتی) ، ص۱۶۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۶۱.

[سمعانی از او با عبارت «شیخ صالح مستور من بیت الحدیث» یاد کرده است. در سال ۴۷۰ق در اصفهان متولّد گردیده و از ابوالفضل مطهر بن عبدالواحد بُزانی، ابوالطیّب محمّد بن محمّد بن ابراهیم بن سلیمان اصفهانی معروف به «سله» حدیث شنیده است.

برادرش ابوتمیم عبدالمغیث هم از محدّثین اصفهان است.(۱)

شیخ عبدالجلیل (اصفهانی)

شیخ عبدالجلیل بن عبدالرضا بن اسماعیل، خطاط نسخ نویس [در قزن یازدهم هجری] از آثارش جلّد دوم کتاب «کشف الغمه» اربلی که در سه شنبه ۹ رمضان ۱۰۹۹ق نوشته و به شماره ۱۸ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۲)

عبدالجلیل جوباری اصفهانی

حافظ ابومسعود عبدالجلیل بن محمّد بن عبدالواحد بن محمّد بن ابراهیم بن شهرمرد بن مهره بن کهیار اصفهانی معروف به «ابن کوتاه» جوباری. [از محدّثین عامه در قرن ششم هجری.]

سمعانی درباره او می نویسد: «من اولاد المحدّثین له معرفه تامه بالحدیث و هو حسن السیره مرضیّ الطریقه مکرما للغرباء فقیر قنوع (اوحد وقته فی علمه) .

او از حافظ ابوالقاسم اسماعیل بن فضل بن محمّد، ابومحمّد رزق اللّه تمیمی، ابوالفوارس طرّاد بن محمّد زینبی، ابوبکر بن ماجدالدّین، ابومطیع مصری، ابوالحسن احمد بن عبدالرّحمان ذکوانی و ابوعبداللّه محمّد بن احمد بن حسین فرمیشکانی فقیه ادیب ساکن بیضاء حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی در اصفهان از وی استماع

۱- التّحبیر، ج۱، ص ۴۳۱.

۲- فهرست وزیری، ج۲، ص ۷۲۴.

حدیث کرده است.

[در تاریخ وفاتش اختلاف است. برخی نوشته اند] در اواخر سال ۵۵۵ و یا اوایل سال ۵۵۶ وفات یافته است و آخر رجب یا شعبان ۵۵۳ و یا شب پنج شنبه شعبان ۵۵۳ق هم نوشته اند.(۱)

میرزا عبدالجواد معتمد الذّاکرین*

میرزا عبدالجواد بن ابراهیم معتمد الذّاکرین عالم فاضل و خطیب ماهر، از علمای اصفهان در قرن چهاردهم هجری. وی نزد جمعی از علمای اصفهان از جمله شیخ محمّدعلی نوری فشارکی تحصیل کرده است. نوری فشارکی در سوم رمضان المبارک ۱۳۴۷ق جهت او اجازه روایت نوشته است.(۲)

میرزا عبدالجواد اصفهانی

میرزا عبدالجواد بن ابی القاسم اصفهانی، مؤلّف کتاب «حدیقه الطّب» است. نسخه آن به شماره ۴۲۶ در کتابخانه ملّی فرهنگ در طهران و نسخه ای دیگر در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۳)

آقا عبدالجواد آباده ای

آقا عبدالجواد فرزند حاج محمّدجعفر آباده ای. [عالم فاضل از علمای اواخر دوره قاجاریه] به جای پدر، پس از فوت او در مسجد ایشان [مسجد حاج محمّدجعفر در

۱- التّحبیر، ج۱، ص۴۴۳؛ اللباب، ج۱، ص۳۰۲؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۳۰۴؛ معجم البلدان، ج۲، ص۱۷۶؛ المشترک، ص۱۱۰.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۶۹.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱، ص۵۴؛ فهرست کتابخانه ملّی، ج۱، ص۴۰۷.

اصفهان] امامت می نموده و پس از سال ۱۳۱۰ق در سفر عتبات در کربلا وفات یافت و در وادی السلام نجف مدفون شد.(۱)

[کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تشریح الصلاه» که در سال ۱۲۷۹ق آن را نوشته است.

۲. «تفسیر سوره واقعه» که در سال ۱۲۸۰ق تألیف شده است.(۲)]

پرفسور عبدالجواد فلاطوری*

پرفسور عبدالجواد حکیمی معروف به «فلاطوری» فرزند حسین فیلسوف دانشمند و اسلام شناس کم نظیر معاصر از اعقاب حکیم ملاّـ اسماعیل اصفهانی (واحدالعین) در روز سوم فروردین ۱۳۰۴ش در محلّه بیدآباد اصفهان متولّد شد. تحصیل در مقطع ابتدایی را در دبستان اقدسیه و دبستان ایران طی کرد و در مقطع متوسّطه در سال ۱۳۲۲ش از هنرستان صنعتی اصفهان دیپلم گرفت و سپس با خانواده به تهران رفت.

در اصفهان از محضر شیخ محمّدتقی قمشه ای و در مدرسه مروی تهران از محضر آیه اللّه حاج شیخ محمّدعلی شاه آبادی بهره گرفت. در سال ۱۳۲۶ش به مشهد رفت و در مدرسه حاج حسن حجره گرفت و در فقه و اصول و ادبیات در محضر علمای عالیقدر آنجا همچون شیخ محمّدتقی ادیب نیشابوری (ادیب ثانی) ، حاج میرزا احمد مدرس یزدی، شیخ کاظم دامغانی، شیخ هاشم قزوینی، شیخ هادی کدکنی، شیخ مجتبی قزوینی، حاج شیخ محمّدرضا کلباسی، حاج شیخ محمّدرضا ترابی خراسانی به کسب فیض مشغول شد. در سال ۱۳۲۶ حاج شیخ محمّدرضا کلباسی جهت او اجازه اجتهاد نوشت. و به تدریس در مشهد مقدّس پرداخت.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۳۰؛ الکرام البرره، ج۲، ص۷۰۳.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۷۱.

در سال ۱۳۳۰ش به تهران بـازگشت و برای تکمیـل معلومات خود نزد شـیخ محمّـدتقی آملی، آقا میرزا احمـد آشتیانی، میرزا مهدی آشتیانی و سیّد احمد خوانساری حاضـر شد. و همزمان به تحصـیل در دانشـکده الهیات دانشـگاه تهران مشغول شد و با «ترجمه مشاعر» ملّاصدرا با درجه ممتاز از آن دانشکده لیسانس گرفت.

در سال ۱۳۳۳ برای ادامه تحصـیل به آلمـان رفت و در شـهرهای «ماینس»، «کلن» و «بُن» در رشـته های فلسـفه، روان شناسـی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی و تطبیق ادیان در دانشکده فلسفه تحصیلات خود را پی گرفت و در سال ۱۳۳۸ش از دانشگاه کلن مـدرک گرفت و به عنوان اسـتادیار در دانشـگاه هامبورگ به تدریس زبان و ادبیات فارسـی و فلسـفه اسـلامی پرداخت. او در سال ۱۳۴۰ش با ارائه پایان نامه ای با عنوان «تفسیر اخلاق کانت در پرتو احترام» دکترای خود را از دانشگاه «بن» اخذ کرد.

او در سال ۱۳۴۳ش مرکز تحقیقات علوم و عقاید شـیعی را تأسیس نموده و بیش از هشت هزار جلد کتاب درباره شیعه را برای کتابخـانه آنجا فراهم کرد. آنگاه در دانشـگاه کلن به تـدریس پرداخت. در سال ۱۳۴۹ رساله «دگرگونی بنیادین فلسـفه یونانی در اثر برخورد با اندیشه اسلامی» را ارائه داد و به درجه استادی نائل شد.

از خـدمات ارزنده او اصـلاح و تدوین کتاب های درسـی ۱۷ کشور اروپـایی در باب اسـلام است. او کاستی ها و اشـتباهات و تحریفاتی که در کتاب های درسی مدارس اروپایی وجود داشت را به خوبی اصلاح نمود. برگزاری کنگره های متعدد درباره اسـلام با حضور و سـخنرانی مستشـرقان و اسلام شناسان و نوشتن ده ها مقاله در باب فرهنگ و تمدن و فلسفه اسلامی و تطبیق آن بـا فلسـفه غرب از اقـدامات ارجمنـد او برای معرفی اسـلام پیشـرو بـه مردمـان مغرب زمین بـود. همچنین در سـال ۱۳۵۵ش آکادمی علوم اسلامی را تأسیس نمود.

پرفسور فلاطوری در روز یکشنبه ۹ دی ماه ۱۳۷۵ش در آلمان وفات یافته و جنازه

به اصفهان حمل و در گلستان شهدا نزدیک مزار عالم ربّانی حاج آقا رحیم ارباب مدفون شد.

کتاب های زیر از آثار اوست:

۱. «ترجمه ایران در زمان پیش از اسلام» نوشته: برتولد اشپولر (که بهترین ترجمه سال شناخته شد) ۲. «فهرست کتاب های آکادمی اسلامی» که در سال ۱۳۷۴ش به چاپ رسید۳. «اسلام در دیالوگ» در دو جلد۴. «جانشینان محکوم» ترجمه «الاستغاثه فی بدعه الثلاثه» در دو جلد۵. تألیف ۶ جلد کتاب درسی درباره اسلام برای مدارس۶. «نصاب آموز»۷. «آلمان و کشورهای اروپایی»۸. «جبهه اسلامی آزاد». تعدادی از مقالات و مصاحبه های او در کتاب «فلاطوری» (جلد دوّم) به چاپ رسیده است.(۱)

میرزا عبدالجواد اخوّت*

حاج میرزا عبدالجواد اخوت فرزند میرزا رضا، از تجّار و اطبّای ماهر قرن چهاردهم هجری. در ماه اسفند ۱۲۶۷ش (مطابق ۱۳۰۶ق) در اصفهان متولّد شد و در نوجوانی در بازار به کار پرداخت. در جوانی با شاهزاده محمّدحسن میرزا که در اصفهان ساکن بود آشنا شد و از او طب آموخت. چندی بعد به شیراز رفته و در کنار طبابت، به تجارت پرداخت. او پس از ۱۰ سال اقامت در شیراز به تهران رفت و در آنجا اقامت نمود تا این که در روز یکشنبه ۳ رمضان ۱۳۶۴ق (مطابق ۲۱ مرداد ۱۳۲۴ش) وفات یافته و در مزار ابن بابویه در شهرری مدفون شد. او خاطرات خود را از تولّد تا ۳۱ سالگی (تا سال

۱- فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، صص ۴۴۸ و ۴۴۹؛ کتاب «فلاطوری»، ج۱، صص ۱۴۱-۱۶۵؛ زندگینامه و خدمات فرهنگی دکتر عبدالجواد فلاطوری، صص ۲۳-۲۷ و ۱۳۵-۱۵۰؛ تخت فولاد اصفهان (چاپ دوم) ، صص ۲۴۰ و ۲۴۱؛ نادره کاران، صص ۸۸۵ و ۸۸۶.

۱۳۳۷ق) نوشته که با عنوان «از طبابت تا تجارت» در سال ۱۳۸۶ش به کوشش آقای مهدی نفیسی به چاپ رسیده است و منبع ارزشمندی در شناخت مردم ایران در عصر مشروطیت است.(۱)

میرزا عبدالجواد نحوی

میرزا عبـدالجواد نحوی بن میرزا عبدالحسین بن محمّـدتقی بن حاج محمّدحسـین نایب الصدر بن آقا محمّدجعفر بن حاج ملّا مهدی بن حاج محمّد ظهیر هرندی اصفهانی، [از فضلاء قرن سیزدهم هجری.]

در ذیقعده ۱۲۸۰ق متولّد شده و مقدّمات علوم را از صـرف و نحو و معانی و بیان و فقه نزد فضـلای اصـفهان تحصیل نمود، و خط نستعلیق را در کمال استادی می نوشته است. [مع الاسف] در محرم ۱۳۰۵ق در عنفوان جوانی وفات یافته و در قبرستان سر قبر آقا در اصفهان مدفون شد.(۲)

میرزا عبدالجواد لا اَدری

میرزا عبـدالجواد متخلّص به «لاـ اَدری» بن عبدالحمیـد بن مؤمن بن ملاّـ محراب گیلاـنی، شـاعر و ادیب خوش خـط [در اواخر دوره قاجاریه] از آثارش کتابت نسـخه ای از قرآن مجیـد است که به وسـیله رکن الملک به چاپ رسـیده است. تاریـخ کتابت نسخه سال ۱۳۰۷ق [است.(۳)]

۱- بنگرید به: از طبابت تا تجارت: مقدّمه.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۵؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۳۲۲-۲۳۲۴.

۳- مکارم الآثار، ج۳، ص۶۲۳.

حاج ملاّ عبدالجواد باغبادرانی

حـاج ملاّ عبـدالجواد بن عبـدالرحیم باغبادرانی اصـفهانی، [عالم عامل متبحّر، نحریر کامل، متکلم خبیر، از وعاظ و دانشـمندان اواخر دوره قاجـاریه] اصـلاً از کوهگیلـویه بـوده ولی در باغبـادران [کـه سابقـا از دهـات بزرگ لنجـان بـوده و به «بـاغ وردان» معروف است و اکنون به شهر تبدیل شده است] متولّد شده و در اصفهان نزد علماء و فضلاء این شهر کسب فیض نموده است. [او در اصـفهان به وعـظ و خطـابه و تـألیف و تحقیـق مشـغول بوده و سـرانجام در شب شـشم مـاه مبـارک رمضـان ۱۳۳۵ق در اصـفهان وفـات یـافته و در نزدیکی مقبره ملاّ اسـماعیل خواجویی در تخت فولاد اصـفهان مـدفون شـد. مرثیه وفات او را شاعر خطاط و خطیب مشهور «میرزا عبدالجواد خطیب» چنین گفته و بر سنگ مزار او نقر گردیده است:

در پناه رحمت حق شد جواد رحتمش پیوسته بادا بر نهاد

جوهر انسان، جهان مردمی مردم بنیائی اهل رشاد

عالم نحریر حبر بی عدیل کز کمال و فضل و معنی داد داد

بود نشر مذهب اثنی عشر داعیش در منبر و مسجد مراد

بود گنجی از هنر چنگ اجل چون گهر بر بود و در خاکش نهاد

جست تاریخش «خطیب عبدالجواد» تا که تقدیم روان وی کناد

آمد از مجمع یکی بیرون و گفت «در پناه رحمت حق شد جواد»(۱)]

کتب زیر از تألیفات اوست:

[۱. «بحر المعجزات» ۲. «ریاض المناقب»(۲) ۳. «شجره المحمّدیه» که در سال

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ بزم معرفت: صص ۲۰۲-۲۰۴.

۲- تذکره شاعران فارسی سرا، ص ۴۰.

۱۳۱۴ق به فارسی تألیف شده و در کتابخانه ملک تهران موجود است.(۱) [۴. «الصاحب» درباره امام زمان علیه السلام به عربی در ۳ جلد که به شماره های ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.۵. «مقتل الآل» به عربی، از مقتل حضرت علی تا حضرت رضا علیهماالسلام که به شماره ۳۸۵ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.۶. «موقظ الغافلین»، ردّ بر بابیه و صوفیه در ۳ جلد که به شماره های ۶۴۶ و ۶۴۷ و ۶۵۳ در کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می شود.(۲) ۷. «نسائم الرّحمه» [به فارسی در اخلاق] که نسخه ای از آن در کتابخانه علاّمه مفضال جناب آقای حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است. [نسخه دیگری که شامل باب نخست کتاب است، به شماره ۲/۱۲۸۶۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)]

گاهی شعر می سروده است. از اوست:

زینب چو دید رأس برادر به تشت زر نالان کشید آه شرربار از جگر

در بر درید جامه صبر و شکیب را گاهی به سینه می زد و می زد گهی به سر

می گفت ای شهید به خود غرقه یا حسین ای گوشه پاره جگر سیّد بشر

ای نور چشم حیدر و ای زاده بتول جسمت جدا فتاده و رأست به تشت زر(۴)

۱- فهرست ملک، ج ۱، ص ۲۷۶.
۲- فهرست مسجد اعظم قم، صص ۲۷۵، ۳۸۳ و ۴۰۲.
۳- فهرست مرعشی، ج ۳۲، ص ۶۳۲ و ج ۱۲، ص ۱۸۷.
۴- تراجم الرّجال، ج ۱، ص ۲۷۱.

میرزا عبدالجواد خطیب

میرزا عبدالجواد خطیب فرزند ملاّـ عبداللّه بن ملاّـ محمّدحسین بن حسن ریزی لنجانی، ملقب به «لسان الدّین» [از علماء و خطبای عالیقدر اواخر دوره قاجاریه] عالم فاضل، خطیب ادیب و شاعر ماهر. در [ماه شوال] ۱۲۷۹ق متولّد گردیده و نزد فضلاء اصفهان تحصیل نموده و از طرف امام جمعه اصفهان منصب خطابت یافته و در اعیاد و مجالس فاتحه خطبه می خواند و جهت بسیاری از علماء و بزرگان اصفهان مادّه تاریخ گفته [بود.] طبع شعر روانی داشت. اشعار مصیبت زیادی سروده است. [خط نستعلیق را خوب می نوشت. معلم خط مدرسه قدسیه بود. نمونه خط او در سر درب مدرسه صدر بازار و مسجد رکن الملك و سر درب آب انبار کازرونی تخت فولاد موجود است. او در خط شاگرد عبدالرحیم افسر و فتح اللّه جلالی است.]

او در سه شنبه ۲۱ ربیع الاوّل ۱۳۵۹ق [مطابق با ۱۰ اردیبهشت ۱۳۱۹ش] وفات یافته و جنب آب انبار کازرونی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

اشعارش حدود سه هزار بیت است. این شعر از اوست:

معراج علی فراز او اَدنی شد در خم چو به دست مصطفی بالا شد

قوسین ز قامت نبی بیش نبود ره طی شد و او بر افق اعلی شد(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۰؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۶؛ دیوان طرب، ص۸۰؛ احوال و آثار خوشنویسان، ص۳۶۸؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۳۲۲؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، صص ۳۸۳ و ۳۹۰؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۲۳۶؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ گلزار مقدّس، صص ۳۱۹-۳۵۱.

میرزا عبدالجواد شیخ الاسلامی

آقا میرزا عبدالجواد شیخ الاسلامی بن حاج میرزا علی [بن میرزا محمّدرحیم بن میرزا عبداللّه بن میرزا محمّدرحیم بن میرزا مرتضی بن شیخ عبدالمطلب بن میرزا محمّدرحیم شیخ الاسلام بن ملّا محمّدجعفر شریف سبزواری بن ملّا محمّدباقر محقّق سبزواری]، عالم فاضل و ادیب کامل [از علمای اصفهان در قرن چهاردهم هجری] در اصفهان متولّد و هم در این شهر نزد علماء تحصیل کرده [بود] عالمی خلیق و مهربان و دوستدار علماء بود.

نویسنده مکرّر ایشان را شب ها در مسجد سیّد حجه الاسلام مشاهده و ملاقات می کردم که با مرحوم ملّا شیخ محمود مفید گاهی به مباحثات علمی اشتغال می جست و مرحوم مفید به او احترام می گذاشت. او داماد عموی خود بوده [است.(۱)]

[وی در ۱۴ رجب ۱۳۷۴ق وفات یافته و در صحن تکیه بروجردی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. مؤلف فقید، به خطا مزارش را در تکیه ریزی نوشته است.(۲)]

میرزا عبدالجواد حکیم

میرزا عبدالجواد حکیمی فرزند ملّا علی (معروف به «آخوند شیخی») پدرش از شیخیه خراسان بوده که به امر حاج میرزا باقر قهی، جانشین حاج محمّدکریم خان، به نائین آمده و میرزا عبدالجواد در آنجا متولّد شد.

او در نائین و اصفهان تحصیل کرده و بالاخره در پوده از دهات سمیرم ریاست شیخیه آن حدود را داشته و در سال ۱۳۳۲ش به سن هفتاد سالگی در آنجا وفات

۱- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۸۱.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ بوستان فضیلت، ص۲۶۹.

یافت.(۱)

حاج ملّا عبدالجواد آدینه ای

حـاج ملّا عبـدالجواد (یا محمّـدجواد) آدینه ای [فرزنـد حاجی ملّا محمّـدعلی (مـدعو به حاجی آدینه) معروف به «نیلفروش» و «رنّاسی»] حکیم فقید زاهد [از علماء و حکمای اصفهان در اواخر دوره قاجاریه.]

از مبرّزین شاگردان جهانگیرخان قشـقائی بوده و خود از مدرسـین حکمت در اصـفهان می باشد. در مدرسه صدر تدریس می فرمود و جمعی کثیر از محضـرش مسـتفیض می شدند. [از جمله: استاد مهدی حجازی فروشانی، شیخ محمّدعلی کرمانی، شیخ محمّـدرضا جرقویه ای (دسـتگردی) ، شـیخ محمّـدرضا جرقویه ای (حسـین آبادی) ، میرزا محمّد طبیب زاده، میرزا حسن خان جـابری انصـاری، آقـا سـیّد روح اللّه کشـفی، حاج میرزا فتـح اللّه درب امامی و اسـتاد جلال الـدّین همائی] سـرانجام در رجب ۱۳۳۹ق وفات یافته و در تکیه آقا شـیخ مرتضـی ریزی در اطاق سوم مدفون گردید. در ماه رجب این سال سه عالم بزرگوار از علمای اصـفهان: حاج ملّا عبـدالجواد آدینه ای، آقا جمال الـدّین چهارسوقی و حاج میرزا محمّـدرضا رضوی خوانساری وفات یافتند. حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در مادّه تاریخ آنها گفت:

تاریخ گفت «جابری» از نصّ خبر: «اینک عجب سه ثلمه باسلام در رجب»(۲)

[استاد همایی در وصف مرحوم آدینه ای می نویسد: «از اساتید معقول و ریاضیات که

۱- تاریخ نائین، ج۴، ص۱۱۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۴۵۹ و ۴۶۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۴، تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، ص۴۷۵؛ تاریخ اصفهان (جابری) ، ص۳۲۷؛ نقباء البشر، ص۳۱۶.

در محاورات او را حاجی ملّا جواد می گفتند وی در تدریس سلیقه ای بسیار خوب مستحسن داشت. مطالب را بسیار منقّح و خالی از حشو زواید بیان می فرمود. متون معقول و منقول مثل «شرح منظومه» و «شرح کبیر» و «قوانین» و احیانا «شرح نفیسی» و هیأت و نجوم را تدریس می کرد. خطی پخته و شیرین می نوشت و بیشتر کتب درسی خود را با همان خط خویش تحشیه کرده بود. من بخشی از «شرح منظومه» و «شرح کبیر» فقه و یک دوره کامل فنّ نجوم و «معرفه التّقویم» را از روی متن کتاب خاتون آبادی نزد آن بزرگوار تحصیل کردم. محلّ تدریس و امامت جماعت او مسجد ذوالفقار بود. کتاب خاتون آبادی را هم در ماه رمضان بعد از نماز ظهر و عصر در همان مسجد برای ما تدریس می کرد. هنوز قیافه باوقار و صدای دلنشین او در چشم و گوش من است».(۱)

علاوه بر فضائل و مکارم علمی و اخلاقی در خوشنویسی نیز دستی توانا داشته و خط نسخ را خوش می نوشته است.

از نمونه آثار مرحوم آدینه ای «میزان الحساب» قوشچی و «حاشیه حاشیه تهذیب» تألیف: علیرضا تجلّی اردکانی است که آن را در سال ۱۲۹۲ق به خط شکسته نستعلیق کتابت کرده و ضمن مجموعه شماره ۶۳۱۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران نگهداری می شود.(۲)]

ملّا عبدالجواد خراسانی

آخوند ملاّ عبدالجواد مدرس خراسانی فرزند ملّا محمّدعلی بن ملّا احمد تونی خراسانی، از علماء و مدرّسین حکمت در اصفهان [در قرن سیزدهم هجری] از خراسان

۱- همائی نامه، ص۲۲.

۲- فهرست مجلس، ج۱۹، ص۲۹۹.

به اصـفهان آمده [و در مدرسه شاهزاده ها ساکن شده] و نزد آخوند ملّا علی نوری و جمعی دیگر از علماء و حکماء [از جمله حاج محمّد ابراهیم کلباسـی و شـیخ محمّدتقی رازی صاحب حاشیه(۱)] تحصـیل نموده و به قول مؤلّف «المـآثر و الآثار»: «در فقه، اصول، طب، ریاضیات و ادبیّات جمله مهارت کلّی و تَدَرُّبی عظیم داشت.»(۲)

سـال هـا در اصـفهان به تـدریس حکمت، ریاضـیات و طب مشـغول بوده [و جمعی کثیر از علماء و حکماء از جمله: میرزا علی انصاری، میرزا ابوالحسن جلوه، میرزا عبدالحمیـد فریـدنی، میرزا محمّدحسـین عنقای شـیرازی اصـفهانی، ملّا حیـدرعلی صـبّاغ لنجانی، آخونـد ملّا محمّد کاشـی، میرزا محمّدباقر حکیم باشـی، شـیخ فتح اللّه شـریعت اصـفهانی، میرزا عبدالباقی پاقلعه ای و سیّد شهاب الدّین نحوی نزد او تحصیل کرده اند.(۳)

«گوبینو» وزیرمختـار فرانسه در ایران دربـاره او می نویسـد: «از قراری که می گوینـد در اصول علمی نیز ورزیـده است و تار را خوب می نوازد، ولی نظر به این که دین اسلام این کار را حرام دانسته، تاکنون کسی تار زدن او را ندیده است.»(۴)]

سرانجام در غرّه صـفر ۱۲۸۱ق وفات یافت.(۵) میرزا علی جـابری انصـاری این مصـرع را مادّه تاریـخ فوت او یافته است: «مات الجواد و مات العلم و العمل»(۶)

۱- الکرام البرره، ج۲، صص ۷۰۲ و ۷۰۳.

۲- چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، ج۱، ص۲۴۸.

۳- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

۴- سه سال در آسیا، ص۴۲۷.

۵- رجال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۸۶؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، ص۱۴۵؛ الاصـفهان: رجال و مشاهیر، صـص ۲۱۰-۲۱۲؛ الکرام البرره، ج۲، صص ۷۰۲ و ۷۰۳؛ مکارم الآثار، ج۷، ص ۲۳۵۵.

۶- تاریخ اصفهان (جابری) ، ص۲۸۷.

عبدالجواد اختر زفره ای

عبدالجواد زفره ای فرزند ملّا محمّدعلی رجاء بن حسن زِفرِه ای کوهپائی اصفهانی، شاعر ادیب متخلّص به «اختر» [از شعرای اوایل قرن چهاردهم هجری.]

در ۲۵ رمضان ۱۳۱۶ق در قریه «زِفرِه» متولّد شده و نزد پدر دانشمند خود علم و ادب آموخته و در نوجوانی لب به سرودن اشعار گشود. اما در جوانی در ۱۷ ربیع الاوّل ۱۳۴۳ق وفات یافته و در قبرستان زِفرِه مدفون شد.(۱)

حاج میرزا عبدالجواد نوری

حاج میرزا عبدالجواد بن حاج ملاّ محمّدعلی نوری، عالم فاضل و فقیه محقّق، معروف به «شیخ العلماء» وی داماد حاج محمّدابراهیم کلباسی بوده و نزد سیّد محمّد شهشهانی [و آقا محمّدمهدی کلباسی، حاج محمّدجعفر آباده ای و شیخ محمّدباقر نجفی] به تحصیل پرداخته و پس از آن مرجع حل مشکلات مردم و رفع خصومات و مرافعات بوده است. اهل زهد و عبادت و تَهَجُّد بوده و کراماتی به او منسوب است. مسجد دروازه نو اصفهان به همت او بنیاد شد و او و فرزندان و نوادگانش تا اواسط قرن چهاردهم هجری در آن مسجد اقامه جماعت می نمودند. او عمر طولانی یافته و بسیار پیر و معمّر شده و سرانجام در شب سه شنبه ۲۰ شوال المکرّم ۱۳۲۳ق وفات یافت و در بقعه بابا رکن الدّین در تخت فولاد مدفون شد.

کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «رساله فقه استدلالی»۲. «رساله در نمازهای مستحبّی»۳. «رساله عملیّه»

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۲۱۰؛ منتخبات اشعار رجاء، ج۲، ص۸۹.

۴. «رساله در نماز شب» مطبوع۵. «رساله در صلاه»۶. «رساله در نکاح»۷. «رساله در تجارت»۸. «کتابی در اصول» و غیره.(۱)

عبدالجواد

عبدالجواد بن عنایت اللّه [از علمای گمنام اصفهان در قرن یازدهم هجری] از جمله علمایی است که صیغه وقفیّت مدرسه نوریّه در حضور او اجراء گردیده و مشارٌ الیه وقفنامه را تسجیل نموده است.(۲)

ملّا عبدالجواد بن محسن

آخوند ملاّ- عبدالجواد بن ملاّ- محسن بن ملاّ- عبدالصمّد، از علمای اصفهان در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری. متوفی در ۲۲ جمادی الثّانی سال ۱۳۱۷ق. مدفون در نزدیکی مزار ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد اصفهان.(۳)

حاج شیخ عبدالجواد جبل عاملی

حاج شیخ عبدالجواد جبل عاملی فرزند ملاّ محمّد، از علمای معاصر اصفهان در سال ۱۳۲۳ق در سده ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شد، پدرش و اجدادش از علمای آن

۱- ریحانه الادب، ج۶، ص ۲۶۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۵؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، صص ۶۵ و ۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۹۴ و ۳۹۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۳؛ خاندان کلباسی، ص۱۴۴.

۲- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۱۰۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۶۳ و ۸۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۵؛ بزم معرفت، ص۳۱۶.

سامان بوده و از اعقاب شیخ علی کرکی (محقّق ثانی) به شمار می رفته اند.

او در سده و اصفهان نزد شیخ محمّدرضا رهنانی، شیخ محمّدرضا جرقویه ای، حاج میرزا علی آقا شیرازی، جلال الدّین همایی، حاج آقا رحیم ارباب، شیخ علی مدرس یزدی، شیخ محمود مفید، حاج سیّد علی مجتهد نجف آبادی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، میرزا احمد مدرس اصفهانی و سیّد مهدی درچه ای به تحصیل پرداخت سپس به قم رفته و در درس خارج حضرات آیات حائری یزدی، سیّد محمّد حجّت، سیّد محمّدتقی خوانساری، صدر، بروجردی و شیخ محمّدعلی اراکی شرکت کرد و به اجتهاد نائل آمد. در سال ۱۳۳۵ش به امر آیت اللّه بروجردی جهت تبلیغ دین و ترویج احکام شرعی به همراه حاج آقا امام سدهی و شیخ عطاءاللّه اشرفی اصفهانی به کرمانشاه رفت. چندی بعد به قم مراجعت نموده و سال ها به تدریس فقه و اصول مشغول بود و علاوه بر آن از اصحاب استفتاء آیت اللّه گلپایگانی به شمار می رفت.

او عالمی وارسته و خلیق و مهربان بود و عمر را به قناعت و زهد گذراند. [به همت او مسجد جامع ورنوسفادران سِدِه بازسازی شده و حسینیه ای جهت زائرین سِدِه (خمینی شهر) در مشهد مقدس بنا شد.]

سرانجام او در فروردین ۱۳۶۸ش وفات یافت.(۱)

میرزا عبدالجواد رجالی

میرزا عبدالجواد فرزند ملاّ محمّد رجالی [از خوشنویسان و نقاشان هنرمند اوایل قرن چهاردهم هجری قمری] عمده شهرتش در نقاشی است. از آثارش اطاق نقاشی

۱- آثار الحجه، ج۱، ص۱۵۲ و ج۲، ص۹۷؛ گنجینه دانشمندان، ج۲، ص۷۵ و ج۷، ص۳۵۲؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۷۳ و ۱۷۴؛ روزنامه اطلاعات، مورخ ۲۸ فروردین ۱۳۶۸ش؛ آینه داران حقیقت، ج۱، صص ۱۱۱-۱۲۵.

وزارت آموزش و پرورش در طهران است. مشارٌ الیه پدر خطاط هنرمند اسداللّه رجالی است.(۱)

[از اساتید طراحی و نقشبندی بوده که برای قالی و پارچه های منقّش و کاشیکاری و غیره نقوش و تصاویر رسم می کرده و نمونه کارهای سوزن زده او چند قطعه در تملّک استاد همایی بوده است. او در حجرات فوقانی مسجد سیّد بیدآباد همه روزه به تعلیم خط و طرح نقشه ها اشتغال داشته و در حدود ۱۳۴۰ق فوت نموده و در مقبره سر قبر آقای اصفهان دفن شده است و اکنون آثاری از قبر او باقی نیست.(۲)]

میرزا عبدالجواد کلباسی

حاج میرزا عبدالجواد کلباسی بن آقا محمّدمهدی بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل جلیل [از علمای اواخر دوره قاجاریه در اصفهان.]

نزد پدر خود و جمعی دیگر از علماء تحصیل نموده [و در نجف اشرف نزد مجتهدین و مراجع عالیقدر به تکمیل تحصیلات خود پرداخته و از جمله از ملاّ محمّد ایروانی اجازه دریافت نموده است.] و پس از فوت پدر در مسجد حکیم امامت نموده است.

مادرش دختر حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی است.(۳) او در ایام تحصیل نزد پدر کتاب «تذهیب الاصول» در شرح «تهذیب الاصول» علاّمه حلّی را در ۲۹ شعبان ۱۲۷۸ق تألیف نموده است، نسخه ای از آن که احتمالاً نسخه اصل می باشد و حواشی مؤلف به تاریخ ۲۵ محرم ۱۲۸۱ق در آن مشهود است به شماره ۷۰۹ در کتابخانه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۸.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۳؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۹۳ و ۱۹۴؛ مزارات اصفهان، ص۶۹؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۰۲۵؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۴۷۹.

مدرسه فیضیه قم وجود دارد.(۱) [و نسخه ای از این کتاب در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

از دیگر تألیفات صاحب عنوان «منور العیون» است و آن شرح مزجی بر کتاب «عیون الاصول» پدرش است و در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم نگهداری می شود.(۳) نسخه دیگری از آن به خط مؤلف در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۴)]

وی در سال ۱۳۱۴ق وفات نموده و نزد پدر و جدّش در مقبره حاجی کلباسی [مقابل در شرقی مسجد حکیم اصفهان] مدفون شد.

حاج میرزا عبدالجواد کلباسی

حاج میرزا عبدالجواد بن حاج میرزا محمّدهاشم بن میرزا عبدالجواد بن میرزا محمّدمهدی بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل [از علمای قرن چهاردهم هجری.]

مادرش صبیّه حاج شیخ محمّدعلی ثقه الاسلام نجفی است. در ماه رمضان ۱۳۱۹ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخت. او از زمره مردانی بود که زندگانیش را به عبادت خالق و خدمت به مخلوق گذرانید و در حقیقت پشت و پناه مردم و درصدد کمک و یاری آنها و رفع گرفتاری از مسلمان ها بود.

او نماز جماعت را در مسجد حکیم اقامه می نمود. سرانجام در روز شنبه ۱۹ جمادی الاولی سال ۱۳۸۷ق در اثر حادثه تصادف ماشین در بین راه اصفهان و قم وفات یافت.

۱- الذریعه، ج۴، ص۵۳.

۲- فهرست فیضیه (استادی) ، ج۱، ص۴۳.

۳- خاندان کلباسی، ص۱۵۶؛ فهرست مرعشی، ج۲۱، ص۲۸۸.

۴- فهرست صدر بازار، ج۱، صص ۱۴۷-۱۴۹.

جنازه در اصفهان تشییع شده و به قم منتقل و در یکی از حجره های صحن مرقد مطهر حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) در قم مدفون شد. [شاعر گرانمایه استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) مادّه تاریخ فوتش را چنین سروده است:

بهر تاریخ وفاتش مصرعی برنا نوشت: «از جهان رفت در جمادی میرزا عبدالجواد»]

۱۳۸۷

از آثارش کتابی به نام «منهاج السالکین» در آداب حج و زیارت مدینه منوّره به طبع رسیده است.(۱)

میرزا عبدالجواد شهشهانی

میرزا عبدالجواد حسینی شهشهانی، فاضل خطاط و ادیب قرن چهاردهم هجری در اصفهان است و عدّه ای از فضلاء نزد او مشق کرده اند که از آن جمله است حاج میرزا علیرضا نیّری طباطبائی زوّاره ای.(۲)

از آثار مرحوم شهشهانی:

۱. کتابت نسخه ای از کتاب «تاریخ آسیای وسطی» تألیف: فرنسیس هنری اسکرین و ادوارد نیس راس، معلّمین زبان فارسی در دارالعلوم لندن (به زبان انگلیسی) در دو مُجلّد. جلد اوّل: ترجمه محمّدحسن بن یوسف آشتیانی به امر ظل السّلطان در ربیع الثانی ۱۳۲۱ق و جلد دوم ترجمه میرزا احمدخان سرتیپ در ذیحجه ۱۳۲۰ق، موجود در کتابخانه عمومی اصفهان.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۵۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، ص۲۲۹؛ خاندان کلباسی، صص ۱۵۹ و ۱۶۰؛ تربت پاکان قم، ج۲، صص ۱۹۹ و ۲۰۰.

۲- آتشکده اردستان، ج۳، ص۵۸۶.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۷.

۲. «منتخبات مسعودی» تألیف طغرل اصفهانی که در اواخر ذیقعده ۱۳۱۳ق به خط نستعلیق خوش نوشته و در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱)

[۳. «تذکره الاولیاء» عطار نیشابوری، که به خط نستعلیق خوش در سال ۱۳۱۵ق کتابت شده و به شماره ۵۹۶۸ در کتابخانه ملی ملک در تهران وجود دارد.(۲)]

میرزا عبدالجواد شیرازی*

میرزا عبدالجواد شیرازی، عالم فاضل و عارف کامل از بزرگان حکمت و عرفان در قرن سیزدهم هجری.

در اصفهان ساکن بود و نزد آقا محمّد بیدآبادی و ملاّ علی نوری کسب فیض نمود. وی در اصفهان سال ها به تدریس عرفان مشغول بود و آقا محمّدرضا قمشه ای (حکیم صهبا) از دست پروردگان مجلس درس و بحث اوست.(۳)

حاج میرزا عبدالجواد مشکی

حاج میرزا عبدالجواد مشکی تاجر اصفهانی، ساکن مصر مؤلف کتاب «العدل الشاهد فی تاریخ المشاهد» مطبوع.(۴)

خاندان مشکی اصفهان، از تجار خوشنام و معتبر اصفهان بوده و به نیکوکاری و دیانت معروف بوده اند.

عبدالحاکم ثقفی

ابوطاهر عبدالحاکم بن ظفر بن احمد بن محمّد بن احمد بن محمود ثقفی جوهری

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۵۹.

۲- فهرست ملک، ج۲، ص۱۱۹.

۳- آشنای حق، ص۴۲؛ حکیم متألّه بیدآبادی، صص ۱۱۴ و ۱۱۵.

۴- الذریعه، ج۱۵، ص۲۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۶۱.

البیع اصـفهانی [از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری] از خاندان علم و حدیث بوده و از ابوالخیر محمّد بن احمد بن عبداللّه بن هارون بن رزاء و ابومحمّد رزق اللّه تمیمی و غیر آنان حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث کرده است.

فوت [او] روز سه شنبه سلخ شعبان ۵۶۴ق(۱) [واقع شد.]

سیّد عبدالحجّه بلاغی

سیّد عبدالحجّه بلاغی نائینی فرزند سیّد حسن بن سیّد محمّدباقر بن سیّد محمّدتقی بن میر صدرالدّین حسینی عریضی، عالم فاضل محقّق و شاعر ادیب عارف [از نویسندگان و دانشمندان معاصر.]

در سال ۱۳۱۳ق در نائین متولّد شده و در نائین نزد میرزا محمّدباقر خان ادیب، حاج ملّا حسن نائینی، میرزا محمّدحسین بن میرزا عبدالمحمّد نائینی، ملّا محمّدرضا، مولی علی محمّد معروف به سیّد صالح، میرزا محمّد بن ابوطالب نظام العلماء و میرزا محمّد بن محمّدعلی مشعل العلماء تحصیل کرد.

آنگاه به اصـفهان آمده و نزد آقا میرزا احمد مدرّس، آقا شیخ محمّدجواد فریدنی، آقا شیخ محمّد رضا نجفی، حاج آقا نوراللّه نجفی، [شیخ حسن دشتکی و شیخ فضل اللّه اعضادی خوانساری] تلمّذ نمود و در قم نزد حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد. همچنین از حضرات آیات شیخ آقابزرگ طهرانی، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمّدباقر زند کرمانی، حاج شیخ محمّدحسین کاشف الغطاء، سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی، آقا صدرالدّین صدر و آقا سیّد محمّدحجّت کوهکمری اجازه دریافت نمود.

سپس در طهران به خدمت شمس العرفاء رسید و بعدا به خدمت حاج ذوالریاستین

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۰۶.

وارد شـد و از آنـان اجازه ارشاد و دسـتگیری یافت [و لقب «حجت علی شاه» گرفت.] و پس از فوت ذوالریاستین خود را قطب سلسله نعمت الهی معرّفی نمود.

[او در طهران در سال ۱۳۰۹ش روزنامه «جامع» را منتشـر کرد و مدّتی بعد به اسـتخدم اداره ثبت درآمد. بلاغی در فقه، اصول، ادبیـات، تفسیر، عرفـان، حـدیث و تاریـخ مهـارتی به سـزا داشت.] و سـرانجام در دوشـنبه ۴ صـفر ۱۳۹۷ق [مطـابق با ۴ بهمن ۱۳۵۵ش] وفات یافته و در [قبرسـتان باغ بهشت] قم مـدفون شد. شـعر می سـرود و گاهی «حجت» و گاهی «بلاغی» تخلّص می کرد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

[۱. «الاسـرار الالهیه فی الاذکار و الاوراد و الادعیه السّـرِیّه»]۲. «انساب خانـدان های مردم نائین»۳. «تاریـخ طهران» در ۲ جلد۴. «تاریـخ مختصـر پیامبران اولوالعزم» در ۲ جلد۵. «تاریخ مقابر اصـفهان»۶. «تاریخ نائین»۷. «مـدینه العرفاء» در ۲ جلد۷. «تاریخ نجف اشـرف و حیره» در ۲ جلد۸. «تاریخ و جغرافیای کاشمر» [۹. «ترجمه صحیفه سجادیه»]۱۰. «تفسیر قرآن» موسوم به «حجه التفاسیر» به فارسی در چندین جلد شامل سوره های حمد و بقره ۱۱. «دیوان اشعار» [۱۲. «رساله شعریه» در جبر و تفویض] ۱۳. «زندگانی علی بن سـهل اصفهانی» [۱۴. «شطرنج العرفاء» در ۵ جلد[۱۵. «تاریخ فرهنگ نائین» ۱۶. «فرهنگ سمات» در شرح دعای سمات [۱۷. «کشکول بلاغی» ۱۸. «گلزار بلاغی» ۱۹. «گل نرگس» درباره حضرت نرجس خاتون مادر امام زمان (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف)] ۲۰. «مقالات الحنفاء فی مقامات شمس العرفاء» ۲۱. «مقامات العرفاء یا زندگانی شمس العرفاء» ۲۲. «مقلاد الرّشاد فی المؤنثات السّماعیه و الاضداد» [۲۴. «نقد الروضات»(۱)]

۱- رجـال اصـفهان یا تـذکره القبور: مقـدمه؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصـفهان، ج۲، صـص ۳۲۴-۳۲۶؛ تذکره شـعرای معاصر اصـفهان، صص ۹۳ و ۹۴؛ تربـت پاکـان قم، ج۲، صـص ۲۰۲-۲۰۵؛ تـذکره سـخنوران نائین، صـص ۴۳ و ۴۴؛ سـیمای نائین، ص۱۴۸؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، ص۱۶۲؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص۷۱۵؛ نائین بلده طیّبه، صص ۵۵ و ۵۶؛ نادره کاران، ص۳۷۳.

سیّد عبدالحسیب علوی عاملی

سیّـد محمّـد عبدالحسیب بن میر کمال الدّین احمد بن زین العابدین علوی حسینی عاملی، عالم فاضل محقّق کثیر التألیف. [از علمای قرن یازدهم و دوازدهم هجری] مادرش دختر میرداماد است.

در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخته و مدتی امام جماعت مسجد شاه [مسجد امام فعلی] بوده است. در فقه، اصول، حدیث، تفسیر، ادبیات و حکمت مهارت داشته و عالمی عابد و زاهد و مقدس بوده و در سال ۱۱۲۱ق وفات یافته و در تخت فولاد (تکیه آقا سیّد رضی شیرازی) مدفون گردید. آثار قبر اکنون ظاهر نیست. سجع مهر او: «ان اللّه کان علی کلّ شیئٍ حسیبا» است.(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «رساله در ارث» که در ۲۸ رجب ۱۰۶۰ق تألیف شده و نسخه ای از آن ضمن مجموعه شماره ۶۶۷۶۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲) [۲. «ترجمه الصّلاه» به فارسی در ۹ معرفت که در سال ۱۰۸۵ق کتابت شده و در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۳)] ۳. «تقدیس الانبیاء و تمجید الاولیاء» درباره عصمت پیامبران و ائمه علیهم السلام که نسخه آن به شماره ۳۵۳ در کتابخانه مرکزی

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۴۵؛ یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، صص ۲۹ و ۳۰؛ تکمله امل الآمل، ص۲۵۳؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۱۹۶.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۴۴.

۳- فهرست خطی احیاء، ج۵، ص۱۷۳.

دانشگاه طهران موجود است.(۱) ۴. «الجواهر المنثوره فی الادعیه المأثوره»، به عربی که نسخه ای از آن در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد(۲) و نسخه ای دیگر به شماره ۱۱۸۹۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس(۳) و نسخه ای هم در کتابخانه آیت اللّه سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۴) ۵. «حواشی بر الهیات شفا» ۶. «سدره المنتهی و العطیه العظمی»، در اصول دین، به فارسی که به روش عرفانی در سال ۱۰۶۲ق برای عبداللّه قطبشاه نوشته است. نسخه ای از آن به شماره ۶۶۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۵) یک میکروفیلم از آن نیز در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران وجود دارد(۶) در کتابخانه فاضل خوانساری در خوانسار نیز نسخه ای موجود است و نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم وجود دارد.(۷) این کتاب به چاپ رسیده است. ۷. «شرح دعای سیفی» که نسخه ای از آن نزد سیّد جمال الدّین میردامادی موجود است.(۸) ۸. «شرح دعای صباح» ۹. «صراط الزاهدین» ۱۰. «عرش الایمان فی شرح تقویم الایمان» که به شماره ۶۲۲۸۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در طهران موجود است.(۹) ۱۱. «عرش سماء التّوفیق» تفسیری است به فارسی که تألیف آن در سه شنبه ۱۵ رجب ۱۰۶۹ق آغاز شده است. نسخه ای از جلد اوّل آن (از آغاز تا آخر سوره بقره) در کتابخانه مدرسه بروجردی کرمانشاه و نسخه عکسی آن در مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است.(۱۰) نسخه ای

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۳، ص۵۶۹.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۲۵۵.

۳- فهرست الفبایی رضوی، ص۱۷۸.

۴- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۲۵۴.

۵- فهرست الفبائی رضوی، ص۳۰۳.

۶- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۱۱۷.

۷- فهرست عکسی احیاء، ج۱، ص۳۳۴.

۸- لطائف غیبیّه: مقدمه.

۹- فهرست مجلس، ج۱۶، ص۲۹۱.

۱۰- فهرست عکسی احیاء، ج۵، صص ۲۲۳ و ۲۲۴.

نیز نزد آیت اللّه روضاتی در اصفهان و نسخه ای دیگر در موزه بریتانیا وجود دارد.(۱) ۱۲. «غوامض الصلاه» به فارسی، در فقه که در سال ۱۰۶۱ق تألیف شده و نسخه آن به شماره ۸۶۹۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲) ۱۳. «الفرائض» که نسخه ای از آن در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است.(۳) ۱۴. «الفطره الملکوتیه فی شرح الاثنی عشریه» متن از شیخ بهائی است و شامل طهاره و صلاه می باشد. سیّد عبدالحسیب آن را در سال ۱۰۵۸ق تألیف کرده است، نسخه ی از آن به شماره ۵۱۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران و میکروفیلم آن نیز در همان دانشگاه موجود است.(۴) نسخه ای دیگر نیز به شماره ۲۷۹۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس وجود دارد.(۵) ۱۵. «قواعد السّلاطین» که در جمعه ۲۸ ربیع الثانی ۱۰۸۱ق به نام شاه سلیمان تألیف شده و نسخه اصل آن در کتابخانه مجلس شورای ملّی و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۶) ۱۶. «الکبائر» به فارسی که نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۷) ۱۷. «مسلک النجاه» ۱۸. «مناهج الشارعین» در اعتقادات و اخلاق، به فارسی که در سال ۱۰۶۸ق تألیف شده که نسخه ای از آن به شماره ۵۱۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران(۸) و نسخه ای در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی(۹) و نسخه ای دیگر به شماره ۲۲۴ در کتابخانه آقا میرزا محمّد کاظمینی در یزد(۱۰) و بالاخره نسخه ای به شماره ۳۱۴ در کتابخانه مسجد اعظم قم

۱- ادبیات فارسی (استوری) ، ج ۱، ص ۱۸۶.

۲- فهرست الفبائی رضوی، ص ۴۲۱.

۳- فهرست گوهرشاد، ص ۳۵۸.

۴- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ج ۲، ص ۱۳۸.

۵- فهرست الفبائی رضوی، ص ۷۳۵.

۶- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ج ۲، ص ۱۴۵.

۷- فهرست مرعشی، ج ۲۵، ص ۳.

۸- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج ۵، ص ۱۵۷۲.

۹- فهرستواره کتاب های فارسی، ج ۶، ص ۶۳۴.

۱۰- فهرست کاظمینی، ج ۱، ص ۱۹۳.

موجود است.(۱) ۱۹. «مخزن الدّعوات» به فارسی، که نسخه ای از آن به شماره ۶۰۲۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

میر عبدالحسین اصفهانی

میر عبدالحسین اصفهانی، عالم عامل [از علمای قرن یازدهم هجری.] مدرسه سمیعیه (یا مدرسه ملّا محمّدباقر) در مشهد مقدس به سال ۱۰۸۳ق به اهتمام وی بنا شده است.(۳)

عبدالحسین اصفهانی

عبدالحسین اصفهانی، از خطاطین قرن سیزدهم هجری بوده و آثاری چند به خط نستعلیق نوشته که از آن جمله است:

۱. «برهان قاطع» که در سال ۱۲۲۷ق به خط نستعلیق آن را نوشته و به شماره ۸۱۶ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار طهران موجود است.(۴) ۲. حواشی «قرآن مجید» به خط شکسته در سال ۱۲۴۱ق که او آن را نوشته و در کتابخانه عمومی فرهنگ در طهران موجود است.(۵) ۳. «تریاق اعظم» تألیف: عبدالکریم بن عبدالعلی گیلانی، که آن را در یکشنبه ۶ ذی الحجه ۱۲۵۰ق کتابت کرده و به شماره ۷۱۵۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۶) ۴. «دیوان حافظ» که به خط نستعلیق نوشته و به شماره ۵۱۴۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران است.(۷)

۱- فهرست اعظم قم، ص۳۸۹.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۳۳.

۳- اعیان الشیعه، ج۴۱، ص۱۱۲.

۴- فهرست کتابخانه معارف، ص۵.

۵- فهرست سپهسالار، ج۲، ص۱۶۴.

۶- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۲۹۵.

۷- فهرست دانشگاه، ج۱۵، ص۴۱۲۳.

عبدالحسین احمدی بختیاری

عبدالحسین احمدی فرزند ابوالفتح خان احمد خسروی بختیاری [از شعرای معاصر] در سال ۱۳۲۱ق متولّد شده و در بختیاری و اصفهان و طهران کسب فضائل و معلومات کرده وارد خدمات دولتی شد [نخست با سمت مترجمی در وزارت دارایی و سپس دادگستری به خدمت مشغول شد و به مقام مستشاری دیوان عالی کشور رسید.] دیوان اشعاری دارد حاوی چندین هزار بیت از غزل و قصیده، رباعی و مثنوی که به طبع نرسیده و عموما دارای مضامین عالی است.(۱)

[به زبان های فرانسوی و انگلیسی مسلط بود و در جوانی به ترجمه آثار نویسندگان بزرگ خارجی پرداخت. ترجمه بخشی از اشعار لامارتین و آثاری از راسین و کرنی، نویسندگان کلاسیک فرانسه و همچنین ترجمه «شاتو دو شیفیون» از اوست. اشعارش در مجلّات ارمغان و مهر در تهران به چاپ می رسید. او سرانجام در پایان اسفندماه ۱۳۶۱ش در تهران درگذشت.(۲)] این بیت از اوست:

گر لب جانانه جانفزاست چرا جان در عوض بوسه خواهد او به غدامت

حاج میرزا عبدالحسین نوری

حاج میرزا عبدالحسین بن میرزا ابوالقاسم نوری، عالم فاضل و واعظ کامل [در اواخر دوره قاجاریه] در ۱۰ رجب ۱۳۳۵ق ق وفات یافته و در تخت فولاد [تکیه شهشهانی] مدفون گردید.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۵.

۲- فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، ص۲۷؛ نادره کاران، ص۵۱۸.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۴.

سیّد عبدالحسین نیسان اصفهانی

سیّد عبدالحسین شهشهانی اصفهانی متخلّص به «نیسان» [فرزند میرزا ابوالقاسم بن محمّد]؛ عالم فاضل، مجتهد اصولی، شاعر و ادیب عارف [از دانشمندان معاصر در سال ۱۲۶۹ق در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیلات مقدماتی به نجف اشرف رفت و نزد مجتهدین و مراجع عظام آن دیار تحصیل کرد. او بعد از مراجعت به ایران در مشهد مقدس ساکن شد [و روزنامه «ادب» را انتشار داد. سپس به هند رفته و به سیاحت پرداخت و «سیر تمدن» را در روزنامه «حبل المتین» به چاپ رسانید] در دور اوّل انتخابات مجلس شورای ملّی، از خراسان به عنوان نماینده ملّت در مجلس شرکت نمود. [بعد از به توپ بسته شدن مجلس ابتدا به مشهد] و سپس همدان رفت. در آنجا دست ارادت به سیّد محمّد غمام همدانی داد. شعر نیز می سرود [و در انجمن های ادبی همدان حضور داشت.

او سرانجام در سال ۱۳۵۵ق در همدان وفات یافته و در قبرستان عمومی آنجا مدفون شد.

از اوست:

نبودی عاشقان را زندگانی نبود از جلوه های گاه گاهش

خوش آن بخت سفید و رای روشن که شد مفتون چشمان سیاهش(۱)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۴؛ نقباء البشر، ص۱۰۲۸، مکارم الآثار، ج۶، صص ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳؛ اثرآفرینان، ج۳، ص۳۸۷؛ بزرگان و سخن سرایان همدان، ج۲، ص۴۱۴؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۶، صص ۳۷۸۲-۳۷۸۵؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۴۲؛ دانشنامه الفت، ص۱۳.

عبدالحسين اصفهانى

عبدالحسين بن احمد اصـفهانى، از مردم قرن نهم هجرى. مؤلّف كتاب «البثاء» در موسيقى. نسـخه خطى آن به شماره ۱۳۲ در كتابخـانه بودليـان موجود است. عكس يكى از نقوش كتـاب نـامبرده (كرنـا و نقـاره) در كتـاب «تاريـخ موسيقى نظامى ايران» موجود است.(۱)

عبدالحسين خيام باشى

عبدالحسـين خيام باشـى فرزند احمد [از شعراى اصفهان در قرن چهاردهم هجرى] در سال ۱۳۱۴ش در اصفهان متولّد گرديده است. او طبع روانى داشته و گاهى بر حسب اقتضاى حال اشعارى مى سروده است.(۲)

عبدالحسين خاكسار*

عبدالحسـين خاكسار اصـفهانى متخلّص به «خاكى» فرزند اسـماعيل از شـعراى معاصر اصفهان در دى ماه ۱۳۲۹ش در اصفهان متولّد شد. تحصـيلات ابتدائى متوسـطه را در اين شـهر گذراند و به اسـتخدام دانشگاه اصفهان درآمد. از نوجوانى ذوق شعر و ادب داشت و با پدرش به انجمن هاى ادبى مى رفت. اين چند بيت از يك مثنوى او انتخاب شد:

ساقيا بشنو از اين دل ناى من ماجراى امشب و فرداى من

ساغر من هستى من جام توست اين دل ديوانه ام در دام توست

ساقيا مستم كن از جام الست تا شوم با جرعه اى مِى مستِ مست(۳)

۱- تاريخ موسيقى نظامى ايران، ص ۴۰.

۲- تذكره شعراى معاصر اصفهان، ص۸۳.

۳- تذكره شعراى استان اصفهان، (ويرايش دوم) ، ص۲۴۷.

میر عبدالحسین خاتون آبادی

میر عبدالحسین خاتون آبادی فرزنـد میر محمّدباقر بن میر محمّداسـماعیل (شاه مراد) بن میر عمادالدّین محمّد حسـینی افطسـی خـاتون آبـادی اصـفهانی [از علمای قرن یازدهم هجری] علاّمه جلیل، محـدّث، مفّسـر مؤرخ نسابه. از شاگردان ملاّ محمّـدتقی مجلسـی و ملاّ محمّدباقر سبزواری است. در شـعبان ۱۰۳۷ق متولّـد و در ۱۰۹۷ق یا ۱۱۰۰ وفات یافته، در مزار بابا رکن الـدّین مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱. «شرح بر شاطبیه» در علم تجوید۲. «شرح بر شافیه» ابن حاجب۳. «وقایع السّنین و الاعوام» که مشهورترین تألیفات اوست.(۱)
۳. «ترجمه حقائق الایمان» که در سال ۱۰۹۸ق ترجمه شده و در کتابخانه حقیر [مهدوی] موجود است.

[مطابق نوشـته خود صاحب عنوان در «وقایع السنین و الاعوام» در ۸ شبعان ۱۰۳۹ق متولّد شده است. او نزد ملاّ میرزا شـیروانی، محقّق سبزواری، میرزا رفیعا، ملاّ محمّـدتقی مجلسـی، ملاّ محمّـدباقر مجلسـی، ملاّ احمـد تونی و ملاّ عبداللّه تونی فقه، حدیث کلاـم و تفسـیر را آموخته و در ذیحجه ۱۰۶۹ق از ملاّ محمّـدتقی مجلسـی و در ۲۷ جمادی الثانی ۱۰۷۶ق از محقّق سبزواری اجازه دریافت نموده است. همچنین سیّد محمّدمؤمن بن دوست محمّد حسینی مجاور مکّه معظمه به او اجازه داده است.

میر عبدالحسـین خاتون آبادی در سال ۱۰۷۷ق به حـج رفته و در طول عمر خود از بسـیاری سـرزمین های اسـلامی چون یمن، عتبات عالیات، مصـر و اسـلامبول دیـدار کرده است. او مردی ادیب و دانشـمند بوده و کتاب «وقایع السـنین و الاعوام» که یک تاریخ

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۹۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۳.

عمومی از آغـاز تـا زمان مؤلف است را در ۳ مقصد و ۱۱ فصـل تـألیف کرده است. او وقایع را تا سال ۱۰۹۷ق به رشته تحریر درآورده و فرزندان و نوادگان او وقایع سال های بعد را به کتاب افزوده اند.

نسـخه اصل کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود بوده و یک نسـخه عکسـی هم از روی همین نسخه گرفته شده و در کتابخـانه مرکزی دانشـگاه تهران نگهـداری می شود. به دسـتور آیت اللّه مرعشـی در سـال ۱۳۵۳ق از روی نسـخه دیگری از «وقایع السـنین» که نسـخه آن ظاهرا از ایران خارج شده، نسـخه ای را کتابت کرده اند که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است. این کتـاب در سال ۱۳۵۲ش با مقـدمه آیت اللّه مرعشـی و آیت اللّه شـیخ ابوالحسن شـعرانی و به همت آقای محمّـدباقر بهبودی به چاپ رسیده است.(۱)

فرزندان مؤلف واقعه وفات پدر خود میر عبدالحسین را چنین ثبت نموده اند:

«سال وفات سیّد سـند مدقّق الخیّر الفاضل سنه هزار و صد و پنج و قبر وی در قبرستان بابا رکن الدّین قرب مقبره علّامه زمان و یگانه دوران آقا حسین خوانساری در مقبره ای که خودشان ساخته بودند»(۲)

تـذکر: «مزار بابا رکن الـدّین» نامی بوده که به قبرسـتان جنوبی شـهر اصـفهان و در حاشـیه زاینـده رود از قرن هشـتم تا یازدهم هجری اطلاـق می شـده است. این قبرسـتان وسـیع که دارای تکایا و مقابر متعـددی از عصـر صـفویه تا آخر دوره پهلوی اسـت اکنون به تخت فولاد شـهرت دارد. اوّلین منابعی که به جای «مزار بابا رکن الـدّین» از «تخت فولاد» اسـتفاده کرده انـد ولی قلی بیگ شاملو در کتاب «قصص الخاقانی» و «سفرنامه شاردن»

۱- وقایع السّـنین و الاعوام، صـص ۵-۸ و بنگریـد به: الذریعه، ج۲۵، ص۱۲۸؛ الکواکب المنتشـره، صـص ۴۱۹ و ۴۲۰؛ مصفی المقال، ص۱۲۰؛ فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، صص ۶۶۹ و ۶۷۰؛ ادبیات فارسی (استوری) ، ج۲، ص۶۳۵.
۲- وقایع السّنین و الاعوام، ص۵۰۹.

اثر سیّاح فرانسوی شوالیه شاردن است.

اما قبر میر عبدالحسین خاتون آبادی در ضلع جنوبی بقعه آقا محمّد بیدآبادی و پایین پای فرزندش میرمعصوم بوده ولی در یک قرن اخیر آثاری از این قبر مشاهده نشده است.]

سیّد عبدالحسین طیّب

حاج سیّد عبدالحسین طیّب فرزند آقا سیّد محمّدتقی [میر محمّد صادقی] بن سیّد ابوالقاسم بن علینقی بن میر محمّدباقر بن میر محمّداسماعیل واعظ مسجد شاه، عالم عامل، واعظ بصیر و محدّث مفسّر [از علمای معاصر اصفهان.]

در سال ۱۳۱۱ق (۱۲۷۲ش) در اصفهان متولّد گردید و در اصفهان و قم و نجف نزد حجج اسلام و آیات عظام تحصیل نموده و به مقام عالیه اجتهاد نائل گردیده و به اصفهان مراجعت نمود. وی در مدرسه صدر به تدریس پرداخته و در ضمن آن به امامت جماعت و موعظه و ارشاد مردم و بیان و توضیح احادیث و تفسیر قرآن مشغول بود.

از اساتید ایشان در اصفهان: حاج شیخ ابوالقاسم زفره ای معروف به حاج آخوند، آقا سیّد احمد خوانساری، آقا شیخ اسداللّه حکیم قمشه ای، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آقا میر محمّدتقی مدرس، آقا شیخ حسن یزدی، حاج میر محمّدصادق خاتون آبادی، آخوند ملاّ عبدالکریم گزی، آقا شیخ محمّدعلی دزفولی و آقا سیّد مهدی درچه ای و [حضرات آیات] حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در قم و آقا شیخ محمّدجواد بلاغی، آقا شیخ محمّدحسین اصفهانی، حاج شیخ محمّدحسین اصفهانی معروف به کمپانی، آقا میرزا محمّدحسین نائینی، آقا ضیاءالدّین عراقی، [آقا حسین رجائی و سیّد اسماعیل ریزی] در نجف اشرف [بوده اند.]

همچنین از آیات عظام آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، حاج شیخ عبدالکریم حائری

یزدی، آقا میرزا حسین نائینی، آقا ضیاءالدّین عراقی، میرزا آقا سیّد محمّدابراهیم اصطهباناتی، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، آخوند ملّا محمّدحسین فشارکی، حاج آقا حسین قمی، شیخ محمّدکاظم شیرازی و آقا محمود طهرانی اجازه روایت و گواهی اجتهاد دریافت نمود.

سرانجام [این عالم ربّانی] پس از یک قرن که در تحصیل علم و کسب فضائل و ترویج دین و ارشاد و هدایت مسلمین و تدریس و تألیف و امامت جماعت سپری کرد، در ۸ محرم ۱۴۱۲ق وفات یافته و در روز یکشنبه نهم محرّم پس از یک تشییع شایسته در اطاق مسجد کازرونی در خیابان میر اصفهان مدفون گردید.

تألیفات ایشان عبارت است از:

۱. «اطیب البیان» در تفسیر قرآن در ۱۴ مجلّد که دو بار به چاپ رسیده است.۲. «رساله در خلل صلوه» رساله اجتهادی که به دستور استاد ایشان تنظیم و تألیف شده است، غیر مطبوع۳. «العمل الصّالح فی العقاید و الاخلاق»، مطبوع.۴. «الکلم الطیّب» در اعتقادات، در سه مجلد، مطبوع۵. «تقریرات فقهی و اصولی» اساتید ایشان.(۱)

[شاعر توانا استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) مرثیه ای برای مرحوم طیّب سروده که این مادّه تاریخ از آنجاست:

برنا سه بیت گفت به تاریخ فوت او تا هرکدام سال وفاتش دهد نشان

«طیّب که بود عبد حسین او بنام و جان شد در مه محرم از این وادی جهان» ۱۴۱۲

۱- مزارات اصفهان، صص ۳۳۱ و ۳۳۲.

«عبدالحسین طیّب عالم شد از جهان ساکن شده بمینوی وادی جاودان» ۱۴۱۲

«طیّب که بود عبد حسین و علی و آل همچون حسین شد بمحرم از این جهان» ۱۳۷۰]

میرزا عبدالحسین خوشنویس هرندی

میرزا عبدالحسین خوشنویس فرزند حاج میرزا محمّـدتقی بن حاج محمّدحسین نایب الصّدر بن آقا محمّدجعفر بن حاج ملاّ مهدی بن حاج محمّد ظهیر بن حاج محمّدسمیع هرندی اصفهانی، [از خوشنویسان اواخر دوره قاجار و]از اساتید فنّ خط بوده و در سال ۱۲۵۳ متولّد و در ۱۳۲۶ق وفات یافته، و در بقعه سر قبر آقای اصفهان مدفون شد.(۱)

میرزا عبدالحسین حکیم اردستانی*

میرزا عبدالحسین معروف به «حکیم» فرزند حاج میرزا تقی بن میرزا محمّدحسین (شیخ الاسلام) اردستانی زواره ای، از فضلاء و هنرمندان اردستان و از سادات محلّه رامیان بود. او علاوه بر طب در نوشتن انواع خطوط خصوصا شکسته استاد بود و حتّی این هنر را بر طبابت ترجیح می داد. نمونه خط او در یک نسخه خطی «دیوان حافظ» نزد فرزندش دکتر سیّد مسیح جلوه موجود بوده است.

او در ۵ اسفند ۱۲۸۷ (مطابق با سال ۱۳۲۷ق) در اردستان وفات یافته و در قبرستان محلّه رامیان به خاک سپرده شد.(۲)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۵؛ مزارات اصفهان، ص۵۱؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۴۳۲.

۲- اردستان نامه، ج۱، ص۵۰۱.

آقا میرزا عبدالحسین خوئی*

آقـا میرزا عبدالحسـین خوئی فرزنـد آقـا میرزا محمّـدجعفر محلّه نویی بن آقـا عبدالحسـین امین العلماء اصـفهانی بن حاجی ملّا محمّدشفیع خوئی، از فضلاء و صلحاء و اهل علم معاصر اصفهان.

جـدّ اعلای او ملّا محمّدشـفیع خوئی از علمای بزرگ عهـد قاجاریه و مقیم اصـفهان بود و اجدادش اغلب از اهل علم و فضـل بوده اند که شرح زندگانی آنان در این کتاب مذکور است.

وی در حدود سال ۱۲۵۸ش در اصـفهان متولّد شده و خواندن و نوشـتن و قرائت قرآن را از آخوند ملّا علی اصغر مکتبدار فرا گرفت. مقـدمات و سـطح را از آقـا کمـال الـدین خوانساری به طور اختصاصـی آموخت و سـپس در حوزه علمیه اصـفهان نزد علمای فاضل و عالیقدری چون میرزا حسـین نائینی (از مدرسـین مدرسه میرزا حسـین بیدآباد) و آخوند ملّا محمّد کاشی ادامه تحصیل داد و از حضرات آیات میرزا عبدالحسین سیّد العراقین و آخوند ملّا محمّدحسین فشارکی اجازه کسب نمود.

پس از آن وی در میان مردم و علماء به خاطر اصابت و شرافت نسب و مراتب علم و فضل دارای احترام و اکرام بود و مردم در حلّ مرافعات و مشکلات از او اسـتمداد می نمودنـد. در قضایای قحطی و گرانی سال ۱۳۳۶ق او بـدون اینکه بخواهد تظاهر و ریاکاری نماید آنچه داشت در طبق اخلاص نهاده و به یاری مردم گرسنه و نیازمند شتافت.

او در اسب سواری مـاهر بود و به نگاهـداری و پرورش اسب هـای اصـیل علاقه داشت و نسـبت به حیوانات با ترحّم و مهربانی رفتار می نمود و از صید و شکار آنان خودداری می کرد.

در زمـان سـلطنت رضاشاه و اجرای قانون اتحاد شـکل، با آنکه از طرف مرحومین سـیّد العراقین و فشارکی مجاز به اسـتفاده از روحانیت بود، از لباس روحانیت خارج شد.

او در اواخر عمر به خاطر فوت فرزنـد و عیال و داماد خود انزوا اختیار کرد تا اینکه در جمعه ۲۳ رمضان سال ۱۳۶۷ق (مطابق ۸ مرداد ۱۳۲۷ش بر اثر فجأه (مرگ ناگهـانی) در قریه کرچکـان لنجـان وفـات یـافت و در مقبره خـانوادگی در جنوب تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

واعظ ادیب مرحوم سیّد حسن رئیس زاده متخلّص به «صفا» ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین گفته است:

گفتا «رئیس» سال وفات وی از «صفا»: «عبدالحسین بجنّت مینو شدی روان»

عیال او دخترخاله اش صبیه میرزا رضا قلی خان اعتمادی (از اعقاب فتحعلی خان اعتمادالـدوله صـدراعظم اواخر دوره صـفویه) بود و فرزندش استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» شاعر توانای معاصر می باشد.(۱)

میرزا عبدالحسین نجفی

حاج میرزا عبدالحسـین نجفی فرزند آقا جلال الدّین فرزند حاج شـیخ محمّدتقی آقانجفی، عالم فاضل. [از علمای اصـفهان در قرن چهـاردهم هجری] در حـدود سال ۱۳۱۲ق در اصـفهان از دختر آقا سـیّد محمّدرضا روضه خوان متولّـد گردید. در زمان حیـات پـدر در مسـجد شاه [مسـجد امام فعلی] به امامت پرداخت. [وی] نزد جمعی از بزرگان این شـهر تحصـیلاتی نمود و در مسـجد شاه نیز خود حوزه تدریس تشـکیل داد و جمعی از فضـلاء و مجتهدین گمنام را در نزد خود نگهداشته و به وسیله آنان به فصل

۱- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) .

خصومات و رسیدگی به دعوات مردم پرداخت (یکی از فضلاء و مجتهدین حاضر در جلسات او حاج ملاّ اسداللّه معروف به حاج فاضل بیدآبادی بوده است) .

مرحوم بلاغی در اعلاط در انساب به نقل از نسب نامه الفت می نویسد: «بمساعی پدرش جانشین آقانجفی شد و با شور و شعفی مسجد و محراب و منبر و موعظه و کرسی تدریس و تولیّت اوقاف او را تصاحب نمود و آمال و آرزوهای بسیار داشت» (انتهی ملخصا) .

او در شب ۲۲ رجب سال ۱۳۴۸ق در اصفهان وفات یافته، نخست در مقبره آقانجفی مدفون و پس از ۳ سال جسد او را به مشاهد مشرّفه ائمه عراق علیهم السلام حمل کردند. صاحب عنوان دختر آقا محمّدجواد قزوینی دردشتی را به زوجیّت داشته و از این مخدّره چهار فرزند پسر و چهار فرزند دختر یافت. [اسامی پسران] حاج شیخ محمّدعلی، حاج شیخ محمّدحسین، حاج شیخ محمّدتقی و حاج آقا نورالدّین.(۱)

میرزا عبدالحسین قالب تراش*

میرزا عبدالحسین قالب تراش فرزند آقا محمّدجواد تاجر اصفهانی از هنرمندان قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۶۴ق در اصفهان متولّد شد. در یکی از حجره های فوقانی کاروانسرای ساروتقی در بازار اصفهان دکّه داشت و به قالب تراشی معروف بود. خطوط نسخ و نستعلیق را استادانه می نوشت و در نقاشی، حکاکی، مقواسازی، صحّافی و معرّق سازی نیز استادی و مهارت داشت. به علاوه صاحب ذوق ادبی بود و اشعار بسیار از بر داشت که اکثرش منتخب گفته های شاعران بود. لغز و معمّای ادبی نیز فراوان از بر داشت.

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۱۰۷-۱۰۹؛ اعلاط در انساب، ص۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶.

در اواخر عمر بینائی او رو به کاهش گـذاشت و وضع معیشت او به اختلال گذشت تا اینکه به فقر و فلاکت و درماندگی (بعد از سال ۱۳۴۸ق) جان سپرد و غریبانه او را به خاک سپردند.(۱)

سید عبدالحسین روضاتی*

حاج سیّد عبدالحسین روضاتی فرزند حاج میرزا حبیب اللّه روضاتی بن میرزا هدایه اللّه بن میرزا محمّدباقر موسوی چهارسوقی (صاحب روضات) ، عالم فاضل جلیل معاصر.

در ماه شهریور سال ۱۳۰۵ش (برابر با ۱۳۴۵ق) در محلّه چهارسو شیرازی های اصفهان متولّد شد. تحصیل در مدرسه جدید را در دبستان و سپس در دبیرستان فرهنگ ادامه داد. سپس به تحصیلات حوزوی روی آورد. مقدمات را نزد پدر و حاج آقا فخرالدّین روضاتی، شیخ محمّدجواد فریدنی، سیّد رضا ابوالبرکات، شیخ محمّدعلی عالم حبیب آبادی و شیخ محمّدحسین فاضل کوهانی فرا گرفت. «مُغنی اللبیب» را نزد سیّد احمد مقدّس، «معالم» را نزد سیّد مجتبی میر محمّدصادقی، «شرح لمعه» را نزد حاج شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی و «کفایه الاصول» را نزد عموی بزرگوارش سیّد اسداللّه روضاتی آموخت. همچنین از درس حاج شیخ علی مشکوه سِدِهی بهره گرفت. دروس خارج را نزد حضرات آیات: سیّد محمّدرضا خراسانی، حاج آقا حسین خادمی، سیّد مصطفی مهدوی، حاج میر سیّد علی بهبهانی (هنگام اقامت در اصفهان) و حاج میر سیّد علی علاّمه فانی (هنگام اقامت در اصفهان) آموخت.

او پس از وفات پدر، مراسم احیاء و قرائت دعای کمیل و مناجات سحر در تکیه کازرونی و اقامه نماز جماعت در مسجد خیابان (مسجد حاج میرزا حبیب اللّه روضاتی) را

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۳۷۵ و ۳۷۶.

به جای پدر برعهده گرفته و اقامه جماعت مغرب و عشاء در مسـجد ستّاری را نیز تاکنون برعهده داشته است. او علاوه بر وعظ و خطابه و رسیدگی به مشکلات اجتماعی و شرعی مردم، به خدمات اجتماعی و امور خیریه اهتمام نموده است.

وی از حضـرات آیـات عظـام: خوئی، گلپایگـانی، میر سـیّد علی بهبهانی، صافی گلپایگانی، وحیـد خراسانی و سیسـتانی دارای اجازه روایت و یا امور حسبیه است.

فرزندش مرحوم سیّد محمّدهادی روضاتی از فضلاء و روحانیون ممتاز و باتقوای اصفهان بود که در جوانی وفات نمود.

حاج آقا عبدالحسـین روضاتی کتابی در حج و کتابی در ادعیه تألیف نموده و کتابی در احادیث اخبار به نام «طُرَف الاحادیث» نوشته است.(۱)

آقا سیّد عبدالحسین مقدّس

آقا سیّد عبدالحسین مقدّس بن سیّد حسن بن حاج سیّد ابراهیم حسینی سبزواری ساوجی اصفهانی، عالم زاهد معمر [از علمای نیمه نخست قرن چهـاردهم هجری] عالم زاهـد معمّر، از ائمه جماعت محله بیـدآباد، پـدر دو عالم جلیل القـدر حاج آقا حبیب مقدس و آقا سیّد محمّد مقدس.

او در حدود سال ۱۳۵۰ق وفات یافته، در مقبره سر قبر آقا مدفون و سپس به اعتاب مقدسه نقل شد.(۲)

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با جناب آقای سیّد عبدالحسین روضاتی در ۷ تیر ۱۳۹۰ش؛ گلزار مقدس، ص۱۱۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۱۰.

عبدالحسین خواجوی اصفهانی*

عبدالحسین بن میرزا محمّدحسن خواجوی اصفهانی، از فضلاء و ادبای قرن سیزدهم هجری بوده و در سال ۱۲۷۸ رساله ای عرفانی به فارسی تألیف کرده، که نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی در تهران موجود است.(۱)

عبدالحسین صفائی

عبدالحسین شیخ زین الدّینی متخلّص به «صفائی» فرزند میرزا محمّدحسن شیخ زین الدّین واعظ، از شعرای معاصر اصفهان. نسب آنان به شیخ زین الدّین ابن عین علی خوانساری عالم معروف اواخر زمان صفویه می پیوندد.

در سال ۱۲۸۸ش در اصفهان متولّد شده و تا به سن ۲۲ سالگی به کسب علم و دانش از قدیم و جدید پرداخت. بعدا جهت کسب معاش چندین سال در خارج اصفهان بود. آنگاه به اصفهان مراجعت نموده و به حسابداری مشغول شد. گاهی اشعاری می سرود. این بیت از اوست:

حرف بگذار و عمل پیشه نما زانکه به حرف هیچ شیرین نشود کام تو از گفتن قند(۲)

سیّد عبدالحسین نصرت اصفهانی

میرزا عبدالحسین منشی باشی متخلّص به «نصرت» بن محمّدحسن مستوفی

۱- فهرست عکسی دائره المعارف، ج۱، ص۱۸۳.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۱۱ و ۳۱۲.

شمس آبادی اصفهانی، شاعر و ادیب و نویسنده. در سال ۱۲۸۹ق متولّد شده و به سن ۷ سالگی از اصفهان به اتفاق پدر به خراسان رفته و در آنجا ساکن گردید. «مثنوی فروزنده» او در مشهد به طبع رسیده است. کتابی به نثر نیز در ردّ بهایی ها به نام «فرازنده» نوشته است. «تقویم سال ۱۲۸۶» یا «سعد و نحس ماه ها و...» از آثار اوست که به شماره ۱۶۱ در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد موجود است.(۱)

[میرزا عبدالحسین نصرت در مشهد از محضر میرزا حبیب اللّه خراسانی، محمّدصادق حکمی سبزواری، میرزا محمّدعلی فاضل، غلامحسین شیخ الاسلام و میرزا محمّد خادم باشی، در فقه و اصول، کلام، ادبیات و فلسفه تحصیل کرد. سپس به همراه محمّدتقی میرزا رکن الدوله قاجار به شیراز رفت و منشی گری او را برعهده گرفت. در معیّت او به مشهد مراجعت کرد. مدّتی هم حاکم کاشمر و درگز بود. برخی از فضلاء از او بهره علمی گرفته اند. نصرت از اعضاء مؤسس انجمن ادبی خراسان بود و سرانجام در روز ۱۵ خرداد ۱۳۳۴ش در مشهد مقدس وفات یافت. «جامع المتفرقات» از دیگر آثار اوست. همچنین «دیوان اشعار» او در سال ۱۳۴۷ش به همت فرزندش عبدالرضا نصرت در تهران چاپ شده است.]

این بیت از اوست:

پای تا سر نگار من ناز است از نکویان به ناز ممتاز است

۱- الذریعه، ج۱۶، ص۱۸۴؛ تذکره خوشنویسان معاصر، ص۱۱۱؛ فهرست ادبیات مشهد، صص ۲۹ و ۸۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۸۲؛ صد سال شعر خراسان، صص ۵۶۵ و ۵۶۶؛ شرح حال رجال ایران، ج۵، صص ۱۳۹ و ۱۴۰؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۲، صص ۱۹۸-۲۰۰؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۶، صص ۳۶۴۵-۳۶۴۹؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، ص۶۰۹؛ فرهنگ شاعران زبان فارسی، ص۵۷۳.

شیخ عبدالحسین حائری اصفهانی

شیخ عبدالحسین حائری اصفهانی فرزند شیخ محمّدحسین صاحب فصول، عالم فاضل. [از علمای قرن سیزدهم هجری] ظاهرا در اصفهان متولّد گردیده و نزد جمعی از بزرگان این شهر و همچنین پدر علّامه خود تحصیل نموده تا به مقامات عالیه علم و کمال رسید. ظاهرا به همراه پدر به عتبات عالیات رفته و از محضر شیخ محمّدحسن صاحب جواهر کسب فیض نمود. عاقبت به کربلای معلا مهاجرت فرموده و در آن شهر مقدس سکونت نموده است. تا سال ۱۲۹۴ق زنده بوده و پس آن سال وفات یافته است.(۱)

میرزا عبدالحسین خان صدر

میرزا عبدالحسین خان بن حاجی محمّدحسین خان صدر اصفهانی، [ادیب فاضل و طبیب ماهر، در قرن سیزدهم هجری] مدّتی حکومت سمنان را داشته و مردی خلیق و فاضل و خوش خط و تیزهوش بوده و در علم طب نیز شهرت و مهارت داشته است. قبرش در نجف در سرداب مدرسه صدر.(۲)

[از آثار او کتابت «شرح قصیده لامیه اعشی باهلی» است که به خط نستعلیق در حدود ۱۲۵۰ق آن را کتابت کرده و به شماره ۱۴/۸۹۵۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۲۳۰ و ۲۳۱؛ الکرام البرره، ج۲، ص۷۱۰؛ اعیان الشیعه، ج۴۴، ص۲۱۶؛ اعلاط در انساب، ص۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۳؛ صدر التّواریخ، ص۱۰۵؛ تذکره خوشنویسان، ص۱۴۳.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص۵۰۲.

میرزا عبدالحسین احقر

میرزا عبدالحسین متخلّص به «احقر» فرزند حاجی حمزه کوشکی، از شعرای قرن چهاردهم هجری در سال ۱۲۹۵ق متولّد شده و در اصفهان تحصیل کرد. طبع شعر داشته و از اعضای قدیمی انجمن ادبی مرحوم شیدا بود و اشعارش در مجلّه دانشکده به طبع می رسید.(۱) او در ۱۴ ذی الحجه الحرام ۱۳۶۰ق وفات یافته [و در شمال مقبره ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)]

از اوست:

گشته ام آشفته یاران! کو بُت زنجیر مو؟ تا که اندر بند آرد این دل دیوانه را

عبدالحسین ادیب فرهمند

عبدالحسین بنان زاده معروف و متخلّص به «ادیب فرهمند» فرزند خلیل خان بنان السّلطنه، شاعر ادیب، جامع فضائل انسانی و حاوی جمیع کمالات [از سخنوران قرن چهاردهم هجری.]

در ماه صفر ۱۳۱۷ق در بروجن متولّد شد. جهت تحصیل به اصفهان آمده و در این شهر علم و ادب آموخت و به واسطه قریحه خدادادی لب به گفتن شعر باز کرده و ابتدا «دبیر» تخلّص نموده و به انجمن ادبی شیدا راه یافت. وی طبق فرمانی از طرف احمدشاه قاجار در ماه ربیع الثّانی ۱۳۴۱ق به لقب «ادیب الممالک» ملقّب شد.(۳)

پس از تعطیل شدن انجمن شیدا، به اذن مرحوم شیدا در منزل خود انجمن تأسیس

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۳ و ۲۴.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، ص۱۱۲.

نمود و تقریبا مدت ۷ سال آن انجمن دایر بود.(۱)

او به عنوان سردبیر به همکاری با روزنامه «اختر مسعود» به مدیریت «عبدالوهاب گلشن ایرانپور» پرداخت. در شعبان ۱۳۴۰ق (مطابق برج حمل ۱۳۰۱ش) مجله «تحفه الادباء» را منتشر کرد که پس از ۱۰ شماره در پایان همان سال تعطیل شد. در سال ۱۳۰۶ش امتیاز روزنامه «مداین» و ماهنامه «همایون» را کسب نموده و آنها را منتشر ساخت که خیلی زود از انتشار آن جلوگیری شد. در سال ۱۳۰۹ش مدیریت روزنامه «گیتی نما» به صاحب امتیازی «مهدی اژه ای» را پذیرفت.(۲)

ادیب فرهمند در شب جمعه ۹ رجب ۱۳۵۳ق در اصفهان وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه ملک [که اکنون در تکیه شهداء واقع شده است] در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۳)

مادّه تاریخ وفاتش را «گلشن ایرانپور» گوید:

از بهر سال وفاتش نوشت خامه «گلشن»: «بچرخ ادیب فرهمند پای زد چو مسیحا»(۴)

اشعار او دارای حلاوت مخصوصی بوده و به طرز قدیم و جدید شعر و تصنیف سروده است. از آثار او رساله «جشن جغدها» به نظم به طبع رسیده است.

از اوست:

من آن نیم که به یک توبه ترک باده کنم به سادگی نخورم باده ترک باده کنم

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۵.

۲- تاریخ و جراید و مجلات ایران، ج۲، صص ۱۱۰-۱۱۲ و ج۴، ص۱۷۲؛ مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، صص ۲۰۸-۲۱۶.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۳.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۵.

مقدّسم ولی از بهر آنکه هر سحری نماز نافله باده را اعاده کنم(۱)

شیخ عبدالحسین بغدادی

حاج شیخ عبدالحسین بغدادی فرزند حاج داود حدیدی، عالم جلیل [از علمای اواخر دوره قاجاریه] اصلش از بغداد و پدرش سنّی مذهب بوده، به اصفهان مهاجرت نموده و زنی از آنجا گرفته و فرزندش از او حاصل شده و به مذهب ما در گروید.

در کاظمین و بغداد تحصیل نموده، مدّتی در سامرا به درس میرزای بزرگ شیرازی و آقا سیّد محمّد فشارکی اصفهانی حاضر شده و در زمان حیات استاد به اصرار جمعی از تجّار اصفهان و بستگان مادرش به اصفهان مهاجرت نموده و به ترویج دین و نشر احکام پرداخته و هم در این شهر وفات یافته است.(۲)

عبدالحسین اصفهانی

عبدالحسین بن حاج محمّدربیع اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در شوال ۱۲۶۲ق کتابت نسخه ای از «فقه» مجلد طهارت تألیف: میرزا سیّد حسن [ظاهرا: مدرس میر محمّد صادقی محلّه نوئی]و به دستور آخوند ملّا شریف اشرفی را به خط نسخ و نستعلیق به انجام رسانیده است. کتاب به شماره ۱۵۷۲ (۲۲۵۱۰) در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدس موجود است.(۳)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۰ و نیز رجوع شود به: تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۰ و ۳۱؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص۷۲۱.

۲- نقباء البشر، ص۱۰۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۵؛ میرزای شیرازی، ص۱۵۴.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۷۰۸.

شیخ عبدالحسین کلباسی

شیخ عبدالحسین بن محمّدرضا کلباسی اصفهانی، از فضلاء قرن چهاردهم هجری. مؤلف: «تحفه المجالس» در یک مقدمه و دوازده مجلس و خاتمه. نسخه به شماره ۲۳۹ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

ملّا عبدالحسین نصیری طوسی

مولی عبدالحسین بن محمّدزمان نصیری طوسی، از علماء قرن یازدهم هجری بوده و تا سال ۱۰۲۵ق زنده بوده است.(۲)

[کتاب «منتخب حبیب السیر» از آثار اوست که نزد مرحوم مهدی بیانی موجود بوده است.(۳) او بر روی برگی از نسخه «نهج الحق» علّامه حلّی که محمّدکاظم بن شکراللّه دزمانی در سال ۱۰۲۵ق کتابت کرده بود یادداشت تملّک نوشته است.(۴)]

عبدالحسین حویزی

عبدالحسین بن شیخ سلطان حویزی [از فضلاء قرن دوازدهم هجری] در تاریخ ۱۱۴۷ق برگ آخر نسخه ای از تفسیر «مجمع البیان» را در اصفهان نوشته است. نسخه به شماره ۳۲۳۱ در کتابخانه مرعشی قم موجود است.(۵)

آقا عبدالحسین امین العلماء

آقا عبدالحسین امین العلماء فرزند حاج ملّا محمّدشفیع خوئی بن ملّا محمّد بن ملّا

۱- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۲۰۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۸.

۳- الذریعه، ج۲۲، ص۳۹۵؛ فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۶۱۲.

۴- الروضه النضره، ص۳۱۴.

۵- فهرست مرعشی، ج۹، ص۲۹.

ابوالقاسم بن ملّا احمد بن ملّا علی چورسی بن ملّا دولتعلی بن ملّا علی محمّد قراچه داغی، از اجلّه فضلاء و محترمین اصفهان [در قرن سیزدهم هجری] بوده و تحصیلاتش در نزد پدر و مرحوم سیّد حجه الاسلام شفتی و حاج محمّدابراهیم کلباسی [و آخوند ملّا علی نوری و آقا سیّد محمّد شهشهانی] و جمعی از علماء عراق عرب بوده و در سال ۱۲۹۳ق وفات یافته و در جوار پدر خود در مقبره کوچک مقابل مقبره مرحوم حجه الاسلام شفتی در دالان مسجد سیّد [اصفهان] مدفون گردید.(۱)

[فرزند ارشد و از لحاظ علمی افضل فرزندان ملّا محمّدشفیع خوئی بوده و صاحب مکنت و املاک فراوان و خدم و حشم و دیوان خانه و کتابخانه بوده و صاحب نفوذ و معتبر به شمار می رفته و از جمله عمارت سه طبقه زیبایی در قریه «کرچکان» از بلوک آیدغمش لنجان اصفهان داشته است. وی در مراجعت از زیارت حضرت ثامن الحجج علیه السلام از مشهد مقدّس، در تهران مورد عنایت ناصرالدّین شاه قرار گرفته و چهار سال در تهران ماند و امام جمعه تهران طی مکتوبی، نسبت به حفظ احترام و تکریم او به حشمت الدّوله حاکم وقت اصفهان سفارش نمود.

کتابخانه او دارای کتب فراوان و نفیس بوده که بسیاری از آنان از پدران دانشمند و اجداد اهل فضل او، به وی به ارث رسیده بود که متأسفانه در جریان نقل و انتقال مورد غارت قرار گرفته و پراکنده شده است.

آقا عبدالحسین عالمی صالح و اهل فضل و ماهر در علوم گوناگون خاصّه فقه و اصول بوده و در یاری مردم تنگدست و حل مشکلات شرعی مردم روزگار خود اهتمام فراوان و همت عالی داشته است.(۲)]

۱- بیان المفاخر، ج۱، ص۳۳۶؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۸۰۶.

۲- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) .

شیخ عبدالحسین کاظمینی

شیخ عبدالحسین بن عبدالرضا کاظمینی، عالم فاضل و ادیب شاعر [از علمای قرن یازدهم هجری] در ۶ شوال ۱۰۷۱ق در کربلا متولّد و در بغداد تحصیل نمود. ساکن اصفهان بود. و در این شهر تحصیلات خویش را به پایان رسانید.

از آثارش کتاب: «العابدیّه» در نظم «جعفریه» در نماز (از آثار محقّق کرکی) است. سال وفاتش به دست نیامد.(۱)

میرزا عبدالحسین حکمتیان

دکتر عبدالحسین حکمتیان [فرزند عبدالوهاب جرّاح] از اطباء معروف و از شاگردان دارالفنون طهران و ساکن محله احمدآباد اصفهان در ربیع الثّانی ۱۳۸۲ق [مطابق ۱۱ شهریور ۱۳۴۲ش] وفات یافت. [و در تکیه آقا باقر دردشتی (خلیلیان) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)]

عبدالحسین اصفهانی*

عبدالحسین بن علی اصفهانی، از خوشنویسان هنرمند اواخر دوره قاجاریه است. خطوط نستعلیق و شکسته را خوش می نوشته است. او «جُنگ الادعیه» گردآوری شده به دست: نصیر بن احمد نصیر الاطبّاء محلّاتی را به خط شکسته نستعلیق در سال ۱۳۳۱ق کتابت نموده و به شماره ۱/۲۰۰۹ در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد موجود است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۶؛ الذریعه، ج۱۵، ص۲۰۴.
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۴؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.
۳- فهرست گوهرشاد، ج۵، ص۳۹۲.

شیخ عبدالحسین محلاتی

شیخ عبدالحسین محلاتی بن علی (میرزا بابا) بن حسین بن احمد بن محمّدشفیع اصفهانی (آخوند شفیعا خوش ابرو) .

عالم فاضل، ادیب شاعر، محقّق جامع [از علمای عالیقدر اصفهان در اواخر دوره قاجاریّه.] در حدود سال ۱۲۷۰ق در محلّات متولّد گردیده، در قم و اصفهان و نجف [و کاشان نزد میرزا حبیب اللّه شریف کاشانی و در تهران نزد سیّد ریحان اللّه کشفی بروجردی[تحصیل نموده و از سیّد علی اصغر جاپَلَقی اجازه دریافت نمود و مدّت ها به درس حاج میرزا حبیب اللّه رشتی [در نجف] حاضر شده و پس از نیل به مقام اجتهاد به اصفهان مهاجرت کرده [و در آنجا به درس میرزا محمّدحسن نجفی حاضر شد.] و خواهر علاّمه فقیه حاج آقا منیرالدّین بروجردی را به زوجیّت گرفته و در مدرسه صدر خارج تدریس می فرموده و جمعی از افاضل به درس او حاضر می شده اند.

[از جمله شاگردان مشهور او: مرجع عالیقدر آیت اللّه حاج آقا حسین بروجردی، سیّد محمّدباقر احمد آبادی، حاج میرزا علی آقا شیرازی، سیّد عباس صفی دهکردی، میرزا محمّدباقر فقیه ایمانی و سیّد محمّدعلی ابطحی بوده اند.

او با وجود علم و فضل بسیار و مقام عالی تقوا، در فقر و تنگدستی به سر می برد و حتّی مجبور بود کتب مورد نیاز خود را استنساخ کند.]

او عالمی ادیب و شاعری ماهر بود و به عربی و فارسی شعر می سرود از جمله این دو بیت از اوست:

دلا تا کی به خود گرمی؟ ز خود قطع تمنّا کن ز خودبینی به خود آی و به خود، خود را هویدا کن

ز غفلت تا به کی مستی؟ به خود تا چند پا بستی کزین سختی ره رستی، ز هستی، دل معرّا کن

وی سرانجام در روز جمعه ۲۲ ذی الحجه ۱۳۲۳ق وفات یافته و در تخت فولاد حوالی قبر فاضل هندی مدفون گردید.(۱)

کتب زیر از اوست:

۱. «مسافت سفر» ۲. «الشرط ضمن العقد» [این دو رساله ضمن مجموعه شماره ۱۴۷۴ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است. این نسخه ها به خط مؤلف است.(۲) ۳. «المانه الغدیریه» قصیده ای عربی که در مدح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و واقعه غدیرخم سروده شده و به خط مؤلف و در تاریخ ذیحجه ۱۳۰۲ق تحریر شده و به شماره ۱۱۴۷۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)] ۴. «بیان زیارت عاشورا» [به فارسی که به خط شکسته نستعلیق و نسخ مؤلّف به شماره ۱۱۵۴۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.۵. «مشرق الظلام» در شرح رساله «لآلی الکلام» در علم اعراب، تألیف: اسداللّه بن محمّد محلاّتی، که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)]۶. «حواشی بر قوانین»۷. «حواشی بر رسائل» (حواشی بر فرائد») ۸. «دیوان اشعار عربی و فارسی»۹. «رساله در قاعده تأخیر»۱۰. «رساله در عدالت» ۱۱. «رساله در سجده سهو» ۱۲. «رساله در لباس مشکوک» ۱۳. «رساله در بلوغ» ۱۴. «رساله در نماز جماعت» ۱۵. «رساله در قاعده اشتغال» ۱۶. «رساله در اصل

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۶۶ و ۷۶۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۶۸-۱۷۰؛ نقباء البشر، ج۳، صص ۱۰۵۶-۱۰۵۸؛ گلزار فضیلت، صص ۱۸۳-۲۰۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۴؛ افتخار آفرینان استان مرکزی، ج۳، صص ۲۲۴-۲۲۸؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۴۸۹.

۲- فهرست خطی احیاء، ج۴، صص ۳۱۰-۳۱۲.

۳- فهرست مرعشی، ج۲۹، ص۱۰۱.

۴- فهرست مرعشی، ج۲۹، ص۱۲۷۷.

برائت» ۱۷. «رساله در قاعده فحص» ۱۸. «رساله در تعریف علم اصول» ۱۹. «رساله در سهو نماز» ۲۰. «رساله در تطهیر به آب قلیل» ۲۱. «رساله در قاعده بیّنه» ۲۲. «رساله در اصل تعارض» ۲۳. «رساله در تیمّم» ۲۴. «رساله در اصل لزوم عقد» ۲۵. «شرح بر اصول کشف العظاء» ۲۶. «مغتنم الدرر» در سه جزء: ۱- در تفسیر ۲- در روایات ۳- در متفرقات(۱) [که در بین سال های ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۱ق آن را تألیف کرده است نزد مرحوم میرزا حبیب اللّه نیّر موجود بوده و نسخه ای از آن در مجله شهاب (شماره ۲۲) معرفی شده است.] ۲۷. «تسلیت نامه» [که آن را مرحوم محلاّتی جهت دلجوئی و تسلای یک عالم اهل عربستان که وهابی بوده و سپس شیعه شده است، نوشته است.]

عبدالحسین ندیم چهارمحالی*

حاج عبدالحسین ندیم شهرکی چهارمحالی ملقب به «ندیم الشعراء» فرزند علی محمّد، شاعر ادیب در نیمه نخست قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۹۱ق در «شهرک» از توابع چهارمحال متولّد شده و پس از تحصیلات مقدماتی در مکتب خانه مولد خود به اصفهان رفته و به تکمیل معلومات خود پرداخت. سپس به وطن خود مراجعت نموده و به زراعت و گیوه دوزی مشغول شد. در سرودن انواع شعر و مادّه تاریخ مهارت داشته و غیر از مجموعه اشعار، «سفرنامه منظوم مکه و مدینه» و «منظومه خواب نامه» از آثار اوست.

وی عاقبت در سال ۱۳۵۴ق در زادگاه خود وفات یافت. از اوست:

ما در میان زلف رخ یار دیده ایم ما آفتاب را به شب تار دیده ایم

دیوانه وار سر به بیابان نهاده ایم تا چین زلف آن بت عبار دیده ایم(۲)

۱- الذریعه، ج ۲۱، ص ۲۹۳.

۲- سخن سرایان بام ایران، ج ۳، صص ۵۹۱-۵۹۳.

میرزا عبدالحسین فیض علی شاه

میرز عبدالحسین ملقّب به «فیض علی شاه» فرزند ملّا محمّدعلی طبسی، عارف سالک، از متصوفه اصفهان در قرن دوازدهم هجری.

پدرانش اهل قریه «رقه» تون بوده و پدرش امام جمعه طبس بوده است. در اصفهان متولّد و در این شهر تحصیل نموده و در شیراز خدمت سیّد معصوم علی شاه رسیده و به توبه و تلقین ارشاد یافت. ریاضت ها کشیده و از مرتبه ارادت به خلافت رسیده و لقب «فیض علی شاه» یافت و به اتفاق مراد خود به اصفهان آمد. علیمراد خان زند نسبت به او ارادت یافته، تکیه فیض را به نام او بنا نمود. در آنجا به ارشاد هدایت پرداخته تا سال ۱۱۹۴ق وفات یافته در تکیه خود مدفون شد.(۱)

میرزا عبدالحسین قدسی

آقا میرزا عبدالحسین خوشنویس معروف و متخلّص به «قدسی» فرزند میرزا محمّدعلی خوشنویس اصفهانی بن محمّد، شاعر ادیب و خوشنویس فاضل در قرن چهاردهم هجری. در شب ۴ رمضان المبارک ۱۲۸۷ق در اصفهان متولّد گردید. و در خدمت آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند ملّا محمّد کاشانی و سایر علمای اصفهان تحصیل کرد. انواع خطوط خصوصا نسخ و رقاع را خوش می نوشت. او در ربیع الاوّل ۱۳۲۶ق مدرسه قدسیه را در اصفهان افتتاح کرد و باید او را از پیشروان فرهنگ جدید و خدمتگزاران واقعی علم و ادب نامید.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۶۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۹؛ ریاض السیاحه، ص۶۵۱؛ شمس التواریخ، ص۵۰؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۱۸۷ و ۱۸۸؛ تاریخ سلسله های طریقه نعمت اللهیه در ایران، صص ۴۸ و ۴۹؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۱۴۹؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، ص۳۳۷.

قدسی جامع فضائل و کمالات صوری معنوی بود و در انواع فنون شعر خصوصا غزل و مادّه تاریخ مهارت داشت. او در راستی و درستی و صداقت و پاکدامنی به حدّ کمال و در نگاهداشت دوستی بی اندازه باوفا و ثابت قدم بود.

[او ده ها جلد کلام اللّه مجید را کتابت کرد.]

قدسی سرانجام در ۵ صفر ۱۳۶۶ق [مطابق با ۸ دی ۱۳۲۵ش] وفات یافته و در صحن تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد.

خواهرزاده اش ادیب دانشمند میرزا حبیب اللّه نیّر نیز مادّه تاریخ وفاتش را چنین گفته است:

لما فقدت ادیبا قل لرحلته: «عبدالحسین انّی فی جنّه القدس»

از آثار مرحوم قدسی کتاب «تحفه الفاطمیه» و کتاب «شرعیات» جهت مدارس جدید به طبع رسیده است.(۱)

از اوست:

گر عرش شود فرش ره سم سمندش بر خویش ببالد ز چنین بخت بلندش

ماه نو و بدر فلک و خوشه پروین عکسی بود از فعل و سم و میخ سمندش

عبدالحسین حسنی اصفهانی

عبدالحسین بن محمّدعلی حسنی اصفهانی مجموعه ای از ۵ کتاب (شامل: «السماع

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۸؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۷۵ و ۲۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ الذریعه، ج۳، ص ۴۶۰؛ اعیان الشیعه، ج۳۷، ص۱۰۵؛ دیوان طرب، ص۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۰۹۷؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۱۱-۱۱۸؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۸۲۳-۲۸۲۶؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۱۰۸-۱۱۰؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص ۷۵۰.

الطبیعی»، «السماء و العالم»، «الکون و الفساد»، «الآثار العلویه» و «تهافت التّهافت» همه از تألیفات: ابن رشد را در سال ۱۰۵۲ق به خط نستعلیق فراهم آورده که به شماره ۶۲۴۰۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

میرزا عبدالحسین حکیم الهی قمشه ای

میرزا عبدالحسین حکیم الهی بن غلامرضا، عالم فاضل و ادیب محقّق در قمشه (شهرضا) متولّد شده و در اصفهان تحصیل نمود. سپس در مدرسه گلبهار به تدریس پرداخت و مدّتی بعد به عنوان وکیل دعاوی در دادگستری به خدمت مشغول شد. گاهی شعر نیز می سروده و مردی عارف و ادیب بوده است.

[سرانجام در ۲۳ شوال ۱۳۵۲ق وفات یافته و در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.]

وی کتابی مختصر و جامع درباره «تاریخ اسلام» تألیف نموده که در سال ۱۳۵۵ق به طبع رسیده است. همچنین او حواشی مفیدی بر قرآن مجید دارد.(۲)

عبدالحسین سپنتا

عبدالحسین سپنتا فرزند غلامرضا [شیروانی] ادیب، نویسنده و شاعر توانا، در سال ۱۲۸۲ش (مطابق ۱۳۲۱ق) در طهران متولّد شده و در طهران و اصفهان تحصیلات خویش را به پایان رسانیده، سفری به هندوستان رفته و ده سال در آن حدود ساکن [بود.] و در خدمت دانشمند معروف دینشاه ایرانی به تکمیل فضائل و معلومات خویش

۱- فهرست مجلس، ج۱۶، ص۳۹۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۸۶؛ مشاهیر مزار علّامه ابوالمعالی کلباسی، صص ۲۴۸-۲۵۰.

پرداخته و کتب چندی در تاریخ ادبیات ایران باستان ترجمه و انشاء کرده و در چندین فیلم نیز از محصولات هندوستان به عنوان نویسنده و رژیستور شرکت نموده [است.] سپس به ایران مراجعت کرده و در اصفهان متوطن شده، سرانجام در شب جمعه ۹ محرم الحرام ۱۳۸۹ق به مرض سکته وفات یافته و در جنب تکیه بابارکن الدّین در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش را آقای عبدالکریم بصیر گوید:

«بصیرا» بگو از پی سال فوتش: «سپنتای آگاه روشن روان کو

کتب زیر از اوست:

۱. «اخلاق ایرانیان باستان»۲. «اسرار جنگل»۳. «ایران و اهمیت آن»۴. «پرتوی از فلسفه ایرانیان باستان»۵. «تاریخچه اوقاف اصفهان» مطبوع۶. «دیوان اشعار»، مطبوع۷. «ترجمه دیوان عارف» به انگلیسی [و همچنین] روزنامه های «دورنمای ایران» در بمبئی و روزنامه «سپنتا» در اصفهان(۱) .

[سپنتا تحصیلات خود را در مدرسه سن لوئی و مدرسه زرتشتیان تهران و استیورت موریال کالج اصفهان و کالج آمریکایی ها در تهران انجام داد. او اوّلین فیلم ناطق فارسی را در سال ۱۳۱۲ش در کمپانی امپریال فیلم بمبئی ساخت.

پس از آن او فیلم های «فردوسی»، «شیرین و فرهاد» «چشم های سیاه» و «لیلی و مجنون را در هندوستان ساخت. همچنین در آنجا روزنامه «دورنمای ایران» و سپس روزنامه «جنگل» را منتشر کرد که هر کدام پس از مدت کوتاهی متوقّف شدند. آخرین روزنامه او در هند «پیام راستی» نام داشت. او برای ادامه فیلم سازی به تهران آمد ولی به علت موانع و مشکلاتی که وجود داشت به ناچار در اصفهان ساکن شد و به نویسندگی

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۳۵-۲۳۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۶۹ و ۷۷۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۲؛ روزنامه مکرم، شماره ۵۵۹، مورخ ۱۳ فروردین ۱۳۴۸.

مشغول شد و روزنامه «سپنتا» را منتشر کرد.

مزار او در حاشیه خیابان آب دویست و پنجاه و مقابل مصلای تخت فولاد است.(۱)]

از اوست:

شتاب دارد و یار از کنار می گذرد ببین که عمر عجب برق وار می گذرد

گرفته شاخ شکوفه به دست و می گوید پیاله گیر که فصل بهار می گذرد

تو خواب نازی و پروین و ماه می دانند چه ها به عاشق شب زنده دار می گذرد

میرزا عبدالحسین صنیع همایون

میرزا عبدالحسین صنیع همایون [فرزند آقا محمّدکاظم نقاش فرزند آقانجف اصفهانی]، نقاش و قلمدان ساز هنرمند قرن چهاردهم هجری. [در صورت سازی و منظره استاد بوده و قلمدان ها و تابلوهای زیادی را با نقاشی های استادانه خود مزیّن می کرده است او سال ها در کارگاه خود واقع در بالاخانه کاروانسرای حاج علینقی (جنب دروازه اشرف) در بازار بزرگ اصفهان به فعالیّت هنری مشغول بوده و جمعی از هنرمندان از جمله شکراللّه صنیع زاده از او تعلیم می گرفته اند. لقب «صنیع همایون» را مظفرالدّین شاه قاجار به او عطا کرد.]

صنیع همایون در روز سه شنبه ۱۲ محرم ۱۳۴۱ق [در سن متجاوز از هفتاد سالگی[وفات یافته و در تکیه شهشهانی واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، صص ۳۰۰-۳۰۲؛ الذریعه، ج۹، ص۴۲۹؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، صص ۱۷۳۲-۱۷۳۵؛ اثرآفرینان، ج۳، صص ۲۱۸ و ۲۱۹؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، صص ۷۳۴ و ۷۳۵؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۳، صص ۵۲ و ۵۳؛ روزنامه بهار: سال اوّل، شماره ۱۸، سه شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۷۹، ص۸.
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۲۳؛ دیوان طرب، ص۸۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۵؛ فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۱۹ و ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، ص۲۳۲؛ هنر قلمدان، صص ۱۵۷ و ۱۵۸؛ تاریخ اصفهان (هنرمندان) ، صص ۳۳۵ و ۳۳۶؛ دائره المعارف هنر، ص۳۵۴.

سیّد عبدالحسین همتیار

سیّد عبدالحسین همتیار فرزند حاج میر سیّد محمّد بن حاج میرزا حسن بن میر سیّد علی وزیر طباطبائی اصفهانی، ادیب و شاعر فاضل. از دانشـمندان معاصـر اصفهان. در سال ۱۲۵۹ش (برابر بـا ۱۲۹۷ق) در اصـفهان متولّـد شده و تحصـیلات خویش را در مـدرسه باقریه و مـدرسه اسـقف (کالج انگلیسـی ها) در اصـفهان و کالج آمریکائی ها در طهران به پایان رسانیده وارد مشاغل دولتی شـد و به ترتیب در وزارت دادگستری و مـالیه و فرهنـگ مشـغول انجـام وظیفه گردیـد. مـدّت هـا ریاست فرهنگ بنادر جنوب و زمانی ریاست فرهنگ ساوه در مـدّتی ریاست فرهنگ شهرسـتان سـمنان را داشـته و در این اواخر ریاست دانشسـرای مقدّماتی پسران اصفهان بر عهده او بود.

در سال ۱۳۲۹ش بازنشسـته شده و در این موقع که فراغتی یافت به تکمیل علوم غریبه که سال ها در آن رنج برده بود پرداخت و به مقامـاتی رسـید. پیش بینی هـا و غیب گوئی هـای وی در این مورد معروف است. سـرانجام در شب چهارشـنبه ۱۴ ذیحجه الحرام سـال ۱۳۸۵ق [برابر بـا ۱۷ فروردیـن ۱۳۴۵ش] وفـات یـافته، در تخت فولاـد، جنب تکیه ملـک در لسـان الاـرض [تکیه شهدای کنونی] مدفون گردید.(۱)

مادّه تاریخ وفاتش را استاد جلال الدّین همایی (سنا) چنین گوید:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۳۸-۵۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۱۰۲۴ و ۱۰۲۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۹.

از «سنا» تاریخ پرسیدم نوشت «رحمت یزدان به همتیار باد»(۱)

شاعر توانا استاد اعتمادی (برنا) نیز گوید:

زد رقم «برنا» بشمسی سال فوت: «یار همّت یار لطف و مهر حق»

۱۳۴۵

سال وفات ورا خامه «برنا» نوشت «بود بمحشر حسین شافع عبدالحسین»

۱۳۸۵

این دو بیت از اوست:

تا خدا دارد خدایی و شهنشاهی در عالم تا شهنشاهی در این کاخ زبرجد بار دارد

نام شاه دین علی در صفحه تاریخ عالم همچو خورشید رخشان جلوه در انظار دارد

آقا عبدالحسین شکسته نویس*

آقا عبدالحسین بن محمّد اصفهانی، از خوشنویسان هنرمند قرن سیزدهم هجری است. خطوط شکسته و نستعلیق را خوش می نوشته و تا حدود سال ۱۲۹۰ق در قید حیات بوده است.

او نسخه ای از «کلیات سعدی» را به خط نستعلیق خوش خود نوشته که نزد حاج سیّد نصراللّه تقوی اخوی موجود بوده است. همچنین ترجمه فارسی «شرح نهج البلاغه» ابن ابی الحدید، به تاریخ ۱۲۷۳ق از نمونه خطوط خوش نستعلیق اوست که استاد همایی آن را دیده است.(۲) همچنین او بخش منطق کتاب «حل مشکلات الاشارات و

۱- دیوان سنا، ص۱۵۳.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۶۲-۱۶۴.

التنبیهات» تألیف: خواجه نصیرالدّین طوسی را به خط نستعلیق خوش در سال ۱۲۶۴ق کتابت نموده که به شماره ۲۸ در کتابخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان موجود است.(۱)

عبدالحسین مُشکنانی*

عبدالحسین بن محمّد مشکنانی، از کاتبان و فضلای قرن یازدهم هجری است. او نسخه ای از کتاب «صافی» فیض کاشانی را به خط نسخ در دوشنبه ۱۴ ذی الحجه سال ۱۱۳۲ق کتابت کرده که به شماره ۵۸ در کتابخانه مؤسّسه امام صادق علیه السلام قم موجود است.(۲) یکی از مُجَلَّدات «صافی» فیض که در سال ۱۱۲۵ق کتابت شده، به شماره ۱۱۸۱۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود.(۳)

مشکنان از روستاهای قدیمی شرق اصفهان بین کوهپایه و نائین است. ناصر خسرو در قرن پنجم هجری این روستا را دیده و در سفرنامه خود از آن یاد کرده است.

میرزا عبدالحسین صدر

میرزا عبدالحسین صدر فرزند میرزا محمود صدر المحدّثین بن ملاّ ـ عبداللّه خوانساری، از وعاظ معروف ایران [در قرن چهاردهم هجری] در حدود سال ۱۳۱۰ق در اصفهان متولّد گردیده و نزد جمعی از فضلاء این شهر تحصیل نمود. [سپس] به طهران رفته، آنجا نیز چندین سال به تحصیلات قدیم و جدید پرداخته و به ترویج دین مشغول شد. [او صدایی خوش، قدرت بیان عالی و اطلاعات وسیع داشت و آواز دو دانگ را در حدّ اعلی می خواند] او در نهضت تجددخواهی و دگرگونی وضع قدیم به صورت تمدن جدید و تشکیل شرکت ها و تأسیس کارخانجات در اصفهان و سایر شهرهای ایران،

۱- فهرست ارشاد کاشان، ص۳۸.

۲- فهرست مؤسسه امام صادق علیه السلام قم، ص۵۵.

۳- فهرست الفبائی رضوی، ص۳۷۸.

مردم را با بیانات شافیه و سحر کلام خویش مشغول می داشت.

[او در ایـام اقامت در اصـفهان در مـدارس جدیـد به شـغل معلمی می پرداخته و در کنار آن نزد شـیخ محمود مفیـد فلسـفه می خوانده است.]

در اواخر عمر [زودرنـج و حسـاس شـد، و مزاج او تغییر یـافته بـود و در سـخنرانی هـا تنـدروی می کرد. حکومت وقت (نظمیه رضاخان پهلوی) او را به شـیراز تبعیـد نمود.] سودا بر مزاج ایشان غلبه یافته و در حدود سال ۱۳۶۷ق خود را در چاه انداخته و وفات یافت(۱) [و در یکی از امامزاده های شیراز مدفون شد.]

آقا عبدالحسین پاشنه طلائی یزدی

آقا عبدالحسـین بن ملّا محمّدمهـدی پاشـنه طلائی یزدی [بن محمّداسـماعیل بن محمّـدابراهیم بن ملّا محمّدصادق اردسـتانی]، عـالم فاضـل [در قرن سـیزدهم هجری] از اعقـاب آخونـد ملّا محمّـدصادق اردسـتانی. پـدرش در یزد ساکن بوده و خود او در اصفهان سکونت نموده و پس از وفات در تکیه حاج محمّدجعفر آباده ای در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

[او نسـخه ای از «حاشـیه بر بهجه المرضـیه» از: شیخ علی اکبر یزدی را در سال ۱۲۷۵ق کتابت کرده و آن را نزد پدر دانشـمند خود خوانده و تعلیقاتی بر این نسخه نوشته است.(۳)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۹۱ و ۷۹۲؛ دولت دیدار، صص ۱۶۶ و ۱۶۷؛ تاریخ موسیقی ایران، صص ۶۷۸ و ۶۷۹.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۱.

۳- تراجم الرجال، (چاپ ۱۴۲۲ق) ، ج۲، ص۲۷.

حاج میرزا عبدالحسین سیّد العراقین

حاج میرزا عبدالحسین سیّد العراقین فرزند آقا میر محمّدمهدی بن حاج میرمعصوم بن حاج میرزا محمّدعلی بن میر محمّداسماعیل بن میر محمّدباقر بن میر محمّداسماعیل خاتون آبادی [از علمای عالیقدر قرن چهاردهم هجری] عالم فاضل مجتهد بارع و فقیه عادل اجدادش از علمای اصفهان و ساکن محلّه پاقلعه بوده و بدین مناسبت به سادات پاقلعه معروف بوده اند. [جدّ اعلای او میر محمّداسماعیل بانی مدرسه و تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد و فرزند میر محمّداسماعیل: میر محمّدباقر بوده و منصب ملّاباشی شاه سلطان حسین صفوی را داشته است.]

مرحوم سیّد العراقین در سال ۱۲۹۴ق در اصفهان متولّد شده و مقدّمات علوم را در این شهر آموخته سپس جهت تکمیل به عراق عرب رفت و سال ها از محضر اساتید بزرگ آنجا [همچون آخوند ملّا محمّدکاظم خراسانی، آقا سیّد محمّدکاظم طباطبائی یزدی، حاج آقا رضا همدانی، ملّا علی نهاوندی، آقا سیّد محمّد طباطبائی فشارکی و میرزا محمّدتقی شیرازی] در فقه و اصول استفاده نموده [و از بزرگانی چون: میرزا حسین محدّث نوری اجازه دریافت نمود] و به درجه اجتهاد نائل گردید. [او به هنگام بازگشت به خواهش آخوند خراسانی در مسیر راه با بیانات و سخنان گرم خود مردم را به حمایت از نهضت مشروطیت دعوت می کرد.] او پس از مراجعت به اصفهان به اقامه جماعت و تدریس و حلّ مشکلات مردم و پاسخ به مسائل شرعی آنان مشغول شده و تولیت مدرسه چهارباغ را هم به عهده گرفت.

او آخرین مدرس معروف مدرسه چهارباغ بود و پس از فوت او [به خاطر مخالفت رضاشاه با روحانیت] سال ها مدرسه چهارباغ تعطیل و خالی از طلبه و محصّل بوده و امورات وقفی آن زیر نظر اداره اوقاف اداره می شد تا پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ش

مجددا مدرسه به تصرف وقف درآمده و طلاب و فضلاء در آن ساکن شده و به تحصیل و تدریس مشغول شدند.

[مرحوم سیّد العراقین در انجمن معارف اصفهان عضو بوده و از اعضاء هیئت علمی اصفهان نیز بود و در حفظ حوزه علمیه اصفهان و رونق بخشیدن به آن تلاش بسیار کرده و رنج فراوان را به جان خرید. پس از آنکه روس ها به اصفهان حمله کردند و صدماتی به مدرسه چهارباغ وارد شد، او به عنوان متولّی مدرسه، به مرمت گنبد و مناره ها و سایر قسمت های مدرسه اهتمام ورزیده و آن را از خطر نابودی نجات داد.] همچنین از متولّی مدرسه صدر پاقلعه نیز بود.

سرانجام در شب چهارشنبه ۱۰ شوال ۱۳۵۰ق وفات یافته و در تخت فولاد [جنب مقبره میر محمّدصادق مدرس خاتون آبادی] مدفون شد. سپس بر سر مزار آن دو بقعه ای ساخته و تکیه ای بنا نمودند که به تکیه سیّد العراقین معروف شد و جمعی از علماء، شعراء و وعاظ اصفهان در بقعه و صحن و حجره های تکیه مدفون شدند.

مادّه تاریخ وفاتش را استاد همایی چنین گفته است:

لمّا تهدم رکن الفضل و الادب قال المورّخ رکن الفضل منهدم

که به خط آقا شیخ محمّدرضا حسام الواعظین بر سنگ قبر او نوشته شده است.

مرحوم میرزا حسن خان جابری نیز مادّه تاریخ وفات او را چنین گفته است:

تو هم پا بکش از عراق و بگو «عراقین بی سیّد و سرور است»(۱)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۸۰-۶۸۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۸؛ مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آقای سیّد ابراهیم میرعمادی در تابستان ۱۳۷۰ش؛ دیوان سنا، ص۱۷۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۲؛ شرح مجموعه گل، صص ۱۲۴-۱۴۷.

میرزا عبدالحسین سمسارزاده

حاج میرزا عبدالحسین سـمسارزاده فرزند حاج محمّدمهدی سـمسار اصـفهانی، بازرگان نیکوکار و [معاصر که سرمایه خود را صرف ترویج علم و تبلیغ شـریعت نموده و] به همت او کتـاب هـای: «ترتیب التهـذیب»، «جواهر الاخلاق»، «حجه الاسـلام» در شرح «شرایع الاسلام» و «منتخب مفاتیح الجنان» به طبع رسیده است.

مشارٌ الیه در شعبان سال ۱۴۰۹ق وفات یافته در بقعه تکیه مرحوم تویسرکانی [در تخت فولاد اصفهان] مدفون گردید.(۱)

میرزا عبدالحسین قیصر بیدآبادی

میرزا عبدالحسـین قیصر بن نواب میرزا مهدی قزلباش اصفهانی شاعر ادیب، از سخنوران قرن سیزدهم هجری و از احفاد صفویه است. مدت ۱۴ سال سیاحت کرده و خدمت بزرگان رسیده است. از انواع علوم با بهره بوده و غزل و قصیده را خوب می گفته است. در محلّه بیدآباد اصفهان ساکن بوده و تا سال ۱۲۸۰ق حیات داشته است.

از اوست:

ز گیسوی تو تاری وام کردند به عالم صد هزاران دام کردند

نثار اندر رهت عشاق دلخون سر و جان را به اوّل گام کردند(۲)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۰۰.

۲- تذکره حدیقه الشعراء، ج ۲، ص ۱۴۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۶۹؛ مخزن الادب راجی: خطّی.

حاج عبدالحسین مشفق اصفهانی

حاج عبدالحسین مشفقی متخلّص به «مشفق» فرزند میرزا، شاعر ادیب [در قرن چهاردهم هجری.]

در سال ۱۳۱۰ق در اصفهان متولّد شده و کمی تحصیل نمود. بعدا به شغل پدری خویش اشتغال جست. در شعر و ادب دارای طبعی روان و ذوقی سرشار بود. دیوان اشعاری بالغ بر چهار هزار بیت دارد. مقداری از اشعارش در طبع سوم «مصیبت نامه صغیر» و مقدار دیگری در «خزائن شکن» تألیف برادرش میرزا علی مشفقی به طبع رسیده است.

مشفق در روز ۲۹ ربیع الاوّل سال ۱۳۶۳ق در اصفهان وفات یافته، در تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد مدفون شد.(۱) [مادّه تاریخ او را محمّدحسین صغیر اصفهانی چنین سروده است:

گفت تاریخ وفاتش را «صغیر»: «کرد مشفق جا بفردوس برین»

۱۳۶۲

این دو بیت از اشعار اوست:

بر اسب ناز مکان کردی و شهان جهان را تو مات از رخت ای شهسوار کردی و رفتی

به روی همچو قمر زلف همچو مشک افکندی به دهر، روز مرا شام تار کردی و رفتی(۲)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۵۲؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص۷۵۴.

۲- شرح مجموعه گل، صص ۴۵۸-۴۶۶.

میرزا عبدالحسین ظفر اصفهانی

میرزا عبدالحسین متخلّص به «ظفر» از شعرای قرن سیزدهم هجری. دیوان بیگی در سال ۱۲۹۴ق او را در طهران دیده که در کار تحصیل بوده و جوانی معقول و مؤدب به شمار می رفته است.

از اوست:

اگر برای غمت شیشه دلم تنگ است بزن به سنگ که این شیشه قابل سنگ است

مرا دلی است خروشان چو چنگ از غم تو تو را به محفل اغیار گوش بر چنگ است(۱)

عبدالحسین عبدی اصفهانی

مشهدی عبدالحسین متخلّص به «عبدی» از شعراء متوسّط و معاصر اصفهان بود. کتابی از او به نام «دُرَر المصائب» مشتمل بر حدود هزار بیت در سال ۱۳۶۸ق به طبع رسیده است.

او در ماه ربیع الاوّل سال ۱۳۷۲ق به سن ۷۵ سالگی در اصفهان وفات یافت. از اوست:

زلف پر چین را خم اندر خم مکن از خمش یک عالمی درهم مکن

از خمار چشم میگون و لعل خویش حسرت ساقی و جام جم مکن(۲)

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۱۳۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۳۰؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص۷۴۵.

عبدالحسین فریدنی

عبدالحسین فریدنی [از خطاطین و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۵۴ق کتاب «میزان الاوزان» تألیف: محمّد بن حسن مشهدی (متوفی ۱۲۲۲) را به خط نستعلیق نوشته و کتاب به شماره ۳۷۶۸ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

عبدالحسین فاضل اژه ای

میرزا عبدالحسین فاضل اژه ای، عالم فاضل واعظ کامل [از وعاظ اواخر دوره قاجاریّه] در صبح چهارشنبه ۱۷ صفر سال ۱۳۲۹ق وفات یافته و در مزار اژه ای ها در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

شیخ عبدالحسین فقیه ایمانی

حاج شیخ عبدالحسین فقیه ایمانی، واعظ زاهد عادل [از شاگردان آیه اللّه سیّد ابوالقاسم دهکردی] در ۲۰ شوّال ۱۳۸۷ق به سنّ متجاوز از هشتاد وفات یافته و در قسمت شمالی آب انبار حاج ملّا حسن سمائیان [شمال تکیه فاضلان] در تخت فولاد مدفون گردید.(۳)

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش چهارم، ص ۱۷۵۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۶۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۳۵.

میرزا عبدالحسین قشمشم اصفهانی*

میرزا عبدالحسین متخلّص به «قشمشم» از شعرای اواخر دوره قاجاریّه. طبعش به هجو و هزل مایل بوده و با آنکه سواد خواندن و نوشتن نداشته، شعر می سروده است. او دکّه کوچکی جنب مسجد جامع داشته و از راه خرید و فروش قند و چای و تنباکو امرار معاش می کرده(۱) و سرانجام در سال ۱۳۱۸ق به سن ۷۵ سالگی وفات یافته است.(۲)

از اشعار او جز یکی دو قطعه چیزی باقی نمانده است.

ملّا عبدالحسین مازندرانی

ملّا عبدالحسین مازندرانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن و به تحصیل مشغول بوده و «تهذیب شیخ طوسی» را نزد علّامه مجلسی در سال ۱۰۹۲ق قرائت و مقابله نموده و علّامه در پایان کتاب نکاح کتاب «تهذیب» در ۲۶ ذی القعده ۱۰۹۶ق برای او اجازه نوشته است و از او با عنوان «المولی الفاضل الصّالح الفالح الرّضی» یاد کرده است.

این نسخه از «تهذیب» در کتابخانه فقیه محقّق معاصر حاج شیخ رضا استادی طهرانی در قم موجود است.(۳)

سیّد عبدالحسین معین الاسلام

میرزا سیّد عبدالحسین خوانساری ملقّب به «معین الاسلام» و معروف به «زاینده رود» ادیب فاضل نویسنده و مدیر روزنامه «زاینده رود» از روزنامه های منتشره اصفهان

۱- الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۵۴۲ و ۵۴۳.

۲- تذکره شعرای میرزا علی مشفقی: مخطوط.

۳- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۹؛ یکصد و شصت نسخه از یک کتابخانه شخصی، ص۱۲.

مدفون در تخت فولاد.(۱)

[او مدّتی در یزد و نیشابور و برخی مناطق دیگر سمت ریاست عدلیّه را داشته و عاقبت ریاست عدلیّه اصفهان را بدست آورده است. در محرم ۱۳۲۷ق نشریه هفتگی «زاینده رود» را منتشر ساخته و تا سال ۱۳۳۲ق به انتشار آن ادامه داده است. او در سال ۱۳۳۴ق با وقوع جنگ جهانی و بروز نااَمنی در اصفهان، به سرزمین بختیاری پناه برد. سال فوت او به دست نیامد.(۲)]

سیّد عبدالحسین میرلوحی*

حاج سیّد عبدالحسین میرلوحی موسوی یزدآبادی، عالم فاضل متقی از دوستان و ارادتمندان مرحوم آقا سیّد زین العابدین طباطبائی ابرقوئی. او امام جمعه در قریه «یزدآباد» لنجان اصفهان بوده و از کسانی است که خدمت حضرت ولی عصر (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) مشرّف گردیده است.(۳) فرزندانش از جمله مرحوم سیّد ابوالفضل میرلوحی و حاج سیّد حبیب اللّه میرلوحی از علمای محل و مورد ارادت و علاقه مردم بوده و هستند.

سیّد عبدالحسین واعظ اصفهانی

حاج سیّد عبدالحسین واعظ اصفهانی معروف به عرب ساکن طهران [از وعاظ اواخر دوره قاجاریه] در ماه های مبارک رمضان در مسجد شاه طهران پس از نماز امام جمعه در زمان مظفرالدّین شاه به منبر می رفت و شهرتی داشت.(۴)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۷.

۲- تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج۳، صص ۳ و ۴.

۳- ولایه المتّقین: مقدمه، ص۲۹.

۴- مؤلّفین کتب چاپی، ج۲، ص۳۸۴.

ملّا عبدالحق منصف قهپایه ای*

مولانا عبدالحق قهپایه ای متخلّص به «منصف» فرزند ملّا کمال الدّین پیشنماز قهپایه ای، از شعراء و فضلای قرن دهم هجری. به هنـد رفته و در آنجـا سـکونت گزیـد. شـعر بسـیاری سـروده ولی کیفیت آن مطلـوب نبوده است. مثنوی لیلی و مجنون از آثـار اوست. این بیت از اوست:

زان نرخ جنس غمزه گران بسته ای که من محتاج این متاعم و آن در دکان توست(۱)

ملّا عبدالحق ورنوسفادرانی

ملاّـ عبـدالحق ورنوسـفادرانی اصـفهانی، شـاعر ادیب در قرن یـازدهم هجری. در کمـال فضـیلت و حـالت معنـوی بـود. در فن موسیقی و لغز و معما ماهر بود. در سال ۱۰۶۳ق وفات یافت.

از اشعار اوست:

لعل لب تو را چه زیان از غبار خط مور ار ز کوثر آب خورد کم نمی شود(۲)

شیخ عبدالحمید اصفهانی

شیخ عبدالحمید اصفهانی [از عرفای قرن هشتم هجری] از مریدان شاه نعمت اللّه ولی کرمانی بوده است.(۳)

۱- تذکره عرفات العاشقین، ج۶، صص ۳۷۵۴ و ۳۷۵۵؛ تذکره ریاض الشّعراء، ج۴، ص۲۱۵۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص۲۹۳ و ۲۹۴.

۳- طرائق الحقائق، ج۳، ص۶۰؛ زندگانی شاه نعمت اللّه ولی، ص۶۲.

سیّد عبدالحمید موسوی خواجوئی

حاج سیّد عبدالحمید موسوی خواجوئی بن سیّد محمّدحسین بن سیّد محمّدتقی مستجاب الدّعوه بن سیّد محمّدسعید بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمّدباقر بن سیّد محمّدصادق موسوی اصفهانی، عالم فاضل متّقی [از علمای اواخر دوره قاجاریّه.] در حدود سال ۱۲۵۰ق در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی از علمای اصفهان از آن جمله: حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی، آقا میر سیّد حسن مدرس (محلّه نوئی) تحصیل نموده و سرانجام در ۶ رمضان المبارک ۱۳۱۶ق وفات یافته و جنب پدر و جد خویش نزدیک تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حواشی بر سیوطی» نامدون که نسخه آن نزد نگارنده موجود است. ۲. «شرح دعای: یا من ارجوه» که در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد موجود است. [۳. «شرح دعای رجبیه» که در ۱۶ جمادی الاولی ۱۲۹۶ق به خط نسخ آن را نوشته و به شماره ۱۵۳۴۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۱)]

صاحب عنوان عموزاده پدر حقیر: سیّد مصلح الدّین بن سیّد شهاب الدّین بن سیّد محمّدحسن مجتهد بن سیّد محمّدتقی مستجاب الدّعوه است.

عبدالحمید عطاری دار (پاینده)

عبدالحمید عطاری، هنرمند موسیقیدان [معاصر] مدفون در صحن تکیه سیّد محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) فوت در سال ۱۳۸۵ق.(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۷؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۶۳؛ فهرست گوهرشاد، ص۳۲۱؛ فهرست مختصر مجلس، ص۴۸۶.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۸۰.

[عبدالحمید عطاری دار معروف به پاینده، هنرمند ارجمند و موسیقی دان شهیر اصفهان، در خیابان شیخ بهائی دارای بنگاه معاملاتی بود و اهل نواختن و شرکت در مجالس نبود و تنها به آموزش قرائت و رعایت قوانین صدا می پرداخت و عدّه ای از اهل منبر و مدّاحان را نیز تعلیم می داد. مادّه تاریخ وفات او چنین است:

پاینده صاحب هنر و ذوق آنکه داشت عطاری دار شهرت و عبدالحمید نام

هم ذکر حق و نام نبی داشت بر زبان هم داشت نام حیدر و اولاد در کلام

«برنا» به شمسی و قمری سال فوت او بنوشت هر کدام به یک مصرع تمام

«پاینده» در جهان بقا کرده است روی» «عبدالحمید کرد بهشت جنان مقام»(۱)] ۱۳۴۴ش ۱۳۸۵ق

عبدالحمید سیاوش*

عبدالحمید سیاوش دستجردی فرزند سیف اللّه، از خوشنویسان توانای معاصر اصفهان در سال ۱۳۳۳ش متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در رشته مکانیک ادامه تحصیل داده و فارغ التحصیل شد. و در هنرستان هنرهای زیبا به تدریس پرداخت.

او خط را از استاد فضائلی و استاد معین آموخت و پس از آن به تعلیم و تدریس خوشنویسی پرداخت و شاگردان بسیاری تربیت کرد. استاد سیاوش علاوه بر اخذ مدرک ممتاز از انجمن خوشنویسان ایران، از شورای هنرمندان کشور نیز مدرک درجه ۲ هنری دریافت نمود. آثار او در بسیاری از نمایشگاه های کشور به نمایش درآمده است.

وی اکنون از مدرسین انجمن خویشنویسان اصفهان است.(۲)

۱- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) .

۲- فصل نامه فرهنگ اصفهان: شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۱، ص۱۰۷.

عبدالحمید شهدی اصفهانی

عبدالحمید اوحدی معروف به «حمید» و متخلّص به «شـهدی» فرزند آقا محمّد کریم بن آقا عباس بن میرزا اسـماعیل اصفهانی، از شـعرای معاصـر اصـفهان. در طلوع فجر جمعه ۲۴ رجـب المرجب ۱۳۳۷ق در اصـفهان متولّـد شـده. او پس از تکمیل دوره دبیرستان در اصفهان به طهران منتقل گردید. در شاعری صاحب طبعی لطیف بود.

از اوست:

سر زلف پر تابت، چو خرد بدید گفتا نکنم گمان که کس از خم آن رهیده باشد(۱)

میرزا عبدالحمید شریف اصفهانی*

میرزا عبدالحمیـد شـریف بن میرزا محمّـد اصـفهانی حائری، از فضـلاء اوایل قرن چهاردهم هجری است. او مجموعه ای شامل: «نوادر الا-ثر بعلیّ خیر البشـر» تـألیف: جعفر بن احمـد بن علی قمی رازی و «کتـاب العروس» از همو را در سال ۱۳۳۷ق به خط نسخ کتابت نموده که به شماره ۹۷۰۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۲)

سیّد عبدالحمید موسوی اصفهانی

سیّد عبدالحمید موسوی اصفهانی بن سیّد محمّد [بن سیّد علی بخش بن سیّد محمّد موسوی، از علمای ازکیاء [در قرن سیزدهم هجری] و از شاگردان شیخ محمّدحسن

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۸۹؛ دیوان غمگین اصفهانی: مقدمه.

۲- فهرست مختصر مجلس، صص ۶۵۳ و ۸۷۰.

صاحب جواهر بوده و پس از مراجعت از نجف اشرف در اصفهان و لنجان ساکن شده و هم در این شهر وفات یافته [است.] وی را شرحی است بر کتاب «شرایع الاسلام» تألیف محقّق حلّی (علیه الرّحمه) .(۱)

[ظاهرا او همان است که] در ذیقعده ۱۲۶۳ق برگه استشهادی را امضاء کرده و خود را چنین معرفی نموده است: «عبدالحمید موسوی النجفی مسکنا و مدفنا انشاءاللّه».

[تقریرات درس فقه شیخ موسی کاشف الغطاء به قلم او موجود است و آن شرح استدلالی بر کتاب مواریث «شرایع الاسلام» است.(۲)]

سیّد عبدالحمید نوربخش چهارمحالی

سیّد عبدالحمید شورابی چهارمحالی اصفهانی نوربخش، شاعر معاصر صاحب «مصیبت نامه» مطبوع.

عبدالحمید نجّار اصفهانی*

عبدالحمید نجّار اصفهانی متخلّص به «نجار» از شعرای معاصر اصفهان است که در ۱۵ شعبان ۱۳۸۹ق وفات یافته و در صحن تکیه شهشهانی در تخت فولاد اصفهان مدفون شده است.(۳)

میرزا عبدالحمید هوشیار نجف آبادی*

میرزا عبدالحمید هوشیار، از ادباء و فضلای معاصر در حوزه علمیه نجف آباد تحصیل کرده و سپس در قم در محضر اساتید آن شهر به کسب فیض پرداخته است. او در سال

۱- الذریعه، ج۱۳، ص۱۲۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۱.

۲- یادداشت های آقای رحیم قاسمی منقول از «سراج المعانی»، ص۷۸.

۳- یادداشت های آقای حمید خلیلیان؛ تذکره شعرای تخت فولاد اصفهان، ص۶۵۱.

۱۳۷۰ش درگذشت.

از اوست:

در خاک نجف تجلّی خدا می بینم بی پرده ز نور مرتضی می بینم

بر سینه آدم صفی باب علوم از خاتم انبیا به جا می بینم(۱)

ملّا عبدالحی دیهوکی طبسی

ملّا عبدالحی بن محمّدرفیع دیهوکی طبسی گیلکی، عالم فاضل جلیل. [از علمای قرن دوازدهم هجری] در اصفهان به تحصیل پرداخته و در فقه و اصول، ادبیات عرب و منطق و کلام مهارت یافته و به تدریس پرداخته است. ملّا محمّدعلی بن محمّدرضا رقیّ تونی از افاضل شاگردان او است. [که ملّا عبدالحی در هامش نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» که اکنون در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است جهت او اجازه نوشته و در آنجا آمده که از میرزا محمّد مشهدی (از مجازین ملّا احمد و ملّا عبداللّه تونی) اجازه دریافت نموده است. ملّا محمّدعلی تونی در ذیل این اجازه نوشته است که استادش] ملّا عبدالحی در شب یکشنبه دوم محرم ۱۱۳۳ق وفات یافته و در مقبره ستّی فاطمه اصفهان مدفون شده است.(۲)

عبدالخالق خان اصفهانی*

عبدالخالق خان اصفهانی، از هنرمندان اصفهان و از پیشگامان صنعت عکاسی اصفهان در اواخر دوره قاجاریه است و قدری از دوره سلطنت رضاشاه پهلوی را نیز درک کرده است. در محلّه لنبان اصفهان متولّد شد. از تسلط او به زبان فرانسوی شاید بتوان نتیجه گرفت که احتمالاً از جوانانی بوده که به منظور تحصیل راهی اروپا شده و

۱- دیباچه دیار نون، ص۲۵۲.

۲- مزارات اصفهان، ص۲۵۱؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۲۷۶؛ دومین دوگفتار، صص ۸۶-۸۹.

شاید عکاسی را در آنجا فرا گرفته باشد.

در جوانی به دلیل تسلط به عکاسی به عنوان عکاس باشی مخصوص دربار ظل السّلطان موفق به دریافت مدال مخصوص از او می شود. اغلب عمر او به عکاسی در اصفهان گذشته امّا مدّتی برای دایر کردن عکاسی در شیراز به سر برده و در عکاسخانه مرکزی لشکر جنوب شیراز کار می کرده و در این دوران مکاتباتی با میرزا مهدی خان چهره نما داشته است. روزهای آخر عمر وی گویا در تهران سپری شده است. امّا تاریخ دقیق فوت او به دست نیامد.

عبدالخالق خان در موسیقی هم دستی داشته و از شاگردان نایب اسداللّه در اصفهان بوده است.

مجموعه عکس هایی که توسّط او درنهایت دقّت و مهارت فنّی گرفته شده، در آلبوم های شخصی ظل السّلطان موجود است.(۱)

عبدالخالق اژه ای

عبدالخالق بن حاجی محمّدتقی اژه ای [از خطاطین خط نستعلیق در قرن سیزدهم هجری] در روز یکشنبه ۲۹ ربیع الاوّل سال ۱۲۴۲ق کتابت نسخه ای از «انوار سهیلی» را به خط نستعلیق شکسته به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۲۸ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲)

۱- چهره نگاران اصفهان، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج ۱، ص ۱۵.

عبدالخالق علوی

ابوهاشم عبدالخالق بن حیدر بن علی بن حسن بن علی بن حسن بن علی علوی معروف به «برطله شریف» [از محدّثین اصفهان] از حافظ ابوعمر و عبدالوهاب بن محمّد بن منده حدیث شنوده و ابوسعد سمعانی از وی استماع حدیث کرده است.(۱)

میرزا عبدالخالق لنجانی*

میرزا عبدالخالق لنجانی فرزند حاج میرزا رضا از خوشنویسان نسخ و ثلث در نیمه اوّل قرن چهاردهم هجری است. از راه کتابت امرار معاش می کرد و برای چاپ سنگی هم کتاب می نوشت.

از آثار او:

۱. کتابت قسمتی از اجزاء کتاب «وافی» فیض کاشانی که در ۱۱ رجب ۱۳۳۲ق کتابت کرده و چاپ سنگی شده است.(۲) ۲. دو قطعه به خط نسخ و رقاع خوش در مجموعه امیرقلی امینی در تاریخ جمادی الثانی ۱۳۰۵ق.(۳)

عبدالخالق قائنی

عبدالخالق بن محمّدشفیع قائنی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و احتمالاً از شاگردان علّامه مجلسی است. در تاریخ دوشنبه جمادی الثّانیه ۱۰۸۱ق کتابت مجلد دوم «بحارالانوار» را به خط نسخ به پایان رسانیده و در کتاب

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۳۶.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص ۱۲۶.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج ۴، ص ۱۰۹۹.

علامت مقابله و حواشی به خط علاّمه مجلسی دارد. نسخه به شماره ۴۵۱۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

میرزا عبدالخالق خوراسگانی*

میرزا عبدالخالق خوراسگانی، از خوشنویسان نازک کار اصفهان در قرن سیزدهم هجری و از اقران آقا هاشم و حسن حدّاد است که عصر خوشنویسی او حدود یک قرن قبل از عبدالخالق لنجانی است.

قرآن نفیس به خط او تملک آقای حاج علیرضاخان فاطمی اصفهانی که تاریخ کتابتش سال ۱۲۴۸ق است به رؤیت استاد همائی رسیده است.(۲)

عبدالخضر جزائری

عبدالخضر بن زباره فرج آل حسینی جزائری اصفهانی، از نویسندگان کتب است. در تاریخ ۱۰۸۴ کتاب «الدروع الواقیه من الاخطار» تألیف سیّد رضی الدّین علی بن طاوس را نوشته و کتاب به شماره ۳۳۱۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

عبدالرّحمان اصفهانی

مولانا عبدالرّحمان، برادرزاده قاضی امین الدّین فضل اللّه [از بزرگان علماء اصفهان در قرن نهم هجری.] مقتول در ساوه به دستور شاهرخ در رمضان ۸۵۰ق.(۴)

شرح گرفتاری او و شاه علاءالدّین محمّد نقیب و خواجه افضل الدّین محمّد ترکه و

۱- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۹۴؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۴۹.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۱۲۷.

۳- فهرست رضوی، ج۶، ص۲۳۲.

۴- تاریخ نظم و نثر، ص۴۴۹.

دیگران را در تاریخ باید مطالعه کرد.

عبدالرّحمان اصفهانی

عبدالرّحمان اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان] از مختار بن عبداللّه بن ابی لیلی روایت می کند.(۱)

عبدالرّحمان ذکوانی اصفهانی

ابوالقاسم عبدالرّحمان بن ابی بکر بن احمد ذکوانی اصـفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] فوت ۴۰۳ق. از حافظ ابی الشیخ اصفهانی و قباب استماع حدیث کرده است.(۲)

عبدالرّحمان اصفهانی

عبدالرّحمان بن ابی لیلی یسار اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان] از مختار بن عبداللّه بن ابی لیلی روایت می کند و محمّد بن عبداللّه بن ابی لیلی یسار برادرزاده او، از او استماع حدیث کرده است.(۳)

عبدالرّحمان سُدّی

ابواسماعیل عبدالرّحمان بن ابی کریمه سُدّی اصفهانی [از محدّثین قرن دوم هجری ساکن اصفهان] مولای قیس بن مَخربه بوده و از پدرش نقل حدیث کرده است.

۱- میزان الاعتدال، ج۲، ص۸۸.

۲- میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۱۷.

۳- میزان الاعتدال، ج۲، ص۸۸.

فرزندش اسماعیل سُدّی هم از محدّثین مشهور بوده و از پدر روایت می کند.(۱)

[وفاتش در سال ۱۲۷ق واقع شد.]

عبدالرّحمان اصفهانی

ابوسعید عبدالرّحمان بن احمد اصفهانی [از ادبای اصفهان است] در بغداد سکونت داشته و این تألیفات از اوست:

۱. «ادب الکاتب» ۲. «تهذیب الفصاحه» ۳. «رسائل الابهری» ۴. «الندیم»(۲)

سال فوتش به دست نیامد.

عبدالرّحمان رازی

ابوالفضل عبدالرّحمان بن احمد بن حسن رازی الموتی اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن پنجم هجری] از جعفر بن عبداللّه بن یعقوب نقل حدیث نموده و ابوسهل محمّد بن ابراهیم بن محمّد بن سعدویه زکی اصفهانی و ابوبکر عبدالغفار بن محمّد شیروی جنابدی [گنابادی] در اصفهان از او استماع حدیث کرده اند.(۳)

عبدالرّحمان اصفهانی

عبدالرحمان بن احمد بن محمّد بن ابی بکر بن علی اصفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن هفتم هجری] پدر شمس الدّین محمود اصفهانی مؤلّف: «شرح تجرید» و استاد جمعی از علماء زمان از آن جمله فرزندش شمس الدّین ابوالثناء محمود بوده است.(۴)

۱- طبقات المحدّثین، ج۱، ص۹۶؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۶؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۱۷.

۲- هدیه العارفین، ج۱، ص۵۱۳.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۶۶.

۴- ریحانه الادب، ج۳، ص۲۴۸.

نورالدّین عبدالرّحمان جامی

نورالـدّین عبـدالرّحمان بن نظام الدّین احمد بن شـمس الدّین محمّد دشتی اصـفهانی، شاعر ماهر و ادیب عارف صوفی. پدر و جـدّش در محلّه دشت اصـفهان ساکن و خود جامی در جام متولّد گردیده و در اوایل «دشتی» تخلّص داشـته و بعدا «جامی» را انتخاب نموده است.

در عموم کتب رجـال و تـذکره های شـعراء نام و تألیفاتش مـذکور است و «بهارسـتان» او که به سـبک «گلسـتان» تألیف شـده معروف [است.]

در ۲۳ شعبان ۸۱۷ق متولّد و در محرم ۸۹۸ق در هرات وفات یافته [است.]

قریب ۴۰ مُجلَّد کتاب و رساله به نظم و نثر تألیف نموده [است.] از تألیفات معروف او «نفحات الانس» در شرح حال ۶۱۴نفر از مشایخ صوفیه است. برای اطلاع بیشتر از حالات او به تذکره های شعراء و تاریخ ادبیات مراجعه شود.(۱)

جامی هیچ گاه در اصـفهان نبوده و فقط پدر و جدّش اصـفهانی بوده اند. در سال های اخیر شـهرداری اصفهان یکی از خیابان های فرعی اصفهان حدّ فاصل خیابان چهارباغ پایین و خیابان خرم را به نام «جامی» نامگذاری کرده است.]

عبدالرّحمان ضراب

ابومحمّد عبدالرّحمان بن حسن بن موسـی بن محمّد ضرّاب اصفهانی، از بزرگان محدّثین و ثقات آن [در قرن سوم هجری] در کوفه و بغداد و واسط کسب حدیث نموده و کتاب های «مسند» و «الابواب» را تألیف کرده است.

از عصام بن حکم عکبری، یحیی بن ورد بن عبداللّه و حسن بن منصور واسطی روایت

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۲؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۳۸۵؛ تحفه سامی، صص ۱۴۳-۱۴۶.

حدیث می کند و ابوالحسن علی بن محمود بن مالک مدینی، محمّد بن احمد بن ابراهیم، سلیمان بن احمد و ابومحمّد بن حیّان از وی اخذ حدیث کرده اند.(۱)

[پدرش نیز از محدّثین بوده و شرح حال او را در اعلام اصفهان، ج۲، ص۵۵۷ آورده ایم.]

عبدالرّحمان اصفهانی نیشابوری

ابوسعد عبدالرّحمان بن حسن نیشابوری [از محدّثین و حفّاظ قرن سوم هجری] اصل او از اصفهان است ولی در نیشابور ساکن بوده و در سال ۳۰۷ق وفات یافته است. کتاب های «مسند» و «شرف المصطفی» از اوست.(۲)

عبدالرّحمان اصفهانی بغدادی

حافظ ابوصالح عبدالرّحمان بن سعید بن هارون اصفهانی، [از محدّثین عامّه در قرن سوم هجری] در بغداد ساکن بوده و در آنجا در جمادی الآخر ۳۲۴ق وفات کرده است.

از ابوسعد احمد بن فرات رازی و محمّد بن عیسی عطار و عبدالرّحمان بن رسته نقل حدیث کرده و ابوالحسن علی بن عمر بن مهدی دار قطنی، محمّد بن مظفر و محمّد بن جعفر بن حسین [بغدادی] از او استماع حدیث کرده اند.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۴.

۲- الاعلام، ج۴، ص۷۴ به نقل از الرساله المستطرفه، ص۵۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۳؛ احقاق الحق، ج۱۶، ص۳۹۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۷۰.

عبدالرّحمان جَهنی اصفهانی

عبدالرّحمان بن سلیمان بن اصفهانی جهنی [از محدّثین عامّه در قرن دوم هجری است. ثقه و صالح بوده] و در کوفه می زیسته و در اصفهان تجارت می کرده و اهل محلّه سنبلان است. او در کوفه وفات یافت و اولاد و اهل بیت او در کوفه باقی ماندند.

اسماعیل بن ابوخالد، شُعبه، ثوری، عمرو بن ابوقیس، شریک و ابوعوانه، محمّد بن سعید بن اصفهانی و محمّد بن سلیمان بن اصفهانی از او نقل حدیث کرده اند و خود عبدالرّحمان از عکرمه، شُعبی، ابی حازم، ابوصالح، عبداللّه بن مَعقِل، انس بن مالک و مجاهد روایت کرده است.(۱)

عبدالرّحمان کوفی اصفهانی

عبدالرّحمان بن عبداللّه کوفی [از محدّثین عامّه اصفهان است و] از عبدالرّحمان بن ابی لیلی روایت می کند و شُعبه بن حجاج از او نقل حدیث می نماید. در زمان حکومت خالد بر عراق وفات یافت.(۲)

عبدالرّحمان اصفهانی

حافظ ابومسعود عبدالرّحمان بن ابی الوفاء علی بن احمد اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] فوت سال ۵۶۵ق.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۷؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۰۷؛ طبقات المحدّثین، ج۱، ص۱۱۱.

۲- لغت نامه دهخدا.

۳- مرآت الجنان، ج۳، ص۳۷۹.

عبدالرّحمان دشتی اصفهانی

ابومسلم عبدالرّحمان بن محمّد بن احمد بن سیاه دشتی اصفهانی مذکر [از محدّثین عامّه در قرن سوم و چهارم هجری و از اهالی محلّه دشت اصفهان.] از ابراهیم بن زهیر جلودی (حلوانی) استماع حدیث کرده و ابوبکر بن مردویه و ابویحیی عبدالرّحمان بن محمّد بن سلم رازی (ابن سلم) از او روایت می کنند.

او در آخر رجب ۳۴۶ق در بلخ فوت شده است.(۱)

عبدالرّحمان سمسار اصفهانی

ابونصر (یا ابومحمّد) عبدالرّحمان بن محمّد بن احمد سمسار اصفهانی [از محدّثین عامه اصفهان در قرن پنجم هجری] فوت: محرم ۴۹۰ق.(۲)

عبدالرّحمان اصفهانی

ابومسلم عبدالرّحمان بن محمّد بن جعفر بن حیّان مؤدب اصفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری] برادر حافظ ابومحمّد عبداللّه معروف به «حافظ ابی الشیخ اصفهانی» است. و در سال ۳۵۹ق به عارضه سکته وفات یافته [است.]

از ابراهیم بن متویه، احمد بن علی خزاعی و ابوجعفر محمّد بن زکریا بن عبداللّه قرشی روایت کرده و حافظ ابونعیم اصفهانی مؤلّف «ذکر اخبار اصفهان» از وی روایت کرده است.(۳)

۱- معجم البلدان، ج۲، صص ۴۵۰ و ۴۵۶؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۹؛ المشترک، ص۱۸۰؛ اللباب، ج۱، ص۵۰۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۷۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۰.

عبدالرّحمان اصفهانی

ابوالحسن عبـدالرّحمان بن محمّـد بن عبداللّه اصـفهانی [از محدّثین قرن چهارم هجری[از سـلیمان بن احمد طبرانی روایت می کند و حافظ ابوبکر احمد بن علی بن ثابت از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

عبدالرّحمان اصفهانی

عبدالرّحمان بن محمّد بن علی اصفهانی [از دانایان قرائت و تجوید در قرن هشتم هجری] قراآت سبعه را در خدمت صدرالدّین ابوالخطاب محمّد بن محمود بن محمّد شیرازی (متوفی ۷۷۶ق) تحصیل کرده است.(۲)

عبدالرّحمان حداد اصفهانی

ابوالقـاسم عبـدالرّحمان بـن محمّـد بن محمّـد بن فضـل بن احمـد حـداد اصـفهانی [از محـدّثین عـامّه در قرن شـشم هجری] از ابومحمّـد رزق اللّه بن عبـدالوهاب تمیمی، ابوبکر محمّد بن علی بن جوله ابهری و ابونصـر احمد بن محمّد بن صاعد قاضـی و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث کرده است.(۳)

عبدالرّحمان سَلمونی نیشابوری

ابوالفتوح عبدالرّحمان بن محمّد بن محمّد سلمونی، از علماء و زهاد و از اهالی

۱- تبیین کذب المفتری، ص ۳۰.

۲- شدّ الازار، ص ۲۴۱.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۱۰.

نیشابور است. مؤلفین از او به عنوان «امامٌ ورعٌ جامع بین العلم و الزهد» یاد کرده اند.

سَلمونی به کرمان مهاجرت کرده، سپس به اصفهان آمده و در «مدینه» (شهرستان) جی در سال ۵۳۰ق وفات یافته است. او از ابومنصور کراعی و ابونصر عبدالرحیم بن ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری روایت می کند.(۱)

عبدالرّحمان رازی*

ابویحیی عبدالرّحمان بن محمّد بن سلم رازی، از راویان و حفّاظ حدیث در قرن سوم هجری است. امام جامع اصفهان بوده و کتاب های «مسند» و «تفسیر» را نوشته است.

از سهل بن عثمان و عبدالعزیز بن یحیی و حسین بن عیسی زهری و طبقه ایشان روایت نموده و ابواحمد عسال، حافظ ابوالشیخ اصفهانی و طبرانی و دیگران از او نقل حدیث کرده اند. وفاتش در سال ۲۶۱ق واقع شد.(۲)

عبدالرّحمان دارگانی اصفهانی

ابومسلم عبدالرّحمان بن محمّد بن مسلم دارگانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] از ابوبکر احمد بن فضل باطرقانی حدیث شنیده و جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.

مصحح «التّحبیر» در پاورقی گوید: «دارکان» یکی از قرای مرو است. نویسنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی] گوید: «دارکان» یا «دارجان» از قرای لنجان اصفهان است و تاکنون به همین اسم مشهور است.(۳)

۱- التّحبیر، ج۱، ص۱۱۳؛ ترجمه رساله قشریه، ص۵۸.

۲- طبقات المفسّرین، ج۱، ص۲۸۲؛ طبقات المحدّثین باصبهان، ج۴، ص۲۲۲؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۲.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۱۲.

عبدالرّحمان صیدلانی

ابومسلم عبدالرّحمان بن محمّد صیدلانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] از عبداللّه بن بُندار باطرقانی روایت نموده و ابوبکر بن مقری از او نقل حدیث کرده است.(۱)

صیدلانی به معنی داروفروش است.

عبدالرّحمان معدانی اصفهانی

عبدالرّحمان بن یوسف بن معدان، از محدّثین عامّه اصفهان و چون برادرش محمّد بن یوسف معروف به «شیخ یوسف بنّا» از زهّاد و صلحای عهد بوده و در محله جورجیر اقامت داشته است.

از عثمان بن زائده روایت کرده و ابوسفیان صالح بن مهران، عبدالرّحمان بن عمر رسته و حفص بن معدان و محمّد بن عاصم حدیث شنوده و در سال ۲۶۰ق وفات یافته است.(۲)

عبدالرّحمان شافعی اصفهانی

نجم الدّین عبدالرّحمان بن یوسف شافعی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] ساکن مکّه. وی در سال ۶۷۷ق متولّد و در آخر ایام تشریق در منی به سال ۷۵۰ق فوت نموده است. «المختصر الروضه» (در ۲جلد) از آثار اوست.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۸؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص۱۷۳.

۳- مرآت الجنان، ج۴، ص۳۳۴.

عبدالرحیم اصفهانی*

عبـدالرحیم اصـفهانی، از خوشـنویسان هنرمنـد اصـفهان در قرن سـیزدهم هجری است. او خط نسـخ را زیبا می نوشـته و «شـرح کتابی در نحو» را در چهارشنبه دهم ذیحجه ۱۲۸۹ق کتابت نموده که به شماره ۱۹۷ در کتابخانه میرزا محمّد کاظمینی در یزد موجود است.(۱)

عبدالرحیم اصفهانی شیرازی

عبدالرحیم اصـفهانی شیرازی، از شاعران قرن هشتم سراینده داستان «سعد و همایون». و در آن از جشن آب مرغان در سه شنبه های ماه رجب و همچنین عشرت دوستی مردم شیراز وصف شده است.

آغاز نسخه:

به نام آن که عالم آفریده است محمّد بر خلایق برگزیده است

خداوندی که روزی داد ما را همی داند نهان و آشکارا

انجام نسخه:

سراسر گفته شد این دوستانم چو گفتم جمله تاریخش بخوانم

بذ و الحجه بود از اوّل ماه که ختم این سخن کردم به ناگاه

به تاریخ این حدیث نغز و شیرین سنه سبعمائه با سبع و تسعین

۷۹۷

نسخه به شماره ۱/۳۰۷۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

۱- فهرست کاظمینی، ج۱، ص۱۷۳.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۱، ص۲۰۲۹؛ الذریعه، ج۱۹، ص۲۰۶؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۲۸.

[آب مرغان از تفرّج گاه های شیراز است.]

ملّا عبدالرحیم کوشکی

ملّا عبدالرّحیم کوشکی بن ملّا ابراهیم، عالم فاضل. [از علماء اواخر دوره قاجاریه، از اهلی قریه «کوشک» در نزدیک اصفهان] متوفی [۱۰] محرم الحرم ۱۳۱۷ق مدفون در تکیه فاضلان واقع در تخت فولاد اصفهان.(۱)

عبدالرحیم ورنوسفادرانی

عبدالرحیم بن محمّدابراهیم ورنوسفادرانی [از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری] در چهارشنبه ۲۶ شوال ۱۲۳۷ق نسخه ای از کتاب «گلدسته اندیشه» تألیف: محمّدامین وقاری یزدی را به خط نستعلیق کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۲۸۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

عبدالرّحیم اصفهانی

عبدالرّحیم بن ابوالحسن اصفهانی خطاط نسخ نویس [در قرن دوازدهم هجری] از آثارش: «جلاء العیون» علّامه مجلسی، مورخ به سال ۱۰۲۴ق (ظاهرا ۱۱۲۴ باشد زیرا تاریخ تألیف ۱۰۸۹ق می باشد) به شماره ۱۵۵۶۶ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۳)

وی همچنین در دهه آخر رجب ۱۱۲۷ق نسخه ای از کتاب «ملاذ الاخیار» علّامه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۷۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۷۴.

۳- فهرست وزیری، ج۲، ص۷۴۶.

مجلسی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۲۳۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

احتمالاً وی از شاگردان علاّمه مجلسی می باشد.

عبدالرحیم فرقانی کرونی*

عبدالرحیم بن محمّدباقر فرقانی کرونی اصفهانی، از خوشنویسان قرن چهاردهم هجری است. او یک نسخه قرآن کریم را به خط نسخ در سال ۱۳۵۳ق کتابت کرده که در همان سال در تهران به همت محمّدحسن علمی چاپ سنگی شده است.(۲)

میرزا عبدالرّحیم مؤتمن الحکماء

میرزا عبدالرحیم حکیم ملقب به «مؤتمن الحکماء» فرزند میرزا حبیب [روحبخش] بن میرزا بزرگ بن میرزا کوچک طبیب اصفهانی، طبیب حاذق و دانشمند فاضل.(۳)

[در محله جوباره اصفهان متولّد شده و در مدرسه دارالفنون تهران طب را آموخت. سپس به اصفهان آمده و به طبابت پرداخت. ظل السّلطان حاکم اصفهان لقب «مؤتمن الحکماء» را به او داد. وی طبیبی مردم دار و متدیّن و رئوف به حال مستمندان بود. سرانجام در غرّه جمادی الاوّل ۱۳۶۷ق وفات یافته و در تکیه خلیلیان واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۴)]

۱- فهرست مرعشی، ج۱، ص۲۶۳؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۵۰.

۲- اهتمام ایرانیان به قرآن کریم، ص۲۸۹.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۳۱.

۴- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ مصاحبه غلامرضا نصراللهی با دکتر سیّد رضا پزشک در ۱۲ مرداد ۱۳۷۶ش.

وی کتـاب «مرض نقرس و معالجـات آن» را جهت ظـل السّـلطان تـألیف کرده که نسـخه اصل در کتابخانه عمومی اصـفهان به شماره ۱۱۵۶۸ موجود است.(۱)

[وی رساله «شیخ و شوخ» را در سال ۱۳۱۵ق کتابت کرده است. این نسـخه نزد میرزا عبدالرزاق خان مهندس بغایری در تهران بوده است.(۲)]

میرزا عبدالرحیم قاضی

حاج میرزا عبدالرحیم قاضی فرزند حاج میرزا محمّدحسن، عالم فاضل، از اعقاب محقّق سبزواری.(۳)

[از علمای فاضل خاندان قاضی و ساکن در محلّه علیقلی آقای اصفهان بوده و در فروردین ۱۳۲۵ش وفات یافته و در تکیه حاج آقا مجلس در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۴)

وی کتـاب «نهـایه الآمال» تألیف: محمّـدتقی هروی را در ۲۵ صفر ۱۳۲۲ق به خط نسخ کتابت نموده که به شـماره ۳۵۱۷ در کتابخانه ملی ملک در تهران موجود است.(۵)]

عبدالرّحیم اصفهانی

عبـدالرّحیم بن حسن بن محمّـد بن احمـد اصـفهانی [از نویسـندگان کتب و کاتبان قرن یازدهم هجری] در چهارشـنبه ۲۳ ربیع الاوّل ۱۰۱۶ق کتـابت کتـاب «منتهی المطلب» تألیف علاّمه حلّی را به خط نسخ به پایان رسانیـده و کتاب به شـماره ۲۸۴۱ در کتابخانه

۱- فهرست عمومی اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲- فرهنگ ایران زمین، ج ۳۰، ص ۵۴۰.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۲۱.

۴- تخت فولاد یادگار تاریخ: مخطوط.

۵- فهرست ملک، ج ۱، ص ۷۷۹.

مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

عبدالرّحیم بهاءالملک

ابوالفتح عبدالرحیم ملقّب به «بهاءالملک» فرزند خواجه نظام الملک حسن طوسی [از دولتمردان عهد سلجوقی در قرن پنجم هجری] در زمان وزارت عزّالملک ابوعبداللّه حسین بن نظام الملک و سلطنت بَرکیارُق متصدی دیوان طغرا و مردی بی کفایت و شرابخوار بوده و در سال ۴۸۷ق در مراسم بیعت با مستظهر عباسی شرکت داشته است.(۲)

سیّد عبدالرحیم فروغی قهفرخی

سیّد عبدالرحیم میرفروغی قهفرخی متخلّص به «فروغی» فرزند سیّد محمّدحسین، از شعرای معاصر از قریه قهفرخ [فرخ شهر کنونی] چهارمحال اصفهان است. [در سال ۱۳۳۵ش] قریب شصت سال از سن او گذشته بود و به امور زراعتی روزگار می گذراند. گاهی شعر می سرود و در آن «فروغی» و «میر فروغی» تخلّص می نمود. از اوست:

دارم عجب که در دل سختش اثر نکرد آن تیر آه کز دل سوزان کشیده ام(۳)

میرزا عبدالرحیم کلباسی

میرزا عبدالرّحیم بن میرزا محمّدرضا بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل زاهد [از علمای عالیقدر اصفهان در اواخر دوره قاجاریه.]

در ۹ شعبان ۱۲۵۴ق متولّد شده [و کودکی را تحت نظر عمّ بزرگوارش شیخ جعفر طی نموده و در اصفهان از محضر علمای این شهر خصوصا میرزا محمّدباقر چهارسوقی

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش یکم، ص۱۶۷.

۲- مدارس نظامیه، ص۵۳.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۵۹.

(صاحب روضات) و حاج میرزا محمّدهاشم چهارسوقی بهره گرفت.(۱) او سفری به مشهد مقدس نموده و سه سفر به عتبات عالیات نمود که در سفر سوم هفت سال آنجا به تحصیل مشغول شد.(۲)

اساتید او در عتبات میرزا حبیب اللّه رشتی(۳) ، میرزا حسین خلیلی، ملاّ محمّد ایروانی، ملاّ لطف اللّه مازندرانی حائری، میرزا ابوالقاسم طباطبائی نجفی و شیخ زین العابدین مازندرانی بوده اند(۴) و از برخی از اساتید خود اجازه گرفته است. سپس به اصفهان مراجعت نموده و به ارشاد مردم پرداخت. او در بیانات منبری تسلط شایانی داشت. در ۱۰ سال آخر عمر به زهد و استغنا طی روزگار نموده و اموال خویش را بر فرزندانش تقسیم نمود. او خط نسخ را خوش می نوشت و اجزائی از قرآن مجید و کتاب «الفیه» را به خط زیبای خود نوشته بود.]

او در [عصر پنج شنبه] ۹ شعبان ۱۳۳۵ق وفات یافته و در یکی از حجره های تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۵)

بر سنگ مرمر نفیس مزار میرزا عبدالرحیم که به خط ثلث نوشته شده است، این دو بیت در مادّه تاریخ وفات او بر روی سنگ نقر گردیده است:

عبدالرّحیم در بر ربّ رحیم رفت زاد معاد خویش ز قلب سلیم برد

دل در میانه آمد و تاریخ فوت شد عبدالرّحیم سر بجوار رحیم برد(۶)

کتب ذیل از اوست:

۱- خاندان کلباسی، ص۲۱۵.

۲- مکارم الآثار، ج۵، ص۱۴۵۴.

۳- نقباء البشر، ج۳، صص ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴.

۴- خاندان کلباسی، ص۲۱۵؛ مشاهیر مزار علاّمه ابوالمعالی کلباسی، ص۱۸۷.

۵- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۲۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۱.

۶- مشاهیر مزار علاّمه ابوالمعالی کلباسی، ص۱۹۰.

۱. «تعلیقه بر رسائل» شیخ انصاری ۲. «تفسیر و معنی قرآن» [در حاشیه قرآن[۳. «رساله در تیمّم» [که شرحی بر مقصد پنجم کتاب جدّش «منهاج الهدایه» است.[۴. «کشف الحجاب» در شرح «خلاصه الحساب» [علّامه شیخ بهائی که در واقع شرح بر ترجمه فارسی «خلاـصه الحساب» شیخ جواد کاظمینی است ولی ادلّه و براهین آن حذف شده است. این شرح در ۲۰ شوال ۱۲۸۳ق به پایان رسیده و به خط مؤلف به شماره ۲۰۴۰ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۱)]۵. «مجموعه ای در اجازات» [خود از علمای اعلام]۶. مجموعه ای در مطالب متفرقه [یا «جُنگ»]۷. کتابی در «مواعظ»

عبدالرحیم معدّل اصفهانی

ابوالفضل عبدالرّحیم بن عاصم بن عبدالواحد بن عبدالکریم معدل اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] امام جامع جوجیر در اصفهان و از محدّثین عالم و اهل عدالت و اصلاح بوده و در ماه صفر سال ۵۳۶ق فوت شده است.

او از ابوعمر عبدالوهاب بن محمّد بن اسحاق بن منده عبدی و ابومحمّد رزق اللّه تمیمی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از وی استماع حدیث کرده است.(۲)

شیخ عبدالرّحیم حائری

حاج شیخ عبدالرّحیم حائری فرزند شیخ عبدالحسین شیخ محمّدحسین صاحب فصول عالم فاضل و ادیب شاعر. [از علمای قرن چهاردهم هجری.]

۱- فهرست خطی احیاء، ج۶، ص۵۷؛ مشاهیر مزار علّامه ابوالمعالی کلباسی، ص۱۸۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۱.

در دوم ربیع الاوّل ۱۲۹۴ق در کربلا متولّد شده و نزد آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی، شیخ زین العابدین مازندرانی [و شیخ اسماعیل بروجردی] و دیگران تلمّذ نموده و از اساتید خود و جمعی دیگر از علماء موفق به اخذ اجازه اجتهاد گردید. او سال ها در طهران ساکن و به وظایف روحانیت، از تبلیغ و ارشاد و اقامه جماعت و رسیدگی به امور شرعی مردم و امر به معروف و نهی از منکر و دیگر شئونات روحانیت پرداخت.

او از علماء معروف و خوش فکر طهران بود که به واسطه تشکیل جمعیت اخوان اسلامی، خوی و صفات و مسلمانان صدر اسلام را تجدید کرد.

وی سرانجام در شب ۶ ذیقعده ۱۳۶۷ق در طهران وفات یافت و در خیابان سلسبیل هاشمی مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «بدایع الاحکام در شرایع اسلام»۲. «بدر التّنجیم» در تقویم۳. «جامع الشّتات» در متفرّقات۴. «داستان سلامان و ابسال»۵. «دیوان اشعار» به عربی و فارسی۶. «رساله در افضلیّت نماز بر ذکر»۷. «رساله در بیع وقف»۸. «رساله در حکم تشریع احکام دین»۹. «رساله در اینکه شریعت سرّ طبیعت است»۱۰. «رساله در این که مراد از ذکر در آیه شریفه «و لذکر اللّه اکبر» نماز است» ۱۱. «رساله در احکام ساکنین قطبین» ۱۲. «غنائم التّبیان» در تفسیر قرآن ۱۳. «رسائل در ردّ صوفیه» ۱۴. «مجمع الاسرار» منظومه در عرفان، مطبوع ۱۵. «مشرق الانوار» منظومه فارسی در ذکر اسرار قرآن، مطبوع ۱۶. «شرح رساله حیّ بن یقظان» مطبوع ۱۷. «ملخص المقال فی احوال الرّجال» مطبوع ۱۸. «ملخص المقال فی نظم مختصر خلاصه الاقوال» مطبوع ۱۹. «منظومه مناسک حج» مطبوع ۲۰. «منظومه درایه و رجال» ۲۱. «موجز المقال» در درایه، مطبوع ۲۲. «ودایع الاسرار و بدایع الأخبار» در مراتب یقین و درجات

ایمان.(۱)

حاج شیخ عبدالرّحیم ملکیان

حاج شیخ عبدالرّحیم ملکیان قمشه ای فرزند حاج میرزا عبدالکریم، عالم فاضل و ادیب شاعر، از دانشمندان معاصر شهرضا. [در سال ۱۳۰۲ش (مطابق ۱۳۴۲ق) در شهرضا متولّد شد. پس از طی کردن دبستان به تحصیل در حوزه علمیه مشغول شد. سپس به اصفهان رفته و نزد میرزا علی آقا شیرازی، آقا صدر کوپائی، حاج شیخ عباسعلی ادیب و سیّد جواد غروی به فراگیری فقه، اصل و ادبیات مشغول شد. آنگاه برای تکمیل معلومات خود به قم رفت و نزد حضرات آیات حاج آقا حسین بروجردی، علاّمه طباطبائی، سیّد محمّد حُجّت، شیخ محمّد فکور یزدی، میرزا محمّد مجاهد تبریزی و شهید شیخ مرتضی مطهری تحصیلات خود را دنبال نمود. در سال ۱۳۴۱ش به زادگاه خود بازگشته و نزد شیخ محمّدهادی فرزانه کسب فیض نمود. همچنین سال ها در محضر شیخ مهدی الهی قمشه ای حاضر می شد.

اکنون بیش از ۴۵ سال است که در شهرضا به تدریس و وعظ و ارشاد و حلّ مشکلات مردم مشغول است. به ادبیات فارسی و خصوصا اشعار مولوی، حافظ، سعدی و نظامی علاقه و الفت داشته و اوقات خود را به مطالعه اشعار آنان گذرانده است. خود نیز طبع شعر داشته و «ناصح» تخلّص می کند و از جوانی تا امروز به سرودن شعر پرداخته است. دیوان اشعارش در سال ۱۳۷۶ش در تهران به چاپ رسیده است از دیگر

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۵۱-۱۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۱۲ و ۴۱۳؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۳۱-۲۳۷؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۱۰۴؛ مصفی المقال، ص۲۲۷؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص۱۱۵؛ مجلّه خرد: شماره ۷، سال ۸، ص۶؛ الذریعه، ج۲۰، ص۱۷ و ج۲۱، ص۴۷؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، صص ۸۲۶-۸۲۸.

آثار او «گنج گوهر» یا «اربعین نامه» (در شرح ۴۰ حدیث) و «گوهر مراد» (در شرح حدیث حقیقت) را می توان نام برد.(۱)] این دو بیت از اوست:

بر شمع رُخَت جانا، عالم همه پروانه سرگشته و حیران است، هر عاقل و دیوانه

از غیر تو بگسستند، صاحب نظران دل را آن کس که تو را بشناخت، شد از همه بیگانه

عبدالرحیم معدّل اصفهانی

ابومسعود عبدالرحیم بن علی بن احمد معدّل اصفهانی از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری. از ابوعلی حسن بن احمد بن حسن مقری نقل احادیث می کند و حافظ ابونعیم اصفهانی از او روایت می نماید.(۲)

عبدالرّحیم طبیب اصفهانی

ابواحمد عبدالرّحیم بن علی بن مرزبان طبیب اصفهانی [از دانشمندان قرن سوم هجری] دانا به علوم طبیعی و علوم شریعت. در دولت آل بویه مقام و منزلتی داشته و در خوزستان و شوشتر قاضی بوده و ریاست امور بیمارستان بغداد را یافته و در جمادی الاولی سال ۳۹۶ق در تستر (شوشتر) وفات یافته است.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۹۴؛ تاریخ شهرضا، صص ۹۴ و ۹۵؛ یادداشت های آقای رحیم قاسمی؛ آثار الحجه، ج۱، ص ۱۸۰.

۲- تبیین کذب المفتری، صص ۶۸ و ۱۹۷.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۱۱؛ اخبار الحکماء، ص۱۵۴؛ الکامل (ابن اثیر) ، ج۹، ص۶۶؛ الاعلام، ج۴، ص۱۲۰؛ تاریخ پزشکی ایران، ص۲۳۷.

میرزا عبدالرحیم ربّانی خوراسکانی*

میرزا عبـدالرحیم ربّانی فرزنـد آقا ملاّ علی ربّانی خوراسـکانی اصـفهانی، عالم فاضل معاصـر. در سال ۱۲۷۰ش در خوراسکان متولّد شد و پس از تحصیلات مقدّماتی نزد حضرات آیات: آخوند ملاّ محمّدحسین فشارکی، شیخ محمّدرضا نجفی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آقا سیّد مهدی درچه ای و حاج آقا رحیم ارباب به تحصیل پرداخت.

او به امر مرحوم ارباب به اقامه نماز جمعه در خوراسـکان می پرداخت و سال ها به وعظ و ارشاد و حل مشکلات مردم مشغول بود. او عالمی زاهد و قانع، دائم الذکر و یاور فقرا و نیازمندان بود.

وفات او در سحرگاه ۲۸ شعبان ۱۴۰۷ق واقع شد و پیکرش را در داخل بقعه امامزاده ابوالعباس خوراسکان مدفون ساختند.(۱)

ملاّ عبدالرّحیم نجف آبادی

حـاج ملاّ عبـدالرّحیم بن ملاّ علی نجف آبادی، عالم فاضل و مجتهـد فقیه اصولی [از علمای عالیقـدر قرن سـیزدهم هجری] در اصـفهان و نجف اشرف تحصـیل نموده، عمـده تحصـیلاتش نزد شـریف العلماء مازندرانی بوده و پس از مراجعت به اصـفهان مورد وثوق حـاج سیّد اسـداللّه بیـدآبادی واقع شـد. در محل تولّـد خود ساکن و حوزه درس و بحث داشـته [است.] و در سال ۱۲۷۹ق جهت مرحوم حـاج شـیخ عبـدالنّبی تویسـرکانی مؤلّف «لئـالی الأخبـار» اجـازه مرقوم داشـته که در آخر کتـاب «حقائق الاصول» با اجازه حاج محمّدجعفر آباده ای جهت همو به چاپ رسیده است.

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

اجازه صاحب عنوان به شیخ عبدالنّبی تویسرکانی در پشت نسخه ای از «فصل الخطاب» تألیف: ملّا حسینعلی تویسرکانی هم نوشته شده و نسخه به شماره ۱۴۹۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.

صاحب عنوان تا سال ۱۲۸۶ق زنده بوده و بعد از این سال وفات یافته، جنازه حسب الوصیّه به نجف اشرف نقل شده و در ایوان طلای حضرت مدفون گردیده [است.[از او دو فرزند عالم [به نام های] حاج ملّا محمّدباقر و حاج ملّا محمّد باقی مانده [است.] بیشتر اولاد ایشان تاکنون در لباس اهل علم و روحانیت و به فامیل های «تدین» و «فاضل» مشهور و مورد وثوق علماء و مردم نجف آباد می باشند و ریاست علمی و روحانی آنجا را دارند.

کتاب «حقائق الاصول» در علم اصول ایشان در سال ۱۲۸۶ق به طبع رسیده [است.

همچنین کتابی در فقه داشته که نزد نوه اش حاج شیخ جعفر موجود بوده و گاهی مرحوم حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی آن را به امانت می گرفته و استفاده می کرده است.]

از آثار او مسجدی است بزرگ در محلّه حکیم نجف آباد که فعلاً در کنار خیابان حکیم خاقانی قرار دارد.(۱)

۱- الذریعه، ج۷، ص۳۰؛ الکرام البرره، ج۲، صص ۷۲۶ و ۷۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۵۹؛ احسن الودیعه، صص ۵۸ و ۵۹؛ معجم المؤلّفین، ج۳، ص۲۰۸؛ فهرست مرعشی، ج۴، ص۳۰۰؛ معجم المطبوعات، ص۷۳۶؛ الاعلام، ج۴، ص۱۲۲؛ دیباچه دیار نون، صص ۲۴۲-۲۴۴؛ سیمای دانشوران، صص ۱۳۳-۱۳۵؛ آئینه اهل قلم، صص ۸۸-۹۰؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص۸۳۰.

شیخ عبدالرحیم پاچناری*

شیخ عبدالرحیم بن کرمعلی پاچناری اصـفهانی، از علماء و فضـلای گمنام و صاحب تألیف در قرن سـیزدهم هجری است. اهل ذوق و ادب بوده و گاهی شـعر می سـروده و در تألیفات خود به اشعار عرفاء و صوفیّه استشهاد می کرده است. سال وفات او به دست نیامد. او ظاهرا از اهالی محلّه پاچنار از توابع محلّه بزرگ بیدآباد اصفهان است.(۱)

کتاب های زیر از تألیفات اوست:

۱. «حیات دنیا و حقیقت آن» موجود در کتابخانه مـدرسه صـدر بازار اصـفهان ۲. «الدّره الرّضویّه فی شـرح الزّیاره الجوادیّه» به فارسـی، موجود در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم۳. «رساله تبرّائیه» موجود در کتابخانه آیت اللّه مرعشـی در قم۴. «رساله رزقیّه» موجود در کتابخانه مـدرسه صدر بازار اصـفهان۵. «رسـاله رؤیتیّه» موجود در کتابخانه آیت اللّه مرعشـی۶. «شرح بعض فقرات زیارت اربعین» موجود در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان۷. «رساله طاهریّه» موجود در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان۸. «رسـاله عصـمتیّه» موجود در کتابخـانه آیت اللّه مرعشـی۹. «رسـال کلبیه» موجود در کتابخـانه آیت اللّه مرعشـی ۱۰. «رساله نخلیّه» موجود در کتابخانه آیت اللّه مرعشی(۲)

عبدالرّحیم هرندی

عبدالرّحیم بن محمّدکریم هرندی، [از فضلاء قرن سیزدهم هجری.]

۱- تراجم الرجال، ج۱، ص۲۸۱؛ تذکره شاعران فارسی سرا، ص۵۱.

۲- فهرست صدر بازار، ج۲، صص ۴۷۳-۴۷۶؛ فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۱۵؛ فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۷۲.

در ۱۸ ربیع الثّانی ۱۲۴۶ رساله «سؤال و جواب» جلد اوّل و دوم تألیف: سیّد حجّه الاسلام بیدآبادی را به خط نسخ نوشته و نسخه به شماره ۵۱۹۹ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.

وی ظاهرا از شاگردان حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی است.(۱)

عبدالرحیم حداد اصفهانی

ابومحمّد عبدالرحیم بن محمّد بن فضل بن محمّد بن احمد حدّاد اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] برادرش عبدالرّحمان هم از محدّثین است. عبدالرحیم در شوال ۵۴۱ق فوت نموده است.

او از ابومحمّد رزق اللّه تمیمی، قاسم ثقفی و کریمه دختر احمد بن حسین کردی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی استماع حدیث کرده است.(۲)

سیّد عبدالرّحیم شهرستانی

سیّد عبدالرحیم بن محمّد حسینی موسوی شهرستانی [از فضلاء و سادات شهرستانی اصفهان در اواخر عهد صفویه است] در سه شنبه ۱۵ ربیع الاوّل سال ۱۱۰۴ق کتابت نسخه ای از کتاب «المختصر النافع» تألیف: محقّق حلّی را به خط نسخ به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۶۵۳۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

صاحب عنوان کتاب «ثواب الاعمال» شیخ صدوق را به نام شاه سلیمان صفوی به فارسی ترجمه کرده است.(۴)

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۱۰؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۳۶ و ۳۳۷ و ج۲، ص۶۵.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۱۶.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۱۱۵.

۴- الکواکب المنتشره، ص۴۲۸.

در پایان نسخه «کافی» میرمحمّدصالح خاتون آبادی در روز دحو الارض سال ۱۱۰۰ق انهائی جهت میرزا عبدالرحیم بن میرزا سیّد محمّد موسوی نوشته است که به احتمال قوی همین صاحب عنوان است. نسخه به شماره ۷۲۳۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱) خاتون آبادی در این نوشته از شاگرد خود چنین یاد کرده است:

«السیّد السنّد، الاجلّ الاکمل صاحب حسب الفاخر و النّسب الطّاهر جامع محامد الخصال حاوی محاسن الخلال المتخلی عن ربقه الجهل المتحلّی بحلیه الفضل...»(۲)

عبدالرّحیم ریزی لنجانی

عبدالرّحیم بن ملاّ محمّدیار ریزی لنجانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۷۲ق جلد دوّم کتاب «شرایع الاسلام» محقّق حلّی را نوشته است. نسخه به شماره ۴۴۶ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۳)

ملّا عبدالرّحیم دماوندی

ملّا عبدالرّحیم بن محمّد یونس دماوندی اصفهانی حائری، عالم فاضل و حکیم عارف [از دانشمندان و عرفای قرن دوازدهم هجری.]

در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله ملّا محمّدصادق اردستانی و آقا خلیل اصفهانی تلمّذ نموده و در علوم زمان خویش چون فقه، حدیث، کلام، حکمت، ادبیات و عرفان مهارت داشت. وی از مشایخ عرفاء سلسله نوربخشیه بوده و عاقبت به کربلا

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۴۰.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۸۱.

۳- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۰۶.

مهـاجرت نموده و به تـألیف و تحقیق و اقامه جماعت پرداخته و بعـد از سال ۱۱۶۲ق در آن ارض اقـدس وفات یافته و مـدفون شد.

این کتب از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه بر صافی»۲. «حـدوث العالم» که در سال ۱۱۳۷ق تألیف شده است.۳. «شرح حدیث الحقیقه»۴. «شرح حدیث رأس الجالوت»۵. «شـرح حـدیث صور عـاریه عن المواد» [یا «شـرح حـدیث العالم العلوی» که نسـخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه گلپایگـانی موجود است.]۶. «القـدر فی الافعـال القضـاء و القـدر»، در فلسـفه و احکـام به عربی که در مـاه ربیع الاـوّل ۱۲۴۴ق کتابت شده و در کتابخانه دانشـکده ادبیات دانشـگاه مشهد موجود است.۷. «الفیوضات الحسینیه»۸. «مفتاح اسرار الحسینی» در تصوف و عرفـان به فارسـی، [که نسـخه ای از آن به خـط حسـین بن احمـد گرجی و مؤرخ به سال ۱۲۷۲ در کتابخانه مرکزی دانشـگاه تهران و نسـخه ای دیگر به خط محمّدباقر حسین و مؤرخ ۱۲۴۳ق در کتابخانه آسـتان قدس رضوی موجود است. این رساله در کتاب «منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران» چاپ شده است.(۱)]

عبدالرحیم جزایری

عبدالرحیم جزایری، از خوشـنویسان معروف اواخر عهد صـفویّه است. برخی از خطوط مدرسه چهارباغ که به خط ثلث جلی و نستعلیق نوشته شده، از نوشته های

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۷۱ و ۷۷۲؛ الکواکب المنتشره، صص ۴۲۸ و ۴۲۹؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۸۳؛ الذریعه، ج۱۳، ص۱۹۶ و ج۶، ص۴۵؛ فهرست ادبیات مشهد، ص۹۳؛ فهرست مرکزی دانشـگاه تهران، ج۱۶، ص۴۵؛ فهرست مختصر گلپایگانی، ص۴۶۹؛ فهرست الفبائی رضوی، ص ۵۴۰.

اوست و از سال ۱۱۰۴ق شروع و تا تاریخ ۱۱۲۳ق می رسد.(۱)

[علاوه بر کتیبه های مدرسه چهارباغ اصفهان، کتیبه های مدرسه آقا کمال خازن (به سال ۱۱۰۸ق) و مدرسه شمس آباد (۱۱۲۵ق) نیز به خط ثلث زیبای اوست. مرحوم مهدی بیانی هم دو قطعه خوشنویسی به خط ثلث زیبای او به تاریخ های ۱۱۱۱ق و ۱۱۲۱ق در تملک داشته است. عبدالمحمّد ایرانی در کتاب خود تصویر نمونه ای از خطوط عبدالرحیم جزایری را به چاپ رسانده که در ایام محاصره اصفهان در سال ۱۱۳۴ق نوشته شده است و ظاهرا آخرین اثر شناخته شده اوست.(۲)]

میرزا عبدالرحیم سمیرمی*

میرزا عبدالرحیم سمیرمی از خوشنویسان زبردست و هنرمند قرن سیزدهم هجری است. تعلیم خط از محمّدباقر سمسوری و میرزا علی اکبر محلاّتی گرفته است. خط نستعلیق را نیکو می نوشت و در کتیبه نگاری استاد بود و در تهذیب نفس و تزکیه کوشیده بود و از علوم ادبی و دینی هم بابهره بود.

در اواخر عمر به تهران رفت و در سلک خوشنویسان دربار ناصرالدّین شاه قرار گرفت و ضمنا به تعلیم خط دیگران نیز پرداخت. ولی شاگردان را فقط در خانه خود می پذیرفت. تاریخ وفات او را هدایت اللّه لسان الملک سپهر ۱۲۸۰ق نوشته ولی فرزند سمیرمی، میرزا محمّدحسین جعفری معروف به «ادیب اصفهانی» سال فوت پدر را ۱۳۰۵ق دانسته است. کتیبه سردر شمس العماره (که اکنون در جای خود نیست) و کتیبه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۲؛ پیدایش خط و خطاطان، ص۲۰۸؛ تاریخ خط و خطاطان، ص۱۱۱؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۵۴ و ۵۵؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۹۹.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان: صفحات مختلف؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۰۰؛ آثار ایران، ج۴، صص ۲۴۱ و ۳۳۴.

آرامگاه میرزا یوسف مستوفی الممالک در ونک شمیران به خط اوست. قطعه ای هم در مجموعه مرحوم مهدی بیانی به خط زیبای نستعلیق، شکسته نستعلیق او وجود داشته است.(۱)

همچنین خطوط کتیبه سنگ قبر مرمر میرزا محمّدخان، که در حرم حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) وجود داشته و اکنون به موزه آستانه حضرت معصومه منتقل شده است، نیز از نمونه خطوط زیبای اوست.(۲)

سیّد عبدالرّحیم قاضی عسکر

سیّد عبدالرّحیم حسینی قاضی عسکر اصفهانی [از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری] عالم فاضل. از شاگردان محضر مرحوم حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی.(۳)

سیّد عبدالرّحیم موسیقی دان*

سیّد عبدالرحیم موسیقی دان اصفهانی فرزند سیّد عباس، از هنرمندان قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۳۲ش در محلّه کوشک اصفهان متولّد شد و از ابتدای جوانی به خاطر داشتن صدای خوش به شغل روضه خوانی پرداخت و ردیف دستگاه های موسیقی را از ابراهیم آقاباشی آموخت.

او مردی وارسته و درویش مسلک بود و از راه تعلیم موسیقی و تار امرار معاش می کرد. بسیاری از هنرمندان اصفهان همچون تاج اصفهانی، سلیمان کلانتری، ادیب

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، صص ۳۸۸ و ۳۸۹؛ اطلس خط، صص ۳۵۲ و ۳۷۲؛ تذکره خوشنویسان، ص۱۱۷؛ سیمای دهاقان، ص۳۱۳.

۲- مجلّه موزه، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۸۱، ص۱۱.

۳- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۶۳.

خوانساری، حبیب شاطرحاجی، حسین شهنازی و ملّا حسین یزدی، حسین ادیب تخت فولادی، قاضی عسکر و آزاد شهشهانی فنون و اصطلاحات موسیقی را از او آموختند. حسین غضنفری و حسین طاهرزاده نیز غیرمستقیم از تعلیمات او بهره گرفته اند.

آواز او در ملاحت و رسائی و گیرائی از مواهب آسمانی شمرده می شد. محفوظات بسیار داشت و اشعار مناسب دستگاه ها و گوشه ها را به مقدار فراوان در حفظ داشت و در مناسب خوانی کم نظیر بود.

اواخر عمر او به فقر وفاقه گذشته تا اینکه در جمعه ۲۲ شوال ۱۳۵۴ق (مطابق ۲۶ دی ۱۳۱۴ش) وفات یافته و در قبرستان بزرگ جنب مصلی (در تخت فولاد اصفهان) مدفون شد.(۱)

مولی عبدالرّزاق*

مولی عبدالرّزاق، از فضلاء اصفهان در قرن یازدهم هجری است. او کتاب «الروضه البهیه فی شرح اللّمعه الدّمشقیّه» را نزد علاّمه ملاّ محمّدباقر مجلسی خوانده و علاّمه مجلسی اَنهائی در ماه رجب ۱۰۷۷ق برای او نوشته و از او با القاب «المولی الفاضل الصّالح التّقی و الذّکی...» یاد کرده است.(۲)

ملاّ عبدالرزاق اصفهانی

ملاّ عبدالرّزاق اصفهانی [از پیشگامان صنعت چاپ ایران] در قرن سیزدهم هجری

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص ۲۵۰؛ نام نامه موسیقی ایران، ج۳، ص۲۸۹؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ چشم انداز موسیقی ایران، (ویرایش دوم) ، صص ۱۳۱ و ۱۳۲؛ دانشنامه تخت فولاد اصفهان، ج۱، صص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۲- تراجم الرجال، ج۱، ص۲۸۵؛ تلامذه العلامهٔ المجلسی، ص۳۲؛ اجازات الحدیث، ص۵۹.

چاپخانه ای در اصفهان داشته که «رساله نخبه» حاجی محمّدابراهیم کلباسی را در سال ۱۲۴۶ق در آن جا طبع کرده است. نسخه به شماره ۸۳۲۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا عبدالرزاق افسر اصفهانی

میرزا عبدالرّزاق اصفهانی متخلّص به «افسر» شاعر ادیب در قرن سیزدهم هجری. در غالب علوم زمان خویش مهارت داشته و در کلکته هندوستان ساکن و تا سال ۱۲۷۷ق در قید حیات بوده است.

از اوست:

سرم سودائی آن طُرّه عنبر فشانستی دلم آماجگاه تیر آن ابرو کمانستی(۲)

عبدالرّزاق بن ابی محمّد

ابی الشیخ عبدالرّزاق بن ابی محمّد [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] پدرش ابوعبداللّه محمّد بن جعفر بن حیّان از محدّثین و متوفی ۳۱۹ق است.

عبدالرّزاق از ابی علی صحاف و محدّثین هم طبقه او روایت می کند. در سال ۳۵۰ و اندی در مراجعت از مکّه در «نباج» [منزلگاهی در راه مکّه به بصره] وفات یافته است.(۳)

میرزا عبدالرّزاق نجف آبادی

میرزا عبدالرزاق نجف آبادی فرزند میرزا محمّدتقی، از علمای قرن دوازدهم هجری و

۱- فهرست مرعشی، ج۲۱، ص ۳۰۰.

۲- تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۳۶.

قاضی نجف آباد بوده و پدرش داماد ملاّ نورالدّین محمّد بن ملاّ محمّدصالح مازندرانی است.(۱)

عبدالرزاق تبریزی*

عبدالرزاق بن عبدالباقی تبریزی، از فضلای قرن یازدهم هجری است. او در مدرسه ملاّ عبداللّه اصفهان ساکن بوده و کتاب «المحاکمات بین شرحی الاشارات» تألیف: قطب الدّین رازی را به خط نسخ در سال ۱۰۹۴ق در آن مدرسه کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۵۰۴۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. آقا حسین خوانساری بر این نسخه حاشیه نوشته است.(۲)

میرزا عبدالرّزاق احمدآبادی

آقا میرزا عبدالرزاق احمدآبادی فرزند سیّد عبدالجواد بن سیّد مهدی بن میر قاضی بن سیّد محمّد نایب الصّدر بن میر محمّدتقی موسوی وزیر شاه صفی (که بعدا شاه سلیمان نامیده شد) ، عالم فاضل ادیب، امام جماعت مسجد امامزاده اسماعیل، از شاگردان حاج شیخ محمّدباقر نجفی و ملاّ محمّدتقی هروی حائری بوده و دختر حاج میرزا حسین نایب الصّدر خاتون آبادی را به زوجیّت اختیار نموده است.

وی در سال ۱۳۱۹ق در اصفهان پس از یک عمر خدمت به دین و جامعه، از نشر احکام و بیان مسائل حلال و حرام و اقامه جماعت وفات یافته و در تخت فولاد [نزدیک تکیه سال الارض] مدفون شد.(۳)

۱- مرآت الاحوال جهان نما، ص ۲۷۰؛ تذکره الانساب، ص۱۰۴.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۵، ص۴۰۹۷.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۳۴ و ۱۳۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۵.

از آثارش کتابت نسخه ای از کتاب «ارث» ملّا محمّدتقی هروی است که آن را با دو رساله دیگر از همین مؤلّف و چند رساله دیگر به خط نسخ و نستعلیق کتابت نموده و از آن مجموعه ای فراهم ساخته که به شماره ۳۰۳ در کتابخانه حضرت آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است. تاریخ برخی از این رساله ها تا ۲۵ ماه ربیع الثّانی ۱۳۰۶ق می باشد.(۱)

[صاحب عنوان از آخوند ملا محمّدباقر فشارکی اجازه اجتهاد داشته(۲) و از میرزا محمّدهاشم چهارسوقی روایت می کرده است. خط زیبایی داشته و مجموعه ای را در سال ۱۳۰۶ق کتابت کرده است.(۳)]

عبدالرّزاق حسن آبادی

ابوالفتح عبدالرّزاق بن عبدالکریم [بن عبدالواحد بن محمّد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن سلیمان] حسن آبادی اصفهانی، از خاندان تصوف و حدیث در اصفهان.

از ابی بکر احمد بن موسی مردویه حافظ [و ابی عبداللّه محمّد بن ابراهیم بن جعفر جرجانی در اصفهان و اباالحسین علی بن محمّد بن بشران سکری و اباالحسن محمّد بن مخلد در بغداد و ابامحمّد جناح بن نذیر بن جناح قاضی در کوفه] استماع حدیث کرده و ابوالقاسم اسماعیل بن محمّد بن فضل و ابوالوفا اسماعیل بن عبدالرّزاق طرقی در اصفهان [و ابونصر احمد بن نظام الملک حسن بن علی بن طوسی در بغداد و ابومحمّد هبه اللّه بن احمد بن طاوس مقری در دمشق] از او حدیث شنیده اند.

او در ربیع الآخر سال ۴۸۴ق فوت گردیده است.(۴)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۲۶۳.

۲- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۳- تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۸۵.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۹۸؛ معجم البلدان، ج۲، ص ۲۶۰؛ الانساب، ج۴، ص۱۵۸؛ اللباب، ج۱، ص۳۶۶؛ المشترک، ص۱۳۳؛ گرکویه، ص۱۵۵.

عبدالرزاق اصفهانی

ابی محمّـد عبـدالرّزاق بن عبـداللّه بن احمـد اصـفهانی [از محـدّثین قرن چهـارم هجری[برادر حافظ ابونعیم مؤلف «ذکر اخبار اصفهان» که چون حج به جای آورده و در سال ۳۹۵ق در برگشت از حج در بادیه وفات یافته [است.]

از طبرانی و شعّار و در عراق عجم و عرب و کوفه و بصره و حرمین شریفین استماع حدیث نموده و غَرباء در بغداد و دیگران از او حدیث نقل کرده اند.(۱)

میرزا عبدالرّزاق حائری همدانی

میرزا عبدالرّزاق محدّث حائری همدانی فرزند علیرضا بن عبدالحسین بن ابی طالب بن عبدالکریم بن یحیی بن محمّدشفیع بن محمّدرفیع بن فتح اللّه قزوینی، عالم فاضل و ادیب محقّق [از دانشمندان اصفهان در قرن چهاردهم هجری.]

در سال ۱۲۹۱ق در اصفهان متولّد شده و خدمت جمعی کثیر از فضلای این شهر همچون حاج میرزا بدیع درب امامی، آخوند کاشی، حاج آقا منیر بروجردی، آخونـد گزی و آقـانجفی و آقا سیّد محمّـدباقر درچه ای و در همـدان از سیّد عبـدالمجید گروسی بهره برد و در نجف به درس جمعی از بزرگان حاضر شـد. سپس به همـدان مهاجرت نموده و تا آخر عمر به ترویج دین و نشر احکام، از راه تألیف و تصنیف و منبر و محراب پرداخت. او سرانجام در اوایل شوال ۱۳۸۳ق در همدان وفات یافت.

تألیفات او بالغ بر هفتاد مجلّد کتاب و رساله است که از آن جمله است:

۱. «بدایل المنطقیّه»۲. «تنقیح الحجاب»۳. «رساله جواز نقل الموتی»

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۳۶.

۴. «الخلافیّه بین الشیخیّه و سائر الامامیه»۵. «رساله در درایه»۶. «ذریعه المعاد» در شرح «نجاه العباد»۷. «دلایل امامت از اسلام و خلافت»، در سال ۱۳۳۷ش در همدان چاپ شده است.۸. «زید و زینب و قضیتهما»۹. «سلاسل الحدید فی عنق الفرید» در ردّ بر کتاب «اسلام و رجعت» عبدالوهاب فرید، چاپ شده در سال ۱۳۱۸ش در طهران ۱۰. «سؤال و جواب» در ردّ شیخیّه ۱۱. «سیف القاطع فی ابطال الرّکن الرّابع» ۱۲. «الشّهب الثّاقبه» ۱۳. «الغدیریه» ۱۴. «رساله در غناء» ۱۵. «الفیصل» در تحریف کتاب ۱۶. «فهرس عقائد الشیخیّه» ۱۷. «القرآن و الحجاب» مطبوع ۱۷. «کشکول» ۱۹. «مختصر المقاله الجوابیه» ۲۰. «المقاله الاسلامیه»، در رد بر نصارا ۲۱. «مناظرات و مقالات» در احوال سیّد الشهداء علیه السلام و اصحابش ۲۲. «المواعظ المنبریّه» ۲۴. «مواکب الحسینیّه» که در سال ۱۳۷۵ق در طهران چاپ شده است. ۲۵. «الوجیزه» [به عربی در علم رجال و درایه، که نسخه اصل به خط مؤلّف در کتابخانه مؤسسه دارالحدیث قم و نسخه ای دیگر به شماره ۱/۱۳۱۱۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)]

میرزا عبدالرّزاق لنگرودی

میرزا عبدالرّزاق بن ملّا علی محمّد لنگرودی رشتی اصفهانی، عالم فاضل. [در اواخر دوره قاجاریه] از اهالی لنگرود بوده و در اصفهان تحصیل نموده و امام جماعت مسجد پای گلدسته در محلّه دردشت بوده است.

او در ۱۲ ربیع الثّانی ۱۳۲۰ق وفات یافته و در قبرستان سر قبر آقا مدفون شد و پس

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۷۴ و ۷۷۵؛ نقباء البشر، ج۳، صص ۱۱۱۳ و ۱۱۱۴؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص۸۴۳؛ الذریعه، ج۷، ص۳۳۹ و ج۱۲، صص ۷۹، ۲۱۰ ۲۲۸ و ۲۴۵؛ ج۱۶، ص۳۸۴؛ ج۱۷، ص۵۹؛ ج۲۳، ص۲۳۲ و ج۲۵، ص۱۸۱؛ فهرست مرعشی، ج۳۳، ص۲۳۱؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۸۷.

از خرابی قبرستان مزبور به وسیله شهرداری، استخوان ها به تخت فولاد منتقل گردیده و جنب آب انبار مرحوم حاج ملّا حسین سمائیان [شمال مزار فاضلان] در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

حاج آقا جلال صحاف فرزند او و دکتر کمال شکوهی نوه او هستند.

میرزا عبدالرّزاق مازندرانی*

میرزا عبدالرّزاق بن آقا علینقی بن آقا محمّدتقی بن آقا محمّدهادی بن ملّا صالح مازندرانی اصفهانی، از علمای قرن سیزدهم هجری است.

در کتاب «مرآه الاحوال» او را متولی امور شرعی در اصفهان دانسته است. او تا سال ۱۲۲۳ق زنده بوده است.(۲)

عبدالرزاق اخضر زفره ای

عبدالرزاق رجائی متخلّص به «اخضر» فرزند میرزا محمّدعلی رجاء زفره ای، شاعر ادیب معاصر در روز ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۰ق در روستای «زفره» از دهات کوهپایه اصفهان متولّد شده و در خدمت پدر و جمعی دیگر از فضلای محل تحصیلاتی کرده است. وی در سال ۱۳۱۹ق وفات یافت و در قبرستان عمومی زفره مدفون شد.

کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «حسن المنظر در اشعار اخضر» ۲. «فصول اربعه» در تاریخ زفره ۳. «میزان الحساب» در نظم حساب علیخان.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۶؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۶۴؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.
۲- الکرام البرره، ج۲، ص۷۲۹.
۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۷ و ۲۸؛ مزارات اصفهان، ص۲۲۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۲۱۱.

عبدالرّزاق طبرانی

ابویعلی عبدالرّزاق بن عمر بن ابراهیم طبرانی (طهرانی) حافظ، [از محدّثین عامّه در قرن پنجم هجری.]

شیخ ادیب، در سال ۴۷۳ق از احمد بن موسی بن مردویه استماع حدیث کرده است. ابوعلی حداد از او حدیث شنیده است.(۱)

عبدالرّزاق تاجر

ابوالطیّب عبدالرّزاق بن عمر بن موسی بن شمه تاجر [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] ابوالقاسم بن... عبدالواحد دقاق از وی استماع حدیث کرده است.(۲)

میرزا عبدالرّزاق رشتی

حاج میرزا عبدالرّزاق رشتی بن حاج میرزا محمّدکاظم بن حاج محمّدجعفر بن حاج محمّدصادق لنگرودی رشتی اصفهانی، عالم فاضل [از علمای اواخر دوره قاجاریّه.]

از شاگردان آقا سیّد محمّد شهشهانی، حاج شیخ محمّدباقر نجفی و حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی بوده و داماد حاج سیّد جعفر بیدآبادی (فرزند حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی) است. و فرزندانش حاج آقا مرتضی و حاج میرزا قوام الدّین رشتی که هر دو از فضلاء و اخیار اصفهان هستند. صاحب عنوان در سال ۱۳۱۹ق در سفر عتبات

۱- احقاق الحق، ج۸، ص۳۱۷ و ج۶، ص۵۵؛ مناقب خوارزمی، صص ۱۸، ۲۸، ۴۵، ۶۷، ۷۶ و ۱۰۹.

۲- التّحبیر، ج۲، ص۷.

عالیات در نجف اشرف وفات یافته و در آن ارض مقدّس مدفون گردید.(۱)

[او نسخه ای از «فرحه الغری» تألیف: سیّد بن طاوس را کتابت کرده و آن را در سال ۱۳۰۸ مقابله نموده است.(۲)]

میرزا عبدالرزاق خان بغایری

سرتیپ میرزا عبدالرّزاق خان بغایری بن ملاّ محمّدمحسن بن کرمعلی بن فتحعلی بن محمّدقاسم خان بغایری [شمتابادی سبزواری] عالم ادیب ریاضی محقّق رجالی [جغرافی دان و دانشمند عالیقدر قرن چهاردهم هجری] در [چهارشنبه ۲۲ محرم سال ۱۲۸۶ق در اصفهان [و به نوشته برخی نویسندگان در سبزوار] متولّد شده [در کودکی به همراه خانواده به طهران آمد. قواعد ادبیات عرب را از پدر آموخت و] در دارالفنون تحصیل کرده [و به خصوص از میرزا عبدالغفار نجم الدوله از اساتید آن مدرسه بهره بسیار گرفت و در رشته مهندسی] فارغ التحصیل شد. [سپس به تدریس در مدرسه علوم سیاسی و نظام مشغول شد] و مدرسه خرد را تأسیس کرد [او با زهرا خانم دختر میرزا محمّدحسین فروغی ازدواج کرد. وی پس از ساختن یک کره جغرافیایی و اهداء آن به ناصرالدّین شاه به درجه سرتیپی نائل شد. از مهم ترین اقدامات او: ساختن کره جغرافیایی و سماوی، ترسیم نقشه ایران، ترسیم نقشه جامع تهران، کمک به استخراج تقویم دارالفنون که در پاریس چاپ می شد، استخراج قبله ۱۴۰۰ نقطه شهرهای معروف جهان، ثبت آب و هوای ایران با بارومتر و سانتی گراد به مدت ۴۵ سال، و تعیین انحراف قبله بود.] او سال ها در سرحدات مأمور تعیین خط مرزی و ترسیم نقشه آنها بود.

میرزا عبدالرزاق خان بغایری [در ادبیات، نجوم، ریاضیات، جغرافیا و تاریخ مهارت

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۶؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۲۶۳ و ۱۹۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۲۶۹.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۸۷.

داشت و سرانجام در شنبه ۵ شعبان] سال ۱۳۷۲ق وفات یافت [و در آرامگاه خانوادگی فروغی در ابن بابویه در شهر ری مدفون شد. پدرش از عرفای عهد و از نوادگان دختری ملّا محراب گیلانی بود.(۱)]

وی کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است:

[۱. «اسامی و اصطلاحات کره جغرافیایی» مطبوع] ۲. «اصول علم جغرافیا» [چاپ شده در سال ۱۳۲۷ق] ۳. «تاریخ جدولی» [از تمام سلسله های خلفاء، پادشاهان، امراء و رجال دوره اسلامی۵. «تطبیق تقویم های شمسی و قمری و میلادی]۶. «جغرافیای ابتدائی» [یا «جغرافیای پنج قطعه عالم برای مدارس ابتدائی و متوسطه» که در سال ۱۳۲۷ق چاپ شده است۷. «جغرافیای مفصّل برای مدارس عالی» مطبوع[۸. «فرهنگ جغرافیایی ایران» در ۳۲ جلد۹. «فهرست اقالیم خمسه» که ترجمه ای از یک کتاب جغرافیایی از نویسنده ای آمریکایی است و میکروفیلم آن به ضمیمه کتاب «افضل التواریخ» در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲) ۱۰. «قبله» (جدول انحراف قبله در شهرها و ممالک دنیا) [۱۱. «لغات متفرقه» که فرهنگ لغات لهجه های مرزهای ایران است و به خط مؤلّف به شماره ۹۶۹۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)] ۱۲. «ما مهندس داریم» ۱۳. «معرفه القبله» [که در سال ۱۳۷۲ق چاپ شده و مؤلّف شرح حال خود را در آن کتاب آورده است.] ۱۴. «نقشه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۷۲؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۹۵؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۳۰۴؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۱۱۴؛ الذریعه، ج۲۱، ص۲۶۰؛ شرح حال رجال ایران، ج۶، صص ۱۴۰ و ۱۴۱؛ جغرافیا در ایران، صص ۴۳۸-۴۴۰؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۷۵۱ و ۲۷۵۲؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، صص ۸۳۷ و ۸۳۸؛ نادره کاران، ص۸۹؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۲، صص ۶۹-۷۱.

۲- فهرست میکروفیلم های مرکزی دانشگاه تهران، ص۱۵.

۳- فهرست مرعشی، ج۲۵، ص۵۶.

ایران» [که در سال ۱۳۵۶ق چاپ شده است. ۱۵. «نقشه تفصیلی سرحدات ایران»]

عبدالرزاق قصری اصفهانی

ابوالفتوح عبدالرزاق بن محمّد بن ابوالفتوح قصری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از محلّه «باب کوشک» [اصفهان بوده و] از ابومحمّد رزق اللّه بن عبدالوهاب تمیمی، ابوعبداللّه قاسم تمیمی و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی حدیث ابن کرامه (ابوجعفر محمّد بن عثمان بن کرامه، متوفی ۲۵۴ یا ۲۵۶ در کوفه) را از وی شنیده است.

«قصر» و «باب کوشک» از محلّات یهودیه اصفهان است.(۱)

ملّا عبدالرّزاق گیلانی

ملّا عبدالرّزاق بن مختار گیلانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری.] در روز دوشنبه ۹ رمضان ۱۰۸۲ق نسخه ای از کتاب «کافی» را به خط نسخ کتابت نموده و نزد علّامه مجلسی قرائت کرده است. و در ذی القعده ۱۰۸۳ق علّامه مجلسی جهت او اَنهائی مرقوم داشته است. نسخه به شماره ۴۵۹۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

میر عبدالرزاق رضوی کاشانی*

علّامه میر عبدالرزاق رضوی کاشانی بن محمّدیوسف طبیب بن میر محمّدرضا بن میر زین العابدین رضوی، عالم فاضل، و حکیم جامع از علمای قرن یازدهم هجری.

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۴۰.

۲- فهرست مرعشی، ج ۱۲، ص ۱۶۱؛ تراجم الرّجال، ج ۱، ص ۲۸۸.

در اصـفهان خدمت جمعی از دانشـمندان خصوصا سیّد علاءالدّین حسـین خلیفه سـلطان و میر ابوالقاسم فندرسکی به تحصیل پرداخته و در فقه، اصول، ادبیات، منطق، کلام، فلسـفه، ریاضـیات و طب مهارتی به سـزا یافت و چندی در اصـفهان به تدریس مشـغول شـد. عـاقبت به کاشان مراجعت نموده و بساط تـدریس و تعلیم را در آنجا برپا داشت. او از عوایـد مسـتغلات موروثی امرار معاش می کرد و از پذیرش مقرری و هدایای ارباب حکومت پرهیز داشت.(۱)

او در ۵ شعبان ۱۰۴۶ق نسـخه ای از «شـرح هـدایه الاثیریه» ملاّ صـدرا را کتاب کرده که جزو کتب اهـدایی آقای سـیّد محمّد مشکاه به کتابخانه دانشگاه تهران موجود است.(۲)

پسرعمویش میر محمّـدهادی در کاشان به طبابت مشـغول بوده و ملاّ محمّـدعلی واحـد قمی هم از شاگردان میر عبدالرزاق در اصفهان است.(۳) رمضـان بـن علی نیز از شـاگردان اوسـت که نزد او کتـاب «الهـدایا لشـیعه ائمه الهـدی» تـألیف: میرزا محمّد مجـذوب تبریزی، که شـرح مفصل «کافی» ثقه الاسـلام کلینی است را نزد او خوانده و در سال ۱۰۸۸ق در حضور استاد آن را مقـابله کرده و از اسـتاد چنیـن یـاد کرده است: «اسـتادنا المحقّق و النّحریر المـدقّق السـیّد الاجـل الرّضـوی سـیّد عبـدالرزاق بن محمّدیوسف الکاشانی» این نسخه در کتابخانه سیّد ضیاءالدّین علاّمه در اصفهان موجود است.(۴)

حاج عبدالرزاق مخترع*

حاج عبدالرزاق اصفهانی معروف به «مخترع نوظهور» نقاش و تذهیب کار و جلدساز

۱- قصص الخاقانی، ج۲، ص۵۴؛ ریاض العلماء، ج۳، ص۱۱۶ و ج۴، ص۳۰۷؛ الروضه النضره، ص۳۱۸.

۲- الروضه النضره، ص۳۱۹.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۶۶ و ۵۱۸.

۴- فهرست سه کتابخانه اصفهان، صص ۹۹-۱۰۱؛ تراجم الرجال، ج۱، صص ۲۱۷ و ۲۸۸.

عهد محمّد شاه قاجار است. وی در آبرنگ و رنگ روغن استاد بوده و خط نستعلیق را نیکو می نوشته است. او در صحافی در فنّ لایه چینی استاد بوده و آثار ارزنده ای پدید آورده است.

این آثار از اوست:

۱. تصویر انداختن ابراهیم در آتش ۲. تصویر یک حمام که در کاتالوگ «کل ناقی» لندن به چاپ رسیده است. ۳. تصویر شاه عباس در یک مجلس ملاقات با سفیر هند که در ۱۲۷۶ق کشیده شده است.۴. جلد لایه چینی و رنگ روغنی که در سال ۱۲۷۴ق کشیده شده و اکنون در مجموعه آقا فرخ محبوبیان است.(۱)

میرزا عبدالرزاق مشرب اصفهانی

میرزا عبدالرزاق طبیب اصفهانی متخلّص به «مشرب» ادیب فاضل و شاعر [در قرن دوازدهم هجری] مؤلف کتاب «الطّب».(۲)

[در اکثر علوم از جمله طبابت مهارت داشت. در عهد عالمگیر پادشاه به هندوستان رفت و چندی در کشمیر به سر برد. در اواخر عمر در تَتِه می زیست و سرانجام در سال ۱۱۲۷ق وفات یافت این رباعی از اوست:

یک چند در این شهر پریشان گشتیم گفتیم گران شویم ارزان گشتیم

در طالع ما کساد بازاری بود کآئینه فروش شهر کوران گشتیم(۳)]

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۳۹۴.
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۴؛ الذریعه، ج۱۵، ص۱۳۷.
۳- ریحانه الادب، ج۵، ص۳۱۷؛ الذریعه، ج۹، ص۱۰۴۶؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۲۸۰.

میرزا عبدالرزاق نشئه

میرزا عبدالرزاق تبریزی اصفهانی متخلّص به «نشئه» از شعرای قرن دوازدهم هجری. سخن شناس بود و عمر در صحبت با شعراء و شعر صرف نموده بود و آنچه می گفت درست و سنجیده بود. در اصفهان وفات یافت.

در پای خمی دیده پیمانه ضیا یافت کوری به قدمگاه می ناب شفا یافت(۱)

[بیت فوق متعلق به سراجای نقاش اصفهانی است.(۲)

درباره او نوشته اند که سلسله نسبش به جهانشاه ترکمان می رسد. نسخه ای از دیوان اشعار او به شماره ۱۴۷۶۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۳)]

شیخ عبدالرسول اصفهانی

شیخ عبدالرسول اصفهانی [از علمای نیمه نخست قرن چهاردهم هجری] از شاگردان آخوند خراسانی بوده و «شرح خطبه: اوّل الدّین معرفته» را از تقریرات استاد خویش تألیف نموده است. و در حدود سال ۱۳۵۶ق در نجف وفات یافته است.(۴)

شیخ عبدالرسول الیادرانی

شیخ عبدالرّسول الیادرانی چهارسوقی، عالم فاضل معاصر [فرزند حاج حسین، از اهالی محلّه «الیادران» اصفهان. ابتدا در مدرسه صدر حجره داشت و به تحصیل مشغول بود و در کنار تحصیل با تلاش و کار امرار معاش می کرد. عاقبت به عتبات عالیات رفته

۱- تذکره المعاصرین حزین، صص ۲۲۵ و ۲۲۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۵۶۲.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص ۳۷۸.

۴- الذریعه، ج ۱۳، ص ۲۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۷۶.

و به تحصیل پرداخت و در سامرا ساکن شد. او چون دیگران را با لفظ «اخوی» مخاطب قرار می داد، به شیخ عبدالرّسول اخوی شهرت یافته بود.]

سیّد عبدالرّسول بزمی اصفهانی

حاج سیّد عبدالرّسول شجره متخلّص به «بزمی» [فرزند حاج سیّد اسماعیل و از نوادگان «شجره، ذاکر اصفهانی»] شاعر عارف ادیب و واعظ. [در قرن چهاردهم هجری[در سال ۱۲۸۵ق در اصفهان متولّد شده، از غزل سرایان اصفهان و از اعضاء قدیمی و محترم انجمن ادبی شیدا بود. ارادت خدمت آقا میرزا عباس صابرعلی پاقلعه ای داشت. و علاوه بر فضل و ادب در علم تجوید و قرائت به سبک مرحوم محمّدعاصم کاشانی مهارت داشت و در شناخت آثار هنری خصوصا نقاشی صاحب نظر بود. در سال ۱۳۵۵ق [۱۲ آبان ۱۳۱۲ مطابق سنگ مزار او] وفات یافت و در تخت فولاد [تکیه آغاباشی] مدفون شد.

از اوست:

با یاد دوست سر به گریبان که می برد زین باغ برگ عیش به دامان که می برد

جز یاد غنچه دهنت ای گل مراد ما را به سیر باغ و گلستان که می برد(۱)

سیّد عبدالرّسول اعرجی

سیّد عبدالرّسول بن حسن حسینی اعرجی عبیدلی اصفهانی، از فضلاء قرن دوازدهم

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۹؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۸۶ و ۸۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۷؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۷۰۸ و ۲۷۰۹؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ یادداشت های محقّق گرامی آقای حمید خلیلیان؛ بدایع و نوادر، ص۳۱؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، ص۱۹۱۷؛ دانشوران اصفهان: مخطوط؛ دانشنامه تخت فولاد، ج۱، ص۳۰۲؛ تذکره الشعراء (عارفچه) ، ص۲۳.

هجری. او در پشت نسخه ای از «ارشاد القلوب» دیلمی، را نوشته است. بر حسب دستور او بهاءالدّین محمّد بن محمّدصالح مازندرانی در سال ۱۱۲۷ق بر این کتاب حواشی نوشته است. این کتاب به شماره ۵۷۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

شیخ عبدالرّسول پناهنده گزی*

حاج شیخ عبدالرّسول بن حاج شیخ غلامرضا پناهنده گزی بُرخواری اصفهانی، عالم فاضل، از علمای معروف شهر گز، پس از تحصیل مقدمات به قم رفته و در درس حضرات آیات شیخ حسین نوری، ستوده، شیخ یحیی انصاری، شیخ نعمت اللّه صالحی نجف آبادی، مکارم شیرازی و سلطانی طباطبائی حاضر شد. سپس از درس خارج آیات عظام گلپایگانی، محقّق داماد و سیّد محمّدصادق روحانی بهره گرفت. آنگاه به اصفهان مراجعت نمود. اغلب در اصفهان در مدرسه ملّا عبداللّه و مدرسه ذوالفقار تدریس می نمود و در گز به راهنمایی و ارشاد مردم می پرداخت.

او از مخالفین رژیم پهلوی بود و فعالیت های سیاسی او برای مبارزه مورد استقبال و حمایت مردم زادگاهش قرار داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، او در دو دوره به عنوان نماینده مردم بُرخوار و میمه به مجلس شورای اسلامی راه یافت. وی سرانجام در ماه شهریور ۱۳۸۰ش وفات یافته و در گلزار شهدای گز به خاک سپرده شد. کتاب «اسلام و آزادی» و چندین حاشیه بر کتب فقهی از آثار اوست.(۲)

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۱۷۳.

۲- روضه رضوان، ص۸۳؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: خطّی.

شیخ عبدالرّسول قائمی*

حاج شیخ عبدالرّسول قائمی فرزند شیخ فرج اللّه دیزیچه ای اصفهانی، از علمای معاصر اصفهان.

در ۳ رمضان ۱۳۱۶ق در روستای «دیزیچه» اصفهان متولّد شد. مقدمات را در زادگاه خود نزد شیخ فرج اللّه دیزیچه ای آموخت. سپس به اصفهان رفته و سطوح را نزد میر سیّد احمد مدرس و شیخ علی مدرس یزدی به پایان رساند و دروس خارج را نزد سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی و سیّد محمّدرضا خراسانی فرا گرفت. آنگاه به حوزه علمیه قم رفته و در درس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد. او در سال ۱۳۴۹ق به نجف اشرف مشرّف شده و از درس حضرات آیات میرزا محمّدحسین نائینی، شیخ ضیاءالدّین عراقی و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی بهره گرفت. در سال ۱۳۶۰ق پس از مراجعت از سفر حج به امر آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و درخواست اهالی شهر به آبادان رفت و در آنجا به تبلیغ دین و خدمت به مردم مبادرت ورزید و نماز جماعت را در مسجد نو آن شهر اقامه نمود.

از اقدامات مؤثر او مبارزه با بدعت ها و عقاید انحرافی همچون عقاید کسروی و بیان روشن و مستدل حقایق اسلام به مردم بود. از خدمات اجتماعی او احداث و یا تعمیر برخی از مدارس و مساجد همچون مسجد نو، مدرسه قائمیه و دارالایتام و حوزه علمیه در آبادان و مسجد ولیعصر (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) در جزیزه خارک است.

او پس از آغاز جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ش به اصفهان مراجعت نموده و در مسجد باب الرّحمه واقع در دروازه دولت به اقامه جماعت مشغول شد و در کنار آن به ارشاد مردم و رفع گرفتاری های نیازمندان پرداخت.

این عالم جلیل القدر سرانجام در صبح روز شنبه ۲۳ شعبان ۱۴۱۲ق (مطابق ۱۶ بهمن ۱۳۷۲ش) در اصفهان وفات یافته و پیکر او به قم منتقل و در یکی از اطاق های صحن بزرگ مرقد مطهر حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) مدفون گردید.

از تألیفات او: ۱. «رساله ای در حدیث غدیر»۲. «شرح برخی از خطب نهج البلاغه»۳. «یادداشت هایی در فقه» را می توان نام برد.(۱)

سیّد عبدالرّسول حجازی دهاقانی*

سیّد عبدالرّسول حجازی دهاقانی فرزند سیّد هاشم بن میرزا بابا حسینی دهاقانی، عالم فاضل جلیل. در سال ۱۲۶۵ش در دهاقان متولّد شد و جهت تحصیل به اصفهان آمد. او هشت سال از محضر عالم ربانی و حکیم عارف آخوند ملّا محمّد کاشانی کسب فیض نمود و تربیت شد. همچنین از درس حکیم جهانگیرخان قشقائی، میرزا احمد مدرس، آقا سیّد مهدی درچه ای و سیّد عبداللّه ثقه الاسلام بهره گرفت.

وی سرانجام در دی ماه ۱۳۵۸ش وفات یافته و در تکیه سیّدالعراقین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. او از شاگردان و رفقای صمیمی حاج آقا رحیم ارباب بود که پس از نابینائی مرحوم ارباب به جای ایشان امامت مسجد گرگ یراق ها را به عهده گرفت. همچنین مرحوم حجازی از دوستان صمیمی حاج میرزا آقا دهکردی امام جماعت مسجد سرخی اصفهان بود. و پس از آنکه مرحوم دهکردی به بیماری مبتلا شد، به جای او در مسجد سرخی اقامه جماعت نمود.

او صاحب مکنت بود و به فقراء و طلاب کمک و مساعدت می نمود. از ایشان سقاخانه ای در سرای ساروتقی به یادگار مانده است. وی در اواخر عمر در مسجد کرمانی

۱- آثار الحجّه، ج۲، ص۲۰۴؛ گنجینه دانشمندان، ج۳، ص۱۶؛ آئینه پژوهش: سال چهارم، شماره ۶، مورخ ۱۳۷۳ش، ص۱۲۰؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: خطی؛ تربت پاکان قم، ج۲، ص۹۳۹.

امامت می نمود.(۱)

عبدالرّسول منتصر

عبـدالرّسول منتصـر، شـاعر ادیـب متخلّص بـه «حقیقـت» کارمنـد بازنشسـته بانـک ملّی ایران و کارشـناس رسـمی حسابـداری دادگستری اصفهان. وی در روز شنبه ۵ ذیقعده ۱۴۱۱ق وفات یافته و در گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

این شعر از اوست:

شدم سخت درمانده از کرد خویش پشیمان ز کرد کار و گشتم پریش

بکردم همی روز و شب را تَبَه سراسر بود نامه ام پر گُنَه

«حقیقت» ره رادمردان را بگیر تو تا زنده ای دست افتاده گیر(۲)

میرزا عبدالرّسول مداح شوشتری

میرزا عبدالرّسول مداح شوشتری، شاعر ادیب و مرثیه سرای معروف. [در اوایل قرن سیزدهم هجری] مقبره او در قبرستان سر قبر آقای اصفهان بوده که پس از تخریب و تسطیح قبرستان، قبر او و هم از بین رفت.(۳)

عبدالرّسول ناطق شهرضائی

عبدالرّسول طبیبیان متخلّص به «ناطق» [فرزند سیّد هادی] شاعر ادیب و طبیب حاذق

۱- شرح مجموعه گل، صص ۳۸۲-۳۸۴؛ زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقائی، ص۱۱۴؛ سیمای دهاقان، ص۴۸۱.

۲- مزارات اصفهان، ص۱۲۹.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۰۲؛ مزارات اصفهان، ص۵۲.

در سال ۱۲۸۳ش در شهرضا متولّد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در [شهرضا] و اصفهان به پایان رسانید و در ضمن تحصیل، علوم قدیمه همچون صرف و نحو و معانی و بیان را آموخت [در طب نیز نزد دکتر احمدخان محیی، دکتر مسیح اللّه خان حافظ الصحّه و میرعلائی تحصیل کرد.] در سال ۱۳۱۱ش پس از موفقیت در آزمون پزشکی، در بهداری شهرضا به فعالیت پرداخت. او در هنگام تحصیل در اصفهان در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد و [سرانجام در ۱۲ بهمن ۱۳۶۴ش وفات یافته و در صحن امامزاده شهرضا مدفون شد. او از شعرای نامدار دیار خود بود. و در شعر کتاب های «گلچین ناطق»، «رضانامه» و «مادر» را نوشته است.(۱)]

این ابیات از او (به مناسبت میلاد مسعود پیامبر اسلام حضرت محمّد صلی الله علیه و آله است:

امروز درخشان شده یک کوکب بس تابان کز پرتو نور آن روشن شده هر ایوان

از جانب یزدان گشت، این نور هویدا بین تا محو شود ظلمت، معدوم شود حرمان

عبدالرشید

عبدالرشید بن محمّد مقیم [از فضلای قرن یازدهم هجری] از شاگردان علاّمه مجلسی است. او نسخه ای از جلد یکم «بحارالأنوار» را در سال ۱۰۹۳ق کتابت نموده و در کتابخانه دانشمند عالیقدر جناب آقای دکتر سیّد احمد تویسرکانی در اصفهان موجود است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۹۷؛ تاریخ شهرضا، ج۲، ص۳۷۲.

حاج عبدالرّضا موغاری اردستانی

حاج عبدالرّضا بن شکراللّه بن عارف بن محمّد موغاری اردستانی [از کاتبان و فضلاء قرن دهم هجری] در بامداد روز جمعه ۲۸ محرم ۹۷۳ق کتابت نسخه ای از «مجموعه ورام» را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۵۳۸۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

[موغار از روستاهای اردستان اصفهان است.]

عبدالرضا متین اصفهانی

میرزا عبدالرّضا اصفهانی متخلّص به «متین» فرزند عبداللّه بن عبدالعال بن شیخ حسین نجفی مالکی، شاعر ادیب در قرن دوازدهم هجری. پدرش از نجف اشرف به اصفهان آمده و او در سال ۱۱۰۳ق در اصفهان متولّد شد. در ۱۶ سالگی به هند رفته و به واسطه قریحه و ذوق شعر و ادب مورد توجه اعیان و بزرگان آنجا قرار گرفت. عاقبت در سال ۱۱۷۵ق به بنگاله رفته و در همان سال وفات یافت. دیوان اشعار او قریب به دوازده هزار بیت دارد.

از اوست:

به عزم گلشن امشب برق بی تابانه می آید خسی باقی است پنداری ز خاك آشیان من(۲)

۱- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۵، ص۴۲۳۳؛ تراجم الرّجال، (چاپ ۱۴۲۲ق) ، ج۲، ص۵۰.

۲- تذکره خزانه عامره، ص۴۲۶؛ تذکره سرو آزاد، ص۲۳۶؛ الذریعه، ج۹، ص۹۵۸؛ تذکره غنی، ص۱۱۸؛ تذکره روز روشن، صص ۷۱۰-۷۱۲؛ کاروان هند، ج۱، صص ۱۲۱۱-۱۲۱۳؛ صحف ابراهیم، صص ۲۲۱ و ۲۲۲؛ مجمع النفایس، ص۱۱۹؛ منتخب اللطایف، ص۶۳۸.

ملاّ عبدالرّضا کاشانی

مولی عبدالرّضا کاشانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری و از شاگردان علاّمه مجلسی است. او در شوّال ۱۰۷۷ق جلد دوم «بحارالأنوار» را در اصفهان به خط نسخ کتابت نموده و آن را نزد علاّمه مجلسی قرائت کرده و مجلسی در تاریخ ربیع الاوّل ۱۰۷۸ق گواهی قرائت و اجازه روایت جهت او مرقوم نموده است و با القاب «المولی الفاضل الصّالح التّقی و الزّکی» از او یاد کرده است.(۱)

عبدالسّلام اصفهانی

عبدالسّلام اصفهانی، از اصحاب حضرت جواد علیه السلام است.(۲)

عبدالسّلام عنبری اصفهانی

ابوالغنائم عبدالسّلام بن عبدالصّمد بن احمد بن احمد بن فضل بن احمد بن علی عنبری اصفهانی. [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] شیخ صالح از اولاد محدّثین بوده و از ابوالقاسم عبدالرّحمان بن منده، ابوعمرو عبدالوهاب بن منده و جز آنها حدیث شنوده و ابوسعد سمعانی از او حدیث شنیده است.(۳)

عنبری منسوب به «بنی عنبر» (عنبر بن عمرو بن تمیم) و طائفه ای از بنی تمیم می باشند.

عبدالسّلام کمال اصفهانی

عبدالسّلام بن ماجد اصفهانی، معروف به «کمال» از ادبای قرن یازدهم هجری. از

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص ۵۰ و ۵۱؛ فهرست مرعشی، ج۱، ص۳۴۰؛ الرّوضه النّضره، ص۳۲۲؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۳۴؛ اجازات الحدیث، ص۶۹؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۱.

۲- مستدرک عوالم (جلد حضرت جواد علیه السلام) ، ص۱۷۱.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۵۰.

آثار او: «مناظره بغداد و اصفهان» به نظم و نثر فارسی.(۱)

عبدالسّلام حسن آبادی

ابوالخیر عبدالسّلام بن محمود بن محمّد بن احمد بن محمّد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن سلیمان حسن آبادی جرواآنی معروف به «ابن ابی عیسی» [از محدّثین قرن ششم هجری.] از اهالی محله «جرواآن».

از حفاظ حدیث و شیخ فاضل و صالح و صادق و از خاندان محدّثین بوده و در سال ۴۴۹ق متولّد شده است.

از ابومنصور شجاع بن علی بن شجاع مصقلی، ابوالحسن علی بن محمّد بن احمد بن ابی عیسی حسن آبادی (عموزاده صاحب عنوان) و ابوبکر احمد بن فضل باطرقانی و جز آنان حدیث شنوده و ابوسعد سمعانی در محله جیران (جرواآن) او را ملاقات کرده و از او حدیث شنوده است.

سرانجام در ۲۵ صفر ۵۳۴ق در اصفهان وفات یافت.(۲)

عبدالسّمیع اصفهانی

عبدالسّمیع اصفهانی، از علماء کاملین در قرن دهم هجری بوده و حافظ حسین کربلائی مؤلف «روضات الجنان» گوید: در شهر صفر سال ۹۵۶ق در اصفهان به خدمت او رسیده است.(۳)

۱- الذریعه، ج۲۲، ص۲۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۵۱.

۳- روضات الجنان، ص۳۳۳.

شیخ عبدالصالح پاشنه طلائی

شیخ عبدالصالح بن آقا محمّدمهدی پاشنه طلائی یزدی [بن محمّداسماعیل بن محمّدابراهیم بن ملّا محمّدصادق اردستانی]، عالم فاضل [در اواخر دوره قاجاریّه] از نوادگان ملّا محمّدصادق اردستانی است و در یزد سکونت داشته است.(۱)

عبدالصّمد عنبری

ابونهشل عبدالصّمد بن احمد بن فضل بن احمد بن علی بن یحیی بن ابان بن حکم بن مرثد بن جابر بن خیوان بن اخرم بن ذهل بن ذؤیب عنبری ادیب، [از محدّثین و ادباء و فضلای قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری.]

در سال ۴۲۷ق متولّد شده و از ابوالفضل هارون بن محمّد بن احمد بن عبداللّه بن هارون اصفهانی، ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن زیده ضبّی، ابوالحسن احمد بن محمّد بن حسین بن فادشاه اصفهانی، ابوذر محمّد بن ابراهیم بن علی صالحانی و ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن احمد بن محمّد بن شاذان اعرج و جز آنان حدیث شنیده است.

ابونهشل عنبری در سال ۵۱۰ق جهت ابوسعد سمعانی اجازه تمام مسموعاتش را نوشته است. او در ذیحجه ۵۱۷ق وفات یافته است.(۲)

شیخ عبدالصّمد محلّاتی

شیخ عبدالصّمد بن حسین محلّاتی، فاضل ادیب [در قرن سیزدهم هجری] سال ها در

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۵۵.

اصفهان ساکن بوده و از علمای این شهر کسب فیض می نموده و به کتابت کتب علمی و ادبی می پرداخته است.

در اصفهان نزد [ملّا محمّدباقر فشارکی و میرزا یحیی بیدآبادی و(۱)] حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی فقه و اصول را آموخته و در فن قرائت از ملّا خدابخش بهره گرفته است.(۲)

او در ۱۷ جمادی الاولی سال ۱۲۷۳ق کتابت نسخه ای از «عروض» سیفی شاعر بُخاری را در اصفهان به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. نسخه ضمیمه مجموعه شماره ۶۲۳ کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳)

همچنین در تاریخ ۲۰ ربیع الثانی ۱۲۸۴ق کتابت «رساله ای در معما» از: ملّا حاجی را در مدرسه میرزا حسین جنب مسجد سیّد حجه الاسلام به پایان رسانیده است. رساله ضمن مجموعه شماره ۶۲۳ در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد موجود است.(۴)

محلاّتی مجموعه ای شامل کتاب های «اشکال الاربعه»، «تعدیل المیزان» و «شرح تهذیب المنطق» را در سال های ۱۲۸۱ و ۱۲۹۱ق در اصفهان به خط نسخ و نستعلیق کتابت کرده و در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است. مُهر بیضوی او «عبده الرّاجی عبدالصمد» و تاریخ تملک او بر این نسخه شوال ۱۲۹۵ق است.(۵) او تا این سال در قید حیات بوده است.

عبدالصّمد تبریزی

عبدالصّمد بن عاشور تبریزی از فضلاء قرن یازدهم هجری در سال ۱۱۰۱ق «شرح شرایع» را به فارسی ترجمه کرده و آن را «سفینه توفیق» نام نهاده و کتاب را به نام شاه سلیمان و در مدرسه سلیمانیه اصفهان نوشته است. نسخه این کتاب به خط مؤلّف نامبرده

۱- تراجم الرجال، ج۱، ص۲۹۷.

۲- بیان المفاخر، ج۲، ص۹۶.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۳۸۹.

۴- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۳۹۰.

۵- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۲۰۳.

به نظر مرحوم تربیت رسیده است.(۱)

نسخه ای از کتاب «سفینه توفیق» در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۲)

شیخ نورالدّین عبدالصّمد نطنزی

شیخ نورالـدّین عبدالصّـمد بن علی اصـفهانی نطنزی از مشایـخ اقطاب صوفیه است. [در علوم دینی علوم خود مهارت داشـته و مراتب سیر و سلوک را نزد مشایخ طریقت طی نموده] و از شیخ نجیب الدّین بزغش خرقه پوشیده است. [شیخ عزّالدّین محمود نطنزی کاشانی و] شـیخ کمال الدّین عبدالرّزاق کاشانی [سال ها نزد او عرفان نظری آموخته و از مقام علمی و معنوی او کسب فیض نموده و] از او خرقه پوشیده اند.

شیـخ نورالـدّین در نطنز سـاکن بوده و خانقاه داشـته و همانجا در سال ۶۹۹ق وفـات یـافته و به خاک رفته و مریـدانش بقعه ای عالی بر سر مزار او بنا کرده اند.(۳)

عبدالصّمد امامی

عبدالصّـمد شریف بن موسی (بن) رضا امامی، عالم فاضل [از محدّثین و دانشمندان قرن یازدهم هجری] از شاگردان علاّمه ملاّ محمّـدباقر مجلسی بوده و کتاب «من لا یحضـره الفقیه» را نزد او خوانده و در پایان کتاب الصـلاه، علاّمه مجلسـی اَنهائی را در ذیحجه ۱۰۹۵ق به نـام او مرقوم فرموده است. همین عبدالصّـمد می نویسـد که در دهه آخر سـال ۱۰۹۰ق کتاب را در مدرسـه سلیمانیه مقابله کرده است. کاتب نسخه

۱– دانشمندان آذربایجان، ص۲۵۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۳۰۳؛ الذریعه، ج۱۲، ص۱۹۶.

۲– فهرست مسجد اعظم قم، ص۲۲۹.

۳– هفت اقلیم، ج۲، ص۴۳۹؛ شرح سوانح، ص۴؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲، صص ۳۹–۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۷.

محمّدقاسم بن میرزا علی رازی است و کتاب به شماره ۳۶۰۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

صاحب عنوان ظاهرا شارح «توحید مفضل» است.

«شرح توحید مفضل» که در سال ۱۰۹۵ق نگاشته شده ضمن مجموعه شماره ۳۵۱۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

همچنین او مجموعه ای شامل: «اثبات حدوث العالم» تألیف: شیخ حسین تنکابنی و «الالهیات» تألیف: شمس الدّین محمّد خفری را برای استادش شیخ بهاءالدّین (محمّدفاضل هندی) در سال ۱۰۸۹ کتابت نموده که به شماره ۹۴ در کتابخانه آقای افشین عاطفی در کاشان موجود است.(۳)

عبدالصّمد مردویه

ابوعبداللّه عبدالصّمد بن یزید (مردویه) از مصاحبین فضیل بن عیاض [است.] صاحب عنوان به «مردویه صائغ» شهرت داشته است. فوت او در سال ۲۳۵ق(۴) [واقع شد.]

عبدالصّمد نَقنِه ای

عبدالصّمد نَقنِه ای [خطاط نستعلیق نویس قرن سیزدهم هجری.] در روز جمعه ۱۹ شوال ۱۲۶۸ق نسخه ای از کتاب «تحفه نظامیّه» تألیف: عبدالقادر رویانی را به خط نستعلیق نوشته است. کتاب به شماره ۵۷۷ در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس

۱- فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص۴؛ اجازات الحدیث، ص۷۱؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۵۵؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۳۴.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص۲۵۲۵.

۳- فهرست عاطفی، ص۱۰۵.

۴- میزان الاعتدال، ج۲، ص۲۳۲.

موجود است.(۱)

[«نقنه» به فتح نون و سکون قاف و کسر نون دوّم، از روستاهای سمیرم اصفهان است.]

عبدالظهیر کرهرودی

عبدالظهیر بن معصوم کرهرودی [خطاط قرن یازدهم هجری] نسخه ای از «ترجمه الهیات شفا» را که سیّد علی امامی اصفهانی ترجمه کرده بود را به خط تعلیق نوشته و نسخه جزو کتاب های اهدایی آقای مشکوه به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

سیّد عبدالعال کرکی

سیّد عبدالعال بن سیّد حسین حسینی کرکی عاملی، از علمای اصفهان در قرن یازدهم هجری است. او از جمله کسانی است که در وقف نامه مدرسه نوریه، به وقف شهادت داده است. و سجع مهر او عبارت: «الواثق برحمه الغنی عبدالعال بن حسین الحسینی» است.(۳)

شیخ عبدالعال فریدنی

شیخ عبدالعال بن محمّد مقیم فریدنی خوانساری، عالم فاضل [از علمای اصفهان در قرن دوازدهم هجری است، ظاهرا از شاگردان علّامه ملّا محمّدباقر مجلسی بوده و در

۱- فهرست گوهرشاد، ص۸۴.

۲- فهرست اهدایی مشکوه، ج۳، ص۲۰۰.

۳- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۹۰.

اصفهان به تدریس و تحقیق و تألیف مشغول شده است. او تا سال ۱۱۴۹ق در قید حیات بوده و سال وفاتش معلوم نیست. جمعی از فضلاء نزد او تحصیل کرده اند از جمله فرزندش علی و نظام الدّین خوانساری و محمّدرضا بن سلطان احمد قاری خوانساری(۱)] به دستور او در جمادی الثّانیه ۱۱۰۷ق، نظام الدّین محمّدفاضل تونی کتاب «الروضه البهیّه» را نوشته و صاحب عنوان آن را با نسخه ای که به نظر علاّمه مجلسی رسیده و تصحیح شده است، مقابله و تصحیح کرده است. تاریخ مقابله ۱۱۱۹ق است. این نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

شیخ عبدالعال «مصباح» کفعمی [موسوم به «جنه الامان الواقیه»] را به فارسی ترجمه کرده [و آن را به شاه طهماسب ثانی تقدیم داشته است.] نسخه ای از این کتاب به خط علی بن عبدالعال (فرزند مترجم) و مورّخ شوال ۱۱۰۸ق با حواشی مترجم، به خط نستعلیق و نسخ، به شماره ۱۲۵۹ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳) [نسخه دیگری از این کتاب به شماره ۲۵۰۹ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم وجود دارد.(۴)

از آثار او کتابی در «ادعیه» مشتمل بر ۴۰ باب به فارسی نوشته و تاریخ کتابت ۶ جمادی الاوّل ۱۱۲۱ق است. نسخه به شماره ۱۵۳۵۳ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۵)]

او همچنین در حواشی «تفسیر جوامع الجامع» طبرسی، حواشی از «تفسیر بیضاوی» نقل نموده و تعلیقاتی در نقد آن از خود افزوده و کتاب را در ۱۷ رجب ۱۱۴۹ق وقف

۱- بنگرید به: الکواکب المنتشره، صص ۴۴۴ و ۴۴۵.

۲- فهرست رضوی، ج۵، ص۴۴۸.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۴۰۲.

۴- فهرست خطی احیاء، ج۷، ص ۱۰.

۵- فهرست مختصر مجلس، ص۳۹.

نموده است. نسخه به شماره ۲۴۱ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم نگهداری می شود.(۱)

[شیخ عبدالعال «صحیفه سجادیه» را ترجمه کرده و شاگردش نظام الدّین خوانساری در سال ۱۱۱۰ق آن را کتابت کرد. سپس به امر او شاگرد دیگرش محمّدرضا خوانساری در ۱۰ رمضان ۱۱۱۰ ملحقاتی بر «صحیفه سجادیه» را کتابت نمود و مترجم حواشی مفیدی به فارسی به آن کتاب افزود. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه مرحوم شیخ مهدی مجدالعلماء نجفی در اصفهان موجود است.(۲)]

میر عبدالعال نجات کوه گیلویه ای

میر عبدالعال متخلّص به «نجات» فرزند میر محمّدمؤمن حسینی کوه گیلویه ای. شاعر ادیب و نویسنده ماهر در قرن یازدهم و دوازدهم هجری. پدرش در دستگاه میرزا حبیب اللّه صدر بوده، سپس مستوفی کوه گیلویه و بعدا استرآباد شد. فرزندش در عداد منشیان دستگاه سلاطین صفویه بوده [و مدتی در کتابخانه سلطنتی کار می کرده و خط خوشی داشته است.]

فوتش در سال ۱۱۴۱ق به سن متجاوز از ۹۰ سال روی داده قبرش در تکیه آقا حسین خوانساری است. مادّه تاریخ وفاتش را [میرزا شفیعای] اثر شاعر گوید:

چون میر نجات از جهان کرد عبور شد جای غزل مرثیه خوانی دستور

در ضمن دعا «اثر» به تاریخش گفت: «با سیّد کائنات گردد محشور»

فوتش را در سال ۱۱۲۱ق نیز گفته اند.

شعر خوب می گفته و در آن «نجات» تخلّص می نموده است. دیوانش قریب به ده هزار بیت است. [نسخه هایی از «دیوان نجات» در کتابخانه آکادمی علوم شوروی در

۱- فهرست فیضیه (استادی) ، ج ۱، ص ۶۶.

۲- تراجم الرجال، ج ۱، ص ۲۹۹ و ج ۲، ص ۸۵۱؛ قبیله عالمان دین، ص ۲۳۵.

لنینگراد، و کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است. «مثنوی مسیر الطّالبین» که در سال ۱۰۸۵ق سروده شده و حدود هزار و دویست بیت است و «مثنوی گـل کشـتی» در آداب و رسوم و فنون کُشتی که در سـال ۱۱۱۲ق سـروده شده و نسخه هایی از آن در کتابخـانه ملّی تبریز، موزه بریتانیا، کتابخانه ملّی ملک، کتابخانه مرکزی دانشـگاه تهران، کتابخانه آکادمی علوم شوروی در لنینگراد و کتابخـانه دانشـگاه پنجـاب لاـهور در پاکسـتان موجود است. مقبره «میر نجـات» تـا سـال های اخیر باقی بود و در تعمیراتی که در سال ۱۳۷۳ش توسط شهرداری اصفهان در تکیه آقا حسین خوانساری صورت گرفت مقبره او را از بین بردند.]

از اوست:

می خواست سوی من نگرد سوی خویش دید خوش نوش کرد شربت بیمار خویش را(۱)

شیخ عبدالعال همایون فریدنی

شیخ عبدالعال فریدنی متخلّص به همایون، از احفاد شیخ علی بن عبدالعالی کرکی (محقّق ثانی) و خود از شعرای قرن سیزدهم هجری است. در غزل سرائی صاحب طبعی خوش بوده و بـا هجو دیگران را می آزرده است. عاقبت در سال ۱۲۲۹ق او را در هنگام خواب کشتند.

۱- تـذکره نصـرآبادی، ج ۱، صـص ۴۸۳-۴۸۵؛ دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج ۲، ص ۹۶۸؛ سـیری در تاریـخ تخت فولاـد، ص ۱۱۰؛ تذکره المعاصرین حزین، صص ۱۵۷-۱۶۱ و ۲۸۸-۲۹۴؛ تاریخ ادبیات فارسی (اته) ، ص ۱۹۹؛ تذکره غنی، ص ۱۳۳؛ کلمات الشعراء، ص ۱۱۳؛ الذریعه، ج ۹، ص ۱۱۷۱؛ ریحانه الادب، ج ۶، ص ۱۳۳؛ تذکره روز روشن، صـص ۸۰۴-۸۰۶؛ تذکره شمع انجمن، ص ۷۱۵؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۱۳۶۷؛ صحف ابراهیم، صص ۲۲۶ و ۲۲۷.

از اوست:

بگذشته ز ابروان تو مژگان و من ز جان باید ز جان گذشت چو تیر از کمان گذشت(۱)

شیخ عبدالعالی کرکی

شیخ عبدالعالی فرزند علاّمه فقیه شیخ نورالدّین علی (محقّق ثانی) [بن حسین بن علی بن محمّد بن عبدالعالی] کرکی عاملی، عالم فاضل، فقیه محقّق. [از علمای قرن دهم هجری.] متولّد در شب جمعه ۱۹ ذیقعده سال ۹۲۶ق و متوفی به سال ۹۹۳ق. مدفون در مزار متبرک درب امام اصفهان و پس از گذشت سی سال استخوان ها به مشهد مقدّس رضوی منتقل و در دارالسیاده مبارکه مدفون شد.(۲)

[مادّه تاریخ وفاتش عبارت «ابن مقتدای شیعه» است. او از پدرش روایت می کند و جمعی از فضلاء همچون: معانی تبریزی، قاضی حبیب اللّه بن علی طوسی، نورالدّین محمّد نسّابه اصفهانی، محمّد بن احمد اردکانی، ابوالحسن شریف قائنی، حسین بن حیدر بن قمر کرکی، شیخ بهائی، میرداماد، یونس جزایری، قاضی معزالدّین حسین اصفهانی و دیگران از او روایت کرده اند.

کتاب ها و رساله های زیر از اوست:

۱. «اللّمعه فی عدم عینیه الجمعه» ۲. «حاشیه ارشاد الاذهان» که در کتابخانه مدرسه

۱- تذکره اختر، ص۲۳۱؛ تذکره سفینه المحمود، ص۲۰۹؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۷۸۱؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۲۰۹۸؛ تذکره دلگشا، ص۶۰۱؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۶، صص ۱۱۸۴ و ۱۱۸۵؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۳۷۲؛ تذکره مدایح الحسینیّه: مخطوط، صص ۴۳۷ و ۴۳۸؛ تذکره شعرای خوانسار، صص ۲۰۴-۲۰۸؛ دانشمندان خوانسار، ص۵۶۷.

۲- مزارات اصفهان، ص۲۰۸؛ یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، ص۱۲.

مروی تهران نسـخه خطی آن وجـود دارد. ۳. «رسـاله فی البلوغ و بیـان حـدّه»۴. «النّظامیّه»۵. «رسـاله فی القبلـه» خصوصـا قبله خراسان۶. «مناظرات مع مخدوم الشّریفی السُّنّی»۷. «شرح الفیه» شهید(۱)]

عبدالعزیز آدمی اصفهانی

ابوبکر عبدالعزیز بن احمد بن علی تاجر معروف به «آدمی» از محدّثین [عامّه در قرن چهارم هجری] و از بازرگانان مشهور و به امانت معروف بوده و سال ۳۸۶ق وفات یافته [است.]

از ابومحمّد عبداللّه بن خالد بن محمّد بن رستم رازانی روایت می کند.(۲)

عبدالعزیز جزری اصفهانی

ابـوالحسن عبـدالعزیز بـن احمـد جزری اصـفهانی، [از محـدّثین عـامّه در قرن سـوم هجری[وی از فقهـاء ظـاهری و از اصـحاب ابوسلیمان داود بن علی بن خلف اصفهانی قاضی «ربع اسفل» از سمت مشرق بغداد از طرف عضدالدّوله دیلمی بوده است.

او مؤلف «مسائل الخلاف» است و بعد از سال ۲۷۰ق فوت شده است.(۳)

۱- لؤلـؤ البحرین، ص۱۳۵؛ الذریعه، ج۱۵، ص۷۳ و ج۱۱، ص۱۳۲ و ج۲۴، ص۱۹۵؛ احیاء الدّاثر، صـص ۱۲۲ و ۱۲۳؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۴۹؛ روضـات الجنّات، ج۴، ص۱۹۹؛ لغت نـامه دهخـدا: ذیل «عبـدالعال»، ص۶۲؛ فهرسـت مروی، ص۱۰۳؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ص۲۹۰؛ هدیه الاحباب، ص۲۵۵؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۸۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۷.

۳- احقاق الحق، ج۱، ص۱۶۷؛ الفهرست: ابن ندیم، ص۲۷۳.

عبدالعزیز مافرّوخی

ابومحمّد عبدالعزیز بن احمد مافرّوخی از دانشمندان و محدّثین خاندان مافرّوخ اصفهان.(۱)

عبدالعزیز ماجشون اصفهانی

ابوعبداللّه عبدالعزیز بن عبداللّه بن ابی سلمه تیمی ماجشون، [از محدّثین عامّه در قرن دوم هجری] اصلاً از اهالی اصفهان و از حفاظ حدیث و ثقه بوده و در فقه هم مهارت داشت. در مدینه (یثرب) ساکن بوده و سپس به بغداد رفته و در سال ۱۶۴ق در آنجا وفات کرده [و در مقابر قریش دفن شد] تألیفاتی در احکام دارد.

او از جعفر بن محمّد بن علی (امام صادق علیه السلام) و عبداللّه بن دینار و عمر بن عبداللّه بن دلف روایت می کند و احمد بن عبداللّه بن یونس و عبداللّه بن صالح از او روایت می کنند.(۲)

سکه ماجشون (کوی ماجشون) در اصفهان به او منسوب بوده و ماجشون به معنی «ماه گون» است.

عبدالعزیز دارکی اصفهانی

ابوالقاسم عبدالعزیز بن عبداللّه بن محمّد بن عبدالعزیز دارکی اصفهانی، از بزرگان فقهاء و محدّثین شافعیه [در قرن چهارم هجری.]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۲؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۵۲.
۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۴؛ طبقات المحدّثین، ج۱، ص۱۳۴؛ الاعلام، ج۴، ص۱۴۵؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۴۲.

پدرش (عبداللّه) و نیای مادری او (حسن بن محمّد دارکی) از محدّثین اصفهان بوده اند. عبدالعزیز در نیشابور و بغداد تحصیل کرده از ابواسحاق مروزی فقه و حدیث آموخته و ابوحامد اسفراینی نزد او بهره علمی برده است. این اسفراینی در حق او گوید:

«فقیه تر از او در روزگار ما ندیدیم.» سال ها در بغداد تدریس می نموده و از اکابر فقهاء شافعیه شمرده می شد. تا اینکه در شوال یا ذیقعده ۳۷۵ق وفات یافته و در مقبره شونیزیه بغداد مدفون شده است.

او از نیای خود حسن دارکی روایت می کند و ابومنصور احمد بن حسین بن علی بن عمر حربی سکری از او روایت می کند.(۱)

[«دارک» از قریه های بلوک قُهاب جی اصفهان است و اکنون در شمال شهر اصفهان واقع شده و به شهر پیوسته است.]

عبدالعزیز کسائی

ابومحمّد عبدالعزیز بن محمّد بن عبدالعزیز کسائی مقری، [از محدّثین عامّه اصفهان[از ابی علی صحّاف، ابی عمرو بن حکیم، عبداللّه بن ابراهیم بن صباح، محمّد بن عمر بن حفص و احمد بن عثمان ابهری روایت نموده و در سال ۳۸۸ق وفات کرده است.(۲)

عبدالعزیز درآوردی اصفهانی

ابومحمّد عبدالعزیز بن محمّد بن عبید بن ابوعبیده درآوردی جهنی مدنی اصفهانی،

۱- معجم البلدان، ج۲، ص۴۲۳؛ احقاق الحق، ج۷، ص ۲۴۰؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۴۰۵؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۹۱؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۲۰۵؛ طبقات الشافعیّه (حسینی) ، ص۹۸؛ طبقات الشافعیه (اسنوی) ، ج۱، ص۵۰۸؛ طبقات الفقهاء، صص ۱۲۵ و ۲۱۲؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۲۲۴؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۸۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۸.

[از محدّثین عامّه اصفهان در قرن دوم هجری] از اهالی اصفهان و ساکن «مدینه» است. «زِرِکلی» در «الاعلام» او را به قریه «درآورد» از قراء خراسان منسوب می دارد. امّا حافظ ابونعیم در «اخبار اصفهان» می نویسد: چون شخص می خواست وارد شود می گفت «اندرون» اهالی «مدینه» او را «درآوردی» می گفتند.

او از ابراهیم بن عقبه، صفوان بن سلیم، حرب بن حسن طعان، نعیم بن حداد، عثمان بن عبیداللّه بن ابی رافع، علاء رقی، مکحول، هشام بن عروه، یحیی بن سعید انصاری، عمرو بن ابی عمرو، سهیل بن ابی صالح و زید بن اسلم روایت کرده است و عبداللّه بن عبدالوهاب، سعید بن منصور، احمد بن حنبل و یحیی بن سعین و دیگران از او استماع حدیث کرده اند.

او در سال ۱۸۶ق [و یا به قولی در سال ۱۸۲ق] وفات کرد.(۱)

عبدالعزیز آدمی شیرازی

شیخ ابوالمبارک عبدالعزیز بن محمّد بن منصور بن ابراهیم بن مرداس آدمی شیرازی، از بزرگان و محدّثین و علمای قرن ششم هجری و ساکن شیراز بوده و در عهد اتابک زنگی بن مودود در جامع شیراز به خطابت مشغول بود و در سال ۵۵۹ق در شیراز وفات یافت و قبرش در مقابل مسجد خبازه بوده است.

عبدالعظیم اصفهانی

عبدالعظیم اصفهانی، از فضلاء اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری و

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۵؛ طبقات المحدّثین، ج۱، ص۱۳۴؛ میزان الاعتدال، ص۱۳۵؛ مرآت الجنان، ج۱، ص۴۰۴؛ الاعلام، ج۴، ص ۱۵۰.

مؤلّف «شرح فرائد» است. در میان این کتاب اجازه ای از «محمّدعلی بن محمّدباقر» (ظاهرا حاج شیخ محمّدعلی ثقه الاسلام فرزند حاج شیخ محمّدباقر نجفی مسجدشاهی) موجود است که در سال ۱۳۰۴ق برای عبدالعظیم نوشته است. «شرح فرائد» به شماره ۳۲۶۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

همچنین او رساله ای اجتهادی در بیع وجوه و غنا و پاره ای از مسائل اصول مانند تقلید و غیره به عربی را تألیف نموده و محمّدعلی گواری در سال ۱۳۰۱ق به خط نستعلیق کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۳۸۶۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

ملّا عبدالعظیم بیدگلی زوّاره ای

حاج ملّا عبدالعظیم بن محمّدتقی بیدگلی کاشانی زوّاره ای، عالم فاضل [از علمای قرن سیزدهم هجری.]

در حدود سال ۱۱۷۰ق در «بیدگُل» کاشان متولّد شده و نزد میرزا ابوالقاسم قمی و ملّا احمد نراقی به تحصیل پرداخته و به اجتهاد نائل شد. عاقبت در اردستان و زوّاره ساکن شده و به اقامه جماعت و تدریس و وعظ و خطابه پرداخت و در آن حدود صاحب نفوذ و اعتبار شد و هنگامی که لطفعلی خان ترشیزی مدرسه ای را در زوّاره احداث کرده و رقباتی را برای آن وقف نمود، ملّا عبدالعظیم را به تولیت آن مدرسه و موقوفات معیّن نمود.

حاج ملّا عبدالعظیم خط نسخ را خوش می نوشته و به کتابت قرآن مجید می پرداخته و نسخه ای از قرآن مجید را در سال ۱۲۴۸ق کتابت نموده است. [همچنین در سال

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۱، ص۲۲۲۳.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص۲۸۴۷.

۱۲۲۸ق نسخه ای از کتاب «آئینه شاهی» را به خط نسخ کتابت کرده که به شماره ۱/۷۵۴۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)] سال فوتش به دست نیامد. فرزندان و اعقاب او از علمای زوّاره و اصفهان بوده اند.(۲)

سیّد عبدالعظیم موسوی

سیّد عبدالعظیم بن حسن موسوی، [از فضلاء قرن سیزدهم هجری.] کتاب «المیراث» تألیف: حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی را به همراه علی میرزا در سال ۱۲۹۴ق در اصفهان تصحیح و مقابله کرده است. همچنین او در رجب ۱۲۹۳ کتابی در «امامت» تألیف: حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی را مقابله و تصحیح کرده است.(۳)

سیّد عبدالعظیم لنجانی

سیّد عبدالعظیم بن سیّد علیرضا حسینی لنجانی اصفهانی، عالم فاضل محقّق [حکیم و ادیب شاعر، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری.] از شاگردان میرزای قمی، سیّد محمّد مجاهد کربلائی و آقا سیّد علی طباطبائی (صاحب ریاض) بوده و خود عالمی جلیل و فقیهی بارع بوده [است. او پس از تحصیل در عتبات عالیات به هند رفته و در حیدرآباد ساکن شده و به تبلیغ پرداخته تا اینکه در شهر «لکهنو» هند] پس از سال ۱۲۳۱ق وفات یافته است.(۴) [فرزند سیّد محمّد متخلّص به «صفا» هم از شعراء بوده است.]

کتب زیر از اوست:

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۶۱۹.

۲- آتشکده اردستان، ج۲، صص۲۸۷ و ج۱، ص۱۵۶.

۳- بیان المفاخر، ج۲، صص ۲۷۰ و ۲۷۶.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۷؛ تذکره مآثر الباقریّه، ص۹۲.

۱. «تحفه الاصحاب» رساله عملیه به صورت سؤال و جواب و در آن از فتاوای میرزای قمی و آقا سیّد علی (طباطبائی) استاد خود نقل نموده [است. مؤلف آن را از کتاب دیگر خود «الضیاء اللاّمع» استخراج کرده و به فارسی به رشته تحریر درآورده است. کتاب در سال ۱۲۳۱ق تألیف شده و نسخه آن به خط حاج آقا بابا تبریزی خوئی و مورخ ۲۴ ذیقعده ۱۲۶۴ق در کتابخانه سیّد محمّد جزائری در نجف اشرف موجود بوده است.(۱)]

۲. «ضیاء اللاّمع» در شرح مختصر الشرایع ۳. «المسطح السنی فی الرّد علی المنسطح الدکنی»، به عربی موضوع کتاب گفتگو و ردّ و ایرادی است بین مؤلّف و یکی از علماء حیدرآباد، پیرامون ربط حادث و قدیم. تاریخ تألیف ۲۲ شوال ۱۲۲۸ق می باشد. نسخه گویا به خط مؤلف است و به شماره ۳۷۴۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) ۴. «نور العرفاء فی شرح الهیات الشّفاء» در فلسفه به عربی، این کتاب محاکمه ای است بین حاشیه «ملاّ صدرای شیرازی» و حاشیه «آقا حسین خوانساری» بر «الهرات شفا» جلد اوّل آن به شماره ۳۹۶۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳) [۵. «عین الاصول»(۴) ۶. «شرح صمدیه»، به عربی، که محمّدصالح بن احمد بیدگلی در سال ۱۲۱۹ق کتابت کرده است و نسخه آن در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۵)]

۱- الذریعه، ج۱۲، ص۳۴۵؛ الکرام البرره، ج۲، صص ۷۴۱ و ۷۴۲.

۲- فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص۱۳۶.

۳- فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص۳۴۲.

۴- تراجم الرجال، ج۱، صص ۳۰۳ و ۳۰۴.

۵- فهرست مختصر گلپایگانی، ص۴۵۶.

ملّا عبدالعظیم کاشانی

ملّا عبدالعظیم کاشانی، از فضلاء ساکن اصفهان در قرن یازدهم هجری و شاگرد علّامه مجلسی است. علّامه مجلسی اجازه مختصری در اواسط ربیع الثانی ۱۰۶۸ق جهت او در جزء سوم «من لا یحضره الفقیه» نوشته است. این نسخه در کتابخانه مرحوم شیخ عباس قمی در مشهد مقدس موجود بوده است.(۱)

شیخ عبدالعلی اصفهانی

شیخ عبدالعلی اصفهانی نجفی، از بزرگان علماء و زاهد و عابد و صاحب کشف و کرامات بوده [و در قرن سیزدهم هجری می زیسته است.] وی را تألیفاتی بوده است که پس از مرگش از بین رفته است. وی دایی حاج عبدالمطلب تاجر بوده که حاجی مزبور دایی جدّ مادری مؤلّف احسن الودیعه است.

صاحب عنوان در نجف اشرف در محضر صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری به تحصیل پرداخته و سپس در آن شهر مقدس تدریس نموده است. سیّد ابوتراب خوانساری و میرزا محمود بن حسن بن میرزا خلیل طبیب رازی نزد او تحصیل کرده اند. وی در حدود سال ۱۳۰۰ق در شهر نجف وفات یافته و مدفون شده است.(۲)

[مرحوم شیخ محمّد امامی خوانساری وی را از احفاد آقا محمّد بیدآبادی نوشته است. سیّد ابوتراب خوانساری درباره استاد خود میرزا عبدالعلی اصفهانی گوید:

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۵۱؛ الذریعه، ج۱، ص۱۵۲؛ الرّوضه النّضره، ص۳۲۷؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۳۴؛ اجازات الحدیث، ص۷۵؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۱.
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۸؛ احسن الودیعه، ج۲، ص۱۷؛ الکرام البرره، ج۲، ص۷۴۳؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۱۳۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۲۶۳.

«انّه کان جامعا للمعقول و المنقول و مصرّحا باجتهاده استاد الکل الشیخ مرتضی الانصاری»(۱)]

حاج عبدالعلی باقی*

حاج عبدالعلی باقی، از فضلاء و محقّقین معاصر در فروردین ۱۳۰۴ش. در شهرضا متولّد شد. تحصیلات مقدّماتی را نزد ملّا علی نوری (اعمی) و سیّد فضل اللّه حجازی انجام داد. سپس به اصفهان رفت و در مدرسه جده و چندی بعد در مدرسه چهارباغ ساکن شد و نزد حضرات آیات شیخ محمّدباقر نجفی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، سیّد علی اصغر برزانی، شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی فقه و اصول را خواند. همچنین در درس «نهج البلاغه» میرزای علی آقا شیرازی و «شرح تجرید» حاج آقا صدر کوپائی حضور یافت. پس از آن یک سال در قم بود و از آنجا راهی تهران شد و در دانشکده معقول و منقول نزد اساتید آنجا الهی قمشه ای، مشکاه، بهمنیار، عصار، فاضل تونی و راشد تحصیل نمود. در کنار این تحصیلات، دروس حوزوی را نزد علمای تهران: استاد محمود شهابی تربتی، محمّدتقی آملی و سیّد احمد خوانساری تکمیل نمود.

او پس از اتمام تحصیل در کاشمر به تدریس پرداخت و مزار شهید سیّد حسن مدرس در آنجا را تعمیر کرد. در سال ۱۳۳۳ش به خاطر زدن تلگراف به حکومت وقت و اعتراض به بعضی مسائل (به همراه ۹ نفر دیگر) به ۴ سال زندان محکوم شد و از ادامه فعالیت او در اداره فرهنگ جلوگیری شد. پس از مدّتی به دعوت دکتر علی اکبر شهابی رئیس اوقاف کشور، در اداره اوقاف به کار پرداخت و در اراک، اصفهان و قم خدمت کرد در سال ۱۳۵۴ش بنا به نظر مرحوم آیه اللّه سیّد محمّدهادی میلانی مرجع عالیقدر،

۱- دانشمندان خوانسار، ص۳۹۸.

رئیس اوقاف خراسان شـد. مدّتی بعد به خاطر اختلاف با اسـتاندار خراسان (ولیان) به مازندران منتقل شد. در سال ۱۳۵۵ش به خاطر اینکه با تعرضات ثابتی و نصیری در موقوفات نوشهر مخالفت کرد، به فعالیت او در اوقاف خاتمه داده شد.(۱)

او نویسنده ای توانا و شاعری خوش قریحه است و تألیفاتی را به رشته تحریر درآورده است از جمله:

۱. «بهــار ادب» مطبــوع ۲. «مـدرس مجاهـدی شـکست ناپـذیر» مطبـوع۳. «کلیـد نگـارش»۴. «رمز پیروزی»۵. «تاریـخ منظـوم خراسان»۶. «شکوفه های ایمان»۷. «کارنامه اوقاف»

این بیت از اوست:

چه خوش است حال مرغی که اسیر درد باشد به قفس ترانه خواند به زبان بی زبانی(۲)

سیّد عبدالعلی عقدائی

سیّد عبدالعلی عقدائی فرزند سیّد احمد، عالم فاضل جلیل. در عقدای یزد متولّد شده و مقدمات علوم دینی را در مدرسه کاسه گران و نیم آورد اصـفهان تحصـیل کرده. آنگـاه به محضـر آخونـد ملاّ محمّدحسـین فشارکی و آخونـد ملاّ عبـدالکریم گزی حاضر شد و کسب فیض نمود.

سال ها در اصـفهان به شـغل محضـرداری مشـغول بود. او متولّی مدرسه نیم آورد بود و در بین مردم به تواضع مشهور و عالمی خلیق و مهربـان و زیرک و کـاردان بود و در کمـک به ایتـام و فقراء تلاش می نمود. وی در ۸ صفر ۱۳۷۱ق (برابر با ۱۶ آبان ۱۳۳۰ش) وفات یافته و در صحن تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

۱- مدرس مجاهدی شکست ناپذیر: پشت جلد.

۲- تاریخ شهرضا، ج۲، صص ۳۴۴-۳۴۷.

مادّه تاریخ وفاتش چنین است:

سر از بهشت بشیری بلند کرد و گفت: «شدی روانه بفردوس روح عقدایی»(۱)

۱۳۷۱

حاج میرزا عبدالعلی مرندی

حاج میرزا عبدالعلی مرندی فرزند سیّد احمد بن سیّد حسین، عالم فاضل زاهد [از علمای نیمه نخست قرن چهاردهم هجری] پدرش از اهالی «مرند» در آذربایجان بوده و به اصفهان آمده است. صاحب عنوان، از شاگردان آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و آقا شیخ مرتضی ریزی بوده و در شب سه شنبه ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۵۴ق وفات یافته، در بقعه تکیه مرحوم ریزی مدفون گردید.(۲)

عبدالعلی نصراصفهانی*

عبدالعلی نصراصفهانی متخلّص به «نصر» فرزند محمّدباقر، از نوجوانی لب به سرودن شعر گشوده و از محضر استاد محمّدحسین صغیر اصفهانی بهره گرفته است. سال ها در اداره راه به فعالیت مشغول بوده تا اینکه بازنشسته شده است. در انجمن های ادبی اصفهان شرکت می کند.(۳)

میرزا عبدالعلی نحوی

میرزا عبدالعلی نحوی فرزند میرزا محمّدتقی بن حاج محمّدحسین نایب الصّدر

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۴؛ شرح مجموعه گل، صص ۳۷۹-۳۸۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۷۷۸؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۲۵۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۶؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۴۹۹.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، ص۷۹۵.

هرندی اصفهانی، عالم فاضل ادیب [از ادباء و دانشمندان قرن سیزدهم هجری.]

در سال ۱۲۲۲ق متولّد شده و در اصفهان نزد علمای عالیقدری چون شیخ محمّدتقی رازی ایوان کیفی و حاج محمّدابراهیم کلباسی تحصیل کرد و به فراگیری فقه و اصول و ادبیات فارسی و عرب مشغول شد و خصوصا در ادبیات عرب مهارت به سزایی به دست آورد تا جایی که به «نحوی» مشهور شده و به تدریس از مقدمات تا شرح لمعه پرداخت. او عالمی گوشه نشین و دور از شهرت و ریاست بود و علیرغم وسعت علم و فضل ناشناخته بود.

وی در ربیع الاوّل ۱۳۰۶ق وفات یافته و در بقعه سر قبر آقا در محلّه خوابجون اصفهان مدفون شد.(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱ و ۲. دو «شرح بر سیوطی» یکی سی هزار بیت و دیگری شصت هزار بیت ۳. «رساله صیغ العقود» در فقه به فارسی که ملاّ عبدالصمد بن ملاّ علی در سال ۱۳۰۸ق به خط نسخ کتابت کرده و به شماره ۱۱۵۱ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۲) ۴. «رساله عیدیه»۵. «صحیفه المیراث من عدیم الاثاث» در فقه، به فارسی، در احکام ارث، در یک مقدمه و ۱۲ باب و یک خاتمه، که در جمعه ۱۸ جمادی الاولی ۱۲۷۰ق از تألیف آن فراغت یافته و نسخه به شماره ۱۸۱۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳) ۶. رساله در «اوزان نصاب غلاّت چهارگانه» که جمعه ۲۰ رجب ۱۳۰۹ق نوشته شده و ضمن مجموعه شماره ۶۶۳ در کتابخانه دانشکده الهیات و

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۱۶ و ۱۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۶؛ مزارات اصفهان، ص۵۲؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۹۳۸؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۷۵۲ و ۷۵۳.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۲۷.

۳- فهرست مرعشی، ج۵، ص۱۹۵.

معارف اسلامی مشهد مقدس موجود است.(۱) ۷. شرح دعای «یا من ارجوه» از ادعیه ماه مبارک رجب۸. حواشی بر «شرح لمعه» و «قوانین».

میرزا عبدالعلی نائینی

میرزا عبدالعلی بن میرزا محمّدحسین نائینی اصفهانی از خطاطان قرن سیزدهم هجری است. در نائین بوده و خط نستعلیق را خوش می نوشته است.

او در ۵ جمادی الاولی ۱۲۷۷ق در تبریز «ترجمه عهدنامه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام » تألیف: محمّدکاظم (محمّدفاضل مشهدی) را نوشته است. نسخه آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

ترجمه کتاب «بحارالأنوار» را هم به خط نستعلیق در سوم رجب سال ۱۲۹۷ق کتابت کرده است که به شماره ۶۵۴۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

همچنین ترجمه جلد نهم «بحارالأنوار» (که شیخ محمّدتقی آقانجفی آن را به فارسی ترجمه کرده) را درشب نهم ربیع الثانی سال ۱۲۹۷ق به خط نستعلیق به پایان رسانیده و نسخه به شماره ۷۰۷۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۴)

عبدالعلی خوزانی

عبدالعلی شریف بن محمّدرضا خوزانی اصفهانی، خطاط خط نسخ. کتاب های چندی به خط او به چاپ رسیده است.

۱- فهرست الهیات مشهد، ج ۱، ص۴۵۷.

۲- فهرست رضوی، ج۵، ص۴۶.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۱۳۵.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۲۳۸.

عبدالعلی مُذَهِّب اصفهانی*

عبدالعلی مُذَهِّب اصفهانی فرزند میرزا رضا، نقاش و تذهیب کار عهد ناصرالدّین شاه قاجار است.

از کارهای وی تذهیب و تشعیر کتاب «امتحان الفضلاء» میرزا سنگلاخ است که در احوال خط و خطاطان نوشته و تصویر سیاه قلمی خود میرزا سنگلاخ در اوّل کتاب آمده است و تاریخ ۱۲۹۱ق دارد.(۱)

عبدالعلی جزی*

عبدالعلی بن محمّدرفیع جزی [گزی]، از هنرمندان قرن دوازدهم هجری است. از اهالی روستای گز از بلوک بُرخوار اصفهان بوده و در ساختن اسطرلاب مهارت به سزایی داشته است. از آثار او اسطرلابی است که با همکاری برادرش محمّدباقر در سال ۱۱۲۴ق ساخته است.(۲)

عبدالعلی خسروی (قائد بختیاری)*

استاد عبدالعلی خسروی متخلّص به «خسرو» و «خسرو قائد» فرزند غلامحسین بن رستم بن خسرو بن محمّدعلی بن میر قائد بابادی بختیاری، شاعر توانا و محقّق و نویسنده پرتلاش معاصر در ۱۲ مهر ۱۳۰۷ش در ایذه خوزستان متولّد شد.

تحصیلات ابتدائی را در ایذه و هفتگل طی کرد و تحصیلات متوسطه را در اهواز به پایان برد و به استخدام اداره راه آهن درآمد و از آن اداره مأمور به تحصیل در رشته

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص ۴۰۰.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۳۸۳.

بهداشت گردید. در دانشگاه تهران تا مقطع لیسانس تحصیل نمود. پس از آن به اداره فرهنگ و هنر خوزستان منتقل شده و به عنوان معاون نگارش و کتابخانه ها به فعالیّت مشغول شد و در این پست مصدر خدماتی گردید از جمله چندین کتابخانه تأسیس و سایر کتابخانه های استان خوزستان را تجهیز نمود و در طی این سال ها در حمایت و تقویت انجمن های ادبی و هنری خوزستان نقش به سزایی داشت.

استاد خسروی از کودکی ذوق و قریحه شاعری داشت و به سرودن شعر می پرداخت. او در سال ۱۳۶۰ش بازنشسته شد و در سال ۱۳۶۵ش به اصفهان مهاجرت کرد و تا امروز در این شهر اقامت دارد. در اصفهان ابتدا در انجمن ادبی صائب و انجمن خانه هنرمندان شرکت می کرد. سپس به همراهی ده ها تن از ادباء و شعرای بختیاری مقیم اصفهان انجمن ادبی پژمان بختیاری را تأسیس کرد. چندی بعد انجمن ادبی داراب افسر بختیاری را به همراهی جمعی دیگر از شاعران بختیاری در اصفهان تأسیس کرد و ریاست آن را برعهده گرفت.

وی به سبک شعرای قدیم ایران شعر می سراید ولی با شاعران نوگرای شعر نیمایی همچون نیما یوشیج، نادرپور، تولّلی و مشیری همدلی و احساس نزدیکی می کند و شعر آنان را می پسندد. او محقّقی کوشا در گردآوری و احیاء فرهنگ قوم بختیاری است و چندین جلد کتاب در این موضوع به چاپ رسانده است.

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «گلبهار» (مجموعه شعر به گویش محلّی) ۲. «آتش در نخلستان» (مجموعه شعر) ۳. «عروس دالانکوه» مجموعه شعر۴. «تاریخ و فرهنگ بختیاری» (در ۷ جلد) ۵. «در انتظار سپیده دمان»۶. «فرهنگ سیاسی عشایر جنوب ایران»۷. «گویش بختیاری»۸. «بلوط زاگرس» ۹.«یادداشت های قرن بیستم»۱۰. «دیوان قائد بختیاری»

از این کتاب ها تنها دو مورد آخر به چاپ نرسیده اند.(۱)

این چند بیت از یکی از مدایح استاد خسروی است:

قبر امام هشتم دین قبله من است زیرا که تربتش ز گل خاک میهن است

آن کس که خوانده زار و غریبش در این دیار با همّت غریب نوازانه دشمن است

تا تربتش به دیده ما همچو توتیاست او را به جام مردمک دیده مسکن است

ایران اگر که بارگهش را به زر نهاد نقش کرامتی ز کریمان مبرهن است

[...]

ما میزبان حیله گر کوفه نیستیم نام علی رضای دل و قوّت من است

نام رضا به قامت ایمان ما رساست دیوان او به شعر دل و جان مدون است(۲)

عبدالعلی غفوری*

عبدالعلی غفوری فرزند فضل اللّه، از شعراء و نویسندگان معاصر اصفهان. در مهرماه ۱۳۲۹ش در «وَرزَنه» متولّد شد. تحصیلات ابتدائی را در زادگاه خود به پایان برد.

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با استاد خسروی در تیرماه ۱۳۸۹ش.

۲- هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۴۹۷، مورّخ ۲۰ اسفند ۱۳۷۶، ص۷.

سپس در دبیرستان ادب اصفهان دوره متوسّطه را گذراند و دیپلم ادبی گرفت. سپس در دانشگاه اصفهان تحصیلات عالی را طی نمود و لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفت. وی پس از استخدام در آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۱ش به تدریس در دبیرستان های اصفهان همچون دبیرستان هاتف و هنرستان سروش پرداخت و در سال ۱۳۷۹ش بازنشسته شد. وی از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته و در سرودن غزل و رباعی و مثنوی مهارت دارد و در انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن ادبی حافظ شرکت می کند. این کتاب ها از آثار اوست:

۱. «داستان های شاهنامه» در ۱۷ جلد، که ۳ جلد از آنها در سال ۱۳۷۳ش چاپ شده است. ۲. «شازده کوچولو» از آنتوان دوسنت اگزوپری، نویسنده فرانسوی (به صورت منظوم) ۳. «بوسه بر مهتاب» (مجموعه شعر) ۴. «مژده آفتاب» (مجموعه شعر) (۱)

از اوست:

به سست عهدی سخت زمانه می خندم فسانه بوده جهان، بر فسانه می خندم

نشسته دجله اشکم به خشکسالی و من به جای گریه و آه شبانه می خندم(۲)

عبدالعلی اصفهانی

عبدالعلی بن محمّدکاظم اصفهانی، [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] نسخه ای از «قوانین المحکمه» را کتابت نموده و به شماره ۴۶۹ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آقای عبدالعلی غفوری در روز ۲۱ آبان ۱۳۸۳ش.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش نخست) ، صص ۵۳۵ و ۵۳۶.

موجود است.(۱)

ملّا عبدالعلی هرندی

ملّا عبـدالعلی بن محمّـد هرنـدی اصـفهانی، عالم فاضل [از علمای قرن سـیزدهم هجری] کتابی در منطق، که شامل حواشـی بر «تهـذیب المنطق» است را در سال ۱۲۷۹ق تألیف کرده و آن را «طرائف الحبیب» نامیده است. نسـخه به شـماره ۶۸ در کتابخانه مدرسه رضویه قم موجود است.(۲)

عبدالعلی ادیب برومند

عبدالعلی برومند متخلّص «ادیب» فرزند مصطفی قلی خان شاعر ادیب و نویسنده محقّق. [در ۲۱ خرداد ۱۳۰۳ش] در قصبه «گز» از بلوک برخوار اصـفهان متولّد شد. خواندن و نوشـتن و یادگیری خط را در زادگاه خود انجام داد. سـپس به اصـفهان رفت و [در مـدرسه ملّی فرهنـگ تـا سوم متوسـطه را طی کرد آنگـاه به دبیرسـتان صـارمیّه رفته و[دیپلم گرفت. او در تهران در رشـته حقوق ادامه تحصیل داده و در سال ۱۳۲۴ش از دانشگاه تهران لیسانس گرفت و به حرفه وکالت روی آورد.

[از نوجوانی به سـرودن شـعر پرداخته و به مطالعه اشعار شاعران بزرگ فارسی مشغول شد و اغلب از اشعار «ملک الشعراء بهار» و «ایرج میرزا» پیروی نمود. در سال ۱۳۲۳ش اولین مجموعه شعر خود: «ناله های وطن» را چاپ کرد و از سال بعد اشعارش در مطبوعـات تهران به چـاپ می رسـید. او در فعالیت های سیاسـی ملی شـدن نفت نقش فعالی داشت و عضو جبهه ملّی بود و در این اواخر پس از مرحوم پرویز ورجاوند رهبری

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۴۵.

۲- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص۲۹.

این جبهه به او سپرده شد.]

این کتاب ها از او به چاپ رسیده است:

۱. «افکار امروز» ۲. «ناله های وطن» (نظم و نثر) ۳. «سرود رهایی» (شعر) ۴. «درد آشنا» (غزلیات) [۵. «پیام آزادی» (شعر) ۶. «راز پرواز» (اشعار مذهبی) ۷. «مثنوی اصفهان»۸. «هنر قلمدان» (پژوهش هنری) ۹. «به پیشگاه فردوسی» (مجموعه سخنرانی و شعر) ۱۰. «مجموعه مقالات» ۱۱. تصحیح «دیوان حافظ» ۱۲. تصحیح «داستان سیاوش و رفتن گیو به ترکستان»، از شاهنامه ۱۳. تصحیح «خردنامه» تألیف: ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی ۱۴. تصحیح «تذکره خلاصه الاشعار» ۱۵. «حاصل هستی» (مجموعه شعر)

برخی از آثار چاپ نشده وی نیز اینهاست:

۱۶. «گرامی داشت ها» (شعر) ۱۷. «پراکنده ها» (اشعار در قالب های گوناگون) ۱۸. «اشعار توصیفی» (درباره تجلیّات طبیعت و آثار هنری) ۱۹. «سوگ یادهای خانوادگی» ۲۰. «دیداری از زادگاه»

ادیب برومند به عنوان شاعری مردمی و استاد در اشعار سنّتی و مسلط بر ادبیات فارسی، شهرت به سزایی دارد و همیشه اشعارش با استقبال مخاطبان مواجه بوده است.

این شعر از اوست:

در بهاران سیر گلگشت و چمنزاران خوش است سیر گلگشت و چمن با لاله رخساران خوش است

در کنار جویباران صحبت جانان نکوست در میان سبزه زاران بزم دلداران خوش است(۱)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۱-۳۳؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۱، صص ۲۳۵-۲۴۰؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، صص ۸۷۸-۸۷۹؛ حاصل هستی، صص ۱۱-۱۵.

عبدالعلی محمّدآبادی جرقویه ای

عبـدالعلی بن ملاّـ محمّـد نبی محمّـدآبادی جرقویه ای [خطاط نسـخ نویس در قرن سـیزدهم هجری] در چهارشـنبه ۲۵ جمادی الثّانیه ۱۲۵۲ق کتابت «دیوان مجنون عامری» را به خط نسخ به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۱۶۲۷ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

[از آثار او کتابت یک جلد قرآن کریم است که آن را به خط نسخ زیبا در ۱۵ ذیحجه سال ۱۲۴۵ق کتابت کرده است.(۲)]

شیخ عبدالعلی رشتی

شیـخ عبـدالعلی مـاسوله ای رشتی [از علمای قرن سـیزدهم هجری] عالم فاضل. در اصـفهان ساکن بوده و تـدریس می نموده و جمعی از فضلاء از محضر درس او مستفیض می شده اند. شیخ محسن بن محمّدرفیع رشتی اصفهانی از او اجازه گرفته است.

صاحب عنوان در اصفهان وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

شیخ عبدالعلی قدسی نجفی

شیـخ عبـدالعلی قدسـی نجفی، از علمـای معاصـر اصـفهان [پس از تحصـیل علوم دینی، به قضاوت در دادگاه پرداخته و] داماد میرزا ابـوالحسن بروجردی بوده است. سـرانجام در [۱۴ رمضان] ۱۳۹۰ق وفـات یـافته و در بقعه تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۴)

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۳، ص۷۴۹.

۲- گرکویه، صص ۳۱۳ و ۳۱۴.

۳- تراجم الرجال، ج۱، ص۳۰۵.

۴- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۷؛ بوستان فضیلت، ص ۶۰.

عبدالعلی نگارنده*

عبدالعلی نگارنده، از شعراء و سخنوران معاصر در سال ۱۲۷۸ش در اصفهان متولّد شد و نزد اساتید شعر و ادب به تحصیل پرداخت. سپس به بین النهرین رفته و در فقه و اصول و ادبیات عرب نزد دانشمندان آن دیار ادامه تحصیل داد. آنگاه به ایران بازگشته و به استخدام ارتش درآمد و به خدمت پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۳۶ش با درجه سرگردی بازنشسته شد.

او سال ها مقیم مشهد بود و در سال ۱۳۲۶ش انجمن ادبی فردوسی را تأسیس کرد که بسیاری از شعراء و ادبای مشهور خراسان عضو آن بودند. خود او ابتدا «سرباز» تخلّص می کرد ولی آن را به «نگارنده» تغییر داد.

وی سرانجام در سال ۱۳۴۶ش وفات یافته و در مزار ابن بابویه در شهرری مدفون شد. این کتاب ها از آثار اوست:

۱. «شرار اندیشه» که در سال ۱۳۴۴ش به چاپ رسید.۲. «الفبای شعر»۳. «آیین من»

این شعر از اوست:

اشکم به یادروی تو چون ریخت روی گل هم شرح حال من شد و هم آبروی گل

هر جا که هست بلبل شوریده ای چو من دارد هماره با دل خود گفتگوی گل(۱)

۱- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۶، صص ۳۶۸۰ و ۳۶۸۱.

میر عبدالغفار اردستانی*

میر عبدالغفار اردستانی، از سخنوران و شعرای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری. ظاهرا از سادات زوّاره است. اغلب در زوّاره و اردستان بود. این رباعی از اوست:

شیرین دهنت گران شکر می ریزد رویت که از آن سنبل تر می ریزد

خوشحال کسی که صبح از بستر خواب سروی چو تو در کنار بر می خیزد(۱)

میرزا عبدالغفار پاقلعه ای

میرزا عبدالغفار پاقلعه ای اصفهانی متخلّص به «سحاب» فرزند محمّدحسن، [خطاط، شاعر و منجم دانشمند اواخر دوره قاجاریه، جامع فضائل علمی و اخلاقی، از اهالی محلّه پاقلعه اصفهان بوده و فقه و اصول را از میرزا محمّدهاشم چهارسوقی، هیئت و نجوم را از میرزا حسن بن دوست محمّد منجم و ادبیات را نزد رضاقلی خان همای شیرازی آموخت.

او سال ها در محله پاقلعه به تدریس مشغول بود. در انشاء و تحریر اسناد معاملات و قباله مناحکات دستی توانا داشت و خطوط نسخ و نستعلیق را خوش می نوشت. در شعر و شاعری نیز ماهر بود.(۲)] وی در سن قریب به هشتاد سالگی در ماه شوال ۱۳۳۶ق وفات یافته و در تکیه سیّد العراقین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۳)

میرزا عبدالغفار پاقلعه ای نسخه ای از «دیوان همای شیرازی» را به خط نسخ عالی

۱- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، صص ۲۵۶۹ و ۲۵۷۰.

۲- دیوان طرب، صص ۶۳ و ۶۴؛ کارنامه همایی، صص ۴۲ و ۴۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۹۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۴.

کتابت کرده و در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱) همچنین کتاب «جنگ روسیه و فتح ترکستان» را در ۱۵ محرم ۱۳۰۱ق کتابت کرده که در کتابخانه عمومی اصفهان موجود بوده است.(۲)

حاج میرزا عبدالغفار تویسرکانی

حاج میرزا عبدالغفار بن سیّد محمّدحسین تویسرکانی، عالم فاضل جلیل و مجتهد بارع. [از علمای عالیقدر اواخر دوره قاجاریه] در تویسرکان متولّد شده و در سال ۱۲۶۶ق به اصفهان مهاجرت نمود. و نزد ملاّ حسینعلی تویسرکانی، آقا سیّد حسن مدرس و دیگران تحصیل کرده و از استاد اوّل و آقا میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) اجازه دریافت نموده است.

او هم درس صاحب روضات بوده و از مشوقین او در تألیف کتاب «روضات الجنّات» است. جمعی از خواصّ طلاّب و تُجّار و اخیار اصفهان مرید او بودند و خود او در مسجد حاج محمّدجعفر آباده ای اقامه جماعت می نمود. سرانجام در ۲۲ ربیع الثّانی ۱۳۱۹ق وفات یافته و در تخت فولاد در تکیه ای مخصوص مدفون شد.(۳)

مادّه تاریخ وفاتش این است:

او پای خود نهاد به جمع و چنین سرود: «افسوس افقه العلماء از جهان برفت»

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۰۵.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۸۷.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۷؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۱۷۰؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۱۴۷.

۱. «بشاره المذنبین» در اعتقادات به فارسی، که نسخه آن به شماره ۷۳۲۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۱) ۲. «حقیقت ایمان» در اعتقادات، به فارسی، که به شماره ۷۵۵۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) ۳. «الجراب» کتابی کشکول مانند.

عبدالغفار اصفهانی

عبدالغفار بن عبداللّه اصفهانی [خوشنویس ادیب در اوایل قرن سیزدهم هجری] در یکم رجب لوی ئیل ۱۲۱۱ق «دیوان عاشق اصفهانی» را به خط نستعلیق نوشته که به شماره ۵۲۰۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳)

[او همچنین «جهانگشای نادری» تألیف: میرزا محمّدمهدی استرآبادی را به خط نستعلیق در ۱۹ رمضان ۱۲۲۳ق کتابت کرده که به شماره ۸۳۳۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۴)]

میرزا عبدالغفار نجم الدّوله

میرزا عبدالغفار نجم الدّوله فرزند میرزا علی محمّـد محلّه نوئی اصفهانی [دانشمند گرانمایه، منجم، ریاضیدان و جغرافیدان نامدار دوره قاجاریه] از مفاخر علمی ایران، در ذیقعده ۱۲۵۹ق [و به نوشته برخی از نویسندگان: ربیع الاوّل ۱۲۵۵ق] متولّد شده و تحصیلات خود را نزد پدر انجام داده و بسیاری از علوم را با مطالعه آموخت [او قبل از

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۱۲۶؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۳۱۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۹، صص ۳۵۴ و ۳۵۵.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۵، ص۴۱۴۹.

۴- فهرست مختصر مجلس، ص۲۵۸.

۲۰ سالگی به تدریس در مدرسه دارالفنون مشغول شد و در آن مدرسه حساب، هندسه، مثلثات، جبر، نقشه کشی، مسّاحی، پل سازی، تدابیر جنگی و جغرافیا را تدریس کرد. از اقدامات او تهیه اولین آمار جمعیت شهر طهران در سال ۱۲۸۴ق و تهیه نقشه شهر طهران در سال ۱۳۰۹ق بود. همچنین در سال ۱۲۹۹ق جهت بررسی اوضاع خوزستان جهت احداث سد در اهواز، با جمعی از مهندسین، به خوزستان رفت که حاصل آن کتاب «سفرنامه عربستان» (خوزستان) است.

او در دربار ناصرالدّین شاه منصب منجم باشی را پذیرفته و در سال ۱۲۹۰ق لقب «نجم الملک» و سپس نجم الدّوله را دریافت کرد. کتاب های او اغلب در مدرسه دارالفنون تدریس می شدند. نجم الدّوله از بنیان گذاران علوم جدید در ایران خصوصا جغرافیا به شمار می رود.]

او سرانجام در ۱۴ جمادی الاولی ۱۳۲۶ق در طهران وفات یافته [و در مقبره صفائیه شهرری مدفون شد.(۱)]

کتب زیر از تألیفات اوست:

[۱. «ابعاد مابین بلاد» که در سال ۱۲۷۹ق تألیف شده و به شماره ۴۲۴۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم نگهداری می شود.(۲)] ۲. «اصول مثلثات مستقیم الخطوط»۳. «اصول علم جغرافیا» که در سال ۱۲۸۹ق چاپ سنگی شده است.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۷۹ و ۷۸۰؛ تاریخ طهران (بلاغی) ، ص ۲۵۰؛ الذریعه: مُجَلَّدات مختلف؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۱۳۶؛ مکارم الآثار، ج۵، صص ۱۵۹۹ و ۱۶۰۰؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۱۴۸؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص۱۹۵؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۲۱۰۹؛ جغرافیا در ایران، صص ۱۲۷-۱۲۹؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۱، صص ۲۵۹ و ۲۶۰؛ تاریخ مؤسسات تمدّنی جدید در ایران، ج۱، ص۲۸۵؛ شرح حال رجال ایران، ج۲، صص ۲۷۳ و ۲۷۴؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، صص ۸۹۱-۸۹۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۲۴۷؛ تراجم الرجال، ج۱، ص ۳۱۰.

۴. «اطلس تازه جغرافیا» ۵. «بدایه الجبر» مطبوع ۶. «بدایه الحساب»، مطبوع ۷. «بدایه الهندسه»، در سال ۱۳۲۲ق در طهران چاپ سنگی شده است. [۸. «اصول هندسه» یا «کفایه الهندسه» که به شماره ۵/۱۰۳۲۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)] ۹. «بدایه النّجوم» ۱۰. «ترجمه آسمان» تألیف: «کیلمن» فرانسوی، موجود به شماره ۳۶۳۸ در کتابخانه ملک طهران(۲) ۱۰. «ترجمه اصول حکمت فلسفه» تألیف: «موسیو لابه ادوارد بارب»، موجود در کتابخانه دانشکده حقوق طهران(۳) [۱۱. «تشخیص نفوس دارالخلافه» یا «آمار جمعیت طهران» که به شماره ۵/۹۸۱۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)] ۱۲. «تطبیقیّه» ۱۳. «حساب جدید» [۱۴. «حل مسائل سبع» در حال مسائل هفت گانه مذکور در کتاب «خلاصه الحساب» مطبوع [۱۴. «فروع علم جغرافیا» ۱۵. «قانون ناصری» در هیئت جدید نسخه ای از آن در کتابخانه مؤسسه کاما گنجینه مانکجی، در شهر بمبئی هند(۵) و نسخه ای دیگر در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۹۸۸۴ موجود است.(۶) ۱۶. «سفرنامه خوزستان» که به چاپ رسیده [و نسخه های خطی متعددی از آن در کتابخانه های مجلس سنای سابق و مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۷)] ۱۷. «کافی در ترسیم کانونی نقشه های توپوگرافی» موجود به شماره ۹۳۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران.(۸) ۱۸. «کفایه الجغرافی» که در سال ۱۳۱۹ق چاپ سنگی شده است. ۱۹. «کفایه الحساب» که در

۱- فهرست مرعشی، ج۲۶، صص ۲۶۱ و ۲۶۲.

۲- فهرست ملک، ج۲، ص۴.

۳- فهرست حقوق، ص۱۵.

۴- فهرست مرعشی، ج۲۵، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۵- فهرست نسخه های خطی فارسی بمبئی، ص۳.

۶- فهرست رضوی، ج۸، ص۲۵۸.

۷- فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، صص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۸- فهرست اهدایی مشکاه به دانشگاه، ج۴، ص۹۲۹.

سال ۱۲۹۱ق چاپ سنگی شده است. ۲۰. «مثلثات البسیطه» ۲۱. «نهایه الحساب» ۲۲. «وسیط الحساب» ۲۳. «هیئت جدید» ۲۴. «جدول لگاریتم»

عبدالغفار فریب اصفهانی

عبدالغفار اصفهانی متخلّص به «فریب» فرزند فتحعلی، خوشنویس شاعر و ادیب دانشمند در قرن سیزدهم هجری. در اغلب علوم زمان خود خصوصا طب مهارت داشته و در اصفهان به طبابت مشغول بوده است. خط نستعلیق را نیکو می نوشته و بدین مناسبت ابتدا «خطاط» تخلّص می نمود سپس آن را به «فریب» تغییر داد.

«رساله ای در طب» به عربی و منظومه ای در «تشریح» به فارسی نوشته و تا سال ۱۲۸۸ق در قید حیات بوده است.(۱)

از اوست:

این نکویان که به زیبایی و خوبی سمرند حیف و صد حیف کز آیین وفا بی خبرند

ملاّ عبدالغفار رشتی

ملاّ عبدالغفار بن محمّد بن یحیی رشتی جیلانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری و از تلامذه میرداماد است. و «رساله لوایح جامی را در سال ۱۰۲۰ق. کتابت نموده و در کتابخانه دانشکده حقوق طهران موجود است.(۲)

[در اصفهان به تحصیل و تحقیق مشغول بوده و اغلب، تألیفات میرداماد را کتابت

۱- مجمع الفصحا، ج۵، صص ۸۲۰ و ۸۲۷؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، صص ۴۰۴ و ۴۰۵؛ فرهنگ سه هزار تن از بزرگان و ناموران ایران، ص۸۸۶؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۴۰۹؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۳۷۲.
۲- فهرست حقوق، ص۱۸۱.

می نموده و گـاهی در حواشـی مطـالبی می نوشـته است. از جمله «حاشـیه الایماضات» که حواشـی اوست بر کتاب «ایماضات» اسـتادش میرامـاد و در کتابخـانه مرحوم مجـدالعلماء نجفی در اصـفهان موجود بوده است. او همچنین «حاشـیه التقـدیسات» و «معلّقات علی السّبع الشّداد» (که به شماره ۱۸۶۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است) هر دو از تألیفات میرداماد را کتابت کرده است.(۱)]

از دیگر تألیفـات ملاّ عبـدالغفار «حاشـیه علی حاشـیه خفریه علی شـرح جدیـد تجریـد» است که میرزا عبـداللّه افنـدی (صاحب «ریاض العلماء») آن را نزد احفادش در رشت دیده بوده است.(۲)

آقا عبدالغفار شیرازی*

آقا عبدالغفار شـیرازی، از خوشـنویسان خط نسخ در قرن سـیزدهم هجری. اصـلش از شیراز و توطّن او در محلّه لنبان اصفهان و شغلش کتابت قرآن و از معاشران و مصاحبان آقا محمّدکاظم واله بوده است.

میرزا فضل اللّه خاوری شـیرازی در سـفری که به سال ۱۲۲۲ق (عهـد فتحعلی شاه) به اصـفهان آمده و مهمان واله بوده است از وی نام می برد و می گوید: «آقا عبدالغفار شیرازی در منزل رجبعلی خان لنبانی مشغول کتابت قرآن است.»(۳)

ملاّ عبدالغفار لوائی کرمانی

ملاّ عبدالغفار کرمانی متخلّص به «لوائی» از فضلاء و ادبای قرن سیزدهم هجری

۱- حکیم استرآباد میرداماد، صص ۱۲۱، ۱۶۱ و ۱۷۱.

۲- الذریعه، ج۶، ص۶۶.

۳- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۱۶۴.

است. در علوم زمانه خود مهارت داشته و در اصفهان به تدریس می پرداخته است. شعر بسیار گفته که اغلب در مدایح و مراثی معصومین علیهم السلام است. تا سال ۱۲۷۰ق در قید حیات بوده است.(۱)

حاج عبدالغفور عالی قزوینی

حاج عبدالغفور قزوینی اصفهانی متخلّص به «عالی» فرزند حاج محمّدباقر، شاعر ادیب در قرن سیزدهم هجری. جدّش حاج عبدالغفور از تجار معروف و اصلاً از قزوین بوده و سلسله او در اصفهان به حاج غفوری شهرت داشته اند. میرزا عبدالغفور در اصفهان متولّد شده و جهت تحصیل به عتبات عالیات رفت و پس از مدتی تحصیل به اصفهان مراجعت کرد. گاهی به اقتضای حال شعر می گفت و در سال هزار و دویست و هشتاد و اندی وفات یافت.

از اوست:

دوش آشفته دل از زلف تو سودا می کرد تا سحر خون به دل عنبرسا می کرد(۲)

میرزا عبدالغفور شمس القُرّاء

میرزا عبدالغفور [شمس الشرق فرزند علی محمّد، معروف به] شمس القُرّاء از اساتید فن قرائت و تجوید در اصفهان [بود] و در این اواخر استاد مسلّم و وحید به شمار می رفت. تجوید و قرائت را از شیخ محمّد بن محمّدباقر عاصم کاشانی و سیّد علی

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۴۹۵.

۲- تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، صص ۱۱۶۱-۱۱۶۳؛ تذکره مدایح معتمدیه: خطی.

زنجیره فروش فرا گرفت و در مسجد آقانور جلسه قرائت منعقد نموده و در برخی منازل و مساجد دیگر نیز جلساتی داشت و عموم قرّاء کنونی اصفهان از شاگردان او می باشند.

[دارای صدایی بسیار خوب و جذاب و غرّاء بود و در تیمچه ملک در بازار اصفهان، منشی حاج عبدالعلی فیض بود و در خیابان ابن سینا سکونت داشت. او در اواخر عمر بینایی خود را از دست داد و] در شب سه شنبه ۱۸ شوال ۱۳۸۳ق [مطابق با ۱۸ اسفند ۱۳۴۲ش] به سن قریب به ۹۰ سالگی وفات یافته و در تخت فولاد [صحن تکیه سیّد العراقین] مدفون گردید.

او کتاب استادش محمّدعاصم کاشانی: «وجیزه التّجوید» را کتابت و تصحیح کرده که در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

ملاّ عبدالغفور رویدشتی*

ملاّ عبدالغفور بن عنایت اللّه رویدشتی، از فضلاء قرن یازدهم هجری و به احتمال قوی فرزند ملاّ عنایت اللّه قهپائی رویدشتی (صاحب مجمع الرّجال) است. در اصفهان به تحصیل علم مشغول بوده و ظاهرا نزد میر محمّداسماعیل خاتون آبادی کسب فیض می نموده است.

او نسخه ای از «تلخیص المقال» را در سه شنبه ۸ شعبان ۱۰۷۲ق کتابت نموده و سپس با دقّت آن را مقابله کرده است.(۲) او در ۲۰ محرم الحرام ۱۰۸۵ق نسخه ای از «کافی» تألیف: شیخ کلینی را کتابت نموده که به شماره ۴۱۶۰ در کتابخانه وزیری یزد وجود دارد.(۳) همچنین کتاب «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی را در پنج شنبه غرّه ربیع الاوّل سال ۱۰۸۸ق کتابت نموده که در کتابخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان وجود

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۳؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۹۲؛ شرح مجموعه گل، صص ۳۹۸ و ۳۹۹؛ اساتید و قاریان قرآن اصفهان، صص ۵۵ و ۵۶.

۲- تراجم الرجال، ج۱، ص۳۱۱.

۳- فهرست وزیری، ج۱، ص۲۷۵.

دارد.(۱)

میر عبدالغنی اصفهانی

میر عبدالغنی اصفهانی، عالم فاضل، فقیه محدّث و محقّق مدقّق از علمای قرن دوازدهم هجری. در کام فیروز فارس ساکن بود. شیخ محمّدعلی حزین در سفر خود به فارس، او را دیده و مدتی معاشر او بوده است. حزین می نویسد: «رساله ای در مواریث نوشته بود، به نظر فقیر رسانید و به غایت منقّح نوشته بود.»(۲)

[مرحوم شیخ علی دوانی نام او را «میر عبدالنّبی اصفهانی» ضبط کرده، ولی در «تاریخ حزین» چاپ اصفهان، نام او «میر عبدالغنی» ضبط شده است.]

سیّد عبدالغنی حسینی دهدشتی

سیّد عبدالغنی بن عبدالغفار حسین دهدشتی [از فضلاء قرن دوازدهم هجری] در پنجم رجب ۱۱۲۲ق در اصفهان کتابت مجموعه ای از سه کتاب را به خط نستعلیق به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۵۲۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

میر عبدالغنی خاتون آبادی

میر عبدالغنی بن میرمعصوم بن میرعبدالحسین خاتون آبادی، عالم فاضل. در ۲۳ رجب ۱۱۰۰ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر تحصیل کرده و شیخ الاسلام

۱- فهرست ارشاد کاشان، ص۲۶.

۲- تاریخ حزین، (چاپ اصفهان) ، ص۴۲؛ الذریعه، ج۱، ص۴۴۵؛ الکواکب المنتشره، ص۴۴۱؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۲۳۵.

۳- فهرست مرعشی، ج۲، ص۱۳۱.

اصـفهان بوده است. مشارالیه در روز دوشـنبه غرّه شهر رمضان المبارک سال ۱۱۶۱ق در اصـفهان وفات یافته و در تخت فولاد [پای دیوار بقعه آقا محمّد بیدآبادی] مدفون شد.(۱)

میر عبدالغنی تفرشی

میر عبـدالغنی تفرشـی، [از شـعراء و ادبای قرن دوازدهم هجری] از احفاد میر عبـدالغنی تفرشـی (اوّل) [به قول میرزا محمّـدعلی حزین که معاصـر اوست] «فقیر به شـعرفهمی و سـخن شناسـی او کسـی ندیده ام. در ذکاء و اسـتقامت سلیقه بی نظیر و تحصیل متـداولات علوم نموده، در جوانی وداع دیر ناسوتی نموده، داغ جـدایی بر دل مسـتمند گـذاشت. اگر فرصت می یافت یکی از افاضل اعلام می شد. طبع مشکل پسندش به گفتن شعر کم تر التفات می نمود.»(۲)

[جـدّش میر عبدالغنی تفرشـی (اوّل) در شـیراز نزد میر ابوالقاسم کازرونی تحصـیل کرد. از مریدان ملاّ محمّد صوفی بود. و در عصر شاه عباس اوّل وفات نمود.(۳)

میر عبدالغنی تفرشـی اوّل «شـرح البدایه و الهدایه» از شهید ثانی را به خط نستعلیق کتابت کرده که به شماره ۴۴۲۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۴)]

این شعر از او [عبدالغنی تفرشی دوّم] است.

۱- رجال اصفهان، ص۲۱۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۸۳؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۴۶؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۵۱؛ دومین دوگفتار، ص۷۵.

۲- تذکره المعاصرین حزین، صص ۱۸۷ و ۱۸۸؛ صحف ابراهیم، ص۲۰۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۸۲.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۳۷۵؛ سُلّم السموات، ص۳۲۱؛ منتخب اللطایف، ص۴۸۵.

۴- فهرست مختصر مجلس، ص۴۷۴.

عمری به ره وفا نشستیم عبث دل جز تو به دیگری نبستیم عبث

در کوی تو قرب هر سگی بیش از ماست ما این همه استخوان شکستیم عبث

سیّد عبدالغنی (غنی)

حاج سیّد عبدالغنی [اصفهانی] متخلّص به «غنی» از شعرای قرن چهاردهم هجری. از اعضای قدیمی و محتوم انجمن ادبی شیدا بود و اشعارش در مجلّه دانشکده به طبع می رسید. غزل را به سبک قدما نیکو می ساخت. از اشعار اوست:

کسی به جز دلدار از حال دلم آگاه نیست زانکه در این خانه غیر از او کس را راه نیست

از در میخانه گر زاهد عنان تابد چه باک چون که هر بیگانه ای محرم در این اسرار نیست(۱)

سیّد عبدالغنی نوحی چادگانی

سیّد عبدالغنی نوحی متخلّص به «نوح» فرزند سیّد فتح اللّه از شعرای معاصر. در سال ۱۲۷۲ش در چادگان متولّد گردید و تحصیلات قدیمه و جدیده خویش را در اصفهان انجام داده و از سال ۱۳۰۲ش به خدمت دولت وارد گردید. مدّتی در فریدن و زمانی در دادگستری اصفهان و اخیرا در طهران در بانک ملّی ایران انجام وظیفه می نمود. در حدود سه هزار بیت شعر از غزل و قصیده و رباعی سروده و برخی از آنها را در جراید

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۳۹ و ۳۴۰.

طهران به طبع رسانیده است.

از اشعار اوست:

دل داده ام ز دست و ندانم به دست کیست دانم که جز تو دلبری اندر زمانه نیست

از پیچ و تاب زلف گره گیرت ای صنم پیداست مرغ گمشده من به دام کیست(۱)

عبدالغنی یزدی

عبدالغنی یزدی [از دانشمندان قرن یازدهم هجری] در ۲۴ محرم ۱۰۴۳ق در اصفهان کتاب «تحریر اقلیدس» را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۹۸۶۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

سیّد عبدالفتاح خلیفه سلطانی

سیّد عبدالفتاح خلیفه سلطانی بن ضیاءالدّین محمّد بن میر محمّدصادق بن میر محمّدطاهر بن سیّد علی نواب بن سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان، عالم فاضل محقّق در قرن سیزدهم هجری. مؤلف کتاب های:

۱. «التبر المذاب» ۲. «جهان نما»، در جغرافیای اصفهان۳. «خلد برین» در مواعظ۴. «خلوتخانه» به فارسی در ردّ صوفیه۵. «رازنشان» در ردّ جمیع فرق صوفیه۶. «تذییل تذکره الشعراء»۷. «جوشن داود» در ادعیه [۸. «الحسبیّه» در فقه۹. «حواشی

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۱۷ و ۵۱۸.

۲- فهرست رضوی، ج۸، ص ۶۰.

المجدی» در انساب

شعر نیز می سروده و «نبوی» تخلّص می کرده است.(۱)]

عبدالقادر اصفهانی*

عبدالقادر اصـفهانی، از معماران چیره دست قرن نهم هجری است. او در سال ۸۴۸ق مسجد دباغ خانه را در آنقره (آنکارا) در سرزمین عثمانی (ترکیه امروزی) ساخته است.(۲)

خواجه عبدالقادر بسینانی اصفهانی*

خـواجه عبـدالقادر بسـینانی اصـفهانی، از شـعرای اوایـل قرن یـازدهم هجری. از اهـالی قریه «بسـینان» از توابـع اصـفهان بـوده و پـدرانش همه از بزرگـان و رؤسـای آنجا بوده انـد. خودش مردی کریم الطبع و سـخی بوده و محفل او محلّ اجتماع فضـلاء و ادباء و اهل حال بود. چندی به سودای کیمیا سـرمایه خویش را هزینه کرد. عاقبت به هند سـفر کرده و در سال ۱۰۲۵ق در سن ۹۰ سالگی وفات یافت. این بیت از اوست:

نکردم جان نثار قاصد و شرمنده ام از وی که در اوّل سخن بیهوش کرد از ذوق پیغامم(۳)

۱- الـذریعه، ج۳، ص۳۱۲؛ ج۴، ص۳۷ و ج۵، صـص ۲۸۶ و ۳۰۰؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، صص ۷۸۳ و ۷۸۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۵۲.

۲- معماران ایران، ص۱۶۳.

۳- تـذکره عرفـات العاشـقین، ج۴، ص۴۵۷۳؛ تـذکره روز روشـن، ص۵۲۶؛ کـاروان هنـد، ج۲، صـص ۸۶۴ و ۸۶۵؛ منتخب اللّطایف، ص۴۵۵.

عبدالقادر معلّم اصفهانی

ابوالغنائم عبـدالقادر بن محمّد بن شـجاع بن محمّد بن علی بن ابراهیم معلّم اصـفهانی] از محدّثین عامّه اصـفهان در قرن ششـم هجری] پدرش از اهالی «لفتوان» اصـفهان است. خود او از: عبدالواحد بن محمّد بن احمد بن هیثم و شتج، ابی الحسین علی بن هـاشم بـن طـاهر بن علی طباطبـائی، ابوعبـداللّه هیثم بن هفیم سـلمی و غیره اسـتماع حـدیث کرده و در سـال ۵۳۱ق ابوسعد سمعانی از او در خدمت پدرش استماع حدیث کرده است.(۱)

میرزا عبدالقادر تونی

میرزا عبـدالقادر تونی خراسانی اصـفهانی، از شـعراء و ادبای قرن یازدهم هجری. از بزرگان ناحیه «تون» خراسان بوده و مـدّتی وزیر آنجا بود. در حـدود سال ۱۰۷۸ق به اصـفهان آمده و چون پسـرش را به داشـتن آلات و ادوات سـحر متهم نموده و کور کردند، او هم از غصه و اندوه در اصفهان وفات یافت.

مثنوی «فتح نامه قندهار» که جهت شاه عباس دوم سروده و «دیوان اشعار» از آثار اوست.(۲)

حاج عبدالقادر عاشق آبادی

حاج عبدالقادر عاشق آبادی، عارف کامل، از مشایخ صوفیه [در قرن دوازدهم

۱- التّحبیر، ج۱، ص۴۷۱.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۵۰-۱۵۳؛ الذریعه، ج۹، ص۶۹۱ و ج۱۶، ص۱۰۹ و ج۱۹، ص۲۱۹.

هجری] بوده. و عـده ای کثیر مریـد داشـته [است.] قبرش در تخت فولاـد در کنار جاده و به فاصـله قریب به پنجاه متر خارج از بقعه آقا محمّد بیدآبادی قرار داشت و قبری بلند بسته بود که آن را جهت تعریض جاده خراب کردند و استخوان های او را در صحن تکیه بیدآبادی دفن کردند.(۱)

[از مریـدان او مولانا شـمس الـدّین محمّد خلف فاضل مجتهد مولانا محمّدسـعید گیلانی است که «بعد از تحصـیل بسیاری از فنون علمیّه ذوق سلوک و ریاضات بر و غالب شـد و طرفه شوری و اسـتغراقی وی را فرو گرفت. ترک علوم ظاهریه نموده، به حـاجی عبـدالقادر عاشق آبادی اصـفهانی که خود را از مشایـخ زمان می دانست و مریـدان داشت نسـبت ارادت درست کرد». حاج عبدالقادر فرزندی به نام محمّدتقی داشـته که در عداد خوشـنویسان خط نسخ بوده و بسیار زیبا می نوشته و قرآنی به خط او در کتابخـانه آیت اللّه مرعشـی موجود است. «عـاشق آبـاد»، از دهات غرب اصـفهان در مسـیر جاده اصـفهان - تهران (جاده انوشیروان) بوده است.(۲)]

عبدالقادر محزون بسطامی

عبدالقادر بسطامی اصفهانی متخلّص به «محزون» شاعر و ادیب فاضل در قرن یازدهم هجری.

وی در اصـفهان ساکن بوده و در مدرسه سـلطان حسین و مدرسه مرتضویه به تحصیل علوم دینی می پرداخته است. او در سال ۱۱۱۴ق جُنگی نزدیک به پانصـد بیت و بنـدهایی به نثر از منشآت و جزآن از آثار خود و دیگران ترتیب داده است. این جُنگ به

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۰۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۶.

۲- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۶۱؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

شماره ۳۳۲۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱) [همچنین منظومه «گلشن خیال» از آثار صاحب عنوان است.(۲)]

عبدالقادر نائینی

مولانا عبدالقادر نائینی اصفهانی، از ادباء و شعرای قرن هفتم و از اقران سعدی است. مردی تارک دنیا بود و همواره به قناعت روزگار می گذرانید.

از اشعار اوست:

با خیال چشم تو رضوان که چشم جنّت است حور در چشمش نیامد چشمه کوثر ندید(۳)

میر عبدالکاظم خاتون آبادی

میر عبدالکاظم (محمّدکاظم) بن میر محمّدصادق بن میر عبدالحسین خاتون آبادی، عالم فاضل نسابه [در ۲۷ ذیحجه ۱۰۹۴ق متولّد و] در ۲۱ شعبان ۱۱۵۱ق وفات یافته و در صحن نجف اشرف مدفون گردید. وی مؤلف شجره نامه ای است که در آن سادات خاتون آبادی را تا سال ۱۱۳۹ق نام برده است.(۴)

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۱، ص۲۳۱۲.

۲- تذکره شاعران فارسی سرا، ص۲۰۳.

۳- تذکره الشعراء دولتشاه، ص۱۲۰؛ تذکره عرفات العاشقین، ج۴، صص ۲۳۳۳ و ۲۳۳۴؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۳، ص۱۳۶۶.

۴- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۳۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۹۲؛ الذریعه، ج۸، ص۲۲۱.

شیخ عبدالکبیر جعفری*

حاج شیخ عبدالکبیر جعفری فرزند شیخ عبدالواحد بن شیخ محمّدجعفر وردنجانی چهارمحالی، عالم فاضل صالح معاصر در سال ۱۳۱۶ش متولّد شد. مقدّمات و لمعتین را نزد پدر آموخت سپس به نجف آباد رفته و نزد علمای عالیقدر شیخ نصراللّه قضاوی معروف به «امام» و شیخ غلامحسین منصور ادامه تحصیل داد. آنگاه به قم رفته و نزد حضرات آیات: مشکینی، منتظری و سبحانی به کسب فیض پرداخت. امّا به عللی نتوانست تحصیلات خود را ادامه دهد و به ناچار در اصفهان ساکن شد و نزد حضرات آیات: میر سیّد علی بهبهانی، حاج شیخ عباسعلی ادیب، حاج سیّد مصطفی مهدوی و سیّد ابوتراب مرتضوی به تکمیل معلومات خود پرداخت.

ایشان اکنون علاوه بر تدریس فقه و تفسیر و «نهج البلاغه» در مدرسه نیم آورد، به وعظ و خطابه و ارشاد مردم می پردازد و نماز جماعت را در مسجد میرزا باقر (در محلّه بیدآباد) اقامه می نماید و مورد وثوق قاطبه مؤمنین و متدیّنین اصفهان است.

پدرش شیخ عبدالواحد نیز از فقهاء ناحیه چهارمحال بوده و پس از مدتی تحصیل نزد پدر به نجف اشرف مشرّف گردیده و از درس حضرات آیات: میرزای نائینی، سیّد محمّدکاظم یزدی و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی بهره گرفته و بعد از مراجعت به موطن خویش به ترویج دین و بیان مسائل شرعی پرداخته است. او در حکمت از شاگردان عارف الهی شیخ مرتضی طالقانی بوده و از تربیت معنوی او کامیاب گشته است. شیخ محمّدجعفر از علماء و فضلای دوره قاجاریه بوده و از موطن خود قریه «وردنجان» از توابع چهارمحال به اصفهان مهاجرت نموده و در مدرسه الماسیه (در چهارسو مقصود) ساکن شده و نزد علمای اصفهان خصوصا شیخ محمّدتقی آقانجفی به تحصیل پرداخته است. او پس از تحصیل به چهارمحال مراجعت کرده و مرجع مسائل شرعی مردم آن

حدود و مورد وثوق علماء و اهالی آنجا بوده تا اینکه وفات یافته است.(۱)

ملّا عبدالکریم اشراق بیرجندی

ملّا عبدالکریم بیرجندی متخلّص به «اشراق»، شاعر ادیب، عالم فاضل و حکیم عارف [از دانشمندان قرن دوازدهم هجری.]

سال ها در اصفهان سکونت داشته و از درس آقا محمّد بیدآبادی و سایر علمای اصفهان بهره برده و سپس به وطن خود مراجعت نموده است.

وی چندی به مسافرت در کابل و کشمیر و هند پرداخته و عاقبت در سال ۱۲۲۹ق وفات یافته و در زادگاه خود بیرجند مدفون گردید.

دیوان اشعار او به ضمیمه منشآت و مراسلات او (از جمله مراسلات او با ملّا حمزه گیلانی و آقا محمّد بیدآبادی و شعر در مدح بیدآبادی) نزد مرحوم شیخ محمّدحسین آیتی بیرجندی موجود بوده است. همچنین یک مجموعه «ادعیه» به خط او که در سال ۱۱۹۳ق کتابت نموده بود در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.

از اوست:

رشک خورشید و قمر چهره زیبایی هست نور انجم ز رُخ آینه سیمایی هست

چهره لاله عذاران جهان بین و بگوی گل رخسار بتان را چمن آرائی هست(۲)

۱- نقل از دست نوشته جناب آقای حاج شیخ عبدالکبیر جعفری (سلّمه اللّه تعالی) با تلخیص و تغییر در عبارات.

۲- بهارستان، صص ۱۱۱ و ۲۶۲-۲۶۸؛ سه رساله در علم رجال، ص۲۳؛ فهرست رضوی، ج۱۵، ص ۱۹؛ آشنای حق، صص ۴۳ و ۴۴.

میر عبدالکریم اصفهانی*

میر عبدالکریم اصفهانی، از شعرای قرن دهم هجری و برادر میر عبدالباقی متخلّص به «مقبول» است. در کسب کمال زحمت کشیده و در علم رمل وقوفی کامل داشته است.

از اوست:

مه من شیوه یاری و دلداری نمی داند طریق مهر و آیین وفاداری نمی داند(۱)

عبدالکریم خوراسکانی

عبدالکریم بن ابوالحسن خوراسکانی، از علمای قرن سیزدهم هجری است و دارای خطی نیکو بوده است. در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران آثاری به خط او و مورّخ به سال ۱۲۱۴ق موجود است. که عبارت است از:

مجموعه ای در ادعیه (مانند «مصباح الشریعه» منسوب به حضرت صادق علیه السلام ، «قاطعه اللّجاج» محقّق کرکی و «من لا یحضره التقویم» فیض کاشانی) که به شماره ۹۰۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

[او همچنین نسخه ای از «زاد المعاد» را به خط نسخ در سال ۱۲۲۰ق کتابت نموده که به شماره ۱۲۴۶۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود.(۳)]

۱- تذکره تحفه سامی، ص۷۳.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، صص ۱۵۳۷ و ۱۹۶۷؛ فهرست اهدایی مشکوه، ج۱، ص۱۹۶ و ج۵، ص۱۹۶۷؛ خورشید جی، صص ۲۹۹ و ۳۰۰.

۳- فهرست الفبائی رضوی، ص۲۹۴؛ تاریخ شهر خوراسکان و روستای داران، ص۱۵۱.

عبدالکریم آشفته بختیاری

عبدالکریم خان سالار ارفع بختیاری متخلّص به «آشفته» [فرزند اسفندیارخان سردار اسعد، از شعرای قرن چهاردهم هجری] در حدود سال ۱۳۱۰ق متولّد شد. او اهل شعر و ادب بوده و با فضلاء و ادباء چهارمحال و بختیاری مصاحبت داشت و خود نیز نیکو شعر می سرود. او سرانجام در سال ۱۳۶۳ق [مطابق با ۱۳۲۳ش] وفات یافته و در آرامگاه خانوادگی خوانین بختیاری، در تکیه میر (تخت فولاد) اصفهان مدفون شد. این شعر از اوست:

مه جبین چهره پری وار نداری داری عالمی عاشق و بیمار نداری داری

حسن تو برده گرو از همه خوبان جهان شیوه دلبری ای یار نداری داری

وصل سهل است ولی ناز تو شد مشکل من سر آزار من زار نداری داری(۱)

میرزا عبدالکریم طبیب پوده ای

میرزا کریم (عبدالکریم) طبیب [فرزند حاج اسماعیل از اطباء حاذق قرن چهاردهم هجری] اصلاً از مردم پوده سمیرم و در اصفهان ساکن [بوده] و خصوصا در امراض چشم مهارت داشت. کوچه ای در محله خواجو به نام میرزا کریم به او منسوب است.(۲)

۱- شناخت سرزمین بختیاری، ص۴۹۷؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۰؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- تاریخچه محلّه خواجو، ص۲۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۵.

[وی در ۲۷ جمادی الآخر ۱۳۶۳ق وفات یافته و در تکیه آغاباشی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. شاعر مشهور استاد صغیر اصفهانی ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ او را چنین یافته است:

سالکی سر به جمع کرد و بگفت: «با کریمست جمله کار کریم»(۱)]

ملّا عبدالکریم گزی

ملّا عبدالکریم بن محمّداسماعیل [گزی]، خطاط و نقاش و ادیب شاعر، از شاگردان حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی [از دانشمندان و ادبای قرن سیزدهم هجری و از اهالی قریه «گز» از بلوک «بُرخوار» اصفهان است. پدرش از دهقانان آن دیار بوده و خود او به اصفهان آمده و به تحصیل مشغول شده است. در اکثر علوم مهارت داشته و اغلب خطوط خصوصا ثلث و نسخ را استادانه می نوشته است. در نقاشی و تذهیب و جدول کشی نیز صاحب ذوق و هنر بوده و برخی از کتب استنساخ شده خود را با نقوش زیبا تذهیب و نقاشی می کرده است. در شعر نیز دستی داشته و در مدح استاد خود مرحوم سیّد حجه الاسلام قصایدی سروده است.(۲)]

او چندین مجلد از «مطالع الانوار» تألیف: سیّد حجه الاسلام را به خط نسخ زیبای خود کتابت کرده است:

جلد اوّل «مطالع» را در پنج شنبه یکم ماه صفر ۱۲۵۴ق کتابت کرده که در کتابخانه فاضل ارجمند حاج سیّد مرتضی شهشهانی موجود بوده است. جلد دوم آن که در شنبه ۱۶ جمادی الاوّل ۱۲۴۱ق کتابت شده در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران نگهداری

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۲- تذکره مآثر الباقریه، ص ۱۲۰؛ تراجم الرجال، ج ۱، ص ۳۲۰.

می شود.(۱)

نسخه دیگری از «مطالع» شامل یک دوره ۵ جلدی که دو مجلّد صحّافی شده به شماره ۳۲۸۱ و ۳۲۸۲ و جلد چهارم «مطالع» که در سال ۱۲۴۵ق کتابت شده به شماره ۳۳۰۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲) [نسخه دیگری از آن که در چهارشنبه ۱۶ ذیقعده ۱۲۶۳ق کتابت شده که به خط همین عبدالکریم است.(۳)]

این چند بیت در تقریظ کتاب «مطالع الانوار» و مدح مؤلّف آن، از اوست:

رمزی نهاده و عدم آورده در وجود نقشی کشیده و قلم صنع را نگار

عبدالکریم کاتب آن مخزن علوم بر پای این خزانه اسرار جان نثار

خطی در آن نوشته که یاقوت از آن خجل برده هم از طلای تجلّی در آن به کار

جلدی بر آن صحیفه زده چون در بهشت نقشی بر آن کشیده که مانی از آن فکار

رنجی کشیده زین همه صنعت به دست خویش گنجی ربوده زین همه همّت به روزگار(۴)

سیّد عبدالکریم لاهیجی

سیّد عبدالکریم بن سیّد محمّدرضا حسینی لاهیجی، از فضلای قرن سیزدهم هجری

۱- بیان المفاخر، ج۱، ص۳۳۹.
۲- فهرست مرعشی، ج۹، ص۶۶.
۳- تراجم الرجال، ج۱، ص ۳۲۰.
۴- بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.

است. او در اصـفهان به تحصـیل مشـغول بوده و از درس شـیخ محمّـدتقی رازی (صـاحب هـدایه المسترشـدین) اسـتفاده کرده است.(۱) ظاهرا او از درس سیّد محمّدصادق کتابفروش نیز بهره برده است.

عبدالکریم بصیر اصفهانی

عبـدالکریم بصـیری متخلّص به «بصـیر» فرزنـد حـاج محمّـدرضا بن محمّـدرحیم خوشـنویس بن آقـا غلامعلی بن محمّـدرحیم اصـفهانی، شـاعر و ادیب توانای معاصـر در سال ۱۳۱۶ق (مطـابق سال ۱۲۷۸ش) در اصـفهان متولّـد شده و پس از تحصـیلات قـدیمه و جدیـده وارد کارهای دولتی شـد. او از اعضای انجمن های ادبی شـیدا، کمال، ادیب فرهمند و صائب بود و از اساتید شعر و ادب به شـمار می رفت و در شـعر دارای طبعی سـرشار بود. سـرانجام در مـاه رجب ۱۴۰۹ق [مطابق ۱۱ اسفند ۱۳۶۷ش] وفات یافته و در [قطعه نام آوران [گورستان باغ رضوان مدفون گردید.

[استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) در پایان مرثیه ای مفصل، مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

نوشت از پی تاریخ فوت او «برنا»: «بفنّ شاعری عبدالکریم بوده بصیر»]

۱۴۰۹

از اوست:

هر شب اندر بزم من آن رشک مهر و ماه نیست مونسم جز اشک خونین، همدمم جز آه نیست

از صبا می جستم احوال دل گم کرده دوش گفت در گیسوی پرچینش مرا هم راه نیست(۲)

۱- تراجم الرّجال، ج۱، ص ۳۲۰.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۸۷-۹۰؛ مزارات اصفهان، صص ۱۲۹ و ۱۳۰.

عبدالکریم طولی

عبدالکریم بن شریف اللّه طولی [از فضلاء گمنام قرن یازدهم هجری.] در سال ۱۰۱۳ق در اصفهان نسخه ای از کتاب «حاشیه بر حاشیه لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار» تألیف: مولی میرزاجان باغنوی شیرازی را نوشته و تصحیح نموده [است.] کتاب در کتابخانه جامع گوهرشاد به شماره ۸۵۱ موجود است.(۱)

عبدالکریم ابهری اصفهانی

عبدالکریم بن محمّدصادق ابهری جی اصفهانی، [خطاط نسخ نویس در قرن یازدهم هجری.] در تاریخ پنج شنبه ۲۶ رجب ۱۰۹۱ق کتابت نسخه ای از «تلخیص الشّافی» شیخ طوسی را به خط نسخ به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۳۱۹۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

عبدالکریم نَقنِه ای

عبدالکریم بن عبدالرّحیم، [خطاط نسخ نویس.] در صفر سال ۱۲۵۶ق در «نقنه» سمیرم پائین، «دیوان ادیب صابر» را به خط نسخ خوش نوشته است. کتاب در کتابخانه جامع گوهرشاد به شماره ۷۱۲ موجود است.(۳)

۱- فهرست گوهرشاد، ص۲۶۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۸، ص۴۲۲.

۳- فهرست گوهرشاد، ص۱۱۹.

ملّا عبدالکریم سودائی دستگردی

آخوند حاج ملّا عبدالکریم دستگردی متخلّص به «سودائی» و معروف به «ادیب الشّریعه» و «حاج آخوند» فرزند ملّا عبدالرزاق بن اسماعیل، عالم فاضل و ادیب شاعر. از علماء و شعرای قرن چهاردهم هجری. در غرّه محرم ۱۲۸۱ق در قریه «دستگرد خیار» اصفهان متولّد گردیده و در مولد خویش و اصفهان کسب فضائل و علوم از فقه و اصول و صرف و نحو و غیره نموده و نزد آقا میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) و شیخ محمّدتقی آقانجفی و میرزا محمّدحسن نجفی و دیگران تحصیل نموده و از اساتید نامبرده به کسب اجازه مفتخر گردید.

[در ایام تحصیل عمر به قناعت گذرانیده و از راه کتابت اعاشه می نمود.] او پس از اتمام تحصیلات، در زادگاه خود به تدریس در مکتب خانه و یا جهت اهل فضل و حلّ و فصل مشکلات مردم آن حدود مشغول شد. در شعر صاحب قریحه بود و به فارسی و عربی استادانه شعر می گفت و در انجمن های ادبی اصفهان خصوصا انجمن شیدا شرکت می کرد.

سرانجام در [ربیع الاوّل] ۱۳۵۲ق وفات یافته و در قبرستان عمومی روستای دستگرد مدفون شد.

کتب و رسائل زیر از اوست:

۱. «اجمالی در احوالات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله »۲. «ترجمه الدّرر» در ترجمه کلمات قصار حضرت علی علیه السلام۳. «خسمه طیبه» مجموعه از اشعار اوست در مناقب و مراثی۴. «دیوان قصائد مراثی»، [که در سال ۱۳۵۷ش به خط جلی و خوب ناظم در تهران چاپ و منتشر شد.]۵. «دیوان غزلیّات و رباعیّات»۶. «شمس و قهقهه» به بحر «خسرو و شیرین» نظامی۷. «ضیاء الابصار فی احوال الاطهار»۸. «دیوان گلزار چند قصیده از

سودائی دستگردی» [که به اهتمام دکتر ابراهیم انواری، فرزند شاعر در سال ۱۳۳۶ش به طبع رسید.]۹. «ملتقط اللّغه» که در آن ۱۵ هزار لغت عربی به فارسی ترجمه شده است. ۱۰. منظومه «انوار سهیلی» معروف ترین اثر اوست. و به همین جهت به «ناظم السهیلی» معروف بود و نام فامیلی خود را «انواری» نهاد. [این منظومه در سال ۱۳۷۱ش به اهتمام مهندس حسین انواری فرزند دکتر ابراهیم انواری به طبع رسید.]

دو فرزندش دکتر ابراهیم انواری و محمّدباقر لمعه از شعراء و ادبای زمان خویش به شمار می رفته اند.

این شعر از اوست:

راحت و عشرت و فراغت دل نشود جمع با جهان داری

روغن کنجد ار ببینی صاف یادآور ز سنگ عصّاری(۱)

عبدالکریم حسن آبادی اصفهانی

ابوطاهر عبدالکریم ابوالفتح بن عبدالرزاق بن عبدالکریم بن عبدالواحد بن محمّد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن سلیمان حسن آبادی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری.] از پدرش و ابوبکر باطرقانی [احمد بن فضل و اباعثمان سعید بن ابی سعید عیار و احمد بن محمود ثقفی در اصفهان و ابامحمّد عبداللّه بن محمّد بن هزارمرد صریفینی در بغداد] روایت می کند [و ابوعبداللّه شهردویر بن حسن فواکهی در طبرستان از او استماع حدیث کرده است.]

۱- مجله ارمغان، سال دوم، شماره ۷، مورخ ۱۳۰۰ش، ص۳۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۹۸ و ۹۹؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۵۰-۲۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۸۴ و ۷۸۵؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۳۴۷-۲۳۵۰؛ مؤلفین کتب چاپی، ص۹۲۱.

او پس از سال ۵۰۰ق وفات یافته است. دخترش آمنه نیز محدّثه و عالمه است.(۱)

عبدالکریم جوباری اصفهانی

ابوالوفاء عبدالکریم بن علی بن عیسی بن نعمان اصفهانی جوهری جوباری، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری و از اهالی محلّه جوباره.] از ابوسعید عبدالواحد بن محمّد معلم اصفهانی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث کرده است.(۲)

عبدالکریم اصفهانی

ابوالخیر عبدالکریم بن علی بن محمّد بن علی بن فورجه (فُ - وَ - رَ - جَ - ه) اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

از ابوبکر بن ریذه، ابوالحسین احمد بن محمّد بن فادشاه، ابونصر فضل بن محمّد بن سعد قاشانی، ابومحمّد عبدالعزیز بن احمد بن فاذویه استماع حدیث کرده و در شب دوشنبه ۱۲ شوال ۵۱۲ق وفات یافته است. تولّدش سال ۴۲۸ق بوده است.

ابوسعد سمعانی از او به عنوان «شیخٌ سدیدٌ صالح» یاد کرده و از او اجازه روایت گرفته است.(۳)

میرزا عبدالکریم سرمست

میرزا عبدالکریم متخلّص به «سرمست» و «روحی» فرزند میرزا محمود، ادیب شاعر و

۱- معجم البلدان، ج۲، ص ۲۶۰؛ التّحبیر، ج۲، ص ۳۹۶؛ الانساب، ج۴، ص۱۵۸؛ اللّباب، ج۱، ص۳۶۶؛ گرکویه، ص۱۵۶.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۷۸.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۷۹.

عارف قرن سیزدهم هجری.

در اوائـل جوانی به سال ۱۲۷۰ق به طهران منتقل شـده و سـپس به اصـفهان رفته و در دسـتگاه ظل السـلطان حاکم مقتدر آنجا مـأمور نظام گردیـده است. وی کتاب «حـدیقه الانصاف» را در عرفان به طریق سؤال و جواب در سال ۱۳۰۵ق تألیف کرده که در سال ۱۳۰۷ق چاپ سنگی شده است.(۱)

ملّا عبدالکریم گزی

آخونـد ملّا عبدالکریم گزی فرزند ملّا مهدی بن حاج محمّد بن حاج محمّدباقر بن ملّا علی گزی برخواری اصـفهانی. از اجلّه علماء و فقهاء و مدرّسین و مجتهدین بزرگ و مراجع اصفهان. [در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری] بود.

در حدود سال ۱۲۶۰ق متولّد گردیده و در اصـفهان خدمت میر محمّدصادق کتابفروش و میرزا محمّدحسن نجفی و در نجف در محضـر حاج سـیّد حسـین ترک، حاج میرزا حسـین خلیلی و میرزا حبیب اللّه رشتی تحصـیل نمود. [او] پس از مراجعت، در مدرسه نیم آورد [اصفهان] ساکن و به تدریس و تألیف و ترویج اشتغال جسته و در اثر حسن سلیقه و اخلاق پسندیده و صفات حمیـده که در بین امثـال و اقران خویش بـدان ها ممتاز بوده خواص و عوام را به خود جـذب نموده و مورد توجّه قاطبه طبقات گردیده و ریاست زاید الوصفی به هم رسانید.

[او] تقریبا مدّت ده سال آخر عمر، مرجع تمام مرافعات و حکومات شرعیّه اصفهان و توابع بوده و چون محضر او از کلیّه پیرایه ها عاری و مبرّا بوده و خود شخصا به امور رسیدگی می فرموده و ملاحظه هیچ کدام از دو طرف دعوا نمی نموده و از رشوه و ارتشاء

۱- الذریعه، ج۶، ص ۳۸۰؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص ۹۲۰؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۱۷؛ تذکره شاعران فارسی سرا، ص۱۱۶؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۹۲.

به غایت دور بوده و دعوت هر فقیری را از محلّات بعیده اجابت می فرموده، محبوب القلوب عموم واقع شده [است.]

عالمی خوش بیان [بوده] و مجلس درس و مباحثه و مجالس خصوصی او مشحون از لطایف و ظرایف بوده و شوخی های لطیف و خوش صحبتی ها از او نقل می کنند.

مرحوم گزی در شب پنج شنبه ۱۳ ذیحجه الحرام ۱۳۳۹ق وفات یافته و در تخت فولاد مدفون گردید. سپس مرحوم آقا سیّد محمّدباقر درچه ای را در جنب او دفن کردند و مرحوم حاج محمّدحسین کازرونی جهت ایشان تکیه ای بنیان نهاده که در آن جمعی کثیر از علمای اخیار و فضلاء و تجار مدفون شده اند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه بر طهارت شیخ»۲. «دیوان اشعار» با تخلّص «مهدوی»۳. رساله ای در اصول دین»۴. رساله ای در «صیغ عقود»۵. «رساله عملیه»۶. رساله در «حجیّت مظنه»۷. رساله در «شهرت»۸. «تذکره القبور» که معروف ترین تألیفات ایشان است و در آن شرح حال قریب به یکصد نفر از دانشمندان و علماء و عرفاء و شعرای مدفون در شهر و توابع اصفهان را به طور خلاصه ذکر می کند و کتاب کوچک و مفیدی است و در سال ۱۳۲۸ق در زمان حیات مؤلف به طبع رسیده و از همان روزهای اوّل مورد توجّه واقع شده و جمعی از دانشمندان بر آن حواشی و تتمیم نوشته اند. و نویسنده این کتاب در سال ۱۳۶۹ق برای مرتبه دوم آن را با ملحقات و اضافاتی که چندین برابر اصل کتاب بود به نام «رجال اصفهان» به طبع رسانیدم.(۱)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۷۸۶-۷۸۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۶-۱۰؛ الذریعه، ج۴، ص۴۴ و ج۱۹، ص۹۳؛ نقباء البشر، ج۳، صص ۱۱۸۳ و ۱۱۸۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۴؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، صص ۱۸۱-۱۸۴؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۱۷۸ و ۱۷۹؛ فرهنگ و تاریخ گز و برخوار، صص ۱۱۸-۱۲۰؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص۹۲۹.

این رباعی از اوست:

امروز درخت صنع آورد ورق امروز رسید شام را صبح و شفق

آمد به وجود مهدی آل رسول یعنی زهق الباطل و قد جاء الحق

سیّد عبدالکریم دولت آبادی

سیّد عبدالکریم بن سیّد محمّدهادی حسینی دولت آبادی، عالم فاضل زاهد [از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری.] کتابی در ادعیه و زیارات جمع نموده [بود] که نگارنده [سید مصلح الدّین مهدوی] آن را در منزل احفادش دیده بود.(۱)

کتاب «جامع الفوائد» در دعا، به فارسی در یک مقدمه و شانزده باب و یک خاتمه و هرکدام دارای چندین قسم و فصل است و دو نسخه از آن به شماره های ۳۴۲۶ و ۷۳۰۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

ملاّ عبدالکریم طبسی

ملاّ عبدالکریم بن محمّدهادی طبسی [عالم فاضل، از علمای قرن دوازدهم هجری[شاگرد و مجاز او بهاءالدّین محمّد فاضل هندی. اجازه در پشت صفحه نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» نوشته شده است. این نسخه به شماره ۶۸۰۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است. تاریخ تولد فرزندش ابوالفضل محمّدحسین بن عبدالکریم سال ۱۱۲۴ق بوده است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۹۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۸، ص۲۱۳ و ج۱۹، ص۹۷.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۷؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۳۲۱؛ احوال و آثار بهاءالدّین محمّد اصفهانی، صص ۲۷ و ۲۸.

میرزا عبدالکریم سیمای نطنزی

میرزا عبدالکریم نطنزی متخلّص به «سیما» شاعر ادیب فاضل و عارف دانشمند. از شعرای قرن سیزدهم هجری. در قریه «طالخانی» (طالخونچه) سمیرم متولّد شده و در اصفهان و گیلان به تحصیل پرداخته و در اغلب علوم همچون ادبیات، حکمت، طب و نجوم مهارت یافت. در رشت به خدمت منوچهرخان معتمدالدّوله رسیده و در وصف او قصیده انشاء نموده و مورد التفات او واقع شد. چندی هم نزد قربانعلی شاه جیلستانی و سپس مجذوب علی شاه به تکمیل مراتب عرفانی و طی سیر و سلوک پرداخت. اغلب در نطنز بسر می برد و برای علماء و عرفا و بزرگان نطنز و کاشان مدایح و مراثی می سرود. [سال وفاتش به دست نیامد. اما تا سال ۱۲۸۱ق در قید حیات بوده است.]

منظومه های زیر از سروده های اوست:

۱. «الهی نامه» ۲. «ریاض المحبّین»۳. «شقایق الحقایق»۴. «مشرق الانوار»۵. «مجموعه قصاید»(۱)

سیّد عبدالکریم حسینی خوزانی

سیّد عبدالکریم حسینی خوزانی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. او نسخه ای از «ترجمه الصلاه» فیض کاشانی را در سال های ۱۲۵۸ تا ۱۲۶۵ق کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۱۲۷۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

[«خوزان» یکی از محلّه های سه گانه «سده» ماربین اصفهان است و اکنون از محله های «خمینی شهر» به شمار می رود.]

۱- تذکره مدایح معتمدیه: خطّی؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۸۱۲-۸۱۴؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲، صص ۱۷۶-۱۷۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۱۶۹.

سیّد عبدالکریم دولت آبادی

سیّد عبدالکریم حسینی دولت آبادی، [از علمای قرن دوازدهم هجری] جدّ سادات دولت آبادی اصفهان. نسب او به قاضی نوراللّه شوشتری مؤلف کتاب «مجالس المؤمنین» می پیوندد. لکن اتّصال نسب آنها در دست نیست.

سیّد عبدالکریم مجاز از محمّد بن محمّد زمان کاشانی اصفهانی است و اجازه به شماره ۳۵۱۰ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در طهران موجود است.(۱)

او شوهر خواهر میر محمّدحسین خاتون آبادی است.(۲)

شیخ عبدالکریم شیرازی

حاج شیخ عبدالکریم شیرازی، [عالم فاضل، از علمای قرن سیزدهم هجری.] از اهالی شیراز بوده و بر اثر زلزله سخت شیراز [در سال ۱۲۳۹ق] کسان خود را از دست داده و از شیراز به اصفهان مهاجرت نمود و در این شهر متوطن گردیده و دختر شیخ [محمّدتقی رازی صاحب حاشیه] را به زنی گرفته و از او صاحب دو پسر (شیخ محمّدحسن نظام العلماء و شیخ محمّدحسین واعظ) و یک دختر (خدیجه سلطان زوجه حاج آقا نوراللّه نجفی مسجدشاهی) شد.

شیخ عبدالکریم مردی درویش مسلک و تا اندازه ای متصوّف و سحرخیز بوده و حدود یکصد سال عمر کرده است.(۳)

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش سوم، ص ۱۶۱۹.

۲- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج ۱، ص ۳۵۸.

۳- نسب نامه الفت: خطی؛ اعلاط در انساب، ص ۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۳، صص ۲۳۴ و ۲۳۵؛ گلشن اهل سلوک، (ویرایش دوم) ، ص ۱۱۶.

شیخ عبدالکریم مصدق خواه

شیخ عبدالکریم مصدق خواه، عالم فاضل زاهد. معروف به «مسأله گو» آخرین فرد روحانی ساکن مدرسه مبارکیه اصفهان. متوفی در شعبان ۱۳۹۰ق و مدفون در تکیه زندکرمانی در تخت فولاد.

کتب زیر از او به چاپ رسیده است:

۱. «مخزن گل» ۲. «یادآوری بعضی از گوهرهای اسلامیه»(۱)

میرزا عبدالکریم ملکیان (سالک)

میرزا عبدالکریم ملکیان قمشه ای متخلّص به «سالک» [از شعرای قرن چهاردهم هجری] با وجود آن که طبع روان و ذوق سرشار داشته، از شهرت و عنوان گریزان بوده است. این بیت از اوست:

یار بسیار ولی یار وفادار کم است گل فراوان بود امّا گل بی خار کم است(۲)

عبداللطیف

عبداللطیف [از بزرگان علمای قرن پنجم هجری در اصفهان.] در سال ۴۹۹ق در اصفهان به دست اسماعیلیه کشته شد.(۳)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۷.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۴.

۳- تاریخ تشیع در ایران، ص۳۳۲ (به نقل از: کامل ابن اثیر، ج۸، ص۳۳) .

عبداللطیف اصفهانی

ابوسعید عبداللطیف اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری.] از ابوعلی حداد روایت می کند.(۱)

عبداللطیف اصفهانی

عبداللطیف اصفهانی متخلّص به «لطیف»، از شعرای اوایل قرن سیزدهم هجری است. او در سلک دبیران نایب السلطنه عباس میرزا قاجار قرار داشته و در طهران ساکن شده است. در شعر طبعی روان داشته و به هزل و هجو مایل بوده است.(۲)

پیر عبداللطیف اصفهانی

پیر عبداللطیف بن پیر احمد اصفهانی [از دانشمندان علم کیمیا و ماهر در ادبیات[مؤلف کتاب «جامع الفوائد فی تسهیل المقاصد» [که به عربی تألیف شده] و نسخه ای از آن به ضمیمه «المجموعه الکیمیا» که احتمالاً آن هم از تألیفات اوست، در مجموعه شماره ۴۰۶۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳)

[نسخه دیگری از این کتاب به خط نستعلیق عبدالصمد بن جعفر فسائی که در سال ۱۲۶۴ق کتابت شده، در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد به شماره ۱۲۵۰ موجود است.(۴) همچنین نسخه دیگری از این کتاب به شماره ۱۱۷۶۸ در

۱- مناقب، ج۱، ص۲۵۱؛ حلیه الاولیاء، ج۴، ص۳۳۳؛ عوالم، ج۱۵، جزء ۳، ص۱۳۳.

۲- تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۹۰۰ و ۹۰۱؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، صص ۱۴۹۴ و ۱۴۹۵.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۳، ص۳۰۴۸.

۴- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۳۹۶.

کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)]

عبداللطیف تبریزی

استاد عبداللطیف تبریزی، از زرگران هنرمند قرن دوازدهم هجری است. او از تبریزیان ساکن محلّه عباس آباد اصفهان بود. این تبریزی ها در فنون زرگری، زرکشی، شبکه کاری طلا و نقره، ملیله کاری و طراحی نقوش زیبا بر طلا و نقره به پیشرفت های زیادی دست یافته بودند. استاد عبداللطیف، بر روی در زیبا و نفیس مدرسه چهارباغ کارهای زرگری، نقاشی، متبّت، ملیله و قاب سازی نموده است و این در سال ۱۱۲۶ق در مدخل مدرسه چهارباغ اصفهان نصب شده است.(۲)

میرزا عبداللطیف تنهای اصفهانی

میرزا عبداللطیف اصفهانی پنجابی متخلّص به «تنها» شاعر ادیب در اوایل قرن دوازدهم هجری. خواهرزاده میرزا جلال اسیر اصفهانی است. در هندوستان ساکن بوده و حکومت پنجاب را داشته و به سال ۱۱۱۶ق وفات یافته است. دیوان اشعارش در کتابخانه مجلس شورای ملّی است.(۳)

از اوست:

به جز ساغر چو موج باده کی گردد زبان من به رنگ از می مغز دارد استخوان من

۱- فهرست الفبائی رضوی، ص۱۶۱.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۶۹۲؛ بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

۳- الذریعه، ج۹، ص۱۷۹؛ تذکره حسینی، ص۷۸؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۶۴؛ صحف ابراهیم، ص۹۰؛ تذکره نتایج الافکار، صص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ کلمات الشعراء، ص۲۰؛ کاروان هند، ج۱، صص ۲۵۵ و ۲۵۶.

میرزا سیّد عبداللّه

میرزا سیّد عبداللّه، مترجم زبان روسی در دربار ظل السّلطان حاکم اصفهان بوده است. او کتاب «سفرنامه اکر اوئیلز به ممالک ایران» را در ۲۲ رجب ۱۳۰۷ق به امر ظـل السّـلطان، از روسـی به فارسـی ترجمه کرده است. این نسـخه در کتابخـانه عمـومی اصفهان موجود بوده است.(۱)

ملاّ عبداللّه اردبیلی

مولی عبـداللّه اردبیلی، از فضـلاء قرن یـازدهم هجری است. در اصـفهان ساکن بوده و شاگرد آقا حسـین خوانساری و مجاز از ایشـان و همچنین شاگرد ملاّ محمّـدباقر محقّق سبزواری و مجاز از وی و شاگرد و مجاز از علاّمه مجلسـی بوده است. اجازه در پشت نسخه ای از شرح لمعه نوشته شده است.(۲)

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه اصـفهانی [از نویسـندگان کتب و خطاط نسخ نویس در قرن یازدهم هجری] در اواخر شـعبان ۱۰۸۳ق کتابت نسخه ای از «شمسـیه الحساب» و ذیل آن را در قصـبه دلیجان اصـفهان به خط نسخ به پایان رسانیده [است.] هر دو کتاب ضمن مجموعه شماره ۵۶۴ کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳)

۱- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۱۱.

۲- زنـدگینامه علاّـمه مجلسـی، ج۲، ص۵۱؛ خاندان شـیخ الاسـلام اصـفهان، ص۷۶؛ نجـوم السّـماء، ج۱، ص۲۰۴؛ الکواکب المنتشره، ص۴۴۸؛ دانشمندان آذربایجان، ص۲۶۴؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۳۵.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۳۱۰.

عبداللّه اصفهانی*

عبـداللّه اصـفهانی، قلمـدان ساز در اواخر قرن سـیزدهم هجری قمری است و از آثار وی قلمدانی است که منظره پل اللّه وردی خـان کلیسـای جلفـا و تصـاویر زنـان بر آن نقش بسـته و رقم آن: «رقم عبـداللّه» است که در مجموعه آقـای کریم زاده تبریزی موجود است.(۱)

شیخ عبداللّه اصفهانی

شیـخ عبـداللّه اصـفهانی، از فضـلای قرن سـیزدهم هجری و از علمـای شـیخیه است. وی سؤالا‌ـتی را از حـاج محمّـد کریم خان کرمانی مطرح نموده که خان نامبرده رساله «اجوبه مسائل الشـیخ عبداللّه الاصفهانی» را در سه شنبه ۹ شعبان ۱۲۶۴ق در جواب آنها نوشته است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۲۳۹۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

عبداللّه اصفهانی*

عبـداللّه اصـفهانی، از علمـاء و فضـلای قرن سـیزدهم هجری و مؤلّف «ردّ بر رساله جان ولس عیسوی» است. این نسـخه به خط مؤلف و به تاریخ ۱۲۶۷ق، به شماره ۱۰۶۵۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۳)

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۳۶۳.

۲- فهرست مرعشی، ج۶، ص۳۷۴.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص۳۹۰.

خواجه ظهیرالدّین عبداللّه امامی اصفهانی

خواجه ظهیرالدّین عبداللّه امامی اصـفهانی [از عرفای قرن نهم هجری] شاگرد سیّد زین العابدین علی معروف بن «سید شریف» و مریـد «علاءالـدّین عطار نقشبندی» بود. او درک محضـر شـاه نعمت اللّه ولی ماهانی کرمانی مؤسـس سلسـله نعمت اللهیه را نموده و به او عرض ادب نموده بود.(۱)

ملّا عبداللّه امانی کرمانی

ملّا عبداللّه کرمانی، شاعر ادیب متخلّص به «امانی» از شعرای قرن یازدهم هجری.

از اصـفهان بـه هنـد مسـافرت نمـوده و در آنجـا در نزد میرجملـه شهرسـتانی تقرّب یـافته و بـا مُکنت و ثروت زیـاد به اصـفهان مراجعت نموده است. دیوانش متجـاوز از دو هزار بیت است. تـا سـال ۱۰۴۱ق حیـات داشـته و در آن سال مادّه تاریخی جهت فوت میرداماد سروده است.(۲)

این شعر از اوست:

ای حجاب تو حسن را ناموس ای نصیب از لب خیالت بوس

گرچه زشتیم از توایم آخر پای طاووس باشد از طاووس

میرزا عبداللّه خوشنویس اصفهانی

میرزا عبداللّه بن حاجی آقاجان خوشنویس اصفهانی [از خوشنویسان ماهر قرن

۱- زندگی شاه نعمت اللّه ولی، ص۴۳؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۵۶؛ رشحات عین الحیات، ج۱، صص ۱۶۸ و ۱۶۹.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۳۹؛ الذریعه، ج۹، ص۹۴؛ ریاض الشّعراء، ج۱، ص۲۷۷.

دوازدهم هجری] در جمادی الثّانیه ۱۱۵۹ق از کتابت «کلیات سعدی» فراغت حاصل نموده است. این نسخه به شماره ۲۹۱۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

عبداللّه اصفهانی*

عبـداللّه بن ابراهیم بن ابوسـعید بن ترکـان شاه اصـفهانی، از ادباء و خوشـنویسان قرن نهم هجری، کتاب «دراسه الالفاظ» را در اوایل شعبان ۸۰۳ق در شهر دزفول کتابت کرده است.(۲)

عبداللّه طهرانی اصفهانی

ابوابراهیم عبـداللّه بن ابراهیم بن محمّـد بن عبـداللّه بن حماد طهرانی اصـفهانی [از محدّثین عامّه اصـفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری.]

از ابوالعباس احمد بن عمر بن قاسم طهرانی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی استماع حدیث نموده است.(۳)

«طهران» از قرای اصـفهان است. در زمان حاضـر آنجا را «تیران و آهنگران» گوینـد. سه محلّه مجاور یکدیگر: تیران، آهنگران، شمس آباد.

عبداللّه نعامی حویزاوی

شیخ عبداللّه بن ابراهیم مساعد نعامی حویزاوی [از فضلاء ساکن اصفهان در قرن

۱- فهرست مرکزی دانشگاه، ج ۱۰، ص۱۷۶۸.

۲- نابغه فقه و حدیث، ص۱۹۸.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۶۱.

یازدهم هجری و] از شاگردان شیخ بهائی است. او نسخه ای از «خلاصه الاقوال» را نوشته و نزد شیخ بهائی خوانده و شیخ وی را اجازه داده است. نسخه به شماره ۳۶۲۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدّس موجود است.(۱) [او همچنین مجموعه ای شامل «الجبل المتین» در سال ۱۰۰۷ق کتابت کرده که به شماره ۶۱۹۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران وجود دارد.(۲)]

ملّا عبداللّه واعظ اصفهانی

مولی عبداللّه بن شیخ ابوالبرکات واعظ اصفهانی، از وعاظ و محدّثین مسجد جامع اصفهان است. و با خاندان علّامه مجلسی معاشر و مصاحب [بوده] و احتمالاً در بقعه خاندان مجلسی و مسجد جامع و یا در حوالی آن مدفون است.(۳)

ملّا عبداللّه بن ابی الحسن

ملّا عبداللّه [بن ابی الحسن]، عالم عامل و فقیه کامل متوفی در [عصر جمعه از ماه ذیقعده] سال ۱۱۸۴ق بوده و قبرش نزدیک قبر [ملّا اسماعیل] خواجوئی در تخت فولاد است. مادّه تاریخ وفاتش را «صهبا» [تقی صهبای قمی] گوید:

از جهان رفت آه عبداللّه زان در اخلاق و فضل کامل حیف

کلک «صهبا» نوشت تاریخش: «حیف زان زبده افاضل حیف»(۴)

[مؤلف فقید مرحوم مهدوی نام پدر او را «حسن» نوشته اند ولی با قرائت سنگ لوح

۱- فهرست رضوی، ج۶، ص۶۰۱.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۲۱۵.

۳- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۴۰؛ مزارات اصفهان، ص۳۷.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۷.

معلوم شد نام پدر او «ابوالحسن» است. این القاب هم روی سنگ مزار او و در وصف مقام علمی و معنوی او نوشته شده است:

«العالم العامل الفاضل الکامل زبده الفقهاء و المحدّثین وارث علوم الأئمه المعصومین»(۱)]

عبداللّه جیانی اصفهانی

ابومحمّد عبداللّه بن ابی الحسن بن ابی الفرج جَیانی شامی، [از محدّثین عامّه اصـفهان در قرن شـشم هجری] مردی ثقه و صالح است، در بغداد و اصـفهان تحصـیل نموده و در اصـفهان نزد مسعود ثقفی و ابی الخیر محمّد بن اوربانلبانی [کذا] تلمّذ نموده و در این شهر اقامت کرد.

وفاتش در ۳ جمادی الآخر ۶۰۵ق در اصفهان روی داده است.(۲)

عبداللّه اصفهانی

ابومحمّد عبداللّه بن احمد بن اسـحاق بن موسـی بن مهران اصـفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری.] جـدّش مهران از موالی عبـداللّه بن معاویه بن عبـداللّه بن جعفر بن ابی طالب بود که مسـلمان شـد. ابومحمّد در سال ۲۳۱ق در اصـفهان متولّد شد و جهت کسب علم به عراق و شام سفر کرده و به اصفهان مراجعت نمود. او در ماه رجب سال ۳۶۵ق وفات یافته و در کنار قبر جدّش محمّد بن یوسف بناء صوفی اصفهانی در قبرستان روشاباد اصفهان مدفون گردید.

صاحب عنوان از ابوخلیفه، عبـدان، عبـداللّه بن ناجیه، جنـدی، اسـحاق خزاعی، ابراهیم بن متویه، محمّـد بن یحیی بن منده، ابن اشته، ابوبکر احمد بن محمّد بن عمر لنبانی

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۱۰۹.

روایت می کند.

و فرزندش حافظ ابونعیم احمد بن عبداللّه اصفهانی مؤلف «ذکر اخبار اصبهان» از او نقل حدیث می نماید.(۱)

عبداللّه دلال اصفهانی

ابوهمام عبداللّه بن احمد بن قاسم دلال صاحب الخابوطی اصفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری.] از ابومحمّد رزق اللّه تمیمی حدیث شنوده و ابوسعد سمعانی وی را در اصفهان دیده و از او حدیث شنیده و از او اجازه یافته است.(۲)

عبداللّه ایذجی اصفهانی

حافظ الدّین ابوالبرکات عبداللّه بن احمد بن محمّد نَسَفی، فقیه، مفسر و محدّث حنفی [در قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری] از اهالی «ایذج» از نواحی اصفهان متوفی سال ۷۱۰ق در «ایذج».

کتب زیر از اوست:

۱. «تفسیر قرآن» یا «مدارک التّنزیل» در ۳ جلد ۲. «کنز الدّقایق» در فقه، مطبوع ۳. «شرح المنار»۴. «شرح الوافی» در فروع۵. «شرح منظومه ابی حفص نَسَفی» در خلاف به نام «المضی»۶. «عمده العقاید»۷. «کافی» در شرح وافی۸. «کشف الاسرار» (شرح المنار) مطبوع۹. «المناردر اصول فقه۱۰. «الوافی» در فروع(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۳؛ فرهنگنامه پارسی، ص۶۵۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۶۳.

۳- الاعلام، ج۴، ص۱۹۲؛ الدرر الکامنه، ج۲، ص۲۴۷؛ الفوائد البهیه، ج۱، ص۲۷۰؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۱۷۱؛ الکنی و الالقاب، ج۳، ص۲۴۹؛ معجم المؤلّفین، ج۶، ص۳۲؛ لغت نامه دهخدا، «ذیل عبداللّه»، ص۶۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۹۵.

عبداللّه خازن

ابومحمّد عبداللّه بن احمد خازن اصفهانی، از مشاهیر ادباء و شعراء عهد دیالمه [در قرن چهارم هجری] و از منسوبان به صاحب بن عباد بوده و با ابوبکر خوارزمی مراسلاتی داشته و اشعارش سلیس اللّفظ و لطیف المعنی بوده و از آن جمله است:

و اسال ابطحها و رویّ خفیّها و سقی جداولها و مدّ حیاضها

و الربح و الموج الطموج تصاحبا متلاطمین کجاهلین تعاضها(۱)

[در برخی منابع نام پدرش را محمّد ذکر کرده اند.]

عبداللّه اعرج ویذآبادی

ابومحمّد عبداللّه بن اسحاق بن ابراهیم اعرج خیاط، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از اهالی محلّه ویذآباد (بیدآباد) اصفهان بوده و قبل از سال ۳۶۰ق وفات یافته است. او از ابوخلیفه فضل بن حُباب روایت می کند.(۲)

عبداللّه دیلمانی خُرجانی

ابومحمّد عبداللّه بن اسحاق بن یوسف دیلمانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] از اهالی «دیلمان» از توابع خُرجان اصفهان بوده و از پدرش اسحاق بن

۱- ریحانه الادب، ج۵، ص۱۶۷؛ محاسن اصفهان، ص۵۰؛ اللباب، ج۱، ص۴۱۱؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۲۲۳؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ابومحمّد»، ص۸۰۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۳؛ آثار ملّی اصفهان، ص۱۹۲.

یوسف خرجانی روایت می کند و ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن جعفر بن حیّان (حافظ ابوالشیخ اصفهانی) و ابو عبداللّه وراق: محمّد بن احمد بن شبویه و ابوعمرو بن حکیم مدنی و ابوعبداللّه عسال: محمّد بن احمد بن ابراهیم اصفهانی از او نقل حدیث کرده اند.(۱)

میرزا عبداللّه خان وزیرزاده

میرزا عبداللّه خان وزیرزاده فرزند میرزا اسداللّه خان وزیر بن فتح اللّه بن محمّدعلی بن رضاقلی بن محب علی بن فتحعلی خان اعتمادالدّوله، از روزنامه نگاران و معلمان فرهنگ اصفهان [در قرن چهاردهم هجری.] او معلم نقاشی مدارس اصفهان [از جمله از معلمان دبیرستان صارمیه] بوده و در سال ۱۳۰۴ش روزنامه فکاهی «ارژنگ» را به صورت هفتگی منتشر کرد.

[او در اواخر عمر در اداره تحقیق اوقاف اصفهان به خدمت مشغول بود] و سرانجام در سال ۱۳۸۴ق وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

میرزا عبداللّه مجلسی

میرزا عبداللّه بن علاّمه ملاّ محمّدباقر بن ملاّ محمّدتقی مجلسی، عالم فاضل ادیب [از دانشوران قرن دوازدهم هجری.]

از معاشرین و مصاحبین شیخ محمّدعلی حزین بوده و بعد از محاصره اصفهان و سقوط این شهر به دست افاغنه، به خرم آباد مهاجرت نموده و در رمضان ۱۱۳۷ق در آنجا وفات یافته است. «حزین» در مادّه تاریخ وفاتش گوید:

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۸۱؛ معجم البلدان، ج۲، صص ۳۵۶ و ۵۴۴؛ اللباب، ج۱، ص۵۲۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۲۴؛ سیری در تخت فولاد، ص۲۲۷؛ مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، صص ۲۳۵ و ۲۳۶؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۱، صص ۱۱۳-۱۱۵.

نور دیده و دل مجلس آرای زمان ملاّ عبداللّه فاضل عالی شأن

در ماه مبارک سفرش شد بجنان تاریخ وفات اوست «ماه رمضان»

صاحب عنوان شعر نیز می سروده و «ذرّه» تخلّص داشته است. این رباعی از اوست:

آرایشی بهر خس و خار از بهار ماند نخل حیات ماست که بی برگ و بار ماند

چون شاخ خشک دستم از آغوش گل جداست داغی به دل ز لاله رُخی یادگار ماند(۱)

آقا محمّدخلیل بن محمّداشرف قائنی «رساله ای در شرح حدیث عمران صابی» منقول از حضرت رضا علیه السلام را جهت مشار الیه تصحیح کرده است. این رساله به شماره ۳۳۳۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

عبداللّه هلالی باطرقانی

عبداللّه بن بندار بن ابراهیم بن محتضر بن عَتّاب (غیاث) بن خلیفه بن ایاد بن عبیداللّه اصفهانی باطرقانی ضبّی هلالی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری.] ثقه و صالح بوده و از: محمّد بن مغیره، ابواسحاق اسماعیل بن عمرو بن نُجیح بَجَلی، ابومسعود سهل بن عثمان بن فارس عسکری، ابوحفص عمرو بن علیّ بن بحر صیرفی، ابوالهیثم موسی بن مساور بن موسی و محمّد بن یحیی بن نَجیح مکّی حدیث شنیده و محمّد بن یحیی بن منده، ابواحمد عسال: محمّد بن احمد بن ابراهیم قاضی، حافظ ابوالشّیخ: عبداللّه بن

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج ۱، ص ۳۶۱؛ مواد التّواریخ، ص۱۷۷؛ الذریعه، ج ۹، ص۳۳۸؛ الکواکب المنتشره، ص ۴۷۱؛ تذکره غنی، ص۵۳؛ بهترین اشعار، ص ۱۴۰؛ صحف ابراهیم، ص۱۳۸؛ منتخب اللّطایف، ص ۲۸۲؛ ریحانه الادب، ج۵، ص ۲۰۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۱۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۹، ص ۱۱۶.

محمّد بن جعفر و ابوبکر محمّد بن احمد بن یعقوب از او نقل حدیث کرده اند.

وی در سال ۲۹۴ق وفات یافت.(۱)

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه بن جعفر اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از یونس بن حبیب روایت نموده و ابن فورک (محمّد بن حسن بن فورک) از او نقل حدیث کرده است.(۲)

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه بن محمّدجعفر اصفهانی، از نسخ نویسان قرن یازدهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه ای از «زبده الاصول» شیخ بهائی [است که] در کتابخانه دانشکده حقوق موجود است.(۳)

عبداللّه اصفهانی

ابونعیم عبداللّه بن ابوعلی حسن حداد بن احمد اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری] مؤلف «اطراف الصّحیحین» عابد زاهد فوت ۵۱۷ق.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص ۶۰؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۴۴، المشتبه، ج۲، ص۵۷۷.

۲- احقاق الحق، ج ۱۰، ص۵۳۶.

۳- فهرست حقوق، ص ۳۶۱.

۴- مرآت الجنان، ج۳، ص ۲۲۱؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۲۲۴.

میرزا عبداللّه وثوق الحکماء خوراسکانی

میرزا عبـداللّه وثوق الحکمـاء فرزنـد محمّـدحسن خوراسـکانی اصـفهانی، عالم فاضل و ادیب شاعر [از دانشـمندان اواخر دوره قاجاریه] مشـهور به «ملک النُّحاه» ساکن مدرسه عبداللّه خان در طهران بوده و از فضلای معروف زمان خود به شمار می رفته و مجلس او مجمع فضلاء و دانشمندان بوده است.(۱)

کتب زیر از اوست:

۱. «عقایـد المؤمنین» در اصول دین، مطبوع در سال ۱۳۲۴ق ۲. «منظومه العقاید» که به ضـمیمه «عقاید المؤمنین» به طبع رسیده است.(۲) ۳. «قطرات العلوم» در شرح «نصاب الصبیان» که در سال ۱۳۲۴ق به چاپ رسیده است. مؤلف مادّه تاریخ آن را چنین سروده است:

یکی آمد فزون و کرد رقم: «قطرات وثوق» تاریخش(۳)

۱+۱۳۲۳=۱۳۲۴

[۴. «شـرح معمـا» که به شـماره ۷/۸۹۸ در کتابخـانه مرکزی مطالعـات و تحقیقـات اسـلامی در قـم موجـود است.۵. «رسـاله در صرف» به فارسی که در کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی به شماره ۸/۸۹۸ موجود است.۶. «علم المیزان» به فارسی، در شرح «حاشیه تهذیب المنطق» به خط مؤلف در ۱۳ جمادی الاوّل ۱۳۱۲ق

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۲؛ خورشید جی، ص۳۰۰؛ تاریخ شهر خوراسکان و روستای راران، صص ۱۶۹- ۱۷۲.

۲- الذریعه، ج۱۵، ص۲۸۵.

۳- الذریعه، ج۱۷، ص۱۵۷؛ فرهنگنامه های عربی به فارسـی، صص ۱۱۹ و ۲۸۶؛ مواد التّواریخ، ص۵۱۶؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص۹۵۲.

که به شماره ۸۹۳ در کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی موجود است.(۱)]

سیّد عبداللّه بکاء

سیّد عبداللّه بکاء فرزند سیّد حسین بحرانی نجفی. [از علمای اوایل قرن چهاردهم هجری.] اصل او از بحرین است. اسلافش به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر ساکن بوده اند.

مشارٌالیه از علمای اجلاء و اهل فضل و صلاح بوده و در جسر کوفه ساکن و وکیل حاج میرزا حسین خلیلی بود. در سال ۱۳۲۷ق وفات یافت. جنازه سردست به نجف منتقل و دفن شد.

فرزندش سیّد احمد نیز عالم جلیل و ساکن کوفه بوده و در مسجد پدر امامت می نموده و در روز سه شنبه ۳۰ ربیع الاوّل ۱۳۸۳ق وفات یافت و جنازه به نجف منتقل شده و در آنجا دفن گردید.(۲)

میرزا عبداللّه خان امین الدّوله

میرزا عبداللّه خان امین الدّوله فرزند ارشد میرزا محمّدحسین خان صدراعظم اصفهانی، از سیاستمداران و مردمان نیکوکار قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۱۹۳ق متولّد شده و پس از تحصیل در کنار پدر به مشاغل اداری و دیوانی روی آورد. [ابتدا بیگلر بیگی اصفهان بود. سپس مستوفی الممالك دولت قاجاریه شد. کمی بعد به لقب «امین الدّوله» ملّقب شد و در سال ۱۲۳۹ق به صدارت عظمای فتحعلی شاه منصوب شد اما یک سال

۱- فهرست مرکز مطالعات اسلامی، ج۲، صص ۱۵۷ و ۱۶۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۳؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۱۹۹.

بعد به خاطر شرارت های برادر همسرش یعنی هاشم خان لُر در اصفهان از صدارت عزل شد. او برای بار دوم در سال ۱۲۴۳ق به صدارت منصوب شد.]

پس از مرگ فتحعلی شاه ابتدا به حمایت از حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس و سپس به حمایت از علی شاه ظل السّلطان که مدعی سلطنت بود پرداخت. ظل السلطان ۹۰ روز حکومت را به دست گرفت امّا قاجاریه به حمایت از محمّد میرزا ولیعهد پرداخته و ظل السّلطان را برکنار کردند و محمّد میرزا به عنوان محمّد شاه به تخت نشست. به این خاطر عبداللّه خان در اصفهان به حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی پناه برد و چندی بعد به کمک «مک نیل» وزیر مختار انگلیس، از محمّد شاه تأمین گرفته و از راه بختیاری راهی عتبات عالیات شد و در پنج شنبه ۲۵ شعبان ۱۲۶۳ق وفات یافته و در مقبره خانوادگی در مدرسه صدر نجف مدفون گردید.

تاریخ وفات او این بیت است:

ثم با قصر العز تاریخه جنه عدن ازلفت بالامین

در کتاب «صدر التّواریخ» درباره او می نویسد: «مروج شریعت سیّد المرسلین که مرحوم شیخ جعفر نجفی و شیخ موسی و حاج سیّد باقر رشتی (اعلی اللّه مقامهم) او را علی بن یقطین خطاب می کردند. در زهد و ورع بی عدیل و در جلالت قدر بی بدیل».

امین الدّوله از مردان خیّر و خدمتگزار و متدیّن [بود] و حقا وی را باید خیرالظّلمه نامید. آثار زیر از او در نجف اشرف به جای مانده است:

۱. ترسیم قناتی در نجف۲. اتمام دیوار و باروی شهر نجف که پدرش شروع به ساختمان آن کرده بود.۳. ساختن دو باب حمام بزرگ در نجف۴. ایجاد چند باب دکان و وقف کردن آن در نجف۵. ایجاد کاروانسرائی در نجف و وقف آن بر مدرسه صدر و

غیره.(۱)

ملّا عبداللّه شوشتری

عزّالـدین عبـداللّه بن حسـین شوشتری، عالم فاضل محقّق مدقّق مجتهد بارع، عابد زاهد، از اکابر علماء و مجتهدین قرن یازدهم هجری.

ظاهرا در اواسط قرن دهم هجری در شوشتر متولّـد گردیـده و جهت تکمیل تحصیلات به عراق عرب مهاجرت نموده و مـدت ۳۰ سـال در نجف و کربلاـ اقامت داشـته و در خـدمت اساتیـد آن سامان به مقامات عالیه علم و ایقان رسـیده و از اساتیـد خود اجازه دریافت نموده است. از اساتیـد و مشایـخ اجازه او در کتب فقط چهار نفر را نام می برنـد از این قرار: مولی احمد مقدس اردبیلی، شـیخ جمال الـدّین احمـد بن نعمت اللّه معروف به «ابن خاتون عاملی» و پـدرش شـیخ نعمت اللّه بن علی بن احمد بن محمّد بن خاتون و شیخ ابوالبرکات واعظ اصفهانی.

سپس به ایران مهاجرت نموده و چندین سال در مشـهد مقدس مجاورت اختیار کرد و چون صیت علم و دانش او به گوش شاه عباس رسـید، شاه از او تقاضا کرد که در اصـفهان ساکن شود. در حدود ۱۰۰۶ق به اصـفهان آمده و تا آخر عمر خود، در این شهر به نشر معارف اسلامی اشتغال داشت و در برخی از مسافرت های شاه عباس به مشهد همراه بوده و در تعمیرات بقعه منوّره رضویّه نظارت و سرپرستی کرده است.

قبل از ورود ملّا عبداللّه شوشتری در اصفهان تعداد طلبه این شهر در داخل و خارج به

۱- بیـان المفاخر، ج۱، صـص ۱۷۶-۱۷۹، ۱۸۲-۱۸۳ و ۲۲۷؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، ص۳۸۹؛ ماضـی النّجف و حاضرها، ج۲، ص ۴۸۵؛ شـرح حـال رجال ایران، ج۲، صـص ۲۷۸-۲۸۱؛ صدرالتّواریخ، صـص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ تاریخ عضدی، صص ۲۶۸ و ۲۶۹؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص۴۳؛ صدراعظم های سلسله قاجاریه، صص ۷۳-۸۴.

پنجاه نفر نمی رسید لکن پس از مهاجرت او به این شهر و توجّه نمودنش به امور طلّاب و تدریس آن، طالبان علم و دانش از اطراف و اکناف به دور شمع وجود او پروانه وار جمع شده و در هنگام مرگ متجاوز از هزار نفر طالب علم در این شهر وجود داشته است.

شاه عباس جهت او مدرسه ای عالی در اوّل بازار [بزرگ اصفهان] بنا نمود که عالم مزبور در آنجا به تدریس علوم اسلامی مشغول بوده و در شبستان آن اقامه جماعت نماید. مرحوم شوشتری در طول ۱۴ سال که در اصفهان تدریس می فرمود، عدّه ای کثیر در نزد او تلمّذ کرده و به مقامات عالیه علم رسیده اند که از آن جمله است: ملّا محمّدتقی مجلسی، ملّا حسنعلی (فرزندش) ، قاضی عبدالمؤمن، ملّا لطف اللّه میسی عاملی، ملّا شریف الدّین محمّد رویدشتی اصفهانی، میرزا رفیع الدّین محمّد نائینی، شیخ محمود جزائری، سیّد مصطفی تفریشی

درباره او نقل شده است که هیچ یک از نوافل او ترک نمی شد و مقیّد به اداء نماز در اوّل وقت بوده و بیشتر روزها را روزه داشته و لباس و خوراکش درنهایت سادگی و اختصار بوده است. به طوری که در بیشتر مواقع خوراک او غیر از غذاهای گوشتی بوده است.

جناب ملّا عبداللّه در ۲۴ محرم ۱۰۲۱ق مریض شده و در بستر خوابید و در شب جمعه ۲۶ محرم (نزدیک به صبح) وفات یافت. جنازه او را به مسجد جامع عتیق برده و با آب چاه غسل دادند و میر محمّدباقر داماد بر او نماز خواند سپس جنازه را به امامزاده اسماعیل برده و امانت دفن کردند و پس از یک سال جنازه را که هیچ تغییری نکرده بود به کربلا نقل نموده و در آن ارض اقدس دفن نمودند. ملّا محمود جزائری از شاگردان او این عبارت عربی را برای ماده تاریخ او گفته است: «مات مجتهد الزّمن» همچنین

شخص دیگری گفته است: «حیف از مقتدای ایران حیف»(۱)

کتب زیر از تألیفات صاحب عنوان است:

[۱. «اربعون حدیثا» که نسخه ای از آن به شماره ۵/۱۴۰ در مدرسه جعفریه زهان قائن» موجود است.(۲)] ۲. «تعلیقه بر استبصار» ۳. «جامع الفوائد» در تکمیل «شرح القواعد» تألیف نورالدّین علی محقّق کرکی که آن را در شرح «قواعد» علاّمه حلّی نوشته است. [این کتاب در ۷ جلد تنظیم شده و مؤلف در اوائل ذیحجه ۱۰۰۴ق از نوشتن آن فراغت یافته است. نسخه های متعددی از این کتاب در کتابخانه ها وجود دارد از جمله نسخه ای به خط کرمعلی بن محمّدتقی اصفهانی در سال ۱۰۸۵ق که در کتابخانه شیخ مشکور نجفی در نجف موجود بوده است.(۳) نسخه ای به خط محمّدیوسف در سال ۱۰۱۴ق به شماره ۱۳۴۱۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.(۴) نسخه دیگری از «جامع الفوائد» به شماره ۲۹۶۸ در کتابخانه ملّی ملک در تهران وجود دارد.(۵)] ۴. «حاشیه شرح ارشاد علاّمه» [که مؤلّف ریاض العلماء در اوایل قرن دوازدهم هجری نسخه ای از آن را دیده بود که شامل کتاب الاجاره تا آخر حدود

۱- مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص ۳۷-۵۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۹۱۹ و ۹۲۰؛ مزارات اصفهان، ص۱۰۵؛ امل الآمل، ج۲، ص۱۶۰؛ روضات الجنّات، ج۴، صص ۲۳۴-۲۴۳؛ ریاض العلماء، ج۳، صص ۱۹۵-۲۰۵؛ روضه النّضره، صص ۳۴۳-۳۴۶؛ لباب الالقاب، ص۸۹؛ فوائد الرضویه، صص ۲۴۵-۲۴۹؛ تاریخ عالم آرای عباسی، (چ۱۳۷۷ش) ، ج۲، صص ۱۴۱۷ و ۱۴۱۸؛ تذکره الشّعراء امامت کاشانی، ص۲۹؛ معجم المؤلفین، ج۶، صص ۴۴ و ۴۵؛ هدایه العارفین، ج۱، ص۴۷۴؛ ایضاح المکنون، ج۱، ص۳۵۶؛ دایره المعارف تشیع، ج۴، صص ۲۴۹ و ۲۵۰؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۳۱۸-۳۲۱؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، صص ۳-۸؛ تذکره العلماء، ص۱۱۷؛ وفیات العلماء، صص ۷۶-۷۹؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۳۳۴؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۱۱۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۹۹.

۲- فهرست مدرسه جعفریه، ص۱۰۹.

۳- الذریعه، ج۵، ص۶۵ و ج۱۴ و ص ۲۰.

۴- فهرست الفبائی رضوی، ص۱۶۱.

۵- فهرست ملک، ج۱، ص۱۹۵.

بوده است.(۱)] ۵. «حاشیه بر الفیه» شهید [که نسخه های متعددی از آن در دست است از جمله: نسخه ای که در سال ۱۰۰۷ق در کربلا کتابت شده و به شماره ۲/۲۶۹۴ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم وجود دارد.(۲) نسخه دیگری به خط جان محمّد که در سال ۱۰۰۸ق کتابت شده، به شماره ۲۳۷۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد.(۳) همچنین نسخه ای به خط ابوالبرکات بن عنایه اللّه حسینی به شماره ۱/۴۹۶۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد.(۴)] ۶. «حاشیه بر شرح مختصر عضدی» [۷. «حاشیه بر رجال ابن داود» که نسخه ای از آن در کتابخانه شیخ محمّدعلی قمی در کربلا وجود دارد.(۵)] ۸. «رساله در وجوب عینی نماز جمعه» به فارسی [که یکی از شاگردان ملّا عبداللّه شوشتری به نام مولی عمادالدّین بن یونس در رساله اش مطالبی از آن را آورده و معرّب ساخته است. نسخه ای به خط میرزا بیگ که در سال ۱۰۹۳ق کتابت شده است، به شماره ۷۰۵۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۶) [۹. «شرح بر الفیه شهید» که غیر از «حاشیه بر الفیه» است. [و نسخه ای از آن نزد میرزا عبدالرّزاق واعظ همدانی موجود بوده است.(۷)]۱۰. «شرح تهذیب» شیخ طوسی [که شیخ نعمت اللّه جزایری شوشتری در «شرح تهذیب» خود، مطالبی از آن نقل کرده است.(۸) ۱۱. «مقاله فی اصول الدّین» به فارسی، که در آن به بیان اصول عقاید و فروع دین پرداخته و حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» را شرح کرده است. نسخه ای از آن به خط شیخ عبدالوحید بن نعمت اللّه دیلمی که در سال ۱۰۲۵ق کتابت شده است، در

۱- الذریعه، ج۱۳، ص۷۹.

۲- فهرست احیاء میراث، ج۷، ص۱۷۳.

۳- فهرست الفبائی رضوی، ص۱۸۴.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۳، ص۱۶۵.

۵- الذریعه، ج۶، ص۸۷.

۶- فهرست الفبائی رضوی، ص۵۹۹.

۷- الذریعه، ج۱۳، ص۱۱۲.

۸- الذریعه، ج۱۳، ص۱۵۷.

کتابخانه علاّمه جلیل سیّد حسن صدر موجود بوده است.(۱) ۱۲. «واجبات» به فارسی، که در رساله عملیه ملاّ عبداللّه شوشتری در طهارت و صلاه و صوم و حج و زکات و خمس» است. و در سال ۱۰۱۷ق تألیف شده است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه علاّمه جلیل سیّد حسن صدر(۲) و نسخه دیگری به خط شاه محمود زنگی عجمی، به شماره ۲۴۳۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳) همچنین نسخه ای از این کتاب به خط محمّدحسن بن محمّدمؤمن که در اواسط ربیع الاوّل ۱۱۲۲ق کتابت شده است. در کتابخانه الزهراء اصفهان نگهداری می شود.(۴) ۱۳. «جواز التنفّل ممن علیه الفریضه» ۱۴. «جواز الفائته وقت الحاضره» ۱۵. «الجهر و الاخفات» ۱۶. «خواصّ القرآن» ۱۷. «رساله فی ادخال قول علی ولی اللّه فی الشهاده» ۱۸. «رساله فی الاستبراء بالبول» ۱۹. «رساله فی انّ النّذر یتعلّق بالمباح أم لا؟» ۲۰. «رساله فی تطوع الصوم لمن علیه فریضه» ۲۱. «رساله فی التّکبیر و التّهلیل قبل الخطبه فی صلاه الاستسقاء» ۲۲. «رساله فی تملک الأجیر الاُجره بالعقد» ۲۳. «رساله فی طلاق الرّجعی» ۲۴. «رساله فی الغسل» ۲۵. «رساله فی المکعب» ۲۶. «رساله فی کفایه الإصبع الواحده فی مسح الرأس و الرّجلین» ۲۷. رساله فی الوصیه بالحج الواجب»(۵)

از میان کتاب ها و رساله های فوق، از شماره ۱۳ تا ۲۷ در مجموعه ای در کتابخانه شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی در نجف اشرف نگهداری می شده است. این مجموعه که در سال ۱۰۶۸ق کتابت شده است را بدر جهان خانم از بانوان دربار صفویّه در سال ۱۱۰۸ق وقف نموده و علاّمه ملاّ محمّدباقر مجلسی را متولّی وقف قرار داده است.(۶)]

۱- الذریعه، ج۲۱، ص۳۹۶.

۲- الذریعه، ج۲۵، ص۱.

۳- فهرست الفبائی رضوی، ص۲۹۷.

۴- فهرست الزهرا، ص۲۷.

۵- الذریعه: مجلدات مختلف.

۶- الذریعه، ج۵، ص ۲۴۴ و ۳۰۲ و ج۲۵، ص۸۴.

عبداللّه رازانی لنجانی

ابومحمّد عبداللّه بن خالد بن محمّد بن رستم رازانی [از محدّثین عامّه اصفهان قرن چهارم هجری] در شهر «خان» لنجان ساکن بوده و از محمّد بن اسماعیل صائغ و عبداللّه بن احمد بن ابی مسرّه (معروف به «ابن اَبی مَسرّه») روایت می کند و ابوبکر احمد بن محمّد بن احمد بن جعفر قصّار حافظ ابونعیم اصفهانی و ابوبکر عبدالعزیز بن احمد بن علی تاجر (آدمی) اصفهانی از او نقل حدیث کرده اند.(۱)

[ظاهرا «رازان» از توابع لنجان بوده و آن را نباید با «راران» از دهات جی اصفهان اشتباه گرفت. «خان» از معروف ترین شهرهای لنجان قبل از حمله مغول بوده و امروزه به «خولنجان» معروف است. قلعه «خان» در قرن پنجم هجری محل استقرار فداییان اسماعیلی بوده که سلطان محمّد در سال ۵۷۰ق آن را ویران کرده است.]

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه بن درویش علی اصفهانی [خطاط نستعلیق نویس در قرن دوازدهم هجری] در سال ۱۱۵۵ق نسخه ای از «زاد المعاد» علاّمه مجلسی را به خط نستعلیق خوب نوشته است. نسخه به شماره ۵۷ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۲)

ملاّ عبداللّه بروجردی

ملاّ عبداللّه بن حاج رحیم بروجردی، عالم فاضل، از علمای قرن دوازدهم هجری. در ربیع الاوّل ۱۱۹۱ق وفات یافته و در تکیه مجلسی جنب مسجد جامع [اصفهان] مدفون

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۹.

۲- فهرست سپهسالار، ج ۱، ص ۳۱.

گردید. و مزار او در تعمیرات اخیر بقعه از بین رفت.(۱)

میرزا عبداللّه سبزواری اصفهانی

میرزا عبداللّه سبزواری فرزند میرزا محمّدرحیم شیخ الاسلام، عالم فاضل، از علماء اصفهان و ائمه جماعت و صاحب محراب و منبر بوده و در سلخ ذیحجه الحرام ۱۲۷۵ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه آقاحسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

سیّد عبداللّه میردامادی

سیّد عبداللّه میردامادی سدهی بن حاج محمّدرحیم کبیر بن میر مرتضی بن میر محمّداشرف بن میر عبدالحسیب بن میر سیّد احمد علوی عاملی، عالم فاضل جلیل [از دانشمندان قرن سیزدهم هجری.]

در روز چهارشنبه ۱۰ صفر ۱۱۶۵ق متولّد شده و نزد آقا محمّدباقر وحید بهبهانی، میرزا ابوالقاسم قمی و از مصاحبین و مخصوصین حاجی [محمّدابراهیم] کلباسی و حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بوده و در سِدِه [خمینی شهر کنونی] سکونت و امامت می نموده است. در اواخر عمر در اصفهان مقیم شده و در روز ۲۲ محرم ۱۲۴۳ق وفات یافته و پسرش نیز در همین روز وفات نمود و هر دو را در محله خوزان در جایی که به نام خود او به مقبره میر سیّد عبداللّه معروف است [واقع در سِدِه] مدفون ساختند. در این بقعه عدّه ای از بزرگان مدفون می باشند [که] از آن جمله است: ۱. شیخ ابراهیم عاملی از

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۹؛ مزارات اصفهان، ص۳۷؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص ۳۴۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۱؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۸۲.

اعقاب محقّق کرکی ۲. شیخ شمس الدّین ۳. سیّد محمّدصالح مازندرانی۴. شیخ محمّدعلی زکی و غیره.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «انیس المحتاجین» ۲. «ترصیع السّماء» ۳. «رجال مشیخه تهذیب»(۱)

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه بن محمّدرضا اصفهانی [خطاط نسخ نویس در قرن سیزدهم هجری] در تاریخ ۱۲۷۹ق نسخه ای از کتاب «سرّ العاملین» منسوب به غزالی را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۳۵۴۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

عبداللّه شمس نژاد

عبداللّه شمس نژاد متخلّص به «شمس» فرزند رضا [از شعرای قرن چهاردهم هجری.] در شهر بابک [در استان کرمان] متولّد گردیده و پس از تحصیل در اصفهان در سمت بازرس استانداری به خدمت مشغول بود. از اوست:

قصه مجنون و لیلی پیش ما افسانه بود زانکه ما خود همچو مجنون ره به کوئی داشتیم(۳)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۵؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۴۴ و ۳۴۵؛ الکرام البرره، ج۲، صص ۷۷۶ و ۷۷۷؛ لطائف غیبیه: مقدمه، ص بیست و سه؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، صص ۲۵۵-۲۵۷.

۲- فهرست رضوی، ج۶، ص۴۳۸.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۸۳.

عبداللّه اکفائی

ابومحمّـد عبـداللّه بن زکریا بن یحیی اصـفهانی تمیمی [از محـدّثین عامّه اصـفهان و[ساکن کوفه بوده و از حُمیـد بن جعفر بن حُمید روایت می کند و ابوبکر عبداللّه بن یحیی بن معاویه طلحی از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

عبداللّه اصفهانی

عبـداللّه بن سـعداللّه بن ابی غالب اصـفهانی [از دانشـمندان گمنام اصـفهان در قرن هشـتم هجری.] در روز پنـج شـنبه ۲۱ ربیع الاولی ۷۲۵ق در «فیروزان» نسخه ای از «تاریخ نامه» یا «ترجمه تاریخ طبری» را به خط نسخ نوشته و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

[فیروزان از شـهرهای قدیمی و معتبر بلوک لنجان اصـفهان بوده و امروزه به «سُهروفیروزان» معروف است. ناصرخسرو در اوایل قرن پنجم هجری در سفر طولانی خود از این شهر دیدار کرده است.]

میرزا عبداللّه جابری*

میرزا عبداللّه بن میرزا سلمان جابری، از شعراء و سخنوران اصفهان در قرن دهم هجری. مردی اهل فضل و ادب بوده و شعراء و فضـلاء را مورد حمایت قرار می داده است. در زمانی که پدرش وزارت اعظم را بر عهده داشت، او هم وزارت یزد را به عهده گرفته بود. سال وفات او به دست نیامد. همین قدر معلوم است که تا سال ۱۰۰۰ق در

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۶۲.

۲- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ج۱، ص۳۸.

قید حیات بود. از اوست:

عشق تو کجا و سر سودای قیامت با گرمی عشق تو چه پروای قیامت

در حشر چو من از ستمت ناله بر آرم معلوم شود بر همه غوغای قیامت(۱)

عبدالّله معدانی

شمس الدّین عبدالّله بن شاکر بن ابوالمطهر معدانی اصفهانی، از علماء هندسه و نجوم در قرن ششم هجری است. در ادبیات و شعر فارسی و عربی دستی قوی داشت و در حدود ۵۷۰ق در اصفهان وفات یافت.(۲)

عبدالّله ضبّی

ابوالمظفر عبدالّله بن شبیب ضبّی مقری اصفهانی، [از دانشمندان علوم دین در قرن پنجم هجری] در اصفهان به تدریس قرائت و ایراد خطبه و وعظ مشغول بوده و به زهد و صلاح شهرت داشته است.(۳)

[روایات قرائت را از بسیاری از قاریان به خصوص ابراهیم بن محمّد لنبانی آموخته و ابوالقاسم هذلی و اسماعیل سراج و عبدالّله بن احمد خرقی نزد او قرائت را فرا گرفته اند.(۴)]

عبدالّله اُشتُرجانی*

عبدالّله بن شعبان اُشتُرجانی لنجانی اصفهانی، از هنرمندان قرن نهم هجری است. خط

۱- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۵۹۴.

۲- تاریخ الحکماء، ص۳۱۱؛ گاهنامه، ۱۳۱۰ش.

۳- مرآت الجنان، ج۳، ص۷۳.

۴- غایه النّهایه، ج۱، ص۴۲۲.

نستعلیق را خوش می نوشته و نسخه ای از «مثنوی معنوی» را در سال ۸۴۷ق کتابت کرده است. این کتاب به شماره ۱۶۸ در فهرست آثار موزه رضا عباسی در تهران موجود است.(۱)

میرزا عبداللّه عشق

میرزا عبداللّه مرعشی اصفهانی متخلّص به «عشق» فرزند میرزا محمّدشفیع مستوفی موقوفات [بن میرزا رحمت اللّه بن میرزا ابوالحسن حسینی مرعشی] شاعر و ادیب توانا در قرن یازدهم هجری.

در اصفهان متولّد شده [و در این شهر علم و ادب آموخته و به دامادی یکی از سلاطین صفویه درآمد.] به فارسی و ترکی شعر نیکو می سروده و دیوان او حدود ده هزار بیت شعر داشته است. و نسخه ای از آن در کتابخانه آقای حسین کوهی و نسخه ای در کتابخانه ملک طهران موجود است. [عاقبت در سال ۱۰۷۴ق در سن ۳۰ سالگی وفات یافته و جسدش به مشهد مقدس نقل و در جوار حرم مطهر امام رضا علیه السلام مدفون شد.]

این شعر از اوست:

سیل افتاده است از پا تا خرابم کرده است خورده صد خونابه آتش تا کبابم کرده است

کی توان ز آب و گل عالم مرا تعمیر کرد سیل بی پروای استغنا خرابم کرده است

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۳۶۵.

فیض ها پُر دیدم از نامهربانی های چرخ تلخ کامی ها درین مینا گلابم کرده است(۱)

عبداللّه اسدی اصفهانی

حافظ ابومحمّد عبداللّه بن شیبان بن عبداللّه بن احمد بن محمّد بن شیبان معلّم محتسب اسدی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] در سال ۴۴۷ق متولّد شده و در ذیقعده ۵۲۳ق وفات یافته است.

از صلحاء و نیکوکاران عصر بوده و از پدرش ابومعمر شیبان بن عبداللّه محتسب و ابوالقاسم ابراهیم بن منصور ملنجی خبّاز حدیث استماع کرده است.(۲)

عبداللّه اصفهانی

ابومحمّد عبداللّه بن طاهر اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.در «تفسیر مجمع البیان» [شیخ طبرسی] حدیثی از او روایت می کند.(۳)

عبداللّه خزاعی اصفهانی

ابورشید عبداللّه بن طاهر بن حرب بن عبداللّه بن ابی الحسن بن طاهر خزاعی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

از ابوروح یاسین بن سهل بن محمّد قاینی حَسّاب، ابوالبرکات احمد بن عبداللّه بن

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۴۱؛ قصص الخاقانی، ج۲، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ تذکره غنی، ص۹۰؛ تذکره روز روشن، ص۵۴۷؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۴۶۶؛ الذریعه، ج۹، ص۷۲۲ و ج۱۳، ص۳۰۳؛ ریاض الشّعراء، ج۳، ص۱۴۸۵.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۶۹.

۳- مجمع البیان، ج۱۰، ص۵۶.

طاوس بغدادی و ابوالمظفر سمعانی اجازه داشته است.

ابوسعد سمعانی گوید: «در جامع اصفهان وی را ملاقات کردم و جهت من اجازه ای نوشت.»(۱)

عبداللّه رنانی

عبداللّه بن عاشور رِنانی اصفهانی، از مشاهیر خطاطان قرن دوازدهم و سیزدهم هجری است. بیشتر از یکصد قرآن غیر از کتب ادعیه و زیارات به خط زیبای خود نوشته و تا سال ۱۲۳۸ق حیات داشته است.(۲)

[او به کثرت کتابت معروف است هیچ گاه از اصفهان بیرون نیامد ولی به اشاره فتحعلی شاه قاجار آثار گرانبهایی را به خط زیبای خود پدید آورد و نزد شاه فرستاد. نخستین اثری که در فهرست نسخ خطی به آن اشاره کرده اند به خط اوست: «قرآن مجید» است که در ۵ رجب ۱۲۰۱ق کتابت شده و قرآن سی و نهم اوست.(۳)] آخرین قرآن به خط او مورخ ۱۲۲۸ق است و در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می شود.(۴)

«رِنان» که امروز آن را «رهنان» می نویسند از دهات بلوك ماربین اصفهان است [که در سال های اخیر به شهر اصفهان پیوسته و یکی از محلّه های غرب آن شهر به شمار می رود.]

۱- التّحبیر، ج۱، ص۳۷۶.

۲- کارنامه بزرگان ایران، ص۲۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۵؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، صص ۱۰۹۱-۱۰۹۳.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۴، ص۴۰۴۷.

عبداللّه انماطی

ابواحمد عبداللّه بن عبدالوهاب بن ابراهیم انماطی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] در بغداد و عراق از محدّثین استماع حدیث نموده و بعد از سال ۳۹۰ق وفات یافته است. با حافظ ابونعیم اصفهانی مراوده و معاشرت داشته و ابونعیم از او حدیث شنوده است.(۱)

عبداللّه ثقفی اصفهانی

عبداللّه بن عبدالواحد بن محمّد بن محمود ثقفی اصفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم] و از خاندان علم و حدیث بوده و در سال ۵۱۶ق جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.(۲)

عبداللّه سلمی اصفهانی

ابوعمر عبداللّه بن عبدالوهاب سلمی اصفهان مقری [از مقریان و محدّثین عامّه در قرن چهارم هجری.] فوت سال ۳۹۴ق.(۳)

عبداللّه اصفهانی

ابوطاهر عبداللّه بن عبدربه اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان.] از سلیمان بن عبدالرّحمان روایت می کند و ابوبکر بزّاز در کتاب «مسند علی علیه السلام » از وی روایت

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۸.

۲- التّحبیر، ج۱، ص ۳۷۰.

۳- مرآت الجنان، ج۲، ص۴۴۷.

می کند.(۱)

عبداللّه طوسی

عبـداللّه بن علی بن اسـحاق طوسـی، برادر خواجه نظـام الملـک حسن طوسـی وزیر سـلطان ملکشـاه سـلجوقی است. فرزنـدش عبدالرزاق هم وزارت سنجر را یافته است. عبداللّه در سال ۴۹۹ق وفات یافت.(۲)

عبداللّه طادی لنجانی

ابومحمّد عبداللّه بن علی بن عبداللّه مؤدّب طادی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] در قریه «طاد» لنجان ساکن بوده و از ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن عمران و محمّد بن نُصَیر روایت نموده است(۳)

«طاد» از قرای لنجان اصفهان است.

عبداللّه اصفهانی نیشابوری

ابومحمّد عبداللّه بن علی بن محمّد بن احمد بن حماد اصفهانی ساکن نیشابور، صالح ثقه.(۴) [از محدّثین عامّه اصفهان.]

شیخ عبداللّه کفرانی

شیخ عبداللّه کفرانی رویدشتی (معروف به «شیخ عبداللّه اصفهانی») فرزند علی بن

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۴۷.

۲- مرآت الجنان، ج۳، ص۱۶۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۵.

۴- تاریخ نیشابور، ص۴۳۶.

محمّـد بن قـدیر کفرانی رویـدشتی اصـفهانی، عالم فاضل و فقیه محقّق. پدرانش عموما اهل علم و فضل بوده و اخیرا اولاد ملّا قدیر جدّ مشار الیه که در بین آنها علماء و صلحاء می باشند نام فامیل خود را «قدیری» نهاده اند.

صاحب عنوان در اصـفهان متولّد و در نجف خـدمت جمعی از افاضـل تحصـیل نموده و اخیرا به درس حـاج میرزا حبیب اللّه رشتی حاضـر شـده و سـال هـا در محضـر او تلمُّذ فرموده و به ایشـان اختصـاص یافت. او مقرّر درس ایشان بوده و پس از فوت استاد، مستقلاً حوزه درس داشته و در مسجد هندی تدریس می نمود و جمعی از افاضل به درس او حاضر می شده اند.

شیخ عبداللّه کفرانی در سال ۱۳۱۷ق در نجف اشرف وفات یافته و در آن ارض اقدس مدفون گردید.(۱)

کتب زیر از اوست:

۱. «تقریرات اساتیـد خود» ۲. «شـرح المکـاسب» (تقریرات درس میرزا حـبیب اللّه رشتی، در پنـج جلـد، که سه جلـد از آن در کتابخـانه مرکز احیـاء میراث ایران بـه شـماره ۱۳۴۴ موجـود است.(۲) ۳. «حاشـیه فرائـد الاـصول» موجود در کتابخانه جمعیت فرهنگ رشت(۳)

عبداللّه مقری اصفهانی

ابومحمّد عبداللّه بن علی بن مقری ظاهری اصفهانی [از علماء و زهّاد قرن ششم

۱- نقباء البشـر، ج۳، صص ۱۲۰۳ و ۱۲۰۴؛ الذریعه، ج۱۵، ص۱۳۰؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۹۰ و ۷۹۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۲۸.
۲- فهرست خطی احیاء، ج۴، ص۱۷۳.
۳- فهرست فرهنگ رشت، ص۱۱۲.

هجری] استاد شیخ منتجب الدّین بن بابویه قمی بوده و در سال ۵۶۳ق وفات شده است.(۱)

ملّا عبداللّه اژه ای

ملّا عبداللّه بن ملّا علی اکبر اژه ای بن محمّدباقر، عالم فاضل و فقیه محقّق [از علمای قرن سیزدهم هجری]

در اصفهان متولّد شده و نزد علمای این شهر و احتمالاً نزد پدرش [و ملّا علی نوری، حاج محمّدابراهیم کلباسی و حاج سیّد محمّدباقر شفتی] و دیگران بهره گرفته است. و پس از وفات پدر به اقامه جماعت در مسجد علی اصفهان پرداخته است.

وی در وقت فجر سه شنبه چهارم ربیع الاوّل ۱۲۶۵ق وفات یافته و در تخت فولاد نزدیک مزار پدرش مدفون شد.

میرزا حسن کفاش اصفهانی مرثیه و تاریخ فوتش را چنین گفته که بر سنگ مزار او نقر گردیده است:

آسمان علم و حلم و فضل از این خاکدان زد قدم از لطف حق سوی بهشت جاودان

چون به مهر اهلبیت مصطفی آن جان پاک باد عیش... جنه المأوی مکان

از پی تاریخ سال رحلتش «کفاش» گفت: «رفته عبداللّه از دنیا بگلزار جنان»

در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی نسخه ای از کتاب «تحفه الخاقانیّه» (شماره

۱- مرآت الجنان، ج۳، ص۳۷۲؛ بحارالانوار، ج۱۰۵، ص۱۹۸.

۱/۵۹۴۰) تألیف: شیخ عبداللّه بن علی اکبر اصفهانی در اثبات واجب و تعدّد صفات باری تعالی و بحث در نبوت و امامت و معاد در یک مقدمه و سه رکن موجود است. این نسخه را شخصی به نام عبدالعلی به خط نستعلیق در سال ۱۲۸۹ق کتابت کرده است. کتاب از طرف مؤلف به محمّد شاه قاجار اهداء شده است که به احتمال بسیار قوی از همین ملاّ عبداللّه اژه ای است.(۱)

میرزا عبداللّه شیخ الاسلام

حاج میرزا عبداللّه (معروف به آقا میرزا) شیخ الاسلام فرزند میرزا علی اکبر بن محمّدرحیم شیخ الاسلام، عالم فاضل معاصر.

در حدود سال ۱۳۰۲ق در اصفهان متولّد گردیده و مقدمات و سطوح را نزد آقا شیخ ابوالقاسم خادم الاسلام خواند و سپس در درس آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی، آقا شیخ محمّدرضا نجفی، شیخ محمّدحکیم خراسانی و آقا سیّد محمود کلیشادی (مُغنی) حاضر شد و نسبت به مرحوم شیخ محمّدرضا نجفی اختصاص یافته و تا روزهای آخر عمر آن مرحوم از محضر درس فقه و اصول ایشان استفاده می کرد.

پس از آن ریاست یکی از دفاتر رسمی ثبت اسناد و همچنین دفاتر ثبت ازدواج و طلاق را پذیرفته و متجاوز از ۳۰ سال با کمال امانت و درستی آن را انجام داد و پس از بازنشستگی به عبادت و مطالعه روزگار می گذرانید تا اینکه در شب یکشنبه ۱۱ شعبان المعظم سال ۱۴۰۴ق وفات یافته و در گورستان جدید اصفهان موسوم به باغ رضوان

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۶؛ فهرست مرعشی، ج۱۵، ص۳۲۳؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۳۲۸؛ بزم معرفت، صص ۱۳۲ و ۱۳۳.

مدفون گردید.(۱)

عبداللّه ارباب*

عبـداللّه ارباب فرزند علی پناه، خوشـنویس هنرمند قرن چهاردهم هجری. خط نسخ را خوش می نوشت و مردی مؤمن و صالح بود. برادرش حـاج آقـا رحیم اربـاب از اعاظم علماء و مجتهـدین اصـفهان است. مرحوم مهـدی بیانی سه اثر از نمونه کتابت او معرفی کرده است:

۱. «التّحفه القوّامیّه» در ۲ جلد که در رجب ۱۳۴۷ق به خط نسخ و رقاع خوش نوشته است. ۲. «نامه حضرت امیر به مالک اشتر» به خط نسخ خوش در سال ۱۳۴۴ق نوشته شده است.۳. «دعای تعقیب صلاه صبح» به خط نسخ خوش در محرم ۱۳۵۴ق.(۲)

او در ۱۶ ذیقعده ۱۲۹۸ق متولّـد شده و در ۲۰ جمـادی الاولی ۱۳۷۹ق وفـات یافته و در تکیه مقـدس واقع در قبرسـتان تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

استاد جلال الدّین همائی (سنا) این دو بیت و مادّه تاریخ را برای وفات او سروده است:

چو عبداللّه ارباب از جهان گشت روان زی بارگاه رب الارباب

به شمسی سال تاریخش «سنا» گفت بر حق رفت عبداللّه ارباب

برادر دیگرش حاج عبدالعلی هم از نیکمردان و صلحای روزگار بوده که در ماه

۱- تاریخ علمی و اجتمـاعی اصــفهان، ج۲، ص۳۲۶؛ خاندان شـیخ الاسـلام اصـفهان، صـص ۱۶۲ و ۱۶۳؛ مزارات اصـفهان، ص۱۱۶.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، صص ۱۰۸۸ و ۱۰۸۹؛ فرهنگ ایران زمین، ج ۳۰، ص۵۷۳.

رجب ۱۳۸۴ق وفات نموده و جنب برادر بزرگوارش در تکیه مقدس مدفون شد.(۱)

عبدالّله اشترجانی اصفهانی

عبدالّله اُشتُرجانی لنجانی اصفهانی معروف به «عبدا» فرزند شیخ محمّدعلی طبعی، از شعراء و سخنوران اصفهان در قرن یازدهم هجری است. شاعر عاشق پیشه و دردمنـدی بوده و «عبدی» تخلّص می نموده است.(۲) نستعلیق را خوش می نوشته و به مطالعه و کتابت و تتبع دواوین شـعرای متقدّم علاقه داشته است. او نسخه ای از «دیوان ابن یمین» را به خط نستعلیق کتابت کرده که به شماره ۲۳۷۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در طهران موجود است.(۳)

از اوست:

سیل اشکم گرهی در دل جیحون زده است تیر آهم به صف چرخ شبیخون زده است

لاله از خجلت هم چشمی داغ دل من زین چمن خیمه برون بر دل هامون زده است

عبدالّله سیچانی

عبدالّله بن محمّدعلی سیچانی اصـفهانی، نویسـنده و نسخ نویس [در قرن یازدهم هجری] در روز پنج شنبه ۴ رجب ۱۰۵۶ق از نوشتن کتاب «مونس العابدین» یا «ترجمه نیک بختیه» فراغت حاصل نموده است. این کتاب ترجمه «مصباح» کفعمی و

۱- مجموعه ارباب معرفت، صص ۷۸ و ۷۹؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۰۲.

۳- فهرست مجلس، ج۸، ص۸۴.

مترجم: محمود بن میرزا علی است و کاتب آن را جهت آقا نیک بخت نوشته است. نسخه به شماره ۲۹۰۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

[«سیچان» از قرای ناحیه «بَرزرود» جی اصفهان در ساحل جنوبی زاینده رود بوده و اکنون به شهر پیوسته و در شمار محلات جنوبی اصفهان است.]

سیّد عبداللّه مازندرانی شاهاندشتی

سیّد عبداللّه بن میرزا محمّدعلی بن سیّد محمّد بن سیّد عبداللّه (موسوی شاهاندشتی مازندرانی) عالم فاضل [از علمای اصفهان در اواخر دوره قاجاریه] در اصفهان نزد علمای اعلام میرزا محمّدهاشم چهارسوقی، حاج شیخ محمّدتقی آقانجفی و دیگران به تحصیل پرداخته و سال ها امام مسجد قطبیه بوده است.(۲)

سیّد عبداللّه شیدای چالشتری

سیّد عبداللّه چالشتری چهارمحالی متخلّص به «شیدا» فرزند سیّد محمّدعلی شاکر [از شعرای معاصر چهارمحال] در سال ۱۲۹۶ق در چالشتر متولّد شده و تحصیلات مقدّماتی را نزد ملاّ علی فاضل معروف به «جناب» جدّ مادری خویش به انجام رسانیده [و در جوانی نزد احمدخان سالار ریاحی به منشی گری و رتق و فتق امور مشغول شد. پس از آن سال ها در اصفهان ساکن بود و در انجمن های ادبی این شهر خصوصا انجمن مرحوم میرزا عباس خان شیدا شرکت می کرد] و اشعارش در دوره اوّل نشریه «دانشکده» به طبع می رسید. دیوان اشعار او چندین هزار بیت است. عاقبت در سنین کهولت به

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰، ص ۱۷۵۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۴۳؛ گنجینه دانشمندان، ج ۳، ص ۹۸.

زادگاه خود مراجعت نموده و در آنجا ساکن شد. از اوست:

جانا مرا به تیغ محبّت به ناز کُش قدرت که راست از تو طلب خونبها کند(۱)

عبداللّه اسدی اصفهانی*

ابومحمّد عبداللّه بن عمران بن ابوعلی اسدی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری.] از موالی سُراقه بن وهب اسدی اصفهانی است. جدّش ابوعلی در زمان خلافت مراوان بن عبدالملک به اصفهان آمد.

صاحب عنوان چندی در اصفهان به استماع حدیث مشغول بوده و آنگاه به ری رفته و آنجا ساکن شده است. از وکیع در تفسیرش و از ابو داود و یحیی بن ضریس و یحیی بن آدم و جریر و عثّام بن علی روایت کرده و ابوالعباس احمد بن اسحاق بن ابراهیم جوهری (حمویه ثقفی) از او نقل حدیث کرده است.(۲)

میرزا عبداللّه اشتهای گرجی

میرزا عبداللّه متخلّص به «اشتها» و «سرگشته» فرزند حاج فریدون گرجی اصفهانی، شاعر خوش ذوق قرن سیزدهم هجری.

از اعضاء انجمن ادبی ابوالفقراء بوده و به سبک بسحاق اطعمه (ابواسحاق نداف شیرازی) شعر می گفته و بیشتر اشعار او در وصف اطعمه و اشربه است. مرحوم عمان سامانی در قصیده انجمنیّه درباره او گوید:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۹۴؛ شناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، ص۵۱۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۴۴۶؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص۲۲۲.

واندگر سرگشته آن بسحق دانشور که هست شعر روح افزایش حلوائی مذاق مرد و زن

مرحوم اشتها در سال ۱۲۴۵ق متولّد و در جوانی به سال ۱۲۸۹ق وفات یافته است. مرحوم میرزا عباسعلی خرم لنبانی در تاریخ وفات او گوید:

افسوس که اشتهای با فضل و هنر از ملك فنا سوی بقا کرد گذر

گفتا پی تاریخ وفاتش «خرم»: «افسوس که اشتها نداریم دگر»

دیوان اشعار او در اصفهان به چاپ رسیده است.(۱) [یک نسخه خطی از آن به خط حسن مصاحبی نائینی که در سال ۱۳۵۶ق کتابت شده است به شماره ۱/۸۸۳۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد.(۲)]

این شعر از اوست:

انتظاری مده ای دوست به خوان مهمان را گر پلو نیست بکش یخنی و آور نان را

نیم جانی است مرا در سر و در پا فکنم به کسی کآوردم مژده بادنجان را

اگر از نُقل بسازند مرا زنجیری همه عمر به جان می طلبم زندان را

آقا عبداللّه استرآبادی

آقا عبداللّه بن ملاّ محمّدقاسم بن ملاّ محمّدشفیع بن ملاّ محمّدعلی استرآبادی، عالم

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۹۲ و ۲۹۳؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۱، صص ۱۳۵ و ۱۳۶؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۲۵۳؛ دیوان اشتها، صص ۴۷-۵۰.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۳۶۲.

فاضل [در اصفهان سکونت داشته و در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری زندگی می کرد.] زوجه اش دختر میرزا حیدرعلی شیروانی بوده است.(۱)

ملاّ عبداللّه تبریزی

ملاّ عبداللّه بن محمّدکاظم بن شاه محمّد تبریزی اصفهانی، عالم فاضل محقّق [از دانشمندان قرن دوازدهم هجری است. ظاهرا در محلّه عباس آباد اصفهان ساکن بوده و سپس در نجف اشرف سکونت گزیده است و احتمالاً از شاگردان پدر خود و عمویش (مولی محمّدحسین بن شاه محمّد) بوده است.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اهداء الأهبه فی شرح النّخبه» به عربی «نخبه» از تألیفات فیض کاشانی است جلد سوم آن که در جمعه دهم جمادی الآخر ۱۱۵۳ق کتابت شده و نزد سیّد مهدی صدر در نجف اشرف موجود بوده است.(۲) [نسخه دیگری از این کتاب به شماره ۱۵۶۳۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)] ۲. «حکم الشّعر فی الشّرع» که نسخه ای از آن در سال ۱۲۴۳ق کتابت شده و در کتابخانه شریعت اصفهانی به نظر علاّمه شیخ آقابزرگ طهرانی رسیده است.(۴) [۳. «شرح تجرید العقائد» به فارسی که جزء اوّل آن در سال ۱۱۱۶ق تألیف شده است.(۵) علاوه بر تألیفات فوق وی «الضوابط فی الشّک و السّهو و النّسیان» فیض کاشانی و چند رساله دیگر را در سال ۱۱۳۷ق در مدینه السادات زواره کتابت کرده که اکنون در کتابخانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نجف اشرف

۱- مرآت الاحوال جهان نما، ج ۱، ص۲۷۳.

۲- الذریعه، ج۱۴، ص۱۰۲؛ الکواکب المنتشره، ص۴۵۵؛ فهرست های خودنوشت فیض، ص ۲۸۰.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص۵۱۴.

۴- الذریعه، ج۷، ص۵۳.

۵- تراجم الرّجال، ج ۱، ص ۳۳۰.

موجود است.(۱)]

سیّد عبداللّه ثقه الاسلام

آقا سیّد عبداللّه ثقه الاسلام فرزند آقا سیّد محسن میرمحمّد صادقی بن میر محمّدباقر بن میر سیّد علی، عالم فاضل، فقیه اصولی، متکلم و رجالی محقّق [از دانشمندان اصفهان در قرن چهاردهم هجری.]

در ۱۲ ربیع الثانی ۱۲۸۵ق [در محلّه نو] اصفهان متولّد گردیده و مقدمات علوم را در اصفهان نزد علمای این شهر آموخت. در سن هیجده سالگی به عتبات عالیات جهت تکمیل تحصیلات مهاجرت نموده، در آن ارض اقدس مدّتی نزد جمعی از دانشمندان تلمّذ نموده که از آن جمله است: میرزا محمّدعلی رشتی، میرزا محمّدحسن شیرازی، حاج میرزا حبیب اللّه رشتی و آقا سیّد محمّدکاظم طباطبائی یزدی و آخوند ملّا محمّدکاظم خراسانی. او اغلب تحصیلاتش نزد آخوند خراسانی بوده در سال ۱۳۳۰ق به اصفهان مراجعت نموده و به درس و بحث و اقامه جماعت اشتغال جست. در شعر فارسی و عربی مهارت داشته و گاهی به اقتضای حال اشعاری می سرود.

سرانجام در قبل از ظهر ۶ ماه صفر ۱۳۸۲ق وفات یافته و در تکیه خانوادگی جنب تکیه ملک در تخت فولاد مدفون شد. [مادّه تاریخ وفات آن عالم ربانی را شاعر توانا استاد اعتمادی (برنا) گوید:

پی تاریخ فوتش گفت «برنا»: «مدرس یافته منزل بجنّت»]

۱۳۸۲

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- الکشکول: شیخ آقابزرگ طهرانی، چ کتابخانه مجلس، ص۲۲۳.

۱. «ارشاد المسلمین» در انساب سادات میر محمّد صادقی [تاریخ تألیف: جمعه ۱۴ ربیع الثّانی ۱۳۴۵ق]۲. «انیس العارفین» در احوال برزخ و جنّت و نار [در سال ۱۳۸۰ق چاپ شده است.]۳. «تقریرات اصولیه» اساتیدش۴. «حاشیه طهارت» شیخ [تا آخر غسل اموات]۵. «خلاصه الاصول» از مبعث الفاظ تا مبحث تعادل و تراجیح۶. «رساله در اصول دین»۷. «رساله در لباس مشکوک»۸. «رساله در تقلید اعلم»۹. «رساله در عدالت»۱۰. «رساله در قاعده من ملک شیئا» ۱۱. «رساله در قاعده میسور» ۱۲. «رساله در وضو» طبق رساله شیخ اسماعیل مقری ۱۳. «رساله در طرق روایت خود و اجازه آنها به فرزندش فاضل بزرگوار آقا سیّد محمّدکاظم» ۱۴. کتابی در «مجازات معاصی» (حدود و دیات و تقریرات) ۱۵. «لؤلؤ الصّدف» در تاریخ نجف اشرف [که در ۱۳۷۹ق چاپ شده] ۱۶. «مبکی المؤمنین فی اندارس مذهب و الدّین» ۱۷. «مشکول» ۱۸. «مقتصر المقال» در علم رجال ۱۹. «نور الایمان فی اغاصه بحر العرفان» در ردّ بابیه [۲۰. «عنصر المعال» در علم رجال ۲۱. «بیع المؤمنین» ۲۲. «مقالات سیاسی»(۱)]

عبداللّه بن معزالدّین محمّد

میرزا عبداللّه بن میرزا معزالدّین محمّد، مردی فقیه و محدّث اصولی بوده و پس از وفات در قبرستان طوقچی مدفون شده است. او جدّ سلسله جلیله آقایان مُعزّی ساکن اهواز و دزفول و کاظمین می باشد. میرزا معزالدّین محمّد از علماء عهد شاه طهماسب اوّل صفوی بوده است و اعقاب صاحب عنوان ظاهرا در فتنه افغان از اصفهان به

۱- ارشاد المسلمین، (خطی) ، ص۴۷؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۳۸-۴۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۲۶ و ۴۲۷؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۶۷۷-۲۶۸۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱۴؛ الذریعه، ج۶، ص۲۹۷؛ ج۸، ص۱۰۰؛ ج۱۸، ص۳۸۲ و ج۲۴، ص۳۶۳؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۲۱۰؛ مصفی المقال، ص۲۴۵.

خوزستان مهاجرت کرده اند. اعقاب مرحوم میرزا عبداللّه تاکنون در خوزستان ساکن و از علماء و مدرسین آن سامان به شمار می روند. برخی دیگر از آنان در طهران و کاظمین ساکن و به ترویج احکام و اقامه جماعت و تدریس اشتغال دارند.(۱)

عبداللّه اصفهانی

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان] از محمّد بن سعید شافعی روایت می کند.(۲)

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه بن محمّد اصفهانی، از اصحاب حضرت هادی علیه السلام است. در «ارشاد» مفید حدیثی از امام هادی علیه السلام به نقل از او نوشته شده است.(۳) در «حدیقه الشیعه» وی را از اصحاب حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می شمارد.(۴) [بشار بن احمد که از روات شیعه است از او نقل حدیث کرده است.(۵)]

عبداللّه کَروَنی اصفهانی

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن ابراهیم بن یحیی کرونی اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن پنجم هجری] مفتی اصفهان. در بغداد نزد قاضی ابوالطّیب طبری درس خوانده و از جماعتی حدیث شنیده است. و ابوالقاسم غانم بن خالد بن عبدالواحد دقّاق اصفهانی از

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۳۹؛ مزارات اصفهان، ص۳۱۶.

۲- میزان الاعتدال، ج۱، ص۱۸۹.

۳- ارشاد، ص۳۰۷.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۷۶.

۵- تاریخ تشیع اصفهان، ص۱۹۳؛ معجم رجال الحدیث، ج۱۰، ص۳۰۲.

او روایت می کند.

فوت او به سال ۴۶۹ق بوده است.(۱)

عبدالّله قراطیسی اصفهانی

ابوالوفاء عبدالّله بن محمّد بن ابی الحسن کاغذی قراطیسی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] از ابوطاهر احمد بن محمّد بن محمّد نقاش اصفهانی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی در اصفهان استماع حدیث کرده است.(۲)

عبدالّله بشرویه ای خراسانی

عبدالّله بن حاج محمّد بشرویه ای خراسانی در ۱۵ رمضان ۱۰۵۸ق از کتابت نسخه ای از «مسالک الافهام» شهید ثانی در اصفهان به خط نسخ و نستعلیق فراغت یافته و نسخه به شماره ۱۷۲۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳)

عبدالّله اصفهانی

عبدالّله بن محمّد اصفهانی [از کاتبان نسخ نویس قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۳۵ق نسخه ای از «انوار التّنزیل» بیضاوی را به خط نسخ نوشته و کتاب در کتابخانه جامع گوهرشاد به شماره ۷۳ موجود است.(۴)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۱۲.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۷۹.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج ۸، ص ۲۶۳.

۴- فهرست گوهرشاد، ص ۲۲۱.

عبداللّه رویدشتی

ابوالقاسم عبداللّه بن محمّد بن ابی القاسم بن احمد بن محمّد بن عبداللّه رویدشتی [از دانشـمندان گمنام قرن شـشم هجری] در تاریخ چهارشنبه ۲۸ رجب ۵۳۱ق کتاب «الایضاح» تألیف: قوام السّـنه اصفهانی را به خط نسخ نوشـته و کتاب به شماره ۴۰۱۱ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

عبداللّه ثقفی اصفهانی

ابومحمّـد عبـداللّه بن محمّـد بن حسن بن اُسـید ثقفی [از محـدّثین عـامّه اصـفهان در قرن چهـارم هجری] مقبـول القول و کـثیر الحدیث بوده و در مدینه النّبی صلی الله علیه و آله حدیث گفته و در سال ۳۱۰ق وفات یافته است.(۲)

از ابومحمّـد نضـر بن هشـام بن راشـد مُکتب اصـفهانی روایت نموده و زیـد بن علی بن ابی هلاـل کوفی از او نقل حـدیث می نماید.(۳)

عبداللّه اصفهانی

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن زکریا بن یحیی بن ابوزکریا (اصـفهانی) [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری.] مقبول و ثقه و صاحب مصنّفات کثیره بوده و در سال ۲۸۶ق وفات یافته است.

از سهل بن بکّار، محرز بن سلمه، ابوالولید، ابن جابر رملی، محمّد بن بکر، اسماعیل بن

۱- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۹۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۷۰.

۳- میزان الاعتدال، ج۳، ص۱۶۰.

عمرو بجلی و سعدویه روایت می کند و محمّد بن یحیی بن منده و ابوعبداللّه محمّد بن احمد بن بطه اصفهانی از او نقل حدیث کرده اند.(۱)

عبداللّه ضَبّی اصفهانی

ابوالقاسم عبداللّه بن محمّد بن محمّد بن سهل بن محمّد بن ازهر ضَبّی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] برادرزاده علی بن سهل صوفی [است] از ابراهیم بن مَتّویه، اسحاق بن جمیل، محمّد بن نُصَیر و جز آنان روایت حدیث کند و حافظ ابونعیم اصفهانی از او استماع حدیث کرده است.

وی را کتابی است به نام «اصول». قبل از سال ۳۶۰ق وفات یافته است.(۲) و احتمالاً در بقعه علی به سهل مدفون شده است.

سیّد عبداللّه جزایری

سیّد عبداللّه بن سیّد محمّد بن سیّد محمّدشفیع بن سیّد محمّد بن سیّد عبدالکریم بن سیّد محمّدجواد بن سیّد عبداللّه بن سیّد نورالدّین بن سیّد نعمت اللّه محدّث جزائری موسوی شوشتری [از فضلای قرن چهاردهم هجری] از علماء و ائمه جماعت اصفهان متوفی در جمعه ۴ ربیع الثانی ۱۳۵۷ق.(۳)

عبداللّه اصفهانی

ابوبکر عبداللّه بن محمّد بن شهمردان اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] صاحب تفسیر [است.] بعد از سال ۳۴۰ق وفات یافته است. وی از

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۶۱؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۴۳؛ احقاق الحق، ج۹، ص ۲۲۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۳؛ مزارات اصفهان، ص۳۲۵.

۳- الذریعه، ج۷، ص ۱۱۱.

طاهر بن اسماعیل خَثعَمی روایت می کند.(۱)

عبداللّه حَسّاب اصفهانی

مولی عمادالـدّین عبـداللّه بن محمّد بن عبدالرّزاق [حَسّاب] اصـفهانی، از دانشـمندان ریاضـی در قرن هفتم هجری است که در سال ۶۷۵ق کتاب «الفوائـد البهائیه فی قواعـد الحساب الهوائیه» را به نام: خواجه بهاءالدّوله شـمس الدّین صاحب دیوان جوینی در اصفهان تألیف نموده است.

مراد از حساب هوائی، حساب به وسیله فکر و دست بدون استفاده از آلات و نوشتن ارقام می باشد.(۲)

عبداللّه دارکی اصفهانی

عبـداللّه بن محمّـد بن عبدالعزیز دارکی اصـفهانی از محدّثین قرن چهارم هجری و منسوب به قریه «دارک» از بلوک قَهاب جِی اصفهان است.(۳)

عبداللّه زهرانی

عبداللّه بن محمّد بن عبدالعزیز زهرانی (اصـفهانی) [از محدّثین اصفهان] از جعفر بن سلیمان روایت نموده و اباالحسن احمد بن ابراهیم از او نقل حدیث کرده است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۸۹.

۲- الذریعه، ج۱۶، صص ۳۲۶ و ۳۲۷؛ الانوار السّاطعه، ص۹۳؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۰۷.

۳- طبقات الشّافعیه، ص۳۱؛ معجم البلدان، ج۲، ص۴۲۳.

۴- احقاق الحق، ج۱۶، ص۱۵۱.

عبداللّه بن محمّد

عبداللّه بن محمّد بن عبداللّه [از فضلای قرن سیزدهم هجری] در جمادی الاولی سنه ۱۲۶۶ در دارالسلطنه اصفهان مجموعه ای از «تحریر اکر» و «تحریر کتاب المناظر» و «تحریر تکسیر الدّایره» را جهت خود کتابت نموده و این مجموعه به شماره ۵۴۲۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

سیّد عبداللّه شمس آبادی

سیّد عبداللّه بن سیّد محمّد بن سیّد عبداللّه بن سیّد اسماعیل بن سیّد حسین موسوی شاهاندشتی مازندرانی، عالم فاضل [از علمای قرن سیزدهم هجری] امام مسجد قطبیه اصفهان.(۲)

ملّا عبداللّه هرندی

حاج ملّا عبداللّه هرندی معروف به (حاج آقا) فرزند میرزا محمّد بن حاج ملّا عبداللّه بن حاج محمّدهادی بن حاج محمّدظهیر بن حاج محمّدسمیع هرندی، عالم فاضل، در حکمت و کلام زحمت ها کشیده و خدمت اساتید از جمله آخوند کاشی رسیده [و صاحب علم و فضل و تقوا بود] در مسجد محلّه شهشهان اقامه جماعت می فرموده و در ۱۴ رجب سال ۱۳۴۹ق وفات یافته و در تکیه ملک جنب قبر استادش آخوند ملّا محمّد کاشی در تخت فولاد مدفون گردید.(۳) [پس از توسعه تکیه شهدا و خراب شدن تکیه ملک، مزار او هم از بین رفت.]

۱- فهرست رضوی، ج۸، ص ۳۶۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۳.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۳.

عبداللّه رفاعی اصفهانی

ابوالقاسم عبداللّه بن محمّد بن عبداللّه رفاعی اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن پنجم هجری] در جمادی الاولی ۴۳۴ق در واسط بوده و مغازلی: علی بن محمّد شافعی مؤلف: «مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام » از او روایت می کند و ابوالقاسم رفاعی از حسن بن احمد و عبدالغفار بن محمّد بغدادی نقل حدیث کرده است.(۱)

عبداللّه اسدی خطیبی

ابوالقاسم عبداللّه بن محمّد بن عبیداللّه بن علی بن جعفر بن رزیق اسدی مصری حنیعی معروف به «خطیبی» اصفهانی. [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

در دوشنبه ۲۸ ربیع الآخر سال ۴۴۸ق در خاندان علم و قضا متولّد شده و خطیب مسجد جامع کبیر عتیق اصفهان بوده است.

ابوسعد سمعانی از او حدیث شنیده و از او به عنوان: «کان شیخا فاضلاً عالما حسن السیره، جمیل الامر، ثقهٌ صالحا من اهل الدّین» یاد کرده است.

خطیبی از ابوالطّیب عبدالرّزاق بن شمه، ابوبکر احمد بن فضل باطرقانی، ابوالفضل عبدالواحد بن احمد بن محمّد بن صالح مقری و جز آنان حدیث شنوده [است.]

فوت او در ربیع الآخر ۵۳۳ق واقع شد.(۲)

۱- احقاق الحق، ج۵، ص۸۹ و ج۱۶، ص۱۷ و ج۱۷، ص۵۶۵.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۷۸.

عبداللّه باوردی

ابومحمّـد عبـداللّه بن محمّـد بن عقیل باوردی (ابیوردی) خراسانی [از محدّثین معتزلی مذهب در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری.]

یـاقوت حموی گویـد: معتزلی و غـالی مـذهب بوده و در اصـفهان سـکونت نموده و بعـد از سـال ۴۲۰ق وفـات یافته است.(۱) مؤلّف: میزان الاعتدال» گوید: «کان من بقایاء الشّیوخ باصفهان. ادرکه ابومطیع. قال عبدالرّحمان بن منده قال لی: من لم معتزلیّا فلیس بمسلم»(۲)

عبداللّه قاضی

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن عمر بن عبداللّه بن حسن قاضـی (اصفهانی) [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] از عبـدان و جعفر بن احمـد بن سـنان و عبـداللّه بن محمّـد بن عبـاس روایت نمـوده و در ۲۱ ربیع الاـولی سال ۳۶۲ق وفات یافته است.(۳)

عبداللّه کرابیسی نیشابوری

ابوبکر عبـداللّه بن محمّـد بن محمّـد بن احمـد بن محمود بن حریس بن صالـح بن ازهر بن عبـداللّه بن عـامر کزیری کرابیسـی اصـفهانی نیشـابوری سـمسار [از محـدّثین عـامّه است. در اصـفهان سـکونت داشـته و سـپس به نیشـابور رفته و در محلّه سـحور سکونت گزیده است.]

از ابوعمرو بن حمدان، ابی یعلی زبیری، ابی الحسن بحیری، ابی سـعید رارانی، ابی بکر طرازی، ابی الحسن صبغی، ابی بکر بن مهران و هم طبقه آنان از محدّثین اصفهان حدیث شنیده و ابوصالح مؤذن از او روایت می کند.(۴)

۱- معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲- میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۷۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۲۷۶.

۴- تاریخ نیسابور، ص ۴۳۶.

نجم الدّین عبداللّه اصفهانی

شیخ نجم الدّین عبداللّه بن محمّد بن محمّد بن علی اصـفهانی شافعی [از محدّثین عامّه در قرن هفتم و هشـتم هجری.] از اکابر عرفای قرن هفتم هجری است. در سال ۶۴۳ق متولّد شده و مردی عابد و صالح بوده و پس از تحصیل به تصوّف مایل گشته و مردم به وی اعتقاد زیاد داشته اند. او از شاگردان ابوالعبّاس احمد بن عمر مُرسی انصاری اسکندری بوده است. او پس از وفات استادش ابوالعباس مُرسی به مکّه معظّمه مشرف شده و بیست و چند سال در آنجا مجاورت نموده و در این مدّت هرگز به زیارت مدینه منوّره مشرّف نشد! عاقبت در ماه جمادی الآخر ۷۲۱ق در مکّه وفات یافت و در نزدیکی مزار فضیل بن عیاض مدفون شد. «الوجیزه» در فقه از تألیفات اوست. یافعی در «مرآت الجنان» حکایات و کراماتی از وی نقل می کند. طالبین مراجعه کنند.(۱)

عمو عبداللّه سقلا

عمو عبداللّه سقلا بن محمّد بن محمود. شیخ عارف و صوفی زاهد [از عرفای قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری] در ۱۷ ذیحجه ۷۱۶ق وفات یافت. قبرش در مقبره معروف به منارجنبان [واقع در قریه «کارلادان» از قراء ناحیه ماربین] اصفهان است. شرح حال او مانند بسیاری دیگر از عرفاء و دانشمندان مجهول است.

مقبره او جزو آثار باستانی اصفهان است و مناره های او حرکت کردن یکی از آنها به حرکت دادن دیگری مشهور است و علّت آن را دانشمند بزرگوار جناب آقای معزّالدّین مهدوی که از فضلای معروف و نویسندگان نامدار می باشد در رساله ای به نام

۱- شدّ الازار، (حواشی) ، ص۴۷۴؛ مرآت الجنان، صص ۲۶۱-۲۶۵؛ الدرر الکامنه، ج۲، صص ۴۰۱ و ۴۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۷۵.

«منارجُنبان اصفهان» تشریح نموده اند.(۱)

عبدالّله اصفهانی

ابوبکر عبدالّله بن محمّد بن نعمان اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از ابونعیم فضل بن دکین روایت می کند و ابوبکر بن قباب (ابی فورک) از او نقل حدیث می نماید.(۲)

عبدالّله تمیمی اصفهانی

قاضی ابوبکر عبدالّله بن محمّد تمیمی اصفهانی از فقهاء و محدّثان قرن ششم هجری است. ابوعلی حسن بن حسین بن جعفر خطیب دینارآبادی از او روایت می کند.(۳)

عبدالّله بن معاویه

جناب عبدالّله بن معاویه بن عبدالّله الجواد بن جعفر طیّار، مدّتی در اصفهان بوده و بعدا به خراسان رفته و آن جا در سال ۱۳۱ق به دستور ابومسلم خراسانی در شهر هرات در زندان شهید شده است. عبدالّله مردی شاعر، ادیب، شجاع و بخشنده بود. این شعر معروف از اوست:

وَ عَینُ الرِّضا عَن کُلّ عَیبٍ کَلیلَه ولکن عَین السخْطِ تُبدی المَساویا

در قریه آفاران [که اکنون به شهر پیوسته و جزو محلّه های غرب شهر اصفهان است[امامزاده ای موجود است که شاهزاده عبدالّله می گویند و آن را جناب عبدالّله بن معاویه بن

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۶؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۲۷۹ و ۲۸۰؛ تاریخ اصفهان (جابری) ، صص ۲۱ و ۷۶.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۶۴.

۳- بزرگان و سخن سرایان فارس، ج۱، ص۱۵۶؛ معجم البلدان، ج۲، ص۵۴۵.

عبـداللّه الجواد بن جعفر طیّار علیه السـلام می داننـد. تا چنـدین سال قبل در جلو مقبره بازارچه ای و در سـمت شـمال آن آثار گورسـتانی قـدیمی وجود داشت که در سال های اخیر گورسـتان تبدیل به مدرسه و خانه شده و بازارچه برای کشیدن خیابان خراب گردید و اکنون جاده اصلی شهر به رهنان می باشد و امامزاده در سمت جنوب خیابان قرار دارد و بر آن گنبدی عالی با کاشیکاری مردمان خیّر و نیکوکار و متدیّن ساخته اند و از این راه محبّت و دوستی خود را نسبت به خاندان عصمت و طهارت ثابت گردانیده اند.(۱)

[عبـداللّه بن معـاویه در کوفه قیام کرد و چون از والی آن شـهر شـکست خورد، فرار کرد و جمعی را با خود همراه ساخت و به سال ۱۲۷ق به شـهرهای کوفه، بصـره، همـدان، ری، قم، قومس، اصـفهان و فارس دست یافت و اصـفهان را پایتخت خود قرار داد. سـفّاح و منصور عباسـی به همراه عدّه ای از بنی هاشم نزد وی آمدند. مروان بن محمّد لشـکری انبوه به فرماندهی عامر بن ضباره به جنگ عبـداللّه فرسـتاد. عبـداللّه چون سـستی یاران خود را دیـد به خراسان نزد ابومسـلم فرار کرد و به دسـتور وی در زندان کشته شد.(۲)]

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه بن نُمرذ اصـفهانی [از محدّثین عامّه اصـفهان در قرن سوم هجری] از ابراهیم بن محمّد بن حارث معروف به «ابراهیم بن نائله» روایت می کند و محمّد بن علی از او نقل حدیث می نماید.(۳)

۱- مزارات اصـفهان، صص ۴۸-۵۰؛ الاعلام، ج۴، ص۱۳۹؛ ذکر اخبار اصـفهان، ج۲ ص۴۲؛ عمـده الطالب، ص۲۲؛ الفخری، ص۱۹۲؛ المجدی، ص۲۹۷؛ مقاتل الطالبیین، ص۱۸.

۲- مزارات اصفهان، ص ۵۰، (تعلیقات دکتر اصغر منتظرالقائم) .

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۵.

عبداللّه محیط سامانی

عبـداللّه سامـانی متخلّص به «محیط» فرزنـد نوراللّه عمّان سامانی [بن عبـداللّه ذرّه سامانی، از شـعرای قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۹۰ق متولّد شـده و نزد پدر و دیگران آداب شاعری و فنون ادب بیاموخت و پس از فوت پدر به شـرحی که در تاریخ چهارمحـال مـذکور است لقب تـاج الشّـعرایی یـافت. مردی با اطلاع و خوش مجلس بوده و در اواخر عمر دچار فقر و پریشانی شـده و بالاـخره در اواسط جمادی الاولی سال ۱۳۵۵ق وفـات یـافت و در بالای قبر دهقان در سامان مـدفون شـد. [مادّه تاریخ وفاتش را جلال فرزانه چنین گفته است:

رقم زد ز پی تاریخ کلک «فرزانه»: «محیط رحمت حق شد محیط عمانی»

۱۳۵۵

این بیت از اشعار اوست:

بهر دل بگذشتن از جان کار مردان است و بس هر که در این ره قدم بنهاد مرد آن است و بس(۱)]

عبداللّه اسفیذباآنی اصفهانی

ابویحیی عبداللّه بن ولید قسام اسـفیذباآنی اصـفهانی [از محدّثین عامّه اصـفهان در قرن سوم هجری.] از اهالی قریه «اسپیدباآن» اصـفهان بوده و از ابوالحسـین محمّـد بن بُکیر بن واصل حضـرمی و علی بن قرین بن نَهیَش اصـفهانی روایت نموده و فرزندش ابوزکریا یحیی از او نقل حدیث کرده است.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۳۱؛ شناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، صص ۶۱۴-۶۱۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۵۵؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۰۵؛ معجم البلدان، ج۱، ص۱۸۰؛ المشترک، ص۲۳.

ملاّ عبداللّه هرندی

ملاّ عبـداللّه هرندی فرزند حاج محمّدهادی بن حاج محمّد ظهیر بن حاج محمّدسـمیع هرندی، عالم فاضل [فقیه محقّق و مفسر متبحّر از دانشـمندان قرن سیزدهم هجری] در حـدود سـال ۱۱۷۸ق متولّـد شـده و در هرنـد اصـفهان تحصـیل کرد او در سـال ۱۲۵۶ق وفات یافته و در امامزاده اسحاق هرند مدفون شد.(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «دلائل الدّین» در اصول دین، به فارسـی، در یک مقدّمه و ۹ باب و یک خاتمه، جلـد اوّل آن به خط محمّدعلی بن محمود هرندی که در سال ۱۲۳۵ق کتابت شده به شماره ۱۸۷ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی و نسـخه ای دیگر از جلد اوّل، به خط محمّـدحسن بن ملاّ علی هرنـدی که در سال ۱۲۳۵ق کتابت شده به شـماره ۴۶ در کتابخانه مـدرسه صدر خواجو در اصـفهان موجود است. همچنین دو نسـخه به شـماره های ۳۲۳۸ و ۲۴۵۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشـی و نسـخه ای به شـماره ۱۴۲۱ در کتابخانه مسـجد گوهرشاد مشـهد نگهـداری می شود.(۲) ۲. «مجمـع الاسـرار القرآن» ۳. «نـور القبور» در کلاـم از روی آیـات قرآن، که نسخه آن به شماره ۶۲۹ در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد موجود است.(۳)

۱- رجال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۱۴۳؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۷؛ مکارم الآثار، ج۵، صص ۱۵۳۱ و ۱۵۳۲؛ فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۲۸۳؛ الکرام البرره، ج۲، ص۷۹۱.
۲- فهرست گلپایگـانی، ج۱، صص ۱۶۹ و ۱۷۰؛ فهرست صـدر خواجو، ص۴۱؛ فهرست مرعشی، ج۷، ص۴۷ و ج۹، ص۳۳؛ فهرست گوهرشاد، ص۱۱۵.
۳- فهرست گوهرشاد، ص۴۲۶.

میرزا عبداللّه محزون

میرزا عبداللّه متخلّص به «محزون» فرزند محمّدهادی عالم فاضل و ادیب زاهد شاعر [از ادباء و فضلای قرن دوازدهم هجری] از احفاد شاه عباس ثانی صفوی بوده و در سال ۱۱۷۱ق وفات یافت. قبرش در قبرستان آب بخشان بوده است.(۱)

[او کتاب «معین الطّلبه» تألیف: محمّدرضا سبزواری را در دوشنبه ۱۰ شوال ۱۲۷۱ق کتابت نموده و به شماره ۸۶۸۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

به نظر می رسد در نقل قول تاریخ وفات از سنگ مزار میرزا عبداللّه محزون اشتباهی رخ داده است.]

سیّد عبداللّه حالی اصفهانی

سیّد عبداللّه حائری اصفهانی متخلّص به «حالی (حسابی) » فرزند سیّد یحیی، [از شعراء و فضلای قرن دوازدهم هجری] از سادات حائری و صاحب فضایل و کمالات باطنی و ظاهری بوده، خط نسخ را نیکو می نوشته و شعر خوب می گفته [است [دیوانش قریب پنج هزار بیت بوده و به سنّ کهولت در سال ۱۱۲۶ق در اصفهان وفات یافته و در تخت فولاد نزدیک مسجد مصلی مدفون شده است.(۳)

[این بیت از اوست:

زبان خموش و بردن رازم از دل افتاده است ز شمع کشته ام آتش به محفل افتاده است]

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۷.

۲- فهرست رضوی، ج۱۲، ص۴۴۲.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۸۹ و ۷۹۷؛ تذکره المعاصرین حزین، ص ۱۹۰؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۸۷؛ صحف ابراهیم، ص۱۱۲؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۱، ص۶۷۱.

خواجه عبداللّه اصفهانی

خواجه عبـداللّه بن رئیس یوسف اصـفهانی [از مردان نیکوکـار قرن دهم هجری] بـانی مسـجد کوچکی مقابـل امـامزاده شوری (امامزاده عبداللّه) در محله دردشت در سال ۹۱۹ق [است.(۱)]

عبداللّه صوفی اردستانی

ابومحمّـد عبـداللّه بن یوسف بن احمد بن بامویه (بابویه) [صوفی] اردسـتانی اصـفهانی [از محدّثین مشـهور و عرفای نامدار قرن چهارم هجری.]

در سال ۳۱۵ق متولّـد شـده و در طلب حدیث و کسب علم به هرات، جبال، عراق و حجاز سـفر کرده و سال ها در نیشابور بود در مکّه مصـاحبت اباسـعید بن اعرابی را دریـافته و از او حـدیث اخـذ کرده و در نیشـابور به خـدمت شـیخ ابـاالحسن پوشـنگی (بوشـنجی) رسـیده و از محضـر او بهره گرفته است. همچنین از ابوبکر احمد بن سـعید بن فرجیح، ابوبکر محمّد بن عبیداللّه بن فتـح (در بغـداد) ، ابوبکر محمّـد بن حسن بن حسـین قطّان، ابوسـعید اصـفهانی، محمّـد بن حسن، محمّـد بن عبداللّه و بُکیر بن احمد بن سهیل صوفی روایت می کند.

ابوالقاسم عبـدالکریم بن هوازن قشـیری، ابوبکر احمـد بن حسـین بیهقی، عبدالرّحمان بن محمّد، محمّد بن اسـماعیل بن محمّد قرشی، [ابوبکر بغدادی و ابوبکر احمد بن علی بن خلق شیرازی] از او نقل حدیث کرده اند.

او در ماه رمضان ۴۰۹ق در نیشابور وفات یافته و در همانجا مدفون شد.(۲)

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۸۶۲ و ۸۶۳.

۲- احقـاق الحق، ج۶، ص۱۹۵ و ج۴، ص۳۲۸ و ج۹، ص۵۱۳ و ۴۸ و ج۱۴، صـص ۶، ۸ و ۸۳ و ج۱۵، ص۳۸۳؛ مناقب خوارزمی، صـص ۲۲ و ۸۵؛ تبیین کـذب المفتری، ص۴۲۴؛ معجم البلـدان، ج۱، ص۱۴۶؛ المختصـر من کتاب السیّاق لتاریخ نیسابور، ص۱۶۱؛ آتشکده اردستان، ج۲، صص ۲۶۱ و ۲۶۵.

عبداللّه تبریزی

عبداللّه تبریزی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و «حواشی بر قوانین» از آثار او در کتابخانه دانشمند گرانمایه آقای دکتر احمد تویسرکانی در اصفهان موجود است.

عبداللّه تویسرکانی

عبداللّه تویسرکانی [کاتب نسخ نویس] در روز دهم ذی القعده در اصفهان کتاب «خمسه ضروریّه» تألیف مولی محمّدجعفر بن محمّدطاهر خراسانی [معروف به آخوند کرباسی] را به خط نسخ نوشته است. نسخه به شماره ۱۳۲۵ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۱)

عبداللّه حسینی*

عبداللّه حسینی، از خوشنویسان اصفهان در قرن دوازدهم هجری است. او کتیبه اطراف محراب کوچک ایوان جنوبی مسجد خان در محلّه احمدآباد اصفهان را در سال ۱۱۲۴ق نوشته است.(۲)

۱- فهرست وزیری، ج۳، ص۹۲۸.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۶۰۸.

ملّا عبداللّه خوانساری

آخونـد ملّا عبداللّه خوانساری، از منبریان معروف و روضه خوانان مشـهور اصـفهان [در قرن سـیزدهم هجری] بوده و در شدّت مرض نیز ترک ذکر مصیبت ننموده، در روز ۷ محرم سال ۱۲۹۲ق وفات یافته در تکیه آباده ای در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه تاریخ وفاتش را «پرتو» شاعر گوید:

از پی تاریخ آن «پرتو» سرود: «یا حسینی گفت پس دم در کشید»(۱)

سیّد عبداللّه رعنای اصفهانی

سیّـِد عبـداللّه متخلّص به «رعنا» از شـعرای اصـفهان در اوایل حکومت پهلوی است. از اعضای قـدیمی انجمن ادبی شـیدا بود و غزل را نیکو می سرود.

از اوست:

شبی از دو زلف تو مو، بفتد اگر که به چنگ ما به نشاط و رقص و طلب شود، دل و جان به نغمه چنگ ما

تو اگر ز باده و زعفران،طلبی نشاطی و عشرتی بنگر به سرخی لعل او، بنگر به زردی رنگ ما(۲)

سیّد عبداللّه رفیعی علویجه ای

حاج سیّد عبداللّه رفیعی علویجه ای (حسنی حسینی طباطبائی) اصفهانی، عالم فاضل

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۱.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۱۵.

[از علمای قرن چهاردهم هجری.]

در خوانسار و اصفهان تحصیل کرده و در زادگاه خود «علویجه» به ترویج و تبلیغ دین پرداخته و پیشوای دینی اهالی بلوک عربستان کَروَن بود. وی بانی چند مدرسه و حسینیه و مسجد در علویجه است. وفاتش در حدود سال ۱۳۹۶ق یا ۱۳۹۷ق واقع شد.

خواهرزاده اش آقا سیّد اسماعیل رفیعی عالمی جلیل و فاضل بوده و در نجف اشرف تحصیل کرده بود و عاقبت در سال ۱۳۷۲ق در شط العرب غرق شده و وفات یافت. مسجد آقا سیّد اسماعیل [ظاهرا در علویجه] از آثار خیریه اوست.

شیخ عبداللّه قاضی

شیخ عبداللّه قاضی، عالم فاضل، از مشایخ بیدآباد اصفهان در محرم ۱۲۹۱ق وفات یافته و در رواق کربلا جنب ضریح حبیب بن مظاهر مدفون گردید.(۱)

ملاّ عبداللّه قمیشه ای

ملاّ عبداللّه قمیشه ای از علمای اخیار. متوفی به سال ۱۲۶۱ق. قبرش در صحن تکیه آقا حسین خوانساری.(۲)

عبداللّه کاتب اصفهانی*

عبداللّه کاتب اصفهانی، از کاتبان و خوشنویسان هنرمند قرن نهم هجری است. وی

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۰؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۰.

نسخه ای از «جامع التّواریخ» تألیف: ملاّ تاج الدّین حسن شهاب منجم یزدی (ابن شهاب) را در سال ۸۸۰ق کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۱)

شیخ عبداللّه گیلانی

شیخ عبداللّه گیلانی [از علمای قرن دوازدهم هجری] فاضل نحریر به غایت ستوده خصال بود. در اواخر عهد صفویه در اصفهان وفات یافته است.(۲)

[وی در سال ۱۱۵۰ق وفات یافته و شیخ محمّدعلی حزین در رثای او قصیده ای گفته که مادّه تاریخ آن این بیت است:

چون مردمک چشم جهان بود ز عرفان گفتم پی تاریخ که «بینش ز جهان رفت»(۳)]

۱۱۵۰

عبداللّه مصوّر*

عبداللّه مصوّر، نقاش و قلمدان ساز اهل اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. وی در رنگ و روغن و آبرنگ و تذهیب کاری مهارت داشته و در حدود سال ۱۳۵۰ق در اصفهان درگذشته است.

این نقاشی ها از آثار اوست:

۱- تاریخ افضل، مقدمه، صص ۴-۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۰؛ تاریخ و سفرنامه حزین، ص۲۳۷.

۳- تاریخ و سفرنامه حزین، صص ۳۸۷ و ۳۸۸ (تعلیقات) ؛ دیوان حزین لاهیجی (تصحیح بیژن ترقی) ، ص۶۰۵.

۱. تصویر حضرت علی علیه السلام سال ۱۳۳۰ق ۲. قلمدان جعبه ای، موجود در مجموعه آقای کریم زاده تبریزی ۳. منظره غدیرخم(۱)

ملاّ عبداللّه معلّم اصفهانی

ملاّـ عبداللّه معلم اصفهانی، خطاط و خوشنویس نسخ و نستعلیق و شکسته [در قرن دوازدهم هجری] در ذیحجه ۱۱۱۳ق از کتابت نسخه ای از «قرآن کریم» فراغت یافته و این نسخه به شماره ۱۵۱۷ در گنجینه قرآن کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.(۲)

عبداللّه مغموم بروجنی

عبداللّه برجیان متخلّص به «مغموم» از شعرای معاصر در سال ۱۳۱۲ق در «بروجن» [از توابع چهارمحال و بختیاری] متولّد شده. مطابق سبک زمان و مکان تحصیلاتی نموده و خط خوبی دارد. مدّتی کارمند دارایی محل بوده و [سپس] از آن کناره گیری کرده به مشاغل آزاد روزگار می گذرانید. اشعار بسیاری گفته [است.] این چند بیت در توحید ضمن منظومه ای از او، نوشته شد:

هر که گردد بنده فرمان او در دو عالم می شود او کامجو

بنده اش شو تا شوی شاه جهان شو گدایش تا نگردی ناتوان(۳)

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۳۷۴.

۲- راهنمای گنجینه قرآن، ص۲۹۲.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۴۶۰؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

شیخ عبداللّه موسیانی اصفهانی*

شیخ عبداللّه موسیانی اصفهانی، از علمای معاصر، عالم ربانی و فقه صمدانی، مجتهد عالیقدر در سال ۱۳۳۰ق در قریه «موسیان» متولّد شده و پس از تحصیلات مقدماتی راهی شهر مقدس قم شد و نزد حضرات آیات: سیّد محمّدحجت کوه کمری، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سیّد محمّدتقی خوانساری، حاج آقا سیّد حسین طباطبائی بروجردی، شیخ محمّدعلی حائری قمی (صاحب حاشیه بر کفایه) ، شیخ ابوالقاسم کبیر قمی، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و میرزا محمّدحسین غروی نائینی (هنگام اقامت اجباری این دو بزرگوار در قم) ، و آقا شیخ محمّدرضا نجفی اصفهانی و همچنین آقا سیّد محمّدرضا گلپایگانی کسب فیض نموده و فقه و اصول را فراگرفت.

او در قم ساکن بود و از راه وعظ و خطابه و خرید و فروش کتاب امرار معاش می کردو هرگز از سهم امام علیه السلام استفاده نمی کرد. عالمی مقدس و وارسته و در کمال زهد و تقوا و در فقاهت صاحب علم و بصیرت بود.

او سرانجام در سال ۱۴۲۵ق (مطابق با ۱۳۸۳ش) وفات یافته و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون شد.(۱)

شیخ عبداللّه میثمی*

شیخ عبداللّه میثمی، از روحانیان مبارز و انقلابی معاصر در سال ۱۳۳۴ش. در محلّه مسجد حکیم اصفهان متولّد شد. تحصیلات خود در دبستان و دبیرستان را در اصفهان طی کرد و برای تحصیل در حوزه علمیه به قم رفت و در مدرسه حقّانی نزد اساتید حوزه

۱- گنجینه دانشمندان، ج۲، ص۷۶ و اطلاعات متفرقه.

حاضر شد.

او در پی مبارزات سیاسی علیه رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۴ش دستگیر و زندانی شد و پس از یک سال و نیم به اصفهان منتقل شد و به قم بازگشت و نزد حضرات آیات: قدوسی، خزعلی و حائری شیرازی ادامه تحصیل داد.

او پس از پیروزی انقلاب به سپاه پیوست و برای مبارزه با گروه های مسلح ضدّ انقلاب راهی کردستان شد. مدّتی بعد برای تبلیغ و پیشبرد اهداف انقلاب به یاسوج رفت و به مردم محروم کهگیلویه و بویراحمد خدمات ارزنده ای نمود. او پس از آن از سوی امام خمینی به نمایندگی امام خمینی در سپاه منطقه ۹ کشور منصوب شد و مدّتی بعد به عنوان نماینده امام در قرارگاه عملیاتی خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله منصوب شد و در فرماندهی عملیات های رزمندگان در جنگ با عراق نقش فعّالی را ایفا کرد.

شیخ عبداللّه میثمی چند هفته پس از عملیات رزمندگان ایرانی در شرق بصره (عملیات کربلای ۵) در روز ۱۲ بهمن ۱۳۶۵ش به شهادت رسید و در تکیه شهدای شهر اصفهان به خاک سپرده شد.(۱)

عبداللّه نقاش باشی اصفهانی

عبداللّه خان نقاش باشی اصفهانی [از نقاشان هنرمند قرن سیزدهم هجری] در «تاریخ قم» موسوم به «مختار البلاد» گوید که: سنگ قبر مرحوم فتحعلی شاه قاجار که تمثال او را نقش نموده اند و در قم می باشد از آثار اوست.(۲)

۱- سخن شمع خاتم، صص ۱۳-۱۸؛ شمع محفل خاتم، صص ۱۹-۵۱.

۲- مختار البلاد، ص۱۰۸.

ملّا عبداللّه یزدی

ملّا عبداللّه یزدی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. از شاگردان علاّمه مجلسی است [در اصفهان ساکن بوده و] علاّمه در اجازه ای که جهت او صادر فرموده، مشارٌ الیه را بدین گونه وصف نموده است: «الاخ الایمانی و الخلیل الرّوحانی جامع مکارم الشیم بمعالی الهمم الآخذ بمجامع الورع و التّقی علی وجه الاتم المولی الرضی الزکی مولانا عبداللّه الیزدی ختم اللّه بالحسنی و جعل آخره خیرا من الاولی...»

مؤلّف «کشف الحجب» نام پدر او را حسین نوشته که محتاج به تحقیق بیشتری است.(۱)

عبدالمجیب اصفهانی

عبدالمجیب بن محمّد بن حسن بن عفیف اصفهانی، از ادباء و سرایندگان قرن هشتم هجری است. او مستزادی دارد که در جُنگی که فیلم آن به شماره ۵۷۳ در کتابخانه دانشگاه طهران می باشد، موجود است. این جُنگ مربوط به قرن هشتم هجری و مورخ ماه ذی الحجه ۷۴۲ق است.(۲)

عبدالمجید اصفهانی

ابومحمّد عبدالمجید بن ابی طالب بن طاهر بن رجاء بن عبدالواحد بن عبداللّه بن محمّد بن احمد بن محمّد بن عبدویه بن معقل بن منذر بن قولویه اصفهانی [از محدّثین

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص ۵۱ و ۵۲؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۳۶؛ الذریعه، ج۱، صص ۱۵۲ و ۱۵۳؛ فیض قدسی، ص۵۶؛ اجازات الحدیث، ص۷۷.

۲- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۵۰۴.

عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

از خاندان علم و حدیث بوده و از جدّ خود ابوسعد رجاء بن عبدالواحد حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی مقدار کمی از او استماع حدیث کرده است.(۱)

عبدالمجید ریزی لنجانی

عبدالمجید بن محمّدباقر ریزی، [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] در پنج شنبه ۵ ربیع الثّانی ۱۱۲۳ق در اصفهان کتاب «الحدائق النّاضره» تألیف: شیخ یوسف بحرانی را نوشته و در کتابخانه حقیر [سیّد مصلح الدّین مهدوی] موجود است.(۲)

[«ریز» قصبه ای در بلوک لنجان اصفهان بوده و امروز به «زرین شهر» معروف است.]

درویش عبدالمجید طالقانی

درویش عبدالمجید طالقانی [فرزند عبداللّه]، شاعر ادیب و خطاط شکسته نویس معروف. از اهل طالقان در سال ۱۱۵۰ق [در روستای «مهران» طالقان] متولّد شده و در لباس فقر و درویشی به اصفهان آمده و در این شهر به درویشی و پرسه زنی می گذرانیده، سپس در اثر عشق و علاقه به دنبال کسب کمال و فضائل رفته و در خط شکسته به مقامی رسید که بر همه استادان در این فن مقدّم گردید و به حدّی ترقی کرد که رونق خط شفیعا را شکست. در «مجمع الفصحاء» گوید: بعضی او را بر شفیعا و میرزا حسن رجحان دادند و برخی مانند ایشان شمردند «حاجب شیرازی» درباره او گوید:

ای گشته مثل ز خوشنویسی ز نخست مفتاح خزائن هنر خامه توست

تا کرده خدا لوح و قلم را ایجاد ننوشت کسی شکسته را چون تو درست

[درویش، در خط شکسته شاگردان بسیاری تربیت کرد که مشهورترین آنان: ۱.

۱- التّحبیر، ج۱، ص۴۸۳.

۲- فهرست سیّد مصلح الدّین مهدوی، ص۲۹.

خواجه ابوالحسن فسائی۲. میرزا ابوالقاسم انجوی شیرازی۳. میرزا ابوالقاسم خواجوئی (میرزا کوچک) ۴. میرزا محمّدباقر سروش اصفهانی۵. شیخ رحیم مایل اصفهانی۶. آقا محمّدرضا شکسته نویس اصفهانی (آقا رضای کر) ۷. میرزا عبدالوهاب کلانتر (حاکم اصفهان) و۸. فضعلی بیگ دنبلی خوئی بوده اند.

از آثار گرانبهای او جز قطعات و مرقعات متعدّد، نسخه ای از «گلستان سعدی» است که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود بوده است.]

در شعر، در اوایل «خموش» تخلّص می کرد. شخصی در حضور او عمدا یا سهوا «خموش» را «چموش» خواند، مرحوم درویش از آن پس تخلّص خود را تغییر داده و نام خود را تخلّص قرار داد. کم شعر می گفت و استادانه می سرود. از اعضاء انجمن مشتاق بود. دیوانش قریب به دو هزار بیت می باشد [که با مقدمه استاد احمد سهیلی خوانساری به چاپ رسیده است.] نسخه ای از دیوان اشعارش در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.

مرحوم انصاری در «بدایع و نوادر» گوید: غالبا به مالاریا مبتلا بوده و در [چهارشنبه ۱۵ محرم الحرام] سال ۱۱۸۵ق وفات یافته است. آذر بیگدلی ماده تاریخ وفاتش را گوید:

زد رقم از پی تاریخ وفاتش «آذر»: «شده ایوان جنان، منزل درویش مجید»

و در کتاب «دویست سخنور» تألیف شاعر گرانمایه تبریزی آقای علی نظمی این مادّه تاریخ از ایشان به چاپ رسیده است:

درویش مجید طالقانی آن فاضل خوشدل و وفاکیش

آن قدوه اهل دل که در خط آوازه او ز «میر» شد بیش

روزی که گسست دل ز عالم و آسوده از این تلاش و تشویش

تاریخ وفات او عیان شد خواندند، چون «رحمتی به درویش»

درویش عبدالمجید را پس از وفات در قبرستان مقابل تکیه میر فندرسکی [در تخت فولاد اصفهان] دفن کردند و اینک مزارش معلوم و معیّن است.

از اشعار اوست:

نه آدمی است کسی کو تو را پری داند پری کی این همه شوخی و دلبری داند

تو ای متاع محبّت چگونه کالائی که قیمت تو نه بایع، نه مشتری داند

نه من به بندگی خواجه دگر راضی نه خواجه ام روش بنده پروری داند(۱)

میرزا عبدالمجید سرشار قهفرخی

میرزا عبدالمجید شریعت زاده فرزند آخوند ملاّ عبدالوهاب خرّم [بن حاج مجید] قهفرخی چهارمحالی، از شعرای معاصر در سال ۱۲۸۴ش. در «قهفرخ» [فرّخ شهر کنونی] متولّد شد(۲) [و مقدمات علوم را در زادگاه خود نزد پدر فرا گرفت. سپس به اصفهان رفته

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۰۰ و ۶۰۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ تجربه الاحرار، ج۱، صص ۴۳۹-۴۵۲؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، صص ۶۳۴-۶۳۶؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۶۱۲-۶۱۴؛ تذکره سفینه المحمود، ص۳۰۱؛ تذکره نگارستان دارا، ج۱، صص ۲۵۰ و ۲۵۱؛ تذکره روز روشن، ص۲۵۹؛ تذکره محمّد شاهی: مخطوط؛ تذکره نتایج الافکار، ص۶۶۹؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۹۳۱ و ۹۳۲؛ آثار عجم، ص۵۴۵؛ تذکره خوشنویسان، ص۱۳۲؛ پیدایش خط و خطاطان، ص۱۷۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۱۴ و ج۴، صص ۱۲۶۲-۱۲۶۴؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۳۱-۱۳۵؛ اطلس خط، ص۶۱۸؛ ریحانه الادب، ج۲، صص ۲۱۸ و ۲۱۹؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «درویش»، ص۵۲۲؛ الذریعه، ج۹، صص ۳۰۴ و ۶۹۸؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، ص۱۳؛ مجله کلک: شماره ۷۶-۷۹؛ تابستان ۱۳۷۵، صص ۵۱۰-۵۱۵؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۱۶۵؛ دویست سخنور، صص ۳۶۵-۳۶۶؛ کارنامه بزرگان ایران، صص ۲۷۶ و ۲۷۷؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، صص ۴۱۰ و ۴۱۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۲۰؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۱، ص۷۰۴؛ خوشنویسی در ایران، صص ۸۰-۸۳؛ خط و خطاطان (رفیعی) ، ص۱۵۶.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۴۱.

و نزد علمای عالیقدر آنجا تحصیل کرد و به زادگاه خود بازگشت و به خدمات فرهنگی مشغول شد و چند سال بعد به تهران رفت و در اداره راه استخدام شد. این چند بیت از اوست:

سروی از باد مهرگان ریزد رنگ از روی گلستان ریزد

بلبل از هجر گل به روی چمن بال پژمرده ز آشیان ریزد(۱)]

عبدالمجید یکتای اصفهانی

عبدالمجید اوحدی متخلّص به «یکتا» فرزند محمّدکریم بن عباس بن اسماعیل اصفهانی، شاعر و ادیب توانا، از شعرای معاصر اصفهان در روز یکشنبه ۲۸ صفر ۱۳۳۰ق در اصفهان متولّد شد و در مدارس ابتدایی و متوسطه به تحصیل پرداخت. از ابتدای شباب به سرودن شعر پرداخته و در خدمت عموی بزرگوار خویش حاج محمّدکاظم غمگین قواعد شعر و فنون ادب را آموخت. زبان فرانسه و انگلیسی را نیز فراگرفت. در علم حساب و دفترداری نیز معلوماتی داشت. انواع خطوط را خوب می نوشت و در موسیقی نیز اطلاعات کافی داشت. او شاعری شیرین بیان و ادیبی نکته دان بود و در انجمن های ادبی شیدا، ادیب فرهمند، کمال و صائب شرکت می کرد. ابتدا «فردی» تخلّص داشت و سپس آن را به «یکتا» تبدیل کرد. برخی از اشعارش در مجلات (از جمله مجلّه یغما) و مجموعه ها و تذکره ها به چاپ رسیده است.

او در ۲۶ شعبان ۱۳۹۵ق در اصفهان وفات یافته [و در شمال مقبره ملّا اسماعیل خواجوئی واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.]

مادّه تاریخ وفاتش را استاد جلال الدّین همایی (سنا) گوید:

۱- شناخت سرزمین چهارمحال، صص ۳۵۱ و ۳۵۲.

لاجرم از بهر تاریخش نوشت: «دُرّ یکتای سخن ای اوحدی»

[و استاد منوچهری قدسی نیز گوید:

سال تاریخ تو را «قدسی» سرود «آه رفتی نازنین» یکتای من]

کتب چندی تألیف نموده است که از آن جمله است:

۱. «دیوان اشعار» که قسمتی از آن در سال ۱۳۱۹ش به طبع رسیده است.۲. ترجمه «تاریخ سلجوقی» تألیف: ادوارد براون۳. «تذکره شعرای ایران» از اوایل قرن ۱۴ به بعد۴. «رساله در موسیقی»۵. «تاریخچه انجمن های ادبی اصفهان» که در چندین شماره از مجله وحید به چاپ رسیده است. مرحوم یکتا دیوان عموی خود غمگین را تصحیح و تحشیه نموده و بر آن مقدمه نوشته و به چاپ رسانده است.(۱)

از اوست:

عمری پی مهرویان، رفت این دل سودائی تا نقد نکونامی، شد صرف به رسوائی

رفتند نکورویان چون عمر عزیز از کف من ماندم و رسوائی، دل مانده و شیدائی

میرزا عبدالمجید فریدنی*

میرزا عبدالمجید فریدنی، عالم فاضل، مفسر و ادیب، از علمای اصفهان در اواخر دوره قاجاریه.

در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله آخوند ملّا عبدالجواد خراسانی و حاج شیخ محمّدباقر نجفی تحصیل نمود و به اجتهاد رسید. در فقه، ادبیات، تفسیر و تجوید مهارت

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۴۶-۵۴۹؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۶، ص۳۹۸۲؛ نامه سخنوران سپاهان، ج۳، ص ۹۹-۱۱۵؛ دولت دیدار، صص ۳۷ و ۲۷۹؛ بزم معرفت، صص ۲۸۸-۳۰۱.

داشت و در اصـفهان فقه، تجویـد و تفسیر تـدریس می کرد. عالمی وارسـته و قانع و زاهد بود و از راه زراعت امرار معاش می نمود. سرانجام در سال ۱۳۱۳ق پس از مراجعت از سفر حج، در بین راه وفات یافت.(۱)

میرزا عبدالمحمّد ایرانی (چهره نما)

حـاج میرزا عبدالمحمّـد مـؤدب السـلطان ایرانی (چهره نمـا) فرزنـد علیزاده، ادیـب فاضـل و شـاعر نویســنده و مـوّرخ [در قرن چهاردهم هجری.]

در حدود ۱۲۹۱ق در اصـفهان متولّد شده و در این شـهر مقدّمات علوم را آموخته [و به بوشـهر و شـیراز و عتبات عالیات سـفر کرد و پس از مراجعت، از طرف شرکت اسلامیه در اصفهان به مأموریت بادکوبه رفت و سرانجام] به مصر مهاجرت نموده و تا آخر عمر در آنجـا سـاکن بوده و از محترمین ایرانیـان ساکن مصر بوده و روزنامه «چهره نما» را در آنجا می نوشـته. مـدّت ۳۲ سال مرتبا انتشار داده است. او در اوّل شـعبان ۱۳۵۴ق در قاهره وفات یافته و هم در آنجا مـدفون گردیـد. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «احقاق الحق» ۲. «امان التّواریخ»۳. «پیدایش خط و خطاطان»۴. «زردشت باستانی و فلسفه او»۵. «فؤاد التّواریخ»(۲)

عبدالمحمود محزون اصفهانی

حاج عبدالمحمود اصفهانی متخلّص به «محزون» فرزند حیدرعلی، شاعر ادیب، از

۱- الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۴۱۵.

۲- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، صص ۴۶۸ و ۴۶۹؛ تاریـخ جرایـد و مجلّات ایران، ج۲، صص ۱۹۴-۱۹۹؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، ص ۳۱۶؛ الذریعه، ج۳، ص ۲۰۰؛ فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۵۶۴؛ فرهنگ نویسندگان و شاعران معاصر سخن، صص ۷۷ و ۷۸.

شعرای معاصر اصفهان در ۲۶ ذیحجه ۱۳۰۱ق در اصفهان متولّد شده و در نوجوانی و جوانی مدّتی علوم ادب و دین را تحصیل نمود و از آن به بعد در بازار به کسب و کار مشغول شد. او عمر خود را صرف مطالعه کتب شعراء نمود. او شاعری قابل بوده و در انجمن های ادبی اصفهان خصوصا انجمن شیدا شرکت می نمود. [او سرانجام در روز جمعه ۵ محرم الحرام ۱۳۷۷ق وفات یافته و در صحن تکیه خلیلیان (یا تکیه دردشتی) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «بدایع البیان» در توصیف اصفهان۲. «جنگل» که دیوان اشعار اوست.۳. «عروج النبی» در معراج حضرت رسول علیه السلام منظوم۴. «فضائح الافعال و قبائح الاعمال» که در سال ۱۳۴۴ق به طبع رسیده است.۵. «کنز المثال» به نثر۶. «گنج العیش» که غزلیات اوست.۷. «فصائح الزّمان» منظوم

از اوست:

باز عشق دلبری یکباره ام دیوانه کرد از غم هجران مرا مخمول در کاشانه کرد

آفتاب روی خود را کرد مخفی در سحاب هم زمانم منتظر بر وصل از افسانه کرد(۱)

حاج عبدالمحمود سرخوش اصفهانی

حاج عبدالمحمود ناظری متخلّص به «سرخوش» بن حاج محمّدصادق ناظر، از شعرای قرن چهاردهم هجری. در شوال ۱۲۸۲ق متولّد شده و در اصفهان در علم و ادب

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۱۵ و ۴۱۶؛ علوم و عقاید، صص ۴۵-۴۹؛ الذریعه، ج۹، ص۹۷۵؛ ج۱۵، ص۲۵۳ و ج۱۶، ص۲۴۸؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

آموخته است. غزل را به طرز قدما نیکو می گفت و در اغلب مسابقه های ادبی طهران و اصفهان شرکت می جست. او از اعضای قدیمی انجمن ادبی شیدا بود.

از اوست:

نخست ای مه نامهربان چو با تو نشستم گرفتم از همه خوبان دل و به مهر تو بستم

ز توبه توبه نمودم به رغم زاهد و مفتی ببین درستی عهدم که توبه را نشکستم(۱)

عبدالمطّلب اصفهانی*

عبدالمطّلب اصفهانی، رَسّام و نقّاش هنرمند دوره قاجاریه است. وی تعدادی از نقاشی های کتاب «کلیله و دمنه» را نقاشی کرده و رقم او «راقم عبدالمطّلب اصفهانی» است. این کتاب چاپ سنگی شده است.(۲)

ملاّ عبدالمطّلب اصفهانی

ملاّ عبدالمطّلب بن حسن بن محمّد اصفهانی، عالم فاضل [از علمای اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری] مؤلف کتاب های ذیل:

۱. «ترجمه مهج الدّعوات» که به نام شاه سلطان حسین صفوی نوشته و در کتابخانه فاضل ارجمند آقا سیّد مصطفی حسینی موجود [بوده] است. ۲. «هبه الوصال فی ادعیه رویه الهلال» که نسخه ای از آن به شماره ۳۵۳۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران نگهداری می شود. ۳. «هدیه الاجله فی ادعیه الاجلّه» که به نام شاه سلطان حسین نوشته و در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳) [۴. «نهج البر فی ادعیه السّر» به

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۹؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۴۴۷؛ نامه سخنوران، ص۱۵۹.

۲- مجلّه «صنعت چاپ»، شماره ۱۳۶، اردیبهشت ۱۳۷۳، ص۵۷.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱۲، ص۲۵۵۹؛ الذریعه، ج۲۵، ص۲۰۴.

فارسی که در سال ۱۱۶۵ق در مشهد مقدس کتابت شده و در کتابخانه خورشید گردیزی در «مُلتان» پاکستان موجود است.(۱) نسخه ای دیگر از این کتاب به همراه دو اثر دیگر مؤلف: «هدیه الاجله» و «ذریعه المآرب» به شماره ۴۰ در کتابخانه مؤسسه امام صادق علیه السلام در قم وجود دارد.۵. «ذریعه المآرب» در فضیلت و آداب خواندن «دوازده امام» منسوب به خواجه نصیرالدّین طوسی، که ملاّ عبدالمطّلب آن را تصحیح نموده است.(۲)]

حاج عبدالمطّلب عباس آبادی

حاج عبدالمطّلب بن محمّدحسین عباس آبادی اصفهانی، عالم فاضل [از علمای قرن سیزدهم هجری.]

او اصلاً اهل محلّه عباس آباد اصفهان است. در عتبات عالیات نزد شیخ احمد احسائی به تحصیل پرداخته و در کاظمین ساکن شده است. از علمای مهم شیخیه در آن عهد بوده و در کتاب های خود به مخالفین شیخیه طعن زیاد وارد می کند. وی تا سال ۱۲۷۷ق زنده بوده و فوتش بعد از این سال رخ داده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الحجه البالغه»، مطبوع ۲. «رساله در حجیّت مظنّه» (عنوان هفتم از کتاب «الحجه البالغه» است. ۳. «حقائق التّمحید و التّمجید»۴. «رساله در بداء» که در سال ۱۲۷۷ق تألیف شده است.۵. «نجاه الدّارین فی الامر بين الامرين» که عنوان پنجم از کتاب «الحجه البالغه» است، مطبوع۶. «اسرار اعتقادات»(۳)

۱- فهرست خورشید گردیزی، ص ۳۱.

۲- فهرست مؤسسه امام صادق علیه السلام قم، صص ۴۲-۴۵.

۳- الکرام البرره، ج۲، صص ۷۹۴ و ۷۹۵؛ الذریعه، ج۳، صص ۲۵۹ و ۲۷۷؛ ج۶، ص۲۷۷؛ ج۷، ص۳۳ و ج۲۴، ص۵۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۷؛ فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، صص ۳۴۲-۳۴۴.

شیخ عبدالمطلب سبزواری

شیخ عبدالمطلب سبزواری فرزند میرزا محمّدرحیم شیخ الاسلام بن میرزا محمّدجعفر بن ملاّ محمّدباقر مجلسی، عالم فاضل [از علمای قرن دوازدهم هجری.] در اصفهان به تحصیل پرداخته و در عداد فضلاء اهل علم قرار گرفته و سرانجام در سه شنبه ۱۳ رجب ۱۱۶۰ق وفات یافت و در تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش را «میرزا جعفر طباطبائی اردستانی» متخلّص به «راهب» چنین گفته است:

کلک «راهب» از پی افسوس گفت: «گلبن باغ جنان از پا فتاد»(۱)

ملاّ عبدالمطلب طالقانی

ملاّ عبدالمطلب بن ملاّ یحیی طالقانی [از فضلاء و دانشمندان قرن یازدهم هجری.[از شاگردان میر محمّدباقر استرآبادی (میرداماد) است. او در سال ۱۰۲۰ق کتابت کتاب «شرعه التّسمیه» تألیف: میرداماد را به خط نسخ در اصفهان به پایان رسانیده و کتاب حاشیه نویسی از مؤلّف و علامت بلاغ از مؤلّف دارد و در پایان نسخه انهاء و اجازه ای است که مؤلف جهت کاتب نسخه به تاریخ ۱۰۲۰ق نوشته است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۲۵۱۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

وی در سال ۱۰۲۹ق نسخه ای از «ضوابط الرّضاع» تألیف: میرداماد را کتابت کرده و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۱؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۸۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۷، ص۱۰۵.

آن را نزد مؤلّف خوانده و با او مقابله نموده و میرداماد به خط خودش در حاشیه کتاب بلاغ و سماع نوشته است. این نسخه در کتابخانه مدرسه فاضل خان مشهد مقدّس موجود بوده است.(۱)

[کتب زیر از تألیفات ملّا عبدالمطلب طالقانی است:

۱. «فوائد المؤمنین» ۲. «خلاصه الفوائد» ۳. «غنیمه المتعبّدین»(۲)]

میر عبدالمطلب جزائری

میر عبدالمطلب موسوی جزائری [از فضلاء مقیم اصفهان در قرن یازدهم هجری.[«اصول کافی» را نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی خوانده و در آخر آن، علّامه مجلسی جهت وی اجازه مرقوم فرموده [است.] تاریخ آن ششم شوال ۱۰۷۴ق [است.] علّامه طهرانی در «الذریعه» گوید: پنج اجازه دارد همگی مختصر به تاریخ های مختلف از ۱۰۷۴ق تا ۱۰۷۷ق بر اجزاء اصول کافی [و در یکی از آنها از میر عبدالمطلب چنین یاد شده است:] «السیّد الاید الفاضل الموفّق المسدّد میر عبدالمطلب»(۳)

سیّد عبدالمطلب موسوی اصفهانی

سیّد عبدالمطلب زین العابدینی شهیر به «سیّد میرزا» موسوی اصفهانی [از فضلای قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۲۵ق کتاب «مصابیح القلوب» تألیف: میر محمّدحسین خاتون آبادی [امام جمعه] را کتابت نموده است. نسخه به شماره ۱۵۵۷ در کتابخانه

۱- الروضه النّضره، ص۳۵۶؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۷۸.

۲- الذریعه، ج۱۸، ص۱۷۴؛ ریاض العلماء، ج۳، ص۲۶۸.

۳- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۵۸؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۵۱؛ اجازات الحدیث، ص۲۲۹؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۱۴؛ الفیض القدسی، ص۱۸؛ فیض قدسی، ص۱۶۷.

آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

عبدالمغیث عبدی اصفهانی

ابوتمیمی عبدالمغیث بن محمّد بن احمد بن مطهر بن محمّد بن علی بن محمّد بن احمد بن بجیر بن ازهر بن بجیر بن ازهر بن بجیر بن سوید... عبدی خطیب [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

در سال ۴۶۳ق متولّد شده و در قریه لادان، خطیب بوده و سمعانی از او به عنوان «من بیت الحدیث و اهله. کان شیخا صالحا ثقهً صدوقا من اهل الخیر» یاد کرده و نوشته که در قریه «لاذان» اصفهان خطیب بوده و در ماه صفر سال ۵۴۸ق در اصفهان وفات یافته است.

از ابوسهل محمّد بن احمد بن عمر بن دلکیز صیرفی، ابوالعباس احمد بن محمّد بن حسین خیاط و ابوالفضل مطهر بن عبدالواحد بُزانی و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از وی استماع حدیث کرده است.(۲)

[«لادان» از روستاهای بلوک ماربین اصفهان بوده و چند سالی است که به شهر پیوسته و از محلّه های غرب اصفهان است.]

عبدالملک کوفی اصفهانی

عبدالملک بن حُمَید بن ابی غَنیه کوفی اصفهانی الاصل [از محدّثین عامّه در قرن چهارم هجری] از اعمش و ابی الخطّاب هجری روایت می کند و حافظ ابونعیم اصفهانی از

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص ۱۷۰.

۲- التّحبیر، ج۱، ص ۴۸۵.

او اخذ حدیث کرده است.(۱)

عبدالملک واعظ

ابواحمد عبدالملک بن محمّد بن عبدالملک بن حسین بن عبدویه بن سعید واعظ عطار مستملی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] سمعانی از او به عنوان «کان شیخا صالحا سلیم الجانب خیرا» یاد کرده است و از او استماع حدیث نموده است.

عبدالملک از ابوعلی حدّاد، ابوالقاسم بُرجی، ابوزکریا بن منده و ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن حارث صحّاف و جز آنان حدیث شنیده است.(۲)

عبدالملک زاهد

ابومنصور عبدالملک بن محمّد بن عبدالملک زاهد انسربی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] سمعانی از او به عنوان «کان شیخا متمیّزا شیخ الخط، یعلم النّاس الخط» یاد کرده و از او استماع حدیث کرده است.

خود عبدالملک از ابومحمّد رزق اللّه تمیمی و ابوعبداللّه قاسم ثقفی حدیث شنیده است.(۳)

ملاّ عبدالمنّان نصیری طوسی

ملاّ عبدالمنّان بن محمّدیحیی نصیری طوسی، عالم فاضل زاهد [از دانشمندان اواخر

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۸۹.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۹۰.

قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری در اصفهان] در سال ۱۲۱۹ق وفات یافته و قبرش در کنار جاده [قدیم شیراز] واقع در وسط تخت فولاد مدفون شد.

از آثارش:

۱. «تعلیقه بر تهذیب»(۱) ۲. کتابت رساله «ابطال زمان الموهوم» تألیف: مولی اسماعیل خواجوئی است که در روز شنبه دهم صفر سال ۱۱۱۵ق آن را به پایان رسانیده است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۵۹۲ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدس موجود است.(۲)

[ظاهرا سال کتابت ۱۲۱۵ق است و سال ۱۱۱۵ق هنوز کتاب فوق تألیف نشده بوده است.]

عبدالمنعم اصفهانی

ابوالفتوح عبدالمنعم بن محمّد بن ابراهیم بن محمّد بن احمد بن ابراهیم بن علی بن سعدویه اصفهانی عدل [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از ابوالخیر ررا، ابومسعود سلیمان حافظ و غیر آنان حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از وی حدیث شنیده است.

تولد [او در] ۴۷۰ق [بوده] و روز سه شنبه ۲۳ شعبان سال ۵۵۶ق وفات یافته است.(۳)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۲۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۱۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۲۲۷؛ مکارم الآثار، ج ۳، ص ۶۵۸.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج ۱، ص ۳۴۷.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۹۰.

عبدالمنعم حُرّانی اصفهانی

ابوالمطهر عبدالمنعم بن ابی احمد نصر بن یعقوب بن احمد بن علی مقری حُرّانی جوباری شامکانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

اصلاً از محلّه حُرّان از توابع جوباره اصفهان بوده و در سال ۴۵۱ق متولّد شده و در «شامکان» نیشابور اقامت گزیده و در ماه رجب سال ۵۳۵ق وفات یافته است. از جدّ مادری خود ابوطاهر احمد بن محمود ثقفی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی حدیث شنیده است.(۱)

عبدالمولی اصفهانی

عبدالمولی [دلیجانی اصفهانی متخلّص به «مولی»، شاعر و خوشنویس قرن دوازدهم هجری.] قدوه مستعدّان روزگار. خط نسخ و شکسته را خوب می نوشته و شعر را به حلاوت می گفت. چندین سال قبل از تذکره حزین به کهولت سن وفات یافت.(۲)

[آذر بیگدلی گوید: در زمان شاه سلطان حسین صفوی پا به دایره نظم گذاشته و به علوم رسمی مربوط و اکثر خطوط را نیکو می نوشت. در اواخر که سنین عمرش از شصت گذشته بود فقیر (لطفعلی بیگ آذر بیگدلی) به صحبت ایشان فایض شد. خالی از مولوّیتی نبود و در قریه دلیجان من اعمال اصفهان منزوی و کم تر از خانه بیرون می آمد. صحبتش به حدّی شیرین و سخنش به مرتبه ای نمکین بود که اگر هفته ای او را نمی دیدم عمری خود را ملامت می کردم. الحق طبعش وقاد و ذهنش نقّاد بود. شعر را نیکو می شناخت و گاهی شعر می گفت. امّا نظر به انقلاب زمانه، افکارش متداول نشد و در سنه ۱۱۶۲ق وفات یافت.

۱- التّحبیر، ج ۱، ص۴۹۲؛ اللّباب، ج ۱، ص۳۵۴؛ معجم البلدان، ج ۲، ص۲۳۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص۷۹۸؛ تذکره المعاصرین حزین، ص۲۰۲.

از اشعار اوست:

شب ها در آب و آتشم از اشک و آه خویش درمانده ام چو شمع به روز سیاه خویش(۱)]

عبدالمولی مولوی*

عبدالمولی مولوی فرزند حاج شیخ محمّدحسین مولوی کتابفروش بن ملّا محمّد بن ملّا علی خوانساری، از روزنامه نگاران و دوستداران فرهنگ در قرن چهاردهم هجری.

او سال ها در یزد ساکن بوده و در سال ۱۳۱۲ش در یزد روزنامه «گلبهار» به مدیریت او و سردبیری محمّد کیوانفر چاپ سنگی شده و منتشر گردیده است. او همچنین مطبعه گلبهار یزد را تأسیس نموده است.(۲)

او سرانجام به زادگاه خود اصفهان مراجعت نموده و در شب ۲۲ ماه رمضان ۱۳۷۴ق وفات یافت و در بقعه کتابفروش خوانساری نزدیک مزار ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

[بقعه کتابفروش ها در جریان بنای آرامگاه خواجوئی در سال ۱۳۷۸ش تخریب شد.]

۱- تذکره آتشکده (نیمه دوم) ، صص ۶۵۲ و ۶۵۳؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۱۵؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۳؛ تذکره غنی، ص۱۳۰؛ تذکره نگارستان دارا، ج۱، ص۲۵۹؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۴۱۲؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «مولی»، ص۱۱۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۲۲؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۲۳.

۲- تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج۴، صص ۱۵۶ و ۱۵۷.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

عبدالمؤمن اصفهانی

ابونصر عبدالمؤمن بن عبدالجلیل بن علی بن بنان اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

از ابوبکر محمّد بن احمد بن محمّد بن ماجه ابهری حدیث شنیده و جهت ابوسعد سمعانی حدیث نوشته است. فوت [او] در محرم ۵۴۹ق در اصفهان(۱) [واقع شد.]

میرزا عبدالمؤمن شهرستانی*

میرزا عبدالمؤمن شهرستانی، شاعر ادیب و فاضل از سادات عالی مقام ناحیه «شهرستان» اصفهان بوده و نزد سلاطین صفوی دارای احترام و اعتبار بوده و در سال ۱۱۰۸ق تولیت آستان قدس رضوی را به عهده گرفت.(۲) او اهل فضل و ادب بوده و کتابخانه ای آبرومند داشته و از جمله کتاب های آن «نهایه المرام» علّامه حلّی بوده که میرزا عبداللّه افندی (صاحب ریاض العلماء) آن را ملاحظه کرده است.(۳)

عبدالمؤمن قهپائی

عبدالمؤمن قهپائی [از کاتبان قرن دهم هجری] در سال ۹۹۶ق نامه علی بن مؤیّد را به شهید اوّل را به دستور تاج الدّین حسین صاعد بن شمس الدّین طوسی، در جُنگی که به نام «دستور» نامیده شده است، به خط خود نوشته است. این مجموعه به شماره ۲۱۴۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۴)

۱- التّحبیر، ج۱، ص۴۹۳.

۲- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۲۳.

۳- تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، ص۱۵۱.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۸۰۶.

عبدالمهدی اصفهانی

عبدالمهدی بن محمود اصـفهانی [کتاب نسخ نویس.] کتاب «میزان المقادیر» تألیف: حسام الدّین درویش حلّی نجفی را که در ۱۰۵۶ق تألیف نموده را به خط نسخ نوشته و در رجب ۱۳۰۸ق در بمبئی به چاپ رسیده است.(۱)

عبدالواحد اصفهانی

عبدالواحد اصـفهانی [از محدّثین است.] از حمزه بن جعفر بن ابی بکر محمّد بن احمد بن اسحاق آجری روایت نموده و حافظ ابومحمّد بن ابی الفوارس در کتاب «اربعین» از او روایت می کند.(۲)

عبدالواحد باطرقانی اصفهانی

ابوبکر عبدالواحـد بن احمـد بن محمّـد بن عبداللّه بن عباس باطرقانی [از ائمه قراءات و محدّثین مشـهور و از اکابر علمای عامّه اصـفهان در اواخر قرن چهـارم و اوایـل قرن پنجم هجری] از ابواحمـد حسن عسـکری لغـوی روایت نموده و در حمله سـربازان سلطان مسعود غزنوی در سال ۴۲۱ق به اصفهان به همراه جمع کثیری از صلحاء و علمای اصفهان به قتل رسیده است.(۳)

عبدالواحد اُسواری اصفهانی

ابوالقاسم عبدالواحد بن احمد بن محمّد بن یحیی اُسواری اصفهانی [از محدّثین عامّه

۱- فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ص۶۷۷.

۲- احقاق الحق، ج۵، ص ۶۳۰.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۳۲۴؛ اللّباب، ج۱، ص ۱۱۰؛ مقالات ادبی (همایی) ، صص ۸۹ و ۹۰.

اصـفهان در قرن چهارم هجری] از حافظ ابی الشـیخ اصفهانی [مؤلّف «طبقات المحدّثین باصبهان»] حدیث نقل کرده و قتیبه بن سعید بغلانی از او روایت می کند.(۱)

عبدالواحد معلّم اصفهانی

عبدالواحـد بن شـیخ حسن بن تـاج الـدّین معلّم اصـفهانی [از خطاطان قرن دهم یا یازدهم هجری] نسـخه ای از کتاب «مختلف الشیعه» (از زکوه تا نکاح) را کتابت کرده و به شماره ۱۱۳ در کتابخانه مدرسه حجتیّه قم موجود است.(۲)

عبدالواحد سکری اصفهانی

ابوالمظفر عبدالواحد بن حمد بن عبداللّه مقری سـکری معروف به «شیذه» اصفهانی [از محدّثین و علمای قراءآت در قرن پنجم و اوایـل قرن شـشم هجری] در سال ۴۴۴ق متولّـد شـده و از ابومحمّـد عبداللّه بن محمّد بن ابراهیم شـفعونی کرونی، ابوعثمان عیار، ابوالفتـح عبدالجبار بن عبداللّه بن ابراهیم بن رزه جوهری رازی، ابوطاهر عمر بن محمّد بن علی بن یوسف خرقی، ابوبکر محمّد بن ابراهیم بن علی عطار، سـیّد ابوطالب علی بن حسـین علوی همدانی و جز اینان حدیث شنیده و جهت ابوسعد سمعانی تمام مسموعات خود را اجازه نوشته است.

قراءآت را از ابونصر محمّد بن عمر بقال فراگرفته است. او در سال ۵۲۴ق وفات یافت.(۳)

۱- معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۹۰.

۲- فهرست حجتیّه، ص ۸۳.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۹۶؛ غایه النّهایه، ج ۱، ص ۴۸۴.

عبدالواحد شرابی اصفهانی

ابوالوفاء عبدالواحد بن حمد (حُمید) بن عبدالواحد بن محمود بن صباغ شرابی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری.]

در سال ۴۴۶ق در خاندان علم و حدیث متولّد شده و از ابوطاهر احمد بن محمود ثقفی، ابوالقاسم ابراهیم بن منصور بن علی سلّمی، ابوعثمان سعید عیّار، حافظ ابوبکر محمّد بن ابراهیم عطار، امّ الکرام کریمه بنت ابی سعید عبدالرّحمان بن عمر بن عبداللّه بن ممجه اخذ حدیث کرده و برای نقل حدیث مطالبه اجرت می کرده است. ابوسعد سمعانی نزد او حدیث خوانده و از او حدیث شنیده است.

فوت او در دهه اوّل ماه جمادی الاولی سال ۵۳۲ق در اصفهان بوده است.(۱)

عبدالواحد اصفهانی

ابوالفضائل عبدالواحد بن سعد بن عبدالواحد بن سعید (اصفهانی) (۲) [از محدّثین و دانشمندان اصفهان در قرن پنجم هجری و معاصر مفضل بن سعد مافروخّی است. مافروخی در «محاسن اصفهان» از وی در ردیف دانشمندان معاصر نام برده است.]

عبدالواحد اصفهانی

ابوعلی عبدالواحد بن عبیداللّه بن احمد بن فضل (اصفهانی) [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری] حافظ ابونعیم اصفهانی می نویسد: «شیخ دیّنٌ محتشم یرجع الی فضل کثیر و صلابه فی الدّین». او از محدّثین اصفهان و ری نقل

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۹۴.

۲- محاسن اصفهان، ص ۳۱.

می نموده است و در رجب سال ۴۱۵ق فوت شده(۱) [است.]

عبدالواحد ابهری اصفهانی

ابومسلم عبدالواحد بن محمّد بن احمد بن مرزبان ابهری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری.] از اهالی قریه «اَبهَر» از بلوك جی اصفهان بوده و از جدّش (احمد بن مرزبان) روایت نموده است.(۲)

عبدالواحد صباغ اصفهانی

ابوطاهر عبدالواحد بن محمّد بن احمد بن هیثم اصفهانی صبّاغ. معروف به «دشتج» [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری.]

از آخرین اصحاب حافظ ابونعیم احمد بن عبداللّه اصفهانی بوده و از او روایت می کند. همچنین از: عبدالرّحمان بن احمد بن عمر صفار، ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن ریذه ضبّی، ابوالحسن عبداللّه بن معتز بن منصور بن عبداللّه بن حمزه نیشابوری، ابوالوفاء مهدی بن محمّد بن احمد بغدادی و دیگران حدیث شنیده و جهت ابوسعد سمعانی جمیع مسموعات خود را اجازه نوشته است.

تولدش حدود سال ۴۲۰ و اندی و فوت دوشنبه یازدهم ربیع الاوّل ۵۱۸ق در اصفهان(۳) [بوده است.]

عبدالواحد شیرازی

ابوالحسین عبدالواحد بن محمّد بن شاه شیرازی [از محدّثین عامّه در قرن چهارم

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۰۶.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۹۷.

هجری] جهت تجارت به اصفهان آمده و در این شهر ساکن شده و هم در این شهر بعد از سال ۳۸۰ق وفات یافته است. نسبت به صوفیان انفاق و اکرام می نموده و سخنان آنان را می نوشته است. حافظ ابونعیم اصفهانی از او روایت می کند.(۱)

عبدالواحد اصفهانی رازی

استاد ابوالقاسم عبدالواحد بن محمّد بن علی بن حریش اصفهانی. ادیب شاعر. در اصفهان متولّد و در ری متوطّن و در نیشابور مدفون است. در نظم و نثر از مُبَرَّزین زمان خود بود. از اوست:

سألت زمانی و هو بالجهل عالم و للسخف مهتر و بالنقض مختص

فقلت له هل من طریق الی الغبا و قال طریقان الوقاحه و النّقض(۲)

عبدالواحد معلّم اصفهانی

ابوسعید عبدالواحد بن معلّم اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] ابوالوفاء عبدالکریم بن علی بن عیسی جوباری جوهری از او حدیث شنیده است.(۳)

عبدالواحد صوفی اصفهانی

ابوغریب [عبدالواحد] صوفی اصفهانی، از عرفاء و متصوفّه در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری [او با مشایخ عراق و فارس مراودت داشته و با شیخ اجل

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۶.

۲- تتمّه الیتیمه، ج۱، ص۱۱۲.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۷۸.

ابوعبـداللّه بن خفیـف رفیق و مصـاحب بود. ابوغریب اصـفهانی صـاحب کرامـات بوده و به علّت این که در عشق به عین جمع رسیده بوده و او را «حُلولی» می گفتند] عاقبت به طرطوس رفته و آنجا وفات یافت.(۱)

میر عبدالواسع خاتون آبادی*

میر عبدالواسع بن میر محمّدصالح بن میر محمّداسـماعیل (شاهمراد) حسینی خاتون آبادی اصفهانی، عالم فاضل زاهد متقّی، از علمای قرن یازدهم هجری.

در اصـفهان به تحصـیل پرداخته و عمر خویش را صـرف تهـذیب نفس و عبادت نموده و سـرانجام در ماه مبارك رمضان سال ۱۰۹۸ق وفـات یافته است. مرحوم معلم حبیب آبادی وفات او را در ماه رمضان ۱۱۰۹ق نوشته و اضافه کرده است که جنازه به نجف اشرف حمل شده و در مرقد مطهر علی علیه السلام مدفون شده است.(۲)

میرزا عبدالواسع صفا زواره ای*

میرزا عبـدالواسع متخلّص به «صـفا» فرزنـد میرزا محمّدعلی طباطبائی زواره ای (وفا) ، شاعر و ادیب و خوشـنویس ماهر در قرن سیزدهم هجری.

در سال ۱۲۲۸ق متولّد شد و در علم و ادب مهارت یافته و خط شکسته را نیز نیکو می نوشت. در اصفهان به خدمت حاج سیّد محمّـدباقر حجه الاسـلام شـفتی درآمـد و کاتب ویژه او شد. پس از وفات مرحوم حجه الاسـلام مدّتی در اصـفهان و مدّتی در زواره بود تا اینکه در سال ۱۲۸۴ق در زواره وفات یافت و همانجا مدفون شد. غزل و قصیده را نیکو

۱- شرح شطحیات، ص۵۸۱؛ نامه دانشوران ناصری، ج۴، ص۴۱۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۹.

۲- الروضه النضره، ص۳۶۱؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۴۲؛ مکارم الآثار، ج۲، ص۳۲۵.

می سرود. ابتدا «مشرب» تخلّص داشت و سپس آن را به «صفا» تغییر داد. در انشاء و تَرَسُّل نیز مقام استادی داشت. او اشعاری در مدح سیّد حجه الاسلام و میرزا آقاخان نوری (صدراعظم ناصرالدّین شاه) دارد.

این آثار از اوست:

۱. «دیوان اشعار»۲. «انجمن روشن»۳. «تحفه الشّعراء»

این چند بیت از قصیده در مدح سیّد حجه الاسلام از اوست:

خدایگان جهان صاحب خجسته خصال ظهیر ملّت و دین، مقتدای اهل کمال

خدایگانی کاندر به عهد دولت او کسی نیافت نشانی و نامی از آمال

سخن ز قدرش اگر، گریه ها که از گردون سرود قهرش اگر، لرزه ها در آجال(۱)

ملّا عبدالواسع دامی همدانی

ملاّ عبدالواسع دامی همدانی فرزند ملاّ کلب علی. [شاعر و ادیب فاضل. در سال ۱۱۶۴ق متولّد و در ۱۱۷۳ق وفات یافت. قبرش در مقابل تکیه میرزا ابوالمعالی نرسیده به قبر ملّا علی اکبر اژه ای [است.]

مادّه تاریخ وفاتش این است:

۱- تذکره مآثر الباقریه، صص ۱۹۶ و ۳۵۸-۳۶۱؛ تاریخ تذکره های فارسی، صص ۶۹ و ۷۰؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص ۳۶۱.

رقم زد این چنین «کلک رفیق» از بهر تاریخش «بنومیدی ز دنیا رفت عبدالواسع دامی»(۱)

[در اصفهان متولّد شده و در این شهر علوم متداول زمان خود خصوصا فقه و حدیث و ادبیات و حکمت و ریاضیات را فرا گرفت و به تدریس مشغول شد. طبعش به سرودن شعر مایل بوده امّا به واسطه بی پروایی در برخی امور و میل به تَجرُّع مورد اتهام واقع می شد. عاقبت در عنفوان جوانی پس از نفرین یکی از اساتید خود وفات یافت. و نزدیک مزار ملاّ اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد به خاک رفت. دیوان اشعارش حدود دو هزار بیت شعر داشته است که اکنون در زمان ما نسخه ای از آن شناخته نیست.

بر روی سنگ مرمر او علاوه بر مرثیه ۱۱ بیتی رفیق اصفهانی از «دامی» با این القاب یاد شده است:

«... العالم العامل المحقّق و المهندس الکامل المدقّق افصح الشّعراء بل افضلتهم و اشعر الفضلاء و اکملهم...»(۲)]

این بیت از اوست:

حاج هیچ آشنا نمی پرسی یا همین حال ما نمی پرسی؟

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۵۹۶ و ۸۲۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۶.

۲- بزم معرفت، صص ۲۵۱-۲۵۴؛ سفینه المحمود، ج۱، صص ۱۹۱-۱۹۳؛ تذکره اختر، ج۱، صص ۷۷-۷۹؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۲۹۰؛ تذکره روز روشن، ص۲۵۴؛ گلشن مراد، ص۴۰۶؛ تذکره آتشکده، (نیمه دوم) ، ص۴۹۵؛ الذریعه، ج۹، ص۳۱۵؛ بزرگان و سخن سرایان همدان، ج۱، صص ۲۷۱ و ۲۷۲؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطّی.

میر عبدالواسع خاتون آبادی

میر عبدالواسع بن میر محمّدمهدی خاتون آبادی، عالم فاضل، در سال ۱۱۵۱ق وفات نموده و در قبرستان آب بخشان [اصفهان] و مجاور قبر شیخ احمد بن ابوتراب گیلانی مدفون شده است.(۱) [این قبرستان و قبور فوق، پس از احداث چهارباغ پایین و فلکه پهلوی (میدان شهدای کنونی) از بین رفته اند.]

عبدالوهاب اصفهانی*

عبدالوهاب اصفهانی، از فضلای قرن یازدهم هجری است. او شاگرد میرزا محمّد دیلماج اصفهانی بوده و کتاب «من لا یحضره الفقیه» را در سال ۱۰۸۶ق در اصفهان با او مقابله کرده و نزدش فرا گرفته است.(۲)

عبدالوهاب اصفهانی

عبدالوهاب اصفهانی، از فضلاء و ادباء بوده و بر اشعار مشکله «دیوان خاقانی» حواشی و تعلیقات نوشته است.(۳)

شیخ عبدالوهاب اصفهانی*

شیخ عبدالوهاب اصفهانی، از فضلاء و حکمای قرن سیزدهم هجری است. از اصفهان

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۸؛ مزارات اصفهان، ص۲۸.

۲- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۲۸۱؛ الروضه النّضره، ص۵۱۷.

۳- اعیان الشیعه، ج۶، ص۷۳۸.

به سبزوار رفته و در مدرسه جدیده سبزوار ساکن شده و از درس حاج ملّا هادی سبزواری بهره گرفته است.

وی کتاب «شرح غرر الفوائد» تألیف: حاج ملّا هادی سبزواری را در سال ۱۲۷۳ق به خط نستعلیق در سبزوار کتابت کرده که به شماره ۷۸۵۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است. کاتب کتاب را به مُهر بیضوی خود به سجع «یا وهاب» ممهور ساخته است.(۱)

سیّد عبدالوهاب اصفهانی دولت آبادی

سیّد عبدالوهاب اصفهانی [دولت آبادی] فرزند سیّد احمد، عالم فاضل جلیل [در قرن چهاردهم هجری.] پدرش از اهل علم و صلاح بوده و برادرش سیّد محمّدصادق در قریه دولت آباد ساکن و به ترویج دین مشغول بوده و در سال ۱۳۴۵ق وفات یافت.

پس از آن صاحب عنوان به تقاضای اهل محل بدانجا رفته و به ارشاد و هدایت مردم پرداخته در سال ۱۳۷۴ق وفات یافته و در مقبره امامزاده نرمی در قریه زمان آباد بُرخوار مدفون گردید. او تألیفاتی داشت.(۲)

سیّد عبدالوهاب شهشهانی

سیّد عبدالوهاب بن سیّد محمّدامین حسینی شهشهانی اصفهانی، فاضل ادیب [در قرن سیزدهم هجری] مؤلف کتاب «بحرالجواهر» در سیاق که مکرّر به چاپ رسیده [و

۱- فهرست مرعشی، ج۲۰، صص ۱۹۵ و ۱۹۶؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۳۴۱؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفای متأخر، ص۱۸۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۹؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۲۴۵؛ مزارات اصفهان، ص۷۴.

نسخه های خطی آن نیز فراوان است] و مؤلف آن تا سال ۱۲۵۳ق زنده بوده است.(۱)

شیخ عبدالوهاب نصرآبادی

شیخ عبدالوهاب نصرآبادی [فرزند شیخ محمّدجواد]، عالم فاضل زاهد [از فضلای اواخر دوره قاجاریه و از اهالی قریه نصرآباد از توابع ماربین، در حومه اصفهان] در اصفهان نزد جمعی از فضلاء و اعاظم فقهاء و حکماء همچون سیّد محمّدباقر درچه ای، جهانگیرخان قشقائی و حاج سیّد مهدی نحوی تلمّذ نمود. وی در ۱۰ رجب ۱۳۳۸ق وفات یافته و جنب استاد خود جهانگیرخان در تکیه آقا سیّد محمّد ترک واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

میرزا عبدالوهاب خوشنویس

میرزا عبدالوهاب خوشنویس فرزند محمّدحسن بن محمّدرحیم بن آقا غلامعلی اوّل بن محمّدرحیم خوشنویس اصفهانی [از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری.] از پیشقدمان تأسیس مدارس جدیده در اصفهان بود. خط نستعلیق را خوش می نوشت و در این فن شاگرد استاد بزرگ نستعلیق نویسان اصفهان میرزا عبدالرحیم افسر بود. وی شایسته ترین و نامدارترین اعقاب آقا غلامعلی خوشنویس است.(۳)

[خط نستعلیق را نزد فتح اللّه جلالی فرزند افسر تکمیل کرد. وی برخلاف پدرانش که

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۹؛ فهرست مسجد اعظم قم، ص۴۱؛ نسخه های خطی، ج۴، ص۴۴؛ فهرست مرعشی، ج۶، ص۲۸۴؛ الذریعه، ج۳، ص۳۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۸.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۵۰.

در خط نسخ مهارت داشتند، خط نستعلیق را مشق کرد.(۱) او مؤسس مدرسه اتحادیه در اصفهان است.(۲)]

عبدالوهاب اصفهانی

عبدالوهاب بن محمّدحسین اصفهانی [خوشنویس خط نستعلیق و شکسته در قرن سیزدهم هجری] در ۵ شعبان ۱۲۵۷ق «دیوان حکیم سوزنی سمرقندی» را به خط شکسته نستعلیق نوشته و کتاب ضمن مجموعه شماره ۴۰۹۹ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۳)

[در تذکره ممیز، نسخه شماره ۹۰۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی می نویسد: «اشعر: نامش میرزا عبدالوهاب، اصلش اصفهانی. همه عمر را به کتابت مشغول بود سنه ۱۲۵۸ در تبریز با او ملاقات شد. قریب به سی و پنج از عمرش گذشته مردی درویش...»(۴)

احتمالاً این عبدالوهاب اشعر همان عبدالوهاب اصفهانی فوق الذّکر بوده است. واللّه اعلم]

میرزا عبدالوهاب گلشن ایران پور

میرزا عبدالوهاب ایران پور متخلّص به «گلشن» فرزند حاج محمّدحسین بن حاج محمّدعلی اردکانی. شاعر و ادیب نویسنده در قرن چهاردهم هجری در ماه رجب ۱۲۹۶ق در اردکان یزد متولّد شده و در ۸ سالگی به اصفهان منتقل شده و نزد فضلای آن

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۸۹، ۹۰ و ۱۰۸.

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان، ص۱۶۸.

۳- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۹۶.

۴- تذکره مُمَیّز: مخطوط، ص۹۷.

زمان آقا سیّد آقاجان، سیّد یحیی اردکانی و آقا سیّد علی مهریزی یزدی تحصیل کرد و در خط نزد میرزا عبدالرحیم افسر مشق کرده و استفاده نمود و به وسیله او به انجمن شعراء راه یافت و با دهقان و عمان سامانی و دیگر شعراء آشنا شد. دهقان که از استعداد و طبع خوش او مطلع شد تربیت او را برعهده گرفت. در این زمان او به کتابت دواوین شعراء مشغول بود و پدرش که قریحه شاعری او را دید از او خواست تا کتاب «انوار سهیلی» را منظوم سازد. پس از فوت پدرش در خدمت ظل السلطان، به منشی گری [نزد حاجی عبداللّه خان آغاباشی] پرداخت، [امّا آزادگی و استغناء او باعث شد نتواند استبداد و خودرأیی ظل السّلطان را تحمل کند و از آن شغل کناره گرفت و به صف آزادیخواهان هوادار مشروطه پیوست. در مبارزات جنبش مشروطیت حضوری فعال داشت و از جمله در مبارزه با استبداد محمّدعلی شاه و حمله بختیاری ها برای فتح تهران همراه دیگر مشروطه خواهان شرکت نمود. امّا حوادث بعد از آن، او را از مشروطیت دلسرد کرد.] گلشن ایرانپور ۸ سال در اداره اوقاف اصفهان به خدمت پرداخت و در اواخر عمر کارمند اداره ثبت اسناد بود و [در کنار آن به نگارش مقالات ادبی و سیاسی در نشریات اصفهان مانند: «پروانه»، «انجمن اصفهان»، «مفتش ایران»، «کاشف اسرار»، «زاینده رود»، «حقیقت»، «عرفان» و «اخگر» مشغول شد.]

او در سال ۱۲۹۸ش روزنامه «اختر مسعود» را منتشر کرد که فعالیت آن تا سال ۱۳۱۳ش ادامه داشت.

وی عمر خود را در تهیدستی و فقر سپری کرد و قناعت و صبر را پیشه خود ساخت. در اواخر عمر به بیماری های مختلفی گرفتار شد تا اینکه پس از یک عمر ناکامی و مشقّت در ۲۷ رجب ۱۳۵۶ق مطابق ۱۴ مرداد ۱۳۱۶ش در اصفهان وفات یافته و در تکیه میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) در تخت فولاد مدفون شد.

او از شاعران زبردست و دارای قدرت طبع و از اساتید مسلم شعر و ادب بود و در

انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد.

کتب و رسایل زیر از اوست:

۱. «آلمان نامه»۲. «بهرام نامه»۳. «جنگ بین الملل»۴. «دلکش و پریوش»۵. «دیوان اشعار» قریب به شش هزار بیت۶. «سفر پنج روزه»۷. «عقل و جنون» که در سال ۱۳۲۵ق به طبع رسیده است.۸. «مناظره الکل و تریاک»۹. «مناظره مرگ و زندگانی»۱۰. «منتخبات اشعار» که در بمبئی به طبع رسیده است. ۱۱. «مشروطه نامه» ۱۲. «نخجیرنامه» ۱۳. «انوار سهیلی» منظوم [۱۴. «بزرگ زاده» ۱۵. «چمنستان» ۱۶. «یادداشت وقایع بیست ساله مشروطیت ایران» ۱۷. «گلشن آرا» در نظم «کلیله و دمنه»]

این شعر از اوست:

خسرو حسنی و شکر لب و شیرین دهنی لاله رخسار و سمن پیکر و گلگون بدنی

نیست پیدا دهنت هیچ و در این حیرانم که تو با هیچ سخن گوئی و شیرین دهنی(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۹۹ و ۸۰۰؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۰۲-۴۰۴؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۱، صص ۶۶-۷۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۰؛ گل های سعادت، ص۴۳؛ نامه سخنوران، ص۱۳۱؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۵، صص ۳۰۶۴ و ۳۰۶۵؛ تاریخ یزد یا آتشکده یزدان، ص۳۲۶؛ تذکره شعرای یزد، (ویرایش دوم) ، صص ۲۱۲ و ۲۱۳؛ دیوان طرب، صص ۲۴۹ و ۲۵۰؛ مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، صص۱۵۰-۱۶۷؛ نگرشی بر مشروطیت اصفهان، صص ۲۰۱-۲۰۴.

میرزا عبدالوهاب کلانتر

میرزا عبـدالوهاب کلاـنتر بن میرزا محمّـدرحیم حکیم باشـی [از ادبـاء و بزرگان اصـفهان در قرن دوازدهم هجری] برادر کهتر میرزا عبدالباقی طبیب اصـفهانی است. او از سلسـله سادات حکیم سـلمانی اصـفهان است و پدر و اجدادش در دربار صـفویه به طبابت می پرداخته اند. او پس از اسـتعفای برادر کلانتر اصـفهان شد و سـپس به حکومت اصفهان رسید. مردی ادب دوست و هنرپرور بوده و در منزل خود انجمن شـعراء تشکیل می داد و شاعرانی چون درویش عبدالمجید طالقانی، میر سیّد علی مشتاق، آقا محمّد عاشق، لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، ملاّ حسین رفیق و دیگران در آن انجمن شرکت می کرده اند.

[میرزا عبدالوهاب در سال ۱۱۸۴ق وفات یافت.(۱)]

سیّد عبدالوهاب نشاط اصفهانی

سیّـد عبدالوهاب موسوی اصـفهانی متخلّص به «نشاط» فرزند میرزا محمّدرحیم کلانتر [بن میرزا عبدالباقی بن میرزا محمّدرحیم حکیم باشی] شاعر ادیب، حکیم عارف فاضل، در سال ۱۱۷۵ق در اصفهان متولّد [و در این شهر علم و ادب آموخته و در سال ۱۲۱۸ق به تهران رفت و مورد توجّه فتحعلی شاه واقع شـد و جهت او مدایـح و قصایدی گفته و به سـمت ریاست دیوان رسایل دربار قاجار منصوب شد. نوشـتن مراسلات و فرامین شاه و رتق و فتق امور اداری با او بود لذا شاه به او لقب «معتمدالدّوله» داد. نشاط نخستین وزیر خارجه در تاریخ ایران شمرده می شود.]

او دارای قریحه و استعداد سرشار، و در حکمت ریاضی و علوم ادبی عدیم المثال

۱- دیوان طبیب اصفهانی، ص۷۸؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۱۳۴.

بوده [است.] شاعری نیک محضر و عارفی خوش مشرب و حکیمی نکته سنج بود. [در بخشندگی و سخاوت بی نظیر بود و بارها اموال خود را وقف نیازمندان و فضلاء و ادباء نمود.و به تربیت و پرورش صاحبان استعداد و اهل فضل اهتمام داشت و اشخاصی چون سیّد حسین مجمر زوّاره ای به واسطه او به دربار راه یافته و منظور نظر فتحعلی شاه واقع شدند.] وی در نهضت ادبی ایران [بازگشت ادبی] سهم به سزائی دارد. در نظم و نثر به شیوه قدماء استاد است و در قصیده و غزل توانا. و در نظم و نثر به عربی و فارسی [و ترکی] قادر بوده و اقسام خطوط را نیکو می نوشته و به خصوص در خط شکسته مقام استادی داشته است.

نشاط سرانجام در دوشنبه ۵ ذی الحجه ۱۲۴۴ق در طهران به مرض سل وفات یافته و در نجف اشرف مدفون شد.

«مصنف قاجار» در تاریخ وفاتش گوید:

«از قلب جهان نشاط رفته»(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «دیوان اشعار» [که به چاپ رسیده و نسخه خطی آن در کتابخانه فاضل خوانساری در خوانسار و کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)] ۲. «گنجینه» که مجموعه آثار نظم و نثر اوست و در پنج

۱- تذکره دلگشا، صص ۴۹۱ و ۴۹۲؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۶، صص ۱۰۵۴ و ۱۰۵۵؛ تذکره ریاض العارفین، ص۵۲۹؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۲۰۸؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۲۷۴-۲۷۶؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۸۷۱؛ تاریخ ادبیات (شفق) ، صص ۳۷۹-۳۸۱؛ تذکره سفینه المحمود، ص۴۹؛ ریحانه الادب، ج۶، صص ۱۷۵ و ۱۷۶؛ دیوان طبیب اصفهانی، ص۸۱؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۸۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، صص ۴۱۸ و ۴۱۹؛ تاریخ ادبیات فارسی (اته) ، ص۲۰۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۰۰ و ۸۰۱.

۲- فهرست عکسی مرکز احیاء، ج۱، ص۴۰۵؛ فهرست خطی احیاء، ج۵، ص۵۷؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۱۸.

درج می باشد [که بارها چاپ شده است. نسخه خطی آن در کتابخانه دائره المعارف بزرگ اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و برخی از کتابخانه ها موجود است.(۱)]۳. «ساقی نامه»۴. «کتابی به سبک گلستان»۵. «مراسلات و منشآت و مناجات» که به سبک نوشته های درباری است. قسمتی از آن به طبع رسیده و قسمتی در بایگانی وزارت خارجه برخی کشورها موجود است. [در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی نسخه ای از منشآت که مشتمل بر دُرج پنجم «گنجینه» و منشآتی از قائم مقام فراهانی است به شماره ۱/۱۱۸۴۸ موجود است.(۲)

از نشاط فرزندانی (از جمله عبدالباقی و عبدالکریم) به جای ماند که در تهران ساکن بوده اند.]

این شعر از اوست:

طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد در دل دوست به هر حیله رهی باید کرد

اختران فلکی را اثری در ما نیست حذر از گردش چشم سیهی باید کرد

شب که خورشید جهانتاب نهان از نظر است قطع این مرحله با نور مهی باید کرد

میرزا عبدالوهاب طبیب اصفهانی*

میرزا عبدالوهاب طبیب فرزند میرزا محمّدرفیع اصفهانی معروف به «میرزا کوچک» از

۱- مجلّه پیام بهارستان، شماره ۳۰، آذرماه ۱۳۸۲، ص۷۷؛ فهرست عکسی دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۳۳۳.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۰، ص۱۰۴.

اطبّاء حاذق قرن سیزدهم هجری.

طب را از پدرش آموخته و علاوه بر طبابت به تدریس کُتُب طب مشغول بوده و ملّا عبدالقادر مولوی طبیب در طب شاگرد او بوده و از او اجازه داشته است. سلسله اجازات صاحب عنوان در طب به بقراط حکیم منتهی می شود.(۱)

حاج عبدالوهاب مظهر اصفهانی*

حاج عبدالوهاب چیت ساز متخلّص به «مظهر» فرزند رمضانعلی، از قاریان قرآن در عصر حاضر. در جلسات تجوید و قرائت قرآن به تدریس مشغول بوده و گاهی نیز شعر می سروده است. وی در بهمن ۱۳۶۲ش وفات یافته و در قطعه ۳ قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شده است.(۲)

ملّا عبدالوهاب میمه ای

ملّا عبدالوهاب بن ملّا محمّدطاهر جوشقانی میمه ای [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] در روز دوشنبه هفتم شوّال سال ۱۲۷۸ق کتابت مجموعه ای از «مناسک حج» و «فقه» را به خط نسخ در مدرسه جدّه اصفهان به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۳۰۴۷ در کتابخانه مرعشی قم موجود است.(۳)

شیخ عبدالوهاب لاهیجی

شیخ عبدالوهاب بن عبداللّه لاهیجی [گیلانی اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم

۱- تراجم الرجال، ج۱، ص۳۲۶.

۲- اساتید و قاریان قرآن اصفهان، ص۳۸.

۳- فهرست مرعشی، ج۸، ص۲۶۳.

هجری] در ربیع الاوّل سال ۱۲۳۵ق رساله «بیست فصل» میرزا نصیر اصفهانی، در تقویم و نجوم را در اصفهان به خط شکسته و نستعلیق کتابت نموده است. او در سال ۱۲۳۶ق رساله «هیئت» تألیف: محمّدباقر نجم ثانی را کتابت نموده [که جزو همین مجموعه است.]

مجموعه به شماره ۱۱۷۷ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

میرزا عبدالوهاب منجم باشی

میرزا عبدالوهاب منجم باشی فرزند میرزا علی محمّد محلّه نوئی اصفهانی، ریاضیدان و منجم دانشمند در قرن سیزدهم هجری. در ۱۰ ربیع الاوّل ۱۲۵۰ق متولّد گردیده و نزد پدر و دیگران تحصیل نموده و به استخراج تقویم مشغول شد. سال ها منجم باشی مهدعلیا بود و در مدرسه دارالفنون تدریس می نمود. سرانجام در روز ۱۵ ربیع الثّانی ۱۲۸۹ق وفات یافت.

از آثارش: ۱. «ترجمه کشف الآیات» از لاتین به فارسی ۲. «نجوم القرآن فی اطراف الفرقان» به طبع رسیده است.(۲)

سیّد عبدالوهاب بدری

آقا سیّد عبدالوهاب بدری بن سیّد محمّدعلی حسینی سینی، واعظ صالح، از فضلاء اهل منبر [در قرن چهاردهم هجری.] متوفی در روز ۹ رجب ۱۳۷۷ق. مدفون جنب

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۳۰۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۸۱؛ الکرام البرره، ج۲، ص۸۰۸؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۲، ص۷۹۱؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۳۶۶.

برادرش سیّد مهدی در تکیه گلزار (واقع در تخت فولاد) .(۱)

ملّا عبدالوهاب همدانی*

ملّا عبـدالوهاب فرزنـد ملّا کلب علی همـدانی اصـفهانی، از فضـلاء قرن دوازدهم هجری. او و برادرش عبدالواسع (متخلّص به «دامی») در اصفهان به تحصیل ادبیات فارسی و عرب، منطق، حکمت، ریاضی و فقه مشغول بوده اند. عبدالواسع در سال ۱۱۷۳ در جوانی وفات یافت ولی عبدالوهاب تا ۱۱۸۵ق زنده بوده و در اصفهان به تحصیل علم و کتابت مشغول بوده است.

او «رساله در معرفت اسطرلاب شمالی و جنوبی را به خط نستعلیق در ۱۱ صفر ۱۱۸۵ق در اصفهان و «رساله در عمل اسطرلاب» را در همان سال کتابت کرده که به شماره ۱۰۲۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲)

سیّد عبدالوهاب معین الاطباء اردستانی

سیّد عبدالوهاب شفیعی اردستانی معروف به «حکیم» و «معین الاطباء» فرزند حاج میرزا محمّد شیخ العلماء بن حاج سیّد باقر بن میر محمّدشـفیع اردسـتانی، طـبیب حـاذق. از پزشـکان نیمه نخست قرن چهـاردهم هجری است و نسب او به جنـاب حسن مُثَنّی فرزنـد امـام حسن مجتـبی علیه السـلام می رسـد. او در سـال ۱۲۷۴ق در محلّه رامیـان اردسـتان متولّـد شـده و علوم زمـان خود خصوصا طب را در اردسـتان و اصـفهان آموخته و سال ها در مدرسه نیم آورد اصفهان به طبابت پرداخت.(۳) تا اینکه در سال ۱۳۵۵ق وفات یافته و نزدیک

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۷۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۲.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۲، صص ۱۸۴ و ۱۸۵.

۳- آتشکده اردستان، ج۳، ص۶۰۷.

مزار فاضلان در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

عبدالوهاب کاتب

عبدالوهاب بن محمّد بن حسن بن عبداللّه کاتب [از کاتبان نسخ نویس قرن سیزدهم هجری.] در روز پنج شنبه چهارم شعبان ۱۲۷۵ق چندین برگ در آخر مجموعه (شماره ۳۰۴۷ کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم) به خط نسخ نوشته است.(۲)

میرزا عبدالوهاب شکوه اصفهانی

میرزا عبدالوهاب منجم باشی متخلّص به «شکوه» فرزند میرزا محمّد [بن میرزا محمّدحسین بن میرزا بدیع الزمان منجم حسینی گنابادی اصفهانی، شاعر ادیب و منشی، [در قرن چهاردهم هجری. او همشیره زاده تاج الشّعراء شهاب اصفهانی بوده و از او فنون شعر و ادب را فراگرفته است.] او از کارگزاران دستگاه ظل السلطان بوده [و به منشی گری در دیوان خانه دولتی مشغول بوده است. شعر را نیکو می سروده و قصایدی در مدایح و مراثی معصومین علیهم السلام دارد.] وی در ۴ ربیع الثّانی ۱۳۳۰ق وفات یافته و در [یکی از اطاق های] تکیه تویسرکانی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

میر ادیب، منی نثر، اوستاد نظم عبدالوهاب کز همه خوبان نشان گرفت

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۲۲۰.

۲- فهرست مرعشی، ج۸، ص۲۶۳.

چون رفت از این سرای برون، عقل دور بین از سال فوت او خبر از این و آن گرفت

بیرون یکی شد از پی تاریخ فوت و گفت «عبدالوهاب جای بقصر جنان گرفت»(۱)

عبدالوهاب بُزانی اصفهانی

ابوالفرج عبدالوهاب بن محمّد بن عبداللّه اصفهانی بُزانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] از عبداللّه بن حسن بن بندار مدینی حدیث شنیده و حافظ ابوبکر خطیب از او روایت می کند.(۲)

شیخ عبدالوهاب بیدآبادی

شیخ عبدالوهاب بن شیخ محمّد بیدآبادی اصفهانی معروف به «رجالی» [از علمای اواخر دوره قاجاریّه] ادیب شاعر از سلسله مشایخ بیدآباد. متوفی قبل از سال ۱۳۲۰ق وی «الفیه ای در نحو» تألیف نموده است. سیّد ابوالقاسم اصفهانی از شاگردان اوست.(۳)

شیخ عبدالوهاب قاضی

شیخ عبدالوهاب قاضی فرزند شیخ محمّد، عالم فاضل محقّق [از علمای قرن سیزدهم هجری] از سلسله مشایخ بیدآباد بوده و در ماه شعبان ۱۲۶۹ق در اصفهان

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، صص ۸۶۴ و ۸۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۰۲؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۹۹۲-۲۹۹۴؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- الاکمال، ج۱، ص۲۰۷؛ اللباب، ج۱، ص۱۴۶؛ معجم البلدان، ج۱، ص۴۰۹.

۳- نقباء البشر، ج۳، ص۱۲۴۹؛ الذریعه، ج۱، ص۵۰۳.

وفات یافته و جنب قبر آقا محمّد بیدآبادی در تخت فولاد مدفون شده است.(۱)

میرزا عبدالوهاب معین العلماء

میرزا عبدالوهاب ملقب به «معین العلماء» فرزند سیّد مهدی نحوی بن سیّد محمّدحسن مجتهد اصفهانی بن سیّد محمّدتقی مستجاب الدّعوه بن سیّد محمّد سعید بن سیّد محمّدصادق بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمّدباقر بن میر محمّدصادق موسوی اصفهانی [از روزنامه نگاران فاضل و دانشمند و] از آزادیخواهان صدر مشروطیت.

در سال ۱۲۸۴ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر تحصیل کرد. [در اصفهان از دوستان سیّد جمال الدّین واعظ بود و تحت تأثیر افکار آزادیخواهانه او قرار داشت. در سال ۱۳۲۰ق به تهران رفت. در سال ۱۳۲۲ق انجمن مخفی به نام «مجمع آزادیخواهان» را در تهران تشکیل داد. به هنگام تحصّن علماء در امامزاده عبدالعظیم شهری، او در ایجاد ارتباط مردم و علماء و روشنگری در اهداف نهضت نقش مهمی داشت. پس از پیروزی نهضت و صدور فرمان مشروطیت و برگزاری انتخابات مجلس شورای ملّی، در انتخابات اصفهان مشکلاتی به وجود آمد که معین العلماء به اصفهان آمده و آن مشکلات را رفع نمود. او در سال ۱۳۲۵ق در تهران روزنامه «نیّر اعظم» را منتشر ساخت که هفته ای دو شماره منتشر می شد و در آن مقالات بسیاری در دفاع از مشروطیّت و مخالفت با استبداد و دخالت بیگانگان در ایران درج می گردید.

او پس از اینکه مقاله ای در انتقاد به قرارداد ۱۹۰۷م بین روسیه و انگلستان در «نیّر اعظم» به چاپ رساند و شاه را به حمایت از روس ها متهم کرد، روزنامه اش توقیف و خود به یک سال حبس محکوم شد. اما با پادرمیانی بزرگان به عتبات عالیات تبعید شد.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۶؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۵؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

امّا پس از مدّت کوتاهی به ایران بازگشت. پس از آنکه محمّدعلی شاه مجلس را به توپ بست و به تعقیب و دستگیری و قتل آزادیخواهان اقدام کرد، معین العلماء به سفارت عثمانی پناه برد و نامه هایی به علمای اصفهان نوشت و آنان را به حمایت از مشروطه خواهان فراخواند. پس از آنکه محمّدعلی شاه شکست خورد و مشروطه خواهان تهران را فتح کردند، او دستگیر و زندانی شد و کمی بعد آزاد شده و عتبات عالیات رفت ولی بعد از بازگشت به ایران فعالیّت های سیاسی را رها کرد.(۱)]

معین العلماء، پس از تأسیس عدلیّه، وارد خدمات دولتی شده و مدّت ها ریاست عدلیه مازندران، زنجان و گیلان و سپس قضاوت در محاکم عدلیه فارس و ریاست عدلیه آباده و گلپایگان را داشت. [او در آخرین سال عمر به عدلیه اصفهان منتقل شده و] در شب جمعه ۶ رمضان المبارک ۱۳۵۸ق [مطابق ۲۷ مهر ۱۳۱۸ش] در اصفهان وفات یافته و در تکیه سادات مهدوی در تخت فولاد جنب مزار پدران خود مدفون شد.(۲)

سیّد عبدالوهاب مرشد اصفهانی

سیّد عبدالوهاب خان مستشار دفتر متخلّص به «مرشد» فرزند سیّد هاشم. از شعرای معروف و فضلای مشهور اصفهان در اوایل قرن چهاردهم هجری. [در سال ۱۲۸۶ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر علم و ادب آموخت. او از اعضای دفتر انشاء و استیفای اصفهان بود و جزو جمع ها را می نوشت. مابین انواع شعر مخصوصا مادّه

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۴، صص ۳۲۵-۳۲۷؛ مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، صص ۸۸-۹۲؛ نگرشی بر مطبوعات اصفهان، صص ۱۹۶-۲۰۰.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۷.

تاریخ گوئی طبعی آماده و توانا داشت. دیوان اشعارش حدود پنج هزار بیت شعر داشته که دختر سیّد عبدالوهاب خان آنها را به همراه اشعار سیّد مرتضی (فرزند سیّد عبدالوهاب) به سرهنگ دکتر ریاحی جهت چاپ سپرده بود ولی به چاپ نرسید.[سرانجام در روز ۱۷ صفر ۱۳۴۳ق وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه ملک [تکیه شهدای کنونی] در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

سال تاریخ فوت پرسیدم از مقیمان روضه رضوان

باغبان سر برون نمود و بگفت مستشار آمده مقیم جنان

این شعر از اوست:

همه عشاق بگیرند اگر یار دگر جز تو ما دل نسپاریم به دلدار دگر

بار اوّل چو بدیدم رُخ او مات شدم دیده ای کاش که بیند رُخ او بار دگر

بار عشق تو مرا کشت دم از هجر مزن نیست حاجت که بر این بار نهی بار دگر(۱)

شیخ عبدالوهاب ریزی

شیخ عبدالوهاب فرزند یارعلی ریزی لنجانی اصفهانی، عالم فاضل و مجتهد جامع [از علمای قرن سیزدهم هجری.]

از اهالی قصبه «ریز» از توابع لنجان بوده و در اصفهان نزد حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی و حاج محمّدابراهیم کلباسی تحصیل کرد. سپس به نجف اشرف رفته و از درس شیخ محمّـدحسن نجفی (صاحب جواهر) بهره برد و ظاهرا از آن اساتید اجازه

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۵۱ و ۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۰۲؛ دیوان طرب: مقدمه، ص ۲۵۰؛ تاریخ اصفهان (جابری) ، ص۱۷۳؛ یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی.

دریافت نمود. او پس از مراجعت به ایران، به زادگاه خود رفته و به ترویـج دین و ارشاد مردم مشـغول شده و ظاهرا قبل از سال ۱۳۰۰ق وفات یافته و در همانجا در مسجدی که در آن اقامه جماعت می نمود مدفون شد.

او پدر دو عالم بزرگوار شیخ مرتضی و شیخ ابوالفضل ریزی است.(۱)

شیخ عبدالوهاب زاهدی

شیخ عبدالوهاب زاهدی، عالم فاضل ادیب. از فضلاء معاصرین و از سلسله مشایخ بیدآباد.

سال ها در دبیرستان عَلیّه (از مـدارس جدیـد) ادبیات فارسـی و عربی و فقه تـدریس می نمود و در مسـجد سیّد نیز جمعی در خدمت او به تحصیل اشتغال داشتند.(۲)

عبدالوهاب سالک اصفهانی

عبدالوهاب سالک اصفهانی، از شعرای قرن سیزدهم هجری است. مدّتی در عداد غلامان و پیشخدمتان هلاگو میرزا قاجار بوده و او را مدح می نموده و هلاگو میرزا در «تذکره خرابات» از او یاد کرده است.(۳)

میرزا عبدالوهاب قطره چهارمحالی

میرزا عبدالوهاب سامانی چهارمحالی متخلّص به «قطره» شاعر ادیب [از شاعران قرن سـیزدهم هجری. در چهارمحال متولّد شده و علم و ادب آموخت و خصوصا در انشاء و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۷۵؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۴۷.

۲- بیان المفاخر، ج۲، ص۹۷.

۳- حدیقه الشعراء (تعلیقات دکتر نوائی) ، ج۱، ص۷۲۹؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۱، ص۴۹۷.

حساب و امور دیوانی مهارت یافته و چندی نایب الحکومه چهارمحال شد. سفرهایی به شهرهای مختلف کرده و در نهاوند به خدمت شاهزاده محمود میرزا قاجار درآمده و او را مدح کرد. سپس به طهران رفته و به دربار فتحعلی شاه قاجار راه یافت و اشعارش مورد توجّه و قبول شاه قرار گرفته و قصایدی در مدح شاه انشاء نمود. بعد از فوت او به اصفهان آمده و به مدح حاکم اصفهان منوچهرخان معتمدالدّوله پرداخت. او گاه در اصفهان و گاه در چهارمحال بوده و با شعرا و ادبای معاصر خویش مراوده و معاشرت داشته است. سال فوتش به دست نیامد. «هرمان اته» می نویسد تا سال ۱۲۸۴ق در قید حیات بوده است. فرزندان و نوادگان و احفاد او اغلب از شعراء و ادبای عصر خویش بوده اند که از همه معروف تر نوراللّه خان سامانی است.(۱)

کتب زیر از آثار اوست:

۱. «دیوان اشعار» که نسخه ای از آن در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است.(۲) ۲. «شمس التواریخ» در تاریخ عمومی ایران و جهان که به نام محمّدشاه قاجار در یک مقدمه ۴۰باب و یک خاتمه تألیف کرده و نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۳۴۲۸ موجود است.(۳) ۳. «غزوات حضرت نبی مختار و حیدر کرار» منظوم۴. «فتحنامه» در فتوحات مختار ثقفی، منظوم

از اوست:

۱- تذکره مدایح معتمدیه: خطی؛ تذکره سفینه المحمود، ص۴۴۳؛ تذکره دلگشا، صص ۶۱۴-۶۱۶؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۸۸۶-۸۸۸؛ تذکره نگارستان دارا، ج۱، ص۲۴۴؛ الذریعه، ج۹، ص۸۸۶؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۴۳۴.

۲- تاریخ و ادبیات فارسی (اته) ، ص۲۰۲.

۳- فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۶۳۳؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱، ص ۲۴۳۳.

نه سنگ جور دلداری، نه بند زلف دلبندی فضای بوستان خرسند کی سازد دل ما را]

میرزا عبدالوهاب کُجانی اردستانی*

میرزا عبدالوهاب کُجانی، ادیب شاعر و خوشنویس ماهر در قرن سیزدهم هجری. در روستای «کُجان» اردستان متولّد شد و در اردستان سکونت گزیده است. مدّتی نزد حاجی محمّدعلی خان عرب عامری از حکام آن نواحی به امور دیوانی مشغول بود و چون نتوانست از این راه مخارج خود را تأمین کند به اصفهان آمده و به خدمت مجتهد و مرجع بزرگ آن عهد حاج سیّد محمّدباقر حجّه الاسلام شفتی درآمد و او را مدح گفت.

او غزل و قصیده را نیکو می گفته و خطوط نسخ و شکسته و نستعلیق را نیکو می نوشته و در فن سیاق مهارت داشته است. او اشعاری در مدح سیّد حجه الاسلام دارد.(۱)

میر عبدالوهاب معموری*

میر عبدالوهاب معموری متخلّص به «عنایت»، از شعرای اوایل قرن یازدهم هجری. از سادات معموری اصفهان است. در هند ساکن بوده و داخل امراء دربار جهانگیر پادشاه به خدمت مشغول بوده است. مدتی هم در دکن در دیوان شاهزاده سلطان پرویز خدمت می کرد. در اغلب علوم خصوصا سیاق و حساب مهارت و در شعر طبعی روان داشت و اشعار بسیار گفته بود. دیوان غزلیاتش پنج هزار بیت است. دفتری در قصیده دارد و یک مثنوی در بحر فرهاد و شیرین سروده است.

۱- تذکره مآثر الباقریه، ص۱۰۷.

این شعر از اوست:

درین چمن منم از بلبلان زار یکی ولی به زاری من نیست از هزار یکی

هزار عاشق جانباز سربلندی یافت در آن میانه سزاوار شد به دار یکی(۱)

عبدالوهاب موسوی

عبدالوهاب موسوی [از خوشنویسان خط نستعلیق در قرن یازدهم هجری.] در رجب ۱۰۷۸ق در محلّه عباس آباد اصفهان کتاب «عیون اخبار الرضا» را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

عبدالوهاب واعظ ملکی اصفهانی

عبدالوهاب واعظ ملکی اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری.] در سال ۱۰۲۷ق کتاب «تنبیه الغافلین» در ترجمه نهج البلاغه تألیف: ملاّ فتح اللّه کاشانی را به خط نستعلیق نوشته و کتاب به شماره ۷۵۶ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار در طهران موجود است.(۳)

شیخ عبدالهادی اصفهانی

شیخ عبدالهادی اصفهانی، از علمای قرن چهاردهم هجری و از مدرسین شهر کربلا- است. از جمله شاگردان او شیخ علی حبشی قطیفی است.(۴)

۱- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، صص ۲۵۶۳-۲۵۶۷؛ تذکره روز روشن، ص۵۷۴.

۲- فهرست رضوی، ج۵، ص ۱۳۱.

۳- فهرست سپهسالار، ج۲، ص۱۷.

۴- نقباء البشر، ج۴، ص۱۳۷۹.

عبدالهادی صوفی اصفهانی

ابوالخیر عبدالهادی بن علی بن محمّد بن احمد بن خانبان بن حسن بن علی بن جعفر مؤدّب صوفی اصفهانی [از عرفاء و زُهّاد و محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری.]

از مردان اهل خیر و صلاح و علم بود. نیکو وعظ می کرد و به خوبی با مردم سلوک می نمود. در اصفهان به زهد و وعظ معروف بود.

در همدان از ابوبکر عبداللّه بن حسین بن محمّد بن جعفر رودزاوری، حافظ ابوشجاع شیرویه بن شهردار دیلمی، ابوالعلاء محمّد بن محمّد بن احمد حافظ و ابومحمّد عبدالرّحمان بن محمّد بن حسن دونی صوفی و در اصفهان از ابوعلی حداد استماع حدیث کرده است.

تولدش در ماه صفر ۴۱۹ و فوت در عصر پنج شنبه ۱۶ جمادی الاولی ۵۵۴ق [بود.] و روز جمعه در مسجد خود مدفون گردید.(۱)

حاج عبدالهادی اصفهانی

حاج عبدالهادی اصفهانی فرزند مهدی معروف به «جراح» [از کاتبان خط نسخ در قرن سیزدهم هجری] چندین کتاب را به خط نسخ نوشته که از آن جمله است:

۱. «الثمره» للبطلمیوس۲. «القضایا فی النجوم» در ۱۴ شعبان ۱۲۵۷ق۳. «مدخل» منظوم۴. «اختیارات مسیر قمر» در ربیع الثانی ۱۲۵۷ق۵. «الصعیحه» شیخ بهائی در ۱۸ رمضان ۱۲۶۸ق

این کتاب ها ضمن مجموعه شماره ۴۳۴۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۰۴.

محفوظ است.(۱)

شیخ عبدالهادی قاضی

شیخ عبدالهادی قاضی، عالم فاضل [در قرن سیزدهم هجری.] داماد علّامه فقیه آقا سیّد صدرالدّین محمّد عاملی بوده و دختر او علویه فاطمه بیگم را به زوجیت داشته است. او ظاهرا شاگرد حاج محمّدابراهیم کلباسی و حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام است. در «گنج شایگان» گوید: وی پنجمین نبیره شیخ محمّدحسن قاضی (اوّلین شخص از این خاندان که در اصفهان به منصب قضاوت نائل شد) است و تا سال ۱۲۷۳ق حیات داشته است. و در مسجد علیقلی آقا اقامه جماعت می نموده است.(۲)

عبدان خوزی

عبدان بن محمّد خوزی شاعر فصیح البیان از معاصرین ثعالبی مؤلّف: «یتیمه الدّهر» است. در حدود سال ۴۰۰ هجری وفات یافته است. از اشعار اوست:

تَرکنا لِخَوفِ الخیل دَوَرنا ولّله صرف الدّهر کیف ترددا

دهالیزنا ضاقت لخوف نزولهم کانّا یهودٌ تدخل الباب سُجّدا

(اشاره به کوتاهی درب خانه های اهل جزیه: یهود) (۳)

عبده اصفهانی

عبده بن صالح اصفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن دوّم هجری] از داود بن سلیمان

۱- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۵۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۰؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۲۷۵ و ۲۷۷.

۳- آثار ملّی اصفهان، ص۲۲۶؛ دائره المعارف تشیع، ج۱۱، ص۱۰۷.

از اصحاب حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام روایت می کند.(۱)

عبیداللّه ابهری اصفهانی

ابوالعبّاس عبیداللّه بن احمد بن حامد ابهری مؤدب اصفهانی [از محدّثین قرن پنجم هجری] از محمّد بن محمّد بن یونس ابهری و ابومسلم عبدالواحد بن محمّد بن احمد ابهری نقل حدیث می کند و ابوطاهر احمد بن محمود ثقفی و ابونصر ابراهیم بن محمّد کسائی و محمّد بن احمد بن محمّد آمِدی از او روایت کرده اند.(۲)

عبیداللّه مؤدّب اصفهانی

ابومسلم عبیداللّه بن احمد بن محمّد بن ماهان مؤدّب [از محدّثین عامّه در قرن چهارم هجری] در اصفهان و جز آن از محدّثین استماع حدیث نموده و از سهل بن موسی روایت می کند.(۳)

«مؤدب» به وزن «محدّث» یعنی ادب آموز

عبیداللّه اصفهانی

ابوعمرو عبیداللّه بن احمد بن عُقبه بن مَضرِّ (اصفهانی) [از محدّثین عامّه اصفهان در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری] مستجاب الدّعوه بوده و در شوّال ۳۱۳ق وفات یافته است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۵.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۲.

عبیداللّه اصفهانی

ابومحمّد عبیداللّه معدّل اصفهانی بن حسن بن محمّد بن عبداللّه بن حسن بن حفص [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از بزّاز و محدّثین هم طبقه او روایت می کند.(۱)

عبیداللّه حداد اصفهانی

حافظ ابونعیم عبیداللّه حدّاد اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری] تولدش سال ۴۶۳ و فوت او جمادی الاولی سال ۵۱۷ق [بوده است.]

ابوعبیداللّه دقاق درباره او گوید:

«جمع ما لم یجمعه من اقرانه من الکتب الکثیره و السّماعات. صدوقا فی جمعه و کتبه. امینٌ فی قراءته.»

او از عفیفه فارفانی اجازه داشته و از محمّد بن احمد بن محمّد بن عبداللّه ترکه اصفهانی و ابوابراهیم اسعد بن مسعود عتبی نیشابوری نقل حدیث نموده و قاضی ابواسحاق ابراهیم بن علی بن حسین از او روایت می کند.(۲)

عبیداللّه خیاط اصفهانی

ابوبکر عبیداللّه خیّاط اصفهانی، نحوی ادیب. وی را دو کتاب در نحو می باشد. یکی بزرگ و دیگری کوچک. در زمانش چنان کتابی بدان جزات نوشته نشده است. اباالفضل

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۲.

۲- تبیین کذب المفتری، ص۱۲۴؛ التّحبیر، ج۲، صص ۷۷ و ۱۰۳.

بن محمّد نزد او تلمّذ کرد. ابی مسلم بن حجا الکوفانی در رثای او گوید:

سآتی باکیا شط الفرات لعینی استمد مَدَی حیات

فابکی ثم ابکی ثم ابکی علی من عقد توسّد جندلات

علی قمر الزّمان و زین علم عبیداللّه کنز الفائدات(۱)

عبیداللّه روقی اصفهانی

ابوالحسن عبیداللّه بن طاهر بن حسین روقی [از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری] سبط ابوبکر بن فورک. سمعانی درباره او نوشته است: «من وجوه العلماء و الائمه و کانت الیه الفتوی فی مذهب الشجره».

در طابران از شاگردان ابومحمّد جوینی بوده و ابوالمناقب سعد بن عبید طابرانی طوسی از او روایت شنیده است. فوت [صاحب عنوان] در رمضان ۴۹۶ق(۲) [بوده است.]

عبیداللّه خطیبی

قاضی القضاه ابواسماعیل عبیداللّه بن علی خطیبی مقتول به سال ۵۰۲ق به دست باطنیان. از مخالفین سعدالملک آبیو خود مردی جاهل و محیل بود و سبب قتل سعدالملک گردید.(۳)

عبیداللّه قصری

ابوالقاسم عبیداللّه بن فضل بن احمد بن عبداللّه بن محمّد قصری ممیّز اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] از ابراهیم طیّان حدیث شنیده و جهت

۱- معجم البلدان، ج۱۲، ص۶۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۹۵.

۳- تعلیقات نقض، ج۲، ص۷۲۷.

ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.

فوت رمضان ۵۳۳ق در اصفهان.(۱)

«باب القصر» محله بزرگی در اصفهان (از محلات یهودیه)

عبیداللّه جوزدانی اصفهانی

ابوالفضل عبیداللّه بن محمّد بن ابراهیم بن محمّد (سعد) بن احمد بن ابراهیم بن علی بن سعدویه جوزدانی عدل اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

سمعانی با القاب عالی از او یاد می کند و می نویسد:

«شیخ فاضل، عالم عاقل، ساکن صالح، سدید السیره، متمیز من اهل العلم و العدل و الخیر و مؤمن بیت الحدیث و العداله و التّزکیه ملیح الشّیبه بِهی المنظر»

در سال ۴۷۰ق متولّد و از پدرش ابوسهل محمّد، جدّش ابونصر ابراهیم، ابوالفضل مهطر بن عبدالواحد بُزانی، ابومنصور بن شکرویه، ابومسعود سلیم بن ابراهیم، ابوبکر بن ماجه و عده ای دیگر استماع حدیث کرده و ابوسعد سمعانی «تاریخ اصفهان» ابوبکر احمد مردویه و چندین کتاب دیگر را از او شنیده است.

صاحب عنوان در روز جمعه ۱۲ ذیحجه ۵۳۸ق در اصفهان وفات یافته است.(۲)

عبیداللّه اصفهانی

ابوزرعه عبیداللّه بن محمّد بن احمد بن راشد (اصفهانی) [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از پدرش و ابوبکر بن نعمان روایت کرده و بعد از سال ۳۴۲ق وفات

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۸۳.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۸۴.

یافته است.(۱)

عبیداللّه عُصفُری

ابوالحسین عبیداللّه بن محمّد بن احمد بن معدان عُصفُری مقری خلّال [از محدّثین قرن چهارم هجری]

از محدّثین عراق و اصفهان حدیث شنیده و در سال ۳۷۵ق وفات یافته است. وی از ابوعبداللّه احمد بن علی جوزجانی روایت می کند و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث می کند.(۲)

عبیداللّه طیّان

ابوالحسین عبیداللّه بن محمّد بن صالح طیّان قوّال [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] وی از علی بن سعید عسکری روایت می کند.(۳)

عبیداللّه بُرجی اصفهانی

ابوالقاسم عبیداللّه بن محمّد بن عبید بن قَمِن بن فیل برجی صوفی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری] از ابوالحسن علی بن احمد بن محمّد بن حسین بن ابراهیم خُرجانی روایت می کند و ابوعلی حدّاد از او روایت می نماید.(۴)

[«بُرج» و «خُرجان» از دهات شرق اصفهان به شمار می روند.]

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۵.

۴- معجم البلدان، ج۱، ص۳۷۳.

عبیداللّه جمیلی اصفهانی

ابواحمد عبیداللّه بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم بن محمّد بن جمیل (اصفهانی) [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] او به طلب حدیث به شهرهای مختلف سفر کرده و به بغداد رسیده و از آنجا به اصفهان مراجعت نموده و در سال ۳۸۶ق فوت شده است. از حسن بن عثمان فسوی کتاب های یعقوب بن سفیان را روایت می کند.(۱)

عتیق رویدشتی

ابوبکر عتیق بن حسین بن محمّد بن حسن بن محمّد بن حسن قطّان رویدشتی سنبلانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری] در حدود سال ۴۵۰ق متولّد شده و در اصفهان تحصیل نموده و از ابوعثمان سعید بن ابی سعید عیّار صوفی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی استماع حدیث نموده است.

فوت او روز عرفه سال ۵۴۰ق در اصفهان(۲) [اتفاق افتاد.] «رویدشت» از قرای اصفهان و «سنبلان» از محلّات اصفهان [است.]

عثمان بُرجی اصفهانی

ابوالفرج عثمان بن احمد بن اسحاق بن بُندار کاتب بُرجی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] از ابوجعفر محمّد بن عمر بن حفص جورجیری اصفهانی [و ابوعمرو عثمان بن حکیم و علی بن محمّد بن ابان] حدیث نقل نموده و سهل بن محمّد بُرجی و محمّد بن احمد بن احمد بن عبداللّه امام و سلیمان بن ابراهیم بن سلیمان [ورّاق و

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۱۰۶؛ اللباب، ج ۱، ص ۲۹۲.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۶۰۹.

ابوالقاسم بن ابی بکر بن علی و ابوالرّبیع استرآبادی و احمد بن جعفر فقیه] از او روایت کرده اند.

او در عید فطر سال ۴۰۶ق وفات یافت.(۱)

عثمان صالحانی

ابوعمرو عثمان بن طلحه بن حسین بن ابوذر محمّد بن ابراهیم صالحانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از ابومطیع محمّد بن عبدالواحد اصفهانی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی او را ملاقات کرده و در مسجد جامع جهت او اجازه نوشته است.(۲)

دو برادرش ابوعبداللّه حسین و ابوالخیر سعید صالحانی نیز از محدّثین اصفهان و از اهالی محلّه صالحان بوده اند.

عثمان سنوی اصفهانی

ابوعمرو عثمان بن محمّد (احمد) بن عثمان سنوی (نسوی) اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از ابومحمّد رزق اللّه تمیمی حدیث شنوده و ابوسعد سمعانی احادیث کمی از او استماع کرده است.(۳)

عثمان شهرآبادی یزدی

عثمان بن محمّد بن عثمان شهرآبادی یزدی [از فضلای قرن ششم هجری] در سال

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۶۱؛ معجم البلدان، ج۱، ص۳۷۳؛ احقاق الحق، ج۱۶، ص۲۰۵؛ اللباب، ج۱، ص۱۳۴؛ المشترک، ص۴۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۵۴۷.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۵۵۲.

۶۰۰ق کتاب «بیان الحق و معیار الصّدق» لوکری را در اصفهان جهت خود نوشته و نسخه به شماره ۸۷۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران جزو کتب اهدائی مشکوه موجود است.(۱)

عدنان بُرجی اصفهانی

ابوالحسن عدنان بن عبداللّه بن احمد بن محمّد بن شیبان مؤدّب بُرجی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از احمد بن محمّد بن موسی بن مردویه روایت نموده و ابوعلی حدّاد از او استماع حدیث کرده است.(۲)

«بُرج» از دهات اصفهان است.

عرب اصفهانی*

عرب اصفهانی، از شعرای اصفهان است و ظاهرا در قرن دهم هجری می زیسته است. از اوست:

بوی جگر سوخته دارد دل من خاصیّت خاک کعبه دارد دل من

با این همه اسباب که از غم دارم عمری است که حل نمی شود مشکل من(۳)

میرزا عَرَب ناصح تبریزی

میرزا عرب تبریزی متخلّص به «ناصح» شاعر ادیب از سخنوران قرن یازدهم هجری. وی مقداری در اصفهان تحصیل نموده و سپس به تجارت پرداخت. مردی صالح و

۱- فهرست مشکوه، ج۳، ص۱۶۵.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۳۷۳.

۳- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۶۲۸.

پرهیزکار بود و طبعش در شعر خالی از لطف نبود وفاتش قبل از سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) واقع شد.

این رباعی از اوست:

از عشق رسید کار هرکس به نظام بی آتش عشقت هوس ها همه خام

در دل عشقت به که بود در سر عقل در خانه چراغ به که مهتاب به بام(۱)شد الازار، ص ۲۸۰؛ هزار مزار، ص۳۲۳.

(۲)

عرفان طهرانی*

میر عرفان طهرانی، شاعر ادیب، از سخنوران قرن یازدهم هجری. در اصفهان به کتابفروشی مشغول بود.

از اوست:

تا قیامت لب خمیازه گشاید چو کمان یک بغل هر که تو را تنگ در آغوش کشید۲.

شیخ عزّالدّین اصفهانی

شیخ عزالدّین اصفهانی [از دانایان قرائت و تجوید و حافظان قرآن در قرن هفتم هجری] حافظ قرآن با تجوید خوب بوده و به خدمت مشایخ بزرگ رسیده و عدّه زیادی را درک نموده [است.] از آن پس در زاویه ای غنوده و به تعلیم اولاد حسین پرداخت. در اواخر عمر از چشم محروم شده، پس از مدّتی چشمش خوب شد و قرآنی نوشت و دو مرتبه کور شده و سنش از نود (۹۰) گذشته و در سال ۷۹۰ و اندی وفات یافته و در شیراز مدفون گردید.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۶۹؛ تذکره روز روشن، صص ۷۹۰ و ۷۹۱؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ناصح تبریزی»، ص۱۵

۲- ۲. تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۸۵.

۳- شد الازار، ص ۲۸۰؛ هزار مزار، ص۳۲۳.

عزّالدّین اصفهانی*

عزّالـدّین بن تاج الـدّین اصـفهانی، از فلزکاران و قلمزنان سده هشـتم هجری است. از آثار وی یک شـمعدانی برنزی طلاکوب است که به نـام امیرتیمور گروکـانی سـاخته شـده و این اثر تاریـخ رمضان ۷۹۹ق دارد. در کتـاب «احوال و آثـار نقاشان قـدیم ایران» این تاریخ ۷۹۲ق آمده است.(۱)

شیخ عزّالدّین نجفی

حاج شـیخ عزّالدّین نجفی بن شـیخ محمّدرضا بن شیخ محمّدحسین بن حاج شیخ محمّدباقر نجفی (مسجدشاهی) اصفهانی، از علمای معاصر اصفهان.

[در حـدود سال ۱۳۳۰ق] در نجـف اشـرف متولّـد شـده و در کودکی به همراه پـدر به اصـفهان آمـد. و نزد علمـای این شـهر خصوصا شیخ امان اللّه گینکانی [کوجانی] و ملاّ فرج اللّه درّی به تحصیل مشغول شد و پس از آن در درس پدر دانشمند خود و حاج آقا نوراللّه نجفی حاضر شد.

او پس از فراغت از تحصیل به امور اجتماعی و اداره و سرپرستی دفتر ثبت اسناد رسمی اشتغال جست و در محلّه بیدآباد کوچه شیخ ها ساکن شد. او فاضلی نیکونهاد و عالمی خوش اعتقاد، دائم الذکر، خلیق و مهربان و خوش معاشرت بود.

او سـرانجام در روز جمعه اوّل شوّال ۱۳۹۹ق [مطابق به دوّم شهریور ۱۳۵۸ش] در سن حدود ۶۹ سالگی وفات یافت. [پیکرش به قم حمل شده و در قبرستان باغ رضوان (جنب قبرستان وادی السّلام) مدفون شد.]

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۴۲۳.

مادرش صبیّه آقا سیّد محمّد امامی خاتون آبادی است. [و خودش صبیه شیخ محمّدعلی بن شیخ جلال الدّین نجفی را به همسری خود اختیار نموده بود.]

از او جزوات و رساله های مختصری به جای مانده است.(۱)

عزّالدّین صنمار اصفهانی

عزّالدّین صنمار اصفهانی والی اصفهان در عهد سلطان ارسلان بن طغرل سلجوقی بوده و در «راحه الصّدور» و سایر کتب تواریخ سلجوقی از وی یاد شده است.(۲)

عزت اللّه جعفرپور (گویا اصفهانی)*

عزت اللّه جعفرپور متخلّص به «گویا» فرزند غلامرضا بن نصراللّه. از شعرای معاصر اصفهان در ششم اسفندماه ۱۳۱۸ش متولّد شده و تحصیلات خود را به صورت متفرقه تا ششم ابتدایی به پایان رسانیده است. او به شغل حجاری مشغول بوده و به خوشنویسی نیز علاقمند است.

از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته و در اواخر عمر مرحوم استاد عباس خان شیدا محضر او را درک نموده و همچنین از محضر استاد محمّدحسین صغیر اصفهانی بهره مند گردیده و تخلّص «گویا» را به پیشنهاد ایشان برگزیده است. در اکثر انجمن های ادبی اصفهانی خصوصا انجمن های صائب، حافظ، فردوسی و خانه هنرمندان حضور داشته است. دیوان اشعار او و هنوز به چاپ نرسیده است. این چند بیت از اشعار اوست:

ای خدای رازدار بندگان در کدامین جا تو را پیدا کنم

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۲، صص ۴۱۶ و ۴۱۷؛ تربت پاکان قم، صص ۱۰۱۰-۱۰۱۲؛ قبیله عالمان دین، ص۱۱۱.

۲- راحه الصّدور، صص ۳۴۳، ۳۸۸.

تا بیابم پرتوی از نور تو رو به سوی طور چون موسا کنم

همچو مجنون در بیابان وفا این دعا دیوانه را رسوا کنم

هر شب و روز از فراق روی دوست ناله ها در دامن صحرا کنم(۱)

عزت اللّه ابوطالبی چادگانی*

عزت اللّه ابوطالبی فرزند فیض اللّه، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۲۲ش در چادگان متولّد شده و تحصیل در مقطع ابتدایی را در زادگاه خود و متوسطه را در اصفهان گذرانده و پس ادامه تحصیل فوق دیپلم گرفته و به استخدام کارخانه ذوب آهن اصفهان درآمده و بخش تحقیقات آزمایشگاه مرکزی آنجا به کار مشغول شد و در سال ۱۳۷۷ش بازنشسته شد. این شعر از اوست:

خداوندا کریمی مهربانی صفابخش زمین و آسمانی

گناهان مرا نادیده پندار گناه کرده را ناکرده انگار

به روز واپسین یعنی که محشر ز هرچه بد نمودم جمله بگذر

گناهانم ببخش و هرچه دیدی «ز ما بگذر شتر دیدی ندیدی»(۲)

عزیز اصفهانی

ابوالقاسم عزیز بن احمد بن محمّد مصری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان است و] از ابوسعید نقاش روایت می کند.(۳)

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آقای جعفرپور (گویا) در ۱۰ شهریور ۱۳۸۹؛ بزم ادب، ص۳۳۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان، ص ۶۸۰.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۳۳۲.

۳- میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۹۵.

عزیز اصفهانی

عزیز بن زین العابدین اصفهانی [خطاط نستعلیق نویس در قرن سیزدهم هجری] در ۱۳ جمادی الاولی سال ۱۲۴۰ق کتاب «ابواب الجنان» مولی رفیع قزوینی را به خط نستعلیق نوشته و به شماره ۳۰۱۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

محمّد عزیز*

میرزا محمّد عزیز فرزند میرزا محمّدرحیم (وزیر توپخانه) از خوشنویسان خط نستعلیق در اواخر قرن یازدهم هجری است. محمّدصالح اصفهانی که معاصر اوست در تذکره خوشنویسان خود گوید:

«قطع نظر از فضیلت و صفای طینت، در هر فنّی از فنون خطّ نستعلیق، نهایت قدرت و تسلّط داشت و پاکیزه و به مزّه می نوشت و خوشنویس بود».(۲)

حاج عزیزاللّه عطریان*

استاد حاج عزیزاللّه عطریان فرزند محمّدابراهیم. از هنرمندان معاصر در سال ۱۳۱۱ش در محلّه طوقچی اصفهان متولّد شد. پدر و عموها و اجداد او از هنرمندان هنر قلمکاری پارچه بوده اند. در کودکی به مکتب خانه رفت و چندی بعد نزد پدر به فراگیری هنر قلمکاری مشغول شد. چند سال بعد نزد استاد عبدالخالق پورصناعی که در هنر قلمکاری و صنعت رنگ سازی سنّتی مهارت داشت و استاد حاج میرزا آقا امامی

۱- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش یکم، ص۴۶۵.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۸۶.

استاد هنر مینیاتور و سوخت به تکمیل معلومات خود پرداخت.

او یکی از احیاءگران هنر قلمکاری در عصر حاضر است که در کارهایش از طرح هایی چون نقوش تخت جمشید، شکارگاه، گل و بوته، بتّه جقّه، گل ختائی و سرو استفاده می کرد و تعدادی از علاقمندان این هنر نزد او به فراگیری هنر قلمکاری مشغول بودند. آثار هنری او به بسیاری از کشورها صادر شده و در نمایشگاه دُبی در امارات متحده عربی در سال ۱۳۷۰ش و نمایشگاه جدّه عربستان در سال ۱۳۶۹ش به نمایش درآمد. همچنین در جشن های تخت جمشید و نقش جهان از دست ساخته های ایشان در فرم دهی و پوشش مردان و زنان استفاده شد. استاد عطریان از مؤسسان تعاونی صنف قلمکاران اصفهان و اتحادیه صادرکنندگان صنایع دستی اصفهان بود و در سال ۱۳۷۶ش از اداره تعاون استان اصفهان به عنوان قلمکار نمونه لوح تقدیر دریافت نمود.

وی پس از ابتلاء به بیماری قلبی در شب جمعه ۱۴ دی ۱۳۸۵ش (مطابق ۲۳ شعبان ۱۴۱۷ق) از دنیا رفت و در قطعه نام آوران در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.(۱)

ملّا عزیزاللّه مجلسی

ملاّ عزیزاللّه بن میرزا محمّدتقی الماسی بن میرزا محمّدکاظم بن مولی عزیزاللّه بن علاّمه مولی محمّدتقی مجلسی اوّل، عالم فاضل و ادیب محقّق.

سال ها در هند اقامت داشته و گاهی شعر می سروده و سرانجام در سال ۱۱۶۳ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه مجلسی (جنب مسجد جامع اصفهان) مدفون شده است. از تألیفات او: «هدایه العاملین» در اصول دین است که برای مؤتمن الملک شجاع الدّین

۱- گلشن نام آوران، صص ۲۰۹-۲۱۳.

محمّدخان اسعد جنگ، در مقصودآباد از شهرهای بنگاله در سال ۱۱۴۲ق تألیف شده است. وی همچنین نسخه ای از «حدیقه المتّقین» جدّش مجلسی اوّل را به خط نستعلیق در سوم صفر ۱۱۴۴ در بندر سورت کتابت نموده که به شماره ۲۹۶۳ در کتابخانه عمومی اصفهان (کتابخانه فرهنگ اصفهان) موجود است. زوجه مشارٌ الیه دختر مولی صالح ثانی مازندرانی معروف به آقابزرگ فرزند مولی عبدالباقی بن علّامه مولی صالح بوده است.(۱)

میرزا عزیزاللّه مجلسی

میرزا عزیزاللّه بن ملاّ محمّدتقی مجلسی، عالم فاضل و محدّث محقّق. از علماء معروف و محقّقین بوده و در سال ۱۰۲۵ق متولّد و در سال ۱۰۷۴ وفات یافته است.

در «الفیض القدسی» درباره او می نویسد: «حاوی کمالات کثیره و در قدس و تقوی و حسن خلق، به حدّ اعلای مراتب رسیده و مستجاب الدّعوه بوده و در تموّل و ثروت نیز از عموم علماء زمان مقدّم بوده»(۲) .

نزد پدر و دیگران تلمّذ نموده [است.] کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «انشای وقایع الرّوم»(۳) ۲. «ترتیب خلاصه الاقوال»، در فهرست کتابخانه رضویّه گوید: «نسخه اصل آن به شماره ۸۱۸۱ در کتابخانه موجود است که در محرم ۱۰۷۱ق نوشته شده و مصحّح و معلّق به حواشی است و در آن اسامی را با رعایت دو حرف اوّل از اسم مرتّب ساخته و در اسامی مشترکه ترتیب حرفی میان اسم دوم (نام پدر) را نیز

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۴۰ و ۳۴۱؛ الذریعه، ج۲۵، ص۱۸۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۲۱؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۸۹ و ۱۴۵.

۲- الفیض القدسی (چاپ کمپانی) ، ص۲۳.

۳- الذریعه، ج۲، ص۳۹۳.

رعایت نموده است.(۱) ۳. «حاشیه بر تهذیب الاحکام» ۴. «حاشیه بر مدارک الاحکام» ۵. «حاشیه بر من لا یحضره الفقیه»(۲) ۶. «فوائد متفرقه»

در کتابخانه آستان قدس رضوی نسخه ای از «وجیزه» شیخ بهائی موجود است که ملّا عزیزاللّه در صدر نسخه یک صفحه فوائد اقتباس از «رجال ابن داود» و در آخر نسخه ده برگ فوائد متفرقه از کتاب «منتقی الجمان» را در تاریخ ظاهرا ۱۰۷۱ق نوشته است.(۳)

شیخ عزیزاللّه بیدآبادی

شیخ عزیزاللّه بیدآبادی فرزند شیخ محمّدحسین بن آقا محمّد بیدآبادی، عالم فاضل و فقیه عارف (از علمای قرن سیزدهم هجری) .

در علم رمل و جفر و اعداد استاد بوده و علاوه بر آنها فقیهی عالیقدر به شمار می رفته، در اواخر قرن سیزدهم وفات یافته است.(۴)

نواده اش آقا شیخ عزیزاللّه بن شیخ محمّدحسین بن شیخ عزیزاللّه هم از فضلاء اوایل قرن چهاردهم هجری بوده و در مسجد سیّد اصفهان مکتب خانه داشته است.(۵)

۱- فهرست رضوی، ج۶، ص۶۰۱.

۲- الذریعه، ج۶، صص ۵۲ و ۱۹۴ و ۲۲۳.

۳- فهرست رضوی، ج۶، ص ۶۳۰؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۳۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۲۱؛ فوائد الرضویّه، ج۱، ص۲۶۳؛ الروضه النّضره، ص۳۶۶؛ مصفی المقال، صص۲۶۰ و ۲۶۱؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۴۱.

۴- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۱؛ جغرافیای اصفهان (تحویلدار) ، ص۸۳؛ آثار ملّی اصفهان، ص۱۹۳.

۵- بیان المفاخر، ج۲، ص۹۹.

میرزا عزیزالله محتاج چادگانی

میرزا عزیزالله خان چادگانی متخلّص به «محتاج» فرزند محمّدحسن [از شعراء و فرهنگیان چادگان در قرن چهاردهم هجری.] در سال ۱۲۹۲ق در «چادگان» متولّد گردید. او دوران کودکی و نوجوانی را به سختی گذرانید و ضمن کار روزانه، شب ها در خدمت آخوند ملاّ علی میرزا (که از علماء و فضلای چادگان بود) درس می خواند. مدّتی نزد دانشمند و عارف و حکیم مشهور مرحوم آخوند ملاّ صالح بن ملاّ ابراهیم چادگانی درس خوانده و بعدا مدّتی در افواج فریدن به نویسندگی اشتغال داشت. از آن پس مدت چهل سال مکتب داری نمود و عدّه زیادی از اطفال محل را علم بیاموخت. [پس از آن که به دستور دولت رضاشاه، مکتب خانه ها برچیده شد و مدارس جدید جای آن را گرفت، او چندین سال خانه نشین بود تا اینکه با نامه نگاری به مقامات دولتی] به خدمت اداره فرهنگ وارد شد و به آموزگاری مشغول گردید. [او از پیشگامان و پیش کسوتان فرهنگ چادگان و از خادمان حقیقی علم و دانش است.]

وی از جوانی لب به گفتن اشعار گشوده و به فارسی و ترکی و لری شعر می گفت و دو دیوان به فارسی و لری داشت.(۱)

[وی سرانجام در روز دهم مهرماه ۱۳۳۸ش (مطابق سال ۱۳۷۸ق) پس از تحملّ مصائب گوناگون و از جمله مرگ جوان برومند خود، از دنیا رفت و در قبرستان عمومی چادگان معروف به «سر قبر آقا» مدفون شد. متأسفانه در سال های اخیر این قبرستان به فضای سبز تبدیل شد و آثار قبر او را از بین بردند.]

این شعر از اوست:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۱۴.

نکوتر بتاب امشب ای نور ماه که روشن کنی روی این بزمگاه

ببین میگساران به خواب اندرند همه مات و مست رخ دلبرند

بود شمع خاموش و مجلس خراب شکسته دف و نای و چنگ و رباب

حریفان به یکدیگر آمیختند صراحی شکسته قدح ریختند

به موسی بگو خیز و بین بر ملا تجلّی نموده حق در کرب و بلا

مسیحا تا که بیند این رستخیز صلیب و چلیپا کند ریز ریز

محمّد سر از غرفه آرد برون ببیند جگرگوشه اش غرق خون(۱)]

عزیزاللّه مخمور نجف آبادی*

عزیزاللّه مخمور فرزند حسینعلی، شاعر ادیب، از سخنوران معاصر. در سال ۱۳۰۰ش در نجف آباد متولّد شد. او از نوادگان بی بی جـان متخلّص به «مخمـوره» از شـعرای اواخر دوره قاجـار است. به این خـاطر نواده اش «مخمور» تخلّص دارد و از اشـعارش دفتری به نام «راز وصال» در سال ۱۳۴۵ش چاپ شده است. از راه خیاطی امرار معاش می کرده و علاوه بر طبع شـعر ویولُن را خوش و استادانه می نواخته است. این دو بیت از سروده های اوست:

چشم جادو ز تو و دیده خونبار ز من رخ زیبا ز تو و عشق شرربار ز من

رمز دل بردن از خلق جهانی از تو جستجو کردن و دانستن اسرار ز من۲.

۱- یادداشت های محقّق ارجمند آقای حاج سیّد رضا نوحی چادگانی.۲. دیباچه دیار نون، صص ۲۲۰ و ۲۲۱؛ بزم ادب، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.

عزیزاللّه شکیبا

سرهنگ عزیزاللّه خان شکیبا فرزند میرزا محمودخان نهچیری، از شعرای معاصر اصفهان. در اصفهان متولّد شده و پس از انجام تحصیلات خود به خدمت ارتش درآمده و تا درجه سرهنگی ارتقاء یافت تا اینکه بازنشسته شد. در کلیه فنون شعر و ادب مهارت داشت و اشعارش در روزنامه ها و مجلات اصفهان و طهران به طبع می رسید. سرانجام در [۲۴ ربیع الاوّل] ۱۳۹۰ق وفات یافته و در تکیه شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد مدفون شد.(۱) [استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) شاعر توانا مادّه تاریخ وفاتش را چنین گوید:

پی فوت او کلک «برنا» بشمسی رقم زد: «روان شد بجنت شکیبا»

۱۳۴۹ ه . ش

و در مادّه تاریخ دیگری گوید:

پی تاریخ فوتش گفت «برنا»: «شکیبای عزیز از دار دون رفت»

۱۳۹۰ ه . ق]

سیّد عزیزاللّه طباطبائی اردستانی

سیّد عزیزاللّه بن یوسف طباطبائی اردستانی [از فضلای قرن یازدهم هجری] در دوشنبه ۱۳ رجب ۱۰۶۳ق نسخه ای از «عیون اخبار الرّضا علیه السلام » را در اصفهان به خط نسخ کتابت نموده است. در پایان نسخه سیّد محمّدسعید بن محمّدقاسم حسنی حسینی طباطبائی [قهپایه ای] می نویسد که در شب ۲۶ صفر ۱۰۶۵ق مقابله کتاب را در قریه

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۷۶ و ۲۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۶.

«خشوقان» (ظاهرا باید جِشوقِان باشد) قهپایه به پایان رسانیده است.

کتاب به شماره ۲۶۸۴ در کتابخانه مرعشی قم موجود است.(۱)

عزیزاللّه شریفیان (غلام) گزی*

عزیزاللّه شریفیان گزی متخلّص به «غلام» از شعرای معاصر در سال ۱۳۲۰ش در روستای گز بُرخوار متولّد شد. او سال ها به حرفه کفاشی مشغول بوده و در فنّ بنّایی نیز مهارت داشته است. از سن ۳۸ سالگی به سرودن شعر پرداخته و دیوان اشعارش در سال ۱۳۸۷ش به چاپ رسیده است.

این شعر از اوست:

مشتاق به دیدار توام لحظه به لحظه کُنج قفسم با پر و بالی که شکسته

سوزد دل بیچاره من در تب عشقت تا آن که گشائی ز دلم عقده بسته(۲)

عزیزاللّه مسعودی

عزیزاللّه مسعودی، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۲۹۶ش در اصفهان متولّد گردیده و تحصیلات مقدّماتی و متوسّطه خویش را در اصفهان انجام داد و سپس در اداره بهداری استان دهم [اصفهان] مشغول به انجام وظیفه شد. گاهی برحسب اقتضای حال اشعاری می سرود و در آن «مسعودی» تخلّص می نمود. از اوست:

شامگاهان تا سر بر درگهش راز و نیاز هرچه من بیش آورم او ناز را افزون کند(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۶۱.

۲- دیوان اشعار عزیزاللّه شریفیان (غلام) : مقدمه و ص۷۳.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۴۸ و ۴۴۹.

محمّد عسکر

محمّـد عسـکر بـن زین الـدّین محمّـدرحیم [خوشـنویس هنرمنـد قرن دوازدهم هجری[در سه شـنبه ۲۱ شـعبان ۱۱۲۸ق «دیوان میرنجات» را به خط نستعلیق در اصفهان در ۱۸۵ برگ نوشته و نسخه اصل در موزه آسیائی آکادمی علوم شوروی در لنینگراد و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

عصام بکری اصفهانی

ابوالفوارس عصام بن عثام بن عبدالملک بن عبدالرّحمان بن ابوطاهر محمّد بن احمد بکری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن شـشم هجری] از اعقـاب ابوبکر خلیفه اوّل. از مشـاهیر اعیـان و اعیان اصـفهان بوده و از پـدرش ابوحرب عثام و قاضـی ابوبکر محمّد بن حسن بن محمّد بن سـلیم اصـفهانی و دیگران حدیث شـنیده و ابوسـعد سمعانی در خانه او در اصفهان از وی احادیث کمی مرقوم داشته است.

فوت [او] جمادی الاولی سال ۵۴۹ق در اصفهان(۲) [واقع شد.]

عصام بُرخواری اصفهانی (جبّر)

ابوسـعید عصـام بن یزیـد بن عجلاـن بلومی (و گـاهی آن را بُرخواری گوینـد) [از محـدّثین عـامّه اصـفهان در قرن دوم هجری جدّش «عجلان» از قریه «بلومیه» بُرخوار اصفهان بوده و به دست دیلمیان اسیر شد و اسلام آورد و در کوفه صاحب فرزند شد و به وطن

۱- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۹۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۶۱۶.

خویش مراجعت کرد. عصام ۱۳ سال مصاحب سفیان ثوری بوده و از او روایت نموده و همچنین] از شعبه و مالک روایت می کد. دو فرزندش محمّد بن عصام و روح بن عصام از او نقل حدیث کرده اند.(۱)

عصری تبریزی

عصری تبریزی، از شعرای قرن یازدهم هجری. در یزد ساکن بود و پس از اقامت تبریزیان در محلّه عباس آباد، او هم به اصفهان آمد و در آن محلّه ساکن شده و به زرکشی پرداخت. او معاصر شاه عباس اوّل است.

این شعر از اوست:

آمد آن همه سینه را از داغ ها رنگین کنید پادشاه حُسن آمد شهر را آیین کنید

درد عاشق را دوایی بهتر از معشوق نیست شربت بیماری فرهاد را شیرین کنید(۲)

ملّا عطاءاللّه*

ملّا عطاءاللّه، از فضلاء قرن دوازدهم هجری است و مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی در کتاب «کشکول» گوید:

«برخی از تملکات او را بر تعدادی از کتاب های علمی در اصفهان دیده ام که تاریخ تملک سال ۱۱۲۴ق بوده است.»

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۳۸؛ معجم البلدان، ج۱، ص۳۷۴.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۳۴؛ تذکره روز روشن، ص۵۳۶؛ تذکره غنی، ص۹۰؛ دانشمندان آذربایجان، ص۲۷۴؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۴۶۳.

سپس می افزاید: «شاید وی مولی عطاءاللّه بن حسان واعظ هروی صاحب (مختارنامه) که به نام محمّد شاه هندی که در سال ۱۱۶۰ق از دنیا رفته است، باشد. این اشعار از اوست:

ای ذات ذوالجلال تو از ماسوی سوی یابد ز خوان مکرمتت بی نوا نوا

اشفاق توست شامل هر خاص و عام عام تشریف توست در بر هر نارسا رسا

گم کردگان بادیه تیه غفلتم راهی ز روی لطف تو ای رهنما نما

از چار موج بحر چه غم دارم ای فلک در کشتی یی که هست در او ناخدا خدا

ما را به غیر جرم و گنه نیست حاصلی یا رب به ما مده تو به روز جزا جزا

از کثرت گناه بود قائلم دو تا می جوید از خزانه غیبت عطا عطا(۱)

ملّا عطاء اعجاز هروی

ملّا عطاء هروی معروف به «میرزا اعجاز» از شعرای قرن یازدهم هجری. چندی در اصفهان بوده و ربطی به نظم و نثر داشته و در لباس مدح در باب اصفهان شوخی ها نموده بود. میرزا محمّدطاهر نصرآبادی در جواب چند فقره نثر نوشت. عاقبت ملّا عطاء با نصرآبادی آشتی کرده و عذر خواست. او سفری به هرات رفته و پس از مراجعت در اصفهان فوت شد.(۲)

رساله «تعریف اصفهان» از اوست که رساله شیوائی است و در هر عنوان شعری است از خود او و این رساله برای شناخت اصفهان و مردمان آن در روزگار صفویّه بسیار سودمند است. این رساله ضمن مجموعه ۳۰۳۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه

۱- الکشکول، (چاپ شیکاگو آمریکا) ، ص۸۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۵۸۳ و ۵۸۴.

طهران موجود است.(۱) این شعر از اوست:

پس از سرگشتگی شد رشته تسبیح زُنّام ز صد منزل گذشتم تا گره افتاد در کارم

عطاء خُشک اصفهانی

عطاء خُشک. اصلاً اصفهانی بوده [و در قرن دوم هجری می زیسته] و در این شهر زاده شده و محلّه «باب عطاء» در اصفهان بدو منسوب است و در خراسان نشو و نما یافته و نزد محدّثین به «عطاء خراسانی» معروف است.(۲)

شهید عطاءاللّه اشرفی اصفهانی

حاج آقا عطاءاللّه فرزند ملّا اسداللّه سدهی معروف به «اشرفی» امام جمعه کرمانشاه، از علمای معروف و فضلاء مشهور که سال ها به امر مرحوم آیت اللّه بروجردی جهت تأسیس حوزه علمیه و ترویج احکام در کرمانشاه ساکن و به وظایف شرعی اقدام می فرمود و به وسیله مخالفین در جمعه ۲۷ ذی الحجه الحرام ۱۴۰۲ هجری قمری ترور گردید. رحمه الله(۳)

[نسب خاندان اشرفی خمینی شهر به ملاّـ محمّداشرف ورنوسفادرانی سدهی مؤلّف کتاب «عروه المتّقین» و متوفّی به سال ۱۱۳۵ه.ق می رسد و او بدین طریق از اعقاب شیخ علی کرکی (محقّق ثانی) است: ملّا محمّداشرف بن حیدرعلی بن ملّا کلب علی بن محمّد بن نورا بن محمّد بن نورالدین علی بن عبدالعالی میسی عاملی.

ملّا اسداللّه اشرفی از علماء سِدِه ماربین (خمینی شهر کنونی) بوده و فرزندش آقا

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰، ص۱۹۳۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۲۷۴.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۲.

عطاءاللّه در شعبان سال ۱۳۲۲ق (مطابق سال ۱۲۸۱ش) در سِدِه متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات نزد سیّد مصطفی، از فضلاء آن محل، در ۱۲ سالگی به اصفهان آمده و نزد حضرات آیات شیخ محمّدحسین فشارکی، آقا سیّد مهدی درچه ای، میر سیّد محمّد مدرس نجف آبادی و شهید سیّد حسن مدرس تحصیل کرد و پس از ۱۰ سال تحصیل راهی شهر مقدس قم شد و نزد آیات عظام: سیّد محمّدتقی خوانساری، سیّد صدرالدین صدر، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آقا سیّد محمّد حجّت و حاج آقا حسین بروجردی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت تا اینکه در ۴۰ سالگی به اجتهاد نائل و از طرف اساتید خود از جمله مرحوم خوانساری به کسب اجازه مفتخر شد و به تدریس در حوزه علمیه قم پرداخت و مسؤولیت اخذ امتحان طلاب به او و تعدادی از فضلاء مبرّز واگذار شد. او در این سال ها از درس فلسفه حضرت امام خمینی نیز بهره گرفت.

وی پس از سال ها اقامت در قم، از طرف آیت اللّه بروجردی راهی کرمانشاه شد تا ضمن ترویج دین و بیان احکام شرعی و انجام کارهای مربوط به شریعت، اداره حوزه علمیه کرمانشاه و تدریس در آنجا را نیز برعهده گیرد. او تا آخر عمر در کرمانشاه باقی ماند و ابتدا وکالت آیت اللّه بروجردی و سپس وکالت امام خمینی در آن منطقه را پذیرفت. او از روحانیان سیاسی هوادار امام خمینی به شمار می رفت و به خاطر مبارزات خود با رژیم پهلوی مورد تعقیب قرار گرفت و مدّتی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، بازداشت شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۸ش از طرف امام خمینی به عنوان امام جمعه کرمانشاه منصوب شد و اقامه نماز جمعه را به عهده گرفت. با شروع جنگ ایران و عراق (شهریور ۱۳۵۹ش) استان کرمانشاه هم درگیر این جنگ شد. آیت اللّه اشرفی با حضور در خط مقدم جبهه به جوانان رزمنده روحیه می بخشید و در کرمانشاه نیز مردم را تشویق به حضور در جبهه و کمک به رزمندگان می نمود و آنان را به پیروی از امام خمینی و مبارزه با جریان های ضد انقلابی هدایت می کرد. بدین خاطر

مورد بغض و خشم سران سازمان مجاهدین خلق (معروف به «منافقین») قرار گرفت و پس از ترور و شهید ساختن ائمه جمعه تبریز (سیّد اسداللّه مدنی در ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ش) ، شیراز (سیّد عبدالحسین دستغیب در ۲۰ آذر ۱۳۶۰ش) و یزد (شیخ محمّد صدوقی در ۱۱ تیر ۱۳۶۱ش) یکی از اعضای این گروه با انفجار نارنجک در نماز جمعه روز ۲۳ مهر ۱۳۶۱ش که در مسجد جامع کرمانشاه برگزار می شد، آیت اللّه اشرفی اصفهانی را به شهادت رساند.

پیکر پاک این شهید پس از تشییع در کرمانشاه به اصفهان حمل و پس از تشییع، در تخت فولاد اصفهان، در کنار مزار شهداء به خاک سپرده شد. امام خمینی در پیامی که صادر کردند از مقام علمی و اخلاقی و سابقه مبارزاتی ایشان تجلیل نمودند.

شهید اشرفی اصفهانی در فقه و اصول از علمای مبرّز بود و در اخلاق و تقوا و اخلاص به مقام والایی دست یافته بود و زندگی زاهدانه و ساده ای داشت که تا آخر عمر آن را حفظ کرد.

این کتاب ها از تألیفات و آثار ایشان به طبع رسیده است:

۱. «البیان» یا «برهان قرآن»، به فارسی۲. «تفسیر قرآن» با استفاده از تفاسیر شیعه و سنّی۳. «مجمع الشّتات» در اصول دین و عقاید و کلام، به عربی، در ۴ جلد۴. «حروف مقطعه قرآن» به فارسی۵. «غیبت امام عصر» (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) ۶. «غروب آفتاب در محراب جمعه» (مجموعه خطبه های این شهید در نماز جمعه کرمانشاه است که پس از شهادت ایشان در ۲ جلد جمع آوری و چاپ شده است.) ۷. «تقریرات» فقهی و اصولی اساتید وی در قم.

ایشان در تعمیر مساجد و کمک به نیازمندان در کرمانشاه و خمینی شهر فعالیت های

ارزنده ای انجام داده اند.(۱)]

میرزا عطاءاللّه چهارسوقی*

میرزا عطاءاللّه چهارسوقی فرزند آقا میرزا محمّدباقر موسوی چهارسوقی (صاحب روضات) عالم فاضل زاهد متّقی در روز سه شنبه ۲۹ ربیع الاولی ۱۲۶۶ق متولده شده و نزد پدر جلیل القدر خود و سایر علمای اصفهان تلمّذ نموده و از ایشان و عموی عالی مقام خود میرزا محمّدهاشم چهارسوقی و همچنین شیخ محمّدتقی آقانجفی و آقا سیّد محمّدکاظم طباطبائی یزدی موفق به اخذ اجازه گردیده است.

وی سرانجام در چهارشنبه ۶ جمادی الاولی ۱۳۳۵ق وفات یافته و در تکیه آقا میرزا محمّدباقر چهارسوقی جنب پدر بزرگوار خود مدفون گردید. ایشان مؤلّف فهرستی است بر «روضات الجنّات» که آن را «مفتاح الروضات» نامیده است.(۲)

آقا عطاءاللّه آباده ای

آقا عطاءاللّه فرزند حاج محمّدجعفر آباده ای [از علمای در اواخر قرن سیزدهم هجری] عالم فاضل زاهد متّقی و وارسته. مجاور نجف اشرف بوده و با وجود مریدان فراوان و طالب در اصفهان، اقبال به آمدن به اصفهان نکرده و در ایام طاعون نجف [در حدود سال ۱۲۹۸ق] وفات نموده و در وادی السّلام نجف نزدیک مقام حضرت

۱- آثار الحجه، ج۲، ص۱۰۱؛ گنجینه دانشمندان، ج۶، ص۳۷۰؛ شهدای روحانیت شیعه، ج۲، ص۶۱۷؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۴۶-۱۵۱؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، صص ۱۶۶ و ۱۶۷؛ دانشنامه تخت فولاد، ج۱، صص ۱۸۵-۱۹۰؛ غروب خورشید در محراب جمعه، صص ۱۹-۲۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۰؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۱۷۰ و ۱۷۱؛ مکارم الآثار، ج۵، صص۱۸۱۹ و ۱۸۲۱؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۳۷۲.

صاحب علیه السلام مدفون شد.(۱)

عطاءاللّه حسینی اصفهانی

عطاءاللّه بن محمّدزکی حسینی اصفهانی [از دانشمندان نجوم و ریاضی قرن دوازدهم هجری] مردی فاضل و ریاضی دان بوده و کتب زیادی در ریاضی داشته است. در مجموعه شماره ۳۳۸۰ کتابخانه مجلس شورای ملّی چندین کتاب به خط اوست: «خلاصه الحساب»، «شرح خلاصه الحساب» و چند رساله دیگر. تاریخ برخی از آنها اواسط محرم ۱۱۷۶ق می باشد.

او یقینا تا سال ۱۱۸۵ق زنده بوده است.(۲)

[همچنین او کتاب «اغراض مقالات اقلیدس» را در ربیع الثّانی ۱۱۸۶ق به خط نسخ کتابت کرده که به شماره ۳/۱۴۷۴۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد.(۳)]

عطاءاللّه وصال دهاقانی*

عطاءاللّه وصال فرزند علی اصغر وصال دهاقانی (مهجور) شاعر و ادیب معاصر در سال ۱۲۷۴ش در دهاقان متولّد شد. و نزد پدر ادیب و دانشمند خود و سایر فضلای دهاقان تحصیل کرد. او در ذوق عرفانی و طبع رسای شعری وارث پدر و مرهون وی بود. وصال در دوران حیات خویش به جمع آوری و ترتیب اشعار پدر همّت گماشت و آن را در قالب «دیوان صبح وصال» به چاپ رسانید.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۰؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۳۲۱؛ الکرام البرره، ج۲، ص۸۱۸.

۲- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش دوم، ص۹۰۴.

۳- فهرست مرعشی، ج۳۷، ص۳۳۰.

او در سن ۷۶ سالگی در اردیبهشت ۱۳۵۵ش در مسیر جاده دهاقان به اصفهان بر اثر تصادف اتومبیل مجروح شد.(۱) و در ۲۰ اردیبهشت آن سال وفات یافته و در تکیه لسان الارض (تکیه شهدای فعلی) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

از بس ز هجر روی تو جانا گریستم امید زندگی به تو دارم که زیستم

از نیستی به عالم هستی چو آمدم نشناختم هنوز خودم را که کیستم

از پرتو جمال تو ای آفتاب حُسن چون ذرّه از اشعه روی تو نیستم(۳)

عطاءاللّه عقیلی اصفهانی

عطاءاللّه بن محمّد عقیلی اصفهانی [از فضلای قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۲۳ق کتاب «جامع المقاصد» علاّمه حلّی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۳۳۸۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۴)

حاج آقا عطاءاللّه فقیه امامی

حاج آقا عطاءاللّه درب امامی فرزند حاج میر سیّد محمّد [بن سیّد عبدالباقی بن میرزا بن میر محمّدصادق بن سیّد علی بن میر محمّد بن سیّد اسداللّه بن میر ابوطالب امامی عریضی حسینی اصفهانی] عالم فاضل ماهر و فقیه معاصر.

در اصفهان متولّد شده و نزد بسیاری از بزرگان اهل علم و مدرسین و مجتهدین این شهر از آن جمله آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند کاشی، آقا میرزا احمد مدرس، آقا شیخ محمّدرضا نجفی [و آقا سیّد مهدی درچه ای] تلمّذ نموده [و در نجف اشرف در درس حضرات آیات آقا ضیاءالدّین عراقی، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و آقا سیّد محمّد

۱- سیمای دهاقان، صص ۳۰۶ و ۳۰۷.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، ص ۸۳۰.

۴- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش دوم، ص ۹۱۱.

فیروزآبادی حاضر شد و به اخذ اجازه از آنان و نیز حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آقا شیخ محمّدرضا نجفی نائل گردید و به مقام عالی اجتهاد دست یافت.]

وی سال ها در مسجد باغچه عباسی اصفهان اقامه جماعت می نمود. [و فقه و اصول را در مدرسه نیم آورد تدریس می کرد.]

او عالمی خلیق و مورد وثوق و اعتماد قاطبه اهل علم و متدیّنین بود و سرانجام در روز پنج شنبه ۲۴ جمادی الاولی سال ۱۳۸۷ق وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه جویباره ای ها (تکیه فاضل سراب) در تخت فولاد مدفون شد.

استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

کلک «برنا» از پی تاریخ فوت او رقم زد: «رفت از دار فنا سیّد عطاءاللّه عالم»(۱)

سیّد عطاءاللّه جعفری*

سیّد عطاءاللّه جعفری نژاد متخلّص به «جعفری» از شعرای معاصر اصفهان در دی ماه ۱۳۲۰ش در خوانسار متولّد شده و ابتدایی و متوسطه را در الیگودرز و دوره دانشسرای کشاورزی را در بروجرد طی کرد و به خدمت آموزش و پرورش درآمد. چندی بعد در رشته روانشناسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و لیسانس گرفت. آنگاه در خوانسار، اصفهان و شاهین شهر به تدریس و فعالیت مشغول شد. او پس از بازنشستگی با جمعی از فرهنگیان آموزشگاه حکیم سنائی را تأسیس کرد. از اوست:

رُخت هر آنچه ز عاشق کشی نمی داند ز چشم شوخ سیاه تو یاد می گیرد

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۰۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۲۷؛ یادواره آیت اللّه فقیه امامی، ص۲۵.

به غیر رخ منما پیش دیده عارف که شعله غمت اندر نهاد می گیرد(۱)

سیّد عطاءاللّه خاتون آبادی

سیّد عطاءاللّه حسینی خاتون آبادی [از فضلاء قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری] از شاگردان و مجازین علّامه مجلسی و مؤلّف کتاب «مجموعه الادعیه و فوائد متفرقه اُخری» است. تاریخ تألیف برخی از قسمت های کتاب ۱۴ ربیع الاولی ۱۱۱۸ق است. در این مجموعه «ترجمه زیارت جامعه» علّامه مجلسی نقل شده است.(۲)

میرزا محمّدعظیم اکسیر اصفهانی

میرزا محمّدعظیم اصفهانی متخلّص به «اکسیر» شاعر ادیب [در قرن دوازدهم هجری] در اصفهان نزد محمّدنصیر فایض ابهری فنون شعر و ادب را آموخته و سپس به هندوستان رفته و ملازمت نظام الملک آصف جاه و صغدر جنگه را اختیار کرده و عاقبت در سال ۱۱۶۹ق در بنگاله وفات یافته است.(۳)

دیوان اشعار او شامل ۹۳۲۶ بیت در کتابخانه میرزا جعفر سلطان القرائی تبریزی وجود داشته و شاعر در آخر آن نوشته است: «حرره العبد الفقیر محمّدعظیم الاکسیر فی قریه کالبی من بلاد هند فی ۱۱۵۰»(۴) [نسخه دیگری از دیوان اکسیر به شماره ۹۰۲۳ در

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص ۱۹۰.

۲- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج ۲، ص ۵۹؛ الذریعه، ج ۲۰، ص ۶۸؛ الکواکب المنتشره، ص ۴۸۵؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص ۴۰.

۳- ریحانه الادب، ج ۱، صص ۱۶۵ و ۱۶۶؛ کاروان هند، ج ۱، ص ۸۲؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «اکسیر اصفهانی»، ص ۳۱۹۴؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۳۳۵.

۴- الذریعه، ج ۹، ص ۸۸.

کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۱) «مثنوی شاهد و مشهود» هم از منظومه های اوست که در کتابخانه معتمدالدّوله فرهاد میرزا وجود داشته است.(۲)]

این بیت از اوست:

جلوه آن سرو قامت دیده ام من به چشم خود قیامت دیده ام

میر عظیم بن عنایت اللّه

میر عظیم بن عنایت اللّه [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] متوفی به سال ۱۲۲۳ق مدفون در بقعه علاّمه مجلسی جنب مسجد جامع عتیق اصفهان.(۳)

عقیل طهرانی اصفهانی

ابوصالح عقیل بن یحیی بن اسود طهرانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری.] از سفیان بن عینیه، ابوداود طیالسی، یحیی بن سعید قطّان و ابن مهدی روایت می کند [و یوسف بن محمّد مؤذّن و ابومحمّد بن حیّان = حافظ ابوالشّیخ اصفهانی از او نقل حدیث کرده اند.]

در ماه رمضان سال ۲۵۸ق وفات یافت.(۴)

عقیل الدّین حسینی کاشانی

عقیل الدّین بن رکن الدّین مسعود حسینی کاشانی [عالم فاضل جلیل. از دانشمندان قرن یازدهم هجری و از شاگردان ملاّ محسن فیض کاشانی است. سال ها در حضور

۱- فهرست مختصر مجلس، ص۳۶۳.

۲- نسخه های خطی: دفتر سوم، ص ۲۳۰.

۳- مزارات اصفهان، ص۳۸.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۴؛ معجم البلدان، ج۴، ص۵۲؛ مقالات ادبی (استاد همایی) ، ص۷۴.

استاد به تحصیل مشغول بوده و در کاشان و اصفهان در خدمت او به سر برده و تألیفات او را کتابت نموده و نزد علم الهدی فرزند فیض نیز تحصیل کرده است.]

او در رمضان ۱۰۷۵ کتابت نسخه ای از کتاب «تسهیل السّجیل» تألیف: فیض را در اصفهان به پایان رسانیده و علم الهدی فرزند فیض آن را با نسخه اصل مقابله نموده است. نسخه به شماره ۲۳۱۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

عقیلی اصفهانی*

عقیلی اصفهانی، از سخنوران و شاعران اوایل قرن یازدهم هجری. طبعش به هزل مایل و اشعارش متجاوز از بیست هزار بیت بوده است. تا سال ۱۰۲۵ق در قید حیات بوده و این رباعی از اوست:

می رفتم و حسرت از نگاهم می ریخت صد دوزخ تابنده از نگاهم می ریخت

از هجر تو خون دیده در هر قدمی دریا دریا بر سر راهم می ریخت(۲)

علاء صوفی

ابوسعد علاء بن ابراهیم صوفی [از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری] از ابراهیم بن عامر روایت می کند و ابواسحاق سُریجانی از وی نقل حدیث می نماید.(۳)

سید علاءالدّین مدرس مطلق*

سیّد علاءالدّین مدرس مطلق فرزند سیّد محمّدحسن بن آقا میر سیّد محمّدتقی بن آقا میر سیّد حسن مدرس محله نویی (میر محمّدصادقی) ، عالم فاضل، فقیه محقّق، از علمای

۱- فهرست مرعشی، ج۶، ص۲۹۴.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۶۴۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۸.

عالیقدر معاصر اصفهان.

در ۲۴ جمادی الثّانی ۱۳۴۴ق در اصفهان متولّد شد و چندی در یکی از حجرات مسجد سیّد ساکن و به تحصیل مشغول شد و از درس علمایی چون شیخ محمّدتقی قمشه ای نجفی، میرزا علی اصغر شریف، آقا سیّد محمّد مقدس، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، سیّد علی اصغر برزانی، شیخ هبه اللّه هرندی، حاج آقا صدر کوپائی، شیخ محمود مفید بهره گرفت. پس از آن به شهر مقدس قم مشرّف شده و پنج سال در خدمت حضرات آیات: حاج آقا حسین بروجردی، سیّد محمّدتقی خوانساری، سیّد محمّد حجّت و شیخ محمّدعلی اراکی تلمّذ نمود. آنگاه به اصفهان مراجعت نموده و در مدرسه صدر بازار به تدریس پرداخت و قریب به ۳۵ سال فقه، اصول، منطق و فلسفه تدریس نمود و خارج از مدرسه نیز به تفسیر قرآن پرداخت. مرحوم سیّد علاءالدّین در اواخر عمر به علت بیماری های گوناگون انزوا اختیار نموده و باقی عمر را به عبادت پروردگار و صبر و رضا گذراند و در شب دوشنبه ۲۳ ذیقعده ۱۴۱۳ق وفات یافته و جنب مزار اجداد بزرگوارش در مسجد رحیم خان اصفهان مدفون شد.

یکی از شاگردان ادیبش در مادّه تاریخ رحلت او چنین سروده است:

لهفی لمن کان فی الاحکام مجتهدا من اسمه بعلاءالدّین قد صَعِدا

إذا الحقّ الواحد النّحوی ارّخه انّ المدرّس بالجنّات قد سُعِدا

استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی نیز مادّه تاریخ او را چنین سروده است:

رقم نمود بیتی بهر سال فوت او «برنا» چو امر ارجعی را کرد آن عالم ز حق تکمین

«مکین بادا به عدن وادی عقبا و علیین مدرس زاده سیّد حسن، سیّد علاءالدین»

ص: ۴۵۲

۶۲۹+۸۷۴=۱۴۱۳

از آثار ایشان این دو کتاب به طبع رسیده است:

۱. «تذکره المهدی» که بخش هایی از آن از عربی به فارسی ترجمه شد، و در سال ۱۴۱۲ق با عنوان «منتظر تاریخ» در تهران به طبع رسیده است. ۲. «مباحثی پیرامون قرآن» که مجموعه سه بحث از چهارده مبحثی است که در اواخر بهار و اوایل تابستان ۱۳۵۷ش به دعوت آیت اللّه خادمی در مدرسه علوم دینیه احمدیه اصفهان برای جمعی از طلاب و دانشجویان ایراد شده و پس از گردآوری در سال ۱۳۷۳ش چاپ شده است.(۱)

علاءالدّین سماعی بصری

علاءالدّین بن حسن بن محمّد سماعی بصری، از دانشمندان قرن دهم هجری در اصفهان است. او در صفر سال ۹۱۵ق در شهر اصفهان در جُنگ مالك الدّین (المشیخه) یادگاری نوشته است که در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران به شماره ۲۱۴۳ موجود است.(۲)

علاجی اصفهانی*

مولانا علاجی اصفهانی، از اطبّاء و ادباء اوایل قرن یازدهم هجری. در عهد شاه عباس اوّل از طبیبان و جرّاحان معروف بوده و گاهی شعری می گفته است. این بیت از اوست:

بر وضع ما به چشم حقارت نظر مکن ما را به خاك تیره محبّت نشانده است(۳)

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط؛ مکتب فلسفی اصفهان، صص ۲۰۷-۲۰۹.

۲- فهرست دانشگاه، ج۹، ص ۸۰۰.

۳- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۶۵۲؛ منتخب اللّطایف، ص۴۵۷.

میر علم الهدی قمی

میر علم الهـدی قمی، عـالم فاضل از علمای اصـفهان [در قرن یازدهم هجری] متوفی به سال ۱۰۹۳ق مدفون در صحن امامزاده ستّی فاطمه اصفهان.(۱)

علی خان آجرتراش*

علی خـان آجرتراش اصـفهانی، از بنّایـان هنرمنـد و زبردست قرن یازدهم هجری است، او بر اثر مصاحبت با شاعران و ادباء در قهوه خانه های اصفهان در جُرگه شعراء وارد شد. این بیت از اوست:

تا به ناکامی نمردم، حسرت از یادم نرفت تا نپاشید استخوانم، بند از من برنخاست(۲)

علی آرام اصفهانی

علی دروگر از شاعران باذوق اصفهان [در قرن چهاردهم هجری] است.

از اشعار اوست:

نبود طمع به غیر سه حرف میان تهی انسان شوی بشر اگر از این سه بگذری

یکدانه گوهری و ندانی تو قدر خود باللّه کز آنچه حکم کند فکر برتری(۳)

میرزا علی ادیب التُّجار

حـاج میرزا علی نقشـینه، از تُجّـار محترم شـاعر ادیب معروف به «ادیب التّجـار». در شـرکت اسـلامیه نـائب رئیس و در نهضـت مشروطه از اعضاء فعّال بوده است. پس از

۱- مزارات اصفهان، ص۲۵۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۶۲۰.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۰ و ۱۱.

سال ها که در اصـفهان تجارت کرده [بود] به خوزسـتان مهاجرت نموده و در شـهر اهواز (ناصـریّه) ساکن و به تجارت اشتغال داشته و هم در این شهر وفات یافته است.

[این شعر را در جشن مشروطیت سروده است:

حضور انجمن خطّه عراق عجم ادیب گوید تبریک و تهنیت توأم

در اصفهان دو سه روز است جشن و شادی و سرور گرفته اند شب و روز مرد و زن با هم

شب از چراغ و گل و سبزه و بساط نشاط زمین چو روضه رضوان شده خوش و خرّم

به روز عید گرفته از وفور سرور نموده اند فراموش جشن سده و جم

زِ هَر کناری پاینده باد مشروطه رسیده است ز غبرا به نیّر اعظم

هزار شکر علی رغم مستبد، مردم تمام دست به مشروطه داده اند به هم(۱)]

علی ادایی اصفهانی*

علی ادایی اصـفهانی، از شـعرای قرن دهم هجری. طبعش به غزل مایـل بـوده و آنچه به خیـالش می آمـد به نظم می کشـید. او بسیار مغرور و خودستا بود و به شاعران هم عصر خود اهمّیّتی نمی داد. وی در سال ۹۵۵ق وفات یافته و در بیرون دروازه حسن آباد

۱- اندیشه سیاسی و نهضت بیدارگرانه حاج آقا نوراللّه اصفهانی، ص۱۵۸.

اصفهان مدفون شد.(۱) سام میرزا می نویسد: قافیه غلط در شعر او بسیار است.(۲) دیوان اشعارش اکنون موجود نیست ولی در خلاصه الاشعار تعدادی از ابیات شعرهای او آمده است.

وی به مطالعه اشعار قدماء علاقه داشته و نسخه ای از «نه سپهر» امیرخسرو دهلوی را به خط نستعلیق در سال ۹۲۳ق کتابت کرده که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۳)

برادرش هم شاعر بوده و «بهاری» تخلّص می کرده است. این بیت از اشعار ادایی اصفهانی است:

در خواب شدم لعل توام پیش نظر بود بیدار شدم دیده پر از خون جگر بود(۴)

آقاعلی اصفهانی

آقاعلی اصفهانی، شاعر ادیب قرن یازدهم هجری. در کمال دردمندی و نامرادی بوده و به صحبت اهل کمال بسیار رسیده بود. از مخصوصان و مصاحبان میرزا جلال شهرستانی بود. پس از فوت او به نجف آباد رفته و باغ و منزلی فراهم ساخته و ساکن شد و به قناعت و درویشی روزگار سپری نمود. در شعر طبعی روان داشت.

از اوست:

تلاطم چون حبابم داشت در گرداب سرگردان دل از خود یک نفس برداشتم آرام حاصل شد(۵)

۱- خلاصه الاشعار (بخش اصفهان) ، ص ۳۸۰.

۲- تذکره تحفه سامی، ص۸۱۹.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۳۴.

۴- سایر منابع: عرفات العاشقین، ج۱، ص۵۷۵؛ الذریعه، ج۹، ص۶۳؛ منتخب اللطایف، ص۹۴.

۵- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۹۴؛ دیباچه دیار نون، ص ۱۳۱.

علی اصفهانی نجفی

علی اصفهانی نجفی [از کاتبان اواخر دوره قاجاریّه] در سال ۱۳۱۵ق کتابت نسخه ای از کتاب «کشف الغطاء عن وجوه مراسم الاهتلاء» تألیف: مولی محمّدحسن بن محمّدمعصوم قزوینی را به خط نسخ به پایان رسانیده و مؤلف آن را تصحیح و حاشیه نویسی کرده است. نسخه به شماره ۳۶۷۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

دکتر علی اصیلیان*

دکتر علی اصیلیان مهابادی، از اساتید دانشگاه و پزشکان متخصص پوست و بیماری های آمیزشی، در سال ۱۳۳۵ش در روستای مهاباد اردستان متولّد شد. وی پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه، وارد دانشکده پزشکی اصفهان شد و پس از طی دوره عمومی، تخصص بیماری های پوست و آمیزش را از همین دانشگاه اخذ نمود. سپس به ایالات متحده آمریکا رفت و در یکی از دانشگاه های ایالت لوئیزیانا در رشته جراحی پوست تحصیلات خود را انجام داد. آنگاه به ایران مراجعت کرده و ضمن تدریس در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، به طبابت و جراحی مشغول شد. او مدّتی معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و مدّتی ریاست مراکز پزشکی نور و علی اصغر علیه السلام و مسؤول جراحی پوست و لیزر بیمارستان الزهرا (سلام اللّه علیها) اصفهان بوده و در چندین انجمن علمی متخصصان پوست عضویت دارد.

این کتاب ها از آثار اوست:

۱- فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص۶۵.

۱. ترجمه «بیماری های پوستی کودکان و نوزادان»۲. ترجمه «بیماری شغلی» در ۲ جلد۳. ترجمه «پوست انسان»۴. «لیشمانیوز جلدی یا سالک»۵. «درمان شناسی بیماری های پوست»۶. «پرسش و پاسخ در بیماری های پوست و مو»۷. «روش نوین درمان بیماری های پوست و مو»۸. «درسنامه جامع پوست ایران»۹. «درسنامه جامع بیماری های پوست اصفهان»(۱)

علی الاعلی اصفهانی

علی الاعلی (امیر سیّد علی) اصفهانی، از عرفاء و شعراء مشهور حروفیان در قرن هشتم و نهم هجری.

در سال ۷۵۴ق متولّد شده و در سال ۷۷۱ق در اصفهان به طرفداران فضل اللّه استرآبادی پیشوای حروفیه پیوست و چندی بعد مورد توجّه او قرار گرفته و یکی از دختران او را به ازدواج خود درآورد. علی الاـعلی پس از قتل فضل اللّه در سال ۷۹۶ق به آسیای صغیر و شام رفت و به تبلیغ حروفی گری پرداخت و سرانجام در سال ۸۲۲ق به دست عثمانیان به قتل رسید و در قلعه النجق (نزدیک نخجوان) مدفون شد.

او طبع شعر داشته و عقاید خود را به نظم کشیده است. از آثار او:

۱. مثنوی «کرسی نامه»، که نسخه ای از آن به شماره ۲۶۰۰ در کتابخانه ملّی ملک در تهران و نسخه ای دیگر به شماره ۱/۱۶۶۳ در کتابخانه توپ قاپوسرای استانبول موجود است.۲. مثنوی «توحیدنامه» که آن را برای جوانی شیرازی به نام «علی شاه» سروده است.۳. مثنوی «فراق نامه»۴. مثنوی «قیامت نامه»۵. مثنوی «بشارت نامه»۶. «عرش نامه» به نثر که نسخه ای از آن به شماره ۲/۳۴۶۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه

۱- فرهیختگان، صص ۲۱ و ۲۲.

تهران موجود است.(۱)

ملاّ علی اعمی

ملاّ علی اعمی [از حافظان قرآن و اهل ادب در قرن چهاردهم هجری] خادم و مؤذّن مسجد ایلچی. حافظ قرآن و مردی شوخ و بذله گو بود. طبعی روان و حافظه ای قوی داشت و گاهی شعر می گفت. این بیت از اوست:

به رخ چو ماه من برقع ز مُشک ناب می گیرد به چشم اهل دل خورشید عالم تاب می گیرد(۲)

سیّد علی امامی

سیّد علی امامی بیدآبادی، نقاش و قلمدان ساز هنرمند قرن سیزدهم هجری و از اهالی محلّه بیدآباد اصفهان.(۳)

میرزا علی ایوان کیفی*

درویش میرزا علی، از صوفیان و عرفای قرن یازدهم هجری است. از اهالی قریه «ایوان کیف» (بین تهران و خوار = گرمسار) بوده و سال ها در اصفهان به عبادت و ریاضت مشغول بوده است.(۴) از تولّد تا وفات و مشایخ طریقتی او اطلاعی در دست نیست.

۱- حروفیه در تاریخ، ص۴۴؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۸۷؛ دائره المعارف تشیع، ج۱۱، ص۴۱۸.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۳.

۴- قصص الخاقانی، ج۲، صص ۱۹۷ و ۱۹۸.

قطب الدّین علی باب الدشتی

قطب الدّین علی باب الدشتی، از مردان نیکوکار قرن دهم هجری است وی مسجدی که به نام خود او به مسجد قطبیّه معروف است را در سال ۹۵۰ق در زمان شاه طهماسب صفوی بنا نموده است که در ضلع شمالی خیابان خشک در اصفهان واقع شده است. در موقع تعریض خیابان خشک که بعدا به نام خیابان خوش و اخیرا به نام خیابان طالقانی نامیده شد، سردرب مسجد را خراب کرده و آن را به چهلستون نقل و در ضلع جنوبی، سردربی بنا کرده، آنها را در آنجا قرار دادند. کلیّه کتیبه ها و آثار آن را دانشمند محقّق و دوست بزرگوار جناب آقای دکتر هنرفر در کتاب بسیار نفیس و ارزشمند «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» نقل کرده اند، طالبین مراجعه نمایند.

در ضلع شمال شرقی مسجد، در جنب درب ورودی بقعه ای است دارای چهار صفّه و در صفّه شمالی آن قبری است معروف در بین خواص و عوام، قبر بانی مسجد یعنی قطب الدّین علی باب الدشتی می باشد و مورد احترام و زیارت مؤمنین است. لکن در کتیبه این سنگ لوح نام او را: میر مجدالدّین اسماعیل بن امیرمظفر بن امیرمسعود باب الدشتی و تاریخ آن ماه صفر ۹۵۵ هجری است که به ظنّ یقین از نزدیگان امیرقطب الدّین و شاید برادر مشارٌ إلیه باشد. و العلم عند اللّه.

امیر قطب الدّین نامبرده علاوه بر ساختن مسجد و مقبره، بانی ساختن گنبد چهارسوق شیرازی ها نیز بوده که گنبد را به علّت آن که در مسیر خیابان بود و شهرداری وقت برای استفاده از آجرهای آن، گنبد را خراب کرد.(۱)

۱- مزارات اصفهان، صص ۳۲۷ و ۳۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۶۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۹۰ و ۹۱؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۸۲ و ۳۸۳.

علی بیک بُرنا

زین الدّین علی بیگ برنا از بزرگان و رجال معتبر اصفهان در قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری در سال ۹۰۲ق در مجاورت مسجد و مدرسه درکوشک اصفهان سردری زیبا با کاشیکاری نفیس در زمان حکمرانی رستم خان آق قویونلو جهت پدر خود بنا کرد.

از این شخص در کتیبه سردرب درکوشک با القاب «الاشجع الاکرم افتخار الانام و الصّیناديد فی العالم مؤیّد (الدّین) سیّد الاملاک و الافلاک زین الدّوله و السّعاده و الدّین علی بیگ برنا» ذکر شده است. کاتب این کتیبه «معین منشی» است.

این سردرب در تاریخ ۱۵/۱۰/۱۳۱۰ش به شماره ۹۷ ثبت آثار تاریخی گردید. لکن شهرداری اصفهان در سال های اخیر، بدون توجّه به قوانین و مقرّرات کشور و ارزش و اهمیت جایگاه آن، شبانه آن را خراب کرد.(۱)

میرزا علی بکائی گزی*

میرزا علی بکائی گزی، عالم فاضل جلیل، از علمای قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۸۰ق در قریه «گز» از بلوک بُرخوار اصفهان متولّد شده و در گز نزد آقا سیّد ابوتراب حسینی (معروف به «آقا معلّم») تحصیلات خود را شروع نموده و سپس به همراه حیدرعلی خان برومند به اصفهان رفته و در مدرسه صدر ساکن شد و در درس علمای بزرگی چون: شیخ محمّدتقی آقانجفی، میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و حاج آقا رحیم ارباب شرکت نمود.

۱- مزارات اصفهان، صص ۲۲۱ و ۲۲۲؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳۵۹.

او سرانجام در سال ۱۳۴۷ق وفات یافت.(۱)

میرزا علی اصفهانی*

حاج میرزا علی اصفهانی فرزند میرزا محمّدابراهیم ساغر هنرمند توانای عهد قاجاریه. او از سنتورنوازان مشهور بوده و یکی از نوادگانش میرزا علی ساغری از نوازندگان مشهور تار در اصفهان است.(۲)

سیّد علی مقدّس بیدآبادی

آقا سیّد علی مقدّس بیدآبادی بن حاج سیّد ابراهیم حسینی ساوجی مختاری سبزواری، عالم فاضل [از علمای قرن سیزدهم هجری.]

از شاگردان حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام و حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی و حاج ملاّ حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سیّد حسن مدرس و دیگران بوده و زوجه اش دختر ملاّ صالح جویباره ای است.

وی در زهد و تقوا زبانزد خاص و عام بوده است. تولّدش در حدود سال ۱۲۳۵ق و وفاتش در حدود ۱۳۰۰ و اندی اتفاق افتاده است و او را جنب مزار پدرش در قبرستان قبله دعای اصفهان دفن کردند. وی در مسجد محلّه شیش بیدآباد اقامه جماعت می نمود.(۳)

[او بر کتاب «منوّر العیون» تألیف: میرزا عبدالجواد کلباسی در سال ۱۲۹۱ق تقریظ

۱- فرهنگ و تاریخ گز بُرخوار، ص۱۲۳.

۲- دیوان غمگین اصفهانی: مقدمه.

۳- بیان المفاخر، ج۱، ص۳۵۲؛ مزارات اصفهان، ص۳۲۷.

نوشته است.(۱)]

آقا میر سیّد علی مقدّس

آقا میر سیّد علی مقدس فرزند آقا سیّد ابراهیم حسینی، از علماء و ائمه جماعت [در قرن چهاردهم هجری و از شاگردان حاج آقا نوراللّه نجفی مسجدشاهی] در ذیحجه سال ۱۳۶۱ق وفات یافته و در تکیه درکوشکی (بروجردی) در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

[مادّه تاریخ وفاتش را شاعر توانای معاصر سیّد علی نوربخش (آزاد) چنین سروده است:

خامه «آزاد» زد، به سال فوتش رقم: «مقدّس آرمگه جست بر قدسیان»(۳)]

حاج علی موسیقار

حاج علی بن میرزا ابراهیم. شاعر اصفهانی معروف به «موسیقار» پدرش مؤلّف «تحفه الحسینیّه» و غیره می باشد.

میرزا علی بروجردی

میرزا علی واعظ بروجردی فرزند میرزا ابوتراب، از وعاظ معروف و محدّثین محترم اصفهان [در قرن چهاردهم هجری] و از شاگردان حاج آقا نوراللّه نجفی مسجدشاهی بود. او واعظی بلیغ و گوینده ای راست گفتار و مورد اعتماد بود. در بیان فضایل و مناقب و تفسیر و حدیث و تاریخ معصومین علیهم السلام اقوالش عموما مستند و خود در نزد عموم طبقات محترم بود.

۱- فهرست صدربازار، ج۱، ص۱۴۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۵۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۷.

۳- بوستان فضیلت، صص ۱۶۸ و ۱۶۹.

[به علت احاطه بر احادیث به محدّث معروف بود و همچون پدر در مسجد محلّه شمس آباد اقامه جماعت می کرد.]

او در ۲۵ ربیع الاوّل ۱۳۵۸ق وفات یافته و در صحن تکیه درکوشکی (بروجردی) در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

دکتر سیّد علی قاضی نور

دکتر سیّد علی قاضی نور فرزند ابوتراب بن میرزا محمّدسعید نائینی، از اطبّاء معاصر است. طب را از دکتر احتشام الحکماء اردستانی فراگرفته و در اصفهان طبابت می نموده است.(۲)

حاج ملّا علی ماربینی

حاج ملّا علی ماربینی فرزند مولی ابوتراب، واعظ صالح معمر معاصر. فوت دوشنبه ربیع الثانی ۱۴۰۲ق مدفون در داخل بقعه آقا سیّد محمّد مقدس در تخت فولاد اصفهان.(۳)

[وی در سال ۱۲۶۹ش در روستای ماربین اردستان متولّد شد و جهت تحصیل به اصفهان مهاجرت نموده و از حضرات آیات: میرزا احمد مدرس، آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی، آقا شیخ محمّدرضا نجفی، میر سیّد علی بهبهانی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی، شیخ محمّدحسین اَشَنی قودجانی، آخوند ملّا محمّدحسین فشارکی و شیخ احمد مجتهد بیدآبادی بهره گرفت. همچنین از برخی اساتید همچون فشارکی و نجفی اجازه دریافت نمود.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۴۲؛ بوستان فضیلت، صص ۱۹۱ و ۱۹۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۱.

۲- تاریخ نائین، ج۴، ص۹۴.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۰.

او عمر خود را صرف ترویج دین و بیان احکام شرعی و ذکر مناقب و مصائب ائمه معصومین علیهم السلام نمود.

وی سال ها در مدرسه درکوشک اصفهان به تدریس برخی کتاب های درسی چون «مغنی»، «معالم»، «شرح تجرید»، «شرح لمعه» و «کفایه الاصول» مشغول بود. برخی از شاگردان او عبارتند از: حاج آقا رضا مظاهری، حاج شیخ مهدی مظاهری، شیخ محمّدرضا ناطق اصفهانی و میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا)

وی سرانجام در روز جمعه ۱۰ ربیع الثّانی ۱۴۰۲ق برابر با ۱۶ بهمن ۱۳۶۰ش (مطابق سنگ نوشته قبر وی) وفات یافت.

شاعر توانا استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

بیتی از بهر سال فوتش گفت طبع «برنا» اگر مکدّر بود

«حاج ملّا علی ماربینی عالم دوستان حیدر بود»

۱۴۰۲

«حاج ملّا علی ماربینی یکی از شیعیان جعفر بود»(۱)

۱۳۶۰

میرزا علی فخرالواعظین چهارسوقی

میرزا علی فخرالواعظین فرزند میرزا ابوطالب چهارسوقی از وعاظ اهل منبر اصفهان. [در قرن چهاردهم هجری.] متوفی ۱۳۵۳ق و مدفون در تکیه صاحب روضات در تخت فولاد. [مادّه تاریخ وفاتش را آقا محمّدکاظم غمگین ضمن قطعه ای چنین گفته است:

۱- گلزار مقدس، صص ۳۰۹-۳۱۸.

شد ز جنّت یکی برون و بگفت: «فخر بنهاد رو بسوی حسین»(۱)]

سیّد علی مسرور بلداجی

سیّد علی علوی متخلّص به «مسرور» فرزند سیّد ابوطالب، از علماء و ادبای قرن چهاردهم هجری. در روز [۱۸ ذیحجه] عید غدیر سال ۱۳۱۳ق در قریه «بُلداجی» از دهات ناحیه گندمان چهارمحال متولّد گردیده و چود در کودکی یتیم شد، حاج محمّدتقی خان بختیاری از اولاد سهراب خان بختیاری که از خوانین و محترمین آن حدود بود و به سادات و علماء اعتقاد داشت او را تحت کفالت و حمایت و تربیت خویش قرار داد. او چندی در مکاتب قدیم درس خواند. بعدا مجالست دانشمندان و فضلاء را اختیار نمود [پس از آن] به شغل مکتب داری (تا قبل از تأسیس مدارس جدید) اشتغال جسته و [در زادگاه خود] صاحب محراب و منبر بود. از سن ۹ سالگی لب به شعر گفتن گشود. از اوست:

گو به صرّاف سخندان بیابان جنون که در این راه تمامست عیار من و دل(۲)

سیّد علی بختیاری

سیّد علی بن ابی القاسم حسینی بختیاری، از علماء و فضلاء معدود بوده [و در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری] می زیسته و در سال ۱۳۱۲ق در اصفهان وفات یافته است. وی از شاگردان حاج شیخ محمّدباقر (نجفی) مسجدشاهی بوده و کتب زیر از اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۲؛ بزم معرفت، صص ۲۸۲-۲۸۴.
۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۴۶ و ۴۴۷.

۱. «تفسیر سوره آل عمران» ۲. «تفسیر سوره انبیاء»۳. «تفسیر سوره یوسف»(۱)

دکتر علی خان پرتو اعظم

دکتر علی خان پرتو اعظم فرزند حاج ابوالقاسم اصفهانی [از رجال سیاستمدار و اطباء اواخر دوره قاجاریه] پدرش منشی حاج محمّدحسن امین الضّرب بود. امین الضّرب حاج علی خان را برای تحصیل طب به پاریس فرستاد. او در آنجا به خوبی طب را آموخت و در آنجا با حاج علیقلی خان سردار اسعد رابطه کاملی پیدا کرد. پس از فتح طهران به دست مشروطه خواهان، او به عنوان نماینده به دوره سوم مجلس شورای ملّی راه یافت. پس از تعطیل مجلس در ۱۳۲۹ق به ریاست معارف و اوقاف ایران و همچنین ریاست مجلس حفظ الصحّه منصوب شد.(۲)

سال وفاتش معلوم نشد.

سیّد علی ثابت ورزنه ای

سیّد علی ورزنه ای متخلّص به «ثابت» فرزند سیّد ابوالقاسم، از شعرای اواخر دوره قاجاریه است. دیوان اشعارش در سال ۱۳۲۸ق در ۳۴۶ صفحه به طبع رسیده است.

علی اصفهانی*

علی بن ابی حفص بن فقیه محمود اصفهانی، از ادباء و فضلای اصفهان است. ظاهرا در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری می زیسته و در علوم زمان خود خصوصا

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۶؛ الذریعه، ج۴، ص۳۳۴.

۲- رجال عصر مشروطیت، ص۷۸؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص۵۲.

ادبیات فارسی و عربی و فقه و حدیث مهارت داشته است. وی کتاب «تحفه الملوک» را در پند و اندرز و آداب و اخلاق به فارسی تألیف نموده که در سال ۱۳۸۲ش با تصحیح آقای علی اکبر احمدی دارانی چاپ شده و در مقدمه نسخه های خطی این کتاب معرفی شده است.

کمال الدّین علی سمیرمی

کمال الدّین ابوطالب علی بن احمد بن حرب سمیرمی از وزرای سلطان محمود بن محمّد بن ملکشاه سلجوقی است.

ابتدا عامل سمیرم بوده و سپس مشرف دیوان سلطان محمّد شده [و کمی بعد] به وزارت رسید. به غایت صاحب تمکین و باهمّت بوده، لکن ظلم به افراط می کرد.(۱) او سلطان مسعود بن محمود سلجوقی را بر آن داشت که طغرایی را بکشد و طغرایی را به الحاد و زندقه متهم کرد و طغرایی را در سال ۵۱۳ق کشتند. سه سال بعد [در سلخ صفر[سال ۵۱۶ق یکی از غلامان طغرایی، سمیرمی را در چهاربازار بغداد (جلو مدرسه نظامیه) کارد زد و او را غفلتا کشت.(۲)

علی غزّال اصفهانی

علی بن احمد بن عبدالرّحمان غَزّال اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان] علی بن محمّد بن علی اُسواری [اصفهانی] در بصره از او اخذ حدیث و روایت کرده است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۱۰؛ دستور الوزراء، صص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ نسائم الاسحار، صص ۷۲ و ۷۳؛ آثار الوزراء، ص۲۵۷.

۲- الاعلام، ج۵، ص ۶۰؛ راهنمای دانشوران، ج۲، ص۱۱۴؛ الکامل فی التّاریخ، ج۱۰، صص ۶۰۱ و ۶۰۲.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۱۹۱؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۱.

علی اُسواری اصفهانی

ابوالحسن علی بن احمد بن عبداللّه اُسواری اصفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری] از مشایخ شیخ صدوق است. شیخ صدوق در کتاب «اکمال الدین» و کتاب «توحید» از او حدیث نقل کرده است. [شیخ آقابزرگ درجایی او را «علی بن احمد بن عبداللّه» و در جایی دیگر «علی بن عبداللّه بن احمد» ضبط نموده است.(۱)]

شیخ علی منشار

شیخ علی مُنشار فرزند احمد بن محمّد بن احمد بن محمّد بن هلال کرکی عاملی، فقیه محقّق و محدّث مدقّق [از دانشمندان قرن دهم هجری] از شاگردان شیخ علی کرکی (محقّق ثانی) است. پدرش معروف به احمد منشار بوده است. بنابراین گفتن و نوشتن شیخ علی بن هلال [که در برخی کتب او را بدین نام و نسب آورده اند] از باب نسبت به جدّ است که در بین مؤلّفین و مصنّفین متداول است.

نزد شاه طهماسب صفوی مقرّب بوده و صاحب فتوا و حکم در آن عهد است. بدین خاطر از طرف پادشاه مذکور شیخ الاسلام اصفهان شده و در دوشنبه ۱۳ ربیع الاوّل ۹۸۴ق در اصفهان وفات یافته و در امامزاده زین العابدین علی (درب امام) مدفون شده و سپس به نجف حمل و در دارالسیاده مبارکه حرم رضوی در مشهد مقدّس مدفون شد.

از صاحب عنوان ظاهرا فقط دختری به جای مانده که اهل علم و فضل بوده و به زوجیّت شیخ بهاءالدّین محمّد عاملی (شیخ بهائی) درآمده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- نوابغ الرّواه، صص ۱۷۱ و ۱۸۹؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص ۲۳۰.

۱. «الدّر الفرید» ۲. «رساله در مسائل فقهیه عام البلوی» ۳. کتاب در «طهارت»(۱)

همچنین او در چهارشنبه ۱۲ جمادی الاولی ۹۲۳ق کتابت نسخه ای از «ارشاد الاذهان» علاّمه حلّی را به خط نسخ به پایان رسانیده و محقّق کرکی در شعبان ۹۳۴ق در مشهد مقدس غروی [نجف اشرف] جهت او اجازه مرقوم داشته است. نسخه به شماره ۳۴۰۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

علی خُرجانی اصفهانی

ابوالحسن علی بن احمد بن محمّد بن حسین خُرجانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری] پدرش از محدّثین است. خودش از احمد بن محمود خُرناد روایت نموده و ابوالحسن احمد بن محمّد بن معلّم صوفی از او نقل حدیث کرده است.(۳)

علی جاری اصفهانی

ابوالحسن علی بن احمد بن محمّد بن علی بن عیسی بن مرده جاری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از ابوبکر قبّاب [معروف به «ابن فورک»: عبداللّه بن محمّد بن محمّد] روایت می کند و علی بن سعد بقّال از او حدیث نوشته

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۲۸۰؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۳۲؛ مزارات اصفهان، ص۲۰۹؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۸۲۲؛ خلد برین: ایران در روزگار صفویان، ص۴۳۰؛ تکمله الأخبار، ص۲۸؛ فوائد الرضویّه، صص ۳۰۶ و ۳۳۰؛ تاریخ عالم آرای عباسی، (چ۱۳۷۷ش) ، ج۱، ص۲۴۴؛ احیاء الدّاثر، صص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۱، ص۳۵۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۹، ص۱۸۴.

۳- معجم البلدان، ج۲، ص۳۵۶.

است.(۱)

[«گار» که معرّب آن در کتب انساب و رجال «جار» و «کار» آمده، ار روستاهای معروف منطقه «براآن» در شرق اصفهان است و مناره تاریخی و زیبای آجری آن از عهد سلجوقی هنوز پابرجاست.]

علی بهبهانی

مولی شرف الدّین علی بن احمد بهبهانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری] در اوّل جمادی الاولی ۱۰۵۸ق در اصفهان نسخه ای از «تذکره الواصلین» در شرح «نهج المسترشدین» تألیف: سیّد نظام الدّین عبدالحمید اعرجی (خواهرزاده علاّمه حلّی) را نوشته است.(۲)

[نسخه ای که مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی از آن یاد کرده اند اکنون در کتابخانه فاضل خوانساری در شهر خوانسار نگهداری می شود و نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۳)]

علی سریجانی اصفهانی

علی بن احمد سریجانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان] از ابوالخیر سعد بن عبداللّه سرندینی روایت نموده است.(۴)

[«سریجان» از محلّه های مدینه (شهرستان) جِی اصفهان بوده است.]

۱- معجم البلدان، ج۲، ص۹۳ و ج۴، ص۴۲۸؛ المشتبه، ج۲، ص۵۲۹.

۲- الذریعه، ج۴، ص۵۲.

۳- فهرست عکسی احیاء، ج۱، ص۱۲۸.

۴- معجم البلدان، ج۳، ص۲۱۶.

سیّد علی مستوفی شهشهانی

سیّد علی بن میرزا احمد مستوفی شهشهانی، از ادباء و فضلاء [اواخر دوره قاجاریّه] از خاندان مستوفی های شهشهان، اعقاب شاه علاءالدّین محمّد شهشهانی و متوفی پنج شنبه ۴ صفر سال ۱۳۱۱ق می باشد که در قبرستان سر قبر آقا مدفون گردیده است.

عدّه ای از سادات شهشهانی در دوره قاجاریه در اصفهان و غیره مستوفی و نویسنده دفاتر دولتی بوده اند و احتمالاً عدّه ای از آنها در صحن و بقعه شهشهان و جمعی نیز در صحن سر قبر آقا مدفون گردیده اند.(۱)

سیّد علی طباطبائی*

سیّد علی بن احمد حسنی حسینی طباطبائی اصفهانی، فاضل و ادیب شاعر. از اعلام اوایل قرن دوازدهم هجری است. ساکن اصفهان بود و نسخه ای «التّحفه القوّامیّه» تألیف: سیّد قوام الدّین سیفی قزوینی را در اصفهان در ۷ جمادی الثّانیه سال ۱۱۲۸ق کتابت کرد و به عربی شعری در تقریظ آن سرود.(۲)

سیّد علی محتشم کاشانی

کمال الدّین سیّد علی بن خواجه میر احمد محتشم کاشانی [از مشاهیر شعرای قرن دهم هجری] در سال ۹۱۳ق در کاشان متولّد شده. در سال ۹۹۶ و یا ۱۰۰۰ق وفات یافته. قبرش در کاشان است. مادّه تاریخ وفات او «محتشم رود» می باشد. وی سراینده دوازده بند معروف در مرثیه حضرت اباعبداللّه الحسین علیه السلام می باشد. «منظومه جلالیه» به

۱- مزارات اصفهان، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹۵.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص۳۵۶.

ضمیمه دیوان اشعارش در بمبئی و تبریز به طبع رسیده است. محتشم این منظومه را در سال ۹۷۰ق جهت یکی از رامشگران و مطربان به نام شاطر جلال سروده است. از آثار او ۶ رباعی است در تاریخ جلوس شاه اسماعیل ثانی که از آن ۱۱۲۸ تاریخ استخراج می شود.

آثار او عبارت است از:

۱. «جامع اللّطایف» نام دیوان اشعار اوست و به چاپ رسیده است. ۲. «جلالیه» دیوان غزلیات۳. «نقل عشاق» منثور که در ۹۴۴ق تألیف نموده و در آن وقت سی و یک ساله بوده است.۴. «دوازده بند»۵. «صبابیّه» و «شبابیّه» مثنوی

دیوانش قریب به پانزده هزار بیت با دیباچه ای از: تقی الدّین محمّد حسینی کاشانی شاگرد او به شماره ۲۷۶۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

[این شعر از اوست:

مرا خیال تو شب ها به خواب نگذارد چو تن به خواب دهم اضطراب نگذارد

ز ناز بسته لب امّا به غمزه فرموده که یک سؤال مرا بی جواب نگذارد(۲)]

علی نباطی عاملی

علی بن احمد نباطی عاملی [از فضلاء و دانشمندان قرن یازدهم هجری] شاگرد شیخ

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۰، ص۱۶۲۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۵۰ و ۴۵۱؛ تذکره عرفات العاشقین، ج۶، صص ۳۵۸۴ و ۳۵۸۵؛ خلاصه الاشعار (بخش کاشان) ، صص ۱۵-۱۸؛ تاریخ نظم و نثر، صص ۴۴۳ و ۴۴۴؛ تذکره تحفه سامی، ص۳۷۳؛ ریحانه الادب، ج۵، صص ۲۲۵-۲۳۱؛ مکتب وقوع در شعر فارسی، ص۴۰۶؛ تذکره نتایج الافکار، ص۶۲۱؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۴، صص ۲۰۵۸ و ۲۰۵۹؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص۴۵۲؛ مشاهیر کاشان، صص ۱۴۷ و ۱۴۸؛ سفینه خوشگو، صص ۶۲۵-۶۲۸؛ تذکره شمع انجمن، ص۶۴۵.

بهائی [در اصفهان ساکن] بوده و [در ظهر روز پنج شنبه ۲۹ محرم ۱۰۱۲ق کتاب «وجیزه» نوشته است و شیخ به او اجازه داده و مقابله شده است. نسخه شماره ۷۰۹۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

[«نباطی» منسوب است به «نبطّیه» (به فتح نون و باء) از توابع جبل عامل لبنان.]

استاد علی اسفرجانی*

استاد علی اسفرجانی فرزند اسداللّه از هنرمندان معاصر در سال ۱۲۹۹ش در اصفهان به دنیا آمد. پدرش ذوق و علاقه بسیاری به هنر داشت و در گردآوری و شناسایی نُسَخ قدیمی و مرقّعات صاحب سلیقه بود و مجموعه ای که فراهم آورده بود شوق و انگیزه او را به هنر خصوصا نقاشی و تذهیب برانگیخت. وی نزد عموی هنرمندش استاد عباس اسفرجانی سوخت و معرّق را آموخت و پس از انتقال پدر به تهران در سال ۱۳۱۳ش، به مدرسه صنایع قدیمه (که به همت استاد حسین طاهرزاده بهزاد تأسیس شده بود) رفت. همچنین در این زمان اصول و فنون مینیاتور را از استاد هادی تجویدی و قواعد و قوانین هنر تذهیب را از استاد علی درودی آموخت. پس از آن برای طراحی تمبر و برچسب های دولتی به چاپخانه مجلس دعوت شد. او پس از ۷ سال کار در این مکان به اتّفاق برادرش دستگاه چاپ و گراورسازی را وارد کشور کرد و در حوزه چاپ نیز از مهارت های متعددی که داشت بهره برد.

او حتّی در ۷۵ سالگی روزانه ۴ ساعت کار می کرد. از این هنرمند توانا بیش از ۲۲ اثر در زمینه سوخت و معرّق، ۴ مینیاتور در ابعاد بزرگ شامل بزم خسرو و شیرین، رستم و سهراب، خیام و دلداده، سلطان محمود غزنوی و مراسم انتخاب شعراء. همچنین ۱۳

۱- فهرست آستان قدس رضوی، ج۶، ص۶۲۹.

تابلوی کوچک از اشعار حافظ و سعدی به جای مانده است. از آثار او نمایشگاه های متعددی برپا شده است از جمله نمایشگاه «فستیوال هنر ایران» در «دوسلدورف» آلمان (۱۳۷۰ش) نمایشگاه در کاخ موزه سعدآباد (۱۳۷۱ش) نمایشگاه موزه معاصر (سال ۱۳۷۲) نمایشگاه موزه هنرهای ملّی ایران (۱۳۷۲ش) .

وی سرانجام در سپیده دم ۲۴ دی ۱۳۸۴ش چشم از جهان فرو بست.(۱)

شرف الدّین علی اصفهانی

شرف الدّین ابوالحسن علی بن اسماعیل اصفهانی [از بزرگان و صاحب منصبان معروف قرن هفتم هجری] از او با القاب «شرف الدّوله»، «عمادالاسلام»، «مجدالملک»، «سلطان الصّدور» و «مرتضی الملوک» یاد کرده اند.

ابوعلی حسن بن ابراهیم بن ابی بکر سلماسی ورّاق چندین کتاب جهت او تألیف کرده است که از آن جمله است: «ترجمه رساله ذهبیه» حضرت رضا علیه السلام ، «رساله الشرقیّه فی تقسیم العلوم الیقینیّه»، «رساله فی السیاسه الخاصّه و العامّه» (در سال ۶۱۴ق) ، «مختصر فی الامثال و الاشعار»، «ترجمه تقویم الصّحه» ابن بطلان(۲)

ملّا علی فنای اصفهانی

ملّا علی اصفهانی متخلّص به «فنا» [فرزند اسماعیل] شاعر ادیب و خطاط فاضل [در قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۶۵ق در اصفهان متولّد شد. از فضلاء اهل منبر بود. خط نسخ را در کمال استادی می نوشت] و در حجره خود در مسجد سرخی به کتابت و

۱- مجله «بخارا»، شماره ۴۶، آذر و دی ۱۳۸۴، صص ۴۰۹-۴۱۱.

۲- فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ص۴۰۴؛ فهرست کتب اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه تهران، ج۳، ص۲۶۸۳؛ تاریخ نظم و نثر، ص۷۳۸.

نویسندگی می پرداخت و اذان نیز می گفت. در شعر نیز قریحه ای توانا داشت و از محترمین انجمن ادبی شیدا بود. سرانجام در سال ۱۳۵۰ در سن متجاوز از ۸۵ سالگی وفات یافت.

از اوست:

فلک امروز زند دور به کام دل ما کآمده ماه من از مهر به سر منزل ما

پیش رخسار تو ای مه ندهد شمع فروغ روز روشن شده امشب ز رُخَت محفل ما

عقده از زلف خم اندر خم تو هست به دل بگشاید لب لعل تو مگر مشکل ما

وی کُتُب بسیاری را کتابت کرده که بسیاری از آنها در همان زمان چاپ سنگی شده اند. برخی از آثار کتابت شده به دست او عبارتند از:

۱. «عالم نمای مسعودی» تألیف: طغرل چهارمحالی، کتابت در تاریخ پنجم ذیقعده ۱۳۱۳ق به خط نسخ که در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱)

[ملّا علی فنا کتاب «علائم الظهور» تألیف: ملّا عباسعلی معین الواعظین گورتانی را به خط نسخ کتابت کرده که چاپ سنگی شده است.]

سیّد علی احمدی سدهی*

حاج سیّد علی احمدی سدهی فرزند حاج سیّد محمّدباقر، عالم فاضل جلیل. در روز ۲۷ شوال ۱۳۲۲ق در سِدِه ماربین (خمینی شهر فعلی) متولّد شد و پس از تحصیل

۱- تذکره الشعراء (عارفچه) ، ص۱۹۲؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۶۸ و ۳۶۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۶۵؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ص۱۲۶.

مقدمات در اصـفهان نزد حضـرات آیات سیّد محمّدباقر درچه ای و میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی و دیگران تحصیل کرد. سپس به دعوت اهـالی اهواز به خوزسـتان مهـاجرت نموده و سـال هـا در محلّه لشـکرآباد اهواز به اقـامه جماعت و ارشاد مردم مشـغول شـد. وی در کنار فعالیت های مـذهبی و اجتماعی در درس حضـرات آیات مرعشـی و میر سـیّد علی بهبهانی در اهواز شرکت می نمود.

این عالم ربّانی در روز ۱۱ ذیقعده ۱۳۹۶ق وفات یافته و در جوار مرقد جناب علی بن مهزیار در اهوار مدفون شد.(۱)

شیخ علی بروجنی

حاج شـیخ علی بروجنی فرزنـد حاج ملّا محمّـدباقر، عالم فاضل، محقّق جلیل، در حـدود ۱۲۶۵ق متولّد و در اصـفهان و نجف تحصـیل نمـوده و پس از مراجعت به اصـفهان سـال هـا در مـدرسه الماسیّه سـاکن و به تـدریس فقه و اصول پرداخته است. او مجتهـدی بارع و محقّقی کامل بود. ظاهرا در اواخر عمر به موطن خویش مراجعت نموده و حـدود سال ۱۳۳۰ق در آنجا وفات یافته است.(۲)

کتب جدیدی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «بحرالجـواهر» در شـرح جـواهر الکلاـم [که نسـخه ای از آن به شـماره ۲۵۰ در کتابخـانه وزیری یزد موجـود است.(۳)] ۲. «تبصره المتهجدین» که در سال ۱۳۲۳ق در اصفهان به چاپ رسیده و فهرست تألیفات مأخوذ از آنجاست. ۳. «تفسیر قرآن» در چندین مجلد۴. «رساله در آداب و اعمال شب» از واجب و مستحب که به پیوست

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۲۴ و ۱۲۵.
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۱۰ و ۸۱۱؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۳۵۸.
۳- فهرست وزیری، ج۱، ص۲۵۵.

کتاب «تبصره» به چاپ رسیده است.۵. «شرح ریاض».۶. «شرح بر کتاب نکاح».۷. «صلاه المسافر»، رساله استدلالی به فارسی و گاهی به عربی که به خط مؤلف و مورخ محرم ۱۳۲۳ق است که به شماره ۱۹۹۰ در کتابخانه آیه اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۱)

میر سیّد علی جناب

حاج میر سیّد علی جناب فرزند میر محمّدباقر بن میر محمّدحسین بن میر مرتضی حسینی اصفهانی، ادیب فاضل و دانشمند محقّق [از نویسندگان و مورّخان قرن چهاردهم هجری.]

در جمعه ۲۵ ذیحجه ۱۲۸۷ق در اصفهان متولّد شد. [و مقدمات علوم را از ملاّ مهدی هفشجانی آموخته و سپس نزد آقا میرزا حسن عراقی و جهانگیرخان قشقایی ادامه تحصیل داد. ریاضیات را از میر محمّدعلی حسینی قائنی و هیأت را از ملاّ هادی سدهی فرا گرفت و طب را نزد میرزا محمّدباقر حکیم باشی خواند.]

او در سال ۱۳۲۴ق روزنامه «الجناب» را در اصفهان منتشر کرد و از سال ۱۳۴۳ق تألیف کتاب مهم خود «الاصفهان» را شروع کرد. او در اغلب علوم زمان خود مانند فقه، اصول، ادبیات، حکمت، طب، هیأت، ریاضیات و علوم جدید (اعم از نجوم، ریاضیات و فیزیک) مهارت به سزایی داشت و تمام عمر خود را صرف تحصیل علوم و اشاعه آن و تنویر افکار، از راه کتاب و روزنامه و تدریس فرمود.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الاصفهان» در ۱۰ مجلّد [که در سال های اخیر با تصحیح خانم رضوان پورعصار

۱- فهرست مرعشی، ج۵، ص۳۹۲.

مجلدات: رجال و مشاهیر، فرهنگ عامّه و ابنیه تاریخی آن به چاپ رسیده و جلد اوّل کتاب (معرفی اصفهان و اجمالی از تاریخ آن) بارها چاپ شده است.]۲. ترجمه «سفرنامه شاردن» که بخشی از آن در جلد اوّل «الاصفهان» به طبع رسیده است.۳. «راهبر برای مسافرین اصفهان» [که در سال ۱۳۰۶ش چاپ شده است.]

او سرانجام در شب جمعه ۳۰ شوّال ۱۳۴۹ق در تهران وفات یافته و در صحن امامزاده عبداللّه شهرری مدفون شد.(۱)

سیّد علی ابطحی

حاج میر سیّد علی ابطحی فرزند حاج سیّد محمّدباقر بن سیّد محمّدعلی ابطحی سِدِهی، عالم فاضل جلیل.

در عصر روز ۱۸ ذیحجه الحرام (عید غدیر) سال ۱۳۲۹ق در اصفهان متولّد گردید. در اصفهان در خدمت حاج سیّد محمّد سدهی (خالوی معظّم خود) ، حاج سیّد محمّدباقر ابطحی (پدر دانشمند خود) ، آقا میرزا احمد مدرس، آقا سیّد مهدی درچه ای، آقا سیّد مدرس نجف آبادی، حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی و آقا شیخ محمّدرضا ابوالمجد نجفی تحصیل نمود. سپس به قم رفته و در درس حضرات آیات: حاج سیّد محمّدتقی خوانساری و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد. همچنین از آیت اللّه سیّد محسن حکیم اجازه داشت.

او پس از نیل به مقامات عالیه علم و کمال در اصفهان به اقامه جماعت در مساجد حریری ها در محلّه دردشت و مسجد حاج علی در بازار و بالاخره پس از فوت پدر

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور: مقدمه، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۵۸ و ۴۵۹؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۱، صص ۲۴۵-۲۴۸؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۵۲-۵۶؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۸۴۱-۲۸۴۵؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۴، ص۱۷۲؛ الذریعه، ج۳، ص۲۳۳ و ج۱۰، ص۶۲؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۳، ص۱۰۳.

علّامه اش در مسجد جامع اصفهان می پرداخت. او در ایام تحصیل صبح و بعدازظهر در مدرسه کاسه گران سطوح و فقه و اصول [و در مدرسه شفیعیه شرح لمعه] تدریس می نمود و عدّه ای از طلّاب از محضر او مستفید می شدند. مرحوم ابطحی عالمی خلیق و مهربان و خوش محضر و نکته دان، دارای محفوظات زیاد و حاضر الذّهن بود.

او در صبح یکشنبه ۱۱ صفر المظفّر سال ۱۴۱۰ق در اصفهان وفات یافته و در قبرستان جدید (باغ رضوان) مدفون گردید.(۱)

علی دیوانه اصفهانی

علی [بطلانی] اصفهانی متخلّص به «دیوانه» فرزند استاد باقر، شاعر ادیب معاصر در سال ۱۲۷۲ش در اصفهان متولّد گردیده و در آغاز نوجوانی به نانوایی مشغول شد. در جوانی خواندن و نوشتن آموخت و در همان سال ها به سرودن شعر پرداخت. بسیاری از اشعارش مدایح و مراثی چهارده معصوم علیهم السلام است. وی در ماه رمضان ۱۴۰۷ق [مطابق با ۵ اردیبهشت ۱۳۶۶ش] وفات یافته و در [قطعه ۹] قبرستان جدید اصفهان (باغ رضوان) مدفون شد.

[این کتاب ها از اشعار او به چاپ سیده است:

۱. «دیوان دیوانه اصفهانی» در سال ۱۳۱۸ش۲. «نوبهار دیوانه» در سال ۱۳۴۶ش۳. «بوستان غم انگیز کربلا» در سال ۱۳۵۰ش۴. «گلشن راز»

این شعر از اوست:

شمع فراق، جامه هستی ز کف بسوخت این سوز جانگداز، ز پروانه آرزوست

۱- مزارات اصفهان، صص ۱۳۰ و ۱۳۱؛ رساله فی تعارض الید و الاستصحاب، (مقدمه) ، صص ۵ و ۶؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، ص۱۳۸.

چون مرغ خسته دل، به کناری گرفته جای کز دست دوست طعمه بر او دانه آرزوست(۱)]

آقا علی میناکار*

آقا علی فرزند آقا باقر نقاش، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و در فن میناکاری از اساتید طراز اوّل عهد خود بوده و اوایل سلطنت محمّدشاه قاجار را نیز درک کرده است.(۲)

ملّا علی بیگ حشمتی خوانساری*

ملاّـ علی بیگ حشمتی بن پرویز علوی خوانساری، از شعرا و خوشنویسان قرن یازدهم هجری. پس از تحصیل از خوانسار به اصفهان آمده و معلّم حوابیگم از شاهزادگان صفویه شد. در قریه نصرآباد ماربین اصفهان نیز بسیاری خواندن و نوشتن و خط را از او آموختند. در پیری در نصرآباد ساکن شده و در سن نود سالگی وفات یافته و نعش او در کربلا مدفون شد. مردی در کمال زهد و صلاح بوده و هفت قلم را خوش می نوشت و به کتابت کلام اللّه مجید امرار معاش می کرد. دیوان اشعارش حدود پنج هزار بیت بوده است.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۹۸ و ۱۹۹؛ مزارات اصفهان، ص ۱۳۰؛ گلشن راز: مقدمه؛ الذریعه، ج۹، ص۳۳۵؛ تذکره شاعران نانوا، صص ۱۳۵ و ۱۳۶.

۲- جغرافیای اصفهان (تحویلدار) ، ص۱۱۲؛ هنر نگارگری ایران، ص۹۳؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۳۱۹.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۵۵؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، صص ۴۴۰ و ۴۴۱؛ الذریعه، ج۹، ص۲۵۶؛ تذکره شعرای خوانسار، صص ۴۳-۴۵؛ تذکره عرفات العاشقین، ج۲، ص۱۱۶۶؛ تذکره شعرای خوانسار، صص ۴۳-۴۵؛ فرزانگان خوانسار، صص ۲۷ و ۲۸؛ دانشمندان خوانسار، صص ۵۳۷ و ۵۳۸؛ سفینه خوشگو، ص۲۰۲؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۱، ص۶۳۱.

از آثار او کتابت «تفسیر» به فارسی است که در سال ۱۰۷۷ق کتابت کرده و در مدرسه سلیمان خان مشهد موجود بوده است.(۱)

این رباعی از اوست:

رخسار تو باغی است که بی سعی بهار غیرت برد از رونق آن صد گلزار

قدّ تو نهالی است که طولی کردار هر میوه که آرزو کنی آرد بار

علی اصفهانی

علی بن محمّدتقی اصفهانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] در چهارشنبه ۷ شعبان ۱۲۹۶ق نسخه ای از «حاشیه فرائد الاصول» آخوند خراسانی را به خط نستعلیق کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۷۸۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

ملّا علی اصفهانی

ملّا علی بن ملّا تقی اصفهانی [از کاتبان اوایل قرن چهاردهم هجری] در تاریخ ۱۶ محرم ۱۳۱۵ق کتابت رساله «ثمره الفؤاد» تألیف: میرزا زین العابدین بن محمّدعلی سبزواری را به خط نسخ زیبا به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۲۴۰۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

سیّد علی نوربخش (آزاد)

سیّد علی خان نوربخش متخلّص به «آزاد» فرزند میرزا محمّدتقی مستوفی لنجان،

۱- فهرست چهار کتابخانه مشهد، ص۳.

۲- فهرست مرعشی، ج ۲۰، ص۱۴۸.

۳- فهرست مرعشی، ج۷، ص۶.

شاعر ادیب [و روزنامه نگار معاصر] در سال ۱۲۶۸ش در اصفهان متولّد شده و تحصیلات قدیمه و جدیده خویش را در این شهر به پایان رسانید و خصوصا در ادبیات فارسی و عربی زحمت زیاد کشید. او پس از تکمیل تحصیلات خود چندین سال دبیر ادبیات و ناظم دبیرستان سعدی اصفهان بوده است. از شعرای خوش قریحه و توانا بوده و در انجمن های ادبی شرکت می کرده و اشعارش در روزنامه های اصفهان از جمله: مجله دانشکده به طبع می رسید. [در سال ۱۳۲۴ش به تهران رفته] در دبیرستان های تهران به تدریس پرداخت. از اعضاء انجمن حکیم نظامی به شمار می رفت و از اشعار ایشان در مجموعه های «جوان سلحشور» و «منتخبات آزاد» به طبع رسیده است.

[او از سال ۱۳۲۵ش مجله هفتگی نوربخش را به مدت یک سال انتشار داده و از سال ۱۳۲۷ش به عنوان عضو اصلی فرهنگستان منصوب شده است. وی سرانجام در سال ۱۴۰۲ق در تهران وفات یافت.]

از اوست:

ای گلفروش دلبر زیباتر از گُلَم دادی گلم نشان و ربودی ز کف دلم

آری ز نرگس و سمن و یاس و ارغوان خوش بسته ای تو دسته گلی در مقابلم(۱)

در این شعر از او ایهام لطیفی است.

* * *

در دوره پهلوی به تحقیق روی همه دزدها سیاهست

حتی سر زلف یار کان هم دزد است اگرچه در پناهست

هر دزد که بود شد گرفتار دزد نگرفته پادشاه است

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۵-۱۸؛ چهره مطبوعات معاصر، ص۴۵؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۴، ص۴۳۷؛ فرهنگ شاعران زبان فارسی، ص۱۵؛ گل های ادب، ص۱۳؛ نامه سخنوران، ص۱۲؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۱، صص ۱۰۰ و ۱۰۱.

شیخ نورالدّین علی میسی*

شیخ نورالدّین علی میسی عاملی معروف به «مفتی» فرزند جعفر بن لطف اللّه بن عبدالکریم بن ابراهیم بن علی بن عبدالعالی بن احمد بن مفلح میسی عاملی جعفری حاتمی، از فضلاء قرن یازدهم هجری و از نوادگان شیخ لطف اللّه است که مسجد شیخ لطف اللّه اصفهان به او منسوب است.

شیخ نورالدّین علی در سال ۱۰۴۴ق در خانه خود که متصل به مسجد جامع جدید عباسی است مجموعه ای فقهی را در سال ۱۰۴۴ق کتابت کرده است و مطالبی فقهی و حدیثی را در آنجا آورده است که به مقام عمل و فضل او گواهی می دهد.(۱)

علی مُلحَمی اصفهانی

علی بن جعفر مُلحَمی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از اهالی عراق حدیث بسیار نوشته و ثقه بوده و تصانیف او نیکوست. دو برادرش، ابوحامد و محمّد هم از محدّثین بوده اند. خودش از محمّد بن ولید عباسی نقل حدیث کرده و سلیمان بن احمد از او استماع حدیث کرده است.(۲)

ملاّ علی نوری

آخوند ملاّ علی بن جمشید نوری مازندرانی، فیلسوف فقیه و حکیم ادیب و شاعر. از متدیّنین حکمای اسلام و متشرعین فلاسفه است.

۱- تراجم الرّجال، ج۱، ص۳۵۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، صص ۱۳ و ۳۱؛ احقاق الحق، ج۴، ص۳۲۱.

[در شـهر «نور» مازنـدران متولّـد شـده و] مقدمات علوم را در مازندران و قزوین نزد آقا سـیّد حسن قزوینی به خوبی فرا گرفته، سپس جهـت تکمیـل علـوم خـویش به اصـفهان مهـاجرت نمـوده و در این شـهر نزد مرحـوم آقـا محمّـد بیـدآبادی و آقـا میرزا ابوالقـاسم مـدرس خـاتون آبادی [و ملاّ محمّـدابراهیم جـدلی] ادامه داد و ضـمنا در خـدمت درویش عبدالمجیـد طالقانی خط شکسته را مشق کرد. [همچنین در کنار تحصیل به عبادت و تزکیه نفس مشغول بود.]

بالجمله مرحوم نوری پس از وصول به مقامات عالیه علم و حکمت به تدریس و تصنیف پرداخت [و حدود ۷۰ سال به تدریس کتب فلسـفی خصوصـا «شوارق»، «مشاعر«: «اسـفار» و «شواهـد الرّبوبیه» مشـغول بود] و در آن [علم] شـهرت و عنوانی یافت، به طوری که تـدریس فلسـفه و حکمت [خصوصـا آثار ملاّ صـدرا] در زمان او در تمام ایران به او منحصـر گردیـد و عـدّه زیادی شـاگرد تربیت کرد که هرکـدام حکیمی بزرگوار و فیلسوفی نامبردار شدنـد. مرحوم معلم حبیب آبادی در «مکارم الآثار» نام ۸ نفر از شـاگردان او را ذکر نموده و نویسـنده در جزوه ای مخصوص به نـام سـی و سه نفر از آنان اشاره نموده ام [که از مشاهیر آنان می توان به: ملاّ محمّداسـماعیل واحـدالعین، ملاّ عبداللّه زنوری، حاج ملاّ محمّدجعفر لنگرودی، حاج ملاّ هادی سبزواری و فرزند دانشمندش ملاّ محمّدحسن نوری و سیّد رضی لاریجانی اشاره کرد.]

صـاحب عنوان با میرزای قمی کمال صـداقت و ارادت را داشـته و در اصـفهان به حاجی کلباسـی و حاج سیّد محمّـدباقر حجه الاسـلام ارادت می رزیده و در مسـجد میرزا باقر بیدآباد به نماز جماعت سیّد حجه الاسلام اقتدا می نموده است. وی صوفیه را تکفیر می نموده و بیش از سایر فقهاء به این امر اهتمام داشته است.

[هنگـامی که محمّدحسـین خـان مروی، مـدرسه مروی را در تهران سـاخت، از فتحعلی شـاه تقاضـا کرد ملاّ علی نوری را برای تدریس معقول در این مدرسه، دعوت کند. شاه از

او دعوت کرد و او در جواب نوشت: «متجاوز از هزار محصل مشغول تحصیل هستند که چهارصد نفر از آنها (بلکه بیشتر) شایسته حضور درس این دعاگو هستند و در حوزه درس دعاگو حاضر می شوند. چنان چه به تهران بیایم، این حوزه از هم می پاشد.» شاه مجدّدا از او خواست یکی از بهترین شاگردان خود را برای تدریس در این مدرسه انتخاب کند و او ملاّ عبداللّه زنوری را انتخاب کرد و فرستاد.]

او حکیمی خوش ذوق بوده و گاهی غزل و رباعی می سروده و «نور» تخلّص می نموده است.

وی در [روز ۲۲] رجب ۱۲۴۶ق به سن شیوخیت وفات یافته و سیّد حجه الاسلام بر او نماز خواند و جنازه جهت دفن به نجف اشرف نقل و در عتبه مقدّسه رواق مطهر [حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در باب شیخ طوسی]، مدفون گردید.

این شعر از اوست:

از آفتاب نکوتر فروغ طلعت اوست به حیرتم که در ایام حسن او جمهور

مثل به خوبی خورشید می زند این است یکی ز جمله غلط های در جهان مشهور

* * *

حقّا که علی ولیّ مطلق باشد حقیقت او چو حقّ مطلق باشد

هرکس که کند حقّ علی را انکار از حق مگذر که منکر حق باشد(۱)

۱- بیان المفاخر، ج۱، صص ۸۲-۸۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۷۹ و ۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۰۱ و ۵۰۲؛ قصص العلماء، (چاپ ۱۳۸۰ش) ، صص ۷۳-۷۵، ۱۴۰ و ۱۴۸ و ۱۶۰؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۳۳۹؛ روضات الجنّات، ج۴، ص۳۹۱؛ تذکره اختر، صص ۲۱۱-۲۱۶؛ مجمع الفصحاء، ج۶، ص۱۰۳۳؛ شمس التّواریخ، ص۳۱؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۲۲۳، ۲۲۴ و ۵۰۶؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۹۳۸؛ ریاض العارفین، (چاپ ۱۳۰۵ق) ، صص ۳۲۹ و ۳۳۰؛ انوار جَلیّه: مقدّمه، ص۳۴؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۶۲؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «نوری»، ص۸۷۹؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفای متأخّر، صص ۱۴۳-۱۶۰؛ تاریخ اصفهان (جابری) ، ص۲۶۳؛ مکارم الآثار، ج۴، صص ۱۲۶۴-۱۲۶۷؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۵۹۶ و ۵۹۷؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۵۹۰ و ۵۹۱؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، صص ۳۵۸-۳۶۰؛ شرح حال رجال ایران، ج۶، ص۱۵۴؛ معجم المؤلفین، ج۷، ص۵۴؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، صص ۳۴۶ و ۳۴۷.

از ملّا علی نوری دو فرزند دانشمند به نام حاج میرزا علینقی و میرزا محمّدحسن به جای ماند.

کتب زیر از تألیفات او است:

۱. «اجوبه المسائل» و آن ۳۴ سؤال است که میرزای قمی از او نموده و او بدان ها پاسخ داده است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۱۲۱۲ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدّس موجود است.(۱) [نسخه دیگری از آن که در سال ۱۲۷۷ق به وسیله محمّدخلیل بن محمّدحسین قائنی کتابت شده به شماره ۱/۸۹۹ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۲)] ۲. «جواب سؤالات ابوالحسن بن محمّدکاظم» جاجرمی خراسانی اصفهانی، در موضوع عصمت که در یکی از کتابخانه های بروجرد موجود است.(۳) ۴. «تفسیر سوره اخلاص»۵. «جواب سؤالات آقا محمّدخان قاجار»۶. «جواب المسائل العرفانیّه» که در حاشیه «کشف الفوائد» در سال ۱۳۰۵ق به طبع رسیده است.۷. «حاشیه بر اسفار»۸. «حاشیه شرح فوائد» حاج شیخ احمد احسائی۹. «حاشیه بر شواهد الرّبوبیه» که در هامش «شواهد الربوبیه» به طبع رسیده است.۱۰. «حاشیه بر مشاعر» ۱۱. «حواشی بر اسرار الآیات» ۱۲. حاشیه بر «شرح الاصول»

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۲۴۷.

۲- فهرست وزیری، ج۲، ص۷۴۳.

۳- الذریعه، ج۱۲، ص۲۴۶.

ملّا صدرا ۱۳. «حجه الاسلام» در رد کتـاب «میزان الحق» [تألیف: هنری مارتین، معروف به] پادری نصـرانی [که نسـخه ای در ربیع الثانی ۱۲۳۲ق (در زمان حیات مؤلف) به وسیله محمّـد بن محمّـدجعفر حسـنی کتابت شـده و به شـماره ۷۶ در کتابخانه آسـتان قـدس رضوی موجود است.(۱) نسـخه ای دیگر هـم کـه در سـال ۱۲۳۳ق کـتابت شـده به شـماره ۳۵۴د در کتابخـانه دانشکده الهیات تهران موجود است.(۲) در کتابخانه مرعشی هم نسخه ای به شماره ۱۰۶۲ نگهداری می شود.(۳)] ۱۴. «دیوان اشعار» ۱۵. «رساله در بقای روح» که پاسخ چندین پرسـش است و احتمالاً همان کتاب «اجوبه المسائل» است.(۴) ۱۶. «الرّقیمه النـوریّه» [دربـاره «وجـود» که نسـخه ای از آن به خـط محمّـد بن علینقی، در سـال ۱۲۹۷ق در تهران کتـابت شـده و به شـماره ۱۸۶۴ع در کتابخـانه ملّی ایران موجـود است.(۵)] ۱۷. «شـرح حدیث زینب العطاره» منقول از حضـرت صادق علیه السـلام در «روضه کـافی» [نسـخه ای ناقص از آن در کتابخانه مرکزی دانشـگاه به شـماره ۴/۳۰۹۲ و نسـخه ای دیگر به شـماره ۱۹۳۴ در کتابخـانه مجلس شورای ملّی(۶) و نسـخه دیگری که در سـال ۱۲۵۷ق کتابت شده، به شـماره ۱/۲۰۱۰ در کتابخـانه آیت اللّه مرعشـی نجفی در قم موجود است.(۷)] ۱۸. «شـرح حدیث رأیت رجلاً» منقول از حضـرت امیرالمؤمنین علیه السلام که ضمن مجموعه شماره ۳۸۴۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۸)

۱- فهرست رضوی، ج۱، (چاپ دوم) ، ص۱۱۴.

۲- فهرست الهیات تهران، ص۴۶.

۳- فهرست مرعشی، ج۳، ص۲۴۹.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۰، ص۱۷۱۵.

۵- فهرست ملّی، ج۱۰، ص۴۴۹.

۶- فهرست مجلس، ج۹، ص۶۴۳.

۷- فهرست مرعشی، ج۶، ص۱۳.

۸- فهرست مرعشی، ج۱۰، ص۲۲۴.

علی خُرجانی اصفهانی

ابوالحسن علی بن حامد خُرجانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری] از حافظ ابی اسحاق ابراهیم بن محمّد بن حمزه بن عماره اصفهانی روایت می کند و ابوالعبّاس احمد بن عبدالغفار بن علی بن اشته اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۱)

«خُرجان» نام یکی از محلّات اصفهان بوده است.

حاج سیّد علی علّامه فانی

حاج سیّد علی علّامه فانی فرزند آقا سیّد محمّدحسن فانی یزدی بن سیّد حسین بن سیّد اسماعیل بن سیّد مرتضی حسینی یزدی، از اکابر علماء و فقهاء و مجتهدین معاصر.

در زوال روز پنج شنبه ۲۶ ربیع الاوّل سال ۱۳۳۳ق در اصفهان متولّد گردیده و نزد حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی، شیخ محمّدحکیم خراسانی، حاج سیّد مرتضی خراسانی، آقا سیّد محمّد مدرس نجف آبادی و آقا شیخ محمّدرضا نجفی به تحصیل اشتغال جسته و در سال ۱۳۶۲ق به نجف اشرف مهاجرت فرموده و ضمن تکمیل مراتب علمی به تدریس فقه و اصول و تفسیر مشغول گردید. او پس از ۳۰ سال توقّف در نجف اشرف در سال ۱۳۹۳ق به ایران مراجعت نموده و در شهر قم سکونت اختیار نمود و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و جمعی از افاضل طلاب و مشتغلین حوزه از محضر درس او مستفیض شدند. او همه ساله در ایام تابستان به اصفهان می آمده و در مدرسه جدّه تدریس و اقامه جماعت می نمود.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۴۰۶.

وی در روز ۲۳ شوال المکرم ۱۴۰۹ق [مطابق با ۸ خرداد ۱۳۶۸ش] وفات یافته و پس از اقامه نماز بر پیکر ایشان از سوی آیت اللّه گلپایگانی در [یکی از حجرات صحن نوی] حرم مطهر حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) در قم مدفون شد.

شیخ آقابزرگ طهرانی و آقا شیخ محمّدرضا نجفی جهت او اجازه نوشته اند.

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «آراء حول القرآن» مطبوع۲. «آراء حول مبحث الاراده» مطبوع۳. «البداء» مطبوع۴. «ترجمه تقویم المحسنین» تألیف: فیض کاشانی، مطبوع۵. «ترجمه نصایح الهدی» علّامه شیخ محمّدجواد بلاغی مطبوع۶. «تعلیقات بر عروه الوثقی» مطبوع۷. «تفسیر سوره جمعه»۸. «تفسیر سوره فاتحه»۹. «تقریرات دوره کامل اصول فقه» [که دو جلد آن در مباحث الفاظ چاپ شده است.]۱۰. «حاشیه بر صراط النّجاه» ۱۱. «حواشی بر توضیح المسائل» به زبان های فارسی، عربی و اردو، مطبوع ۱۲. «حواشی بر وسیله النّجاه» مرحوم آیت اللّه اصفهانی ۱۳. «دستور حج و عمره» به عربی، مطبوع (غیر از کتاب «مناسک حج» اوست) ۱۴. «دیوان اشعار» ۱۵. «رساله در احکام خراج» ۱۶. «رساله در امر به معروف و نهی از منکر» ۱۷. «رساله در جوائز سلطان» ۱۸. «رساله در ذباحه» ۱۹. «رساله در علم امام» ۲۰. «رساله در معاملات ربوی» ۲۱. «رساله در معاصی کبیره» ۲۲. «رسائل فقهی» در موضوعات: زکوه، خمس، صوم، اجاره، وصایا، اجرت بر عبادات، قرعه، منجزات مریض و مکاسب ۲۳. «شرح شرایع در چندین مجلد»، [تقریرات فقه ایشان است و در بیش از ده جلد به طبع رسیده است.] ۲۴. «غالیه البیان» در اثبات عدم تحریف قرآن ۲۵. «فوائد رجالیه» در بیان اصحاب اجماع و جماعتی از رواه ۲۶. «قبسات العقول» در شرح چهل حدیث (اربعین) مطبوع ۲۷. «المعارف العلویّه» (المحمدیّه) در کلام مجموعه ای از چند رساله ۲۸. «مقدّمات تفسیر» ۲۹. «مناسک حج» به فارسی، عربی و اردو، هر سه مطبوع

۳۰. «منظومه چهارده معصوم علیهم السلام » ۳۱. «المختار فی الجبر و الإختیار» تقریر حضرت علاّمه فانی و تحریر عالم جلیل و مجتهد عالی مقام حاج سیّد محمّدعلی صادقی [رحمه الله [۳۲. «المرأه و الاسلام» یا «زن از دیدگاه شریعت اسلام» تقریر حضرت علاّمه فانی و تحریر بانو فاطمه حسینی، هر دو کتاب مطبوع.(۱)

علی اصفهانی

علی بن حسن بن سلم اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] از زیاد بن یحیی قسّام لُنبانی روایت می کند.(۲)

میر سیّد علی مدرس

میر سیّد علی مدرس فرزند میر سیّد حسن مدرس [بزرگ] بن میر سیّد علی بن محمّدباقر، عالم فاضل صالح [از علمای اواخر دوره قاجاریه در اصفهان] در سال ۱۲۵۳ق متولّد شده و مقدمات علوم را در اصفهان نزد پدر آموخته و سپس به عتبات عالیات مهاجرت نمود و از درس شیخ مرتضی انصاری، [شیخ زین العابدین مازندرانی و فاضل اردکانی] بهره برد و پس از نیل به اجتهاد در سال ۱۲۹۱ق به اصفهان مراجعت نمود و به درس و بحث و اقامه جماعت در مسجد رحیم خان مشغول شد و در سال ۱۳۱۹ق وفات یافته و در بقعه خانوادگی خاندان مدرس در مسجد رحیم خان (جنب مزار پدر) مدفون شد.(۳)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۲۹-۳۳۱؛ زندگی نامه خودنوشت آیه اللّه فانی، مخطوط؛ موسوعه أحادیث أهل البیت علیهم السلام ، ج۱۲، صص ۴۰۷-۴۱۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۲۰.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۱۰؛ مزارات اصفهان، ص۱۷۲.

[او به خاطر اوج زهد و تقوا، پرهیز از حرام و موارد شبهه ناک به «سلمان الزمان» معروف و در وَرَع و زهد و اخلاق حسنه در اصفهان ضرب المثل بود. کتاب «مداین الفضایل و المعاجز فی احوال المعصومین علیهم السلام » از تألیفات اوست.(۱)]

علاءالدّین علی رجائی اصفهانی*

علی بن حسن بن محمّد بن عبدالسّلام بن عبداللّطیف اصفهانی ملقّب به «علاءالدّین رجائی»، از فضلاء قرن نهم هجری است. وی کتاب «حساب» را به خط نسخ معرّب در جامع الازهر کتابت کرده که به شماره ۴۳ در کتابخانه مؤسسه امام صادق علیهم السلام در قم موجود است.(۲)

حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی

حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی فرزند سیّد حسن بن محمّد بن محمّد بن حسین بن عزیز بن عظیم بن میر محمّد مؤمن بن محمّدزمان تنکابنی، عالم فاضل جلیل، فقیه و ادیب اریب، مجتهد عالیقدر و مرجع تقلید بزرگوار، عابد زاهد متّقی از علمای بزرگ اصفهان در قرن چهاردهم هجری.

در حدود سال ۱۲۷۵ق در نجف آباد متولّد شده و پس از قدری تحصیل به کسب و کار پرداخت و از ۲۰ سالگی به تحصیل علوم دینی و کسب مقدمات در زادگاه خود پرداخته و قبل از ۱۳۰۰ق به اصفهان آمد و در این شهر به تکمیل علوم زمان همچون صرف و نحو، فقه و اصول و حکمت پرداخت و از جمله در درس حاج میرزا بدیع درب

۱- نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی، ص۱۷.

۲- فهرست کتابخانه امام صادق علیهم السلام قم، ص۴۸.

امامی و حاج سیّد مهدی نحوی حاضر شد.

او در سال ۱۳۰۵ه.ق به عتبات عالیات مهاجرت نموده و از درس مراجع عالیقدر و حضرات آیات: حاج سیّد اسماعیل صدر (در کربلا) ، آقا شیخ زین العابدین مازندرانی (در کربلا) ، حاج ملّا علی نهاوندی، حاج شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی، آقا میرزا محمّدتقی شیرازی، آخوند ملّا محمّدکاظم خراسانی، آقا سیّد محمّدکاظم طباطبائی یزدی، آقا سیّد محمّد فشارکی اصفهانی، آقا شیخ هادی طهرانی و حاج آقا رضا همدانی همگی در نجف اشرف بهره گرفت و به اجتهاد نائل شد و در طهران هم در درس حکمت میرزا ابوالحسن جلوه حاضر شد.

او از سال ۱۳۲۰ق تا وفات، در مدارس جدّه بزرگ و صدر بازار، به تدریس فقه و اصول و حکمت و تفسیر مشغول بود و صدها تن از علماء و فضلاء در محضر درس او حاضر می شدند.

او از علمای آگاه و مسؤولیت شناس بوده و در قضایای مشروطیّت، به پیروی از اساتید خود آخوند خراسانی و شریعت اصفهانی به حمایت از جنبش مشروطیت پرداخته ست. در سال ۱۳۲۹ق که روس ها اصفهان را اشغال کردند، او را زندانی نمودند و او نذر کرد اگر از این مهلکه جان به سلامت ببرد به ذکر مصیبت حضرت سیّد الشهداء بپردازد و پس از آزادی به این نذر عمل می کند و در کنار تدریس و حل مشکلات مردم به منبر رفته و به موعظه و ذکر مصیبت و روضه خوانی می پردازد.

او عالمی زاهد و قانع بود. زندگی ساده ای داشت. از راه کسب و تجارت و زراعت امرار معاش می کرد و از مصرف وجوهات شرعی برای خود پرهیز می کرد. نسبت به رسیدگی به وضع نیازمندان اهتمام فراوان داشت و در برابر شداید و ناملایمات و خصوصا تهمت ها و غیبت های دیگران با صبوری و حلم و بزرگواری رفتار می کرد. او در زندگی معتقد به نظم و ملتزم به رعایت وقت و زمان بود و اوقات خود را اغلب صرف

مطالعه و یا استنساخ کتب می نمود. رفتار او با طلاب پـدرانه و دلسوزانه بود و برای حلّ مشـکلات آنان از هیـچ اقـدامی دریغ نداشت.

او تـألیف و تحقیقی از خود به جـای نگـذاشت و تنهـا حواشـی بر «حاشـیه کفـایه الاـصول» تـألیف: آقا ضـیاءالدّین عراقی از او موجود است.

او در اوائل صفر المظفّر سال ۱۳۶۲ق دچار سکته گردیده و معالجات پزشکان اثری نبخشید و سرانجام در صبح جمعه ۱۳ صفر وفات یافته و به جهان ابـدیت پیوست. و پس از تشییع عظیم و بی سابقه مردم اصـفهان و نواحی اطراف و دسته های عزادار به تخت فولاد حمل و در بقعه تکیه تویسرکانی مدفون گردید.

کتابخانه مرحوم نجف آبادی از کتابخانه های نفیس و گرانبها و دارای چندین هزار نسـخه خطی و چاپی ارزشـمند بود [اسامی ۷۱ نسـخه خطی از این کتابخـانه که برخی از آنها از جمله «الاجزاء» و «الرضاع» و «شـرح منظومه الرضاع» به خط مرحوم نجف آبادی (صاحب عنوان) می باشد، در ضمن کتاب «مجتهد نجف آبادی» به چاپ رسیده است.(۱)]

سیّد علی حسامی*

سیّـد علی حسامی فرزنـد سیّد محمّـدحسن، از علماء و ادبای معاصـر اصـفهان در سال ۱۲۹۷ش در محلّه تـل واژگان اصـفهان متولّد و در حوزه علمیه این شـهر تحصـیل کرد. پس از آن به تدریس برای اطفال و نونهالان در بلوک کراج اصـفهان مشـغول بود. در سال

۱- رجال اصـفهان یا تذکره القبور، صـص ۳۷ و ۳۸؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۱۱ و ۸۱۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ رجال اصـفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، صص ۲۱۶ و ۲۱۷؛ سـیمای دانشوران، صص ۲۷-۳۳؛ آئینه اهل قلم، صص ۲۱ و ۲۲؛ بزم قدسیان، صص ۹۲-۱۹۴؛ مجتهد نجف آبادی: اغلب صفحات.

۱۳۲۱ش به اصفهان مراجعت نموده و امامت نماز جماعت مسجد و حسینیه نورباران را به عهده گرفت تا اینکه در سال ۱۳۴۶ش به علت بیماری حنجره وفات یافت و در تکیه آقا سیّد محمّد ترک (تکیه جهانگیر قشقائی) مدفون شد. از او «دیوان شعر»ی باقی مانده است. از اوست:

ای حسین من عاشق روی توام واله و شیدای در کوی توام

آخر ای روح روان خورشید جان قبله ام هستی و من سوی توام(۱)

میرزا علی شریف

میرزا علی متخلّص به «شریف» فرزند محمّدحسن [از شعرای قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۸۶ش در اصفهان متولّد شده و به شغل قنادی روزگار می گذرانید و گاهی برحسب اقتضای حال شعر می سرود. از اوست:

عاشق که بود قبله گهش ابروی جانان دیگر چه کند کیفیّت دیر و حرم را(۲)

میرزا علی قاری*

میرزا علی میر سعیدی معروف به «قاری» و «بیدآبادی» فرزند ملّا حسن قاری از اساتید فن قرائت و تجوید در قرن چهاردهم هجری.

در قرائت قرآن صوتی دلنشین داشت. اهل محله بیدآباد اصفهان بود و به فنون موسیقی همچون گوشه های موسیقی، آواز و الحان آشنا بود. او جلسات قرائت قرآن را در مسجد سیّد و مسجد علیقلی آقا برپا می کرد و شاگردان علاقمند نزد او تعلیم

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۲۰۳.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۶۹.

می گرفتند. وی سرانجام در شب شنبه ۱۱ ربیع الاوّل ۱۳۸۰ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا محمّد بیدآبادی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

زین الدّین علی گیلانی

زین الدّین علی بن حسن گیلانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در جمعه ۲۷ جمادی الاوّل سال ۱۰۵۰ق نسخه ای از «حاشیه حاشیه شریف بر شرح مطالع» تألیف: ملاّ جلال الدّین دوانی را در اصفهان کتابت کرده و نسخه به شماره ۷۷۵۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

علی خطیب اصفهانی

ابوالفضل علی بن حسن علی بن منصور خطیب اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] از ابومطیع محمّد بن عبدالواحد مصری حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث نموده است.(۳)

میر سیّد علی برزانی

آقا میر سیّد علی [فاتحی] برزانی فرزند سیّد محمّدحسین حسینی بَرزانی، عالم فاضل، زاهد متّقی [مجتهد عالیقدر، از علمای قرن چهاردهم هجری] در یکی از مساجد «بَرزان» اقامه جماعت می نمود و شب های جمعه در تکیه بابارکن الدّین (در تخت فولاد) مراسم قرائت دعای کمیل و احیاء برپا می داشت و الحق جلسه دعای مرغوبی

۱- اساتید و قاریان قرآن اصفهان، ص۹۹؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- فهرست مرعشی، ج ۲۰، ص۱۲۹.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص۵۶۵.

بود. سرانجام در ماه رجب ۱۳۶۹ق وفات یافته و در بقعه وسط تکیه گلزار در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

[سیّد علی برزانی در اصفهان از محضر حضرات آیات: شیخ مرتضی ریزی، آخوند ملا محمّدحسین فشارکی و آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و در نجف اشرف از محضر آخوند ملاّ محمّدکاظم خراسانی و دیگران بهره گرفته و به درجه اجتهاد نائل آمد. حضرات آیات: میرزا محمّدعلی شاه آبادی، آخوند ملاّ محمّدحسین فشارکی، سیّد محمّدرضا رضوی خوانساری، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و سیّد صدرالدّین صدر جهت او اجازه روایت و اجتهاد نوشته اند و او را در مراتب علم و فضل و تقوا و عبادت ستوده اند.

از او رساله ای در «حکم فرار از حقوق» در ۱۱۲ برگ و کتاب مفصّلی در «اصول فقه» در ۶۶۰ صفحه باقی مانده است.(۲)

سیّد علی بدیع زادگان «هور» ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

«هور» وفاتش نوشت، ز خامه اشک و آه: «نوحه سرا بر علی هست محمّد یقین»

و استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی «برنا» نیز گوید:

سال فوتش را به شمسی خامه «برنا»: «حامی شرع پیمبر بود میر سیّد علی»]

شیخ علی موغاری اردستانی

شیخ علی بن حسین بن عارف موغاری [از کاتبان قرن دهم هجری و از اهالی قریه «موغار» اردستان] در سه شنبه ۲۰ شوال ۹۷۳ق در اصفهان کتاب «حاشیه مختصر

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۷۶.

۲- برای اطلاع بیشتر بنگرید به: گلزار مقدس، صص ۵۶-۸۲.

نافع» را کتابت کرده است. نسخه آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱)

شیخ علی بحرانی کاتب

شیخ علی بن حسین بن عبدالرّزاق بن اسماعیل بن عباس بن حمزه بحرانی اصفهانی معروف به «کاتب» [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] نسخه ای از «مفتاح الکرامه» تألیف: سیّد جواد عاملی را از قسمت «شفعه» تا «بیع» کتابت نموده است، نسخه به شماره ۹۷۲ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۲)

علی جامع باقولی اصفهانی

ابوالحسن علی بن حسین بن علی ضریر اصفهانی نحوی معروف به «جامع العلوم» و «جامع باقولی» [از ادباء و دانشمندان قرن ششم هجری] در علم نحو و فنون اعراب از اساتید به شمار می رفته و کتب زیر از اوست:

۱. «البیان فی شواهد القرآن» ۲. «تفسیر القرآن»۳. «الجواهر»۴. «شرح اللّمع»۵. «علل القرائه»۶. «کشف المشکلات و ایضاح المعضلات فی علل القرآن»۷. «المجمل»

[یاقوت حموی به نقل از «الوشاح» فرید خراسان ابوالحسن علی بن زید بیهقی پس از معرفی و تجلیل از او گوید: باقولی در نحو و اِعراب به کعبه مانند است که فضلای عصر در درگاه اویند. آنگاه از نامه هایی حکایت می کند که وی به سال ۵۳۵ق مبنی بر سؤال از معنای شعر فرزدق:

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ص۲۳۷.

۲- فهرست مسجد اعظم قم، ص ۳۸۰.

ولیت خراسان الّتی کان خالد بها اسدا اذ کان سیفا امیرها

به فضلای خراسان نوشته و هرکدام به شرح آن شعر پرداخته اند.(۱)]

استاد علی ظریفی*

استاد علی ظریفی اصفهانی فرزند حسین بن غلامعلی، هنرمند توانای معاصر. در روز ۲ اردیبهشت ۱۳۱۵ش در محلّه مسجد جامع اصفهانی متولّد شد. در کودکی و نوجوانی به هنر قلمزنی پرداخت و نزد استاد تقی پشوتن آن فن را فراگرفت. وی در این هنر ابتکارها و نوآوری های قابل توجهی انجام داده و نقوش زیبائی را بر فلزات حکاکی کرده است.

استاد ظریفی علاقه خاصی به گیاهان و خصوصا برگ درخت انگور داشته و طرح های خلاقانه زیبائی به وجود آورده و بر اشیاء فلزی قلمزنی کرده است. انگور و حاصل آن یعنی مِی در عرفان ایرانی نماد عشق و تکامل یافتن انسان عارف است.

بسیاری از آثار او در موزه های داخل و خارج کشور نگهداری می شوند. از جمله یک گل لاله که نقوش چنگ و اسلیمی به صورت مُشَبَّک بر روی آن قلمزنی و اجرا شده است و نزد استاد اصغر رستمیان موجود بوده است.

وی چندین سال در دانشکده پردیس (دانشگاه هنر) اصفهان برای هنرجویان تدریس نموده است. از زندگی این هنرمند فرهیخته فیلم مستند «درویش فلزات» به

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۳۱ و ۴۳۲؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۲۵۰؛ بغیه الوعاه، ص۳۳۵؛ ثقات العیون، صص ۱۸۵ و ۱۸۶؛ معجم الادباء، ج۱۳، صص ۱۶۴-۱۶۷؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۲۷۸؛ الاعلام، ج۵، ص۹؛ روضات الجنّات، ج۵، ص۲۵۱؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۱۳۸؛ معجم المؤلفین، ج۷، ص۷۵؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ابوالحسن»، ص۴۰۹؛ الذریعه، ج۴، ص۲۶۶؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۶۹۷؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۵۳.

کارگردانی محمّد یارمحمّدلو ساخته شده است.(۱)

سیّد علی خلیفه سلطانی

نواب میر سیّد علی خلیفه سلطانی فرزند سیّد علاءالدّین حسین سلطان العلماء (خلیفه سلطان) بن رفیع الدّین محمّد حسینی مرعشی، عالم فاضل محقّق زاهد متقی [از علمای قرن یازدهم هجری.]

مادرش مخدّره «جان آغا بیگم» دختر شاه عباس کبیر صفوی بوده است. در اصفهان نزد پدر و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده و هم در این شهر تدریس می کرده و پس از فوت در مزار ستّی فاطمه، جنب برادر مدفون گردید.(۲)

استاد علی حیاتی*

استاد علی حیاتی فرزند حسین، از هنرمندان معاصر در سال ۱۳۰۴ش در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه قدسیّه طی کرد. سپس نزد نیای مادری خود استاد اسماعیلِ نجف، گچبری، مقرنس کاری و آئینه کاری آموخت و به همراه پدربزرگ به همدان رفت و در مرمّت گچبری و آئینه کاری بقعه باباطاهر شرکت جُست.

او در تعمیر گچبری و آئینه کاری کاخ چهلستون، کاخ عالی قاپو، مسجد جامع و بسیاری از بناهای تاریخی مهارت خود را نشان داد و مورد تحسین اساتید فن و مقامات مربوطه قرار گرفت. استاد حیاتی مدّتی هم از تجربیات استاد عیسی بهادری مدیر هنرستان هنرهای زیبای اصفهان بهره برد و درباره نقاشی و مینیاتور معلوماتی به دست

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با استاد ظریفی در تابستان ۱۳۷۸.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۵؛ مزارات اصفهان، ص۲۵۲.

آورد. آنگاه به همکاری با اداره باستان شناسی اصفهان پرداخت و از طرف آن اداره به قم رفت و کار مرمّت، تعمیر و استحکام بخشی آئینه کاری های ایوان و داخل حرم حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) را به انجام رساند. او چند سال در تهران به کارهای ساختمانی و گچبری مشغول بود سپس به اصفهان بازگشت و به استخدام شهرداری اصفهان درآمد و در کنار آن به کار در زمینه گچبری، مقرنس کاری، آئینه کاری و طراحی ادامه داد. در زمینه نقاشی و طراحی نیز تجربیات ارزنده ای اندوخته بود و در سیاه قلم، گل و مرغ و اسلیمی و خطایی مهارت داشت. استاد حیاتی ۲ سال در آلمان به معرفی هنر ایرانی مشغول بود. او پس از ۲۵ سال فعالیت در سال ۱۳۶۷ش از کار در شهرداری بازنشسته شده و سرانجام در روز ۳۱ شهریور ۱۳۸۴ پس از مدتی بیماری دار فانی را وداع گفت و در قطعه نام آوران واقع در قبرستان باغ رضوان در اصفهان به خاک سپرده شد.(۱)

دکتر سیّد علی دانشور فرزانگان

دکتر سیّد علی دانشور فرزانگان [فرزند سیّد حسین طبیب]، طبیب حاذق. در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه به دانشکده پزشکی اصفهان رفته و دکترای پزشکی دریافت کرد و سال ها به تدریس در دانشکده پزشکی اصفهان مشغول بود. او طبیبی متدیّن، خلیق و مهربان و محبوب القلوب خاص و عام بود. سرانجام در ۲۰ ذیحجه ۱۴۰۲ق (مطابق با ۱۶ مهر ۱۳۶۰ش) وفات یافته [و در تکیه شهدا] در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. کتاب «انگل شناسی علمی و عملی» از او به چاپ رسیده است.(۲)

۱- گلشن نام آوران، صص ۱۸۰-۱۸۵.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

علی رستمیان*

علی رستمیان فرزند حسین، در سال ۱۳۲۸ش در اصفهان متولّد شد. او از موسیقی دانان و خوانندگان معاصر اصفهان است. از اوایل جوانی با آشکار شدن استعدادش در آواز به محضر استاد علی خان ساغری حاضر شد. در سال ۱۳۴۵ش محضر استاد جلال تاج را دریافته و از او ردیف های موسیقی را آموخت و پس از آن از استاد محمود کریمی بهره گرفت. همچنین از آموزش های استاد محمّدرضا شجریان، استاد حسن کسائی، حسین علیزاده و امیرهوشنگ ابتهاج برخوردار شد.

او با اساتید گرانقدری چون فرامرز پایور، جلیل شهناز، اصغر بهاری، محمّد موسوی، محمّد اسماعیلی و هوشنگ ظریف همکاری داشته است.

او چندین کنسرت در اصفهان و تهران برگزار کرده و سال ها به تعلیم علاقمندان موسیقی و آواز مشغول بوده است. از آثار معروف او: «چهارباغ»، «خزان عشق»، «مویه»، «حکایت دل» و «ارغوان» را می توان نام برد.(۱)

سیّد علی سقّائی*

سیّد علی سقّائی متخلّص به «سقّا» فرزند سیّد میر حسین، شاعر و مداح اهل بیت علیهم السلام در سال ۱۳۰۹ش در اصفهان متولّد شده و در این شهر تحصیل کرد و در شعر و ادب و مدّاحی از میرزا علی مشفقی کسب فیض نمود. از اعضای انجمن ادبی صغیر اصفهانی است. این دو بیت از اوست:

بزن تو بوسه لب جام و دست ساقی را به رغم زاهد خودبین که ادعا دارد

مس وجود طلا کن ز خاک میخانه که خاک میکده در خویش کیمیا دارد(۲)

۱- چهره افروختگان خطه زنده رود، صص ۵۲ و ۵۳؛ ماهنامه نگاه نو، شماره ۸۴، زمستان ۱۳۸۸، ص۹۴.

۲- زنده رود تا حیدربابا، ص۵۲؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۳۸۷.

علی کاتب اصفهانی

ابوالفتوح علی بن حسین کاتب اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان] «ابن جنّی» در کتاب «نوادر الممتّعه» از او روایت کند.(۱)

سیّد علی درب امامی

سیّد علی بن حسین موسوی درب امامی اصفهانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] از شاگردان سیّد [محمّدباقر] حجه الاسلام در اصفهان بوده و مشارٌ الیه در شب ۱۰ شعبان سال ۱۲۶۳ کتابت نسخه ای از کتاب «الحلیه اللّامعه لبهجه المرضیه» یعنی حاشیه مرحوم سیّد حجه الاسلام را بر سیوطی به خط نسخ به پایان رسانیده است.

نسخه به شماره ۷۴۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲)

سیّد علی گنجوی

سیّد علی بن حسین موسوی اصفهانی گنجوی [عالم فاضل جلیل] متوفی به سال ۱۳۳۵ق مؤلف کتاب های ۱. «خیط البیاض» در فقه ۲. «مرقاه الایمان» مطبوع به سال ۱۳۵۱ق.(۳)

[«گنجه» از دهات بلوک لنجان اصفهان است.]

علی مجیرالملک اردستانی*

کیا ابوالفتح علی بن حسین اردستانی طغرایی ملقّب به «مجیرالدّوله» و «مجیرالملک» از وزراء و بزرگان علم و ادب و از خوشنویسان قرن پنجم هجری قمری.

۱- یادداشت های استاد سیّد مصلح الدین مهدوی.

۲- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۴۷؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۵۲ و ۳۵۳.

۳- الذریعه، ج۷، ص۲۸۷.

در اردستان متولّد و در آنجا و اصفهان تحصیل کرد و در اندک زمانی در فن ترسّل و انشاء مشهور شد. او در زمان سلطنت ملکشاه سلجوقی و وزارت خواجه نظام الملک، سمت طغرانویسی را برعهده گرفت و به «مجیرالدّوله» ملقّب شد و سمت نایب وزیر رسائل را برعهده گرفت. پس از مرگ ملکشاه به خدمت سنجر درآمد و وزیر او شد و لقب «مجیرالملک» گرفت. عاقبت فخرالملک (فرزند ارشد نظام الملک با تحریک کردن درباریان سنجر و مادر سلطان و سعایت نزد سنجر باعث بدبینی سنجر نسبت به او شد و در سال ۴۹۰ق سلطان سنجر که به همراه مجیرالملک و فخرالملک برای سرکشی به خراسان و خوارزم می رفت، به محض رسیدن به آنجا مجیرالملک را عزل و فخرالملک را به وزارت منصوب کرد.

مجیرالملک پس از مدت ها حبس، با دادن رشوه به سلطان سنجر به عنوان سفیر او به غزنین رفت و تا آخر عمر آنجا ماند و ندیم بهرام شاه شد. سال درگذشت او معلوم نیست.

امیر معزی در اشعار خود او را مدح کرده و امام محمّد غزإلی سه نامه خطاب به او نوشته که در کتاب «فضائل الإمام فی رسائل حجه الاسلام» آمده است.

برخی منابع به اشتباه نام او را عبدالمجید نوشته اند که صحیح نیست.(۱)

علی آزادی گزی*

علی آزادی فرزند حسینعلی، از شعرای معاصر در سال ۱۳۲۶ش در قریه «گز» (که اکنون به شهر تبدیل شده است) از توابع بلوک بُرخوار اصفهان متولّد شده و به تحصیل مشغول شده و از نوجوانی لب به سرودن شعر گشوده است.

از اوست:

۱- نسائم الاسحار، ص۵۷؛ آثار الوزراء، ص۲۳۳؛ آتشکده اردستان، ج۲، صص ۲۳۸ و ۲۳۹.

کاش در دل جای غم عشق نگاری داشتم یا به سر وصل گلی یا گلعذاری داشتم(۱)

زین الدّین علی نیریزی*

زین الـدّین علی بـن حسـینعلی نیریزی، از خوشـنویسان هنرمنـد اوایـل قرن دوازدهم هجری و معاصـر میرزا احمـد نیریزی و به احتمال زیاد از بستگان نزدیک اوست. در اصفهان ساکن بوده و خطوط ثلث و نسخ را خوش می نوشته است.

او نسـخه ای از قرآن مجیـد را «از سوره مریم تا آخر قرآن مجیـد» به خط نسخ در رمضان ۱۱۲۵ق کتابت کرده است. و اکنون در کتابخانه الزاهراء اصفهان موجود است.(۲)

علی اصفهانی (صاحب «قلائد»)

علی بـن حمزه بـن عمـاره بن حمزه بن یسـار بن عثمـان اصـفهانی، از ادبـاء و فضـلاء اصـفهان در قرن چهـارم هجری. «یـاقوت حموی» گویـد: عثمان قبل از اسـلام نامش «بنـداد هرمزد بهزادان» بوده که پس از اسـلام به عثمان نامیده شد و دو پسـر داشـته: ابومسلم و یسار که جدّ صاحب ترجمه باشد [و ابومسلم خراسانی از کسانی است که باعث سقوط امویان و تأسیس خلافت آل عباس شد.]

بین او و ابوالحسن بن طباطباء اصفهانی مشاعرات و مفاوضاتی بوده است. وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «ترتیب دیوان ابی تمـام حبیب بن اوس طـائی» که برحسب انواع شـعر مرتّب شـده، نه بر حسب حروف و این کتاب چنـدین مرتبه به طبع رسیده است. ۲. «قلائد الشّرف فی مفاخر اصبهان و مفاخرها»۳. «فقر البلغاء»۴. «کتاب الشّعر»

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش اوّل) ، ص ۴۱.

۲- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

[به احتمال زیاد او شیعه بوده و رفاقت با ابوالحسن بن طباطباء و ترتیب دادن دیوان ابی تمام طائی (شاعر شیعی) از شواهد این مدعاست.] او در مرثیه وفات ابومسلم محمّد بن بحر اصفهانی شعری سروده و در آنجا گفته است:

و قالوا الا ترنی ابن بحر محمدا فقلت لهم ردوا فؤادی و اسمعوا

فلن یستطیع القول من طار قلبه جریحا قریحا بالمصائب یقرع

و من بان عنه الفه و خلیله فلیس له الا الی البعث مرجع(۱)

علی ابریشمکار اصفهانی*

علی ابریشمکار اصفهانی فرزند حیدرعلی، خوشنویس هنرمند در سال ۱۲۹۳ش در اصفهان متولّد شد. پدرش در کار رنگرزی و جلا دادن ابریشم بود و به ابریشمکار شهرت داشت. مادرش «مرحمت» دختر محمّدحسین مذهبّ (از اساتید هنر تذهیب و تشعیر در اواخر دوره قاجاریه) است.

استاد ابریشمکار در ۴ سالگی به مکتبخانه رفت و قرآن و حساب آموخت سپس به قالی بافی پرداخت. او پس از مدّتی وقفه در ۱۶ سالگی ادامه تحصیل داده و دوره ابتدایی را در مدرسه قدسیه طی کرد و در آن مدرسه خوشنویسی را از استاد عبدالحسین قدسی و برادرانش فرا گرفت. سپس به دبیرستان سعدی رفت و در آنجا در خط نزد میرزا عبدالجواد خطیب، مشق خط کرد. در سال ۱۳۱۶ش دوره متوسطّه را به پایان برد. آنگاه برای امرار معاش مدتی قالی بافی و رنگرزی کرد امّا با وقوع جنگ جهانی دوّم و کسادی بازار، ناچار به خوشنویسی روی آورد. مدّتی بعد چون خوشنویسی کفاف

۱- معجم الادباء، ج۱۳، ص۲۰۳؛ بیست مقاله (قزوینی) ، ص۲۳۲؛ الذریعه، ج۹، صص ۳۸ و ۴۳، ج۱۳، ص۲۶۴؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۶۷۳؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۲۱۱؛ فهرست سپهسالار، ج۲، ص۵۵۳.

معاش او را نمی کرد در بخش رادیولوژی بیمارستان کازرونی اصفهان استخدام شد. در سال ۱۳۳۳ش به تهران مهاجرت کرد و به استخدام رادیولوژی بیمارستان راه آهن درآمد و دوره آموزشی رادیولوژی را در ۲ سال طی کرد. او در سال ۱۳۵۴ش بازنشسته شد. او در کنار فعالیت های روزانه به مشق خط پرداخت و نزد استاد علی اکبر کاوه به تکمیل خط مشغول شد و از سبک استاد خود پیروی کرد و در خط نستعلیق از خفی تا جلّی تبحّر فراوانی به دست آورد. او در خوشنویسی درجه استادی داشت و در اواخر در انجمن خوشنویسان تدریس می کرد.

وی سرانجام در ۳۰ خرداد ۱۳۸۲ش درگذشت.

این آثار از نمونه خطوط زیبای اوست:

۱. کتابت «عشق مولانا» تألیف: فرح انتظام۲. کتابت «دعای کمیل» با ترجمه منظوم، نوشته: غلامرضا دبیران۳. کتابت «دعای صباح» ترجمه و تفسیر: مدرس فتحی۴. کتابت «ترجمه منظوم حدیث شریف کساء»۵. کتابت مقدمه «اطلس خط»۶. خوشنویسی در ورودی حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام۷. خوشنویسی در مدخل حسینیّه کربلایی ها در گلوبندک تهران و خوشنویسی تابلو زیارت وارث که داخل حسینیّه نصب شد.۸. کتیبه زیر گنبد مسجد جامع نارمک۹. کتیبه مسجد شفای تهران۱۰. کتیبه مسجد عباس آباد (کازرونی) اصفهان ۱۱. کتیبه سنگ مزار آقا محمّدحسین مذَّهب (نیای مادری او) واقع در تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد اصفهان.(۱)

سیّد علی طبیب (فتّاح)*

میرزا سیّد علی طبیب فرزند سیّد محمّدجعفر، از اطبّاء حاذق و متبحّر قرن چهاردهم

۱- فرهنگ ناموران معاصر ایران، ج۲، صص ۶۴ و ۶۵؛ تذکره خوشنویسان معاصر، صص ۱۹۰-۱۹۴؛ روزنامه جوان، شماره ۱۲۲۲: اوّل تیر ۱۳۸۲ش، ص۱۲.

هجری است. سال ها در اصفهان طبابت می نموده و مردی متدیّن و انسان دوست و غمخوار بیماران نیازمند بوده است. وی سرانجام در روز ۲ رمضان ۱۳۶۷ق (مطابق با سال ۱۳۲۷ش) وفات یافت و نزدیک تکیه لسان الارض جنب مزار علّامه جلیل سیّد محمّدتقی فقیه احمدآبادی مدفون شد.

یداللّه تائب (برخوردار) شاعر توانا ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ او را چنین گفته است:

به سال رحلتش از صدق «برخوردار» گفت: «کز صفا فتّاح شد اندر جنان او با ادب»(۱)

صائن الدّین علی اصفهانی

صائن الدّین علی بن داود بن سلیمان اصفهانی حنبلی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن نهم هجری] متوفی به سال ۸۳۶ق.(۲)

میر علی خان گلپایگانی

میر علی خان بن میر ذوالفقار جرفادقانی (گلپایگانی) ، عالم فاضل و ادیب شاعر [از دانشوران اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری.]

نصرآبادی در «تذکره» خود گوید: «عمه زاده بندگان مخدومی آقا حسین خوانساری است. شیخ الاسلام جرفادقان است... جوان آراسته قابلی است، درنهایت صلاح. مدّتی در اصفهان خدمت آقا حسین به تحصیل مشغول بود. به تکلیف اهالی آنجا شیخ الاسلام جرفادقان شد. چون خداشناسی دارد مسموع شد که اراده استعفا دارد و از دست مردم جرفادقان به تنگ آمده»

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۲- کشف الظّنون، ج۱، ص۱۲۱.

[محدّث نوری] در «الفیض القدسی» [به نقل از أنهایی که علاّمه مجلسی برای او نوشته] گوید: «السیّد الایّد الحسیب النّسیب اللبیب الادیب الفاضل الکامل المتوقّد الزّکی البارع الالمعی الامیر علی خان الجرفادقانی».

اجازه علاّمه مجلسی به او در آخر کتاب «تهذیب» و تاریخ آن جمادی الاولی سنه ۱۰۹۷ق می باشد.

«حزین» در تذکره خود درباره او گوید: «از اعاظم بلده گلپایگان و از مستفیدان از رئیس العلماء آقا حسین خوانساری بود و به فضائل صوری و معنوی آراسته. ذهن دقیقش کشّاف غوامض حقایق و سلیقه مستقیمش در هر فن به استقلال و استحقاق فائق، تعلیقات شریفه و فوائد ارجمند دارد. و در شعر و انشاء افاضت مآب به غایت دقیقه سنج و نکته یاب بود... چند سال هم به صفای خاطر در گلپایگان زندگانی نموده، در همان بلده به جنت جاودان انتقال فرموده».

این تألیفات از اوست:

۱. «دو خطبه در تهنیت جلوس شاه سلطان حسین صفوی»، به فارسی۲. «دیوان اشعار»۳. «شرح قصیده عینیّه» سیّد اسماعیل حمیری: «لِاُمّ عمرو مالِلوی مربع» [که نسخه ای از آن به شماره ۴۶۹۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.]

صاحب عنوان در حدود سال ۱۱۳۰ق در گلپایگان وفات یافته است.

این اشعار از اوست:

چون صبح در جوانی اگر پیر می شدم مانند آفتاب جهانگیر می شدم

زین بیش بود قابل پرواز شهپرم هم آشیان اگر به پر تیر می شدم

اگرچه هست صراف عمل بینا به هر نقدی ز روی لطف می گیرد زر سرخ خجالت هم(۱)

استاد علی پرورش*

استاد حاج علی پرورش فرزند استاد محمّدرحیم بن استاد نوروز ریزی لنجانی اصفهانی، از صنعتگران هنرمند معاصر در سال ۱۳۳۵ق در قصبه ریز (زرین شهر کنونی) به دنیا آمد و نزد پدر صنعت آهنگری را فرا گرفت. علاوه بر آن در زمینه قرائت و تجوید قرآن مجید نیز به تحصیل پرداخت و به مقامی رسید که بسیاری از اهالی «ریز» نزد او قرآن آموختند. فنّ زرگری را هم در اصفهان آموخت و چندی در آنجا به زرگری مشغول بود، امّا عاقبت به زادگاه خود مراجعت کرد. او سرانجام در ۳۱ تیر ۱۳۶۴ش در زادگاه خود بدرود حیات گفت و در گلستان شهدای آنجا به خاک سپرده شد.

از آثار جالب توجّه و ارزنده او ساختن پل معلق زیبا و هنرمندانه است که آن را با وسایل آهنگری آن روزها ساخت و روی رودخانه زاینده رود در شهر زرین شهر نصب و طی مراسمی با حضور استاندار وقت اصفهان و اهالی زرین شهر در سال ۱۳۳۷ش افتتاح شد. مرحوم صغیر اصفهانی جهت این واقعه شعری سروده و مادّه تاریخ تهیّه و نصب پل فلزی زرین شهر را چنین گفته است:

«صغیر» از اصفهان بهر تماشا در آنجا رفت و تاریخش چنین ساخت

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص ۵۹-۶۱؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۶۴ و ۲۶۵؛ الفیض القدسی، ص۱۸؛ فیض قدسی، ص۱۷۰؛ الذریعه، ج۱، ص۱۵۳ و ج۷، ص۲۰۲ و ج۹، ص۷۵۳ و ج۱۴، ص۱۰؛ فهرست مختصر مجلس، ص۵۰۲؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۲؛ الکواکب المنتشره، ص۳۴۲؛ تلامذه العلامه المجلسی، ص۴۳؛ دانشمندان خوانسار، صص ۱۴۱ و ۱۴۲؛ تذکره روز روشن، ص۵۶۵.

که پا بر روی پل بنهاد و گفتا: «پلی زیبا ز عزم آهنین ساخت»(۱)

سیّد علی شیوای سدهی

سیّد علی طاهری سِدِهی متخلّص به «شیوا» فرزند سیّد محمّدرحیم، عالم فاضل و ادیب شاعر [در قرن چهاردهم هجری] از اعقاب سیّد صالح قصیر است. در حدود سال ۱۳۲۰ق در سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شده و در اصفهان نزد علمای اصفهان [و احتمالاً ـ آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و آخوند ملّا عبدالکریم گزی] به تحصیل پرداخت. او سپس برای تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات مشرّف شده و در مدرسه حسن خان کربلا و مدرسه شیخ جعفر در نجف سکونت گزیده و به تحصیل ادامه داد. پس از آن به سیاحت پرداخته و در جنوب و شمال کشور به ترویج دین و تبلیغ شریعت مشغول بود و در کنار آن به تکمیل معلومات ادبی خود پرداخت و از جمله در مشهد مقدس در خدمت ادیب نیشابوری کسب فیض نمود.

او عاقبت در طهران سکونت گزیده و در همان شهر وفات یافت. اشعارش بالغ بر بیست هزار بیت و موضوع آن اغلب در پند و حکمت و انتقاد از اوضاع اجتماعی است. مقداری از اشعار او [با عنوان «دیوان غزلیات و قصاید سیّد علی طاهری سدهی متخلّص به شیوا»] در سال ۱۳۳۳ش در طهران به طبع رسیده است.

از اوست:

گردش چشمان یار، آفت جان و تن است سرو قد آن نگار، روح و روان من است

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۳۶۲-۳۶۴؛ تاریخ ریز (زرین شهر) ، صص ۱۶۱-۱۶۶.

طُرّه طرّار او، دامِ ره اهل دل نرگس جادوی او، آهوی شیرافکن است(۱)

علی طهرانی اصفهانی

ابوالحسن علی بن رستم بن مطیار طهرانی اصفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری] از محمّد بن سلیمان اصفهانی ملقب به «لوین»، ابوجعفر احمد بن معاویه بن هذیل جَبَّر، عبداللّه بن عمر اخو رُسته، ابوصالح عقیل بن صالح بن اسود طهرانی اصفهانی و دیگران روایت نموده است.

در مسجد جامع اصفهان حدیث می گفته و جمعی از حفّاظ حدیث نزد او حاضر می شده اند. او در سال ۳۰۳ق در اصفهان وفات یافت.(۲)

[«طهران» معروف به «تیران و آهنگران» از دهات حومه شمال اصفهان بوده و در عصر حاضر به شهر پیوسته و از محلّه های اصفهان شمرده می شود.]

میرزا علی هسته ای

حاج میرزا علی هسته ای فرزند محمّدرضا، عالم فاضل و واعظ کامل. [از وعاظ و علمای عالیقدر قرن چهاردهم هجری] از اعقاب شیخ زین الدین بن عین علی خوانساری. [در حدود سال ۱۲۹۵ق در اصفهان متولّد شد و پس از طی دروس مقدمات و سطح نزد حضرات آیات: آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و جهانگیرخان قشقائی تحصیل کرد آنگاه به نجف اشرف رفت و از محضر آیات عظام: ملاّ محمّدکاظم خراسانی، سیّد محمّدکاظم

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۸۶ و ۴۸۷؛ دیوان شیوای سدهی: مقدمه.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۲۳۲؛ معجم البلدان، ج۳، ص۵۲؛ مقالات ادبی (همایی) ، ص۷۴.

طباطبائی یزدی و شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی بهره گرفت] و در حدود سال ۱۳۲۵ق به اصفهان مراجعت کرده و سال ها در این شهر امامت و تدریس نمود. سپس به طهران مسافرت کرده و در دستگاه مرحوم حاج شیخ فضل اللّه نوری وارد شده و از خواص آن عالم جلیل القدر واقع شد. پس از واقعه شهادت او به اصفهان آمده و تا آخر عمر گاهی در اصفهان و زمانی در طهران ساکن و به وعظ و خطابه و ارشاد مردم از راه مواعظ می پرداخت و الحق واعظی شیرین زبان و گوینده ای طلیق اللسان بود. [در عصر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی زیاد در قم مانده و منبر می رفت و عموم مراجع و علماء برای استفاده از بیاناتش شرکت می کردند.]

سرانجام در ۱۶ ربیع الثّانی ۱۳۸۷ق در طهران وفات یافته و در [قبرستان شیخان[قم مدفون گردید.

از آثار قلمی و حواشی بر «اعتقادات» علاّمه مجلسی [در سال ۱۳۳۹ق] به طبع رسیده است.(۱) [وی در سال ۱۳۳۱ق در معیّت سیّد محمّد طباطبائی فرزند آیت اللّه سیّد محمّدکاظم طباطبائی یزدی به سفر حج مشرّف شده و سفرنامه ای را در ۲۳ شوال ۱۳۳۲ق نوشته و از خود به عنوان «میرزا علی اصفهانی» یاد کرده است. این سفرنامه با عنوان «سفرنامه مکّه» به تصحیح و تحقیق محقّق و دانشمند پرتلاش دکتر شیخ رسول جعفریان در کتاب «پنجاه سفرنامه حج قاجاری» (ج۷، صص ۶۷۳-۷۳۸) به چاپ رسیده است.]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۵۵ و ۵۵۶؛ گنجینه دانشمندان، ج۲، ص۴۲۶؛ معجم رجال الفکر و الادب فی النجّف، ج۱، ص۱۴۴؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۴، ص۴۴۲؛ فرزانگان خوانسار، ص۶۱؛ تربت پاکان قم، صص ۵۲۹-۵۳۱.

علی ایروانی

علی بن کربلائی رضاقلی ایروانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در مدرسه جدّه کوچک ساکن بوده و به تحصیل علم می پرداخته است. او در پنج شنبه ۱۶ رجب ۱۲۳۹ق کتاب «حاشیه زبده الاصول» تألیف: شیخ بهائی را در مدرسه جدّه کوچک اصفهان کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه علّامه محقّق حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۱)

شیخ علی صغیر

شیخ علی (معروف به «صغیر») فرزند شیخ زین الدّین بن شیخ محمّد بن شیخ حسن بن شیخ زین الدّین عاملی جزینی (شهید ثانی) از علمای اواخر عهد صفویّه و ساکن اصفهان که بعد از سال ۱۱۰۴ق وفات یافته است. وی را تألیفاتی است.(۲)

[از شاگردان عمویش شیخ علی بن محمّد بن حسن صاحب «الدُّر المنثور» بوده و در سال ۱۰۸۵ق از او اجازه گرفته است.(۳)

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه روضه البهیّه» که نسخه ای از آن به شماره ۱۱۷ در کتابخانه مؤسّسه امام صادق علیه السلام قم و نسخه ای از آن به شماره ۱۲۹۸۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴) ۲. «حاشیه بر کافی» که نسخه ای از آن به شماره ۷۳ در کتابخانه فاضل

۱- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۲۸۵.

۲- مزارات اصفهان، ص۳۱۵؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۴۲۸.

۳- مصفی المقال، ص۳۲۵.

۴- فهرست مؤسسه امام صادق علیه السلام ، ص۸۹؛ فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۹۴۶.

خوانساری در خوانسار و نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۱) ۴. «تعلیقات بر رجال کبیر»]

علی اصفهانی

علی بن زین العابـدین بن حاج محمّدجعفر اصـفهانی عابد [از فضـلای قرن سـیزدهم هجری] در دهه دوم رمضان سال ۱۲۲۵ق جُنگی ترتیب داده است این مجموعه به شماره ۴۲۱۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

[وی فرزند زین العابدین عابد اصفهانی شاعر دوره قاجاریه است که شرح حالش در جلد دوم این کتاب آمده است.]

دکتر میرزا علی خان ناصرالحکماء

دکتر میرزا علی خان بن زین العابدین بن عبدالجلیل اصفهانی طهرانی، از اطباء معروف اواخر دوره قاجاریه. به «اعلم الممالک» و «ناصـر الحکمـاء» شـهرت داشته و در طهران سـرتیپ اوّل معلم کلّ علوم طب و جراحی و کحالی و حکمت طبیعی است. در سال ۱۲۸۴ق متولّـد شـده و سـال فوت او معلوم نیست. کتـاب های «تشـریح» به فارسـی و «حفظ الصّـحه» (در سال ۱۳۱۵ق) به چاپ رسیده است.(۳)

ملّا علی اعلا کوساری اصفهانی

ملّا علی اعلاء فرزند زین العابدین بنّای کوساری اصفهانی، شاعر ادیب و خوشنویس

۱- فهرست عکسی احیاء، ج۲، ص۱۶۵.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۳، ص۳۱۹۲.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۱؛ اطلاعات متفرقه.

و موسیقیدان هنرمند [در قرن دوازدهم هجری] از اهالی قریه «کوسار» در یک فرسنگی اصفهان بوده و همه خطوط را خوش می نوشته و علاوه بر حُسن صوت، به علم موسیقی آشنا بوده و از علوم متداول بهره مند و شعر فراوان از بر داشته و به علم قرائت مسلط بوده است.

او از کودکی تا پایان عمر رفیق و معاشر و مصاحب حزین لاهیجی بود. [ظاهرا در فتنه افاغنه در حدود سال ۱۱۳۵ق به همدان پناه برده] و در حمله قوای دولت عثمانی به همدان در سال ۱۱۳۶ق به شهادت رسیده است.

از اوست:

شمع با پروانه یار و گل به بلبل آشناست آن گل آتش طبیعت با تغافل آشناست(۱)

شیخ علی مشکوه سِدِهی

حاج شیخ علی مشکوه سِدِهی فرزند حاج زین العابدین، عالم فاضل و فقیه عالی مقام معاصر در سال ۱۳۱۹ق در محلّه خوزان سِدِه ماربین [خمینی شهر] متولّد شده و در اصفهان [نزد میرزا ابوالقاسم (حاج آخوند) زفره ای و سیّد آقاجان نوربخش] دروس مقدماتی و ادبیات را تحصیل کرد و [سطوح را نزد حاج شیخ حسینعلی صدیقین و شیخ محمّدحکیم خراسانی آموخت.] همچنین از درس [آقا سیّد مهدی درچه ای، سیّد مرتضی خراسانی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، شیخ احمد حسین آبادی]، حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی و آقا شیخ محمّدرضا نجفی بهره برد. [سپس به قم رفته و در درس حضرات آیات: حائری یزدی، حجت دهکردی و خوانساری حاضر شد.

۱- تذکره المعاصرین حزین، صص ۲۱۶-۲۱۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۳۵؛ تذکره ریاض الشّعراء، ج۳، صص ۱۴۹۹-۱۵۰۲.

او جهت تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف مهاجرت نموده و در طی ۷ سال اقامت در آن ارض اقدس از درس آیات عظام: آقا ضیاءالدّین عراقی، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمّدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) و سیّد محسن حکیم بهره گرفت و به اجتهاد نائل آمد و از برخی اساتید خود موفّق به اخذ اجازه گردید.

او پس از مراجعت به اصفهان در مسجد قدسیه به اقامه جماعت و در مدرسه صدر بازار و مدرسه چهارباغ به تدریس فقه و اصول مشغول شد و در اواخر هفته در خمینی شهر به اقامه جماعت و ارشاد مردم و حل مشکلات شرعی آنان پرداخت.]

از آثار او مدرسه علمیه مشکوتیّه در سِدِه می باشد که به امر و اجازه مرحوم آیت اللّه بروجردی بنا فرموده است.

وی در روز سه شنبه ۱۸ ذیقعده الحرام سال ۱۴۱۰ق [مطابق با ۲۲ خرداد ۱۳۶۹ش[وفات یافته و در تکیه شهداء اصفهان جنب مزار داماد خود سیّد ابوالحسن شمس آبادی (شهید اصفهانی) مدفون گردید.

[از آثار ایشان تقریرات درس آیات عظام اصفهانی و عراقی و حائری یزدی به جای مانده است.(۱)]

شیخ رضی الدّین علی لالا

شیخ رضی الدّین علی بن سعید بن عبدالجلیل غزنوی جوینی، از بزرگان عرفا [در قرن هفتم هجری] است. گویند: از ۱۶۴ شیخ خرقه گرفته و در هند صحبت ابوالرّضا بابا رتن جوکی را دریافته، از مریدان شیخ نجم الدّین کبری است در نسب او گویند: عموزاده و یا نوه عموی حکیم سنائی بوده و در سال ۶۴۳ق وفات یافته [است.]

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۲۷ و ۳۲۸؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۹۶-۱۹۸؛ هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۹۳، مورّخ ۳۰ تیر ۱۳۶۹.

برخی مدفن او را در حوالی اصفهان دانسته و گویند قبرش به گنبد لالاـ مشهور بوده است. در ریحانه الادب گوید: مابین روضه سلطان محمود غزنوی به خاك رفته است.(۱)]

شاردن در سفرنامه خود راجع به اراضی جنوبی رودخانه (تخت فولاد) پس از ذکر تکیه بابا لکات و تکیه و خانقاه میرمعز صوفی و میل شاطران و غیره گوید: در سمت چپ همین برج و میل، مقبره عظیمی زیر گنبد گردی واقع شده است که گنبد لاله خوانده می شود. سپس لاله را به معنی و مفهوم بلند تفسیر می کند و دانشمند محترم جناب آقای محمّد عباسی در پاورقی پس از بیانی گوید: شاید هم که لله باشد.

مرحوم انصاری فوت او را به سال ۶۴۲ و قبرش را در حوالی اصفهان می نویسد. در ریاض العارفین نیز قبر او را در حوالی اصفهان و مشهور به گنبد لالا می داند. در تذکره غنی گوید: در اصفهان فوت کرد و همانجا مدفون شد. بنابراین گنبدی که شاردن می نویسد مربوط به شیخ رضی الدّین لالا غزنوی و گنبد لالا می باشد نه گنبد لاله یا لَلِه. این شعر از اوست:

هم جان به هزار دل گرفتار تو است هم دل به هزار جان خریدار تو است

اندر طلبت نه خواب دارد نه قرار هرکس که در آرزوی دیدار تو است

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۳؛ ریاض العارفین، ص۱۱۷؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۳۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۴۴؛ ریاض السیّاحه، صص ۵۰۵ و ۵۰۶؛ تذکره الشعراء دولتشاه، ص۱۶۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۸۳ و ۱۸۴؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۲، ص۸۱۸؛ تذکره عرفات العاشقین، ج۳، ص۱۴۰۲؛ تاریخ نظم و نثر، ص۷۴۶؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۲، صص ۱۰۱۳-۱۰۱۶؛ الذریعه، ج۹، ص۳۷۴؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «رضی»، ص۵۰۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۵۸؛ منتخب اللطایف، ص۲۸۶.

دکتر سیّد علی میرلوحی*

استاد دکتر سیّد علی میرلوحی فلاورجانی فرزند سیّد سلیمان بن سیّد رضا بن سیّد علی بن سیّد محمّدرضا میرلوحی از علماء، محقّقان و اساتید دانشگاه، در ۱۵ رمضان ۱۳۶۰ق (مطابق با ۱۰ مهر ۱۳۲۰ش) در فلاورجان متولّد شد.

تحصیلات ابتدائی را در دبستان مینوی فلاورجان به پایان رساند. سپس به اصفهان آمد و چندی در مدرسه ناصریه و مدرسه جدّه به تحصیلات حوزوی مشغول شد و از درس علمای عالیقدر آقا سیّد احمد مقدّس، ملّا محمّدعلی عالم حبیب آبادی، حاج شیخ محمّدحسین فقیه، حاج آقا سیّد حسن امامی، حاج شیخ عباسعلی ادیب، حاج شیخ احمد فیاض، حاج شیخ علی سدهی و حاج شیخ هبت اللّه شریعت هرندی بهره گرفت. چندین سال نیز در قم نزد حضرات آیات ستوده و سبحانی و همچنین حاج شیخ مصطفی اعتمادی ادامه تحصیل داد.

وی در کنار تحصیلات حوزوی، در مدارس جدید ادامه تحصیل داده و دیپلم گرفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران به تحصیل در رشته زبان و ادبیات عرب پرداخت و در سال ۱۳۵۳ش به اخذ درجه دکترا نائل شد. او از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد به تدریس مشغول بود. پس از آن به دانشگاه اصفهان منتقل شده و در دانشکده زبان های خارجی در گروه زبان و ادبیات عرب تدریس نمود و در سال ۱۳۷۵ش به درجه استادی رسید. او از مؤسسان و رؤسای دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان است. همچنین چندین سال رئیس گروه زبان و ادبیات عرب و مدّتی رئیس دانشکده زبان های خارجی دانشگاه اصفهان بوده و به خاطر فعالیّت های علمی، در سال ۱۳۸۱ش به عنوان استاد نمونه کشور معرفی شده است.

وی علاوه بر تدریس در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا به عنوان استاد راهنما و مشاور دوره کارشناسی ارشد و دکترا به فعالیّت پرداخته است.

آثار و کتاب های زیر از آثار اوست که به چاپ رسیده است.

۱. «مختارات من روائع الادب العربی (العصر الاسلامی) ۲. تصحیح و تحقیق: «الذریعه الی مکارم الشریعه» راغب اصفهانی۳. تصحیح و تحقیق: «الجمان فی تشبیهات القرآن» ابن ناقیا۵. ترجمه: «بدیع القرآن» ابن ابی الاصبع۶. «صدر شهادت» در ترجمه: «ذکری استشهاد الامام الصدّر»۷. «اعراب نهج البلاغه»(۱)

علی بن سهل

ابوالحسن علی بن سهل بن محمّد بن ازهر اصفهانی [از عرفاء و متصوفه قرن سوم هجری] عالم عارف زاهد از قدمای مشایخ اصفهان. در عموم تذکره ها نامش به عظمت برده شده است.

از اصحاب صوفی مشهور شیخ محمّد بن یوسف بنّاست و به مرتبه ای رسیده که با جنید بن محمّد بغدادی و اقران او مکاتبه می کرد. از یونس به حبیب بن عبدالقاهر در مدینه اصفهان (شهرستان) و احمد بن مهدی حدیث نقل کرده است.

جماعتی کثیر از علماء و عرفاء در حدیث و عرفان نزد او تلمُّذ نموده اند که از آن جمله است: سلیمان بن احمد طبرانی، قشیری، ممشاد دینوری، ابوبکر محمّد بن عبداللّه طبرانی

او در سال ۲۸۰ق (و بنا به قول مؤلف «ذکر اخبار اصفهان» سال ۳۰۷ق) وفات یافته و در قبرستان طوقچی مدفون گردید و از حین فوت تاکنون قبرش مورد توجّه عُبّاد و

۱- دست نوشته آقای دکتر میرلوحی (بهار ۱۳۷۰ش) موجود نزد غلامرضا نصراللهی؛ گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۲۴۵-۲۵۰.

زُهّاد بوده، در رحله ابن بطوطه و کشکول شیخ بهائی راجع به مزار او مطالبی است، طالبین مراجعه نمایند.

مرحوم رفیعی مهرآبادی از قول ابونعیم اصفهانی نقل می کند که «یوان» قریه ای بود از دهات اصفهان. بر دروازه اصفهان و قبر علی بن سهل صوفی آنجاست. نویسنده گوید: در کتاب ذکر اخبار اصفهان، در این محل و جای دیگر ذکری از محل قبر علی بن سهل که در قریه یوان قرار دارد، نشده است.

مقبره او در قدیم دارای دستگاه بوده و فعلاً از آن اطاقی بیش نمانده [است.] در سال های اخیر یکی از مشایخ خاکساریه آنجا را خانقاه خود ساخته و بساط ارشاد گسترده است.

فرزندش سهل و برادرزاده اش ابوالقاسم عبداللّه بن محمّد بن سهل از عرفاء و محدّثین قرن چهارم هجری هستند که محتمل است در بقعه علی بن سهل دفن شده باشند.(۱)

میر سیّد علی خاتون آبادی*

آقا میر سیّد علی بن میر محمّدصادق بن میر محمّدرضا بن میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی، عالم فاضل ادیب در اواخر دوره قاجاریّه در ماه ذیحجه الحرام ۱۲۴۴ق در اصفهان متولّد شد. در اصفهان نزد جمعی از علماء اعلام از جمله ملّا حسینعلی تویسرکانی به تحصیل پرداخت. سپس به نجف اشرف رفت و از محضر درس مراجع و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۱۲-۸۱۴؛ مزارات اصفهان، صص ۳۲۲-۳۲۵؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۳۹ و ۱۴۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، صص ۲۵۹-۲۶۵؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۳۹۴ و ۳۹۵؛ اصفهان (کتاب جوانان) ، صص ۲۰۳-۲۰۵؛ سفرنامه ابن بطوطه، صص ۲۱۲-۲۱۵.

مجتهدین عالیقدر شیخ مرتضی انصاری و شیخ محمّدحسین قزوینی بهره گرفت تا عالمی مبرّز و مجتهدی مُسَلَّم گردید. آنگاه به اصفهان مراجعت نموده و به تبلیغ دین و حلّ مشکلات مردم مشغول شد.(۱)

وی سرانجام در شب ۱۶ جمادی الاولی ۱۳۰۹ق وفات یافت.(۲)

«ترجمه تنبیهات علیه» از تألیفات اوست.

این بیت هم از اوست:

اگر آن شوخ بازاری نبودی کسی را با کسی کاری نبودی(۳)

علی صفار*

علی بن صدرالدّین صفّار، از اساتید هنر کاشی کاری در قرن نهم هجری است. وی کاشی کاری مسجد جامع ورزنه را در سال ۸۸۴ق انجام داده است.(۴)

میر سیّد علی شوشتری*

میر سیّد علی بن محمّدطاهر بن محمّدشاه تستری (شوشتری) ، عالم فاضل و عابد صالح. از علمای قرن سیزدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و نزد جمعی از علماء خصوصا حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی تحصیل کرده بود.

او حدود سال ۱۲۹۹ق وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد. برای او کراماتی ذکر کرده اند.(۵)

۱- مکارم الآثار، ج۴، ص ۱۲۱۰.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص۳۸۶.

۳- تذکره شاعران فارسی سرا، ص۲۰۵.

۴- اصفهان در دوره جانشینان تیمور، ص۱۸.

۵- الکرام البرره: مخطوط.

دکتر علی پزشکی نجف آبادی*

دکتر علی پزشکی فرزند عباس (معروف به «ملّا عباس حکیم») از شعراء و اطبّاء معاصر. در سال ۱۲۸۸ش در نجف آباد متولّد شد. پدرش از اطبّاء قدیمی آنجا بود. خود او تحصیلاتش را تا اخذ دکترای پزشکی ادامه داد و در زادگاه خود به طبابت پرداخت. مدّتی رئیس بهداری نجف آباد و زمانی رئیس درمانگاه امین اصفهان بود. گاهی به اقتضای حال شعر می سرود. این دو بیت از اوست:

عمری اندر طلب راحت مردم بودیم رنج بردیم و نمودیم علاج دل ریش

خدمت خلق چو کردی تو پزشکی همه عمر در دل خاک نداری به دل خود تشویش(۱)

علی قیام اصفهانی

علی غفورزاده ورنوسفادرانی متخلّص به «قیام» فرزند حاج عباس، شاعر و ادیب معاصر در [آذرماه] ۱۳۰۶ش در محلّه «زاغ آباد» ورنوسفادران سِدِه [خمینی شهر فعلی[ماربین متولّد شده، تحصیلات ابتدائی را در [دبستان اسلامی] سده [و دوره متوسطه را در آموزشگاه های شبانه اصفهان] به پایان رسانیده و بعدا در کارخانجات اصفهان وارد کار شد. [در کودکی لب به سرودن شعر گشوده و] در انجمن های ادبی پروانه و کمال [و سعدی و صائب] شرکت می کرده است. او شاعری عارف مسلک بوده و برخی از اشعارش در مجلات و روزنامه های اصفهان به چاپ می رسید. [قیام در آذرماه ۱۳۷۲ش در اصفهان وفات یافته و در صحن امامزاده سیّد محمّد خمینی شهر مدفون

۱- دیباچه دیار نون، ص۱۵۹؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۱۳۷.

شد. برادرش حاج احمد غفورزاده (طلائی) جهت او مرثیه ای سروده و مادّه تاریخ آن چنین است:

چو شد آزاد از بند قفس روح قیام ما «طلائی» خواست با شمسی کند تاریخ او انشا

«قیام» آورد سر در جمع و خود تاریخ خود گفتا: «قیام آسوده شد از دست این دنیا و مافیها»

۱۰۰+۱۲۷۲=۱۳۷۲

و استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) نیز سروده است:

«قیام کرد اجل ناگهان بمرگ قیام که بود ادیب و محب علی بنام علی»]

۱۳۷۲

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «صبح امید قیام» مطبوع۲. «نوروز و جمشید» مطبوع۳. «قیام علی»۴. «قیام حسین» مطبوع۵. «سرود کوهستان» (دو بیتی به لهجه محلّی) مطبوع۶. «دیوان اشعار» متجاوز از سه هزار بیت۷. «درس زندگی و ترانه های دل» یا «غوغای عشق»۸. «کلمات قصار و منشات»۹. «باشکوه ترین روز تاریخ» به نظم و نثر۱۰. «آسمان و زمین» مثنوی، مطبوع ۱۱. «شاهکار قیام»(۱)

از اوست:

[دلبرا در آتش عشق تو می سوزم هنوز شمع شد خاموش و من شمع شب افروزم هنوز

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۸۲ و ۳۸۳؛ صبح امید، صص ۱۲۹ و ۱۳۰؛ هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۲۷۶ به تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۷۲، ص۳.

سرد شد بزم جهان خورشید افتاد از شرار بی وفا من در تب عشق تو می سوزم هنوز]

علی مظاهری

علی مظاهری کَروَنی متخلّص به «مظاهر» فرزند عباسقلی، شاعر و ادیب معاصر در سال ۱۳۰۳ش در «تیران» از توابع ناحیه کرون (به فتح کاف و واو) اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل در مکتب خانه در ۱۰ سالگی به همراه پدر به اصفهان آمده و روزها به کار و فعالیّت و شب ها به تحصیل پرداخت و [در ۱۸ سالگی] به استخدام اداره آموزش و پرورش درآمده و به عنوان آموزگار [در روستای نهضت آباد (شاهدان)] تدریس کرد. [سپس به خمینی شهر انتقال یافته و با دریافت مدرک دیپلم ششم ادبی، در دبیرستان های آن شهر به تدریس مشغول شد. چند سال بعد به اصفهان منتقل و به تدریس ادامه داد. در سال ۱۳۴۳ به تحصیل در دانشسرای عالی تهران مشغول شد و لیسانس گرفت. او پس از سال ها تدریس در سال ۱۳۶۹ش بازنشسته شد و در کنار تدریس در دبیرستان ها، در مراکز تربیت معلم و دانشگاه های آزاد اسلامی نجف آباد و خوراسکان و دانشسراها و مراکز آموزش عالی و ضمن خدمت فرهنگیان به تدریس پرداخت.] از ۲۰ سالگی لب به سرودن اشعار گشوده و در انجمن ادبی شیدا و سپس انجمن کمال شرکت کرد. [و از محضر اساتیدی چون میرزا عباس خان شیدا، محمّدحسین صغیر اصفهانی، عبدالکریم بصیری، محمّدرضا شمشیری (شکیب) ، حسن بهنیا (متین) و جعفر نوا در زمینه شعر و ادب بهره گرفت. از اشعار دوره جوانی او در مجموعه ای با عنوان «این لحظه ها» در سال ۱۳۴۹ش به چاپ رسیده و باقی اشعار او هنوز چاپ نشده است. وی سرانجام در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۷ش وفات یافته و در قطعه هنرمندان در گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد. [استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی

(برنا) ضمن مرثیه ای که برای او سروده، مادّه تاریخ وفات او را چنین گفته است:

رقم کرد «برنا» به شمسی وفاتش: «مظاهر ادیب نکوطبع ما کو»]

۱۳۸۷

از اوست:

ما پرتو جمال تو در خواب دیده ایم مهتاب را در آینه آب دیده ایم

با سایه دو زلف چلیپا بر ابرویت نقش صلیب در دل محراب دیده ایم

با زلف و روی خنده دندان نمای تو شاخ شکوفه در شب مهتاب دیده ایم(۱)]

میرزا علی خان مستوفی خزانه

میرزا علی خان مستوفی خزانه فرزند عبدالباقی نواب اصفهانی از میرزاهای چهارسو شیرازی ها [در اصفهان.] فاضل و ادیب بوده و در دستگاه ظل السّلطان اهمّیتی داشته و در شب ۱۷ جمادی الثّانیه سال ۱۳۰۹ق به شرحی که مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان و ری در وقایع سال مزبور می نویسد مسموما فوت شده است. در شب فوت او «میرزا حبیب اللّه مشیر انصاری، حاج میرزا حسن شیخ الاسلام و میرزا محمّدخان امین الدّوله نیز مسموما وفات یافتند.(۲)

از آثار او: ۱. «احسن التواریخ» در ترجمه تاریخ سلاطین آل عثمان تألیف: محمّد فریدبیک که در ۱۳۳۲ق در طهران به طبع رسیده است.(۳) ۲. «هدیه رمضان» ترجمه از کتابی از: امین ارسلان مصری در سال ۱۳۰۷ق در طهران به طبع رسیده است.(۴)

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، صص ۷۲۲ و ۷۲۳؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۵۴-۴۵۶؛ این لحظه ها: مقدمه؛ بزم ادب، ص۳۴۲؛ گلشن نام آوران، صص ۲۳۶-۲۴۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۱۴.

۳- تذکره الاطباب، ص۱۰.

۴- الذریعه، ج۲۵، ص۲۰۹.

مشارٌ الیه جدّ دانشمند شاعر و طبیب فاضل دکتر عبدالباقی نواب فرزند میرزا محمّدرضا بن میرزا عبدالباقی نواب (مستوفی خزانه) است.

سیّد علی بدیع زادگان (هور)

میر سیّد علی بدیع زادگان متخلّص به «هور» فرزند حاج میرزا عبدالحسین، شاعر و ادیب معاصر. او نواده دختری عالم جلیل حاج میرزا بدیع درب امامی است. در ۵ مرداد ۱۲۹۱ش (برابر با رمضان ۱۳۳۰ق) در اصفهان متولّد گردیده و تا سال ۱۳۰۹ش در مدارس جدید تحصیل کرد و بعدا به جهت تأمین معاش به کارخانه وطن رفته و مکانیسین ماشین آلات بافندگی شد و سپس در کارخانه زاینده رود به کار خود ادامه داد. او در ضمن کار روزانه، به تکمیل تحصیلات خویش همت گماشته و سه زبان عربی، فرانسه و آلمانی را فراگرفت. دارای طبع شعر بوده و در کلیه فنون شعر قادر است. مادّه تاریخ را به خوبی می سروده و ۲۸ قصیده تاریخیّه ساخته که تمام مصرع های آن دارای مادّه تاریخ است. وی سرانجام در ۵ شوال ۱۳۸۷ق وفات یافته و در ایوان بقعه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه تاریخ فوتش این مصرع است:

«هور منزل نمود در مینو»

از آثارش جزوه کوچکی به نام «تحفه المسلمین» به طبع رسیده است. [دیوان اشعار او با عنوان «فراتر از شعر» به کوشش دکتر محمّد تویسرکانی در سال ۱۳۵۸ش به چاپ رسیده است.(۱)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۵۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹.

علی سمنجانی

ابوالحسن علی بن عبدالرّحمان بن محمّد سمنجانی [از دانشمندان و زهّاد قرن ششم هجری] «عالم فاضل، حسن السیره، کثیر العباده، دائم التلاوه» [ساکن اصفهان بوده و] به سال ۵۵۲ق در اصفهان وفات یافت.(۱)

در بخارا از ابوعلی سهل ابیوردی فقه آموخته است و ابوالصّفا ثامر بن سعد بن ثامر بن علی کرجی بلدی از او استماع حدیث کرده است. سمنجانی یکی از فقهای شافعیّه بوده است.(۲)

علی اصفهانی

ابوطالب علی بن عبدالرّزاق بن محمّد صغیر اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری] از: ابوطاهر محمّد بن احمد بن محمّد بن عبدالرّحیم کاتب استماع حدیث کرده و در سال ۵۰۸ق جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است. فوت او در روز یکشنبه ۲۰ جمادی الاولی سال ۵۱۵ق [واقع شد.(۳)]

دکتر علی عبدالرسولی

دکتر علی عبدالرسولی متخلّص به «ثابت» فرزند ملّا عبدالرسول فیروزکوهی مازندرانی، ادیب دانشمند و محقّق. در حدود ۱۲۹۸ق متولّد و نزد اساتید معروف تحصیل کرده بود. از دانشمندان و ادباء و شعراء مشهور است. وی علاوه بر تسلط در

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۲۵۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۱۵۱.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۵۷۲.

علوم عقلی و نقلی خطوط ثلث و شکسته و نسخ را در کمال خوبی و استادی می نوشته و شعر نیکو می گفته است. او در شب جمعه ۴ شعبان سال ۱۳۶۲ق در ضمن مسافرت به اصفهان وفات یافته در تکیه سیّد العراقین مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱. تصحیح «دیوان ادیب نیشابوری»۲. تصحیح «دیوان خاقانی»۳. تصحیح «دیوان فرّخی»۴. «ترجمه رساله شطرنجیه» [از آثار پدرش، مطبوع]۵. «دیوان اشعار» و غیره.(۱)

[علی عبدالرسولی علاوه بر پدر، از معلومات اساتیدی چون حاج شیخ مسیح طالقانی، سیّد عبدالکریم لاهیجی، میرزا ابوالحسن جلوه، میرزا عبداللّه ریاضی و سیّد احمد پیشاوری (ادیب پیشاوری) (که حدود ۳۴ سال ملازم و مصاحب او بود) بهره گرفت و خط را نزد سیّد محمّد بقاء اصفهانی (شرف المعالی) مشق کرد و در صرف و نحو، لغت، معانی و بیان و عروض و قافیه، مهارت فراوانی یافت. او در سال ۱۳۱۴ش رساله ای در باب عرفان و تصوف نگاشت و از دانشگاه تهران به اخذ دکترا و مقام استادی نائل گردید. شعر را در کمال استادی می سرود. در غزل پیرو سبک سعدی و در قصیده متمایل به سبک فرّخی سیستانی بود. از نمونه خطوط زیبای وی خطوط «شرح زیارت عاشورا» تألیف پدرش است که به خط او در تهران به چاپ رسیده است. او بسیاری از دیوان های شعرای متقدّم همچون: منوچهری، عنصری، سروش اصفهانی، میرزا ابوالحسن جلوه، ملک شعراء صبای کاشانی، ارزقی هروی و حکیم قطران تبریزی را تصحیح نمود. همچنین مثنوی رزمی حماسی «قیصرنامه» ادیب پیشاوری را به خط زیبای خود کتابت کرده که میکروفیلم آن در کتابخانه مجلس شورای ملّی به شماره ۱۴۵ موجود است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۸۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۹.

از اوست:

آن شب که بی تو باشم شامم سحر ندارد بویی ز صبح وصلت بر من گذر ندارد

از سوز ناله ام تن، چون موی شد به زاری دردا که ناله من در تو اثر ندارد(۱)]

حاج میر سیّد علی بروجردی

حاج میر سیّد علی بن سیّد عبدالکریم بروجردی بن سیّد علی بن سیّد محمّد بن سیّد عبدالکریم بن سیّد مراد طباطبائی اصفهانی، عالم فاضل کامل [از علمای اواخر دوره قاجاریه] در اصفهان متولّد گردیده و هم در این شهر و نجف تحصیل نمود. مرجع امورات شرعیّه و پشت و پناه مردم بود و در مسجد درب کوشک اقامه جماعت می نمود. از شاگردان حاج ملاّ اسداللّه بروجردی و حاج محمّدجعفر آباده ای و آقا محمّدمهدی کلباسی و حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی بوده و در شب شنبه ۱۰ ربیع الاوّل سال ۱۳۰۶ق وفات یافته و در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه تاریخ وفاتش این است:

رحمت حق از پی تاریخ گفت: «انّ لدنیا لعلی عظیم»

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «اصول فقه» ۲. «شرح هدایه» شیخ حر عاملی که هنوز به طبع نرسیده است.(۲)

۱- شرح مجموعه گل، صص ۴۴۰-۴۵۷ و بنگرید به: آینه دار طلعت یار، صص ۵۷۸ و ۵۷۹؛ گلزار معانی، صص ۲۰۵-۲۱۵؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۲، صص ۹۵۳-۹۵۸؛ شرح حال رجال ایران، ج۳، ص۱۶۳؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۴، ص۳۰۸.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۰؛ تاریخچه شهر سامرا، ص۱۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۶۴؛ الذریعه، ج۲، ص۲۰۷؛ اعیان الشیعه، ج۴۱، ص۳۱۰؛ الکرام البرره، ج۲، ص۸۲۳؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۴۷۰؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۱۴۱؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، ص۱۶۷.

ملّا علی گرگابی (ذرّه)

ملّا علی خان گُرگابی فرزند عبدالکریم، از شعرای اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. در سال ۱۲۹۶ق در قریه «گُرگاب» از بلوک بُرخوار اصـفهان متولّد شده و در مولد خویش و اصفهان مدّت زمانی به کسب علوم و فضایل اشتغال جسته، سپس به مولد خویش مراجعت نمود. او تا آخر عمر گاهی در ده و گاهی در شهر بود. بالاخره در سال ۱۳۷۲ق در اصفهان وفات یافته، در قبرستان تخت فولاد مدفون گردید. گاهی شعر می سرود و در آن اشعار «ذرّه» تخلّص می نمود.

از اوست:

ای طُرّه روی تو یکی روم و یکی زنگ چشمت ز میان تیر کشیده ز پی جنگ

روی تو به صلح است ولی چشم سیاهت جلاد صفت بسته پی قتل، میان تنگ(۱)

علی ابهری اصفهانی

ابوالحسن علی بن عبـداللّه بن احمـد بن جـابر ابهری اصـفهانی [از محـدّثین عامّه اصـفهان در قرن چهارم هجری] از محمّـد بن محمّد بن یونس ابهری حدیث نقل می کند و احمد

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۰۱.

بن فضل مقری از او استماع حدیث کرده است.(۱)

علی خطیبی اصفهانی

علی بن عبداللّه خطیبی اصفهانی فقیه [از فقهاء و محدّثین عامّه اصفهان است.] در کتاب «فوائد البهیه» در تراجم حنفیه در ضمن شرح حال عبدالجبّار بن عبدالکریم خوارزمی رازی گوید: در خدمت علی بن عبداللّه در اصفهان تحصیل فقه کرده است.(۲)

استاد علی منشئی*

استاد علی مُنشِئی فرزند استاد عبدالمجید، از معماران چیره دست معاصر اصفهان. در سال ۱۲۸۷ش در اصفهان متولّد شد. در نوجوانی نزد پدر و عموهایش فنون بنّایی و معماری سنتی اصفهان را فراگرفت و از سال ۱۳۰۹ش به همکاری با اداره عتیقه جات کشور پرداخت. او در طراحی، اجراء، مهاربندی، شبکه کاری و گره چینی مهارتی به سزا داشت. و سرانجام در سال ۱۳۴۹ش در اصفهان درگذشت. دو پسرش استاد رضا منشئی و مهندس محمود منشئی نزد پدر به یادگیری این هنر پرداخته و در مرمت ابنیه تاریخی کشور منشاء خدماتی شده اند.

استاد علی منشئی آثار ارزنده ای از مرمت و احیاء آثار تاریخی از خود به جای گذاشت از جمله: مرمّت سردر ورودی مسجد جامع، کتیبه گریو گنبد مسجد امام، صفه شاگرد در مسجد جامع، سقف و ستون های عالی قاپو، مهاربندی و استحکام بخشی تالار تیموری، عمارت هشت بهشت همگی در اصفهان و گنبد اصلی مجموعه برسیان (در براآن اصفهان) و قلعه مخصوص چادگان. همچنین در زمینه شبکه کاری، پنجره های مشبک زیادی را طراحی و در حرم امام رضا علیه السلام در مشهد مقدس نصب نمود.(۳)

۱- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

۲- فوائد البهیه، ص۱۵.

۳- معماران و مرمت گران سنتی اصفهان، صص ۱۷۳-۱۷۶.

میرزا علی رجاء اصفهانی

میرزا علی خلیلیان متخلّص به «رجاء» فرزند عبدالمحمود شاعر ادیب معاصر در سال ۱۳۱۷ق در اصفهان متولّد شده و پس از مدّتی تحصیل به بافندگی مشغول شد. از جوانی لب به گفتن شعر گشوده و در انجمن های ادبی اصفهان مانند شیدا، ادیب فرهمند، پروانه و کمال شرکت می کرده است.

او شاعری خوش ذوق و باقریحه و متدیّن و عارف بوده و عاقبت در ذیقعده ۱۴۱۱ق (برابر با اردیبهشت ۱۳۷۰ش) وفات یافته و در قطعه نام آوران واقع در قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

[مادّه تاریخ فوتش را «محور اصفهانی» ضمن مرثیه ای گوید:

عارفی خواست وفاتش چو به شمسی گفتم: «بود در جمع از اخلاص و وفا یار ادب»

۱۳۷۰شمسی

این کتاب ها مجموعه اشعار چاپ شده اوست:

۱. «اندرزنامه»۲. «دیوان رجاء»۳. «مناقب الائمه». همچنین قسمتی از اشعار رجاء به ضمیمه «دیوان گلزار» به چاپ رسیده است.

این شعر از اوست:

یوسفا خوارتر از این به عزیزان منگر که تو در اوج جلالی و من اندر چاهم

نرسد دست تمنّا به تو ای نخل بلند سر فرود آر و بده بوسه که من کوتاهم(۱)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۰۴ و ۲۰۵؛ مزارات اصفهان، ص۱۳۱؛ بزم ادب، ص۳۳۲؛ دیوان محور اصفهانی، ص۳۶۵.

سیّد علی جزائری

سیّد علی بن عزیزاللّه موسوی جزائری [از فضلاء عصر صفویّه] در تاریخ چهارشنبه ۲۰ ربیع الثّانی ۱۱۰۱ق «شرح شواهد ابن ناظم» تألیف: سیّد محمّد بن علی عاملی را به خط نستعلیق در اصفهان نوشته است. این نسخه به شماره ۷۴۲۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

عمادالدّین علی استرآبادی

عمادالدّین علی بن عمادالدّین علی بن نجم الدین محمود شریف استرآبادی [از دانایان به قرائت و تجوید در قرن دهم هجری و ساکن اصفهان بوده از عزالدّین حسین بن عبدالصمد عاملی حارثی (پدر شیخ بهائی و ملاّ عبداللّه شوشتری شهید روایت نموده است و خود او برای سالک الدین محمّد یزدی در سال ۹۸۸ق در یزد اجازه نوشته است.(۲)] کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اصول قرائت ابن عامر» ۲. «اصول قرائت کسائی» ۳. «اصول قرائت حمزه» [تألیف در] دهه سوم ماه دهم سال ۹۵۵ق ۴. «اصول قرائت ابن عمرو» [تألیف در[جمعه ۲۲ شعبان ۹۵۴ق در اصفهان ۵. «اصول قرائت ابن کثیر» [تألیف در] ۶ رمضان ۹۵۴ق در اصفهان که با برخی مطالب دیگر که ظاهرا از اوست ضمن مجموعه ای نزد آقا حاج سیّد ابوالفضل سعید ریحان یزدی موجود است و میکروفیلم آن به شماره ۲۴۷۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران نگهداری می شود.(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص ۲۴۰.

۲- احیاء الداثر، ص۱۴۵.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص ۷۰۰.

علی اصفهانی

علی بن علی اصـفهانی [از کاتبـان قرن دهم هجری] در دهه سوم صـفر سال ۹۹۵ق نسـخه ای از «اربعین» شـیخ بهائی را به خط نسخ درشت نوشـته و شیخ بهائی با خط نستعلیق خویش در تاریخ ۹ ربیع الاوّل ۹۹۵ق در اصفهان نوشته است که برادرم کمال الـدّین ابوتراب عبدالصّـمد عـاملی این «اربعین» را نزد من خوانـده است. و سـپس برای او اجـازه روایت نوشـته است. نسـخه به شماره ۶۸۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

علی بن علی اصـفهانی نسـخه دیگری از «اربعین» شـیخ بهـائی را به خـط نسـخ نوشـته که به شـماره ۴۶۷۲ در کتابخـانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۲)

غیاث الدّین علی امیران اصفهانی

غیـاث الـدّین علی بن علی امیران حسـینی اصـفهانی، از فضـلای قرن نهم هجری است در بـدخشان ساکن بوده(۳) [و در علـوم زمـان خود خصوصـا ریاضـیات، هنـدسه، نجوم و حکمت مهـارتی به سـزا داشـته است. سال وفاتش به دست نیامـد امّا ظاهرا تا آخرین سال های قرن نهم زنده بوده است.]

وی را کتب چندی است که از آن جمله است:

(۴) «خلاصه التّنجیم و برهان التّقویم» که نسخه ای از آن ضمن مجموعه ۱۹۹۷ به

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، ص۱۰۶۷.

۲- فهرست مجلس، ج۱۳، ص۵۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۱۴ و ۸۱۵؛ سبک شناسی، ج۳، ص۲۲۱؛ تاریخ نظم و نثر، ص۲۶۱؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۳۸.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، ص۱۰۶۷.

شماره ۴۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱) ۲. «دانشنامه جهان» که معروف ترین تألیف اوست و در سال ۸۷۹ق آن را در حکمت طبیعی در ده فصل و خاتمه به نام سلطان محمود بن ابوسعید بهادرخان بن میرانشاه بن امیرتیمور گورکانی تألیف نموده است. نسخه ای از آن ضمن مجموعه شماره ۵۶۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲) [نسخه های این کتاب فراوان است و در سال ۱۲۹۱ق در هندوستان هم چاپ سنگی شده است.] ۳. «قوانین» = «قواعد نجوم» = «سی و شش باب» که در سال ۸۶۹ق تألیف شده و نسخه ضمن مجموعه شماره ۶۶۲ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳)

[غیر از آثار فوق کتب زیر نیز از تألیفات غیاث الدّین علی امیران اصفهانی است: ۴. «آثار حروفی»۵. «اسرار الحروف»۶. «بازنامه»۷. «تدبیرنامه انفس و آفاق»۸. «درّه المساحه»۹. «مقصد اشیاء وفقی در تحصیل مرام رتقی و فتقی»۱۰. «نزهه الصّنایع»(۴)]

علی سیچانی

علی بن آقاعلی سیچانی اصفهانی [از کاتبان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری] در دهم شعبان ۱۲۴۱ق کتابت نسخه ای از کتاب «روضه الانوار» تألیف: شرف الدّین حاج حسن بن محمّد یزدی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۱۰۹۲ق

۱- فهرست دانشگاه طهران، ج۸، ص۶۱۷.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۳۱۱.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۴۵۵.

۴- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

علی اصفهانی*

شیخ ابوالقاسم علی بن محمّد بن بهدل اصفهانی، از دانشمندان اصفهان و ظاهرا شیعه امامی است. در آخر کتاب «الاثنی عشریه» تألیف: سیّد محمّد بن محمّد بن حسن حسینی عاملی از یکی از تألیفات او «تحفه الکبرا فی معجم الشّعراء» برخی از اشعار او در مناجات را نقل کرده است.(۲)

حاج میرزا علی آقا شیرازی

حاج میرزا علی آقا شیرازی فرزند حاج علی اکبر بن حاج قاسم، عالم فاضل زاهد عابد، ادیب کامل و طبیب ماهر. از نوادر زمان و مفاخر علمی و عملی اصفهان به شمار می رفت. در زهد و تقوا وحید و یگانه بود.

در شعبان ۱۲۹۴ق متولّد و در نزد جمعی کثیر از فضلاء تحصیل نمود که از آن جمله است: شیخ عبدالحسین محلاّتی، حاج آقاحسین بروجردی (در موقع تحصیل در اصفهان) ، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند کاشی و حاج میرزا محمّدباقر حکیم باشی و در نجف از محضر شیخ الشریعه اصفهانی و آقا سیّد محمّدکاظم یزدی و آخوند خراسانی و غیره استفاده ها برد. او پس از مراجعت به اصفهان سال ها به شغل تجارت مشغول بود. سپس مدّتی طبابت می فرمود. پس از آن ترک تجارت و طب گفته و جهت ارشاد مردم به منبر رفته و به مداوای روحی مردم پرداخت.

واعظی بود شیرین بیان و متکلّمی فصیح اللّسان. منابرش شامل مواعظ شافیه و

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص ۲۷۰.

۲- ریاض العلماء، ج۴، ص ۱۹۱.

نصایح کافیه از حدیث و اخبار و تفسیر و تاریخ بود. در مدرسه صدر اصفهان [و در قم] ادبیات و نهج البلاغه و تفسیر می فرمود و عدّه ای از طلّاب از محضرش مستفید می شدند.

در شب ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۷۵ق وفات یافته، جنازه با احترامات لازم به قم منتقل گردیده و در مقبره شیخان مدفون گردید.

از آثارش تصحیح و مقابله قسمتی از تفسیر «تبیان» شیخ طوسی است که به طبع رسیده است.

پدرش از تجّار و فضلاء بوده و در نجف نزد مولی محمّدحسین کاظمینی تحصیل نموده و کتابی در شرح چهل حدیث در فضیلت صلوات بر پیغمبر و آل او نوشته و در سال ۱۳۰۵ق وفات یافته است.(۱)

علی رونق شهرضائی

علی پروین متخلّص به «رونق» فرزند حاجی علی اکبر آقاسی شاعر و ادیب معاصر در سال ۱۳۲۷ق در شهرضا متولّد شده و در موطن خویش کسب علم و دانش کرده و مخصوصا از خدمت آقای شیخ محمّدعلی زاهد که از فضلای عصر خود بود درکِ فیوضات نموده و مدّتی در اداره دارایی و از آن پس در اداره ارتش مشغول کار بود. و عاقبت به یزد منتقل شد. [وی مردی خوش مشرب و ملایم طبع بود. اشعارش گیرا و روان است. وی در سال ۱۳۵۶ش وفات یافت.] این بیت از اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۱۶ و ۸۱۷؛ سیری در نهج البلاغه، (چ ۱۳۵۴ش) ، صص ۹-۱۱؛ زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقائی، صص ۱۴۰-۱۴۳؛ الذریعه، ج۱۳، ص۷۰؛ طبیب جسم و جان: اغلب صفحات؛ نقباء البشر، ج۴، صص ۱۳۰۵ و ۱۳۸۸؛ تربت پاکان قم، ج۲، صص ۴۵۳-۴۵۷.

گر زنی شانه بر آن طّره خم در خم خویش آنچه هستند در این سلسله آزاد کنی(۱)

سیّد علی رفیعی پور علویجه

سیّد علی حسینی رفیعی پور علوی متخلّص به «دلشده» فرزند سیّد محمّدعلی بن سیّد زین العابدین حسینی علویجه ای اصفهانی، عالم فاضل و ادیب شاعر معاصر در ۶ جمادی الاولی ۱۳۳۳ق. در قریه علویجه از دهستان عربستان اصفهان متولّد شده و در مولد خویش و اصفهان مشغول تحصیل علوم قدیمه گردیده [و نزد شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی و شیخ محمود مفید تحصیل کرد. مدّتی هم در قم به تحصیل مشغول بود و سرانجام در پاییز سال ۱۳۵۳ش (سال ۱۳۹۴ق) وفات یافت و در جوار مرقد سیّد شمس الدّین محمّد در علویجه مدفون شد.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «انبان» در ۲ مُجَلَّد، کشکول مانند که نسخه ای از آن در کتابخانه حضرت عبدالعظیم شهری وجود دارد.۲. «همیان» در دو مجلّد، در متفرقات۳. «الیواقیت البهیّه» در شرح احادیث نبویّه در شرح چهل حدیث۴. «ملتقطات البحار» در شرح کلمات قصار در شرح ۱۱۰ کلمه از کلمات حضرت امیر علیه السلام بعد چهار کلمه دیگر به آن اضافه شده است. [۵. «ارمغان طوس»۶. «زورق سیمین»۷. «فلک مشحون» (کشکول)]

گاهی به مقتضای حال شعر می سروده است. این شعر از اوست:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۲۳ و ۲۲۴؛ تاریخ شهرضا (ویرایش دوم) ، ص۳۶۶.

خاک پای تو سر تاجوَری نیست که نیست بنده ات خسرو زرّین کمری نیست که نیست

از دو گیسوی تو بر گردن جانهاست کمند بسته قید تو اهل نظری نیست که نیست(۱)

ملّا علی جاوید مازندرانی

ملّا علی ساروی مازندرانی متخلّص به «جاوید» [فرزند ملّا محمّدعلی از شعرای قرن یازدهم هجری. نسب او به بلال حبشی از صحابه مشهور رسول خدا صلی الله علیه و آله باز می گردد. در ساری متولّد شده و جهت تحصیل به مشهد مقدّس رفت. [عاقبت به اصفهان آمده و در سال ۱۰۷۰ق وفات یافت و در بقعه محمّدعلی بیگ ناظر در مزار بابارکن الدّین [تخت فولاد] اصفهان مدفون شد.

ابتدا «دانش» تخلّص داشته و سپس آن را به «جاوید» تغییر داد.(۲) [در شعر و ادب خصوصا سرودن قصیده و غزل و طرح معما مهارت داشت. این شعر از اوست:

گذشتن از لبِ میگون به وقت سبزه خط چنان بود که کسی توبه در بهار کند]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۹۷ و ۱۹۸؛ آئینه اهل قلم، ص۲۸؛ الذریعه، ج۲۵، ص۲۴۴؛ فهرست کتابخانه حضرت عبدالعظیم، ج۱، ص۶۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۳۰؛ قصص الخاقانی، ج۲، صص ۱۴۷ و ۱۴۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۹۶؛ الذریعه، ج۹، ص۱۹۱؛ تذکره غنی، ص۳۵؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «علی مازندرانی»، ص۲۵۶؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۲۱۱؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۱، ص۵۳۳.

علی خدائی*

علی خدائی فرزند محمّدعلی، از داستان نویسان معاصر اصفهان در روز ۱۳ فروردین۱۳۳۷ش در تهران متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان روش نو و متوسطه تا سیکل اوّل را در دبیرستان البرز در تهران و تا دیپلم را در دبیرستان حکیم سنائی در اصفهان سپری کرد. سپس در رشته علوم آزمایشگاهی در دانشگاه اصفهان ادامه تحصیل داده و به اخذ لیسانس نائل شد.

او پس از مهاجرت خانواده به اصفهان و ادامه تحصیل در این شهر بنا به تشویق استاد محمّدعلی موسوی فریدنی داستان نویسی را آغاز کرد و اولین داستان او چند سال بعد در مجلّه مفید با عنوان «از میان شیشه، از میان مه» به چاپ رسید. از مجموعه داستان های او تاکنون کتاب های زیر به چاپ رسیده است:

۱. «از میان شیشه، از میان مه»۲. «تمام زمستان مرا گرم کن»۳. «کتاب آذر»

تعدادی از داستان های او در نشریات: مفید، دنیای سخن، فصلنامه زنده رود، دوران، عصر پنج شنبه و روزنامه های نشاط، خرداد، نوروز و شرق به چاپ رسیده و برخی نیز هنوز چاپ نشده اند. همچنین کتاب «خاطرات اصفهان» از وی آماده چاپ است.

آقای خدائی علاوه بر داستان نویسی، در داوری برخی جشنواره های ادبی و نگارش فیلمنامه و گفتار فیلم مستند برای صدا و سیما نیز فعالیّت داشته است.(۱)

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آقای علی خدائی در مرداد ماه ۱۳۸۸.

علی فُرسانی اصفهانی

ابوالحسن علی بن عمر بن عبدالعزیز بن عمران فُرسانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری.] از ابوجعفر محمّد بن سهل بن صباح معدّل و یحیی ذراع حدیث شنیده و در مجالس بیان و ضبط حدیث در اصفهان شرکت می نموده و بعد از سال ۲۷۰ق وفات یافته است. ابن مردویه در تاریخ (اصفهان) خود از او حدیث نقل کرده است.(۱)

معین الدّین علی اصفهانی

معین الدّین علی بن عنایت اصفهانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری] در روز سه شنبه ۲۷ ربیع الثّانی ۱۰۴۴ق از کتابت نسخه «مصباح المتهجّد» به خط نسخ فراغت حاصل نموده است. نسخ به شماره ۲۳۵۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود می باشد.(۲)

آقاعلی عشرتی فروشانی

آقاعلی بن عین علی فروشانی اصفهانی، شاعر ادیب و فاضل، از سخنوران قرن یازدهم هجری. از اهالی قریه «فروشان» از توابع سِدِه ماربین [خمینی شهر کنونی] بود. در اصفهان نزد ملّا حسنعلی شوشتری فقه و حدیث و نزد حکیم شفائی طب را آموخته و سپس به هند رفته و چندی در خدمت نواب میرزا رستم بود. عاقبت به ایران بازگشته در مشهد مقدس ساکن شده و همانجا وفات یافت. در شعر صاحب قریحه بوده و شعرش

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۱؛ معجم البلدان، ج۴، ص۲۴۹.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۹، ص۹۶۱.

خالی از لطف نبود. «عشرتی» تخلّص داشت. از اوست:

ایّام ریخت در قدح ما ستم کشان خونی که حسن او به دل آفتاب کرد(۱)

علی معدانی اصفهانی*

علی بن فتح اللّه معدانی انصاری اصفهانی معروف به «صابری»، از کاتبان گمنام قرن نهم هجری است. او کتاب «شفاء» ابوعلی سینا را در سال ۸۷۱ق به خط نستعلیق کتابت کرده است که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۲) کتاب «مناظره اللیل و النهار» هم از تألیفات اوست که در موزه کتابخانه دانشگاه استانبول در ترکیه موجود است.(۳)

میر سیّد علی حسینی مشهدی

میر سیّد علی بن میر قاسم حسینی مشهدی [از کاتبان و فضلاء قرن یازدهم هجری] در پنج شنبه ۱۷ ذی الحجه ۱۰۷۹ق کتابت نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» را در اصفهان به پایان رسانیده است. در این کتاب اجازه علّامه مجلسی جهت خان محمّد به تاریخ اواخر جمادی الثّانی ۱۰۷۱ق و اجازه مولی عبداللّه، برادر علّامه مجلسی جهت همین خان محمّد به تاریخ اواخر ربیع الثّانی ۱۰۷۱ق موجود است. نسخه به شماره ۲۳۰۴ در

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۴۸۰؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۴۵۸؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۱۳۹؛ الذریعه، ج۹، ص۷۲۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۷۱؛ خمینی شهر، ص۳۵۸؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۳، ص۱۴۹۱؛ سفینه خوشگو، صص ۴۷۰ و ۴۷۱؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۲، ص۱۲۳.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۸۵ و ج۴، ص۱۱۲۳؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۹۹.

۳- فهرست دانشگاه استانبول، ص۲۴۱.

کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود می باشد.(۱)

باتوجّه به سال اجازه و تاریخ ختم کتابت نسخه به نظر می رسد که تاریخ کتابت مربوط به تکمیل و تتمیم کتاب می باشد، نه اصل کتابت. فَتَدَبّر

میرزا علی قمشه ای شمس آبادی

حاج میرزا علی قمشه ای شمس آبادی فرزند ملّا قاسم، واعظ صالح، زاهد عابد، از اعقاب دختری عالم جلیل میرزا حیدرعلی مجلسی [و از علمای اصفهان در قرن چهاردهم هجری] است.

در اصفهان نزد جمعی از علماء خصوصا شیخ محمّدتقی آقانجفی تحصیل نمود و به وعظ و خطابه و ارشاد مردم مشغول شد.

وی سرانجام در جمعه ۱۸ ذی الحجه الحرام سال ۱۳۷۰ق به سن متجاوز از ۸۰ سالگی وفات یافته و در بقعه میرزا ابوالحسن درکوشکی (بروجردی) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

شیخ علی مسکنانی*

شیخ علی بن قاسم مسکنانی اصفهانی، فقیه اصولی، عالم فاضل از علمای قرن دوازدهم هجری. از اهالی قریه «مسکنان» (که آن را «مشکنان» می گویند) از روستاهای کوهپایه اصفهان بوده است(۳) و این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه معالم الاصول»، که به شماره ۵۴۶۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی

۱- فهرست مرعشی، ج۶، ص۲۸۸.
۲- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، صص ۳۶۹ و ۳۷۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۷؛ بوستان فضیلت، صص ۱۸۹ و ۱۹۰.
۳- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطّی.

در قم موجود است.(۱) ۲. «زبده الاذکار» در ادعیه، به عربی، که در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم وجود دارد.(۲) ۳. «منتخب الصنایع فی شرح مفاتیح الشرایع» که در سال های ۱۱۸۴ تا ۱۱۸۶ق، تألیف شده است و به شماره ۵۴۶۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

علی شیخ الاسلام*

استاد علی شیخ الاسلام فرزند کمال بن احمد بن حسن بن میرزا عبداللّه بن میرزا محمّدرحیم (دوم) بن میرزا مرتضی بن میرزا عبدالمطلب بن میراز محمّدرحیم (اوّل) شیخ الاسلام بن میرزا محمّدجعفر شریف سبزواری بن ملّا محمّدباقر محقّق سبزواری.

از هنرمندان توانای معاصر در سوم بهمن ۱۳۰۹ش در اصفهان متولّد شد. وی نزد اساتید فن، هنر ملیله کاری را فراگرفت. او سال های طولانی به این هنر می پرداخت و چندین شاگرد ماهر تربیت کرد. وی سرانجام در ۱۷ شهریور ۱۳۸۸ش از دنیا رفت و در قطعه ۷ قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.(۴)

علی اصفهانی

علی بن محمّد اصفهانی [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] در سال ۱۱۶۲ق نسخه ای از کتاب «مرآت الزّمان» تألیف: مولی محمّد بن محمّدزمان کاشانی اصفهانی را به خط نسخ خوش نوشته است و کتاب به شماره ۸۷۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران

۱- فهرست مرعشی، ج۱۴، ص۲۴۴؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۳۵۱.

۲- فهرست مختصر گلپایگانی، ص۳۹۲.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۳۱۷.

۴- یادداشت های آقای حاج غلامرضا نشاط: تابستان ۱۳۸۹.

موجود است.

نسخه به دستور مؤلف نوشته شده است و دارای حاشیه (منه دام ظلّه العالی) می باشد. شیخ جعفر نیز در برگ ۱۴۰ حاشیه ای به فارسی دارد.(۱)

علی هرندی*

علی بن محمّد بن ملاّ ابوالحسن هرندی، از فضلاء و ادباء قرن سیزدهم هجری. او در ۲۸ ذی الحجّه سال ۱۲۴۸ق نسخه ای از «دیوان مجنون عامری» را به خط نسخ کتابت کرده که به شماره ۸۷۶۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۲)

علی حسن آبادی اصفهانی

ابوالحسن علی بن محمّد بن احمد بن ابی عیسی حسن آبادی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری.] از ابوبکر بن مردویه حدیث شنیده و عموزاده او عبدالسّلام بن محمود حسن آبادی از او حدیث استماع کرده است. صاحب عنوان پس از سال ۴۶۰ق وفات یافته است.(۳)

وجیه الدّین علی علوی هروی

وجیه الدّین ابوالحسن علی بن محمّد بن احمد علوی هروی، ساکن اصفهان. از محدّثین قرن ششم هجری. شیخ روایت مولی هاشم بن محمّد مؤلّف کتاب «مصباح الانوار فی فضائل امام الابرار» در دو مجلد در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام در این کتاب

۱- فهرست اهدایی مشکوه، ج۳، ص۳۵۳.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۳۷۵.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۵۱.

گوید: «اخبرنا وجیه الدّین ابوالحسن علی بن محمّد بن احمد العلوی الهروی باصفهان فی سابع عشر ذی الحجه ۵۵۲». (۱)

آقا سیّد علی علویجه ای*

آقا سیّد علی علویجه ای فرزند حاج سیّد میرزا محمّد بن میرزا احمد طباطبائی زوّاره ای، عالم فاضل و فقیه زاهد. از علمای قرن سیزدهم هجری.

او از علوم گوناگون بهره مند بود و در ادبیات، منطق، فقه، اصولِ فقه مهارت داشت. علاوه بر آن، هنروری توانا بود و خطوط نسخ و نستعلیق را بسیار زیبا می نگاشت. چون خواهش ساکنان علویجه اصفهان برای فرستادن عالمی ربّانی بالا گرفت. مرجع پاک رای شهر حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی این عالم وارسته را به آن دیار فرستاد تا راهنمایی مردم را عهده دار شود. او ۴۶ سال در علویجه زندگی کرد و سرانجام در سال ۱۲۹۲ق وفات یافته و همانجا مدفون شد. (۲)

سیّد علی امامی

سیّد علی امامی فرزند سیّد محمّد بن سیّد اسداللّه بن سیّد ابوطالب بن اسداللّه بن شاه حیدر عریضی اصفهانی.

عالم فاضل و ادیب ماهر [از علمای قرن یازدهم هجری] نسب شریفش به امامزاده واجب التعظیم زین العابدین (معروف به درب امام) مدفون در محلّه چلمان (سنبلستان= سنبلان) اصفهان منتهی می شود.

در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی از علماء خصوصا آقاحسین خوانساری و علّامه ملّا محمّدباقر مجلسی و میر ابوالقاسم فندرسکی تلمّذ کرده و ظاهرا با پدرش سفری به

۱- الذریعه، ج ۲۱، ص ۱۰۳.

۲- سیّد محمّدباقر شفتی: آیه امید، ص ۸۹.

هنـد رفته است. سال وفات و محل دفن او معلوم نیست. به ظن نویسـنده در صـحن درب امام یا رواق آنجا مدفون شده است. و علم و روحانیّت تاکنون در خاندان و اعقاب او باقی است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تراجیـح» در فقه، در چندین مجلد ۲. «ترجمه شـرح اشارات» خواجه نصیرالدّین طوسی ۳. «هشت بهشت» که در آن کتـاب های «من لا یحضـره الفقیه»، «کافی»، «تهـذیب»، «اسـتبصار»، «اکمال الدین»، «امالی»، «علل الشّـرایع» و «عیون اخبار الرضا» را به فارسـی ترجمه و شـرح کرده است. نسـخه ای از این کتاب که فقط ترجمه و شرح «من لا یحضره الفقیه» را دارد به شماره ۱۰۷ در کتابخـانه وزیری یزد موجود است.(۱) ۴. «ترجمه مصباح المتهجد»۵. «ترجمه مصباح» کفعمی۶. «ترجمه شـفا» ابن سینا [که نسخه ای از آن به خط محمّدمعصوم بن محمّدباقر در سال ۱۰۸۷ق کتابت شده و به شماره ۹۰۸۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)]۷. «ترجمه مهج الدّعوات» [۸. «جامع سلیمانی» به فارسی که آن را پس از «هشت بهشت»، تألیف کرده و نسـخه ای از آن در کتابخانه سیّد رضا ابوالبرکات در اصفهان موجود است و در یکی از صفحات آن مهر بیضوی مؤلف: لا اله الا اللّه الحق المبین سیّد علی الحسینی» دیده می شود.(۳)]

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص ۶۲ و ۶۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۱۷ و ۸۱۸؛ اعیان الشیعه، ج۴۱، ص۳۱۰؛ الکواکب المنتشره، صص ۵۰۰-۵۰۲؛ فوائـد الرضویه، ص۳۲۰؛ روضـات الجنات، ج۴، ص۲۰۸؛ ریاض العلماء، ج۴، صص ۱۸۶ و ۱۸۷؛ الکنی و الالقـاب، ج۲، ص۵۶؛ ریحـانه الادب، ج۱، ص۱۷۳؛ تلامذه العلاّمه المجلسـی، صـص ۴۴ و ۵۴؛ فهرست وزیری، ج۱، ص۱۳۹.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۷، ص۲۸۸.

۳- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۶۷.

علی اُسواری اصفهانی

ابوالحسین علی بن محمّد بن بابویه اُسواری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان] از متموّلین است که متورّع و متدیّن بوده و از ابی عمران موسی بن بیان روایت می کند و ابواحمد کَرَخی از او روایت می نماید.(۱)

«اسوار» از دهات حومه شهر اصفهان بوده است.

میر سیّد علی زنجیره فروش

حاج میر سیّد علی زنجیره فروش فرزند آقا سیّد محمّد بن حسن بن هاشم بن میرزا محمّد موسوی [از اساتید قرائت و تجوید در قرن چهاردهم هجری] سیّد سند و فاضل معتمد. از اساتید فن تجوید و قرائت بوده نزد عاصم کاشانی قراءات ده گانه را بیاموخته و سال ها تدریس «شاطبی» در اصفهان منحصر به او بود و عدّه ای زیاد شاگرد تربیت نموده که هریک استاد فن به شمار رفته اند.

در حدود ۱۲۷۵ق متولّد در ۱۳۵۱ق وفات یافته و در تکیه شیخ مرتضی ریزی [در تخت فولاد] مدفون و سپس به عتبات مقدّسه منتقل گردید.

پدر و جدّش از علمای اصفهان بوده و جهت امرار معاش به شغل زنجیره بافی مشغول بوده اند.(۲)

۱- معجم البلدان، ج۱، ص ۱۹۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۱۸ و ۸۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۶.

علی خوراسکانی اصفهانی

علی بن محمّد بن حسن خوراسکانی جی اصفهانی [از کاتبان و خوشنویسان پرکار و اهل فضل در قرن یازدهم هجری بوده و حدود نیم قرن به کتابت مشغول بوده است. خط نسخ را خوش می نوشته و تا سال ۱۰۳۷ق در قید حیات بوده است. چندی در اصفهان و چندی در زادگاه خود قصبه «خوراسکان» از بلوک جی در شرق اصفهان ساکن بوده و احتمالاً در همانجا به خاک رفته است.] کتب زیادی را کتابت نموده است که از آن جمله است:

۱. «التّوضیع الانور» تألیف: شیخ نجم خضر بن محمّد بن علی رازی حبله رودی که در ۱۲ شوال ۱۰۰۱ق برای سیّد حسین بن حیدر حسینی کرکی عاملی کتابت کرده است. و نسخه اصل به شماره ۱۲۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم نگهداری می شود.(۱) ۲. «من لا ـ یحضره الفقیه» که در سال ۱۰۰۶ق کتابت کرده و محمّدصالح اصفهانی در سال ۱۰۱۰ق تصحیح و در یکشنبه ۲۲ ربیع الثّانی ۱۰۱۰ق از مقابله کتاب فراغت یافته است. این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲) ۳. «مختلف الشیعه» تألیف: علاّمه حلّی که در محرّم ۱۰۱۷ق به دستور کلبعلی تبریزی کتابت کرده و به شماره ۲۱۹۸ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۳) ۴. «تهذیب» که در سال ۱۰۳۲ق به خط نسخ کتابت نموده و در کتابخانه مدرسه فاضلیه مشهد مقدّس موجود است.(۴) ۵. «مسالک الافهام» تألیف: شهید ثانی که از قسمت وقوف تا نکاح آن را در سه شنبه نیمه رمضان ۱۰۳۳ق کتابت کرده و به شماره ۸۱۹ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم

۱- فهرست مرعشی، ج۱، ص ۱۵۰.

۲- فهرست رضوی، ج۱، ص ۱۹۰.

۳- فهرست ملک، ص۶۵۷.

۴- فهرست فاضلیه، ص ۶۱.

موجود است.(۱) ۶. «ایضاح الاشتباه» تألیف: علاّمه حلّی که در جمعه ۱۶ رمضان ۱۰۳۷ق به خط نستعلیق کتابت آن را به پایان رسانیده و ضمن مجموعه شماره ۱۱۷۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

علی فِلکی اصفهانی

ابوالحسن علی بن محمّد بن حمزه بن حمزه بن محمّد فِلکی اصفهانی همدانی [از قاریان و محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری.] سمعانی از او چنین یاد کرده است: «کان شیخا صالحا حسن السیره قائی بالیسیر متمیّزا ساکنا حسن الخط، حافظ القرآن، کثیر التّلاؤه».

در حدود ۴۸۹ یا ۴۹۰ق در اصفهان متولّد شده و نزد ابوعلی حداد و دیگران حدیث خوانده و در طلب علم و حدیث به شهرهای مختلف سفر کرد و در سال ۵۵۰ق به سمرقند رسید و سپس به اصفهان مراجعت کرد. ابوسعد سمعانی نزد او حدیث خوانده است.(۳)

«فلکی» [به کسر «ف» و فتح «ل»] از وسایل چرخ ریسی است

سیّد علی گلبهار

سیّد علی گلبهار فرزند جلال الدّین محمّد بن حیدر، از سادات عالیقدر و معروف اصفهان در قرن نهم هجری و معاصر شاهرخ فرزند امیرتیمور گورکانی است و در کُتُب تاریخ از اهمیّت و شخصیّت او مطالبی نقل شده است. نسب او به جناب حسن افطس فرزند علی الاصغر بن الإمام سجاد علیه السلام می رسد.

محلّه «گلبار» یا «جلبهار» یا «گلبهار» در اصفهان به جهت سکونت و یا دفن سیّد

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۶۷.

۲- فهرست مرعشی قم، ج۳، ص۳۴۸.

۳- التّحبیر، ج۱، ص ۵۸۰.

علی (صاحب عنوان) است.(۱)

سیّد علی چهارسوقی

سیّد علی بن سیّد محمّد چهارسوقی بن سیّد زین العابدین موسوی اصفهانی خوانساری، عالم فاضل متّقی [از علمای قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۴۷ق متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله شیخ محمّدباقر نجفی مسجدشاهی تحصیل کرد. وی در سال ۱۳۲۶ق وفات یافته و جنازه به نجف اشرف حمل و در مقبره حاج میرزا هاشم چهارسوقی در قبرستان وادی السّلام مدفون گردید. مشار الیه را حاشیه ای است بر «احکام الایمان» که نزد علّامه مفضال حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۲)

علی ثقفی کوفی

ابوالحسن علی بن محمّد بن سعید بن هلال ثقفی کوفی [از محدّثین شیعه در قرن سوم هجری] از: احمد بن یونس بن مسیّب ضَبّی کوفی، مِنجاب و علی بن حکیم روایت می کند و ابوجعفر احمد بن جعفر بن مَعبد سمسار و ابوبکر عبداللّه بن محمّد بن محمّد بن فورک از او نقل حدیث می کنند.

او به اصفهان آمده و در این شهر سکونت گزیده و در سال ۲۸۲ق در این شهر وفات

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۷۴ و ۸۷۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۲؛ مزارات اصفهان، ص۳۱۸.

۲- نقباء البشر، ج۴، ص۱۵۲۲؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۲۹۹؛ مناهج المعارف: مقدمه، ص۲۳۰؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۳۵۷؛ دانشمندان خوانسار، ص۲۳۰.

یافته است.(۱) او [برادر محدّث عالیقدر «ابراهیم بن محمّد بن سعید ثقفی» مؤلف کتاب «الغارات» است.]

علی اُسواری اصفهانی

علی بن محمّد بن علی اُسواری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان است.] از علی بن احمد بن عبدالرّحمان غزّال اصفهانی روایت می کند و فرزندش ابوبکر محمّد از او نقل حدیث کرده است.(۲)

سیّد علی مدرس هاشمی*

آقا میر سیّد علی مدرّس هاشمی فرزند میر سیّد محمّد بن میر سیّد علی بن میر سیّد حسن مدرس محله نویی (میر محمّد صادقی) ، عالم فاضل جلیل معاصر.

در شب سه شنبه ۸ رمضان المبارک ۱۳۲۰ق متولّد شد و تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوار آغاز کرد و نزد حضرات آیات: حاج آخوند زفره ای، شیخ علی مدرس یزدی، سیّد محمّد کاظم مرتضوی، میرزا حسن داورپناه، سیّد مرتضی خراسانی (جارچی) و میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی ادامه تحصیل داد.

او سال ها در مسجد رحیم خان به اقامه جماعت و وعظ و ارشاد مردم مشغول بود. او عالمی خوش خلق، عابد و متقی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بود و سرانجام در روز چهارشنبه ۲۸ جمادی الثّانی ۱۴۰۰ق (مطابق با ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ش) وفات یافته و در مزار اجداد گرامی خود در مسجد رحیم خان اصفهان مدفون شد.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۷.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۱۹۱.

استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) مادّه تاریخ زیر را جهت فوت ایشان سروده است:

خامه «برنا» به هر دو سال هجری این چنین کرد در بیتی رقم تاریخ فوتش را جلا

«باد از لطف علی جای مدرس هاشمی مینوی جاوید و عدن و وادی ملک علا»

«باد با حبّ علی جای مدرس هاشمی منزل مینوی جاوید عدن بقا(۱)

ه . ق ۴۸۲+۹۱۸=۱۴۰۰

ه . ش ۸۰۴+۵۵۵=۱۳۵۹

علی جاری مدینی

ابوالقاسم علی بن محمّد بن علی بن مهران جاری اصـفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری] از محدّثین اصفهان استماع حدیث کرده و لفتوانی از او روایت می نماید.(۲)

علی ولدانی اصفهانی

علی بن محمّـد بن حـاجی مقیم ولـدان [از کاتبان قرن دهم هجری] در وقت نماز ظهر ۲۴ جمادی الثّانی ۹۰۲ق «رساله تعریف اراده و قدرت و حیات و حکمت» تألیف:

۱- نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی، صص ۲۱ و ۲۲.

۲- معجم البلدان، ج۲، ص۹۳.

ابن سینا را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۱۴۲ ضمن کتب اهدایی آقای مشکوه به دانشگاه طهران موجود است.(۱)

«ولدان» از قراء ماربین اصفهان است.

جلال الدّین علی اصفهانی

جلال الدّین علی بن جمال الدّین محمّد بن منصور اصفهانی، از بزرگان و دانشمندان اواخر قرن ششم و اواخر قرن هفتم هجری بوده و «ابن اثیر» مؤلف «نهایه اللّغه» در غریب حدیث به موصل آمده نیابت وزیر جلال الدّین اصفهانی را قبول نموده است.

میر سیّد علی طباطبائی نائینی

میر سیّد علی طباطبائی نائینی فرزند رفیع الدّین محمّد بن محمّدمهدی بن بهاءالدّین محمّد بن میرزا رفیع الدّین محمّد (میرزا رفیعا) نائینی اصفهانی، عالم فاضل [از علمای قرن دوازدهم هجری.]

مرحوم معلّم حبیب آبادی در «مکارم الاثار» شرح حال او را مرقوم داشته و پس از شرح حال نسبتا مفصّلی که درباره اجداد او می نویسد گوید: از علماء و فقهاء عصر خود بوده و در نجوم و طب و ریاضیات تسلّط داشته و شعر هم می گفته و در نزد پدر خود درس خوانده و چندین کتاب تألیف کرده است:

۱. «حاشیه بر تفسیر بیضاوی»۲. «رساله در اثبات این که رجعت از ضروریات مذهب شیعه است»۳. «رساله در حرمت ریش تراشیدن»۴. «رساله در وجوب عینی نماز جمعه» و غیره

۱- فهرست اهدایی مشکوه، ج۳، ص۲۰۴.

صاحب عنوان در روز عاشورای سال ۱۱۹۵ق در اصفهان وفات یافته، در قبرستان ستی فاطمه ضلع شمالی کوچه مدفون گردید و قبر او تا این تاریخ موجود و زیارتگاه مؤمنین و مقدّسین می باشد. نویسنده آن را مکرّر زیارت کرده است.(۱)

میرزا علی خان صفاء السّلطنه

میرزا علی خان منشی نائینی ملقّب به «صفاء السّلطنه» فرزند ملّا میرزا محمّد بن میرزا محمّدهادی راثی نائینی ادیب و شاعر و منشی متخلّص به «مشتاقی» است. دیوان اشعارش به چاپ رسیده است. او متوفی سال ۱۳۲۸ق در کربلاـ و مدفون در ایوان صحن مطهر حضرت اباالفضل العباس علیه السلام(۲) [است.]

[در سال ۱۲۴۶ق در نائین متولّد شد و در نوجوانی به اصفهان رفت و نزد آخوند ملاّـ حسن نائینی (آرندی) به تحصیل پرداخت. سپس به اتفاق دایی خود میرزا عبدالحسین خان به تهران و سپس رشت رفت. چندی بعد به همراه دایی دیگر خود میرزا علینقی مشیر لشکر نائینی عازم قزوین شد و در آنجا منشی و نایب وزارت خسروخان گرجی (والی قزوین) شد.

او پس از بازگشت به تهران نزد میرزا اسداللّه نائینی که از اساتید خط بود به مشق خط و فراگیری علم و ادب مشغول شد. همچنین دست ارادت به استاد حاج غلامرضا شیشه گر شیرازی ساروی (مشتاق علی شاه) داده و از او لقب «صفاعلی» گرفته و تخلّص خود را از «نایب» به «مشتاقی» تغییر داد. او در خدمت میرزا عبدالجواد عنقای اصفهانی، خوشنویس، شاعر و دانشمند مقیم تهران حاضر شد و خوشنویسی را نزد او تکمیل کرد.

۱- مزارات اصفهان، ص۲۵۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۶۵۰؛ مکارم الآثار، ج۱، ص۲۹؛ آتشکده اردستان، ج۲، ص۲۸۵؛ تاریخ نائین، ص۱۲۳.

۲- بیان المفاخر، ج۱، ص ۳۸۰.

در تهران چندی نیابت وزارت انطباعات را به عهده داشت و با روزنامه های: ملّت سنّیه ایران، ملّتی، ایران، اطلاع، علمی و مرآت السّفر همکاری کرد و ظاهرا خطوط برخی از این روزنامه ها از اوست. پس از آن نزد میرزا عباس خان معاون الملک (قوام الدّوله) و سپس عباس میرزا ملك آرا به منشی گری پرداخت.

هنگامی که میرزا حسین خان مشیرالدّوله (سپهسالار) فرمانروای خراسان بود، او به همراه دایی خود حاج میرزا علینقی مشیر لشکر که وزیر خراسان شده بود به خراسان رفت و به منشیگری مشغول شد. او پس از اینکه به تهران بازگشت، مدتی در وزارت داخله به فعالیت پرداخت، آنگاه به وزارت خارجه وارد شد و در سال ۱۳۱۴ق از طرف ناصرالدّین شاه به لقب «صفاء السلطّنه» ملقب شد و دو سال بعد به نیابت وزارت خارجه منصوب شد.او سرانجام در سال ۱۳۱۸ به عنوان کارپردازی ایران در کربلا به همراه پسرش میرزا عباس خان به کربلا رفت و در ۲۳ ذیقعده ۱۳۱۸ق در کربلا وفات یافته و در ایوان حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام به خاك سپرده شد.

این تألیفات از آثار اوست:

۱. «تحفه الفقرا» که گزارش سفر او از مشهد تا تهران و از راه رباطات به نائین و از آنجا به تهران در سال ۱۳۰۰ق است. نسخه های خطی متعددی از این کتاب در دست است که آقای محمّد گلبن براساس برخی از آنها، کتاب را تصحیح و به عنوان «گزارش کویر» به چاپ رسانیده است.۲. «کنز المعجزات ناصری» که جهت عالم جلیل حاجی سیّد تقی قزوینی تألیف کرده است. این منظومه در سال ۱۳۱۴ق چاپ سنگی شده است.۳. «دیوان مشتاقی» که به خط فرزندش میرزا عباس خان صفاءالسلطنه کتابت شده و در سال ۱۳۲۲ق چاپ سنگی شده است.۴. «تحفه الزائرین» به فارسی، در ادعیه و مناقب معصومین علیهم السلام به فارسی که آن را در سال ۱۲۹۸ق به خط نستعلیق نوشته و در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۳۱۱۸ موجود است.

این کتاب ها به خط نستعلیق او در کتابخانه ها و مجموعه های شخصی موجود است:

۱. «تاریخ طبرستان» به خط نستعلیق خوش در شنبه ۱۱ شعبان ۱۲۹۰ق موجود در کتابخانه سلطنتی سابق۲. «ترجمه تاریخ قیاصره» به خط نستعلیق خوش یکشنبه ۲۱ ربیع الاولی ۱۲۹۶ق موجود در کتابخانه سلطنتی سابق۳. «صد کلمه» مترجم به خط نستعلیق متوسط در رجب ۱۲۷۴ق موجود در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران۴. «قطعه شعری در مدح مظفرالدّین شاه» به خط نستعلیق متوسط در سال ۱۳۱۵ق موجود در کتابخانه آقای سلطان القرائی در تهران۵. «حدائق السحر» که به چاپ سنگی رسیده است.۶. «رساله فیضیه» که چاپ سنگی شده است.۷. «کلیات سعدی»۸. «دیوان حافظ»۹. «دعای صباح»۱۰. «ترجمان الحق» تألیف: میرزا محمّد مجتهد (پدرش) ۱۱. «مقامات حریری» و «مقامات حمیدی» ۱۲. «نصایح الملوک» ۱۳. «گلشن راز» ۱۴. «شرح دعای صباح» ۱۵. «منظومه «فرخ و گلرخ رومی» ۱۶. دیباچه «یوسف و زلیخا» منسوب به فردوسی ۱۷. «دیوان ناصر خسرو» و چند اثر دیگر.

این دو بیت از اشعار اوست:

به گرد خوان لئیمان مرا حواله نکرد رهین منّت دونان نخواست یار مرا

ز آب دیده کنار ار کنم چو رود رواست که عنقریب کشد خاک در کنار مرا(۱)]

۱- سفرنامه کویر: مقدمه، صص نه سیزده و ۱۸-۲۲؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، صص ۴۸۸-۴۹۰؛ تذکره سخنوران نائین، ص۱۲۵؛ نائین بلده طیبه، صص ۱۰۴-۱۰۹؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۴۷۶؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۳، صص ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶؛ الذریعه، ج۳، ص۴۳۹؛ فهرست مختصر مجلس، ص۱۴۱؛ فهرست الفبائی رضوی، صص ۱۱۳ و ۴۷۳؛ فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۷۱ و ج۳، ص۱۷۴۵؛ حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۶۴۵؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۴، صص ۳۹۹ و ۴۰۰.

علی اُسواری اصفهانی

ابوالحسن علی بن محمّد بن هیثم اُسواری اصفهانی، زاهد صوفی [از محدّثین و عرفای قرن پنجم هجری.] کثیر الحدیث بوده و از ابوبکر احمد نهردیری و دیگران نقل حدیث کرده و عبدالرّحمان بن محمّد و اسحاق بن عبدالوهاب بن منده از او روایت می کنند.

وی در سال ۴۳۷ق وفات یافته است.(۱)

علی برزگر دستگردی

علی وحید دستگردی متخلّص به «برزگر» فرزند محمّد. متولّد ۱۳۱۶ش در دستگرد خیار از توابع اصفهان. عضو انجمن ادبی سرای سخنوران [و انجمن های ادبی: صائب، سعدی، حکیم نظامی، حافظ، خانه هنرمندان. از نوجوانی به سرودن شعر و حضور در مراسم تعزیه پرداخته و از راه کشاورزی امرار معاش کرده است.] از آثار او مجموعه شعر: ۱. «خوشه ای از خرمن» در سال ۱۳۵۴ش [۲. «بهارستان برزگر» در سال ۱۳۷۸ش] به چاپ رسیده است. [«بهار آزادی» و «خوشه دیگر بهارستان» هم از کتاب های اوست.]

از اوست:

هر دل که شود ز نور ایمان زنده شک نیست که چون مهر شود تابنده

۱- معجم البلدان، ج۱، ص۲۹۱.

آزاد چو من زیست به عالم هرکس بر درگه مرتضی علی شد بنده(۱)

شیخ علی رودسری گیلانی

شیخ علی بن محمّد رودسری گیلانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۷۵ق از کتابت نسخه ای از کتاب «اصول کافی» در اصفهان فراغت حاصل نموده و حواشی با رمز «ح ق»، «صالح»، «میرزا رفیعا» نشان دارد. نسخه به شماره ۲۷۰ در کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد مشهد مقدّس موجود است.(۲)

علی زمانی سودرجانی*

حاج علی زمانی سودرجانی متخلّص به «زمانی» فرزند محمّد. از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۷ش متولّد شد. او تا ششم ابتدائی تحصیل کرده و پس از سال ها کار در کارخانه سیمان سپاهان بازنشسته شد. از سال ۱۳۵۰ش به بعد به سرودن شعر پرداخته و اشعارش اغلب اشعار مذهبی است. این دو بیت در مدح امام زمان (عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف) از اوست:

عمریست که اندر ره سودای تو هستیم اندر طلب روی دل آرای تو هستیم

در پرده غیبت شده ای نور هدایت از دور همه محو تماشای تو هستیم(۳)

علی شاهین بَرزانی

مشهدی علی بَرزانی اصفهانی متخلّص به «شاهین» فرزند محمّد، از شعرای معاصر

۱- خوشه ای از خرمن: مقدّمه؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۱۱۴.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۳۷۳.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۳۳۶.

اصفهان و از اهالی قریه «بَرزان» بود. اگرچه تحصیلاتی نداشت به مقتضای استعداد ذاتی گاهی اشعاری می سرود و دیوان اشعار او حدود سه هزار بیت شعر داشت. او به شغل ماست بندی روزگار می گذراند. این بیت از اوست:

بر در میخانه سرمستم گذارا دوش بود بر فلک از میخواران فریاد نوشانوش بود(۱)

سیّد علی طباطبائی اصفهانی*

سیّد علی بن ضیاءالدّین محمّد طباطبائی اصفهانی، از فضلاء قرن دوازدهم هجری است. او نسخه ای از کتاب «تهذیب الاحکام» تألیف: شیخ طوسی را در جمعه غرّه ربیع الاوّل ۱۱۱۶ق کتابت کرده است. نسخه از آغاز کتاب تا آخر زیادات کتاب الصلاه را شامل است. این نسخه در کتابخانه علاّمه مفضال حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۲)

شیخ علی مدرس یزدی

شیخ علی مدرّس یزدی فرزند آقامحمّد [مسگر یزدی.] عالم فاضل محقّق، زاهد متّقی [از علمای عالیقدر اصفهان در قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۷۸ق در یزد متولّد شده و از سن ۷ سالگی تحصیل را آغاز کرد و پس از طی مقدمات به فراگیری ادبیات عرب و منطق مشغول شد و سپس تحصیل فقه را آغاز کرد و در محضر علمای یزد از جمله سیّد علی مدرس یزدی حاضر گردید. در سال ۱۳۱۰ق به اصفهان آمد و در درس خارج عالم جلیل القدر شیخ مرتضی ریزی حاضر شد و به مقام عالیه اجتهاد نائل شد.(۳)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۶۵.

۲- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۱۷۸.

۳- النجوم السرد، صص ۴۲۵ و ۴۲۶؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۶۱۱.

او تمام سطوح فقه و ادبیات عرب را در مدرسه صدر اصفهان تدریس می فرموده و عدّه ای کثیر از محضرش مستفید می شدند.

[در تدریس صدای خوش و رسائی داشت و صدای خوب او هنگام تدریس در تمام صحن حیاط مدرسه صدر طنین انداز می شد تا جائی که این شعر زبانزد طلاب اصفهان بود:

واقعا مدرسه صدر صفائی دارد بلبلی شیخ علی نام نوائی دارد]

تصحیح برخی از مجلّدات «بحارالانوار» به سعی ایشان انجام یافته است. او عمری را به قناعت و زهد و استغنای طبع گذرانید و از راه تصحیح کتب اعاشه می فرمود. [سرانجام] در جمعه ۱۵ شعبان ۱۳۵۳ق وفات یافته و در یکی از اطاق های شمالی تکیه بروجردی در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.(۱)

[مادّه تاریخ وفات او را عالم فرزانه میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی سروده است:

پا از ادب نهاد «معلم» درون و گفت: «رفت از جهان مدرس یزدی بسا فسوس»

و شیخ عبدالجواد خطیب نیز گوید:

نوشت از پی تاریخ آن «لسان الدّین»: «علی مدرس بخلد مأوا کرد»]

معین الدّین علی معلّم یزدی

معین الدّین علی معلّم بن جلال الدّین محمّد یزدی [از مورخان و ادبای قرن هشتم هجری] از شاگردان قاضی عضدالدّین ایجی است. در ۷۴۵ق در کرمان و در ۷۵۸ق در اصفهان بوده و کتاب «مواهب الهی» را شروع نموده و در ۷۸۹ق فوت شده است. کتاب «مواهب الهی» در تاریخ آل مظفراست و تا سال ۷۶۸ق را شامل می شود. «اساس

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۷؛ هفته نامه ندای یزد، شماره ۵۲۵، مهرماه ۱۳۷۵، ص۳؛ بوستان فضیلت، صص ۱۱۹-۱۲۹.

السلطنه»، «ترجمه رشف النصائح الایمانیّه» و «نزهه السرور» هم از تألیفات اوست.(۱)

وی گرچه اصفهانی نیست ولکن چون شروع کتابش در اصفهان شده و چندین مرتبه به اصفهان به عنوان مأموریّت و یا همراه با امیر مبارزالدّین آل مظفر بدین شهر آمده، نامش ذکر شد.

[علاوه بر ادب و تاریخ، در تمامی علوم زمان خود اعم از عقلی و نقلی مهارت داشته و در سال ۷۵۵ق به امر امیر مبارزالدّین محمّد مدرس دارالسّیاده میبد شد. شاه شجاع در درس او حاضر می شد. او در سال ۷۶۰ق واسطه میان شاه شجاع و برادرش شاه محمود شد و آنها را صلح داد.

معین الدّین در محلّه اهرستان یزد مسجدی ساخت و پس از وفات در آن مسجد مدفون شد. در نظم و نثر ماهر بود. این بیت از اشعار اوست:

خون می چکدم به جای آب از دیده کار من و دل هست خراب از دیده

برخیز و بیا که تا تو رفتی رفته است رنگ از رخ و صبر از دل و خواب از دیده(۲)]

در تذکره عرفات العاشقین اشعار فوق به شاعری به نام «معین الدّین دادا» نسبت داده شده است و واله داغستانی او را از متوطّنین یزد نوشته است.(۳)

۱- تاریخ یزد (جعفری) ، ص۲۳۶.

۲- تاریخ نظم و نثر، صص ۱۸۴ و ۱۸۵؛ تذکره شعرای یزد، صص ۱۳ و ۱۴؛ دائره المعارف فارسی (مصاحب) ، ج۲، بخش دوم، ص۲۸۱۲.

۳- تذکره عرفات العاشقین، ج۶، ص۳۵۳۶؛ تذکره ریاض الشّعراء، ج۴، ص۲۰۴۳.

علی موسوی*

علی بن محمّد موسوی، از کاتبان اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. او در چهارشنبه ۱۰ شوال ۱۲۶۸ق از کتابت نسخه ای از کتاب «عیون الاصول» تألیف: ملاّ محمّدمهدی کلباسی (به خط نسخ خوش) فراغت یافته است. این نسخه به شماره ۱۲۲ در کتابخانه آیت اللّه جلیلی در کرمانشاه موجود است.(۱)

شیخ علی نخجوانی

شیخ علی بن محمّد نخجوانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری و از شاگردان و مجازین از سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی می باشد. و سیّد شفتی در اجازه ای که برای او نوشته از او به عنوان «العالم الفاضل الکامل عزیزنا شیخ الاجل الاعز الاکمل» یاد کرده است.

نخجوانی جهت تحصیل در اصفهان ساکن بوده است.(۲)

میرزا علی انصاری

حاج میرزا علی انصاری ملقّب به «امین الوزاره» فرزند محمود [مشهور به میرزا آقاسی اصفهانی]، فاضل و ادیب شاعر [از دانشوران قرن سیزدهم هجری در ۲۲ شوال ۱۲۴۸ق در اصفهان متولّد شده و با دوست شفیق و یار و رفیق خود میرزا ابوالحسن جلوه در خدمت میرزا حسن نوری حاضر شد و همچنین] از شاگردان ملاّ عبدالجواد مدرس خراسانی [است.]

۱- فهرست جلیلی، ص۱۹۱.

۲- الذریعه، ج۱، ص۱۵۷؛ الکرام البرره: مخطوط؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۵۲ و ۲۵۳.

[پس از آن به شیراز رفته و نزد ظل السّلطان (فرزند ناصرالدّین شاه) به خدمات دیوانی مشغول شد ولی پس از عزل ظل السّلطان از حکومت فارس، به همراه او به اصفهان آمد و به امور دیوانی پرداخت تا اینکه] در [۱۳ محرّم] سال ۱۳۰۵ق [بر اثر بیماری ایلاوس (=قولنج روده ای)] وفات یافت.

[او مردی نیکخواه و بخشنده بود و برای رفع گرفتاری مردم و کمک به نیازمندان کوشش بسیار می نمود. فرزندش میرزا حسن خان جابری انصاری از ادباء و مورّخین معروف اصفهان است. میرزا محمّدحسن عنقا این مصرع را مادّه تاریخ فوت او یافته است:

«شده جنّت مقامی انصاری»

و شوریده شیرازی هم گفته است:

یازده تن به علی یار شدند و گفتند: «سوی انصار علی شد علی انصاری»(۱)

این شعر از حاج میرزا علی انصاری است:

تا خاک رهگذار تو باشد نشست ما برتر ز نُه رواق بود جای پست ما

ما پا نهاده ایم به دوش جناب عشق دست کسی کجا برسد فوق دست ما

در جام می چو باده وحدت فکنده اند زین مِی رواست، ساقی اگر هست مست ما

ما با فنا خوشیم و چو عود اندر آتشیم در نیستی نمود کند بود و هست ما

گفتیم صد هزار بلی در ملا و باز هر دم صلا زنند به هستِ الست ما(۲)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳؛ تاریخ اصفهان (جابری) : مقدمه مصحح و صص ۹۶ و ۲۸۷؛ مختاری نامه، ص۱۳.

۲- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) .

علی مدینی

ابوالحسن علی بن محمود بن علی بن مالک بن اخطل مدینی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] ثقه و کثیر الحدیث بوده و مؤلف «اصول» و کتاب های دیگر در حدیث است. عاقبت بعد از سال ۳۶۰ق وفات یافت.

از محمّد بن ابراهیم بن عامر بن ابراهیم مؤذّن مدینی و ابومحمّد عبدالرّحمان بن حسن بن موسی ضرّاب روایت نموده و حافظ ابونعیم اصفهانی از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

علی باب الدّشتی اصفهانی

علی بن محمود بن حاجی محمّد معلم باب الدّشتی اصفهانی [از کاتبان قرن دهم هجری] در سوم صفر ۹۵۹ق به خط نسخ نسخه ای از کتاب «المنتخب من مسائل الخلاف» یا «منتخب الخلاف» تألیف: شیخ ابوعلی فضل طبرسی را نوشته است. میکروفیلم این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

ظهیرالدّین علی تفرشی*

ابوالفیض مولی ظهیرالدّین علی تفرشی اصفهانی فرزند ملاّ مراد بن علیخان تفرشی، عالم فاضل، فقیه متکلم، حکیم محقّق، فیلسوف مدقّق و ادیب شاعر، از دانشمندان عهد صفویه.

پدرش از مدرسین علوم دین و حکمت در اصفهان بوده و خود او نزد پدر و علمای اصفهان تحصیل کرد و از طرف شاه سلیمان به منصب وزارت و پیشنمازی ولایت

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۹.

۲- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۳۸۹.

گرجستان منصوب شد و به همراه شاه نظرخان والی کاخت راهی آنجا شد.(۱)

در تفلیس با یکی از مبلغین مسیحیت با نام «پادری گبرائیل افرنجی» (که در اصفهان به تبلیغ مسیحیت مشغول بود و کتابی به فارسی در ردّ دین اسلام نوشته بود و برای بحث با ظهیرالدین به تفلیس آمده بود) مناظره کرد. سپس در تبریز کتابی به عربی به نام «نصره الحق» در ردّ عقاید «گبرائیل افرنجی» نوشت و چندی بعد به خواهش شاه سلیمان آن را به فارسی ترجمه کرد.(۲)

وی پس از بازگشت از گرجستان، مدتی در تبریز بود. در سال ۱۰۸۶ق در قزوین و در سال ۱۰۹۶ق در مشهد مقدس بود.

میرزا محمّدعلی حزین لاهیجی که در کودکی (حوالی سال های ۱۱۰۶ تا ۱۱۰۹ق) به همراه پدر به منزل او می رفته است از او چنین یاد می کند: «... به ذکاء و حدّت فهم و استقامت طبع و جامعیّت فنون علمیّه خصوصا علم حساب و هندسه و هیأت موصوف و بین الافاضل به تبحّر معروف، طبعش محک ناقص و کامل و نقّاد رایج و کاسد، ردّ و قبول او را مسلّم می داشتند.»

حزین اشاره می کند که در اواخر عمر از مناصب دولتی و معاشرت با مردم کناره گرفته و فقط جمعی از خواصّ دوستان در منزلش با و ملاقات می کرده و از فیض سخن او کامیاب می شده اند.(۳)

تاریخ دقیق تولّد و وفات او به دست نیامد. امّا ظاهرا تا سال ۱۱۱۰ق زنده بوده است. از فرزندان او تنها از دختری اطلاع داریم که مادر محمّد مؤمنا تفرشی بوده و شاه سلطان حسین طی فرمانی مقداری از نقد و جنس برای او و سایر نوادگان مقرری برقرار

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۴۴.
۲- نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران، صص ۴۸۶ و ۴۸۷.
۳- تذکره المعاصرین حزین، ص۱۱۸.

نموده است. این فرمان نزد امام جمعه تفرش موجود بوده است.(۱)

مولی ظهیرالدین چندین کتاب را کتابت کرده است. از جمله کتاب «شفا» که در کتابخانه امام جمعه تفرش وجود دارد. همچنین نسخه ای از «تعلیقه السجادیه» را در سال ۱۰۹۳ق به خط نسخ کتابت نموده که به شاره ۳۹۵۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «اثبات الواجب» به عربی که مؤلف در تعقیب بحث های ملّا میرزا شیروانی و آقا حسین خوانساری نوشته و از گفته های شیروانی خرده گیری می کند. نسخه ای از آن در ضمن مجموعه شماره ۱۳/۱۳۰۹ کتابخانه آیت اللّه مرعشی وجود دارد که در ربیع الثّانی سال ۱۱۲۸ق به خط نسخ نوشته شده است.(۳) در همان کتابخانه نسخه دیگری از «اثبات الواجب» در مجموعه ای به شماره ۱۱/۱۲۹۹۷ موجود است که در سال ۱۲۷۹ق کتابت شده است.(۴) ۲. «انوار القرآن و مصباح الایمان» در تفسیر قرآن که در سال ۱۰۸۳ق تألیف نموده و در آن از «صافی» فیض کاشانی مطالب زیادی نقل کرده است. نسخه ای از آن نزد میرزا عبداللّه افندی اصفهانی موجود بوده است.(۵) ۳. «ترجمه نصره الحق» که آن را به درخواست شیخ محمّدباقر اصفهانی کربلائی از عربی به فارسی برگردانده است نسخه ای از آن به خط نستعلیق سیّد محمّدمهدی بن سیّد طالب علی که در ۱۱ جمادی الاولی ۱۲۹۹ق کتابت شده است به شماره ۱۰۵۹۸ در کتابخانه مجلس

۱- سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان، صص ۲۰۳ و ۲۰۴.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص۲۹۵۲.

۳- فهرست مرعشی، ج۴، صص ۱۸۹-۱۹۳.

۴- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۹۷۸.

۵- الذریعه، ج۲، ص۴۳۸.

شورای اسلامی موجود است.(۱) ۴. «جواب الشّبهتین» که به عربی نوشته و در محرم ۱۱۰۴ق از آن فراغت یافته است. این نسخه به شماره ۴۴د در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران موجود است.(۲) ۵. «چمن سخن» که مهدی حسینی در آخر ذیحجه ۱۰۹۲ق آنرا کتابت کرده است و به شماره ۸۴/۱۳۴۴۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳) ۶. «دیوان اشعار» که نسخه ای از آن در دست نیست ولی برخی از ابیات او در تذکره نصرآبادی و تذکره حزین نقل شده است.(۴) ۷. «شبنم شاداب» یا «باغ و بهار» در تعریف عباس آباد جدید، به نثر که نسخه ای از آن به خط شکسته زیبای میرزا حسن کرمانی در کتابخانه ملّی ملک موجود است.(۵) همچنین نسخه ای در کتابخانه ملّی و نسخه ای در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. نسخه اخیر را احتمالاً شخصی به نام «محمّد» در بهمن آباد به سال ۱۱۳۳ق به خط نستعلیق کتابت کرده است و در شماره ۴۱۱۸ در آن کتابخانه وجود دارد.(۶) این کتاب در لکهنو هندوستان در سال های ۱۸۷۷ و ۱۸۹۹ و ۱۹۱۳ق به همراه «فرهنگ نایاب» چاپ سنگی شده است.(۷) ۸. «فرهنگ نایاب» ۹. «المحاسن» که در سال ۱۰۹۶ق در مشهد مقدس نوشته و به شماره ۸۹۴۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۸) ۱۰. «المطالع و المغارب» به فارسی که در روز ۲۰ محرم ۱۱۱۴ق ضیاءالدّین بن محمّدمسیح حسینی خورزنی (شاید: خورزانی؟) کتابت شده و در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۹) ۱۱. «منشآت» که تعدادی از آنها در «مجمع الافکار»

۱- فهرست مختصر مجلس، ص۱۶۹.

۲- فهرست ادبیات تهران، ج۱، ص۱۳۶.

۳- فهرست مجلس، ج۳۶، ص۳۸۸.

۴- الذریعه، ج۹، ص۶۵۸.

۵- فهرست ملک، ج۷، ص۱۹.

۶- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۳، ص۳۰۹۹.

۷- الذریعه، ج۲۴، ص۵۳.

۸- فهرست مرعشی، ج۲۳ ، ص۱۱۸.

۹- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۳، ص۳۲۸۲؛ الذریعه، ج۲۱، ص۱۷۱.

تألیف محمّدحکیم هندی نوشته شده و به شماره ۲۱۰/۱۴۲۰۹ در کتابخانه مجلس موجود است.(۱) ۱۲. «نصره الحق» که آن را در پاسخ به مبلغ مسیحی «گبرائیل افرنجی» به عربی نوشته است. نسخه ای از آن به شماره ۵۴/۲۴۴ در کتابخانه سالتیکف شچدرین در روسیه موجود است.(۲) نسخه دیگری هم به شماره ۲۵۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد.(۳) ۱۳. کتابی در «هیأت» ۱۴. «حاشیه انوار التّنزیل» در کتابخانه علاّمه علی اکبر دهخدا به شماره ۶/۲۸۳ موجود است.(۴) ۱۵. «دیباچه هفت بند» غیاث الدین محمّد علوی اصفهانی (خیال) (۵) ۱۶. «جُنگ» مجموعه ای ارزنده که در یکی از بندهای آن تاریخ شنبه ۳ رمضان ۱۰۹۶ق در مشهد مقدس دارد.(۶) ۱۷. «ردّ بر رساله آصفیّه» ملاّـ میرزا شیروانی (که احتمالاًـ همان «اثبات الواجب» است که آن را در هنگام بازگشت از زیارت مشهد مقدس رضوی در اوقات اقامت در قم نوشته و بعدا در ضمن «جُنگ» خود قرار داده و در کتابخانه حاج سیّد مهدی لاجوردی قمی قرار داشته است.(۷)

این شعر از اوست:

عرفان به گفتگو نگشاید نقاب را مینا ز سرمه کنند این نقاب را

ناراست را ز مالش دوران گریز نیست از رشته پیچ و تاب برد پیچ و تاب را

گو میرد از خمار و نبیند کسی به چشم ابرو بلند کردن موج سراب را

میخانه را ز مدرسه نتوان شناختن از بس که رهن باده نمودم کتاب را(۸)

۱- فهرست مجلس، ج۳۸، ص۳۰۳.

۲- نسخه های خطی، ج۸، صص ۱۰۷-۱۰۹.

۳- فهرست الفبائی رضوی، ص۵۸۳.

۴- نسخه های خطی، ج۳، ص۴۱۹.

۵- تذکره المعاصرین، ص۱۵۲.

۶- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص۱۱۴.

۷- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص۱۱۴.

۸- سایر منابع: صحف ابراهیم، صص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ الکواکب المنتشره، ص۴۰۵؛ تذکره غنی، ص۸۵؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۷۷؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۵۵؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، صص ۶۱۱ و ۶۱۲.

سیّد علی خلیفه سلطان

سیّد علی بن سیّد مرتضی بن نواب میرزا سیّد علی بن سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان حسینی، عالم فاضل [از علمای اوایل قرن دوازدهم هجری] مدفون در قبرستان ستّی فاطمه اصفهان.(۱)

استاد سیّد علی ظهیر*

استاد میر سیّد علی ظهیر معروف به «ظهیرالاسلام» فرزند سیّد مرتضی ظهیرالاسلام بن حاج سیّد علی زنجیره فروش بن آقا سیّد محمّد موسوی اصفهانی، از خوشنویسان هنرمند معاصر اصفهان است. در سال ۱۳۲۱ش در محله شیش بیدآباد اصفهان متولّد شد. نیای مادری او میر سیّد محمّدمهدی خلیقی پور از اساتید مسلّم خوشنویسی اصفهان و پدرش از وعاظ مشهور اصفهان است. او با سفارش آنها به خوشنویسی روی آورد و پس از تحصیلات ابتدائی، هنگامی که در مقطع متوسّطه تحصیل می کرد. نزد استاد حبیب اللّه فضائلی به مشق خط پرداخت. او پس از اتمام تحصیلات خود، باتوجّه به ذوق هنری و مهارت در خطاطی، طراحی و نقاشی به استخدام آموزش و پرورش درآمده و به عنوان دبیر هنر به تدریس در مدارس و مراکز تربیت معلّم مشغول شد و برای این آموزشگاه ها نیز دوره های خوشنویسی را برگزار نمود. استاد ظهیر سال ها نزد استاد فضائلی خطوط نسخ، نستعلیق و کتابت نستعلیق را آموخت و دوره عالی را طی نموده و در سال ۱۳۶۴ موفق به اخذ ممتاز گردید. او سال ها در انجمن خوشنویسان اصفهان به آموزش خوشنویسی به علاقمندان مشغول است و صدها شاگرد هنرمند از او تعلیم دیده اند.(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۳۸؛ مزارات اصفهان، ص۲۵۲.

۲- زندگینامه دست نویس استاد ظهیر به قلم خودشان، تابستان ۱۳۸۷.

او هنرمندی وارسته و متواضع و صاحب خلق نیکو است و هنر را وسیله ای برای تعالی و رسیدن به قرب خدا می داند.

سیّد علی موحد ابطحی*

سیّد علی موحّد ابطحی فرزند سیّد مرتضی، عالم فاضل جلیل، معاصر در سال ۱۳۵۹ق (مطابق با ۱۳۱۹ش) در اصفهان متولّد شد. مقدّمات علوم تا پایان شرح لمعه را نزد پدر، شرایع را نزد میرزا محمّد طبیب زاده، رسائل را نزد حاج شیخ محمّدحسن نجف آبادی و هیأت را نزد مرحوم مجدالعلماء فراگرفت. همچنین طب قدیم را نیز از پدرش فراگرفت.

در سال ۱۳۷۹ق (۱۳۳۹ش) جهت تحصیل به قم مشرف شده و جلد اوّل کفایه را نزد شیخ محمّد مجاهدی و جلد دوم آن را نزد حاج سیّد محمّدباقر سلطانی و منظومه را نزد شیخ عبداللّه جوادی آملی، حاج آقا مصطفی خمینی و اسفار را از علاّمه سیّد محمّدحسین طباطبائی آموخت. مکاسب را نزد حاج سیّد محمّدباقر موحد ابطحی (برادرش) فراگرفت.

پس از آن در درس خارج اصول امام خمینی و آیت اللّه حاج شیخ محمّدعلی اراکی و خارج فقه را نزد حضرات آیات: گلپایگانی (حدود ۱۵ سال) و شریعتمداری (حدود ۸ سال) سیّد محمّد داماد (حدود ۸ سال) و برادرش حاج سیّد محمّدباقر موحّد ابطحی آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات خود، در حدود ۱۳۸۲ق (۱۳۴۲ش) به نجف اشرف مشرف شده و نزد آیات عظام: حاج سیّد محمود شاهرودی، حاج سیّد ابوالقاسم خوئی، شیخ حسین حلّی و میرزا باقر زنجانی کسب فیض نمود.

وی در ایّام تحصیل در قم، در ایّام تابستان به اصفهان می آمد و از درس حضرات آیات خراسانی، خادمی و بهبهانی استفاده می نمود.

کتب زیر از ایشان به چاپ رسیده است:

۱. «آیه التطهیر فی احادیث الفریقین» ۴ جلد۲. «الإمام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین» در ۶ جلد که ۴ جلد آن به طبع رسیده است.۳. «حضرت اباالفضل مظهر کمالات و کرامات» در ۴ جلد۴. «الشیعه فی احادیث الفریقین» ۲ جلد۵. «غدیر و چشمه های جوشان ولایت»۶. «از زلال زمزم غدیر»۷. «جلوه های تشیع در مازندران»۸. «حدیث کساء و آثار شگفت»۹. «زیارت عاشورا و آثار شگفت»۱۰. «خورشید خرابه شام حضرت رقیه» ۱۱. «حدیث کساء گوهر پنهان»

همچنین کتاب های: ۱. «شفاء الصّدور فی شرح زیارت العاشورا» تألیف: میرزا ابوالفضل ثقفی طهرانی در ۲ جلد۲. «مفردات مخزن الادویه» تألیف: میرزا محمّد حسین خان عقلی علوی»، در ۴ جلد۳. «قانونچه» را تصحیح و منتشر کرده است.

علی محزون اصفهانی

علی بیرژندی متخلّص به «محزون» فرزند مرتضی، از شعرای معاصر. در عید نوروز سال ۱۳۱۶ش متولّد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه قدسیّه به پایان رسانید. گاهی شعر می سرود و در انجمن ادبی کمال شرکت می کرد. از اوست:

هر شب از هجران رویت ای صنم اختر شمارم اخگر سوزان و اشک بی حساب از دیده بارم(۱)

سیّد علی مهری عرب

سیّد علی بن سیّد مساعد جبل عاملی اصفهانی، معروف به «مهری عرب» و متخلّص به «سیّد» و «مهری». در اواخر عهد صفویّه به اتفاق پدر به اصفهان آمده و در محلّه

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۱۷ و ۴۱۸.

عباس آباد سکونت نموده و کمی فارسی آموخته [است.] شعر می گفته و در آن کلمات فارسی را به سبک و اسلوب عربی استعمال می نمود. و این طرز شعر مورد پسند بسیار واقع شد. پدر و پسر در این شهر وفات یافته اند.(۱)

کتب زیر از اوست:

۱. «دیوان اشعار» که نزدیک به ۵۶۰۰ بیت داشته است به ضمیمه یک «ساقی نامه» عربی فارسی که نام بسیاری از جاهای شهر اصفهان در آن مذکور است به شماره ۳۲۱۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲) ۲. «مثنوی مجمع الشعراء» که در ضمن «دیوان» او در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳) ۳. «مثنوی سراپا» یا «آئینه بدن نما» که نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است. نسخه ای دیگر نیز درضمن جُنگی در کتابخانه آستان قدس رضوی که تاریخ کتابت آن بین سال های ۱۱۱۶ تا ۱۱۲۹ق است و نسخه ای هم در کتابخانه ملّی ملک ضمن جُنگی که در سال ۱۱۹۲ق کتابت شده موجود است.(۴) ۴. «ملمعات»

از اوست:

به روی تازه جوانان به مذهب «سیّد» نگاه، واجب عینی و بوسه تخییری است

علی اصفهانی بغدادی

ابوالحسن علی بن مظفر اصفهانی بغدادی [از محدّثین عامّه اصفهان] از ابی بکر شافعی

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۶۸؛ تذکره روز روشن، ص۷۸۴؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۷۶؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۴۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۹۰؛ منتخب اللطایف، ص۶۲۷؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۴، ص۲۱۸۷.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۱، ص۲۱۷۵.

۳- الذریعه، ج۱۹، ص۲۸۳.

۴- الذریعه، ج۱۹، ص۲۰۴.

روایت می کند و خطیب از وی روایت می نماید.(۱)

میرزا علی کاتب خاتون آبادی

میرزا علی بن مظفر جعفری کاتب خاتون آبادی [از کاتبان و خوشنویسان اوایل قرن یازدهم هجری] در ۲۵ شعبان سال ۱۰۰۹ق جلد سوم «حبیب السیّر» را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۴۴۵۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

سیّد علی قانعی کاشانی*

میر سیّد علی حسینی کاشانی متخلّص به «قانعی» فرزند میرمعصوم، شاعر و ادیب در قرن یازدهم هجری.

در سال ۱۰۴۱ق متولّد شده و در اصفهان علم و ادب آموخت و با صبیه آقا مؤمن مصنّف ازدواج کرد. در اصفهان ساکن بود و در سال ۱۰۷۴ق وفات یافت. دیوان اشعار او حدود چهل هزار بیت است. این بیت از اوست:

از کدورت پاک کن تا می توانی سینه را خاک بر سر می کند آخر غبار آئینه را(۳)

علی منجم اصفهانی*

علی بن معین منجم اصفهانی، از ادباء قرن نهم هجری است. او در ۱۹ ذی الحجه ۸۷۱ق نسخه ای از «کشف الحقایق» تألیف: عبدالعزیز نسفی را به خط نستعلیق کتابت نموده که به شماره ۱۴۹۲۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۴)

۱- میزان الاعتدال، ج۲، ص۲۳۹.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۳، ص۳۴۰۷.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۷۸؛ قصص الخاقانی، ج۲، ص۸۷.

۴- فهرست مختصر مجلس، ص ۶۶۰.

علی اصفهانی

علی بن محمّد مفید اصفهانی، خطاط (در قرن سیزدهم هجری در سال ۱۲۷۲ق) از کتابت نسخه ای از «شمسیه» در طب (به فارسی) تألیف: شمس الدّین بن نعمت اللّه طبیب فراغت حاصل نموده است. نسخه این کتاب در کتابخانه عمومی معارف موجود بوده است.(۱)

شیخ علی مفید

شیخ علی مفید فرزند شیخ مفید، عالم فاضل، حکیم زاهد محقّق، از مدرّسین مدرسه صدر. در جمادی الاولی سال ۱۳۴۵ق وفات یافته و در تخت فولاد پای دیوار بقعه آقا محمّد بیدآبادی مدفون گردید.(۲)

سیّد علی جواهررقم تبریزی*

سیّد علی بن محمّد مقیم تبریزی، خوشنویس و شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. نواده میرشاهمیر از سادات حسینی تبریز و از اهالی محلّه عباس آباد اصفهان بود، پدرش از خوشنویسان خط نستعلیق بود. او و پدرش به هندوستان رفتند. سیّد علی به معلّمی عالمگیر گماشته شد و شاه جهان پادشاه گورکانی هند به او لقب «جواهررقم» داد و چندی بعد در دربار عالمگیر به لقب «خان» و عنوان «هزاری» و سپس «خدمت نویسی» مفتخر گردیده و کتابدار کتابخانه سلطنتی هند شد. او از کسانی بود که در سفر عالمگیر به کشمیر، دکن و سایر مناطق هند در رکاب پادشاه به سفر می رفت. وی سرانجام پس از

۱- فهرست معارف، ص۱۶۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۳۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۲۳۰ و ۲۳۱.

یک بیماری در سال ۱۰۹۴ق در اورنگ آباد وفات یافت. جنازه او به شاه جهان آباد حمل و همانجا دفن شد.

در خط نستعلیق استادی توانا بوده و نزد پدر مشق خط کرده بود و شعر را نیکو می سرود و به نام خود (علی) تخلّص می کرد. از او ده ها قطعه خوشنویسی در کتابخانه سلطنتی تهران، موزه دولتی افغانستان در کابل، موزه باستان شناسی دهلی، کتابخانه آقای سلطان القرائی در تبریز، موزه آثار اسلامی ترک در استانبول، کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران و مجموعه مهدی بیانی در تهران موجود است. این بیت از اوست:

چه جلوه بود که در صحن باغ پیدا شد که شاخ گل قفس بلبلان شیدا شد(۱)

علی خطیبی اصفهانی

ابوعلی علی بن منصور بن عبیداللّه خطیبی اصفهانی معروف به «اجل»، ادیب، نحوی، لغوی و فقیه شافعی در قرن ششم هجری. در سال ۵۴۷ق در بغداد متولّد شده و در مدرسه نظامیه به تحصیل پرداخت. در زمان خود اعلم و افقه از او کسی نبود. خصوصا در لغت کسی را با وی حدّ برابری نبود و اکثر کتب لغت، اشعار و اخبار و کتب دیگر را حفظ بود. [در سال ۶۲۲ق وفات یافت.]

از اشعار اوست:

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۹۸ و ۲۹۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، صص ۴۴۷-۴۴۹؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۲، ص۱۰۲۴؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۸۶ و ۱۸۷؛ کلمات الشعراء، ص۴۹؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۸۲؛ تاریخ خط و خطاطان، صص ۱۴۳-۱۴۵؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۴۳۵؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۲۵۵؛ الذریعه، ج۹، ص۷۵۳؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۳۶؛ سخنوران آذربایجان، ص۵۵۳؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۹۱؛ اطلس خط، صص ۵۴۰ و ۵۴۱.

لمن غزال یا علی رامه سخا فعاود القلب سکرٌ کان عنه صحا

مقسمٌ بین اضداد فطرته جنح و غرته فی الجنح ضَوء ضحا(۱)

علی ثقفی

علی بن منصور ثقفی اصفهانی [از محدّثین عامّه اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری] ابواسحاق تقی الدّین ابراهیم بن محمّد بن ازهر بن احمد بن محمّد صریفینی عراقی (متوفی ۶۴۱ق در دمشق) از او استماع حدیث کرده است.(۲)

علی اصفهانی

علی بن ملاّ مهدی [اصفهانی]، کاتب نسخ نویس در قرن سیزدهم هجری] در ذیقعده ۱۲۱۵ق نسخه ای از «حاشیه تهذیب» مولی عبداللّه یزدی را در اصفهان به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۱۷۰۷ در کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۳)

میر سیّد علی امام جمعه سدهی

حاج میر سیّد علی امام جمعه سدهی متخلّص به «ضیائی» و معروف به «حاج آقابزرگ» فرزند سیّد محمّدمهدی بن سیّد اسماعیل بن سیّد حسین دیباجی سِدِهی اصفهانی، عالم فاضل و محقّق جلیل، ادیب شاعر جامع معقول و منقول.

در سال ۱۲۶۴ق در سِدِه ماربین [خمینی شهر کنونی] متولّد شده و پس از تحصیل

۱- معجم الادباء، ج۱۵، ص۸۲؛ مدارس نظامیه، ص۱۹۷؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۷۶؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «علی»، ص۱۸۶؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۹۱.

۲- منتخب المختار ذیل تاریخ ابن نجّار، ص۱۴.

۳- فهرست گوهرشاد، ص۲۶۶.

علوم مقدّماتی به اصفهان آمده و در محضر علمای عالیقدر شیخ محمّدتقی آقانجفی، آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی و آخوند ملاّ محمّدحسین فشارکی تحصیل کرده [و از مرحومین آقانجفی و چهارسوقی اجازه دریافت نموده و مورد توجّه آقانجفی بوده و زمانی در محضر ایشان به مشورت در امور فقهی می پرداخته] است.

او در علوم مختلفه از فقه و اصول و حکمت و ریاضی و طب زحمت کشیده و خصوصا در علوم جفر و رمل و اعداد و طلسمات شهرتی داشت. او پس از وصول به مقامات عالیه علم و اجتهاد، به سِدِه مراجعت نموده و مرجع شرعی آن حدود گردیده و به اقامه جماعت مشغول بوده و باقی اوقات را صرف عبادت و تزکیه نفس و تألیف و تصنیف می نموده است.

[در سال ۱۳۰۷ق چند نفر از فرقه بابیّه با بعضی از متّهمین از اصفهان اخراج شدند و ناصرالدّین شاه فرمان عودت آنها را داده و مردم سده به ریاست حاجی آقای سدهی (حاج میر سیّد علی امام جمعه) از آنها جلوگیری و در نتیجه یک نفر بابی و شش نفر از متّهمین کشته شدند. او همچنین در قضایای مشروطه از طرفداران حاج آقا نوراللّه نجفی و از مروّجین فکر مشروطیّت بوده و در این راه تلاش بسیاری به خرج داده بود.] امام جمعه سدهی سرانجام در دوشنبه ۱۰ صفر المظّفر ۱۳۵۸ق وفات یافته و در انتهای شبستان مسجد جامع فروشان سده مدفون شد.

فرزندش حاج سیّد حسن امام جمعه معروف به «حاج آقا امام سدهی» جهت او مرثیه ای سروده که بر سنگ مزارش نقر گردیده و دو بیت از آن چنین است:

پیچیده دست گلچین اجل در فصل فروردین بیفکنده قضا نخلی ز پا از جویبار دین

ز روح پنجمین جستم مدد گفتا به تاریخش: «علی آن سائل شرع نبی شد سوی علیین»

وی را کتب و رسایل عدیده ای است که از آن جمله است:

۱. «رساله در اخلاق»۲. «رساله در تقلید»۳. «رساله در خیارات»۴. «رساله در ادعیه»۵. «رساله در شرط ضمن عقد»۶. «رساله در صلح با حقّ رجوع»۷. «رساله در مقتل»۸. «رساله در منجزات مریض»۹. «رساله در ادعیه و ختوم»۱۰. «رسائلی در فقه» ۱۱. «رسائلی در طب و تجربیات خود» و غیره.(۱)

این شعر از اوست:

بنمای رخ که روی تو امروز دیدنی است ور تلخ گویی، از لب شیرین شنیدنی است

بار فراق تو شکند کوه را کمر امّا به یاد وصل تو باری کشیدنی است

در بوستان روی تو هر گل که بشکفد آن گل به دست مردمک دیده چیدنی است

آن کو درید جامه یوسف نهفته گفت هر جامه ای که عشق ندارد دریدنی است

جان را به آب و دانه دنیا چه پروری کاین مرغ آخر از قفس تن پریدنی است

۱- تذکره القبور یا رجال اصفهان، ص۲۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۱۹؛ خمینی شهر: شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۰۸-۱۱۰؛ نقباء البشر، ص۱۵۴۱؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۴۵۳؛ مخزن الادب (راجی) : مخطوط؛ مکارم الآثار، ج۵، صص۱۷۵۸-۱۷۶۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۸۹؛ حکم نافذ آقانجفی، ص۱۶۸.

علی کسروی اصفهانی

ابوالحسن علی بن مهدی بن علی بن مهدی اصفهانی طبری بغدادی معروف به «کسروی» [نحوی، لغوی، متکلم و فقیه شافعی در قرن سوم و چهارم هجری[خواهرزاده علی بن عاصم بن حریص از علماء و شعراء و نحویّین بوده و در زمان بدر معتضدی در سال ۳۳۰ق در اصفهان وفات یافت. علم کلام را از ابی الحسن اشعری فراگرفته و سعید بن هاشم طبرانی از او روایت می کند.

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «الخصال» و در آن از امثال و اشعار حکم استفاده کرده است.۲. «مناقضات»۳. «الاعیاد و النوازیر»۴. «مراسلات الاخوان و محاورات الخلان»۵. «تأویل الاحادیث المشکلات الوارده فی الصّفات»(۱)

میر سیّد علی درب امامی

میر سیّد علی بن محمّدمهدی موسوی درب امامی اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۶۴ق نسخه ای از «فهرست کافی» تألیف: حاج محمّدجعفر آباده ای را به خط نسخ کتابت نموده و حاجی آباده ای مقابله او را گواهی داده است. این کتاب در مجموعه شماره ۳۲۰۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است و دو کتاب دیگر: «مشیخه من لا یحضره» و «امل الآمل» در این مجموعه نیز به خط همین درب

۱- معجم الادباء، ج۱۵، ص۹۱؛ بغیه الوعاه، ص۳۵۶؛ روضات الجنات، ج۵، ص۱۰۶؛ معجم المؤلفین، ج۷، ص۲۴۷؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۷۰۵؛ ایضاح المکنون، ج۱، ص۲۲۰؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «علی»، ص۲۵۱؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۵۸؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۹۳.

امامی می باشد.(۱)

[اثر دیگر او کتابت «اختیارات» علاّمه مجلسی است که آن را به خط نسخ در ۱۵ ذی الحجّه ۱۲۶۸ق کتابت نموده و ضمن مجموعه ای در کتابخانه اهدائی مرحوم سیّد محمّد صدر هاشمی در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان موجود است.(۲)]

آقا میرزا علی دهاقانی*

آقا میرزا علی دهاقانی فرزند مشهدی میرزا، عالم فاضل متّقی، از علمای اوایل قرن چهاردهم هجری است. در اصفهان نزد جمعی از علمای عالیقدر خصوصا جهانگیرخان قشقائی و آخوند ملاّ محمّد کاشانی کسب فیض نمود. سپس به دهاقان بازگشته و به ارشاد مردم و تبلیغ دین مشغول شد تا اینکه در حدود سال ۱۳۵۵ق (۱۳۱۵ش) وفات یافته و همان جا مدفون شد. او جدّ عالم عالیقدر و فاضل جلیل حاج شیخ نعمت اللّه اسماعیلی دهاقانی است.

میرزا علی مشفقی

میرزا علی مشفقی فرزند مشهدی میرزا، شاعر و ادیب فاضل معاصر [در سال ۱۲۷۹ش در محلّه مسجد حکیم اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخت و نزد حاج آقا رحیم ارباب و سایر علماء کسب فیض نمود و در اغلب علوم زمان چون، ادبیات، ریاضیات، نجوم و تاریخ مهارت یافت و برای تکمیل دانش خود به مشهد مقدّس سفر کرد.] او از آشنایان به علوم ریاضی و دانا به علوم غریبه بود. گاهی شعر

۱- فهرست مرعشی، ج۹، ص۱۲.

۲- نشریه دانشکده ادبیات اصفهان، شماره دوم و سوم، سال ۱۳۴۵، ص۱۵۶.

می سروده و سال ها در انجمن ادبی شیدا شرکت می نمود. [وی در جلسات خصوصی و جلسه هیأت مداحان به تدریس ادبیات و خصوصا ادای صحیح شعر جهت مداحان و شعراء می پرداخت و جمعی از مدّاحان و شاعران اصفهان همچون آقایان عباس گیاهی و مهدی داروغه دفتر (فرزانه) از شاگردان او بوده اند. در فن اسطرلاب نیز مهارت داشت. او سال ها در اصفهان به استخراج تقویم مشغول بود و جدول اوقات شرعی و تقویم او به چاپ می رسید. وفات او در ۱۳ ربیع الثّانی ۱۳۹۹ق (برابر با ۲۱ اسفند ۱۳۵۷ش) اتفاق افتاد و پیکرش در تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون شد.]

کتب زیر از اوست:

۱. «تذکره شعراء اصفهان» مختصر که به خط خود نوشته و به نویسنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی] هدیه کرد.۲. «مخزن المصائب» شامل اشعاری که شعراء در مصیبت سروده اند که در سال ۱۳۳۲ش در اصفهان به طبع رسید.۳. «دیوان اشعار»

[از اوست:

این بارگاه قدس اعلا که جانفزاست دربار پادشاهی سلطان دین رضاست

این خسروی که خفته در اینجا به عزّ و شأن گرد و غبار خاک درش مایه شفاست

این گنبد مَشَیَّد خورشید تابناک بدر الدُّجی و معنی و الشّمس و الضّحاست

«مشفق» به این مقام مقدّس پناه برد اینجا پناهگاه مساکن و اغنیاست(۱)]

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۵؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی؛ هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۱۸۸، در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۷۱، ص۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۷۱۷.

شیخ علی قدیری کفرانی

حاج شیخ علی قدیری فرزند نصراللّه بن قاسم به ملاّ علی بن محمّد بن قدیر کفرانی رویدشتی اصفهانی، عالم فاضل معاصر در اصفهان متولّد گردید و در اصفهان [نزد میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی و شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی] و قم [نزد امام خمینی و دیگران] و نجف خدمت اساتید و آیات عظام تحصیل نموده و با کسب اجازات به اصفهان مراجعت کرده و به وظائف و شئون روحانیت از تدریس و ارشاد و موعظه و امامت در مسجد «الهادی» (واقع در خیابان سیّد علی خان) پرداخته و سرانجام پس از یک بیماری نسبتا طولانی در [۱۲] جمادی الاولی سال ۱۴۰۷ق [مطابق با ۱۶ دی ۱۳۶۵ش] در اصفهان وفات یافته و [در صحن آستانه حضرت معصومه (سلام اللّه علیها)] در قم مدفون گردید. [«حاشیه بر وقایه الاصول» از تألیفات اوست.(۱)]

استاد علی تجویدی*

استاد علی تجویدی فرزند میرزا هادی خان مختار تجویدی بن میرزا محمّدعلی سلطان الکُتّاب اصفهانی، از مشاهیر موسیقی دانان و آهنگسازان معاصر در سال ۱۲۹۸ش در تهران متولّد شد.

پدرش نقاش و موسیقی شناس هنرمند و شاگرد کمال الملک بود و زمینه فعالیت او را در موسیقی فراهم کرد. استاد تجویدی ابتدا نزد استاد پرویز یاحقی و سپس نزد استاد ابوالحسن صبا نواختن ویولن را آموخت و با دستگاه های موسیقی ایرانی آشنا شد. سپس نزد اساتیدی چون روح اللّه خالقی، عبداللّه خان دوامی، اسماعیل خان قهرمانی، اقبال آذر، سلیمان میرقاسمی، طاهرزاده، نورعلی برومند و عدّه ای دیگر به خوبی موسیقی

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۲۸؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۲۰۴؛ تربت پاکان قم، ج۲، ص۱۱۷۷.

را آموخت. استاد تجویدی آهنگسازی خبره و چیره دست بود و ویلن و سه تار را استادانه می نواخت.

همکاری با واحد موسیقی رادیو، همکاری با برنامه گلها و اجرای ده ها اثر ماندگار، آهنگسازی برای بسیاری از خوانندگان موسیقی اصیل ایرانی همچون: استان بنان، استاد قوامی، خواجه امیری، افتخاری و دیگران، تدریس در هنرستان عالی موسیقی دانشگاه هنر و کلاس های خصوصی و نگارش کتاب ۱۰ جلدی: «ردیف و آواز موسیقی سنتی ایران» که ۳ جلد آن به چاپ رسیده است، از مهم ترین فعالیت های استاد تجویدی است.

او هنرمندی متواضع و مردمی و خوش مشرب بود و سرانجام در اسفند ۱۳۸۶ش در تهران دیده از جهان فروبست ودر قطعه هنرمندان گورستان بهشت زهرای تهران در خاک آرام گرفت.(۱)

علی شیرانی (صحّت)*

علی شیرانی بیدآبادی متخلّص به «صحّت» فرزند هاشم بن کربلائی آقا، از شعرای توانای معاصر اصفهان در روز اوّل بهمن ۱۳۲۵ش در محلّه بیدآباد متولّد شد. تحصیلات ابتدائی را در دبستان صدیق اعلم و متوسطه را تا سیکل اوّل در دبیرستان حافظ ابونعیم و تا دیپلم را در دبیرستان کازرونی گذراند. سپس به سربازی رفت. پس از آن به استخدام بانک تجارت درآمد تا اینکه در سال ۱۳۷۷ش بازنشسته شد.

او از حدود ۱۳ سالگی سرودن شعر را آغاز کرد و تحت تربیت دائی خود عیسی قلی

۱- تاریخ موسیقی ایران، صص ۵۹۹ و ۶۰۰؛ نام نامه موسیقی ایران، ج۳، صص ۱۲۹-۱۳۱؛ چهره افروختگان خطه زنده رود، صص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ فرهنگ هنرمندان ایرانی، ص۱۲۵؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۱، ص۴۶۴؛ برگی از باغ، ص۱۹۱؛ مجله ادبستان، سال اوّل، شماره ۲: بهمن ۱۳۶۸، صص ۴۹ و ۵۰؛ مجلّه هنر موسیقی: سال ششم، شماره ۴۵: تیر ۱۳۸۲، صص ۶-۱۰.

شیرانی (متخلّص به «سالم») قرار گرفت. سپس به انجمن ادبی سعدی راه یافت و از راهنمایی استاد طلا‌یی مدیر انجمن برخوردار شد. او در اغلب انجمن های ادبی اصفهان مانند سعدی، صائب، بیدل، دکتر سیاسی، مشتاق، فردوسی، حافظ و حکیم نظامی شرکت نموده و اکنون از اعضای فعّال انجمن ادبی صائب است. در شعر خود را پیرو سبک هندی (اصفهانی) می داند و به شعر صائب و شعرای این سبک اشتیاق فراوان دارد. دیوان اشعار او حدود چهل هزار بیت است ولی به چاپ نرسیده است ولی منتخبی از غزلیات او با عنوان «زلال زمزمه ها» به چاپ رسیده است.

او اوقات فراغت خود را به مطالعه خصوصا کتاب های ادبی و دیوان شعرای دوره صفویه می گذراند و در خط نستعلیق مشق می کند. وی حدود سه ماه نزد استاد فضائلی در خوشنویسی تعلیم دیده است.

این غزل از اوست:

ز موج گریه شد دامان ما گلپوش نیلوفر لبالب بود اینجا برکه ها از جوش نیلوفر

پر از عطر سکوتم با بهار ناله رنگین گل شیپوریش بین و لب خاموش نیلوفر

ز بس پیچیده دود آهم اشکم مانده ناپیدا مرا دریاست پنهان در ته سرپوش نیلوفر

فراتر سبز فکران راست فیض از گنبد نیلی میان آب جز آئینه کو بر دوش نیلوفر

زُلالان سحر سِیرند مست بزم سرسبزان به جز شبنم نغلطد صبح در آغوش نیلوفر

بهاری می کند دل را به پای جان دویدن ها تلاشی سبز دارد جوشش پرکوش نیلوفر

ز عشق است آنچنان در وادی ما عالم آبی که چون ما نیست رود نیل هم فرنوش نیلوفر

به چنگ ناز بگرفتست زلفت گردن دل را که شوخ است و دلآرا شاخ بازیگوش نیلوفر

زَ سُکر آبیش دادند دل را سبزی مینا که در پیمانه ما نیست جز سرجوش نیلوفر

به یاد زلف پرپیچ و خَمَت در خویش می پیچد به غیر از حلقه شوق تو کو در گوش نیلوفر

خط سبز تو شد سطر سخن مستانه «صحّت» را کسی چون او نشد در این چمن مدهوش نیلوفر(۱)

علی اصفهانی

علی بن یحیی بن جعفر اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری] از سلیمان بن احمد طبرانی و ابوالحسن احمد بن قاسم بن ریان (در بصره) روایت نموده و ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی و محمّد بن قیس اسدی از او نقل حدیث کرده اند.(۲)

۱- مصاحبه با آقای علی شیرانی (صحت) در ۱۰ مردادماه ۱۳۸۹ش؛ زنده رود تا حیدربابا، ص۱۳۶؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۴۸۸.

۲- احقاق الحق، ج۸، صص ۵۰۵ و ۴۸۵.

علی طهرانی اصفهانی

علی بن یحیی طهرانی اصـفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن دوم و سوم هجری] از قتیبه بن مهران آزادانی روایت می کند. [او از اهالی قریه «طهران» اصفهان است که امروزه از محلّه های اصفهان است و به «تیران و آهنگران» معروف است.(۱)]

علی بهرامی*

علی بهرامی متخلّص به «بهرام» از شعرای معاصر اصفهان در شرکت پالایش نفت اصفهان به خدمت مشغول است و گاهی شعر می سراید و در شعر از معلومات آقای هادوی فرد (شهیر) بهره برده است. این سه بیت از اوست:

ای غم تو برو ز خانه من آتش مزن آشیانه من

باز آمده ای که خوش نشینی بر سینه پرفسانه من

همراه منی به هر کجا تو ای همسفر شبانه من(۲)

میرزا علی ثابت قهفرخی*

میرزا علی قهفرخی ملقّب به «ثـابت» از عرفاء و متصّوفه قرن سـیزدهم هجری و از اهالی قصـبه «قهفرخ» در چهارمحال بوده و از مشایخ سلسله نعمت اللهی است. شعر می سروده و در چهارمحال به دستگیری و ارشاد طالبین سیر و سلوک مشغول بوده است.

۱- معجم البلدان، ج۴، ص۵۲؛ مقالات ادبی (استاد همایی) ، ص۷۴.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۱۲۱.

او کتابی موسوم به «تراجم» در بیان احوال سلسله تصوف در ۸۷ بیت به نظم کشیده که در کتابخانه آستانه حضرت شاهچراغ در شیراز موجود بوده است.(۱)

استاد علی چاقوساز*

استاد علی اصفهانی، از هنرمندان زبردست دوره قاجاریه است. در اصفهان به شغل چاقوسازی مشغول بوده و چاقوها و قیچی های ساخته او از نظر ظرافت و استحکام شهرت زیادی داشته است.(۲)

سیّد علی حجازی دهاقانی*

حاج سیّد علی حجازی دهاقانی، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۱ش در دهاقان متولّد شده و پس از مدّتی تحصیل، چند سالی آموزگار بوده و در سال ۱۳۲۰ش ضمن تدریس، در کارخانه زاینده رود اصفهان سمت حسابداری کارخانه را به عهده داشت. مردی متدیّن و باتقوا بوده و گاهی شعر می سروده و مجموعه ای از ادعیه و اشعار خود را به خط نستعلیق متوسّط نوشته و به عنوان «بهار قرآن» در سال ۱۳۶۳ش به چاپ رسانده است. از اوست:

به چشمی که شب ها به یادت نخفت به گوشی که حرف تو را می شنفت

به حق زبانی که جز تو نگفت به آن کس که این دُر به یاد تو سفت

مرا در حریم خودت راه ده به دل شوق و بر سینه ام آه ده(۳)

۱- فهرست شاهچراغ، ج۳، ص۱۸.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۳۶۶.

۳- بزم ادب، ص۳۳۴؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۲۰۳.

علی خان بیگ حسرت اصفهانی

علی خان بیگک اصفهانی متخلّص به «حسرت» شاعر ادیب [در قرن سیزدهم هجری] در جوانی به تحصیل پرداخته و سپس به خدمت شاهزاده محمّدرضا میرزا افسر قاجار رسیده و وزارت او را در حکومت طالش و گیلان داشت. اما از آن مقام معزول و به شیراز رفت. امّا سرانجام از طرف دربار قاجار به طهران فراخوانده شده و راهی آنجا شد.

از اوست:

نزدیک تر از جانی و دوری ز بر ما از مایی و از ما به تو بسیار منازل

یکتایی و از توست ظهور همه اشیاء یک شمعی و از پرتو تو نور مشاعل(۱)

سیّد شمس الدّین علی حسینی خلخالی

سیّد امیر شمس الدّین علی حسینی خلخالی [از دانشمندان و فضلای قرن یازدهم هجری و ساکن اصفهان] شاگرد شیخ بهائی، مؤلف: «شرح خلاصه الحساب»(۲) [نسخه ای از این کتاب به شماره ۱۳۷۰۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدّس موجود است.(۳)]

سیّد علی رامشه ای جرقویه ای*

سیّد علی رامشه ای (رامشنی) جرقویه ای معروف به «سَعَری» خوشنویس هنرمند قرن

۱- تذکره دلگشا، صص ۴۰۲ و ۴۰۳؛ تذکره نگارستان دارا، ص۲۳۸؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۲۰۸؛ الذریعه، ج۹، ص۲۳۸؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «حسرت اصفهانی»، ص۵۵۳؛ تذکره اختر، ص۱۴۹؛ تذکره سفینه المحمود، ص۴۱۳.

۲- الذریعه، ج۱۳، ص۲۳۱.

۳- فهرست الفبائی رضوی، ص۳۳۶.

سیزدهم هجری است. خط نسخ را خوش می نوشته و در علم و ادب شاگرد سیّد حسن طباطبائی (ترسای رامشنی) است. از آثار او کتابت قرآن مجید است که در سال ۱۲۹۶ق آن را نوشته است. ظاهرا وی در اوایل قرن چهاردهم هجری در موطن خود روستای «رامشه» از توابع جرقویه اصفهان وفات یافته است.(۱)

شیخ شهاب الدّین علی رجاء*

شیخ شهاب الدّین علی رجاء اصفهانی، از عرفاء و متصوّفه قرن هفتم هجری و از مریدان شیخ شهاب الدّین ابوحفص عمر سهروردی است. ابن بطوطه جهانگرد مراکشی هنگامی که وارد اصفهان شد به خانقاه علی به سهل آمد و با یکی از نوادگان او: شیخ قطب الدّین حسین بن شیخ ولی اللّه شمس الدّین محمّد بن محمود بن شهاب الدّین علی رجاء اصفهانی ملاقات کرد و مورد احترام و پذیرایی قرار گرفت.(۲)

علی رویدشتی

مولانا علی رویدشتی واعظ [از دانشمندان قرن هشتم هجری] از بزرگان دین و در وعظ و خطابه خوش صحبت و متین بود و به غیر از تفسیر و حدیث، شصت هزار بیت فارسی و عربی به یاد داشت. و تمام سلاطین آل مظفر معتقد به او بودند. پس از وفات در مقابر باغ مولائی در خارج یزد نزدیک دروازه کوشک نو مدفون شد.(۳)

۱- گرکویه، (ویرایش دوم) ، صص ۳۱۷ و ۳۱۸.
۲- سفرنامه ابن بطوطه (ترجمه فارسی) ، ج۱، صص ۲۱۲ و ۲۱۳.
۳- تاریخ یزد (جعفری) ، ص۱۶۵.

ملّا علی ریزی*

آخونـد ملّا علی ریزی لنجانی، عالم فاضل و فقیه زاهد، از علمای عالیقدر قرن سـیزدهم هجری و پیشوای دینی مردم قصـبه ریز (زرین شهر فعلی) بوده است. او در برابر قدرتمندان و خوانین محلّی یار و پشت و پناه مردم فرودست بوده و علاوه بر آن مرجع حلّ مشـکلات شـرعی مردم آن ناحیه به شـمار می رفته است. او از رفقاء و دوسـتان حکیم جهانگیرخان قشقائی بوده و پس از فوت، جهانگیرخان بر پیکر او نماز خوانده و او را در زادگاه خود به خاک سپرده اند.(۱)

میرزا علی زرگر تبریزی*

استاد میرزا علی زرگر، از هنرمندان قرن یازدهم هجری و از تبریزیان محلّه عباس آباد اصفهان است که به هنر زرگری در عهد شـاه عبـاس کبیر شـهرت داشت. پسـرش میرزا مقیم جوهری از شـغل پـدری دست کشـیده، به تجـارت مشـغول شـد و از سـفر هندوستان مکنتی اندوخت و در شاعری «جوهری» تخلّص می کرد.(۲)

آقاعلی سیم کش اصفهانی*

آقاعلی سـیم کش، از شـعراء و صـنعتگران هنرمند قرن سـیزدهم هجری است. او به شـغل سـیم کشـی که عبارت از تهیّه سیم و مفتول از فلزات گرانبهاست (طلا و نقره و...) مشـغول بوده و در محله شـیش (شهیش) بیدآباد اصفهان سکونت داشته است. او از افراد خاندان

۱- تاریخ ریز (زرین شهر) ، ص۱۴۹.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۳۷۸؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۹۵.

حـاجی دوست محمّـد (از تجّـار معروف و از مریـدان عالم مجاهـد حاج ملّا محمـد شـفیع خوئی) بوده است. او هرچنـد دیوان اشعاری داشته ولی اثری از آن به جای نمانده است. این شعر از اوست:

شاعری را ایاغ می باید حجره ای رو به باغ می باید

نه که خود را به غصّه بسپردن روی در جِیب غم فرو بردن

یا به اندوه خون دل خوردن سر به دفتر نهادن و مردن(۱)

علی شفیعی نیک آبادی*

علی شـفیعی نیک آبادی، محقّق کوشای معاصر در سال ۱۳۳۲ش در روسـتای یَنگ آباد (نیک آباد کنونی) در جرقویه متولّد شد. وی پس از طی تحصیلات ابتدائی و سربازی به استخدام کارخانه خودروسازی ایران ناسیونال در تهران درآمد و هم زمان بـا کـار، در آموزشـگاه شـیخ بهائی تهران دوره راهنمایی تحصـیلی را طی کرد. در سال ۱۳۵۶ به اصـفهان منتقل گردیـد و در شرکت برق اصـفهان در سـمت تکنیسـین برق فعـالیت نمـود و دوره متوسـطه را در هنرسـتان فنی سـروش گذرانـد او در سـال ۱۳۸۵ش بازنشسته شد.

کتاب «گرکویه، سرزمینی ناشـناخته بر کران کویر» اثر تحقیقی مهم او در شـناخت تاریخ و فرهنگ منطقه جرقویه اصـفهان در سال ۱۳۷۲ به چاپ رسیده و بار دیگر با حجم بیشتر و تحقیقات وسیع تر در سال ۱۳۷۸ چاپ شده است.

این شعر از اوست:

دیری است همگرایی یارانم آرزوست پیوند دشت و گلشن و جانانم آرزوست

۱- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) .

پژمرده گشته باغ دلم زین گسستگی همچون هزار گلبن و بستانم آرزوست

با آن که سرخوشم به نواهای زنده رود پژواک های قاف و زاگرس و تفتانم آرزوست(۱)

علی شیرازی فستجانی

ابوالحسن علی شیرازی فستجانی [از محدّثین عامّه در قرن پنجم هجری است] به اصفهان وارد شده و نزد ابی المظفر عبداللّه بن شبیب ضبی اصفهانی قرآن آموخته و هم در این شهر وفات یافته است.(۲)

دکتر علی صادقی

دکتر علی صادقی، از پزشکان معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۱ش متولّد شده و دوره متوسطه را در اصفهان تحصیل کرد. سپس به دانشکده پزشکی اصفهان رفته و با اخذ درجه دکترا از آن فارغ التحصیل شده و به تدریس در دانشکده پزشکی اصفهان پرداخت.

کتاب های «تشخیص بالینی سمیولوژی و غدد مترشّح داخلی» و «بیماری های کلیه» از تألیفات اوست.(۳)

۱- گرکویه سرزمینی ناشناخته بر کران کویر، ص۳۹۷.

۲- معجم البلدان، ج۴، ص۲۶۱.

۳- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، ص۸۴.

سیّد علی صوتی یزدی

میر سیّد علی صوتی یزدی، از شعراء و موسیقیدانان قرن یازدهم هجری. در فن موسیقی وارد بوده و سفری به حجاز نموده و سپس به هند رفته، مقتضی المرام به ایران بازگشت و مورد عنایت شاه عباس دوم قرار گرفته و سرانجام در سال ۱۰۷۸ق در اصفهان وفات یافته است.

از اشعار اوست:

از وجود من وجود هر گناهی قائم است می توان گفتن مرا پروردگار معصیت(۱)

علی صورتی اصفهانی*

مولانا علی صورتی اصفهانی، از شعرای اصفهان در اواخر دهم هجری است. در اصفهان به معرکه گیری و صورت خوانی مشغول بود و «صورتی» تخلّص می کرد و صورت خوانی عبارت از نمایش صور ملائکه و عاصیان و شرح ماجرای آنها در حشر است.

علی صورتی، در عمر خود به فراق ناشی از مرگ فرزندش محمّدرضا مبتلا شد.

این شعر از اوست:

من آن صیدم که تیری خورده باشد من آن شامم که صبحش مرده باشد

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۱۱؛ جامع مفیدی، ج۳، صص ۴۴۰ و ۴۴۱؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۷۳؛ آتشکده یزدان، ص۳۰۳؛ آینه دانشوران، ص۱۴۴؛ تذکره شعرای یزد، ص۹۵؛ تذکره شبستان، صص ۴۷۸ و ۴۸۸؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، ص۵۴۷؛ الذریعه، ج۹، ص ۶۲۰؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۵۹.

من آن یعقوب پیر کوربختم که گرگی یوسفش را خورده باشد(۱)

حکیم علی صوفی اصفهانی*

حکیم علی صوفی اصفهانی، دانشمند ادیب و فاضل، طبیب ماهر و حاذق، از بزرگان اوایل قرن یازدهم هجری.

در اصفهان به طبابت مشغول بوده و در شعر و ادب دستی داشته و از علوم دینی بابهره بوده است. تاریخ تولد و وفاتش به دست نیامد. این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «خرقه علی» به شکل کتاب کشکول است. ۲. «شرح نهج البلاغه»، به فارسی که در سال ۱۰۰۴ق، کتابت شده است. این رباعی از اوست:

ما صورت خود به کاغذی ساخته ایم زین ره به خیال هرکسی تاخته ایم

این نغمه مستانه در این باغ نبود ما گوش به حرف هرکس انداخته ایم(۲)

خواجه صدرالدّین علی طبیب

خواجه صدرالدّین علی طبیب، جدّ اعلای میرزا محمّدطاهر نصرآبادی مؤلّف تذکره نصرآبادی است. در اصفهان سمت حکمرانی داشته و بانی مدرسه و خانقاه میرزا ابوالقاسم نصرآبادی در نصرآباد است.(۳)

[میرزا طاهر نصرآبادی در شرح حال خود نوشته است که جد اعلای او خواجه

۱- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، صص ۲۶۴۶ و ۲۶۴۷؛ تذکره روز روشن، ص۴۸۱؛ تذکره منتخب اللّطایف، ص۳۹۴.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، صص ۳۵۰ و ۳۵۱؛ تذکره شاعران فارسی سرا، صص ۱۴۶ و ۱۴۷؛ فهرست مجلس، ج۲، ص۵۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۱؛ مزارات اصفهان، ص۳۴۱.

صدرالـدّین علی در زمـان میرزا سـلطان محمّـد گورکـان (که از طرف شاهرخ حاکم اصـفهان بود) دارای اعتبار فراوان بوده و مالك آب و زمین بسـیار بوده و سه مدرسه ساخته است: یکی در حوالی مسـجد جامع قدیم که دارای کتیبه ای بوده که از بین رفته است. دیگری در محلّه باباقـاسم و دیگری در نصـرآباد و موقوفاتی بر آن معین نموده که در سـردر مـدرسه بر روی چوب نوشـته و حکّاکی کرده بودنـد که شامل تمامی نصـرآباد و چند محل در اطراف آن و تمامی قریه بیدهند گلپایگان و دودانگ خوانسار.(۱)

متأسـفانه قسـمت هـای مهمی از کاشـیکاری هـا، تزئینـات و کتیبه هـای نفیس و ساختمـان قـدیم خانقاه و مـدرسه نصـرآباد در تعمیرات و تغییرات سال های اخیر از بین رفته است. شـرح مفصّل تزئینات هنری و خصوصـیات معماری این اثر را مرحوم استاد دکتر هنرفر در کتاب خود آورده اند.(۲)]

صدرالدّین علی طبیب اصفهانی*

صدرالـدّین علی اصـفهانی (معروف به «صـدرعلیا») از اطبـاء ماهر عهـد صـفویه است. از تولّـد و وفات و اساتیـد او اطلاعی در دست نیست. وی مؤلف کتابی در طب به فارسـی موسوم به «ادویه العین منتخب از مجرّبات صدرعلیا طبیب اصفهانی» است که به شماره ۴/۱۳۴۴۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است و ظاهرا در اواخر قرن دهم هجری کتابت شده است.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۶۶۶.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۲۹-۳۳۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۳۴، ص ۱۳۰.

شیخ علی عاشق آبادی

از مدفونین امام زاده ابراهیم (در قریه زمان آباد، معروف به نرمی، نزدیک دولت آباد) حاج ملّا علی عاشق آبادی، از شاگردان آقا سیّد محمّدباقر درچه ای(۱) [است.

شیخ علی عاشق آبادی، از علماء و مدرسین فقه و اصول، عالمی بااستعداد و پرحافظه و خوش بیان بود. در مدرسه نیم آورد و جدّه بزرگ فقه و اصول را درس می داد. بسیاری از فضلاء در حوزه درس او حاضر شده و هم اکنون در قم به تدریس اشتغال دارند. خود آن مرحوم نزد شیخ محمّدحسین فشارکی، سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، حاج میرزا محمّدصادق یزدآبادی (خاتون آبادی) و سایر علماء درس خوانده بود.

شیخ هبه اللّه هرندی، شیخ محمّدعلی حبیب آبادی، شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی، شیخ احمد فیاض سدهی، حاج سیّد مصطفی مهدوی،(۲) (سیّد نصراللّه درچه ای و سیّد احمد منتظری مهریزی) (۳) نزد او درس خوانده اند.

او در سال ۱۳۰۹ش در سن ۴۰ سالگی وفات نمود و در قبرستانی در جاده انوشیروان دفن شد. در زمان محمّدرضا شاه پهلوی جاده را از آن قبرستان گذرانیده، خیابان کشیدند و آن قبرستان از بین رفت.

پسرش شیخ محمّدرضا عاشق آبادی که از وعاظ اصفهان و عاشق آباد است، در سال ۱۳۰۲ش متولّد شده و نزد شیخ محمّدعلی عالم حبیب آبادی، شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی، فیاض سدهی و سیّد علی اصغر برزانی درس خوانده و فعلاً در مدرسه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۸؛ مزارات اصفهان، ص۲۶۹.

۲- یادداشت های استاد ابراهیم جواهری.

۳- شرح مجموعه گل، صص ۵۹ و ۶۰.

چهارباغ حجره دارد و به بیماری قند مبتلا شده است.]

دکتر علی غیور نجف آبادی*

دکتر علی غیور، طبیب و شاعر ادیب معاصر در سال ۱۳۰۹ش در نجف آباد متولّد شد و تحصیلات خود را تا اخذ دکترای پزشکی ادامه داد. در سرودن شعر طبعی روان دارد و «غیور» تخلّص می کند. از اوست:

متاع عشق تو را گر به زر خرید رقیب مکن معامله چون من به جان خریدارم

در این زمانه که هر کسی به سیم و زر دل داد منم که دل به کف آورده پیش دلدارم(۱)

غیاث الدّین علی فراقی*

خواجه غیاث الدّین علی اصفهانی متخلّص به «فراقی» شاعر و ادیب توانا در اواخر قرن دهم هجری. مردی دیندار و متقّی و پرهیزکار بود. گاهی شعر می سرود.(۲) او کتابی در شیوه نامه نگاری و انشاء نوشته که به «دستور نامه نگاری» یا «منشآت» معروف است و نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نسخه دیگری نزد دکتر اصغر مهدوی در تهران موجود است.(۳)

این رباعی از اوست:

تا چند به یاد تو هماغوش شوم تا کی به خیالی ز تو خاموش شوم

۱- دیباچه دیار نون، ص۲۱۱.

۲- خلاصه الاشعار (بخش اصفهان) ، ص۴۰۴.

۳- الذریعه، ج۲۳، صص ۳۳ و ۳۴.

ترسم که ز امتداد ایام فراق یکباره ز خاطرت فراموش شوم

شیخ علی فقیه فریدنی

آقا شیخ علی فقیه فریدنی، عالم فاضل ادیب [از علمای قرن چهاردهم هجری] در فریدن متولّد شده و نزد ملّا صالح چادگانی تحصیل نمود. سپس به اصفهان آمد و در درس آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند ملّا محمّد کاشانی، جهانگیرخان قشقائی، آقا سیّد محمّد مدرس نجف آبادی [و شیخ اسداللّه حکیم قمشه ای] حاضر شد و در مدرسه جدّه [«فرائد» و «متاجر» و «شرح تجرید» علّامه و «منظومه» را] تدریس نمود.

در اواخر عمر در اداره اوقاف به فعالیت پرداخت و رئیس دادگاه تحقیق اوقاف اصفهان شد. او سرانجام در ۳ ذیحجه ۱۳۷۳ق وفات یافت و در تکیه گلزار در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

ملّا علی فناء اورگانی*

ملّا علی اورگانی لنجانی اصفهانی متخلّص به «فنا»، از شعراء و خوشنویسان قرن سیزدهم هجری. در نوجوانی به اصفهان آمده به تحصیل پرداخت. همچنین خطوط شکسته، ثلث، رقاع و نسخ را مشق نمود و آنها را خوش نوشت.

او پس از آزارها و سختی هایی که از بدخواهان دید به واسطه آقا میر سیّد محمّد امام جمعه، به دستگاه منوچهرخان معتمدالدوله راه یافت و با سرودن قصایدی او را مدح کرد. همچنین در مدح حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی اشعاری سرود. از سال وفات او اطلاعی در دست نیست.

او «تذکره مدایح المعتمدیه» تألیف میرزا محمّدعلی مُذَهِّب اصفهانی متخلّص به

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۷۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۲؛ علوم و عقاید، ص۱۰.

«بهار» را با مختصر تغییراتی رونویس کرده و به نام خود کرد و به منوچهرخان معتمدالدوله تقدیم داشت!

ملاّـ علی (فنا) بن اسماعیل اصفهانی که از خوشنویسان و کاتبان نیمه اول قرن چهاردهم هجری است و در مسجد سرخی اصفهان ساکن بوده به احتمال قوی از نوادگان اوست.(۱)

میرزا علی فقیهی خوراسکانی*

حاج میرزا علی فقیهی خوراسکانی، عالم فاضل صالح متوفی به سال ۱۳۸۰ق و مدفون در تکیه ملک در تخت فولاد اصفهان. این شعر بر سنگ قبر او نوشته شده است و سروده خود اوست:

سمّی شاه ولایت برفت از دنیا به عشق دیدن مولای خود سوی عُقبی

تمام عمر به وعظ و مصائب شه دین بُد اشتغال وی آنکه ز روی صدق و یقین

بُدی نبیره زهرا ز نسل دختر او خدای بخش ز رحمت پدر و مادر او

نداشت توشه ره جز امید غفّور اِله که ما خَلَق همه باشند فقیر آن درگاه

هزار و سیصد و هشتاد بود از هجرت که بار بست به جنّت حَقَّش کند رحمت

حاج سیّد علی قاضی عسکر*

حاج سیّد علی قاضی عسکر، از علماء معاصر اصفهان در ۵ خرداد ۱۳۳۳ش (مطابق با ۲۳ رمضان ۱۳۷۳ق) در اصفهان متولّد شد و از ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه اصفهان شد و نزد شهید سیّد حسن بهشتی نژاد و مرحوم حاج آقا طه کافی دروس مقدماتی را

۱- تذکره مآثر الباقریه، صص ۱۱۶ و ۳۳۱-۳۳۳؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۲، صص ۱۹۱-۲۰۱.

فراگرفت. سپس به قم رفته و نزد حضرات آیات: ستوده، خزعلی، شهید مطهری، مشکینی، فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی و جوادی آملی تا مرحله خارج ادامه تحصیل داد.

او قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (در سال ۱۳۵۷ش) از مبارزان و فعالان انقلابی و از طرفداران امام خمینی بود و پس از پیروزی انقلاب از کسانی بود که تدوین و تنظیم پیش نویس اساسنامه نهاد نمازجمعه را برعهده داشت. سپس به عنوان عضو شورای مرکزی ائمه جمعه و مسؤول امور فرهنگی دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه و پس از رحلت امام خمینی (سال ۱۳۶۸ش) با حکم رهبر انقلاب به عضویت شورای سیاست گذاری ائمه جمعه منصوب شد.

او در سال ۱۳۷۲ش دانشکده علوم حدیث و کتابخانه تخصصی آن را تأسیس کرد. همچنین سال های متمادی در امور حج فعال بود و در بعثه امام خمینی و رهبری انقلاب آیت اللّه خامنه ای در پست های مختلف به خدمت مشغول بوده است که تأسیس مرکز تحقیقات و کتابخانه تخصصی و موزه حج از فعالیت های مهم او به شمار می روند.

او در سال ۱۳۷۶ش به عنوان امام جمعه موقت اصفهان منصوب شد و تا ۵ سال به اقامه نماز جمعه پرداخت. رهبری انقلاب در سال ۱۳۸۸ وی را به عنوان نماینده رهبری و سرپرست حجاج ایرانی منصوب کرد.

آقای قاضی عسکر عالمی دانشمند و محققی پرکار به شمار می رود که علاوه بر تألیف ۱۶ جلد کتاب و نوشتن ده ها مقاله، مجلات تخصصی میقات حج، میقات الحج، فرهنگ زیارت و علوم الحدیث را مدیریت کرده است.(۱)

۱- دو ماهنامه «صفا» سال چهارم: شماره ۳۰، آذر و دی ۱۳۸۸، صص ۵ و ۶.

درویش علی قائنی

درویش [علی] قائنی، شاعر ادیب در اصـفهان ساکن بوده و به تحصیل علوم دینی می پرداخته و به خوش طبعی و سلاست شعر موصوف بوده است و او را «ملاّ ـ درویش» می گفته انـد. وفاتش را در سال ۱۱۸۵ق نوشـته اند [و این اشتباه است زیرا به همراه معتمدالدّوله نشاط (متوفی ۱۲۳۴ق) در اوایل قرن سیزدهم هجری سفری به شیراز داشته است.

از اوست:

من و رقیب نشستیم هر دو بر راهت به جانب که افتد تا ز راه لطف نگاهت(۱)]

ملاّ علی کُهیازی (شیخ الاسلام)*

ملال علی کُهیازی (شـیخ الاسـلام) ، عالم فاضل زاهـد متّقی. در روسـتای کُهیاز اردسـتان متولّـد شد و در اصـفهان نزد علمای عالیقدر حوزه شـیخ محمّدتقی آقانجفی، آخوند ملاّ عبدالکریم گزی، آخوند ملاّ محمّدحسـین فشارکی، شیخ مرتضی ریزی و آقا سیّد مهدی درچه ای کسب فیض نمود.

او عمر خود را به عبادت خـدا و تبلیغ دین و عمل به دسـتورات قرآن کریم و خـدمت به خلق خـدا گذراند و سـرانجام در سال ۱۳۷۵ق وفات یافته و نزدیک مزار ملاّ اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

۱- تذکره دلگشا، ص۴۸۷؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۲۹۰؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۶۱۹؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۵۰۳ و ۵۰۴؛ الذریعه، ج۹، ص۳۲۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۰۲؛ بهارستان، ص۲۸۰.
۲- بزم معرفت، صص ۲۴۱-۲۴۵.

ملاّ علی لنجانی (بهمن علی)

آخوند ملاّ علی لنجانی اصفهانی متخلّص به «بهمن» و ملقّب به «بهمن علی» [از عرفاء و علماء اواخر دوره قاجاریه.

در جوانی برای تحصیل به عتبات عالیات رفته و در نجف اشرف به اجتهاد نائل شد و سپس به سیاحت پرداخت] و به شیراز رسید و به «رحمت علی شاه» دست ارادت داد. پس از وفات او به «حاج محمّدکاظم سعادت علی شاه اصفهانی» پیوسته و به «بهمن علی» ملقّب شد. [پس از مهاجرت «سعادت علی شاه» جهت تعلیم فرزندانش همراه او راهی تهران شد. و پس از وفات مراد و شیخ خود، با حاج ملاّ سلطان محمّد گنابادی تجدید عهد کرد و] در زاویه حضرت عبدالعظیم در شهری معتکف گردید و در ماه صفر ۱۳۰۹ق وفات نمود و جنب مزار شیخ خود «سعادت علی شاه» مدفون شد.(۱)

[این شعر از اوست:

گر ساکن میخانه و گر سوی کنشتیم ما دامن معشوق خود از دست نهشتیم

در کعبه و بتخانه و در دیر و کلیسا جز یار ندیدیم به هر جای که گشتیم

ما طالب اوییم که اندر تک و پوئیم گر قاعد بحریم و اگر سائر دشتیم(۲)]

مهندس علی محمودیان*

مهندس علی محمودیان، از طراحان فرش و مرمّت گران نقاشی در عصر حاضر در سال ۱۳۲۶ش در جونقان از توابع استان چهارمحال و بختیاری متولّد شد و پس از طی

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۶۶ و ۶۶۷.

۲- نابغه علم و عرفان، صص ۴۳۲-۴۳۵؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۴۳۲ و ۴۳۳؛ شمس التّواریخ، صص ۸۳ و ۸۴.

تحصیلات ابتدایی به اصفهان آمد و در هنرستان هنرهای زیبا به تحصیل پرداخت. ابتدا زیر نظر استاد جزی زاده طراحی را شروع کرد. سپس از اساتیدی چون عیسی بهادری، رضا ابوعطا و مصور الملکی بهره گرفت و در کنار آن در زمینه طراحی فرش نزد استاد احمد ارچنگ شاگردی کرد.

او پس از اتمام سربازی به استخدام دفترفنی سازمان ملّی حفاظت آثار باستانی درآمد و به دنبال همکاری با مؤسسه ایتالیائی ایزمئو، به ایتالیا رفت و در رشته مرمت آثار لیسانس گرفت. او در بسیاری از مرمت ها به عنوان کارشناس مرمّت آثار نقاشی فعالیت نموده و پس از بازنشستگی به رشته طراحی فرش بازگشت.(۱)

علی مدرس شهرضائی

علی مدرّس شهرضائی از شعرای معاصر است. در جلد دوم تاریخ تجدید حیات ایران این اشعار را بدو نسبت داده است:

می رسد روز سعادت شاد و خرسندیم ما غرقه در خون همچو گل در حال لبخندیم ما

بهر خوشبختی خود طرح نو افکندیم ما ریشه بیگانه از این خانه برکندیم ما

خانه خود را دلازین پس خداوندیم ما(۲)

۱- معماران و مرمّت گران سنّتی اصفهان، صص ۳۰۵ و ۳۰۶.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۴۴۰.

دکتر علی مستشفی

دکتر علی مستشفی در سال ۱۳۱۷ق در قریه حبیب آباد بُرخوار اصفهان متولّد گردید. در اصفهان و طهران تحصیل نمود. از اطبای حاذق به شمار می رفت. در شب ۱۱ جمادی الاولی سال ۱۳۷۳ق در طهران وفات یافت.

کتب زیر از اوست:

۱. «ازدواج و حفظ الصّحه»۲. «وبائیه» که آن را به اتفاق دکتر رضا بصیر نوشته است.(۱)

میر سیّد علی مشتاق اصفهانی

میر سیّد علی حسینی اصفهانی متخلّص به «مشتاق» شاعر ادیب و از بزرگان شعراء و ادباء [در قرن دوازدهم هجری] در حدود سال ۱۱۰۰ متولّد شد. از سادات عباس آباد اصفهان است. انجمن ادبی داشته و در برگشت سبک نامطلوب هندی به سبک عراقی رنج ها برده تا بالاخره به کمک دوستان و شاگردان خود [از جمله: آذر، هاتف، صهبا، صباحی، عاشق، رفیق، نصیر، طبیب، درویش عبدالمجید، صبوح و شعله] موفّق گردیده است.

مشتاق در سال ۱۱۷۱ق وفات یافته است. در مقدمه دیوان مشتاق درباره آرامگاه او گوید: در تکیه شیخ زین الدّین اصفهان به خاك رفت. تاکنون تکیه ای به نام شیخ زین الدّین در اصفهان نمی شناسیم و محل قبر مشتاق را نیز به طور قطع نمی دانیم. در بین مردم مشهور بوده که قبر مشتاق در تکیه آقا رضی (سیّد رضی الدّین محمّد شیرازی) در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۰۹ و ۸۱۰.

تخت فولاد است. ولی آثار قبر مشهود نیست.

مادّه تاریخ وفاتش را «رفیق اصفهانی» چنین گفته است:

بهر تاریخ او نوشت «رفیق» «جای مشتاق در جنان بادا»

دیوان اشعار او حدود سه هزار بیت بوده و آذر و هاتف و صهبا آن را جمع آوری و تنظیم کرده اند. نسخه های زیادی از این دیوان در کتابخانه ها موجود است. آقای حسین مکّی دیوان او را تصحیح کرده که چندین بار به چاپ رسیده است.(۱)

این شعر از اوست:

[بس شیشه دل ها که شکستی ای عشق بس رشته جان ها که گسستی ای عشق

دست همه را ز پشت بستی ای عشق دستی ای عشق و پشت دستی ای عشق]

دلم دانسته در دام تو افتاد تو پنداری که صید غافلی بود

تاج الدّین علی معلّم

تاج الدّین علی معلّم، از خوشنویسان اصفهان در قرن دهم هجری است. از او کتیبه ای به خط ثلث بر روی کاشی در ایوان جنوبی مسجد جامع اصفهان موجود است که در

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۴۲ و ۶۴۳؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۶۳۸؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۹۳۸-۹۴۰؛ تذکره اختر، ص۱۶۸؛ تذکره سفینه المحمود، ص۲۹۵؛ تذکره روز روشن، صص ۷۳۸-۷۴۰؛ دیوان مشتاق: مقدّمه؛ تاریخ ادبیات (شفق) ، ص۵۸۱؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۳۱۷؛ الذریعه، ج۹، ص۱۰۴۳؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۴، ص۲۱۹۸؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «مشتاق»، ص۴۷۵؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۳۹۰.

حدود سال ۹۳۸ق نوشته شده است.(۱)

میرعلی معمار*

میرعلی معمار، از هنرمندان و خوشنویسان اصفهان در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری است. از او کتیبه ای کاشیکاری به خط ثلث و مورّخ به سال ۱۰۰۲ق وجود دارد که رقم آن «کتبه میرعلی معمار» است. این کتیبه در ایوان جلوی امامزاده ابراهیم در روستای کاج از توابع براآن اصفهان واقع شده است.(۲)

ملاّ علی میرزا کتابفروش

ملاّـ علی میرزا، کتابفروش فاضل [در اواخر دوره قاجاریه] عموم فضلاء اصفهان خواهان کتاب های او بودند و با او مراوده داشتند. او علاوه بر کتابفروشی در زمان حاج سیّد جعفر بیدآبادی (فرزند سیّد حجه الاسلام) مؤذن مسجد سیّد اصفهان بوده است.(۳)

صدرالدّین علی نصرآبادی

خواجه صدرالدّین علی نصرآبادی، بانی تکیه و خانقاه نصرآباد، که از بین رفته و فعلاً قسمتی از سردرب آن باقی است.(۴) میرزا محمّدطاهر نصرآبادی مؤلف «تذکره نصرآبادی» از اعقاب اوست و در مقدمه تذکره از جدّ خود یاد کرده است.

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۹۶؛ آثار ایران، ج۴، ص۸۳.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۲۸۶.

۳- بیان المفاخر، ج۲، ص۹۵.

۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳۲۹.

حاج ملّا علی نوری قمشه ای*

حـاج ملّا علی نوری (اعمی) ، عالم فاضل جلیل القـدر از علمای قرن چهاردهم هجری، در قمشه (شـهرضا) متولّـد گردیـد و از سن صباوت که خواندن و نوشـتن را فراگرفت، فاقد بینائی چشم ظاهری گردید. سـپس در فقه و اصول تحصیل کرد. در علوم غریبه نظیر اعـداد و طلسـمات مهـارت داشت. او از فضـلاء مورد احترام علمـای شـهرضا و اصـفهان بوده و از جمله آخونـد ملّا حسین فشارکی در سال ۱۳۴۷ق و آقا سیّد محمّدشریف تقوی شیرازی به او اجازه روایت و نقل احادیث داده اند.

وی سال ها در شهرضا به تدریس مقدّمات و سطح مشغول بود. زندگی را با قناعت و شکر و رضا سپری می نمود و در تقویت روح به صوم و سلوک و اذکار قلبی می پرداخت.

ده ها تن از فضـلای برجسته شـهرضا نزد او تحصـیل کرده و کسب معرفت نموده اند از جمله: حاج سـیّد علی حجازی و حاج شیخ مظفر فرزانه.

وی سرانجام در سال ۱۳۶۵ق وفات یافته و در صـحن مقبره سـیّد خاتون شهرضا مدفون شد. مرحوم محمّدحسین مدرسی اسفه ای متخلّص به «قانع» ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

گفت «قانع» بسال تاریخش رفته نوری بجنب نورانی(۱)

۱۳۶۵

۱- تاریخ شهرضا، ج۲، صص ۳۲۸-۳۳۱.

علی اشرف اصفهانی

علی اشـرف بن محمّدقاسم اصفهانی [کاتب نستعلیق نویس قرن دوازدهم هجری] در ۴ جمادی الثّانی ۱۱۷۴ق کتابت نسخه ای از زادالمعـاد علاّمه مجلسـی را به خط نسـتعلیق به پایان رسانیـده و کتاب به شـماره ۶۲۸ در کتابخـانه آیت اللّه مرعشـی در قم موجود است.

روی برگ اوّل این جمله دیده می شود: ««اعمال السـنه» للعلامه المیر علی اشرف بن المولی محمّدقاسم الاصفهانی و هو کتاب نفیس جـدّا فرغ من تـألیفه سـنه ۱۱۷۰»(۱) و این گفته اشـتباه محض است. [و کتـاب همـان «زادالمعـاد» تـألیف: علاّمه مجلسـی است.]

علی اصغر اصفهانی*

علی اصـغر اصـفهانی، از صـنعتگران هنرمند قرن دوازدهم هجری است. او در شمشـیرسازی و فلزکاری زبردست بوده است. از آثار او شمشیر بسیار زیبا و هنرمندانه ای است که در سال ۱۱۸۹ق برای کریم خان زند ساخته است.(۲)

دکتر علی اصغر اعتمادی

دکتر علی اصـغر اعتمادی دانشـمند و محقّق معاصر در سال ۱۲۹۳ش در اصـفهان متولّد شد و در این شهر تحصیلات ابتدائی و متوسّـطه را انجام داده و سـپس در رشـته علوم، به تحصیل در دانشگاه تهران مشغول شد و پس از اخذ لیسانس و انجام خدمت سربازی به تدریس در دبیرستان های اصفهان پرداخت. چندی بعد در رشته زیست شناسی در

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۲۲۹.

۲- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۴۳۴.

دانشکده پزشکی اصفهان ادامه تحصیل داده و دکترا اخذ نمود و به تدریس در آنجا پرداخت.

کتاب های: ۱. «گیاه شناسی» ۲. «راهنمای کارهای عملی زیست شناسی جانوران»۳. «کارهای آزمایشگاهی بیولوژی گیاهی» از آثار اوست.

سیّد علی اصغر بقاء شهرضائی*

سیّد علی اصغر هاشمی متخلّص به «بقا» از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۳۵ش در روستای امین آباد شهرضا متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در شهرضا و متوسطه را در تهران (در کنار کار در کارگاه فرش) انجام داد. در نوجوانی به سرودن شعر پرداخت. او در سال ۱۳۶۲ش به اصفهان بازگشت.(۱)

استاد علی اصغر صنیعی آباده ای*

استاد حاج علی اصغر صنیعی آباده ای فرزند احمد، هنرمند معاصر، در منبّت کاری و معرّق چوب استاد بوده است. در سال ۱۳۱۴ش متولّد شده و در ۸ مهرماه ۱۳۷۲ش در اصفهان درگذشت و در قطعه هنرمندان واقع در قبرستان باغ رضوان به خاک سپرده شد. او یکی از هنرمندانی است که به همراه استاد محمّد گلریز خاتمی کارهای منبّت و خاتم کاخ مرمر در تهران را انجام داد.(۲)

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۱۱۹.

۲- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

سیّد علی اصغر میر محمّد صادقی

سیّد علی اصغر میر محمّد صادقی فرزند سیّد جعفر، عالم فاضل [از علمای اواخر دوره قاجاریّه] ساکن در قریه زمان آباد بُرخوار اصفهان و امام جماعت و پیشوای اهل محل بود. در جمعه ۲۰ شعبان ۱۳۳۱ق وفات یافته و در حرم امامزاده نرمی [در زمان آباد] مدفون گردید.(۱)

علی اصغر فومنی

علی اصغر بن حسن فومنی جیلانی [از فضلای قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۲۷ق «شرح هیئت» قوشچی تألیف: مصلح الدّین لاری را در مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان کتابت نموده است. نسخه به شماره ۹۰۷ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

علی اصغر کافی

علی اصغر افرهی متخلّص به «کافی» فرزند میرزا حسن خان شیرازی، از کارمندان اداره دارایی اصفهان بوده و گاهی شعر می گفته است.

از اوست:

آن شنیدم که گفت برزگری با خداوند مال بی هنری

کای به جاه و جلال خود مغرور وی شده از طریق معرفت دور

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۸۲۰؛ مزارات اصفهان، ص۷۵.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۲۳.

ای نکوهیده خوی بی فرهنگ همچو طبل تهی پر از آهنگ

هیچ دانی ز چیست سیم و زرت این همه حشمت و جلال و فرت

سیمت از اشک دیدگان من است زرت از خون طفلکان من است

صبحگاه آن که خوش به بستر ناز بوده ای با پری رخی دمساز

موسم دی به فصل تابستان بوده ام من به سوی دشت روان

شب و روزم گذشته با غم و رنج تا که حاصل مراشد این همه گنج

چون زنی مایه حیات تو راست اینقدر نخوت و غرور چراست

گر که خواهی که رستگار شوی بایدت نیک و راستکار شوی

نیست مردی و رسم دینداری که دلی را ز خود بیازاری

علی اصغر نجف آبادی

علی اصغر بن حاج محمّدحسن نجف آبادی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۲۵ق کتابت سه مُجَلَّد کتاب «تذکره الفقهاء» علاّمه حلّی را به خط نسخ به پایان رسانیده و نسخه به شماره های ۳۳۲۸ و ۳۳۲۹ و ۳۳۳۰ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

سیّد علی اصغر برزانی

آقا سیّد علی اصغر برزانی (مدرس نجفی) فرزند سیّد محمّدحسین حسینی برزانی، عالم فاضل زاهد، فقیه مجتهد محقّق [از علماء و مدرسین عالیقدر اصفهان در قرن چهاردهم هجری] در حدود سال ۱۳۱۰ق در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی از علماء اصفهان از

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش دوم، ص ۸۱۰.

جمله: آقا سیّد محمّدباقر درچه ای تحصیل کرد. سپس در نجف اشرف از محضر درس آیات عظام: آقا ضیاءالدّین عراقی و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی بهره برده و به مقام عالی اجتهاد نائل شده و به اصفهان مراجعت نمود.

او سال ها در مدرسه چهارباغ و مدرسه صدر بازار تدریس می نمود. و در تدریس کتاب «قوانین الاصول» استاد منحصر به فرد و بی نظیر و در تدریس «فرائد» فرید و وحید بود.

وی در روز جمعه ۱۷ ذیقعده الحرام سال ۱۳۹۵ق [مطابق با ۳۰ آبان ۱۳۵۴ش] وفات یافته و در تکیه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

[مشارٌ الیه داماد شاعر و عالم ادیب ملّا محمّدکاظم مروّج بیدآبادی است. «بَرزان» قبلاً از دهات ماربین در غرب اصفهان بوده و اکنون به شهر پیوسته و در شمار محلاّت اصفهان است. «برز» به معنی کشت و زرع و زمین زراعتی است. حاشیه جنوبی اصفهان به «بَرز رود» جِی معروف بوده و دهی به همین نام «برز رود» از توابع شهرستان نطنز است.]

علی اصغر نجف آبادی

علی اصغر بن زین العابدین نجف آبادی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در ذیقعده ۱۲۵۶ق کتاب «شرح منظومه خلاصه الابحاث» [تألیف:] شیخ محمّدفاضل مشهدی را نوشته است که ضمن مجموعه شماره ۴۳۳۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۲)

او در سال ۱۲۶۵ق رساله «عیشه راضیه» مرحوم آقا سیّد محمّد شهشهانی را به خط

۱- ارمغان اصفهان، ص۸۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۲۵۵؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، ص۹۷.

۲- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۲۳.

نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۳۴۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

شاید کاتب شاگرد مرحوم شهشهانی باشد.

[همچنین] در قرن ۱۳ مجموعه ای شامل چند رساله را به خط نسخ نوشته که به شماره ۳۷۴۰ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۲)

علی اصغر اصفهانی

علی اصغر بن عبدالجبّار اصفهانی [از فضلای قرن سیزدهم هجری] بین سال های ۱۲۶۵ و ۱۲۷۳ق کتاب «السّامی فی الاسامی» میدانی را با چند نسخه تطبیق نموده و لغات عربی را از «قاموس» و ترجمه آن و لغات فارسی آن را از «برهان» استخراج و تصحیح نموده (و بنا به قول آقای منزوی گاهی تصحیف) و در طهران به چاپ سنگی منتشر ساخته است.(۳)

دکتر علی اصغر انصاری

دکتر علی اصغر انصاری [فرزند علی]، طبیب ماهر. [در سال ۱۳۰۰ش در اصفهان متولّد شد. او از دانشگاه اصفهان و شیراز تخصص چشم پزشکی گرفت و دوره طبّ قانونی را در دانشگاه پاریس گذراند و همچنین در رشته قضایی دارالفنون تهران تحصیل کرد. سپس در خدمت دادگستری در مشاغل مختلف از جمله دادستان کل در استان های فارس، کرمانشاه و اصفهان خدمت نمود. آخرین سمت او ریاست یکی از

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۱۳۳.

۲- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش چهارم، ص۱۷۲۴.

۳- فرهنگنامه های عربی به فارسی، ص۳۴.

شعب دیوان عـالی کشور و رئیس پزشـکی قانونی کشور بود. وی به زبان های انگلیسـی و فرانسه کاملاً مسلّط بود و اطلاعات زیادی در تاریخ ادبیات فارسی و علم انساب داشت. از او مقالاتی درباره «تراخم» موجود است.(۱)]

وی در سال ۱۳۸۷ق وفات یافته و در اراضی غربی تکیه بابا رکن الدّین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. مادّه تاریخ وفاتش را شاعر توانا و ادیب گرانقدر میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (بُرنا) گوید:

زد رقم سال وفاتش «برنا» «دکتر انصاری ما شد ز جهان»(۲)

سیّد علی اصغر طباطبائی زواره ای

سیّد علی اصغر بن محمّدقاسم [بن علی عسکر بن قاسم بن علی] طباطبائی زواره ای، [عالم فاضل جلیل، از سادات طباطبایی مدینه السادات زواره است. پدرانش از زواره به کاشان مهاجرت کردند و صاحب عنوان در کاشان متولّد شده و جهت تحصیل به اصـفهان آمـد و نزد عدّه ای از اعلام آن شـهر خصوصا ملّا علی اکبر اژه ای تحصـیل کرد. وی در چهارشـنبه ۲۰ ذی القعده ۱۲۳۵ق کتاب «مفاتیح الشرایع» را به خط نسخ کتابت کرد.(۳)]

او در سال ۱۲۲۹ق کتاب «زبده المعارف» استادش اژه ای را به خط نسخ نوشته که به شماره ۳۹۵۲ در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است.(۴)

۱- دانشنامه تخت فولاد، ج۱، ص۲۴۰.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۴.

۳- تراجم الرجال، ج۱، ص۳۹۵.

۴- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش چهارم، ص۲۰۸۷.

علی اصغر نصرآبادی جرقویه ای*

علی اصغر بن محمّدکریم نصرآبادی جرقویه ای، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. او در ۱۳ رجب ۱۲۵۳ق کتاب «جنّات الوصال» نورعلی شاه اصفهانی را به خط نستعلیق کتابت کرده که به شماره ۶۳۱۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

استاد علی اصغر صانعی پور*

استاد علی اصغر صانعی پور فرزند آقامحمّد، از هنرمندان توانای معاصر در اول اردیبهشت ۱۳۰۰ش در محلّه «شیش» بیدآباد اصفهان متولّد شد و در این شهر تحصیل در مکتب خانه و سپس ابتدائی و متوسّطه را انجام داد. از حدود ۸ سالگی نزد استاد یداللهی به فراگیری رسم و گره (از تزئینات هنری نقاشی) مشغول شده و پس از آن گچبری را آموخت. همچنین نزد استاد حسین خوشنویس زاده، مینیاتور، سوخت، تذهیب و تشعیر را یاد گرفت و از تجارب اساتید نقاشی اصفهان حاج مصور الملکی، میرزا آقا امامی و میرزا عبداللّه مصوّر طاهری بهره گرفت. و در تهیه رنگ و روغن کمان، طلاکوبی نقاشی آبرنگ و رنگ روغن مهارت به سزایی یافت.

او در سال ۱۳۱۸ش به تهران رفت و از تجارب استاد حسین بهزاد بهره گرفت.

او پس از بازگشت به اصفهان در کنار نقاشی، به دکورسازی برای صحنه های نمایش پرداخت و به تئاتر اصفهان خدمات ارزنده ای نمود. همچنین با علاقه ای که به تئاتر داشت، به همکاری با هنرمندان نمایش پرداخت و چندین نمایشنامه نوشت و در

۱- فهرست الفبائی رضوی، ص۱۶۹.

طراحی لباس، گریم و ماکت سازی برای نمایش فعالیّت نمود.

او در نقاشـی از رنگ های سـنّتی به جای رنگ های شـیمیایی و به شیوه سنّتی، از روغن کمان برای نقاشی روغنی استفاده می کرد و در مینیاتور صاحب سـبک مخصوص بود و به خاطر آثار هنرمندانه خود چندین تقدیرنامه از مقامات اسـتانی و کشوری دریافت نمود.

اسـتاد صانعی در هفتم آذر ۱۳۸۳ش بـدرود حیات گفت و در قبرسـتان باغ رضوان اصـفهان (قطعه نام آوران) به خاک سپرده شد.

از آثار ارزنده او نقاشـی های تزئینی هتل شاه عباس اصـفهان است. بسـیاری از آثار او در نمایشـگاه هایی در ایران، انگلسـتان، فرانسه، آلمان و ایالات متّحده آمریکا به نمایش گذاشـته شده است. او شاگردان زیادی پرورش داده و سال ها در مراکز هنری و دانشـگاهی خصوصا دانشـکده پردیس اصـفهان و دانشـگاه هنر تهران به تدریس نقاشـی و راهنمایی هنرجویان مشـغول بوده است.(۱)

سیّد علی اصغر قریشی سمیرمی*

سیّـد علی اصـغر قریشـی فرزنـد سـیّد محمّـد، عالم فاضل جلیل، از علمای قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۷۶ش در روستای «ونک» سمیرم متولّد شد. در نوجوانی به اصفهان آمد و نزد علمای این شهر خصوصا حکیم جهانگیرخان قشقائی و آخوند ملّا محمّـد کاشـانی تحصـیل کرد، آنگاه به دهاقان رفت. او در نواحی سـمیرم و بختیاری به تبلیغ دین مشـغول بود و از طرف آیت اللّه بروجردی مسؤول پاسخگویی به مسائل شرعی و جمع آوری وجوهات بود.

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۳۱۶ و ۳۱۷؛ گلشن نام آوران، صص ۲۰۰-۲۰۵.

سرانجام در سال ۱۳۲۲ش در روستای «سونک و بوگر» از توابع لُردگان درگذشت و همانجا مدفون شد.(۱)

علی اصغر اصفهانی

علی اصغر بن بابا مرتضی اصفهانی [از خوشنویسان قرن یازدهم و دوازدهم هجری] در سال ۱۰۷۸ق کتاب «الزّوراء» تألیف: ملّا جلال دوانی را کتابت نموده و نسخه ضمن مجموعه شماره ۶۴۹ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲)

[همچنین در سال ۱۱۱۵ق «گلشن خیال» تألیف: میرزا محمّدطاهر نصرآبادی را کتابت کرده است و به شماره ۱/۱۲۱۴۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۳)]

علی اصغر چهارمحالی

علی اصغر چهارمحالی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در تاریخ شنبه ۲۳ محرّم ۱۲۳۵ق کتابت نسخه ای از «نهایه الوصول الی علم الاصول» تألیف: علاّمه حلّی را به خط نسخ به پایان رسانیده است و نسخه تصحیح شده و به شماره ۱۹۲۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)

۱- سیمای دهاقان، ص۲۸۹.
۲- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۴۳۵.
۳- فهرست مرعشی، ج۳۰، ص۶۰۴.
۴- فهرست مرعشی، ج۵، ص۲۹۶.

علی اصغر دهنوی

علی اصغر دهنوی از فضلاء و نویسندگان کتاب در قرن سیزدهم هجری بوده است. از آثارش کتابت نسخه ای است از: «شرح نفیسی» که کتابت آن را در ربیع الاوّل سال ۱۲۶۲ق به خط نسخ به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۲۲۴۶۰ (۱۵۲۲) در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدس موجود است.(۱)

ملّا علی اصغر قهپایه ای

ملّا علی اصغر قهپایه ای اصفهانی، شاعر ادیب [از شاعران قرن یازدهم هجری] در شیراز ساکن بوده و همانجا فوت شده است. شاعری ملایم طبع و نمکین و خوش صحبت بوده و در زمان وزارت محمّد خان، تصدی محال حومه شیراز را به عهده گرفته است.

از اوست:

بی وفا دلبر ما حرف وفا نشنیده است جز جفا نام دگر نام خدا نشنیده است(۲)

علی اکبر اصفهانی*

علی اکبر اصفهانی، از خوشنویسان خط نستعلیق در قرن سیزدهم هجری است. از او دو قطعه خوشنویسی، به تاریخ ۱۲۶۶ق به خط نستعلیق خوش در کتابخانه سلطنتی سابق در تهران موجود است.(۳)

۱- فهرست کتابخانه الهیات و معارف اسلامی، ج ۲، ص ۶۶۵.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۵۵۰.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج ۲، ص ۴۳۵.

علی اکبر بیک ارمنی اصفهانی

علی اکبر بیك ارمنی اصفهانی، مؤلّف رساله «شناخت» در شرح آزارهایی که از ارمنیان به او رسیده است. کتاب اعتراف نامه مانند است. نسخه فیلم آن به شماره ۳۰۲۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

میرزا علی اکبر اصفهانی قائنی

میرزا علی اکبر اصفهانی قائنی، شاعر ادیب. معاصر نادرشاه افشار بوده و بیرجندی در «بغیه الطالب» (در شرح حال علمای قائن) او را نام برده است.

وی را تألیفاتی است از جمله:

۱. «مقامات حسینی» منظومه فارسی در دوازده هزار بیت که نسخه ای از آن در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است. ۲. «مناقب الشیعه» منظومه ای به فارسی در دوازده هزار بیت.(۲)

ملاّ علی اکبر خوانساری

آخوند ملاّـ علی اکبر بن ابراهیم خوانساری اصفهانی، عالم فاضل زاهد متقی [از علمای قرن سیزدهم هجری] از خواص اصحاب و شاگردان حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بوده و از محضر سیّد صدرالدّین محمّد عاملی و حاج سیّد محمّد قصیر در وقتی که در اصفهان سکونت داشته بهره برده و احتمالاً درك محضر مرحوم بحرالعلوم را نیز

۱- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ج۲، ص۲۰.

۲- الذریعه، ج۲۲، صص ۹ و ۳۲۸؛ فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۲۰۷.

نموده است و ظاهرا از آقا شیخ محمّدتقی بن ابی طالب اردکانی نیز بهره های علمی یافته و از مرحوم صدر و آقا سیّد محمّد قصیر مجاز بوده و حاج سیّد شفیع جاپلقی از او اجازه داشته است.

مرحوم جاپلقی در روضه البهیه درباره او می نویسد: «و من مشایخ المعاصرین الّذین استجزت منهم و اجازتی العالم العامل الزّاهد المحقّق المدقّق الاخ المسدّد و الرّفیق الممجد الاکبر آخوند ملّا علی اکبر الخوانساری اصلاً الاصفهانی موطنا».

مرحوم سیّد حجه الاسلام در اوایل امر در مسجد میرزا باقر (در محلّه بیدآباد) اقامه جماعت می نمود و چون مسجد سیّد را بنا کرد مرحوم مولی علی اکبر را به جای خود نصب نمود و پس از فوت صاحب عنوان، فرزند او آخوند ملاّ حسین و پس از مرگ او مرحوم آقا کمال الدّین فرزندش به جای او امامت می نمود.

او سرانجام در سال ۱۲۷۱ق وفات یافته و جنازه به نجف اشرف منتقل شده و در وادی السّلام مدفون گردید.

کتب و رسایل زیر از تألیفات صاحب عنوان است:

۱. «ادعاء المریض الطّلاق فی حال الصّحه» و آن را به دستور استادش سیّد حجه الاسلام تألیف نموده و کتابت نسخه در ۲۴ شعبان ۱۲۴۷ق پایان یافته است.۲. «اعطاء بدل المغصوب ان فقد» که در محضر سیّد حجه الاسلام طرح شده و تاریخ نسخه ذی القعده ۱۲۶۴ق می باشد.۳. «حجیّت ظن مجتهد مطلق نه مجتهد متجزی» در اصول، به عربی و استدلالی مفصّل در ۹ مقدمه و ۳ وجه نسخه به خط فرزند مؤلف مولی محمّدحسین بن مولی علی اکبر از روی خط مؤلف نوشته شده است.۴. «حجیّت ظن» از تقریرات آقا سیّد محمّدتقی اردکانی۵. «الزکوه» فقه استدلالی متوسّطی است.۶. «شرح ارشاد الاذهان» فقه استدلالی متوسطی است. دو قسمت آن در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.۷. «شرح الجعفریه» شرح مزجی استدلالی متوسّطی است بر

رساله «جعفریّه» محقّق کرکی. نسخه به خط مؤلّف به شماره ۸۹ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.۸. «عدم جواز الرّد فی الوقف» فقه، عربی استدلالی بسیار مفصّل.۹. «عدم جواز مصالحه حق الرّجوع فی العدّه».۱۰. «نکاح بنت المزنی بها من الرّضاعه» فقه، عربی ۱۱. «الوقف علی من یصح و من لا یصح»(۱)

سیّد علی اکبر گلستانه

سیّد علی اکبر گلستانه ملقّب به «احتشام السادات» فرزند سیّد محمّدابراهیم، از اعاظم خوشنویسان خط شکسته [در دوره قاجاریه] است. در انواع خطوط بالاخص نستعلیق و شکسته مهارت داشته و آن را به شیوه درویش عبدالمجید می نوشته و در تهران ساکن بوده است.

در سال ۱۲۷۴ق متولّد شده و در سال ۱۳۱۹ق ضمن عمل جراحی وفات یافته و در قم مدفون گردید.

[قطعاتی از خطوط زیبای او در کتابخانه سلطنتی سابق و مجموعه خصوصی آقای افخم السّلطنه اعتضادی موجود است. مجموعه ای از قطعات خوشنویسی او با عنوان «گلستان گلستانه» به وسیله انتشارات مجلس شورای اسلامی به چاپ رسیده است.(۲)]

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۵۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۸؛ تکمله نجوم السماء، ص۴۱۹؛ روضه البهیّه، ص۵۲؛ چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار) ، ج۱، ص ۲۴۰؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۵۴-۳۵۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۰۷؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۴۱۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، صص ۴۳۷ و ۴۳۸؛ تذکره خوشنویسان معاصر، صص ۶۵ و ۶۶؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۷۹-۱۸۱؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۴۶۶؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، صص ۴۳۸ و ۴۳۹؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۱۷۱۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص ۳۸۱.

علی اکبر احتشامی*

دکتر علی اکبر احتشامی فرزند اسدالله بیگ، از فضلاء و ادبای قرن چهاردهم هجری. در ۱۸ شعبان ۱۲۹۱ق در شیراز متولّد شد. خاندانش از خانواده های قدیم خوراسکان بودند. پدرش که در دستگاه والی فارس (حسام السلطنه) به نظامی گری می پرداخت، عاقبت به اصفهان آمده و در خوراسکان ساکن شد.

صاحب عنوان پس از طی دروس مقدماتی به مدرسه کاسه گران رفته و ادامه تحصیل داد و در اوایل جوانی به خدمت ظل السلطان درآمد. چندی بعد از آن کار کناره گرفت و دندان پزشکی آموخت و از وزارت فرهنگ و صنایع مستظرفه مدرک دریافت کرد. او گاهی شعر می سرود. سرانجام در ۲۶ بهمن ۱۳۳۱ش وفات یافته و در تکیه میر واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

این شعر از اوست:

اوّل فصل بهار است مه فروردین گشته زمرّدنما، سبزه به روی زمین

قطره باران ز شب، در اوّل آفتاب ز باد موج آورد، به سبزه گندمین

ز احتشامی نشان، اگر ز حشمت دهی این سخن نظم او، توصیه تا واپسین

ز عمر باقی تو را، اگر دو روزی بود به شادمانی گرای، مباش اندوهگین(۱)

همسرش قدسیه احتشامی نیز از شعرای آن عهد بوده است.

میرزا علی اکبر موافق علی شاه

حاج میرزا علی اکبر موافق علی شاه نعمت اللهی متخلّص به «موافق» فرزند آقا میر

۱- دانشنامه تخت فولاد اصفهان، ج۱، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

محمّداسماعیل خاتون آبادی اصفهانی (ملقّب به «صابرعلی» ثانی بن میرزا ابوالقاسم مدرس، عالم فاضل عارف کامل، ادیب شاعر [از ادباء و عرفای قرن چهاردهم هجری[در نیمه شب پنج شنبه ۱۵ شوال المکرّم سال ۱۲۸۸ق در اصفهان متولّد شد. دوره تحصیلات خویش را از فقه و اصول و فلسفه و عرفان و علوم ادب و تفسیر در خدمت اساتید اصفهان به پایان رسانید [و از جمله حکمت را از جهانگیرخان قشقائی آموخت.[از اوایل جوانی قدم در جاده سیر و سلوک نهاد و در خدمت عمّ بزرگوار خود میر محمّدهادی پاقلعه ای (هادی علی شاه) به تصفیه نفس و تزکیه باطل اشتغال جست و در این راه ریاضت ها کشیده و خدمت ها کرد. [او مدّتی در مشهد مقدّس و زمانی در تهران بود. دو سفر به مکّه معظمه نمود و حج به جای آورد. آنگاه به خدمت میرزا علی ذوالرّیاستین شیرازی (وفاعلی شاه) قطب سلسله نعمت اللهی در آن عهد درآمده و ارادت بدو داد و از او لقب «موافق علی شاه» گرفت و تخلّص شعری خود ر از «فانی» به «موافق» تبدیل کرد و از سوی «وفاعلی شاه» مأمور ارشاد و دستگیری فقرای آباده فارس و نواحی تابعه گردید.]

پس از وفات میرزا عباس پاقلعه ای [(صابرعلی شاه) در سال ۱۳۵۰ق از سوی میرزا عبدالحسین ذوالرّیاستین شیرازی (مونس علی)] مأمور دستگیری و ارشاد فقرای اصفهان گردید تا اینکه] در شب سه شنبه ۲۸ شوّال ۱۳۵۲ق وفات یافته و در تکیه آغاباشی جنب تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. [استاد محمّدحسین صغیر اصفهانی ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

بنوشت «صغیر» از پی تاریخ وفاتش: «شد مونس صابرعلی آن یار موافق»]

«او در فقه و حدیث و تفسیر و کلام ماهر و در علم هیأت و کواکب دستی داشت و منشآتش را کم تر کسی می نگاشت. دارای جزوه ها و رسالات متعدّده است و مخصوصا شرحی در موضوع عهد و میثاق و بیعت تدوین و به زبان قلم، فضل خود را تعیین

فرموده» [است.

دیوان موافق یک بار در سال ۱۳۲۹ش و بار دیگر در سال ۱۴۰۹ق به خط محمّدابراهیم کشوری زاده چاپ افست شده و میرزا عبدالحسین ذوالریاستین مقدّمه ای در شرح حال سراینده دیوان نوشته است.

از اشعار اوست:

خروش ناقه لیلی ز عشق نگذارد صدای ناله مجنون به ساربان برسد

مرا که دل به تو دادم، به راه عشق چه غم از این معامله بر جانم ار زیان برسد

* * *

به تمنّای گل روی تو چون بلبل مست مرغ جان از قفس جسم به پرواز آید(۱)]

سیّد علی اکبر میر محمّد صادقی

سیّد علی اکبر میر محمّد صادقی فرزند حاج میرزا محمّداسماعیل بن محمّدباقر بن امیراسماعیل حسینی اصفهانی، عالم فاضل. [از علمای قرن سیزدهم هجری.]

در اصفهان نزد جمعی از علماء همچون حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی و حاج محمّدابراهیم کلباسی تلمّذ نموده است. در اخلاق و زهد و تقوا معروف بوده و سرانجام در سال ۱۳۰۰ق به سن متجاوز از ۹۰ سال در اصفهان وفات یافت.

۱- دیوان قصاید و غزلیات حضرت موافق علی شاه، صص ۱۱-۲۲ و ۸۵؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۷۴ و ۴۷۵؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۸۹۰ و ۲۸۹۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۸۱ و ۲۸۲؛ گلستان جاوید، صص ۱۱۳-۱۱۵؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۳؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، صص ۴۱۵-۴۱۹.

آقا سیّد عبـداللّه ثقه الاسـلام میر محمّـد صادقی در رساله «ارشاد المسـلمین» می نویسـد: مؤلف درك آن مرحوم را نمودم در حالی که سن آن مرحوم متجاوز از نود سال بود و چشم هایشان نابینا بود و در اخلاق و زهد یگانه عصر بود.

وی کتبی چند تألیف نموده از آن جمله است:

۱. «رساله در اخلاق»۲. «رساله در تجوید»۳. «رساله در اصول دین»(۱)

ملّا علی اکبر اژه ای

ملّا علی اکبر اژه ای فرزنـد محمّـدباقر [از اعقاب ملّا شـریف الـدّین محمّـد رویدشتی اصـفهانی] عالم فاضل محقّق زاهد متّقی [مجتهـدی عالیقـدر، از اکـابر علمای اصـفهان در اوایل قرن سـیزدهم هجری. از تاریـخ تولّـد و اساتیـد او آگاهی نـداریم. او به احتمال زیاد از میرزا ابوالقاسم مـدرس، آقا محمّد بیدآبادی، میرزا محمّدعلیِ میرزا مظفر، آخوند ملّا ابراهیم جدلی، آقا محمّد بن شـیخ زین الدّین، میر عبدالباقی خاتون آبادی، میرزا حیدرعلی مجلسـی و ملّا حسـین تفلیسی کسب فیض نموده است.] سال هـا در اصـفهان سـاکن [بوده] و در مسـجد علی امامت و تـدریس می نموده و در علم کلام و حکمت و فقه و اخلاق و موعظه کم نظیر بوده است.

[پس از تجاوز روس ها به ایران و اشـغال سـرزمین مسلمانان ملّا علی اکبر اژه ای و تعداد دیگری از علمای بزرگ و مجتهدین علیه اشـغالگران روسـی در سال ۱۲۲۳ق فرمـان جهـاد صـادر کردنـد.] مرحوم اژه ای عـالمی غیور بوده و در برابر جریـان های فکری معارض همچون تبلیغات هنری مارتین (پادری نصرانی) ، میرزا محمّد اخباری و شیخ احمد احسائی دست به فعالیت زده و با تألیف کتاب به شبهات آنان پاسخ داده است. [او

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۲۴ و ۸۲۵؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۵۶؛ ارشاد المسلمین، (خطی) ، ص۳۵.

عالمی عارف و وارسته و در سیر و سلوک از مریدان درویش کافی نجف آبادی بوده است.]

مرحوم اژه ای در ۱۱ شوال ۱۲۳۲ وفات یافته و در تخت فولاد نزدیک قبر [حکیم عالیقدر ملّا اسماعیل] خواجوئی دفن گردید. مادّه تاریخ وفات او این مصرع است:

«اکبر اهل علم رفته ز عالم» ۱۲۳۲

در اطراف قبر او عدّه ای از اعقاب او و برخی دانشمندان مدفون شده اند.(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «آداب نماز شب» رساله ای لطیف است به زبان فارسی [که در سال ۱۳۲۸ق به اهتمام یکی از نوادگان مؤلف شیخ علی محمّد بن شیخ محمّدعلی اژه ای چاپ سنگی شده است.] ۲. «رساله معراج» [به فارسی] مطبوع۳. «رساله در سلام نماز نافله» و آن را حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی رد نموده [است.]۴. «رساله در رد رساله آقا سیّد محمّدباقر حجه الاسلام در موضع سلام نافله»۵. «رساله در صلوه و زکوه» که بر حسب خواهش حاج محمّدحسین خان صدر نوشته شده است. [نسخه ای از آن در کتابخانه میرزا محمّد طهرانی در سامرا موجود بوده است.(۲)]۶. «رساله در خمس و زکوه»۷. «رساله در قضا و شهادات»۸. «رساله در میراث» [نسخه ای از آن در کتابخانه علاّمه جلیل حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.]۹. «رساله در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۲۰ و ۸۲۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۵۱ و ۵۲؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۲۲۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۶۳ و ۶۴؛ روضات الجنات، ج۴، صص ۳۰۶-۳۰۸؛ الکرام البرره: مخطوط؛ معجم المؤلفین، ص۷۷۳؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۱۰۵؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، ص۹۴؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۹۴۵-۹۴۷؛ فوائد الرضویه، ج۱، صص ۲۷۴ و ۲۷۵؛ نجوم السماء، ص۴۱۸.

۲- الذریعه، ج۱۵، ص۸۵.

عبادات». ۱۰. «رساله در رؤس مسائل عبادات» [که ظاهرا همان «رساله دستورالعمل» است که در کتابخانه سیّد محمّدباقر حجت وجود دارد.] ۱۱. «رساله در رد پادری نصرانی» ۱۲. «رساله در رد شیخ احمد احسائی» ۱۳. «رساله در ردّ اخباریّه» [ردیّه ای است بر نظرات میرزا محمّد اخباری نیشابوری، که در سال ۱۲۲۲ق تألیف شده و نسخه ای از آن به خط احمد بن محمّدصادق خوانساری که در ۱۲۲۷ق کتابت شده، در کتابخانه آیت اللّه مرعشی به شماره ۴/۱۲۸۲۱ نگهداری می شود.(۱)] ۱۴. «زبده المعارف» در اصول دین و اعتقادات، بسیار مفصّل، از معروف ترین تألیفات مرحوم اژه ای [که یک بار چاپ سنگی و بار دیگر چاپ سربی شده است. نسخه های متعددی از این کتاب که در زمان حیات مؤلّف کتابت شده اند در کتابخانه های آیت اللّه مرعشی، مجلس شورای اسلامی، مرکزی دانشگاه تهران، مدرسه مروی تهران و ملک تهران وجود دارند.(۲)] ۱۵. «شرح اعتقادات حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام » که بر امام علی النّقی علیه السلام عرضه داشت. نسخه ای از آن در کتابخانه میرزا محمّد طهرانی در سامرا موجود است. [۱۶. «احکام الحدود» که نسخه ای از آن در کتابخانه علّامه محقّق حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است. ۱۷. «رساله در معارف الهیّه» که نسخه ای از آن را ملّا علی محمّد شریف اژه ای (از نوادگان مؤلف) در سال ۱۲۹۸ق کتابت نموده و به وسیله فاضل معاصر آقای شیخ مجید هادی زاده تصحیح و در کتاب «نصوص و رسائل» (جلد چهارم) به طبع رسیده است. ۱۸. «تعلیقه بر تفسیر صافی» که نسخه ای از آن در کتابخانه علّامه محقّق آقای حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است. ۱۹. «رساله در تیمّم» که نسخه خطی آن به خط میرزا محمّدحسین بن علی محمّد اژه ای موجود است. ۲۰. «ترجمه الصلاه» که در پایان «آداب نماز شب» به آن اشاره

۱- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۵۵۴.

۲- فهرست مروی، ص۱۴۶؛ فهرست مرعشی، ج۳، ص ۱۶۰؛ فهرست ملک، ج۳، ص۴۳۷.

شده است. ۲۱. «رساله جهادیه» که خلاصه ای از این رساله فارسی را میرزا عیسی قائم مقام فراهانی در کتاب «احکام الجهاد و اسباب الرشاد» آورده است. ۲۲. «رساله در صید و ذباحه» ۲۳. «شرح کافی» ۲۴. «شرح زبده البیان» مقدّس اردبیلی ۲۵. «شرح مفاتیح الاحکام» فیض کاشانی ۲۶. «شرح اسفار» ملاّ صدرا (جلد اوّل) (۱)]

میرزا علی اکبر فرومند

حاج میرزا علی اکبر فرومند فرزند حاج محمّدباقر، فاضل ادیب معاصر. از معلمین مدارس اصفهان، مؤلّف: ۱. «الوان الرّیاحین» ۲. «نخبه الاشعار». دو جلد کتاب مجموعه ای از برگزیده اشعار برخی از شاعران، در مدایح و مراثی حضرات معصومین علیهم السلام نسخه آنها در کتابخانه حضرت آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

[وی سرانجام در روز ۵ جمادی الاولی سال ۱۳۹۶ق وفات یافته و در تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۳)]

مشارٌ إلیه برادر مرحوم آقا میرزا علی اصغر شریف [عالم فاضل ربانی] مدفون در تکیه بروجردی در تخت فولاد است.

حاج علی اکبر حجّار*

حاج علی اکبر بن استاد جون علی بنّا، از حجّاران چیره دست اواخر دوره صفویه است. او در سال ۱۱۱۰ق سنگ عصارخانه ای در میدان میر اصفهان را حجاری کرده است. بر روی این سنگ نقوش زیبائی کنده کاری شده است. این سنگ عصاری هنگام تخریب

۱- بزم معرفت، صص ۱۱۷-۱۳۱.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۸۷ و ۸۸؛ فهرست مرعشی، ج۱۳، صص ۳۲۱-۳۲۴.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

عصارخانه در سال ۱۳۱۱ش به اهالی قهفرخ فروخته شده و به آن دیار منتقل شده است.(۱)

علی اکبر صهبای بروجنی

علی اکبر بروجنی متخلّص به «صهبا» فرزند محمّدجواد [از شعرای قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۷۷ش (برابر با ۱۳۱۷ق) متولّد شده و در مکاتب قدیم اندکی تحصیل کرده و پس از فوت پدر ناگزیر به ترک تحصیل شده به کسب و کار مشغول گشت. در حدود دو سه هزار بیت شعر از قصیده و غزل سروده است.

از اشعار اوست:

هر دم که یاد از آن مه فرخنده پی کنم دیوانه وار نالم و افغان چو نی کنم

در این امید می گذرد روزگار من شاید شبی نظر به رخ خوب وی کنم(۲)

علی اکبر رفیعی طالخونچه*

علی اکبر اسماعیل پور متخلّص به «رفیعی» فرزند حسن از شعرای معاصر در سال ۱۳۰۷ش در روستای «طالخونچه» متولّد شد. در سرودن شعر صاحب ذوق قریحه است. بیشتر اشعارش در مدح و منقبت و مرثیه اهل بیت علیهم السلام است. نام آثار او چنین است.

۱. «دیوان گنجینه الاحزان» ۲. «دیوان غزلیات رفیعی»۳. «رباعیات رفیعی»۴. «گلستان کربلا»۵. «صراط الرّضوان» یا دعای ابوحمزه ثمالی (منظوم) به ضمیمه

۱- قهفرخ در گذرگاه تاریخ، صص ۳۹ و ۴۰.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۱۸؛ نامه سخنوران، ص۱۵۹.

«مولودنامه چهارده معصوم»

این شعر از اوست:

ز نقطه بسمله طلب کنم راه را ز رحمن الرّحیم بجویم اللّه را

گناه بخشنده گدا و هم شاه را پس این زمان گوش کن تو قل هو اللّه را

که معنیش را بیان کنم ز راه یقین

قل بگو ای مصطفی خدای بنده نواز واحد و یکتا بود صانع و هم چاره ساز

هست خدای صمد بی بدل و بی نیاز دست خلایق همه به درگه او دراز

که اعطنا رزقنا اللّه و الرّازقین(۱)

سیّد علی اکبر ابرقوئی*

استاد سیّد علی اکبر ابرقوئی فرزند سیّد حسین، دانشمند فاضل و ادیب ماهر. در سال ۱۲۷۶ش در ابرقو متولّد شد و در اصفهان نزد شیخ محمّدتقی آقانجفی، آخوند ملّا محمّدحسین فشارکی، شیخ محمّدحسین جزن آبادی و دیگران به تحصیل پرداخت. آنگاه به تدریس در دبیرستان های اصفهان پرداخت. پس از تأسیس دانشگاه اصفهان، برای تدریس فراخوانده شد و سال ها در دانشکده ادبیات، ادبیات عرب را تدریس نمود. همچنین چندین سال ریاست اوقاف اصفهان را برعهده گرفت. او از فعّالان سیاسی و اجتماعی عصر خویش بود و سرانجام در ۱۵ اسفند ۱۳۵۶ش وفات یافته و نزدیک مزار عالم ربّانی شیخ محمّدباقر زند کرمانی در تخت فولاد مدفون گردید.

از او علاوه بر مقالاتی که در برخی از مطبوعات اصفهان به چاپ رسیده است، تصحیح و تعلیق «مقامات حمیدی» است که در سال ۱۳۴۴ش چاپ شده است.(۲)

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص ۳۱۰.

۲- شرح مجموعه گل، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ دانشنامه تخت فولاد اصفهان، ج ۱، صص ۱۲۸ و ۱۲۹.

علی اکبر جمشیدیان (جمشیدی)

علی اکبر جمشیدیان معروف به «اکبر جمشیدی» و متخلّص به «جمشیدی» فرزند محمّدحسین [از مشاهیر شعرای اصفهان در عصر حاضر] در سال ۱۳۰۱ش در اصفهان متولّد شد. از نوجوانی به کارگری پرداخته و پس از ۷ سال در کارخانه دخانیات، به کار در کارخانه پارچه بافی زاینده رود مشغول شد. در شعر از معلومات استاد محمّدحسین صغیر اصفهانی بهره گرفته و عضو انجمن های ادبی شیدا و کمال بوده است. گاهی برحسب اقتضای حال از هزل و جدّ اشعاری می سراید و در فکاهی تسلط دارد.(۱)

[بنا بر نوشته مقدمه «شلوغ و پلوغ» در بهار ۱۳۰۱ش متولّد شده و در کودکی پدر را از دست داد و به ناچار به کار مشغول شد. و در کنار کار به فراگیری خواندن و نوشتن پرداخت.

او به دعوت جلال برجیس چندی سال در آموزشگاه فروغ تدریس کرد و سرانجام در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۲ش از دنیا رفت و در قطعه نام آوران باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد. مجموعه ای از اشعار او در این کتاب ها به چاپ رسیده است:

۱. «برهنه خوشحال» در سال ۱۳۴۳ش ۲. «لبخند» در سال ۱۳۴۷ش۳. «شلوغ و پلوغ» در سال ۱۳۷۳ش(۲)

از اوست:

تو رفتی و بگذشت از گذشتنت بس ماه ز سینه ام به درآید هنوز ناله و آه

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۲- شلوغ و پلوغ، صص ۵-۲۶.

کجا روم به که گویم که از فراق رُخَت شده است روز من دل فسرده شام سیاه]

شیخ علی اکبر فقیه*

حاج شیخ علی اکبر فقیه فرزند حاج شیخ محمّدحسین فقیه نطنزی. از علمای معاصر اصفهان، فقیه ماهر و عالم عامل و زاهد صالح. در سال ۱۳۲۶ش در اصفهان متولّد شد. دروس مقدّماتی را نزد پدر خود خواند و بنا به تشویق پدر جهت ادامه تحصیل در مدرسه شیخ محمّدعلی در اصفهان ساکن شد.

او نزد علمای عالیقدر اصفهان حضرات آیات: شیخ احمد فیاض، حاج آقا حسن فقیه امامی، شیخ مجتبی حاتمی لنکرانی، حاج آقا حسین خادمی، سیّد محمّدرضا خراسانی و شیخ حسن صافی تحصیل کرد و به درجه اجتهاد نائل شد.

او سال ها به تدریس فقه و اصول در مدرسه ذوالفقار اصفهان مشغول بود و در تعمیر و احیای این مدرسه سهم مهمی داشت. او عالمی متّقی و زاهد و قانع بود. در اواخر عمر ۱۴ سال بیمار و خانه نشین بود ولی در این سال ها همواره شاکر خداوند بود و از جادّه صبر و رضا خارج نگردید.

این عالم ربانی در روز چهارشنبه ۱۶ شعبان ۱۴۳۱ق (مطابق با ۶ مرداد ۱۳۸۹ش) وفات یافته پس از تشییع در امامزاده احمد اصفهان مدفون شد.(۱)

سیّد علی اکبر واعظ برزانی*

سیّد علی اکبر واعظ فرزند سیّد حسین واعظ برزانی، عالم فاضل جلیل. در سال

۱- کتاب «حجّتی بر همگان» و مصاحبه با خانواده مرحوم فقیه.

۱۳۲۴ش در اصفهان متولّد شد. و در نجف اشرف نزد حضرات آیات: شیخ حسین راستی کاشانی، شهید سیّد اسداللّه مدنی تبریزی و حاج سیّد عباس خاتم یزدی تحصیل کرد. او پس از ۶ سال به اصفهان آمده و در درس سیّد علی اصغر مدرس نجفی، شیخ علی مشکوه سدهی و ملاّ هاشم جنّتی حاضر شد. سپس به قم رفته و نزد آیات عظام: گلپایگانی و اراکی و حضرات آیات: شیخ مرتضی حائری یزدی، شیخ علی فیض (مشکینی) ، شیخ عبداللّه جوادی آملی و انصاری شیرازی به تکمیل معلومات خود پرداخت.

او عاقبت در سال ۱۳۶۱ش به اصفهان مراجعت کرده و در حوزه علمیه اصفهان و دانشگاه اصفهان به تدریس پرداخت. همچنین از درس خارج مرحوم شیخ حسن صافی بهره گرفت.

او پس از عمری ترویج و تبلیغ دین در ۱۵ بهمن ۱۳۸۲ش (مصادف با ۱۲ ذیحجه ۱۴۲۴ق) بر اثر ابتلاء به بیماری سرطان خون وفات یافت.(۱)

میرزا علی اکبر شیخ الاسلام

حاج میرزا علی اکبر شیخ الاسلام فرزند حاج میرزا محمّدرحیم (سوم) بن میرزا عبداللّه (دوم) بن میرزا محمّدرحیم (دوم) بن میرزا مرتضی بن میرزا عبدالمطلب بن میرزا محمّدرحیم (اوّل) شیخ الاسلام بن ملاّ محمّدجعفر بن آخوند ملاّ محمّدباقر محقّق سبزواری، از علماء و متنفّذین اصفهان [در اواخر دوره قاجاریه.]

قبل از سال ۱۲۹۰ق در اصفهان متولّد گردیده و در این شهر تحصیل کرد و از محضر درس علمای عالیقدر حاج میرزا بدیع درب امامی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، حاج شیخ محمّدتقی آقانجفی، جهانگیرخان قشقائی، آخوند ملاّ عبدالکریم گزی و آخوند ملاّ

۱- نوری از مصباح واعظ، صص ۱۱-۱۳.

محمّد کاشی بهره برد سپس دو سال در اعتاب مقدسه ساکن و از محضر علمای آنجا استفاده علمی کرد.

او پس از فوت برادرش میرزا محمّدحسن شیخ الاسلام در سال ۱۳۰۹ق به منصب شیخ الاسلامی در اصفهان رسیده [و در تحولّات اجتماعی و سیاسی آن دوره در شهر اصفهان نقش مهمّی داشت.] او در نهضت مشروطیت در اصفهان به زعامت حاج آقا نوراللّه نجفی، یار و مددکار بود و از اعضای فعال شرکت اسلامیّه و انجمن ولایتی اصفهان و انجمن مقدس ملّی اصفهان به شمار می رفت. از سال ۱۳۴۲ق به بعد نیز عضو هیئت علمیه اصفهان بود، او پس از استقرار مشروطیت رئیس بلدیه اصفهان بود و در دوره چهارم مجلس شورای ملّی به عنوان نماینده اصفهان به وکالت انتخاب شده و در مجلس شرکت نمود. او در جریان مخالفت حاج آقا نوراللّه نجفی با قانون نظام وظیفه و مهاجرت او و علمای اصفهان به قم همراه معترضین بود. پس از آنکه قانون اتّحاد شکل [تبدیل لباس سنّتی ایران و لباس روحانیت به لباس جدید و متحدالشّکل] به اجراء گذاشته شد. او در سال ۱۳۴۸ق با عدّه ای خانواده از اصفهان به مشهد مقدس مهاجرت کرده و در شب ۲۲ ذی القعده سال ۱۳۵۰ق به عارضه سکته وفات یافت و در مدرسه میرزا جعفر مشهد مقدّس مدفون شد.(۱)

علی اکبر کده بونی اصفهانی

علی اکبر بن شمس الدّین کده بونی [اصفهانی، از کاتبان نسخ نویس قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۸۳ نسخه ای از «ترجمه جعفریه» را به خط نستعلیق نوشته است.

۱- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۴۰-۱۵۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۳۵ و ۲۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۵۷ و ۳۵۸؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۱، ص۲۶۲.

مؤلف جعفریّه نورالدّین علی بن عبدالعال کرکی (محقّق کرکی) و مترجم حسن بن عبدالغفار [است که] در حیات مؤلف نوشته است. نسخه به شماره ۳۱۱۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

«کته بونی» (یا «کتابونی» یا «کتابونچه» یا «کِتِ بنی» از قُراء اصفهان است.)

علی اکبر وجهی اصفهانی*

علی اکبر بیک بن محمّدصالح بیک، شاعر ادیب، از سخنوران قرن یازدهم هجری. از غلامان خاصّه دربار شاه سلیمان صفوی بوده و به درویشان نیز ارادت داشته و از آنان تعلیم می گرفته است. در شعر طبعی روان داشته و «وجهی» تخلّص می نمود.

از اوست:

رباعی

ای کاش که یار آید و نوروز کنیم از آتش شوق سینه پرسوز کنیم

بر گرد سرش چو گردش لیل و نهار روزی به شب آریم و شبی روز کنیم(۲)

شیخ علی اکبر اژه ای*

شهید شیخ علی اکبر اژه ای فرزند شیخ علی محمّد، عالم فاضل و مبارز انقلابی در سال ۱۳۳۱ش در اصفهان متولّد شده و پس از طیّ تحصیلات ابتدائی و متوسّطه در حوزه علمیّه اصفهان به تحصیل علوم دینی پرداخت و همزمان در دانشگاه اصفهان در رشته روانشناسی و فلسفه ادامه تحصیل داد و موفق به اخذ درجه لیسانس گردید. او در قم

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش دوم، ص ۶۷۳.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۷۴؛ سفینه خوشگو: دفتر دوم، ص ۷۷۹.

نزد جمعی از فضلاء همچون علی اکبر فومنی و محمّدباقر امانی ادامه تحصیل داد و همچنین به طور خصوصی در درس فلسفه شهید دکتر سیّد محمّد بهشتی شرکت می کرد.

وی فعالیت های اجتماعی و سیاسی خود را از سال ۱۳۴۴ش در کانون علمی تربیتی جهان اسلام شروع کرد و پس از بسته شدن آن در سال ۱۳۵۲ش فعّالیّت های خود را در مسجد امام علی علیه السلام اصفهان متمرکز نموده و همکاری نزدیکی با گروه های انقلابی مهدویون و توحیدی صف داشت. او در سال ۱۳۵۳ش به وسیله ساواک دستگیر و سپس آزاد شد.

وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت حزب جمهوری اسلامی در آمده و به شورای مرکزی حزب راه یافت و در جهت افشاگری جریان های سیاسی ملّی گرا و سازمان مجاهدین (موسوم به منافقین) تلاش فراوان نمود.

وی سرانجام در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در تهران به همراه استادش دکتر بهشتی و جمعی دیگر از اعضای حزب و مسؤولین نظام جمهوری اسلامی در روز ۷ تیر ۱۳۶۰ش به شهادت رسید.

این کتاب ها از تألیفات اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «شب قدر»۲. «فقر از دیدگاه اسلام»۳. «نقد و بررسی جنبش مسلمانان مبارز»۴. «نقش شخصیّت ها در تاریخ»۶(۱)

علی اکبر ابهری اصفهانی

علی اکبر بن محمّدعلی ابهری جی اصفهانی [از کاتبان خط نسخ در قرن دوازدهم هجری] در سال ۱۱۱۹ق کتاب «زاد المعاد» علّامه مجلسی را کتابت نموده و در همین

۱- شرح مبارزات مردم اصفهان، ج۱، صص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ دانشنامه تخت فولاد اصفهان، ج۱، صص ۱۶۱-۱۶۳.

سال حسن حسینی آن را مقابله کرده است. نسخه به شماره ۶۷۲ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

مشارٌ الیه احتمالاً از شاگردان علاّمه مجلسی است.

علی اکبر خانعلی زفره ای

علی اکبر بن محمّدعلی خانعلی زفره [از ادبای قرن سیزدهم هجری و از اهالی قریه «زفره» قهپایه اصفهان] متوفی بعد از سال ۱۲۹۷ق صاحب «حواشی بر نصاب الصبیان» که نسخه آن نزد آقای محمّدحسن رجائی زفره ای موجود بوده است.(۲)

سیّد علی اکبر فتوحی زوّاره ای

حاج سیّد علی اکبر زوّاره ای متخلّص به «فتوحی» فرزند سیّد محمّدعلی حکیم، از شعرای معاصر. در سال ۱۳۲۴ق متولّد شده و در مولد خویش و اصفهان و طهران تحصیل کرده و در طهران مدّتی به شغل وکالت در دادگستری مشغول گردید. سپس سال ها در قصبه حضرت عبدالعظیم (شهرری) ساکن و به کار زراعت و کشاورزی مشغول بود. او مردی فاضل و مطّلع و شخصی متدیّن و باتقوا بوده و گاهی شعر می سرود. این بیت از اوست:

حُسن صورت گر بود زِ آرایش عفّت بَری عقل گوید مر تو را زان حُسن دوری احسن است(۳)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۸۲؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۱۱۳.

۲- تذکره الاطباء، ص۶.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۴۷ و ۳۴۸.

علی اکبر محمّد هاشمی حبیب آبادی*

علی اکبر محمّد هاشمی حبیب آبادی فرزند غلامرضا، شاعر ادیب معاصر. در سال ۱۳۲۴ش در روستای حبیب آباد بُرخوار متولّد شد و پس از تحصیل به استخدام هوانیروز درآمد. گاهی شعر می سراید و در انجمن های ادبی اصفهان شرکت می کند. اشعارش اغلب در مدایح و مراثی چهارده معصوم علیهم السلام است.(۱)

حاج سیّد علی اکبر میر محمّد صادقی

حاج سیّد علی اکبر فرزند سیّد محسن میر محمّد صادقی بن آقا سیّد محمّدباقر بن میر سیّد علی حسینی، عالم فاضل [از علمای قرن سیزدهم هجری] در سوم جمادی الاولی ۱۲۸۸ق متولّد شده و در نجف از محضر آخوند خراسانی و آقا سیّد محمّدکاظم یزدی استفاده برد. در اصفهان اقامه جماعت در مسجد شیشه و ترویج احکام پرداخته و در اواخر عمر در قریه «گز» به ارشاد و هدایت مشغول بود.

او در چهارشنبه ۲۳ شعبان ۱۳۸۶ق وفات یافته [و در آرامگاه خاندان میر محمّد صادقی، جنب تکیه ملک] در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

حاج علی اکبر اصفهانی

حاج علی اکبر اصفهانی فرزند حاج ملک محمّد، از مردان نیکوکار ساکن مشهد مقدس است. او در سال ۱۱۰۴ق قسمتی از املاک خود را وقف آستانه مقدسه رضویه نموده که شرح آن در کتاب «آثار الرضویه» تألیف: اسماعیل بن حاج میرزا حبیب اللّه

۱- ادیب ماندگار، ص ۲۷۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۵.

مستوفی همدانی است.(۱)

علی اکبر اَنداآنی اصفهانی

علی اکبر بن غیاث الدّین منصور اَنداآنی اصفهانی، نویسنده مقدمه «دیوان وحشی جوشقانی کاشانی». او مستوفی و وزیر نظام الدّین اغورلو بیک یوزباشی بوده است. نسخه دیوان با مقدمه در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران می باشد.(۲)

[«اَنداآن» از محلّه های خمینی شهر (همایون شهر = سِدِه ماربین) اصفهان است.]

میرزا علی اکبر تابش

حاج میرزا علی اکبر تابش فرزند حاج میرزا مهدی، ادیب شاعر مقدّس [از شعرای اصفهان در قرن چهاردهم هجری.]

او از خاندان میرزا هادی بیدآباد است که نسب آنان به میرزا مهدی اشتهاردی نویسنده عصر نادری و بانی مدرسه میرزا مهدی در بیدآباد می پیوندد.

در حدود سال ۱۳۰۵ق در اصفهان متولّد شده و نزد فضلای اصفهان مقدمات علوم را آموخت. او در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد و در فنون شعر و ادب مهارتی به سزا و در سرودن شعر قریحه ای توانا داشت. همچنین در ادبیات و ریاضی و سیاق ماهر بود. اشعارش در مجلّه دانشکده اصفهان به طبع می رسید. دیوان اشعار او حدود سه هزار بیت است.

وی در روز ۱۵ شعبان ۱۳۷۰ق در طهران وفات یافت و در [قبرستان حاج شیخ] قم مدفون گردید.

۱- آثار الرّضویه، ص۲۰۱.

۲- الذریعه، ج۲۲، ص۷۹.

از اوست:

در نقاب زمردین زان غنچه پوشد روی خویش تا چو گل بر باد ندهد آب و رنگ و بوی خویش

می شود بازیچه دست حوادث همچو گل غنچه گر بیرون گذارد پای از مشکوی خویش(۱)

علی اکبر گلستانه

علی اکبر بن میرزا محمّدمهدی گلستانه [خوشنویس و ادیب قرن سیزدهم هجری] در تاریخ هفتم جمادی الاولی ۱۲۷۷ق نسخه ای از «بحرالجواهر» میرزا عبدالوهاب بن محمّدامین شهشهانی اصفهانی را به خط نستعلیق زیبا نوشته و نسخه به شماره ۲۲۹۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

سیّد علی اکبر صدر الاطبّاء

سیّد علی اکبر صدر الاطباء حسینی بن میرزا هادی بن میرزا کوچک طبیب [از پزشکان اواخر دوره قاجاریّه] سال ها در اصفهان به طبابت مشغول بوده و در سال ۱۳۳۵ق نزدیک قبر فاضل هندی در تخت فولاد مدفون شد. «فصول العلاج» از تألیفات اوست.

[در طب از شاگردان میرزا عبدالجواد خراسانی است و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت و شیخ محمّدرضا جرقویه ای حائری از شاگردان او بوده اند.(۳)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۲۲-۱۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۵۶ و ۵۵۷؛ تربت پاکان قم، ج۲، صص ۱۰۵۷ و ۱۰۵۸؛ نامه سخنوران، ص۱۵۷.

۲- فهرست مرعشی، ج۶، ص۲۸۴.

۳- تاریخ نائین، ص۲۰۷؛ گلزار فضیلت، صص ۳۰۹-۳۱۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۴.

استاد علی اکبر پرورش*

استاد علی اکبر پرورش، فعال سیاسی و نویسنده محقّق معاصر در سال ۱۳۲۱ش در اصفهان متولّد شد و پس از تحصیلات ابتدائی و دبیرستان در اصفهان، در دوره دانشسرای عالی شرکت نمود و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته ادبیات و کارآموزی دبیری ادامه داد.

وی قبل از انقلاب دبیر دبیرستان های اصفهان بود که با ایجاد ارتباط با افرادی چون شهید بهشتی نقش به سزائی در سازماندهی جوانان مبارز داشت. در جریان تحصّن منزل آیت اللّه خادمی از گردانندگان اصلی محسوب می گردید که پس از اعلام حکومت نظامی در اصفهان به عنوان یکی از محرّکین دستگیر و مدّتی زندانی گردید. او پس از آزادی به همراه عدّه ای از فرهنگیان اقدام به تأسیس «جامعه معلمان اصفهان» نمود که در سازماندهی اعتصابات و تظاهرات فرهنگیان اصفهان نقش به سزائی داشت.

استاد پرورش در سال ۱۳۵۸ش از طرف مردم اصفهان به نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد و در سال ۱۳۵۹ نیز به مجلس شورای اسلامی راه یافت و در مجلس به عنوان نایب رئیس انتخاب شد و به نمایندگی از مجلس در شورای عالی دفاع شرکت می نمود. و از سال ۱۳۶۰ش به عنوان وزیر آموزش و پرورش در کابینه شهید محمّدعلی رجائی، شهید محمّدجواد باهنر و مهندس موسوی شرکت داشت.(۱)

استاد پرورش در سال های اخیر به فعالیت های فرهنگی و تدریس و تحقیق ادامه داده و به عنوان یکی از اعضای حزب مؤتلفه اسلامی در فعالیّت های سیاسی حضور داشته است. این کتاب ها از تألیفات اوست: که به چاپ رسیده است:

۱- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (شرح مبارزات مردم اصفهان) ، ج ۱، ص ۲۳۷.

۱. «اصحاب کهف»۲. «بحثی فشرده و کوتاه در زمینه تقوا از نظر اسلام»۳. «پدیده جاهلیت از دیدگاه قرآن»۴. «قرآن و خطوط نفاق»۵. «ما و قرآن»۶. «نگرشی به نظام خانواده در اسلام»

علی اکبر پیمان فروشانی*

آقا علی اکبر فروشانی اصفهانی متخلّص به «پیمان» شاعر و ادیب در قرن سیزدهم ۶۵۷هجری، برادرِ «پریشان».

از اهالی محلّه «فروشان» سده ماربین (خمینی شهر فعلی) بود. و به شکایت از دست عُمّال صدراعظم اصفهانی میرزا محمّدحسین خان، به تهران رفته و عریضه تقدیم فتحعلی شاه نمود امّا او را عقوبت نموده زبانش را بریدند. اما صدراعظم او را مورد لطف و دلجوئی قرار داد. پس او نیز زبان به اعتذار گشوده و قصیده در مدح صدراعظم انشاء نمود. این دو بیت از آغاز این قصیده است:

شکر خدا که دهر کهن باز شد جوان آمد بهار و رفت ز ملک جهان خزان

سلطان گل فراشت دگر خیمه در چمن بر طرف جویبار دگر سرد شد جمان(۱)

سیّد علی اکبر خارکی نطنزی

سیّد علی اکبر حسینی خارکی نطنزی، شاعر ادیب در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری.

یکی اجدادش از جزیره «خارک» در استان بوشهر به اصفهان آمده و ساکن گردیده و علی اکبر در اصفهان تولد یافته است. وی در اصفهان به تحصیل پرداخته است. او از

۱- تذکره مدایح الحسینیه: مخطوط، ص ۱۷۰.

جوانی طبع شعر داشته و ظاهرا از محضر هاتف اصفهانی کسب فیض نموده و به افتخار دامادی او نائل آمده و دختر هاتف «رشحه بیگم» که زنی شاعره و اهل ادب بوده را به همسری خویش برگزیده است. حاصل این ازدواج پسری به نام سیّد احمد بوده که او نیز به شعر روی آورده و «کشته» تخلّص نموده است.

صاحب عنوان مدتی در اصفهان و کاشان به سر برده و مدّتی نیز در نطنز به زراعت مشغول بوده و عاقبت پس از عمری طولانی در سال ۱۲۳۷ق در کاشان وفات نموده است.

از اوست:

زین سان که به گل پای من از دیده فرو رفت مشکل که توانم قدمی در پی او رفت(۱)

حاج علی اکبر صالحی

حاج علی اکبر صالحی اصفهانی مؤلّف: «قنات یا کاریز» که در سال ۱۳۳۶ تألیف شده است. نسخه آن در کتابخانه الزهراء اصفهان موجود است.(۲)

حاج سیّد علی اکبر صدرالشریعه

حاج سیّد علی اکبر صدر الشّریعه، عالم فاضل، از علمای قرن چهاردهم هجری. متولّد در سده ماربین [خمینی شهر فعلی] مردی بود عالم و شجاع و سخی الطّبع و بااستعداد در امر به معروف و نهی از منکر ساعی و جدی مورد ارادت و احترام اتابک اعظم قرار

۱- مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۳۹؛ تذکره اختر، صص ۲۸-۳۰؛ حدیقه الشعراء، ج۱، ص۱۵۲؛ تذکره انجمن خاقان، ص۴۷۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۷۸.

۲- فهرست الزهراء: مخطوط.

گرفت و در طهران متوطن شد و با دختر شریف العلماء خراسانی ازدواج کرد.(۱)

میرزا علی اکبر محلاتی

میرزا علی اکبر محلاّتی، از اساتید خط نستعلیق و شکسته در قرن سیزدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و قبل از سال ۱۲۹۴ق وفات یافته است.(۲)

لسان الملک سپهر در تذکره خود سال وفاتش را ۱۲۴۵ق ضبط نموده که صحیح نیست.

استاد علی اکبر معمارباشی

استاد علی اکبر معمارباشی اصفهانی، از معماران چابک دست قرن یازدهم هجری است. از آثار وی ساختمان مسجد شاه [مسجد امام] اصفهان است که بنای آن به سال ۱۰۲۵ق به پایان رسیده است. در کتیبه کاشی کاری ثلث سردر این مسجد از او چنین یاد شده است:

«... بمعماریه من فی العمل کالمهندسین و هو النّادر الاوانی استاد علی اکبر الاصفهانی...»(۳)

نصرآبادی درباره او می نویسد:

«مرد کدخدائی درنهایت آرام و صلاح و درویشی است.»(۴)

۱- لطائف غیبیّه: مقدمه، ص سی؛ خمینی شهر شهری که باید از نو شناخت، ص۲۹۳.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۱۸۱؛ تذکره خوشنویسان، ص۱۲۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۴۳۸.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۴۲۹ و ۴۶۳۰؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۲۰۴.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۹۸.

استاد علی اکبر علاوه بر هنر معماری، گاهی بنا به اقتضای حال شعری می سروده است. سال فوت او به دست نیامد.

این شعر از اوست:

آن کس که به نفس خود نبردی دارد با خویش همیشه سوز و دردی دارد

گر خاک شود عدو و بر باد رود غافل نشوی که باز گردی دارد(۱)

علی اکبر واضح اصفهانی*

علی اکبر اصفهانی متخلّص به «واضح» از شاعران قرن یازدهم هجری است. به شغل زرکشی مشغول بود. عاقبت به دکن در هند رفته و به سال ۱۰۳۰ق وفات یافت.

از اوست:

پس از ریزش ندارد روی ماندن ابر نیسانی فراری می کند ارباب همّت را پریشانی(۲)

سیّد علی اکبر هاشمی طالخونچه ای

سیّد علی اکبر هاشمی طالخونچه ای، عالم فاضل جلیل و سیّد کامل عادل زاهد خلیق [از علمای اصفهان در قرن چهاردهم هجری] در حدود سال ۱۳۱۰ق در «طالخونچه» از قُرای سمیرم متولّد گردید و در اصفهان و قم تحصیلات خویش را به پایان رسانید. در علم و کمال و خصوصا اخلاق، سرآمد علمای زمان به شمار می رفت. خط نستعلیق را در کمال استادی می نوشت.

سال ها در مولد خود مرجع امور شرعیه بود. تا این اواخر به علّت اختلافات محلّی به

۱- سایر منابع: تذکره غنی، ص۱۷؛ تذکره نتایج الافکار، ص۶۸؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «اکبر اصفهانی»، ص ۳۱۸۰؛ تذکره روز روشن، ص۶۹؛ الذریعه، ج۹، ص۸۸.

۲- کاروان هند، ج۲، ص ۱۵۰۰؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۴، ص۲۴۸۲.

اصفهان مهاجرت نموده، مورد توجّه و عنایت واقع شده، در مسجد سلمان، در خیابان شیخ بهائی امامت می فرمود.

در شب دوشنبه ۱۱ رمضان المبارک ۱۳۸۸ق به عارضه سکته وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

علی جان مصباح قهفرخی

علی جان مصباح فرزند عبداللّه، [از شعرای قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۸۳ق در قهفرّخ [فرّخ شهر فعلی] متولّد گردیده و در سال ۱۳۵۸ق در همان جا وفات یافت. از اشعار اوست:

آنچه با فرهاد از کین تیشه فولاد کرد یار شیرین با من از سرپنجه فرهاد کرد(۲)

علی جان حجارزاده سِدهی

علی جان حجارزاده سدهی، از شعرای معاصر اصفهان در سِدِه ماربین [خمینی شهر کنونی] متولّد گردیده، تحصیلات مقدّماتی خویش را در مکاتب قدیم انجام داده و بعدا به کسب اشتغال جُست. گاهی برحسب اقتضای حال اشعاری می گفت. طبع شعر متوسّطی داشت. از اوست:

نباشد به ز دوران جوانی از این نعمت بباید قدردانی

عزیزش دان و میدارش غنیمت همه دانش طلب تا هست فرصت(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۵۳.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۳۴ و ۳۳۵.

علیجان معلم*

علیجان معلم، از خوشنویسان قرن دهم هجری است. او کتیبه ای به خط ثلث را در سال ۹۸۷ق نوشته است که بر سردر مسجد فتح در محله باب الدّشت اصفهان نصب شده است.(۱)

علی جعفر امامی*

باباعلی جعفر امامی اصفهانی واحدالعین، از خوشنویسان هنرمند و شعرای زبردست اوایل قرن یازدهم هجری است. اقسام خطوط خصوصا ثلث و نسخ و رقاع را خوش می نوشت و در مکتب خانه به تعلیم اطفال مشغول بود. مردی عابد و زاهد و صالح و قانع بوده و در حدود ۱۰۲۰ق در اصفهان وفات یافت.(۲)

علاوه بر قطعه نویسی، در کتیبه نویسی نیز آثاری دارد از جمله:

۱. کتیبه صفه صاحب در مسجد جامع اصفهان به خط ثلث بر سنگ سیاه، شامل فرمانی از شاه طهماسب، بدون تاریخ ۲. کتیبه در چوبی سردر باب الدشت مسجد جامع اصفهان، به خط ثلث و به تاریخ ۹۹۹ق ۳. کتیبه سردر مسجد مقصود بیک، به خط ثلث و به تاریخ ۱۰۱۰ق(۳)

این شعر از اوست:

دارم ولی از غمت به دو نیمه چو تار چشمی ز ندیدن جمالت خونبار

رویی ز طپانچه در فراق نیلی جانی ز کشاکش خیالت افگار

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۶۱۲.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۶۴۵.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۱۶۳؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۲۵؛ تاریخ اصفهان (هنرمندان) ، صص ۱۰۰ و ۱۰۱.

علی داد رحیمی*

علی داد رحیمی متخلّص به «رحیمی» از شعرای معاصر اصفهان. در بهمن ۱۳۲۰ش در «جونقان» چهارمحال و بختیاری متولّد شد. وی پس از مدّتی تحصیل به کارهای ساختمان مشغول شد و با علاقه و پشتکاری که از خود بروز داد، به زودی گواهی معماری منطقه را دریافت کرد. در سال ۱۳۵۰ش به اصفهان آمده و در این شهر سکونت گزید و به طور شبانه ادامه تحصیل داد و تا اخذ مدرک فوق دیپلم آن را دنبال کرد. او به عنوان سرپرست ماشین آلات در کارخانه ذوب آهن اصفهان، سال ها به خدمت مشغول بود.

وی از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته و در انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن های: صائب، پژمان بختیاری، حافظ و داراب افسر شرکت می کند. این چند بیت از اشعار اوست:

بگیر ای آفتاب عشق ملک جسم و جانم را برافروزان به مهر دوست سر تا پا روانم را

نشانی تا به چند از سوز دل در آتش و آبم گدازی تا به کی چون شمع از غم استخوانم را

هنوز از جان و دل روشنگرم بزم حقیقت را به گلگشت محبّت گر کنی خامش زبانم را(۱)

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۲۹۷؛ زنده رود تا حیدربابا، ص۱۱۰.

علیرضا بیک

علیرضـا بیک، از فضـلاء و شـعرای قرن یازدهم هجری. در خـدمت ملّا محمّـدباقر سبزواری به مقابله احادیث پرداخته و مردی صالح و باتقوا بود. مدّتی مستوفی ایروان و زمانی مستوفی شیروان بود. عاقبت استعفا کرده و در اصفهان به عبادت مشغول شد.

[در نسـخه تذکره نصرآبادی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نام او «علیرضا بیک» از ولایت «درین» ضبط شده و در نسخه کتابخانه وزیری یزد «علی میرزا بیگ» از ولایت «درمن» نوشته شده است. و اللّه اعلم]

از اوست:

ای دل چو جرس به هرزه گویا نشوی از موج هوا غنچه صفت و انشوی

در دشت طلب که لخت دل شبنم اوست تا خون نشوی چو نافه بویا نشوی(۱)

سیّد علیرضا اصفهانی*

سیّد علیرضا اصـفهانی، از خوشـنویسان مسلّم خط نستعلیق در قرن سیزدهم هجری است. از آثار او خوشنویسی در کتاب «شرح نهـج البلاـغه» ابـن ابی الحدیـد اسـت. متـن خطبه هـا به خـط نسـخ زین العابـدین اشـرف الکتـاب و ترجمه فارسـی به خـط آقا عبدالحسـین اصـفهانی و شـرح عربی آن به خط نستعلیق سیّد علیرضا است. رقم او در این نسخه «اقل السادات علیرضا ۱۲۷۶» و رقم آقا عبدالحسین: «کتبه العبد الفقیر الحقیر الجانی ابن

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۲۷۱.

مرحوم مغفور محمّد عبدالحسین الاصفهانی ۱۲۷۳» بوده است. این نسخه را استاد جلال الدّین همایی دیده است.(۱)

میرزا علیرضا اصفهانی

میرزا علیرضا اصفهانی صاحب «حاشیه حاشیه بر تهذیب» که مکرّرا در طهران و غیره به طبع رسیده است. و یک نسخه از آن که در سال ۱۲۹۰ق به طبع رسیده در کتابخانه فاضلیه موجود بوده است.(۲)

علیرضا اصفهانی

علیرضا اصفهانی خطاط نستعلیق نویس [در قرن سیزدهم هجری] از آثارش: کتابت «دیوان نورعلی شاه» صوفی است که در سال ۱۲۰۷ق نوشته و به شماره ۲۲۲۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران است.(۳)

ملاّ علیرضا اصفهانی

ملاّـ علیرضا اصفهانی [از فضلاء اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری] به دستور او یوسف بن علی شیرازی در شوال ۱۳۰۱ق رساله «الرّد علی الرّد الشیخیه» حاج محمّدرحیم خان کرمانی را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۶۹۶۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۴)

احتمالاً ملاّ علیرضا اصفهانی از علماء شیخیه در اصفهان بوده است.

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۱۶۲.

۲- فهرست فاضلیه، ص۳۵.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۹، ص۸۹۴.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۱۴۵.

سیّد علیرضا انجم اصفهانی

سیّد علیرضـا موسوی متخص به «انجم» از شـعراء و ادبـای اصـفهان در اواخر عهـد قاجاریه است. وی در تاریـخ تعمیر امامزاده شاهزاده حسین و شاهزاده ابراهیم در شهرستان به سال ۱۳۱۶ق به وسیله بانوئی به نام افتخارالدّوله چنین گفته است:

افتخارالدّوله از باب کرم گشت باعث بهر تعمیر حرم

«انجم» بیدل به تاریخش بگفت: بود الف و سیصد و شانزده رقم(۱)

علیرضا صرّام اصفهانی

علیرضا قانونی متخلّص به «صرام» فرزند ابوالقاسم، شاعر ادیب معاصر در سال ۱۳۱۵ق متولّد گردیده و از اعضاء قدیمی انجمن ادبی شـیدا بود. در انواع فنون سـخن از غزل و قصـیده ماهر بود. چندین مثنوی گفته [است.] یکی «حجاب نامه» دیگری به اسم «رمز آفرینش» و غیره. مدّتی در دادگستری وکالت می کرد. سپس به تجارت و چرم فروشی روزگار می گذراند.

از اوست:

تا جلوه کرد رویِ مهِ دلنواز من شد فاش سرّ عشق و عیان گشت راز من

بودم هر آنچه گوهر یکدانه ز اشک چشم در پای دوست ریخت دل پاکباز من(۲)

۱- مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، ص۶۲.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۰۵ و ۳۰۶.

علیرضا حقانی

علیرضا حقانی فرزند احمد، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۳ش در اصفهان متولّد شد و در مقطع ابتدائی و متوسطه تحصیل کرد. گاهی شعر می سرود. از اوست:

بهار عمر در عشقت به سر رفت خوشا عمری که با فکرت هدر رفت

شباب عمر و وقت کامیابی بدین بیهوده خوش بودن به سر رفت(۱)

علیرضا رفعت اصفهانی

علیرضا متخلّص به «رفعت» فرزند احمدی، از شعرای قرن چهاردهم هجری. مدّتی در اصفهان، در خدمت اساتید به کسب علوم قدیمه (از صرف و نحو و فقه) اشتغال داشت. عاقبت در طهران ساکن شده و به شغل خرازی فروشی پرداخت.

گاهی برحسب اقتضای حال اشعاری می سرود. این دو بیت در مدح حضرت ولیعصر (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) از اوست:

شما را مژده ای یاران که آن آرام جان آید برون از پرده روی مهدی صاحب زمان آید

چو از پشت حجاب غیب ماه من نماید رُخ شب غم طی شود، صبح نشاط دوستان آید(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۶۳.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۱۵.

سیّد علیرضا مرعشی

سیّد علیرضا بن سیّد اسداللّه مرعشی حسینی، از فضلاء اصفهان در قرن دوازدهم هجری. یادداشت ملکیّت او بر کتاب «مختصر النّافع» محقّق حلّی در رجب ۱۱۹۱ق مشاهده می شود. نسخه به شماره ۶۵۳۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا علیرضا صفای قائنی*

میرزا علیرضا بن میرزا محمّداسماعیل حسینی قائنی، ادیب شاعر و طبیب حاذق، از دانشوران اواخر دوره قاجاریه.

در اصفهان به تحصیل پرداخت و در علم و ادب، حکمت و طب مهارتی به سزا یافت. او علاوه بر طبابت، شعر نیز می سرود و «صفا» تخلّص می کرد و در انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن ابوالفقراء شرکت داشت. غزل را نیکو می سرود. خط خوشی داشت و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت و در نقاشی صاحب ذوق بود.

وی سرانجام در شنبه ۲۴ ربیع الاوّل ۱۳۱۳ق وفات یافته و در تکیه میرزا رفیعا واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. مزار او پس از احداث فرودگاه قدیم اصفهان از بین رفت.

وی برای نسخه ای از «مثنوی معنوی» که برادرش میرزا محمّدعلی قائنی آن را کتابت نموده بود، نقاشی هایی را کشیده است. دیوان اشعار او به خط نستعلیق و شکسته خوش خود او که در سال ۱۳۰۸ق کتابت شده در کتابخانه «سلطان القرائی» در تبریز موجود

۱- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۱۱۶.

بوده است. نسخه دیگری از دیوان صفا نزد خانواده اش نگهداری می شود.(۱) همچنین کتاب «الادوار» تألیف صفی الدین ارموی را به خط شکسته نستعلیق در سال ۱۲۷۵ق کتابت کرده که به شماره ۱/۲۸۳۰۱ در کتابخانه ملک تهران وجود دارد.(۲)

از اوست:

هوا عبیرفشان گشت و غالیه بوی مگر که زلف تو امروز در کف باد است

سیّد علیرضا عاملی

سیّد علیرضا عاملی فرزند میرزا محمّدباقر پیشنماز، عالم فاضل و محقّق جلیل [از علمای قرن دوازدهم هجری.]

امام مسجد شاه اصفهان بوده و در دوشنبه ۱۷ ربیع الثّانی سال ۱۱۷۵ق وفات یافته و جنب پدر در تکیه آقا سیّد رضی الدّین محمّد شیرازی (آقا رضی) مدفون گردید. [بر مزار او لوحه ای مرمرین با خط ثلث خوش است که با القاب عالی از او یاد شده و دو مادّه تاریخ فوت برای او آورده است.]

مادّه تاریخ وفاتش این است:

«رفع منازله الکریم الرّفیع»

«حشره اللّه الجواد مع محمّد و آله الطّاهرین»(۳)

میرزا علیرضا نیّری زوّاره ای*

حاج میرزا علیرضا نیّری فرزند سیّد محمّدباقر زوّاره ای اردستانی، از بزرگان اخیار و از

۱- کارنامه خاندان بشارت، ص۱۲۱؛ مقالات ادبی استاد همایی، ص۴۴۰؛ الذریعه، ج۹، ص۶۰۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۶۳.

۲- فهرست ملک، ج۶، ص۱۲۶.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۸؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، ص۱۸۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

خوشنویسان هنرمند زوّاره در قرن چهاردهم هجری است.

در سال ۱۲۹۸ق متولّد شده و پس از تحصیلات مقدّماتی در زواره، به اصفهان رفت و به تحصیل خود ادامه داد و خط را نزد میرزا عبدالجواد شهشهانی مشق کرد. خط شکسته معروف به «دبیری» را بسیار خوش می نوشت. او در ۴ محرم ۱۳۶۴ق در تهران وفات کرد و جنازه اش به زوّاره حمل شده و مدفون گردید.(۱)

میرزا علیرضا طباطبائی نائینی

میرزا علیرضا بن میرزا جعفر طباطبائی نائینی اصفهانی، از فضلاء و ادبای قرن دوازدهم هجری است. در هند سکونت داشته و تا سال ۱۱۷۴ق در قید حیات بوده است.(۲)

میرزا علیرضا شیخ الاسلام

میرزا علیرضا شیخ الاسلام فرزند میرزا حبیب اللّه صدر بن حسین بن حسن موسوی عاملی کرکی [از کارگزاران دولت صفویه در قرن یازدهم هجری.]

شیخ حرّ عاملی درباره او گوید:

«کان فاضلاً عالما محقّقا فقیها متکلما جلیل القدر عظیم الشأن...»

لکن مؤلّف «ریاض العلماء» درباره او و برادرش و فرزندش میرزا معصوم می نویسد:

«فان عد هولاء من اجله العلماء و ادخاله فی رجال هولاء الکبراء من وقاحه شنعاء لا سیما مع غایه المدح و الاطرء کما لا یخفی»

مادرش دختر شیخ لطف اللّه میسی عاملی بوده است.

میرزا علیرضا در زمان شاه عباس دوم، در مرض موت پدرش شیخ الاسلام شد. و در مراسم تاج گذاری شاه سلیمان نیز حاضر بوده و تا حدود سال ۱۰۷۴ق این منصب را

۱- اردستان نامه، ج۱، ص۴۹۹.

۲- خزانه عامره، ص۲۴۷.

برعهده داشته است.

میرزا علیرضا در سال ۱۰۹۱ق وفات یافت.(۱) [برخی از فضلاء و شعرای آن دوره مانند: ملّا محمّدرشید جعفری، شیرازی و حاج محمّدتقی دامغانی و تقیا قهپایه ای در دفترخانه میرزا علیرضا به کارهای اداری و نویسندگی و رسیدگی مراسلات و مکاتبات مشغول بوده اند.(۲)]

ملّا علیرضا تجلّی اردکانی*

ملاّ علیرضا اردکانی شیرازی متخلّص به «تجلّی» فرزند ملّا کمال الدّین حسین، عالم فاضل زاهد و شاعر ادیب دانشمند از فضلاء و ادبای قرن یازدهم هجری.

در اردکان فارس متولّد شده و در جوانی جهت تحصیل به اصفهان آمد و از درس جمعی از دانشمندان آنجا خصوصا آقا حسین خوانساری بهره گرفت. آنگاه به هندوستان رفته و به تعلیم ابراهیم خان فرزند علیمردان خان مشغول شد. سپس به اصفهان مراجعت نموده و به تدریس و تألیف مشغول شد و مورد توجّه شاه عباس ثانی واقع شده و تدریس مدرسه والده و سیورغال محلّی از محال اردکان در سال ۱۰۷۲ق به او واگذار شد. در زمان شاه سلیمان نیز مورد توجّه و در یکی از سفرهای شاه در رکاب او بود.

در اواخر عمر از تدریس کناره گرفته و عازم سفر حج شد و سپس به شیراز رفته و در سال ۱۰۸۵ق در آنجا وفات یافت. در نظم و نثر دستی توانا داشته و منشآتی از خود به جا گذاشته و قصیده و غزل و رباعی را نیکو می گفته و به قول برخی از تراجم نویسان

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۲۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۴۵؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۳۷؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۸۲۲؛ امل الآمل، ج۱، ص۱۲۰؛ ریاض العلماء، ج۲، ص۶۴؛ الروضه النضره، ص۴۰۰.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۶۶، ۵۰۱ و ۵۶۶.

شاعری فضائل و کمالات علمی او را تحت الشّعاع قرار داده بود. او در علوم عقلی و نقلی خصوصا حکمت، منطق، فقه و اصول، کلام و ادبیات فارسی و عربی مهارت داشته و با دانشمندان و ادبای عهد مراوده و مباحثه داشته است.(۱)

کتب زیر از اوست:

۱. «رساله در امامت» ۲. «تفسیر سلیمانی» در تفسیر قرآن مجید به فارسی، که برای شاه سلیمان صفوی نوشته و در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی در تهران وجود داشته است.(۲) ۳. «ترجمه سلطانی» در ترجمه قرآن مجید که در سال ۱۰۸۴ق برای شاه سلیمان تألیف شده و نسخه ای از آن در دارالکتب قاهره موجود است.(۳) ۴. «حاشیه علی حاشیه علی تهذیب المنطق»، این «حاشیه» را بر «حاشیه» ملّا عبداللّه یزدی بر «تهذیب» نگاشته و نسخه های فراوانی در کتابخانه های مختلف از این «حاشیه» موجود است. در برخی چاپ های سنگی «حاشیه ملّا عبداللّه» این «حاشیه» نیز به طبع رسیده است.(۴) این حاشیه را هنگام تدریس برای ابراهیم خان در هندوستان نوشته است.۵. «دیوان تجلّی» که نسخه ای از آن ضمن مجموعه شماره ۱۹۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۴۲-۲۴۴؛ قصص الخاقانی، ج۲، صص ۹۴ و ۹۵؛ ریاض العلماء، ج۴، صص ۹۵ و ۹۶؛ روضات الجنات، ج۲، ص۳۴۳؛ تذکره سرو آزاد، ص۱۱۵؛ تذکره روز روشن، ص۱۴۷؛ تذکره منتخب اللطایف، صص ۱۸۶ و ۱۸۷؛ تذکره شمع انجمن، صص ۱۵۴ و ۱۵۵؛ تذکره مرآه الفصاحه، ص۱۱۴؛ تذکره آتشکده، (نیمه دوم) ، ص۱۲۵؛ فارسنامه ناصری، ج۲، ص۱۲۴۹؛ تذکره نتایج الافکار، صص ۱۲۶-۱۲۸؛ تذکره سخنوران یزد، صص ۶۳-۶۵؛ تذکره شعرای یزد، ص۱۰۸؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۱۱۸؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۳۲۸؛ الروضه النّضره، ص۳۹۹؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «تجلی»، ص۳۹۷.

۲- ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ص۱۸۹؛ الذریعه، ج۴، ص۲۶۷.

۳- ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ص۱۸۹؛ الذریعه، ج۴، ص۲۶۷.

۴- الذریعه، ج۶، ص۶۱.

موجود است. کاتب این مجموعه علینقی بن عبدالقادر و مورّخ به سال ۱۱۰۸ق است.(۱) در این نسخه «مثنوی معراج الخیال» او هم آمده است. نسخه دیگری نیز به شماره ۲۹۰ در کتابخانه مدرسه چهلستون مسجد جامع تهران موجود است که در سال ۱۱۰۰ق به خط شکسته نستعلیق نوشته شده و نام کاتب معلوم نیست.(۲) ۶. «صلاه الجمعه» که آن را به فارسی برای شاه سلیمان صفوی نوشته و چون خود معتقد به حرمت اقامه نماز جمعه در عصر غیبت بوده، در آن، کتاب «صلاه الجمعه» ملّا محمّدباقر سبزواری را که معتقد به وجوب عینی نماز جمعه در عصر غیبت بوده را رد کرده است. نسخه ای از این کتاب که در سال ۱۰۸۲ق کتابت شده در کتابخانه مدرسه جعفریه قائن و نسخه عکسی آن در مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۳) نسخه دیگری از آن به به شماره ۴۶۵۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۴) ۷. «رد بر رساله صلاه الجمعه» ملّا محمّدفاضل سراب تنکابنی که به وجوب عینی اقامه نمازجمعه در عصر غیبت معتقد بوده است. این رساله هم در مجموعه ۴۶۵۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۵) ۸. «ترجمه و شرح عهدنامه مالک اشتر»(۶) ۹. «سفینه النّجاه» در اصول دین و خصوصا اثبات امامت مشتمل بر سه مقام و یک خاتمه، به فارسی که در روز ۷ ربیع الثّانی ۱۰۶۷ق آن را در هنگام اقامت در هند تألیف کرده است. از این کتاب نسخه های فراوانی موجود است که اغلب تاریخ کتابت آنها معلوم نیست. یکی از

۱- فهرست مجلس، ج۳، ص۴۷۵ و ج ۲۱، ص۲۶۴.

۲- آشنایی با چند نسخه خطی، ص۳۵۳.

۳- فهرست عکسی احیاء، ج۵، ص۱۵۳.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۴، ص۳۶۰۴.

۵- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۴، ص۳۶۰۴.

۶- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۱۲۱۴.

نسخه های نزدیک به زمان مؤلف و شاید زمان حیات او، نسخه شماره ۳۷۸ کتابخانه آستانه حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) در قم است که فاقد نام کاتب و تاریخ کتابت است اما مالک آن «عبدالملک بن محمّدابراهیم بواناتی» معاصر مؤلف است.(۱) ۱۰. «معراج الخیـال» که مثنوی عرفـانی است. از بین نسـخه هـای فراوانی که در کتابخانه ها از این منظومه موجود است، نسـخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی که ضمن جنگ ۱۴۱۸۳ و به عنوان پانزدهمین رساله آن محسوب می شود و در سال ۱۰۷۹ق به دست نظر علی بن امیرعلی تبریزی کتابت شده از اقدم نُسخ «معراج الخیال» به شمار می رود.(۲) ۱۱. «منشآت» که قسمتی از آن در کتب «مجمع الافکار» آمده و به شماره ۱۴۲۰۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)

این رباعی از اوست:

آن را که منزّه نبود ذات و صفات از درس کلام و حکمتش نیست نجات

در طبع بَدان به جهل بر می گردد علم در طینت مار سم شود آب حیات

ملّا علیرضا رویدشتی

ملّا علیرضا بن رئیس حسـین، شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. از اهالی روسـتای «سـیچی» بلوک رویدشتین اصـفهان بوده و در مکتب خانه با خواندن «دیوان ظهیر فاریابی» طبعش به گفتن شـعر مایل گشـته است. در شعر روش قدماء را داشته. در هفتاد سالگی پیری زنده دل و خوش صحبت بوده. وی در اصفهان ساکن و معاصر میرزا محمّدطاهر نصرآبادی بوده است.

۱- فهرست آستانه حضرت معصومه (س) ، ج۲، ص۳۷۸؛ الذریعه، ج۱۲، ص۲۰۱.

۲- فهرست مجلس، ج۳۸، ص۲۴۶؛ الذریعه، ج۱۹، ص۳۰۱.

۳- فهرست مجلس، ج۳۸، ص۲۹۳.

این دو بیت را خطاب به علاءالدّین محمّد شهرستانی سروده است:

ای خداوندی که پیش دست دریا بخششت هست بی قدر زر، چونان که بی مقدار کاه

نیست مستبعد که گردد قابل نشو و نما از نسیم و خُلق تو در کهگل دیوار کاه(۱)

میرزا علیرضا فاتحی

میرزا علیرضا شـفیعی متخلّص به «فاتحی» فرزند شیخ محمّدحسین (معروف به «گل و بلبل») از شعراء و خطبای معاصر اصفهان. در سـال ۱۲۸۹ش در اصـفهان متولّـد گردیـده و مـدتی در مـدارس جدیـد تحصـیل نمود و کمی از علوم قـدیمه را خوانـد. او روزگار به آموزگاری می گذرانـد و در مواقع فراغت روضه می خوانـد. شاعر خوش طبعی بود و اشـعارش عموما فکاهی بود. [این کتاب ها از آثار اوست:]

۱. «حقیقت گوئی فاتحی» در سال ۱۳۳۳ش به طبع رسیده است. ۲. «تعلیمات دینی منظوم یا سرود مذهبی»۳. «ضیاء الابصار» در حالات ائمه اطهار علیهم السلام۴. «تذکره المراثی»(۲) [۵. «لبخند فاتحی» که در سال ۱۳۴۲ش چاپ شده است.

این شعر از اوست:

یا رب نشود کسی دچار زن بد چون کس نبود بَتَر زِ مار و زن بد

روزی دو سه بار می کشد شوهر خویش مردن به از اینکه زیر بار زن بد]

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۱۴.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۴۲؛ اصفهانی های شوخ و حاضرجواب، ص۳۴۲.

علیرضا جورتی اصفهانی

علیرضا بن میر عبدالفتاح جورتی قهاب [اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری] در جمادی الاوّل ۱۰۹۳ق نسخه ای از «زبده البیان فی براهین احکام القرآن» تألیف: مقدّس اردبیلی را به خط نسخ نوشته است. کتاب در کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۱)

[«جورت» یا «گورت»، به فتح اوّل و دوّم از دهات بلوک قهاب جی اصفهان است و مزار میر عمادالدّین حسینی خاتون آبادی و قبرستان جدید باغ رضوان در نزدیکی آن واقع شده اند.]

میرزا علیرضا پرتو اصفهانی

میرزا علیرضا لنجانی اصفهانی متخلّص به «پرتو» و معروف به «آقاجان» فرزند محمّدعلی. شاعر ادیب و خطاط [ماهر و فاضل در قرن سیزدهم هجری] خط نسخ را در کمال استادی می نوشته و دیوان اشعارش به طبع رسیده است. در «المآثر و الآثار» درباره او گوید: «از خطاطین مشهور قلم نسخ است و استاد اجلّ خطاطین اصفهان» او در جمادی الاولی ۱۳۰۴ق به سن ۹۰ سالگی وفات یافته است.(۲)

[پرتو اصلاً از اهالی قریه «اُشیان» لنجان بوده و جهت تحصیل به اصفهان آمده و پس کسب علم و ادب نزد میرزا زین العابدین اشرف الکُتّاب به مشق نسخ و ثلث پرداخته و خود استادی هنرمند و ماهر گردید. اغلب در مدرسه نوریّه ساکن بوده و جمعی از شاگردانش نزد او مشق خط می کرده اند و بسیاری از شعراء و فضلاء در حجره او حضور

۱- فهرست گوهرشاد، ص۳۰۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۱۲ و ۳۹۸.

یافته انـد. از شـعرای متبحّر اصـفهان بوده و در قصـیده و غزل و قطعه اشـعار خوبی گفته و در مادّه تاریخ گوئی نیز توانا بوده و برای وفات بسـیاری از بزرگان عهـد خود و بنای مساجـد و ابنیه در اصـفهان مادّه تاریخ گفته است. روزگارش اغلب به کتابت می گذشـته و قطعات و کتاب های بسیاری به خط زیبای او در کتابخانه های مختلف موجود است. از جمله نسخه ای از «قرآن مجیـد» در کتابخـانه سـلطنتی سـابق، به خط نسـخ عالی که در سال ۱۲۷۷ق کتـابت کرده و میر علی شــیرازی ترجمـه آن را به فارسـی کتـابت نمـوده و عبـدالوهاب مُـذهِّب آن را تـذهیب کرده و از نفـایس آن کتابخـانه بـه شـمار اسـت. پرتـو بـه دعـوت ناصـرالدّین شـاه به تهران رفت و سـال هـا برای دربـار قاجـار به کتـابت مشـغول بود تـا اینکه وفات یافت. تـذکره نویسان او را شاعری نکته دان و خوش طبع و خوش مشرب و مهربان دانسته و اخلاق حمیده او را ستوده اند.(۱)

از اوست:

گرفته پرده ز رخ راه شیخ و شاب زده مهی که طعنه جمالش بر آفتاب زده

شکسته نرخ شکّر تا گشوده لب به سخن فزوده رونق گل تا به رخ گلاب زده

تو آفتابی و تا گشته ای ز چشمم دور ز گریه دیده من خنده بر سحاب زده]

۱- چهـل سـال تاریـخ ایران یـا «المآثر و الآثار»، ج۱، ص۲۷۷؛ تذکره حدیقه الشّـعراء، ج۱، صص ۳۱۳ و ۳۱۴؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، صص ۱۷۳-۱۷۷؛ دیوان غمگین: مقـدمه؛ تذکره مدایح معتمدیّه: خطی؛ احوال و آثار خوشـنویسان، ج۴، صص ۱۱۱۸ و ۱۱۱۹؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۳۶۶؛ تذکره خوشنویسان معاصر، ص۵۹؛ سفینه فرخ، ج۲، ص۱۰۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۸۱ و ۸۲.

علیرضا اصفهانی

علیرضا بن حاج محمّدکاظم اصفهانی [از عرفاء و ادبای اواخر دوره قاجاریّه] در سال ۱۳۰۲ق و ۱۳۰۵ق دو رساله: ۱. «زاد المسافرین» از: سیّد حسین هروی ۲. «آداب المشق» را به خط نستعلیق زیبا نوشته است. نسخه به شماره ۳۴۳۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.

در پایان مجموعه ۲ قصیده در مدح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و تاریخ درگذشت حاج محمّدکاظم سعادت علی اصفهانی (پدر کاتب) را در سال ۱۲۹۳ق نوشته است.(۱)

علیرضا آقاجانی اصفهانی*

علیرضا بن محمّد اصفهانی معروف به آقاجانی. پدرش و خودش از فضلای قرن یازدهم هجری بوده اند. وی نسخه ای از «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی را در ذیقعده ۱۰۱۶ق در مکّه معظّمه مقابله نموده و بلاغ نوشته است. میرزا محمّد استرآبادی در پایان کتاب دیات این کتاب، اجازه ای در اواخر ذیحجه ۱۰۱۶ق برای او نوشته است و از او با القاب «المولی الفاضل الورع خلاصه الافاضل و المتورعین مولانا علیرضا» یاد کرده است. این نسخه به شماره ۵۳۱۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

علیرضا خوانساری

علیرضا [بن زین العابدین] خوانساری [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] احتمالاً شاگرد سیّد حجه الاسلام [حاج سیّد محمّدباقر شفتی بیدآبادی] بوده و در سال ۱۲۴۱ق کتاب

۱- فهرست مرعشی، ج۹، ص۲۲۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۴، ص۱۰۶.

«مطالع الانوار» تألیف سیّد [حجه الاسلام] را به خط نسخ زیبا مرقوم داشته است. نسخه به شماره ۴۵۵۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۱)

سیّد علیرضا خاتون آبادی

سیّد علیرضا خاتون آبادی [از علمای اواخر دوره صفویه] در سال ۱۱۱۶ق وفات یافته و در تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

دکتر علیرضا سپاهی*

دکتر علیرضا سپاهی، از دانشمندان و اساتید دانشگاه در سال ۱۳۱۷ش در خانواده ای قدیمی از طایفه دِنبلی در تهران در دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران طی کرد و سپس به لبنان رفت و در رشته کشاورزی در دانشگاه آمریکائی بیروت لیسانس و فوق لیسانس گرفت. چندی بعد به کانادا رفت و در دانشگاه «مک گیل» در رشته «اصلاح نباتات» دکترا گرفت. در سال ۱۳۵۳ش به استخدام دانشگاه اصفهان درآمد و تدریس را آغاز کرد. دوره دو ساله فوق دکترا در رشته طراحی فضای سبز را در دانشگاه پلی تکنیک کالیفرنیا در آمریکا سپری نمود. او طراحی فضای سبز مجتمع های صنعتی فولاد مبارکه اصفهان، فولاد خراسان، پلی اکریل اصفهان و شهرهای مجلسی، فولادشهر و بهارستان را انجام داده است.

وی مقالات متعددی به زبان انگلیسی در رشته خود تألیف نموده و در مجلات معتبر علمی خارج از کشور به چاپ رسانیده است. او علاوه بر تدریس به راهنمائی دانشجویان در نگارش پایان نامه دوره های فوق لیسانس و دکتری پرداخته و همچنین عضو گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران بوده است و در

۱- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۲۸.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۵.

سال ۱۳۷۹ش به عنوان استاد نمونه دانشگاه اصفهان برگزیده شده است.

دکتر سپاهی در هنر نقاشی نیز مهارت دارد و در کودکی و نوجوانی نزد استادانی چون کریمی و پتگر آن را فراگرفته و در خارج از کشور نزد اساتید نقاشی آن را تکمیل کرده است.

او در سال ۱۳۸۰ش به درخواست خود بازنشسته گردید. کتاب های زیر از او به چاپ رسیده است:

۱. «کاربرد آمار در تحقیقات کشاورزی» ۲. «فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی»۳. «اولویّت های تحقیقات کشاورزی در منطقه اصفهان، یزد و چهارمحال و بختیاری»۴. «روش ساده درختکاری روی خطوط طراز»۵. «تولید سیب زمینی با بذر حقیقی»(۱)

علیرضا صوفی معمار

ملّا علیرضا صوفی معمار متخلّص به «علی» از معماران زبردست در عهد شاه عباس اوّل صفوی بوده و در سال ۱۰۱۷ق به هند سفر کرده است. در شعر طبع خوشی داشت. ظرفای شوخ طبع اصفهان تخلّص «سیم گل» را برگزیده و شهرت داده بودند. ولی خاطر او از این تخلّص مُکَدَّر بود. در شعر تتبع کتاب «تحفه العراقین» را نموده و در نثر نیز کتابی دارد. این رباعی از اوست:

یاران سر و برگ باغ هستیم نماند وان دست و دل هواپرستیم نماند

زین خمِّ سفالینه برون آرم سر کش باده خمار داد و مستیم نماند(۲)

۱- گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۳۱۵-۳۱۹.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۶۴۹؛ تذکره روز روشن، ص۵۶۲؛ کاروان هند، ج۲، صص ۹۰۸ و ۹۰۹.

میرزا علیرضا طبیب اصفهانی*

میرزا علیرضا طبیب اصفهانی، از اطبّاء حاذق و چیره دست قرن دوازدهم هجری است. وی مورد توجه کریم خان زند قرار داشته و همواره در دربار زندیه به طبابت می پرداخته است. سال وفات او معلوم نیست ولی روشن است که تا سال ۱۱۹۲ق زنده بوده است.(۱)

علیرضا عباسی تبریزی

علیرضا عباسی تبریزی ملقّب به «شاه نواز» از مفاخر عهد شاه عباس صفوی است. در انواع خطوط و نقاشی و تذهیب و طراحی استادی بی نظیر بوده و برخی از کتیبه های مساجد اصفهان که در عصر شاه عباس بنا شده است به خط اوست. سال وفاتش معلوم نیست.(۲)

[او در تبریز شاگرد ملاّ محمّدحسین تبریزی و علاءالدّین محمّد بن محمّد تبریزی (معروف به علاء بیگ) بود. پس از آنکه سپاه عثمانی تبریز را تصرف کرد، وی از تبریز به قزوین رفت و در مسجد جامع آنجا به کتابت مشغول شد و قسمتی از کتیبه های آن مسجد و چند قرآن را در آنجا تمام کرد. او در سال ۱۰۰۱ق به خدمت شاه عباس درآمد و در زمره ندیمان مخصوص وی داخل شد و تا پایان عمر در زمره مقرّبان شاه بود و در سفر و حَضَر همراه شاه عباس بود و مورد تفقد و عنایات ویژه او قرار داشت تا جائی که گاهی شاه پهلوی او می نشست و شمعی به دست می گرفت تا علیرضا در روشنایی آن کتابت کند.(۳)

۱- گلشن مراد، ص۳۷۵.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۸۵.

۳- گلستان هنر، ص۴۰؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۱۹.

در شرح حال او نوشته اند که به مقام و عظمت میرعماد نزد شاه عباس رشک می برده و غبطه می خورده و به واسطه احساس خطر از میر و از دست رفتن جایگاه خود نقشه قتل او را کشیده است. ولی در منابع دست اوّل صفوی چنین مسأله ای دیده نمی شود و علیرضا عباسی با داشتن آن مقام و نفوذ در دربار صفوی نمی توانسته از یک خوشنویس دیگر که از حشر و نشر و رفت و آمد به دربار شاه پرهیز می کرده خطری را احساس کند.

او در سال ۱۰۰۷ق پس از آنکه صادقی بیگ افشار از منصب کتابداری کتابخانه سلطنتی کنار گذاشته شد. به این منصب گماشته شد و تا سال ۱۰۲۵ق در قید حیات بود.(۱)

علیرضا عباسی در شعر و ادب هم دستی داشته و گاه اشعاری می سروده است از جمله:

تا خانه نشین شدی تو ای دُرّ خوشاب پیوسته مراست از غمت دیده پر آب

من خانه دل خراب کردم ز غمت تو خانه نشین شدی و من خانه خراب(۲)

آثار به جای مانده از او به قرار زیر است:

۱. دو کتیبه فوقانی داخل مسجد شیخ لطف اللّه اصفهان به خط ثلث در سال ۱۰۲۵ق

۲. کتیبه سردر مسجد شیخ لطف اللّه اصفهان به خط ثلث در سال ۱۰۱۲ق

۱- برای اطلاع بیشتر بنگرید به: کارنامه بزرگان ایران، ص۱۹۸؛ تذکره خوشنویسان، ص۳۰؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۱۲۰۳؛ دانشمندان آذربایجان، ص۲۸۰؛ دایره المعارف هنر، ص۳۵۹؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۹۴؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۳۰۴-۳۱۰؛ الذریعه، ج۹، ص۷۵۷؛ سخنوران آذربایجان، ج۱، ص۵۵۵؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «عباسی»، ص۴۵؛ پیدایش خط و خطاطان، صص ۱۸۰-۱۸۷؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۶۱؛ زندگانی شاه عباس اوّل، ج۲، صص ۵۳-۵۷؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۳۵-۳۸.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۹۷؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۳، ص۴۸۷.

۳. کتیبه سردر باشکوه مسجد شاه [مسجد امام فعلی] اصفهان به خط ثلث، در سال ۱۰۲۵ق

۴. کتیبه محراب مسجد مقصود بیگ در اصفهان به خط ثلث در سال ۱۰۱۱ق(۱)

۵. کتیبه سردر عمارت عالی قاپوی قزوین به خط ثلث(۲) (که قسمتی از کتیبه فرو ریخته و تاریخ کتیبه مشخص نیست.)

۶. کتیبه سنگی سردر کاروانسرای گنج علی خان کرمان در سال ۱۰۰۷ق(۳)

۷. کتیبه ای در صحن عتیق آستان قدس رضوی به خط ثلث

۸. کتیبه زیر گنبد حرم مطهر آستان قدس رضوی به خط ثلث بر روی خشت های طلا در سال ۱۰۱۶ق

۹. کتیبه داخل بقعه خواجه ربیع در مشهد مقدس به خط ثلث (که قسمتی از کتیبه شامل تاریخ آن فرو ریخته است.) (۴)

۱۰. کتیبه سنگی رباط خرگوشی در ندوشن یزد، به خط ثلث در سال ۱۰۲۳ق(۵)

۱۱. کتاب «یوسف و زلیخا»یِ جامی که به خط نستعلیق در سال ۹۸۰ق کتابت کرده و در کتابخانه آقای وحیدنیا در تهران وجود داشته است.(۶)

مرحوم استاد مهدی بیانی چندین قطعه از آثار خوشنویسی خط نستعلیق او را که بین سال های ۱۰۰۸ تا ۱۰۲۵ق نوشته شده است و در کتابخانه های سلطنتی سابق، ملک

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۴۰۷ و ۴۱۰ و ۴۰۲ و ۴۰۴ و ۴۲۸ و ۴۶۸.

۲- مینو در باب الجنه قزوین، ص۶۴۲.

۳- گنجعلی خان و خیرات او، ص۴۲.

۴- مطلع الشمس، صص ۴۱۸ و ۵۳۴ و ۵۶۰ و ۴۱۵ و ۳۵۴.

۵- یادگارهای یزد، ص۴۴.

۶- فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم هجری، ص۱۳۹.

(تهران) ، ملّی (تهران) ، آستان قدس رضوی، خزینه اوقاف استانبول، ملّی پاریس، عمومی لنینگراد (سن پطرزبورگ روسیه) ، بادلیان و چند مجموعه و کتابخانه خصوصی در تهران موجود است را معرفی کرده اند.(۱)]

علی شاه ذوقی ارستانی

علی شاه اردستانی معروف به «ملاّ ذوقی» شاعر عارف [در قرن یازدهم هجری] در اصفهان گیوه دوزی داشته، با حکیم شفائی معاصر بوده و حکیم در هجو او و بیتی بزرگش قریب صد رباعی گفته [است.] در سال ۱۰۴۵ق در اصفهان وفات یافته، در مقبره پیر پینه دوز مدفون گردید.

از اشعار اوست:

نه شکوفه ای نه برگی نه ثمر نه میوه دارم همه حیرتم که دهقان به چه کار کشت ما را(۲)

علی صالح خسروی بختیاری

علی صالح خسروی، از طایفه احمد خسروی بختیاری [از شعراء و ادبای قرن چهاردهم هجری] تولّدش به سال ۱۳۲۱ق (۱۲۸۲ش) جوانی بود تحصیل کرده و باذوق. چند سالی پس از اتمام معلومات مقدماتی، در کالج اصفهان به فراگرفتن زبان

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۵۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۰۷؛ مزارات اصفهان، ص۱۵۷؛ آتشکده اردستان، ج۲، صص ۴۰۸-۴۱۰؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۳۸۹؛ تذکره ریاض العارفین، (چ۱۳۴۴) ، صص ۱۱۵ و ۱۱۶؛ تذکره آتشکده، (بخش سوم) ، ص۹۴۲؛ تذکره غنی، ص۵۳؛ تذکره حسینی، ص۱۲۶؛ تذکره عرفات العاشقین، ج۲، ص ۱۳۴۰.

انگلیسی مشغول شد و سپس در سال ۱۳۰۹ش چندی به استخدام دادگستری و ثبت نجف آباد درآمد. دارای ذوقی شاعرانه و استعداد سرشاری بود. در سال ۱۳۲۲ش در سن چهل سالگی وفات کرد. از او اشعار زیادی باقی مانده است. از اوست:

تا شد ز چشم سرو قد آن نگار من صد جوی خون روان شده اندر کنار من

این روی زرد و دامن پرخون و چشم تر هستند ترجمان دل داغدار من(۱)

علی عسکر شایق اصفهانی*

آقا علی عسکر اصفهانی شیرازی متخلّص به «شایق» از شعراء و سخنوران قرن سیزدهم هجری است. در بدو عمر از اصفهان به شیراز رفته و مصاحبت اهل حال و اصحاب ذوق و کمال را اختیار کرده است. عاقبت انزوا گزید و در کمال استغناء به دسترنج خیاطی امرار معاش می نمود. او اشعاری در مدح میرزا محمّدحسین خان صدراعظم اصفهانی سروده است. «دیوان اشعار» هم داشته است. رضاقلی هدایت در «مجمع الفصحاء» و میرزا عبدالباقی طبیب در «تذکره مدایح الحسینیّه» نام او را «علی اصغر» ضبط کرده اند.

این بیت از اوست:

دور از گل رخسار تو، در دیده دارم خارها خوار آیدم اندر نظر، بی روی تو گلزارها(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۷ و ۱۸.

۲- تذکره دلگشا، ص۵۲۴؛ تذکره مدایح الحسینیّه، (خطی) ، ص۲۸۱؛ تذکره مرآه الفصاحه، ص۲۹۲؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۲، صص ۸۲۷ و ۸۲۸؛ مجمع الفصحاء، ج۵، ص۵۳۸؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «شایق اصفهانی»، ص۱۹۱.

علیقلی آقا*

علیقلی آقا، از خَیّرین نیکوکار اواخر دوره صفوی و از خواجه سرایان حرم شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی بوده است. وی از ریش سفیدان و غلامان خاصّه دربار و برادر خسرو آقا بوده و آثار باقیمانده از وی قدرت و مکنت وی را می رساند. او دارای منصب یوزباشی غلامان خاصّه بوده است. علیقلی آقا بانی مجموعه بناهایی بوده که تاکنون اکثر آنها به صورت اولیّه موجود و مورد استفاده است.

آثار او در محلّه ای که به نام خودش ساخته عبارتند از: چهارسوق و بازارچه و مسجد و حمام، سقاخانه، کاروانسرا، غسالخانه و مقدار زیادی موقوفات دیگر است.(۱)

علیقلی خان شاهین چالشتری

علیقلی خان چالشتری متخلّص به «شاهین» فرزند محمّدزمان خان بن محمّدمهدی خان چالشتری چهارمحالی [از شعرای قرن چهاردهم هجری.] در سال ۱۳۰۵ق در چالشتر متولّد شده و در سال ۱۳۶۲ق وفات یافته است.(۲) [چندی در قصبات اصفهان مانند قمیشه و اردستان حکمرانی نموده و عاقبت آن امور را رها کرده و در زادگاه خود به زندگی عادی مشغول شده است.] این بیت از اوست:

از زلف تا فکنده تو به صورت نقاب را گردیده ابر تیره حجاب آفتاب را(۳)

۱- مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، ج۲، ص۹۰؛ تاریخ اصفهان (جابری) ، صص ۱۳۰ و ۲۱۷؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۶۸۲.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۶۵.

۳- شناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، ص۵۱۶.

علیقلی خان واله داغستانی

علیقلی خـان لگزی داغسـتانی متخلّص به «واله» فرزنـد محمّـدعلی خـان بن مهرعلی خان بن الخاص میرزا (ملقب به صـفی قلی خان) بیگلر بیگی ایروان شاعر ادیب، از شعرای قرن دوازدهم هجری.

پدر و جدّش از امرای معروف عهد صـفوی و مصدر خدمات و صاحب مناصب بوده و نسب آنان به بنی عباس می رسد. و عم پـدرش لطفعلی خان معروف به اعتمادالدّوله وزیر شاه سـلطان حسـین صـفوی بوده و در موقع محاصـره اصـفهان از شـغل خود معزول گردید. کوچه اعتمادالدّوله در محلّه بیدآباد اصفهان منسوب به اوست.

علیقـالی خان در سال ۱۱۲۴ق متولّـد گردیـد [در دو سـالگی به همراه پـدر که بیگلر بیگی ایروان بود به ایروان رفت و پس از فوت پـدر در سـال ۱۱۲۸ق بـه اصــفهان مراجعـت کرد.] پس از حملـه افـاغنه و محاصــره اصـفهان، از اصـفهان فرار کرده [به بندرعباس رفت و از آنجا] به هند رفت و به خدمت سلاطین و امرای آنجا [از جمله محمّد شاه، پادشاه هند] وارد شده [مناصب چهار هزاری و پنج هزاری را به او دادند] و به «ظفرخان» ملقّب گردید.

وی سرانجام در سال ۱۱۷۰ق در شاه جهان آباد (دهلی) وفات یافت. مادّه تاریخ او این عبارت است:

«پیوست واله برحمت»

کتب زیر از اوست:

۱. «تذکره ریاض الشّعراء» [که اخیرا در ۶ جلد به طبع رسیده و] شرح حال حدود ۲۵۰۰نفر از شعرای پارسی گوی را در بر می گیرد.۲. «دیوان اشعار» [که حدود چهار هزار بیت شعر است و نسخه ای از آن در کتابخانه ملک در تهران موجود است.

۳. «مثنوی در وصف خدیجه سلطان» دختر علی خان بن مهرعلی خان، دخترعموی خود.(۱) [امیر شمس الدّین فقیر دهلوی داستان عشق واله و خدیجه را با اجازه از خود واله به نظم کشیده که نسخه ای از آن در کتابخانه میرزا جعفر سلطان القرائی در تبریز موجود بوده است.]

واله در سرودن غزل و رباعی طبعی روان داشته و به فارسی و ترکی شعر می سروده و در فراق دخترعموی خود اشعار بسیاری سروده است.

این بیت از اوست:

حُسن ز هر کجا کشد دامن ناز بر زمین عشق به پای او نهد روی نیاز بر زمین

علیقلی خان ترکمان

علیقلی خان بن قرچقای خان ترکمان [از حکماء و دانشمندان قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۲۰ق متولّد گردیده و از شاگردان آقا حسین خوانساری و شمس الدّین حکیم جیلانی است. او در مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان ساکن بوده است.(۲)

[او در سال ۱۰۴۹ق با فرمان شاه صفی کتابدار کتابخانه سلطنتی در اصفهان شده است.(۳) اغلب کتاب های او درباره حکمت و عرفان است. این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۹۹۲ و ۹۹۳؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۶۸۱؛ تذکره ریاض العارفین، (چ۱۳۴۴ش) ، صص ۲۵۵ و ۲۵۶؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۶، صص ۱۱۵۳ و ۱۱۵۴؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۲۱۸۹؛ ریحانه الادب، ج۶، صص ۲۹۸-۳۰۰؛ تذکره حسینی، ص۳۶۲؛ تذکره غنی، ص۱۴۲؛ الذریعه، ج۴، ص۳۳؛ خزانه عامره، ص۴۴۶؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۱، ص۶۵۸.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۶؛ الرّوضه النّضره، ص۴۱۰؛ اعیان الشیعه، ج۴۱، ص ۳۱۰.

۳- خلاصه السّیر، ص۲۸۶.

۱. «احوال نفوس انسان» به فارسی، که در سال ۱۲۳۱ق کتابت شده و به شماره ۹۲۳۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران موجود است.(۱) ۲. «احیاء حکمت» به فارسی که نسخه ای از آن به شماره ۹۲۶۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) تاریخ تألیف کتاب ۹ صفر ۱۰۷۶ق است. «احیاء حکمت» به چاپ رسیده است.(۳) ۳. «الایمان الکامل» ۴. « تمهیدات» ۵. «تنقیحات» ۶. «چهل حدیث» ۷. «خزائن جواهر القرآن» که در رمضان ۱۰۸۳ق تألیف کتاب را شروع کرده است.(۴) ۸. «زبور عارفین» به فارسی که مؤلّف آن را مختصر کرده و به عربی بازگردانیده و «مزامیر العاشقین» نام نهاده است. ۹. «سبعه سماویّه» به فارسی ۱۰. «شرح اثولوجیا» ۱۱. «شوق نامه عباسی» در شرح مثنوی ۱۲. رساله در «علم» ۱۳. «فرقان الرأیین و بنیان الحکمتین» که نسخه ای از آن نزد سیّد محمّدناصر حسینی در تهران موجود بوده است.(۵) ۱۴. «کمال محمّدی» ۱۵. «المثل المفارقه» ۱۶. «مرآه الاخوان فی اللّه» در ۴ فصل و یک خاتمه که در سه شنبه ۱۶ شوال ۱۰۹۵ق تألیف شده است.(۶) ۱۷. «مرآه جنّت و نار» که رضاقلی بن آقابابا در سال ۱۲۶۴ق آن را کتابت کرده و در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۷) ۱۸. «مرآه الوجود و الماهیه» موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.(۸) ۱۹. «منطق» که احتمالاً بخشی از کتاب «احیاء حکمت» است. نسخه ای از آن به شماره ۱۱۲۰ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.(۹) ۲۰. «مزامیر العاشقین» که برگزیده ای از «زبور العارفین»

۱- فهرست مختصر مجلس، ص۳۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۲۴، ص۵۴.

۳- الذریعه، ج۱، ص۳۰۸.

۴- الذریعه، ج۷، ص۱۵۴.

۵- الذریعه، ج۱۶، ص۱۷۴.

۶- فهرستواره کتاب های فارسی، ج۶، ص۶۰۲.

۷- فهرست مختصر گلپایگانی، ص۶۴۸.

۸- الذریعه، ج ۲۰، ص۲۸۸.

۹- فهرست الفبائی رضوی، ص ۵۶۱.

است و آن را در یک مقدمه و ۳ باب تنظیم کرده است. نسخه ای از آن نزد سیّد محمّدمهدی صدر موجود بوده است.(۱) ۲۱. «نزهه الزّاهدین و تحفه العابدین» ۲۲. «زبور العارفین و براق العاشقین» به عربی، در یک مقدمه و چهار زبور و یک خاتمه، که ملّا یارعلی در سال ۱۲۴۷ق کتابت کرده و به شماره ۷۵۷ در کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی قم موجود است.(۲)
]

ملّا علیقلی خلخالی

ملّا علیقلی بن محمّد خلخالی، از علمای ساکن مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان [در قرن یازدهم هجری] مؤلّف «شرح الوقت و القبله» از کتاب «روضه البهیه»(۳)

[نحوی فاضل، عالم ادیب و شاعر منشی(۴) از شاگردان آقا حسین خوانساری و حکیم شمس الدّین محمّد گیلانی(۵) است. همشیره ملّا نصراللّه واقف خلخالی است. در اغلب علوم زمان خود همچون: صرف و نحو، شعر و ادب، حکمت، معانی بیان و انشاء و نویسندگی مهارت داشت. شعر خصوصا غزل و قصیده را نیکو می سروده و «واقف» تخلّص داشت و در اصفهان به تدریس و افاده مشغول بود.(۶) تا اینکه در سال ۱۱۱۵ق بر اثر ابتلاء به مرض استسقاء در اصفهان وفات یافت. کتاب های زیر از تألیفات اوست:

۱. «الحاشیه علی الکافیه» یا «شرح الکافیه» ۲. «تعلیم مراتب سلوک» ۳. «حاشیه بر تفسیر بیضاوی» ۴. «شرح الوقت و القبله من الروضه»(۷)

۱- الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۲۷.

۲- فهرست مرکز مطالعات، ج ۲، ص ۳۶.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۲۶؛ خلخال و مشاهیر، صص ۵۸۷ و ۵۸۸.

۴- ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۸۲.

۵- کواکب المنتشره، ص ۵۴۳.

۶- تذکره نصرآبادی، ج ۱، صص ۲۴۸ و ۲۴۹.

۷- خلخال و مشاهیر، صص ۵۸۷ و ۵۸۸.

این بیت از اوست:

نیست روشن طینتان را از غم گردون ملال در دل دریا گره کی موج دریا می شود]

علیقلی جدیدالاسلام*

علیقلی جدیدالاسلام از علمای شیعه در اواخر دوره صفویه است. او کشیشی پرتغالی بود و اصلاً «آنتونیو دوژزو» نام داشت و برای تبلیغ مسیحیّت به اصفهان آمد و ریاست دیر آگوستین ها را برعهده گرفت. او در ۱۷ ربیع الاوّل ۱۱۰۹ق (۱۴ سپتامبر ۱۶۹۷م به اسلام گروید و نام خود را به «علیقلی» تغییر داد.

او به اخباری گری گرایش داشت و شدیدا مخالف صوفیّه بود. همچنین در نقد عقاید مسیحیان و یهودیان کتاب هایی را تألیف نمود و سرانجام در شوال ۱۱۴۶ق در اصفهان وفات یافت. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «سیف المؤمنین فی قتال المشرکین» که در سال ۱۳۷۵ش به اهتمام محقّق کوشا دکتر رسول جعفریان به چاپ رسیده است.۲. «رد بر جماعت صوفیان» که به کوشش دکتر جعفریان تصحیح و در کتاب «میراث اسلامی ایران» چاپ شده است.۳. «هدایه الضّالّین»۴. «فوائد ازدواج» که در «میراث اسلامی ایران» چاپ شده است.۵. «زبده الحکمه»(۱)

۱- میراث اسلامی ایران، ج۷، صص ۱۱ و ۱۲؛ الذریعه، ج۱۲، صص ۸۹ و ۲۵ و ج۲۵، ص۱۷۹؛ فهرست خطی احیاء، ج۷، ص۳۳۲؛ تاریخ ایران اسلامی (صفویه از ظهور تا زوال) ، ج۴، صص ۴۳۰ و ۴۳۱؛ دومین دوگفتار، ص۶۷.

میرزا علیقلی خان مازندرانی

میرزا علیقلی خان مازندرانی اصفهانی [از فضلاء دوره قاجاریه] مؤلف تاریخ قاجاریه موسوم به «تاریخ ملک آرا» به نام شاهزاده محمّدقلی میرزا ملک آرا نوشته شده است. نسخه خطی آن به شماره ۴۱۶ در کتابخانه ملک طهران موجود است.(۱)

علیقلی معانی*

ملاّـ علیقلی معانی، از گویندگان اوایل قرن یازدهم هجری. در ملازمت کارخانه شاه عباس روزگار به سر می کرد و گاهی شعر می سرود. امّا مابین او و حکیم شفائی کدورت و نقاری حاصل شده بود. این بیت از اوست:

زحمت مکش و روی مگردان ز گناهم بر دیده من پرده بود بخت سیاهم(۲)

شیخ علی محمّد دهاقانی

شیخ علی محمّد [بن ابراهیم] دهاقانی، عالم فاضل [از علمای اواخر دوره قاجاریه است. در سال ۱۲۵۱ش در دهاقان متولّد شد و در نوجوانی پس از خواندن دروس مقدماتی نزد پدر به اصفهان رفت و] نزد حاج ملّا حسینعلی تویسرکانی، آقا سیّد محمّد شهشهانی، حاج شیخ محمّدباقر مسجدشاهی نجفی تحصیل نمود. [و سپس به عتبات عالیات مشرّف شد و از حضرات آیات شیخ مرتضی انصاری و شیخ عبداللّه مازندرانی کمال استفاده را برده و به درجه اجتهاد نائل شد و به موطن خود مراجعت کرد امّا به دعوت آقانجفی به اصفهان آمده و] در دستگاه آقانجفی به فصل دعاوی و خصومات

۱- تذکره الاطیاب، ص ۳۱.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج ۴، ص ۲۶۴۹.

پرداخته است. [او در حمایت از جنبش تنباکو رابط بین مرحوم میرزای شیرازی و آقانجفی اصفهانی بود که به همراه آقا منیرالدّین بروجردی که از طرف علمای اصفهان به سامرا رفت.

او سرانجام در سال ۱۳۲۶ق در اصفهان وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد.(۱)]

او پدرِ ادیب دانشمند شیخ نوراللّه دهاقانی مدیر روزنامه «نور شرق» است.

میرزا علی محمّد شرف الواعظین

میرزا علی محمّد شرف الواعظین بن ملاّ اسماعیل بن حاج ملاّ محمّدعلی بن حاج ملاّ عبدالعظیم بن محمّدتقی بیدگلی زواره ای از وعاظ اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. در اصفهان سکونت نموده و در این شهر وفات یافته است. فرزندش محمّدعلی شرف الواعظین و پدرانش از علماء و وعاظ بوده اند.(۲)

علی محمّد سِدِهی لنجانی

علی محمّد بن اسماعیل سِدِهی اصفهانی [از خطاطان نسخ نویس قرن سیزدهم هجری] نیمه دوم جلد پنجم «بحارالانوار» علاّمه مجلسی را در قرن سیزدهم هجری به خط نسخ کتابت نموده و خود نیز آن را مقابله کرده است. کتاب به شماره ۷۰۴۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

او در ۶ ربیع الثّانی ۱۲۲۵ق کتابت نسخه ای از «المناهج السّویّه» فاضل هندی را به

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۸۹؛ نقباء البشر، ج۴، ص ۱۶۲۰؛ سیمای دهاقان، صص ۲۷۲ و ۲۷۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۸۸؛ آتشکده اردستان، ج۱، ص۱۶۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص ۲۳۰.

خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۱۳۲۳ در کتابخانه ملّی ملک موجود است.(۱)

همچنین در سال ۱۲۲۹ق کتابت نسخه ای از «نقد الرّجال» میر مصطفی [تفریشی] را به خط نسخ به پایان رسانیده است. این کتاب به شماره ۱۳۰۷ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲)

در اصفهان دو ناحیه به نام سده معروف است:

۱. سِدِه لنجان معروف به سده غلامخاص

۲. سِدِه ماربین مشهور به خوزان [و ورنوسفادران و فروشان، سه محلّه از سِدِه قدیم بوده و با پیوستن روستاهای مجاور آن مانند اَندوان، آدریان، هُرِستان به نام «همایون شهر» به شهر تبدیل شده و از سال ۱۳۵۷ش به نام «خمینی شهر» معروف شده است.]

شیخ علی محمّد نجف آبادی

شیخ علی محمّد بن محمّدجعفر بن محمّدرحیم بن محمّدصالح بن محمّدشفیع بن حبیب اللّه نجف آبادی اصفهانی نجفی، عالم فاضل و عابد زاهد. [از علمای قرن چهاردهم هجری] اجدادش از تجار خوشنام و معتبر بودند.

[او در نجف آباد متولّد شد و در اصفهان نزد جهانگیرخان قشقائی و آخوند کاشی تحصیل کرد. سپس به نجف رفت و در درس مرجع عالیقدر شیعه میرزا حسن شیرازی حاضر شد و سال ها از درس او بهره برد. آنگاه به نجف اشرف بازگشته و در مدرسه هندی به تدریس معقول و منقول پرداخت. او از جامعه عزلت و دوری اختیار کرده و تا

۱- فهرست ملک، ص۷۳۹.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۴۴۴.

آخر عمر بدون همسر و فرزند زندگی کرد و تمام روزهای سال (به جز ایّام عید فطر و قربان که روزه در آن حرام است) روزه می گرفت و همیشه در حال ذکر و مراقبه بود.

او جز کتاب هایش دوست و مصاحبی نداشت. کتابخانه او در نجف بیش از چهار هزار مجلد کتاب داشت. وصی او حاج نظری شوشتری (صاحب حسینیه شوشتری ها، کتاب های او را به کتابخانه شوشتری ها منتقل کرد و در اختیار عموم قرار داد.

از شاگردان او می توان به حضرات آیات: شیخ آقابزرگ طهرانی، سیّد جمال الدّین گلپایگانی، شیخ محمّدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) ، سیّد عبدالهادی شیرازی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، حاج میرزا علی آقا ایروانی، سیّد شمس الدّین محمود مرعشی نجفی و سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی اشاره کرد.]

وی سرانجام در سال ۱۳۳۲ق در نجف اشرف وفات یافت. [عارف ربانی سیّد احمد کربلائی تهرانی بر پیکرش نماز خواند] و در آن ارض اقدس مدفون گردید.(۱)

شیخ علی محمّد شریف

شیخ علی محمّد شریف فرزند آقا شیخ محمّدجواد بن محمّدحسن، از علماء و فضلاء [قرن چهاردهم هجری، مجتهد عالیقدر و زاهد صالح.] برادرِ شیخ احمد بیدآبادی و شیخ محمّدعلی شاه آبادی [در سال ۱۲۹۱ق در اصفهان متولّد شد] در نزد پدر و برادر تحصیل نمود. [پس از وفات پدر دانشمند خود به عتبات عالیات مشرّف شده و چندین سال در کاظمین به تحصیل پرداخت و از علاّمه جلیل مرحوم سیّد حسن صدر و شیخ محمّدتقی بن حسن آل اسداللّه کاظمی اجازه روایتی اخذ نمود. سپس به نجف اشرف رفته و چندین سال در آنجا اقامت نمود. آنگاه به ایران مراجعت نموده و مدّتی در تهران

۱- نقباء البشر، ج۴، صص ۱۶۲۲ و ۱۶۲۳؛ الذریعه، ج۶، ص۲۷۴؛ میرزای شیرازی، صص ۱۷۲ و ۱۷۳؛ دیباچه دیار نون، صص ۲۴۴ و ۲۴۵؛ آئینه اهل قلم، ص۹۰.

نماز جماعت را در مسجد سراج الملک اقامه نمود.] مدّتی هم در مدرسه میرزا مهدی [در محلّه بیدآباد اصفهان] ساکن و به نوشتن سجلات شرعی اشتغال داشت. در اواخر عمر به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آن ارض اقدس در سال ۱۳۷۳ق وفات یافته و در وادی السلام مدفون گردید. [محلّ دقیق مدفن او را کنار مزار مرحوم فیروزآبادی، جنب باب طوسی در حرم مطهر حضرت علی علیه السلام نوشته اند از ایشان «رساله ای در صلاه مسافر» باقی مانده است.(۱)]

میرزا علی محمّد سهائی قائنی*

میرزا علی محمّد شریف قائنی متخلّص به «سُهائی» فرزند حاج محمّدحسن، شاعر و ادیب فاضل، از دانشوران اواخر دوره قاجاریه.

او نوه دختری میرزا محمّداسماعیل حسینی قائنی بوده و در اصفهان متولّد گردیده و در این شهر علم و ادب آموخته است. او در اداره تلگراف اصفهان به فعالیّت پرداخته و به درجه سرهنگی نائل شده است. وی از نخستین عکاسان اصفهان بود و عکس های زیبایی از آثار او به جای مانده است. در نقاشی و قلمدان سازی نیز مهارت داشته است. از جمله قلمدان زیبایی با موضوع جنگ هرات از او به جای مانده که آن را به حسام السّلطنه فاتح هرات تقدیم کرده که نزد مهندس محسن فروغی موجود بوده است.

او سرانجام در سال ۱۳۱۶ق وفات یافته و در تکیه بابا رکن الدّین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

او شاعری قابل و ادیبی ماهر بوده و دیوان اشعارش نزد خانواده او موجود است.(۲)

از اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۲۴۰؛ نقباء البشر، ج۴، صص ۱۶۲۳ و ۱۶۲۴؛ استادزاده، صص ۳۱ و ۳۲.

۲- کارنامه خاندان قائنی (بشارت) ، ص ۱۷۱.

تا خم زلف دو تای تو شکن در شکن است دل شوریده ما کلبه بیت الحزن است

تار زلفت شکند رونق تاتار مگر حلقه زلف بتان خطّه چین و شکن است

میرزا علی محمّد میردامادی

میرزا علی محمّد بن میرزا محمّدحسن میردامادی سدهی از اعقاب میر محمّداشرف علوی عاملی، عالم فاضل زاهد [از علمای قرن چهاردهم هجری] نزد علمای اصفهان بالاخص آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، حاج میرزا محمّدصادق مدرس خاتون آبادی، شیخ محمّدحکیم خراسانی، آقا سیّد مهدی درچه ای و آقا میرزا احمد اصفهانی بوده و در سال ۱۳۵۲ق وفات یافته و جنب پدر در مقبره شاهزاده ابراهیم در قریه ورنوسفادران سِدِه اصفهان [خمینی شهر فعلی] مدفون گردید.(۱)

علی محمّد اصفهانی*

علی محمّد بن محمّدحسین اصفهانی، از کاتبان هنرمند قرن سیزدهم هجری است. و نسخه ای از «قرآن مجید» را در جمعه ۱۸ صفر ۱۲۷۹ق به خط نسخ خوش کتابت نموده و در همان سال در مطبعه آقا میر محمّدباقر تهرانی چاپ سنگی شده است.(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۹ و ج۲، ص۸۲۸؛ لطائف غیبیّه: مقدمه، ص بیست و هفت؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص۳۰۵.

۲- اهتمام ایرانیان به قرآن کریم، ص۲۴۸.

میرزا علی محمّد اژه ای*

میرزا علی محمّد اژه ای فرزند میرزا محمّدحسین بن میرزا علی محمّد بن میرزا محمّدعلی بن ملّا عبداللّه بن ملّا علی اکبر اژه ای، عالم فاضل متقّی و فقیه محقّق اصولی، از علمای معاصر اصفهان.

قبل از سال ۱۳۰۰ش در اصفهان متولّد شده و نزد علمای این شهر از جمله: سیّد صدرالدّین کوپائی، میرزا محمّدعلی معلم حبیب آبادی، مجدالعلماء نجفی، میرزا محمّد طبیب زاده، شیخ محمود مفید و سیّد مرتضی موحد ابطحی به تحصیل پرداخته و از آیات عظام سیّد محمّدحجت کوه کمری و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی به اخذ اجازه اجتهاد مفتخر شده است.

او سال های طولانی اقامه جماعت در مسجد علی اصفهان را برعهده داشته و در عداد علمای طراز اوّل اصفهان به شمار می رود. عمر شریفش را صرف عبادت و تحقیق و تحصیل و ارشاد مردم و حل مشکلات آنان نموده و یار معین ضعفاء بوده است. فرزند برومند او شیخ علی اکبر اژه ای از مبارزان انقلاب اسلامی بود. که در انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در تهران در روز ۷ تیر ۱۳۶۰ش به شهادت رسید.(۱) این عالم گرانمایه سرانجام در تاریخ ۳۰ محرم ۱۴۳۲ق (مطابق با ۱۵ دی ۱۳۸۹ش) وفات یافت و در مزار هارون ولایت اصفهان مدفون شد.

ملّا علی محمّد محلّه نوئی اصفهانی

ملّا علی محمّد محلّه نوئی اصفهانی معروف به «غیاث الدّین جمشید ثانی» فرزند

۱- بزم معرفت، صص ۱۴۱-۱۴۳.

محمّدحسین، عالم فاضل، از علماء ریاضی و مفاخر علمی [در قرن سیزدهم هجری.]

در سال ۱۲۱۵ق متولّد شده و تحصیل کرد. علیقلی میرزا اعتضادالسّلطنه وزیر علوم او را از اصفهان به طهران برده و مورد توجّه و التفات قرار داد. و او به تدریس و تألیف کتب پرداخته تا اینکه در ۱۷ ماه صفر ۱۲۹۳ق در طهران وفات یافته و به خاک رفت.

وی اوّلین کسی از دانشمندان ایران است که جدول لگاریتم را اختراع نمود و شایسته بود که از تحقیقات علمیش به نفع مملکت استفاده شود.

کتب زیر از اوست:

۱. «تکمله العیون» در مسائل جبر و هندسه شامل ۲۰ مسأله ۲. «رساله ای در بیان قاعده کلّی برای گشایش معادلات جبری در هر درجه ای»۳. کتابی مبسوط در «علم اعداد»۴. «رساله ای در جداول اعداد»(۱) ۵. «تقسیم کره بسطوح مستوی» که به دستور ناصرالدّین شاه به فارسی نوشته و در مجموعه کتب اهدایی خطی آقای مشکوه به دانشگاه طهران موجود است.(۲)

دو فرزند صاحب عنوان میرزا عبدالوهاب منجم و میرزا عبدالغفار نجم الدّوله از دانشمندان آن عصر بوده اند.

ملّا علی محمّد محلّه نوئی برخی از کتب ادبی و ریاضی را کتابت کرده است از جمله «غیث الادب الذی انسجم فی شرح لامیه العجم» که آن را در سه شنبه ۲۸ شوال ۱۲۶۷ق کتابت کرده و به شماره ۲۰۰۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۸۰ و ۷۸۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۵؛ مکارم الآثار، ج۲، ص۵۵۳؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۳۷؛ دائره المعارف الاسلامیه (جواهر کلام) ، ص۵۹؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۱، ص۲۶۸؛ شرح حال رجال ایران، ج۲، ص۴۸۲؛ زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی، ص۴۳۹.

۲- فهرست مشکوه، ج۴، ص۹۲۵.

است.(۱)

میرزا علی محمّد میردامادی

میرزا علی محمّد میردامادی بن حاج میرزا محمّدحسین سدهی، عالم فاضل و روحانی متنفّذ [در اواخر دوره قاجاریه] از شاگردان آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی و برادر عالیقدرش میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) و حاج میرزا بدیع درب امامی [و شیخ محمّدباقر مسجدشاهی نجفی] و دیگران بوده و قبل از نیل به اجتهاد به سِدِه [خمینی شهر فعلی] مراجعت نموده و به اقامه جماعت در مسجد ملاّ محسن محلّه خوزان و ارشاد مردم پرداخت.

وی در رجب ۱۳۴۲ق به سن قریب به هفتاد سالگی وفات یافته در مقبره ملاّ محسن محلّه شمس آباد خوزان مدفون گردید.(۲)

علی محمّد نجف آبادی

علی محمّد بن حسین نجف آبادی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۶۰ق نسخه ای از کتاب: «الهدایا» در نحو تألیف: ابوحیّان محمّد بن یوسف اَنْدُلُسی ساکن قاهره را کتابت نموده است.(۳)

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص ۶۲۱.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۷؛ لطائف غیبیّه: مقدمه، ص بیست و پنج؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص ۳۰۱.

۳- الذریعه، ج۲۵، ص۱۶۶.

علی محمّد همدانی

علی محمّد بن محمّدحسین همدانی اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] متوفّی ۱۰۷۹ مؤلف: «مرآه الصلاه فی اسرار الصلاه»(۱)

علی محمّد شوّاخ آرانی کاشانی*

علی محمّد متخلّص به «شوّاخ» فرزند رجبعلی آرانی کاشانی، از شعرای قرن چهاردهم هجری. در «آران» کاشان متولّد شده و سپس به اردستان مهاجرت کرده و در روستای «قهساره» ساکن شده است. وی شاعری با فضل بوده و با شاعر مشهور میرزا محمّدعلی رجاء زفره ای معاشرت و رفاقت داشته است. سرانجام به حبیب آباد برخوار رفته و در آنجا وفات یافته است.(۲)

علی محمّد مسکین حبیب آبادی

درویش علی محمّد حبیب آبادی بُرخواری متخلّص به «مسکین» فرزند عباس بن محمّدعلی بن باقر [از شعرای قرن چهاردهم هجری.] روزگار به مدّاحی و روضه خوانی می گذرانید و گاهی شعری می گفت. از شعراء متوسط به شمار می رفت. بیشتر اشعارش در مدائح و مصائب می باشد. او در شب چهارشنبه ۱۲ شوّال سال ۱۳۵۱ق در قریه حبیب آباد وفات یافت و در قبرستان عمومی آنجا مدفون گردید. این چند بیت در ورود حضرت امام حسین علیه السلام به زمین کربلا از اوست:

۱- الذریعه، ج ۲۰، ص ۲۷۷؛ معجم مؤلفی الشیعه، ص ۴۳۷.

۲- ادیب ماندگار، ص ۲۷۲.

چون که در میقاتگاه یار شد در تکلّم آن شه ابرار شد

با خدای خویشتن همراز گشت گوش حق با وحی حق انباز گشت

گفت آیم هر کجا دلخواه توست آیم آنجا من که قربانگاه توست(۱)

علی محمّد کثیری*

حاج علی محمّـد کثیری فرزنـد ملاّ عبـداللّه، از دانایان قرائت و تجویـد در عصـر حاضـر است. وی به تـدریس قرآن و آموزش فنون قرائت مشغول بوده و کتابی در «مناسک حج» مطابق با فتاوای آیه اللّه بروجردی به فارسی تألیف نموده که به چاپ رسیده است.

او در روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۵ش وفات یافته و در تکیه گلزار در تخت فولاد اصفهان مدفون شده است.(۲)

میرزا علی محمّد نظام الدّوله

میرزا علی محمّـد نظام الـدّوله فرزند میرزا عبداللّه خان امین الدّوله بن حاج میرزا محمّدحسـین خان صدراعظم اصـفهانی، عالم فاضـل و ادیب شـاعر [از دانشـمندان قرن سـیزدهم هجری.] در سال ۱۲۲۲ق متولّـد شده و در اصـفهان و طهران تحصـیل علوم نموده، در سـال ۱۲۴۷ق به اتفـاق پـدر به نجف اشـرف مهـاجرت نموده و به تکمیـل علوم و تهـذیب نفس و تألیف و تصـنیف پرداخت. در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم ادبی و ریاضـیات مهارت داشته [و شعر نیکو می گفته و «شعراء» تخلّص می کرده است.] او قریب ۱۸ مجلّد کتاب تألیف کرده است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۴۹.

۲- یادداشت های محقّق گرامی آقای حمید خلیلیان.

مشارٌ الیه نزد صاحب جواهر و ملّا مقصودعلی غروی و میرزا حسن بن ملّا علی نوری و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل علوم و دانش نموده و از حاج ملّا احمد نراقی اجازه روایت و اجتهاد داشته است (تاریخ اجازه مربوط به زمانی است که حاکم کاشان بوده است.)

[در حسن سیرت و صورت و کفایت و درایت معروف بود. پیوسته با ارباب کمال به سر می برد و در نظم و نثر فارسی و عربی دست داشت و از علوم ریاضی و دینی بهره ور بود و در سواری و تیراندازی کم تر نظیر داشت. خط نستعلیق و نسخ را خوش می نوشت.

وقتی او به عتبات رفت شیخ مرتضی انصاری مکرّر می گفت: «وقتی نظام الدّوله در مجلس درس من نیست نمی دانم چه می گویم و وقتی هست آنچه می گویم با ملاحظه می گویم...»

مقام وی در دربار فتحعلی شاه به آنجا رسید که خواستگار خورشید کلاه (شمس الدّوله) دختر شاه (و طاوس خاتم تاج الدّوله اصفهانی) شد و با تشریفات مفصّل به عقد ازدواج وی درآمد ولی دیری نپائید که مورد بی مهری شاه واقع و به عراق فراری شد و در آنجا مدتی بلند آوازه زیست.]

سرانجام در ۸ ذیحجه سال ۱۲۷۶ق در نجف وفات یافته در مدرسه صدر مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «البرهان»۲. «تقریرات»۳. «دیوان شعر» به عربی و فارسی۴. «رساله در اصول فقه»۵. «رساله در شبهه محصوره و آب مضاف» که به طبع رسیده [است.]۶. «رساله در امامت»۷. «سلافه الوزراء» در معنی ولایت به طریق اهل تصوّف و عرفان به نظم و نثر، مطبوع ضمن کتاب «فوائد البهائیه» نسخه ای از آن ضمن جُنگ شماره ۲۸۳۳ در

کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد.۸. «شهاب الثّاقب» در ردّ «صواعق» ابن حجر.۹. «کشف الابهام» در فقه ۱۰ و ۱۱. دو کتاب در «رجال» ۱۲. «کتابی در ترجمه ۱۹ نفر از بزرگان اهل سنّت و ردّ بر آنها از کتب اهل سنّت» ۱۴. «معارج القدس» در حکمت و کلام و توحید و عدل ۱۵. «نورالابصار» و غیره

شش پسر داشته [که از فضلاء آن عهد بوده اند] حاج اسداللّه خان نظام العلماء، حاج امین آقا، حاج علی آقا، مرتضی قلی خان، حاج نجفعلی میرزا و شیخ بهاءالدّین محمّد

این شعر از اوست:

دوش که بودم حریف چنگ و چغانه مطرب مجلس نواخت این به ترانه

زلف طرب را می است شانه به تحقیق می چو نباشد نه زلف باد نه شانه(۱)

علی محمّد سیچانی

علی محمّد بن آقا علی سیچانی اصفهانی [از خوشنویسان و کاتبان قرن سیزدهم هجری.] در چهارشنبه ۴ شوال ۱۲۴۴ق به دستور آخوند ملاّـ حسین جزینی کتابت نسخه ای از «روادع النّفوس» میر محمّدصالح خاتون آبادی را به خط نسخ به پایان رسانیده و نسخه به شماره ۱۹۳۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی قم موجود است.(۲)

همچنین او در روز ۲۷ محرم سال ۱۲۴۵ق نسخه ای از کتاب «انساب النواصب» تألیف: مولی علی بن داود خادم استرآبادی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۴۳۰۹

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۹۰ و ۳۹۱؛ ماضی النّجف، ج۳، ص۴۸۲؛ فوائد البهیه، ص۸۳؛ فهرست مرعشی، ج۸، ص۳۸؛ صدر التواریخ، ص۱۰۸؛ تاریخ عضدی، صص ۷۱-۷۸؛ الکرام البرره: خطی؛ شرح حال رجال ایران، ج۲، صص ۴۸۳ و ۴۸۴؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۱۱۱ و ۲۱۱۲؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۸۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۵، ص۲۹۹.

در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

میرزا علی محمّد فنائی

میرزا علی محمّـد ابریشم کار متخلّص به «فنائی» [فرزنـد ملّا علی] شاعر ادیب معاصـر متوفّی در جمعه ۲۹ صفر ۱۳۶۸ق مدفون در صحن تکیه ریزی در تخت فولاد اصفهان. این دو بیت از اوست:

رخش سعادت همه جا تاختم در دل هر ذرّه تو را یافتم

در دل هر ذرّه تو ای نوربخش از ره بخشندگی ما را ببخش(۲)

میرزا علی محمّد ینبوع زفره ای*

میرزا علی محمّد زفره ای متخلّص به «ینبوع» فرزند ملّا محمّدعلی بن حاج محمّداسماعیل زفره ای کوهپایه ای اصفهانی، فاضل طبیب و شاعر ادیب، از دانشوران قرن چهاردهم هجری. طبع روانی در شـعر داشـته و اغلب اشعارش در مدایح و مراثی چهارده معصوم علیهم السـلام است و «منبع الرّزیّه» نـام دارد و نزد محقّق ارجمنـد آقای محمّـدحسن رجائی زفره ای موجود بوده است. علاوه بر شاعری طبابت هم می کرده و در طب شاگرد میرزا حیـدرعلی طبیب (حیـدرزاده) فرزنـد ملّا محمّـدعلی حکیم باشـی زفره ای بوده است.

سرانجام او در راه مسافرت به مشهد مقدس در سال ۱۳۸۳ق (مطابق ۱۳۴۲ش) وفات یافت و در قبرستان سه دختران شهر ری به خاک رفت.(۳)

۱- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۳۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۶.

۳- زفره: تاریـخ و جغرافیـا، شـرح حال علماء و شـعراء، آداب و رسوم، ص۵۷؛ مجلّه کتابـداری، سال ۳۳: دفتر ۳۲ و ۲۳، سال ۱۳۷۸، ص ۷۰.

میرزا علی محمّد شریفی اژه ای

میرزا علی محمّد بن ملاّ محمّدعلی بن ملاّ عبداللّه بن ملاّ علی اکبر اژه ای، عالم فاضل، فقیه محقّق عابد زاهد و ادیب شاعر [از علمای اواخر دوره قاجاریّه] متخلّص به «شریفی» [در شب ۱۵ شعبان] ۱۲۶۶ق متولّد شده [و در ۱۸ سالگی به نجف اشرف رفته و مدت ۹ سال نزد اساتید آنجا از جمله ملاّ محمّدفاضل ایروانی تحصیل نمود. آنگاه به اصفهان آمده به ارشاد مردم و اقامه جماعت در مسجد علی پرداخت.(۱)]

او مؤلف مجموعه ای در آداب و اخلاق است که آن را در آخر کتاب «نماز شب» جدّش ملاّ علی اکبر اژه ای به طبع رسانیده است. سرانجام در شب شنبه ۱۲ صفر سال ۱۲۳۲ق وفات یافته و جنب مزار پدرانش در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

این شعر از اوست:

خدایا به حق بنی فاطمه مرا با خودت آشنائی بده

که خورسند باشم به وقت رحیل مرا دستگیری کن ای من دخیل

همه عمر ضایع چو من کرده ام ز اعمال و کردار شرمنده ام

به حق حقّانیّتت ای خدا کنی رحم بر ما بهر دو سرا

تو توفیق ده تا که مردانه وار گذشتی کنم من از این روزگار

همه حال من حال مجذوب کن که امر تو باشد یکن بعد کن

«شریفی» چو همیان عصیان شده است ندارد به جز رحمت تو به دست(۳)]

۱- بزم معرفت، صص ۱۳۷-۱۳۹.
۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۶.
۳- تراجم الرجال، ج۱، ص۴۱۳؛ تذکره شاعران فارسی سرا، ص۱۲۷.

شیخ علی محمّد شوشتری

شیخ علی محمّد بن شیخ غلامحسین شوشتری، عالم زاهد از علمای اخیار [در اواخر دوره قاجاریّه] و از شاگردان حاج شیخ محمّدباقر نجفی بود. در ۸ شوال ۱۳۳۶ق وفات یافته و جنب لسان الارض مدفون گردید.(۱)

سیّد علی محمّد مدرس

حاج سیّد علی محمّد مدرس صادقی بن آقا سیّد محسن میر محمّد صادقی، شاعر و ادیب اصفهان در قرن چهاردهم هجری.

در ۱۹ صفر ۱۲۹۴ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر تحصیلات خود را انجام داده و از بدو تأسیس تشکیلات دادگستری به عنوان وکیل به خدمت پرداخته و در عداد وکلای طراز اوّل دادگستری اصفهان قرار گرفت. گاهی شعر می گفت و «مدرس» تخلّص می کرد. او در یکی از مساجد اصفهان نماز جماعت را اقامه می نمود.

وی در پنج شنبه ۱۹ ذیحجه الحرام ۱۳۹۲ق وفات یافت و در تکیه میر محمّد صادقی ها [واقع در گلستان شهدای فعلی] در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

او تألیفاتی داشته که از آنها فقط «شرح دعای سمات» و «شرح دعای صباح» به چاپ رسیده است.(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۲۹.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۴۴۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۴.

علی محمّد طبیب اصفهانی

علی محمّد طبیب بن میرزا محمّد اصفهانی [از اطبّاء قرن سیزدهم هجری] ساکن طهران. در سال ۱۲۹۵ق حیات داشته است. به دستور او کتاب «احکام الامراض» تألیف: عبدالکریم طبیب طهرانی را نوشته اند. نسخه به شماره ۶۴۳۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا علی محمّد حکیم

میرزا علی محمّد اصفهانی متخلّص به «حکیم» فرزند محمّد بن علی محمّد بن محمّدقلی کرونی اصفهانی، عالم فاضل، حکیم عارف و ادیب شاعر، از دانشمندان دوره قاجاریه.(۲) [در حدود سال ۱۲۶۱ق در فریدن، از توابع استان اصفهان متولّد شده و به همراه برادرش صفای اصفهانی به اصفهان آمده و نزد علمای این شهر به تحصیل پرداخت. سپس به طهران رفته و نزد آقا محمّدرضا قمشه ای و آقا علی مدرس زنوزی حکمت و عرفان را فراگرفت. او حجره ای در مدرسه صدر واقع در جلو خان مسجد شاه طهران گرفته و به تدریس پرداخت، اما به خاطر کج خُلقی به خاطر ابتلا به بیماری شاگردان چندانی نداشت. شیخ فاضل بن حسن لنکرانی مؤلف «حاشیه بر شرح منظومه» از شاگردان اوست. حکیم در اواخر عمر به تدریس در مدرسه علوم سیاسی طهران مشغول شد. و سرانجام در شب پنج شنبه ۲۱ جمادی الاولی سال ۱۳۴۳ق (مطابق ۲۶ قوس ۱۳۰۳ش) در حجره خود در مدرسه صدر وفات یافت. او مانند برادرش حکیم صفای اصفهانی تا آخر عمر مجرّد زیست و همسر اختیار نکرد. از او اشعاری به جای مانده که هنوز به طبع نرسیده است.

۱- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۴۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۷.

از اوست:

از دور عکس روی تو دیدن چه فایده دیدن گل و به گل نچیدن چه فایده

دیدن خوش است لاله رخان را به چشم خویش تعریف شان ز غیر شنیدن چه فایده(۱)]

میرزا علی محمّد طغرل اصفهانی*

میرزا علی محمّد چهارمحالی اصفهانی متخلّص به «طغرل» ملقب به «شمس الشّعراء» فرزند میرزا محمود بن ملّا محمّد بن ملّا ملک احمد لاوی سمیرمی، شاعر و ادیب فاضل. در سال ۱۲۷۴ق متولّد شده و در اصفهان به کسب علم و ادب پرداخت. ابتدا «شهاب» تخلّص می نموده و سپس آن را به «طُغُرل» تغییر داد. در شعر و ادب دستی توانا داشته و انواع شعر خصوصا غزل و قصیده را نیکو می سروده و در فن مادّه تاریخ گوئی مهارت داشته است. نمونه قطعات مادّه تاریخش در ابنیه و عمارات اصفهان نظیر مسجد جنب حمام کوچه قصر منشی، مسجد رکن الملک و تکیه حاج محمّدجعفر آباده ای در تخت فولاد موجود است و بر قدرت شاعری او دلالت دارد.

وی سرانجام در سفر خراسان، در سمنان در دوشنبه ۱۳ رجب المرجب سال ۱۳۳۲ق وفات یافته و جنازه اش توسط مرتضی قلی خان نایب السّلطنه به مشهد مقدس حمل و در پای پنجره فولاد در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تاریخ هندوستان»۲. «عالم نمای مسعودی» (در تاریخ هندوستان) که غیر از

۱- منتخب معجم الحکماء، ص۱۳۴؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفاء، ص۳۰۰؛ دیوان اشعار حکیم صفای اصفهانی: مقدمه؛ شواهد الرّبوبیه: مقدمه، ص صد و بیست و نه؛ شرح حال رجال ایران، ج۶، ص۱۷۰؛ دیباچه دیار نون، صص ۲۱۵ و ۲۱۶؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، ص۱۸۸.

تـألیف قبل است ۳. «منتخبات اشـعار مسعودی»۴. «جزائر بریطانیا»۵. «تاریـخ روسـیه» این کتاب ها در کتابخانه عمومی فرهنگ اصفهان موجود بوده است.(۱)

میرزا علی محمّد شهدادی نائینی

میرزا علی محمّد معلّم بن میرزا یوسف خان شـهدادی نائینی [فاضل و ادیب خوشـنویس در اوایل قرن چهاردهم هجری] ساکن اصـفهان. پـدرش طبیب و داروسـاز بود. صـاحب عنوان در اصـفهان تحصـیل کرد. مـدّتی در نـائین مـدرسه ایجاد کرد. پس از تعطیلی آن به اصـفهان آمـد و در کمـال عزّت به شـغل مُحَرّری روزگـار می گذرانیـد. خط نسـخ را شـیرین می نوشت. مردی وارسته و درویش مسلک بود و در فروردین ۱۳۲۵ش در اصفهان وفات یافت.(۲)

میرزا علی محمّد دولت آبادی

میرزا علی محمّـد بن حاج میرزا هادی بن سـیّد عبـدالکریم بن میر محمّـدهادی حسـینی دولت آبادی، از فضـلاء قرن چهاردهم هجری. در حدود ۱۲۹۰ق متولّد و در ۷ محرم ۱۳۴۵ق در طهران وفات یافت.(۳)

سیّد علی محمّد حشمت*

سیّد علی محمّد موسوی طلب متخلّص به «حشمت» از فضلای اوایل قرن سیزدهم

۱- حدیقه الشـعراء، ج۲، صص ۱۱۲۱ و ۱۱۲۲؛ دیوان طرب: مقـدمه، ص۲۴۷؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۲۰۷۲؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، صص ۱۲۴-۱۲۶، ۱۵۸ و ۳۴۸؛ ماهنامه وحید، شـماره مسلسل ۵۷، سال پنجم، ص۵۶۵؛ نامه سخنوران، ص۱۱۶؛ آثار ملّی اصفهان، ص۶۲۸؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۲، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.

۲- تاریخ نائین، ج۴، ص۴۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۰۰.

هجری. در جمعه ۲۱ صفر ۱۲۰۸ق کتاب «تحفه الابرار» یا «شرح صحیفه هرمس» تألیف: شیخ محمّد قمری مصری را به خط نسخ و به دستور میرزا محمّدحسن شهریار ملکی دارالسّلطنه اصفهان کتابت کرده است. این کتاب در کتابخانه آیت اللّه حججی در نجف آباد موجود است.(۱)

علی محمّد ساوجی

علی محمّد ساوجی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در شنبه غرّه رمضان ۱۲۴۴ق کتابت نسخه ای از جلد دوّم «قوانین» را به خط نسخ در اصفهان به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۴۵۰ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲)

شیخ علی محمّد سدهی

شیخ علی محمّد سدهی، از اهالی فتح آباد خوزان از بلوک سده ماربین [خمینی شهر فعلی] بود. از ادباء و شعرای قرن چهاردهم هجری است و بیشتر اشعارش در مرثیه و مصیبت می باشد. در حدود سال ۱۳۶۵ق وفات یافت.(۳)

میرزا علی محمّد طبیب کرونی

میرزا علی محمّد طبیب کرونی اصفهانی [از دانشمندان و اطباء فاضل اواخر دوره قاجاریه.] در طهران ساکن بوده و به طبابت می پرداخته و منظور نظر ناصرالدّین شاه قاجار بوده است.

۱- فهرست حججی، ص۸۴.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۲۲۶.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۹۰.

از تألیفات اوست:

۱. «مشکاه السّیتیه» در جغرافیا به فارسی، در یک مقدمه و ۶ قسمت و یک خاتمه که نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران به شماره ۶۴۵ و نسخه ای دیگر به شماره ۶۴۵ در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۱) ۲. «المولودیّه فی حقیقه الولاده» در طب و قابلگی که در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۲)

میرزا علی محمّد فره وشی (مترجم همایون)

میرزا علی محمّد فره وشی (مترجم همایون) فاضل ادیب. از فرهنگیان قدیمی [در قرن چهاردهم هجری] سال ها در اصفهان و طهران مصدر خدمات بود. به زبان عربی، فرانسه و انگلیسی تسلط داشته و کتب زیادی ترجمه نموده و بسیاری از آنها را به طبع رسانده است.

[او در سال ۱۲۵۴ش در اصفهان متولّد شد و پس از تحصیل علوم مقدماتی، در تهران و استانبول تحصیل کرد و سال های دراز در مدارس تهران و ولایات عهده دار تدریس زبان فرانسه بود. او مدارس همایونی زنجان و انوشیروان دادگر و فیروز بهرام را پایه گذاری کرد و در بسیاری از شهرهای ایران چون زنجان، ارومیه، کرمان، تبریز و اصفهان سمت های فرهنگی داشت تا اینکه در سال ۱۳۲۸ش بازنشسته شد. او را باید از مؤلّفین نخستین کتب درسی جدید شمرد.]

وی در شعبان ۱۳۸۸ق [مطابق ۱۳۴۷ش] در طهران وفات یافت. این کتاب ها از آثار اوست:

۱. ترجمه «ایرانی که من شناخته ام» تألیف: نیکیتین ۲. «باستان نامه» مجموعه

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱، ص ۶۰؛ فهرست ملّی، ج۲، ص۱۵۲.

۲- الذریعه، ج۲۳، ص۲۷۸.

داستان های تاریخی و باستانی۳. هفت مجلد «حساب» و «هندسه» جهت دبستان ها و دبیرستان ها۴. ترجمه «سفرنامه از خراسان تـا بختیـاری» تـألیف: هاری رنه دالمانی۵. ترجمه «سـفرنامه مـادام دیولاـفوا» [۶. «اصول جـبر و مقـابله»۷. «جغرافیـای رهنما»۸. «حساب جدید مظفری»۹. «حساب ابتدائی» مفصل۱۰. «حلل المسائل جبر» ۱۱. «دستور دانش» ۱۲. ترجمه «ربنس سویس» ۱۳. «علم الاشیاء» ۱۴. «کتاب نیکلا» درباره تاریخ باب ۱۵. ترجمه «ایران، کلده، شوش» نوشته: مادام دیولافوا

فرزنـدش دکتر بهرام فره وشـی (۱۳۰۴–۱۳۷۱ش) دانش آموخته دانشسـرای عالی و دانشـکده ادبیات دانشگاه تهران و دارنـده دکتری تمـدن و السـنه و ادیـان ایرانی از دانشـگاه پـاریس، از محقّقین پرکـار زبـان و فرهنـگ ایران قبل از اسـلام بوده و کتب فراوانی در این باب منتشر ساخته است.(۱)]

شیخ علی محمّد فقیه حبیب آبادی

شیخ علی محمّد فقیه حبیب آبادی، عالم فاضل، در روستای «حبیب آباد» بُرخوار متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از فضلاء از جمله آقا سیّد محمّـدباقر درچه ای و آخونـد ملاّ عبدالکریم گزی [و جهانگیرخان قشـقائی] به تحصـیل پرداخته و سـپس به انجام وظایف شرعی مشغول شد. وی در شب جمعه ۱۷ ربیع الاوّل سال ۱۳۸۵ق وفات یافته و در صحن تکیه جویباره ای ها در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

۱– دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۲۷ و ۸۲۸؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۴، صص ۵۹۱–۵۹۳؛ نادره کاران، صص ۲۱۶ و ۷۵۸؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۱۲۱۱؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، صص ۴۴۶ و ۴۴۷.

۲– دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۳.

ملّا علی محمّد کربکندی

حاج ملّا علی محمّد کربکندی طبیب، از شاگردان حاج محمّدباقر حکیم باشی و در حذاقت و اصابت رأی و تشخیص بیماری ها شهرت و عنوان داشته است. وی پس از وفات در قبرستان شاهزاده محمود واقع در دولت آباد بُرخوار اصفهان مدفون شد.(۱)

علی مراد مسرور بروجنی

علی مراد رئوفی متخلّص به «مسرور» فرزند محمّدحسین از شعرای قرن چهاردهم هجری. در حدود سال ۱۳۱۵ق در بروجن متولّد شده و تحصیلات خود را در مکاتب قدیم انجام داد. از اوان جوانی به شعر و شاعری رغبت می نمود. دیوانی قریب ۲۵۰۰ بیت (از غزل و مخمس و غیره) داشت. از اوست:

سر زلفت بود حبل المتینم جمالت قبله دنیا و دینم

صراط المستقیم ابروانت لبت سرچشمه ماء معینم(۲)

حاج میرزا علینقی

حاج میرزا علینقی، از خوشنویسان اصفهان در اواخر عهد قاجاریه است. خط نستعلیق را خوش می نوشت. از آثار او خطوط کتیبه سقاخانه امامزاده احمد اصفهان به تاریخ ربیع الاوّل ۱۳۲۱ق است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۸؛ مزارات اصفهان، ص۲۶۹.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۴۷ و ۴۴۸.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۶۷۳ و ۶۷۴.

میر علینقی

میر علینقی، عـالم فاضـل، از علمـای قرن دوازدهم هجری. وفـاتش در سال ۱۲۰۵ق روی داده و قـبرش در تکیه مجلسـی جنب مسجد جامع(۱) [واقع شده است.]

علینقی اصفهانی*

علینقی اصـفهانی، از خوشـنویسان خط نستعلیق در اوایل قرن یازدهم هجری است. در مجموعه آقای آیدین آغداشلو در تهران قطعه ای به خط او و مورّخ به سال ۱۰۰۲ق وجود دارد.(۲)

علینقی انور اصفهانی

علینقی اصفهانی متخلّص به «انور» [از سخنوران قرن دوازدهم هجری] شاعر ادیب. پیشه صحّافی داشت.(۳) [در علوم غریبه هم مهارت داشت. در هنگام محاصره اصفهان به دست افاغنه، به قصد فرار از شهر بیرون آمد، امّا در همین اوقات وفات یافت. این مطلع از اوست:

در جهان ای جان به تنگ از عالم جسمانیم تا اسیر قید هستی گشته ام زندانیم(۴)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۸.

۲- فهرست خوشنویسان قرن دهم، ص۱۴۱.

۳- تذکره روز روشن، ص۹۰؛ الذریعه، ج۹، ص۱۰۹.

۴- تذکره ریاض الشعراء، ج۱، ص۳۴۷.

میرزا علینقی خان سرتیپ (اوحدی)

میرزا سیّد علینقی خان سرتیپ متخلّص به «اوحدی» فرزند میرزا احمد طبیب [از شعراء و ادبای اواخر دوره قاجاریه در اصفهان] از خانـدان حکیم سـلمانی (کلانتری) و از منسوبین به معتمدالـدّوله نشاط بوده و غالبا خود را «نشاطی» می خوانده است. مردی فاضـل و عارف مسـلک بوده و با نابینائی، هم تأسـیس مـدرسه برای فرهنگ کرده و هم تشـکیل انجمن ادبی داده و در ترویج علم و فرهنگ بسیار کوشا بود و مشارٌ الیه را باید یکی از بنیان گزاران فرهنگ جدید در اصفهان دانست.

او در ۹ جمادی الاولی ۱۳۳۹ق وفات یافته است.(۱)

میرزا علینقی حکیم الممالک

میرزا علینقی حکیم الممالک بن حاج آقا اسـماعیل جدیدالاسـلام بن ملّا بابا کلیمی اصـفهانی، فاضل ادیب و شعر. [از فضلای اواخر دوره قاجـاریه] پـدرش در دسـتگاه فتحعلی شـاه و ناصـرالدّین شاه پیشـخدمت سـلام بود. پس از فوت او پسـرش علینقی جانشــین او شـد. او در دارالفنـون طـب را آمـوخت. در سـال ۱۲۷۲ق به سـمت نـایب سـفارت عـازم اروپـا شـد. در سـفر دوم ناصـرالدّین شـاه به اروپـا ملازم رکـاب بود. او حکومت برخی از شـهرهای ایران را یـافته و عاقبت در سال ۱۳۲۱ق در طهران وفات یافت.(۲)

[در طب شاگرد میرزا ابوالحسن سلطان الاطبّاء اصفهانی بوده و «روزنامه سفر به خراسان» از تألیفات او به چاپ رسیده است.]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۷؛ بدایع و نوادر، ص۲۵.

۲- تاریخ بروجرد، ج۱، ص۵۲۷.

میرزا علینقی مسأله گو

حاج میرزا علینقی مسأله گو فرزند سیّد اسماعیل بن میر محمّدعلی حسینی [بن میر محمّداسماعیل بن احمد بن میر محمّدمهدی حسینی خاتون آبادی]، واعظ خبیر و عالم جلیل، [از وعاظ اصفهان در قرن چهاردهم هجری.]

به علم و فضل و تقوی بین الاقران معروف بود و پس از فوت [در روز ۲۳ شعبان ۱۳۵۲ق] در قسمت شمال غربی مسجد مصلی در فضای تخت فولاد مدفون گردیده و پس از چندین سال به اعتاب مقدسّه نقل گردید.(۱)

[شیخ عبدالجواد خطیب ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین گوید:

از پی تاریخ او «خطیب» رقم زد: «در مه شعبان علی نقی بجنان شد»(۲)]

سیّد علینقی بیدآبادی

سیّد علینقی بن اسماعیل موسوی بیدآبادی، از فضلای قرن سیزدهم هجری و از اهالی محلّه بیدآباد اصفهان. در سال ۱۲۳۱ق مجموعه ای شامل کتاب های «معارج» علاّمه مجلسی، «مبادی» علاّمه حلّی، «تهذیب» علاّمه حلّی و «شرح بدایه» شهید ثانی را به خط نسخ خود کتابت نموده که به شماره ۱۱۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

۱- مزارات اصفهان، ص۲۳۷.

۲- شرح مجموعه گل، صص ۳۲۹-۳۳۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۱، ص۱۳۳؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۱.

سیّد علینقی واعظ

سیّد علینقی بن محمّداسماعیل واعظ قاری اصفهانی [از وعاظ اهل منبر در قرن چهاردهم هجری] در شب ۲۹ جمادی الثّانی سال ۱۳۱۶ق کتاب «التبر المذن» در فضائل و مناقب حضرات معصومین را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۳۳۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

شیخ علینقی کمره ای*

شیخ علینقی بن شیخ محمّدتقی کمره ای اصفهانی، از علمای اصفهان در قرن دوازدهم هجری است. وی در روز ۲۳ صفر ۱۱۳۰ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

علینقی بن رمضانعلی*

علینقی بن رمضانعلی، عالم فاضل ادیب در قرن یازدهم هجری است. او نسخه ای از کتاب «تهذیب الاحکام» را کتابت کرده و علاّمه ملاّ محمّدباقر مجلسی در اواخر جمادی الثّانی ۱۰۷۱ق جهت او اجازه نوشته و از او به عنوان «المولی التّقی الورع» یاد کرده است.(۳)

این رباعی از اوست:

ای آنکه به بزم احدیّت یکتای جز احمد مرسل تو نداری همتای

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۱۲۳.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- تراجم الرجال، ج۱، ص۴۱۴؛ فهرست مرعشی، ج۸، ص۹۰.

مدّاح تو در لجّه غم غوطه خورد دستش ز کرم گیر و بگو با ما آی(۱)

ملاّ علینقی سابق مازندرانی

ملاّـ علینقی مازنـدرانی متخلّص بـه «سـابق» فرزنـد ملاّـ محمّدصالـح سـاروی مازنـدرانی، عـالم فاضـل و ادیب شـاعر [در سـال ۱۰۴۲ق.] در اصـفهان متولّد شده و تحصـیل نموده است. سـرانجام به هند رفته و اورنگ زیب را مدح نمود. [و به امر او مثنوی در غزوات اورنگ زیب سروده است. او در حدود سال ۱۰۸۲ق وفات یافته است.]

نویســنده [سیّد مصلح الـدّین مهـدوی] گویـد: در «تـذکره الانسـاب» و «الفیض القدسـی» وی را از اولاـد مـولی محمّـدصالح مازندرانی، از آمنه خاتون نام نبرده اند. لکن علاّمه طهرانی در «الذریعه» وی را سبط مولی محمّدتقی مجلسی می نویسد.(۲)

[این شعر از اوست:

رام ما گشت فلک از غم پنهانی ما هست داغ دل ما مهر سلیمانی ما

دیده به هر سو فکنم از تو نشان می بینم نیست بیهوده درین بادیه حیرانی ما]

علینقی ابهری اصفهانی

علینقی بن علی بیگ ابهری جی اصفهانی [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] در نیمه

۱- تذکره شاعران فارسی سرا، ص۱۶۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۲۶۰؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، صص ۳۷۵ و ۳۷۶؛ الذریعه، ج۹، ص۵۱۴؛ کاروان هند، ج۱، صص ۵۱۳ و ۵۱۴؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «سابق»، ص۱۴ و ذیل «علینقی سابق»، ص۲۷۷؛ منتخب اللطایف، ص ۳۴۰.

ذیقعده سال ۱۱۲۰ق کتابت نسخه ای از «منهج الیقین و صحیفه المتقین» در فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام تألیف: مولی محمّدرضی بن محمّدنصیر مجلسی را به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۲۲۶ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

[همچنین نسخه ای از «مقباس المصابیح» تألیف علاّمه ملاّ محمّدباقر مجلسی را در ۲۸ جمادی الاوّل ۱۱۲۵ق کتابت کرده که به شماره ۹۸ در کتابخانه مدرسه بروجردی کرمانشاه موجود است.(۲)]

میرزا علینقی نوری

حاج میرزا علینقی بن ملاّ علی بن جمشید نوری، عالم فاضل ادیب شاعر. از فضلای قرن سیزدهم هجری در اصفهان است. اشعاری بر حاشیه «رقیمه النوریّه» تألیف پدر خود، به مناسبت مقام سروده است.(۳)

[از تألیفات حاج میرزا علینقی «شرح شواهد مغنی اللّبیب» است که در سال ۱۲۸۱ق تألیف کرده که به خط نستعلیق زیبای مؤلّف به شماره ۴۷۵۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴) همچنین به دستور او در سال ۱۲۵۳ق نسخه ای از «منتهی السؤل فی شرح الفصول النّصیریه» را کتابت نموده اند.

این شعر از اوست که در حاشیه «الرقیمه النوریّه» نوشته است:

فعل ما شد لفظ و معنی فاعل است از جهان بیرون و در وی داخل است

آنکه در دیوار قالب نقش شد در فلک هم حق یکتا قابل است(۵)]

۱- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۱۹۶.

۲- فهرست بروجردی کرمانشاه، ص۷۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۹.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۲، صص ۳۱۸ و ۳۱۹.

۵- الکرام البرره: مخطوط.

میرزا علینقی سجادالواعظین

میرزا علینقی سجادالواعظین فرزند میر سیّد علی طباطبائی بن سیّد محمّدرضا صدرالذّاکرین، از خطباء و وعاظ اصفهان در قرن چهاردهم هجری. وی در ۱۰ شعبان ۱۴۰۴ق وفات یافته و در تکیه جویباره ای ها واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

میرزا علینقی زنجانی

حاج میرزا علینقی بن میرزا محمّدعلی بن امیرمحسن بن محمّدسلیم بن امیر برهان الدّین موسوی زنجانی اصفهانی، عالم فاضل جلیل، فقیه ادیب نبیل [از علمای عالیقدر اصفهان در قرن سیزدهم هجری که در زنجان متولّد شده و برای تحصیل] به اصفهان مهاجرت نموده است و در این شهر پس از وصول به مقامات عالیه علم و اجتهاد به تدریس و اقامه جماعت در مسجد خیاط ها که آن را مسجد زنجانی ها نیز گویند اشتغال جسته [است.] دارای تألیف و تصنیف بوده و در [روز جمعه ۲۶] صفر المظفّر ۱۲۵۸ق وفات یافته و در تخت فولاد جنب فاضلان مدفون گردید.

دارای خطی نیکو بوده و حواشی بر کتاب «ذریعه الضّراعه» تألیف فیض کاشانی نگاشته و نسخه آن در کتابخانه آستانه رضویه موجود است.(۲)

[محمّدحسین ضیاء اصفهانی شاعر معاصر میرزا علینقی در مرثیه او شعری سروده و در آن مادّه تاریخ وفات را چنین گفته است:

از پی تاریخ او کلک «ضیا» زد رقم: «رفت بسوی جنان هادی راه یقین»

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۳.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۹۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۵؛ مکارم الآثار، ج۵، صص ۱۵۵۵ و ۱۵۵۶؛ گلزار فضیلت، صص ۱۰۶-۱۱۰.

این نسخه ها به دست میرزا علینقی زنجانی کتابت شده است:

۱. «شوارق الالهام» تألیف: ملّا عبدالرّزاق فیاض لاهیجی که در ۱۲۱۸ق کتابت نموده و به شماره ۵۲۷ط در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۱) ۲ و ۳. «مشرق الشّمسین» تألیف: شیخ بهائی و «تمهید القواعد» تألیف: شهید ثانی که در ۱۲۳۹ق کتابت نموده و بر آن حاشیه نوشته که محقّقانه و عالمانه است. این دو نسخه در کتابخانه عالم عالیقدر سیّد حسن صدر کاظمی موجود بوده است. ۴. «ذریعه الضّراعه» که در کتابخانه میرزا علی اکبر عراقی در نجف موجود است.(۲) ۵. «حاشیه بر شرح شمسیه» از میر سیّد شریف جرجانی که در ۹ ربیع الاوّل ۱۲۰۱ق کتابت نموده و در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف موجود است.(۳)]

حاج سیّد علینقی ثقه الشّریعه

حاج سیّد علینقی ثقه الشّریعه فرزند سیّد محسن میر محمّد صادقی بن آقا سیّد محمّدباقر بن میر سیّد علی حسینی، عالم فاضل [از علمای اصفهان در قرن چهاردهم هجری.]

در غرّه صفر ۱۲۹۱ق در اصفهان متولّد [شده] و به درس آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آقا میر محمّدتقی مدرس و آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی حاضر شد. سپس در مسجد محلّه نو به امامت و نشر احکام پرداخته و هم در این شهر در سال ۱۳۷۶ق وفات یافت.(۴)

۱- فهرست مختصر مجلس، ص۵۲۳.

۲- الکرام البرره: مخطوط.

۳- گلزار فضیلت، ص۱۰۸.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۵.

علینقی امامی

علینقی بن محمّـدمحسن بن محمّدرضا امامی [از خطاطان و کتیبه نگاران بزرگ عهد صفویه] که در بیشتر مساجد اصفهان از نوشته های او آثاری موجود است و از سال ۱۱۱۲ق (مسجد جامع) شروع و به ۱۱۲۲ق (مسجد علیقلی آقا) ختم می شود.(۱)

[در ثلثِ شیوه جدّش محمّـدرضا (ثلث شیوه ایرانی) از اساتید مسلّم و کتیبه نگاران چیره دست تاریخ هنر ایران به شمار می رود. علاوه بر ثلث نویسی، خط نستعلیق را نیز خوش می نوشته و کتیبه های نستعلیق او در مساجد اصفهان موجود است.(۲)]

حاج سیّد علینقی فیض الاسلام*

حاج سیّد علینقی فیض الاسلام فرزند آقا سیّد محمّـد دیباجی سدهی اصفهانی، از علمای عالیقدر معاصر در سال ۱۳۲۲ق (مطابق با ۱۲۸۴ق) در «فروشان» از توابع سِـدِه ماربین (خمینی شهر کنونی) متولّـد شد و علوم مقدماتی را نزد مادرش حیات سلطان (دختر آقا ملاّ محمّـدصادق بن ملاّ آقابابا سدهی) که زنی عالمه و فاضله و زاهده بود فرا گرفت. همچنین نزد برادرش آقا سیّد غیاث الدّین درس خواند. سپس به اصفهان رفت و چندی به تحصیل مشغول بود. آنگاه راهی عتبات عالیات شد و نزد حضرات آیات: آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدّین عراقی، حاج شیخ محمّدکاظم شیرازی، حاج شیخ عباس قمی و حاج شیخ علی اکبر نهاوندی در فقه و اصول کسب فیض کرد. همچنین فلسفه و عرفان را از شیخ علی اکبر نهاوندی فرا گرفت.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۳.

۲- خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۶۷ و ۶۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، صص ۴۹۰ و ۴۹۱ و ج۴، ص۱۱۲۴؛ اطلس خط، ص۳۵۱؛ تاریخ خط و خطاطان، ص۱۱۰؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۴۷۷.

او پس از سال ها تحصیل، با دریافت اجازات نقل حدیث و اجتهاد از اساتید خود به ایران بازگشت و در تهران ساکن شد و در طول ۴۰ سال اقامت در این شهر به ترجمه و تفسیر قرآن، نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه پرداخت که به چاپ رسید. ترجمه او از این سه کتاب و خصوصا «نهج البلاغه» مورد استقبال زیاد قرار گرفت و چندین بار تجدید چاپ شد.

او عالمی ساده زیست، متواضع و عاشق خاندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بود و سرانجام در اردیبهشت ۱۳۶۴ش وفات یافته و در قبرستان بهشت زهرای تهران مدفون شد.

از آثار دیگر او می توان به «خاتون دو سرا» در شرح حال حضرت زینب (سلام اللّه علیها) و «الافاضات الغرویّه فی اصول الفقهیّه» اشاره کرد.(۱)

علینقی قهپایه ای*

علینقی بن شمس الدّین محمّد قهپایه ای اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. او در ۲۷ شعبان ۱۰۸۵ق نسخه ای از کتاب «الکافیه فی النّحو» را به خط نسخ کتابت کرده و به شماره ۸۷۴۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۲)

میرزا علینقی مشیرلشکر نائینی*

میرزا علینقی ملقّب به «مشیرلشکر» فرزند میرزا محمّدفروغ نائینی اصفهانی، ادیب فاضل و منشی دانشمند، در قرن سیزدهم هجری.

او در خاندان علم و فضیلت که اغلب اهل ادب و دانش و عالمان دین بوده اند زاده شد و تربیت یافت. در نائین و اصفهان و تهران علم و ادب آموخت. اعتماد السّلطنه در

۱- ماهنامه کیهان فرهنگی: شماره ۲۳۶، خرداد ۱۳۸۵ش، صص ۶۳-۶۵؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، ص۴۸۲.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۶۳۹.

«المآثر و الآثار» او را در ذیل اصحاب علم و کمال آورده و نوشته است:

«در فروع و اصول و غالب فنون منقول، از اساتید و فحول است. سطوح فقهیه لا سیّما روضه بهیّه را به اقتداری تدریس می کند که متفقّهی محتشم بلکه مجتهدی مُسلَّم»

مشیرلشکر در دستگاه نایب السلطنه کامران میرزا که عهده دار وزارت جنگ بود به عنوان لشکرنویس و با لقب «مشیرلشکر» به نویسندگی و منشیگری مشغول بوده است.

سال وفات او به دست نیامد.

از آثار او رساله «مآثر الصّدریه» است که نسخه ای از آن نزد آقای جلال بقائی نائینی موجود بوده است و محقّق یگانه استاد ایرج افشار این رساله را تصحیح و در کتاب دفتر تاریخ به چاپ رسانده است.(۱)

علینقی ابهری*

علینقی بن محمّدمؤمن بن حاج محمّد بن حاج میرزا علی ابهری جی اصفهانی، از کاتبان اواخر قرن یازدهم هجری است. خط نسخ را خوش می نوشته و همچون پدرانش به کتابت مشغول بوده است. او ظاهرا در اوایل قرن دوازدهم هجری نسخه ای از جلد دهم کتاب «تفسیر الائمه» تألیف: میرزا محمّدرضا نصیری طوسی واقعه نویس را کتابت کرده که در کتابخانه علاّمه محقّق حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۲)

شیخ علینقی کمره ای

شیخ عزالدّین علینقی بن ابوالعلا محمّدهاشم طغائی کمره ای شیرازی اصفهانی [از علمای عالیقدر قرن سیزدهم هجری] عالم فاضل، فقیه زاهد جلیل القدر، جامع معقول

۱- دفتر تاریخ، ج ۱، صص ۵۵ و ۵۶؛ چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، ج ۲، ص ۲۶۳.

۲- فهرست کتب خطی اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۵.

و منقول. در شیراز خدمت سیّد ماجد بحرانی و در اصفهان نزد شیخ بهائی و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده و در شیراز منصب قضاوت [داشت.] و در اصفهان پس از عزل میرزا قاضی از شیخ الاسلامی، به دستور جناب خلیفه سلطان، شیخ الاسلام گردیده و تا سال فوت یعنی سال ۱۰۶۰ق در این منصب بوده است.

مرحوم شیخ علینقی در اصفهان وفات یافته و در زمین تخت فولاد مدفون گردیده و قبر او را در حدود تکیه آقا رضی شیرازی جنب تکیه آقا میرزا محمّدباقر چهارسوقی می نویسند. [امّا] آثار قبر ظاهر نیست.(۱)

[مؤلّف فقید و اغلب شرح حال نویسان، شرح حال شیخ علینقی کمره ای (شاعر عصر شاه عباس صفوی) با شیخ علینقی طغائی کمره ای (شیخ الاسلام اصفهان) را در هم آمیخته و آن دو نفر را یک نفر دانسته اند که چنین نیست.

آنچه هم که در مورد محل دفن شیخ علینقی طغائی کمره ای نوشته شده، صحیح نیست. زیرا کمره ای در شیراز وفات یافته و ظاهرا همانجا به خاک رفته است.]

کتب زیر از اوست:

[۱. «اثبات الواجب» موجود در کتابخانه میرزا محمّدتقی مدرس رضوی در تهران(۲)] ۲. «الادعیه و الاحراز» [که آن را در سال ۱۰۴۸ق در هنگام جنگ سپاهیان سلطان مراد چهارم عثمانی با شاه صفی در بغداد تألیف نموده است.(۳) ۳. «التّحفه الفاخره» که پس از تألیف آن را به شاه صفی اهداء کرده است.] ۴. «الجامع الصفوی» [کتابی مفصّل در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۰؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۳۶ و ۳۷؛ امل الآمل، ج۲، ص۲۰۸؛ ریاض العلماء، ج۴، صص ۲۷۱-۲۷۶؛ روضات الجنّات، ج۴، صص ۳۶۶-۳۷۴؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۳۴؛ معجم المؤلّفین، ج۷، ص۲۵۵؛ الروضه النضره، صص ۴۱۹ و ۴۷۱؛ الاعلام، ج۵، ص۱۸۲؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۸۶؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۴۶۱.

۲- الروضه النضره، ص۴۱۹.

۳- الذریعه، ج۱، ص۳۹۲.

امامت است و در آن به اثبات حقانیّت شیعه امامیه پرداخته و جواب های مفصّل به اعتراضات شیخ نوح حنفی (از علمای سنّی سرزمین عثمانی) داده است. نسخه هایی از این کتاب در کتابخانه های آستان قدس رضوی(۱) ، ملک تهران(۲) ، مرکز احیاء میراث اسلامی در قم(۳) و شیخ علی کاشف الغطاء در نجف اشرف(۴) موجود است.] ۵. «حدوث العالم» [که صاحب ریاض العلماء نوشته است، کمره ای ابتدا کتابی موسوم به «مقاصد العالیه» نوشته و در مقصد نهم به حدوث عالم پرداخته و پس از آن مطالب عمده آن را در رساله مستقلی فراهم آورده و مطالبی بدان افزوده است.(۵) ۶. «الرّد علی القول بقدم العالم» ۷. «رساله در استقلال باکره رشیده در نکاح» که در کتابخانه میرزا محمّدتقی مدرس رضوی در تهران موجود بوده است. ۸. «رساله در تحریم نماز در مکان غصبی»، که آن را در سال ۱۰۴۲ق تألیف نموده و نزد میرزا محمّدتقی مدرس رضوی در تهران وجود داشته است.(۶)] ۹. «رساله در حرمت کشیدن توتون» [کتابی مفصّل و استدلالی است که مؤلف برای اثبات نظر خود ۱۴ دلیل اقامه نموده است.(۷)] کتاب در سال ۱۰۴۸ق در شیراز نوشته شده است. ۱۰. «رساله در حرمت اقامه نماز جمعه در عصر غیبت» ۱۱. «مسار الشیعه» [که مؤلّف با تکیه بر ۱۲ حدیث از کتب معتبر و شرح مفصّل آنها به اثبات حقانیّت شیعه به عنوان فرقه ناجیه پرداخته و کتاب را در یک افتتاح و ۱۲ فصل و خاتمه مرتّب کرده است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار(۸) و نسخه ای دیگر در کتابخانه ملّی ملک در تهران وجود دارد.(۹)] ۱۲. «المقاصد العالیه فی

۱- فهرست الفبائی رضوی، ص ۱۶۰.

۲- فهرست ملک، ج ۱، ص ۱۹۵.

۳- فهرست خطی احیاء، ج ۷، صص ۲۰۱ و ۳۳۷.

۴- الذریعه، ج ۵، ص ۶۲.

۵- الذریعه، ج ۶، ص ۲۹۴.

۶- الروضه النضره، ص ۴۱۹.

۷- الذریعه، ج ۱۱، ص ۱۷۴.

۸- الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۷۶.

۹- فهرست ملک، ج ۴، ص ۷۴۷.

الحکمه الیمانیه» [که در چندین مقصد مرتّب شده است.(۱)] ۱۳. «مناسک حج» [که در حواشی کتاب «عوالی اللئالی» مطالبی از آن نقل شده است.(۲)] ۱۴. «الولایه و القضاء» [که در سال ۱۰۴۲ق برای میرزا حبیب اللّه صدر تألیف کرده است. نسخه ای از آن نزد شیخ حسن کمره ای موجود بوده است.(۳)] ۱۵. «همم الثّواقب» [درباره حقوق متقابل مردم و حکومت مشتمل بر ۱۲ فصل که در سال ۱۰۴۳ق به نام شاه صفی تألیف کرده است.(۴) نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار و نسخه عکسی آن در مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۵)]

ملّا علینقی خوئی*

مولی علینقی خوئی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و نزد علّامه مجلسی رساله «صیغ العقود و النکاح» را قرائت نموده و علّامه جهت او اجازه نوشته و او را با القاب «المولی الفاضل الصالح الزّکی الرّضی» ستوده است. این رساله جزو مجموعه ای در کتابخانه عالم جلیل القدر شیخ علی فاضل قائینی در قم موجود است.(۶)

میرزا علینقی طبیب اصفهانی

میرزا علینقی اصفهانی، از اطباء اواخر قرن دوازدهم هجری (عهد زندیه) بوده(۷) و خاندان وثوقی اصفهان از احفاد او هستند.

۱- الذریعه، ج۲۱، ص۳۸۱.

۲- الذریعه، ج۲۲، ص۲۶۹.

۳- الذریعه، ج۲۵، ص۱۴۵.

۴- الذریعه، ج۲۵، ص۲۴۳.

۵- فهرست عکسی احیاء، ج۳، ص۲۲۷.

۶- تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۴۶؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۴۱۴.

۷- رستم التّواریخ، ص۴۰۴.

علینقی قزوینی

علینقی قزوینی [از فضلاء ساکن اصفهان در قرن سیزدهم هجری] در ۲ شوال المکرّم ۱۲۶۴ق یادداشت هایی در «بیاض» آقا سیّد شفیع جزائری نوشته است. نسخه در کتابخانه آقای سیّد مصطفی حسینی موجود [بوده] است.

سیّد محمّدعلی ابرقوئی

سیّد محمّدعلی ابرقوئی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان سکونت داشته و به تحصیل علوم دینی مشغول بوده است.] حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی در ماه شوال ۱۲۵۷ق اجازه مختصری جهت مشارٌ الیه مرقوم فرموده و به اجتهادش از روی امتحان و اختبار گواهی فرموده است.(۱)

محمّدعلی اسلامی*

محمّدعلی اسلامی، از شعراء معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۰ش در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسّطه، در رشته ادبیات به تحصیل ادامه داد و به اخذ درجه لیسانس نائل شد. سپس به استخدام آموزش و پرورش درآمد و به تدریس در دبیرستان ها و مراکز آموزش عالی مشغول شد. کتاب «دستور زبان فارسی» از تألیفات اوست. گاهی شعر می سراید.

از اوست:

۱- بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۵۶ و ۳۵۷؛ الکرام البرره، ج۲، ص۸۲۰؛ فهرست عکسی مرکز احیاء، ج۱، ص۷۵؛ الذریعه، ج۱، ص۱۵۷.

روزی آخر می زنم آتش بر این هستی خویش تا که ماند از وجود من به جا خاکستری

باد هم روزی بَرَد همراه خود خاکسترم تا درآید عاقبت جایی به شکل دیگری(۱)

حاج محمّدعلی اصفهانی*

حاج محمّدعلی اصفهانی، گویا از اهالی «مهاباد» اردستان بوده و از شاعران قرن یازدهم هجری است. با آنکه تحصیلاتی نداشت اما شعر می سرود و ذوق تصوف داشت و به پیروی از مثنوی و غزلیات مولوی اشعاری گفته بود. او سفری به هندوستان رفت و پس از مراجعت به ایران در مشهد مقدس وفات یافت. این شعر از اوست:

دل که فرو شد به عشق یار نمیرد ماهی دریای بی کنار نمیرد

ترک تعلّق چو شد ز مرگ چه بیم است هیچ کسی در جهان دو بار نمیرد(۲)

ملاّ محمّدعلی اصفهانی

حاج ملاّ محمّدعلی اصفهانی، عالم فاضل، متوفی ۱۰ جمادی الاولی سال ۱۳۱۰ق، مدفون در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد.(۳)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در ماه رمضان ۱۲۷۳ق کتابت

۱- بهشت آیین، صص ۸۵-۸۸؛ یادنامه ادب، صص ۲۲۰ و ۲۲۱؛ آئین فرزانگی، ج۱، ص۱۳۲؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۵۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۹۹ و ۲۰۰؛ سفینه خوشگو، دفتر دوم، ص۶۵۶.

۳- تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، ص۱۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۱.

نسخه ای از «الفوائد الغرویه» تألیف حاج شیخ محمّد طهرانی (اصفهانی) را در مشهد مقدس به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۱۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] نسخه ای از «حاشیه بر شرح تجرید» آقا جمال خوانساری را در تاریخ ۲۸ ربیع الثّانی ۱۱۹۹ق در اصفهان نوشته که ضمن مجموعه شماره ۶۲۲۴۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۲)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] در ۲۵ صفر ۱۱۵۱ق نسخه ای از «استبصار» را به خط نسخ نوشته و با نسخه علاّمه مجلسی مقابله نموده و حواشی آنها را نقل کرده است. کتاب به شماره ۶۴۷۳۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در ۲۶ ذی الحجه ۱۲۹۱ق نسخه ای از کتاب «باقیات الصّالحات» تألیف: احمد بن حسن یزدی مشهدی را به خط نسخ نوشته و نسخه به شماره ۳۲۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)

۱- فهرست مجلس، ج۷، صص ۲۰۶ و ۲۷۹.

۲- فهرست مجلس، ج۱۶، ص ۲۶۰.

۳- فهرست مجلس، ج۱۶، ص۳۳۴.

۴- فهرست مرعشی، ج۱، ص ۳۶۱.

ملّا محمّدعلی اصفهانی

ملّا محمّدعلی اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] شاگرد علاّمه مجلسی. در آخر نسخه کتاب «کافی» به شماره ۲۶۰۷ کتابخانه آیت اللّه مرعشی، أنهائی از علاّمه مجلسی جهت صاحب عنوان است و تاریخ آن اواسط جمادی الثانی ۱۰۷۰ق می باشد.(۱)

میرزا محمّدعلی اصفهانی

میرزا محمّدعلی اصفهانی، از خطاطین معروف [در قرن سیزدهم هجری] بوده و حاج محمّدکریم خان کرمانی در خدمت او مشق می کرده است.

میرزا محمّدعلی اصفهانی*

میرزا محمّدعلی اصفهانی، شاعر و ادیب و صوفی در قرن دوازدهم هجری. در اوایل حکومت احمدخان دنبلی به خوی آمد و در سال ۱۱۸۱ق در آنجا وفات یافت. او قطعه ای در وصف حمام احمدخان ساخته بوده که دور خزینه حمام ثبت کرده بوده اند.(۲)

استاد محمّدعلی اصفهانی*

استاد محمّدعلی اصفهانی، از منبّت کاران هنرمند قرن دوازدهم هجری است. او در سال ۱۱۳۳ق یک جفت در نفیس را جهت مسجد جامع نوش آباد کاشان ساخته است.

۱- فهرست مرعشی، ج۷، ص۱۸۹؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۵۱.

۲- تاریخ خوی، ص۲۰۳.

و به طرزی هنرمندانه، طرح ها و اشکال هندسی زیبائی را گره کشی نموده است.(۱)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی، خطاط و خوشنویس خط نسخ [در قرن یازدهم هجری] از آثارش: کتابت «مهج الدّعوات» سیّد بن طاوس، مورّخ به ربیع الثّانی ۱۰۴۲ق در کتابخانه وزیری یزد به شماره ۱۴۰۳۶ موجود است.(۲)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی [خوشنویس خط نسخ در اواخر دوره قاجاریه] در سال ۱۳۱۰ق از کتابت نسخه ای از «قرآن مجید» فراغت یافته و این نسخه به وسیله میرزا رضاخان نائینی وقف بر آستانه مبارکه رضویه شده است.(۳)

میرزا محمّدعلی افسر اصفهانی

میرزا محمّدعلی بیگ اصفهانی متلخص به «افسر» از شعرای قرن دوازدهم هجری است. از غلام زادگان دربار صفویه بوده و در جوانی به هند رفته است.(۴) [در هند مقارن حکومت عالمگیر پادشاه، ترقی نموده و به «معزّز خان» ملقّب شده و در بنگاله وفات یافت.(۵)]

۱- نوش آباد در آینه تاریخ، آثار تاریخی و فرهنگ، ص۴۸.

۲- فهرست وزیری، ج۱، ص۶۹.

۳- راهنمای گنجینه قرآن، ص۳۶۰.

۴- تذکره المعاصرین حزین، ص۲۱۸؛ تذکره غنی، ص۲۶.

۵- لغت نامه دهخدا: ذیل «افسر»، ص۳۱۰۷؛ الذریعه، ج۹، ص۸۳؛ تذکره روز روشن، ص۲۶؛ کاروان هند، ج۱، ص۸۰؛ صحف ابراهیم، ص۴۴.

از اوست:

چنان دلسرد از اهل جهانم که چشم گرمی از آتش ندارم

حاج محمّدعلی امامی*

حاج محمّدعلی امامی بیستجانی، از علمای معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۵ش. در روستای «بیستجان» اصفهان متولّد شد و برای تحصیل به اصفهان آمد و نزد علمای بزرگوار شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، حاج سیّد عباس صفی دهکردی، حاج ملّا رمضانعلی املائی و شیخ حیدرعلی صلواتی به کسب علم پرداخت. پس از آن به تهران رفته و در دانشکده الهیات دانشگاه تهران تحصیل نمود. آنگاه به اصفهان مراجعت کرده و در دبیرستان های این شهر تدریس کرد.

او در سال های اخیر مدیریت مدرسه صدر خواجو و دفتر ثبت ازدواج و طلاق را برعهده داشته و در مسجد بقیه اللّه در محلّه خواجو اقامه جماعت نموده است.(۱)

محمّدعلی بختیاری

محمّدعلی بختیاری [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۴۲ق نسخه ای از «الواقی» در شرح وافی تونی، تألیف: سیّد محسن کاظمینی را به خط نسخ نوشته و نسخه شماره ۲۳۹ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۲)

محمّدعلی بقائی پور*

محمّدعلی بقائی پور، از شعرای معاصر اصفهان است. در سال ۱۳۲۳ش متولّد شده و

۱- زندگینامه خانوادگی آیت اللّه حاج آسید محمّدکاظم نوربخش، ص۴۴.

۲- فهرست مجلس، ج۷، ص۳۹۳.

مجموعه ای از اشعارش در سال ۱۳۸۰ش به نام «شمع سوزان» به چاپ رسیده است. این شعر از اوست:

شب تاریک ما را نور ماهی تو خدا را رحم کن بنما نگاهی تو

به لبخند ملیحی جان و دل بردی دل و جان برده ای دیگر چه خواهی تو

محمّدعلی بلیغ اصفهانی*

محمّدعلی توکلی متخلّص به «بلیغ» از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۷ش متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه به تهران رفت و در آنجا به عکاسی پرداخت. او پس از بازگشت به اصفهان به حرفه خود ادامه داد. در ۷۰ سالگی لب به سرودن شعر باز نموده و زندگی خود را وقف شعر نمود. او اگرچه در زمینه شعر از محضر هیچ استادی استفاده نکرده امّا ذوق و استعدادی فطری در سرودن شعر دارد.

این شعر از اوست:

اشک را گفتم بگو، در چشم من جایت کجاست گفت جای من درون چشمه لطف خداست

اشک را دردانه پندارند مردان خدا چون به پای دوست جز دردانه افشاندن خطاست(۱)

محمّدعلی بیگ نقاش باشی*

محمّدعلی بیگ نقاش باشی بن ابدال بیگ بن علیقگی بیگ جبادار (آرناوت) ، نقاش و شاعر ادیب قرن دوازدهم هجری. پدر و جدّش ساکن اصفهان و از نقاشان معروف

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۸۸۳.

دوره صفویه بوده اند. خود او در دربار طهماسب دوم و نادرشاه به نقاشی مشغول بود. در نقاشی از سبک فرنگی سازی پیروی می کرده و تحت تأثیر نقاشی هندی قرار داشته است. در شعر نیز طبعی روان داشت. در اواخر عمر به ضعف بینائی گرفتار شده و در مازندران ساکن شد و در سال ۱۱۷۶ق وفات یافت.

از آثار او: ۱. تابلو نقاشی: مرد جوان قوش به دست (سال ۱۱۶۴ق) ۲. تصویر: مهدی خان استرآبادی (منشی نادرشاه) ۳. تصاویر نسخه خطی جهانگشای نادری، که در مجموعه آقای عبدالعلی ادیب برومند وجود دارد.

این بیت از اشعار اوست:

غمی کز مژه خون گشاید مرا گر او را خوش آید، خوش آید مرا(۱)

میرزا محمّدعلی دانش خوراسکانی

میرزا محمّدعلی دانش خوراسکانی فرزند حاج محمّدابراهیم، شاعر و روزنامه نگار معاصر. پدرش از خان زادگان و مشاهیر خوراسکان است. در سال ۱۲۸۰ش در قریه خوراسکان در یک فرسنگی شهر اصفهان از بلوک جی متولّد گردیده و در مدارس قدیمه اصفهان تحصیل کرد. مدّتی درک محضر استاد سخن گلشن ایرانپور را نموده و از خدمت او استفاده علمی و ادبی برده و زمانی مدیر داخلی روزنامه «اختر مسعود» بوده از سال ۱۳۰۹ش روزنامه «دانش» را با سبک ادبی مخلوط با فکاهی به طور غیر مرتّب منتشر نمود.

او به قدرت حفظ و حاضرجوابی و خوش محضری در اصفهان معروف بود. از

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۳۳۱؛ تذکره روز روشن، ص۵۶۴؛ دائره المعارف هنر، ص۵۲۲؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، صص ۷۵۰ و ۷۵۱.

شعرای متوسط اصفهان به شمار می رفته و اشعارش در روزنامه دانش به طبع می رسید.(۱)

[دانش در شهرداری اصفهان به خدمت مشغول بود. وی سرانجام در روز پنجم بهمن ۱۳۵۹ش بدرود حیات گفته و در تکیه شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)]

از اوست:

گل ندارد قیمت ار بی خار باشد در جهان زین جهت اندر جهان هرگز گل بی خار نیست

آقا محمّدعلی بهار اصفهانی

آقا محمّدعلی مُذَّهِب اصفهانی متخلّص به «بهار» و «فرهنگ» فرزند ابوطالب اصفهانی، [از شعراء و هنرمندان قرن سیزدهم هجری] به اجماع معاصرین در صنعت تذهیب و صناعت شعر سیّما غزل مقام استادی داشت. «رساله یخچالیه» از اختراعات فکر بکر اوست و آن تذکره شعرایی است انتقادی که به طبع رسیده است. وفاتش در سال ۱۲۷۵ق روی داد. [تذکره مدایح معتمدیه نیز از تألیفات اوست که هنوز به طبع نرسیده و نسخه ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران و نسخه دیگر آن در کتابخنه جعفر سلطان القرائی در تبریز موجود است. مؤلّف با نثری منشیانه و مصنوع شرح حال و اشعار شاعران مدح کننده منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان را آورده است.

مذّهب مردی نیک نقش و پاک طبع و خوش صحبت بوده است. او در اواخر عمر به دعوت دفتر آستان قدس رضوی به مشهد مقدّس رفت و عهده دار نگارش و تذهیب

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۹۱-۱۹۳.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

فرمان های آستان قدس گردید و پس از دو سال در سال ۱۲۷۵ق وفات یافت.

این شعر از اوست:

غیر سرو قدّ او کآورده زلف مشکبار سرو را هرگز ندیدستم که آرد مُشک بار(۱)]

شیخ محمّدعلی حزین لاهیجی

شیخ محمّدعلی حزین لاهیجی اصفهانی فرزند شیخ ابوطالب زاهدی بن ملاّ عبداللّه بن علی بن عطاءاللّه لاهیجی گیلانی، شاعر ادیب و عالم فاضل از مشاهیر سخنوران قرن دوازدهم هجری و از اعقاب شیخ زاهد گیلانی.

به سال ۱۱۰۳ق در اصفهان متولّد شد و با اشتیاقی تمام در اصفهان به تحصیل معارف پرداخت و شب و روز دمی نیاسود و با پشتکار زیاده از حد و استعداد فراوان او و حافظه بی مانندش، موجب شد که او از جمیع دانش های آن زمان بهره مند گردد و در حکمت و عرفان و شعر و ادب و معارف اسلامی سرآمد اقران گردد. [اساتید او عبارتند از: شیخ ابراهیم زاهدی گیلانی، شیخ خلیل اللّه طالقانی، شیخ بهاءالدّین گیلانی، آقا هادی مازندرانی (مترجم) ، میرزا کمال الدّین محمّد فسائی، حاج محمّدطاهر اصفهانی، شیخ عنایت اللّه گیلانی، میر سیّد حسن طالقانی، میرزا محمّدطاهر قائنی، ملاّ محمّدباقر صوفی، ملاّ لطف اللّه شیرازی، ملاّ محمّدصادق اردستانی، قوام الدّین محمّد سیفی قزوینی، محمّدمسیح فسائی، ملاّ شاه محمّد شیرازی.

۱- تذکره مدایح معتمدیه: خطی؛ تذکره مآثر الباقریه، صص ۱۶۸ و ۳۴۷-۳۴۹؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، ص ۸۴۰؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۲۶۲ و ۲۶۳؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۱۰۲ و ۲۱۰۳؛ الذریعه، ج۲۰، ص۲۰۳؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۳۹؛ هنر قلمدان، ص۱۱۱؛ آگهی شهان از کار جهان، ج۳، ص۶۶؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۱، ص۲۸۸؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر) ، ص۱۵۷.

حزین سپس به شیراز، بیضاء، اردکان، فسا، کازرون، شولستان، جهرم، داراب، لار، بندرعباس و بحرین سفر کرد و به اصفهان مراجعت نمود. پس از محاصره اصفهان به دست افغان ها از این شهر به خوانسار و خرم آباد رفته و پس از حمله عثمانی ها به خرم آباد و همدان، به خوزستان رفته و به عزم زیارت بیت اللّه الحرام راهی مکه شد امّا موفق نشده و به یمن رفت و پس از بازگشت در شهرهای غربی ایران به سفر پرداخته و به عتبات عالیات رفت و از آنجا به شمال ایران رفته و به مشهد مقدّس مشرّف شد. آنگاه به اصفهان و شیراز آمده و عزم سفر حج نموده و به این هدف نائل شد. او پس از بازگشت به ایران و سفر به لار و بندرعباس و کرمان، عاقبت در سال ۱۱۴۶ق راهی هند شد و به شهرهای مختلف سفر کرد و در بنارس ساکن شد. تا این که در شب ۱۱ جمادی الاولی] سال ۱۱۸۰ق در آنجا وفات یافت و همانجا مدفون شد.

او متجاوز از یکصد جلد کتاب تألیف کرده که از آن جمله است:

۱. «تذکره المعاصرین»، مطبوع۲. «تاریخ (و سفرنامه) حزین»، مطبوع۳. «دیوان حزین»، مطبوع۴. «شرح نهج البلاغه»۵. «التّخلیه و التّحلیه»۶. «مذاکرات فی المحاضرات»۷. «هدایه الامم فی الحدوث و القدم»۸. «ترجمه دعای مشلول»۹. «ترجمه رساله علم» تألیف پدرش (ابوطالب) ۱۰. «شرح قصیده لامیه» ۱۱. «وجوب الغسل من المرفق فی الوضوء» ۱۲. «وجوب النّص علی الإمام به فارسی ۱۳. «تفسیر اسماء الحسنی» ۱۴. «حاشیه بر الهیات شفا» ۱۵. «رساله در تحقیق معاد روحانی» و غیره(۱)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۶۵ و ۱۶۶؛ تذکره المعاصرین، (مقدمه) ، صص ۴۲-۸۳؛ تاریخ و سفرنامه حزین، (مقدمه) ، صص ۹-۴۵؛ الذریعه: مجلّدات مختلف؛ خزانه عامره، ص۱۹۳؛ تذکره حسینی، ص۱۰۶؛ تذکره سرو آزاد، ص۲۲۵؛ تذکره سفینه المحمود، ص۶۲۴؛ تذکره هفت آسمان، ج۱، صص ۱۶۲-۱۶۴؛ تذکره غنی، ص۴۲؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۵۳۰؛ تذکره آتشکده، (نیمه دوم) ، ص۴۸۸؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «حزین لاهیجی»، صص ۵۱۶ و ۵۱۷؛ تاریخ ادبیات فارسی (اِتِه) ، ص۱۹۶؛ اصفهان (کتاب جوانان) ، صص ۲۱۹ و ۲۲۰؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۲۱۰؛ دویست سخنور، صص ۷۶-۷۸؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۲، ص۶۳۲؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۴۱؛ تذکره شمع انجمن، صص ۲۰۱-۲۰۳؛ مجمع النّفایس، صص ۷۳-۷۵؛ منتخب اللطایف، صص ۲۴۲-۲۴۴؛ تذکره ریاض الشّعراء، ج۱، صص ۶۳۲-۶۳۵.

حزین علاوه بر نظم، در نثر نیز توانا بوده و قصیده و غزل و رباعی را نیکو می گفته است. این دو بیت از اوست:

نالیدن بلبل ز نوآموزی عشق است هرگز نشنیدم ز پروانه صدائی

* * *

از صحبت صوفی منشان سوخت دماغم ای باده پرستان ره میخانه کدامست

سیّد محمّدعلی مصطفوی*

سیّد محمّدعلی مصطفوی فرزند سیّد ابوالقاسم، واعظ سدهی عالم فاضل و واعظ خبیر، از علمای معاصر.

وی سال ها در مدرسه جده بزرگ نزد علمای بزرگی چون: میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی و آقا سیّد محمّدمدرس نجف آبادی کسب فیض نمود و مورد علاقه و امید استادش مجتهد نجف آبادی قرار داشت. مع الاسف به علت گرفتاری ها و مشکلات درس را رها کرده و به کسب و تجارت مشغول شد. با این حال به وعظ و خطابه مشغول بود و در روضه خوانی و مرثیه خوانی کمال اخلاص و صفا را داشت. وی سرانجام در شب ۲۲ صفر ۱۴۰۳ق وفات یافته و در گلزار مصطفویه سِدِه (خمینی شهر فعلی) مدفون

گردید.(۱)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن احمد اصـفهانی [از کاتبان قرن سـیزدهم هجری.] در تاریخ ۱۲۸۷ق کتاب «زاد المعاد» علاّمه مجلسـی را به خط نسخ خوب نوشته و کتاب به شماره ۶۴۶۱ در کتابخانه آستان رضوی موجود است.(۲)

ملاّ محمّدعلی استرآبادی

مولی کمـال الـدّین محمّـدعلی بن احمـد بن کمـال الـدّین حسـین استرآبادی، عالم فاضل محقّق، عابـد صالـح متّقی، داماد ملاّ محمّدتقی مجلسی.

در سال ۱۰۱۰ق متولّد شده و در اصـفهان نزد جمعی از فحول علماء از جمله ملاّ محمّدتقی مجلسـی، میر محمّدقاسم طباطبائی قهپـایه ای [و ملاّـ عنـایت اللّه قهپایه ای] تلمّـذ نموده است. عـدّه ای از بزرگان نیز در خـدمت او کسب فیض نموده و یا به اخذ اجـازه روایت مفتخر شـده انـد که از آن جمله است: مولی محمّـد بن عبـدالفتاح تنکـابنی (معروف به «فاضـل سـراب») و حاج محمّـد بن علی اردبیلی مؤلّف «جـامع الرواه» که در این کتـاب از اسـتادش بـا این القـاب یاد می کنـد: «شـیخنا و اسـتادنا الإمام العلاّمه المحقّق النحریر جلیل القـدر و رفیع المنزله عظیم الشّأن ذکیّ الخاطر حدید الذّهن ثقه ثبت عین وحید عصـره فرید دهره اورع اهل زمانه و اتقاهم و اعبدهم...»

او از جمله علمائی است که وقفنامه مدرسه نوریه اصـفهان را در تاریخ ۲۵ جمادی الاوّل سال ۱۰۵۹ق گواهی و امضاء فرموده است سجع مهر او «محمّد نبی اللّه و علی ولی اللّه» است.

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۹۳ و ۱۹۴؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

۲- فهرست رضوی، ج۶، ص۲۴۵.

استرآبـادی در شب جمعه اوّل مـاه رجب ۱۰۹۴ق در اصـفهان وفـات یـافته و در بقعه علاّمه مجلسـی [جنب مسـجد جامع عتیق اصفهان] مدفون شده است.

اولاد و اعقابش عموما اهل علم و کمال بوده و در اصفهان سکونت داشته اند. این آثار از تألیفات اوست:

۱. «حواشی بر کتب حدیث» ۲. «مشترکات» در رجال و غیره.(۱)

ملّا محمّدعلی بیدگلی کاشانی

ملاّـ محمّـدعلی بن احمـد بیـدگلی کاشـانی [از علماء و کاتبان فاضل قرن سـیزدهم هجری است. از کاشان به جرقویه مهاجرت کرده و در قریه «پیکان» اقامت نموده و علاوه بر حلّ و فصل مشکلات شرعی مردم به کتابت مشغول بوده است. او] در روز سه شنبه ۱۰ ربیع الاوّل ۱۲۳۵ق از کتابت نسخه «مناظرات» عباس مولوی که به دست چپ آن را نوشته فراغت یافته است. نسخه به شماره ۲۴۸۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

ملّا محمّدعلی عقدائی

ملّا محمّـدعلی بن احمـد عقـدائی یزدی اصـفهانی [عالم فاضل، ادیب شاعر و خطاط هنرمنـد قرن سـیزدهم هجری در اصـفهان ساکن و سال ها به تدریس مشغول بوده است.

۱- رجال اصـفهان یا تذکره القبور، صص ۱۲۸ و ۱۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۷؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص ۳۴۱-۳۴۳؛ مزارات اصفهان، ص۳۸؛ مرآه الاـحوال جهان نما، ج۱، صص ۱۰۸ و ۲۷۲؛ فیض قدسی، صص ۲۲۵ و ۲۶۳؛ الروضه النّضـره، صـص ۳۷۱ و ۳۷۲؛ الذریعه، ج۲۱، ص۴۰؛ وقـایع السـنین و الاعوام، ص۵۳۲؛ مصـفی المقال، ص۳۰۸؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۳۲۲-۳۲۴.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۱۲۵۵.

[کتاب های «اجاره» و «بیع فضولی» از تألیفات آقا محمّـدعلی کرمانشاهی را به خط نسخ جهت حاج شیخ محمّـد طهرانی در نجف نوشته است. نسخه به شماره ۱۲۲۸ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

او در ۶ ربیع الاوّل ۱۲۷۷ق نسخه ای از «الاستیعاب فی معرفه الاصحاب» را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۱۳۵۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

[همچنین] در جمادی الثّانی ۱۲۸۲ق کتابت نسخه ای از «لؤلؤ البحرین» را به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۳۸۵۲ در کتابخانه ملّی ملک طهران موجود است.(۳)

[شاگرد دانشمند او میرزا محمّـدجعفر طرب نائینی در باب او نوشته است: «کفیل مهم تعلیم مقدّمات علوم، علاّمه نحریر ملاّ محمّـدعلی عقدائی است که اطراف علوم صرف و نحو و منطق و معانی و بیان و تفسیر را مستطرف است و درین فنون دستی بالاتر از دست وی نیست».(۴) عقدائی شعر نیز می سروده و «خطائی» تخلّص می کرده است.

از اوست:

از آن دنبال دل دارم فغانی که شاید جویم از دلبر نشانی(۵)]

سیّد محمّدعلی فصیح الواعظین

آقا سیّد محمّـدعلی فصیح الواعظین مارنانی [فرزند آقا سیّد احمد واعظ]، از واعظان و منبریان اصفهان [در قرن چهاردهم هجری] از فضلاء اهل منبر و ذاکرین مصائب که علاوه بر جامعیّت در فضل و ادب و شعر دارای آوازی دلنواز بود. تقریبا چهل و پنج

۱- فهرست الهیات مشهد، ج ۲، ص ۳۶۶.
۲- فهرست مرعشی، ج ۴، ص ۱۲۸.
۳- فهرست ملک، ص ۶۲۵.
۴- جامع جعفری، ص ۱۳۳.
۵- مجمع الفصحاء، ج ۴، ص ۲۴۱؛ هفته نامه ندای یزد، شماره ۴۶۹، مورّخ ۲ مرداد ۱۳۷۴، ص ۸.

سال عمر کرد [و در زمان حیات پدرش در چهارم ربیع الاوّل ۱۳۵۵ق مطابق با ششم خرداد ۱۳۱۵ش وفات یافته] در تکیه مرحوم حاج میرزا ابوالحسن درکوشکی (بروجردی) در یکی از اطاق های غربی مدفون گردید که در سال های اخیر شهرداری آنجا را خراب کرد. او این دو بیت را به خط خود در جُنگ دانشمند محترم آقای حاج آقا حسین عمادزاده نوشته است:

یارب بر من نیامد آن مه دیشب فریاد زدم چو کودک مهدی شب

تا سر نزده از افق آن ماه منیر هر روز بود ز غیب آن مهدی شب(۱)

محمّدعلی صاعد اصفهانی

[استاد] محمّدعلی صاعدی متخلّص به «صاعد» فرزند اسداللّه، [از شعرای معاصر اصفهان.] در سال ۱۳۰۴ش در اصفهان متولّد گردیده، مدّتی در مدارس جدید و پس از آن، ضمن اشتغال به کسب، اندکی تحصیل علوم قدیمه کرده و اکنون روزگار به رنگ زنی اتومبیل می گذراند. دارای طبعی روان می باشد. از اعضای انجمن ادبی کمال است.(۲)

[مطابق یادداشتی از پدر ایشان که بر یکی از اوراق کتاب «اختیارات» مجلسی نوشته است. نسب و تاریخ دقیق تولّد او چنین است: محمّدعلی بن میرزا اسداللّه بن آمحمّدعلی صرّاف بن حاج علی محمّداعدادی (قهفرخی) بن آمحمّدحسین بن آفتحعلی بن آخداداد (ساکن قهفرخ) در روز ۸ جمادی الثانی ۱۳۴۶ق.

وی تحصیلات خود را در مدرسه نوریه از مدارس جدید و تحت تربیت عالم ربّانی سیّد نوراللّه قاضی عسکر آغاز کرد. از سن ۱۳ سالگی برای کمک به خانواده، به

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۶۷؛ مزارات اصفهان، ص ۳۴۰؛ بوستان فضیلت، صص ۳۱۶ و ۳۱۷.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۹۹.

شغل نقاشی اتومبیل روی آورد و چندی بعد در کنار شغل خود به تحصیلات حوزوی پرداخت. صرف و نحو را نزد شیخ محمّدتقی نجفی شهرضایی (در مدرسه میرزا مهدی) آموخت. سیوطی و مقداری از مغنی را نزد شیخ محمدحسین فرزانه (در مدرسه چهارباغ) فرا گرفت و باقی مغنی و مطول را از آقا علاءالدین مدرس بهره گرفت. همچنین مدتی از درس فلسفه مرحوم شیخ عباسعلی ادیب و تفسیر مرحومین طیّب و شیخ حیدرعلی صلواتی کامیاب گردید.

او از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته و با تشویق مرحوم صغیر اصفهانی و شیدا به انجمن های ادبی اصفهان راه یافت. ابتدا در انجمن پیشه وران (معروف به انجمن عشیق) و سپس انجمن خاکیا و انجمن کمال شرکت کرد. در سال ۱۳۴۵ش وی به همراه عدّه ای از شاعران اصفهان انجمن ادبی صائب را در محلّ آرامگاه صائب تأسیس کردند که ریاست آن برعهده مرحوم بی ریای گیلانی (شیدا) بود و پس از مهاجرت شیدا به تهران، از سال ۱۳۵۴ش ریاست انجمن تاکنون برعهده استاد صاعد بوده است.

او از دوران جوانی به فعالیت های مذهبی و اجتماعی پرداخته و برای جلوگیری از مفاسد و انحرافات عهد پهلوی مبارزاتی داشته که مورد تعقیب مأموران حکومت وقت قرار گرفته است و پس از پیروزی انقلاب اسلامی داوری برخی از مسابقات شعر و جشنواره ها را برعهده داشته است.

وی غیر از فعالیت های ادبی و راهنمایی شاعران جوان در انجمن، مقالات متعددی در مجلّه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، فصلنامه فرهنگ اصفهان و نشریات دیگر نوشته و کتاب هایی تألیف کرده که به چاپ رسیده اند که عبارتند از:

۱. «اصفهان در شعر فارسی»۲. «تجلی در منی» (گزیده غزل، قصیده، مثنوی، قطعه) ۳. «خط سبر، یادگار سرخ» (برگزیده اشعار جمعی از شاعران در زمینه دفاع مقدّس و سرداران شهید) ۴. «در آستان غزل»۵. «سرود روح القدس»۶. «گزیده اشعار صائب

تبریزی»(۱)

این شعر از اوست:

به زرق و برق جهان هرکسی نظر بسته است تلألؤ صدفش چشم از گهر بسته است

گشاده جبهه آن کس به هر دو عالم باد که بهر خدمت نوع بشر کمر بسته است

گره گشای تو گردد گره گشائی ها که کار مردم عالم به یکدگر بسته است

نگاه لطف ز دلخستگان دریغ مدار که گاه رشته جانی به یک نظر بسته است

گشوده است به لطف حق به ما «صاعد» چه غم که بر روی ما هر در دگر بسته است]

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن محمّداسماعیل اصفهانی [خوشنویس خط نستعلیق در قرن سیزدهم هجری] در ربیع الثّانی ۱۲۳۲ق کتابت نسخه ای از «لیلی و مجنون» مکتبی شیرازی را به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۴۹۲۶ در کتابخانه آستان مقدس رضوی موجود است.(۲)

[همچنین] در جمعه ۲۵ ربیع الثّانی ۱۲۲۴ق کتابت نسخه ای از برهان قاطع را به خط

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با استاد صاعد در روز ۱۷ مردادماه ۱۳۸۹ش؛ تجلی در منی: مقدمه؛ بزم ادب، ص ۳۳۰؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص ۴۸۰.
۲- فهرست رضوی، ج۷، بخش دوم، ص۷۰۳.

نستعلیق به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۴۵۶۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۱)

محمّدعلی اصفهانی*

حاج محمّـدعلی بن محمّداسـماعیل حمصـی اصـفهانی، از فضـلاء قرن سـیزدهم هجری است. او نسـخه ای از «توضـیح المقال» تـألیف: محمّـد استرآبادی را در روز ۲۶ ربیع الاـوّل ۱۲۲۱ق به خـط نسـخ کتابت کرده و به شـماره ۸۵۴۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۲)

حاج میرزا محمّدعلی علاقه بند

حاج میرزا محمّدعلی علاقه بند [فرزند ملّا اسـماعیل بن علی بن جعفر بن حسن اصفهانی] از محترمین اهل منبر اصفهان بوده و پدرانش همگی اهل علم و منبر اصـفهان بوده و در این شهر می زیسته اند. [در سال ۱۳۰۰ق (مطابق با سال ۱۲۶۱ش) در محلّه پاقلعه اصـفهان متولّد شده و از جوانی به واسـطه استـعداد و قریحه سـرشار به وعظ خطابه روی آورد. مقدمات و سـطوح را نزد علمای اصفهان آموخته و در درس خارج عالم جلیل القدر آقا سیّد محمّد مدرس نجف آبدی حاضر و به اجتهاد نائل شد.]

او سـال هـا به وعـظ و ارشاد و هـدایت مردمان پرداخته و در سال ۱۳۲۵ق وفات یافت [و بیرون تکیه آقا سـیّد محمّـد ترک در تخت فولاد مدفون شد. پس از تعریض خیابان فیض، فرزندش شـیخ محمّدرضا حسام الواعظین جسد پدر را مجدّدا کفن کرده و در یکی

۱- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۳۹.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۲۱۳.

از اطاق های تکیه سیّد العراقین دفن کرد.(۱)]

میرزا محمّدعلی قائنی

میرزا محمّدعلی بن سیّد محمّداسماعیل حسینی قائنی حکیم، ریاضیدان، ادیب و خوشنویس دانشمند قرن سیزدهم هجری.

[در ۱۵ ربیع الاوّل ۱۲۲۴ق متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از حکماء و علمای اصفهان خصوصا ملّا علی محمّد محلّه نوئی به تحصیل پرداخته و در علوم زمان خود خصوصا حکمت و ریاضیات تبحّر یافت و به استادی رسید. چندی در اصفهان به تدریس مشغول بود] و عاقبت به تهران رفته و در آنجا به تدریس و تحقیق و تألیف ادامه داد و شاگردان زبده ای همچون عبدالعلی میرزا قاجار متخلّص به «عبدی» و ملقّب به «معتمدالدّوله»، سلطان اویس میرزا قاجار، حاج ملّا شکراللّه لواسانی و میرزا عبداللّه طبری را تربیت کرد.

او علاوه بر تبحّر در علوم عقلی و نقلی، در ادبیات نیز صاحب اطلاع و سلیقه ای پاکیزه بود و خطوط نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت. و سرانجام در سال ۱۳۰۵ق در تهران وفات یافته و در مزار امامزاده یحیی مدفون شد.(۲)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تحقیق جیب و ظل» که نسخه ای از آن در کتابخانه اهدایی آقای مشکاه به

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۳۱؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، ص۲۸۲؛ شرح مجموعه گل، صص ۲۴۵-۲۴۷.

۲- (چهل سال تاریخ ایران) یا المآثر و الآثار، ج۱، ص۲۷۰؛ کارنامه خاندان قائنی (بشارت) ، صص ۱۱-۳۳؛ مقالات ادبی استاد همایی، ص۴۳۹؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۳۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۶؛ تاریخ علوم اسلامی، صص ۱۴۸ و ۱۴۹؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۷۷۶ و ۷۷۷.

دانشگاه تهران موجود است.(۱) [۲. «تحقیق در اقسام زمان حقیقی در تقاویم و فرق بین مین تا یم (زمان وسطی) و سن تایم (زمان شخصی و حقیقی) » ۳. «تقریرات درس میرزا محمّدعلی قائنی» که شاگردش میرزا عبداللّه طبری آن را گردآوری کرده و در مجموعه شماره ۱۲۰۸۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود.(۲) ۴. «تنقیح و تصحیح رساله کیفیه تسطیح الکره» ۵. «حاشیه بر تحریر رساله کره و اسطوانه» تألیف: خواجه نصیرالدّین طوسی ۶. «حاشیه بر تنقیح المناظر» تألیف: ابوعلی فارسی] ۷. «رساله در ساعت و وقت شناسی» که در سال ۱۳۰۰ق تألیف شده و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در طهران موجود است.(۳) [۸. «رساله در برهان اینکه ابصار با خروج شعاع از چشم نیست» ۹. «سؤالات یا مسائل هندسه» ۱۰. «سؤال و جواب» (در پاسخ به شاگردش طبری)] ۱۱. «رساله در صنعت اسطرلاب» که در سال ۱۲۹۹ق در طهران تألیف کرده و به شماره ۴۹۱۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۴) ۱۲. «شفق و فلق» که آن را «صبح و شفق» و «فجر و فلق» نیز نوشته اند. نسخه ای از آن به خط شاگردش میرزا عبداللّه طبری، به شماره ۱۲۰۸۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۵) ۱۳. «مشارق الاضواء» در علم هیئت، به عربی، که در شنبه غرّه رجب ۱۲۵۷ق تألیف شده و نسخه ای از آن ضمن مجموعه ۲۷۳۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی(۶) [و نسخه ای دیگر در کتابخانه علاّمه طباطبایی دانشگاه علوم پزشکی شیراز] موجود است.(۷) [۱۴. «نهایه الایضاح» در شرح باب مساحت (مقاله چهارم) از کتاب «مفتاح الحساب» غیاث الدّین جمشید کاشانی، که

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۴، ص۸۵۲.

۲- فهرست الفبایی رضوی، ص ۱۴۰.

۳- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۱۳۷.

۴- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۱۳۷.

۵- فهرست الفبایی رضوی، ص۴۲۵.

۶- فهرست مجلس، ج۹، ص۷۶.

۷- نسخه پژوهی، ج۳، ص۱۳۲.

نسخه ای از آن به خط مؤلف که در دهه آخر شعبان ۱۲۷۴ق در اصفهان تحریر شده، در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار طهران(۱) و نسخه ای دیگر به شماره ۱۵۳۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۲)

وی نسخه های متعددی از کتب و رساله های ریاضی، فلسفی و منطقی را کتابت کرده که در کتابخانه های مجلس و آستان قدس نگهداری می شوند. وی همچنین نسخه ای از «مثنوی معنوی» را به خط نستعلیق عالی در سال ۱۲۶۶ق کتابت کرده که در کتابخانه سلطنتی سابق وجود دارد.(۳)

محمّدعلی معرفت

محمّدعلی شجره طوبی متخلّص به «معرفت» فرزند مشهدی اسماعیل، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۲۹۵ش در اصفهان متولّد شده و اندکی تحصیل کرد. پس از آن در مغازه سلمانی نزد پدر به کار مشغول شد. از اعضای انجمن ادبی کمال و از نزدیکان و خواص آقا سیّد جعفر خاکشیر به شمار می رفت و اغلب اشعار او را از حفظ بود. «معرفت» شاعری خوش قریحه و باذوق است. گاهی اشعار فکاهی می سراید و نیکو از عهده برمی آید.(۴) [در انجمن ادبی سعدی و انجمن ادبی صائب نیز شرکت نموده و اشعارش در مطبوعات اصفهان و مجله توفیق در تهران به چاپ رسیده است. در زمینه نثر نیز تجربیاتی دارد.(۵) این ابیات از اوست:

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱، ص ۷۹۴.

۲- کارنامه خاندان قائنی (بشارت) ، ص ۱۲.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱، ص ۷۹۵.

۴- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۴۵۶.

۵- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آقای معرفت در دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ش.

دشمنان در کار ما از رشک بلوا می کنند بی سبب نبود که ما در ماجرا افتاده ایم

آبروی ما مگو رفته است بر باد فنا کسب کردیم آبرو در عشق تا افتاده ایم]

حاج ملاّ محمّدعلی نوری

آخوند حاج ملاّ محمّدعلی بن محمّداسماعیل نوری مازندرانی، عالم فاضل، حکیم عارف و فقیه [ماهر، از علمای قرن سیزدهم هجری.]

در قصبه نور مازندران متولّد شده و در اصفهان تحصیل علوم فقه و اصول و حکمت نموده، جهت تصفیه نفس به هندوستان مسافرت نموده و ریاضت کشید و پس از مراجعت در اصفهان ساکن شده و عزلت و انزوا اختیار نموده و کم تر با مردم معاشرت و مراوده می نموده است. [نزد آقا سیّد محمّدمجاهد تحصیل کرد و به امر استاد کتاب «نخبه الاصول» را نوشت. حکمت را نزد ملاّ علی نوری آموخته و در عرفان، از شاگردان و مریدان محمّدحسین (حسین علی شاه) اصفهانی بوده است. سال ها در اصفهان به تدریس فقه و حکمت (از جمله شرح لمعه و کتب حکمت مشّاء) مشغول بود و جمعی از فضلاء در جلسات درس او حاضر می شده اند. که از آن جمله است: میرزا سلیمان تنکابنی و میرزا محمّدصادق خاتون آبادی.]

در ۲۲ ذیقعده الحرام ۱۲۵۳ق وفات یافته و در صحن تکیه بابارکن الدّین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

کتب زیر از اوست:

۱. «حواشی بر شرح لمعه»۲. «حواشی بر مثنوی»(۱) [۳. «حواشی بر شوارق»

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۹۳ و ۳۹۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۳؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۶۰؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، صص ۵۹ و ۶۰، قصص العلماء، صص ۷۳ و ۱۳۸.

۴. «حاشیه بر مطول»۵. «نخبه الاصول» به عربی در یک مقدمه و چند مبحث و خاتمه که مؤلف در پنج شنبه ۳ ذیقعده الحرام ۱۲۲۰ق از تألیف آن فراغت یافته است. نسخه ای از این کتاب به شماره ۲۸۷۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است که در روز ۳ شعبان ۱۲۳۷ق کتابت شده است. نسخه دیگری از این کتاب به شماره ۴۲۸۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد که تاریخ کتابت و نام کاتب معلوم نیست. همچنین نسخه ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۷۷۴۹ موجود است که کاتب و تاریخ کتابت آن ذکر نشده است. نسخه دیگری هم در مجموعه شماره ۱۳۱۶۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد.(۱)]

ملّا محمّدعلی قهدریجانی

ملّا محمّدعلی به محمّدامین قدریجانی لنجانی از فضلاء و شعرای دوره قاجاریه.

وی مؤلف: ۱. «بحار الغموم» در مصائب (در ۳ جلد) ۲. «مفاتیح الجنان» در تاریخ و مناقب ائمه علیهم السلام است و این دو نسخه به خط مؤلف در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

شیخ محمّدعلی نجف آبادی

شیخ محمّدعلی نجف آبادی فرزند شیخ محمّدامین، [عالم فاضل، از علمای قرن سیزدهم هجری] در نجف اشرف در خدمت آیات عظام شیخ مرتضی انصاری [و سپس آخوند ملّا محمّدکاظم خراسانی] به تحصیل پرداخت [و از جمله خواصّ شاگردان

۱- الذریعه، ج۲۴، ص۹۳؛ الکرام البرره: خطی؛ فهرست مرعشی، ج۸، ص۷۹ و ج۱۱، ص۲۸۵؛ فهرست مجلس، ج۲۶، صص ۲۳۷ و ۲۳۸؛ فهرست الفبائی رضوی، ص ۵۸۰.

۲- فهرست گلپایگانی، (صدرائی) ، ج۸، ص۴۴۵۵.

آخوند بود و در جلسات درس آخوند که در مسجد طوسی نجف برای شاگردان زبده اش برقرار کرده بود شرکت می کرد. وی با خواهر سیّد عبداللّه بُکاء (از علماء ساکن کوفه و وکیل عالم جلیل میرزا حسن خلیلی) ازدواج کرده و حاصل این پیوند فرزندی به نام میرزا حسین قاری است که از علماء و فقهاء متّقی ساکن نجف بود.]

شیخ محمّدعلی در حدود سال ۱۲۹۸ق وفات یافت.(۱)

محمّدعلی اصفهانی*

محمّدعلی بن محمّدباقر اصفهانی، از خوشنویسان و کاتبان قرن سیزدهم هجری است. خط نسخ را خوش می نوشت. او «کتاب دعا» را به خط نسخ نیکو در سال ۱۲۴۹ق کتابت نموده که در کتابخانه خورشید گردیزی در «مُلتان» پاکستان موجود است.(۲)

حاج شیخ محمّدعلی نجفی اصفهانی (ثقه الاسلام)

حاج شیخ محمّدعلی نجفی مسجدشاهی معروف به «ثقه الاسلام» فرزند حاج شیخ محمّدباقر نجفی بن شیخ محمّدتقی رازی (صاحب هدایه المسترشدین) عالم فاضل زاهد و فقیه مجتهد اصولی از مشاهیر علماء و فقهاء و مدرسین اصفهان [در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری.] مادرش دختر سیّد صدرالدّین عاملی بوده و بدین جهت از طرف پدر و مادر هر دو، نواده شیخ جعفر کبیر است.

در ربیع الاوّل ۱۲۷۱ق در اصفهان متولّد شده و مقدّمات علوم و قسمتی از سطح و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۴؛ دیباچه دیار نون، ص۲۴۷.

۲- فهرست خورشید گردیزی، ص۲۳.

خارج را نزد پدر دانشمند خود و جمعی دیگر از بزرگان فراگرفت و در سال ۱۲۸۸ق رهسپار نجف اشرف گردیده و در آن ارض اقدس نزد [حضرات آیات] حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی کاشف الغطاء به کسب علوم و معارف پرداخته و سپس به سامراء رفته و نزد [مرجع عالیقدر شیعه] میرزا محمّدحسن شیرازی به تکمیل تحصیلات خود مشغول شد. او پس از وصول به مقام اجتهاد به اصفهان مراجعت نموده و در مسجدشاه و مدرسه عربان به تدریس مشغول شد.

میرزا حسن خان جابری در «تاریخ اصفهان و ری» درباره او گوید: اَعقَل و اَکمَل آقایان مسجد شاه بوده و به کارهای خوب اقدام نمود. یکی دادن سالی هزار تومان به دولت عوض مالیات قهوه خانه های اصفهان و بستن آن انجمن مفاسد و کارخانه اتلاف مال و جان و حال و وقت و شرافت و آسایش مردم را. دوم: جلوگیری از خیالات سطحی برادرش آقای حاج شیخ نوراللّه»! مرحوم جابری منظور از خیالات سطحی را بیان نمی کند.

مرحوم ثقه الاسلام همراه دو برادر دیگر خود آقانجفی و حاج آقا نوراللّه در مبارزه با سلطه بیگانگان و مقابله با منحرفین از اسلام و طرفداران فرقه ضالّه غیور و کوشا بوده است.

او سرانجام در شب سه شنبه ۴ شعبان المعظّم سال ۱۳۱۸ق در اصفهان وفات یافته و جنازه به نجف اشرف حمل و در یکی از اطاق های حرم مطهر [حضرت علی علیه السلام] جنب برادر خود شیخ محمّدحسین نجفی مدفون گردید. مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در تاریخ وفات او گوید: «ثقه الاسلام آوی بالجنان»

و ملاّ عبدالجواد خطیب ضمن مرثیه ای گوید:

تاریخ این مصیبت جانسوز گفت آه اسلام را پدید شده ثلمه عجب

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «رساله در اصول دین و اخلاق» مطبوع در سال ۱۲۹۷ق ۲. «حواشی بر ارشاد الاذهان» مطبوع در سال ۱۳۹۰ش به همراه ترجمه ارشاد الاذهان پسرش حاج شیخ مهدی۳. «حواشی بر مجمع المسائل» مطبوع در سال ۱۳۲۳ق۴. «حواشی بر سراج العوام و مشکوه الظلام» تألیف: میرزا احمد بن محمّدعلی واعظ اصفهانی، مطبوع۵. «رساله در کیفیت نماز شب و استخاره نماز جناب جعفر طیّار» مطبوع در سال ۱۳۱۱ق۶. «رساله در معاصی کبیره» به فارسی، مطبوع۷. «رساله در مناسک حج» به فارسی، مطبوع۸. «رساله در ولایات» به عربی، مطبوع(۱)

میرزا محمّدعلی خان گلستانه

میرزا محمّدعلی خان گلستانه فرزند محمّدباقر بن حسین بن سیّد علاءالدّین محمّد گلستانه، فاضل ادیب، در اواخر قرن سیزدهم هجری. در اصفهان محترم و معزّز می زیسته و منصب استیفا داشته و در سال ۱۲۹۰ق مسجد صفا واقع در محلّه شهشهان را بنا نموده و اثر خیری از خود به یادگار نهاد. کتیبه مسجد به خط محمّدتقی بن محمّدابراهیم خطاط اصفهانی [آقا محمّدتقی صحّاف] است. مادّه تاریخ بنای این مسجد را شاعر و خوشنویس ادیب میرزا علیرضا لنجانی متخلّص به «پرتو» سروده است:

بنا شد چو این مسجد باصفا بعون خداوند رکن و حطیم

ز «پرتو» بتاریخ آن شد سؤال بگفتا: «لساعیه فوزٌ عظیم»(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۲۷-۴۲۹؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۱۰۹-۱۳۲؛ ترجمه ارشاد الأذهان: مقدمه، به قلم فرزندش آیه اللّه حاج شیخ مهدی نجفی؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۱۹۷۳-۱۹۷۶؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۳۴۸؛ الذریعه، ج۱۱، صص ۴ و ۸۷؛ ج۱۷، ص۲۵۹؛ ج۱۸، ص۳۰۵ و ج۲۵، ص۱۴۲؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۱، ص۲۲۸.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۰۸.

میرزا محمّدعلی زنجانی

حاج میرزا محمّدعلی بن آقا میرزا محمّدباقر بن حاج میرزا علینقی بن میرزا محمّدعلی بن امیرمحسن موسوی زنجانی اصفهانی، عـالم فاضـل [از علمای نیمه نخست قرن سـیزدهم هجری. در اصـفهان متولّـد شـده و در این شـهر تحصـیل کرد. او برادر میرزا ابوالقاسم زنجانی است.] این دو برادر قضایای بابی کشـی اصفهان در سال ۱۳۲۱ق را راه انداختند و برحسب نقل برخی، میرزا محمّدعلی در قضایای بابی کشی یزد نیز مؤثّر بوده است.

وی در ۱۹ محرم سال ۱۳۴۷ق وفـات یـافته و جنب برادرش حـاج میرزا ابوالقاسم در تکیه زنجانی واقع در تخت فولاد مـدفون شد.(۱)

سیّد محمّدعلی عریضی

حاج سیّد محمّدعلی عریضی فرزند حاج سیّد محمّدباقر بن سیّد محمّد بن سیّد رحیم حسینی عریضی، عالم فاضل، ادیب فاضل [از دانشمندان قرائت و تجوید در قرن چهاردهم هجری.]

در حدود سال ۱۳۰۲ق متولّـد گردیـده و سال ها در تحصـیل علوم از فقه و اصول و خصوصا ادبیّات عرب زحمت کشـید و به مرحوم حاج سـیّد علی زنجیره فروش اختصاص یافته، از اساتید فنّ قرائت و تجوید در اصفهان به شمار می رفت و پس از فوت اسـتاد خود در مسـجد تلّ عاشـقان حوزه قرائت دایر نموده و مدّت ها نگارنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی] از محضرش مستفید می شد.

نسب ایشان از طرف مادر به سیّد اسماعیل طبیب می رسد که در عهد صفویّه از مشهد

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۹۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۰.

به اصـفهان منتقل شد و اولادش در این شـهر ساکن بوده اند. جدّ مادری او حاج سـیّد محمّد حکیم باشی، از اطبای معروف به حذاقت و مهارت بود.

مرحوم عریضی را تألیفاتی است، از آن جمله است:

۱. «حواشی بر قرآن مجید»، در تفسیر و لغت و تجوید ۲. «حواشی بر شاطبیه» در تجوید۳. «کتابی در تجوید» و غیره.

صاحب عنوان در غروب روز شـنبه ۲۶ ربیع الثّانی سال ۱۳۷۳ق وفات یافته و در تکیه ملک مـدفون گردید. مادّه تاریخ وفاتش را مرحوم سیّد علی بدیع زاده گوید:

دو مصرع هلالیّ و شمسی رقم زد پی رحلتش «هور» سخندان:

«ز سیّد محمّدعلی عریضی نبی مانده تنها علی جسته مهمان»(۱)

۱۳۳۲ ۱۳۷۳

حاج سیّد محمّدعلی بیدآبادی

حاج سـیّد محمّدعلی بن حاج سـیّد محمّدباقر حجه الاسـلام شـفتی بیدآبادی بن نقی شـفتی گیلانی، عالم فاضل محقّق و عابد متّقی [از علمای عالیقدر اصـفهان در قرن سـیزدهم هجری] از ائمه جماعات در مسـجد سیّد بوده و قبرش جنب قبر پدر در بقعه مسجد سیّد است.(۲)

[او در سال ۱۲۲۷ق در اصـفهان متولّد شده و در اصـفهان به تحصـیل پرداخت. سپس به عتبات عالیات مُشَرَّف شده و از درس شیخ محمّدحسن (صاحب جواهر) و سایر علمای اعلام بهره گرفت. آنگاه به اصـفهان مراجعت نموده، به حل مشکلات مردم و تألیف و تحقیق مشغول بود تا اینکه در آخر ماه شعبان ۱۲۸۲ق (مطابق نوشته فرزند

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۳.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۷۹.

دانشمندش سیّد محمّدمهدی در کتاب «غرقاب») وفات یافت.(۱)]

در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم مجموعه ای به شماره ۱۹۹۵ وجود دارد و شامل چهار رساله از تألیفات حاج سیّد محمّدعلی است بدین شرح: ۱. «اتلاف العبد مال المولی و جنایته علیه» ۲. «الصلاه فی مکان المغصوب» که در ۱۲۶۳ق در نجف نوشته شده است. ۳. «شرح شرایع الاسلام» که در سال ۱۲۶۳ق در نجف نوشته شده است. ۴. «شرح لمعه» (تقریرات درس صاحب جواهر) در ضمن این مجموعه صورت اجازه مرحوم آقا شیخ محمّدحسن صاحب جواهر الکلام جهت مرحوم حاج سیّد محمّدعلی نقل گردیده است.(۲)

[«جامع الغرر فی شرح الشرایع» در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است. جلد اوّل آن به خط مؤلف نزد حفید او آقای سیّد محمّدتقی شفتی موجود است.(۳)]

ملاّ محمّدعلی خوانساری

آخوند ملاّ محمّدعلی بن میرزا محمّدباقر خوانساری، از علماء و فضلاء [قرن چهاردهم هجری] در ۱۴ ربیع الاوّل ۱۳۵۰ق وفات یافته و جنب استاد خود جهانگیرخان قشقائی مدفون گردید.(۴) [او از طلاّب ساکن مدرسه صدر و از خواص اصحاب و خدمتگزاران جهانگیرخان بود تا حدّی که او را به خاطر ملازمت با جهانگیرخان، «ملاّ محمّدعلی خان» می گفته اند، بعد از وفات جهانگیرخان، در حجره او

۱- مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۴۸۷-۲۴۹۰.

۲- فهرست مرعشی، ج۵، ص۳۶۶؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۵۹ و ۱۶۰.

۳- غرقاب، مقدّمه، صص ۱۳-۱۵.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۲۷۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۵.

ساکن شد و پس از وفات خود او، حجره به آقا سیّد محمّدرضا خراسانی رسید. او اواخر عمر را به فقر و تنگدستی گذراند.(۱)
[

میرزا محمّدعلی عالم نائینی

میرزا محمّـدعلی عالم نائینی [متخلّص به «محیط»] فرزنـد محمّـدباقر [از علمای عالیقـدر اواخر دوره قاجاریّه، عالم فاضل، ادیب شاعر خوشنویس ماهر و عابد صالح، در سال ۱۲۷۸ق در نائین متولّد شد و پس از تحصـیل مقدمات به اصفهان و نجف اشرف سفر کرد و در سامرا نزد میرزا حسن شـیرازی (میرزای بزرگ) تحصیلات خود را تکمیل نموده و به اجتهاد نائل شده و به نائین بازگشت.]

او از قائدین مشـروطیّت و جنگ شـیخیّه و متشـرّعه نائین بود. در حفظ آیتی عجیب به شـمار می رفت. شـعر عربی و فارسـی را خـوب می گفت [و خطـوط شکسـته و نسـتعلیق را خـوش می نوشت.] او در سـال ۱۳۳۳ق در اصـفهان وفـات یافته و جنب قبر جهانگیرخان قشقائی [در تخت فولاد] مدفون شد. [تاریخ وفات او را در این بیت به نظم آورده اند:

در هزار و سیصد و سی و سه بود که اجل شمعی ز بزم دین ربود]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «هلال یک شبه» در رفع شبهات شیخیّه۲. «صراط المستقیم» در ردّ بر شیخیّه و بهائیه۳. «دیوان اشعار»

[این شعر از اوست:

دلبرا بی رخ تو آه و فغان کار من است زعفرانی ز غمت عارض گلنار من است

۱- تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۲۷۹ و ۲۸۰.

هرکسی داشت به سر سِرّی از اسرار تو لیک سِرّ سِرها همه یک نکته ز اسرار من است(۱)]

محمّدعلی کاتب اصفهانی

محمّدعلی بن محمّدباقر کاتب اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در پنج شنبه ۱۷ شوال ۱۲۰۷ق «زیج خاقانی» در تکمیل شرح ایلخانی کتاب را نوشته است. میکروفیلم کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

همچنین در سال ۱۲۱۷ق «مختصر زیج الغ بیگ» را نوشته است. نسخه به شماره ۴۹ در کتابخانه ملّی فرهنگ موجود است.(۳)

محمّدعلی محمّدآبادی جرقویه ای*

محمّدعلی بن محمّدباقر محمّدآبادی جرقویه ای اصفهانی، از خوشنویسان هنرمند قرن سیزدهم هجری است. وی قرآن مجید را در ۱۷ صفر ۱۲۳۱ق به خط نسخ جلی کتابت کرده و به شماره ۷۴ در کتابخانه امام صادق علیه السلام در قزوین موجود است.(۴)

همچنین او نسخه ای از کتاب «جلاء العیون» علاّمه مجلسی را در سال ۱۲۷۷ق در جرقویه به خط نسخ کتابت کرده که در کتابخانه فرهنگ رشت موجود است.(۵)

۱- تاریخ نائین، صص ۱۹۰ و ۱۹۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۷۲؛ تذکره سخنوران نائین، صص ۱۱۷ و ۱۱۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۵؛ نقباء البشر، ج۴، صص ۱۳۱۷ و ۱۳۴۹؛ میرزای شیرازی، ص۱۷۷؛ گنجینه دانشمندان، ج۷، ص۲۲؛ نائین بلده طیّبه، صص ۱۱۵-۱۱۷.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ص۱۱۵.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ص ۶۰.

۴- فهرست امام صادق علیه السلام قزوین، ج۱، ص۱۹۷.

۵- فهرست کتابخانه های رشت و همدان، ص۱۰۸۵.

آقا محمّدعلی هزارجریبی

آقـا محمّـدعلی هزارجریبی فرزنـد آقـا محمّـدباقر هزارجریبی مازنـدرانی، عالم فاضل، محقّق مـدقّق [معروف به «فقیه مطلق» از علمای قرن سیزدهم هجری.]

در روز ۱۲ رجب ۱۱۸۸ق در نجف اشـرف متولّـد شـده و نزد علمـای عالیقـدر در عتبات عالیات: آقا سیّد جواد عاملی، سیّد مهدی بحرالعلوم، آقا شـیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء) و احتمالاً پدر بزرگوار خویش به تحصـیل پرداخته و دختر اسـتاد خود شیـخ جعفر را به زوجیت اختیـار کرد و پس از وفات پـدر در سال ۱۲۰۵ق به ایران آمـده و چنـدی در ارومیه و تبریز بود و در آنجـا تـدریس می فرمود. پس از آن به قم رفته و نزد میرزا ابوالقـاسم قمی (صـاحب قوانین) و سـپس در کاشـان نزد ملّا احمد نراقی کسب فیض نمود. عاقبت به اصـفهان آمـده و پس از فوت زوجه اش داماد میرزا محمّـدباقر نواب لاهیجی شد. او سال ها در اصفهان تدریس و در مسجد ذوالفقار اقامه جماعت می نمود.

آقا محمّدعلی در اواخر عمر به استدعای اهالی قمشه [شهرضای کنونی] از اصفهان به قمشه رفته و پس از شیوع وبا در آن شهر به قریه «شاه سیّد علی اکبر» در نزدیکی قمشه مهاجرت نموده و در شب شنبه ۱۸ ربیع الثّانی ۱۲۴۵ق وفات یافته و در بقعه شاه سیّد علی اکبر مدفون شد.

دو فرزندش آقا محمّدحسن نجفی و شیـخ محمّدحسین نجفی از علماء و فقهای معروف اصفهان بوده اند. و چون پدر آنها آقا محمّدعلی در اواخر عمر نابینا و مبتلا به بیماری سل بود تألیفات او را شیخ محمّدحسن گردآوری و پاکنویس نمود.(۱)

[این کتاب های و رساله ها از تألیفات اوست:

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۶۳-۱۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۵۰۳ و ۵۰۴؛ بیان المفاخر، ج ۱، ص۲۲۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصـفهان، ج ۱، ص۱۱۳ و ج۳، صص ۲۴۴ و ۲۴۵؛ دانشمندان و رجال مازندران، صص ۱۸ و ۱۹؛ وحید بهبهانی، ص ۱۶۰.

۱. «اجازه» به تاریخ چهارشنبه ۱۱ شوال ۱۲۲۸ق(۱) ۲. «احکام المرتد» ۳. «انیس المشتغلین» در حکایات لطیف و ظریف و در اواخر رساله مطالب فقهی و کلامی ۴. «البحر الزّاخر» به عربی، در ابواب فقه استدلالی، که نسخه های متعددی از آن در کتابخانه های وزیری یزد، مجلس شورای اسلامی، آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲) ۵. «البدر الباهر» در تفسیر بعضی از آیات قرآن، که نسخه ای از آن در کتابخانه آل شیخ السلام زنجانی در زنجان موجود است.(۳) ۶. «تبصره المستبصرین» در اثبات امامت علی علیه السلام که نسخه ای از آن در کتابخانه شیخ مهدی بن شیخ محمّدتقی خراسانی کتبی موجود است.(۴) ۷. «تکمله القواعد الدّینیه» در شرح «قواعد» علاّمه که نسخه ای از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی و نسخه ای در کتابخانه شیخ الاسلام زنجانی در زنجان موجود است.(۵) ۸. «جوابات المسائل» ۹. «حاشیه بر طهاره» ۱۰. «حاشیه بر باب همزه کتاب مغنی» ۱۱. «حلاّل الغوامض المعضله» که حاشیه بر «قوانین» میرزا ابوالقاسم قمی است. ۱۲. «الخیارات» ۱۳. «رساله در صلاه» ۱۴. «رساله فی اجتماع الجُنُب و المیّت و المحدّث للاصغر علی ماء لا یکفی الاّ احدهم» که مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی آن را در کتابخانه صدرالاسلام خوئی دیده است.(۶) ۱۵. «رساله در امامت» ۱۶. «رساله در رجال» ۱۷. «رساله در نکاح عدّه ذِمّیّه» که نسخه ای از آن در کتابخانه علاّمه محقّق آیت اللّه سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۷) ۱۸. «رمز الرّموز» حاشیه بر نکاح کتاب

۱- الذریعه، ج ۱، صص ۱۳۹ و ۱۴۵.

۲- فهرست وزیری، ج ۲، ص ۴۷۶؛ فهرست مجلس، ج ۲۴، ص ۲۰۳؛ فهرست مرعشی، ج ۸، صص ۱۵۱ و ۱۵۲ و ج ۱۲، صص ۹۵ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ج ۲۲، صص ۲۰۳ و ۲۰۴ و ج ۲۹، ص ۴۵.

۳- الذریعه، ج ۳، ص ۶۷.

۴- الذریعه، ج ۳، ص ۳۲۳.

۵- فهرست الفبائی رضوی، ص ۱۴۵؛ الذریعه، ج ۴، ص ۴۱۵.

۶- الذریعه، ج ۱۱، ص ۳۰.

۷- فهرست کتب خطی اصفهان، ج ۱، ص ۴۱۳.

«شرایع» ۱۹. «سراج المنیر» در فوائد رجالیّه ۲۰. «شـرح احادیث مشکله» مرتب شده بر چندین صدیقه، موجود در کتابخانه شیخ محمّدامین صدرالاسلام خوئی(۱) ۲۱. «رساله فی ظنّ ضـیق الوقت» موجود در کتابخانه شـیخ محمّدامین صدرالاسـلام(۲) ۲۲. «قاطع النّزاع فی تحقیق مسائل الرضاع» که در یک مقـدمه، ۴ فصل و یک خاتمه در نجف اشـرف تألیف شده و نسخه هایی از آن در کتابخانه های مسـجد اعظم قم، مجلس شورای اسـلامی، آسـتان قـدس رضوی، آیت اللّه مرعشـی و ملک تهران موجود است.(۳) ۲۳. «کتاب القضاء» که تقریرات درس اسـتادش سیّد بحرالعلوم است. ۲۴. «کنز الکنوز» که تعلیقـات بر طهارت کتاب «مدارک» است. ۲۵. «الکواکب الباهر» در حواشی بر «قواعد» شهید ۲۶. «لآلی المتلألاه» در اصول فقه، به عربی، در یک مقدمه و ۱۳ فصل که نسـخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه مرعشـی در قم موجود است.(۴) ۲۷. «مجمع العرایس الوجیهه» که حاشیه ای اسـت بر «معـالم» در اصـول فقه، به عربی و آن را در ۱۲۲۴ق تألیف کرده و فرزنـدش محمّدحسـین آن را از مبیضه مسوّده نموده و در آخر نسـخه شـرح حال مؤلف و خانـدان او را نوشـته است. نسـخه هایی از این کتاب در کتابخانه مسـجد اعظم قم، آیت اللّه مرعشـی و کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۵) ۲۸. «محی الوفاه» در شـرح بعضی قصاید عربی ۲۹. «متفرعات مسائل کتاب الصلاه» ۳۰. «مخزن الاسرار الفقهیه» یا «تکمله الرّوضه» در حاشیه شرح لمعه، به عربی در ۳ جلد که نسخه هایی از آن در کتابخانه های وزیری یزد، آستان قدس رضوی، مرکزی دانشگاه اصفهان، آیت اللّه گلپایگانی قم، شیخ

۱- الذریعه، ج۱۳، صص ۶۵ و ۶۶.

۲- الذریعه، ج۱۵، ص۲۰۲.

۳- فهرست مسجد اعظم، ص۴۷۲؛ فهرست مختصر مجلس، ص۴۴۷؛ فهرست الفبائی رضوی، ص۴۳۸؛ فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۸ و ج۲۲، ص۱۱۹؛ الذریعه، ج۱۷، ص۸.

۴- فهرست مرعشی، ج۳۴، ص۷۳۶.

۵- فهرست مسجد اعظم، ص ۳۵۰؛ فهرست مرعشی، ج۶، ص۳۶۱ و ج۹، ص۴۴۲؛ الذریعه، ج ۲۰، ص۳۳.

محمّدعلی دیانی، مدرسه جعفریه قائن، آیت اللّه مرعشی قم وجود دارد.(۱) ۳۱. «مفتاح الکنوز» در تعلیقه بر شوارق و تجرید است که فرزندش شیخ محمّدحسین آن را مرتب کرده است و در آخر آن شرح حال مؤلف را آورده است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)]

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن محمّدتقی اصفهانی [از کاتبان دوازدهم هجری] در چهارشنبه ۲۱ جمادی الثّانی ۱۱۲۶ق کتاب «غناء الادیب فی فهم مغنی اللّبیب» تألیف: ملاّ محمّدمهدی بن علی اصغر قزوینی را به خط نسخ نوشته و ضمن مجموعه شماره ۷۶۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۳)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن محمّدتقی اصفهانی [خوشنویس خط نستعلیق در قرن دوازدهم هجری] در روز سه شنبه ۱۲ جمادی الثّانی سال ۱۱۷۵ق کتابت نسخه ای از «حرز الامان فی فتن الزّمان» تألیف: صفی الدّین علی بن حسین بن علی بیهقی را به خط نستعلیق خوش به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۷۶۲۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۴)

۱- فهرست وزیری، ج۲، ص۵۴۴؛ فهرست الفبائی رضوی، ص۵۰۶؛ فهرست مرکزی دانشگاه اصفهان، ج۲، ص۴۳۹؛ فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۶۴؛ فهرست دیّانی، ص۲۷؛ فهرست جعفریه قائن، ص۱۵۳؛ فهرست مرعشی، ج۷، ص۶۱؛ ج۱۲، ص۸۴؛ ج۱۴، ص۶۲ و ج۲۲، ص۱۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۶، ص۲۸۲؛ الذریعه، ج۲۱، ص۳۴۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۷۶.

۴- فهرست مرعشی، ج۲۰، ص۳۱.

شیخ محمّدعلی اعتزاریان*

شیخ محمّدعلی اعتزاریان فرزند شیخ محمّدتقی، عالم فاضل زاهد صالح معاصر. در سال ۱۲۷۵ش در اصفهان متولّد شد. مقدّمات را نزد پدر خود و ملّا محمّدعلی عالم حبیب آبادی و شیخ عباسعلی ادیب آموخت. سپس از محضر حضرات آیات: میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی، حاج سیّد حسین خادمی، سیّد محمّدرضا خراسانی و حاج میر سیّد علی بهبهانی بهره برد.

او از ائمه جماعات مساجد دوغازی و پامنار دردشت بود و از راه زرگری و نقره کاری در منزل خویش امرار معاش می کرد و زبان انگلیسی را نیز آموخته بود.

وی در ۲ فروردین ۱۳۶۲ش وفات یافته و در صحن تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

آقا محمّدعلی هرندی*

آقا محمّدعلی هرندی فرزند محمّدتقی بن محمّدمهدی، عالم فاضل، از علمای اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و تدریس می نموده و جمعی از فضلاء از جمله حاج محمّدابراهیم کلباسی از محضر او مستفیض می شده اند. شیخ آقابزرگ طهرانی نسخه ای از کتاب «دروس» که یادداشت مالکیت او به تاریخ ۱۶ جمادی الاوّل ۱۲۰۷ق مشهود بود را رؤیت نموده است.(۲)

میرزا محمّدعلی حیرت

میرزا محمّدعلی نوری متخلّص به «حیرت» فرزند حاج میرزا محمّدتقی مُعَبِّر نوری، از

۱- شرح مجموعه گل، ص۳۹۴.

۲- الکرام البرره: مخطوط.

فضـلاء اصـفهان [در قرن چهاردهم هجری] مردی زاهد و گوشه نشین بوده و کم تر با مردم معاشرت می نمود. گاهی شعر می سرود [سال وفات و مدفن او به دست نیامد.(۱)]

سیّد محمّدعلی صدرالشّریعه

سیّد محمّدعلی صدرالشّـریعه فرزند آقا میرزا محمّدجعفر بن حاج میرزا محمّدعلی میردامادی، از علمای قرن چهاردهم هجری، عالم فاضل جلیل، از شاگردان آخوند ملاّ عبدالکریم گزی، آقا سیّد مهدی درچه ای، آقا میرزا احمد اصـفهانی بود. او عالمی رشـید و شـجاع بـوده و در اواخر عمر دفـتر رسـمی ثبت اسـناد را تأسـیس کرد و در حـدود سـال ۱۳۴۲ش رحلت فرمـود و در قبرستان ورنوسفادران در مقبره خانوادگی مدفون گردید. او برادر واعظ خبیر حاج آقا سیّد جمال الدّین صهری است.(۲)

میرزا محمّدعلی امام جمعه

میرزا محمّدعلی امام جمعه فرزند میرزا جعفر بن حاج میر سـیّد محمّد [از علمای قرن سیزدهم هجری و از سادات خاتون آبادی اصـفهان] عـالم فاضل محقّق، در حُسن اخلاق و آداب معاشـرت و فضایل و کمالات ممتاز بوده و مـدت چهار سال امام جمعه اصـفهان بود [او از شـاگردان میر محمّـدرضا و ملاّ حسـینعلی تویسـرکانی است.] کتب و رسایل چنـدی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «رساله در جواز تقلید میّت» ۲. «رساله در کفایت هر غسل از وضو» [۳. «رساله در منجزات مریض»]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۶۸.

۲- لطائف غیبیّه: مقدمه، ص سی و یک؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص۳۰۷.

او قبل از غروب آفتاب روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاوّل سال ۱۳۰۰ق وفات یافته و در بقعه مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون شد. قبر او را در سال های اخیر محو نمودند. وفاتش را حاج میرزا علی انصاری گوید: گفت انصاری: «لقد غاب امام»(۱)

میرزا محمّدعلی شایق اصفهانی

میرزا محمّدعلی متخلّص به «شایق» فرزند میرزا محمّدجعفر طبیب اصفهانی متخلّص به «اسیر»، از شعرای قرن سیزدهم هجری. او مانند پدر در یزد ساکن بوده و طبابت می کرده و شعر می سروده است.(۲) [در کتابخانه ملک در یک مجموعه غزلیاتی به تاریخ ۱۲۶۲ق از او وجود دارد.]

این دو بیت از اوست:

دوره کوس و کی دور فلک کرد طی نیست امانش که کی از تو برآرد دمار

«شایق» بیدل نگر همچو صراحی مدام گریه اش اندر گلو خون دلش در کنار

دکتر محمّدعلی اژه ای*

دکتر محمّدعلی اژه ای فرزند جلال الدّین، از اساتید دانشگاه و محقّقان معاصر در سال ۱۳۲۳ش. در یک خانواده مذهبی در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در اصفهان طی کرد و در کنار آن در حوزه علمیه اصفهان تحصیل کرد. در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۸؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۳۱۵؛ الکرام البرره: مخطوط؛ منتهی الآمال، ص۶۶۹؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۱، ص۲۴۸؛ تاریخ اصفهان (جابری) ، ص۱۹۶.

۲- تذکره میکده، صص ۴۰۴ و ۶۱۲؛ حدیقه الشعراء، ج۲، ص۸۲۵؛ الذریعه، ج۹، ص۵۰۴؛ آینه دانشوران، (چاپ سوم) ، ص۵۴۷؛ تذکره شبستان، ص۷۲۵؛ فهرست ملک، ج۸، ص۱۱۶.

سال ۱۳۴۴ش در رشته فلسفه در دانشگاه اصفهان به تحصیل پرداخت و سپس در دانشگاه تهران دوره فوق لیسانس را طی نمود. آنگاه به استخدام دانشگاه اصفهان درآمد. چندی بعد به انگلستان رفته و در رشته فلسفه از دانشگاه لندن دکترا گرفت.

او مقالات بسیاری در نشریات علمی و دائره المعارف بزرگ اسلامی به چاپ رسانده و کتاب «مبانی منطق» او نیز به چاپ رسیده است. همچنین مقالات بسیاری به همایش های علمی ارائه داده است. وی علاوه بر تدریس فلسفه در دانشگاه اصفهان به عنوان استاد راهنمای دانشجویان در تألیف پایان نامه های فوق لیسانس و دکترا به فعالیّت پرداخته است.

همچنین در مناصب اداری متعدد دانشگاهی از جمله مسؤول دوره لیسانس شبانه، معاون آموزشی، معاون پژوهشی، رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی و مدیر گروه فلسفه (همگی در دانشگاه اصفهان) به انجام وظیفه پرداخته است.(۱)

سید محمّدعلی جمال زاده*

سیّد محمّدعلی جمال زاده فرزند سیّد جمال الدّین واعظ اصفهانی بن سیّد عیسی بن سیّد محمّدعلی بن سیّد صالح موسوی عاملی.

از نویسندگان معاصر در سال ۱۳۰۹ق (حدود ۱۲۷۰ش) در اصفهان متولّد شد. در سال ۱۳۲۱ق به تهران رفت و تحصیلات مقدّماتی را در آنجا گذراند. در سال ۱۳۲۶ق به بیروت رفت و دو سال بعد به فرانسه رفت در دانشگاه دیژون در رشته حقوق ادامه تحصیل داد. با شروع جنگ جهانی اوّل به برلین رفت و در کنار آزادیخواهان ایرانی به فعالیت پرداخت. او اوّلین داستان های خود را در مجله «کاوه» در برلین به چاپ رساند.

۱- گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۱۳-۱۷.

پس از تعطیل شدن «کاوه» به خدمت در سفارت ایران در برلین در سمت سرپرستی محصلین ایرانی مشغول شد. و پس از ۸ سال در دفتر بین المللی کار وابسته به جامعه ملل فعّالیّت کرد و در سال ۱۳۱۵ش بازنشسته شد. پس از آن از برلین به ژِنو (در سوئیس) مهاجرت کرد و تا آخر عمر در آنجا زندگی کرد تا اینکه در ۱۷ آبان ۱۳۷۶ در منزل مسکونی خود در ژنو (در کنار رود لمان) درگذشت.

او از نخستین داستان نویسان زبان فارسی (به سبک اروپایی) است و نقش او در پایه گذاری داستان نویسی ایران انکارناپذیر است. همچنین تحقیقات متعددی درباره فرهنگ و اقتصاد و عقاید عامّه انجام داده است. این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «یکی بود یکی نبود»۲. «دارالمجانین»۳. «صحرای محشر»۴. «سر و ته یک کرباس یا اصفهان نامه»۵. «تلخ و شیرین»۶. «کهنه و نو»۷. «آسمان و ریسمان»۸. «قصّه های خوب برای بچّه های ریش دار»۹. «قصّه ما به سر رسید»۱۰. ترجمه «دشمن ملّت» از هنریک ایبسن ۱۱. ترجمه «ویلهلم تل» از شیللر ۱۲. ترجمه «خسیس» از مولیر ۱۳. «خلقیات ما ایرانیان» ۱۴. «تصویر زن در فرهنگ ایران» ۱۵. «گنج شایگان» ۱۶. «بانگ نای» ۱۷. «طریقه نویسندگی و داستان نویسی» ۱۸. «تاریخ روابط روس و ایران» ۱۹. «آزادی و حیثیت انسانی» ۲۰. «صندوقچه اسرار» و چندین اثر دیگر.(۱)

۱- نادره کاران، صص ۸۸۶-۹۰۷؛ چون سبوی تشنه، صص ۱۹۳ و ۱۹۴؛ چهره هایی از پیشروان، ص۵۴؛ فرهنگ داستان نویسان ایران، صص ۷۴ و ۷۵؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، صص ۱۶۲-۱۶۷؛ از نیما تا روزگار ما، صص ۲۷۳-۲۹۸؛ از کاروان حلّه، صص ۳۲۲-۳۳۶؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۱، صص ۵۴۲ و ۵۴۳؛ تاریخچه ترجمه به فارسی در ایران، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.

شیخ محمّدعلی شاه آبادی

آقا شیخ محمّدعلی شاه آبادی فرزند حاج شیخ محمّدجواد حسین آبادی بن حسن، عالم فقیه، مجتهد اصولی، جامع معقول و منقول [از علماء عالیقدر و مراجع تقلید در عصر حاضر] در سال ۱۲۹۲ق [در محله بیدآباد اصفهان متولّد شد.]

تحصیلات خود را نزد پدر و برادر (شیخ احمد) خود آغاز کرده [و سپس در درس میرزا محمّدهاشم چهارسوقی حاضر شد. ریاضیات را هم از میرزا عبدالرزاق خان سرتیپ (بغایری) آموخت. در سال ۱۳۰۴ق پس از آنکه پدرش به دستور ناصرالدّین شاه به طهران تبعید شد به همراه او به طهران آمد] و در طهران به درس میرزا محمّدحسن آشتیانی حاضر شد [و فلسفه و عرفان را نزد میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا هاشم رشتی آموخت آنگاه به عتبات عالیات مشرف شده] و در نجف خدمت آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی [و شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی و در سامرا خدمت [میرزا محمّدتقی شیرازی تحصیل نموده [و به درجه اجتهاد نائل شد و از اساتید خود اجازه دریافت نمود که از آن میان اجازه میرزا محمّدتقی شیرازی موجود است.] پس از آن به طهران مراجعت نموده و به اقامه جماعت و تدریس و ارشاد مردم مشغول شد و چون در محله شاه آباد طهران ساکن بود به «شاه آبادی» شهرت یافت. [او ابتدا در مسجد سراج الملک و پس از آن در مسجد جامع طهران اقامه جماعت می نمود. او در سال ۱۳۴۷ق به دعوت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به قم رفته و ۷ سال تدریس نمود. در اواخر عمر به طهران مراجعت نموده و در اعتراض به جنایات رضاشاه یازده ماه در امامزاده عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهرری تحصّن نمود.]

او در عصر پنج شنبه ۳ صفر ۱۳۶۹ق [مطابق با سوم آذر ۱۳۲۸ش] وفات یافته [و در مقبره شیخ ابوالفتوح رازی جنب زاویه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهرری

مدفون شد.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الانسان و الفطره» [که به ضمیمه کتاب «رشحات البحار» در سال ۱۳۸۰ق چاپ شده است.]۲. «الایمان و الرّجعه» [مطبوع در ضمن کتاب «رشحات»]۳. «حاشیه بر کفایه الاصول» [مخطوط]۴. «القرآن و العتره» [مطبوع در ضمن کتاب «رشحات»[۵. «مرام الاسلام» [که به نام «شذرات المعارف» در زمان حیات مؤلّف در سال ۱۳۶۵ق به طبع رسیده و سپس تجدید طبع شده است.]۶. «منازل السّالکین» در عرفان [۷. «حاشیه فصول الاصول»۸. «چهار رساله در نبوت و ولایت خاصه و عامّه»۹. «مفتاح السّعاده فی احکام العباده» که رساله عملیه ایشان به فارسی است و در سال ۱۳۵۸ق چاپ شده است. ۱۰. «رساله فی العقل و الجهل»

[جمعی کثیر از فضلاء و علماء عالیقدر طهران و قم نزد وی کسب فیض نموده و از مجلس درس او بهره برده اند از جمله:

حضرات آیات عظام: امام خمینی، مرعشی نجفی، میرزا هاشم آملی و حضرات آیات: آخوند ملّا علی همدانی، میرزا محمّد ثقفی، حاج سیّد علی بهشتی، حاج میرزا خلیل کمره ای، حاج میرزا حسن یزدی، حاج شیخ راضی، حاج شیخ شهاب الدّین ملایری و حاج سیّد موسی مازندرانی.

ایشان دارای ۱۰ فرزند پسر بودند که ۷ نفر از آنان در سلک روحانیت وارد شدند. از جمله آنان شهید حاج شیخ مهدی شاه آبادی است که در ۶ اردیبهشت ۱۳۶۳ش در جبهه های نبرد ایران و عراق به شهادت رسید.(۱)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۳۹؛ آثار الحجّه، ج۱، صص ۲۱۷ و ۲۱۸؛ ریحانه الادب، ج۳، صص ۱۶۷ و ۱۶۸؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۶۱۵ و ۶۱۶؛ نقباء البشر، ج۴، صص ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱؛ گنجینه دانشمندان، ج۴، صص ۴۸۳-۴۸۵؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۴، صص ۱۷۳ و ۱۷۴؛ استادزاده، صص ۳۳-۷۹؛ فصل نامه تاریخ و فرهنگ معاصر، سال دوم، شماره پنجم: پاییز ۱۳۷۱؛ صص ۱۸۰-۱۹۲؛ کاروان علم و عرفان، ج۲، صص ۱۰-۳۳؛ گلشن اهل سلوک، (ویرایش دوم) ، صص ۳۸۰-۳۸۹؛ الذریعه، ج۱۷، ص۵۹.

محمّدعلی کرونی*

محمّدعلی بن حاجی کرونی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری و از اهالی بلوک کرون (به فتح کاف و واو) اصفهان است. او در ۲۲ صفر ۱۲۵۷ق نسخه ای از «شرح الشّافیه» تألیف: نظام الدّین حسن نیشابوری را به خط نسخ کتابت کرده که در کتابخانه آیت اللّه حججی در نجف آباد موجود است.(۱) همچنین او در سال ۱۲۲۷ق نسخه ای از «فارسی هیأت» تألیف: ملّا علی قوشچی را در قریه طهران کرون کتابت کرده است.(۲)

حاج سیّد محمّدعلی امین التّجار*

حاج سیّد محمّدعلی امین التّجار اصفهانی فرزند سیّد محمّدحسن، از بازرگانان نیکوکار و خوشنام اصفهان در دوره قاجاریه و از خاندان سادات خاتون آبادی است. وی پدر بانوی مجتهده حاجیه نصرت خانم امین است. سرانجام در ۲۶ شوال ۱۳۲۶ق وفات یافته و در تکیه خانوادگی واقع در تخت فولاد مدفون شد.

فتح اللّه جلالی شاعر معاصر او در مرثیه اش شعری سروده که مادّه تاریخ آن این بیت است:

با «جلالی» کسی از غیب بتاریخش گفت: «همره روح الامین شد بجنان روح امین»(۳)

۱- فهرست حججی، ص۹۵.

۲- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۲، ص۲۴۷.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

محمّدعلی بوجار اصفهانی*

محمّدعلی بوجار اصفهانی فرزند حسن، از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۶ش در اصفهان متولّد شد. در کودکی در مکتب خانه تحصیل کرد. چندی به کار آزاد پرداخت و عاقبت در کارخانه وطن به کار مشغول شد. گاهی شعر می سرود و مداحی می کرد. از اوست:

بخوان این خط که یادگار من است باغ عشق است و کسب و کار من است(۱)

حاج شیخ محمّدعلی ابراهیمی*

حاج شیخ محمّدعلی ابراهیمی فرزند حسن فرزند حاج رضا، از فقهاء و علمای عالیقدر و مدرسین مبرّز حوزه علمیه اصفهان.

وی در روز ۶ مرداد ۱۳۲۶ش در محله آفاران اصفهان در خانواده ای متدیّن متولّد شد. در کودکی در محلّه خود به مکتب خانه رفت و تحصیلات حوزوی را از ۱۵ سالگی آغاز کرد. مقدمات را از آقا میرزا احمد روضاتی و برخی دروس مقدماتی و سیوطی را نزد حاج آقا محمّد فقیهی طی نمود. مغنی را از حاج آقا سیّد حسن فقیه امامی، شرح لمعه را از حاج آقا سیّد مصطفی بهشتی، قسمتی از سیوطی را از آقای محمود فقهی و رسائل را نزد حاج شیخ احمد فیاض خواند و برای ادامه تحصیل راهی نجف اشرف شد و در یک سال اقامت در آن ارض مقدس قوانین را نزد مدرس افغانی و شرح لمعه را نزد مرحومین شیخ غلامحسین باقری نجف آبادی و شیخ محمّدهادی معرفت آموخت. آنگاه به علت فراهم نشدن مجوّز اقامت در کشور عراق، به ناچار به اصفهان مراجعت نمود.

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص ۱۲۱.

پس از مراجعت مرحوم آیه اللّه حاج شیخ حسن صافی به اصفهان، از آن زمان تا زمان رحلت ایشان در خدمت این عالم جلیل القدر حاضر شده و دروس خارج فقه و اصول را خواند و علاوه بر آن از درس اخلاق ایشان بهره کامل گرفت.

او از روحانیون فعال در مبارزه علیه رژیم پهلوی بود و به دنبال سخنرانی و افشاگری جنایات این رژیم در مردادماه ۱۳۵۷ش در منزل مرحوم آیت اللّه خادمی، مورد تعقیب مأموران قرار گرفته و به مشهد مقدس و قم رفت. وی در قم از درس تفسیر عالم گرانمایه آقای خزعلی بهره گرفت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دفتر بیت امام خمینی در قم فعالیّت نمود و پس از گذشت یک سال به اصفهان بازگشت و با شروع جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران به جبهه های جنگ رفته و به تبلیغ مشغول شد. همچنین بسیاری از طلاب حوزه علمیه اصفهان (خصوصا مدرسه علمیه ذوالفقار) به تشویق ایشان راهی جبهه های نبرد شده و حدود یکصد تن از آنان به افتخار شهادت نائل آمدند.

ایشان از سال ۱۳۴۳ تاکنون به عنوان نماینده مراجع، حضرات آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، خوئی، اراکی و بهجت رحمهم الله به فعالیت می پرداخت.

از جمله اقدامات وی احیاء و تعمیر و راه اندازی مدرسه علمیه ذوالفقار در بازار اصفهان (به همراه علمای عالیقدر حاج آقا سیّد حسن فقیه امامی، حاج آقا سیّد حجت موحّد ابطحی و حاج شیخ علی اکبر فقیه) و خارج کردن مدرسه علمیه خالصیّه از تصرّف اشخاص بود که به همت مرحوم حاج آقا حسن فقیه امامی، این مدرسه به شکل آبرومندی تجدید بنا و طلبه نشین گردید. همچنین تأسیس چندین صندوق قرض الحسنه و اعزام مبلغ به اقصی نقاط کشور از جمله: استان های کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، فارس، خوزستان، بوشهر و تأسیس حوزه علمیه در گچساران و نورآباد ممسنی از دیگر اقدامات ایشان بوده است.

حاج آقا ابراهیمی سال های طولانی در مسجد حبیب بن مظاهر در محله جاوان پایین به اقامه جماعت پرداخته اند و اکنون دو سال است که به عنوان امام جماعت، در وقت شرعی ظهر نماز جماعت را در مدرسه صدر بازار برپا می دارند. و در باقی اوقات به تدریس خارج فقه و اصول و مطالعه و تحقیق و رسیدگی به امور مردم و حل مشکلات شرعی آنان مشغول می باشند.

این کتاب ها از تألیفات ایشان است:

۱. «تفسیر احسن الکلام» در چندین جلد که ۲ جلد آن به چاپ رسیده و جلد سوم در دست چاپ است.۲. «مدینه العلم الابراهیمی» در احادیث اهل بیت علیهم السلام۳. دو دوره خارج اصول (تقریرات درس مرحوم آیه اللّه حاج شیخ حسن صافی) ۴. یک دوره حج استدلالی در ۵ جلد (تقریرات درس مرحوم صافی) ۵. یک دوره خمس (تقریرات درس مرحوم صافی) ۶. یک دوره طهارت (تقریرات درس مرحوم صافی)

میرزا محمّدعلی رجاء زفره ای

میرزا محمّـدعلی رجاء فرزند حسن بن محمّـد بن علی بن نعمت اللّه زفره ای کوهپائی اصفهانی، عالم فاضل، ادیب کامل، از شعرای معاصر اصفهان در محرم ۱۲۸۱ق در قریه زفره متولّد شد.

از کودکی در اثر ابتلا به مرض آبله دست راست او فلج شده و با دست چپ می نوشت در اثر سعی و مجاهدت و کوشش، با نبودن وسایل عادی در اثر استعداد و هوش خدادادی در اغلب علوم از صرف و نحو و فقه و اصول و رمل و جفر و اعداد و طلسمات صاحب ربط گردید. او مدتی در اصفهان نزد ملّا هادی سدهی و غلامحسین میدان کهنه ای علوم غریبه و رمل و اسطرلاب آموخت. سپس در قریه زفره به امور شرعیّه از قبیل تدریس و وعظ و تحریرات شرعی و امور دیگر روزگار می گذرانید و

مورد وثوق و احترام عموم اهالی بود و در خلال آن به مطالعه و تألیف و تصنیف پرداخته و در حدود ۲۴ مجلد کتاب و رساله تألیف نمود که از آن جمله است:

۱. «اسهل اللّغات» یا «منتخب اللّغات»۲. «کتاب ا لارث»۳. «تجوید و ترتیل قرآن»۴. «خلاصه النّجوم»۵. «دبستان الشّعراء»۶. «دیوان اشعار»۷. «رکاز الدّعوات در سرائر مربّعات»۸. «سپهر اللّغه»۹. «عمّان الحساب» در نظم «خلاصه الحساب»۱۰. «قواعد الرمل» ۱۱. «قواعد النّجوم» ۱۲. «گلستان الادباء» در معما ۱۳. «گلچین رجاء» در دو جلد که به همت فرزندش محمّدحسن رجائی به چاپ رسیده است. ۱۴. «منتخب المقدمات» در صرف و نحو ۱۵. «متفرقه النّجوم» ۱۶. «مجموعه در علوم مختلف»

میرزا محمّدعلی رجاء در عصر روز شنبه ۲۸ محرم ۱۳۶۱ق در زفره وفات یافت و در قبرستان عمومی آنجا مدفون شد. فرزندش عبدالرزاق اخضر این شعر و مادّه تاریخ را برای فوت او سروده است:

در وفات باب خود آن تاج سر با دل بریان و با چشمان تر

«هَمِّ» اخضر شد ز یاد و پس بگفت: «خاک بر سر از جدائی پدر»(۱)

۴۵+۱۳۱۶=۱۳۶۱

این شعر از اوست:

ای دلا فصل ربیع است و بهار من و تو عقل حیران شده بِالمرِّه ز کار من و تو

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۱؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۰۷-۲۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۱۰ و ۲۱۱؛ منتخبی از آثار رجاء زفره ای، صص ۲-۵ و ۹۲؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۳۵۲-۲۳۵۴.

چشم انجم نگران است به کار من و تو نور خورشید مکدّر ز بهار من و تو

ای «رجا» تا که زنی چشم به هم می گذرد عمر و آثار نماند ز دیار من و تو

محمّدعلی پورحقانی (پوریا)*

محمّدعلی پورحقانی فرزند محمّدحسن بن حاج مصطفی معمار، از شعرای معاصر اصفهان در محلّه دروازه نو اصفهان متولّد شد و پس از تحصیل در مقطع ابتدائی به کار پرداخته و هنر خاتم سازی را آموخت. او در سال ۱۳۶۸ش اتحادیه صادراتی صنایع دستی اصفهان را تأسیس کرد و تا سال ۱۳۷۱ ریاست آن را برعهده داشت. بنا به اقتضای حال گاهی شعر می گوید و «حقی» و «پوریا» تخلّص می کند. این بیت از اوست:

از پرتو مهرش که جهان کرده منوّر بر جامعه انوار خدائیست معلّم(۱)

حاج محمّدعلی حجار*

استاد حاج محمّدعلی حجار فرزند حاج محمّدحسن، هنرمند توانا و زبردست قرن چهاردهم هجری. در هنر حجاری از عجایب عصر از نوابغ دهر بوده و سنگ خارا در دستان او چون موم رام و مطیع بوده است. در ریزه کاری و ظرافت در حجّاری دقّتی کم نظیر داشته و شاهد این مدعا سنگ نوشته مرمر قبر حاج علیقلی خان سردار اسعد بختیاری (متوفی ۱۳۳۶ق) در تخت فولاد اصفهان است که اوج هنر خود را به نمایش گذاشته است. همچنین سنگ نوشته مرمر قبر نجفعلی خان صمصام السّلطنه بختیاری

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش اوّل) ، ص ۱۶۰.

(متوفی ۱۳۴۹ق) در تخت فولاد از آثار زیبای حجاری اوست.(۱)

سیّد محمّدعلی داعی الاسلام

سیّد محمّدعلی داعی الاسلام متخلّص به «داعی» فرزند سیّد حسن، شاعر ادیب، روزنامه نگار و نویسنده دانشمند معاصر در سال ۱۲۹۵ق در لاریجان متولّد شد. مقدمات را در آمل خواند و برای ادامه تحصیل به طهران رفت و ادبیات فارسی و عربی، منطق، حکمت و فقه و اصول، ریاضیات، هیأت و هندسه را آموخت. سپس به اصفهان رهسپار شده و در این شهر به خدمت علماء عالیقدر شیخ محمّدتقی آقانجفی، آخوند ملاّ محمّد کاشانی و جهانگیرخان قشقائی رسیده و کسب فیض نمود. چندی بعد با میرزا سلیمان خان رکن الملك (نایب الحکومه اصفهان) آشنا شده و به وسیله او در حوزه علمیه راه یافت و به خواهش آنان در محلّه جلفا دعوت خانه ای جهت ارشاد و هدایت مسیحیان و جوابگوئی از مبلغین آنها درست کرد و مذاکرات خود را با آنها تحت عنوان «مجلّه الاسلام» منتشر ساخت که مورد توجّه تمام مسلمین واقع شده، از طرف مظفّرالدّین شاه لقب «داعی الاسلام» یافت. در این مدّت زبان های عبری و انگلیسی را نیز فراگرفت. در سال ۱۳۲۴ق به مکّه و از آنجا به هندوستان رفت و دو سال در بمبئی ساکن شد و مجلّه «دعوت الاسلام» را در آنجا منتشر ساخت. چون مقام علمی او مورد توجّه قرار گرفت، او را به عنوان استاد دانشگاه دکن انتخاب کردند. در هند زبان های پهلوی و اوستا و سنسکریت را نیز فراگرفت. او در شهریور ۱۳۲۱ش به ایران آمد و در سال ۱۳۲۵ش به هند بازگشت و در ۲۶ آبان ۱۳۳۰ش در سن ۷۵ سالگی وفات یافت.

او کتب چندی تألیف و ترجمه نموده است بدین قرار:

۱- تاریخ اصفهان (هنرمندان) ، ص۳۵۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۱. «نادرشاه» [نوشته: دیوراند] ترجمه از انگلیسی ۲. ترجمه فارسی «وندیداد» که قسمت سوم اوستاست.۳. «دکتر اقبال و شعر فارسی»۴. «خط لاتین برای فارسی»۵. «شعر و شاعری عصر جدید ایران»۶. «شعر و شاعری عرفی»۷. «فرهنگ نظام» در ۵ جلد۸. «دیوان اشعار»

از اشعار اوست:

به دل افروزی روی تو گلستان نرسد به درخشنده لبت لعل بدخشان نرسد

دامنش در کف من بود که رفتم از خویش عشق دردی است که از وصل به درمان نرسد(۱)

محمّدعلی دهنوی سمیرمی*

محمّدعلی بن محمّدحسن دهنوی سمیرمی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. او نسخه ای از «الارشاد فی احوال الصاحب الکافی اسماعیل» تألیف: سیّد احمد حسنی حسینی قهپائی را به خط نسخ کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۹۳۰۸ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۲)

محمّدعلی طبیب اصفهانی

محمّدعلی بن محمّدحسن طبیب اصفهانی، از فضلاء و اطبّاء اصفهان در قرن

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۸۵-۱۸۷؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۱، صص ۲۳۸-۲۴۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۴۲؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۴، ص۲۲۷؛ زندگینامه رجال و مشاهیر، ج۳، صص ۱۷۲-۱۷۴؛ نادره کاران، ص۷۶؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، ص۲۱۴.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۴۷.

دوازدهم هجری. تملّك او بر كتاب «الهيئه» تأليف: غياث الـدّين منصور دشـتكی مشـهود است. اين نسـخه به شـماره ۶۵۶۵ در كتابخانه آيت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

ملاّ محمّدعلی كوساری اصفهانی

ملاّ محمّـدعلی بن حسـنعلی كوهساری اصـفهانی معروف به ملاّ «علی قاری» از اساتيد قرائت و تجويد در قرن دوازدهم هجری است.

كتب زير از تأليفات اوست:

۱. «حياه القلوب» در تجويد ۲. «بحرالنّور» اين دو نسـخه در كتابخانه مجلس موجود می باشد. تاريخ كتابت «حياه القلوب» سال ۱۱۱۷ق می باشد.(۲)

[«كوسار» از روسـتاهای بلوك قهاب جی اصفهان بوده و اكنون به شهر پيوسته و در حاشيه خيابان پروين اعتصامی تنها نامی از آن به جای مانده است.]

محمّدعلی مهجور اصفهانی

محمّدعلی اصـفهانی متخلّص به «مهجور» فرزند حاج حسـنعلی، شاعر عارف و اديب خوشنويس [از شعراء و عرفای اواخر دوره قاجاريه به كتابت كتب دينی و عرفانی و سـرودن شـعر مشغول بوده و چنانچه از قرائن برمی آيد حدود ۴۰ سال از عمر خود را به كتـابت گذرانـده است و تا سال ۱۳۱۶ق در قيـد حيـات بوده است. او ذوقی عرفانی داشـته و به مشايـخ سلسـله نعمت اللهی ارادت می ورزيده است.(۳)]

اين كتاب ها از تأليفات اوست:

۱- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۱۴۷.

۲- الذريعه، ج۲، ص۱۲۲ و ج۷، ص۲۲.

۳- فهرست خوشنويسان و كاتبان اصفهان، خطی.

۱. «بحر البکاء» شامل ۶۵ مجلس که در سال ۱۲۸۷ق تألیف نموده و به شماره ۳۶۱۵ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۱) ۲. «مبشّر الجنان و ذخیره المعاد» در یک مقدمه و ۳۰ مجلس که در سال ۱۲۹۳ق آن را تألیف کرده و به شماره ۴۸۹ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۲) ۳. «رضوان السّالکین» ۴. «برهان المتغیّرین» ۵. «مطلوب الذّاکرین»

مهجور نعمت اللهی این کتاب ها را نیز کتابت کرده است:

۱. «قصیده تائیه» عربی که در ماه صفر ۱۲۸۸ق آن را کتابت کرده و به شماره ۳۱ ضمن مجموعه ای در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی وجود دارد.(۳) ۲. «سفینه النّجاه» تألیف: شیخ محمّدعلی واعظ کرمانشاهی که در شنبه ۱۱ ربیع الاوّل ۱۲۸۸ق کتابت کرده و ضمن مجموعه ای به شماره ۷۰۹۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۴) ۳. «مرآه الحق» تألیف: حاج محمّدجعفر مجذوب علی شاه همدانی که آن را در ۱۴ ربیع الاوّل ۱۲۹۱ق کتابت کرده و به شماره ۲۳۳۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۵) ۴. «مسلی المصابین فی تسلیه الحزین» تألیف: حاج میرزا محمود بروجردی که آن را در یک شنبه ۵ جمادی الثانی ۱۲۹۱ق کتابت کرده و در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۶) ۵. «مرصاد العباد» تألیف: شیخ نجم الدّین رازی که در ۲۸ رجب ۱۳۱۵ق کتابت نموده و به شماره ۷۰۳ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۷) ۶. «تحفه الزائر» تألیف: علاّمه مجلسی، که در سال

۱- فهرست مسجد اعظم، ص ۴۰.

۲- فهرست گلپایگانی، ج ۲، ص ۱۵۷.

۳- فهرست گلپایگانی، ج ۱، ص ۴۰.

۴- فهرست مرعشی، ج ۱۸، ص ۲۴۹.

۵- فهرست مرعشی، ج ۶، ص ۳۱۳.

۶- فهرست گلپایگانی، ج ۱، ص ۱۱۹.

۷- فهرست الهیات مشهد، ج ۱، ص ۵۵۶.

۱۳۱۶ق کتابت نموده و به شماره ۹۷۵ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۱) ۷. «نجاه السّالکین» تألیف: شیخ محمّدعلی واعظ کرمانشاهی که در ۲۶ رجب ۱۲۸۹ق کتابت شده و به شماره ۷۰۹۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

ملاّ محمّدعلی صبوری حسین آبادی*

ملاّ محمّدعلی بن محمّدحسین حسین آبادی اصفهانی متخلّص به «صبوری» عالم فاضل و ادیب شاعر. مؤلّف کتاب های:

۱. مثنوی «جامع الصّفات» یا «مجمع الصّفات» که در سال ۱۲۸۵ق به نظم کشیده و در ۱۲۸۸ق از کتابت آن فراغت یافته و به شماره ۱/۱۵۰۳۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است. ۲. مثنوی «معراج نامه» که در سال ۱۲۸۸ق آن را کتابت نموده و به شماره ۲/۱۵۰۳۱ در کتابخانه مجلس موجود است.(۳)

[«حسین آباد» قبلاً از روستاهای جنوب زاینده رود در اصفهان بوده و در زمان صفویه که اصفهان رو به توسعه و گسترش نهاد، به شهر پیوست. کاخ ویران شده فرح آباد (از یادگارهای شاه سلطان حسین صفوی) در نزدیکی این محلّه قرار داشته است.]

شیخ محمّدعلی کرمانی

حاج شیخ محمّدعلی کرمانی فرزند آخوند ملاّ محمّدحسین بن ملاّ اسداللّه کرمانی، عالم فاضل [از علمای عالیقدر اصفهان در قرن چهاردهم هجری.]

در ذیحجه ۱۲۹۵ق متولّد شده و در اصفهان خدمت جمعی کثیر از علماء همچون:

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۲۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۲۴۹.

۳- فهرست مختصر مجلس، صص ۲۲۲ و ۷۷۵؛ الشریعه، ج۲، ص۱۷۹.

حاج ملاّ جواد آدینه ای، میرزا محمّدعلی رنانی اصفهانی، آقا سیّد محمود مغنی، شیخ محمّدحسن حکیم شیرازی [اصطهباناتی]، آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقائی، میرزا محمّدعلی حکیم [نراقی] کاشانی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند ملاّ عبدالکریم گزی، میرزا حسین همدانی و آیت اللّه بروجردی (قبل از مهاجرت به نجف) تحصیل نمود. سپس در سال ۱۳۱۹ق به نجف مهاجرت کرده و در آنجا خدمت آقا سیّد محمّدکاظم یزدی، شیخ الشّریعه اصفهانی و آخوند خراسانی تحصیل نموده و نسبت به آخوند خصوصیّت داشته و از جمعی از اساتید خود به اخذ اجازه روایت و اجتهاد نایل گردید. در سال ۱۳۳۰ق به اصفهان مراجعت فرموده و مدّتی به درس و بحث اشتغال یافته سپس ترک مباحثه و تدریس نموده و تقریبا مدّت ۱۰ سال آخر عمر به طور تجرّد و انزوا می زیست [تا اینکه [در شب جمعه ۶ جمادی الاولی سال ۱۳۸۰ق وفات یافته، در تخت فولاد مقابل تکیه میرزا ابوالمعالی [کلباسی] مدفون گردید.

[وی رسائل عدیده ای در فقه و اصول از تقریرات درس استادش آخوند خراسانی نگاشته که نسخ خطی آن با بیش از هزار صفحه در کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می شود.]

همچنین از تألیفات او: «شرح خطبه نهج البلاغه»: «اوّل الدّین معرفه اللّه» و حدود بیست رساله و کتاب دیگر.(۱)

میرزا محمّدعلی عارفچه

میرزا محمّدعلی عارفچه بن میرزا محمّدحسین عارفچه بن ملاّ اسماعیل طبسی خراسانی، واعظ فاضل صالح و ادیب شاعر. از فضلای اهل منبر و از مرثیه خوانان و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۳۴ و ۵۳۵؛ بزم معرفت، صص ۲۱۴-۲۱۷؛ فهرست مسجد اعظم، ص۲۰۱.

مدّاحین خاندان نبوّت بود. پدرش از طرف امام جمعه به «عارفچه» ملقّب شده و این لقب به او به ارث رسید. شعر می سرود و در انجمن ادبی شیدا شرکت می نمود. عمری را به قناعت به سر برده و اوقات را صرف مطالعه و سرودن شعر و وعظ و ارشاد و تألیف و تصنیف نمود. [او تولیت امامزاده جعفر اصفهان را نیز برعهده داشت.] عاقبت در شب ۱۹ ذیعقده الحرام ۱۳۸۰ق به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته و جنب پدر در تکیه آقا سیّد رضی در تخت فولاد مدفون شد.

[استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) مادّه تاریخ وفات او را چنین گوید:

رقم زد خامه «برنا» پی تاریخ فوت او: «محمّد یار شد مهر علی حامی عارفچه»

۱۳۸۰ق]

کتب زیر از اوست که همگی به طبع رسیده است:

۱. «تحفه المعصومین»۲. «دیوان اشعار» [که نسخه ی از آن به شماره ۱۵۳ در کتابخانه میرزا محمّد کاظمینی در یزد موجود است.]۳. «زبده القصاید»۴. «صد قصیده و زیارات»۵. «منتخب کبیر در ادعیه و زیارات»۶. «هدیه المعصومین» [۷. «انیس الواعظین»۸. «تذکره الشّعراء»]

از اشعار اوست:

رو به سوی بارگاه کبریا آورده ام از سر اخلاص نزد وی ریا آورده ام

گر بپرسندم چه آوردی تو در فردای حشر نیست خوفی که گویم من رجا آورده ام(۱)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۳۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۸؛ فهرست کاظمینی، ج۱، ص۱۳۹.

میرزا محمّدعلی جامع اصفهانی*

میرزا محمّـدعلی اصـفهانی متخلّص به «جـامع» فرزنـد میرزا حسـین خـان بن جانی عزّتی شـیرازی، ادیب فاضل، از شـعرای قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و منصب نویسندگی غلامان را برعهده داشته است.

از اوست:

از بس دل مردم به رهت چشم به راه است در کوی تو هر نقش قدم قافله گاه است(۱)

میرزا محمّدعلی بیدگلی اردستانی

میرزا محمّـدعلی بن حـاج ملاّـ محمّدحسـین بن ملّا عبـدالعظیم بن محمّـدتقی بیـدگلی اردسـتانی، عالم فاضل از علمای ساکن اصفهان [در قرن سیزدهم هجری] خود و پدرش امامت مسجد قطبیه در محلّه چهارسوق شیرازی ها در اصفهان را داشته اند.

در خدمت جمعی از علماء اصـفهان تلمّذ نموده و محضـر حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسـلام شفتی را نیز درک نموده و عهده تحصیلاتش نزد آقا میر سیّد حسن مدرس و آقا سیّد محمّد شهشهانی و حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی بوده است.(۲)

آقا محمّدعلی تذهیبی

آقا محمّدعلی مُذَهِّب اصـفهانی معروف به «تذهیبی» فرزند آقا محمّدحسـین هلال بن آقا محمّدعلی مُذَهِّب اصفهانی (متخلّص به «بهار» و «فرهنگ») بن آقا ابوطالب مُذَهِّب

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۱۲۷؛ الذریعه، ج ۹، ص ۱۸۷.

۲- بیان المفاخر، ج ۱، ص ۳۶۰؛ آتشکده اردستان، ج ۱، ص ۱۶۴.

اصفهانی، [هنرمند و ادیب عارف در قرن چهاردهم هجری.]

پدرانش اهل هنر و ادب و به شعر و تذهیب معروف بوده اند. [در اصفهان متولّد شده و نزد پدر فنون تذهیب را آموخت و در تشعیر و تـذهیب مهارتی به سـزا یافت و در زرافشانی، طلااندازی و قلمدان سازی در شـمار اساتید فن درآمد.] او در اصـفهان مریـد سیّد احمـد دهکردی (حقیقت) شده و به فرقه خاکساریه پیوست و ریاضات سـخت را بر خود هموار ساخت. عاقبت [در سال ۱۳۱۰ش به تهران رفته و در مـدرسه کمال الملک به عنوان معلم نقشه قالی اسـتخدام شـده و به آموزش دادن به شاگردان مدرسه مشغول بود تا اینکه در سال ۱۳۱۲ش] در تهران وفات یافت.(۱)

میرزا محمّدعلی فروغی

میرزا محمّـدعلی خـان فروغی [ملقّب به ذکـاء الملک ثانی] فرزنـد میرزا محمّدحسـین خان ادیب ذکاء الملک فروغی بن میرزا محمّدمهدی ارباب اصـفهانی، از نویسـندگان معروف و فضلاء مشهور سیاستمداران و وزراء عصر حاضر. در ۲۲ جمادی الثّانیه ۱۲۹۴ق در تهران متولّـد شد. [او پس از تحصـیلات مقدماتی به فراگیری طب در مدرسه دارالفنون مشـغول شد ولی آن را رها کرده و به مطالعه کتب تاریخ و ادبیات و فلسـفه پرداخت. او در سال های آخر سـلطنت ناصـرالدّین شاه به مترجمی در وزارت انطباعات مشـغول شد. سـپس در مدارس دارالفنون، علمیه و ادب به تدریس تاریخ، فیزیک و زبان فرانسه مشغول شد. هنگامی که پـدرش رئیس مدرسه علوم سیاسـی بود، او نیز در آنجا تدریس می کرد و پس از فوت پدر، به ریاست آن مدرسه منصوب شد.

او در دور دوم مجلس شورای ملّی از تهران به عنوان نماینـده به مجلس راه یافت و در دوره سوم نیز به نماینـدگی انتخاب شـد امّا به دعوت صمصام السّلطنه، وزارت مالیه را

۱- تاریخ نائین، ج۲، ص۳۰۰؛ هنر قلمدان، صص ۱۶۵-۱۶۷؛ دیوان طرب، ص۸۳.

در کابینه او پذیرفت. پس از آن تا پایان حکومت قاجاریه به عنوان رئیس دیوان عالی تمیز، وزیر عدلیه، وزیر خارجه و وزیر مالیه در کابینه های عصر مشروطیت به کار پرداخت.

پس از به سلطنت رسیدن رضاخان پهلوی در سال ۱۳۰۴ او نخست وزیر شد و یک سال بعد برکنار شده و به عنوان وزیر جنگ، سفیر کبرای ایران در ترکیه، وزیر اقتصاد و وزیر خارجه در کابینه های بعدی حضور یافت. او بار دیگر از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ش نخست وزیر شد و پس از آن به دستور رضاشاه عزل و خانه نشین شد. پس از شروع جنگ جهانی دوم و نقض بی طرفی ایران توسط متفقین و اشغال ایران، با وساطت انگلیسی ها فروغی مأمور تشکیل دولت، اخذ استعفا از رضاشاه و انتقال سلطنت به پسرش محمّدرضا پهلوی شد که آن را به انجام رساند و چند ماه بعد از نخست وزیری استعفا داد و در آذرماه ۱۳۲۱ش مطابق با ۱۸ ذیقعده سال ۱۳۶۱ق در سن ۶۷ سالگی از دنیا رفت و در مزار ابن بابویه در شهرری مدفون شد. مادّه تاریخ فوتش را استاد همایی (سنا) چنین گفته است:

خواستم تاریخ فوتش از سنا با جمع و خرج گفت: شد «خورشید فضل و نور دانش» بی «فروغ»

او نمونه کامل وزراء و صدور زمان های سابق چون خواجه نظام الملک و دیگران بود. در فضل و ادب، شعر و حکمت و تاریخ و ریاضی کم نظیر می بود. [از اقداماتی که به همت او در دوره رضا شاه صورت گرفت. برگزاری جشن هزاره فردوسی، تأسیس دانشگاه تهران و فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. هرچه قدر حیات علمی و ادبی فروغی و خدمات فرهنگی او مورد تکریم و احترام است، فعالیت های سیاسی او همچون حضور در لِژ فراماسونری، حضور و نقش پررنگ او در روشنفکری مروّج فرهنگ غربی و دلبستگی و جهت گیری او به نفع انگلستان، مورد انتقاد محقّقین و مورخین قرار گرفته

است.] گاهی شعر می سرود ولی اشعارش بیش از پانصد بیت نیست.

کتب زیر از تألیفات و آثار اوست:

۱. «آئین سخنوری» (۲ جلد) ۲. «اصول علم ثروت»۳. «اندیشه های دور و دراز»۴. «تاریخ ملل شرق»۵. «پیام به فرهنگستان»۶. «تاریخ رم»۷. «تاریخ مختصر ایران»۸. «تاریخ مختصر دولت روم قدیم»۹. «تاریخ شعراء»۱۰. «تاریخ ساسانیان» ۱۱. «تاریخ قرن نوزده میلادی» ۱۲. «ترجمه فن سماع طبیعی» از ابن سینا [از کتاب شفا [۱۳. «تصحیح کلیات سعدی» ۱۴. «حکمت سقراط به قلم افلاطون» [۲ جلد[۱۵. «حقوق اساسی» ۱۶. «سیر حکمت در اروپا» (در ۳ مُجَلّد) ۱۷. «فهرست رجال بزرگ ممالک» ۱۷. «مختصر شاهنامه» [۱۹. «تصحیح رباعیات خیام» با همکاری دکتر قاسم غنی ۲۰. «زبده حافظ» ۲۱. «منتخب شاهنامه» ۲۲. «علم فیزیک» ۲۳. «چرا؟ به این جهت» ۲۴. «یادداشت های روزانه» که سال ۱۳۸۸ش چاپ شده است. ۲۵. «سیاست نامه ذکاء الملک» که سال ۱۳۸۹ش چاپ شده است.(۱)]

آقا محمّدعلی دانش اصفهانی

آقا محمّدعلی معروف به «آقابزرگ» و متخلّص به «دانش» فرزند محمّدحسین محرر اصفهانی، شاعر ادیب و خوشنویس در قرن سیزدهم هجری. در جوانی به شغل چینی فروشی مشغول بوده و سپس به کتابت پرداخته و خط نسخ را خوش می نوشته است. از جمله نسخه ای از «مصابیح القلوب» تألیف: میر محمّدحسین بن میر عبدالباقی

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۳۸ و ۸۳۹؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۵۹-۳۶۱؛ رجال عصر مشروطیّت، صص ۴۹ و ۵۰؛ شرح حال رجال ایران، ج۳، صص ۴۵۰ و ۴۵۱؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص۶۷؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۴، صص ۳۳۴-۳۳۸؛ نادره کاران، صص ۳۳ و ۳۴؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۱۳۵؛ صدر التّواریخ، ص ۱۰۰.

خاتون آبادی را به خط نسخ کتابت کرده که به شماره ۴۲۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۱)

او مردی آراسته، خوش محاوره و نیکوخصال و بخشنده بوده و اغلب شعرای سایر بلاد که به اصفهان می آمدند را مورد اکرام قرار می داده و در صورت فوت به تغسیل و تکفین آنان می پرداخت و به این خاطر به «وارث الشّعراء» معروف بود. [نواده اش: ملاّ حسن چینی بن عبدالغفار بن محمّدعلی دانش از حکمای معروف عهد قاجاریه است و دانش در تربیت او اهتمام فراوان داشته است.

سال وفات او به دست نیامد. او پس از فوت در قبرستان بزرگ مصلای تخت فولاد جنب تکیه سادات بهشتی اصفهان مدفون شد. متأسفانه به دلیل شکستگی قسمتی از سنگ مزار او که حاوی تاریخ فوت اوست، امکان تعیین تاریخ وفات او میسّر نشد.]

از اوست:

سوختم از تَف آه دل خود پیکر خویش پهلوی خویش نهادیم به خاکستر خویش

کارم از طعنه رسیده است به جائی «دانش» که نمایم رخ او را به ملامتگر خویش(۲)

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۲۵.

۲- تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۲۹۰؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۵۹۵ و ۵۹۶؛ تذکره دلگشا، صص ۴۸۴-۴۸۶؛ تذکره منظوم رشحه، ص۳۹؛ تذکره اختر، صص ۷۲-۷۶؛ تذکره نگارستان دارا، ص۱۹۱؛ تذکره سفینه المحمود، صص ۱۹۳-۱۹۵؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۵۰۱-۵۰۳؛ الذریعه، ج۹، ص۳۱۵؛ تذکره شبستان، ص۱۰۳؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، ج۲، صص ۵۰۶ و ۵۰۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

سیّد محمّدعلی رضوی سدهی

سیّد محمّدعلی رضوی متخلّص به «سیّد» فرزند آقا سیّد محمّدحسین سدهی از شعرای اصفهان [در قرن چهاردهم هجری] است. گاهی اشعاری می سراید. از اوست:

دودکش را جز زیان حاصل نمی گردد ز دود ای گروه دودکش زین کار بی حاصل چه سود

از صراط عقل گر بیرون نباشد آدمی اندرون خویش هرگز پر نمی سازد ز دود(۱)

حاج میرزا محمّدعلی شریعتی دهاقانی*

حاج میرزا محمّدعلی بن آخوند ملاّ محمّدحسین شریعتی دهاقانی، عالم فاضل از علمای قرن سیزدهم و چهاردهم هجری. در حدود ۱۲۴۰ش در دهاقان متولّد شد و پس از تحصیلات مقدّماتی به اصفهان رفت و نزد جهانگیرخان قشقائی و دیگران به تحصیل پرداخت. وی سرانجام در سال ۱۳۴۹ش وفات یافت.(۲)

محمّدعلی فارغ حبیب آبادی*

حاج محمّدعلی محسنی حبیب آبادی متخلّص به «فارغ» فرزند حاج ملاّ حسین، شاعر و ادیب فاصل. در روز ۴ رجب ۱۳۲۷ق (مطابق سال ۱۲۸۸ش) در روستای حبیب آباد بُرخوار اصفهان متولّد شد و در نوجوانی از محضر عالم جلیل القدر حاج شیخ

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۵۷.

۲- سیمای دهاقان، ص۲۸۲.

عباسعلی ادیب حبیب آبادی بهره گرفت. او ۱۰ سال در اداره مالیه به کار پرداخت امّا به خاطر علاقه به فرهنگ، سال ها به تدریس در مدرسه و مکتبخانه و تعلیم و تربیت نوباوگان در حبیب آباد مشغول بود. وی سرانجام در ۱۶ مرداد ۱۳۷۱ش وفات یافته و در صحن امامزاده شاهزاده حسن حبیب آباد بُرخوار مدفون شد. این کتاب ها از اوست:

۱. «دیوان یار و اغیار» که در سال ۱۳۸۱ش به چاپ رسیده است. ۲. «فروغ الکلام» ۳. «آغوش صبا»(۱)

این شعر از اوست:

آن که را اعظم اکسیر سعادت دادند از خم خون جگر شهد شهادت دادند

آن که را محرم اسرار حقایق خواندند مُهر مکتوم به لب های ارادت دادند

حسّ ظلمت نکند نور حواسش زنهار آن که را لذّت اسحار سعادت دادند(۲)

میرزا محمّدعلی نیریزی*

میرزا محمّدعلی بن محمّدحسین شریف نیریزی معروف به «پاقلعه ای» عالم فاضل و خوشنویس ماهر. در اواخر قرن سیزدهم هجری در محله پاقلعه اصفهان می زیسته و از شاگردان آقا محمّدمهدی و میرزا ابوالمعالی کلباسی و ملاّ حسینعلی تویسرکانی بوده است. مرحوم تویسرکانی در سال ۱۲۶۲ق برای او اجازه روایت نوشته است.

او انواع خطوط (نسخ، ثلث، شکسته و نستعلیق را خوش می نوشته و در ماه جمادی الثّانی ۱۲۶۲ق نسخه ای از «هدایه الطّالبین» تألیف: آقا محمّدمهدی کلباسی به خط زیبای خود نوشته که نزد علاّمه مفضال و محقّق عالیقدر حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۳)

۱- ادیب ماندگار، ص۲۶۹؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۷۰۱.

۲- دیوان یار و اغیار، ص۱۶۶.

۳- مکارم الآثار، ج۸، ص۲۷۵۳.

شیخ محمّدعلی واعظ تلواسکانی*

شیخ محمّدعلی واعظ تلواسکانی فرزند محمّدحسین از وعاظ و علمای اواخر دوره قاجاریه است. اهل علم و فضل بوده و در اصفهان به وعظ و خطابه می پرداخته است. کتابخانه ای نفیس و ارزشمند داشته که برخی از کتب آن به کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم منتقل شده است.(۱)

«تلواسکان» از محلّه های قدیمی اصفهان است که حجاران آن مشهور به مهارت در هنر حجاری بوده اند.

حاج میرزا محمّدعلی کلانتر

حاج میرزا محمّدعلی کلانتر بن میرزا محمّدرحیم کلانتر بن میرزا محمّدعلی موسوی حکیم سلمانی اصفهانی، مانند عموم خاندان خود مردی شریف و ادب دوست بوده و در ۲۷ محرم ۱۳۵۰ق وفات یافته، در یکی از اطاق های تکیه ملک [آرامگاه خانوادگی کلانتر] در تخت فولاد مدفون شد و با فوت او عنوان کلانتری که از تشکیلات حکومتی و مناصب دولتی قدیم بود از بین رفت.(۲)

دکتر محمّدعلی لسانی فشارکی*

دکتر محمّدعلی لسانی فشارکی فرزند خلیل بن شیخ محمّدباقر بن شیخ محمّدمهدی بن آخوند ملاّ محمّدباقر فشارکی، از اساتید دانشگاه و پژوهشگران معاصر.

۱- فهرست مرعشی، ج۴، صص ۳۳ و ۵۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۱۰۲۳ و ۱۰۲۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۹؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

در سال ۱۳۳۲ش متولّد شد و چندی در حوزه علمیه اصفهان و قم تحصیل کرد. او پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در دانشگاه تهران در رشته قرآن و حدیث به تحصیل پرداخت و پس از اتمام آن به عضویت هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس تهران درآمد. او همچنین در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم تحقیقات) و دانشکده علوم قرآنی شهرری و دانشگاه امام صادق علیه السلام تدریس نموده و همچنین از اعضای هیأت علمی دائره المعارف بزرگ اسلامی است و مقالات متعددی برای این دائره المعارف تألیف نموده است.

این کتاب ها از آثار او به چاپ رسیده است:

۱. ترجمه «قرآن منشور زندگی» تألیف: یوسف قرضاوی و عبدالعزیز سلیمی۲. ترجمه «سیمای صابران در قرآن» تألیف: یوسف قرضاوی۳. «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم»۴. ترجمه «الرحیق المختوم» تألیف: شیخ عبدالرحمان مبارک فوری با نام «خورشید نبوت»۵. «تفسیر روحانی» گزارشی از تفسیر علاّمه مجاهد شهید آیت اللّه حاج آقا مصطفی خمینی۶. «تجوید کامل»۷. «شرح فشرده ای بر مقدمه تفسیر المیزان»۸. «تاریخ قرآن»۹. «سیمای هنری ضرب المثل های قرآنی»۱۰. «مباحثی در علوم قرآن» ۱۱. «وحی و قرآن» و غیره(۱)

محمّدعلی اصفهانی*

محمّدعلی بن ملاّ محمّدرضا اصفهانی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. او نسخه ای از «شرح اصول کافی» (شرح کتاب التوحید از اصول کافی) را به خط نسخ در پنج شنبه ۱۷ ربیع الاوّل ۱۱۰۷ق کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه سیّد احمد

۱- سایت اینترنتی فشارک: شرح حال دکتر محمّدعلی فشارکی، نوشته: سیّد منصور هاشمی فشارکی و محسن جعفری فشارکی، در بهار ۱۳۸۶؛ قرآن پژوهان اصفهان، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

روضاتی در اصفهان موجود است.(۱)

محمّدعلی برهانی

محمّدعلی برهانی فرزند رضا، از شعرای معاصر اصفهان. در ۱۰ شهریور ۱۳۱۱ش در روستای «شیدان» اصفهان متولّد شد و نزد پدر علم و ادب آموخت. از نوجوانی به شعر و ادبیات علاقمند شد و در اصفهان به تحصیل ادامه داد و در این شهر سکونت گزید. او در انجمن های ادبی حافظ، خانه هنرمندان، خانه کارگر و حکیم نظامی شرکت می کند و به شغل کتابفروشی روزگار می گذراند.

از اوست:

بر لب بود چو غنچه تبسّم نکو ولی چون گل مباد خنده ما پرده در شود(۲)

میرزا محمّدعلی حکیم باشی

میرزا محمّدعلی حکیم باشی فرزند میرزا محمّدرضا بن میرزا احمد بن حکیم سلمان موسوی اصفهانی، از اطباء حاذق قرن دوازدهم هجری. بعد از وفات والد ماجد خود، در دارالسّلطنه اصفهان به لقب و منصب ارثی خود برقرار گردید.(۳)

حاج سیّد محمّدعلی بهشتی نژاد*

حاج سیّد محمّدعلی بهشتی نژاد فرزند حاج سیّد رضا بهشتی نژاد بن سیّد جلال بن میر محمّدصادق حسینی بهشتی، عالم فاضل و محقّق متتبّع معاصر. در دی ماه ۱۳۲۴ش در اصفهان متولّد شده و ضمن تحصیل در دبستان مفید نزد پدر گرامی خود و همچنین دایی

۱- فهرست سیّد احمد روضاتی، ص۵۹.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۱۱۳.

۳- فارسنامه ناصری، ج۲، ص۱۱۳.

خود: حاج سیّد مصطفی بهشتی نژاد به تحصیل مشغول شد. و پس از کسب علوم مقدماتی در درس شیخ فضل اللّه ذوعلم، حاج شیخ احمد فیاض و شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی حاضر شد. همچنین طب را از حاج آقا مرتضی موحّد ابطحی، «خلاصه الحساب» را از حاج آقا حسن امامی و هیئت را از مجدالعلماء نجفی آموخت. سپس در درس حاج سیّد محمّدعلی صادقی و حاج شیخ حسن صافی حضور یافت.

او برای تکمیل تحصیلات خود به قم عزیمت نموده و در درس حضرات آیات: محمّدی گیلانی و دوزدوزانی، شهید مطهری و شیخ مرتضی حائری حضور یافت. او از سال ۱۳۴۲ش در مبارزات روحانیّت با رژیم پهلوی حضور داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تدریس در دانشگاه و تبلیغ در شهرهای مختلف و اقامه نماز در برخی مساجد اصفهان مشغول شد.

کتاب های زیر از تألیفات اوست:

۱. «فهرستی از سادات اصفهان» مطبوع۲. «اساتید و قاریان قرآن کریم در اصفهان»، مطبوع۳. «سادات اصفهان»۴. «مسجد و محلّه لنبان»۵. «وعاظ اصفهان»۶. «شعرای حوزوی اصفهان»۷. «حکام اصفهان»۸. «هزاران شاعر فارسی زبان ولاتی»۹. «مداحان اصفهان» ۱۰. «یکصد و ده حکایت آموزنده» ۱۱. «تُزُبچه نقلی» شامل نکات متفرقه، کشکول مانند ۱۲. «دیوان اشعار» ۱۳. «تصحیح دیوان خاور» ۱۴. «تصحیح دیوان حاج آقا احمد بهشتی» ۱۵. «وقفیات جالب اصفهان» ۱۶. «چهل حدیث»

محمّدعلی دادور (فرهاد)*

محمّدعلی دادور متخلّص به «فرهاد» فرزند حاج رضا فرزند حاج عباس. از شعراء و ادبای توانای معاصر در روز ۱۵ فروردین ۱۳۲۹ش در محلّه حسین آباد اصفهان متولّد

شد. تحصیل در مقطع ابتدائی را در دبستان کشاورزان و دبستان رضوی طی نمود. آنگاه در رشته علوم تجربی در دبیرستان شاه عباس ادامه تحصیل داد. او پس از اخذ دیپلم به سربازی رفت و پس از آن در رشته تاریخ در دانشگاه اصفهان تحصیل کرد و با رتبه نخست در آن رشته لیسانس گرفت و از سال ۱۳۵۷ش به استخدام آموزش و پرورش درآمد. وی پس از دو سال تدریس در نیشابور و یک سال در تهران، به اصفهان منتقل شد و تا زمان بازنشستگی در سال ۱۳۸۵ش به تدریس ادبیات در دبیرستان های اصفهان مشغول بود.

او از اوان نوجوانی طبعی موزون داشت و مشوق او در سرودن شعر مادربزرگش بود. در سن دوم متوسطه به انجمن ادبی برجیس (فروغ) راه یافت و پس از آن کم و بیش در انجمن های ادبی اصفهان همچون صائب، سعدی، سرور و دکتر سیاسی حضور می یافت.

معلومات گسترده استاد دادور در زمینه ادبیات و فرهنگ و فلسفه و جامعه شناسی حاصل مطالعات و تحقیقات شخصی اوست. در اغلب قالب های شعر همچون: غزل، قصیده، رباعی، مثنوی، نیمائی و سپید طبع آزمائی نموده و قدرت طبع، نوجوئی و تازگی و محتوای غنی شعر خود را به نمایش گذاشته است تا حدّی که می توان وی را از سخنوران طراز اوّل امروز اصفهان به شمار آورد.

اشعار او در کتاب های زیر به چاپ رسیده است:

۱. «پرواز در طوفان»۲. «بی بهار شکفتن»۳. «لبخند خدا»۴. «آواز ققنوس»

همچنین مجموعه شعر نو «پری در شیشه ساعت»، مجموعه غزل های عاشقانه «بیدار باش عشق»، مجموعه قصاید «کودکان»، مجموعه شعر «مرغ قطا و برگ سبز»، رُمانِ «کلاغ» و چندین داستان کوتاه از او هنوز به چاپ نرسیده اند.(۱)

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آقای دادور در تیرماه ۱۳۸۹.

این شعر از اوست:

مرا به خواب چه خوانی که صبح بیداریست هزار چشمه خورشید از افق جاریست

گِلوی نغمه به آهنگ شوق ساز کنیم زمان نو شدن این سرود تکراریست

درآمدی ز حصار مخالف اکنون کن حزین مخوان که نوا در سپهر افشاریست

چه جای مرهم و بستر که گرم پیکاریم اگرچه زخم عمیق است و ضربه ها کاریست

زِ بس بخور پلیدی زِ بام و در جوشد نفس کشیدن آزادگان به دشواریست

شنیده ها همه درد است و دیده ها همه رنج زمانه ایست که نور و نسیم بیماریست

به هوش باش که رسوای عالمی نشوی حریف عشق چو از شاهدان بازاریست

به هیچ چیز ندادم عنان طبع بلند به غیر بال که سرمایه گرفتاریست

کجاست آینه دل یار آتشین نفسم که گرچه تلخ بود، نقل بزم عیّاریست

جهان بی خبری را به هیچ نفروشم اگر هنوز به هوشم به حکم ناچاریست

میرزا محمّدعلی تبریزی*

میرزا محمّـدعلی بـن میرزا محمّـدرضا تـبریزی، از خوشـنویسان قرن یـازدهم و اوایـل قرن دوازدهـم هجری است. از شـاگردان محمّدصالح اصفهانی بوده و خط نستعلیق را خوش می نوشته و در کتابخانه سلطنتی صفویه در اصفهان ملازم بوده است.(۱)

ملاّ محمّدعلی تونی خراسانی*

ملاّ محمّدعلی بن محمّدرضا رقیی تونی خراسانی اصـفهانی، عالم فاضل، ادیب ماهر، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری ظاهرا در شـهر «تون» (که امروزه آن را «فردوس» نامیده اند) در خراسان متولّد شده و در مشـهد مقدس نزد جمعی از فضلاء از جمله حاجی محمّدحسـین بُغمچی مشـهدی درس خواند. سپس به اصفهان آمده و به تحصیل و تحقیق و تألیف مشغول شد و سال ها در این شـهر ساکن و شاهـد حوادث این شـهر از جمله محاصـره و سـقوط اصـفهان به دست افاغنه بود. مـدّتی در مدرسه مریم بیگم ساکن بوده و کتاب هایی را کتابت کرده است. در اصـفهان از محضر میر بهاءالدّین محمّد مختاری نائینی و ملاّ عبدالحی دیهوکی طبسی و دیگران بهره گرفت. او تا حدود سال ۱۱۶۴ق زنده بود.

وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «النّهایه فی شرح الهدایه» که شرح کتاب «الهدایه فی النحو» تألیف: عبدالجلیل بن فیروز الغزنوی است، نسخه اصل نزد علاّمه مفضـل حـاج سیّد محمّـدعلی روضـاتی (سـلمه اللّه تعـالی) موجود است و در «دومین دوگفتـار» جناب آقای روضاتی مفصّـل درباره مؤلف

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص ۷۹۰.

سخن گفته انـد. ۲. «تحفه الطّلبه»۳. «الاربعین» یا «روضه المؤمنین»۴. «علاج الاسـقام و دفـاع الآلام» به فارسـی، درباره درمان بیمـاری هـای گوناگون، در یک مقـدمه، ۲۴ بـاب و خـاتمه که نسـخه هـایی از آن در کتابخـانه هـا موجود است. علاّمه شـیخ آقابزرگ طهرانی نسـخه ای از آن را در سامرا دیده اند.۵. «کفایه المتعبّدین» به فارسـی، در ادعیه و زیارات، در یک مقدمه و ۱۴ باب و یک خاتمه(۱)

صـاحب عنوان در سال ۱۱۴۵ق نسـخه ای از «من لا یحضـره الفقیه» را در اصـفهان در مـدرسه نواب به خط نسخ کتابت نموده است. نسـخه به شماره ۲۷۲۵ در کتابخانه مرعشـی قم موجود است. کاتب نسـخه مجاز از ملاّ عبـدالحی بن محمّدرفیع دیهوکی طبسی است. اجازه در کتاب قبل از مشیخه نوشته شده است.(۲)

میرزا محمّدعلی فروغ اصفهانی

میرزا محمّدعلی اصـفهانی متخلّص به «فروغ» فرزند میرزا محمّدرضا، از شعرای قرن دوازدهم هجری. پدرش از اصفهان به هند رفته و او در سـال ۱۱۴۰ق در آنجا متولّـد شد. [در جوانی برای تحصـیل به بصـره و بغداد سـفر کرده و عاقبت به هند مراجعت کرده و مورد عنایت اُمَراء و بزرگان آنجا قرار گرفت و در سال ۱۲۰۰ق] در شهر بنارس وفات یافت.

از اوست:

باده رنگین می نماید روی تابان تو را آبیاری می کند آتش گلستان تو را

۱- دومین دوگفتار، صص ۸۳-۸۶ و ۶۳ و بنگرید به: اعیان الشیعه، ج۴۶، ص۲۴۷۹؛ الذریعه، ج۱۵، ص۳۰۹؛ ج۱۸، ص۹۸ و ج۲۴، ص۴۰۲؛ الکواکب المنتشره، صص ۵۰۹-۵۱۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۸۸.

از خدنگت هر نفس دل را نشاطی رو دهد داده اند از باده گویا آب پیکان تو را(۱)

حاج محمّدعلی خان اوحدی سدهی

حاج محمّدعلی خان اوحدی [فرزند حاج شیخ رمضان واعظ سدهی، از علماء و سیاستمداران اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. در سال ۱۲۶۰ش در سده ماربین (خمینی شهر) متولّد شده(۲)] و در اصفهان و نجف تحصیل کرد. سپس در تهران ساکن شد و در چند دوره از مجلس شورای ملّی نماینده اصفهان بود. او در ایام تحصیل در نجف با آقا سیّد مهدی درچه ای معاشر و هم حجره بود و از زهد و تقوای آقا سیّد مهدی حکایت ها نقل می نمود.

سرانجام در شب دوشنبه ۱۱ جمادی الثانیه ۱۳۸۱ق در طهران وفات یافت.(۳)

محمّدعلی نقاش اصفهانی*

محمّدعلی بن آقا محمّدزمان اصفهانی، نقاش و قلمدان ساز و صاحب قریحه. اواخر عهد صفوی و فرزند هنرمند نامی محمّدزمان اوّل و برادر نقاش چیره دست محمّدیوسف است. او به سیاق فرنگی سازی پدرش صحنه های بزم و گل و مرغ را بر روی قلمدان نقاشی می کرد ولی در این شیوه به پایه هنر پدر نمی رسید. او در اواخر دوره صفویه مورد عنایت شاه سلطان حسین و بزرگان دربار و دولت خصوصا میرزا فتحعلی خان داغستانی بود. به روایتی علی اشرف از شاگردان اوست.

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۳۳۸؛ صحف ابراهیم، ص۲۰۴؛ تذکره روز روشن، ص۶۱۸؛ تذکره غنی، ص۱۰۱.

۲- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، ص۲۴۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۶۹.

این آثار از اوست:

۱. قلمدان تابوتی با گل و مرغ که رویه آن با نگاره مجلس بزمی زینت شده و با تصویر نوازدگان و زنان زیبا که رقم آن «راقمه ابن محمّدزمان محمّدعلی فی شهور سنه ۱۱۱۹» است و اکنون در مجموعه کرمل القانیان است.

۲. قلمدان گل و مرغ و بزمی با نگاره مناظر دلفریب و قصر سلطنتی و چهره های بسیار با رقم «محمّدعلی بن محمّدزمان ۱۱۳۰» که در حال حاضر در مجموعه کرمل القانیان است.

۳. تصویر شاه سلطان حسین صفوی که هدایای نوروز را پخش می کند با رقم «محمّدعلی بن محمّدزمان ۱۱۳۳» این اثر متعلق به کتابخانه برتیش میوزیوم است.

۴. قلمدان بسیار زیبائی با نگاره بزم عاشقانه یک شاهزاده و زنی طناز و مناظر دیگر و رقم «راقمه ابن محمّدزمان محمّدعلی» این قلمدان تاریخ ۱۱۴۴ دارد.

۵. قلمدان با تصویر شاهزاده و انواع مناظر اصفهان بدون رقم و تاریخ که استاد کریم زاده تبریزی آن را از کارهای محمّدعلی بن محمّدزمان دانسته است.(۱)

شیخ محمّدعلی احمدیان نجف آبادی*

شیخ محمّدعلی احمدیان فرزند حاج رمضان نجف آبادی [از علمای فاضل معاصر] در سال ۱۳۰۰ش (مطابق ۱۳۴۰ق) در نجف آباد متولّد شد. در نوجوانی در نجف آباد و اصفهان به تحصیل علوم دینی پرداخت و از درس شیخ احمد حججی، شیخ غلامحسین منصور، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی و شیخ ابراهیم ریاضی بهره برد. سپس به قم عزیمت کرده و در درس حضرات آیات: میرزا محمّدعلی ادیب تهرانی، مرعشی نجفی،

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، صص ۷۴۸ و ۷۴۹؛ دائره المعارف هنر، ص۵۲۱؛ مکتب نقاشی صفوی اصفهان، صص ۷۸ و ۷۹؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۳، ص۱۹۳۵.

سیّد مرتضی علوی فریدنی، شیخ عبدالرزاق قائینی، سیّد محمّدباقر قزوینی و سیّد محمّدرضا گلپایگانی حاضر شد. آنگاه در سال ۱۳۶۰ق به سفر حج مشرّف شده و در بازگشت در نجف اشرف ساکن شده و سطوح عالی و خارج را نزد حضرات آیات: میرزا عبدالهادی شیرازی، سیّد جمال الدّین گلپایگانی، شیخ عبدالرّسول جواهری، سیّد محسن حکیم، میرزا باقر زنجانی و سیّد ابوالقاسم خوئی طی نموده و به درجه اجتهاد نائل آمد.

او در نجف اشرف به تدریس پرداخت. او عضو شورای استفتاء مرجع عالیقدر سیّد عبدالهادی شیرازی بود.

وی در سال ۱۳۹۳ق به خاطر فشارهای رژیم بعثی عراق مجبور به مراجعت به ایران شد و در قم سکونت گزید و به تدریس مشغول شد. این عالم ربانی در شب یکشنبه ۲۶ ذیقعده سال ۱۴۱۷ق (مطابق ۱۶ فروردین ۱۳۷۶ش) در نجف آباد وفات یافت و پیکرش به قم حمل و پس از تشییع در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

از خدمات اجتماعی او همکاری در تجدید بنای مسجد جامع نجف آباد همکاری و پیگیری برای کانال کشی آب زراعی نجف آباد و کمک به توسعه حسینیه اعظم نجف آباد را می توان نام برد.

کتاب های زیر از تألیفات اوست:

۱. «الاربعون حدیثا»۲. «الصّحابه الکرام» در سه جلد۳. «المعمرون»، تحقیق درباره ۵۵۰نفر از راویانی که عمر طولانی کرده اند.۴. «المکاسب المحرمه» (تقریرات درس میرزا عبدالهادی شیرازی) ۵. «بحث الاستصحاب» (تقریرات درس میرزا عبدالهادی شیرازی) ۶. «حاشیه و مستدرک علی نقد الرّجال»۷. «حواشی علی مجمع البحرین» (فی الفقه) ۸. «رساله فی الخمس»۹. «رساله فی الدّیات»۱۰. «رساله فی القضاء» ۱۱. «تحقیق زبده التفاسیر» تألیف: کاشانی ۱۲. «طبقات المفسرین» (از صدر اسلام تا امروز، از مفسران شیعه) ۱۳. «فهرست الاصول الستته العشر» ۱۴. «فهرست

أمالی» (تألیف: شیخ طوسی) ۱۵. «فهرست حاشیه المکاسب» (تألیف: غروی اصفهانی) ۱۶. «قاعده لا ضرر» ۱۷. «تحقیق و شرح مسالک الافهام» ۱۸. «منتخب الاشعار و المطالب»(۱) ۱۹. «احوال رجال و الاصول السّتته عشر علی رأی المامقانی» که به شماره ۱۸/۱۲۷۱۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

محمّدعلی اصفهانی

محمّـدعلی بن زین العابدین اصـفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در روز دوشـنبه آخر رجب ۱۲۷۷ق به دستور عباسقلی خان سیـف الملک، نسخه ای از «شرح قصیده رائیه» ابن بدرون را به خط نستعلیق کتابت نموده است. نسخه به شماره ۶۱۶۲ در کتابخانه ملّی ملک طهران موجود است.(۳)

میرزا محمّدعلی معلم حبیب آبادی

میرزا محمّـدعلی معلم حبیب آبادی فرزند زین العابدین بن حسـین بن علی اکبر بن محمّد بن حسـین، عالم ادیب متتبّع و مورّخ متضلّع شـاعر کامـل. [از نویسـندگان مورّخان دانشـمند معاصـر] در سال ۱۳۰۸ق در قریه حـبیب آبـاد بُرخـوار اصـفهان متولّد گردیـده و در زادگاه خود دروس مقدماتی را آموخت. او بیشتر دانش خود را از طریق مطالعه و تحقیق به دست آورده و علوم ریاضـی، هیـأت و نجـوم قـدیم و تقـویم را از میرزا محمّـدعلی رجـاء زفره ای و بـه طـور پراکنـده فقـه و اصـول را از آقـا شـیخ محمّدرضا قمشه ای و میرزا رضا کلباسی کسب نمود. از سال ۱۳۴۸ق به اصفهان منتقل شده و در مدرسه کاسه گران ساکن

۱- سیمای دانشوران، صص ۴۵-۴۸؛ آئینه اهل قلم، صص ۲۳ و ۲۴؛ تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۷۱۷-۱۷۱۹.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۳۲۷.

۳- فهرست ملک، ص ۴۳۰.

شد و به تدریس جامع المقدّمات و سیوطی مشغول شد و در کنار آن در قرائت خانه شهرداری، به کتابداری پرداخت.

او عالمی متواضع و زاهد و عابد بود. حافظه ای قوی داشت و در تحقیق بسیار دقیق، امانت دار و علوم انساب، رجال و ادبیات عرب و تفسیر مهارتی به سزا داشت.

در شعر ابتدا «مستعصم» و سپس «آذر» تخلّص می کرد و عاقبت آن را به «معلم» تغییر داد. این دانشمند عالیقدر در سه شنبه ۲۲ رجب ۱۳۹۶ق [مطابق با ۲۹ تیر ۱۳۵۵ش] وفات یافته و در زادگاه خود حبیب آباد بُرخوار مدفون شد. استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» ضمن قطعه ای مادّه تاریخ وفاتش را گوید:

نوشت از پی تاریخ فوت او «برنا»: «اجل ز دست معلم ربود کلك و کتاب»

استاد مرتضی هادوی فرد متخلّص به «نامی» نیز ضمن قطعه ای سروده است:

خواست چو «نامی» کند سال وفاتش بیان گفت که: «از دار دون رفته معلم برون»

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اربعین»۲. «امالی» در متفرقات رجالی۳. «اجزائی در احادیث و مطالب متفرّقه»۴. «احوال شیخ محمّدرضا مسجدشاهی اصفهانی»۵. «اشعار متفرقه» در ۳ جلد (از اشعار خودش) ۶. «احوال چهار نفر از علماء مسجدشاهی اصفهان»۷. «احوال شیخ الاسلام های اصفهان»۸. «اشعار متفرقه» از دیگران، در دو مجلّد۹. «جعبه» در مطالب متفرقه و کشکول مانند۱۰. رساله در «شرح حال آقا سیّد محمّدحسن مجتهد موسوی اصفهانی» ۱۱. «رشحات سمائی» در شرح حال شیخ بهائی ۱۲. «عراضه الاخوان» در سفرنامه خراسان [که در جلد دهم کتاب «میراث اسلامی ایران» (صفحات ۵۲۸ تا ۵۶۴) به چاپ رسیده است.] ۱۳. رساله در «احوال اولاد حاج سیّد محمّدباقر

حجه الاسلام بیدآبادی» ۱۴. «فهرست تألیفات خود و اساتید و مشایخ خود» ۱۵. «فهرست مجالس المؤمنین» ۱۶. «فهرست کُتُب مِلکی خود» ۱۷. «فهرست باب دهم المآثر و الآثار» ۱۸. «قبور عتبات» [و سایر قبور مشاهد مشرفه و بلاد ایران و عراق] ۱۹. «کشف الخبیئه از مقبره زینبیه ۲۰. «الکلمات العالیات» در حاشیه بر «روضات الجنّات» ۲۲. «لئالی البحر در توقیعات ایام و شهور» ۲۳. «مختصر تقاویم» از سال ۱۱۵۷ق تا ۱۳۲۱ق ۲۴. «مختصر التّواریخ» ۲۵. «مختصر المکارم» ۲۶. «مکارم الآثار» در فضلای دوره قاجار [که تاکنون به همت علّامه مفضال آیت اللّه حاج سیّد محمّدعلی روضاتی (سلمه اللّه تعالی) و با حواشی و تعلیقات محققانه ایشان ۸ جلد از آن به چاپ رسیده است.] ۲۷. «مقالات مبسوطه» در ذکر فضلای دوره مشروطه ۲۸. «مکمل الافهام» و آن ارجوزه ایست در رجال ۲۹. «نمونه مختصر المکارم» ۳۰. «کتابی در حدیث» ۳۱. «شرح حال خاندان حاج محمّدابراهیم کلباسی» ۳۲. «اشعریان قم»

همچنین مقالات متفرقه، که در کتاب ها و پشت رساله ها پراکنده است و حواشی بر اغلب کتب رجالی همچون «روضات الجنّات»، «تذکره القبور»، «شمس التّواریخ»، «انساب خاندان مجلسی»، «قصص العلماء»، «المآثر و الآثار»، «فارسنامه ناصری» و غیره از آثار اوست. او با فضلای دوره خود مراسلاتی داشته و در آنها مباحث علمی را مطرح نموده است.(۱)

این ابیات از اشعار اوست:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۵۸-۴۶۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور: مقدمه؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۳۲؛ مصفی المقال، ص۳۳۶؛ مزارات اصفهان، صص ۱۶۱-۱۶۳؛ گنجینه دانشمندان، ج۸، ص۳۱۰؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۱۴۴-۱۴۸؛ مکارم الآثار، ج۵: مقدمه؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، صص ۱۰۷ و ۱۰۸؛ بزم ادب، ص۳۲۹؛ نادره کاران، صص ۳۷۱ و ۳۷۲؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۳، ص۲۰۰۹؛ ادیب ماندگار، صص ۲۶۷ و ۲۶۸.

شوخی که از او هرچه رسد جور و ستم به در جور تو ریزد اگر ای دل همه سم به

در مرحله عشق و وفا چون و چرا نیست گر او بپسندد سر ما خاک قدم به

شیخ محمّدعلی نوری فشارکی*

شیخ محمّدعلی فشارکی فرزند زین العابدین بن کاظم، از علمای عالیقدر قرن چهاردهم هجری. فقیه محقّق دانشمند فاضل. در حدود سال ۱۲۹۵ق در اصفهان متولّد شده و نزد علمای عالیقدر این شهر تحصیل کرد. نیای مادری او شیخ جعفر فشارکی و دایی های او از مجتهدین و مراجع عالیقدر اصفهان آخوند ملّا محمّدباقر فشارکی و آخوند ملّا حسین فشارکی بوده اند.

نوری فشارکی سال ها در اصفهان به تدریس مقدمات مشغول بوده و اغلب اوقات را به مطالعه و تحقیق و تألیف و عبادت می گذرانیده و در عزلت می زیسته تا اینکه در شب دوشنبه ۱۲ شوال المکرم ۱۳۶۹ق وفات یافته و در تکیه زرگرها در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. گاهی به فارسی و عربی شعر می گفته است. او به برخی از علمای اصفهان مانند میرزا عبدالجواد متعمدالذاکرین اجازه داده و از آخوند ملّا محمّد اصفهانی اجازه دریافت نموده است.

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «المطویات العلیه» در شرح «زبده الاصول»۲. «شرح ارشاد الاذهان»۳. «اکمال الایمان» در عقاید، با ادلّه۴. «مشکاه الولایه»۵. «منظومه الحبیبیّه» در اصول فقه۶. «الاسبوعیه فی الاعمال الخیریه الجاذبه للسعاده السّرمدیه» در ادعیه و اعمال و

اوراد۷. «منظومه ای در اصول الدّین» به فارسی۸. «مجموعه ای در اشعار و منشآت»(۱)

شیخ محمّدعلی جبل عاملی اصفهانی

شیخ محمّدعلی بن حاج زین العابدین جبل عاملی اصفهانی، [از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری] در ۲۰ جمادی الآخره ۱۲۸۲ق مجموعه ای به خط نستعلیق زیبا کتابت نموده است. نسخه به شماره ۹۷۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

[همچنین او کتب «شرح الواصلین» تألیف: پیر جمال الدّین محمّد اردستانی را در سال ۱۲۵۹ق به خط نستعلیق کتابت نموده که به شماره ۱۴۵ط در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۳)]

سیّد محمّدعلی علویجه ای

سیّد محمّدعلی بن زین العابدین حسینی علویجه ای اصفهانی، عالم فاضل، از علمای قرن چهاردهم هجری. مؤلف:

۱. «تحفه النائمین» (در فضیلت ماه رمضان و روزه) ۲. «تبصره الصائمین» در آداب و مواعظ به فارسی که در شوال ۱۳۳۳ق تألیف شده و حضرات آیات سیّد اسماعیل صدر و شیخ عبدالکریم حائری یزدی بر آن تقریظ نوشته اند. این دو نسخه که در سال ۱۳۷۹ق به دست علی (فرزند مؤلّف) کتابت شده به شماره ۴۹ در کتابخانه آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهرری موجود است.(۴)

۱- تراجم الرجال، ج۲، صص ۷۴۱ و ۷۴۲؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۲- فهرست مرعشی، ج۳، ص۱۶۹.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص۵۱۶.

۴- فهرست آستانه عبدالعظیم، ج۱، صص ۹۲-۹۴.

شیخ محمّدعلی یزدی

حاج شیخ محمّدعلی یزدی فرزند زین العابدین، عالم فاضل جلیل [از علمای قرن چهاردهم هجری.]

در سال ۱۲۷۳ق در محلّه قلعه کهنه یزد متولّد شده و در نوجوانی نزد سیّد علی مدرّس یزدی و سیّد مرتضی یزدی (معروف به شیخ مرتضی) درس خوانده و در سال ۱۳۱۱ق به همراه استادش سیّد علی به مشهد مقدس رفت و پس از فوت او، در سال ۱۳۱۲ق به اصفهان آمده و از محضر علمای آنجا همچون آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقائی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، حاج آقا منیرالدّین بروجردی و آقا میرزا محمّدحسن نجفی درس خوانده و به مقامات عالیه علمی نائل شده و پس از وفات میرزا محمّدحسن نجفی در سال ۱۳۱۷ق به تدریس پرداخت.

وی سال ها در یکی از مساجد جوباره اقامه جماعت می نمود و مورد وثوق قاطبه اهالی بود و در اواخر عمر به محله احمدآباد رفته و در مسجد محلّه حمام کوچک آنجا امامت نمود تا اینکه در ۱۸ ربیع الاوّل ۱۳۵۱ق وفات یافته و در تکیه ملک واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

مشارٌ الیه در سال ۱۳۲۳ق با یکی از ارامنه جلفای اصفهان به مناظره پرداخته و پس از دو سال بر او غلبه یافته و شرح آن «مناظرات» را در رساله ای مخصوص نوشت.(۱)

[مادّه تاریخ وفاتش را آقا محمّدکاظم غمگین ضمن قطعه ای چنین گفته است:

دل از سینه سر کرد بیرون و گفتا: «محمّدعلی را چنان گشت منزل»]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۳۴ و ۸۳۵؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۲۰۵۵؛ بزم معرفت، صص ۲۸۰ و ۲۸۱.

محمّدعلی بن سراج*

میرزا محمّـدعلی فرزنـد میرزا سـراجای ضـابطه نـویس، از خوشـنویسان خـط نسـتعلیق در اواخر قرن یـازدهم هجری اسـت و محمّدصالح اصفهانی که معاصر اوست، در تذکره خوشنویسان خود از او یاد کرده است.(۱)

سیّد محمّدعلی عریضی گزی

سیّد محمّدعلی بن سلطان محمّد حسینی عریضی جزی اصفهانی، از فضلای قرن دهم هجری.

وی از شـاگردان شـیخ علی بـن ابراهیم بن سـلیمان قطیفی بحرانی بـوده و در سـال ۹۵۵ق کتاب «شـرح تردّدات کتاب مختصـر الشـرایع» استادش را کتابت نموده است.(۲) [او همچنین کتـاب «شـکیّات» تألیف: سـیّد محمّـد طباطبائی را کتابت کرده که در کتابخانه دکتر حسین مفتاح در تهران موجود بوده است.(۳)]

میرزا محمّدعلی دانای اصفهانی

میرزا محمّـدعلی متخلّص به «دانـا» فرزنـد ملاّـ محمّدسـعید اشـرف بن ملاّ محمّدصالـح مازنـدرانی، شاعر ادیب. در مرشـدآباد [بنگاله] هند وفات یافت.(۴)

[خوش اختلاط و لطیفه سنج بوده و به سبب قرابت با آخوند ملاّ محمّدباقر مجلسی

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۹۳.

۲- الذریعه، ج۱۳، ص۱۴۵؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۴؛ احیاء الداثر، ص۱۵۷؛ فرهنگ و تاریـخ گز برخوار، ص۱۱۲.

۳- نسخه های خطی، ج۷، ص۲۲۹.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۶۷۰.

کمال عزّت و احترام داشت. از آثار او:

۱. «لطایف الخیال» جُنگی از اشعار شعراء ۲. «دیوان اشعار»

این بیت از اوست:

اشکم از شرم گناه از بس که می پیچد به خود در نظر هر قطره ای گرداب می آید مرا(۱)]

محمّدعلی گلپایگانی*

محمّـدعلی بن محمّدسعید جرفادقانی (گلپایگانی) ، از خوشنویسان و فضلای قرن سیزدهم هجری است. در مدرسه صدر اصفهان ساکن و به کسب علم مشغول بوده است. او در سه شنبه سوم محرم ۱۲۶۰ق در مدرسه صدر نسخه ای از «حاشیه معالم الاصول» (یا «هدایه المسترشدین») جلد دوم تألیف: شیخ محمّدتقی رازی نجفی را به خط نستعلیق نیکو کتابت کرده و آن را تصحیح نموده که به شماره ۳۳ در کتابخانه مؤسسه امام صادق علیه السلام قم موجود است.(۲)

ملاّ محمّدعلی مازندرانی*

مولی محمّدعلی بن شاه بیگ مازندرانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و نزد جمعی از علماء از جمله علاّمه ملاّ محمّدباقر مجلسی تحصیل می کرده است.

او نسخه ای از کتاب «کافی» را بین سال های ۱۰۷۷ق تا ۱۰۸۰ق در مدرسه جدّه

۱- صحف ابراهیم، صص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ شمع انجمن، ص۲۴۵.

۲- فهرست مؤسسه امام صادق علیه السلام قم، ص۳۲.

اصـفهان کتابت نموده و سـپس آن را نزد علاّمه مجلسـی خوانده و علاّمه جهت او اجازه نوشـته است. این نسـخه از «کافی» در کتابخانه فخرالدّین نصیری در تهران موجود بوده است.

محمّدعلی توشمال باشی*

محمّدعلی بن شاهوردی بیگ توشـمال باشـی، از ادباء و فضـلای اواخر دوره صـفویّه مؤلف کتابی در ادعیه و احراز موسوم به «شـجره طیبه» به فارسـی در یک مقدمه، ۱۲ بـاب و یک خاتمه که به نام شاه سـلیمان صـفوی تألیف شـده و تاریـخ کتابت آن ۱۱۱۲ق است. این نسخه به شماره ۶۹۵ در مجموعه کتب اهدایی خاندان طباطبائی به کتابخانه مجلس شورای اسـلامی موجود است.(۱)

میرزا محمّدعلی صبوح اصفهانی

میرزا محمّـدعلی متخلّص به «صـبوح» فرزند محمّدشـفیع اصـفهانی، شاعر و ادیب فاضل و خوشـنویس هنرمند در قرن دوازدهم هجری.

در مـدرسه کـاسه گران اصـفهان سـاکن بوده و روزگـار به نوشـتن کتب ادعیه و قرآن می گذرانیـد. کتاب «ریاض رضوان» از تألیفات: امیر عبـدالباقی خاتون آبادی را به خط زیبای خود نوشته و در حواشـی آن گاهی اشـعاری دارد. نسـخه این کتاب در نزد نگارنـده [سـیّد مصـلح الـدّین مهـدوی] موجود است و در سـال ۱۱۸۴ق نوشـته شده است.(۲) [این نسـخه به همراه تعـداد دیگری از نسـخه هـای خطی کتابخانه شخصـی مرحوم اسـتاد سـیّد مصـلح الـدّین مهـدوی، پس از وفات ایشان به کتابخانه ابن مسکویه منتقل شد.(۳)

۱- فهرست مختصر مجلس، ص۴۶۶؛ الشریعه، ج۱، ص۱۷۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۱.

۳- فهرست کتابخانه سیّد مصلح الدّین مهدوی، ص۱۴۹.

علاوه بر حُسن خط و طبع شعر، در اغلب علوم مهارت داشته و چهار تار را خوب می زد.(۱) و از بررسی اشعارش برمی آید که از شاعران پیشرو مکتب بازگشت و از اعضای حلقه یاران مشتاق اصفهانی بوده است. وی نسخه ای از «حلّ و عقد» در معرفت تقویم و نجوم تألیف قطب الدّین عبدالحی لاری را در دوم جمادی الثّانی ۱۱۷۶ق کتابت کرده که در کتابخانه محمّدعلی خوانساری در نجف اشرف موجود است.(۲)] همچنین نسخه ای از «مرآه العقول» تألیف: علاّمه ملاّ محمّدباقر مجلسی را در سال ۱۱۸۲ق در مدرسه کاسه گران کتابت کرده که به شماره ۱۴۴۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳)

این بیت از اوست:

به این امید که افتد به روی یار نگاهم نشسته ام به ره انتظار چشم به راهم

شیخ محمّدعلی غروی*

شیخ محمّدعلی غروی فرزند شیخ الرئیس سدهی، عالم فاضل معاصر. در اصفهان نزد شیخ محمود مفید، سیّد عبدالحسین طیّب، شیخ محمّدرضا جرقویه ای و شیخ علی قدیری تحصیل کرد. سپس در قم نزد علاّمه سیّد محمّدحسین طباطبائی و دیگران ادامه تحصیل داد و عاقبت در تهران ساکن شد.(۴)

۱- تذکره آتشکده، (نیمه دوم) ، ص۵۷۸؛ الذریعه، ج۹، ص۵۹۴؛ تذکره روز روشن، ص۴۷۰؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «صبوح»، ص۱۳۹؛ تذکره سفینه المحمود، ص۴۴۰.

۲- الکواکب المنتشره، ص۴۹۴.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۲، صص ۶۰۲ و ۶۰۳.

۴- علوم و عقاید، ص۵۰؛ شرح مجموعه گل، ص۲۰۱.

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن ملاّ محمّدصادق اصفهانی، خطاط نسخ نویس [از خوشنویسان اصفهان در عهد زندیه و اوایل دوره قاجاریه بوده و اغلب به کتابت قرآن مجید و ادعیه مشغول بوده است.]

این آثار از اوست:

۱. «عوالم العلوم» عبدالله بن نورالله بحرانی، جلد شانزدهم که در سال ۱۲۲۵ق به خط شکسته نستعلیق نوشته است و نسخه آن به شماره ۳۱۸۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران است.(۱) ۲. «قرآن مجید» به خط نسخ خوش در صفر ۱۲۴۱ق که در کتابخانه معارف تهران موجود بوده است.(۲) [۳. «قرآن مجید» به خط نسخ و رقاع در سال ۱۱۹۲ق که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود بوده است.۴. «قرآن مجید» به خط نسخ، در سال ۱۲۱۵ق که متعلق به خانم آذر مهدوی بوده است.(۳)]

سیّد محمّدعلی صادقی*

سیّد محمّدعلی صادقی فرزند سیّد محمّدصادق، عالم فاضل جلیل معاصر، فقیه محقّق و مفسر جلیل القدر، از سلسله جلیله سادات میرمحمّدصادقی در روز ۱۱ شوال ۱۳۴۶ق در اصفهان متولّد شد.

تحصیلات مقدماتی و سطوح را نزد حضرات آیات: شیخ محمّدحسن عالم حبیب آبادی، سیّد مصطفی بهشتی نژاد، شیخ محمّدجواد اصولی، شیخ محمّدرضا

۱- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش دوم، ص۷۶۴.

۲- فهرست معارف، ص۵.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، صص ۱۱۸۷ و ۱۱۸۸.

جرقویه ای، سیّد علی اصغر برزانی، سیّد صدرالدّین کوپائی، سیّد عبدالحسین طیب، سیّد ابوالحسن شمس آبادی (شهید اصفهانی) ، سیّد محمّدباقر رجائی و حاج آقا حسین خادمی طی نمود.

وی در سال ۱۳۷۲ق جهت تکمیل تحصیلات خود راهی نجف اشرف شد و در درس حضرات آیات عظام: سیّد محمود شاهرودی، شیخ حسین حلّی، میر سیّد علی علاّمه فانی خارج فقه و اصول را تحصیل کرده و به درجه اجتهاد نائل شد و در آن ارض اقدس به تدریس پرداخت. امّا در سال ۱۳۹۰ق به خاطر بیماری به ناچار به زادگاه خود مراجعت نموده و تا آخر عمر به تدریس دروس خارج فقه و اصول در مدرسه صدر اصفهان مشغول شد و شاگردان بسیاری تربیت کرد. همچنین سال ها در مسجد شفیعی در دروازه تهران (میدان جمهوری اسلامی) اقامه جماعت نمود. وجود این فقیه گرانقدر منشاء خدمات زیادی در اصفهان بود که از آن جمله همکاری در ساخت بیش از چهل مسجد در استان های اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و کرمان را می توان ذکر کرد.

وی سرانجام در روز ۲۰ ربیع الثّانی ۱۴۱۷ق (مطابق با ۱۵ شهریور ۱۳۷۵ش پس از یک بیماری طولانی وفات یافت و در نزدیکی مزار حاج آقا رحیم ارباب و تکیه خاندان میرمحمّدصادقی (تکیه شهداء فعلی) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «تقریرات فقه و اصول» درس مرحوم میر سیّد علی علاّمه فانی۲. رساله در «جبر و اختیار»۳. رساله در «عدم تحریف قرآن»۴. «تفسیر سوره جمعه»۵. «توحید ذات و صفات از دیدگاه اسلام»۶. ترجمه رساله «علم امام» از تألیفات استادش علاّمه فانی

۷. رساله در «احکام بانک ها» و غیره(۱)

استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی ضمن مرثیه ای در مادّه تاریخ وفات مرحوم صادقی گوید:

طبع «برنا» تا کند معلوم سال رحلتش گفت بیتی را به ابجد از پی تاریخ آن

«حلمی دین محمّد بود و احکام علی صادقی روحانی را دو نکویِ اصفهان»

۴۱۳+۱۰۰۴=۱۴۱۷

محمّدعلی وِرنوسفادرانی سِدِهی

محمّدعلی بن محمّدصادق ورنوسفادرانی سِدِهی اصفهانی، از فضلاء و خوشنویسان [اوایل قرن چهاردهم هجری.] در رمضان ۱۳۱۳ق از کتابت «رساله در ولایات» از تألیفات حاج شیخ محمّدعلی نجفی ثقه الاسلام به خط نسخ فراغت یافته و نسخه در همان سال به طبع رسیده است. او در این کتاب از خود چنین یاد می کند: «اقل الطّلاب و احقر الکُتّاب»(۲)

میرزا محمّدعلی ناصح

میرزا محمّدعلی ناصح فرزند آقا محمّدصادق بازرگان اصفهانی، از شعرای معاصر. در ماه ذیقعده ۱۳۱۶ق در اصفهان متولّد گردیده و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسّطه، به تحصیلات قدیمه پرداخت و در صرف و نحو، معانی و بیان، بدیع و عروض و منطق

۱- گنجینه دانشمندان، ج۳، ص۲۰۰؛ آئینه آفتاب (زندگانی فقیه فرزانه آیت اللّه صادقی) : اغلب صفحات؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط؛ مزارات اصفهان، ص۳۶۰؛ قرآن پژوهان اصفهان، صص ۱۸۹ و ۱۹۰.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۱۱۸؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۱۹۷۴.

مهارت یافت. [و از محضر اساتیدی چون وحید دستگردی، میرزا رضاخان نائینی، حبیب اللّه مظفری و میرزا ابوالحسن شعرانی بهره گرفت.] همچنین زبان های انگلیسی و فرانسوی را آموخت. در سال ۱۳۰۰ش به استخدام وزارت معارف درآمده و به تدریس در مدارس تهران مشغول شده [و به نشان درجه یک علمی نائل شد.] شکسته و نستعلیق را خوش می نوشت. شعر را نیکو می سرود و عضو انجمن ادبی ایران و در اواخر رئیس آن بود. او چندگاهی در اداره نگارش مسؤلیّت آرایش و پیرایش و ویرایش انتشارات اداره معارف را برعهده داشت.

[وی سرانجام در ۱۸ شهریور ۱۳۶۵ش در تهران وفات یافت. آقای ابوالقاسم حالت قطعه ای در رثای او سروده و در آن گفته است:

رفت ناصح که با نصایح خویش همه را بود هادی و حامی

در چه تاریخ زین مصبت زد شعله در جان عارف و عامی

اشک ریزان به پاسخم گفتند: «رفته از دست ناصح نامی»]

او رسائل چندی ترجمه و تألیف [و تصحیح] نموده است از آن جمله:

۱. «رساله در شرح حال خاقانی»۲. «رساله در شرح حال صاحب بن عباد»۳. «ترجمه سیره جلال الدّین» تألیف: منشی زیدری۴. تصحیح و تحشیه «دیوان ابوالفرج رونی»۵. «دیوان اشعار»۶. «انتخاب اشعار از دواوین شعراء به طرز حماسه» [۷. تصحیح «بوستان» سعدی۸. تصحیح «دیوان ادیب صابر ترمذی»۹. «زندگانی صلاح الدّین ایوبی]

از اوست:

آمد نگار پرده از چهره برگرفته رسم سیاهکاری زلفش ز سر گرفته

هر لحظه چشم مستش در کار دلربائی طرزی دگر نهاده شکلی دگر گرفته(۱)

محمّدعلی ابهری اصفهانی*

محمّدعلی بن محمّدصالح ابهری جی اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است. وی نسخه ای از «تهذیب الاحکام» (کتاب جهاد تا قصاص) را به خط نستعلیق در جمادی الثّانیه ۱۰۶۰ق کتابت کرده که به شماره ۵۷ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۲) همچنین وی «اصول کافی» را در سال ۱۰۶۰ق کتابت کرده که در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم وجود دارد.(۳) دیگر اثر وی کتابت «مجمع البیان» طبرسی است که آن را به خط نسخ در ۲ جلد در سال ۱۰۶۶ق کتابت نموده و به شماره های ۱۸۱۷ و ۱۸۲۴ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۴)

محمّدعلی مدّاح حبیب آبادی

درویش محمّدعلی بن درویش عباس حبیب آبادی، از شعرای معاصر اصفهان. در حدود سال ۱۳۱۰ق در قریه حبیب آباد از بلوک بُرخوار اصفهان متولّد گردیده [است.] تحصیلاتی نکرده، فقط چندی در مکاتب محلّی مشغول بود [سپس] در مولد خویش به روضه خوانی و دعانویسی مشغول شد. گاهی بر حسب حال اشعاری می سرود و «مدّاح» تخلّص می کرد. از اوست:

مداح از این جهان سفر باید کرد رو بر سوی عالمی دگر باید کرد

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۹۴-۴۹۶؛ نادره کاران، ص۶۰۱؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۴، صص ۴۲۷ و ۴۲۸؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۶، صص ۳۵۵۹-۳۵۶۴؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، ص۵۹۸؛ شاعران تهران، ج۲، صص ۱۰۹۲-۱۰۹۷.

۲- فهرست اعظم قم، ص۹۷.

۳- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۴۶.

۴- فهرست گوهرشاد، ج۵، صص ۲۳۱ و ۲۳۶.

این کهنه رباطی است که هر قافله ای هر روز ازو همی گذر باید کرد(۱)

میرزا محمّدعلی کلباسی

حاج میرزا محمّدعلی بن میرزا عبدالجواد بن آقا محمّدمهدی بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، از علمای متنفّذ اصفهان [در اوایل قرن چهاردهم هجری] بوده و به «آقای کلباسی» و در بین عوام به «آقا مشدی» شهرت داشته و در قضایای رضاخان [جوزدانی[و جعفرقلی (دو نفر از یاغیان اصفهان در دوره جنگ بین الملل اوّل) مطالبی از او نقل می شود که مناسب ذکر نیست.

شب ۱۲ صفر ۱۳۴۲ق در اصفهان وفات یافت(۲) [و در مقبره خاندان کلباسی مقابل مسجد حکیم اصفهان مدفون شد. او در جریان نهضت مشروطیت از طرفداران آن بوده و از سوی طلاب و روحانیت اصفهان در سال ۱۳۲۵ق به انجمن مقدّس ملّی اصفهان راه یافته و در جلسات آن شرکت نموده است.(۳) همچنین مدّتی نماز جماعت را در مسجد حکیم اقامه می کرده و همه ساله در روز نیمه شعبان به مناسبت ولادت حضرت ولیعصر (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) جشن مفصّلی در مقبره جدّش حاج محمّدابراهیم کلباسی منعقد می نموده است.(۴)]

میرزا محمّدعلی کابلی

میرزا محمّدعلی بن سیّد عبدالحفیظ بن سیّد ابراهیم موسوی کابلی، ادیب فاضل و

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۳۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۵؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۵۵۳.

۳- تاریخ مشروطیت اصفهان، ص۱۱۰.

۴- خاندان کلباسی، ص۱۵۷.

خطاط [در قرن سیزدهم هجری.]

او از بنی اعمام حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی است و نزد فرزندش حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی تحصیل کرده و به امر حاج سیّد جعفر بیدآبادی (فرزند دیگر سیّد حجه الاسلام) چندین کتاب و رساله را کتابت نموده است از جمله:

۱. «بحارالانوار» جلد دهم که به خط نسخ و به امر حاج سیّد جعفر بیدآبادی کتابت نموده است و به شماره ۵۲۶۵ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است. ۲. «هدایه السّالکین فی احادیث الائمه الطّاهرین (سلام اللّه علیهم اجمعین) » تألیف: آقا محمّد (سیّد محمّدباقر) عمادالاسلام که کتابت آن در ۲۱ محرم الحرام ۱۳۱۶ق به پایان رسیده است.(۱)

[وی سرانجام در سال ۱۳۱۷ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)]

میرزا محمّدعلی عبرت نائینی

میرزا محمّدعلی مصاحبی نائینی متخلّص به «عبرت» فرزند عبدالخالق بن حبیب اللّه بن علی اکبر بن یوسف حاج میرزا حسن بن محمّدجعفر بن امیر نظام الدّین محمّد میر حسینا معروف به «مصاحب نائینی» ادیب شاعر، خوشنویس ماهر و عارف کامل در ماه رمضان ۱۲۸۵ق در اصفهان [و به روایت صحیح تر در روستای «محمّدیه» نائین] متولّد شد. تحصیلات خود را در اصفهان نزد اساتید فن به پایان رسانید. [و از جمله بدیع و بیان و منطق و حکمت را نزد آخوند ملّا محمّد کاشانی خواند.] در سال ۱۳۰۴ق که پدرش در اصفهان وفات یافت، عبرت به سیر آفاق و انفس روی نهاد و ۱۷ سال به سیاحت

۱- بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۹۶-۱۹۸؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۰۲.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

پرداخت. خدمت جمعی از عرفاء و مشایخ رسید و در سلک خاکسار وارد گشت [و لقب «عارفعلی» یافت.]

او در سال ۱۳۲۱ق به اصفهان و بعدا به نائین رفته، ازدواج کرده و از آن پس به طهران رهسپار شد و تا آخر عمر در آنجا ساکن بود. او دارای طبعی روان بود و غزل را به سبک قدماء نیکو می سرود. اشعارش عموما دارای مضامین عالی است و در اغلب مجلات و روزنامه های طهران به طبع می رسید.

او زندگی را با قناعت و مناعت طبع زندگی کرد و با کتابت و استنساخ کتب به امرار معاش پرداخت. عبرت در ذیحجه ۱۳۶۱ق [و بنا به نوشته بعضی نویسندگان شنبه دوّم محرم الحرام ۱۳۶۲ش] وفات یافته و در امامزاده عبداللّه شهری [جنب مقبره حسن وحید دستگردی] مدفون شد.

کتب زیر از اوست:

۱. «دیوان اشعار» [که ۲۰۰ غزل از آن به چاپ رسیده است.۲. «عبرت نامه» مثنوی[۳. «مدینه الادب» [تذکره ای در شرح حال ادباء و شعرای ایران که کتابخانه مجلس شورای اسلامی آن را به خط زیبای مؤلف چاپ افست نموده و انتشار داده است.[۴. «نامه فرهنگیان» [که آن هم به خط مؤلف، چاپ افست شده است.]

این چند بیت از اوست:

شب عشاق دل آشفته شد و صبح دمید سخن از حلقه زلفش به میانست هنوز

ترک چشمش به نگاهی دل صاحب نظران برده از دست و پی غارت جانست هنوز

فتنه خوابیده ز آشوب، جهان ایمن شد چشم فتّان تو آشوب جهانست هنوز(۱)

میرزا محمّدعلی صائب تبریزی

میرزا محمّدعلی صائب تبریزی اصفهانی فرزند عبدالرحیم. شاعر و ادیب فاضل [از بزرگ ترین شعرای قرن یازدهم هجری و معروف ترین شاعر سبک اصفهانی (سبک هندی)] در سال ۱۰۱۶ق در محلّه عباس آباد اصفهان متولّد گردیده و چون پدرش تبریزی بوده آنها را تبارزه (تبریزیان) می گفته اند.

[در اصفهان به تحصیل علم و ادب پرداخته و فنون شعر و ادب را از حکیم رکنای کاشانی و حکیم شفایی فراگرفت.] در سال ۱۰۳۴ق به قصد هندوستان از اصفهان مهاجرت کرده به هرات و کابل رفت [و مورد اکرام و احترام حاکم هرات ظفرخان احسن شاملو قرار گرفت] و در سال ۱۰۳۹ق وارد دکن شده و از آنجا به برهان پور رسیده و در دربار شاه جهان شهرت و اقتدار یافت و در آنجا به لقب مستعدخان و منصب ملک الکلامی مفتخر شد. در سال ۱۰۴۲ق به قصد زیارت پدر به ایران مراجعت نموده، مدّتی در تبریز، قم، قزوین، اردبیل و یزد ساکن بوده، سرانجام به اصفهان آمده و مورد عنایت شاه عباس ثانی واقع شده و منصب ملک الشعرائی یافت.

در اصفهان خانه او مجمع ارباب ادب و مرکز شعراء و ادباء بوده، در کمال صفا و

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۳۱-۳۳۳؛ مدینه الادب، ج۳، صص ۲۳۳-۲۴۶؛ ادبیات معاصر، ص۷۰؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۴، صص ۲۴۷۸-۲۴۸۲؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۴، صص ۳۱۷ و ۳۱۸؛ تذکره سخنوران یزد، ج۲، ص۶۰۳؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۴۶۶؛ الذریعه، ج۹، ص۷۰۵؛ ج۱۹، ص۲۴۵؛ ج۲۰، ص۲۵۱ و ج۲۴، ص۲۴؛ تذکره سخنوران نائین، صص ۸۹ و ۹۰؛ نائین بلده طیّبه، صص ۱۲۵-۱۲۷.

گرمی از آنان پـذیرایی می نموده و در حقیقت، انجمن ادبی شـعراء بوده که هریک از آنان اشـعار خود را جهت اصـلاح بر او می خوانده اند و او آنها را اصلاح می نموده [است.]

در تاریـخ فوت صـائب در کتاب ها اختلاف است و از ۱۰۷۷ تا ۱۰۸۶ق نوشـته اند. لکن مطابق تحقیق و یقین فوت او در سال ۱۰۸۱ واقع گردیـده [است.] چنـان که سـعیدا اشـرف در مـادّه تاریـخ فوت او و عبدالرشـید دیلمی خواهرزاده میرعماد قطعه ای گفته و مادّه تاریخ این است:

روی با من کرد و گفت اشرف بگو تاریخ آن چون تو را بودند ایشان استاد و پیشوا

گفتم از ارشاد پیر عقل در تاریخ آن بود با هم مردن آقا رشید و صائبا

صائب در باغ مسـکونی خود در کنار مادی نیاصـرم در انتهای محلّه عباس آباد اصفهان به خاک رفته است. قبر او تا این اواخر نـامعلوم بود. لکن در چنـد سـال قبل ظاهر شـده و اداره انجمن آثار ملّی جهت او مقبره ای زیبا بنا کرد. فعلاً در روزهای جمعه در کنار قبر او انجمن شعراء به نام او برقرار است.

[کلیات] اشعارش در حدود بیست هزار بیت [است] و هر قسمتی به نامی معروف است:

۱. «آرایش نگار»۲. «قندهارنامه»۳. «محمود و ایـاز»۴. «مرآت الجمال»۵. «میخانه»۶. «واجب الحفظ»۷. «بیاض اشـعار» یا «سفینه صائب» [که اشـعار خود و هشـتصد تن از معاصـرانش را در آن آورده است] که مرحوم وحیـد دسـتگردی قسـمتی از آن را در مجلّه ارمغان به طبع رسانیده است.

منتخبـات اشـعاراو را مرحوم حیـدرعلی کمـالی انتخاب نموده و به طبع رسانیـده [است[منتخبات دیگری از او را شـهید نورائی انتخاب نموده [است.]

در مقبره صائب چندین قبر دیگر از خاندان اوست از جمله۱. میرزا ابوالقاسم فرزند صائب فوت ۱۳ ذیقعده الحرام ۱۱۴۰ق۲. میرزا محمّدحسن (محمّدمحسنا) فرزند صائب. فوت ۷ محرم الحرام ۱۱۴۹ق۳. میرزا محمّدعلی بن محمّدرحیم صائب فوت در یکشنبه ۸ جمادی الثّانیه ۱۱۴۱ق

[استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» شاعر توانای اصفهان برای اینجانب (محقّق و مصحح کتاب حاضر) تعریف کردند که مزار صائب در باغی متعلق به یکی از اهالی محلّه لنبان به نام «خلدی نسب» بوده و نامبرده از آشکار شدن مزار صائب و باز کردن در باغ به روی علاقمندان خودداری می کرد. استاد برنا نامه ها و مکاتبات فراوانی با مقامات اداری و فرهنگی اصفهان و تهران داشت و با جمع آوری امضاء و حمایت برخی از فرهیختگان اصفهان بالاخره باغ مزبور از شخص مزبور گرفته شده و آرامگاهی بر سر مزار صائب ساخته شد و روز جمعه ۵ مهر ۱۳۴۲ با حضور مقامات رسمی و شعراء و فضلای شهر افتتاح گردید.

جالب این که برخی اشخاصی که از امضای آن نامه ها و شکوائیه ها خودداری کرده و حاضر به همکاری نشده بودند، بعدها مدعی کشف و احیاء مزار صائب شده و در کتاب های خود آن را جزو افتخارات خود دانستند!]

صائب شاعری است بسیار توانا و در کلیه فنون شعری به ویژه در غزل سرائی و بدیهه گویی استاد [است.] وی پیرو سعدی و حافظ و مروّج سبک معروف هندی است. در نازک خیالی و اندیشه های باریک بی نظیر و برخی از ابیاتش جالب و جاذب است که در حکم امثال سائره قرار گرفته است.

این اشعار از اوست:

من از روییدن خار سر دیوار دانستم که ناکس کس نمی گردد از این بالانشینی ها

* * *

دست طمع چو پیش خسان می کنی دراز پل بسته ای که بگذری از آبروی خویش

* * *

اظهار عجز پیش خسان ابلهی بود اشک کباب باعث طغیان آتش است

* * *

مرا به روز قیامت غمی که هست اینست که روی مردم دنیا دوباره باید دید(۱)

استاد محمّدعلی مُقضی*

استاد محمّدعلی مقضی فرزند عبدالرّزاق، از هنرمندان معاصر در سال ۱۲۹۸ش. در محلّه دردشت اصفهان متولّد شد. در ۸ سالگی نزد دائی های خود استاد احمد، استاد

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۰۷-۷۱۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۷؛ مزارات اصفهان، صص ۲۸۲ و ۲۸۳؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۶۳۴-۶۳۷؛ الذریعه: مواضع متفرقه؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۳۴۱؛ مجلّه مهر، سال ۸، شماره ۴، مقاله دکتر مهدی مجتهدی؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۳۱۶؛ قصص الخاقانی، ج۲، صص ۶۲-۶۶؛ سفینه خوشگو (بخش دوم) ، صص ۳۷۴-۳۸۱؛ تذکره حسینی، صص ۱۸۸-۱۹۳؛ تذکره غنی، ص۷۹؛ کلمات الشعراء، صص ۶۲-۶۵؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۲، صص ۱۲۰۶-۱۲۰۸؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، صص ۴۴ و ۴۵؛ دانشمندان آذربایجان، صص ۲۱۷-۲۲۵؛ تاریخ ادبیات (اته) ، صص ۱۹۹ و ۲۰۰؛ منتخب اللطایف، صص ۳۹۹-۴۰۱؛ تذکره شمع انجمن، صص ۴۰۰ و ۴۰۱؛ تاریخ ادبیات (شفق) ، صص ۳۷۰-۳۷۳؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، ص۱۲۷۱؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «صائب»، صص ۱ و ۲؛ اصفهان (کتاب جوانان) ، صص ۲۳۹ و ۲۴۰؛ دایره المعارف فارسی (مصاحب) ، ج۲، ص۱۵۴۵؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۲، صص ۱۱۵۳ و ۱۱۵۴؛ با کاروان حله، صص ۲۹۹-۳۰۷؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۲۸۹؛ فهرست مشاهیر ایران، ج۲، ص۱۱۸؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص۳۱۳؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۵۱؛ فرهنگ شاعران زبان فارسی، ج۱، صص ۳۳۴ و ۳۳۵؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، صص ۳۳۱-۳۳۳.

عبدالغفار مصدق زاده به کاشی کاری پرداخت تا اینکه در انواع فنون کاشی سازی، کاشی تراشی، کاشی کاری و مرّمت کاشی به مهارت و استادی رسید و به همکاری با اداره باستان شناسی اصفهان و اداره اوقاف پرداخت و ده ها مسجد، بقعه متبرکه، مدرسه دینی و بناهای قدیمی را مرمّت نمود و به خاطر فعالیت هایی که در هنر کاشی کاری انجام داد. چندین تقدیرنامه از مقامات دولتی دریافت نمود.

این هنرمند ارزنده در ۱۸ اسفند ۱۳۸۴ش چشم از جهان فروبست و پیکر او را در قطعه نام آوران واقع در باغ رضوان (قبرستان جدید اصفهان) به خاک سپردند.

تعمیر و مرمّت کاشی های مسجد شیخ لطف اللّه، مسجد جامع و مدرسه چهارباغ از آثار به جای مانده از اوست. او کاشی کاری مسجد سرهنگ زاهدی (مسجد الرضا فعلی) در خیابان خرم، دبیرستان هراتی، ساختمان یادبود علّامه امینی (در باغ غدیر) را هم انجام داد و در شهرهای کرمان، یزد و اردبیل و... نیز به کاشی کاری و مرمّت پرداخت. مرمّت و کاشی کاری در حرم حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل در کربلا، حرم امام علی علیه السلام در نجف اشرف و حرم مقدس کاظمین علیه السلام در شهر کاظمین نیز از افتخارات او به شمار می رود.(۱)

میرزا محمّدعلی شهشهانی

میرزا محمّدعلی بن میرزا عبدالصمّد شهشهانی بن سیّد محمّد بن ابراهیم حسنی حسینی خُرزوقی اصفهانی، عالم فاضل و عابد متّقی. [از علمای قرن سیزدهم هجری.]

در اصفهان نزد علمای عصر خود به تحصیل پرداخت. او عمر خویش را به عبادت و طاعت پروردگار سپری نموده و سرانجام در [دوّم جمادی الثّانی] سال ۱۲۶۵ق وفات

۱- گلشن نام آوران، صص ۲۴۳-۲۴۵.

یافته و در تخت فولاد جنب مزار فاضل هندی مدفون شد.

وی برادرِ مجتهد عالیقدر آقا سیّد محمّد شهشهانی است.(۱)

[یادداشت تملک و مهر بیضوی او به تاریخ ۱۲۳۲ق بر نسخه ای از «من لا ـ یحضره الفقیه» که در کتابخانه سیّد ضیاءالدّین علّامه در اصفهان موجود است، وجود دارد.(۲)]

محمّدعلی گلپایگانی*

محمّـدعلی بن عبدالعظیم گلپایگانی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. وی در مدرسه یاقوتیه اصفهان به تحصیل علوم دینی مشغول بوده و نسخه ای از «تهذیب الاحکام» را در یک شنبه ۲۲ ذیحجه ۱۱۰۵ق در این مدرسه کتابت کرده است. این کتاب به شماره ۱۱۸۷۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

میرزا محمّدعلی طباطبائی

میرزا محمّـدعلی طباطبائی اصفهانی بن عبدالکریم طبیب، مؤلف کتاب «راحه الانسان» در طب، به فارسی در ادویه مفرده و مرکبه.(۴)

[در کتابخانه آستانه حضرت شاهچراغ در شیراز نسخه ای از «راحه الانسان» و نسخه ای از «خواص الاشیاء» هر دو از تألیفات میرزا محمّدعلی به شماره ۱۶۴ موجود است.(۵)]

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۵۹ و ۲۲۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۱۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۵.

۲- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۸۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۳۰، ص۱۵۳.

۴- فهرست دانشکده پزشکی طهران، شماره ۱۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۹.

۵- فهرست شاهچراغ، ج۳، ص۹۶.

شیخ محمّدعلی اژه ای

شیخ محمّدعلی بن ملاّ عبداللّه بن ملاّ علی اکبر اژه ای، عالم فاضل جلیل [از علمای قرن سیزدهم هجری. که در اصفهان متولّد شده و در عتبات عالیات تحصیل کرده و به مقام شامخ اجتهاد نائل گردیده است. از جمله اساتید او فقیه محقّق شیخ محمّد کاشف الغطاء (فرزند شیخ علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی) بوده که در سال ۱۲۶۸ق به او اجازه اجتهاد داده است. این اجازه در مقدمه کتاب «زواهر الجواهر» به طبع رسیده است.(۱)

سرانجام در سال ۱۲۸۹ق وفات یافته و در تخت فولاد جنب مزار پدر و جدّ خود مدفون شد.

او «وافیه الاصول» تألیف: ملاّ عبداللّه تونی را به خط نسخ در ۱۲ ذیحجه ۱۲۶۱ق کتابت کرده و در آخر رساله خود را «محمّدعلی شریف بن عبداللّه» معرفی نموده است. این نسخه به شماره ۱/۵۳ در کتابخانه مرحوم سیّد ضیاءالدّین علاّمه در اصفهان وجود دارد.(۲)]

میرزا محمّدعلی رهبان اصفهانی

میرزا محمّدعلی متخلّص به «رهبان» فرزند میرزا عبداللّه طبیب اصفهانی»، شاعر و ادیب فاضل. در قرن دوازدهم هجری در اصفهان متولّد شده و طب را نزد برادر خود میرزا محمّدنصیر طبیب اصفهانی فراگرفت و به طبابت مشغول شد. گاهی شعر می گفت.

۱- بزم معرفت، صص ۱۳۵-۱۳۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۶.

۲- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۱۳۳.

این بیت از اوست:

صبح است و فصل گل، می و بارانم آرزوست دیدار یار و صحبت یارانم آرزوست(۱)

محمّدعلی سدهی اصفهانی

محمّدعلی بن عبداللّه سدهی اصفهانی [از کاتبان اواخر دوره قاجاریه] در سال ۱۳۲۳ق نسخه ای از کتاب «فوائد السّمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السّبطَین» تألیف: ابوعبداللّه ابراهیم بن محمّد حموئی را به خط نسخ به دستور عبدالکریم نوشته است. نسخه به شماره ۲۵۵۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی قم موجود است.(۲)

میرزا محمّدعلی منجّم تفرشی

میرزا محمّدعلی منجّم فرزند سیّد عبداللّه حسینی تفرشی، از فضلاء و منجمین اصفهان [در قرن سیزدهم هجری] و همشیرزاده میر محمّدصادق خاتون آبادی منجّم است. در «المآثر و الآثار» گوید: در علم اخترشماری و ستاره شناسی از اعاجیب وقت بوده و در غالب علوم از فقه و نجوم استاد بود.

میرزا محمّدعلی منجّم از شیراز به اصفهان آمده و در [روز ۴ جمادی الثّانی] ۱۲۸۲ق وفات یافته است و بعد از او [پسرش] میرزا محمّدحسن به منصب منجم باشی گری مفتخر شد.

مزار صاحب عنوان در فضای برون تکیه مادرشاهزاده در تخت فولاد اصفهان واقع

۱- تذکره آتشکده، (نیمه دوم) ، ص۵۱۸؛ الذریعه، ج۹، ص۳۹۴؛ تذکره سفینه المحمود، ج۲، ص۴۷۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۷، ص۱۳۴.

شده است.(۱)

محمّدعلی پروانه اصفهانی

محمّدعلی پروانه [حقیقت متخلّص به «پروانه» فرزند عبدالوهاب] شاعر و ادیب معاصر [در سال ۱۲۷۵ش در اصفهان متولّد شده و در این شـهر علم و ادب آموخته است] از شعراء و غزل سرایان اصفهان است. عشق و علاقه مفرط او به شعر و ادب، وی را بر آن داشته کـه بـا وجـود مشـکلات فراوان کـه در راه روزنـامه نگـاری و انجمـن داری است دست از هر دو بر نـدارد. او مـدیر روزنـامه «شـمع حقیقت» و مؤسـس انجمن ادبی پروانه است. اغلب اشـعارش غزل های عاشـقانه و اشـعار اجتماعی است که در روزنامه خود و دیگر روزنامه های محلی اصـفهان چاپ کرده است.(۲) [منزل او در نزدیکی امامزاده اسماعیل در محلّه گلبهار و محـل انجمن در دروازه دولت، ساختمـان سـلطانی بوده است. دیوان اشـعارش هنوز به چاپ نرسـیده است. وی در روز پنجم مهرماه سال ۱۳۵۵ش وفات یافته و در تکیه مقدّس در تخت فولاد اصـفهان مدفون شد.(۳) استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) مادّه تاریخ وفات وی را چنین سروده است:

گفت برنا «سوی نور حب یار بال زد پروانه با شوق وصال]

۵۵۳+۸۴۳=۱۳۹۶

از اوست:

۱- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، ص۲۱۹؛ المـآثر و الآثـار (چهل سال تاریـخ ایران) ، ج۱، ص۲۸۵؛ مکـارم الآثار، ج۷، ص۲۴۳۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۷؛ الذریعه، ج۸، ص۲۲۳.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۰۸-۱۱۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۷.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

ماه من تا از رُخ زیبا نقاب انداخته جلوه خورشیدم از چشم پر آب انداخته

شانه بر گیسوی پرچین تا زده آن ماهرو سایه بر مهر درخشان از سحاب انداخته

میرزا محمّدعلی مکرم حبیب آبادی

میرزا محمّدعلی مُکرَم حبیب آبادی فرزند علی خان بن صادق بن عبدالمطلب بن علی خان بن علی نقی. شاعر و ادیب روزنامه نگار معاصر در سال ۱۳۰۴ق در قریه «حبیب آباد» بُرخوار اصفهان متولّد شده مقدمات علوم را در مولد خویش بیاموخت. از ۱۷ سالگی به اصفهان آمده مدتی در مدارس قدیمه [مانند مَدرَس امامزاده اسماعیل و مدرسه کاسه گران] به کسب علوم اشتغال جست.

مکرم در اوائل مشروطیت جزو آزادیخواهان وارد شده و با آنها همکاری می نمود. [او شعر خود را در خدمت به نهضت مشروطیت درآورده و پس از فتح اصفهان به دست بختیاری های مشروطه خواه در سال ۱۳۲۷ق مثنوی «فتح المجاهدین» را سرود. او با هدف مبارزه با خرافات و پیرایه ها به سرودن اشعاری در انتقاد و هجو از برخی اعتقادات دینی، خرافات و برخی رفتارهای روحانیون آن دوره پرداخته و از لباس روحانیت خارج شد و اشعار تند و تیزی سرود که باعث خشم برخی از روحانیون شد و تا تکفیر او پیش رفت.]

او در سال ۱۳۳۹ق روزنامه «صدای اصفهان» و در سال ۱۳۴۰ق مجله «سپاهان» را منتشر کرد. [پس از به سلطنت رسیدن سلسله پهلوی با جرأت و جسارت بیشتری به سرودن اشعار خود بر ضد روحانیت و عقاید مذهبی پرداخت که مطابق برخی اسناد مورد حمایت حکومت وقت نیز قرار گرفت. با این حال برخی اشعار ساده و همه فهم او

در نقد عقاید و خرافات عامّه تأثیر زیادی در خرافه زدائی در میان مردم اصفهان داشت.]

او از جوانی به وکالت دادگستری پرداخت [همچنین نظارت و کنترل برنامه های رادیو اصفهان و ریاست کتابخانه شهرداری اصفهان را نیز برعهده داشت.]

مکرم مردی بذله گو، حاضرجواب، خوش مشرب و متلک گو بود به طوری که همه طالب معاشرت با او بودند. دیوان اشعارش به چاپ رسیده است. او در ۲۴ ذیقعده ۱۳۸۴ق [مطابق با فروردین ۱۳۴۴ش] وفات یافته و در [تکیه آقا محمّدلطیف در[تخت فولاد اصفهان مدفون شد. استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) مادّه تاریخ وفاتش را در دو مرثیه جداگانه چنین سروده است:

مصرعی گفت پی سال وفاتش «برنا» «خصم اوهام و ریا بوده بدنیا مکرم»

۱۳۸۴

طبع «برنا» گفت از بهر وفاتش مصرعی «لطف حق مکرم بدارد دشمن اوهام را»

۱۳۸۴

[استاد منوچهر قدسی نیز ضمن قطعه ای گوید:

از جمع یکی بیرون گردید به تاریخش: «قدسی» ز وفا گفتا: «مکرم بخدا پیوست»(۱)]

از اوست:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۶۴-۴۶۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۹۲۴ و ۹۲۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۳؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۳، صص ۲۴-۲۸ و ۱۱۷-۱۱۹؛ دولت دیدار، صص ۱۷ و ۱۷۲-۱۸۴؛ مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، صص ۱۷۹-۱۹۰؛ نگرشی بر مشروطیت اصفهان، صص ۲۰۶-۲۱۰.

رفتی و رفت از کف من اختیار من باز آ که بی تو باز نیاید قرار من

ای سروناز گر به گلستان نظر کنی از لاله پرس حال دل داغدار من

بر روی خود اگر گره از زلف وا کنی چون موی خود سیاه کنی روزگار من

حاج سیّد محمّدعلی صفائی مبارکه ای

حاج سیّد محمّدعلی مبارکه ای متخلّص به «صفائی» فرزند سیّد علی امام جمعه بن محمّدعلی بن علی موسوی مبارکه ای، عالم فاضل و واعظ کامل، از مشاهیر اهل منبر اصفهان [نسب شریفش از طرف پدر به حمزه بن موسی کاظم علیه السلام می رسد.]

در روز ۱۷ ذیحجه ۱۳۱۶ق در مبارکه از توابع بلوک لنجان اصفهان متولّد گردیده [و نزد پدر به تحصیل مقدمات پرداخت. آنگاه در اصفهان نزد حضرات آیات شیخ علی مدرس یزدی، شیخ علی فقیه فریدنی، میرزا محمّد اصفهانی، سیّد مهدی درچه ای، شیخ محمّدحکیم خراسانی، شیخ عبدالکریم گزی، میرزا محمّدصادق مدرس خاتون آبادی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی و میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی ادامه تحصیل داد و درس خارج را نزد حضرات آیات سیّد محمّدباقر درچه ای، سیّد ابوالقاسم دهکردی و شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی خواند. آنگاه به قم رفته و نزد حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تحصیل کرد و در عتبات عالیات از خدمت آیات عظام میرزا حسین نائینی و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی کسب فیض نمود. در تهران هم از محضر درس شهید سیّد حسن مدرس اسفه ای بهره گرفت. چندی در اصفهان و خراسان به تبلیغ و وعظ و خطابه مشغول بود. پس از آن به افغانستان و هندوستان رفته و به سیاحت در بلاد آنجا و سپس چین و سنگاپور پرداخت و در بازگشت به سفر حج مشرّف شده و به هند رفت. همچنین به شام و مصر و ممالک عربی و آفریقا سفر نمود و با دانشمندان و علمای هر دیار دیدار و مذاکره نموده و حتّی الامکان کسب فیض نمود. او پس از بازگشت به اصفهان به ایراد

خطابه و موعظه مشغول شده و در اندک زمانی به جامعیت و گفتار خوش و بیان فصیح معروف شده و منبر و سخنرانی او طرفداران بسیار یافت. او در برخورد با مسائل اجتماعی روز فعّال بوده و به خاطر دفاع از دین و صراحت لهجه و افشاگری برنامه های ضدّ دینی حکومت رضاشاه، در سال ۱۳۵۸ق حدود ۹ ماه را در زندان به سر برد. همچنین در پاسخ به شبهات مطرح شده توسط سیّد احمد کسروی، مقالاتی نوشت که در روزنامه های آن عهد از جمله روزنامه «نقش جهان» به چاپ رسید.] او در حسن بیان و طاقت لسان در بین معاصرین کم نظیر می نمود. قدرت حفظ عجیبی داشت. اهل مطالعه و تحقیق و تتبع و تألیف بود و کتابخانه آبرومندی فراهم کرده بود.

سرانجام در قبل از ظهر روز جمعه ۷ رجب ۱۳۶۵ق در منزل خود [واقع در یکی از کوچه های پشت آرامگاه مجلسی] بر اثر سکته وفات یافت و در میان مردم شایع شد که او را مسموم کرده اند. جنازه او با کمال احترام به سوی تخت فولاد تشییع شده و در بقعه مرحوم سیّد عبدالغفار تویسرکانی مدفون شد. [مادّه تاریخ وفاتش را شاعر معاصر استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) چنین سروده است:

بشمسی ز «برنا» شنو سال فوتش «محمّدعلی سیّد واعظین بود»]

۱۳۲۵

او دانشمندی ادیب و شاعر بوده و در اشعار خود «صفائی» تخلّص می کرده است.

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «اسرار حج»۲. «اسرار و فلسفه احکام»۳. «اسلام خالص»۴. «انوار السّعاده» در فضیلت بنی هاشم۵. «تاریخ اصفهان» (در ۵ جلد) ۶. «تاریخ امکنه و بلدان» که سفرنامه است.۷. «تاریخ زندگی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله »۸. «تحصیل الثمن»، در شرح حدیث حبّ الوطن۹. «ثمرات العلوم»۱۰. «جامع العلوم» (در ۴ جلد) ۱۱. «جنّه الاداء» در آداب ۱۲. «دیوان اشعار» ۱۳. «دانشوران اصفهان» (در ۶ جلد) ۱۴. «راهنمای

ریاضیات» ۱۵. «سرادق دوشیزگان» در حجاب [مطبوع] ۱۶. «سوانح غرب» ۱۷. «سوانح العمر» ۱۸. «صراط المستقیم»، در نماز، مطبوع ۱۹. «کشف المهمّات فی سموم المهلکات» (در ۴ مُجَلَّد) ۲۰. «کشف الغیب» ۲۱. «مرآت الغیب» ۲۲. «منهج القویم» ۲۳. «مثنوی سقراطیّه» در عرفان ۲۴. «مواعظ» ۲۵. «نور الانور» در اولاد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مطبوع ۲۶. «نور القدسی» در احوال علاّمه مجلسی و غیره.

از اشعار اوست:

مرا یاری است که نامش گفتنی نیست لب لعلش عقیق سفتنی نیست

بدو گفتم که شب آیی به خوابم بگفتا چشم عاشق خفتنی نیست(۱)

محمّدعلی سلطانی نجف آبادی*

محمّدعلی سلطانی نجف آبادی فرزند علی، شاعر، ادیب نویسنده و محقّق معاصر. در سال ۱۳۲۲ش در نجف آباد متولّد شد و تحصیلاتش را تا اخذ فوق لیسانس ادبیات فارسی ادامه داد و به تدریس در دبیرستان ها و سپس دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد پرداخت و مدّتی مدیرگروه ادبیات آن دانشگاه بود. در شعر طبعی خوش و ذوقی پسندیده دارد و از انواع شعر به قطعه راغب تر است و آن را نیکو می سازد. ابتدا «سعد» تخلّص داشته و سپس به «سلطانی» تخلّص کرده است و در انجمن ادبی مولوی نجف آباد و سایر محافل ادبی شرکت می نماید.

این کتاب ها از آثار اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «تذکره شعرای نجف آباد»۲. «ساده ترین راه فراگیری تجزیه و ترکیب»

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۳۶ و ۳۷؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۱۳ و ۳۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۴۰ و ۸۴۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۰؛ مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت اصفهان، صص ۴۸۲-۴۸۷.

۳. «آداب و رسوم عشایر کهگیلویه و بویراحمد»

او این ابیات را در وصف نجف آباد سروده است:

محور عشق است خطّه نجف آباد روضه خُلد است یا بهشت خداداد

شهر من ای جایگاه بصیرت شهر من ای زادگاه مردم آزاد

خاک تو باشد کنام شوکت شیران نام تو هم نام شهر سرور اوتاد(۱)

محمّدعلی مدرس زاده

محمّدعلی مدرس زاده فرزند شیخ علی مدرس یزدی، از خطاطین و خوشنویسان معروف اصفهان و از معلمین مدارس این شهر بوده و در روز سوم صفر ۱۴۰۳ق وفات یافته(۲) [و در تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون شد. او خط نسخ را با مهارت می نوشت و به کتابت برخی از کتاب ها مشغول بود که به خط او به چاپ رسیده است از جمله: «ره آورد قانع» تألیف: محمّدحسین مدرسی اسفه ای در سال ۱۳۶۰ق، «قرآن مجید» در سال ۱۳۶۳ق و «کشف المراد» در سال ۱۳۵۲ق.(۳)]

میرزا محمّدعلی علم

میرزا محمّدعلی علم فرزند آخوند ملّا علی اکبر فشارکی، مردی فاضل و دانشمند بوده و در روزنامه جهاد اکبر [که در سال های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ق منتشر می شد] نویسندگی

۱- دیباچه دیار نون، صص ۱۸۴ و ۱۸۵؛ آئینه اهل قلم، ص۱۱۹؛ زنده رود تا حیدربابا، صص ۱۲۰ و ۱۲۱؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۳۸۸.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۷.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

آن را برعهده داشت. او قبل از سال ۱۳۶۰ق در اصفهان وفات یافت.(۱)

محمّدعلی قسیمی

محمّدعلی قسیمی فرزند علی اکبر [از شعرای قرن چهاردهم هجری.] در سال ۱۳۰۰ش در خمین متولّد شده و تحصیلات خود را در دانشسرای مقدماتی پسران اصفهان به پایان رسانید و در اداره فرهنگ اصفهان به خدمت مشغول شد.

از اوست:

رخت بربست از جهان فصل بهار و شد خزان شد مسخّر در کف مسیر خزان یکسر جهان

هر طرف افتان و خیزان برگ های زرد بین کز درختان همچو زر ریزد فرو بر رایگان(۲)

محمّدعلی اولیاء*

حاج محمّدعلی اولیاء فرزند علیرضا. مدیر روزنامه اولیاء، از نویسندگان و خدمتگزاران به مطبوعات در سال ۱۳۰۰ش. در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه قدسیه و متوسطه را در دبیرستان گلبهار طی کرد. سپس در دانشسرا ادامه تحصیل داد و در کسوت معلّمی به تدریس و تعلیم و تربیت پرداخت.

او فعالیّت مطبوعاتی را با توزیع مطبوعات آغاز کرد در سال ۱۳۳۱ش امتیاز هفته نامه اولیاء را به نام پدرش اخذ نمود، امّا تمام توان خود را در اداره این هفته نامه

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، ص ۱۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۶۷.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۷۷ و ۳۷۸.

گذاشت و تا آخرین روزهای حیات به فعالیّت مطبوعاتی ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۷۰ش درگذشت و در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

هفته نامه اولیاء، قدیمی ترین نشریه فعلی استان اصفهان هنوز تحت مدیریت دختر مرحوم اولیاء: خانم منیژه اولیاء انتشار می یابد.(۱)

میرزا محمّدعلی شرف الواعظین

میرزا محمّدعلی عظیمی ملقب به «شرف الواعظین» فرزند میرزا علی محمّد شرف الواعظین بن ملاّ اسماعیل بن حاج ملاّ محمّدعلی بن حاج ملاّ عبدالعظیم بیدگلی زوّاره ای، واعظ کامل [از خطبای قرن چهاردهم هجری.] از محترمین اهل منبر که در محلّه باب الدّشت ساکن بوده و داماد آقا شیخ صفرعلی همدانی می باشد.

او در حدود ۱۳۶۵ق وفات یافته و در تکیه سیّد العراقین [در تخت فولاد اصفهان[مدفون گردید.(۲)

حاج میرزا محمّدعلی نحوی

حاج میرزا محمّدعلی نحوی فرزند علی محمّد هرندی، فاضل ادیب خطاط (از فضلای قرن چهاردهم هجری) در یکی از مساجد محلّه شهشهان (جنب کوچه بنّاها) امامت می نموده و در ۲۱ ذیحجه الحرام ۱۳۸۱ق به سن قریب ۷۵ سالگی وفات یافته و در تکیه گلزار واقع در تخت فولاد مدفون گردید. او در خطوط مختلف خصوصا نستعلیق

۱- یادداشت های خانم منیژه اولیاء، مهرماه ۱۳۸۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۸۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۵؛ آتشکده اردستان، ج۱، ص۱۶۳.

را خوب و شیرین می نوشت.(۱)

[او سال ها در محله شهشهان مکتب خانه ای تأسیس کرده و به تعلیم و تربیت اطفال مشغول بود.]

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن محمّدعلی اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در پسین روز شنبه ۲۸ رجب ۱۲۱۵ق کتاب «مفاتیح الشرایع» تألیف: فیض کاشانی را به خط نسخ نوشته است. نسخه به شماره ۱۵۶۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

محمّدعلی سینی بُرخواری

محمّدعلی بن محمّدعلی جزی سینی برخواری [کاتب فاضل در قرن یازدهم هجری[که «غایه المراد فی شرح فلک الارشاد» را در سال ۱۰۴۱ق و «منشات و نامه های پادشاهان صفوی» را در دوشنبه ۱ محرم ۱۰۸۷ق کتابت کرده و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳)

سیّد محمّدعلی گلستانه موسوی

حاج سیّد محمّدعلی گلستانه موسوی [فرزند سیّد محمّدعلی] از علمای بزرگوار و دانشمندان و مؤلّفین اصفهان، ساکن مشهد مقدس [در قرن چهاردهم هجری] بوده که پس از تکمیل تحصیلات در اصفهان و نجف به مشهد مهاجرت نموده و به ترویج احکام

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۳.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۱۸۳.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ص۲۰۹.

و نشر عقاید و اقامه جماعت پرداخت.

[در سال ۱۲۷۷ق در کربلای معلاّ متولّد شده و در کربلا و نجف تحصیل کرده و از جمعی از علمای عالیقدر آنجا اجازه دریافت نموده است که از آن جمله است حاج میرزا حسین خلیلی. او اصلاً در اصفهان ساکن نبوده و تحصیلاتش در عتبات عالیات طی شده است. در مسجد کله واقع در کوچه پهنو مشهد مقدس به اقامه جماعت می پرداخته است و ده بار به سفر حج رفته است.]

سرانجام در ۱۶ رمضان ۱۳۶۱ق وفات یافته و در ایوان طلا [واقع در صحن نو آستان مقدّس رضوی علیه السلام] مدفون گردید.(۱) کتب زیر از اوست:

۱. «تحفه الامامیّه» [به فارسی و در اخبار که نسخه ای از آن به شماره ۱۲۴۹۵ که در سال ۱۳۴۰ق در چاپخانه نادری بمبئی چاپ سنگی شده است در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است. نسخه خطی این کتاب به شماره ۳۴۷ در کتابخانه وزیری یزد وجود دارد.(۲)] ۲. «الوسائل فی اثبات الحق و ازهاق الباطل» [در اثبات امامت ائمه اثنی عشر، که در سال ۱۳۳۹ق تألیف نموده و در همان سال در بمبئی به طبع رسیده است.(۳)

مرحوم گلستانه گاهی شعر می سرود. از اوست:

ببین چون گرفتند از ما کنار رفیقان پیرار و یاران پار

شب و روز بی ما بیاید بسی که از روز ما یاد نارد کسی

بسی دوستان بر زمین پا نهند که بی باک، پا بر سر ما نهند

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۳۵۹؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج ۱، ص ۳۲۲؛ تاریخ علمای خراسان، ص ۲۹۹؛ مکارم الآثار، ج ۶، صص ۲۱۸۵-۲۱۸۷.
۲- الذریعه، ج ۳، ص ۴۲۱؛ فهرست رضوی، ج ۵، ص ۲۴۴؛ فهرست وزیری، ج ۱، ص ۳۲۴.
۳- الذریعه، ج ۲۵، ص ۷۱.

بیاید در جهان سوگ و سور که ما خفته باشیم در خاک گور

جهان را بسی بگذرد صبح و شام که از ما نباشد در ایام نام

دریغا که تا چشم بر هم زنی در این عالم از ما نبینی تنی(۱)]

ملاّ محمّدعلی جامی

ملاّ محمّدعلی جامی فرزند عین علی فروشانی سِدِهی اصفهانی، عالم فاضل، ادیب کامل و شاعر ماهر، از اعقاب شیخ حُرّ عاملی. در سال ۱۲۲۰ق در قریه فروشان وفات یافت.

از آثار و منظومه «جام گیتی نما» است نظیر منظومه «حمله حیدری» مشتمل بر احوالات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بحر تقارب، قریب بیست و پنج هزار بیت که به طبع رسیده است. نسخه ای از این کتاب به شماره ۱۱۳۰ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد و نسخه ای دیگر در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

محمّدعلی اصفهانی

حاج محمّدعلی بن حاج غدیر [اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری.] علاّمه مجلسی جهت او در حدود سال ۱۰۸۸ق پشت نسخه ای از کتاب «مهج الدّعوات» تألیف: سیّد بن طاوس اجازه نوشته است. نسخه یک مرتبه به وسیله مولی محمّدنصیر بن مولی عبداللّه [مجلسی] در اوائل ذیقعده ۱۰۸۷ق مقابله شده و یک بار نیز به وسیله علاّمه مجلسی در رجب ۱۰۸۸ق مقابله گردیده است.

۱- مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۱، ص۳۶۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۱؛ فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۴۰؛ الذریعه، ج۵، ص۲۵؛ مخزن الادب راجی: خطی؛ فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۲۶۳.

نسخه به شماره ۱۲۸۲ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

محمّدعلی بن فتحی

محمّـدعلی بن حـاجی فتحی [از فضـلاء اصـفهان در قرن یـازدهم هجری.] در دوشـنبه سوم جمادی الثّانیه ۱۰۶۷ق نسـخه ای از کتاب «کافی» را به خط نسـخ نوشـته و ظاهرا در محضـر علّامه مجلسـی قرائت نموده است. نسـخه در حواشـی تصـحیح شده و علامت بلاغ به خط علّامه مجلسی دارد. نسخه به شماره ۸۵۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

شیخ محمّدعلی فشارکی*

شیـخ محمّـدعلی بن فخرالدّین بن مهدی بن ملّا محمّدباقر فشارکی، عالم فاضل محقّق، از علمای عالیقدر معاصـر اصـفهان. در سال ۱۳۰۳ش در اصفهان متولّد شد. در بیست سالگی تحصیل علوم دینیه را در حوزه علمیه اصفهان آغاز کرد.

مقدمات را نزد آقایان: ملّا هاشم جنتی، ملّا رمضانعلی املائی، شیخ ابوالقاسم فلاورجانی، سیّد محمّدجواد غروی فرا گرفت.

در نزد شـیخ مرتضـی اردکانی شـرح شمسـیه در منطق را خواند، و قسمتی از مطول و قوانین علّامه حلّی و منظومه سبزواری در منطق را از حـاج آقـا صـدر کوپائی بهره برد. قسـمتی دیگر از قوانین را از درس سـیّد علی اصـغر برزانی اسـتفاده کرد. معالم و شرح لمعه

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۴۲۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۳، ص۴۸؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۶۴.

را بر حاج شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی حاضر شد. رسائل را از شهید ابوالحسن شمس آبادی فرا گرفت. قسمتی از کفایه را نیز در نزد حاج آقا باقر رجائی تلمّذ نمود.

خارج فقه و اصول را از آیه اللّه سیّد عبدالحسین طیب و آیه اللّه سیّد حسین خادمی بهره برد. وی مدت ۲۷ سال در درس آیه اللّه خادمی حاضر می شد. و قسمتی از دروس فقتهی وی چون صلاه جمعه را تقریر نموده است. و از این دو استاد اخیرش (طیب و خادمی) مجاز در نقل روایت مشافهتا می باشد.

مدت تحصیل او جمعا ۳۸ سال می باشد. زبان انگلیسی را نیز در نزد سیّد حسین مدرس آموخت. او ۵۰ سال امامت مسجد الحبیب واقع در محلّه نو بیدآباد اصفهان را برعهده داشت. و از اوّل انقلاب به امر استادش آیه اللّه خادمی وارد قوه قضائیه شد و به قضاوت و حلّ و فصل دعاوی مردم اصفهان پرداخت. وی اکنون در منزل دوران کهولت و بازنشستگی خود را سپری می کند.(۱)

میرزا محمّدعلی سروش

میرزا محمّدعلی بن قنبرعلی سِدِهی اصفهانی متلخص به «سروش» از شاعران معروف و ادبای مشهور قرن سیزدهم هجری.

[در سال ۱۲۲۸ق] در [محلّه فروشان] سِدِه ماربین اصفهان [خمینی شهر فعلی[متولّد شده [پدرش از کسبه و دهقانان سِدِه بود. او در نوجوانی لب به سرودن اشعار باز کرده و بنا به دلائلی به اصفهان آمد و به واسطه قریحه و استعداد قابل توجّه او در شعر مورد عنایت و توجّه حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی، از مجتهدین و مراجع بزرگ اصفهان واقع شد و به مدح سیّد پرداخت و به تشویق او به تحصیل مشغول شد و

۱- مصاحبه آیه اللّه شیخ هادی نجفی با معظم له در نوروز ۱۳۸۸ش.

نزد میرزا محمّدعلی وفای زواره ای کسب علم کرد. سروش به خاطر بدگوئی مخالفان مجبور به ترک اصفهان شده و به گلپایگان رفت و از آنجا راهی تهران شد و با سرودن «فتح نامه»ای مورد توجّه عباس میرزا (فرزند فتحعلی شاه) قرار گرفت و به دریافت صله مفتخر شد. آنگاه راهی آذربایجان شده و برای حکام آنجا (شاهزادگان قاجاری) همچون قهرمان میرزا، میرزا محمّدمحسن میرزا سلطانی و ابوالفتح فریدون میرزا و بهمن میرزا قاجار مدیحه سرود. او در سال ۱۲۵۹ق به امر بهمن میرزا (فرزند عباس میرزا) اشعار عربی کتاب «الف لیله و لیله» که میرزا عبداللطیف طسوجی به فارسی برگردانده بود را منظوم ساخت و این کتاب در سال ۱۲۶۱ق در تبریز چاپ سنگی شد.]

در آن زمان ناصرالدّین میرزا در تبریز ولیعهد بود. سروش به وسیله محسن میرزا میرآخور به دربار ناصرالدّین شاه راه یافته و چون ناصرالدّین شاه به سلطنت رسید با او به تهران آمده و معروف و مشهور گردید و به لقب «شمس الشّعراء» ملقّب شد.

وی در ۱۲۸۵ق در تهران وفات یافت [و جسدش به قم حمل شده و به خاک سپرده شد.]

این آثار از اوست:

۱. «دیوان اشعار» شامل غزل، قصیده، مثنوی موسوم به «زینه المدایح» که نسخه ای از آن به شماره ۱۲۶۷۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی. دیوان سروش در سال ۱۳۳۹ش در دو جلد به تصحیح و تحقیق دکتر محمّدجعفر محجوب چاپ شده است. نسخه هایی از این دیوان به خط میرزا ابراهیم مشتری خراسانی (شاگرد سروش) موجود است.۲. «الهی نامه»۳. «ساقی نامه»۴. «اردیبهشت نامه» در سرگذشت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله۵. «شمس المناقب» در مدح پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله۶. «شصت بند از مرثیه عاشورا»۷. «روضه الانوار» در مراثی امام حسین علیه السلام

[سروش از قصیده سرایان توانای دوره قاجاریه و جزو شعرای رده اوّل سبک

بازگشت در قرن سیزدهم هجری است و در اشعار خود اغلب از «فرخی سیستانی» تقلید کرده است.(۱)

این غزل از اوست:

تا سر زلف عنبرین، حلقه به دوش می کنی سوی تو هر که بنگرد، حلقه به گوش می کنی

همره باد می کنی، نکهت زلف خویش را کوچه به کوچه باد را، مشک فروش می کنی

دوش اگر میان ما و تو رفت اگر حکایتی ما خجلیم و باز تو شِکوِه دوش می کنی

پند مده تو ناصحا، کز سر عشق او گذر چون که ندیده ای رُخش، عیب «سروش» می کنی]

ملّا محمّدعلی مفرد تبریزی

ملّا محمّدعلی بن محمّدقلی تبریزی، شاعر ادیب متخلّص به «مفرد» [از شعرای قرن یازدهم هجری] ساکن عباس آباد اصفهان و مردی درویش دردمند و محجوب بوده و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۵؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۱۵ و ۱۱۶؛ تذکره مآثر الباقریه، صص ۱۹۹-۲۱۵؛ حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۷۶۷-۷۷۳؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، صص ۴۰۶ و ۴۰۷؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۱، ص۲۷۶؛ مجلّه یادگار، (سال پنجم) ، شماره ۱ و ۲: شهریور و مهر ۱۳۲۷، ص۱۰۲؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «سروش اصفهانی»، ص۴۹۶؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۲۰؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۷۵۶-۷۵۸؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۷۵۲؛ سیری در شعر فارسی، ص۱۷۵؛ حماسه سرائی در ایران، ص۳۸۷؛ تاریخ ادبیات ایران (شفق) ، صص ۵۹۹-۶۰۱؛ سبک شعر در عصر قاجاریه، صص ۱۰۵-۱۰۸؛ مقالات ادبی (استاد همایی) ، صص ۴۴۳-۴۶۶؛ دیوان سروش اصفهانی: مقدمه؛ الذریعه، ج۹، ص۳۴۳؛ ج۱۱، ص۲۸۸؛ ج۱۴، ص۲۲۷ و ج۱۹، ص۱۱۲.

مدارش به کتابت احادیث می گذشت. از اشعار اوست:

کسی پا در ره عشق تو کافر کیش بگذارد من آنجا سر نهادم تا کسی پا پیش نگذارد

چه حسرت ها که خرمن کرده ام از دانه خالت سلیمان قناعت مور را درویش نگذارد(۱)

میرزا محمّدعلی الماسی

میرزا محمّدعلی بن میرزا محمّدکاظم الماسی بن ملاّ عزیزاللّه بن ملاّ محمّدتقی به ملّا مقصودعلی مجلسی، عالم فاضل [از علمای قرن دوازدهم هجری [برادر میرزا محمّدتقی الماسی است. ظاهرا پس از وفات در حوالی بقعه مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون شده است.(۲)

در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران جُنگی به شماره ۴۳۳۳ حاوی یازده رساله می باشد که بیشتر آنها به خط صاحب عنوان است و یکی از رسائل منتخبی است از کتاب: «اربعین» تألیف: ملاّ محمّدشفیع بن ملاّ محمّدعلی استرآبادی. ظاهرا انتخاب کننده، صاحب عنوان است.(۳)

ملّا محمّدعلی هرندی

ملّا محمّدعلی بن محمّدمحسن بن محمّدباقر بن محمّدمهدی هرندی اصفهانی [عالم فاضل در قرن سیزدهم هجری] در تاریخ ۲۰ جمادی الثّانی ۱۲۱۴ق کتابت کتاب

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۵۵؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۵۷؛ ریاض الشعراء، ج۲۱، ص۸۶.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۲۱؛ مزارات اصفهان، ص۳۸.

۳- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۳۴۳.

«ایادی سبا» از: محمّدجعفر بن محمّدطاهر خبوشانی [آخوند کرباسی] را به پایان رسانیده است. سایر کتب این مجموعه از تألیفات علاّمه مجلسی و دیگران به همراه «ایادی سبا» به شماره ۶۰۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.

او در دوشنبه ۱۸ ربیع الاولی ۱۲۲۸ق مجموعه ای شامل «بغیه الطالب» تألیف: شیخ جعفر و «تکمله بغیه الطالب» تألیف: شیخ حسن بن شیخ جعفر را در نجف اشرف مقابله نموده که به شماره ۶۰۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۱)

شیخ محمّدعلی اشتری

آقا شیخ محمّدعلی اشتری فرزند حاج شیخ محمّد بن شیخ محمّدحسن یزدی، واعظ فاضل و زاهد متّقی، از موثّقین اهل منبر اصفهان [در قرن چهاردهم هجری] در شب جمعه ۱۸ رجب سال ۱۳۷۵ق به سن متجاوز از ۹۰ سال وفات یافته و در بقعه حاج محمّدجعفر آباده ای [در تخت فولاد اصفهان] مدفون گردید.(۲)

سیّد محمّدعلی آقامجتهد

سیّد محمّدعلی آقامجتهد فرزند سیّد صدرالدّین محمّد موسوی عاملی، عالم فاضل، علاّمه فقیه، محقّق و ادیب شاعر [از علمای قرن سیزدهم هجری.]

در حدود سال ۱۲۳۹ق متولّد گردید. مادرش مخدّره «جان جان خاتون» دختر علاّمه فقیه شیخ جعفر کاشف الغطاء می باشد. او در اصفهان نزد پدر بزرگوار خود و حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده و قبل از رسیدن به سن بلوغ به مرتبه اجتهاد نائل گردید. در همان سال ها امام جمعه حاج میرزا

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۱۹۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۸۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۱؛ مکارم الآثار، ج۸، ص۲۷۵۰.

حسن بن حاج میر محمّدحسین امام جمعه سؤالاتی از او نمود و چون سیّد محمّدعلی آنها را به بهترین صورت پاسخ گفت امام جمعه به او گفت: «آقا مجتهد» است و از آن به بعد به «آقامجتهد» معروف شد.

عموم نویسندگان کتب تراجم رجال که نامی از او برده اند، وی را به علم و عمل و هوش و فطانت و استعداد و حسن قریحه و کثرت تحقیقات علمی و قدرت حافظه ستوده اند. وی پس از فوت پدر، به جای ایشان اقامه می نمود و پس از فراغت از نماز به منبر رفته و مردم را موعظه می نموده و مسائل مشکل توحید و سایر مسائل اعتقادی را به طوری ساده و روشن بیان می فرموده که حتی عوام النّاس نیز از منبر ایشان بهره علمی می یافته اند. در حوزه های درس، مسائل فقهی و اصولی را نیز به علّت کثرت علم و تعمّق در مسائل با حسن بیان تقریر می فرموده و جماعتی زیاد از فضلاء و علماء اصفهان به مجلس درس او حاضر می شده اند که از جمله آنها برادر بزرگوارش مرحوم حاج سیّد اسماعیل صدر یکی از مراجع بزرگ تقلید می باشد.

آقامجتهد در شب جمعه ۱۸ ذیحجه (عید غدیر) سال ۱۲۷۴ق در اصفهان وفات یافته و به نجف اشرف حمل شد و در ایوان اطاقی که پدر بزرگوارش در آن مدفون بود در حرم حضرت علی علیه السلام مدفون شد.

کتاب ها و رسایل زیر از اوست:

۱. «احیاء التّقوی» در شرح «دروس الشّرعیّه»۲. «الفیه» در نحو، ناتمام۳. «البلاغ المبین فی احکام الصُّبیان و المجانین و البالغین» و آن اوّلین تألیف ایشان است که در سن دوازده سالگی تألیف فرموده و به نظر مرحوم سیّد حجه الاسلام شفتی رسیده و مرحوم سیّد به نظر اعجاب و تحسین در او نگریسته و اجتهاد مؤلّفش را گواهی فرموده است.۴. «دیوان اشعار» فارسی۵. «العلائم» در شرح کتاب «المراسم العلویه فی الفقه»از تألیفات: ابوعلی حمزه بن عبدالعزیز دیلمی معروف به «سلار»۶. «فرائد

الفوائـد» در اصول فقه۷. «منظـومه ای در مواریث» ناتمـام۸. «منظـومه ای در وقف»۹. «نفائس الفرائـد» که مختصـر کتاب «فرائد الفوائد» است.

او علاوه بر کلیه فضایـل و کمالات، شـعر را نیز در کمـال سـلاست وجودت می سـروده و «عارف» تخلّص می کرده است. از جمله این ابیات:

به استشاره رندان گسسته ام تسبیح بیار خوشه تاکی که استخاره کنم

* * *

خرمن حسن تو را روزی که می کردند جمع آفتاب از دامن یک خوشه چین افتاده بود

مرحوم آقامجتهد صبیه اسـتادش سـیّد حجه الاسلام (زینت بیگم) را به زوجیّت گرفته و آقا میرزا بهاءالدّین صدر از این مخدّره می باشد. فرزند دیگر او حاج سیّد محمّدجواد عاملی (معروف به «مسجدشاهی») از زوجه منقطعه می باشد.(۱)

میر محمّدعلی شمس آبادی

میر محمّدعلی شـمس آبادی بن سیّد محمّدبن عبداللّه بن اسماعیل بن حسین موسوی شاهاندشتی مازندرانی، علاّمه جلیل، فقیه زاهـد. در حـدود سال ۱۲۲۰ق در اصـفهان متولّـد گردیـده و در ایـن شـهر در خـدمت جمعی از بزرگـان همچـون حـاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی و حاج محمّدابراهیم کلباسی و دیگران تحصیل نموده تا به مقامات

۱- رجـال اصـفهان یا تـذکره القبور، صـص ۷۸ و ۷۹؛ دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۱، صـص ۵۰ و ۵۱؛ تاریـخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۳۶-۲۴۳؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۶۰ و ۳۶۱ و ج۲، ص۱۶۴؛ اعیان الشیعه، ج۴۶، ص۱۰۲؛ ریحـانه الادب، ج۱، ص۵۷؛ مکـارم الآثار، ج۴، صـص ۱۰۹۵-۱۰۹۷؛ زنـدگانی آیه اللّه چهـارسوقی، ص۲۱۶؛ الـذریعه، ج۱، ص۳۰۸؛ ج۳، ص۱۴۱؛ ج۱۵، ص۳۰۸؛ ج۱۶، ص۱۴۱؛ ج۲۳، صصِ ۱۳۹ و ۱۴۷ و ج۲۴، ص۱۴۱؛ تکملة امل الآمل، صـص ۳۸۵-۳۸۷؛ معجم المؤلفین، ج۱۱، ص۵۰؛ شهداء الفضیله، ص۳۱۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۵۴.

عالیه رسید. در مسجد قطبیه امامت و تدریس می نموده و سرانجام در سال ۱۲۸۸ق در این شهر وفات یافته، جنازه اش را به نجف اشرف منتقل و در وادی السّلام مدفون گردید.

مشارالیه سه دوره کتاب «بحارالانوار» و یازده مرتبه مجلد دهم آن را به خط زیبای خود نوشته است. نویسنده، مجلدات «ترجمه بحارالانوار» مشارالیه را نزد نواده اش مرحوم حاج سیّد محمّدعلی معین الاسلام فرزند آقا سیّد عبداللّه فرزند آقا محمّدعلی رؤیت نمودم. رحمه اللّه علیهم اجمعین.(۱)

[صاحب عنوان «الفصول المختاره» تألیف: شریف مرتضی را در ۲۲ ذیحجه ۱۲۶۴ق تصحیح کرده و چند حاشیه بر آن نگاشته است. این کتاب در کتابخانه سیّد مهدی شفتی در اصفهان موجود است.(۲) همچنین کتاب: «الافصاح» شیخ مفید را در سال ۱۲۶۲ق کتابت کرده که در کتابخانه آیت اللّه سیّد ابوالحسن اصفهانی در نجف وجود داشته است.(۳)]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «ترجمه اکمال الدّین» شیخ صدوق ۲. «ترجمه بحارالانوار» مجلد هشتم ۳. «ترجمه بحارالانوار» مجلد دهم۴. «مبانی الاحکام» در طهارت و صلوه و حج و غیره

میرزا محمّدعلی سلطان الکتاب

میرزا محمّدعلی سلطان الکتاب [فرزند محمّد. از خوشنویسان هنرمند اواخر دوره

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۲؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۶۲.

۲- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص ۱۹۰.

۳- الذریعه، ج۲، ص۲۵۹.

قاجاریه و اساتید خطوط نسخ و ثلث و رقاع. در اصفهان متولّد شد و در خط نزد آقا زین العابدین اشرف الکتاب مشق خط کرد(۱) و عمر را به کتابت گذراند. او برای ناصرالدّین شاه قاجار آثاری را کتابت کرد و از طرف ا و به لقب «سلطان الکتاب» ملقّب شد و مورد تشویق او قرار گرفت و مقرری برای او تعیین شد. وی سرانجام در سال ۱۳۳۰ق وفات یافته و در تکیه آقا سیّد محمّد ترک (تکیه جهانگیرخان) در تخت فولاد مدفون شد.(۲)]

این آثار از اوست:

۱. کتاب دعا، به خط نسخ که در شعبان ۱۳۱۴ق برای مظفرالدّین شاه قاجار نوشته است. این نسخه به شماره ۲۱۵۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳)

۲. گواهی خط نیریزی در سال ۱۳۲۴ق در یک قطعه خوشنویسی، که به شماره ۷۰۶ در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد موجود است.(۴)

[۳. خطوط ثلث کتیبه سنگ نوشته مرمرین مزار حاج محمّدحسن واعظ، به تاریخ ۱۳۰۷ق.(۵)

۴. «قرآن مجید» به خط نسخ و رقاع عالی، در ذیحجه الحرام ۱۲۸۹ق به جهت سلطان مراد میرزا حسام السلطنه، موجود در کتابخانه سلطنتی سابق.

۵. سوره یس و ادعیه، به خط نسخ و رقاع خوش در سال ۱۲۶۸ق به جهت هدیه حضور میرزا محمّدحسین، موجود در مجموعه مهدوی در تهران.

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۲۰ و ۲۳۶.

۲- مصاحبه با آقای مهدی سلطان الکتابی در ۱۸ خرداد ۱۳۸۵ش.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۸۵۱.

۴- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۵۵۷.

۵- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۶. «ادعیه ایام هفته» به خط نسخ و رقاع عالی، در سال ۱۳۱۴ق، به جهت مظفرالدّین شاه، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (مجموعه آقای نصیری) .

۷. «قرآن مجید» به خط نسخ و رقاع خوش در سال ۱۳۱۷ق به امر میرزا علیرضا مستوفی، موجود نزد آقای رمضانی ابن سینا.

۸. یک قطعه از مرقع به خط نسخ و رقاع خوش بلکه عالی در قرن سیزدهم، موجود در مجموعه شاهزاده افخم اعتضادی.(۱)]

میرزا محمّدعلی خوشنویس اصفهانی*

میرزا محمّدعلی بن میرزا محمّد طبیب اصفهانی، از خوشنویسان اواخر قرن سیزدهم هجری است. خطوط نسخ و ثلث را خوش می نوشته است. نسخه ای از «اعمال ماه رمضان» را در سال ۱۳۰۰ق کتابت نموده که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است. «یک رقعه» هم به خط او در مجموعه مرحوم حاج حسین آقا نخجوانی در تبریز موجود بوده است.(۲) همچنین کتاب «التقویم المستقیم» تألیف: ملاّ محمّدعلی بن احمد قراچه داغی را در شعبان ۱۳۰۰ق کتابت کرده که چاپ سنگی شده است.(۳)

میرزا محمّدعلی خوشنویس اصفهانی*

میرزا محمّدعلی بن میرزا محمّدقاری اصفهانی، خوشنویس ماهر و استاد قابل خط نسخ در عهد ناصری و جد خاندان قدسی اصفهان. در ۱۲ جمادی الاولی ۱۲۵۵ق متولّد شده و پس از تحصیلات مقدّماتی نزد آقا زین العابدین اشرف الکتاب مشق خط کرد و

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، صص ۱۱۸۵ و ۱۱۸۶.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۸۶.

۳- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

به استادی رسید و عمر را به کتابت کلام اللّه مجید و ادعیه گزارد تا اینکه در سال ۱۳۱۳ق در نجف اشرف وفات یافته و همانجا مدفون شد.

در استحکام و پختگی خط پیرو استاد خود اشرف الکتاب و در تندنویسی و تند و تیزی پیرو آقا غلامعلی اصفهانی بود به طوری که روزی یک جزو قرآن را به خط خوش کتابت می کرد و تمام سوره توحید را روی یک دانه برنج می نوشت. در مدت عمرش حدود سیصد قرآن کوچک و بزرگ (غیر از کتب ادعیه و احراز) نوشته است او در مدرسه نیم آورد حجره داشت و محل کتابتش حجره مدرسه بود و پسرانش در همین مدرسه تحصیل خط و سواد می کرده اند.(۱) چهار پسر او: عبدالحسین قدسی، حسن قدسی، میرزا ابوالقاسم خوشنویس و میرزا مهدی خوشنویس از خطاطان اصفهان بودند. خصوصا عبدالحسین و ابوالقاسم که شهرت به سزایی در کتابت به دست آوردند.

این آثار از اوست:

۱. قرآن رحلی بزرگ معروف به «سراج الملکی» که چاپ سنگی شده است.

۲. قرآن به خط نسخ غبار خوش که در سال ۱۲۷۶ق کتابت کرده و در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.

۳. قرآن مجید که به خط نسخ عالی در پنج شنبه ۱۸ شعبان المعظم ۱۲۹۳ق برای شخصی به نام حاج محمّدکاظم کتابت کرده است. این نسخه نزد سیّد نصراللّه تقوی بوده(۲) و بعدا به کتابخانه مجلس شورای ملّی انتقال یافته و اکنون به شماره ۶۵۱۷۳ در آن کتابخانه موجود است.(۳)

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۱۸-۱۲۰.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۸۶.

۳- فهرست مجلس، ج۱۵، ص۶۵.

سیّد محمّدعلی وفای زوّاره ای

سیّد محمّدعلی متخلّص به «وفا» [فرزند سیّد محمّد] طباطبائی زوّاره ای، فاضل ادیب. از شعرای عهد فتحعلی شاه [که در ۲۹ صفر ۱۱۹۵ق در اصفهان متولّد شد و چندی بعد او را به زوّاره بردند و او نزد ملّا عبدالعظیم بیدگلی کاشانی به تحصیل پرداخت. در ۱۹ سالگی به اصفهان آمده و نزد علمای این شهر خصوصا سیّد یوسف حکیم نوری مازندرانی معروف به «سید یوسف اَعمی» ادامه تحصیل داد و در اغلب علوم زمان خود مهارت یافت. آنگاه متولّی مدرسه حاج لطفعلی خان عرب عامری در زوّاره شد. امّا چون اغلب در اصفهان به سر می برد غاصبین، به موقوفات دست اندازی کردند و او برای کوتاه کردن دست غاصبین به تهران رفت و در آنجا منظور نظر فتحعلی خان صبای کاشانی (ملك الشُّعرای دربار فتحعلی شاه) قرار گرفت و در سفری دیگر محمّدحسین خان صدراعظم اصفهانی به او اکرام فراوان نموده و از محل مالیات نطنز و اردستان برایش مستمری معیّن کرد. فعالیّت های وفا برای کوتاه کردن دست غاصبین باعث شد آنان نزد حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی مجتهد بزرگ اصفهان از او بدگوئی کنند و او را به ساختن اشعاری در هجو سیّد متّهم سازند. امّا عاقبت بی گناهی او بر سیّد آشکار شد و مورد لطف سیّد قرار گرفت به این خاطر وفا تذکره ای موسوم به «مآثر الباقریه» نوشت و در آن شرح حال و قصاید کسانی که در مدح سیّد حجه الاسلام سروده اند و یا در وصف مسجد بنا شده به دست سیّد حجه الاسلام اشعاری انشاء کرده اند را آورد. این تذکره به کوشش دکتر حسین مسجدی در سال ۱۳۸۵ش به چاپ رسیده است.

وفا سرانجام در ماه صفر ۱۲۴۸ق وفات یافته و در تکیه میرزا رفیعا در تخت فولاد

اصـفهان مدفون شد.(۱) ولی در هنگـام احـداث فرودگـاه قـدیم اصـفهان، مزار او و بسـیاری از بزرگان مـدفون در تکایای آن حدود تسطیح شده و از بین رفت.

این شعر از اوست:

ز رخ غبار دَرَت شست اشکم اَر نه چه باک که نقش هستیم از صفحه وجود بشست]

و این شعر را در مدح گفته است:

جهان ز ملک جلالش یکی خرابه مکان فلک ز بحر کمالش یکی فسرده حباب

اگر به وجه عنایت کند به دشت ادب دگر ز روی سیاست کند به بحر عتاب

میاه این همه گرد و بخار آتش رنگ جبال آن همه گرد و سهیل بیضاتاب

حاج سیّد محمّدعلی ابن الرّضا

حاج سـیّد محمّدعلی ابن الرضا خوانساری فرزند سـیّد محمود رضوی بن سیّد محمود بن حاج سیّد حسن بن حاج میر جعفر بن سیّد محمّدعلی خوانساری، عالم فاضل، مجتهد جلیل القدر و صالح زاهد.

در ربیع المولود ۱۳۳۱ق (۱۲۹۱ش) در خوانسـار متولّـد شـد. ادبیات عرب، منطق و معانی بیان را نزد آخونـد ملّا محمّدحسـن شاکریان، میرزا یوسف مهدویانی و میرزا

۱- تذکره مآثر الباقریه، صـص ۱۲-۴۰؛ تاریخ تذکره های فارسـی، ج۲، ص۱۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۹۳؛ تذکره سـفینه المحمود، ج۱، ص۲۲۳؛ تـذکره انجمن خاقان، ص۶۳۹؛ ریحـانه الادب، ج۶، ص۳۳۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۷۲؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۵۳؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۲۰۰۵.

عبدالجواد موسوی و برادر خودش آقا میرزا رضا ابن الرضا و سطح فقه و اصول را از محضر پدر عالی مقامش فراگرفت. آنگاه راهی قم شد و نزد حجج اسلام و حضرات آیات: ادیب تهرانی، حاج میرزا خلیل کمره ای، سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی، سیّد محمّدرضا گلپایگانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و سیّد محمّدتقی خوانساری ادامه تحصیل داد.

او پس از وفات پدر به خوانسار مراجعت کرد و به تدریس، اقامه جماعت، موعظه و ارشاد و حل مشکلات مردم و فعالیت های خیریّه مشغول شد و جهت طلاب علوم دینی حوزه علمیه ولی عصر (عجل اللّه تعالی فرجه) را تأسیس نمود.

مرحوم ابن الرضا از بسیاری از علماء و مراجع تقلید اجازه دریافت داشته است از جمله حضرات آیات: سیّد ابوالحسن اصفهانی، میرزا حسین نائینی، بروجردی، خوئی، سیّد محمّدتقی خوانساری، میرزا ابراهیم اصطهباناتی، سیّد جمال الدّین گلپایگانی، سیّد احمد خوانساری، مرعشی نجفی و گلپایگانی.

او در تفسیر، حدیث، ادبیات، کلام و فقه و اصول مهارتی به سزا داشت. او عالمی زاهد و قانع، متواضع و اهل عبادت و تهجّد بود و نسبت به حلّ مشکلات نیازمندان و ارشاد گمراهان و گره گشائی از کار مردم همواره اقدام می نمود. این عالم فرزانه در سن یکصد سالگی در شامگاه سه شنبه ۱۰ فروردین ۱۳۸۹ش (مطابق) ۱۴ ربیع الثانی ۱۴۳۱ق وفات یافته و پس از تشییع باشکوه در قبرستان مصلای خوانسار جنب اجداد بزرگوار خود مدفون گردید.

از او علاوه بر جزوات مختلف و یادداشت درباره تفسیر، تاریخ، ادبیات، فقه و روایت کتاب «انوار فروزان هدایت» به فارسی که به عربی و اردو ترجمه شده است و

«تفسیر قرآن مجید»، (شامل سوره های لقمان و حجرات) به جای مانده است.(۱)

میرزا محمّدعلی طبیب

میرزا محمّدعلی طبیب بن سیّد میرزا مراد طباطبائی، از اطباء قرن یازدهم هجری. خود و پدرش از اطباء معروف و پزشکان اصفهان بوده و به استادی و حذاقت مشهور بوده اند. در کتاب «مجربات الطّبیّه» که در حوالی سال ۱۰۹۲ق نوشته شده، از مجربات او نقل شده است.(۲)

سیّد محمّدعلی موحّد ابطحی*

سیّد محمّدعلی موحّد ابطحی فرزند سیّد مرتضی، از علمای عالیقدر معاصر در ۲۸ صفر ۱۳۴۹ق (مطابق با ۱۳۰۹ش) در اصفهان متولّد شد. پدرش از علمای برجسته اصفهان و مادرش صبیّه فقیه و عالم ربانی سیّد محمّدتقی فقیه احمدآبادی است.

مقدّمات و برخی از دروس سطح و علم طب را نزد پدر بزرگوارش آموخت. معانی و بیان را از سیّد آقاجان نوربخش و فقه و اصول را از حضرات آیات: شیخ محمّد طبیب زاده، شیخ محمود مفید، سیّد محمّدباقر ابطحی سدهی، شیخ هبه اللّه هرندی، سیّد عبدالحسین طیّب و حاج آقا رحیم ارباب فرا گرفت. «منظومه» و منطق و حکمت را نزد میرزا رضا کلباسی، علم هیأت را نزد شیخ محمّدباقر قزوینی و طب را از میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت و حاج میرزا علی آقا شیرازی آموخت.

در سال ۱۳۶۴ق به قم مهاجرت نمود و نزد آیات عظام: بروجردی، حجّت کوه کمری،

۱- حیات طیبه، صص ۴۳۲-۴۳۴؛ نمی از یم: اغلب صفحات؛ مجلّه آئینه پژوهش، سال ۲۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹ش، شماره مسلسل ۱۲۱، صص ۱۲۴ و ۱۲۵.

۲- الذریعه، ج ۲۰، ص ۵.

میرزا رضـی تبریزی، سیّد محمّـد محقّق داماد، سیّد احمد خوانساری، سیّد محمّدرضا گلپایگانی، امام خمینی، شیخ عبدالنّبی عراقی، سیّد زین العابـدین کاشانی به تحصیل فقه و اصول پرداخت و حکمت و فلسفه را از علاّمه طباطبائی، دکتر مهـدی حائری یزدی و شیخ مهـدی مازنـدرانی آموخت. و برخی دیگر از دروس هیأت را به طور خصوصـی نزد علاّمه طباطبائی تلمّذ نمود.

آنگاه در سال ۱۳۷۳ق در سن ۲۵ سالگی به نجف اشرف مهاجرت نمود و به مدت ۲۱ سال در آن سرزمین مقدّس به تحصیل و تألیف و تحقیق و سپس تـدریس درس خارج فقه و اصول و علم رجال مشغول شـد. اساتیـد او در نجف اشـرف عبارتنـد از حضـرات آیات عظام: سیّد محسن حکیم، سیّد عبدالهادی شیرازی، سیّد جمال الدّین گلپایگانی، سیّد محمود شاهرودی و سیّد ابوالقاسم خوئی.

وی سـرانجام در سال ۱۳۹۴ق مجبور به بـازگشت به ایران شـد و در اصـفهان سـاکن گردیـد و به تـدریس خارج فقه و اصول مشغول شد. در سال ۱۴۱۰ق به قم هجرت نمود و تا آخر عمر در آن مکان به درس و بحث و افاده پرداخت.

سرانجـام آن عالم ربانی در شب ۱۳ رجب سال ۱۴۲۳ق پس از مـدّتی بیمـاری، در بیمارسـتانی در تهران وفات یافته و پیکر او پس از تشیع در حسینیه ای که خود بنا نموده بود، در شهر قم مدفون گردید.

تألیفات او متجاوز از ۱۴۰ رساله و کتاب است که از آن جمله است:

۱. «تهذیب المقال» در شرح «رجال نجاشی» در بیش از ۱۰ جلد که تنها ۵ جلد آن به طبع رسیده است.۲. «شرح وسائل الشیعه» که ۲ جلد آن به چاپ رسـیده است.۳. «شـرح رساله ابن غالب زراری» مطبوع۴. «تفسیر قرآن کریم» در چندین جلد۵. «شرح عروه الوثقی»۶. «هـدایه العقول إلی شـرح کفـایه الاصول» در ۵ جلد۷. «الجامع الصـحیح لاخبار الشـیعه فی احکام الشّـریعه» در چندین مُجَلَّد۸. «شرح

کافی»۹. «شرح تهذیب»۱۰. «شرح وافی» ۱۱. «اخبار الرّوات» در ده ها جلد ۱۲. «شرح رجال کَشّی» در ۵ جلد ۱۳. «شرح رجال شیخ طوسی» ۱۴. «شرح فهرست شیخ طوسی» ۱۵. «الطّبقات الکبری» در چندین جلد ۱۶. «القواعد الرّجالیّه» ۱۷. «شرح زیارت جامعه» ۱۸. «شرح زیارت عاشورا» ۱۹. «شرح دعای سحر» ۲۰. «شرح دعای افتتاح» ۲۱. «شرح دعای کمیل» ۲۲. «شرح دعای ابوحمزه ثمالی» ۲۳. «شرح دعای ندبه» و غیره.(۱)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن مصطفی [بن سلطان] اصفهانی [از خوشنویسان نستعلیق نویس در قرن یازدهم هجری] در سلخ رمضان ۱۰۳۴ق نسخه ای از «القواعد الفوائد» شهید اوّل را به خط نستعلیق نوشته و کتاب به شماره ۲۰۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) [همچنین نسخه ای از «من لا ـ یحضره الفقیه» را در سال های ۱۰۳۷ تا ۱۰۴۶ق کتابت کرده که در کتابخانه سیّد محمّد یزدی در نجف اشرف موجود بوده است.(۳)]

محمّدعلی نقدکوزاده*

محمّدعلی نقدکوزاده فرزند استاد مصطفی زرکش، از هنرمندان معاصر اصفهان در اوّل مهر ۱۳۰۵ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه اقدسیّه انجام داد و آنگاه نزد پدر به فعالیت هنری پرداخت و هنر آب کردن طلا و نقره برای زنجیره بافی و یراق های دور ترمه و تور نقده را فرا گرفت. وی از اساتید این هنر به شمار

۱- رساله شرح حال آیه اللّه موحد ابطحی؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط؛ آثار الحجه، ج۲، ص۱۳۱؛ الذریعه، ج۲۴، ص۴۹؛ الغدیر فی تراث الاسلامی، ص۲۱۰؛ مستدرک فهرس التراث، صص ۲۴۱ و ۲۴۲؛ المسلسلات، ج۲، ص۵۸۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۱، ص۲۳۷.

۳- الروضه النضّره، ص۳۷۵.

می رفت.

سرانجام در ۱۸ شهریور ۱۳۸۸ش (مطابق ۱۹ رمضان ۱۴۳۰ق) وفات یافته و در قطعه ۱۱ قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.(۱)

میرزا محمّدعلی میرزا مظفر

میرزا محمّدعلی بن میرزا مظفر [حسین منّجم بن محمّدعلی] اصفهانی، عالم زاهد جلیل [از حکماء و عرفای قرن دوازدهم هجری.] از زهاد و عبّاد بوده [و نزد علمای اصفهان همچون آقا محمّد بیدآبادی و سیّد حسن طالقانی تحصیل کرده] و در مسجد علی امامت می نموده [است.] با وضع فقر کمال مواظبت در آداب شریعت داشته و نسبت به مردم دنیا از غنی و فقیر و شاه و وزیر بی اعتنا بوده است.

وفاتش در سه شنبه ۱۳ شوال ۱۱۹۸ق روی داده و قبرش واقع در خارج بقعه تکیه میرزا رفیعا [در تخت فولاد اصفهان] بود و سنگ سیاهی به خط رقاع بسیار خوب داشت که در موقع تسطیح و توسیع فرودگاه اصفهان از بین رفت.(۲)

در «طرائق» گوید: در حکمیّات خصوص الهیات ید باسطی داشته و در زهد و عبادت سلمان عهد بود.(۳)

در تاریخ حکماء و عرفاء متأخّر از صدر المتألّهین گوید: «سیّد حسن طالقانی استاد او بوده است». [همچنین در این کتاب نوشته اند که میرزا محمّدعلی کتب حکمت و

۱- سایت اینترنتی یادبود (آرمستان های اصفهان) تاریخ مراجعه: خرداد ماه ۱۳۸۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۷۰ و ۵۷۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۱؛ مکارم الآثار، ج۱، ص۷۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، صص ۳۳۰ و ۳۳۱.

۳- طرائق الحقائق، ج۳، ص۲۵۴.

عرفان همچون «فصوص الحکم» و «تمهید القواعد» را تدریس نموده است.(۱)]

در «رستم التواریخ» در ذکر فضلای عهد کریم خان زند در اصفهان می گوید: «عالیجناب سلاله السّادات و النّجبائی افضل العلماء و اشرف الفقهاء علاّمی فهامی میرزا محمّدعلی ولد میرزا مظفر خلیفه سلطانی.(۲)

[مؤلف «تجریه الاحرار» درباره او می نویسد: «وارث زهد بوذری و سلمانی، حائز انواع فضائل نفسانی، جامع فقاهت نعمانی و مسائل حکمای یونانی میرزا محمّدعلی ابن مرحوم ملاّ مظفر اصفهانی که از تلامذه علاّمه بیدآبادی بود و در اعتراض از زخارف دنیا و مراسم و نُسُک و تقوی مولانا احمد اردبیلی را ثانی».(۳)

صاحب عنوان «شرح کتاب توحید» از: قاضی سعید قمی را در سال ۱۱۸۷ق به خط شکسته نستعلیق کتابت نموده است. شرح خواندنی و جامعی از مؤلف و کاتب دانشمندان را علاّمه محقّق آیت اللّه سیّد محمّدعلی روضاتی در کتاب خود آورده اند.(۴)]

میر محمّدعلی خاتون آبادی*

میر محمّدعلی بن میر معصوم ثانی خاتون آبادی، عالم فاضل متوفی سال ۱۳۴۶ق و مدفون در ایوان اطاق (آرامگاه) میر سیّد محمّداسماعیل خاتون آبادی در تخت فولاد اصفهان.(۵)

۱- تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفاء متأخّر، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.

۲- رستم التّواریخ، ص۴۰۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۹.

۳- تجریه الاحرار، ص ۱۶۰.

۴- فهرست کتب خطّی اصفهان، دو هزار نسخه، ج۲، صص ۷۶-۸۳.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۵، پاورقی.

ملاّ محمّدعلی واحد قمی

ملاّـ محمّـدعلی قمی متخلّص به «واحـد» [معروف به «کهنه» فرزنـد منصوربیـک ترکمان]، شاعر، خوشـنویس و ادیب فاضل، از مفاخر قرن یازدهم هجری. [در قم متولّد شده و] نزد ملاّ عبدالرزاق کاشانی به تحصـیل پرداخت.(۱) [سپس به اصفهان آمده و به خـاطر خط خوش، به کتابت در کتابخانه سـلطنتی دعوت شـده و شاه عباس دوّم برای او مسـتمری تعیین کرد. شـعر و معما و انشاء را به خوبی می دانسته و مثنوی به نام «گلشن خیال»(۲)] و دیوان اشعار سروده است.

[خط نستعلیق را خوش می نوشته و از جمله «اخلاق ناصری» را در آخر ماه صفر ۱۰۷۲ق کتابت نموده که در کتابخانه سلطنتی سابق در طهران موجود بوده است.(۳)]

همچنین او کتابت نسـخه ای از «تحریر اصول اقلیـدس» خواجه نصـیر طوسـی به خط نسـتعلیق است که در چهارشـنبه ۴ جمادی الثّانی ۱۰۹۱ق در اصفهان آن را به پایان رسانیده و به شماره ۴۰۷۸ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۴)

سال فوتش معلوم نیست ولی تا سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) در قید حیات بوده است.

از اوست:

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۱۶۸؛ تذکره غنی، ص۱۴۰؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، صص ۷۹۷ و ۸۰۳؛ ریاض الشعراء، ج۴، ص۲۴۷۳؛ تذکره سخنوران قم، صص ۳۲۲ و ۳۲۳.

۲- قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۰۶؛ الذریعه، ج۱۸، ص۲۲۶.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۸۰۱.

۴- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۷۴.

از غبارم شاخ گل بر سر ملایک می زنند تا بتان از نقش پا گل بر مزارم ریختند

ملّا محمّدعلی ابهری جی اصفهانی

مولی محمّدعلی بن مولی محمّدمؤمن ابهری جی [از خوشنویسان اصفهان در قرن یازدهم هجری.] نسخه ای از «احقاق الحق» قاضی نوراللّه شوشتری را در اواخر عشر ثانی از ماه دهم در سال ششم از دهه نهم از قرن یازدهم هجری (در ماه شوال ۱۰۸۵ق) کتابت نموده است.(۱)

محمّدعلی کاتب السّلطان اردستانی

محمّدعلی حسنی اردستانی ملقّب به «کاتب السلطان» بن محمّدمؤمن. [از کاتبان و خوشنویسان قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۵۹ق از کتابت نسخه ای از «قرآن مجید» فراغت یافته است. این قرآن به وسیله محمّد شاه قاجار بر کتابخانه آستان قدس رضوی وقف شده است و [این نسخه اکنون] به شماره ۱۱۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

سیّد محمّدعلی ابطحی

حاج سیّد محمّدعلی ابطحی سدهی فرزند سیّد محمّدمهدی حسینی، عالم فاضل محقّق مدقّق [از علمای قرن چهاردهم هجری] از سلسله سادات حکیمی.

۱- احقاق الحق، ج ۱، ص:کط.

۲- گنجینه قرآن، ص ۳۱۲؛ آتشکده اردستان، ج ۳، ص ۵۶۹؛ بیان المفاخر، ج ۱، ص ۲۴۶.

در ماه صفر ۱۲۹۴ق در سِدِه [خمینی شهر کنونی] متولّد شده و در اصفهان در خدمت آقا شیخ مرتضی ریزی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، شیخ عبدالحسین محلاّتی، جهانگیرخان قشقائی، میرزا هدایت اللّه چهارسوقی [و شیخ محمّدتقی آقانجفی] تحصیل نموده [و سپس به نجف اشرف عزیمت نمود و نزد آیات عظام آخوند خراسانی و سیّد محمّدکاظم طباطبائی یزدی ادامه تحصیل داده و به مقام شامخ اجتهاد نائل شد. همچنین از شیخ عبدالحسین محلاّتی، شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی، آخوند خراسانی، سیّد محمّدکاظم یزدی، شیخ محمّدحسن مامقانی، فاضل شرابیانی، شیخ محمّدطه نجف نجفی و شیخ عبداللّه مازندرانی اجازه دریافت نمود. سپس به اصفهان مراجعت نموده و به اقامه جماعت و ارشاد مردم مشغول شد و در مدرسه چهارباغ و مدرسه جدّه بزرگ تدریس نمود.]

او سرانجام در ماه رجب ۱۳۷۱ق در سفر زیارت مشهد مقدّس، در آن شهر وفات یافته و در صحن دار الضّیافه (در جوار مرقد مطهر امام رضا علیه السلام) مدفون گردید.

مشارٌ الیه متجاوز از ۵۰ جلد کتاب و رساله تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «تعلیقه بر فرائد»۲. «الجواهر السّنیه فی سیره النّبویّه» مطبوع۳. «ختام الغرر»۴. «رساله در تعارض ادلّه»۵. «رساله در تعادل و تراجیح»۶. «رساله در رضاع»۷. «رساله در صلاه»۸. «رساله در حجیّت مظنّه»۹. «رساله در صلوه»۱۰. «رساله در طهارت» ۱۱. «رساله در قضا و شهادات» ۱۲. «رساله در معاملات» ۱۳. «رساله استدلالی در قیامت» ۱۴. «رساله در نبوّت» ۱۵. «رساله در ولایت حاکم»

[«شرح شرایع» به عربی در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است. یک جلد از آن شامل «کتاب طهاره» و جلد دیگر شامل «کتاب صلاه» تا «احکام مساجد» است.(۱)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۵۸ و ۳۵۹؛ الاجازه الکبیره، صص ۲۰۱ و ۲۰۲؛ گلزار فضیلت، صص ۱۹۷- ۲۰۱؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۱، ص۶۲؛ فهرست مرعشی، ج۶، صص ۱۲۴ و ۱۲۵.

محمّدعلی سینی بُرخواری*

محمّـدعلی بن مهرعلی سینی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. وی در روستای «سین» بُرخوار ساکن بوده و در غرّه محرم ۱۰۷۷ق کتاب «اکمال الدّین» تألیف: شیخ صدوق را کتابت نموده است و اینک در کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان موجود است.(۱)

محمّدعلی نقّاش اصفهانی*

محمّدعلی نقّاش اصفهانی فرزند نجفعلی (آقانجف) نقاش، از نقاشان و قلمدان سازان هنرمند اصفهان در اواخر دوره قاجاریه است. او کوچک ترین فرزند آقانجف بوده و همچون پدرش و سایر برادران (محمّـدکاظم، محمّـدجعفر و احمد) در قلمدان سازی و نقاشی گل و بته و منظره و مجلس و شکارگاه استاد بوده و تا سال ۱۳۳۵ق در قید حیات بوده است.

از آثار او قلمدان دراویش است که نزد یکی از مجموعه داران موجود بوده است.(۲)

حاج محمّدعلی اسماعیل پور شهرضائی*

حاج محمّـدعلی اسماعیل پور فرزند نصرالله، عالم فاضل و فقیه محقّق، از علمای معاصر. در سال ۱۳۱۹ش در شهرضا متولّد شده و در شهرضا نزد حاج میرزا محمّدرضا مهدوی و آقا شیخ محمّدهادی فرزانه علوم دینی را تحصیل کرد و قسمتی از طب را از

۱- فهرست مرکزی دانشگاه اصفهان، ج۱، ص۱۴.

۲- مجلّه هنر و مردم، شماره ۱۵۹ و ۱۶۰، سال چهاردهم، دی و بهمن ۱۳۵۴ش، ص۹۲.

دکتر محمّدحسین مدرسی اسفه ای آموخت. آنگاه به قم رفته و نزد حضرات آیات: امام خمینی، گلپایگانی، سیّد محمّد محقّق داماد و حاج میرزا هاشم آملی کسب فیض نمود. در فلسفه نزد علاّمه طباطبائی در قم و حکیم فرزانه در شهرضا تحصیل کرد.

او از مدرسین خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم است و علاوه بر آن به بیان تفسیر قرآن می پردازد. وی در ایام تابستان در شهرضا به ایراد و وعظ و خطابه می پردازد و به حلّ مشکلات شرعی مردم اقدام می کند.

وی تألیفات بسیاری دارد که از آن جمله است:

۱. «مجمع الافکار و مطرح الانظار» که یک دوره کامل اصول در ۵ جلد است و چاپ شده است.۲. «المعالم المأثوره» در طهارت به شیوه استدلالی که ۵ جلد آن به طبع رسیده است.۳. «هدایه المتّقین» که رساله عملیه ایشان است و به طبع رسیده است.

سایر تألیفات ایشان که هنوز چاپ نشده اند به شرح زیر است:

۴. «کتاب القضاء فی ظل الجواهر»۵. «نکاح»۶. «صفاریه»۷. «تعلیقه بر عروه الوثقی»۸. «دقائق الافکار» (یک دوره کامل اصول) ۹. «الاصول العالیه» (مبحث الفاظ) ۱۰. «القول المختار فی احکام الخیار» ۱۱. «کتاب البیع» ۱۲. «تعلیقه بر شرح تجرید علاّمه» ۱۳. «تعلیقه بر اسفار»(۱)

شیخ محمّدعلی مدرس دزفولی

شیخ محمّدعلی فتحی دزفولی معروف به «مدرس دزفولی» فرزند [خواجه] نصراللّه بن [خواجه] ابوالحسن بن [حاج] لطفعلی بن حاج فتح اللّه بن میر کلب علی منکره ای، عالم

۱- تاریخ شهرضا، ج۲، صص ۳۳۴-۳۳۶.

فاضل محقّق کامل [از علمای قرن چهاردهم هجری.] از اجلّه علماء و مدرّسین و بزرگان فقهاء و مجتهدین.

در سال ۱۲۷۱ق در دزفول متولّد گردید [و از سن ۱۶ سالگی به تحصیل پرداخته و از ۱۹ سالگی نزد آقا شیخ محمّدحسن معزی دزفولی و برادرش آقا شیخ محمّدطاهر معزّی به تحصیل و فقه و اصول و ادبیات عرب مشغول شده و اغلب کتب را با تلاش و مطالعه شخصی فراگرفت و همزمان به تدریس پرداخت. او به علّت بیماری به عراق (اراک) مهاجرت کرده و ۴ سال در آنجا به تدریس مشغول بود(۱) عاقبت به اصفهان آمد و برای همیشه در این شهر ساکن شد.]

در ادبیات عرب از نوادر به شمار می رفت. مقدمات علوم ادبیّت و کلیه مراحل منقول را در کمال استادی تدریس می نمود و سال ها در مدرسه جدّه به تدریس مشغول بود و در این اواخر مطابق تصدیق بزرگان دو کتاب «فرائد» و «متاجر» شیخ انصاری را کسی به خوبی او تدریس نمی کرد. [همچنین] در علوم غریبه و تسخیر جن مهارت و استادی داشت.

او در زهد و تقوی و اعراض از دنیا بی نظیر و در علم و عمل کم نظیر بود. در شب عرفه [سال] ۱۳۵۸ق وفات یافته در تکیه سیّد العراقین [در قبرستان تخت فولاد اصفهان] مدفون گردید.(۲)

[مادّه تاریخ وفات او را عالم ربّانی و ادیب توانا سیّد حسن مدرس هاشمی چنین سروده است:

ز بهر تاریخ او کرد «مدرس» سؤال: ز پیشگاه خرد، گفت ز روی بیان

۱- نور الانوار (مؤخره) ، صص ۱۰-۱۹؛ شرح مجموعه گل، صص ۱۵۴-۱۶۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۸۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۵؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۵۴۹.

اضافه کن چهارده به سال شمسی و گو «شدی محمّدعلی بسوی جنّت روان»(۱)

و خوشنویس ادیب و شاعر فاضل شیخ غلامعلی بکائی گوید:

«بکاء» از بهر تاریخش به فکرت بود و ملهم شد ز روح القدس ملهم شد پی اهدای دزفولی

یکی آمد برون از جمع و گفت از بهر تاریخش «بهشت آمد مقام و مسکن آقای دزفولی»(۲)

[۱۳۵۸ق]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. رساله در «نور الانوار» در منطق که در ۲۴ سالگی تألیف نموده و به طبع رسیده است.(۳) ۲. «کشاف الغایه» در شرح «تهذیب منطق» تفتازانی است. [۳. «الدُّرِر الفَتحیّه» که به ضمیمه «نور الانوار» به طبع رسیده است.] ۴. «الکنوز الحسنیّه» در مباحث توحید و نبوّت و امامت، که به طبع رسیده است.۵. «حاشیه بر فرائد الاصول» که مفقود شده و فقط برخی از اوراق آن به همراه حاشیه حاج آقا رضا همدانی به ضمیمه «فرائد الاصول» شیخ انصاری در سال ۱۳۷۴ق چاپ شده است.۶. «غنیه الادیب» (تلخیص باب اوّل «مغنی اللّبیب»)۷. «حاشیه بر غنیه الادیب»۸. «حاشیه بر شر لمعه»(۴)

محمّدعلی شکیبائی

محمّدعلی پورشکیبائی متخلّص به «شکیبائی» فرزند حاجی نصراللّه، از شعرای معاصر. در سال ۱۲۸۷ش در کرمان متولّد گردیده و پس از تحصیل به استخدام ارتش

۱- مکارم الآثار، ج۶، صص ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹.

۲- شرح مجموعه گل، ص ۱۹۰.

۳- الذریعه، ج۲۴، ص۳۵۹.

۴- شرح مجموعه گل، صص ۱۸۴-۱۸۷.

درآمـده و در اداره نظام وظیفـه اصـفهان به خـدمت پرداخت. گـاهی در انجمن ادبی کمـال شـرکت می کرد [و در منزلش از شعراء و هنرمنـدان پـذیرایی می کرد و محفـل شـعر و ادب را در آنجـا برپـا می داشت. وی سـرانجام در تیرمـاه ۱۳۶۷ش وفات یافت. مجموعه اشعار او با عنوان «تاب شکیبائی» در سال ۱۳۸۸ش چاپ شده است.(۱)] از اوست:

نگارا بر من بیدل ز وصل خویش لطفی کن که می ترسم ز هجرانت کشد کارم به رسوائی(۲)

میرزا محمّدعلی ملّاباشی

میرزا محمّـدعلی ملّاباشـی فرزنـد میرزا نصـراللّه، عـالم فاضل [از علمای اصـفهان در قرن سـیزدهم هجری.] در شـنبه ۲۵ شعبان ۱۲۸۷ق وفات یافته، در ایوانچه بالای حوض، در تکیه مادرشاهزاده مدفون شد. مادّه تاریخ وفاتش این است:

بنوشت «وحیدی» از پی تاریخش: «در کوی محمّد و علی گشت مکین»(۳)

میرزا محمّدعلی نراقی*

میرزا محمّـدعلی بن محمّدنصـیر بن ملاّـ احمـد بن ملاّـ مهـدی نراقی کاشانی، عالم فاضل و فقیه متبحّر. در کاشان ساکن بود و پس از مدّتی تحصیل به اصـفهان آمد و درس را ادامه داد و پس از رسـیدن به مراتب عالی علم و فضل به تدریس در مدرسه جده بزرگ مشـغول شد و شاگردانی تربیت کرد از جمله: شیخ اسماعیل معزی و شیخ محمّدعلی کرمانی. وی در سال ۱۳۲۱ق در اصفهان وفات یافته و در یکی از اطاق های جنوبی تکیه

۱- یادداشت های محقّق گرامی آقای محمّدرضا زادهوش.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۷۸ و ۲۷۹.

۳- دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۴۱ و ۸۴۲؛ گلشن اهل سـلوک، (ویرایش دوم) ، ص۵۰۰؛ مکارم الآثار، ج۸، ص ۲۸۲۰.

تویسرکانی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

کتـاب «هـدایه الاـصول» از تألیفـات اوست که در سال ۱۲۸۷ق نوشـته شـده ولی ناتمـام است و در کتابخانه آیت اللّه مرعشـی نجفی در قم موجود است.(۱)

محمّدعلی اردستانی*

محمّدعلی شـریف بن محمّدنصـیر بن محمّد اردسـتانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. به فلسفه علاقه داشته و در اصفهان به تحصـیل مشغول بوده است.(۲) او کتاب «شـفا» ابن سـینا را در ۲۲ شعبان ۱۰۷۶ق در مدرسه شـیخ لطف اللّه اصفهان کتابت کرده که به شماره ۹۴۰۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشـی نجفی در قم موجود است.(۳) نسخه دیگری از «شفا» را در ۲۶ ذیحجه ۱۰۷۲ق کتابت کرده که در کتابخانه دکتر مهدوی در تهران موجود بوده است.(۴)

ملاّ محمّدعلی قدرتی اصفهانی*

ملاّ محمّدعلی قدرتی اصـفهانی فرزند خواجه نصیرالدین، شاعر و ادیب قرن یازدهم هجری. در سال ۱۰۲۴ق در اصفهان متولّد شـده و در این شـهر تحصـیل کرد. سـپس برای تجارت به هند رفت امّا سـرمایه چندانی به دست نیاورد و در اصـفهان به بزّازی مشغول شد و چون در این شغل وقوف نداشت کاری از پیش نبرد. وفاتش قبل از سال ۱۰۸۰ق در اصفهان واقع شد.

او «دیوان شعر» با حدود بیست و پنج هزار بیت و یک مجموعه شامل شعر شاعران

۱- تراجم الرّجـال، ج۲، ص۷۵۳؛ تخت فولاـد یادگار تاریـخ: خطی؛ بزم قدسیان، صـص ۲۸۲-۲۸۵؛ فهرست مرعشـی، ج ۲۰، ص۳۲.

۲- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

۳- فهرست مرعشی، ج۲۴، ص۱۷۹.

۴- نسخه های خطی، دفتر دوم، ص ۱۶۰.

عهد خویش را نوشته بود که اکنون از آنها اثری وجود ندارد.

این شعر از اوست:

لبالب است ز معنی محیط سینه ما به روی آب گهر می رود سفینه ما(۱)

میرزا محمّدعلی تویسرکانی

میرزا محمّدعلی تویسرکانی [فرزند میرزا محمّدنقی نایب الصّدر] عالم فاضل و فقیه زاهد. از شاگردان حاج شیخ محمّدباقر نجفی، [میرزا محمّدهاشم چهارسوقی، آخوند ملاّ محمّدباقر فشارکی و سیّد عبدالغفار تویسرکانی] بوده و در مدرسه نیم آورد تدریس می کرده است. او در سال ۱۳۲۹ق وفات یافته و در بقعه تکیه تویسرکانی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

[حضرات آیات: سیّد احمد خوانساری، ملاّ محمّدجواد صافی و میرزا محمّد طبیب زاده، سیّد محمّدباقر تویسرکانی، سیّد شمس الدین خادمی، سیّد محمود خوانساری، شیخ محمّدعلی مظاهری و شیخ اسداللّه ایزدگشسب از شاگردان او بوده اند. در خط نیز مهارت داشته و خوش می نوشته است.(۲)

این کتاب ها از اوست:

۱. «رساله در شبهات شیطان لعین» ۲. «رساله کلام» که دو نسخه فوق در کتابخانه ابن مسکویه موجود است.۳. «شرح دعای سمات» که نزد آیت اللّه حاج سیّد محمّدعلی روضاتی موجود است.۴. «بصائر الفقه» که در کتابخانه دکتر حاج سیّد احمد تویسرکانی

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۰۳؛ قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۰۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ مصاحبه غلامرضا نصراللهی با دکتر سیّد احمد تویسرکانی در مرداد ۱۳۸۶.

در اصفهان وجود دارد.(۱)]

سیّد محمّدعلی حسینی اصفهانی

سیّد محمّدعلی بن سیّد ولی حسینی اصفهانی، از فضلاء [و دانشمندان] قرن یازدهم هجری و از شاگردان شیخ بهائی و میرداماد بوده و در مسجد جامع عتیق اصفهان امامت می نموده است.(۲) همچنین در ربیع الاوّل ۱۰۱۵ق از سیّد میرزا محمّد بن علی بن ابراهیم حسینی استرآبادی ساکن مکّه معظّمه اجازه دریافت نموده است.(۳) [ظاهرا در اصفهان به تدریس مشغول بوده و جمعی از درس او مستفیض می شده اند که از آن جمله است:[خواهرزاده اش امیرفیاض بن هدایه اللّه حسینی مؤلف کتاب «التّصوّف و العرفان»(۴)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن محمّدهادی اصفهانی [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] در ۱۳ ذیقعده ۱۱۱۷ق نسخه ای از «شرح حکمه العین» میرزا سیّد والی را نوشته است. نسخه در کتابخانه فرهنگ مشهد موجود است.(۵)

محمّدعلی امامی نائینی

محمّدعلی امامی نائینی [فرزند حاج میرزا محمّدهادی]، از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۶ش در نائین متولّد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسّطه را در مولد خود به

۱- بزم قدسیان، صص ۷۳-۹۱؛ دانشنامه تخت فولاد، ج ۱، ص ۴۱۱.

۲- الذریعه، ج ۶، ص ۱۸۲.

۳- الذریعه، ج ۱، ص ۲۴۱.

۴- الذریعه، ج ۴، ص ۱۹۹.

۵- فهرست فرهنگ مشهد، ص ۵۰.

پایان رسانیده و از سال ۱۳۲۴ش وارد خدمت فرهنگ شده و از آموزگاران خوب و باایمان اصفهان است. از اوست:

باز گل و سبزه به هم آمیختند سوسن و سنبل به هم آمیختند

نیلفر و سرو نگه کن که چون لیلی و مجنون به هم آمیختند

تا بن عشق کهن از نو نهند(۱)

حاج میرزا محمّدعلی دولت آبادی

حاج میرزا محمّدعلی دولت آبادی فرزند حاج میرزا هادی بن سیّد عبدالکریم بن میر محمّدهادی حسینی، از آزادیخواهان و رجال سیاسی و علمی و ادبی زمان خود بوده [است.] در سال ۱۲۸۵ق متولّد شده و در طهران و اصفهان تحصیل نموده و در دوره چهارم به عنوان نماینده بروجرد و خرم آباد در مجلس شرکت نموده، در اواسط وکالت در قبل از ظهر هشتم شوّال سال ۱۳۴۱ق وفات یافته، و در آرامگاه خانوادگی دولت آبادی در مزار ابن بابویه واقع در شهرری مدفون گردید.

او کتابی درباره سرگذشت احوال خود و خاندان خود نوشته است.(۲)

ملاّ محمّدعلی مظاهری کرونی*

ملاّ محمّدعلی بن ملاّ محمّدهادی مظاهری کرونی، عالم فاضل، از علمای قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۸۷ق در «تیران» از بلوک کرون (به فتح کاف و واو) اصفهان متولّد شد. تحصیلات مقدّماتی را نزد پدر آغاز کرد. سپس به اصفهان رفته و در مدرسه میرزا حسین و سپس در مدرسه الماسیه ساکن شد و نزد حضرات آیات آخوند

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۶۲؛ تذکره سخنوران نائین، ص۲۵.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۰۰؛ دیوان طرب، (مقدمه) ، ص۲۰۸.

ملاّ محمّدباقر فشارکی، آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی، آقا میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) ، و دیگران به تحصیل پرداخته و از آقا میرزا محمّدعلی تویسرکانی، آخوند فشارکی و آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی اجازه دریافت نموده و به اجتهاد نائل شد. سپس به زادگاهش «تیران» مراجعت نموده و به تبلیغ و ارشاد مردم و تدریس فقه و اصول و حل و فصل مشکلات و رفع خصومات و مرافعات و اجرای حدود شرعی پرداخت.

او عالمی وارسته و قانع بود و از راه مختصر زراعتی که داشت امرار معاش می کرد و در عین حال سخاوتمند و مهمان نواز بود.

گویند تألیفاتی داشته و در سن ۷۲ سالگی بر اثر عارضه ذات الرّیه در شب ۲۵ شوّال ۱۳۵۰ق وفات یافته و در مقبره ای مخصوص جنب حسینیّه و مسجد خود در تیران مدفون گردید.(۱)

میرزا محمّدعلی ملاذالاسلام

میرزا محمّدعلی ملاذالاسلام جعفری فرزند آقا میرزا هاشم بن حاج سیّد جعفر بن حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی، از محترمین علمای اصفهان [در قرن چهاردهم هجری.]

قبل از سال ۱۳۰۵ق در اصفهان متولّد گردیده و در این شهر نزد فضلاء و علماء فی الجمله تحصیلاتی نموده، از علماء مورد توجّه مردم و خدمتگزاران به دین و اجتماع به شمار می رفت. طبع شعری داشت و در اشعار «عاصی» تخلّص می نمود. دیوان مختصری قریب یکهزار و پانصد بیت دارد. در ۲۱ ربیع الاول سال ۱۳۷۲ق در اصفهان

۱- دیباچه دیار نون، ص۲۲۹.

وفات یافته، در بقعه مرحوم سیّد حجه الاسلام [واقع در مسجد سیّد اصفهان] مدفون گردید. مرحوم حاج میرزا حبیب اللّه نَیِّر در مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین نوشته است:

نیر نقص الاثنین فصار تاریخ «جعل القدس مکانا لملاذالاسلام»

صاحب عنوان پس از فوت برادرش مرحوم حاج میرزا محمّدحسین جعفری صبح ها در مسجد سیّد امامت می نمود. این شعر از اوست:

دهید مژده که بوی بهار می آید هزار شکر رفیقان که یار می آید

به میکده خبری بر، صبا ز روی وفا بگو که آن صنم گل عذار می آید(۱)

علّامه حاج سیّد محمّدعلی روضاتی*

استاد علّامه حاج سیّد محمّدعلی روضاتی فرزند آقا میرزا محمّدهاشم بن آقا سیّد جلال الدّین روضاتی بن آقا میرزا مسیح چهارسوقی بن آقا میرزا محمّدباقر موسوی چهارسوقی (صاحب روضات الجنّات) .

فقیه محقّق و محدّث مدقّق، عالم عامل و صالح فاضل رجالی متتبع و کتاب شناس جامع در روز ۱۳ رجب المرجّب سال ۱۳۴۸ق مطابق با ۱۳۰۸ش در اصفهان متولّد شد. در ۸ سالگی پدر عالیقدر و دانشمند خود را از دست داد و تحت سرپرستی جدّ مادری خود عالم فاضل جلیل القدر حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی قرار گرفت و از تربیت و تعلیم آن بزرگمرد بهره ور شد.

تحصیلات خود در مدارس جدید را در اصفهان تا اواخر متوسطّه انجام داد. تحصیلات حوزوی را در مدارس دینی اصفهان آغاز کرد. «معالم» را از آقا شیخ محمّدحسین مشکی (مقدّس) ، «شرح لمعه» را از آقا شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی

۱- بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۹۹-۲۰۱؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۲۷-۳۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۷۹ و ۳۸۰؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۶.

و شیخ هبه اللّه هرندی و «مکاسب» را از شیخ محمّدرضا جرقویه ای صلصالی (حسین آبادی) آموخت.

علاّمه روضاتی پس از طیّ دوره مقدّمات و پاره ای از سطوح به قم رفت و در دروس حضرات آیات: شیخ محمّد صدوقی یزدی («شرح لمعه») ، سیّد محمّدباقر سلطانی طباطبائی («مکاسب») حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی («رسائل» و «مکاسب») ، میرزا محمّد مجاهدی («کفایه») و حاج شیخ مرتضی حائری یزدی («کفایه») حاضر شد و از آنان کسب فیض نمود. عمده تحصیلات ایشان در خارج فقه نزد آیت اللّه العظمی بروجردی صورت گرفت.

استاد روضاتی از آغاز جوانی به تحقیق و تألیف روی آورد و آثار ارزنده و پرباری را به وجود آورد.

او پس از اتمام تحصیلات و مراجعت به اصفهان بنا به خواسته مردم متدیّن اصفهان و سابقه این خاندان، با همکاری دوست قدیمی و همدرس صمیمی خود مرحوم شیخ محمّدمهدی نواب لاهیجی به تنظیم و تهیه اسناد شرعی مورد حاجت مردم و حل و فصل مشکلات آنان پرداخت. همچنین مدّتی در مسجد آقا میرزا هاشم (در خیابان طالقانی) به اقامه جماعت و ارشاد مردم مشغول بود. ایشان پس از این، و تا پایان عمر خویش از این امور کناره گرفته و در انزوا و خلوت خویش به مطالعه، تحقیق و تألیف مشغول بود.

علاّمه روضاتی از افزون بر سی نفر از اعلام و فضلای عهد خویش اجازه دریافت نمودند؛ از جمله حضرات آیات عظام: شیخ آقابزرگ طهرانی، آقا سیّد محمّدمهدی موسوی اصفهانی، حاج سیّد صدرالدّین صدر، آقا میرزا محمّد طهرانی، سیّد عبدالحسین شرف الدّین، سیّد محسن امین عاملی، سیّد هبه الدّین شهرستانی، شیخ محمّدحسین آل کاشف الغطاء، حاج سیّد محمّدهادی میلانی، حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی، سیّد

جمال الدّین گلپایگانی، میرزا آقا سیّد ابراهیم حسینی اصطهباناتی و حاج سیّد محسن حکیم. (رحمه اللّه علیهم اجمعین)

آثار ذیل از تألیفات ایشان است که تاکنون چاپ شده اند:

۱. تصحیح «روضات الجنّات» که به طبع حجری رسیده است.۲. «زندگانی آیت اللّه چهارسوقی»۳. «جامع الانساب» که تنها جلد نخست آن به طبع رسیده است.۴. تصحیح، تعلیق و تحقیق «مکارم الآثار» نوشته مرحوم میرزا محمّدعلی معلم حبیب آبادی که تاکنون ۸ جلد آن چاپ شده است.۵. «شرح روضات الجنّات» که جلد اوّل آن به چاپ رسیده است.۶. «فهرست کتب خطی اصفهان، دو هزار نسخه عربی و فارسی» که جلد اوّل و دوم آن به طبع رسیده و جلد سوم تحت طبع است.۷. «دو گفتار»۸. «دومین دو گفتار»۹. «تکمله الذریعه» در ۲ جلد۱۰. «تکمله طبقات اعلام الشیعه» ۱۱. «مقاله طالبیه» جستاری پیرامون کتاب فقهی مطالب مظفریه و مصنف آن و متفرعات تاریخی. ۱۲. «در پیرامون امثال و حکم و احادیث مثنوی» ۱۳. «جبر و تفویض» که همان رساله «خلق الاعمال» ملّاصدرای شیرازی است و با تحقیق و مقدمه استاد روضاتی در سال ۱۳۴۰ش به چاپ رسیده است. ۱۴. «نسخه برگردان تجارب السلف» هندوشاه نخجوانی که در سال ۱۳۶۱ش با پیشگفتار و پیوست های فراهم آورده استاد در اصفهان منتشر شد. ۱۵. تحقیق و تحشیه «مناهج المعارف» تألیف میر سیّد ابوالقاسم جعفر موسوی خوانساری (جدّ اعلای ایشان) که جزو نخست آن به طبع رسید. ۱۶. «رساله در احوال ملّا محمّدعلی بن محمّدرضا تونی» که در شمارگان محدود در سال ۱۳۸۱ش به طبع رسید. ۱۷. حواشی بر «زندگینامه علّامه مجلسی» تألیف مرحوم سیّد مصلح الدّین مهدوی ۱۸. اهتمام به چاپ و نگارش پیوست هایی به «کشف المراد» علّامه حلّی که متن آن به تصحیح و تعلیق والد ماجدشان مرحوم سیّد میرزا محمّدهاشم موسوی اصفهانی (روضاتی) بوده است. ۱۹. اجازه ای مفصل جهت سیّد

مصلح الدّین مهدوی که به خط مجیز در آغاز جلد دوم همین کتاب (اعلام اصفهان) به چاپ رسید. ۲۰. «مرآه الزمن أو الوجیز المستحسن فی الاجازه لسیّدنا الفقیه الامامی الحسن» که در جلد اوّل فهرست نسخه های خطی مجاز طبع شد. ۲۱. «الدلیل الاحسن فی الاجازه للأخ الفاضل المظاهری الحسن» ۲۲. «شجره نامه خانوادگی» طبع اوّل در تهران ۱۳۶۷ق، طبع دوم در بغداد ۱۳۶۹ق. ۲۳. «مجالس اهل ایمان» ۲۴. «اسناد خاندان روضاتیان» و چند اثر دیگر.

همچنین این آثار از حضرت ایشان هنوز به زیور چاپ آراسته نشده است:

۱. «ریاض الابرار» در مستدرک مُجَلّد اجازات «بحارالأنوار» که ۲ جلد آن تألیف شده است. ۲. «عترت طاهره» در باب فضائل و حیات ائمه معصومین علیهم السلام منقول از کُتُب عامّه و خاصّه.۳. «شرح حال سیّد رضی» رحمه الله۴. تحقیق متن «نهج البلاغه»۵. تحقیق و تصحیح «المجدی»۶. «کواکب منتشره در احوال اعیان شجره»۷. «دیوان الاکابر» (جامع آثار منظوم و منثور نیاکان) ۸. «فیض الباری فی ترجمه الإمام الانصاری»۹. «تراجم علما عتبات(۱) ۱۰. «انساب موسویین» ۱۱. «حواشی بغیه الوعاه» ۱۲. «حواشی أمل الآمل» ۱۳. «حواشی ریحانه الأدب» ۱۴. «فهرست المکتبه الروضاتیه» ۱۵. «تعلیقات بر اعیان الشیعه» ۱۶. «تکمله الکنی و الألقاب»

علاّمه روضاتی کتابخانه ای ارزشمند شامل نسخ چاپی و خطی نفیس و کمیاب دارند که برخی از آنها از میراث خاندان با فضیلت خود و برخی نیز خریداری شده و گنجینه ای ارزشمند را تشکیل می دهد.(۲)

سرانجام این دانشمند کم نظیر پس از دو ماه بیماری در صبح روز پنج شنبه ۲۹ شعبان المعظم ۱۴۳۳ق (مطابق با ۲۹ تیر ۱۳۹۱ش) در منزل مسکونی خود واقع در محلّه

۱- چنانچه از کتاب زندگانی آیه اللّه چهارسوقی، ص۱۳۵ ظاهر می شود.

۲- اسناد خاندان روضاتیان: مؤخره به قلم آقای: جویا جهانبخش، صص ۴۲۴-۴۳۲.

چهارسوی شیرازی ها وفات یافته و عصر همان روز در منزل خود تغسیل و تکفین و به سوی تخت فولاد تشییع گردید و در جوار اجداد عالیقدر خود در بقعه علّامه میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) مدفون شد.

میرزا محمّدعلی مَحرَم یزدی

میرزا محمّدعلی متخلّص به «مَحرَم» فرزند آقا محمّدهاشم خوشنویس اصفهانی، شاعر و ادیب از هنرمندان و ادبای قرن سیزدهم هجری. پدرش از اصفهان به یزد آمده و او در یزد متولّد شد. در جوانی چندی در اصفهان و تهران بود. سپس به یزد مراجعت کرده و در یکی از حجرات مصلای صفدرخان سکونت گزید و به شغل تذهیب امرار معاش نمود و حجره اش محفل ادباء و فضلاء و بزرگان اهل حال بود. عاقبت در سال ۱۲۳۱ق در یزد وفات یافت.

[قضائی یزدی مادّه تاریخ فوتش را در این بیت سروده است:

بهر تاریخ «قضائی» گفتا: «حَرَمِ قصر جنان را محرم»]

او در غزل و قصیده مهارت به سزائی داشته ولی ظاهرا دیوان اشعار او از میان رفته است.(۱)

از اوست:

بُرد آن چنان ز گردش چشمی مرا ز کار کز یاد رفت فتنه دور زمانه ام

۱- تذکره میکده، صص ۴۷۰-۴۷۲؛ تذکره شبستان، صص ۷۸۰ و ۷۸۱؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، ص۹۳۲؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۵۵۵؛ تذکره سفینه المحمود، ج۱، ص۳۰۳؛ تذکره انجمن خاقان، ص۶۱۴؛ تذکره اختر، ج۱، ص۱۷۴؛ تذکره سخنوران یزد، صص ۲۹۵ و ۲۹۶؛ آینه دانشوران، (چاپ سوم) ، ص ۵۶۰؛ تذکره شعرای یزد، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.

ز آمد شد رقیب نسازد مرا خبر با آنکه «محرم» سگ این آستانه ام

* * *

کار من و دل در عشق افتاده بسی مشکل من در پی مستوری دل طالب رسوائی

شیخ محمّدعلی صانعی*

شیخ محمّدعلی صانعی فرزند ملاّ یوسف ینگ آبادی جرقویه ای بن مشهدی حسینعلی بن یعقوب بن علی بن محمّد بن مشهدی علی. عالم فاضل و فقیه ماهر از علمای قرن چهاردهم هجری.

در روز دوشنبه ۱۹ محرم ۱۳۱۰ق در قریه «ینگ آباد» از توابع جرقویه اصفهان متولّد شده و در ۶ سالگی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی مادر بزرگ شد. در آغاز جوانی دروس مقدماتی و نصاب را نزد میرزا حسین طباطبائی ینگ آبادی فراگرفت. سپس به اصفهان رفت و در مدرسه کاسه گران ساکن شد و از درس حضرات آیات: حاج سیّد محمّدباقر ابطحی سدهی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، آخوند ملاّ محمّد کاشانی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، حاج شیخ عباسعلی ادیب و میرزا احمد مدرس بهره گرفت. آنگاه به زادگاه خود مراجعت نموده و به اقامه جماعت و ارشاد مردم و حل مشکلات شرعی آنان و تنظیم اسناد و قبالجات مشغول شد.

او عالمی زاهد و اهل عبادت و تهجّد و الگوی علم و عمل بود و سرانجام در روز ۶ ربیع الثانی ۱۳۹۳ق در شهر مقدّس قم وفات یافت. دو فرزندش حضرات آیات شیخ حسن و شیخ یوسف صانعی از علماء معروف عصر حاضر می باشند. شرح حال شیخ

محمّدعلی صانعی در سال ۱۳۸۷ش در کتاب «حدیث زندگی» به چاپ رسیده است.(۱)

استاد محمّدعلی رضایت*

استاد محمّدعلی رضایت فرزند یداللّه، از معماران چیره دست اصفهان در عصر حاضر. در سال ۱۲۹۵ش در اصفهان متولّد شد و از نوجوانی به کار بنّایی و معماری پرداخته و نزد اساتید فن کار کرد تا به مرتبه استادی رسید. و مساجد بسیاری را به شیوه سنّتی در اصفهان بنا کرد از جمله عمارتی در حاشیه زاینده رود (واقع در پارک ایثارگران فعلی) جهت رحیم زاده و مجموعه بیمارستان رحیم زاده (امیرالمؤمنین) ، همچنین مرمت شبستان بیت الشّتاء در مسجد جامع، گنبد حرم رأس الرضا در طوقچی، گنبد مقبره صاحب بن عباد و غیره از آثار ارزنده اوست.

استاد رضایت در طراحی، رسم بندی و طاق چشمه مهارت داشت و برادرش استاد مهدی و دو پسرش استاد نعمت اللّه و استاد رحمت اللّه از شاگردان زبده او بودند. او پس از سال ها فعالیت برای سازمان میراث فرهنگی (و اداره باستان شناسی) و اداره اوقاف در ۲۴ فروردین ۱۳۷۶ش درگذشت و در قطعه ۱۶ قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.(۲)

محمّدعلی بنّای اصفهانی

محمّدعلی بنّای اصفهانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری.] در تاریخ ۱۵ ربیع الاول ۱۰۳۵ق در شهر مشهد «حاشیه مختصر نافع» تألیف: شهید ثانی را به خط نسخ نوشته است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۶۲۲۳۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود

۱- حدیث زندگی: اغلب صفحات؛ گرکویه سرزمینی ناشناخته بر کران کویر، ص۴۰۲.

۲- معماران و مرمت گران سنّتی اصفهان، صص ۱۹۰-۱۹۳.

است.(۱)

محمّدعلی بیدگلی کاشانی

محمّدعلی بیدگلی کاشانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. او در اصفهان ساکن بوده و] در تاریخ ۹ ذی القعده سال ۱۲۴۳ق کتابت نسخه ای از کتاب «الحلیه اللّامعه» در شرح سیوطی را به پایان رسانیده است. کتاب در کتابخانه سیّد هادی اشکوری به نظر علاّمه (شیخ آقابزرگ) طهرانی رسیده است.(۲) مشارٌ الیه احتمالاً ـ از شاگردان حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بوده است.

دکتر محمّدعلی جعفریان*

دکتر محمّدعلی جعفریان محمّدی، از مفاخر و دانشمندان معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۳ش در یک خانواده متوسّط روستایی در محمّدیه نائین چشم به جهان گشود. و از ۵ سالگی در مکتب خانه آبادی به فراگیری قرآن و خط پرداخت. سپس در دبستان آن روستا تا چهارم ابتدائی تحصیل کرد و سال پنجم و ششم را در نائین و شیراز سپری کرد. دوره دبیرستان را نیز در نائین و شیراز خواند و در رشته کشاورزی از دانشسرای کشاورزی شیراز دیپلم گرفت. آنگاه همزمان در تهران در دانشسرای عالی و دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و از دانشسرای عالی لیسانس طبیعی و از دانشگاه تهران لیسانس علوم طبیعی (زمین شناسی و زیست شناسی) گرفت و به تدریس در دبیرستان های اصفهان و نجف آباد مشغول شد. در سال ۱۳۴۴ش در دانشگاه اصفهان

۱- فهرست مجلس، ج۱۶، ص۲۵۱.

۲- بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۵۷ و ۳۵۸؛ الذریعه، ج۷، ص۸۳.

تـدریس را آغـاز کرد. در سال ۱۳۵۰ به فرانسه رفت و در رشـته «مجمـوعه هـای رسـوبی (D.E.A) » از دانشـگاه کلود برنـارد فرانسه فوق لیسانس گرفت. دکترا را نیز از دانشگاه لیون فرانسه در رشته بیواستراتیگرافی و فسیل شناسی دریافت نمود. در سال ۱۳۵۳ به ایران بـازگشت و در گروه زمین شناسـی دانشـگاه اصـفهان تـدریس را ادامه داد تـا اینکه در سـال ۱۳۸۲ش به افتخار بازنشسـتگی نائل شد. از اقدامات ارزنده ایشان تأسـیس تجهیز و اداره موزه تاریخ طبیعی اصفهان است. او در سال ۱۳۷۲ استاد نمونه کشوری، در سال ۱۳۸۰ برنده جایزه ترویج علم و در سال ۱۳۸۱ زمین شناس نمونه کشوری شده است.

دکتر جعفریـان عضو انجمن زمین شـناسان نفت آمریکـا از سـال ۱۹۷۶م، عضو آکـادمی علوم جمهوری اسـلامی ایران از سـال ۱۳۸۱ش و عضو مؤسس و هیئت مدیره انجمن زمین شناسی ایران در سال های ۷۷-۱۳۷۵ش بوده است.

او مقالاـت علمی بسـیاری تـألیف نموده که در همایش های علمی داخلی و خارجی و یا مجلّات معتبر علمی داخلی و خارجی ارائه نموده و یـا به چاپ رسانـده است. او مـدیر مسوؤل و مؤسـس مجله پژوهشـی علوم پایه دانشـگاه اصـفهان و عضو شورای سردبیری مجله عمران و گسترش بوده است.

این کتاب ها از تحقیقات اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «ماکرو فسیل» (۲ جلد) با همکاری وزیری طاهری۲. «پالئو بوتانی» (دیرینه گیاهی) با همکاری مهندس بیگی۳. «ایکنولوژی» با همکاری مهندس گرگیج۴. «تاکسیدرمی» (هنر خشک کردن حیوانات) ۵. «پالئواکولوژی»(۱)

در کتـاب «گنجینه هـای علمی دانشـگاه اصـفهان» فهرست مقالاـت و گزارش جـامعی از فعـالیت هـای علمی و خـدمات دکـتر جعفریان به چاپ رسیده است.

۱- گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۲۹۷-۳۰۷.

محمّدعلی جلدساز اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی جلدساز، [از صحافان زبردست قرن دهم هجری که] جلد نسخه ای از «قرآن مجید» مورخ سال ۹۸۵ق کار اوست. جلد روغنی و مُزَیَّن به گل و بوته است و در کتابخانه عمومی معارف موجود بوده است.(۱)

شیخ محمّدعلی حسینی

شیخ محمّدعلی حسینی، فاضل محترم. از منبریان و ذاکرین و خدمتگزاران آستان قدس حضرت سیّد الشهداء علیه السلام [از وعاظ معاصر اصفهان] که عمری را به زهد و قناعت گذرانیده و از راه منبر و موعظه و ذکر مصیبت خدمت ها انجام داده است. وی در اوایل تحصیل در مدرسه الماسیّه اصفهان ساکن بوده و از جمله مجازین مرحوم آقا شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی (با اجازه روایتی) می باشد.(۲)

محمّدعلی حسینی اصفهانی

محمّدعلی حسینی اصفهانی، [از کاتبان قرن سیزدهم هجری.] در رجب سال ۱۲۷۶ق کتابت نسخه ای از «دانش نامه جهان» تألیف: غیاث الدّین علی بن امیران حسینی اصفهانی را که در سال ۸۹۹ق در بدخشان تألیف نموده است را به خط نستعلیق کتابت نموده است. کتاب ضمن مجموعه شماره ۵۶۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳)

۱- فهرست معارف، ص۷.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۳۱ و ۳۳۲.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۳۱۱.

محمّدعلی حسینی قزوینی*

محمّدعلی حسینی قزوینی، از حجاران هنرمند قرن سیزدهم هجری است. ظاهرا در جوانی در اصفهان نزد اساتید فن حجاری را آموخته و یک چند در این شهر به حجاری مشغول بوده و سپس به تبریز مهاجرت کرده است. در فنون و ریزه کاری های حجّاری مهارت و تسلّط خاصی داشته و آثار زیبائی پدید آورده و سنگ مزار بزرگان و اعیان و اشراف را با پنجه های هنرمند خویش حجاری می کرده است.

از آثار او حجاری سنگ قبری زیبا و هنرمندانه متعلق به شخصی به نام «حاج آقا» (متوفی ۱۲۲۵ق) در تخت فولاد اصفهان(۱) و حجاری سنگ قبر میرزا عیسی قائم مقام فراهانی (متوفی ۱۲۳۷ق) در تبریز و میرزا محمّدجعفر مجذوب علی شاه (متوفی ۱۲۳۸ق) در تبریز را می توان نام برد.(۲)

شیخ محمّدعلی حکیم الهی فریدنی

شیخ محمّدعلی حکیم الهی فریدنی، فاضل ادیب شاعر. از دانشمندان و فرهنگیان مشهور ایران [در قرن چهاردهم هجری.] در خوانسار و اصفهان و بروجرد نزد علمای بزرگ تحصیل نموده و عمده تحصیلاتش در اصفهان نزد مرحوم جهانگیرخان بود.

در قریه چادگان در حدود ۱۲۸۴ق متولّد و مقدّمات را در محل فراگرفته، سپس به اصفهان مهاجرت نموده و سال ها به درس بزرگان حاضر شده، در فقه و اصول و خصوصا ادبیات فارسی و عربی زحمت ها کشید و پس از وصول به مقامات عالیه علم و دانش به طهران رفته و در آنجا به خدمت فرهنگ وارد شده و تا اواخر عمر به شغل

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- آثار باستانی آذربایجان، ج۱، صص ۴۳۰، ۴۳۱ و ۴۵۶.

دبیری ادبیات فارسی و عربی مشغول بود و متجاوز از یکصد سال عمر نمود.

مشارٌ الیه در روز سه شنبه ۱۲ ذیقعده الحرام ۱۳۸۴ق در طهران وفات یافت.

از آثار قلمیش «شرح قصیده عینیّه» ابن سینا به شعر فارسی ۲. «لطائف الحکم و وظائف الامم» به چاپ رسیده است.(۱)

حاج میرزا محمّدعلی حکیم سِدِهی

حاج میرزا محمّدعلی طبیب معروف به «حکیم» از احفاد میر محمّداشرف [علوی عاملی]، از اطبّاء معروف و به حذاقت و دیانت مشهور بوده [و در اواخر دوره قاجاریّه می زیسته است] و مردم برای معالجه امراض صعب از شهر و دهات بدو مراجعه می کرده اند و اعتقاد تامّی به او داشته اند. دارای چندین فرزند بوده که عموما از اطبّاء بوده اند که از آن جمله است: ۱. حاجی میرزا ابوالقاسم طبیب ۲. حاج میرزا احمد طبیب۳. حاج میرزا محمود طبیب. [مزار میرزا محمّدعلی حکیم در امامزاده سیّد محمّد سده (خمینی شهر) واقع شده است.(۲)]

محمّدعلی خالصی شیرازی*

محمّدعلی خالصی، از شعرای معاصر در سال ۱۳۲۳ش در شیراز متولّد و از ۱۷ سالگی لب به شاعری گشوده و دارای دیپلم ادبی است. برخی از تحصیلات نظامی خود را در آمریکا و ایتالیا طی نموده است و سال ها به خدمت در هوانیروز اصفهان مشغول بوده است. وی شاعری اهل عرفان و از مریدان سلطان حسین تابنده گنابادی است. و در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۳؛ سواد و بیاض، صص ۲۹۱-۲۹۳.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۴۰؛ لطائف غیبیّه: مقدمه، ص بیست و شش؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص۳۲۸.

سال ۱۳۷۲ش بازنشسته شده و در انجمن های ادبی اصفهان خصوصا انجمن مشتاق شرکت می کند. از اوست:

در ساغر مِی کشان شرابی در صافی باده شکر نابی

در حلّه عاشقان شب خیز باران مشعشع شهابی

بر تشنه لبان وادی عشق سرچشمه بی زوال آبی(۱)

محمّدعلی خیام باشی

آقا محمّدعلی خیام باشی متخلّص به «خیّام» [از شعرای قرن چهاردهم هجری در اصفهان] از اعضای قدیمی انجمن ادبی شیدا بوده و اشعارش در مجلّه دانشکده به طبع می رسید.

این دو بیت از اوست:

چون به یاد لب آن نوش دهان برخیزم همچو خضر از پی آب حیوان برخیزم

با نشان بر سر کوی تو نشستم اوّل آخر از کوی تو بی نام و نشان برخیزم(۲)

دکتر محمّدعلی دانشگر شهرضائی*

دکتر محمّدعلی دانشگر، طبیب انسان دوست و متدیّن معاصر و ادیب فاضل. از اهالی شهرضا بوده و علاقه بر طب، در ادبیات نیز مهارت داشته و شعر می سروده و به عربی و فرانسوی مسلّط بوده است. او از بنیان گزاران اولین انجمن ادبی شهرضا در اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی است. همچنین از ارادتمندان مشایخ گنابادی به شمار می رفته و ذوق عرفانی داشته است. دو فرزندش دکتر منوچهر دانشگر و دکتر هوشنگ دانشگر از پزشکان مشهور اصفهان بوده اند.

۱- بزم ادب، ص۳۳۴؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۲۴۴.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۸۴.

از آثار او ترجمه چند داستان از نویسنده ای فرانسوی به نام «پراسکوی» را ترجمه کرده است. دکتر دانشگر سرانجام در ۲۷ آذر ۱۳۳۱ش وفات یافته و در بقعه تکیه ایزدگشسب (معروف به تکیه گنابادی ها) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

این شعر از اوست:

جهان به چشم خردمند پر کاهی نیست به غیر دید نادان بر آن نگاهی نیست

کجا روی دل مسکین ز دست جور حیات به غیر مرگ یقین دان تو را پناهی نیست(۱)

میرزا محمّدعلی درب امامی*

میرزا محمّدعلی درب امامی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. خط نسخ را خوش می نوشته و از اساتید بوده است. عمده امتیاز او خوشنویسی با سرعت قلم بود که می گویند هر ماهی یک جلد قرآن تمام می ساخت. وفات او در سنه هزار و سیصد و اند اتّفاق افتاد.(۲)

محمّدعلی بیگ دیهیم اصفهانی

محمّدعلی بیگ دیهیم اصفهانی، شاعر ادیب. از غلام زادگان سلاطین صفویّه و مولدش اصفهان است. طبعی موزون داشت. در مجموعه ای (که شیخ محمّدعلی حزین آن را دیده است) به خط خود اشعارش را نوشته بود. وی در سال ۱۱۰۵ق در اصفهان

۱- تاریخ شهرضا، (ویرایش دوم) ، ص۳۶۵؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۲- الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۲۴۳.

وفات یافت.

از اوست:

لبی تر از تراوش های داغی می توان کردن از این ته جرعه تر طیب دماغی می توان کردن(۱)

میرزا محمّدعلی ذرّه اصفهانی

میرزا محمّدعلی انصاری متخلّص به «ذرّه»، خطاط و شاعر ادیب قرن چهاردهم هجری. نسخه ای از «لیلی و مجنون» مکتبی را به خط نستعلیق خوب نوشته است. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

[وی همچنین نسخه ای از «دیوان حافظ» را به خط نستعلیق خوش در ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۲۳ق به امر ظل السّلطان، حاکم اصفهان کتابت کرده که در کتابخانه فرهنگ اصفهان موجود است.]

شیخ محمّدعلی ربّانی خوراسکانی*

حاج شیخ محمّدعلی ربّانی نژاد، عالم فاضل فقیه محقّق و زاهد کامل. در سال ۱۳۰۲ش در اصفهان متولّد شد و پس از طی تحصیلات مقدماتی به نجف اشرف عزیمت کرد و از آیات عظام: میر سیّد علی فانی یزدی، سیّد محسن حکیم، سیّد ابوالقاسم خوئی و سیّد محمود شاهرودی بهره برد و خود نیز در آنجا به تدریس و اقامه جماعت در صحن مطهر علوی پرداخت. او در سال ۱۳۴۹ش به موطن خود مراجعت نمود. پس از پیروزی انقلاب، در خدمت نظام جمهوری اسلامی بود و در خطّ مقدم جبهه های جنگ ایران و عراق حضور می یافت و به فعالیت های تبلیغی می پرداخت که باعث مجروحیّت

۱- تذکره المعاصرین حزین، ص۲۱۸؛ الذریعه، ج۹، ص۳۳۶.

۲- فهرست عمومی اصفهان، ص۱۴۵.

و جانبازی او گردید. همچنین دو تن از فرزندانش به نام های حسین و جعفر در جبهه های نبرد به شهادت رسیدند و دو فرزند دیگرش مجروح و جانباز شدند. وی عالمی عابد و متهجّد و زاهد بود و عمر خود را به طاعت پروردگار و حلّ مشکلات مردم سپری نمود تا این که در روز ۱۰ خرداد ۱۳۷۹ش در بیمارستان ارتش وفات یافته و به مشهد مقدس منتقل و در روز ۲۷ صفر ۱۴۲۱ق در مزار خواجه ربیع مدفون شد.

تألیفات ایشان به ۴۹ عدد می رسد که از جمله می توان به این کتاب ها و رساله ها اشاره کرد:

۱. «الواعظ» مفصّل ترین کتاب ایشان در ۷ جلد آن در نجف به چاپ رسیده و در صورت چاپ بقیه مجلّدات به ۳۰ جلد خواهد رسید. ۲. «طیب المجالس»۳. «شجره طیّبه»۴. «مشکاه الانوار»۵. «جُهد العاجز الغیبه»۶. «سواد الوجه فی الدّارین»۷. «معدن التّقی فی القلب»۸. «ادب الکتاب فی الکتابه»۹. «کسب الحلال»۱۰. «العنایه الرّبانیّه» ۱۱. «منتخب التّقویم» ۱۲. «طب الامام» و غیره.(۱)

سیّد محمّدعلی رزمی*

سیّد محمّدعلی رزمی، از شعرای اواخر دوره قاجاریه است. در اصفهان ساکن بوده و در سال ۱۳۱۴ق در شکارگاه از کوه پرت شده و وفات یافته است. میرزا شکراللّه منعم این مصرع را برای مادّه تاریخ فوت او گفت است:

«رزمی بمحمّد و علی واصل گشت) (۲)

۱- خورشید جی، صص ۳۲۴ و ۳۲۵.

۲- تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، صص ۱۲۳ و ۱۲۴؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۶۶۷.

محمّدعلی روحی

محمّدعلی روحی، از شـعرای اصـفهان در قرن چهاردهم هجری. در حدود سال ۱۳۲۸ق در اصـفهان متولّد شده و ضمن شغل روزانه اش که نقاشی بود به تحصیل علوم قدیمه اشتغال داشت و در مقدمات و سطح زحمت ها کشید و خصوصا ادبیّات عرب را به خوبی آموخت. چنـد سـال آخر عمر خویش را در طهران ساکن بوده و در مـدرسه مروی به تـدریس «مغنی» و «مطوّل» و «شرح نظام» و غیره مشغول بوده و الحق نیکو از عهده بر می آمد.

او در سال ۱۳۷۲ق در طهران وفات یافته و در قم مدفون شد.(۱)

از اوست:

یا سادتی و حبذا من ساده فحبّذا یا آل خیر من بعث قلبی الیکم نبذا

اتیتُکم معترفا عن بحرکم مغترفا عن غیرکم منصرفا فانقذ و المستنقذا

میرزا محمّدعلی رفیقی تفرشی

میرزا محمّدعلی طباطبائی تفرشـی متخلّص به «رفیقی»، شاعر و ادیب فاضل [در قرن سیزدهم هجری] و از نوادگان میرزا صادق تفرشـی. سال ها در اصـفهان تحصیل می نموده و در ریاضی مهارتی داشته و گاهی مبادرت به غزل گوئی می کرده است. این بیت از اوست:

کند دیوانه را زنجیر عاقل می ندانستم که از زنجیر زلف آن پری دیوانه خواهم شد(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۲۴ و ۴۲۵؛ تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۷۱۶ و ۱۷۱۷.

۲- تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۳۲۱؛ تذکره دلگشا، ص۶۳۹؛ تذکره مدایح الحسینیه: خطی، ص۶۵؛ سفینه المحمود، ج۲، ص۴۷۰؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۶۸۹؛ الذریعه، ج۹، ص۳۸۱؛ سیری در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان، ص۲۴۳.

آقا محمّدعلی رهی اصفهانی

آقا محمّدعلی اصفهانی متلخص به «رهی»، شاعر ادیب [در قرن دوازدهم هجری.[از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته و در جوانی به هندوستان رفته است. این بیت از اوست:

تا کی بود به حسرت چشمم به راه ماهی یا رب مباد هرگز چشم کسی به راهی(۱)

میرزا محمّدعلی سالم اصفهانی

میرزا محمّدعلی خلیفه سلطانی متخلّص به «سالم» شاعر ادیب از اعقاب سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان وزیر اعظم شاه عباس دوم و شاه صفی است. جوان مهربان و صاحب خرد و صاحب برخی کمالات بوده و در سال ۱۱۸۷ق در بغداد بر اثر ابتلا به طاعون وفات یافته است.(۲)

محمّدعلی سائق جرقویه ای*

محمّدعلی ایروانی محمّدآبادی متخلّص به «سائق»، شاعر ادیب. در سال ۱۳۰۴ش در روستای محمّدآباد جرقویه متولّد شد. در نوجوانی قرآن و مقدمات (ادبیات فارسی

۱- تذکره آتشکده، (نیمه دوم) ، ص۵۱۸؛ تذکره سفینه المحمود، ج۲، ص۴۷۳؛ تذکره روز روشن، ص۳۲۲؛ تذکره نگارستان دارا، صص ۱۹۵ و ۱۹۶؛ الذریعه، ج۹، ص۳۹۴.

۲- تذکره آتشکده، (نیمه دوم) ، ص۵۱۹؛ گلشن مراد، ص۴۱۱؛ الذریعه، ج۹، ص ۴۲۰؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «سالم»، ص۱۷۹.

و عربی) را نزد شیخ عطاءاللّه فقیهی محمّدآبادی فرا گرفت و سپس در دبستان جدید التأسیس زادگاه خود به تدریس پرداخت. پس از انحلال مدرسه نزد محمّدعلی مستوفی ادامه تحصیل داد. چندی بعد به دنبال به بازار آمدن خودروهای سنگین، در شمار یکی از پیمانکاران شرکت نفت درآمد. او در کنار شغل خود به نویسندگی نیز می پرداخت. کتاب های «جُنگ گلشن» و «تاریخ یادگار» از آثار اوست. این شعر از اوست:

بیا و ساقی مرا، شراب احمر بیار که سیزده را بِدَر، کنم برِ جویبار

تو مطرب خوش نوا، ز خمه بزن بر سه تار بزن از این نغمه ها، بَرَم دمی آشکار

ز شور و شهناز و ترک، ز چارگاه و حصار

بده تو ساقی شراب، به جمع یاران من پیاله را پر نما، بده در این انجمن

به من بده ساقیا، از این شراب کهن ز باده هجر و غم، تو می بنوشان به من

که تا کنی قلب من، لاله صفت داغدار

بلبل شیرین سخن، به نغمه پرداخته مست سرور و شعف، قمری و هم فاخته

درخت از برگ سبز، چادر خود ساخته برقع خود از زمین، ز سبزه انداخته

باغ حجازی شده، در این میان لاله زار

به بانگ نوش آفرین، به پای آب روان نشسته صاحبدلان، زده می ارغوان

طبق زده رویشان، چنان گل اکحوان شده است نیلی فقط، ز غم رخ ایروان

چرا که گردید دور، ز شهر و یار و دیار(۱)

میرزا محمّدعلی ستوده چهارمحالی*

میرزا محمّدعلی چهارمحالی متخلّص به «ستوده»، عالم فاضل، خوشنویس و ادیب شاعر. از ادبای قرن یازدهم هجری.

علاوه بر مراتب علم و فضل و ادب خطوط نسخ و نستعلیق را در کمال استادی می نوشته است. این بیت از اوست:

حاسد همیشه در الم و ماتم است سوزد به آتش جگر خویش چون چنار(۲)

میرزا محمّدعلی سینی

میرزا محمّدعلی سینی، از علماء و ائمه جماعت [در اواخر دوره قاجاریه] از سادات صحیح النسّب قریه «سین» از توابع بلوک بُرخوار اصفهان است.

در قریه «سین» متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله حاج شیخ محمّدباقر نجفی مسجدشاهی تحصیل کرد.(۳) او سال ها در یکی از مساجد محله شهشهان

۱- گرکویه، سرزمینی ناشناخته بر کران کویر، ص۳۹۶.

۲- شناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، ص۱۱۳.

۳- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۳۲۴.

اصفهان اقامه جماعت می نمود.(۱) تا اینکه در سال ۱۳۳۲ق وفات یافته و در بقعه سر قبر آقا در محله خوابجون اصفهان مدفون شد.(۲)

مشارٌ الیه جدّ خاندان «بدری» از خانواده های علمی و روحانی اصفهان و از خدمتگزاران آستان حسینی علیه السلام است که چندین عالم، خطیب و پزشک از آن خاندان به خدمت به اسلام و مسلمین پرداخته اند.

بابا محمّدعلی شال فروش اصفهانی

بابا محمّدعلی شال فروش اصفهانی، در قیصریه اصفهان سکونت داشته و با حکیم شفائی دوستی و مصاحبت داشت. در نظم مثنوی ماهر بوده و دو سال قبل از تألیف تذکره نصرآبادی (سال ۱۰۸۳ق) وفات یافته است. وی را دیوان اشعاری است. شعرش این است:

صباحی دلگشا چون خنده یار که جوش گل شفق می زد به گلزار

به شوخی گل به شاخ از شعله سرکش در و ریحان چو روی دود آتش

طلا و نقره نرگس ز صافی به گلشن در پی زربفت بافی

شود تا چشم نرگس باز روشن از آن شد لاله را سرمه به هاون(۳)

دکتر محمّدعلی شاهزمانیان*

دکتر محمّدعلی شاهزمانیان، از محقّقان و اساتید دانشگاه. در روز ۲۳ تیر ۱۳۲۵ش در اصفهان متولّد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در اصفهان طی کرد. در سال

۱- مزارات اصفهان، ص۵۲.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۱۱۶.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۱۱؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۸.

۱۳۴۴ش به تحصیل در رشته فیزیک در دانشگاه اصفهان پرداخت و لیسانس گرفت. مقطع فوق لیسانس فیزیک را در دانشگاه شیراز سپری نمود و جهت ادامه تحصیل به انگلستان رفت و در سال ۱۳۵۴ش در رشته فیزیک از دانشگاه «ساسکس» دکترا اخذ نمود. پس از آن به تدریس در دانشگاه اصفهان مشغول شد.

او از ابتدای تأسیس انجمن فیزیک ایران عضو آن بوده و همچنین از سال ۱۳۵۲ش تاکنون عضو انجمن فیزیک آمریکا و از سال ۱۳۷۱ش عضو فرهنگستان علوم پایه جمهوری اسلامی ایران بوده است.

از مسؤولیت های او ریاست دانشکده علوم، ریاست دانشگاه و معاون پژوهشی دانشگاه (همگی در دانشگاه اصفهان) را می توان نام برد.

دکتر شاهزمانیان مقالات علمی بسیاری به زبان فارسی و انگلیسی تألیف نموده که در مجلات معتبر علمی داخلی و خارجی به چاپ رسیده و یا در همایش های علمی عرضه شده است. او سال ها در دانشگاه اصفهان به تدریس و همچنین راهنمایی پایان نامه های دانشجویی لیسانس و فوق لیسانس مشغول بوده است.

این کتاب ها از تحقیقات و ترجمه های او در علم فیزیک به چاپ رسیده است:

۱. «مکانیک کلاسیک» (ترجمه) ، تألیف: کیبل۲. «فیزیک عملی» (ترجمه) ، تألیف: اسکواریز۳. «مکانیک کلاسیک» (ترجمه) ، تألیف: «کیبل» و «برکشایر»(۱)

میرزا محمّدعلی شکیب اصفهانی

میرزا محمّدعلی اصفهانی متخلّص به «شکیب»، از شعراء و ادبای قرن سیزدهم هجری. مدّتی در طهران و گاهی در شیراز بوده و چندی به سیاحت در کردستان و

۱- گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۱۱۳-۱۱۹.

هندوستان و عراق عرب و عراق عجم پرداخت. خط شکسته را بد نمی نوشت و در شعر طبعی متوسط داشت.

از اوست:

منعم از صورت زیبای بتان گر نکند چه کند زاهد بیچاره که صورت بین است(۱)

محمّدعلی شیدای اصفهانی

آقا محمّدعلی اصفهانی متخلّص به «شیدا»، شاعر ادیب، از سخنوران قرن سیزدهم هجری. در اصفهان متولّد شده و در این شهر نزد فضلاء و ادباء از جمله سیّد احمد هاتف اصفهانی به تحصیل علم و ادب پرداخته و در جوانی در شیراز رفت. مردی عاشق پیشه و لاابالی بوده و دل به گلرخان و نکورویان سپرده بود. طبعی روان داشت و اوقات را با ادباء و شعرای شیراز سپری می نمود و به شغل آیینه سازی امرار معاش می کرد. سرانجام در سال ۱۲۱۴ق وفات یافته و در تکیه مشرقی واقع در خارج شیراز مدفون شد. دیوان اشعارش بالغ بر شش هزار بیت بوده است.

از اوست:

اسیر دام نشد تا دلم ندانستم شکسته بالی مرغان رشته بر پا را(۲)

۱- تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، ص۵۴۴؛ تذکره ریاض العارفین، (چ۱۳۴۴) ، ص۴۴۲؛ تذکره انجمن خاقان، ص۵۲۳؛ تذکره سفینه المحمود، ج۲، ص۴۹۰؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۸۶۹؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «شکیب»، ص۵۳۱؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۲۳۳؛ الذریعه، ج۹، ص۵۳۶؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۵۳.

۲- تذکره اختر، ج۱، ص۱۰۱؛ تذکره دلگشا، صص ۳۱۴-۳۱۶؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، صص ۹۲۶-۹۲۹؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۵۳۸ و ۵۳۹؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «شیدا»، ص۱۶۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۸۶؛ مجلّه ارمغان: سال هیجدهم، شماره ۴، صص ۱۷۵-۱۸۰؛ تذکره سفینه المحمود، ج۲، ص۴۸۴.

میرزا محمّدعلی صباح تبریزی

میرزا محمّـدعلی تبریزی متخلّص به «صـباح»، از علمـاء و شـعراء و ادبـاء (در قرن دوازدهـم هجری) بوده و در سـال ۱۱۶۹ق در اصفهان وفات یافته و در قبرستان آب بخشان مدفون شده است. اعقاب او در آذربایجان هستند و تذکره الشّعرایی هم دارد.(۱)

شیخ محمّدعلی صفر نوراللهی*

شیـخ محمّـدعلی صـفر نوراللهی نجف آبـادی، از علمای معاصـر نجف آباد. در سال ۱۳۱۰ش متولّـد شـد. او در نجف آبـاد و اصـفهان نزد علمای عالیقدر شـیخ احمد حججی، شـیخ ابراهیم ریاضی، شیخ عباس ایزدی، بروجردی، منتظری، اردکانی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، خادمی و فیاض تحصـیل کرد. سـپس از طرف مرحوم حاج آقا حسین خادمی به فریدون شهر و شهرکرد رفت و در آن نواحی به تربیت طلاب و تبلیغ دین و حل و فصل مشکلات مردم مشغول شد و مصدر خدماتی به مردم محروم آنجا گردید و چندین مسجد، مدرسه، حمام و پل و حوزه علمیه را ساخت و یا تعمیر نمود.

او پس از پیروزی انقلاب یـک سـال رئیس بنیـاد شـهید مبـارکه بود. بـا شـروع جنـگ ایران و عراق، به جبهه هـا می رفت و با سخنرانی در جمع رزمنـدگان بـاعث دلگرمی آنـان می شـد. فرزنـدش علی هـم در زمسـتان ۱۳۶۲ در جبهه عملیـاتی خیبر به شهادت رسید.

او در اواخر عمر به امامت نمازجمعه فریدون شهر انتخاب شد و سرانجام در سال

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۶؛ مزارات اصفهان، ص۲۸.

۱۳۷۲ش وفات یافته و در جنّت الشهدای نجف آباد مدفون شد.(۱)

سیّد محمّدعلی طباطبائی فانی

حاج سیّد محمّدعلی طباطبائی فانی زوّاره ای، فاضل ارجمند از عرفای معاصر اصفهان. سال ها در مدارس این شهر به تعلیم و تربیت نوآموزان اشتغال داشت. سپس به اداره منتقل گردیده و چندین سال ریاست حسابداری را برعهده داشت تا سرانجام بازنشسته شد.

وی به تصوّف و عرفان روی آورده و به تصفیه نفس پرداخته و در این اواخر از طرف آقای حاج سلطان حسین تابنده «رضاعلی شاه» گنابادی به عنوان شیخ صوفیه اصفهان تعیین گردید و به ارشاد و هدایت مستعدّین پرداخت. سرانجام در ماه رجب ۱۴۰۹ق وفات یافته، در گورستان جدید اصفهان (باغ رضوان) مدفون شد.(۲)

شیخ محمّدعلی طبعی اُشتُرجانی*

شیخ محمّدعلی اُشترجانی متخلّص به «طبعی»، شاعر ادیب قرن یازدهم هجری. از مشایخ اُشتُرجان از توابع لنجان اصفهان بوده است. فرزندش عبدی نیز شاعر بود.(۳)

محمّدعلی طبیب اصفهانی

محمّدعلی طبیب اصفهانی، [از اطبّاء اصفهان در اواخر دوره قاجاریه.] در ربیع الآخر سال ۱۳۱۴ق روی برگ قبل از کتاب «جاماسب نامه» یادداشتی نوشته است. این کتاب

۱- سیمای دانشوران، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.

۲- مزارات اصفهان، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۰۲؛ تاریخ نظم و نثر، ص۶۸۶.

به شماره ۸۰۰۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

ملاّ محمّدعلی عالم حبیب آبادی

ملاّـ محمّـدعلی عـالم حبیب آبـادی، عـالم فاضـل و واعـظ کامـل، [از علمای معاصـر اصـفهان که در قریه «حبیب آباد» بُرخوار اصـفهان متولّد شده و نزد آخوند کاشـی، حاج ملاّ عبدالجواد آدینه ای، شـیخ محمّدحکیم خراسانی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، میر محمّـدصادق مدرس خاتون آبادی، میر محمّدتقی مدرس، شـیخ جلال الدین نجفی، جهانگیرخان قشـقائی، آخوند گزی و آقا سیّد محمّدباقر درچه ای تحصیل نمود.]

او از مدرسـین سـطوح در اصـفهان بود و سـال هـا در مـدرسه نیم آورد [و مسـجد نو و مسـجد جـارچی] تـدریس می فرمود و جمـاعت زیادی از افاضل طلاّب به جلسه درس او حاضـر می شدنـد، و از بیانات علمی و مواعظ او بهره منـد می گردیدنـد [و علاـوه بر آن در مجـالس عمومی و خصوصـی منبر می رفت و به وعـظ روضه خوانی می پرداخت.] در سال ۱۳۹۶ در اصفهان وفات یافته، [در قریه حبیب آباد مدفون شد.(۲)]

آقا محمّدعلی عصّار اصفهانی*

آقا محمّدعلی اصفهانی معروف به عصّار، از خوشنویسان هنرمند قرن دوازدهم و سیزدهم هجری است. در عهد خود از مشاهیر خطاطان شمرده می شده و خط نسخ را در کمال استادی می نوشته و به کتابت «کلام اللّه مجید» و «ادعیه» می پرداخته است.

محمّدهاشم آصف (رستم الحکماء) معاصر او بوده و در کتاب خود تنها نامی از او

۱- فهرست مرعشی، ج ۲۱، ص ۷.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۲، ص ۳۳۳؛ یادداشت های استاد ابراهیم جوهری؛ شرح مجموعه گل، ص ۶۱.

برده است.(۱) سال وفاتش معلوم نشد. لسان الملک سپهر سال فوت او را ۱۲۲۸ق نوشته(۲) ولی ممکن است تا مدتی بعد از این تاریخ هم آقا محمّدعلی زندگی کرده باشد.

از آثار او کتابت «قرآن مجید» به خط نسخ خوش در سال ۱۲۲۵ق است که مرحوم مهدی بیانی آن را نزد آقای رمضانی دیده است.(۳) همچنین نسخه ای دیگر از «قرآن مجید» که آن را به دستور اللهوردی خان به خط نسخ خوش در ۱۵ رجب ۱۱۹۱ق کتابت کرده و به شماره ۸۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدّس موجود است.(۴)

محمّدعلی فقیهی اردستانی*

محمّدعلی فقیهی، از شعرای معاصر. در سال ۱۳۰۹ش در اردستان متولّد شد و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه، به شغل آموزگاری پرداخت. چند سال بعد در دانشگاه اصفهان در رشته ادبیات فرانسه تحصیل کرد و لیسانس گرفت. او سال ها در دبیرستان های اصفهان تدریس کرد تا اینکه بازنشسته شد و سرانجام در سال ۱۳۶۹ش بر اثر حادثه تصادف اتومبیل بدرود حیات گفت.

از اوست:

کی روی از یاد عشاق ای امید زندگی چون به یادت دیده گوهرفشانی داشتم(۵)

۱- رستم التواریخ، ص۴۰۹.

۲- تذکره خوشنویسان، ص۳۷.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۸۸.

۴- راهنمای گنجینه قرآن، ص۱۶۳؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۸۸.

۵- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۹۶۴.

محمّدعلی قزوینی*

محمّدعلی قزوینی، از ادباء و دانشمندان عهد صفویه است. وی در اصفهان ساکن بوده و مؤلف کتابی در آداب اجتماعی و اخلاقی و حکمت عملی است که «رفیق توفیق» یا «آداب عِلیّه» نامیده است. نسخه هایی از این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملک و کتابخانه ملی ایران موجود است.(۱)

محمّدعلی قصیر آشتیانی

محمّدعلی آشتیانی [معروف به] «قصیر» ادیب و شاعر خطاط [از خوشنویسان و کاتبان زبردست اواخر دوره قاجاریه است که در اصفهان سکونت داشته و در دیوان دولتی ظل السلطان به منشی گری و کتابت می پرداخته و منصب منشی خلوت را داشته و تا حدود سال ۱۳۳۰ق در قید حیات بوده است.]

از آثارش: «دیوان حافظ» است که در ۲۹ جمادی الثّانیه ۱۳۲۳ق به امر ظل السلطان به خط نستعلیق نوشته است و در کتابخانه عمومی فرهنگ اصفهان موجود است.(۲) در همان سال نسخه ای از «گلستان سعدی» را کتابت کرده و در همان کتابخانه موجود است.(۳)

همچنین در سال ۱۳۲۱ق «اشعار انوار سهیلی» را به امر ظل السلطان، به خط نستعلیق عالی نوشته است که در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۴) او در سال ۱۳۲۲ به دستور ظل السلطان اشعار کتاب «رموز حمزه» به خط شکسته نستعلیق

۱- مداومت در اصول موسیقی ایران، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

۲- فهرست عمومی اصفهان، ص۹۶.

۳- فهرست عمومی اصفهان، ص۱۴۱.

۴- فهرست عمومی اصفهان، ص۶.

بیرون نویس کرده و نسخه آن به شماره ۲/۱۱۵۵ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱) [همچنین] «تاریخ کاشغر» را در ذیقعده الحرام ۱۳۰۷ق به خط نستعلیق خوش در اصفهان نوشته است که در کتابخانه عمومی اصفهان است.(۲) [همچنین کتاب های «فوائد الأخبار» و «فالنامه» را در سال ۱۳۲۹ق به خط شکسته نستعلیق کتابت کرده که در مجموعه شماره ۴۵۰۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳) و «تاریخ سرگذشت مسعودی» را هم در سال ۱۳۲۴ق به خط نستعلیق کتابت کرده که به شماره ۱۰۰۹۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی وجود دارد.(۴)]

ملاّ محمّدعلی کشمیری

مولی محمّـدعلی کشمیری، [عالم فاضل، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری.] از شاگردان [بهاءالدّین محمّـد] فاضل هندی است. او بر کتاب «کشف اللثّام» استاد خود حواشی نوشته و ظاهرا کتاب نیز به خط کشمیری است. فاضل هندی انهائی جهت شاگرد خود در صفحه آخر آن نسخه مورخ جمادی الاول ۱۱۲۹ق در اصفهان نوشته است. نسخه به شماره ۳۷۶۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی قم موجود است.(۵)

کشمیری در سال ۱۱۲۷ق نسخه ای از کتاب «الطهاره» را کتابت کرده و فاضل اصفهانی [هندی] بر روی برگی از این کتاب برای او اجازه سماع نوشته است.(۶)

۱- فهرست عمومی اصفهان، ص۳۶۵.

۲- فهرست عمومی اصفهان، ص۳۷.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۳، ص۳۴۵.

۴- فهرست مرعشی، ج۲۶، ص۶۵.

۵- فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص۱۵۶.

۶- احوال و آثار بهاءالدّین محمّد اصفهانی، ص۴۳.

محمّدعلی کهپائی

محمّـدعلی کهپائی، [از کاتبان خط نسخ در قرن یازدهم هجری و ظاهرا از اهالی کوهپایه = قهپایه اصـفهان است.] در ۱۵ صفر ۱۰۹۲ق کتـاب «العین» تألیف: خلیل بن احمـد بصـری را به خط نسـخ نوشـته و نسـخه به شـماره ۵۳۴۸ در کتابخـانه ملّی ملك موجود است.(۱)

میرزا محمّدعلی کیمیاگر اصفهانی

میرزا محمّـدعلی کیمیـاگر اصـفهانی، [از دانایـان علم کیمیـا در قرن سـیزدهم هجری.[نامش در کتاب «مفاخر الاخیار و مناقب الابرار» تألیف: میرزا ابوالقاسم شـیرازی مـذکور است. این کتاب به شـماره ۴۱۶۴ در کتابخـانه مرکزی دانشـگاه طهران موجود است.(۲)

میرزا محمّدعلی محتاج اصفهانی

حاج میرزا محمّـدعلی اصـفهانی متخلّص به «محتاج»، شاعر ادیب فاضل، [از سـخنوران قرن سـیزدهم هجری.] سال ها در تهران ساکن بوده و روضه خوانی می کرده و مجالس او مورد توجه بزرگان و اشـراف و اخیار شـهر بود. اغلب اشـعارش در مدایح و مراثی معصومین علیهم السلام است. او تا سال ۱۳۰۰ق در قید حیات بوده و پس از این تاریخ وفات یافته است.

از اوست:

۱- فهرست ملك، ص۶۱۳.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱۳، ص۳۱۳۳.

ای دل از هر که موافق نبود در ره عشق دیده بردوز که دیدار مخالف شوم است(۱)

میرزا محمّدعلی مسکین اصفهانی

میرزا محمّدعلی اصفهانی متخلّص به «مسکین»، شاعر و ادیب خطاط در قرن سیزدهم هجری. [در حدود سال ۱۲۲۳ق در اصفهان متولّد شده و علیرغم میل باطنی، مانند پدران خود به تجارت تریاك و کسب و کار در بازار اصفهان مشغول شد. ولی در کنار آن به تحصیل فضائل و تکمیل کمالات خود مشغول بود.] او از شعراء انجمن ادبی ابوالفقراء در اصفهان است که میرزا محمّدباقر ابوالفقراء گزی بُرخواری اصفهانی آن را تأسیس کرده بود [و قصیده انجمنیه جهت آن سروده است.]

مسکین خط نستعلیق را نیز خوش می نوشته [و از جمله «کلیات سعدی» را در سال ۱۳۱۴ق کتابت کرده که در اصفهان چاپ سنگی شده است.] و سرانجام در ۲۷ صفر ۱۳۰۳ق در اصفهان وفات یافته است [مزار او در تکیه مادرشاهزاده بدون سنگ لوح وجود داشته است. میرزا محمّدحسین عنقا مادّه تاریخ وفات او را چنین آورده است:

نیمه قوس و در ایّام صفر شنبه چون «مسکین» چو ز تن رفت بهشت

گفت «عنقا» ز پی تاریخش: «کرده مسکینی مسکن در بهشت»]

دو فرزندش میرزا شکرالّله منعم و میرزا عبدالرّحیم افسر نیز از شعرای اصفهان بوده اند.

[مسکین در مادّه تاریخ سرائی و مدیحه گوئی توانا بوده و برای بزرگان عهد خود

۱- تذکره حدیقه الشّعراء، ج۳، ص۱۵۳۹.

همچون حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی و منوچهر خان معتمدالدّوله (حاکم اصفهان) قصیده سروده است. از او تذکره ای مختصر در احوال و اشعار شعرای معاصر خودش موجود است که هنوز به طبع نرسیده است.(۱) این بیت از سروده های اوست:

با دل زارم بس آزار آن دل سنگین کند عاقبت با آبگینه الفت سنگ این کند]

حاج محمّدعلی خان معین السّلطنه

حاج محمّدعلی خان معین السّلطنه رشتی اصفهان، مؤلّف «سفرنامه شیکاگو» که در سال ۱۳۱۸ش در پاریس به طبع رسیده است.(۲)

شیخ محمّدعلی مفاخر انصاری

حاج شیخ محمّدعلی مفاخر انصاری اهوازی، عالم جلیل، از علماء و بزرگان [معاصر] خوزستان. در ذی الحجه الحرام سال ۱۳۹۴ق در مسافرت به اصفهان در این شهر وفات یافته و در مزار زینبیه مدفون گردید.(۳)

سیّد محمّدعلی موسوی جروکانی*

حاج سیّد محمّدعلی موسوی جروکانی، عالم فاضل متّقی، از علمای اصفهان در قرن چهاردهم هجری. از اهالی قریه «جروکان» بلوک ماربین اصفهان. او پس از تحصیل علوم مقدماتی در اصفهان نزد حضرات آیات آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آقا سیّد

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۴۹؛ دیوان طرب، ص۸۶؛ تذکره مدایح معتمدیّه: خطی؛ تذکره مآثر الباقریه، صص ۲۴۰-۲۴۲؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۳، صص ۱۶۳۳-۱۶۳۵؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۹۱-۹۳؛ گلشن اهل سلوک، (ویرایش دوم) ، صص ۴۵۵-۴۶۴.

۲- الذریعه، ج۱۲، ص۱۸۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۵.

۳- تاریخچه ارزنان و مقبره علیا جناب زینب خاتون، ص۴۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۳۷.

مهـدی درچه ای، آخونـد ملاّ عبـدالکریم گزی و حاج میر محمّـدصادق مدرس خاتون آبادی به تحصـیل پرداخت و عاقبت به زادگاه خود مراجعت نموده و به وعظ و ارشاد مردم و رسیدگی به مسائل شـرعی منطقه ماربین مشـغول شـد. وی سـرانجام در روز ۱۴ رمضان ۱۳۶۸ق وفات یافته و در تکیه آقا سیّد رضی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. او عالمی زاهد و عابد و اهل ورع و تقوا بوده و بین عموم مردم محبوب القلوب و صاحب نفوذ معنوی بود.

از او کتابی به نام «ضیاء المجالس» باقی مانده که به چاپ نرسیده است.(۱)

محمّدعلی مهجور اصفهانی

محمّـدعلی اصـفهانی متخلّص به «مهجور» از شـعرای قرن سـیزدهم هجری است. در اصـفهان به تعلیم اطفال مشـغول بوده و در جوانی در اصفهان وفات یافته است.

این بیت از اوست:

هنگام نزع، یوسف من از سفر رسید عمرم بسر رسید چو عمرم به سر رسید(۲)

محمّدعلی مهجور اصفهانی

محمّدعلی پوستی متخلّص به «مهجور»، از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۳ش در اصفهان متولّد گردیده [و] پس از انجام تحصیلات ابتدائی در کارخانه ریسباف اصفهان به کارگری اشتغال جسته [است.] از اشعار اوست:

به نام صلح شد آغاز داستان محبّت که جغد جنگ به هم ریزد آشیان محبّت

۱- خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص ۱۸۱.

۲- تـذکره سـفینه المحمـود، ص۳۰۶؛ تـذکره اخـتر، ص۱۸۴؛ تـذکره حـدیقه الشـعراء، ج۳، ص ۱۷۵۰؛ تـذکره انجمن خاقـان، ص۶۲۲؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵۷ ص ۹۳۴.

شمیم مهر و وفا از گلی توانی یافت که جسته تربیت از دست باغبان محبّت(۱)

محمّدعلی بیگ ناظر*

محمّدعلی بیگ ناظر، از صاحب منصبان بانفوذ و مشهور و از مردان نیکوکار عهد صفویه است.

او در زمان شاه عباس اوّل منصب گرگ یراقی را برعهده داشت و مورد اعتماد و هم صحبّت شاه عباس بود.(۲) در سال ۱۰۳۹ق از طرف شاه صفی به عنوان ایلچی هند به حجابت (سفارت) عازم هندوستان شد و به شایستگی مأموریت خود را به پایان رساند.(۳) در سال ۱۰۴۶ق وزارت اصفهان به او داده شد(۴) و سرانجام در سال ۱۰۴۸ق به عنوان ناظر بیوتات سلطنتی منصوب شد. و در این منصب به خدمت مشغول بود(۵) تا اینکه در سال ۱۰۶۰ق در اصفهان وفات یافت(۶) و در مزار بابا رکن الدّین (نزدیک تخت فولاد) در بقعه ای مخصوص مدفون شد.(۷) در این بقعه ملّا علی حبش ساروی مازندرانی متخلّص به «جاوید» (متوفی به سال ۱۰۷۰ق) نیز به خاک سپرده شده است.(۸)

محمّدعلی بیگ آثار خیریه فراوانی از جمله رباط، مسجد، بازار و تکیه از خود به جای نهاد از جمله بازار و مسجد و تکیه ای در نزدیکی تخت فولاد و تکیه گرگ یراق در محله سینه پائینی اصفهان.(۹) همچنین به اهل فضل و ادب عنایت داشته و آنان را مورد

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۷۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۳- خلاصه السّیر، صص ۷۶ و ۶۴.

۴- خلاصه السّیر، ص ۲۵۰.

۵- خلد برین (ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم) ، ص ۲۹۰.

۶- خلد برین، صص ۴۹۷ و ۴۹۸.

۷- سفرنامه شاردن (بخش اصفهان) ، ص۱۵۷.

۸- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۵۳۰.

۹- سفرنامه پیترو دلاواله، ص۶۳۹.

حمایت و کمک خود قرار می داد. فرزندش صفی قلی بیگ(۱) و یکی از غلامانش مرتضی قلی بیگ سروشی هم اهل شعر و ادب بوده اند.(۲)

ظاهرا از آثار محمّدعلی بیگ ناظر فقط تکیه گرگ یراق ها باقی مانده و قبر او و سایر ابنیه و آثار خیریه او از بین رفته اند.

سیّد محمّدعلی نامی اصفهانی

میرزا محمّدعلی حسینی اصفهانی، از شعرای اوایل قرن یازدهم هجری. او نیز مانند «سید محمّدمعصوم حسینی نامی»، «نامی» تخلّص داشته است. وی در سال ۱۰۲۵ق وفات یافته و در امامزاده هارون ولایت اصفهان مدفون شد.(۳) [دیوان اشعار او به خط هادی ارفع، در کتابخانه آقای ناصر میبدی در مشهد مقدس موجود است.(۴)]

میرزا محمّدعلی نقیب اصفهانی

میرزا محمّدعلی اصفهانی، [از خطاطان قرن سیزدهم هجری.] در سال ۱۲۳۷ق به خط نسخ زیبای خود نسخه ای از «تعقیبات نمازهای پنج گانه» مروی از حضرت سجاد علیه السلام را نوشته و نسخه به شماره ۳۴ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۵)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۶.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۳؛ مزارات اصفهان، ص۳۴۶.

۴- فهرست شخصی میبدی، ج۱، ص۱۷۶.

۵- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۱۹؛ الذریعه، ج۴، ص۲۱۸.

ملّا محمّدعلی نوری*

ملّا محمّدعلی نوری مازندرانی، عالم فاضل و عارف کامل، از علمای قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و در این شهر تحصیل کرده و در ماه ذیحجه الحرام ۱۲۸۵ق وفات یافته و در بقعه آقا محمّد بیدآبادی واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

وی عالمی غیر از حاج ملّا محمّدعلی نوری مؤلف کتاب «نخبه الاصول» است، که او نیز در تخت فولاد مدفون شده است.

محمّدعلی نوری

محمّدعلی نوری ملقّب به «فارسی»، [از فضلای قرن سیزدهم هجری.] در مدرسه میرزا حسین اصفهان بوده و نسخه ای از «حاشیه شرح تجرید» تألیف: ملّا عبدالرّزاق فیاض لاهیجی را کتابت کرده و در کتابخانه حقیر [سیّد مصلح الدّین مهدوی] موجود است.(۲)

میرزا محمّدعلی هاشمی اصفهانی*

میرزا محمّدعلی موسوی اصفهانی متخلّص به «هاشمی» شاعر و ادیب ماهر در قرن سیزدهم هجری. او برادرزاده شاعر توانای اوایل دوره قاجاریه میرزا محمّدجعفر غیرت اصفهانی است. در نوجوانی بنا به استعداد خدادادی لب به سرودن شعر گشوده و در آن فن صاحب مهارت گردید. این دو بیت از مدیحه ای از او در مدح میرزا محمّدحسین خان صدراعظم اصفهانی در کتاب «مدایح الحسینیه» انتخاب شد:

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- فهرست سیّد مصلح الدّین مهدوی، ص ۱۴۱.

ای فلک آستان خاک دَرَت تارک آرای خلق ایام است

وی قمر پاسبان که گرد رهت توتیابخش چشم اجرام است(۱)

شیخ عماد اِرفع تبریزی

شیخ عماد بن ابراهیم تبریزی، شاعر ادیب، [از سخنوران قرن یازدهم هجری.] در مسجد جامع عباس آباد اصفهان حجره داشته و عمر را به قناعت و درویشی به سر آورده و بر فقر و مسکنت خود صبر نموده است. شعر نیز می سروده و «اِرفع» تخلّص می کرده است. این رباعی از اوست:

خواهی که دلت محرم اسرار شود از جمله علم حق خبردار شود

از گریه بشو غبار آیینه دل مگذار ز گرد معصیت تار شود(۲)

عماد حسینی

عماد بن حیدر حسینی، [از فضلاء قرن دوازدهم هجری.] مجموعه ای از چند رساله را در سال ۱۱۱۱ق در مدرسه باب القصر اصفهان به خط نستعلیق نوشته است. این مجموعه به شماره ۱۱۵۷ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است. و شامل: ۱. «رساله در جفر» ۲. «حاشیه بر شرح الملحض» قاضی زاده رومی، از بیرجندی ۳. «تشریح الافلاک» شیخ بهائی۴. «شرح بر شرح چغمینی» می باشد.(۳)

۱- تذکره مدایح الحسینیه: مخطوط، ص۴۴۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۷۷؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۷؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ارفع»، ص۱۸۷۱ و ذیل «عماد تبریزی»، ص۲۹۹؛ الذریعه، ج۹، ص۶۸.

۳- فهرست فیضیه، ج۲، ص۶۱؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۲۹۶ و ۲۹۷.

عماد اصفهانی

عماد بن منجم اصـفهانی، از فضـلاء قرن نهم هجری. کتاب «شـرح سی فصل» در تقویم، تألیف: خواجه نصیرالدّین طوسی (که شارح آن به عربی: بدرالدّین طبری است) را در ۲۲ ربیع الثّانی ۸۸۴ق کتابت کرده است. و نسخه آن نزد سیّد محمّدباقر یزدی در نجف اشرف موجود است.(۱)

عمر سُریجانی اصفهانی

ابوطاهر عمر بن ابراهیم بن محمّـد بن فاخر سُـریجانی اصـفهانی، [از محدّثین عامّه اصـفهان در قرن چهارم هجری]، در عراق از احمد بن سـلیمان نجّاد و جعفر خالدی و از محدثان ری و همچنین از ابوجعفر هاشـمی روایت نموده و ابونصـر کسائی، ابوبکر باطرقانی، ابوالقاسم (پدر ابوعبداللّه دقاق) و ابوالقاسم ذکوانی از او روایت کرده اند.

او در روز هفتم صفر ۴۰۵ق وفات یافت.(۲) «سُریجان» قریه ای از قرای اصفهان [است.]

عمر جوزدانی

ابوحفص عمر بن ابراهیم بن محمّـد جوزدانی معروف به «بوبه» اصـفهانی، [از محـدّثین عامّه اصـفهان در قرن شـشم هجری.] از ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن ریذه ضَبّی اصفهانی روایت می کند و ابوسعد سمعانی از او اجازه داشته است.(۳)

۱- الذریعه، ج۱۳، ص۳۱۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۵۷؛ التحبیر، ج۲، ص۱۸.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۵۱۴.

عمر سروشانی اصفهانی

ابوبکر عمر بن احمد بن عبداللّه سروشانی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از: اسماعیل حافظ، ابومطیع محمّد بن عبدالواحد مصری صحّاف و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث کرده است.

در ۱۴ رمضان سال ۵۵۷ق وفات یافته است.(۱) «سروشان» از قُرای اصفهان است.

عمر معدانی اصفهانی

ابوطاهر عمر بن حامد بن رجاء بن عمر بن محمّد بن علی بن مَعدان مَعدانی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] تولد [او] در حدود سال ۴۸۰ق [بوده و] از حافظ سلیمان بن ابراهیم و ابوالعباس بن اشته و غیر آنها حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او حدیث نوشته است.(۲)

عمر اصفهانی نیشابوری

ابوحفص عمر بن حسین بن شاذی بن فرج اصفهانی نیشابوری، [از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری] و از خاندان علم و حدیث بوده و برادر «ضاحک» است. از ابوالعباس فضل بن عبدالواحد تاجر حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی احادیث کمی از او استماع کرده است.(۳)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۱۴.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۱۶.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۱۶.

عمر اصفهانی*

عمر به خلیل بن محمّد بن محمّد اصفهانی، از ادباء و فضلاء اصفهان در قرن هفتم هجری است. او کتاب «الکشف عن مشکلات الکشّاف» تألیف: عمر بن عبدالرّحمان بهبهانی را در سال ۷۶۳ق به خط نسخ کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۹۳۶۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۱)

عمرو بجلی اصفهانی

عمرو بن مبارک بجلی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری.] در یهودیه ساکن بوده و تا سال ۲۸۰ق در قید حیات بوده است. از قیس و عمر بن بشیر ابوهانی و اسرائیل و مَندل حدیث شنیده است.(۲)

عمر اُسواری اصفهانی

ابوبکر عمر بن عبدالعزیز بن محمّد بن علی اُسواری اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] از ابوالقاسم عبیداللّه بن عبداللّه و ابی زفر هذلی بن عبداللّه جیرانی ضبّی حدیث شنیده و محمّدبن علی جوزدانی از او روایت می کند.(۳)

عمر ورّاق اصفهانی

ابواحمد عمر بن عبیداللّه بن ابراهیم وراق اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] امام مسجد جامع اصفهان بوده و در سال ۳۶۸ق فوت شده است.

۱- فهرست مختصر مجلس، ص ۶۶۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۲۷.

۳- معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۹۰.

وی از عبداللّه بن محمّد بن عبدالعزیز روایت می کند و حافظ ابونعیم از وی روایت می نماید.(۱)

عمر رُنانی اصفهانی

ابوحفص عمر بن محمّد بن احمد بن ابی الحسین رِنانی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از ابوالعبّاس احمد بن عبدالغفّار بن علی بن اشته اصفهانی استماع حدیث کرده و جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.(۲)

عمر لفتوانی اصفهانی

ابونصر عمر بن محمّد بن شجاع بن ابوبکر بن ابراهیم بن علی لفتوانی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] در عصر روز جمعه ۳ ربیع الاوّل سال ۵۰۰ق در خاندان محدّثین و حافظان حدیث در اصفهان متولّد شده و از ابوسعد محمّد بن محمّد بن عبداللّه مطرز، ابوسعد محمّد بن علی بن محمّد کاتب معروف به «سرفرنج» و ابومنصور محمّد بن عبداللّه بن مندویه و غیر آنان حدیث شنیده است.(۳)

[«هفتون» و «لفتون» از دهاب بلوک قُهاب جی اصفهان بوده اند و اکنون به شهر پیوسته و از محلات شهر به شمار می آیند.]

عمر خرقی اصفهانی

ابوطاهر عمر بن محمّد بن علی بن عمر بن یوسف بن محمّد بن عمرو بن زاده خرقی دلال اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری.] از ابوبکر بن مقری

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۵۷.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۵۲۹.

۳- التحبیر، ج۱، ص۵۳۶.

حدیث شنیده است.(۱)

مشارٌ الیه جدّ اعلای ابوطاهر عمر بن منصور بن محمّد بن عمر می باشد.

عمر معدانی اصفهانی*

ابوطاهر عمر بن محمّد بن علی بن معدان ادیب ورّاق اصفهانی معدانی، از محدّثین و ادبای قرن پنجم هجری. از ابوعبداللّه بن منده (محمّد بن اسحاق بن یحیی) و ابوعمرو عبدالوهاب بن محمّد بن اسحاق بن محمّد بن منده اصفهانی و دیگران حدیث شنیده و در حدود سال ۴۵۰ق وفات یافته است.(۲)

عمر خرقی اصفهانی

ابوطاهر عمر بن منصور بن محمّد بن عمر بن محمّد بن علی بن عمر بن یوسف بن محمّد بن عمرو بن زاده خرقی بزّاز اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از خاندان علم و حدیث بوده و از ابوالمظفّر محمود بن جعفر بن محمّد تمیمی دلال، ابوالخیر محمّد بن احمد بن رزاء و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در سال ۵۳۰ق در اصفهان از وی حدیث استماع کرده است.(۳)

عمر اصفهانی

عمر بن نُصیر اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری.] از ابومسعود [احمد بن فرات رازی] روایت می کند.(۴)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۴۲.

۲- اللّباب، ج ۳، ص ۲۳۲.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۴۲.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۵۶.

عمر اصفهانی

عمر بن یحیی بن احمد بن عصام (اصفهانی) [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] از جدّ خود احمد بن عصام روایت می کند و ابوعبداللّه محمّد بن عبداللّه مؤدب از وی روایت می نماید.(۱)

عمر هرندی

عمر هرندی ادیب، [از ادباء و فضلای قرن هفتم هجری.] مؤلّف کتاب «الدّره و الصّدقه» متضمّن نظم و نثر اوست که جهت محبوب خود نوشته است. حافظ ابن نجّار از او روایت می کند.(۲)

عمران بکری اصفهانی

شریف ابومحمّد عمران بن علی بن معروف بکری اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از ابوحرب نمنام بن ملک بکری حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث نموده و در سال ۵۴۵ عمران بکری جهت او اجازه نوشته است.(۳)

عمرانی اصفهانی*

عمرانی اصفهانی، از شاعران پارسی گوی ایران در قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است. او از یهودیان اصفهان است که از اصفهان به کاشان مهاجرت کرده است. عمرانی و

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۵۶.

۲- معجم البلدان، ج۵، ص۴۰۳.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۶۱۱.

شاهین را از شاعران بزرگ پارسی گوی یهودی ایران دانسته اند. عمرانی در اشعارش از خیام، سعدی و حافظ تأثیر گرفته است. از او منظومه های و اشعار زیادی به جای مانده است که از آن جمله است:

۱. «فتح نامه» ۲. «حنوکانامه» ۳. «انتخاب نخلستان»۴. «ساقی نامه»۵. «قصه هفت برادران»۶. «مناجات نامه عمرانی»۷. «گنج نامه» و غیره(۱)

میرزا عنایت خوزانی

میرزا عنایت بن میرزا مؤمن خوزانی اصفهانی، ادیب شاعر [از شاعران قرن یازدهم هجری.] در هند متولّد شده و همراه پدرش به اصفهان آمده و پس از تحصیل در دفترخانه مستوفی موقوفات چهارده معصوم به محرری پرداخته است. علاوه بر شاعری در سیاق هم مهارت داشته است.

از اوست:

زاهدان را ناله مستانه ز هر قاتل است نعره شیر است تکبیر فنا روباه را(۲)

عنایت اللّه اصفهانی

عنایت اللّه اصفهانی، خطاط [در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری.] نمونه خط نسخ او مورخ چهارشنبه ۱۱ شعبان ۱۳۲۲ق کتاب «ترجمه تاریخ رشیدی» است که در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۳)

۱- متنخب اشعار فارسی از یهودیان ایران، صص ۴۰-۴۵.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۵۹ و ۱۶۰؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، ص۳۶۵.

۳- فهرست عمومی اصفهان، ص ۳۰.

آقا عنایت اللّه اصفهانی*

آقا عنایت اللّه اصفهانی، از نقاشان معروف عهد صفوی است که نمونه کارش در کتاب «پوپ» کلیشه شده است.(۱)

آقا عنایت اللّه اصفهانی*

آقا عنایت اللّه اصـفهانی، از میناتورسازان اصـفهان در سده یازدهم هجری قمری است که در تشعیر و تذهیب و حل کاری نیز استاد بوده است.(۲)

میرزا عنایت اللّه نجفی جزن آبادی*

میرزا عنایت اللّه نجفی جزن آبادی فرزند شـیخ محمّدرضا، عالم فاضل جلیل. در سال ۱۳۱۲ش در اصفهان متولّد شد و پس از تحصـیلات مقـدماتی در درس حضـرات آیات: حاج آقا صدرالدّین کوپائی، شـیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، سـیّد حسـن مدرس هاشمی، سیّد علی اصغر برزانی و شیخ احمد فیاض حاضر شد.

پس از آن به قم رفته و در درس حضـرات آیات: حاج آقا حسـین بروجردی و سـیّد محمّدمحقّق داماد حضور یافت. امّا پس از مـدّتی به خـاطر بیمـاری پـدر به اصـفهان مراجعت نمـوده و به پرسـتاری از او پرداخت. در اصـفهان نزد حضـرات آیـات: سـیّد ابوالحسن شـمس آبادی، سـیّد محمّدرضا خراسانی و میر سـیّد علی بهبهانی دروس خارج را طی نمود و حکمت و فلسـفه را از حاج آقا صدرالدین کوپائی و شیخ محمود مفید فرا

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۳۰۴.

۲- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۴۸۲.

گرفت و سال ها از محضر عالم ربّانی شیخ محمّدباقر زند کرمانی بهره گرفت.

او پس از وفات پدرش در مسجد شیره پزها (در محلّه مسجد جامع اصفهان) به اقامه جماعت پرداخت و تا پایان عمر به وعظ و خطابه و ارشاد مردم مشغول بود، تا اینکه در روز ۱۹ آذر ۱۳۸۱ش وفات نمود و در صحن امامزاده ابوالعباس خوراسکان مدفون شد.(۱)

ملاّ عنایت اللّه قهپائی

مولی رکن الدّین عنایت اللّه بن شرف الدّین علی بن محمود بن شرف الدّین علی قهپائی اصفهانی نجفی، [از دانشمندان بزرگ علم رجال در قرن یازدهم هجری.] عالم فاضل محقّق، رجالی کبیر معروف به «زکی نجفی». از شاگردان مقدّس اردبیلی، ملاّ عبداللّه شوشتری و شیخ بهائی و جمعی دیگر بوده و در جمیع علوم متداوله بالاخص رجال و درایه تبحّر و بصیرتی داشته(۲) [است.]

کتب چندی تألیف نموده، از آن جمله است:

۱. «ترتیب رجال شیخ طوسی» [که در سال ۱۰۱۶ق تألیف شده و نسخه ای از آن به شماره ۲/۱۵۶۹۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)] ۲. «ترتیب اختیار الرّجال» یا «ترتیب رجال کشّی» [که در دوشنبه ۱۷ محرّم ۱۰۱۱ق به اتمام

۱- گلزار فضیلت، صص ۲۸۵ و ۲۸۶.
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۵؛ ریاض العلماء، ج۴، صص ۳۰۲-۳۰۴؛ روضات الجنّات، ج۴، ص۳۹۳؛ الکنی و الالقاب، ج۳، صص ۹۶ و ۹۷؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۳۴۳؛ ریحانه الادب، ج۴، صص ۴۹۷ و ۴۹۸؛ اعیان الشیعه، ج۴۲، ص۲۲۵؛ معجم المؤلفین، ج۸، ص۱۴؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «قهپائی»، ص۵۳۷؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، ص۱۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۴۰۴؛ روضه النضره، صص ۴۲۰ و ۴۲۱؛ مصفی المقال، ص۳۴۳.
۳- فهرست مختصر مجلس، ص۱۵۴.

رسیده و نسخه هایی از آن در کتابخانه علاّمه مفضال آیت اللّه حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۱) همچنین نسخه ای از این کتاب در کتابخانه علاّمه بزرگوار سیّد حسن صدر کاظمی و نسخه دیگر در کتابخانه شیخ عبدالحسین تهرانی در کربلا موجود بوده است.(۲)] ۳. «ترتیب رجال نجاشی» که به خط مؤلف در تاریخ ۱۱ محرم ۱۰۱۸ق و به شماره ۹۷۰۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۳) همچنین نسخه ای از آن در کتابخانه علاّمه سیّد حسن صدر و نسخه دیگر در کتابخانه محدّث نوری در نجف اشرف موجود بوده است.(۴) نسخه ای هم به شماره ۱۳۷۴۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۵)] ۴. «ترتیب فهرست شیخ طوسی» که نسخه ای از آن به خط مؤلف در کتابخانه ملك و نسخه عکسی آن در مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است. نسخه دیگری هم به شماره ۱۵۴۰۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۶) ۵. «حاشیه بر نقد الرّجال» ۶. «مجمع الرّجال» که به همت عالم محقّق مرحوم سیّد ضیاءالدّین علاّمه در ۷ جلد در سال ۱۳۸۸ق به طبع رسیده و تاریخ تألیف آن سال ۱۰۱۶ق بوده است [و نسخه های خطی متعددی از آن موجود است.

فرزندان ملاّ عنایت اللّه (حسن، محمّدمؤمن، نعمت اللّه، عبدالغفور، عبدالحسین) از فضلای قرن یازدهم هجری بوده اند. هرچند در مقام و شهرت به پایه و مایه پدر نرسیدند.]

۱- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، صص ۱۱۴-۱۱۶.

۲- الذریعه، ج۴، صص ۶۶ و ۶۷.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص۱۵۴.

۴- الذریعه، ج۴، صص ۷۰ و ۷۱.

۵- فهرست مرعشی، ج۳۳، ص۷۳۷.

۶- فهرست عکسی احیاء، ج۱، ص۴۱۱؛ فهرست مختصر مجلس، ص۱۵۴.

میرزا عنایت اللّه حکیم شهرضائی*

میرزا عنایت اللّه حکیم معروف به «نجم الاطباء» فرزند فتح اللّه، از اطبّاء حاذق شهرضا در قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۸۶ق در شهرضا متولّد شد و تحصیلات مقدماتی را در آنجا سپری کرد. سپس به اصفهان رفت و نزد جهانگیرخان قشقایی و سایر علمای آن دیار تحصیل کرد. در طب نزد یک طبیب انگلیسی به نام پولاک نمساوی به فراگیری مشغول شد. سپس به تهران رفت و در مدرسه دارالفنون به تحصیلات عالی مشغول شد. او پس از پایان تحصیل به شهرضا مراجعت نموده و به طبابت مشغول بود، تا اینکه در سه شنبه ۲۳ ذی الحجه ۱۳۴۳ق وفات یافت و در مزار امامزاده شهرضا مدفون شد.(۱)

دکتر عنایت اللّه بقراطیان*

دکتر عنایت اللّه بقراطیان فرزند میرزا محمّدکاظم حکیم باشی، طبیب حاذق و عارف سالک در قرن چهاردهم هجری. سال ها در اصفهان به مداوای بیماران مشغول بودو از مریدان مشایخ سلسله گنابادی در اصفهان به شمار می رفت و در روز ۵ ذیقعده سال ۱۳۶۹ق وفات یافته و در تکیه ایزدگشسب (معروف به تکیه گنابادی ها) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲) وی نسخه ای از «مفرّح الرّوح و مفتّح الفتوح» تألیف: میر سیّد فتح اللّه بن محمّدرضا مرعشی شوشتری را در ۴ رمضان ۱۳۲۸ق کتابت کرده که در کتابخانه علاّمه مفضال حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان وجود دارد.(۳)

۱- تاریخ شهرضا، ج۲، صص ۴۰۶-۴۱۰.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان، ج۱، صص ۳۸۱ و ۳۸۴.

اجداد او از دوره صفویه تاکنون به طبابت مشغول بوده اند.

میرزا عنایت اللّه اصفهانی

میرزا عنایت اللّه بن محمّدمؤمن بن محمّدباقر اصفهانی، عالم فاضل [از علمای قرن یازدهم هجری.]

مشارٌ الیه دائی صاحب ریاض العلماء (میرزا عبداللّه افندی اصفهانی) بوده و قبل از سال ۱۰۷۴ق یعنی سال وفات پدر صاحب ریاض وفات یافته است.

وی مردی عالم و دانشمند و از شاگردان خلیفه سلطان بوده است. خاندانش اهل دولت و مکنت بوده لکن وی دوستدار علم و دانش گردیده و خدمت جمعی از بزرگان علماء زمان تحصیل کرده و با میرزا عیسی بیگ پدر صاحب ریاض در نزد اساتید همدرس بوده، لکن در جوانی وفات یافته است. وی را کتاب های نفیس و نسخه های زیادی بوده و در کنار برخی از آنها حواشی نوشته است و از آن جمله است «حواشی بر شافیه» ابن حاجب در صرف و غیره.(۱)

دکتر عنایت اللّه تابش

دکتر عنایت اللّه تابش فرزند حاج میرزا هدایت اللّه، از پزشکان حاذق و دانشمند معاصر. در سال ۱۳۱۰ش در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه به دانشکده پزشکی اصفهان راه یافته و موفق به اخذ درجه دکترا شد. در سال ۱۳۳۶ش به آمریکا عزیمت نموده و در رشته قلب ادامه تحصیل داد. در سال ۱۳۴۲ش به ایران بازگشته و ضمن طبابت به تدریس در دانشکده پزشکی اصفهان مشغول شد. کتاب

۱- الذریعه، ج۶، ص۱۰۵؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، صص ۱۷۴ و ۱۷۵.

«فشار خون در اثر ضایعات عروق کلیه» و چندین مقاله در مجلات معتبر علمی از آثار اوست.(۱)

عنایت اللّه حسینی اصفهانی

عنـایت اللّه حسـینی اصـفهانی [از کاتبان اصـفهان در قرن یازدهم هجری.] در سال ۱۰۰۹ق کتابت نسـخه ای از کتاب «توضیح التّذکره» تألیف: نظام الدّین حسن قمی نیشابوری را به خط نسخ به پایان رسانیده است. این نسـخه با نسـخه اصل به خط مؤلف مقابله شده است. در کتابخانه ملی ملک به شماره ۵۷۵۱ موجود است.(۲)

عنایت اللّه طبعی اصفهانی

حکیم عنایت اللّه طبعی اصـفهانی معروف به «حکیم خبّاز»، شاعر ادیب و طبیب حاذق. غزل می سروده و در سال ۹۴۴ق وفات یافته است.(۳) [پسرش ابوعلی نیز از شعرای آن روزگار است.]

از اوست:

از آن نمی کنم اظهار درد پنهانی که عاشقی تو و احوال عشق می دانی

شیخ عنایت اللّه گیلانی

شیـخ عنایت اللّه گیلانی، [عالم فاضل و حکیم ماهر از دانشـمندان قرن دوازدهم هجری. جهت تحصـیل به اصـفهان آمده و در معقول و منقول تحصیل کرده و خصوصا در فلسفه و کلام متبحّر شده و به تدریس در مدارس دینی اصفهان مشغول شد. شیخ

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، ص۱۰۵.

۲- فهرست ملک، ج۱، ص ۱۸۰.

۳- تذکره تحفه سامی، ص۸۶؛ تذکره روز روشن، ص۴۹۸؛ تاریخ نظم و نثر، ص۶۸۵.

محمّدعلی حزین لاهیجی که از خرمن حکمت و معرفت درس او خوشه ها چیده، ضمن شرح حال و ذکر اساتید خود می نویسد:

«در این زمان صیت دانش قدوه الحکماء شیخ عنایت اللّه گیلانی رحمه الله که در اصفهان به افاده مشغول بود و با والد مرحوم دوستی داشت مرا خواهان استفاده ساخت. در خدمت ایشان منطق «تجرید» که از نفایس کتب منطق است با کتاب «نجات» شیخ الرئیس شروع نموده، به انجام رسانیدم و تا آن حکیم دانشمند در اصفهان بود نسبت استفاده در میان بود. پس عازم گیلان شده، در قزوین رحلت کرد.»(۱)

ملّا صدرالدین گیلانی متخلّص به «بینا» نیز در اصفهان نزد او تحصیل کرده است. علیقلی واله داغستانی در ضمن شرح حال این ملّا صدرالدین از ملّا عنایت اللّه با القاب «علاّمه و نادره دوران» و «از اعاظم حکمای عصر یاد کرده است.»(۲)]

در پشت نسخه ای از «الرّساله القشیریّه» به شماره ۴۲۳۳ در کتابخانه مجلس شورای ملّی یادداشتی است که در آنجا نویسنده گوید: شیخ عنایت اللّه گیلانی را در سال ۱۱۳۱ق در قهوه خانه چهارباغ اصفهان دیدار کردم.(۳)

میرزا عوض بیگ اکسیر اصفهانی

میرزا عوض بیگ اصفهانی متخلّص به «اکسیر»، شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. در عصر سلطنت شاه جهان پادشاه هندوستان به دهلی رفت و در دارالانشاء شاهی ملازم گردید.

از اوست:

۱- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۶۹.

۲- تذکره ریاض الشعراء، ج۱، ص۴۲۱.

۳- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۲۵۲.

تمام عمر نگاهم به بام و در فرسود چو یار جلوه گر آمد نظر ز پا افتاد(۱)

عوض بیگ بن صالح بیگ

عوض بیـگ بن محمّدصالـح بیـگ، از اُمراء و بزرگان اواخر عهـد صـفویه و دوران نادرشاه شاعر ادیب متوفی به سال ۱۱۷۵ق مدفون در گورستان ستّی فاطمه جنب قبر علاّمه میر سیّد علی طباطبائی. صاحب «دیوان اشعار» و «سفینه الشعراء»(۲)

حزین گوید: عوض خان حاکم لار، معدلت شعار و در کمال سنجیدگی و مردمی است. این شعر از اوست:

دلم را بس که چین جبهه زاهد غمین دارد نمی خواهم ببینم روی زلفی را که چین دارد(۳)

عوض علی رضوانی باغبادرانی*

عوض علی رضوانی فرزند کربلائی فتح اللّه لای بیدی، از شـعرای معاصـر ناحیه لنجان اصفهان. در سال ۱۳۰۵ش در قریه «لای بید» میمه متولّد شد و پس از تحصـیل در شـهرهای اصفهان و تهران و روستاهای چهارمحال و بختیاری ساکن بود و علوم ادبی و قرآن را تـدریس می کرد. شـعر نیز می گفت و «رضوانی» تخلّص می کرد. اغلب اشـعارش در مـدح و مرثیه چهارده معصوم علیهـم السـلام است. رضـوانی در جمعه ۱۱ صـفر ۱۴۰۰ق مطـابق با ۲۸ آذر ۱۳۵۹ش در «باغبـادران» لنجـان وفـات یافته و در گلستان شهدای آنجا به خاک سپرده شد. اشعارش با عنوان در دیوان اشعار فرزندش غلامعلی رضوانی به چاپ رسیده

۱- تذکره روز روشن، ص۷۲؛ الذریعه، ج۹، ص۸۹؛ کاروان هند، ج۱، ص۸۲.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۵۳.

۳- تذکره المعاصرین، ص۱۸۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۶.

است.

این رباعی از اوست:

دانی ز چه بی حجاب می خندد صبح افکنده ز رخ نقاب می خندد صبح

این غمکده چون مقام خندیدن نیست بر خنده آفتاب می خندد صبح

عیسی مترجم

عیسی، مترجم مخصوص ظل السّلطان، مترجم «تاریخ پرتغال» که آن را در ربیع الآخر ۱۳۰۲ق به خط نستعلیق نوشته و نسخه آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱)

استاد عیسی اصفهانی

استاد عیسی اصفهانی، معمار و بنّا در قرن دهم هجری. [او] متصدی ساختمان تاج محل در هندوستان [است که] به دستور شاه جهان در قرن دهم هجری (۱۶۱۲م) [آن را ساخته است.]

دکتر عیسی علاج

سرهنگ دکتر سیّد عیسی علاج فرزند بهاءالدین بن محمّدحسین طباطبائی زواره ای، از پزشکان معروف به حذاقت و استادی مشهور [در قرن چهاردهم هجری.] فوت شب سوّم شعبان ۱۳۶۰ق (مطابق ۳ شهریور ۱۳۲۰ش) مدفون در اطاق حیاط کوچکی در جنوب تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد.(۲)

۱- فهرست عمومی اصفهان، ج ۱، ص ۲۲.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۴۵.

[از سادات سیّد روح اللّه و از احفاد دختری میر محمّدمهدی حکیم الملک اردستانی بود. در حدود سال ۱۳۰۰ق در محلّه فهره اردستان متولّد شد. در اردستان و اصفهان و تهران به تحصیل پرداخت و در رشته طب در مدرسه دارالفنون به اخذ درجه دکترا نائل شد.

در جنگ جهانی اوّل به استخدام پلیس جنوب (که از طرف دولت انگلستان تأسیس شده بود) درآمد و مدّت ها به طبابت مشغول بود. او جرّاحی را از پزشکان انگلیسی آموخت و در این رشته مهارت یافت. او با انحلال پلیس جنوب، به بهداری ارتش منتقل شد و تا مدّت ها ریاست بهداری لشکر شیراز و اصفهان را عهده دار بود. وی بعدها با درجه سرهنگی بازنشسته شد و در اصفهان مطب دایر کرد.(۱)

شاعر توانا استاد فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) ضمن مرثیه ای در مادّه تاریخ فوت او گوید:

کلک «بُرنا» از پس سال وفات او نوشت: «در علاج و در طبابت ماهری جو چون علاج»(۲)]

عیسی بیگ جیرانی تبریزی

عیسی بیگ بن محمّدصالح بیگ جیرانی تبریزی اصفهانی، از علماء و فضلاء و محقّقین [در قرن یازدهم هجری و ساکن اصفهان] بوده و [در اصفهان از درس محمّد بن علی اصفهانی (شاگرد شیخ بهائی و میرداماد) میرزا علاءالدّین حسین خلیفه سلطان، مولی محمّدتقی مجلسی، مولی حسنعلی شوشتری، میرزا رفیعای نائینی، آقا حسین خوانساری، علاّمه ملا محمّدباقر مجلسی، علاءالدّین محمّد گلستانه و مولی محمّدصادق کرباسی

۱- اردستان نامه، ج۱، ص۵۹۴.

۲- شرح مجموعه گل، ص۴۸۹.

بهره گرفت. او از مشاغل دنیوی و مناصب دولتی احتراز کرده و عمر خود را به تحقیق و تألیف گذرانیده و به کتابت و تصحیح نسخ خطی مشغول بود و خط زیبائی داشت. او در حدود سال ۱۰۳۳ق متولّد و] در سال ۱۰۷۴ق وفات یافت. فرزندش دانشمند و تراجم نویس مشهور به میرزا عبداللّه افندی صاحب «ریاض العلماء» است. کتب زیر از اوست:

۱. «تفسیر قرآن» ۲. «رساله در وجوب عینی نماز جمعه»۳. «رساله در طرز قسم دادن اهل کتاب»۴. «رساله در حکم رؤیت هلال قبل از زوال»۵. «شرح دروس» ناتمام [۶. «حواشی بر کتب اربعه»(۱)]

عیسی اصفهانی

ابوموسی عیسی بن عبدالسّلام اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] از عبداللّه بن محمّد بن یزداد اصفهانی حدیث شنیده و هشام بن عبیداللّه از او روایت می کند.(۲)

دکتر عیسی صدیق

دکتر عیسی صدیق ملقّب به «صدیق اعلم» فرزند میرزا عبداللّه صدیق التّجار اصفهانی، [نویسنده و دانشمند معاصر.] در سال ۱۲۷۳ش متولّد گردیده [و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در طهران طی نمود. سپس به فرانسه رفت و در رشته ریاضی تحصیل کرد و به ایران بازگشت. مدّتی مدیر داخلی روزنامه «مرد آزاد» بود. در سال ۱۳۰۹ش به

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۹۶؛ ریاض العلماء، ج۴، صص ۳۰۶-۳۰۸؛ الذریعه، ج۷، ص۱۰۳؛ ج۱۱، ص۳۰۹؛ ج۱۳، ص۲۴۴ و ج۱۵، ص۷۸؛ الروضه النّضره، ص۴۲۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۶.

آمریکا رفت و در رشته فلسفه در دانشگاه کلمبیا تحصیل کرد و دکترا گرفت و به ایران بازگشت و ریاست دانشسرای عالی را برعهده گرفت. او در تأسیس دانشگاه تهران هم نقش داشت. او در چندین کابینه وزیر فرهنگ بود و نمایندگی مجلس سنا از دیگر فعالیت های او بود.] وی سرانجام در سال ۱۳۹۸ق [مطابق با ۱۶ آذر ۱۳۵۷ش] وفات یافت.

دکتر عیسی صدیق دارای تألیفات عدیده است:

۱. «تاریخ فرهنگ ایران» ۲. «تاریخ مختصر آموزش و پرورش» ۳. «حقوق بین الملل»۴. «روش نوین در تعلیم و تربیت»۵. «سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین»۶. «یادگار عمر» یا «خاطراتی از گذشته»۷. «یکسال در آمریکا»(۱)

عیسی اصفهانی

عیسی بن محمّدعلی اصفهانی، از فضلاء قرن ۱۳ و مولف کتاب «سراج الانوار» به فارسی، در حکایات اخلاقی و مواعظ در بیست باب [است.] تاریخ تألیف ۱۲۱۵ق می باشد. نسخه در کتابخانه سیّد جلال الدّین محدّث ارموی موجود بوده است.(۲)

عیسی مذکر اصفهانی

ابوعقیل عیسی بن محمّد بن عیسی مذکر اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] از عبداللّه بن جعفر و جمعی دیگر روایت نموده است.(۳)

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۰۱؛ نادره کاران، ص۳۹۷؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، ص۳۶۸؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۴، ص۶۵۰؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۴، صص ۲۰۰-۲۰۵.

۲- الذریعه، ج۱۲، ص۱۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۶.

میرزا عیسی خان افتخار الحکماء

میرزا عیسـی خان افتخار الحکماء فرزند میرزا موسـی خان ناظم الاطبّاء طبیب حاذق، ادیب کامل و شاعر فاضل. [از اطباء اواخر دوره قاجاریه.] از خانـدان علم و حکمت. در ۲۰ ماه صفر سال ۱۳۲۰ق در طهران وفات یافته و در ایوان مقبره ناصـرالدّین شاه [در شهرری] مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

پوشید سیه چه «شارق» اندر تاریخ: «سوسن ز عزای میرزا عیسی خان»(۱)

استاد عیسی بهادری*

اسـتاد عیسـی بهادری، هنرمند توانای معاصر. در سال ۱۲۸۴ه.ش در یکی از بخش هـای تـابعه اراک به نـام «بزچللو» در مزرعه خانوادگی به نام «آقچه کهریز» متولّد شد و پس از تحصـیلات معمول به تهران رفت و در مدرسه کمال الملک (مدرسه صنایع مستظرفه) به فراگیری نقاشی طبیعت پرداخت. او از روی عشق و علاقه به اصفهان می آمد و با دقت نقوش و تزئینات هنرمندانه کاشی کاری ها و گچبری های آثار تاریخی اصفهان را می نگریست و درباره آنان تحقیق می کرد.

او پس از اتمـام تحصـیل به اسـتخدام اداره هنرسـتان هنرهای زیبای تهران درآمـد و ضـمن تـدریس در آنجا به خلق نقشه های فرش مشغول شد. در سال ۱۳۱۵ش به اصفهان آمده و سرپرستی هنرستان هنرهای زیبای این شهر را به عهده گرفت و برای پی ریزی این هنرستان زحمات بسیار کشید.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۲.

وی در خلق نقشه هـای ابتکـاری فرش مهارتی اسـتثنائی داشت و در نقاشـی چیره دست بود. از ابتکارات قابل توجّه او اسـتفاده هنرمنـدانه از گـل و برگ و پرنـده به جـای اشـکال هندسـی بر روی میزهـای خاتم است. او در طراحی نقوش متبّت، موزاییک کاشـی، زری، قلمزنی و غیره مهـارت داشت و تمـامی آثارش ابتکاری و خلاقانه هسـتند. او در عمر خود به دریافت نشان های هنری متعددی از نمایشـگاه های دنیا از جمله «دونور» و مدال طلا از نمایشگاه های «بروکسل» و نشان علم و هنر از فرانسه نائل شد.

اسـتاد بهادری معلّمی هنرمنـد و دلسوز بود و آنچه را که می دانست در اختیار شاگردان خود می گـذاشت و شاگردان ارزنـده ای همچون رستم شیرازی، پورصفا و فرشچیان را تربیت کرد که اکنون شهرت آنان از مرزهای کشور به بیرون رفته است.

وی ۳۰ سـال عاشـقانه و صادقانه در مقام ریاست هنرسـتان هنرهای زیبای اصـفهان خـدمت کرد و به اشاعه هنر و تربیت اساتید هنرمنـد اهتمام ورزیـد و آنگاه که از آنجا به عنوان مـدیرکلی صـنایع اصـفهان منصوب شد دو سالی بیشتر در آن مقام نماند و بازنشسته شد.

او پس از اسـتقرار نظام جمهوری اسلامی به فرانسه رفته و در سال ۱۳۶۵ش درگذشت و در قبرستان «پرلاشز» پاریس به خاک سپرده شد.

آقای حسن صدر متخلّص به «سالک» مادّه تاریخ وفات او را طی مرثیه ای چنین گوید:

گذارد پای ادب را به پیش «سالک» و گفت: «در آسمان هنر زنده است و جاویدان»

۳+۱۳۶۲=۱۳۶۵

از آثار هنرمندانه او طرح یک قالی با عنوان «بشریت» و تابلوهای نقاشی «مجلس

ابن سینا» (موجود در موزه «لوور» فرانسه) را می توان نام برد.(۱)

عیسی شعاعی نائینی*

عیسی حسین خانی نائینی متخلّص به «شعاعی» فرزند محمود، از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۷ش در نائین متولّد شد. در کودکی پدر را از دست داد و به این خاطر در ۱۰ سالگی به اصفهان آمد و پس از طی تحصیلات ابتدائی، ابتدا در شهرداری نائین و سپس در شهرداری اصفهان به خدمت پرداخت. وی از سال ۱۳۳۷ش در اغلب انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن های کمال، صائب و سعدی شرکت می کرده و اشعارش در برخی نشریات و مجموعه ها به چاپ رسیده است. مرحوم بقائی در کتاب خود، تخلّص او را «شجاعی» ذکر کرده است. این بیت از اوست:

ساقی بریز باده که آمد بهار گل می خور به یاد سرو قدی در کنار گل(۲)

عیسی قلی سالم اصفهانی

عیسی قلی شیرانی بیدآبادی متخلّص به «سالم» فرزند نوروزعلی، شاعر ادیب معاصر. در سال ۱۳۰۰ش در محلّه بیدآباد اصفهان متولّد شده و پس از اندکی تحصیل به شغل بافندگی مشغول گردید. از نوجوانی طبع شعر داشته و در انجمن های ادبی همچون کمال و سعدی شرکت می نموده است. در سرودن انواع شعر به ویژه تضمین و اشعار انتقادی و اجتماعی توانایی داشت. [او در ۳۰ مهر ۱۳۷۱ش وفات یافت و در قطعه ۲۴ قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد. شاعر توانا میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) در

۱- طراحان بزرگ فرش ایران، صص ۲۲۰ و ۲۲۳؛ تاریخ اصفهان (هنرمندان) ، ص ۳۵۰؛ دائره المعارف هنر، ص ۱۰۴؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص ۱۳۱.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص ۴۳۰؛ تذکره سخنوران نائین، ص ۶۶.

ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ او را چنین سروده است:

سال وفات وِرا، خامه «برنا» نوشت: «مکین مینو شود سالم اهل سخن»]

از اوست:

تا گشته ام بر آن بت لیلی صفت اسیر دیوانه وار کوه و بیابانم آرزوست

بی ماه عارض تو شده روز من چو شب نور رخت به کلبه ویرانم آرزوست

از بس که خار هجر خلیده به پای دل از باغ وصل تو گل و ریحانم آرزوست(۱)

عیسی قلی خان بختیاری

عیسی قلی خان [بهادرزاده] متخلّص به «عیسی» [فرزند موسی خان بهادرالسّلطنه بختیاری] در سال ۱۳۳۰ق متولّد شده و در محل تولّد خویش به اندازه مقدور تحصیلات کرد و سپس به زراعت و شکار روزگار گذراند. گاهی شعر می سرود.(۲) [تحصیلات ابتدائی را در مدرسه بختیاری شهرکرد انجام داد. مدتی در اصفهان و تهران بود. زمانی هم در دوران قدرت خوانین در کرمان مصدر خدماتی گردید. اخیرا به کمک سلطان مراد بختیار در کارخانه قند اصفهان به کار مشغول شد.(۳) وی سرانجام در روز ۱۱ ۱۳۶۵ش وفات یافته و در قطعه ۶ قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.(۴)]

این بیت از اوست:

سخن از لبت شیرین چو بیاید به میان یادی از درد درون دل فرهاد کنید

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۳۴ و ۲۳۵؛ بزم ادب، ص۱۹۶؛ راز دل نصیر، ص۱۶۹؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۳۶۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۳۷.

۳- شناخت سرزمین بختیاری، ص۵۲۶.

۴- سایت اینترنتی یادبود (آرامستان های اصفهان) .

عین القضات اصفهانی

عین القضات بن محمّد اصفهانی، خطاط نسخ نویس [در قرن دهم هجری.] از آثارش: کتابت «قواعد الاحکام» علاّمه حلّی که به خط نسخ در سال ۹۰۹ق کتابت نموده و نسخه به شماره ۱۱۴۱۸ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۱)

۱- فهرست وزیری، ج ۱، ص ۴۰۹.

ص: ۹۲۱

فهرست

مرشد عباس زریری ●●● ۴۵

عباس مافَرّوخی ●●● ۴۶

ص: ۹۲۶

ص: ۹۲۸

ص: ۹۳۰

ص: ۹۳۱

ص: ۹۳۲

ص: ۹۳۳

ص: ۹۳۶

ص: ۹۳۹

ص: ۹۴۱

ص: ۹۴۲

ص: ۹۴۳

ص: ۹۴۶

برخی از منشورات کتابخانه عمومی آیه اللّه نجفی

ایران اصفهان مسجد نو بازار

۱. تبصره الفقهاء (۳ جلد) ، تألیف: فقیه محقّق و اصولی مدقّق آیه اللّه العظمی آقای شیخ محمّدتقی رازی نجفی اصفهانی صاحب هدایه المسترشدین فی شرح اصول معالم الدین (متوفی ۱۳۴۸ق) ، تحقیق: سیّد صادق حسینی اشکوری.

۲. رساله صلاتیه، تألیف همو، تحقیق: شیخ مهدی باقری سیانی.

۳. شرح هدایه المسترشدین، تألیف: آیه اللّه العظمی حاج شیخ محمّدباقر نجفی اصفهانی (متوفی ۱۳۰۱ق) ، تحقیق: شیخ مهدی باقری سیانی.

۴. اشارات ایمانیه، تألیف: آیه اللّه حاج شیخ محمّدتقی آقانجفی اصفهانی (متوفی ۱۳۳۲ق) ، تحقیق: مهدی رضوی، با همکاری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران.

۵. مجدالبیان در تفسیر قرآن، تألیف: آیه اللّه العظمی حاج شیخ محمّدحسین نجفی اصفهانی، گزینش و ترجمه: سیّد مهدی حائری قزوینی، با همکاری دارالتفسیر قم.

۶. نقد فلسفه دارون، تألیف: آیه اللّه العظمی ابوالمجد شیخ محمّدرضا نجفی اصفهانی، تحقیق: دکتر حامد ناجی اصفهانی، با همکاری کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۷. ترجمه ارشاد الأذهان إلی أحکام الإیمان، تألیف: علاّمه حلّی، ترجمه: آیه اللّه حاج شیخ مهدی نجفی اصفهانی، تصحیح و تحقیق: مهدی باقری سیانی و محمود نعمتی، با همکاری انجمن مفاخر فرهنگی ایران.

۸. أساور من ذهب در شرح حال حضرت زینب علیهاالسلام ، تألیف: آیه اللّه حاج شیخ مهدی نجفی اصفهانی (متوفی ۱۳۹۳ق) ، تحقیق: جویا جهانبخش.

۹. الأرائک فی علم الاصول، تألیف: آیه اللّه حاج شیخ مهدی نجفی اصفهانی، توسط The open school شیکاگوی آمریکا.

۱۰. ترجمه توحید مفضل به انگلیسی، به امر آیه اللّه حاج شیخ مهدی نجفی اصفهانی (متوفی ۱۳۹۳ق) ، توسط The open school شیکاگوی آمریکا، و انتشارات انصاریان قم.

۱۱. الآراءُ الفقهیّه قسم المکاسب المحرمه (۳ جلد) و قسم البیع (۱) و (۲) ، جمعا تاکنون ۵ جلد، تألیف: آیه اللّه شیخ هادی نجفی.

۱۲. أجود البیان فی تفسیر القرآن (الجزء الثالث) ، تألیف: آیه اللّه شیخ هادی نجفی.

۱۳. غرقاب، تألیف: علاّمه سیّد محمّدمهدی شفتی (متوفی ۱۳۲۶ق) ، تحقیق: مهدی باقری سیانی و محمود نعمتی.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای


www